ایران شناسی 155

نویسنده : عابدی

پنجشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۸ ساعت: ۱۰:۳۶

آقای محمد خودمانیم تو هم عجب منتقدی هستی ! حتی کمر بنده را هم شکستی !!! تو را به یهوه سوگند می دهم تا از این نقد ها کم تر بنویسی !!

نویسنده : محمد

چهارشنبه ۰۹ اردیبهشت ۱۳۸۸ ساعت: ۲۲:۴۴

قبلا هم جواب شبهه هات را برات نوشتم اگه خواستی یه سری به وبلاگم بزن اقای پورپیرار
ebrahimy2009.blogfa.com

پست الکترونیکی

نویسنده : آتیلا

شنبه ۰۱ تیر ۱۳۸۷ ساعت: ۰۲:۳۴

استاد مثل همیشه لذت بردم بسیار عالی بود مرحبا

حیف که مشغولم زیاد نمیتوانم سر بزنم دوستت دارم
و همیشه منطق و حقیقت گویی شما را میستایم

نویسنده : عابدی

دوشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۸۷ ساعت: ۲۱:۰۲

با سلام

آقای R134a. خسته نباشید. در اولین فرصت در مورد فایل های جاوا برای تان ای میل خواهم فرستاد.

دوستان تا اطلاع ثانوی برای در یافت پاسخ سوال های شان به آدرس http://www.narina.ir مراجعه کنند.

نویسنده : sadegh

دوشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۸۷ ساعت: ۱۰:۲۴

آقای عابدی خدا را شکر مشکل رفع شد

با تشکر مجدد

پست الکترونیکی

نویسنده : sadegh

دوشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۸۷ ساعت: ۰۹:۴۶

جناب آقای عابدی محترم سلام علیکم وقت بخیر

آقای عابدی برای بنده مشکلی پیش آمده که کلا نمی توانم وارد بلاگفا شوم یعنی اینکه هیچ یک از وبلاگهای بلاگفا را نمی توانم باز کنم .

و با پیغام زیر مواجه می شوم .

(Network Error (dns_server_failure

.processed because an error occurred contacting the DNS server Your request could not be
.server may be temporarily unavailable, or there could be a network problem The DNS

.For assistance, contact your network support team
البته با فیلتر شکن وارد ناریا 5 شدم اما قسمت نظرات آن ظاهرنشده بود
لطفا در صورت امکان راهنمایی بفرمایید . در ضمن اگر ممکن است قسمت نظرات ناریا 5 را نیز در این سایت (ناریا . ir)قرار دهید

با تشکر از زحمات شما و سایر دوستان

پست الکترونیکی

نویسنده : رهگذر
یکشنبه ۲۶ خرداد ۱۳۸۷ ساعت: ۱۸:۵۱
با سلام بنده قبلا عکس هائی از کتابخانه ای دولتی در تبریز (واقع در شهرک گلشهر تبریز) برای جنابعالی ارسال کرده بودم که متاسفانه جوابی مشاهده نگردید .
آیا ساخت این کتابخانه ادامه آن معماری نیست ؟

نویسنده : حامد
یکشنبه ۲۶ خرداد ۱۳۸۷ ساعت: ۱۳:۰۲
اين ستاره مال مسلمانها نيست که يهودي ها از آن استفاده مي کنند؟

نویسنده : عارف موظف
شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۷ ساعت: ۱۹:۵۸
احتراماوباسلام محضراستاد فرزانه.آیامقصودحضرتعالی ازکلیسارفتن پوشانندگان پوریم همان مراکزکنونی مذهبی کشوراست؟آیاارامنه توسط یهودقتل عام نشد؟ منشانژادشان ازکجاست؟ باوفورسپاس گزاریها

نویسنده : R134a
شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۷ ساعت: ۱۶:۴۷
Khaste nabashid
?bud Oun ebooke java bedardbokhor

ایران شناسی بدون دروغ، 155، لوگوهای کنیسه و کلیسایی در کاشی کاری -
67نظر

نویسنده: م.ستاره
شنبه 25 خرداد1387 ساعت: 15:59
سلام
هک اقدامی است به قصد نمایش توانایی هکر . اما هک ناریا ، به قصد نمایش اعلانیه ترحیم کیانوری بوده است !
معمولا هکر مهمترین سایت ممکن را هک می کند . معلوم می شود که یک وبلاگ کوچک ، تا چه حد برای جهودان مهم و برای هکر ، مایه افتخار در نزد دوستان و آشنایان !!! (هم منقلی های آینده !) بوده است !

هک باید در سایت zone-h ثبت شود اما این هک ، مشمول فرمان سکوت شورای جهانی یهود شده است ! چه قدر این ها تحت بیگاری سران خود هستند !
هکر باید اسم و رسم خود را به جهانیان بشناساند نه اسم مستعار پدر اش بر سر کوچه های میدان گمرک زمان شاه !
هکر آرم خود را می چسباند ، وقتی اعلانیه کیانوری یهودی نصب شد ، ماهیت هکر را می توان شناخت !
تاواریش جان ، نه ! شما از مصر جیم زدید و هرگز قصد بازگشت آنجا را هم ندارید (فرمان دوم پادشاهان !) که از آن متنفرید . حتی حاضر به جنگ کردن نبودید ؛ نشستید و گفتید که پیامبرتان برود بجنگد ، اگر پیروز شدید ، پیرو او بودید وگرنه اصلا او را نمی شناخته اید (فرمان اول پادشاهان !) ، شما ذاتا ترسو هستید و سوراخ موش و هویت های مبهم را می پسندید ، آنوسی پرستان ! این ، شما هستید ؛ نمک خوران نمک دان شکن نمک به حرام . اما پیامبر اسلام (ص) را از مکه بیرون انداختند ، پس به مدینه رفت و همانجا زیست و قبر اش هم آنجاست . چون پیروز شد ، بازنگشت و وصیت هم نکرد که در زادگاه خود دفن شود . شما هیچ ندارید ، نه از زندگان خود ، نه از مردگان خود ؛ حتی قبر مطمئن . خودتان هم می دانید که آن استر و مردخای همدان هم قلابی است ! شما پوریم آنان و خود آنان را از ده فرمان و موسای نبی برتر می دانید اما همان هم نیست ! حق دارید از همه ، کینه به دل داشته باشید . دیگر خرابه کهنه معابدتان که تخت جمشید می نامیدید ، برچیده شد . دیگر حتی دوستان تان را هم ندارید ؛ نه شما و نه دخترکان تان . به سکوت خود ادامه دهید . از اسامی مجعول مستفیض شوید .

نویسنده: م.ستاره

شنبه 25 خرداد1387 ساعت: 16:0

2
خواهید دید که فرمان سکوت ، احمقانه ترین حرکت در تاریخ تان بعد از پوریم بوده است . دیوار ندبه ، پذیرای شماست ! سرتان را به سنگ بکوبید ، بگریید و فریاد بزنید اما همچنان منفور خواهید ماند ، همچنان مغضوب ، همچنان رفتار جفتک اندازانه خود را پی در پی تکرار خواهید کرد و از feed back آن ، اشک در چشمان خونین تان حلقه خواهد زد . هرگز هم نخواهید دانست که چرا یهود ستیزی ، اگر مایه افتخار هم نباشد ، لااقل موضوع مطرح در جهان است اما آیا اسلام ستیزی ، مسیحی ستیزی و ... هم وجود دارد ؟!
نه ! خودتان را حلق آویز کنید ! خلاص !
وبلاگ هک شد . به جای آن جواهرات ، عرعر حماران به گوش می رسد . الا ان نصر الله قریب . مهم نفس مطلب است . آدرس وبلاگ مگر مهم است ؟ کونوا قردة خاسئین . و جعل منهم القردة و الخنازیر . کمثل الحمار یحمل اسفارا . و باؤوا بغضب من الله . گوساله پرستی ، عبادت طاغوت و ... . چه صفات ناشایستی . آیا فرعون ، چنین خطاب هایی در قرآن دارد ؟!! یا نمرود ؟! حتی دشمن ترین صدر اسلام ، ابو لهب است که زن اش هم منفور است ، اما آیا حتی آنان هم چنین اشارات زشت و منکری دارند ؟ آیا حتی به یک حیوان تشبیه شده اند ؟!
در باره تاریخ و فرهنگ مردم ممتاز شرق میانه ، تبدیل شده است به تحقیق درباره مردم ممتاز جهان ! این مردم ممتاز جهان چه کسانی هستند ؟! ممتاز جهان در حرامزادگی ! یعنی حماران ! این و آن وصیت نامه کیانوری ، می شود آرم هکر !
آمارها گویاست . نتیجه هک بعد از چند روز ، نشان می دهد که حتی به اندازه آمار یک روز حالت سابق هم مشتری برای مادر خود ندارند .
حال اگر پوریم را بپذیریم ، یهود مورد اتهام است و اگر نپذیریم ، پس ما از هزاران سال پیش به این سو ، ساکن این خطه ایم اما هاخام شوفیط ، معترف است به مهاجر بودن از غرب دور . حتی اگر این را هم نپذیریم ، این سرزمین ، جایگاهی در نزد توراتیون ندارد و علاقه ای نباید به این خاک داشته باشند . هر چه هم از زبان پلشت آنان بیرون آید ، اگر جز این باشد ، کذب محض است و ما باید از دروغ گوییهای شان شکایت کنیم . پس ما هم آنان را بیرون خواهیم کرد . قاتلوا ائمة الکفر .

نویسنده: محمود بجانی

شنبه 25 خرداد1387 ساعت: 16:0

با سلام بر پورپیرار پرانرژی و خستگی ناپذیر
راستش من اکثر ادعاهای شما را وقتی با همکارانم در میان می نهم اکثرا می خندند ولی من هم قاطی آنها شده می خندم ولی سپس به آنها می گویم راستش ادعاهای این شخص به راحتی قابل رد نیست - و مثلا می گویم خشایارشاه در هردوت به یونان با 5 میلیون نفر لشگر کشید ولی آنها اغلب آنقدر احمقند که قادر به درک این یاوه هردوت نیستند آنها نسلی نستند که حرفهای شما را بفهمند اغلب پیشنهاد دیدن فیلم مستند را می کنم برخی که فوق لیسانس هستند آنقدر ضعیفند که مستند را ساختگی می دانند راستش خاموش شما را تحسین می کنم زیرا روحیه شجاعی دارید ...
زیرا درافتادن با اینهمه فارس پرست یک نیروی الهی می خواهد زیرا بشر ظرفیتش محدود است مگر اینکه شرح صدری الهی برسد .
دروغ آنقدر در ذهن این نسل ریشه دوانده که باور به نقد تاریخ ذاتا مردود شده است راستش با خواندن مطالب شما به تاریخ علاقه مند شده ام .

نویسنده: م.ستاره

شنبه 25 خرداد1387 ساعت: 16:1

3
طول می کشد ؟! مگر یونانیان 5 قرن مبارزه نکردند ؟!!
ما بينا وبينكم .....لاينتهي بعام
لاينتهي بخمسة او عشرة ولا بالف عام
طويلة معارك التحرير كالصيام

راستی ! نفرمودید این بنای کاشی کاری اسلامی !!! در کجای ایران است و کدام امامزاده بلافصلی !!! را معرفی می کند تا دسته جمعی به زیارت اش مشرف !!! شویم ! چه امامزاده ای است این امامزاده با ستاره های داوود و صلیب های یک متری ارامنه و شاید هم بیشتر !!!
فاصبر کما صبر اولوا العزم من الرسل
و لاتستعجل لهم ؟!!!

والسلام

نویسنده: اورمزد5

شنبه 25 خرداد1387 ساعت: 16:25

با سلام،
مسبب اصلی بوجود آمدن بحث جاری کامنت های بنده (فحاشی بنده به قول دوستان) به ب1 جهود بود!!!!!! (هر چند که من حقیقت اتفاق افتاده را فحش نمی دانم) در هر صورت با توجه به حلم استاد -همانطور که باقی دوستان نیز تایید کردند- تصمیم به نرفتن به وبلاگ های دیگر گرفته شد . این ماجرا فقط و فقط به بنده مربوط بود کشیدن پای دوستان دیگری از جمله جناب بینام و .. عزیز به این ماجرا بعد از کامنت های بنده اتفاق افتاد . بدین وسیله باید عرض کنم که در این مدت بینام عزیز و بعد از او .. یک تنه باعث سرگیجه تمام اشرار شده بودند . بطوری که آنها نمی دانستند از دست او باید به آغوش کدام آنتن پناه ببرند. در طول دیالوگ ایشان با ارازل همیشه موضع ایشان منطقی و کوبنده بود بطوری که بارها اشک دامهای آن طویله در آمده و شروع به عرعر و ماما و قدقد می کردند. در هر صورت بی انصافی است اگر کسی بخواهد چیزی فراتر از مطلبی که استاد در کامنت هایش ثبت کرده بگوید بدین تر تیب که:
"...آن ها همانند کوران و کران اند و ابدا به ادله و اسناد و عکس و نقشه و گوشه و کنایه اعتنایی ندارند، وقت تان را هدر می دهند و شما را به وادی فرهنگ کثیف خودشان می کشانند. باز هم توصیه و تکرار می کنم که دوستان فرض را بر نبود آنان بگذارند زیرا در مجموع چند سال گذشته در این گونه مراجع وبلاگی و غیره، حتی سطری مطلب، که به رجوع بیارزد، ثبت نشده است."
اگر کسی قصد را هنمایی ایشان و بنده را دارد تنها صحبت های منطقی استاد را انتقال دهد و از بکار گیری نظرات عوامانه خود بپرهیزد البته در مورد بنده مختارید هر چه می خواهید بگویید و لی در مورد شخصی چون بی نام عزیز اگر اهل این وبلاگ باشید بدور از انصاف است(البته بنده می دانم از جماعت سابق ترک گرفته تا جماعت قدیمی تر فارس و ... که قبلا جناب بینام خوب از خجالتشان در آمده امروز دوست دارند به هر زحمت که شده زهر خود را برای مدتی هم که شده به او ولی باید عرض کنم اینها خیال باطل است حرف ما حرف استاد است وقتی دستور داد نروید حتی دلیل هم لازم نیست بیاورند ما نمی رویم .)

این بحث را هم خواهشا همین جا تمام کنیم.

نویسنده: آرمان

شنبه 25 خرداد1387 ساعت: 16:47

بسیار عالی
موفق باشید.

نویسنده: محمدرضا

شنبه 25 خرداد1387 ساعت: 16:56

ماشاالله به همین درایت و دانش استاد پورپیرار و خاک کاهو بر سر این گله دانشگاهیان ایران که در مقابل این همه نواندیشی مثل الاغ فقط جفت می اندازند. فقط همین بحث بررسی پیشینه کاشی سازی از سوی جهودان کاشان برای جلب توجه آدم خردمند به بنیان اندیش و بازنگری در باورهای موجودش کفایت میکند اما کو آدم خردمند میان دانشگاهیان ما؟ واقعا تو دانشگاهها چه بلای سر ذهن آدمها می آوردند که ما نمی دانیم؟ شما می دانید استاد نازنین؟.

نویسنده: علی تهرانی

شنبه 25 خرداد1387 ساعت: 18:31

سلام استاد

آیا علت خاصی وجود دارد که در کاشی کاری ها در ایران عمدتاً از رنگ آبی و در
خاتم کاری که طرح ستاره داوود در آن به کار می رود از رنگهای مایل به سرخ استفاده می شود؟

نویسنده: بختیار

شنبه 25 خرداد1387 ساعت: 22:3

جناب استاد با سلام و خسته نباشید

مدتهاست میخواهم عرض ادب نمایم اما هر بار بعد از نوشتن کلی مطلب بلاگفا پیام میدهد که امکان ارسال نظر وجود ندارد

امیدوارم موفق باشید

نویسنده: حسین محمدی

شنبه 25 خرداد1387 ساعت: 22:54

سلام جناب آقای پورپیرار .... بسیار مطلب راهگشایی بود ... دستتان درد نکند و خسته نباشید ..... لینک زیر در چهارچوب
مسائل روز جهانی و انحصارات فعلی ارزش خواندن دارد ....موفق و سلامت باشید
http://www.tabnak.ir/pages/?cid=12284

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 25 خرداد1387 ساعت: 23:9

آقای اتفاق. مقاله مفصل و روشنگر شما را دریافت کردم. موفق باشید.

آقای محمدی. ممنون.

آقای سئوال. غالب نزدیک به تمامی آن نمادها الهام گرفته از طبیعت اطراف و رنگ های غالب و مغلوب آن است و هرگز
داعیه ی مذهبی و معتقداتی و قومی نداشته است. به برخی تفسیرهای من درآوردی توجه نکنید.

آقای بی نام. آن مقوله و مبحث را بسته و تمام شده فرض کنید. ممنون

آقای تهرانی. وقوف قانع کننده از این مطلب به تحقیق ویژه نیاز دارد که هنوز صورت نگرفته است، شاید رنگ غالب آبی در
گنبدها را بتوان انعکاسی از رنگ آسمان باز گرفت.

نویسنده: آیاز

شنبه 25 خرداد1387 ساعت: 23:24

آقای پورپیرار.
نقل از شما: "این رواق و مناره ای پوشیده از پرکارترین نقوش کاشی، در یکی از معروف ترین مراکز مذهبی ایران است. به
طرح های مناره و پلاک میانی پایه ستون ضخیم زیر آن توجه کنید."
سوال. چرا از ذکر نام و محل این مرکز مذهبی بر خلاف دیگر ابنیه مورد استناد در یادداشتهای شما خودداری شده است؟!

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 25 خرداد1387 ساعت: 23:38

آقای آیاز. این رواق و مناره گوشه ای از حرم حضرت معصومه در شهر قم و با پرسش هایی که کرده ام از قدیم ترین اجزا' آن
مجموعه است.

آقای تهرانی. به تر است آن مطلب را ادامه ندهید. ممنون

آقای منوچهر. در سلامت ایشان شک ندارم.
در باب شکسپیر علی رغم هزاران کتاب و تحقیق هنوز چیزی معین و مسلم نیست.
شناخت ایشان درباب آن فرد نادرست است.
دنبال کتاب آن می گردم که هنوز پیدا نکرده ام.

نویسنده: های

یکشنبه 26 خرداد1387 ساعت: 10:29

سلام

استاد وقتی نقش صلیب ارامنه را دیدم شو که شدم. واقعاً احسنت به هوش شما!
در این تصویر چند نکته مهم دیگر نیز وجود دارد که با اجازه شما در زیر عنوان می کنم:

1) به طاق سمت چپ تصویر که به سبک رومن است توجه کنید. آیا در ابنیه مقدس سنی نیز از سبک رومن بهره می جویند؟
2) سر ستون نیز بی شباهت به سر ستون های حمام مورد اشاره شما در اسپانیا نیست.
http://i29.tinypic.com/2qx6q8y.jpg

3) در عکس بالا به نقشی که با قرمز مشخص کرده ام دقت کنید. آیا چیزی جز نقش پنجره رز معروف کلیسا هاست؟ نمونه ای از این عکس را در زیر می توانید ببینید:

http://www.umdiewelt.de/photos/812/790/122/56466.jpg

دوستان می توانند در لینک زیر بیشتر در این مورد بخوانند:

http://en.wikipedia.org/wiki/Rose_window

جالب اینکه در مسجد نصیر الملک این نوع پنجره از نوع کلیسایی آن قابل تمییز نیست:
http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/9/9f/Nasirolmolk.jpg

در مورد این مسجد می توانید در لینک زیر مطالعه کنید:

http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D8%B3%D8%AC%D8%AF_%D9%86%D8%B5%DB%8C%D8%B1_%D8%A7%D9%84%D9%85%D9%84%DA%A9

نویسنده: بختیار

یکشنبه 26 خرداد1387 ساعت: 13:7

خدمت دوستان محترم میخواستم مطلبی را عرض نمایم

اینجانب کم و بیش از کامپیوتر و اینترنت سر در میاورم

وبلاگ قبلی استاد یعنی ناریا بخشی از سایت بلاگفا است بنابراین اگر به اصطلاح هک کردن آن توسط آن اشخاص ممکن بوده است مطمئن باشید که کل وبلاگهای دیگر نیز چنین خطری تهدیدشان میکند.

اما این ممکن نیست. بنابراین چیزی به نام هک برای وبلاگ ناریا وجود ندارد . قضیه از چند حالت خارج نیست. یا کسی پسورد و نام کاربری استاد را از کامپیوتر ایشان به سرقت برده و یا انکه کسانی از طریق ایمیل به کامپیوتر استاد ترجان و اسپای ویر فرستاده اند و یا فرض قوی تر آنکه دست مدیران بلاگفا هم در کار است.

بهر حال سخنان استاد خورشید است. آنقدر ماه و قمر برای بازتاباندن حقایق گفته شده توسط ایشان بوجود آمده است که ما نگران شب نخواهیم بود.

استاد برایت از صمیم دل ارزوی موفقیت میکنم

نویسنده: sadegh 1

یکشنبه 26 خرداد1387 ساعت: 15:52

با سلام خدمت استاد گرامی و تمامی پیروان حق و صبر

استاد گرامی بنده قبل از صدور فرمایش حضرتعالی مبنی بر عدم مباحثه وگفتگو در وبلاگها و سایت های معاند ،گفتگو ی مختصری با ایشان داشتم که پس از صدور اعلام منع این گفتگو را همچون تخت هیچ کس نیمه کاره رها کردم که در این خصوص لازم دیدم نکاتی را جهت توضیح ونه تبرئه به عرض برسانم .

1. بنده طی این چند سالی که با وبلاگ معزز و کتب ارزشمند شما آشنا شده ام به جز چند مورد هیچ گاه به وبلاگهای معاند مراجعه نکرده ام و این اولین باری بود که با همچین موجوداتی به مباحثه می پرداختم

2. بنده تنها به قصد اعلام انزجار ، تقبیح ،تحدی و مبارزه جویی اقدام به پیغام گزاری نموده و لا غیر و صد البته که مرجع این تحدی و مبارزه جویی شما وبا شرط وشروط پیشنهادی تان می باشد چرا که بنده خود را فاقد صلاحیت های لازم برای ورود به این مباحث بنیادین می دانم

3. بنده با این احساس و اجتهاد مبادرت به پیغام گزاری نموده که وبلاگ ناریای سابق و غصبی جدید ملک شخصی وجمعی شما و تمام بنیان اندیشان بوده و هر لحظه مترصد و منتظر اخراج این آشغال گران بی مایه از این ساحت بوده وهستم و معتقدم که این احساس دلبستگی و نوستالوزی نسبت به ناریا را سایر دوستان وبنیان اندیشان نیز همچون بنده داشته ودارند،هر چند در مکتب متعالی بنیان اندیشی اسم وشخص و مکان و محل اهمیت ندارد بلکه مهم کلام حق و مهم تر عمل به آن واستواری و پایداری در راه آن است .

نویسنده: sadegh 2

یکشنبه 26 خرداد1387 ساعت: 15:54

4. بنده در زمینه مطالعه وتحقیق خود را کم بضاعت و فاقد صلاحیت ، دانش وتخصص لازم برای ورود به اینگونه مباحث می دانم و سعی نمودم حتی المقدور سخنان شما را منتقل و از فرمایشات حضرتعالی وام بگیرم ، مانند پیغام زیر که در وبلاگ قصبی ناریا نصب نمودم :
((گفته اید نوشته های آقای کیانی را که پاسخ دادیم بیایم با شما بحث کنم . اولا که بنده نه گفته ام که می خواهم با شما بحث کنم و چنین درخواستی نکرده ام چرا که وقتش را ندارم و هیچ ادعایی نیز در این مورد ندارم اما این شما بودید که قرار بود تناقضات استاد پور پیرار را در این وبلاگ غصبی و دزدی آشکار کنید و بنده استقبال کردم اما همان جا اعلام کردم که از شما جز تهمت ،افترا ،انگ چسباندن و فحش دادن کاری بر نمی آید . اکنون نیز همه شاهداند که این وبلاگ شده تریبون فحش و فضیحت و دریغ از خطی ، نوشته ای و صفحه ای نفد و مطلب علمی وبحث تاریخی . در ضمن بنده درخواست دیگری داشتم وآن اینکه شما که دارای دانش فنی و فرهنگی هستید (به قول خودتان) چرا مانند استاد با شجاعت وصلابت تصویر و اسم و عنوان و مدرک و سند دانش فنی فرهنگی حقیقی خود را روی وبلاگ نمی زنید تا همگان به دانش فنی شما پی ببرند شما که بر حقید چرا از چسباندن تصویر وذکر نام حقیقی تان هراس و واهمه دارد آیا این بزرگترین دلیل بر تهیدستی و ضعف و عدم توان در رویایوی با استاد نیست. اصلا چرا همراه ما درخواست نشست ملی نمی کنید تا تمامی اساتید وشرق شناسان و ایران شناسان و باستان شناسان و مورخان و محققان با مناظره با استاد و از روی آنتن سیمای جمهوری اسلامی تناقضات و بی اساس بودن دادهای تاریخی استاد پورپیرار را آشکار کنند . حداقل کار شما راحتر می شود .
در ضمن بنده آقای کیانی را نمی شناسم و نمی دانم آیا این اسم حقیقی ایشان است یا خیر؟ و نوشته های ایشان به صورت کتاب منتشر شده است یا خیر؟ و در مورد کدام یک از موضوعات و مطالب استاد نقد نوشته اند و در چه سالی چاپ و منتشر شده است اما چرا کار را ساده نکنیم و از آخر شروع کنیم نظر شما در مورد مستند تختگاه هیچ کس چیست ؟ اگر نمیتوانید نظر مستقلی داشته باشید نظر آقای کیانی را بپرسید!))

نویسنده: sadegh 3

یکشنبه 26 خرداد1387 ساعت: 15:54

اما بعد از این یکی دو پیغام رد وبدل شده با وجود کم بضاعتی علمی و فنی بنده به این یقیقن و باور رسیدم که با افرادی تهیدست ، بی منطق و کم خردی مواجه هستم و این درایت شما را رسانده و دلیل و سندی دیگر بر صحت رهنمودهای حضرتعالی می باشد .

خداوند حامی وحافظ شما وسایر دوستان وپیروان مخلصتان باد

استاد گرامی بنده مدتی پیش قصد درج این یادداشت را داشتم اما مشغله اجازه نمی داد در صورتی که آن را مضر و مخل

جو وبلاگ می دانید لطفا نصب نفرمایید

پیروز باشید

نویسنده: یولداش

یکشنبه 26 خرداد1387 ساعت: 16:57

بجز کاشیکاری با دقت و ردگیری در فن عرقیات هم میتوان خط سیر ورود یهود از اسپانیا به کاشان را روشن کرد... ایا این فن در انجا وجود داشته یا دارد؟

نویسنده: سئوال

یکشنبه 26 خرداد1387 ساعت: 21:2

با سلام
می خواستم بدانم که من منظور شما را درست متوجه شدم !یعنی در معماری مکانهای مقدس در عربستان از سنت های کاملا عربی و بومی استفاده شده است؟!یعنی شکل و شمایل این معماری هیچ ربطی به سنتهای مثلا ایران ندارد؟!

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

دوشنبه 27 خرداد1387 ساعت: 2:2

با سلام خدمت آقای پورپیرار و سایر دوستان.
آقای پورپیرار واقعا خسته نباشید.
با خوندن این مقاله وحشت کردم.
چه بر سر تاریخ ایران آوردن؟
چه دینی برامون ساختن؟
همیشه سوالم این بود که چرا یهود ایران خالی از سکنه رو به عنوان کشور خودش انتخاب نکرد و یک کشور یهودی برا خودش نساخت, حالا میبینم اونا بر سر ما کاری کردن که 100برابر وحشتناکتر از ساخت یک کشور یهودی.
اونا به جای بنا کردن یک کشور یهودی, تونستن یک کشور مسلمان ضد عرب و اسلام بسازن.
واقعا دمت گرم آقای پورپیرار

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

دوشنبه 27 خرداد1387 ساعت: 2:12

راه اندازی شبکه ماهواره ای یهودیان:
/http://mouood.org/content/view/5001/2

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 27 خرداد1387 ساعت: 10:50

آقای دهقانی. شگفت انگیزتر از همه احساس اطمینان آن ها در معرفی و ابلاغ حضور خویش است. به طوری که آرم عقیدتی خود را، بدون ذره ای پرده پوشی در همه جا چسبانده اند. یقین آن ها به دریافت حمایت سران سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران را تجربه ی ممانعت از انتشار مجموعه ی تاملی در بنیان تاریخ ایران و جلوگیری از پخش مستند ارزشمند تختگاه هیچ کس در روزگار ما نیز اثبات کرده است.

آقای سئوال. معماری اسلامی در ایران و در دیگر سرزمین های اسلامی، به خصوص در آرایه های زینتی، از قبیل کاشی و آیینه کاری و غیره، دو فاز و فن مختلف را طی کرده است.

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 27 خرداد1387 ساعت: 15:45

آقای اتفاق. شماره ی 1 اتوکراتوروز است.
شماره ی 2. درست است. فیله گامائیون یا فیله اومائیون.
شماره ی 3. بازیلیون آرزاکون درست است. به شرط این که حرف u انتهای کلمه ی دوم را به v تبدیل کنید.
شماره ی 4. هر دو درست است.

شماره ی 5. آئوایونیو خوانده می شود که می تواند معنای پیشنهادی شما را هم بپذیرد.
6. اوتو کراتوروز. بنا بر ریشه ی بخش دوم کلمه شاید بتوان خواهان نظم کامل هم معنا کرد.

نویسنده: روشن

دوشنبه 27 خرداد1387 ساعت: 19:17

باستان شناس مصری : ستاره شش گوش متعلق به اسلم است

http://mouood.org/content/view/7000/2/

این هم تر فند جدید از انوسی ها

نویسنده: azerbaycanli

دوشنبه 27 خرداد1387 ساعت: 20:15

با سلام خدمت استاد گرامی و همه دوستان

آیا در دو بنای عظیم اسلامی یاد شده، هیچ ستاره داود ویا هر سمبل دیگری که حاکی از یک حقیقت پشت پرده باشد وجود ندارد؟
آخه باور اینکه حتی بنای ایندو مکان مقدس از نفوذ دشمنان در امان مانده باشد ،سخت است!
مثلا تو همین شکل ارایه شده از مسجد الحرام به نظر میاد صلیب ها ی کامل قابل تشخیص است!
البته من نمونه های دیگری از این نمادها را در مراسم عزاداری سراغ دارم و واقعا اعتقاد دارم که اینها نمیتوانند تصادفی باشند.
موید و پیروز باشید.

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 27 خرداد1387 ساعت: 22:40

آقای اتفاق. شماره 1 حرف انتهایی v باشد، آرزاکون و اگر به همین صورت باشد آرزاکو خوانده می شود. 2. دزست است. 3. را مطمئن نیستم. 4. هم باید حرف آخر آن v باشد. 5 و 6 و 7. درست است. 8. بازیلیون آرزاکون خوانده می شود. 9. درست است.

نویسنده: مسعود

دوشنبه 27 خرداد1387 ساعت: 23:4

سلام علیکم استاد عزیز

ضمن تشکر از آقای روشن .
لطفا" بابت این روشنگری جدیدتان تبریکات صمیمانه بنده را پذیرا باشید . واقعا" اعصاب یهود داخل و خارج را بهم ریخته اید !
ملاحظه بفرمایید ضایع كاري ازستاره داوود رسیده است به طاق تیتوس خودمان در روم!!!
مثل اینکه تمام راههای گریز را برای موشهای یهودی بسته اید!!!
شکر کنیم خدای متعال را و برای سلامتی و طول عمر بابرکتتان دست به دعای خیر از ذات پروردگار لایزال برمیداریم.
پیروزی و ظفر در ارض از آن مسلمین است این وعده تخلف ناپذیر پیچیده در DNA كائنات مطابق امر خداي واحد است .و روزبروز فرصت توبه و بازگشت به سوي خداي رحمان براي يهود و نصار مشرك از دست ميرود و وعده جهنم موعود براي آنان نزديكتر.

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 28 خرداد1387 ساعت: 5:34

آقای مسعود. لطفا ای میل تان را در پیام خصوصی ارسال کنید. ممنون

آقای اتفاق. به نظرم اگر ضبط حروف دقیق باشد بقیه موارد درست است. البته معانی در مواردی نزدیک به اصل است، زیرا برخی از این لغات در فرهنگ امروزین یونان کاربرد ندارد و باید از راه ریشه شناسی با معنای آن آشنا شد.

نویسنده: محمود بجانی

سه شنبه 28 خرداد1387 ساعت: 7:5

با سلام
جناب پورپیرار امیدوارم خسته نباشید و همچنین با حوصله به سوالم پاسخ دهید
از آنجا که مقالات اسلام و شمشیر شما را خوانده ام و خود نیز هر ماه حداقل یکبار قرآن را تماما
می خوانم لذا امروز وقتی رسیدم به آیه 118 سوره حج - تفسیر را شما را از الذین هاودا
مغایر با قرآن یافتم نمی دانم شاید شما حق دارید ولی از این آیه به هیچ وجه عبارت
"به توبه بازگشتگان"
از عبارت "الذین امنوا" استفاده نمی شود زیرا می فرماید که ما قصصنا علیک من قبل یعنی
قبل از پیامبر !
توضیح شما را مایل بودم بدانم.
با احترام محمود بجانی

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 28 خرداد1387 ساعت: 10:31

آقای بجانی. مطلب را بار دیگر بخوانید.

نویسنده: محمود بجانی

سه شنبه 28 خرداد1387 ساعت: 18:3

معذرت می خواهم سوره نحل بود -
آماده دیدن حقیقت هستم دلبسته بابک و کوروش و آتیلا نیستم مطالب شما را به حقیقت نزدیک می بینم ولی بسیار
مشتاقم عمق نکته سنجی شما را بدانم چون بیش از دیگران دلایلتان رنگ حقیقت دارد با کیستی شما اصلا کاری ندارم اگر
سرانجام برایم مسلم شود که شما به حقیقت مقالات اسلام و شمشیر ایمان دارید شما را یک مورخ مصلح به همگان
معرفی خواهم کرد هر چند شما نیازی به معرفی من و امثال من ندارید ولی نور حقیقت از هر واسطه ای برسد باید بر
همگان و بخصوص تشنگان حقیقت منعکس گردد - اعتقاد شما در مورد فوتبال با آن یک جمله ای هایتان در پاسخ نظرهای
دوستان بسیار ستودنی است زیرا شما هم اعتقاد دارید که آنها گلادیاتورهای قرن 21 هستند در مورد آرایش زنان بسی
عاقلانه در آن یک جمله ای ها گفته بودید که یک سوم درآمد خانواده های شرقی در جلوی آینه رنگ آمیزی می شود -
متاسفانه اغلب مخاطبان شما اعم از طرفداران یا مخالفان به انگشت شما می نگرند وقتی به ماه اشاره می کنید

نویسنده: محمود بجانی

سه شنبه 28 خرداد1387 ساعت: 18:5

پیش از مقالات شما نکته سنجترین و پرمغزترین مقالات و کتابها را از علامه جعفری خوانده بودم و خود را یک شاگر او می
دانم ولی از آنجایی که ایشان در مورد تاریخ به ناچار دنباله رو پیشینیان بودند مثلا در مواردی مثل همان ابن هشامها یا ابن
خلدونها یا غلبت رومها لذا در این موارد کتابهای ایشان که بیش از 50 تا را خوانده بودم مرا قانع نکرد تا اینکه به افکار شما
برخوردم لحن شما را به هیچ وجه منطبق با قرآن نمی یابم زیرا بسیار مقابله به مثل می کنید زیرا مطمئن نیستم اگر به
شما آیه 61 توبه گفته شود شما مثل قرآن با آرامشی آرام پاسخ بگویید زیرا قرآن در این آیه چنین می گوید :
و منهم الذین یوذون النبی و یقولون هو اذن ! قل اذن خیر لکم یومن بالله و ...
یعنی وقتی به پیامبر می گویند او گوش است بگو گوش برای شما بهتر است و به هیچ وجه با چیزی بدتر از آن کنایه پاسخ
نمی گوید بلکه اشرافیتی ناشی از حق و صبر مورد ادعای شما که شایسته قرآن است پاسخ گفته می شود. البته این نظر
شخصی من بود در مورد شما و لحن جنابعالی در مورد مخالفان - البته مخالف پر مغزی برای سخنان شما تا بحال ندیده ام
ولی بگویم مخالفان پیامبر بسی بدتر از این کمخردان فحاش هستند اینان شبیه موش کوری هستند که خاکهای تاریک را
می کنند و هر گاه به روزنی از نور می رسند آنجا را رها کرده سراخ تاریکیهای دیگری می روند تا دوباره به کندن خاکهای تیره
مشغول باشند .

- اکنون با حوصله خواهش می کنم بگویید در آیه زیر(118 سوره نحل) که می گوید:

نویسنده: محمود بجانی

سه شنبه 28 خرداد1387 ساعت: 18:6

- اکنون با حوصله خواهش می کنم بگویید در آیه زیر(118 سوره نحل) که می گوید:

و علی الذین هادوا حرمنا ما قصصنا علیک من قبل و ما ظلمناهم و لکن کانوا انفسهم یظلمون
از این آیه مشخص است که برای الذین هاودا حرام کردیم آنچه را که قبلا در سوره انعام آیه 6 ذکر کرده ایم و ما به آنها ظلم نکردیم بلکه خود بر خود ظلم می کردند

در واقع بحث من و شما اینجاست که شما می گویید الذین هادوا نمی تواند یهود باشد و بلکه اینها کسانی هستند که خود اطلاق به توبه بازگشتگان به آنها می دهید و من می پرسم خوب اینها چه کسانی بودند که قبلا از نعمات برخوردار بودند ولی خداوند به خاطر عصیان آنها برخی خوردنیها را مثل حیوانات ناخن دار بر آنها حرام کرد و در این آیه توضیح می دهد که ما به آنها ظلم نکردیم بلکه این تحریم نتیجه ظلم و عصیان خود آنها بود زیرا این یک سنت الهی است؟

در واقع سوال واضح من این است که این به توبه بازگشتگان چه کسانی هستند ؟
آیا کسانی هستند که از بین مسلمانان بودند ؟
یا کسانی از سایر ادیان و اقوام ؟
از بنی اسرائیل ؟
از یهود ؟
از نصارا؟

نویسنده: محمود بجانی

سه شنبه 28 خرداد1387 ساعت: 18:7

البته این استدلال شما جالب است که می فرمایید قرآن الکن نیست و اگر قصدش یهود بود می فرمود یهود نه الذین هاودا تا ما را به این اختلافات بکشاند.
خوب در این خصوص آیه 13 سوره ممتحنه که می فرماید :
یا ایها الذین امنوا لا تتولوا قما غضب الله علیهم قد یئسوا من الاخرة کما یئس الکفار من اصحاب القبور
با اینکه اشاره مستقین به یهود نیست و شما هم احتمالا هم عقیده اید که مراد از قومی که مورد غضب خداست همان یهود است که ابلته با ادعاهای شما در تطابق نباشد اگر اغراق است در سوره حمد آنجا که می گوییم صراط الذین انعمت علیهم غیر المضوب علیهم و لا الضالین - قوم مغضوب یهود است و البته شاید قوم ضال نصارا باشد
منظور اینکه قرآن به این پایبند نیست که در همه جا اسم یهود را مستقیما بیاورد پس چرا در جاهایی که انطباق با یهود یا بنی اسرائیل وجود دارد از دیدگاه شما نادیه گرفته می شود البته در مورد یهود و بنی اسرائیل دیدگاه شما به غایت نکته سنجانه بود که متاسفانه مفسرانی مثل طباطبایی هم متوجه این ظرافت نشده اند که چه کسی گفته است یعقوب همان اسرائیل است مگر تورات !
امیدوارم متوجه اصل سوال من شده باشید.
در این مورد هم (سوره نحل 118) انطباقی که عرض می کنم بین کسانی که به سبب طغیان در مقابل خدا حلالهایی برایشان حرام شده با یهود یا بنی اسرائیل بیشتر به چشم می خورد تا آن کسانی که شما به توبه بازگشتگان می نامید و اصلا توضیحی نمی دهید که اینان که هستند و چرا این اتفاق برایشان افتاده است
با عرض معذرت از اطله کلام به کم سوادیم بگذارید نه زبان دارازیم و البته نواقص بلاگفا
با احترام محمود بجانی

نویسنده: عثمان محمدی

سه شنبه 28 خرداد1387 ساعت: 18:50

با سلام خدمت جناب استاد پور پیرار و عرض خسته نباشید
آیا آشوریان کنونی در ایران و عراق نسبتی با آشوریان باستان دارند و ادامه ی نسل آنها می باشند ؟ در این صورت آیا آنها از کشتار پوریم در امان مانده اند ؟

نویسنده: ثابت

سه شنبه 28 خرداد1387 ساعت: 20:11

سلام استاد
برنامه راز آرماگدون را میدیدم گفته های جالب و مستندی داشت از حضرت استاد!! سعید نفیسی که یک آنوسی کامل بود(با شجره نامه اصل!) طبق خاطرات سفیر اسراییل در ایران همینطور از شجاع الدین شفا(با شجره نامه اصل تر!)
راستی استاد اگر گفتید کدام اینها سمت کعبه نماز میخوانند و کدامیک سمت اورشلیم؟!!
http://uk.youtube.com/watch?v=GqsIG5XZ7Cw

نویسنده: narialinks

سه شنبه 28 خرداد1387 ساعت: 23:50

ناریا لینکس را با یادداشتی به روز شده ، بخوانید

ناریا لینکس در خدمت بنیان اندیشان

http://narialinks.blogfa.com

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 29 خرداد1387 ساعت: 1:59

آقای هاتف. در کارتان موفق باشید. هر زمان که لازم بود بفرمایید.

آقای عثمان محممدی. علی الظاهر در این باره هیچ تحقیقی به نتیجه نخواهد رسید. زیرا ابزار فنی و فرهنگی کشف حقیقت را نداریم و چیزی است برابر ایلامیان کنونی. مسلما نه ایلامیان و نه آشوریان حتی اندکی از توانایی های قوم خود را، چنان که آثار پیش از پوریم آنان گواهی می دهد، در خود ذخیره ندارند و میراثی از آنان نبرده اند.

آقای سئوال. تبلیغات از جانب هرکسی که باشد به معنای بزک و قالب کردن دروغ به جای حقیقت است. احتمالا در یادداشت های اخیر مطلبی در باب پاپیروس نوشته های عربی آمده است دوباره بخوانید.

آقای اتفاق. دومی اپی فانونز است. در تشخیص حروف ردیف 3 به کلی اشتباه رفته اید. در اصل باید انرگتون باشد که قبلا درباره ی آن نوشته شد. هر دو u باید v بوده باشد. تلفظ شماره 7 زپاتی است.

آقای ناریا لینکس. از زحمات شما ممنونم.

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 29 خرداد1387 ساعت: 2:13

آقای محمود بجانی. از الطاف شما ممنونم. ما اینک به مقدار بی اعتباری یهود و نصاری در محضر خداوند آگاهیم و بر اساس آیات قرآن موظفیم که این مشرکان را دشمن بگیریم، نجس بشماریم و مجبورشان کنیم تا به مسلمین موحد جزیه بپردازند. این حکم صریح و نهایی از آن که خداوند قرآن مبین را آخرین مجموعه دستورات و سفارشات به انسان قرار داده پس تا پایان جهان و در هیچ شرایطی قابل تغییر نیست. اگر زبان قرآن را ملاک می گیرید، پس بر همان اساس قانع می شویم که خداوند نیز خطاب به اهل کتاب پیشین را گرچه از ملاطفت آغاز می کند، اما سرانجام آنان را حمار و شایسته ی بی اعتنایی و عذاب می خواند. اینک ما با نمونه های امروزین همین مطرودان و مغضوبین مواجهیم و تجربه ی شناخت آن ها را در پشت سر داریم و چون آموخته ایم که آنان با هیچ زبانی سر شناخت ندارند پس با همان شیوه ای با آنان مواجه می شویم که سرانجام قرآن مبارک با آنان اتمام حجت کرده است. اما درباره ی سئوالات تان مقداری آشفته و تفکیک ناشدنی می نمود. آن ها را در بخش هایی معین ارائه دهید، تا ارائه ی پاسخ روشن میسرتر باشد.

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 29 خرداد1387 ساعت: 7:45

آقای اتفاق. انتشارات اطلس به مدیریت مرحوم پرویز کمالی اداره می شد و آن مرکز دیگر نشر که با مسئولیت من می گشت، انتشارات آلفا بود. با پوریم در جشن های شاهنشاهی آشنا شدم و مجموعه ی تاملی در بنیان تاریخ ایران حاصل فراغت دوران نسبتا بلند زندان است. به گمانم به ترین داستان آن مجموعه و شاید به ترین داستان کوتاه زبان فارسی و بل جهان، داستان یاغی و سپس داستان کوتاه دیگری است که با عنوان «ماخولیای عشق» در مجله ی بخارا چاپ شد و در آن مجموعه نیست. بیش از نوبت داستان صلوات است که استعداد و اهمیت و تصاویر سینمایی لازم را دارد.

نویسنده: محمود بجانی

چهارشنبه 29 خرداد1387 ساعت: 9:17

با سلام
1- چرا لحن شما در پاسخها و حتی در پستها کنایه دار و نیش دار است بر خلاف قرآن

2- چرا در آیه 118 نحل الذین هادوا را یهود قلمداد نم یکنید در حالی که در آیه 13 سوره ممتحنه قما غضب الله علیهم را یهود می دانید؟ در هر دو آیه نام مستقیم یهود نیامده است !؟

نویسنده: سهراب

چهارشنبه 29 خرداد1387 ساعت: 13:49

آقای ثابت لطفا زمان و کانال پخش برنامه راز آرماگدون را به ما هم بگویید.

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 29 خرداد1387 ساعت: 14:47

آقای ------------------- . اجازه دهید سرشان گرم و دل شان خوش باشد؟!

نویسنده: ثابت

چهارشنبه 29 خرداد1387 ساعت: 18:35

جناب سهراب
به طور اتفاقی بعداز ظهر دیروز ساعت 7/45 شبکه خبر را گرفتم و این برنامه را دیدم و برایم بسیار جالب بود!
اما لینک کامل زمان برنامه به نقل از خودشان را برایتان می آورم
sid=503&file=article&http://www.armageddon.ir/modules.php?name=News

نویسنده: ثابت

چهارشنبه 29 خرداد1387 ساعت: 18:50

یک مطلب دیگر هم ماند!
جناب سهراب اگر دوست دارید بهتر از مستند راز آرماگدون را در اختیار داشته باشید بهتر است کتاب "فرزندان استر" را حتما مطالعه کنید.
تا کاملا متوجه شوید وقتی جناب م.ستاره میگویند که همانطور که انسان در هر لحظه ممکن است با ملک الموت روبرو شود همانطور هم می تواند با آنوسی روبرو شود یعنی چه!
اگر هم مطالعه کرده اید به دوستانتان پیشنهاد مطالعه اش را بدهید.

نویسنده: مسعود

چهارشنبه 29 خرداد1387 ساعت: 20:0

وقت شما بخیر استاد گرامی.

با اجازه شما استاد در خصوص پرسش قابل تامل روز یکشنبه جناب "سئوال" توجه دوستان را به این چند تصویر از فضای داخلی مسجد النبی و مسجد الحرام جلب میکنم تا دریابیم علامت "ستاره" هشت پر که نماد خزرهای سرازیر شده از قفقاز است به چه وضوح و چه پرتعداد در حرمین شریفین مسلمین بدست طراحان غیرمسلمان و مغرض ! پس از نوسازی بناهای مذکور بر در و دیوار و سقف آن مکانهای متبرک نقش شده اند.
ببینید:

http://www.sacred-destinations.com/saudi-arabia/medina-pictures/interior-south-wall-new-c-trans.jpg

http://www.sacred-destinations.com/saudi-arabia/medina-pictures/interior-c-trans.jpg

http://img170.imageshack.us/img170/2566/904480382aa2871541fl8.jpg

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 29 خرداد1387 ساعت: 20:25

آقای مسعود. ستاره ها در لینک های ارسالی شما ستاره ی داود نیست، هشت پر است و به عنوان لوگوهای شمش در خاورمیانه ی کهن کاربرد داشته است. البته سومین لینک باز نشد.

نویسنده: سئوال

چهارشنبه 29 خرداد1387 ساعت: 21:2

مستند تخت هیچ کس را در حال توضیح در بین افراد مختلف با تفکرات مختلف هستم.هر یک عکس العمل متفاوتی را از خود بروز میدهند.کسانی که ذهنشان انباشته از دروغ و حعلیات است و در خواب و خیال به سر میبرند اولین عکس العمل شان نثار فحش و ناسزا به سازنده مستند و بنیان گذار این دیدگاه به تاریخ است.(مثل مخالفان نظرات استاد پورپیرار)ولی برعکس افرادی که در قید و بند تعصبات نیستند و ذهن آزادی دارند برخورد بسار متفاوتی میکنند.شاید در مرحله اول بسیار برایشان هضم قضیه مشکل باشد ولی با خونسردی میگویند جای تامل دارد و دوباره به مستند نگاه میکنند.

نویسنده: مسعود

چهارشنبه 29 خرداد1387 ساعت: 21:2

با تشکر از توجه شما استاد عزیز.

من در آن کامنت عرض کرده ام ستاره ها هشت پر هستند و علامت خزرهاست نه علامت بنی اسرائیل.

۱ ۲ >>

ایران شناسی بدون دروغ، 155، لوگوهای کنیسه و کلیسایی در کاشی کاری - 67نظر

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 29 خرداد1387 ساعت: 21:52

آقای مسعود. قصد من یادآوری این مطلب بود که ستاره های هشت پر علامت خدای خورشید در بین النهرین کهن اند و انتساب آنان به خزران مشهور به یهودی دشوار است به خصوص که کاربرد آن ها در مسجد النبی و مسجد الحرام ظن یهودی و خزری بودن آن را بسیار نامحتمل می کند.

آقای سئوال. باید حوصله کرد.

نویسنده: ثابت

چهارشنبه 29 خرداد1387 ساعت: 21:56

سلام استاد
آیا کتاب خاطرات سفیر اسراییل که در برنامه راز آرماگدون دیروز بعنوان بخشی از منابعشان ازآن استفاده می کردند در ایران و به زبان فارسی موجود است؟

نویسنده: مسعود

چهارشنبه 29 خرداد1387 ساعت: 22:14

با تشکر مجدد از شما.

استاد در صورتیکه ستاره 8 پر را لوگوی "خدای خورشید" در بین النهرین فرض کنیم آنگاه چه ارتباطی بین آن علامت با مفاهیم تنها دین خدای متعال یعنی اسلام میتوانیم بیابیم ؟ به گمان من این علامت خورشید گونه هیچ ارتباطی با مکه و مدینه واقع در غرب شبه جزیره عربستان و در مجاورت دریای سرخ پیدا نمیکند که مثلا" آنرا نماد سنتی مردمان آن منطقه هم فرض کنیم!
مطلب مهمتر اینکه آنطور که من در بناهای "نوساز" مذهبی در منطقه خاورمیانه به کرات دیده ام این لوگو از افغانستان تا مراکش وجود دارد ! و میرساند کاربرد و معنایی بعنوان لوگوی "شمش" آنطور که شما میفرمایید مثلا" در مراکش یعنی شمال غرب آفریقا! و یا در پرچم جمهوری آذربایجان و یا پرچم آشوریان و کلدانیان جعلی امروزین بسیار بعید و دور از ذهن مینماید و بلکه نشان میدهد مروجین این لوگو یک مرکز "واحد" و با قصد و هدف خاصی همچون علامتگذاری حوزه حضور و نفوذ قدرتی خاص این لوگو را شاید در صد یا 150 سال اخیر در تمام این مناطق بعنوان "ستاره" و سمبل "اسلامیت" تحمیل کرده اند . اسلامی که به هیچ وجه نه ستاره داشته است و نه لوگوی غیر ستاره.

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 29 خرداد1387 ساعت: 23:45

آقای ----------------. حرف من این است که برای عرضه و معامله ی گوهر به چاله خر کشی و بازار دباغ ها نمی روند.

آقای مسعود. نکته ای را از یاد نبرید. همین قدر که نمونه ای کهن از منبعی در مکانی یافت شود، بومیان حتی بدون آگاهی کامل نسبت به آن حالتی از احترام و تقدس احساس می کنند، حتی اگر درختی کهن سال بوده باشد. شمش در حجاری های آشوری و بابلی به تعداد فراوان چنان که می گویید تا شمال آفریقا و افغانستان نیز دیده شده است و به آن دلیل که مرکزیت و وفور آن در بین النهرین است، پیش و پس از اسلام کاربرد زینتی و نهمذهبی داشته است. چنان که در معماری مساجد بین النهرین نیز آثاری از مهندسی و مصالح بابل دیده می شود.

آقای اتفاق. فقط در مورد شماره ی 2 باز هم یو باید به وی تبدیل شود. تا بتوان مگالون خواند. ضمنا مسئولیت درستی معانی در موارد چندی به گردن خودتان!

آقای ثابت. بله موجود است و اگر ازدست فروشان مقابل دانشگاه سراغ بگیرید پیدا می کنید.

نویسنده: حاجی زاده

پنجشنبه 30 خرداد1387 ساعت: 0:29

استاد پورپیرار عزیز و بزرگوار سلام وخسته نباشید
همچنان در انتظار رویت یادداشت گرانبهای دیگری از جنابعالی هستیم،تا کی این انتظار پایان پذیرد؟!
استاد در صورت تمایل نگاهی هم به این لینک بیندازید و مشاهده بفرمایید که چگونه قرآن ،این آیت باهر الهی، اسباب تفریح و هوسرانی های ناتمام و گوناگون قوم پلید یهود شده است.
وقتي اسراییلی ها مفسر قرآن می شوند.(!!!)
http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=54287

نویسنده: سهند

پنجشنبه 30 خرداد1387 ساعت: 10:23

اقای پورپیرار: اگر یادتان باشد آخرین پیام من در سایت قبلی تان سئوالی بود که منتظر جوابش بودم که نه تنها از شما و از دور بری هایتان جوابی در یافت نکردم بلکه که پیام ام نیز منتشر نشد. در این اواخر شما و یاران نزدیکتان بارها به فعالین سیاسی و فرهنگی آذربایجان و اعراب-- مخصوصا آذربایجان--- اشاره کردید که انگار این فعالین از مخالفین سر سخت ایده های شما و مخصوصا فیلم مستند" تخت گاه هیج کس" بوده اند . از آنجائیکه این ادعا بارها در سایت تان تکرار شده بود و از آنجائیکه شخصا با شخصیت ها و نخبه گان سیاسی و فرهنگی آذربایجان و اعراب ایرانی اشنائی چندانی نداشته و ندارم این گمان داشت بر من مسلط می شد که نکنه این نخبه گان ما هم یه مشت آدم فرصت طلبی هستند که بجای گردن نهادن به حقیقت با الک برای خودشان اب می برند. و به همین خاطر هم بارها از شما و دوستان نزدیک تان که وانمود می کردند که انگار شناخت خوبی از این نخبه گان اذربایجان دارند اسامی شان را خواستم که جوابی در یافت نکردم. و بخاطر اینکه پیام هایم منتشر نمی شد تصمیم گرفتم که به شخصی که جواب سلام ام را نمی دهد دیگر سلامی ندهم.

نویسنده: سهند

پنجشنبه 30 خرداد1387 ساعت: 10:24

امروز که به آرشیو سالهای قبل نگاه می کردم به این نوشته از شما بر خوردم که خودم هم شوکه شدم. این نوشته در بهمن ماه سال 1382 نوشته شده که در آن عده کثیری از فرهنگیان و دانشگاهیان اذربایجانی بیانیه ای در محکومیت ممنوعیت چاپ کتابهای شما صادر کرده اند. این آدرس نوشته تان و اینهم خلاصه ای از آن.

http://www.naria.ir/view/14.aspx?id=319

بیانیه جمعی از دانشگاهیان و اهل قلم
در محکومیت وزارت ارشاد برای ممانعت از چاپ کتاب «ساسانیان»

نویسنده: سهند

پنجشنبه 30 خرداد1387 ساعت: 10:24

اینهم اسامی امضا کننده گان :

مهندس سعید نعیمی، مهندس علی رضا صرافی، مهندس علی محمدی، دکتر حسین جعفر زاده، مهدی نعیمی، حسین علی زاده، نیما دست گشاده، داود خانلو، صمد ابراهیم پور، اکبر آزاد، ناصر نوری، فرزاد صمد لی، محمود اعرابی زاده، ایلغار مرند لی، کمال عباس پور، حسین محمد خانی، محمد رشوند، قاسم نبات علی، جلال الدین وثوقی، یوسف اسدی، رحمان علی حسینی، مسیح الله روحی، سید مرتضی حسینی، رضا سحری، علی اکبر نور محمدی، محمد شافعی، یزدان اشرفی، شهرام نورانی، مهندس خسرو بمانی، یوسف احمدی، پیمان خوشه چین القو، علی نوری، مهدی سیاری، عیوض بیات، وحید فرجی وفا، مهندس علی فرزانه، هجر سلطانی، ماهنی زنگان لی، غفور امامی زاده، حسن رضایی عمو دیزج، آتیلا کیشی زاده، حسن بگ هادی، هدایت الله شریفی، مهندس میرمحمد سعیدی، رضا رمضان زاده، سید حیدر بیات، مهندس حسن رحیمی بیات، مهندس نیک روز فروزنده، سعید موغانلو، بهرام آجرلو، قدرت الله حسن زاده و .... (این لیست برای امضاهای بعدی باز است)

اقای پورپیرار: گفته اند که انصاف نصف دین است. انصافا ایا شما تا بحال شاهد حتی یه بار اعتراض اینهمه روشنفکر و متفکر و اهل قلم و دانشگاهی فارس زبان و از میان بیش از صد هزار سایت فارسی به ممنوعیت چاپ کتاب ترکی بوده اید.؟

آقای پورپیرار: وقتی حضرت ابراهیم با خدا به چالش بر خواسته بود خدا بهش گفت که بدون من شما وجود نداشتید که ابراهیم هم جواب داد که بدون من هم تو شناخته نمی شدی. اقای پورپیرار: به شما قول می دهم که ما آذربایجانی ها و احیانا کرد ها -- گفتم احیانا برای اینکه اطلاعات زیادی ندارم ولی در بین اینهمه سایت فارسی زبان فقط کردی به نام ناصر ؟ در نوشته ای از ایده های شما دفاع کرده بود--و اعراب ایرانی بودند که پرنده وار تخم اندیشه های شما را از درختی به درخت دیگر انتقال داده و پخش اش کردیم. والا آن روشنفکر فارس که هشتاد سال است که با دروغ تغذیه شده مشکل می تواند با ایده های شما کنار بیاید.

نویسنده: تلمیذ

پنجشنبه 30 خرداد1387 ساعت: 10:24

با سلام خدمت استاد پورپیرار کبیر و سایر دوستان
استاد اگر دقیقتر نگاه کنیم خود مناره و پایه آن پر است از اشکال شش ظلعی و ستاره های شش پر،ستاره هایی که در بین دو ستاره شش پر بزرگ و وجود دارند و ...

نویسنده: تلمیذ

پنجشنبه 30 خرداد1387 ساعت: 11:25

با سلام مجدد
1-قابل توجه دوستان:دوستان ایمان داشته باشند که مخالفان استاد پورپیرار از کوچک تا بزرگشان یا یهودی اند و یا جیره خوار یهودیان.بنابراین همانگونه که خداوند خود به پیغمبر اسلام(ص) می فرماید؛«آنها را من گمراه کرده ام تو نمی توانی هدایت کنی...من بر دلهای آنها مهر نهاده ام تا فهم حقیقت نکنند و ...»پس بحث و جدل با آن وبلاگ نویس کذایی، که گرداننده و کامنتگذارانش هم بیش از دو نفر نیستند!!!بی فایده است.چرا وقت خود را تلف می کنید؟!!!آنها مصرانه می گویند که مرغ یک پا دارد،حال اگر شما راست می گوئید برایشان اثبات کنید که دوپا دارد!!!استاد پورپیرار می فرمایند که فلان منبع به اصطلاح تاریخی جعلی است،آنوقت آن بوزینه ها برای اثبات مهلاتشان باز به همان منابع جعلی ارجاع می دهند!!!خب با این اوصاف آیا بحث و جدل با این حیوانات فایده ایی دارد؟!!!
قران کریم توصیف بسیار جالبی از این حیوانات دارد:قران کریم می فرماید(نقل به مضمون):«آنها مانند چهارپایان می مانند که وقتی ندایشان می کنید از آن ندا چیزی نمی فهمند و فقط صدایی را می شنوند!!!».چه تعبیری زیباتر از این برای کوردلان مادرزادی؟!!!
2-اتفاقا" تصادفا" مدتها پیش مطلبی را خواندم که به جعلی بودن وجود شکسپیر اشاره کرده بود!!!خیلی جالب است که یهودیان همه ملتها را مسخره کرده و می کنند؟!!!
3-چرا به خصوص در انگلستان و غرب اروپا بیشتر آثار باستانیشان مربوط به حداکثر 500 سال پیش است؟!!!

نویسنده: سهند

پنجشنبه 30 خرداد1387 ساعت: 11:33

الک=غربال

نویسنده: تلمیذ

پنجشنبه 30 خرداد1387 ساعت: 11:36

تصحیح می کنم:...اشکال شش ضلعی و ...

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 30 خرداد1387 ساعت: 11:57

آقای سهند. آن نامه مربوط به سال 82 است، حال آن که مستند تختگاه هیچ کس، همان که موجب کلافگی بسیاری شده است، در ابتدای سال 86 منتشر شد. حرف من این است که چرا نه فقط چنین نامه ی اعتراضی در ابعاد بسیط و وسیع تر برای جلب توجه نسبت به دروغ های مندرج در کتاب های درسی در باره ی تخت جمشید و اعتراض به ممانعت از پخش عمومی آن آماده نمی شود، بل شاهد ردیه نویسی و موضع گیری های عصبانی نیز در باب آن به وسیله ی روشنفکران آذربایجان نیز شده ایم؟ آیا کتاب ساسانیان روشنگرتر و موثرتر است یا مستند تختگاه هیچ کس؟!! ضمنا منتظر نباشید که نام اشخاص را در این وبلاگ جار بزنم.

آقای اتفاق. حرف انتهایی ردیف 3 باید و باشد نه یو. ردیف 9 فیله ماییون خوانده می شود. ضمنا برخی از ترجمه ها تقریبی است.

نویسنده: رعد

پنجشنبه 30 خرداد1387 ساعت: 18:37

سلام , با عنایت و لطف الله که در طللوع اسلام قلوب افرادی را که در پیرامون رسول گرامی بودند را به هم نزدیک کرد , امید که با ادله بی چون و چرای شما نا به کارانی از جنس ایسرائلی و انوسی خود را به کری و کوری نزنند و در دنیای پر کینه یهود از مسلمین بتوانیم حداقل, ردی از مرام مسلمانی خود را جستجو کنیم , در پایان مبحث 154 , تقاضا دارم جمله : با اوایی از نامی که به مرکز تولید و تکمیل ان اشاره میکند ... را نام ببرید . وجمله پایانی را به ارایه های معماری اسلامی ایران گشود , تغییر دهید . زیرا با ادله شما در مملکت یهود پرور ایران در این مقوله حداقل چند سور و زورچندش اور به مسلمین دنیا زده ایم !!!! چند سال پیش گچ کاری برایم کار میکرد و میگفت این گچ مثل عصای موسی است , هر کاری میشود با ان کرد .حالا میفهمم , در ان سر دنیا مسلمین هنر خود را در پرداختن با گچ و سنگ شکل میداد ه اند ولی در ایران کنیسه و کلیسا با لجاجت و وقاحت برای ماندگاری ستاره و صلیب به کاشی کاری و لعاب کاری ان روی اوردند تا بعدا به باج گیری فرهنگی و مذهبی نیز بپردازند . والله خیر الماکرین

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 30 خرداد1387 ساعت: 19:13

آقای هادی. منظورتان از کامنت قبلی چندان روشن نیست.

فریبا خانم. یکی دو روزی است با نافرمانی سیستم رو به رویم. امیدوارم رفع شود و امشب کار نصب را انشا' الله تمام کنم. برای بازگشت مسافران خانه ی خدا چشم تان روشن.

آقای اتفاق. حرف آخر قسمت اول شماره ی یک باید σ باشد تا آرتابانوس خوانده شود. اگر حرف آخر شماره ی 2 را حرف v بگذارید، گوتارزون خوانده می شود. ردیف 3 مطلقا غلط است و خوانده نمی شود نمی دانم از کجا برداشته اید. حرف آخر شماره ی 4 هم باید σ باشد تا میثراداتوس خوانده شود. حرف آخر ردیف 5 هم باید σ باشد تا اولوگاسس خوانده شود. حرف آخر ردیف 7 هم باید σ باشد تا پاکاروس خوانده شود.

دوستی که درباره ی بقایای آثار شوش پرسیده بودند، مطمئن باشند که آن چند ته ستون و خرده ریز دیگر در شوش، درست حکایت پاسارگاد جورچینی شده را تکرار می کنند.

نویسنده: آرمان

پنجشنبه 30 خرداد1387 ساعت: 19:54

سلام استاد
می خواستم اینو بدونم آیا هر ستاره 6 پر را می توان ستاره داود در نظر گرفت یا نه؟
با تشکر

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 30 خرداد1387 ساعت: 21:49

آقای رحمانی. دست کاری در هر لوگویی آن را از اصالت ساقط می کند و هر تفسیری بر مبنای آن را از اعتبار می اندازد.

آقای اتفاق. به گمانم درست است و به تر است در این باره به صفحات آغازین جلد اول ساسانیان هم رجوع کنید.

آقای هادی. با تشکر لینک های ارسالی شما را دیدم و در تطبیق آن ها با اظهارات شما اشکالات عمده ای نیافتم.

آقای آرمان. اگر نظم اضلاعی داشته باشد، آری.

۱ ۲

[پنجشنبه ۳۰ خرداد ۱۳۸۷ ساعت: ۲۱:۳۰]

نویسنده : ناریا

چهارشنبه ۰۵ تیر ۱۳۸۷ ساعت: ۱۰:۳۰

جناب یک علاقمند. تشابه میان افسانه های شاهنامه با قصه های هلنیستی از اندازه ی تدوین یک کتاب به خصوص فراتر است. به طور نمونه پاشنه ی آشیل و چشم اسفندیار. ممنون

نویسنده : عابدی

دوشنبه ۰۳ تیر ۱۳۸۷ ساعت: ۲۱:۵۴

با سلام

دوستان می توانند با کلیک روی کلمه وب سایت در انتهای همین پیام، به بخش نظرات در وبلاگ حق و صبر دسترسی بیابند.

وب سایت

نویسنده : فتح

دوشنبه ۰۳ تیر ۱۳۸۷ ساعت: ۲۱:۰۲

این لینکها هم جالب هستند:

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8704031028
پيشنهاد سومي براي دعواي «پرسپوليس» و «پيروزي»
http://tabnak.ir/pages/?cid=12753

ایران شناسی بدون دروغ، 156، کاشی کاری در مساجد ایران - 89 نظر

نویسنده: سئوال

پنجشنبه 30 خرداد1387 ساعت: 23:18

با سلام
بسیار عالی بود.
با تشکر

نویسنده: مسعود

پنجشنبه 30 خرداد1387 ساعت: 23:29

وقت شما بخیر و خسته نباشید استاد .

ضمن تشکر از توضیحات گرانبهایتان در ادامه عرایضم در خصوص ستاره های هشت پر با عنایت به اینکه بنده بهیچوجه من الوجوه عقیده ای به تصادفی بودن هیچ چیز ساخته دست انسان ندارم توجه شما را به این عکس از یک نقش برجسته پرکار صلیب ارامنه جلب میکنم که حضور ستاره هشت پر در مرکز ثقل صلیب و نیز ستاره های 8 پر مجاور قاب طرح من را قانع میکند که این لوگوی هشت وجهی منتظم دست ساخته و علامتی کاملا" غیربومی در منطقه ظهور اسلام است! :

http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/b/b4/Raffi_kojian-goshavank-IMG_0454.JPG

در پناه خدای منان سلامت باشید.

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 30 خرداد1387 ساعت: 23:53

آقای مسعود. آن ستاره های هشت پر می توانند جزیی از دیگر آرایه ها شمرده شوند. مطلب اساسی این است که هیچ فرقه و مرکز و معبدی به طور رسمی ستاره ی هشت پر را نشان هویت خود اعلام نکرده و نمی توانیم با تکیه به ظن خود برای آن شناسنامه ی قطعی صادر کنیم.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 31 خرداد1387 ساعت: 12:10

آقای سئوال. آنان که برای باور ذوالقرنین و اصحاب کهف و طوفان نوح، به دنبال دلایل عینی، جدای از تصدیق قرآن اند، نه فقط هنوز به ایمان کامل نرسیده اند، بل در پی بهانه جویی های یهودیان برای تخفیف قرآن روانه اند. کسی نیست از این جماعت بپرسد آن مفسری که لحظه به لحظه همراه پیامبر آسمان ها را در معراج طی و جمله به جمله مکالمات در راه را ثبت کرده، چه طور از طوفان نوح سر در نیاورده است؟!! این سنگ غلطانی های یهود در مسیر توجه به قرآن را رها کنید و دنبال اطاعت از آیاتی باشید که با زبان همه فهم، ما را به تبعیت از ارزش های انسانی فرا می خواند.

نویسنده: رضا

جمعه 31 خرداد1387 ساعت: 12:28

استاد محترم ، خسته نباشید. مطالب مثل همیشه عالی و نو بودند .

وب سایت

نویسنده: حاجی زاده

جمعه 31 خرداد1387 ساعت: 12:42

با عرض سلام وخسته نباشید
استاد پورپیرار گرامی،حضور ذهن شما با وجود مشغله های فراوانتان حیرت آور است، این شاگرد کوچکتان پیوسته مدیون ومرهون الطاف حضرتعالی بوده و خواهد بود، امیدوارم سعادت زیارت خانه ی خدا نصیب هر مسلمان آرزومندی شود،ان شا الله
و تشکری ویژه به جهت یادداشت مستند و مستدلی که زوایایی دیگر از حقایق مستور را روشن ساخت.
پیروز و سربلند باشید

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 31 خرداد1387 ساعت: 14:30

آقای صمیمی. مشکل ورود به صفحه ی کامنت ها را می توان از طریق پنجره های سایت www.narialinks.blogfa.com به آسانی حل کرد.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 31 خرداد1387 ساعت: 18:45

فریبا خانم. شادمان و سلامت و خوش بخت باشید.

آقای سئوال. من با کارهای آن آقایان آشنایی وسیعی ندارم. در نوشته های آقای برقعی هدایت هایی دیده ام. ساده ترین شیوه ی رجوع به قرآن آموختن زبان عرب و رجوع مستقیم است.

نویسنده: آرمان

جمعه 31 خرداد1387 ساعت: 21:10

پس استاد باید با توجه به گفته شما هر ستاره 6 پر منتظم را می توان ستاره داود در نظر گرفت با این وجود باید فاتحه معماری مکان های مذهبی ایران را زیر سوال برد

 که در این مکان ها پر از ستاره داود هست

نویسنده: یولداش

جمعه 31 خرداد1387 ساعت: 21:42

چرا وانک اصفهان به صورت کلیسا باقی گذارده شده است؟ و اصولا چرا باقی کلیساهای این شهر با این کلیسا فرق اساسی در زمینه تزیینات و نقاشیها دارد؟

نویسنده: رضا صدیقی

جمعه 31 خرداد1387 ساعت: 23:17

با سلام
بدین وسیله هجدهمین گفتار هنر و تمدن اقوام پراکنده ایران را با عنوان سیماش ها تقدیم جناب عالی و خوانندگان محترمتان می نمایم.

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 31 خرداد1387 ساعت: 23:31

فریبا خانم. با معذرت خواهی فراموش کردم از بابت لینک ارسالی شما سپاس گذاری کنم. معلوم می شود یهودیان عادت دیرینه ی خود در سوٌ استفاده از آیات قرآن را فراموش نکرده و حالا هم که می خواهند به ارزش والای تربیتی آن متن بی جانشین اعتراف کنند، باز هم با توسل به ترجمه ها و تفسیرهای غلط یادآوری می شوند که دشمنان اسلام، یعنی یهودیان هم می توانند زمانی دوست بزرگی برای مسلمین باشند. باید برایشان آیه های 51 مائده، 118 آل عمران، 51 و 52 نساٌ و چند آیه ی صریح دیگر را خواند که یهودیان را برای همیشه از امکان هرگونه تحول مثبت محروم می داند. به هر قرار از لطف شما ممنونم.

آقای سئوال. لطفا ابتدا فهرستی از آن آثار را اعلام کنید تا شاید تهیه و یا به شما رجوع کردم.

آقای آرمان. بی شک آن نقوش و سمبول ها به تصادف و برای زیبایی عرضه نشده اند.

نویسنده: محمود

جمعه 31 خرداد1387 ساعت: 23:47

سلام جناب استاد. حالا بارزش و اهمیت توصیه ی شما پی بردم که گفتگو با وبلاگهای فحاش و نادان را منع فرمودید. نمیدانید بچه روزی افتاده اند. خودشان برای خودشان ده تا ده تا کامنت میفرستند سم بزمین میکوبند و بفرد فرد ما فحشهای چارواداری میدهند تا شاید بآنها اعتنایی کنیم و جوابی دهیم. واقعا چنان مفلوک شده اند که دل من یکی به حالشون سوخت. دوستان این بیاعتنایی چنان که استاد فرموده اند بهترین نوع برخورد با نادانانی است که حتی از مستند استاد غفوری هم چیزی نفهمیده اند.

نویسنده: م.ستاره

جمعه 31 خرداد1387 ساعت: 21:27

سلام
بالاخره بعد از مدت های مدید تخلف از فرامین قرآن که می گوید یا ایها الذین آمنوا ، لا تسألوا عن اشیاء إن تبد لکم تسؤکم ، متوجه شدم که پدر پنجم من که حدود 300 سال پیش از میان خزران با عنوان رییس قبیله به منطقه وارد شده، یهودی و احتمالا هاخام هم بوده و طبق معمول ، ساخت و ساز هم داشته است ! این ، سوای آداب و رسوم به جا مانده از آن هنگام است که پوریم را به شکل چهارشنبه شب آخر سال و غیره ، جشن می گرفته اند ! در زمانی که هنوز اسراییلیات و شاهنامه و حافظ و فردوسی و مولوی جعل نشده بودند، ما چه آیین هایی داشته ایم ! آریایی اصیل ! البته به غیر از این اصالت جهودی پدر در پدر ، دایی خدا بیامرز من هم دیوار گوشه حیاط خانه اش را هم به حالت نیمه کاره ، رها کرده بود که امروز می فهمم به یاد نیمه کارگی حیات یهودیان و ویرانی اورشلیم بوده است . روح همه شان شاد باد در این شابات !
از دیگر دوستان خواهش می کنم خیلی در شجره نامه خانوادگی خود باریک نشوند چون معلوم نیست اوضاع آنها چطور باشد ! ممکن است سوال " کیفیت تشرف از تشرع به تشیع " !! ، برای آنان هم معمای لاینحل بسازد ! فعلا که خودم هم نمی دانم چطور و چرا از یهودیت طرد شده ایم و چرا این قدر به ما یهودیان سابق و شیعیان فعلی ، فشار می آورند . الکی الکی شده ام داداش موشه دیوید ! دل ام برای اش تنگ شده است !!! باید ببینم در تقویم مان در کنیسه ! فردا باید کدام پاراشای را بخوانم ؟! بگذریم ، اگرچه کاملا هم جدی بود .

آقای سهند هم بفرمایند اولا کی و کجا ابراهیم خلیل با خدا به چالش برخاسته بود که خدا به او بگوید من نبودم تو هم نبودی و بعد ، این پیامبر ، خدای خود را ضایع و خجل کند که تند نرو ! فکر کردی حالا که خدا هستی ، همه چیز به دست تو است ؟ من هم نبودم ، کسی تو را نمی شناخت ! چه خدایی که عاجز است از شناساندن خود به خلق الله بدون ابراهیم !

به گمان من که این متن ، بخشی از عتیقه نیشابوری باید باشد ! سبک هموست که پیامبر از خداوند در آن نردبان (معراج سابق !) باج ابقای دین می گرفت ! آه ! چه رمانتیک !!

نویسنده: م.ستاره

جمعه 31 خرداد1387 ساعت: 21:28

2

ما شاء الله به آن لیست امضا کنندگان سال 82 ! خوب است که بعضی از آنها ، رسما در کتاب " فرزندان استر " ، آنوسی نامیده شده اند ! نفوذیان اورشلیم به آن گروه که همان ها هم مانع از پیشرفت آن تا به امروز شده اند ! 6 سال گذشته و قضیه کلا پنچر شده است !
اگر ترک ها و این ها و آنها ، یک بیانیه ماست بندی را امضا کرده اند ، یک فارس شوونیست، به نام استاد غفوری ، فیلم تخت گاه هیچ کس را ساخت . پیدا کنید پرتقال فروشان فیلم ساز تبریز و اردبیل و ... را ! لااقل کشککی هم نمی گویند آفرین پسر ! شنیدیم خرج این کار بزرگ را با فروش موتور و گیتارت جور کرده ای؟ هزار ماشاءالله پسر آفرین به غیرتت که برای ادعای ما ترکان سند ساخته ای، بیا مستند دوم را با کمک ما بساز ! اصلا صدایی در کار نیست ! فقط پچپچ است و حد اکثر تعجب و بدتر از آن زرزرهای مسخره ای از قبیل آن چه از آن تبریزی شنیدیم!!!
تعارف را کم کنم ! از سران جنبش آذربایجان برای هویت طلبی و تدریس کتب درسی به ترکی و رادیو تلویزیون ترکی و روزنامه ترکی و غیره ؛ از میان آن منقل نشینان که جناب پورپیرار هم آب روی زغال بابک شان ریخته اند ، دیگر خاکستر هم به هوا نخواهد خاست . ترک ها فهمیدند که اینها به دنبال افیون آخر هفته خویش بوده اند و دیگر باج ، بی باج ! کارهایی دارند که خجالت می کشم بگویم ، یاد این جمله استاد افتادم که در کامنتی ، حقوق مزدوران اورشلیم را چندان کم می دانند که 20 هزار دلار هم ذخیره نداشته باشند ! کاملا راست است . بفرمایند که در این مدت مدید ، کدام شان چه غلطی کرده اند جز یکی دو تا که مجموعه " دوازده قرن سکوت " را ، صرفا سکویی برای پرتاب منور قوم گرایی گرفته بودند در آسمان رو به تاریکی علیه فارس ها ؟ نام ببرم ؟

نویسنده: م.ستاره

جمعه 31 خرداد1387 ساعت: 21:31

3

البته در بین آنها ، چهره موجه و قابلی یافت می نشود . نه خودتان بگردید و نه در google بگردید ! از آن گروه (خواستم عبارتی حیوانی به کار ببرم ، به یاد گذشته خودم افتادم . به لغت " گروه " قناعت کردم) شاید بتوان یک " سر اش به تن اش می ارزد " یافت که اگر مایل بودید ، نه اینجا ، که ارزش نام بردن او در اینجا نیست ، بلکه در ایمیل (mim.setare@hotmail.com) خواهم گفت که باید بپرسید در این مدت ، چرا " لال " و به عبارت بهتر " صم بکم عمی لایعقل " شده است (و شده اند) و مگر جز این است که آن دکان نیمه کساد شان ، کلا محکوم شده است به پایین بودن کرکره برای همیشه ؟! شیران بی یال و دم و اشکم و بی وجود ! چرا ظاهر نمی شوند هیچ کجا ؟ مگر یک شال (روسری سابق !) توری چند است که از خانه برون نمی شوند ؟! بمیرند که عدم شان از وجود بهتر است و لااقل خودشان کمتر خجالت می کشند اگر اهل باشند که بی پدری به ز پدر قلابی! نشریات درجه یک ترکی ، هنوز محافظه کارانه ، دست دوستی به سوی دولت دراز می کنند ولی چند نشریه درجه چندم ، جور این ستارگان 6 پر آسمان آذربایجان را می کشند .
ایمیل بزنید تا نام آن ظاهرا امامزاده ی بزرگ را برای تان بگویم و مطمئن باشید که او ، لااقل بیش و پیش از من از ماجرا خبر دارد ، حد اقل 7 سال پیش " مطلع اش کرده اند ! " ؛ چرا که من اهل دود و دم نیستم و دیر به دیر با ارواح و اجنه محشور می شدم در پای " ایلدیریسکی " ! و همه این ها به کنار ، ... .
آری او می داند و پرچم سکوت را برافراشته است . بی شک اگر حرف جدیدی می خواست بزند ، و لو یک بیت شعر بی وزن و قافیه ، اطلاع می داشتم . دیگر جلسات این ور و آن ور ، مالیده . منتظر اند تا مردم ، نعش متعفن آنان را چال کنند . روز به روز افزوده می شود بر تعداد کسانی که اخراج اسراییلیات را می خواهند در هر حوزه ای ، چه دین و فرهنگ و چه قوم و ملیت . دیگر پس پرده بازی ها لو رفته است و حتی برای خودشان هم جذابیت ندارد !

نویسنده: م.ستاره

جمعه 31 خرداد1387 ساعت: 21:31

4

اعتراض مرا هم به ایشان برسانید و بپرسید نظرات شان را در باب زرزریات دانشگاه باکو و استانبول و غیره . هر ترکی که از من ناراضی است ، فریاد بزند زنده باد حیدر علی اف و پسر اش (الهام خانوم !) و نوه اش (هر که بود) و خاندان و آل اش و رحمت الله و برکاته ! صد برابر عزاداری امام حسین در ایران ، برای او مراسم گرفتند و یک نفر نپرسید آیا کسی که مرد شماره 2 شوروی کمونیستی باشد و بعد رئیس جمهور دمکرات جلوه داده شود و رفیق امریکا ، منافق نیست ؟!! چه زود رنگ عوض می کنند !

نویسنده: ناصر پورپیرار
جمعه 31 خرداد1387 ساعت: 12:10
آقای سئوال. آنان که برای باور ذوالقرنین و اصحاب کهف و طوفان نوح، به دنبال دلایل عینی، جدای از تصدیق قرآن اند، نه فقط هنوز به ایمان کامل نرسیده اند، بل در پی بهانه جویی های یهودیان برای تخفیف قرآن روانه اند. کسی نیست از این جماعت بپرسد آن مفسری که لحظه به لحظه همراه پیامبر آسمان ها را در معراج طی و جمله به جمله مکالمات در راه را ثبت کرده، چه طور از طوفان نوح سر در نیاورده است؟!! این سنگ غلطانی های یهود در مسیر توجه به قرآن را رها کنید و دنبال اطاعت از آیاتی باشید که با زبان همه فهم، ما را به تبعیت از ارزش های انسانی فرا می خواند.

اگر چه نامربوط است ، ولی شاید بد نباشد اضافه شود که چرا این همه همراهان پیامبر (ص) که حتی در خلوت زنانه ایشان هم همراهی و التزام رکابی خود را رها نکرده اند ، پس چرا این همه در موضوعات فوق العاده ساده هم با هم اختلافات عمده دارند ؛ حالا وارد مباحث قلابی پس از حیات پیامبر نمی شوم که ظاهرا همگی از اسلام فقط تلاش برای جانشین کردن باند خودشان را فهمیده اند؟!! یعنی تیزهوشی سران جمهوری اسلامی را هم نداشته اند و کار را به فرقه بازی کشانده اند؟!! آن هم آن جانشینی که منبع و مبدأ تمام اختلافات مسلمین شده است ؟! چه بد همراهانی !
البته یک سوال هم دارم ! چرا جایی گفته نشده که مثلا وقتی فلان اتفاق برای پیامبر (ص) افتاد (مثلا زخمی شد) ، فلانی ، مثلا کاتب وحی ، کتابت را رها کرد و به درمان ایشان پرداخت ؟! شاید چون کتابت وحی از نجات جان پیامبر صاحب وحی هم مهمتر بوده است !
والسلام

نویسنده: محمود بجانی

شنبه 1 تیر1387 ساعت: 2:38

با سلام
هنوز آقای پورپیرار را یک استاد خطاب نکرده ام زیرا به پاسخ سوالاتم نپرداخته - البته من با خواندن مقالات شمشیر و اسلام روشنگری تیزبینانه ای در جناب آقای پورپیرار یافتم اما دلیلی نیافتم که وی را استاد بلامنازع تاریخ ایران و اسلام قلمداد نمایم زیرا در خصوص برخی تفسیرها به گمانم بیش از حد ضد قرآنی شده اند یعنی اصل را بر یهودستیزی قرآن گرفته و سپس مثلا استدلال فرموده اند که الدین هاودا همان یهود نیست - البته اینها جزئی است و چیزی از اصل ادعاهای آقای پورپیرار کم نمی شود کما اینکه مقالات ایرانشناسی بدون دروغ ایشان را دنبال می کنم

نویسنده: محمود بجانی

شنبه 1 تیر1387 ساعت: 2:39

در خصوص آقا یا خانم م ستاره باید عرض شود - جناب ستاره ! افرادی که در حال حاضر در آذربایجان ایران زندگی می کنند در طول تاریخ رضاخانی ایران بدترین ضربه را دیده اند بیشترین نخبه کشی در آذربایجان رخ داده ! زیرا بقیه به غلط خود را صاحب هویتی جعلی به نام فارس دیده و خواند ه اند ولی این مردم خود می دانسته اند که فارس نیستند ! کاری ندارم که که هستند ولی فارس نیستند!!! بنابراین ادعاهای آقای پورپیرار بیشترین نفع کوتاه مدتش برای آذربایجانیهاست!
همینک تیم ترکیه به جمع 4 تیم برتر اروپا پیوست! من نامه ای نوشتم به همکلاسیهایم که - اروپا در زیر پای گلادیاتورهای مسلمان - اما گزارشگر تلویزیون فارسی ایران آقای خیابانی فرمودند که به خاطر مهمان کروات برنامه امیدواریم کرواسی ببرد! درد ما که به زعم من عمق تفکر پورپیرار را هنوز نفهمیده اید همین است که ما تفرقه ای اساسی باهم داریم چرا تعارف کنیم!

من آذربایجانی با یک اصفهانی یا شیرازی یا تهرانی فارس اگر در این حالتی که هستیم در یک دیگ بجوشیم هم به هم پیوند نمی خوریم! زیرا اسلامی که ما داریم شناسنامه است نه واقعی! جناب پورپیرار قصدشان این است که ما مهاجران ایران با توسل به دین مبین اسلام و تنها سند خدشه ناپذیر آن یعنی قرآن پایه های وحدت نسل بعدی را فراهم کنیم چون این نسلی که ما می بینیم احمق تر از آن هستند که حتی در آن دیگ بجوشند و یا بهتر است بگوییم بدبختر ! و شاید مجبورتر!
من وقتی هنوز می بینم در بین طرفداران یا مخالفان پورپیرار دعوای قومی صورت می گیرد به حال آن شخصی که همه استادش خطاب می کنند تاسف می خورم که خیلی تنهاست! زیرا هنوز اطرافیانش عمق حرفهایش را نفمیده اند!

نویسنده: محمود بجانی

شنبه 1 تیر1387 ساعت: 2:39

خطاب به آقای پورپیرار :
سلام جناب پورپیرار - من قرآن زیاد می خوانم در مورد تطبیق یا عدم تطبیق الذین هاودا بر یهود خیلی تامل نموده و خیلی از

آیات را خواندم و سرانجام به این نتیجه رسیدم که شما دقیقا مثل آقای طباطبایی که بدون دلیل محکمه پسند عامل شکست روم را ایارن معرفی می کند شما هم الذین هاودا را افرادی معرفی می کنید که خود بدانها اطلاق به توبه بازگشتگان می دهید . این آخرین سوال من از جنابعالی است که آیا این به توبه بازگشتگان از قوم یهود بودند یا از مسلمانان!؟
البته برای آنها که قرآن را واقعا می خوانند و البته راسخون در علمند پس کل قرآن حجت است پس جواب شما تعیین کننده خواهد بود که آیا شما واقعا در این نظریه یهودستیزبودن قرآن نظر شخص خود را دخالت داده اید یا نه! اگر آری پس راه قرآن از راه پورپیرار جداست هرچند حرفهایی داشته باشد که عین حقیقت است و من بدان معترفم مخصوصا در خصوص آیه یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک .... من اولین تفسیر عقل گرایانه را در این خصوص از شما شنیدم و به گوش جان سپردم باشد که نسیم رحمت الهی بر جان شما بوزد تا بیش از این به خواب خفتگان را تکان دهید ! هیچ کسی حتی پورپیرار هم شایسته اطاعت محض نیست و قطعا قابل نقد است و این ادعای ایشان که در هرجای قرآن الذین هاودا به کار رفته مراد قوم یهود نبوده به زعم من نقد دارد و نقد آن این است که در برخی موارد برای پذیرفتن این تفسیر ناچاریم برخلاف آیات محکم قرآن عمل کنیم که البته چنین حقی نداریم.

نویسنده: سهند

شنبه 1 تیر1387 ساعت: 6:28

م. ستاره: با اینکه گفته اند " جواب ابلهان خاموشی است" ولی خیلی از بی سوادان و ترسوها از این گفته سو استفاده کرده و نادانی خود را مخفی می کنند. من از انهائی نیستم که از جر و بحث بترسم برای اینکه اگر در باره موضوعی حد اقل چندین کتاب از نحبه گان آن موضوع مطالعه نکنم لب به سخن گفتن باز نمی کنم. ولی در مورد شما باید آن گفته اولی را بکار ببرم و اینرا هم اضافه کنم که " جر و بحث با نادان و جاهل خود نشانه نادانی است."

فرموده اید که برای تان ایمیل بزنم که سر و راز افشا کنی. من که چندین هفته قبل ایمیل ام را فقط برای این منظور در همین سایت درج کرده بودم پس چرا شما تماس نگرفتید.؟ اگر فکر می کنید که من برای شما ایمیل خواهم زد سخت در اشتباهید. در این مدت برایم روشن شده است که شما موجود متنفری هستید که من شلاق خوردن در ملا عام را به بحث و گفتگو با شما ترجیح میدهم. این ارزو و عقده ضد ترکی تان را با خود به قبر تاریکتان خواهید برد. در این باره به این گفته من اطمینان و ایمان داشته باشید. بقول تورک ها: ایت هورر کروان گجر." ملت 25-30 میلیونی تورک های ایران با این اب نبات های ارزان و گندیده شما به خواب رفتنی نیست.

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 1 تیر1387 ساعت: 7:14

آقای بجانی. اگر معنی هادوا را بدانید و باز هم آن را خطابی به یهود بگیرید، پس اسم و فعل را به هم آمیخته اید، علیه آیات بسیاری در قرآن و از جمله 51 و 52 نسا' پرچم برداشته اید و مانند مترجمان کنونی قصد تطهیر یهودیان را دارید که اصل و فصل و اسلامیت تان را زیر سئوال خواهد برد. ضمنا عنوان استاد در مقابل اهل نظر به معنای حقوق بگیر دانشگاه نیست، عملگان نیز در کار ساختمان به بنایی که به او نوع درست عمل آوردن گچ و سیمان را بیاموزد، استاد می گویند. با این قیاس و اگر تعارف و اعتراف های خود را باور دارید، که چیزهایی از افاضات این قلم آموخته اید، پس لااقل بر شما چندان استادم که تا پایان عمر بدون مجوز من ننشینید. در عین حال شما و آقای سهند توجه کنید که به آقای ستاره باید جواب داد حتی با لحن و نثر خودشان، نه این که به قول کلاه مخملی ها زیر ماجرا بسرید و لب ورچینید. ضمنا ترک بودن پرچم و نشان مظلومیت نیست، ادای یهودیان را درنیاورید، تا زمانی که صاحب منصبان خدا ناشناس کنیسه و کلیساها بر همه چیز آدمیان حاکم اند، تمام مردم مظلوم و غصب حقوق شده اند. مشکل ما درست همین جاست که ما اسلام و جهان را منظور می کنیم و شما قوم خود را. ضمنا به تر بود که آقای سهند مشتاق دریافت حقیقت به جای حواله به دور یک بار دیگر ای میل خود را می گذاردند و اگر ایشان مستند تختگاه هیچ کس را آب نبات گندیده خطاب می کنند، پس خود را آفتابی و کار بنیان اندیشان را در اثبات این نظر که سران ترک از آن مستند ناراحت اند، آسان تر کرده اند.

آقای اتفاق. چند مطلب را بدانید. نخست این که برابر جداول آمده در کتاب اشکانیان تلفظ و حتی نگارش حروف یونانی ثابت نبوده است، که آرزاک و آرشاک در همین زمره اند، بعد هم "سیان" پیشنهادی من به عنوان پسوند جمع در دنبال آرزاکون با حذف ن به خاطر حرف کاف قبل از آن، در زبان فارسی آبرومندتر از "نیان" بود!!! هنوز هم یادآوری می کنم که معانی همیشه محکم نیستند چون بسیاری از این لغات، به عمد یا غیرعمد، در فرهنگ یونانی امروز وجود ندارد.

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 1 تیر1387 ساعت: 11:15

آقای اتفاق. 1. آن کلمه بازیل خوانده می شود که در لغت یونان کنونی به صورت بازیلیا موجود و به معنای سلطان، حکمران و والامقام است. 2. این لغت به صورت کنونی انرگتو خوانده می شود، حرف آخر آن غلط است و به معنای نیکوکار هم نیست، به این دلیل ساده که ابتدای واژه همان انرژی امروز است. 3. در این مورد هم زئوپاتور به معنای فرزند زئوس است.

نویسنده: سهند

شنبه 1 تیر1387 ساعت: 11:40

من نمی فهمم اگر شما و یاران نورچشمی تان به فکر اتجاد مسلمانان جهان هستید و برای سهولت این پروژه--- که با بلند کردن سنگ به این بزرگی هر گز شدنی نیست-- سنگ بزرگ علامت نزدن است--- توجه کنید که من نگفتم اتحاد مسلمانان شدنی نیست بلکه گفتم که با این شیوه ای که شما و دوستانان در پیش گرفته اید و همه گونه انتقاد از جامعه را به بعد از اتحاد مسلمانان حواله می دهید این پروژه تان از الان عقیم شده است---- و حتما که برای سهولت این مگا اتحاد یاد گرفتن زبان عربی را هم پیشنهاد می کنید--- من که با یاد گرفتن هیچ زبانی مشکلی ندارم--- و اینرا هم میدانید که بدون تسلط به زبان مادری مسلط شدن به زبان دومی غیر ممکن است و اینرا هم میدانید که آموزش کودکان به زبان مادری خودشان کم خرجترین شیوه درمان خیلی از مشکلات جامعه بغایت مریضی مانند ایران است و اینرا هم میدانید که استحکام هم زنجیری به اندازه استحکام ضعیف ترین حلقه اش می باشد و از آنجائیکه میدانید ما اذربایجانی ها و کردها و اعراب ایران الان عضو خانواده 70 میلیونی به نام ایران هستیم و انشاالله در آینده هم عضو خانواده یک و نیم میلیاردی مسلمانان خواهیم شد پس اینهمه لجاجت در مقابل خواسته های قانونی و خدا دادی ماها از کجا سر چشمه می گیرد.؟

اقای پورپیرار: شما فرمودید که ترک بودن نشان مظلومیت نیست و من هم قبولش دارم و اعلام می کنم که" بر منکرش لعنت "ولی به این نوشته دکتر باطنی زبان شناس چه جوابی دارید.؟

.

نویسنده: سهند

شنبه 1 تیر1387 ساعت: 11:40

دکتر محمدرضا باطنی - بدون تردید یکی از هدف‌های مهم گسترش زبان فارسی (گسترش در مفهوم کمی و کیفی)، افزایش تسلط فارسی زبانان به زبانی است که به کار می‌برند: تسلط بیشتر، یعنی توانایی به کار بردن زبان در موقعیت‌های اجتماعی پیچیده‌تر و متنوع‌تر. هر چه تسلط به زبان مادری بیشتر باشد، موفقیت فرد در زندگی اجتماعی بیشتر و در مجموع، کارآیی و تحرک جامعه بیشتر می‌گردد. بدیهی است مستقیم‌ترین و موثرترین راهی که برای افزایش تسلط به زبان مادری وجود دارد، بهبود آموزش آن در موسسات آموزشی در سطح های مختلف است.

اینهم آدرس مقاله

id=20&http://persianlanguage.ir/?page=articles

اینهم ایمیل بنده
snasimi@gmail.com

پ.ن: لطفا در نوشته اقای باطنی به جای زبان مادری فارسی زبان های مادری ملت های غیر فارس را قرار دهید

نویسنده: اتفاق . 1 از 3

شنبه 1 تیر1387 ساعت: 13:1

دوستان عزیز

سلام علیکم . وقت شما بخیر
احتراماً :
مقدمهٔ اول : دوست ما ، آقای دهقانی ، چند روز پیش نوشته بودند :

« ... همیشه سؤالم این بود که چرا یهود ، ایران خالی از سکنه رو به عنوان کشور خودش انتخاب نکرد و یک کشور یهودی برا خودش نساخت ؛ حالا می بینم اونا بر سر ما کاری کردن که 100 برابر وحشتناک تر از ساخت یک کشور یهودیه . اونا بجای بنا کردن یک کشور یهودی ، تونستن یک کشور مسلمانِ ضد عرب و اسلام بسازن . ... »
(دهقانی ، دوشنبه 27 خرداد 1387 ، ساعت 02 : 02 ، ذیل مقالهٔ آشنائی با ادله و اسناد رخداد پلید پوریم ، مدخلی بر ایران شناسی بی دروغ و بی نقاب ، 155)

مقدمهٔ دوم : برخی آنگاه که از تلاش و قدرت یهود در جعل تاریخ و کتاب سازی و ... حرف می زنیم ؛ می گویند اگر یهود واقعاً

چنین قدرتی داشت و دارد ؛ چرا تا به حال فکری به حال خود نکرده ؛ و مثلاً دستی به سر و صورت موقعیت واقعاً نابسامان سیاسی ـ اجتماعی خود نکشیده است ؟ که من پیش ترها در جواب ، مسأله را عمدتاً متوجهٔ این مطلب می کردم که صلاح و صرفهٔ یهود در همین عجز ظاهری و پراکندگی است .
اما اینک می خواهم بعد از مرور این دو مقدمه ، با عنایت به سیاهه ها و روشنگری های به واقع فرقانی که تا کنون آقای پورپیرار کرده اند ؛ این نتیجه را بگیرم که مسأله از آن کوک کردن یک ساز مخالف در دنیای اسلام علیه عرب و دین رسول ا... (ص) که آقای دهقانی می فرمایند یا چرائیِ فکری به حال خود نکردن و کشور درست ننمودنِ یهود ، فراتر است ؛ که اصلاً و در اساس ، « ایران » ، کشور کنونی ما ، خود تا همین چند دهه پیش ، " " اسرائیل بزرگ " " بوده است و اصلاً مفهوم سیاسی « ایران » ، یعنی کشور یهود و " " یهودستان " " ، که در اینجا اکثراً آنوسی ها و تازه مسلمان شده ها زندگی می کرده و می کنند ؟! در این چارچوب ، دیگر تفکرات مقدمهٔ اول و دوم ، جواب خود آشکارا خواهند گرفت .

نویسنده: اتفاق . 2 از 3

شنبه 1 تیر1387 ساعت: 13:1

جدای از این ، قصد بیان مطلب دیگری را هم دارم که ظاهراً آقای پورپیرار ، یا وقت بیان آنرا اکنون ندانسته اند یا به عللی حکیمانه ، ترجیح می دهند آنرا با نوعی تمجمج برگزار فرمایند و آن اینکه با نشانه های بسیار ، از آن امامزاده های مخروطی گنبد ، تا این کاربرد کاشی کاری در ابنیهٔ مذهبی تشیع ـ که میان ابنیهٔ اهل سنت ، کم کاربرد یا بی کاربرد است ـ ؛ و از آن انطباق عملی مراکز و مناسک رسمی ، با کلنی های سنتی یهود ، تا این دست اندر دست هم داشتنِ آشکار با احبار و انبیاء یهود، خصوصاً دانیال نبی، در ادعیه و فال ها و جداول دعانویسان و دانندگان علوم غیبیه و جفر ؛ بی مجادله و بدون تعارف باید اعلام کنیم که بی جهت مذهب ما را « ولید الیهود » نمی خوانند (1). آیا وابسته کردن ما به عدد دوازده همان کلک و کلاه گل و گشادی نیست که یهود پیش از این نیز در احصاء حواریون عیسی (ع) ـ که در قرآن عدد آنان مطلقاً ذکر نشده و تنها بصورت جمع می آید (2) ـ بر سر مسیحیان گذاشته است ؟ و آیا این دوازده شمردن ها، چشمداشتی به تعداد « نقیبان » بنی اسرائیل نیست که یهودیان تفکر غیر یهود را ناگزیر به آن پیوند زده اند؟
« و لقد اخذ الله میثق بنی اسرءیل و بعثنا منهم اثنی عشر نقیبا ... : و خداوند از بنی اسرائیل پیمان گرفت و از میان آنان دوازده نقیب برگماشتیم ... »
(قرآن مجید ، سورهٔ مبارکهٔ مائده ، گزیده ای از آیهٔ 12)

پاورقی ها
1. حجت الاسلام دکتر علی اکبر حسنی ، تاریخ اسلام ، صفحهٔ 230 .
2. کلمهٔ « حواریون » در قرآن مجید ، انحصاراً در آیات مقابل آمده ؛ و در هیچ جا نیز تعداد آنان مشخص نگشته است : آیهٔ 52 سورهٔ مبارکهٔ آل عمران ، آیات 111 و 112 سورهٔ مبارکهٔ مائده و آیهٔ 14 سورهٔ مبارکهٔ صف .

نویسنده: اتفاق . 3 از 3

شنبه 1 تیر1387 ساعت: 13:2

البته در مورد اقتباس انحصاری عدد دوازده از باورهای بنی اسرائیلیان ، حکم قطعی نمی توان صادر کرد ؛ بخصوص که کاربرد عدد دوازده ، بسیار فراتر از این است و مثلاً هم تعداد ماه ها و هم تعداد برج ها را هم دوازده عددی می بینیم ؛ یا تعداد اسماء و سیکل سالیان در تقویم چینی ها ـ که بعدها در تقویم ترک ها نیز راه باز نمود ـ را هم دوازده تائی می یابیم ؛ یا حتی در مقوله های مذهبی ، تعداد خدایان یونانی ساکن در کوه المپ ـ که به نظر نمی رسد تفکرات بنی اسرائیلیان در ساخت و پرداخت آنان شکل داشته باشد ـ را هم دوازده عدد می خوانیم : زئوس (ژوپیتر) ، آفرودیته (آفرودیت) ، آپولو (آپولون) ، آریس (آرس ، آریسته) ، آرتمیس ، آتنا ، دیمیتیر (دیمیتر ، دمتر) ، هرا ، هرمس (هفستیس) ، پوزئیدون (پوسیدان) ، هستیا ـ دیونیسوس (دیونیزوس / دیونیسس) ، هادس (هیدیز) ؟!

ان ارید الا الاصلح ما استطعت و ما توفیقی الا بالله
علیه توکلت و الیه انیب

نویسنده: روشن

شنبه 1 تیر1387 ساعت: 13:16

امام زاده های تازه کشف شده با عکس و تفضیلات

http://abayat.blogfa.com/post-61.aspx

نویسنده: ساسان

شنبه 1 تیر1387 ساعت: 13:52

شیرین بختانه مشاهده می گردد که استاد سهند هم مثل استاد حامد به اصل و تبار نیکوی نژاد نیکوی آریایی و پارسی آذری خویشتن بازگشت نمودن و با دشمنان نژاد نیکوی آریایی به مخالفت برخاسته گشته می باشند. بدرود بر نژاد نیکوی آریایی

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 1 تیر1387 ساعت: 14:50

آقای سئوال. گام نخست برای تبلیغ، عرضه ی مستند تختگاه هیچ کس و سپس ارزیابی تاثیر پذیری گیرنده است. برای آن کس که مستند به کنجکاوی وانمی دارد و نسبت به حقایق تاریخی کنجکاو نمی کند، هیچ سرمایه ای نگذارید که متعصبی علاج ناشدنی است. استفاده از مطالب کتاب های من مانعی ندارد.

نویسنده: محمود بجانی

شنبه 1 تیر1387 ساعت: 15:35

خیلی خلاصه جناب آقای پورپیرار نظرهای شما انقلابی است و بسیاری از آنها را تحسین کرده شما را یک مورخ شجاع و بزرگوار می دانم ولی باید همه سخنان شما را خوانده و آن قسمت را که به نظرم نادرست است باید نقد کنم این حق من است.

در مورد ترکهای ایران نمی دانم موضع شما چیست؟
اکنون پدر و مادر من وقتی تلویزیون را نگاه می کنند چیزی از زبان آن سر در نمی آورند
ولی پدر و مادر شمای پورپیرار نوعی لا اقل می فهمند که چه می گوید.
آیا این ظلم به ترکها نبوده است ؟
اکنون من ترکم و باید طبق آیه 13 حجرات زبان خود را نه مایه ننگ و نه مایه فخر بدانم ولی بسیاری متاسفانه از فرط عناد با آیه 13 حجرات قادر به هضم این واقعیت نیستند میل داشتم بی پرده نظر شخص شما را در این خصوص بدانم !

نویسنده: محمود بجانی

شنبه 1 تیر1387 ساعت: 15:35

امروز در کتابخانه مرکزی تبریز به دنبال تفسیر سورآبادی و همچنین طبری رفته بودم هنوز زود است که این حرف شما را که :
"تا زمانی که صاحب منصبان خدا ناشناس کنیسه و کلیساها بر همه چیز آدمیان حاکم اند، تمام مردم مظلوم و غصب حقوق شده اند."
یک واقعیت بلامنازع بدانم زیرا باید دقیقا خود بدان برسم و سپس با شما همصدا شوم و این به خاطر آن است که بنده فکر می کنم اسلامم واقعی است و نه شناسنامه ای - به خاطر ایمان به آیه والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا
پس خواهش می کنیم که ضد ترک بودن را به ضد آذربایجانی بودن تسری ندهید زیرا آذربایجانی هم یک انسان است اصفهانی هم شیرازی هم تهرانی هم - ولی آنچه مسلم است در حال حاضر ظلمی مشترک و اقتصادی بر کل اقوام ایران می رود ظلمی فرهنگی ناشی از آنوسی مسلک بودن به تعبیر شما تصمیم گیران ایران بر همه اقوام می رود و ظلمی سوم تنها بر اقوامی می رود که فارس قلمداد نمی شوند یکی از آنها آذربایجانیهاست! نمی دانم تفکر شما در این زمینه چیست؟
تا به کنه اعتقادات و تفکرات شما رهنمون شوم؟
با احترام بسیار محمود بجانی.

نویسنده: چاغداش تورک

شنبه 1 تیر1387 ساعت: 15:38

سلام
آقای پورپیرار فکر میکنم به قول ما ترکها باید از شما پرسید گئنه ده اولدوق اوزگه؟!! گویا نوعی رمانتیسم اسلامی باعث شده که دشمن خود را گم کنید یعنی تمام مسائل با عرب شدن ما حل میشود؟! یا اینکه شما هم مثل آخوندها ما را به آن دنیا حواله میدهید؟ کار شما اگر از ابتدا علمی نبود این همه در میان ما معروف و محبوب نمی شدید. اکنون گویی مسئله نه

یک مسئله علمی بلکه مسئله هدایت و... شده است!! حیف زحمتهایی که میکشید نیست؟به هر حال فقط خواستم بگویم اگر این گونه می اندیشید من و بسیاری از ترکان همفکرم دیگر با شما نخواهیم بود. شاید این فارسهای گزک جدید! به دستشان افتاده همکار بهتری برایتان باشند!
باز هم به قول خودمان یاغیشدان قورتولوب دامجییا راست گلدیک!!

نویسنده: narialinks

شنبه 1 تیر1387 ساعت: 16:23

خود وبلاگ و نیز متن وبلاگ ناریا لینکس ، بهینه نویسی شد .

ناریا لینکس در خدمت بنیان اندیشان .

http://narialinks.blogfa.com

وب سایت

نویسنده: سرباز

شنبه 1 تیر1387 ساعت: 19:54

با عرض سلام خدمت استاد گرامی و سایر دوستان
خسته نباشید

دو سوال داشتم:

1- به نظر شما، آیا تمام موارد اشاره ی قرآن به "مشرکین"، اطلاق به اهل کتاب است یا خیر؟ شخصا" تصور می کنم که در بعضی موارد مثلا" آنجایی که در روز قیامت پرسیده می شود کجا هستند شریکانی که برای خدا می پنداشتید، به غیر از اعتقاد به فرزند داشتن خداوند، شریکان دیگری هم البته برای کسانی غیر از اهل کتاب مد نظر باشد.
2- با توجه به پراکندگی بسیار زیاد اشاره به "مشرکین" در لابلای آیات قرآن، و اگر آن اشاره ها را متوجه اهل کتاب بدانیم، آیا می توانیم نتیجه بگیریم که اعتقاد به شرک در میان اهل کتاب در اوایل یا حداکثر در اواسط دوران دعوت پیامبر اتفاق افتاده، به نحوی که پس از آن مدتهای مدیدی به مجادله ی قرآن با اهل کتاب بر سر مفهوم شرک گذشته باشد؟

با تشکر

نویسنده: نسرین

شنبه 1 تیر1387 ساعت: 20:42

سلام آقای پورپیرار
ممنون که بحث کاشیکاری و ارامنه را آغاز کردید
شاد باشید

نویسنده: نسرین

شنبه 1 تیر1387 ساعت: 21:41

تاثیر قوانین یهودیت بر فرهنگ ایران
*فلسفه نام گذاری ایام هفته
در قانون یهود روز شبات از تقدس والائی بر خوردار است و یکی از ده فرمان توراه، مقدس نگه داشتن شبات از این جهت تقدس روز شبات یک رکن اساسی در آیین یهود به شمار میرود ویک هدف است بدین جهت بر طبق قانون یهودیت شمارش روزهای هفته میبایست بر مبدا روز شبات قرار گیرد. در ایران دقیقاً طبق قانون توراه روز شمار هفته در تقویم با ذکر شنبه صورت میگیرد.این در حالیست که روز مقدس مسلمانان جمعه است.

*اسم اول یا اسم درگوشی
یهودیان در بدو تولد فرزندشان در هر کشوری که باشند اول یک اسم عبری برای فرزندشان انتخاب میکنند که این نام گذاری برای پسران در روز هشتم تولد در مراسم ختنه صورت میگیرد و در مورد دختر نیز در اولین شنبهٔ تولد دختر در کنیسا در مقابل تورا و در حضور جماعت این نام گذاری انجام میشود. اگر نام عبری یهودیان در کشورهایی با عث شناسایی ویا آزار و اذیت آنان بشود، اسم دوم ویا به قولی اسم شناسنامه ای نیز برای آنان انتخاب میکنند.در میان مسلمانان ایرانی هم این رسم

اقتباس شده که افراد به غیر از اسم شناسنامه ای به اصطلاح اسم در گوشی ویا پشت قرآنی که در پشت جلد قرآن نوشته میشود را برای فرزندان خود انتخاب میکنند که این اسامی اصولا اسم ائمه اطهار است.

نویسنده: نسرین

شنبه 1 تیر1387 ساعت: 21:44

*آرزوی عمر صدوبیست ساله
بر طبق دیدگاه یهودیت برای کامل شدن میبایست با کسب علم و تحقیق سه دورهٔ کامل را با موفقیت بگذراند، این سه دوره که کمتر کسی موفق به تکمیل آن میشود از یک سالگی تا چهل سالگی (چهل سال اول) از چهل سالگی تا هشتاد سالگی (چهل سال دوم) و از هشتاد سالگی تا صدوبیست سالگی (چهل سال سوم) است. موشه (حضرت موسی) در موقع تولد به علت ضدیت فرعون مصر با یهودیان در معرض کشتن بود ولی با جانفشانی مادر و خواهرش او به دست آسیه بزرگ شد و تا چهل سالگی در مصر زندگی کرد و در چهل سال مرحلهٔ دوم زندگی اش خارج از مصر بود وجهانگردی میکرد و سپس در سن هشتاد سالگی چهل سال سوم زندگی اش به پیغمبری رسید و از سن هشتاد سالگی تا صدوبیست سالگی رهبر یهودیان بود و او تنها پیغمبری بود که طبق شهادت توراه توانست خود را کامل کند ودر سن صدوبیست سالگی با هشیاری و به صورت طبیعی به دنیای باقی برود.
از این رو یهودیان برای دعا کردن و آرزوی عمر کامل برای عزیزانشان، روش زندگی پیغمبر بزرگ موشه (حضرت موسی) را سر مشق قرار میدهند و همانطور که او بطور کامل و در نهایت هشیاری به صورت طبیعی به دیار باقی رفت را آرزو میکنند. این دعا در بین دیگر مردم ایران نیز مرسوم است !

شمع روشن کردن در بعد از ظهر جمعه در بعضی مناطق
دریهودیت تمام مراسم و اعیاد با روشن کردن شمع و دعای مخصوص آن صورت میگیرد وهر هفته یهودیان در بعد از ظهر آدینه هنگام غروب با بر افروختن شمع جشن و شادی هفتگی خود را آغاز میکنند وبه استقبال شبات مقدس میروند (در نقاطی از ایران مانند دهات اطراف فارس – کاشان – اصفهان – مشهد به بازماندگان یهودیانی بر میخوریم که با وجود آنکه اجداد آنان را به زور مجبور به ترک دین کرده اند، بنا به عادت و بدون آگاهی بعد از ظهر آدینه هنگام غروب شمع روشن میکنند!)

نویسنده: نسرین

شنبه 1 تیر1387 ساعت: 22:9

آقای پورپیرار اگه امکان داره در مورد زرتشتیها و رابطه شون با یهودیها هم بنویسید

سنجان: که در متون به صورت سنیجان و سینجان نیز مشاهده شده است شهریست در جنوب غربی اراک. معنای لفظی نام این شهر آشیانه عقاب عنوان شده است. مردمان آن به زبان فارسی با لهجه خاص خود سخن می گویند. این شهر قبل از تبدیل شدن به شهر مرکز دهستان قره کهریز به حساب می آمد که شامل خود این منصقه و چندین روستای ترک نشین اطراف آن می شد.این منطقه در سالهای نه چندان دور یکی از مناطق عمدهٔ تجمع یهودیان ساکن استان مرکزی به حساب می‌آمده و بخش عمده‌ای از ساکنان آن را بومیان کلیمی مذهب تشکیل می‌داده‌اند!
زاوه سنجان:همان زاوه است که نام قديم تربت حيدريه بوده است . براي مشخص ساختن سنجان زاوه از سنجان ديگري كه در نزديكي قصبه رود حاكم نشين خواف است سنجان زاوه گويند.
سنجان یا سنگان نام شهری بوده در خراسان بزرگ یا بخش کوهستان آن (که قُهستان نیز نامیده شده و جنوب استان خراسان امروزی است). در فرهنگ دهخدا سنجان را در نزدیکی مرو گفته:
سنجان: معرب سنگان. قریه‌ای بود بر دروازه‌ی شهر مرو که آنرا «ورسنگان» می‌گفتند. (فرهنگ فارسی معین). قریه‌ای است نزدیک دروازه‌ی شهر مرو و یکی از دروازه‌های این شهر به این نام موسوم است. (معجم البلدان).
اما در درآیه‌ی «شاه سنجان» آمده که: قریه‌ای است موسوم به سنگان (سنگان پایین) و هم در نزدیکی‌های تربت حیدریه نیز قریه‌ای است موسوم به سنگان (سنگان بالا).
واژه سنجان معرب سنگان است. حمدالله مستوفی در «نزهة القلوب» این محل را به نام سنجان یا سنگان از قصبات و توابع خواف معرفی می‌کند و در گویش محلی اهالی خواف این نام را سنگون و سنگویه به کسر اول تلفظ می‌کنند. مقدسی آبادی‌های هم نام این محل رادر مرو و رجاب سنجان خوانده است.

نویسنده: نسرین

شنبه 1 تیر1387 ساعت: 22:11

قصه‌ی سنجان:به نوشته‌ی کتاب‌های تاریخ پس از ورود اسلام به ایران، گروهی از ایرانیان زرتشتی به هندوستان کوچیدند .این ایرانیان در هندوستان به نام «پارسی» شناخته می‌شوند و امروزه در کراچی و نیز مومبای (بمبئی سابق) ساکن هستند. یکی از کتاب‌هایی که درباره‌ی این مهاجرت نوشته شده داستانی است به نام «قصه‌ی سنجان». قصه سنجان داستان منظومی از مهاجرت زردشتیان خراسان به هند است که به ساحل هندوستان (گجرات) می‌رسند و پس از ماجراهایی اجازه می‌یابند در آنجا ساکن شوند و آتش مقدس خود (آذر بهرام) را در آنجا می‌نشانند. شهری را که در

هندوستان بنا می‌کنند به یاد شهر اصلی خود سنگان یا سنجان می‌خوانند. پس از آن نیز گروهی از ایرانیان زرتشتی از شهر ساری در طبرستان به هندوستان می‌روند و شهری در آنجا بنا می‌کنند که «نوساری» (Navsari) خوانده می‌شوند. با این که این داستان در سده‌ی هفتم یا هشتم میلادی/یکم و دوم خورشیدی اتفاق افتاده اما «قصه‌ی سنجان» در سده‌ی هفدهم میلادی/یازدهم خورشیدی به نظم درآمده است و پیشتر حالت شفاهی داشته و سینه به سینه نقل می‌شده است!

نویسنده: نسرین

شنبه 1 تیر1387 ساعت: 22:11

این ایرانیان در آنجا ساکن شده و در جامعه‌ی هند ادغام می‌شوند. با ورود استعمار بریتانیا به هندوستان این گروه نیز رشد کردند و یکی از معروف‌ترین و موفق‌ترین آنان «جمشیدجی تاتا» است که «گروه صنعتی تاتا» را بنا گذاشت و بزرگ‌ترین کارخانه‌ی پولادسازی هند به آنان تعلق دارد. یکی دیگر از این پارسیان هند، خواننده‌ی معروف و بنیان‌گذار گروه کویین است به نام «فردی مرکوری» (Mercury Freddie) که در اصل نام پارسی‌اش «فرخ بُلسارا» بود و در نوجوانی به انگلستان رفت.
یکی دیگر از این پارسیان هند نویسنده‌ی کانادایی است به نام «رویین‌تن میستری» که از جوانی به کانادا آمده و بیشتر داستان‌هایش درباره‌ی جامعه‌ی پارسیان مومبای (بمبئی) است .نخستین کارخانه تصفیه پنبه در هند محصول زحمات یک پارسی دیگر با نام "کاوس جی نانابهای داور" بود که سال ١٨٥٤ در بمبئی آغاز به کار کرد. نخستین تبعه هند هم که به دریافت لقب شوالیه دربار بریتانیا مشرف شد، "جمشید جی جیجی بهای"، پارسی بود که هم اکنون بیمارستان ها، کالج ها، خانه های بینوایان و خیابان های متعددی در هند نام او را دارند.قدیمی ترین روزنامه بمبئی با نام "بامبی ساماچار" را هم پارسی ها می چرخاندند.
زرتشتیان هند از جمله نخستین اقشار این کشور بودند که از نظام آموزشی جدید "لرد مکولی" بهره بردند. "لرد مکولی" معتقد بود که به عده ای از مردم هند باید زبان و فرهنگ انگلیسی را یاد داد، تا نیاز بریتانیایی ها به مترجم و مامور انگلیسی دان محلی رفع شود.
داستان سنجان برای پارسیان هند به صورت بخشی از کیستی و هویت آنان است و جمشیدجی تاتا بسیار علاقه داشت که در آن حوالی کاوش‌های باستان‌شناختی انجام شود تا اطلاعات بیشتری از این مهاجرت به دست آید!

نویسنده: نسرین

یکشنبه 2 تیر1387 ساعت: 0:13

سلام آقای پورپیرار
ممنون از راهنماییتان
و ممنون که بحث های کاشیکاری و ارامنه را آغاز کردید
آقای پورپیرار ارمنی ها چرا با یهودیها همکاری نموده اند؟ اگه ممکنه در مورد هویت ارمنی ها هم توضیح بدهید
آیا گرجیها هم با ارمنیها و یهودیها همدست بودند؟(یکی از ده قبیله گمشده یهود بودن گرجیها هم مطرح است)
آیا تبریز رو هم ارمنی ها ساخته اند؟(تاوریژ=انتقام)یا کوردها؟ یا تورکها؟(تومریس)یا تاتها(یهودیها)؟
آیا وجود سرزمینی به نام آذربایجان هم مربوط به دوران قاجار است؟
آقای پورپیرار کلمه فارس به جز کلمه پروشیم (فریسی ها) با کلمه فارص(پارص) هم میتونه مرتبط باشه؟
فارص(عبری: פֶּרֶץ / פָּרֶץ) نام پسر یهودا و نواده یعقوب است. نام مادرش تامار بود. فارص مؤسس خاندان فارصیان بود. پسران وی حصرون و نخشون بودند.

با تشکر
موفق باشید

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 2 تیر1387 ساعت: 0:51

آقای چاغداش تورک. یادم نمی آید برای حمایت و یا ورود به این وبلاگ از کسی تقاضایی کرده باشم. یک بار دیگر یادداشت خودتان را بخوانید، گمانم منظورتان این است که اگر از هویت و زمان پیدایش و دیرینه ی مشکوک پارس ها و کردها پرسشی شود، بحثی علمی در جریان است، اما به محض این که همین بررسی به قوم و زبان ترک نزدیک شد، بحث از صورت علمی درآمده است!!! توصیه می کنم دنباله ی این یادداشت ها را نخوانید، چون به کلی غیر علمی خواهد بود.

آقای بجانی. این جا کسی ضد چیزی نیست، تاملی است در بنیان تاریخ با نظر به حادثه و عواقب پوریم. به گمانم به تر همان که ابتدا مطالعات تان را تمام و سپس اظهار نظر کنید. حرف گروهی در این وبلاگ و از جمله خود من این است که اگر پدر و مادر شما مجبور به دیدن تصاویر ی از تلویزیون است که زبان آن را نمی فهمد، درست همانند دیگر مصائب و مظالم دنیا و از جمله مسلط کردن فارس های هیچ کاره بر دیگران، از طریق دروغ نویسی های تاریخی، مجرمی جز کنیسه و کلیسا ندارد، که دانشگاه های نان خور خود را به تدوین تاریخ سراپا دروغ کنونی برای شرق میانه واداشته است. مبارزه ی جهانی برای هر مقصد و منظوری باید از بی آبرو کردن این دو مرکز توطئه علیه آزاد اندیشی انسان آغاز شود. باید این حقیقت را که

عالی ترین مراکز آموزشی غرب در همدستی با یهودیان برای گم کردن رد پوریم، برای ما کتیبه ی جعلی ساسانی کنده اند و تخت جمشید قلابی نیمه ساخت را مرکز جهان جا زده اند، با صدای بلند جار بزنیم، دروغ های شان را بر سرشان بکوبیم و آن مراکز توطئه چینی علیه تاریخ و فرهنگ و دین مردم ممتاز شرق میانه را به طویله تبدیل کنیم، زیرا انحراف از این جدال اصلی و دشمن شناختن یکدیگر، خود توطئه و تلقین دیگری از سوی همان کنیسه و کلیسا است. باید بیاموزیم که به هدایت قرآن و قولی که دائما بر زبان فلسطینیان می گذرد، "عدوی" ما یهود و نصاری است، نه فلان معلم زبان قلابی فارس ها.

خانم نسرین. ممنونم. حقیقت این که پارسیان هندوستان نیز تاریخی جز همین دو سه قرن اخیر ندارند و تلقینات کنونی در این باره بخشی از عمده ترین و موفق ترین توطئه ی فارس سازی و فارس بازی است.

آقای سرباز. یکی از اصلی ترین مباحث در مجموعه ی اسلام و شمشیر، اثبات همین مطلب است که یهود و نصاری در زمان حیات پیامبر مشرک شده اند.

نویسنده: سهند

یکشنبه 2 تیر1387 ساعت: 1:15

آقای پورپیرار: من دیشب سه پیام فرستاده بودم که فقط دو تاش درج شده. از آنجائیکه در بخش اولش انتقاد مخصوصی نبود پس حدس می زنم که مشکل از انترنت بوده باشد. هر کسی که با سخت افزار تکنولوژی انترنت اشنایی دارد میداند که هر قطعه بزرگ از انفورماسیون به قطعات کوچکی تقسیم شده و هر بخش از کوتاهترین راهی که ترافیک کمتری داشته باشد فرستاده میشه و در مقصد دوباره این بخش های کوچک بهم وصل شده و کل پیام دوباره سازی میشه. بعضی از مواقع بخش کوچکی بین راه گم میشه که کل پیام انتقال داده نمی شه. خلاصه من آن بخش درج نشده را دوباره می فرستم که پیام های ناقص آدمی را گیج می کند.
آقای پورپیرار: از زمانیکه با اندیشه های فردینان دو سوسور-- بینان گذار زبانشناسی مدرن--- آشنا شده و به سیالیت زبان و فقدان رابطه جامد بین دال و مدلول اعتماد پیدا کرده ام سعی کرد ه ام که گفتار و نوشته های دیگران را بدون داشتن مدارک محکم دلبخواهی تفسیر نکنم برای اینکه تجربه خود من نشان داده که دیگران آن چیزی را که من قصد ابرازش را داشته ام را دریافت نکرده اند. از آنجائیکه شما هم آدمی هستید که با زبان سر و کار دارید و مجبورید که مانند همه بعضی اوقات به تفسیر گفته های دیگران رو بیاورید از اینرو اشتباه در تفسیر گفته هایم را درک می کنم. اما این به آن معنی نیست که ما هر وقت خواستیم حرف های دیگران را بدون در نظر گرفتن گفته های قبلی آن شخص را به دلخواه لنزی که در مخ مان قرار داده ایم تفسیر کنیم. من بار ها دز همین پیامگیر از فیلم مستند" تخت گاه هیچ کس: تعریف و تمجید کرده ام با اینکه کل لغات تعارفات فرهنگ بنده بیش از 5 کلمه نیست. حتی نوشته بودم که از فردی که بعد از تماشای این فیلم باز هم از " قانون حقوق بشر" کوروش و غیره حرف بزند باید مائوس شد . اما افسوس که شما پیام های قبلی مرا از یاد برده و فکر کرده اید که منطور من از نقل و نبات گندیده این فیام بوده است. اگر همه گفته های م.ستاره حقیقت محض هم باشند " چه سهمگین است دانستن حقیقت هنگامی که در حقیقت هیچ نجاتی نیست."--- سوفوکلس

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 2 تیر1387 ساعت: 7:37

آقای سهند. باید آماده ی شنیدن مطالب نوی شویم که بسیاری از عمده ترین آن ها هنوز ناگفته مانده است. دقت کنید از "مطالب نو" می گویم و نه از حقیقت مطلق. قرآن می گوید که از حق تبعیت کنید حتی اگر علیه منافع شما و وابستگان تان باشد. اما احساس عمومی این است که از زمان برچیده شدن سلسله ی صفویه از تاریخ ایران، در این مجموعه یادداشت ها، میان لایه ای از اهل مطالعه ی آذربایجان نوعی حالت طلبکاری از این وبلاگ و ضمائم آن پدید آمده و درست مانند هخامنشی و کورش خواهان، زیر لب مطالبه ی شاه عباس کبیرشان را دارند که گویا ترک بوده است! بروز پرخاش ها و کج خلقی ها و بد فهمی ها که اخیرا به بهانه ی مقدم گرفتن حقوق قومی، با چنان وضع مضحکی بروز کرده است، که کسانی از ترکان تهدید به ترک مزاوجت با این وبلاگ را کرده و تقاضای جدایی و طلاق داده اند. این وضع مشابه نگرانی هایی است که باستان ستایان ایران در بحث از ساسانیان بدان مبتلا بودند. اگر دوستان ما نتوانند مطالب را کلان و بدون عینک منافع قومی ببینند و به شناخت ریشه های ناکامی جمعی انسان نپردازند، پس در خواندن هر چیز و در هر باره فقط چشم فرسوده اند و قوم پرستی آنان تفاوتی با دیگر نمونه های آن ندارد. موضع گیری در برابر چنین مدخل های کلانی از اسلوب شعارهای مندرج در سرمقاله ی روزنامه ها تبعیت نمی کند. این جا اصول سخن می گوید و نه علائق!

آقای اتفاق. در مورد اول زلئوکون خوانده می شود که می تواند اشاره ای به سلوکیه هم باشد. اما دشوار بتوان معنای پیشنهادی شما را قبول کرد. در مورد دوم کلمه "تیگر" خوانده می شود که می تواند به قرائن و مشابهت هایی دجله باشد و یا نباشد. در فهرست لغات یونانی کتاب اشکانیان چند غلط چاپی دیگر هم هست که عمدتا در اثر بد خوانی سکه های فرسوده و بی دقتی مصحح پدید آمده است. اگر آن کلمه را اسم عام قبول کنیم منطقی تر این که انتهای آن را حرف σ بیاوریم.

نویسنده: تبریزی

یکشنبه 2 تیر1387 ساعت: 12:24

با کسب اجازه از آقای پورپیرار
ما گروهی از تورکها که خواهان کسب حقوق مسلم قومی خود هستیم می خواهیم بیانیه ای را برای دفتر رئیس جمهوری و سایر مسئولان حکومتی ارسال کنیم و در آن خواستار این شویم که زبان رسمی ایران از فارسی به تورکی تبدیل گردد.
چراکه زبان فارسی زبانی ناتوان و دارای اشکالات عدیده و اساسی ساختاری می باشد و علاوه بر آن زبانی ساختگیست در حالیکه زبان تورکی زبانی پربار و غنی و غیر ساختگی و دارای پیشینه ای بسیار کهن است و هم الان نیز 30 میلیون تورک در ایران وجود دارند بنابراین لازم است که زبان فارسی ساختگی را از جایگاه زبان رسمی عزل نموده و به جای آن زبان غنی تورکی را جایگزین نماییم. از همه یارانی که با این امر موافق هستند تقاضا داریم اسامی خود را برای امضای این بیانیه اعلام کنند. همینطور از آقای پورپیرار هم می خواهیم که موافقت خود را برای امضای بیانیه مذکور در صورت تمایل اعلام نمایند.
تبریزی

نویسنده: فرشته

یکشنبه 2 تیر1387 ساعت: 12:34

استاد گرام واقعا بر هوش و درایت و خبرگی شما آفرین می گویم که درست در جواب چاغداش و سهند و احیانا قوم پرستان دیگری زدید وسط خال. این حضرات فکر می کنند چون زمانی از روی خوشایند خودشان به دفاع از شما برخاستند حق دارند به شما امر و نهی کنند یا تهدید کنند که دیگر از شما حمایت نکنند!! وقتی این حرفها را می زنند من بجای شما می گویم وای! ترا بخدا یه وقت منو تنها نزارین!! من بدون شما چکار کنم؟؟!!!! البته شاید هم بی تقصیر باشند چون از وقتی بی غزنوی و بی سلاجقه و بی صفویه و بی ... شدند حال و روزشان شده عین فارسگراهایی که یهو بی هخامنشی و بی ساسانی و بی سامانی و بی ... شده بودند! به گمان من هیچ کدام این به اصطلاح علما و دانشمندان فارس و ترک و ... هنوز به اندازه ای رشد نکردند که بتوانند بفهمند شما چه می گویید! اینو مطمئن باشید.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 2 تیر1387 ساعت: 15:17

آقای سهند. عامدانه کامنت شوخی وش آقای تبریزی را نصب کردم تا شاید لمس اصرار بنیان اندیشان به لزوم ورود از دریچه ی اصلی برای ایجاد تغییرات مفهوم تر شود. ظاهرا کسانی از میان ترکان ایران به این اندیشه اند که به مراکز و مقامات مربوطه و مسئول بنویسند که: باید زبان ترکی را جانشین زبان فارسی کرد. تصور کنیم که در اثر معجزه ای مجموعه ی سیاسی و فرهنگی و اقتصادی ونظامی کشور با این پیشنهاد آقای تبریزی و دوستان اش موافقت کردند، آن گاه کتاب های درسی ما به جای فارسی به ترکی خواهند نوشت که کورش بنیان گذار حقوق بشر و تخت جمشید پایتخت جهان بوده است!!! آیا به نظر شما این ممتازترین نمونه و نشانه ی قوم پرستی نیست؟ آیا نباید بپرسیم چرا این دوستان ما با ضمیمه کردن مستند تختگاه هیچ کس از مسئولین فرهنگی نمی پرسند چرا در مدارج مختلف درسی به ما دروغ تحویل می دهید؟ از نظر این حضرات تنها عیب این مطالب کذب، فارسی بودن زبان آن است!!!؟ این است آن تفاوتی که بنیان اندیشان به عنوان دو نحوه ی تفکر و برداشت، از مجموعه ی مباحث تاملی در بنیان تاریخ ایران، عرضه می کنند.

نویسنده: روشن

یکشنبه 2 تیر1387 ساعت: 15:28

اقای تبریزی

بعنوان یک اذر بایجانی میخواهم عرض کنم که دارید تند میروید در زمان ریاست جمهوری اقای خاتمی روشنفکران تورک زبان نامه ای نوشتند و خواستار اجرای اصل 15 قانون اساسی شدند که اقای خاتمی جواب نامه را هم ندادند چه برسد به اجرای اصل .
بنظر من شما هم طی نامه ای خواستار همان اجرای قانون اساسی بشوید کار اصولی انجام داده اید اکر زبان ترکی اکادمیک تدریس بشود و از 30 میلیون ترک حد اقل 50 درصد اش زبان غنی و پر بار تورکی را درک کنند بتدریج خود زبان جای خود را باز کرده و حداقل در مناطق تورک نشین جا ی زبان فارسی را خواهد گرفت موفق باشید

ایران شناسی 157

]سه شنبه ۰۴ تیر ۱۳۸۷ ساعت ۱۷:۳۰[

نویسنده : م

جمعه ۰۷ تیر ۱۳۸۷ ساعت: ۲۳:۱۲

چرا naria5 باز نمي شود

نویسنده : آتیلا

پنجشنبه ۰۶ تیر ۱۳۸۷ ساعت: ۰۴:۰۸

سلام استاد گرانقدر

توفیقات خداوند نصیب شما باد

در این دنیا ی عذاب آور چقدر سخت است درد دانستن و تنها ماندن

آنزمان که شما این دردها را در سینه داشتید چه بسا من و امثال من وکیل مدافع شیعه وامامزاده ها و شیخ عطار ومولوی و...........بودیم

شرح صدر میخواهد تا دردی به این بزرگی را با خود حمل کند

من همیشه فکرم را باز گذاشته ام تا مبادا بازیچه دست دروغ پردازان شوم و از اینکه به جمع شاگردان شما پیوسته ام افتخار مینمایم

این همه دلیل روشن از شما و انقدر عناد از جهودان

من از این همه لجاجت پسمانده های پان ایرانیستهای کثیف متعجم

مگر نه اینکه سخنان شما سرتا پا دلیل است وبرهان

پس چرا بازهم دروغ پردازی مینمایند

مطالب شما راجب کاشی کاری مساجد خیلی مفید وبدیع بودعالی بود دستتان درد نکند خدا یارتان باد

نویسنده : عابدی

سه شنبه ۰۴ تیر ۱۳۸۷ ساعت: ۲۱:۱۳

با سلام

دوستان می توانند با کلیک روی کلمه وب سایت در انتهای همین پیام، به بخش نظرات در وبلاگ حق و صبر دسترسی بیابند.

وب سایت

ایران شناسی بدون دروغ، 157، کاشی کاری در مساجد ایران - 70 نظر

نویسنده: حکیمی

سه شنبه 4 تیر1387 ساعت: 18:6

سلام!خداوند قوت دهد!

نویسنده: یولداش

سه شنبه 4 تیر1387 ساعت: 18:17

کاشی کاریهای میدان منسوب به امیر تیمور در ازبکستان چه زمانی انجام شده است؟

نویسنده: سئوال

سه شنبه 4 تیر1387 ساعت: 18:18

با سلام
استاد در اینجا ما به وضوح شاهد هستیم که شیادان توانستند با کاشی کاری و زدن کتیبه ها به مقصود خود برسند!!سئوال

من اینجاست که اصل ساختمان ها هم کار همین افراد است یا نه؟!
با تشکر

نویسنده: یولداش

سه شنبه 4 تیر1387 ساعت: 18:20

در مورد ارم شیر و خورشید کسروی به قولی ان را ارم ارمنستان میداند و مینویسد بعضی اقوال معتقدند وقتی شاه عباس ارمنستان را گرفت این ارم به بیرق ایران اضافه شد . امروز هم نشان رسمی دولت ارمنستان ترکیبی از شیر و عقاب دو سر است.

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 4 تیر1387 ساعت: 18:31

فریبا خانم. زمانی در امری شبهه پدیدار می شود که یقین کامل میسر نباشد و برداشت وجوه گوناگون از مطلبی واحد مترتب و ممکن شود. مشهور ترین شبهه ی رایج همان گمان «ان شا' الله گربه است»، که اگر بپرسید چرا سگ نیست، پای تاویل به میان کشیده می شود که: جثه اش فلان و دم اش چنان و پشم اش این طور و چشم اش آن طور و راه رفتن اش آن گونه ی دیگر بود. شبهات دیگری وارد می شود بر درستی و نادرستی اشخاص و امور، دروغ و راست اقوال و حلال و حرام تمنیات، که حاصل آن متشابهات را به معنایی می رساند که به چند وجهی و پیچیدگی مطلب و موضوعی اشاره می کند. فرصتی دهید تا در این باب شرح بیش تری بیاورم که می توانست متن یادداشت مستقلی در بخش دوم اسلام و شمشیر شود، به استعانت الهی.

آقای سئوال. اندکی دیگر حوصله کنید.

آقای یولداش. چنان که در باب مقبره ی محمود یساوی آوردم، بسیار جدید است. چنان که شخص و احوال و داستان های گرداگرد احوال امیر تیمور گورکانی! قلابی و خواب و خیال است.

نویسنده: فتح

چهارشنبه 5 تیر1387 ساعت: 0:5

این لینکها هم جالب هستند:

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8704031028
پيشنهاد سومي براي دعواي «پرسپوليس» و «پيروزي»
http://tabnak.ir/pages/?cid=12753

نویسنده: هیوا ایزدی

چهارشنبه 5 تیر1387 ساعت: 0:30

سلام عليكم
عرض ادب و طلب ياري و توفيق از خدا براي استاد پورپيرار را دارم.

نویسنده: صمیمی

چهارشنبه 5 تیر1387 ساعت: 1:44

سلام:
اینو حتما بخون:
shahbazi2.org

نویسنده: محمود بجانی

چهارشنبه 5 تیر1387 ساعت: 4:51

با سلام
جناب پورپیرار هر چه بیشتر مطلب شما را در خصوص ایرانشناسی می خوانم امکان رد کردن پوریم کمتر می شود اما چون هنوز به مجموعه تاملی در بنیان تاریخ دسترسی نداشته ام خواهش داشتم خیلی خلاصه در صورت امکان نظر خود را در

خصوص هوری ها - گوتی ها - لولوبی ها - اورارتو ها - اشگوز ها (سکا ها) - و ماننا ها بفرمایید که به زعم شما آیا این تمدن ها هم در حوزه پوریم می توانستند باشند ؟
ضمنا مساله ای بسیار آدم را به فکر فرو می برد این این است که منظور آقای پورپیرار از بنیان اندیشی چیست و بنیان کدام است ؟
زیرا با این فصل جدید در مورد صفویه یک انسان جستجوگر اگر نتواند نظر شما را قبول کند رد کردن نظرات شما خیلی سخت تر است - زیرا زمانی را تصور کنید که در یک خانواده 15 نفری 50 سال پیش در همین روستاهای ایران خانه ای خیلی کوچک بود و مسلما برای 15 نفر امروزی در یک خانوداه یک خانه بسیار بزرگ لازم است همین مقیاس را اگر بر زمانهای هزاره ای تطبیق دهیم قبول نظرهای جنابعالی چندان هم آسان نخواهد بود اگر در مورد امیران و شاهان هنوز هم نظر شما صادق است که برای خود باید عمارت درست می کردند!
ضمنا در قرآن آمده یونس به بیش از 100 هزار نفر فرستاده شد اگر یونس در نینوا باشد پایتخت آشور پس برخلاف نظر شما یک شهر باستانی خیلی پرجمعیت تر بود .
با احترام بسیار محمود بجانی

نویسنده: هاتف

چهارشنبه 5 تیر1387 ساعت: 9:20

در پناه قرآن باشید.

نویسنده: تبریزی

چهارشنبه 5 تیر1387 ساعت: 10:16

خوب حالا که کار به اینجا رسید دیگه باید اعتراف کنم که راستش پیشنهاد من یه شوخی بود واسه ارزیابی توان ذهنی قوم پرستانی از نوع آقای سهند که دیدیم قوم و تعلقات قومی خودش را بیشتر از حقیقت دوست دارد و خدا را سپاس می گویم که چنین کسانی از گرد استاد پورپیرار بتدریج پراکنده می شوند و تنها حقیقت دوستانی باقی می مانند که شکل و شمایل و زبان اجداد موز بدستشان را دلیل برتری خود نمی دانند!! مخلص جناب استاد هم هستیم.

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 5 تیر1387 ساعت: 11:42

آقای اتفاق. گمان می کنم که پرسش های شماره 11 شما را قبلا جواب داده ام.
1. واژه فیلل به معنای دوستدار خوانده می شود. 2. در مورد خسرو نیز در حال حاضر به املای آن بر روی سکه های موجود دسترسی ندارم و چون فقط بر مبنای اورژینال باید اظهار نظر کرد ساختن این کلمه از پیش خود بی فایده است. اندکی حوصله کنید تا اصل آن را بیابم. همین قدر به یاد می آورم که تلفظ آن "اوسرواس" است.3. آن کلمه تیگری خوانده می شود که به قرائنی شاید همان دجله باشد.

آقای بجانی. مطلب چندانی برای پاسخ نویسی دستگیرم نشد.

آقای هاتف. ممنون.

آقای تبریزی. اگر خدا بخواهد و گفتارهای بعد برقرار باشد شاید که ابهامات برطرف شود. از لطف شما ممنونم.

نویسنده: رحمانی

چهارشنبه 5 تیر1387 ساعت: 12:24

با سلام خدمت همگی

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ
به یاد پوریم زدگان و رخداد پلید و ویرانگر پوریم و به امید شناخت کامل پوریم و مشرکان پوریم ساز

جالب است هر چه دلایل مطرح شده توسط استاد خستگی ناپذیر بیشتر می شود و رد این دلایل برای یهود و مزدورانشان یعنی باوفایان ناممکن تر و ناممکن تر می شود، هر چه یهود خود را رسواتر می بیند،
کامنت گذاران ناشناس (هرچند که در عین ناشناسی ادعای رهبری ،ملتی را دارند!!!)، هویت اصلی خود را آشکارترمی کنند وضمنا کامنت گذارانی پیدا می شوند که مثلا با زیرکی می خواهند تا پوریم را رد کنند یا مخفی کنند یا احتمالش را غیر ممکن بدانند یا بعید یا مقطعی یا در محدوده ای جغرافیایی کوچکتر یا ...
خلاصه به گفته دیپلمات ها ،در حال چانه زنی هستند تا اگر دیگر نمی توانند به طور کامل انکارش کنند ، شاید بتوانند ، این

ننگ و این وحشی گری یهود را هر چقدر که امکان دارد مخفی کنند یا از وسعت آن بکاهند یا ...

اما اینان راه به جایی نخواهند برد، و حقیقت با سرعت راه خود را خواهد پیمود

نویسنده: رحمانی

چهارشنبه 5 تیر1387 ساعت: 12:24

احمق و مزدور و باوفا آنانند که ::::
که مستند بی نظیر و باشکوه تخت گاه هیچکس را قبول دارند و آن را با رعایت در امانت !!!! پخش می کنند اما به طور کامل منکر پوریم هستند،،، عجب یا للعجب !!! این یعنی تناقض یعنی بهره کشی یعنی مزدوری یهود یعنی نوکری پارس کنندگان یعنی مخالفت با اصول حرکت رهایی بخش این یعنی بخشیدن چنگال و دندان، به شیر بی دندان و چنگال شده آریا پرستی !!!!!!! ووو !
استاد خستگی ناپذیر را، استاد نمی خوانند(لااقل و لااقل و فقط، به خاطر این اثبات و نمایش این موضوع هم که شده (مستند)، ایشان استاد هستند)
به پوستینی خزیده اند تا شاگردان استاد را به جان هم بیندازند ،
تمام توان خود را به جای بهبود ، صرف تحریک نجاست و کثافت آریاپرستی و قوم پرستی(هنوز به طور کامل پاک نشده) در شاگردان استاد می کنند
به جای تلمذ و حرکت در محدوده نظریات استاد، لگد پرانی می کنند
آبجکتهای پایه ای رسوایی یهود را ، مثلا با زیرکی حفاظت می کنند و توجیه می کنند!!!!
دوستان را به ترک قرآن فرا می خوانند و مرتب ، از این و آن مسیحی و یهودی آدرس می دهند
خود را نماینده ملتی می دانند که آن ملت اصلا آنها را نمی شناسد
با هر ترفندی که شده ،می خواهندحتی برای یک روز هم که شده ، بیان حقیقت به عقب بیفتد
هر طور شده می خواهند وجهه استاد را خراب کنند
وقت خود را طلا، وقت دیگران را حلبی فرض می کنند!؟
با شیادی نه با دلیل مستدل، قصد رد و یا توجیه پوریم را دارند
از اثبات شده ها نمی گویند ، چون جوابی برای انها ندارند و مرتب با طرح سوالات انحرافی قصد در نمایش ناقص ماجرا دارند!!!!
دروغ را کمپلت پذیرفته اند، حتی بدون یک سوال ، اما حالا همه مفسر و عالم و فلسفه دان شده اند و به دنبال چرایی ماجرا هستند!!!؟؟ پس چرا اینان در مقابل دروغ این ژست را نمی گرفتند و نمی گیرند!!!!!!!
99999999999999

از دوستان می خواهم تمام تلاش خود را صرف تبلیغ حقیقت بکنند که مهم همین است
در ضمن عدم اجازه نصب اینگونه کامنت ها ، بسیار مدبرانه است

وَقُلْ جَاء الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا

در وعده کمک خدا به مومنان شکی نیست

با تشکر فراوان

نویسنده: ساسان

چهارشنبه 5 تیر1387 ساعت: 12:27

استاد سهند نيكو تبار و نيكو نگار. شيرين بختانه مشاهده مي گردد كه ذات آريايي نيكوي بعضي از هم نژادهاي نيكوي آريايي و پارسي هميشه مانع مي گردد كه اين آرياييان براي ابد در اشتباهات نانيكوي خويشتن باقي بمانند. الان شيرين بختانه و به لطف اهورامزدا و حضرت زرتشت ع ذات آريايي جنابالي بيدار گشته است چونكه جنابالي از نژاد نيكوي آذري آريايي پارسي مي باشيد كه تا الان به اشتباه خيال مي نموديد ترك مي باشيد. بنده از جنابالي خواهش مي گردانم مثل استاد حامد هر چه زودتري بدرگاه اهورامزدا توبه بگردانيد و در هسته آرياييان نيكوتبار كه بنده مدير آن مي باشم، عضو بگرديد تا با رهنمودهاي نيكوي عليا حضرت فرح پهلوي و شاهنشاه نيكويمان قادر بباشيم با دشمنان نژاد نيكوي آريايي برهبري ناصر پورپيران مبارزه بگردانيم. بنده مي دانستم كه جنابالي يك روز متوجه مي گرديد كه پورپيران دشمن نژاد نيكوي آريايي ميباشد و بالاخره جنابالي با ايشان دشمني مي نماييد. استاد سهند آريايي. بنده جلو جلو آگاه گشتن جنابالي به اصل نيكوي آريايي آذري پارسي خويشتنتان را تبريك و تحنيت عرض مي گردانم و از همه آرياييان گمراه گشته خواهش مي گردانم هرچه زودتري مثل استاد سهند بدرگاه اهورامزدا توبه بگردانند و از حضرت زرتشت ع بخواهند كه مورد عفو قرار واقع گردند.

وب سایت

نویسنده: مسعود

چهارشنبه 5 تیر1387 ساعت: 13:2

سلام علیکم و خداقوت استاد عزیز.

ضربان قلب یهود با این یادداشت های اخیر شما به 250 هم رسیده است!!!
خبر جالب و ویژه خدمت شما :
اوج ترس و اضطراب در پایتخت جنایت یهود:
یک سرباز یهودی در فرودگاه بن گوریون در مراسم بدرقه سارکوزی با خالی کردن گلوله ای در مغز خود به خفقان و وحشت حاکم بر قلب یهود صحه گذاشت ! :
/http://www.alef.ir/content/view/28366

نویسنده: عابدی

چهارشنبه 5 تیر1387 ساعت: 13:7

سلام استاد خسته نباشید.

نویسنده: نسرین

چهارشنبه 5 تیر1387 ساعت: 16:5

بعضی وقتها یهودیها و ارمنی ها خودشان را لو داده اند و به بعضی از این جعلیات اشاره کرده اند:
یکی از قدیمترین اسناد تاریخی درباره باباطاهر در راحه الصدورِ راوندی(احتمالایهودی) (حدود 601) است .منبعی کهنتر از راحه الصدور که اشاراتی به طاهر و مزار او در همدان دارد، نامه های عین القضات همدانی(میانجی) است که میان سالهای 520 و 525 نوشته شده است . روبن آبراهامیان لهجه باباطاهر را یکی از لهجه های متعددی دانسته که به لهجه کهن یهودیان همدان نزدیک بوده است .

ذبیح‌الله منصوري(آنوسی) حكايات گلستان و بوستان سعدي شيرازي را اقتباس شده از آثار يك شاعر يهودي مصري به نام «سعديه» ميداند.همچنانکه «درنبورك» خاورشناس معروف خصوصا راجع به این موضوع در كتاب خود موسوم به «شرح حال سعديه شاعر يهودي مصر» صحبت كرده است.»

خاندان "حکیم الهی" یکی از معروفترین خاندانهای یهودی ایران هستند. یکی از یهودیان این خانواده، پس از اینکه اعلام می کند مسلمان شده است، نام "ذبیح الله منصوری" را بر خود می گذارد که مترجم معروف کتابهایی چون "امام صادق، مغز متفکر جهات تشیع"، "امام حسین و ایرانیان"، "محمد پیغمبری که از نو باید شناخت"، "سینوهه، پزشک مخصوص فرعون" و دهها کتاب دیگر است. اما امروز آشکار شده است بسیاری از کتابهایی که منصوری ادعای ترجمه آنها را داشته، ساخته و پرداخته ذهن خودش بوده است و نویسندگان خارجی آنها وجود خارجی نداشته اند. از جمله این کتابها، "امام صادق، مغز متفکر جهان تشیع" است که به ادعای ذبیح الله منصوری در مرکز اسلامی استراسبورگ و توسط جمعی از شرق شناسان غیر مسلمان تألیف شده است که وجود خارجی ندارد.یا کتاب "ملا صدرا"ی هانری کربن (ترجمه منصوری) که واقعاً چنین کتابی نوشته نشده است(وقتی هانری کربن فرانسوی در زمان حیاتش به ایران سفر کرد از وجود و تالیف چنین کتابی از طرف خودش شگفت زده شده بود و اظهار بی اطلاعی میکرد).

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 5 تیر1387 ساعت: 18:36

خانم نسرین. اطلاعات موجود در کامنت های شما می تواند مورد استفاده ی دوستان و شرمساری و باز شدن احتمالی چشم دشمنان باشد. به چه علت آن ها را خصوصی می فرستید؟

آقای سئوال. آن کرسی متعصبان سنی است که مشغول پختن آش دیگری برای اسلام اند. آن ها به مطالب جدید علاقه و توجهی ندارند و هنوز مایل اند که اسلام با ضرب شمشیر دیگران را به راه راست هدایت کرده باشند!!!

آقای معتقدی. در این باب، قرآن عالی ترین سند آگاهی است. بدانید نه تنها انتقال کنیسه و کلیسا به لجنزار شرک قدیم نیست و در زمان ظهور پیامبر اسلام رخ داده، بل تا آن زمان هنوز جز یک تورات و انجیل شناخته نبوده، عناوین مکرر اناجیل هنوز پدید نیامده بود و انجیل سازی ها نیز امری قدیم نیست. به این دلیل روشن که خداوند در قرآن به تکرار فقط از انجیل نام می برد و نه اناجیل. از این جا می توان به عمق آشوبگری یهودیان در اطلاعات تاریخی، اددبی، دینی و مذهبی جوامع پی برد و می توان دریافت که تا چه حد قرآن را سرسری خوانده ایم و از اطلاعات متقن آن برای رسوا کردن جاعلان یهود استفاده نکرده ایم!؟

نویسنده: رضا

چهارشنبه 5 تیر1387 ساعت: 20:8

خانم نسرین ، با تشکر از اطلاعات ارسالیتان که بسیار مفید بود ، شخصی بنام هدایت اله حکیم الهی بعنوان خبرنگار و نویسنده در دهه 1320 وجود داشت که نوشته های افشا گرانه ای در مورد وضعیت جامعه زمان داشت کتبی مانند "با من به ارتش بیائید" ،"با من به دارالمجانین بیائید" ، "بامن به شهرنو بیائید" ، "بامن به مجلس شورای ملی بیائید" ، " ژیگولوها و ژیگولتها" و"دیکتاتور قرن" که وضعیت اجتماعی انروز را بیان میکرد، از آن اوست . آیا وی نسبتی با ذبیح اله داشت و آیا میدانید فرجام وی چه شد؟ با سپاس

وب سایت

نویسنده: دوست

چهارشنبه 5 تیر1387 ساعت: 19:23

استاد سلام خوبید انشاالله.

آقارضا. مطالب بانو نسرین زمانی جالب میشه که بخش دوم جملاتشون از کتاب پروفسور دکتر مهندس استاد زرین کوب (از سری کتابهای مورد علاقه ی حامد خان!) است. به این لینک مراجعه کنید.

id=263&task=view&http://www.mahmoodkavir.com/persian/index.php?option=content

بای

نویسنده: اتفاق

چهارشنبه 5 تیر1387 ساعت: 23:50

اطلاعیۀ شمارۀ 7 : دوستان عزیز

سلام علیکم . وقت شما بخیر
احتراماً :
آزاد مردی از برادران دینی و هموطنان ترکی زبان ساکن و شاغل در تهران ، که نام آشنا هست و در پایگاه « حق و صبر » ، شناساست ؛ چندی پیش با من تماس گرفت و نظر به حسن ظنی که به راقم داشت ؛ چنین بیان فرمود که بر آن است چند صد نسخه از مستند « تختگاه هیچ کس ؟! » تکثیر نماید و با ارسال آن برای نگارنده ، مرا در چگونگی توزیع مخیر سازد . امروز طی 4 کارتن ، 600 نسخه از فیلم ، به انضمام تعداد متناظری پاکت و لیبلِ شماره دار و اتیکت رنگی ، به صندوق پستی من آمد . بزرگواری و بزرگ مَنِشی آن دوست ، بنا به درخواستی که داشت ؛ مانع از نام بردنش می شود ؛ اما خواستم بدین طریق ضمن آگاه سازی دوستان از این خبر خوش ، اولاً اعلام کنم که این کار بالغ بر 000 500 4 ریال برای آن عزیز هزینه دربر داشته است ؛ و ثانیاً دوستان اگر ایده ای برای توزیع دارند ؛ مرا در جریان قرار دهند تا بتوانیم بهترین استفاده را از این همه نسخه داشته باشیم . خداوند ایشانرا توفیق خیر دهد و بر من نیز کمافی السابق ، ابواب لطف گشوده دارد تا با این مهمات ، کاری در شأن پایگاه و مرتبۀ « حق » ، انجام دهد ؛ چنانکه گزارشات پخش این نسخ ، در آینده خدمت دوستان اعلام خواهد شد .

ان ارید الا الاصلح ما استطعت و ما توفیقی الا بالله
علیه توکلت و الیه انیب

نویسنده: نسرین

پنجشنبه 6 تیر1387 ساعت: 1:50

سلام آقای پورپیرار

در مورد آشوریها که آقای عثمان محمدی پرسیده بودند که مربوط به آشوریهای باستان میشوند یا نه مطلبی در دایره المعارف اسلامی در این باره آمده که جالب است:مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی

آسوریان یا آشوریان در ایران، عراق، ترکیه، سوریه، اردن، لبنان، ایالات متحدهٔ امریکا، قفقازو برخی از کشورهای اروپایی زندگی می‌کنند. آسوریان ایران بیشتر ساکن تهران و ارومیه‌اند و در اهواز، کرمانشاه، همدان، قزوین، اصفهان، تبریز، و

سلماس نیز زندگی می‌کنند. بجز ایران، مناطق کوهستانی عراق و ترکیه هم از مراکز تجمّع سنتی و مهم آسوریان است.

آسوریان، مسیحیان سریانی‌زبان و از خانوادهٔ سامی‌اند. اینان از دیرباز به اعتقاد نستوری پای‌بند بوده‌اند، لیکن در میان آنان آسوریان یعقوبی مونوفیزیت و گروهی وابسته به کلیسای کاتولیک رم ـ که خویشتن را کلدانی می‌خوانند ـ و اندکی ارتودُکس یونانی و پروتستانت انجیلی نیز یافت می‌شود. به علاوه، در حوالی سلماس آسوریانی زندگی می‌کنند که یهودی‌اند و به لهجهٔ خاص خود، آرامی یهودی سخن می‌گویند اما اینان همگی سابقهٔ تاریخی مشترک دارند و اختلافات اعتقادیشان بعداً بروز کرده است (بجز آسوریان یهودی، که اطلاع درستی از سابقهٔ تاریخی آنان در دسترس نیست).

مارونیان لبنان نیز از مسیحیان سریانی شمرده می‌شوند و وجه مشترک همهٔ این گروهها قبول زبان‌سریانی به عنوان زبان دینی است، هرچند که تکلم هر گروه به زبان محلی خویش است.

نویسنده: نسرین

پنجشنبه 6 تیر1387 ساعت: 1:51

آسوریان خود را از نسل آشوریان کهن، یعنی مردم کشوری که در 612ق م به دست مادها و متحدین آنان مضمحل شد، می‌دانند، اما بر سر این سخن گفتگوهای بسیار است. آشوریان باستانی، قوم و کشور خود را اشّور می‌نامیدند، اما آسوریان خود را سورایی . اسّورایی ، و اثورایی می‌نامند، که نام اخیر بیشتر به آسوریان کوهستان‌نشین اطلاق می‌شود .واژهٔ سورایی (به معنی سریانی = سوریه‌یی) را شاید بتوان اختصار اسّورایی (آشوری) دانست. ولی درستی این فرض مسلم نیست ، چنانکه گروهی برآنند که نام آسوری برای این قوم سریانی‌زبان عنوان جعلی است و به قول فیلیپ حتّی، مبلغین آنگلیکن این نام را رواج دادند، و در آن زمان مورد پذیرش رهبران قوم نیز قرار گرفت!
زبان آسوریان امروزی دنبالهٔ زبان اشوریان باستان نیست، بلکه آنها خویشاوندی دوری با آن دارد. زبان آسوریان (سریانی) همچون زبان آشوریان از خانوادهٔ بزرگ زبانهای سامی یا حامی ـ سامی). زبان آشوری باستانی، یا زبانی است مستقل و یا لهجه‌یی است از زبان بابلی باستان، و به هر حال از گروه شرقی زبانهای سامی شمرده می‌شود، ولی منشأ زبان سریانی از شاخهٔ، شمالی این خانواده. زبان آسوریان امروزی که به آرامی تلمود بابلی و به زبان مندایی نزدیک است به نامهای آرامی جدید و سریانی جدید نیز خوانده می‌شود. کسانی را که به این زبان سخن می‌گویند سریانیان و آسوریان می‌نامند و تنها بعضی، آنان را «آرامیان» نامیده و یا از بقایای آرامیان شمرده‌اند.
avaid=211&http://www.cgie.org.ir/shavad.asp?id=130

نویسنده: نسرین

پنجشنبه 6 تیر1387 ساعت: 1:52

آقای رضا. من در مورد هدایت اله حکیم الهی اطلاعی ندارم.

لکها احتمالا از قفقاز به ایران آمده اند و به زبان لکی که زبانی قفقازی است صحبت میکردند(لکها اکنون هم در جنوب داغستان در قفقاززندگی میکنند) ولی احتمالا با ورود به غرب ایران زبان یهودیان این مناطق را جایگزین زبان خود کرده اند (همان زبان باباطاهر) !

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 6 تیر1387 ساعت: 7:7

آقای معتقدی. درست برعکس. آیه ی 7 سوره ی آل عمران، محکم ترین متن در رد اختیار تاویل و تفسیر بر مطالب قرآن است. نخست این که مفسرین غالبا و فضولانه به تفسیر متشابهات می پردازند، حال آن که آیه اعلام نظر در این باره را در ید و اختیار مطلق خداوند گفته است و دیگر و مهم تر که با صراحتی غریب تذکر می دهد که مومن و راسخ در علم خود را از رجوع به تفسیر و تاویل بی نیاز می گوید و صرف سخن خداوندی را حجت بی خدشه و غش بر درستی هر نازل شده ای از جانب خداوند می داند. به گمان من آیه 7 سوره آل عمران تاکید الهی در بی نیازی قرآن به تفسیر و تاویل و خطابه ای چند وجهی علیه مداخلات مفسرین در آیات کتاب مبین است.

آقای اتفاق. مورد اول موزهز خوانده می شود که گفته اند نام ملکه ای است. مورد دوم فرللتو خوانده می شود که بی شک غلط املایی دارد. سوم ونونز خوانده می شود که شاید هم ونوس باشد. چهارمی فرآتون است که می تواند نام شخص باشد.

آقای azerbaycanli. به یاد نمی آورم که مطلبی از شما رسیده و نصب نشده باشد. در مباحث کلان این گونه رفتارها و مکالمات عادی است و به جدال مدرسوی و حوزوی معروف است.

آقای توحید. شریعتیگری دیگر وجود ندارد و به ترین نقد برای کتاب ها و سخن رانی های او دو باره خواندن و شنیدن آن ها با

ذهنیتی بنیان اندیشانه است. ضمنا حاملین ادیان جهانی، موسی و عیسی و محمد و بودا نیازی به اثبات ندارند، زیرا که کنیسه و کلیسا و مسجد و معبد دلیل حضور ادیان یهودی و مسیحی و اسلام و بودیسم است. اگر این دین ها وجود دارند پس مبلغ و معرف اولیه ای نیز داشته اند، زیرا این گونه اندیشه های کلان با باران نازل نمی شوند.

آقای اتفاق. به ندرت بر اصل سکه ها نیز غلط های املایی آمده است، مثلا V به صورت Y ثبت شده که به علت عدم دقت حکاک قالب است. اگر آن چند لغت را نام اشخاص فرض کنیم باید به ز ختم شوند اما گاه این طور نیست .

نویسنده: سرباز

پنجشنبه 6 تیر1387 ساعت: 13:33

سلام استاد عزیز
خسته نباشید

با عرض شرمندگی، ولی سوالات من بدون پاسخ ماندند!

سوالات من:

1- آیا اصطلاح "مشرکین" در قرآن، فقط و فقط به اهل کتاب بر می گردد و لا غیر؟

2- آیا کاربرد بسیار وسیع و پراکنده ی لفظ "مشرکین" و مشتقات آن در جای جای قرآن دلالت بر این دارد که پروسه ی تبدیل شدن یهود و نصاری از یکتاپرست به مشرک، نسبتا" زودهنگام تکمیل شده، پرونده ی آنان بسته شده و سپس مدت زمان طولانی به محکوم و مطرود کردن آنان در قرآن گذشته است؟

نویسنده: بی نام

پنجشنبه 6 تیر1387 ساعت: 14:50

جناب رضا
سلام علیکم
استاد پروفسوردکتر هدایت الله حکیم اللهی پدر جامعه شناسی عملی,روزنامه نگار ,نویسنده,جامعه شناس و صاحب کرسی استادی در اکسفورد,ممنوع الخروج و زندانی خانه نشین زمان شاه با بدنی علیل یاد مان شکنجه های ساواک که در سالهای پایانی عمرش که مصادف با پیروزی انقلاب بود مورد بی مهری رژیم جمهوری اسلامی نیز قرار گرفت وتنها دارائیش را که پمپ بنزینی در خیابان شهناز سابق در تهران بود و دولت هویدا بواسطه عدم امکان انکار ایشان و احتمالا" ترس از تخریب چهره رژیم به او داده بود (حق السکوتی که هیچگاه این استاد عظیم الشان بدان پایبند نبود)باز پس گرفت . ایشان متولد روستاهای ساری وارتباطی با ذبیح اله منصوری ندارد.ایشان 72 اثر که اکثرا" در زمینه جامعه شناسی غملی است از خود به جا گذاشته که هر کدام در نقد معضلات اجتماعی زمان خود بسیار به جا بود.اخرین اثر ایشان که در سن با لای70 سالگی نوشتند گیتا دختر کولی یا همان خاطرات یک دیکتاتور بود.
امروز یادی از ایشان کردید وبه جا دیدم که کلامی در باره این استاد مظلوم وفراموش
شده بگویم.
روحش شاد و یادش گرامی باد.

نویسنده: حاجی زلده

پنجشنبه 6 تیر1387 ساعت: 15:12

با عرض سلام و خسته نباشید
استاد گرامی، به گمانم آیه ی 7 سوره ی آل عمران خود نمونه ای باشد بر آیات متشابه ، در هر حال از لطف و توجهتان ممنونم، صبر میکنم تا از روشنگریهای مضاعفتان در "اسلام و شمشیر 2" مستفیض شوم .ان شا’الله
خداوند حافظ و یاور شما باشد.

نویسنده: رضا

پنجشنبه 6 تیر1387 ساعت: 19:7

جناب بینام از توجه و توضیحتان متشکرم . ایشان از جمله کسانی بودند که برخی از آثارشان را پیش از انقلاب در دسترس داشتم و مطالعه آن کتب تاثیر عمیقی در شناخت جامعه فاسد شاهنشاهی در من داشت. از ویژه گیهای مرحوم حضور شخصی در اماکن مختلف و بررسی عملی و نگارش عینی مطالب بود. متاسفانه آن آثار گرانقدری که من از قدیمیها بیادگار داشتم در اثر یغمای عناصر ضد شاهنشاهی !!برباد رفت و تنها خاطره ای در ذهن من برجاست. اما سالهاست که من در

هرکجا که بحثی بوده از کتب ایشان نقل قول می کنم . روانش شاد. توضیح دوستمان در مورد اینکه "حکیم الهی ها " از یهود مهاجر بودند و ... مرامتعجب کرد و مایه سوال بنده بود.

وب سایت

نویسنده: تلمیذ

پنجشنبه 6 تیر1387 ساعت: 20:14

انشاالله خداوند همه ما را به راه راست هدایت فرماید.

نویسنده: یولداش

پنجشنبه 6 تیر1387 ساعت: 22:29

اگر ممکنست در مورد شیخ لطف الله هم بنویسید و اینکه ایا چنین شخصی واقعیت وجودی داشته است یا نه ؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 6 تیر1387 ساعت: 23:2

فریبا خانم. چنین می نماید که خود صاحب نظری باریک اندیشید و با مراجعه به قرآن پاسخ هی مناسب را خواهید یافت. جز این که قید خداوند از توسل به تاویل را از نظر نیاندازید. نگران تهدیدهای توخالی آن جریده های خرافی یهود ساخته نیز نباشید. ده ها مورد آن ها را یافته و به سطل زباله فرستاده ام، بی این که از نفرین های آنان خبری باشد چنان که از انجام وعده های همراهی آنان نیز نشانی نیافته ام.

آقای تلمیذ. از شما جز همین چند سطر پیام دیگری نرسیده است.

آقای یولداش. اطلاعات رسمی موجود در باره ی صفویه در هیچ اندازه و به هیچ نامی درست نیست. حوصله کنید.

آقای آتیلا. ممنون. راه دیگری جز بنیان اندیشی گشوده نیست.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 7 تیر1387 ساعت: 2:17

آقای فتح. به ای میل شما پاسخ فرستادم. آدرس جدید هم در زیر ثبت است.www.naria5.blogfa.com

وب سایت

نویسنده: مشرقی

جمعه 7 تیر1387 ساعت: 7:14

باسلام خانم نسرین مطالب شما جالب واموزنده است .در باره بختیاریها اگر اطلاعاتی دارید دریغ نفرمایید متشکرم

نویسنده: سئوال

جمعه 7 تیر1387 ساعت: 9:30

1- کافران آسوده بخوابید که ما مسلمانان در درون جنگ «شیعه و سنی» بر پا کرده ایم. یعنی بر پا کرده اید ....
6- مورخان یهودی ایران باستان را بسیار باشکوه نشان می دهند تا نتیجه بگیرند که اعراب تمدن ایران را از بین برده اند.
7- مورخان شکوه تمدن ایران را از 2500 سال پیش شروع می کنند. در حالیکه این تاریخ, زمان غروب تمدنهای باشکوه ایلام, سومر, بابل بوده است
8- حمله و کتابسوزی اسکندر, حمله و کتابسوزی اعراب حمله و کتابسوزی مغولها... همه دروغ است و تمدن سوزی یهود واقعیت است.........
9- تاریخ ایران باستان, ساخته و پرداخته یهودیان است و بدلایل سیاسی و دینی آنرا بدروغ نگاشته اند
با سلام
ویروس جدیدی که وارد کامپیوتر میشود و این عبارات را در صفحه کامپیوتر به نمایش میگذارد.بندهای زیادی داشت ولی این بندهاش برایم جالب بود.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 7 تیر1387 ساعت: 13:28

آقای حسن زاده. در آن باره به خواست خداوند آن چه را می دانم بیان خواهم کرد، به شرط این که حوصله کنید و عمری باقی باشد.

آقای سئوال. این متن را باید به صورت زیر ادیت کرد: به جای کافران نوشت مشرکان. و به جای ایلام و سومر و بابل نوشت: سی ملت متمدن و پیش تاز شرق میانه.

آقای اتفاق. آن سی دی های اهدایی را اگر ممکن باشد تدریجا به آدرس پزشکان استان فارس با پست ارسال کنید و اگر کافی نبود خبر دهید تا کسری های آن تامین شود. اگر دوستان دیگر هم بتوانند در یک همکاری گروهی پزشکان هر استان را پوشش دهند، نتیجه ی مثبتی به دست خواهد آمد. این تجربه در باره ی مهندسان و پیمان کاران و مشاوران کشور با ارسال 1500 سی دی انجام شد و نتیجه عالی بود. باید به تدریج و پس از پزشکان، وکلای دادگستری، سردفتران، هیئت مدیره ی سندیکاها و صنوف و سازمان های فرهنگی را پوشاند. این سی دی ها در محیط کار و داخل خانواده ها و مجامع فامیلی و شغلی نفوذ خواهد کرد و موجب بروز یک سلسله گفتارهای روشنگر و تولد نیروی تازه ای خواهد شد که مشتاق دانستن بیش ترند. اگر دوستان بتوانند بر وسوسه ی حضور در وبلاگ های فحاش و پاسخ نویسی به آنان غلبه کنند، شاید بتوان به کارهای اساسی تر رسید.

نویسنده: حاجی زاده 1

جمعه 7 تیر1387 ساعت: 16:6

استاد پورپیرار گرامی سلام ،وقتتان بخیر
من به ان جریده ی تراوش شده از ذهن پلید اندیش آنوسیان اعتقاد و اعتنایی ندارم و آن مطلب را هم به قصد مطایبه و تحقیر و تمسخر چنین مهملاتی که هنوز در جامعه رواج دارد و ذهن خیلیها پذیرا ی چنین اراجیفی هستند ارسال کردم ،انسان دچار تاسف و تحسر می شود وقتیکه مشاهده میکند افرادی در قرن بیست و یکم، تعقل و حقیقت جویی را رهاکرده ،رجوع به عقل و قرآن را به فراموشی سپرده و همچنان دنباله روی خرافات بی بنیان ولی بنیان برافکنانه هستند، ضمنا" از آن روز به این طرف نه تنها جناب ملک الموت به ملاقاتم نیامده بلکه الحمدالله گشایشی هم در کارهایم حاصل شده است. اما در مورد آیات محکم و متشابه:

نویسنده: حاجی زاده 2

جمعه 7 تیر1387 ساعت: 16:7

بنده با این که با استناد به آیه ی مربوطه، سه ویژگی برای آیات متشابه بر شمردم ولی خودم غفلت کرده و در عمل و در فرضیاتم برخی شروط را از قلم انداخته و با اینکار و با متشابه تلقی کردن همه ی آیات مربوط به معاد، به خطا رفته و پای در وادی پرخطری گذاشتم.
ما قادر به دیدن خالق نیستیم ولی او را از روی آیات و مخلوقاتش می شناسیم و با قاطعیت میگوییم "لا اله الا الله" و "الله اکبر"(محکمات)، ما از جزییات خلقت بشر نیز بی خبریم، از اینکه چگونه گل تبدیل به گوشت و پوست و استخوان شده است،از چگونگی دمیده شدن روح در کالبد، ولی این دلیل نمی شود که خود را انکار کرده و یا آیات مربوط به خلقتمان را متشابه تلقی کنیم چرا که وجود داریم و این از بدیهیات و محکمات است، پس وقتی چنین خالق قادر و حکیمی با چنین مخلوقاتی، در آیاتی چون آیات دسته ی اول که ذیلا آمده می فرماید که معادی وجود دارد،آن از محکمات است و وقتی وارد جزییات می شود آن جزییات از متشابهات.

نویسنده: حاجی زاده3

جمعه 7 تیر1387 ساعت: 16:7

به این آیات توجه فرمایید:
((کیف تکفرون بالله و کنتم امواتا فاحیاکم ثم یمیتکم ثم یحییکم ثم الیه ترجعون)) بقره 28
((الیس ذلک بقادر علی ان یحیی الموتی)) قیامت 40
((و ان ربک هو یحشرهم انه حکیم علیم)) حجر 25
((ان المتقین فی مقام امین)) دخان 51
((یوم نبطش البطشةَ الکبری انا منتقمون)) دخان 16
((و ان عذابی هو العذاب الالیم)) حجر50
((الذین تتوفهم الملائکةَ طیبین یقولون سلام علیکم ادخلوا الجنةَ بما کنتم تعملون)) نحل 32
آیات صریح و کلی فوق در موضوع معاد، قیامت و زندگی اخروی ابرار و اشرار و بدون ورود به جزییات واقعه و یا شرح و توصیف جزیی آن نازل شده است، برای انذار و تشویر انسانها از سرنوشتی که در انتظارشان است و مطمئنا" جز٫ محکمات و ام

الکتاب هستند،و ایمان به آنها ایمان به متشابهات را هم در پی خواهد داشت.
حال به این آیات در همان موضوع توجه بفرماید:
((فاذا نفخ فی الصور ...)) مومنون101
((یوم ینفخ فی الصور فتاتون افواجا))
((ان شجرت الزقوم طعام الثیم کالمهل یغلی فی البطون کغلی الحمیم خذوه فاعتلوه الی سوا, الجحیم)) دخان47-43
((لها سبعةَ ابواب لکل باب منهم جز, مقسوم)) حجر44
((ان یوم الفصل میقاتهم اجمعین یوم لا یغنی مولی عن مولی شیا ولا هم ینصرون)) دخان 40،41
((ساصلیه سقر وما ادراک ما سقر لاتبقی و لا تذر لواحةَ للبشر علیها تسعةَ عشر)) مدثر30-26
خداوند در آیاتی برای شرح جزییات وقایعی که بعد از مرگ رخ میدهد و برای سهل کردن فهم انها از تمثیلهایی زمینی و دنیوی استفاده میکند و گاهی هم از الفاظی که معانی انها نزد خدا مکتوم است مثل صور، سقر، عدد نوزده و...
آیات فوق می توانند نمونه هایی از آیات متشابه باشند که ما صرفا" توانایی درک معنی جملات را داریم و نه تاویل آنها را و نیز آیاتی که در مقاله ی چهارم اسلام و شمشیر آمده بهترین نمونه های این دسته از آیات هستند.

نویسنده: توحید

جمعه 7 تیر1387 ساعت: 16:11

با سلام
استاد براي زنگ تفريح روز جمعه بد نديدم يك نگاهي به اين عكسها بندازيد :
http://irapic.com/uploads/1214589800.jpg
http://irapic.com/uploads/1214624592.jpg
اين يكي از درخشانترين نشانه هاي شناسايي جهودان بود كه شما ما رو با اون آشنا كرديد ، ستاره هاي داوودي اين عكسهاييه كه از جانماز خونمون گرفتم . اين يهوديان جنايتكار تا چه حد در جامعه ما نفوذ كردند ؟ صنعت منسوجات ما رو هم در اختيار دارند . حتي ازپول ساختن جانماز و سجاده و تسبيح براي ما مسلمونا براي استفاده اهداف پليد خودشون استفاده مي كنن .
نمونه هاي ديگه :
نوشابه هاي Pay Eny Peny for Save Israel = PEPSI
«هر پني را براي حفظ اسرائيل خرج كن»
نوشابه Coca Cola اگه آرم اين نوشابه رو بر عكس كنيم اين عبارت خونده مي شه :
«لا محمد لا مكه» :
http://irapic.com/uploads/1214666287.jpg

استاد به راستي خدا شما را براي ما حفظ كند . برايتان آرزوي سلامتي و توفيق دارم .

وب سایت

نویسنده: یولداش

جمعه 7 تیر1387 ساعت: 19:43

یکی از این سی دی ها رو منم میخوام به کی مراجعه کنم؟

نویسنده: محمود بجانی

جمعه 7 تیر1387 ساعت: 20:17

در قرآن آمده یونس به بیش از 100 هزار نفر فرستاده شد اگر یونس در نینوا باشد پایتخت آشور پس برخلاف نظر شما یک شهر باستانی خیلی پرجمعیت تر بود .

نویسنده: علی زارعی

جمعه 7 تیر1387 ساعت: 22:57

سلام بر شما
اخیرا یادداشتهای گرانبهای اسلام و شمشیرتان مجددا مطالعه نمودم اما سوالی پیش آمد که اسراییل چه کسی بوده؟ ضمنا تاریخ بنادر جنوبی کشورمان به چند سال می رسد؟با تشکر

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 8 تیر1387 ساعت: 0:59

آقای زارعی. یکی از یادداشت های اسلام و شمشیر پاسخ همین سئوال را می دهد. بنادر جنوب شرقی ایران، کهن نیستند.

آقای بجانی. اولا که در کدام آیه و در ثانی منظورتان چیست؟ یونس در نینوا را دیگر از کجا پیدا کرده اید؟!

آقای اتفاق. با این دو کتاب آشنا نیستم. احتمالا کتاب فروشی های شیراز بتوانند کمک تان کنند.

آقای یولداش. به طور خصوصی آدرس بفرستید تا ارسال شود و یا کسی را مامور کنید تا بخرد و برای شما بفرستد.

نویسنده: مکتب قرآن

شنبه 8 تیر1387 ساعت: 2:21

فروپاشی تئوری امامت وامام زمان وشکنجه فاطمه الزهراء(رض)
سنی نیوز:پژوهشگر ودانشمند شیعه عراقی به نتایجی دست یافته که اختلافات شیعه و سنی را برای همیشه از بین می برد!....یکی از پژوهشگران بزرگ وسرشناس شیعه عراق گفته است: به نتايجي دست يافته كه اختلافات تاريخي شيعه با اهل سنت را كنار زده و ثابت می كند كه اين اختلافات هيچ ريشه و اساسی ندارد.
http://www.islamkurd.com/magalat_maktabquran/p2_articleid/143

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 8 تیر1387 ساعت: 7:27

منوچ خان. ضرب المثل خیاط در کوزه افتاد را برای این طور مواقع ساخته اند. دوباره بنویسید.

آقای مکتب قرآن. هر بازبینی در تاریخ و به خصوص تاریخ اسلام، که از مبنای پوریم حرکت نکند، حتی اگر ظاهری مترقی داشته باشد، راه نجاتی برای یهودیان است.

آقای سئوال. هیچ نکته ی عجیب و غریبی در زندگانی من نیست که بتواند یک متعصب را بر سر عقل آورد. باید شاگردان تان را عادت دهید به نظریه بپردازند نه نظریه پرداز.

نویسنده: هیوا ایزدی از مریوان 09188749639

شنبه 8 تیر1387 ساعت: 9:32

سلام استاد پورپیرار
آقای مکتب قرآن
با سلام
بهتر است با نام خودتان یادداشت بگذارید و اگر هنوز آثار استاد پورپیرار را با تمام وجود نبلعیده و هضم نکردیده اید لا اقل با نام حرکتی که میراث آن در بین پیروانش به شدت مورد ستیز و اختلاف است یادداشت نگذارید مانند بسیاری افراد دیگر نام مستعار ویژه ی خود مطلبتان را بفرستید.

نویسنده: تلمیذ

شنبه 8 تیر1387 ساعت: 11:35

با سلام خدمت استاد و سایر دوستان
1-استاد حیف شد،الان دیگر به کامنتهایم دسترسی ندارم ولی به طور خلاصه از آقایان م.ستاره و میثم و بی نام که بددهنی های میثم را تائید می کند خواسته بودم که هر مسلمانی که ادعای مسلمانی و داعیه اتحاد مسلمین را دارد فقط و فقط باید به فرامین قران کریم عمل نماید،چنانچه خود پیغمبر اسلام هم فقط و فقط باید چنین می کرده است.بنابراین بددهنی و فحش و بد و بیراه به دیگران و توسل به دروغهایی دیگر برای اثبات جعلی بودن ترکان یا هر قوم و زبان دیگر برخلاف درسی است که ما از استاد پورپیرار با ارجاع به قرآن کریم یاد گرفته ایم.هر هرف و ادعایی باید با سند باشد.واینکه من خود از یکی از دوستان تاجیک در رابطه با تاریخ روستایشان پرسیدم.ایشان گفتند که گویا چند نسل پیش سه نفر از شمال شرق ایران به اینجا(منطقه ایی در جنوب ایران) آمده اند وبنای این سه روستای مجاور هم را گذاشته اند.خب اگر هرکس تا چند نسل پیش شجره نامه اش را می دانست آنوقت درک مباحث استاد پورپیرار در رابطه با تازه وارد بودنمان برای همه راحتتر می شد.
دیگر اینکه م.ستاره و میثم و دیگران برای پروژه اتحاد اسلامیان برنامه و مانیفست ارائه دهند،از کلی گویی بپرهیزند و اولویتها

را به روشنی مشخص کنند و به خاطر کاری که خود را موظف به انجامش می دانسته اند و می دانند از دیگران طلبکاری نکنند و منت بر دوش دیگران نگذارند.

نویسنده: تلمیذ

شنبه 8 تیر1387 ساعت: 11:42

2-سوال اینکه:
اکنون فکر می کنم کاشی را با سیمان سفید و پودر سنگ می چسبانند.در گذشته این کار را با چه ملاتی انجام می داده اند؟!آیا ساروج می تواند قرنها کاشی را بر دیوار نگه دارد؟!
3-مطابق قران کریم شرک اهل کتاب قبل از نزول قران کریم و در خلال نزول هم جاری بوده است و دلیل نزول قران کریم هم همین تحریف تورات و انجیل توسط ملاهای کنیسه و کلیسا بوده است،وگرنه چه نیازی به نزول قران وجو داشته است؟!

۱ ۲ >>

ایران شناسی بدون دروغ، 157، کاشی کاری در مساجد ایران - 70 نظر

نویسنده: نسرین

شنبه 8 تیر1387 ساعت: 11:49

یهودیان در روی کار آوردن دو سلسله قاجار و پهلوی نقش اساسی داشته اند:

حاجی ابراهیم خان کلانتر (صدر اعظم یهودی دوران قاجار)، در به سلطنت رساندن فتحعلی شاه قاجار نقش درجه اول ایفا کرد و توانست سمت صدراعظمی و لقب اعتمادالدوله را برای خود حفظ کند!
گفته شده که خانواده حاج ابراهیم کلانتر اجداداً اهل قزوین بوده و در سلک یهودیت بوده اند اما بعدها اسلام آورده (یا یکی از آنها اسلام آورده) از قزوین به شیراز کوچ می کنند و با خاندان حاج قوام الدین شیرازی(خانواده قوام شیرازی یهودی الاصل هستند) وصلت می نماید، و هم از موقعیت و همچنین مکنت آنها به نفع خود استفاده می کند بطوریکه پس از چندی اعتبار و ثروتی بهم زده از اعیان شیراز به حساب می آیند!
خانواده قوام شیرازی یهودی الاصل هستند و به خانواده‌هاشمیه شهرت داشتند زیرا جد آن‌ها یک یهودی جدید الاسلام به نام آشر بود که نام خود را به‌هاشم تبدیل کرد و پسرش،ابراهیم خان،همان کسی است که کلانتر شیراز شد و در به سلطنت رساندن فتحعلی شاه قاجار نقش درجه اول ایفا کردو در مقام صدراعظم فتحعلی شاه قاجار جای گرفت!

نویسنده: نسرین

شنبه 8 تیر1387 ساعت: 11:50

محمد علی فروغی(یهودی الاصل) ،ملقب به ذکاء الملک،فرزند محمد حسین ذکاء الملک اصفهانی است . با انقراض سلسله قاجار و روی کارآمدن سردار سپه،کفیل نخست وزیری گردید.پس از اینکه رضاخان بر تخت شاهی نشست‌فروغی به عنوان نخست وزیر،اولین کابینه او را تشکیل داد.او در دوران رضاخان سه بار به‌نخست وزیری رسید.
قبل از روی کار آمدن رضاخان نیز مدتی نماینده مجلس شورای ملی و زمانی نیز رئیس‌مجلس و در دورانی هم وزیر مالیه،وزیر دارایی،وزیر عدلیه،وزیر امور خارجه و رئیس دیوان عالی‌تمیز بود.فروغی در دوران سقوط رضاخان نیز نخست وزیر بود.جالب اینکه وقتی محمد رضاپهلوی به جای پدرش بر تخت سلطنت نشست باز هم فروغی به عنوان نخست وزیر اولین کابینه‌را در دوران محمد رضا تشکیل داد.
درباره میزان نقش فروغی در به قدرت رسیدن رضاخان و تأسیس سلسله پهلوی و عملکردسیاسی و کارنامه فرهنگی او در بعضی منابع،اطلاعات ارزشمند و خواندنی به چشم می‌خورد.مطالعه این اطلاعات نه تنها نشانگر تلاش‌های ضد اسلامی و تحرکات مرموز این عنصر فراماسون‌یهودی تبار است بلکه بیش از همه نشان دهنده ماهیت این قبیل عناصر سیاسی و پیوند آنها باکانون‌های پس پرده قدرت در دنیای معاصر است که به خوبی استراتژی هماهنگ امپراتوری‌صهیونیسم را در ابعاد سیاسی،تاریخی و به خصوص فرهنگی در کشور ایران تبیین و آشکارمی‌سازد!

نویسنده: نسرین

شنبه 8 تیر1387 ساعت: 11:54

منابع:

http://www.aviny.com/News/85/09/15/01.aspx

/http://khorashad.com/category

/http://octopus.parsiblog.com

http://www.farhang21.ir/serv03.htm

نویسنده: تلمیذ

شنبه 8 تیر1387 ساعت: 12:0

4-قابل توجه دوستان اینکه:
به نظر من منظور استاد پورپیرار این است که پشت سر تمام پان بازیها صهیونیستها قرار دارند.توجه کنید که یک اقلیت بسیار ناچیز در ترکیه می خواهد یک حزبی که رای حداکثری 70 درصدی مردم مسلمان ترکیه را پشتوانه دارد را منحل کند.آنوقت عده ایی می گویند ترکها چه دارند و چه ندارند!!!مهم این است که اکثریت مردم مسلمان ترکیه نیستند که با کردها درگیرند بلکه این سناریوهای پانترکیستی صهیونیستهاست که توسط عوامل مستقیم و غیر مستقیم و پنهان و پیدایشان در ترکیه در حال اجراست.یک ترک مسلمان با همسایه کرد مسلمانش چه خصومتی می تواند داشته باشد.وضعیت در ایران و سایر کشور های منطقه هم به همین منوال است.این مردم فارس زبان و یا تاجیک زبان ایران نیستند که حق ترکها و کردها و عربها و دیگران را ضایع می کنند.این اجرای سناریوهای تفرقه افکنانه صهیونیستهاست که چنین نتایجی را به همراه می آورد.من با همسایه و همکار تاجیکم چه مشکلی دارم؟!او هم مانند من گرفتار مشکلات و بدختی های خودش است.
بنابراین مشکل اصلی در اجرای سناریوهای هایی است که یهودیان می نویسند و بعد برای ایجاد کینه و نفرت توسط عوامل نفوذیشان که بیشترشان هم در دولتهای به اصطلاح سایه در کشورهای مسلمان و حتی غیر مسلمان فعال هستند وسیاستگذاران اصلی حکومتها هم هستند به اجرا می گذارند.توجه داشته باشید که هیچ کسی در هیچ کشوری از دنیا،به خصوص کشورهای موثر جهان و نیز کشورهای اسلامی،بدون تعهد به وفاداری به سناریوهای صهیونیستها به قدرت نمی رسند و اگر چنین باشد و از سیاستهای جهانخوارانه صهویینیستها پیروی نکنند عقیم شده و یا ساقط می شوند.
یک ضرب المثل قشقایی می گوید:yer seft olanda okuz okuz den gorer (یر سفت اولاندا اوکوز اوکوزدان گوره ر) یعنی وقتی زمین(شخم) سفت باشد گاوهای نر(زیر یوغ) از هم دیگر می بینند!!!یعنی گاوها همدیگر را به کمکاری متهم می کنند!

نویسنده: نسرین

شنبه 8 تیر1387 ساعت: 12:34

اصفهان شهری که یهودیان آن را ساخته اند:

جايي كه اكنون اصفهان ناميده مي‌شود از نخستين كانون هاي زندگي قوم يهود در ايران بوده است.
يهوديان چون به اصفهان رسيدند در مكاني كه ترجمه عبري آن «اردو زدن» معني مي‌دهد («اشكهان»: در اينجا مي‌نشينم) منزل كردند. همچنين در جلد سوم كتاب «اوصر نگينوت اسرائيل»، لغت اصفهان را عبري دانسته اند و آن را مشتق از «سپان» به معني پناهگاه مي‌دانند!
از «گز» در شمال شرقي اصفهان تا آبادي‌هاي «پريشان»، «خيزان» و «بنه اصفهان» در غرب آن و از منطقه «زفره» در جنوب شرقي تا «لنجان» در جنوب غربي اصفهان يادگارهايي از اين قوم برجاي مانده است. براي نمونه در پيربكران، در فاصله 30 كيلومتري جنوب غربي اصفهان، قبرستان وسيع و باستاني يهوديان اصفهان قرار دارد كه مقبره «استر خاتون» و يا به قول خود كليمي‌ها «سارَح بَت آشِر» در آن است. قديمي‌ترين سنگ نوشته يهوديان اصفهان، به طول 95 و عرض 75 سانتيمتر، در سال 1323 در آنجا يافت شد و اكنون بر ديوار يكي از تاق نماهاي داخل كنيسه نصب شده است. كتيبه اين لوح به خط عبري برجسته مشتمل بر آياتي از تورات بوده و متعلق به شخصي به نام «داود بن يعقوب» مي باشد!!

نویسنده: نسرین

شنبه 8 تیر1387 ساعت: 12:35

«هاروتون درهوهانيان» مورخ ارمني سده نوزدهم ميلادي، آن گاه كه به كوچ قوم خويش از ارمنستان به اصفهان مي‌پردازد، به اين مطلب مهم اشاره دارد كه در ميان 20 هزار مهاجر ارمني، تعدادي يهودي و زرتشتي نيز بودند. البته اين يهوديان،

بيشتر در كاشان مستقر شدند. اما به گزارش كاتف، جهانگرد روسي، كه در سال 1633 م. به اصفهان آمده بود تعدادي كليمي هم در جلفا به سر مي‌بردند، كه به نظر مي‌رسد با توجه به حضور يهوديان اصفهان در جوباره، اين دسته از همان مهاجران ارمنستان بوده اند!

حبيب لوي مي‌نويسد: يهوديان در سختي هولناك واقع شدند و عده‌اي از آنان نيز در جلفا بودند كه «ميناس» ارمني به آنها كمك مي‌كرد!

محمود دانشور در صفحه 138 كتاب «ديدني‌ها و شنيدني‌هاي ايران» از زيارتگاه‌هايي در اصفهان ياد مي كند كه سابق از اماكن مقدس يهوديان بوده است و در دوران صفويه و پس از آن، به ويژه، در زمان سلطنت ناصرالدين شاه و زعامت آقا نجفي در اصفهان رنگ امامزاده به خود گرفته‌اند! «بابايي بن لطف كاشاني» كه از سرايندگان يهودي ايران است شعري در شرح مسلمان نمودن اجباري آنان در زمان شاه عباس دوم سروده است!

نویسنده: نسرین

شنبه 8 تیر1387 ساعت: 12:36

محله جوباره اصفهان:

محله جوباره در شمال شرقی اصفهان فعلی واقع شده است که از جنوب به خیابان ولی‌عصرو از غرب به خیابان هاتف و از شمال به خیابان سروش محدود است و در حقیقت به شکل مثلثی از قدیمی‌ترین هسته‌های مرکزی شهر اصفهان جلب توجه می‌کند.زندگی مجتمع یهودیان ایران در یک نقطه از شهر و به عبارت دیگر در یک محله‌ی معین ریشه‌های کهن دارد. زندگی دسته‌جمعی یهودیان در ممالک اسلامی از زمان عمربن‌الخطاب شدت پیدا کرد، زیرا به دستور وی محدودیهای نسبت به یهودیان به عمل آمد و از آزادی آنها به شدت جلوگیری شد. یکی از محدودیتهای مهم برای قوم یهود در آن دوره، زندگی مجتمع آنان در محله‌ی شخص و معینی بوده است.البته باید متذکر شد که در مورد یهودیان اصفهان چنین امری صادق نیست. زیرا یهودیان اصفهان خود ساکنین قدیمی شهر اصفهان را تشکیل می‌دادند و پیوسته در محله‌ای که از زمان قدیم ایجاد شده بود زندگی می‌کردند، به طوری که قدمت این محله‌ی کهن را باید با قدمت شهر اصفهان فعلی یکسان دانست جوباره یک محله یهودی‌نشین بوده اما امروزه نمی‌توان اینمحله را کاملا" یهودی‌نشین پنداشت. قدیمی‌ترین قسمت آن، که در گذشته "دارالیهود" نامیده می‌شد و در مرکز این محله قرار داشت، هنوز یهودی نشین است.

نویسنده: نسرین

شنبه 8 تیر1387 ساعت: 12:38

میرزا حسین‌خان تحویلداراصفهانی می‌نویسد: "... و اصل جوباره اول شهر بوده و هست، نه محله‌ی بزرگ داشته است. بعد که شهر اصفهان بزرگ شده تمام جوباره یک محله‌ی آن حساب می‌شد. حال که جوباره خراب شده همین دو محله‌ی مزبور یعنی جوباره و دردشت از آن باقی است.
محله یهودی نشین جوباره از قدیم‌الایام دانشمندان و علماء و شعرای بسیاری را در خود پرورش داده از جمله:
1- محدث بزرگ ابوبکر محمدبن‌علی‌بن‌الحسین اسماءالجوباری "وفات 465 ه- ق"(یهودی)!
2- ابوالحسین، احمدبن‌ابراهیم‌بن‌صالح‌بن منذری‌جوباری، راوی حدیث و فقیه بزرگ قرن پنجم ه- ق(یهودی)!
3- شاعر مشهور، جمال‌الدین عبدالرزاق "وفات 585 ه- ق"(یهودی)!
4- شاعر گرانقدر کمال‌الدین‌اسماعیل‌بن‌جمال‌الدین‌عبدالرزاق "وفات 635 ه- ق"(یهودی)!

نویسنده: نسرین

شنبه 8 تیر1387 ساعت: 12:40

محله قینان اصفهان:

در کتاب‌های تاریخ انبیاء علیهم‌السلام می‌نویسند که: قینان فرزندانوش بن شیث بن آدم ابوالبشر علیه‌السلام بوده که بعد از فوت پدر نبوت یافته و عمر زیادی کرده است. آیا قینان ماربین و قینان فرزند انوش بن شیث یک نفر است یا دو نفر معلوم نیست و احتمال تعدد بیشتر است. در هر حال معروف آن است که در اصفهان و مزار تخت فولاد و دیگر مزارات، قریب سیصدنفر از پیغمبران و احبار یهود مدفون می‌باشند که عموماً قبور آنان غیر معروف است. 1- قِیْنان اکنون در جنوب پل مارنان و شمال محله جلفا و حد فاصل خیابان نظر شرقی، سه راه نر و خیابان خاقانی و در شرق محله مارنان قرار دارد.

بعضی از منسوبین به این محل: در قرن سوم و چهارم هجری، جمعی از محدّثین اصفهان اهل این دهکده بوده‌اند [که عبارتند از:]
1- احمدبن تاجیکه [مارباناني] از محدّثین، متوفی به سال 271هـ (ص123، جلد یکم، ذکر اخبار اصبهان)(یهودی).

2- احمدبن رستم ابوعلی ماربانانی اصفهانی، متوفی به سال 291هـ.ق. از مأمورین دستگاه سلطنت بوده است (ص264کتاب: آثار ملی اصفهان به نقل از ص79، جلد سوم، اللباب فی تهذیب الانساب)(یهودی).

نویسنده: فتح

شنبه 8 تیر1387 ساعت: 13:40

حالا که نسرین خانم از اصفهان گفتند بد نیست بدانید که مردم روستاهای گز و خورزوق ومیمه (که امروز همه مبدل به شهر شده اند) و البته همه هم مسلمان هستند به فارسی صحبت نمی کنند بلکه به زبانی خاص که به زبان و گویش یهودیان اصفهان نزدیک است صحبت می کنند من که مدتها در باره این مردم و اینکه چرا در اصفهان کسانی هستند که زبانشان فارسی نیست و دارای اماکن قدیمی هم هستند جست و جو کردم .با پرس و جو از بسیاری پیر مردان و پیر زنان بطور جداگانه و در روستاها یا همین شهرهای امروزی فقط یک جواب شنیدم که ما در اصل ایرانی نیستیم بلکه اجداد ما از بین النهرین به این منطقه کوچ کرده اند و در باره زبان هم می گویند این همان زبانی است که در آن منطقه اجدادما با آن صحبت می کردند،که امروزه با فارسی مخلوط شده است همه آنها متفق بودند که پس از اسلام به این منطقه آمده اند من از آنها خواستم تا قدیمی ترین قبرستانهای موجود را نشانم دهند و قدیمی ترین قبرها را ببینم اما با همه آگاهی که مردم گز از اجداد خود داشتند نتوانستند قبری به من نشان دهند که بگویند متعلق به چه کسی است و مقدم بر 200 سال قدمت دارد.البته در گز قبرستانی بسیار قدیمی بود و زمانیکه من از آنجا دیدن کردم تخریب شده بود و بر روی آن پارک و مدرسه ساخته بودند اما آثاری از آن موجود بود و جالب اینکه سازندگان اماکن جدید که با هر خاک برداری قبری را می یافتند و زیر و رو می کردند اصلا به این موضوع اهمیت نمی دادند. در گز مسجدی قدیمی نیز وجود دارد که آن هم کاشی کاری نداشت (امروزه نمی دانم دارد یا نه) این مردم گچ کاران قابلی دارند که اکثرا معماران از آنها برای گچبری و نقش اندازی در ساختمانها استفاده می کنند. اما همین مردم و زبانشان را باستانشناسان و زبانشناسان و مردم شناسان ایرانی از پارسیان و ایرانیان اصیل می دانند. گسترش این زبان که به گزی معروف است تا دلیجان میرسد که البته همه لهجه گزی را دست نخورده تر می دانند.

نویسنده: محمود بجانی

شنبه 8 تیر1387 ساعت: 13:42

سوره صافات آیات 139 تا 148:
و ان یونس لمن المرسلین - اذ ابق الی الفلک المشحون - فساهم فکان من المدحضین - فالتقمه الحوت و هو ملیم - فلو لا انه کان من المسبحین - للبث فی بطنه ای یوم یبعثون - فنبذنه بالعرائ و هو سقیم - و انبتنا علیه شجره من یقظین - و ارسلناه الی مائه الف او یزیدون (فرستادیم او را به سوی 100هزار یا بیشتر)
فامنوا فمتعناهم الی حین

کتاب یونس از عهد عتیق :
فصل 1 آیه 2 :
به شهر نینوا بزرگ نینوا برو و به اهالی آنجا بگو ...
فص1 آیه 7 :
آنگاه کارکنان کشتی تصمیم گرفتند قرعه بیاندازند ...
فصل 3 آیه 10 :
وقتی خدا دید آنها (مردم نینوا) از راههای بد خود دست کشیده اند بر آنها ترحم کرده و بلایی را که گفته بود بر ایشان نفرستاد

البته ماجرای یونس به نقل از قرآن و تورات اندکی تفاوت می کند ولی بن مایه و به قول جناب پورپیرار بنیان داستان در هر دو کتاب یکی است این مورد تطابق قرآن و تورات در داستان یوسف با وضوح خیلی بیشتری به چشم می خورد .
پس بنده سوال خود را دوباره می پرسم :
در قرآن آمده یونس به بیش از 100 هزار نفر فرستاده شد اگر یونس در نینوا باشد پایتخت آشور پس برخلاف نظر شما یک شهر باستانی خیلی پرجمعیت تر بود .
جناب پورپیرار پس قسمت اول سوال من منبعش شد آیه 147 صافات
و قسمت دوم مبنعش شد کتاب یونس فصل اول آیه 2
با احترام بسیار محمود بجانی.

نویسنده: آیدین قشقایی

شنبه 8 تیر1387 ساعت: 15:34

با سلام به دوستان
خانم نسرین

ابراهیم خان کلانتر بنیانگذار حکومت قاجاریه و بانی به سلطنت رسیدن آقا محمدخان قاجار است. بخاطر این خدمت، ملقب به قوام الملک شد که باغ قوام شیراز (نارنجستان قوام) از املاک شخصی وی بوده است.
گویا پدر ایشان آشپز کریمخان زند بوده و در تابلوی نقاشی به جای مانده از آن دوران، تصویر نقاشی دوران جوانی آقای ابراهیم خان کلانتر که در پشت سر آقای کریمخان زند ایستاده، بر روی آن مشخص است.
خاندان قوام الملک از دشمنان اصلی ملت ایران و از نوکران سراپا گوش انگلیسی ها بوده اند. همچنین ایلخانی گری ایل جعلی خمسه، که توسط انگلیسیها ایجاد شد، به آقای قوام الملک شیرازی داده شد و این ایل عملا به نفع انگلیس و بر علیه مردمان خودمان می جنگیدند.
پس از سقوط قاجاریه، خاندان قوام پایگاه قدرت خود را حفظ نمودند و حتی دختر قوام الملک همسر اسدالله علم (وزیر دربار حکومت پهلوی) می شود و ... .

وب سایت

نویسنده: سهراب

شنبه 8 تیر1387 ساعت: 16:27

هدف همه وبلاگهای مخالف خوان و فحاش که همگی بوسیله یهودیان راه اندازی شده و اداره می شوند فقط هرز دادن نیروی یاران استاد پورپیرار است و بس. هر نوع نزدیک شدن به این مشرکان فقط موجب نجس شدن افراد می شود. این مشرکان حداکثر تلاش خود را بکار می گیرند تا ماها را تحریک کنند و بدام بیندازند و نیرویمان را به هدر دهند و بعد از جلب رضایت یهوه بریش ما بخندند. از این منکران دوری کنید و خود را پاک نگه دارید که صم و بکم مطلق هستند و به قدر خردلی به راه راست نخواهند آمد همچنانکه اجداد مشرکشان براه راست نیامدند.

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 8 تیر1387 ساعت: 20:19

آقای سامان. خسته نباشید. هرچه این گونه مباحث گسترده تر شود آگاهی عمومی بیش تر و دروغ ها درباره ی تاریخ ایران سریع تر زدوده خواهد شد. برای متعصب ترین شان باید نسخه ای از مستند استاد غفوری را فرستاد تا دیدار از نور حقیقت بیدارشان کند.

آقای توحید. گرچه ممکن است به درازا بکشد اما به تر است تا زمان انتشار مقالات اسلام و شمشیر 2 حوصله کنید، که به خواست خدا مطالبی در این زمینه ها عرضه خواهم کرد.

آقای سلیم. بسیار دشوار به دست می آید اما اگر به کتاب فروشی های مقابل دانشگاه رجوع کنید دست خالی نخواهید ماند.

آقای فتح. اگر نمی توانید از طریق www.naria5.blogfa.com وارد وبلاگ شوید، پس چه گونه کامنت می گذارید؟ یک بار دیگر برای تان ای میل خواهم فرستاد.

آقای بجانی. مونتاژ اطلاعات قرآن و تورات موجب شده است که صد هزار نفر را در نینوا جای دهید، اما قرآن یونس را به پیامبری بر صد هزار نفر بدون ذکر محدوده ی جغرافیایی تعیین می کند که می تواند قوم و یا حتی اقوام مختلفی را شامل شود.

نویسنده: أمة الله

شنبه 8 تیر1387 ساعت: 21:39

السلام علیکم

امیدوارم در راه کشف حقایق موفق ومؤید باشید .

سخنان شما جلوه شیرین حقیقت را داراست و من خوشحالم با فردی مانند شما آشنا شدم.

مدتها این شك وحیرت در عقلم مرا مشغول کرده بود که علت اینهمه ارزش و تقدیر کوروش توسط یهود چیست؟!

و اینکه هر ساله یهودیان ایران خروس طلایی به شاه ایران تقدیم می کردند؟!

واقعاً دین اسلام همان حقیقت شیرینی بود که ایرانیان بواسطه اش راه های آزادی و علم را یافتند.

وتاریخ دروغین شاهان ظالم ایران به هدف از بین بردن حقیقت بوده است .

در عصر اسلام بود که علمای ایرانی ظاهر و مشهور شدند تا جایی که علما و امامان برجسته ی اسلامی از همین مرز وبوم بودند.

حقیقت این است که در عصر شاهان ظالم ایرانی اثری از علما نیست!

نوشته های شما را متابعت خواهم کرد.

زحمات شما را جز الله تعالی کسی قادر به تقدیر نیست.

جزك الله خیراً

وب سایت

نویسنده: محمود بجانی

یکشنبه 9 تیر1387 ساعت: 7:1

با سلام
جناب پورپیرار امیدوارم سوالاتم به حساب جسارت گذارده نشود زیرا واقعا قصد دانستن است نه خدای نکرده گستاخی - یک عمر بی سوال و جواب حرف دیگران را قبول کردیم نتیجه اش شده همین که شما اکنون در صدد تغییر آن هستید و البته در اساس با شما همکلام و هم عقیده هستیم ولی دیگر نمی خواهم به پاسخهای یک جمله ای جنابعالی اکتفا کنم - اما فعلا آنچه شما در جواب این سوال گفتید کاملا منطقی و مستحکم است زیرا در قرآن هیچ محدوده ای ذکر نشده است مگر اینکه به قرائنی دیگر دریابیم که یونس به سوی یک شهر فرستاده شده بود که می تواند با تتبع بیشتر قبول یا رد شود . فعلا به این اکتفا می کنم که تنها یک فرضیه است که چون یونس در ردیف پیامبران صاحب شریعت (صبق آیه 13 شوری که نام شریعت داران را نوح - محمد - ابراهیم - موسی و عیسی به همین ترتیب ذکر کرده) نیست
لذا بعید به نظر می رسد به سوی اقوامی مختلف فرستاده شود - البته اگر زبان این اقوام یکسان نبود یونس نمی توانست بر همه آنان پیامبر باشد. ضمنا جناب پورپیرار اگر قرار بود یونس به سوی اقوامی مختلف از طرف خدا ارسال شود با محاسبات شما باید به سوی 100 قوم مختلف ارسال می شد زیرا شما بر این عقیده هستید که یک شهر باستانی که بین 500 تا 1000 نفر جمعیت می توانست داشته باشد البته این مطلب را از گفته های جنابعالی در دانشگاه زنجان شنیدم و نمی دانم که آیا اشتباه شنیدم یا نه .
با احترام بسیار محمود بجانی

نویسنده: محمدی

یکشنبه 9 تیر1387 ساعت: 8:35

استاد پور پیرار

سلام علیکم

لازم دانستم مطلبی را در مورد باز نشدن وبلاگ های بلاگفا بگویم؛ جدیدا بلاگفا سیاستی را دنبال می کند تا به آن طریق وبلاگ هایی که با فیلتر شکن باز می شوند، نمایش ندهد. با توجه به این مطلب دوستان هنگام ورود به وبلاگ حق و صبر ، فیلتر شکن خود را غیر فعال نمایند.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 9 تیر1387 ساعت: 14:29

آقای بجانی. حتی اگر یونس را اعزام شده بر یک قوم هم بدانیم، ضرورتی ندارد که تمام آن قوم را جمع شده در یک شهر مثلا در نینوای مورد اشاره ی تورات گمان کنیم. برای ضریب تجمع در جهان باستان نیز می توان به اوضاع کنونی رجوع داد. شهرهای بزرگ تر و با امکانات و موقعیت به تر، جمعیت افزون تر و شهرها و قصبات کوچک تر و بی مایه تر جمعیت کم تر دارد، که میانگین آن ها در عهد باستان و کهن بیش از 200 خانوار یعنی همان هزار نفر نبوده است. چنان که طبق صریح تورات قتل عام پوریم در شوش دو روز به طول انجامیده که تعداد قربانیان آن در روز دوم افزون بر پانصد نفر شده است.
حقیقت این که انهدام گسترده ی پوریم کنکاش کامل در اوضاع مردم کهن در منطقه ی ما را دشوار و رسیدن به حجت بالغ و کامل را نیازمند بازبینی وسیع با حمایت مراکز مربوطه کرده است.

نویسنده: فتح

دوشنبه 10 تیر1387 ساعت: 3:45

آقای پورپیرار عزیز من از طریق سایتhttp://naria.ir/ مطالب را دنبال میکنم در بخش کامنتهای این سایت مدتی است پیامی به این شرح است"با سلام

دوستان می توانند با کلیک روی کلمه وب سایت در انتهای همین پیام، به بخش نظرات در وبلاگ حق و صبر دسترسی بیابند. "اما به خود وب شما دسترسی نداشتم ولی حالا توانستم وارد www.naria5.blogfa.com شوم از شما متشکرم.

نویسنده: احمدرضا فتوحی

یکشنبه 3 خرداد1388 ساعت: 9:28

من استاد کاشی کاری در اصفهان هستم لطفا به کارهای من توجه کنید
www.kashikari.blogfa.com

وب سایت

۱ ۲

ایران شناسی 158

نویسنده: عثمان محمدی

یکشنبه 9 تیر 1387 ساعت: 20:48

با سلام و خسته نباشید و تشکر نسبت به مدخل جدید
جناب استاد
با توجه به اینکه تئوریسین ها و رهبران اصلی اندیشه ی مارکسیسم و کمونیسم اصلا یهودی بوده اند ازجمله پیغمبرشان مارکس . آیا تولد و ترویج این اندیشه نیز از شمار توطئه های جماعت یهود به شمار می آید ؟
آیا هدف اصلی مقابله با اسلام بوده است ؟

آیا در اتحاد شوروی یهودیان نیز به اندازه مسلمین و مسیحیان در فشار بوده اند ؟ آنچه که مشخص شده است ارمنیان در ارتباط با شعایر دینی و زبانی و خط خود کمترین فشار را متحمل شده اند !
سبب اصلی اضمحلال بلوک شرق و اندیشه مارکسیستی چه بود ؟ آیا تاریخ مصرفشان برای یهود تمام شده بود ؟
با سپاس و تشکر فراوان

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 9 تیر 1387 ساعت: 21:39

آقای ------------------. با حواس جمع فرصت می دهیم تا سرانجام همانند نظایر دیگر خود را علنی کند.

آقای محمدی. به گمانم پاسخ کوتاه به سئوالات شما سه جلد کتاب می شود که جمله ی پایان جلد سوم آن چنین است: کنیسه و کلیسا در 1400 سال اخیر لقمه ای به دهان نبرده اند مگر که پیشاپیش نزد عیسی و عزیر دعای اضمحلال مسلمانان و تعطیل قرآن را خوانده باشند.

نویسنده: محمود بجانی

دوشنبه 10 تیر 1387 ساعت: 0:10

با سلام
البته جناب پورپیرار مقالات ایران شناسی شما را دنبال می کنم و اگر مطالب شما را آشفته نکرده باشم و جسارت نباشد می خواهم در مورد یونس بپرسم زیرا هنوز برایم حل نشده است .
جناب پورپیرار اگر یونس به 100هزار نفر فرستاده شود و هر شهر به تعبیر شما حدود 1000 نفر جمعیت داشته باشد حدودا به سوی 100 شهر فرستاده شده است چیزی که در مورد پیامبران بزرگ صاحب شریعت که رسالتشان تقریبا جهانی است وجود ندارد مثلا پیامبر بزرگ اسلام شاید در حجاز و شهرهای عمره مکه و مدینه و طائف و یکی دو شهر دیگر تبلیغ می کرد (البته برای اینها قرائنی در قرآن احتمالا نیست یا من نمی دانم)
لذا شاید یونس حق داشت که از زیر بار این رسالت سنگین یعنی تبلغ در 100 شهر که لابد فواصل معقولی هم داشته اند شانه خالی کرده و گرفتار شکم ماهی شده و البته سپس توبه کند ...

می بینید که جناب پورپیرار قبول جمعیت 1000 نفری برای یک شهر باستانی نتیجه ای که به بار می آورد نمی گویم نامعقول است ولی چندان هم معقول به نظر نمی رسد - و البته من منکر پوریم نیستم و خدای نکرده قصد مچ گیری ندارم ولی می خواهم بدانم چگونه این داده ها در کنار هم قرار می گیرد :

1- یونس به 100 شهر 1000نفری فرستاده شد

2- یونس به 10 شهر 10هزار نفری فرستاده شد

3- یونس به 1 شهر 100هزار نفری فرستاده شد

4- یونس به 3 شهر 33هزار نفری فرستاده شد

5- یونس به x شهر y نفری فرستاده شد

شاید نظر شما که جایگزینی برای متغیرهای مورد 5 بیان فرمایید مرا بیشتر راهنمایی کند با توجه به آیه 147 صافات. و بدون توجه به تورات.

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 10 تیر1387 ساعت: 1:22

آقای بجانی. گمان می کنم به جای ضرب و تقسیم به تر بود به کلمات پاسخ قبل توجه می کردید: "برای ضریب تجمع در جهان باستان نیز می توان به اوضاع کنونی رجوع داد. شهرهای بزرگ تر و با امکانات و موقعیت به تر، جمعیت افزون تر و شهرها و قصبات کوچک تر و بی مایه تر جمعیت کم تر دارد، که میانگین آن ها در عهد باستان و کهن بیش از 200 خانوار یعنی همان هزار نفر نبوده است". مفهوم میانگین این است که هر دهی نیز از نظر تعداد شهری شمرده می شود. ضمنا شناسایی جزییات آماری اقوام کهن زمانی میسر است که لااقل از موقعیت جغرافیایی و اقتدار فرهنگی و تمدنی آن ها آگاه باشیم که حقیقت آن فقط نزد خداوند منان است. این برداشت سالم از آمار عرضه شده در قرآن است مگر این که در کار ابطال عدد منقول در قرآن و یا رد ضربه ی ناشی از یادداشت جمعیت شناسی تاریخی باشیم. راستی چه طور است به همان یونس تورات قناعت کنیم؟!!

نویسنده: آتیلا

دوشنبه 10 تیر1387 ساعت: 2:31

از خواندن این سری از مطالب فقط لذت می برم و مشتاقانه منتظر مطالب بعدی هستم

نویسنده: رضا

دوشنبه 10 تیر 1387 ساعت: 11:18

جناب پورپیرار با عرض سلام و قدردانی از زحمات شما ، آیا آدرس ایمیل شما این است: (pirna44@yahoo.com <pirna44@yahoo.com>) آگر چنین است بنده درخواستی ارسال کرده ام و اگرنه لطفا آدرس صحیح را اعلام بفرمائید.

وب سایت

نویسنده: بختیار

دوشنبه 10 تیر 1387 ساعت: 12:15

استاد عزیز با عرض سلام و تشکر از مطالب رسا و روشنگر و طبق معمول بی منتقدتان.
من دقیقا متوجه پاسخی که به آقای بجانی دادید نشدم. اگر ممکن است بیشتر توضیح بفرمایید.
با نهایت احترام قلبی

نویسنده: بختیار

دوشنبه 10 تیر 1387 ساعت: 12:19

استاد عزیز با عرض سلام مجدد

لطفا در صورت امکان و اگر به سلسله مطالب مربوط میشود در خصوص زاویه چهل و پنج درجه ای میدان با قبله و چگونگی اصلاح ماهرانه آن (به زعم خیلیها) توضیح بفرمایید. نیز آنکه آیا میدان مذکور به اصطلاح محل مصلی بوده است و یا خیر تلفیقی از بازی تفرجگاه و محل عبادت داشته است؟

نویسنده: ساسان

دوشنبه 10 تیر 1387 ساعت: 13:15

بزودی و به خواست اهورامزدا مقاله سنگینی و پربار و و گوهرباری درباره کاشیکاری بخواهم نبشت که ثابت می گرداند کاشیکاری یک هنر نیکوی آریایی و مال هاخامنشیان می باشد و علت این که دوباره از دوره قاجاریهای نانیکو تبار و نانیکو گفتار احیا می گردد این می باشد که آریاییان در آن زمان از دست ترکها خسته گشته بودن و در سدد برآمده ببودند تا هنر نیکوی آریایی خویشتن را احیا بگردانند چونکه در طول حکومت

نانیکوی عربها و تازیها و مغولها و ترکها حکومت در دست آریاییها نبود و آریاییها قادر نمی بودن کاشیکاری انجام نمایند.

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 10 تیر 1387 ساعت: 13:18

آقای رضا. آدرس ای میل درست است ولی از شما ای میلی نداشته ام.

آقای بختیار. بعید است چنین میدانی در عهد صفویه برقرار بوده باشد، زیرا آن چند رسامی هم که به ضمیمه ی یادداشت های سفرنامه ها ارائه داده اند شبیه میدان امروزی نیست و گمان می کنم که میدان نقش جهان کنونی محصول چند قرن مداخله و مقصدهای مختلف است. به طور عمده بگویم که از تخت جمشید تا یک امام زاده ی پرت افتاده را به صورت های گوناگون، چنان ابزار منظورهای خود قرار داده اند که اصل بر نفی ادعاهای موجود در باب تمامی آن هاست.

آقای سلیم. از نظر من هیچ مشکلی نیست انتقال مطالب این وبلاگ و فیلم و کتاب ها به هر صورت بلامانع و موجب امتنان است.

نویسنده: عماد

دوشنبه 10 تیر 1387 ساعت: 14:10

نقلی برای ثبت در تاریخ و اطلاع:
محقق ارجمند استاد ناصر پورپیرار اخیرا در سلسله يادداشتهاي ايرانشناسي بي دروغ و بي نقاب، شماره هاي 157 و 158 با گشودن مبحث زمان واقعي رواج کاشيکاري در بناهاي اسلامي ايران و منشا آن، نتايج بس خواندني را براي مورخان و محققان عرضه کرده اند. مبناي بحث ايشان بيسار ساده است: قديمي ترين عکسهاي گرفته از بناهاي اسلامي در ايران در طي 150 تا 100 و بعضا 50 سال اخير نشان مي دهد که هيچ بناي اسلامي در ايران کاشيکاري ندارد! در عوض از زمان پيدايش مسئله مرمت آثار تاريخي از سوي شرقشناسان يهودي نظير پوپ از دوره رضا شاه، تمام اين بناها بتدريج با کاشي روکش مي شوند و از اين طريق کتيبه هايي بر روي اين بناها نصب مي گردد که بر روي يکي از آنها نوشته شده مقبره امير تيمور ساخته شده در سال فلان و بر روي يکي ديگر نوشته شده خانقاه فلان ساخته شده در سال بهمان و ... بدين ترتيب پادشاهان و

سلسله هايي كه هرگز وجود نداشتند، با كمك شرقشناسان يهودي زحمتكش صاحب مقبره و مسجد و كاخ و ... مي شوند تا روند جعل يهوديان سده هاي قبل كامل شود و ما هم صاحب مثلا اميرتيمور شويم و هم مقبره او را در زمره آثار تاريخي و اسناد حضور تيمور بدانيم!!!! بي آنكه مشخص شود تمام اين بناها در دوران معروف به صفويه و با سرمايه يهوديان و ارمنيان و براي پوشاندن ردپاي خلا انساني ناشي از نسل كشي پوريم برپا شده اند و همگي تا همين اواخر فاقد شناسنامه بودند. فقط آروز دارم يكي از شما اساتيد تاريخ براي من توضيح ميداد كه آيا براستي فهم مثلا همين مطلب ساده عيني، يعني بحث كاشيكاري اينقدر دشوار و غير ممكن است كه اين خيل استادان تاريخ و باستان شناسي و ... ما از درك آن چنان عاجزند كه همچنان مشغول تكرار دروغهاي نخ نما و برملا شده يهوديان هستند و هراسي از روشن شدن حقايق و بي آبرو شدن خويش ندارند؟

نويسنده: عماد

دوشنبه 10 تير 1387 ساعت: 14:11

وقتي اين سرسپردگي غيرقابل تصور و درك اساتيد ايراني به دروغهاي ساخته و پرداخته يهوديان قديم و جديد را مي بينم، متوجه مي شوم كه حاخام هاي يهودي واقعا و انصافا آدمهاي كم توقعي بودند! چون با وجود اين خيل مريدان سرسپرده به دروغ و نان خوران دروغهاي تاريخ ايران و افسانه پرستان داراي مدارج عليه دانشگاهي، من اگر جاي آنها بودم حتما ادعاي خدايي مي كردم!! و مطمئنم كه ادعايم تمام و كمال از سوي اين مريدان مافوق تصور مطيع پذيرفته مي شد!! اگر باور نداريد مي توانيد به پيروان فرقه هاي مهمل پرست صوفيه يا فرقه هاي ضاله بابيه و بهاييه نگاه كنيد. خداوكيلي وقتي هزيانات و چرنديات باب و بها الله و فلان شيخك عقب مانده ذهني از سوي لشكر بي خرداني تا سرحد جان پذيرفته مي شود، آيا ادعاي خدايي حاخامهاي باهوش و دانشمند بي نهايت زحمتكش از سوي دانشمندان و دكترهاي تاريخ و باستانشناسي پذيرفته نمي شد؟

نويسنده: ناصر پورپيرار

دوشنبه 10 تير 1387 ساعت: 20:42

آقای محمود بجانی. سرانجام آفتابی شدید. می فرمایید که چون قرآن از حضور و وجود صد هزار نفر در زمان و حوزه ای نامعین یاد کرده، پس پوریم اتفاق نیفتاده است؟!!! از کنیسه باید معذرت خواست که روزگاری در شرق میانه مردمانی هم زندگانی می کرده اند!!! باید بپرسیم بر سر همین صد هزار نفر مورد اشاره ی قرآن چه آمد که اینک رد پا

و نشانی از مردم ماقبل پوریم در هیچ اندازه ای، جز کانون های سوخته و مدفون مانده ی تجمع، نمی یابیم؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 11 تیر1387 ساعت: 7:20

فریبا خانم. احترام شما فرض است و می دانید گروه دشمنان قرآن و اسلام عمده سعی خود را بر سو٫ استفاده از اندک مبهمات لفظی در اشاراتی از آیات متمرکز کرده اند به آن قصد که از قرآن علیه قرآن و فرهنگ متعالی آن سود برند. کوششی که از استخراج سلمان فارسی در آیه ای تا ارائه ترجمه زیر برای آیه چهارم سوره محمد وسعت گرفته است:
«چون با کافران رو به رو شدید گردن شان را بزنید و چون آن ها را سخت فرو کوفتید اسیرشان کنید و سخت ببندید آن گاه یا به منت و یا به فدیه آزاد کنید. تا آن گاه که جنگ به پایان آید». (آیتی)
این ترجمه ردی از متن را ندارد و توالی آن نیز با منطق رفتاری منطبق نیست. چه گونه باید به محض دیدار گردن کافر را زد، آن گاه کتفان اش را بست و به زانوی اش در آورد تا جنگ را قطع کند و فدیه دهد یا ندهد؟!!! اما از آن که غرض خونین کردن فرامین قرآن و توصیه به باج گیری در برابر امان است، حتی بد تر از این را رواج داده اند. حال آن که فضرب الرقاب به گواهی فرهنگ نامه قرآن توصیه اکید به حواس جمعی و گوش به زنگی است، چنان که فشدوا الوثاق بستن پیمان محکم است نه محکم بستن کتف ها، همان طور که قطع ید کوتاه کردن دست است نه بریدن آن و غیره و غیره. این مباحث بسیار باریکی است متکی بر دریافت درست از آیات و متن، که ورود به آن نیازمند تدارکات لازم برای آماده کردن اذهان است. دوست محترم و آگاه و نازنین، از جمله ی آیاتی که به حربه ای علیه قرآن تبدیل کرده اند، یکی هم آیه ی هفتم از سوره ی آل عمران است، که علی رغم نهی واضح، در اطراف آن مباحث کش دار و تاویل و تفسیرهای نیش دار با صورت حق به جانب پرسشگری بی آزار و حتی مومنی خواستار یقین، به راه انداخته اند. حال آن که آیه این عمل را نشان فتنه گران زیغ قلوب گفته و مومنین عقل و علم گرا را به «امنا به کل من عند ربنا» فرا خوانده است. حال جای ما کجاست؟ تکلیف رسمی و صریح آیه را، که در ورای آن حکمت خداوندی است، چه گونه از سر باز کنیم و چرا این گفت و گوی نهی شده را بر سر بازار بریم تا چه به دست آوریم؟ چنین مقابله ای با دستور صریح پرهیز، درست همانند گفتار در باب غیر ممکن بودن قطع مبادلات ربا خوارانه در روزگار ما با نیت دوشیدن مردم است**!!!** با این

همه دعا کنید خداوند بخواهد، عمر وفا کند و یادداشت های اسلام و شمشیر امکان امتداد بیابد. شادمان و شاداب بمانید.

نویسنده: نتاب

سه شنبه 11 تیر1387 ساعت: 7:21

با سلام
استاد عزیز،
اگر اشتباه نکنم در یک جای دیگری در همین پاسخ ها خواندم که قطع دست دزد همان بریدن است و تاویل بردار نیست. اینجا آمده است که قطع ید کوتاه کردن دست دزد است نه بریدن آن.
طرح سوال من تنها برای آموختن است و گر نه خود دید خاصی ندارم. بسیار متشکر خواهم بود که بفرمایید آیا پیام قرآن کوتاه کردن دست دزد است یا بریدن فیزیکی آن.

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 11 تیر1387 ساعت: 7:26

آقای نتاب. گمان نمی کنم در مطالب این وبلاگ جواز قطع دست دزد صادر شده باشد. هرچند دزدان عالی مقام امروزین چندان وقیح شده اند که چاره ی نهایی جز ترکیبی از بریدن و نیز کوتاه کردن دست نیست!!!

نویسنده: محمود بجانی

سه شنبه 11 تیر1387 ساعت: 9:45

با سلام
جناب پورپیرار به شما حق می دهم که به هیچکس اعتماد نکنید زیرا تاریخ ما آنقدر آلوده شده بود که خود بنده باور کنید هیچگاه علاقه ای بدان نداشته ام زیرا تکرار مکررات می دیم ولی با آشنایی با تفکرات انقلابی شما تصمیم گرفتم تا حد وسع خود بدانم چه اتفاقاتی در تاریخ اسلام و ایران می توانسته بیافتد .
انشالله از صمیم دل آروز دارم عمر باشد و شما اسلام و شمشیر 2 را ارائه کنید که مطمئنم کتابی ناب و تاریخی در اسلام خواهد شد و آیندگان بر شما درود خواهند فرستاد . البته می دانم که حلاوتی در جمله "آفرین ای مرد بزرگ " نمی یابید تا صرفا به خاطر آن این حقایق را واگویه نمایید بل به عنوان یک انسان وظیفه خود می دانید که اگر نور حقیقتی بر جانتان تابیده است باید آن را به سایرین انعکاس دهید زیرا شما هم نباشید

بالاخره کسی پیدا خواهد شد که این کار را بکند این امر از نوامیس عالم هستی است که قانون و سنت خدا بر آن نور می تاباند.
واین را هم صادقانه از من بپذیرید که قصد من از استناد به داستان یونس فهم حقیقت است و نه چیز دیگر . خواهش می کنم مرا متهم نکنید . بنده سوالی شاگردمابانه از شما پرسیدم و اکنون می خواهم به طریق بهتری با آوردن آیه دیگری از قرآن بپرسم- قبلا باید بگویم من نه پذیرنده و نه منکر پوریم هستم زیرا نه دلایلی محکم برای رد آن دارم و نه دلایل شما را به طور کامل می توانم بپذیرم پس در بوته امکان است .

نویسنده: محمود بجانی

سه شنبه 11 تیر1387 ساعت: 9:46

1- آیه 147 صافات :
و ارسلناه الی مائه الف او یزیدون
ما یونس را به سوی 100 هزار یا بیشتر فرستادیم
2- آیه 98 یونس:
فلولا کانت قریه امنت فنفعها ایمانها الا قوم یونس لما امنوا کشفنا عنهم عذاب الخزی فی الحیوه الدینا و متعنهم الی حین
چرا هیچ قریه ای نبود که ایمان آوردنش به حالش سودی داشته باشد مگر قوم یونس که وقتی ایمان آورد عذاب خزی را در حیات دنیایی از آنها برداشتیم و تا حین (مدت عمر) آنها را برخوردار نمودیم
جناب پورپیرار اگر قبول کنیم که سخن خداوند از جنس سخن بشر نیست که ما حق داشته باشیم تاویل و تفسیر به رای کنیم (چیزی که شما خود از آیه 7 آل عمران بدان معتقدید و گفنته بودید) پس از این آیات بنده نتایج اولیه زیر را می گیرم اگر هرکدام از اینها نادرست بود شما بفرمایید :
1- پیامبری به نام یونس به سوی یک قوم فرستاده شده بود
2- تعداد افراد این قوم بیش از 100هزار نفر بود
3- این پیامبر قبل از محمد آخرین پیامبر الهی ماموریت یافته بود
4- این قوم وقتی از عذاب الهی ترسید قبل از نزول عذاب برخلاف سایر اقوام که حالشان در قرآن درج است (از قبیل قوم لوط - قوم هود - قوم صالح - قوم شعیب و قوم نوح) به خدا و نصایح یونس ایمان آورد و عذاب الهی از آنها برگشت.

نتایج ثانویه :
1- قومی بوده که عددش بیش از صد هزار تن بوده و این قوم در نزدیکی دریایی بوده

است زیرا :
آیات 139 تا 141 صافات چنین می گوید :
و ان یونس لمن المرسلین / اذ ابق الی الفلک المشحون / فساهم فکان من المدحضین / فالتقمه الحوت و هو ملیم / ...
2- اینکه گفته "چرا هیچ قریه ای نبوده ..." به زعم من می تواند این را برساند که پس یونس در یک قریه ماوریت داشت که تبلیغ نماید زیرا اگر به تعبیر شما یونس مامور تبلیغ در شهرها و قریه های متفاوتی بود و آنها ایمان آورده و عذابشان برداشته شده بود در آنصورت آیه اینطور باید گفته می شد : "چرا هیچ قریه هایی نبودند ..." البته بنده به طور کامل بر این امر استدلال ندارم زیرا در شق دوم آیه نمی گوید "مگر قریه یونس" بلکه می گوید "مگر قوم یونس" . والله اعلم - این محتاج تتبع بیشتر است .که به آینده وی می گذارم.

نویسنده: محمود بجانی

سه شنبه 11 تیر1387 ساعت: 9:46

از این آیات می فهمیم : یونس به کشتی ای سوار شد ولی با قرعه کشی در داخل کشتی طوفان زده به آب انداخته شد تا گرفتار شکم ماهی شود ...

پس محدوده جغرافیایی یونس چندان هم گمنام نیست و البته توراتی که شما قبول نداریم و ما هم معتقدیم که این کتاب تحریف یافته است می گوید : که این شهر نینوا بود که محل فعلی آن فکر کنم در شما عراق باشد اگر اشتباه نکنم وقتی از موصل با اتوبوس به طرف ترکیه می روید بقایای آن را ببینید (البته خود من نرفته ام و این را از کتاب آقای زهتابی شبستری که خود استاد دانشگاه زبانشناسی یا ادبیات بغداد بوده در کتابش نقل کرده است احتمالا خود او به چشم خود دیده است اگر البته یک عامل یهود نبوده است)
باری از احتمالات رها شویم که به قول قرآن " ان الظن لا یغنی من الحق شیئا" - پس این قوم بوده است و چنین پیامبری هم به آن ارسال شده است .
اکنون میل داشتم بدانم آیا شما وجود این قوم را منکرید یا اینکه نه می فرمایید این قوم هم در حوزه پوریم بوده است و لذا توسط عوامل یهود گرفتار قتل عام شده است؟
یا اینکه اصلا قبل از پوریم این قوم مضمحل شده و لذا ربطی به کلیت بحث ما در باره پوریم ندارد . من فکر می کنم باید مستدل و جزئی تر بفرمایید زیرا من یک دوست هستم نه دشمن.و برای روشنگری می پرسم نه طعنه و بهانه تراشی.
با احترام بسیار محمود بجانی.

نویسنده: نتاب

سه شنبه 11 تیر1387 ساعت: 12:47

با سلام دوباره،
تشکر از روشنگری در باره سوال بالا،
آیا می‌توانیم در وجود ابوبکر و عمر شک کنیم؟ مفسران برای ساختن تاریخ دروغین گاهگاهی از این خلفا بهره می‌گیرند.
آیا وجود قبر عمر و ابوبکر در کنار قبر پیٔغمبر (ص) می‌تواند ساختگی باشد؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 11 تیر1387 ساعت: 14:5

آقای بجانی. دوستانه می گویم اگر انبوه داده های تاکنون، که نمی دانم به آن ها رجوع داشته اید یاخیر، نتوانسته باشد تکلیف شما را با وقوع پوریم معلوم کند، بی شک یونس پیامبر نیز در این باب کمکی به شما نخواهد کرد، زیرا در بنیان امر، این دو واقعه، یعنی بلع یونس به وسیله ی ماهی و قتل عام مردم شرق میانه به دست یهودیان، از نظر زمان و مکان و علت و معلول، ربطی به هم ندارند. ضمنا گذر و نظر آقای شبستری زبان دان در باب نینوا، که در قرآن نیامده نیز مطلقا خارج از موضوع است. بنا بر این، مطلب دو پاره می شود: پوریم و تفسیر آیات مربوط به یونس. برای رفع گیرهای ذهنی باقی مانده در موضوع نخست، بار دیگر یادداشت های ایران شناسی بدون دروغ را بخوانید و برای مطلب و مدخل ثانوی نیز به دفاتر مربوطه در قم رجوع کنید، چرا که بنده تفسیر قرآن، بحمدالله، نمی دانم.

فریبا خانم. ملاک ما فرمایشات قرآن است و نه اطوار و گفتار این و آن در هر جایگاه و جریان. پاسخ به فتنه گران، اگر خود را پیرو قرآن می دانند، بازخوانی دوباره آیه و نمایش جایگاه تاویلگر از قول خداوند است. امید می رود نوخاستگانی از نوع شما این بار تازه برداشته را تا سر منزل اتحاد دوباره ی مسلمین به دوش برند و از این روی هر روز و ساعت عمرتان را غنیمت بدانید و به تعارفات نفروشید. توفیق الهی رفیق و نصیب تان باد.

آقای نتاب. حوصله کنید.

نویسنده: حسین محمدی

سه شنبه 11 تیر1387 ساعت: 14:10

سلام جناب استاد ..... ایا کتاب "فرهنگ نامه قرآن " اکنون در بازار موجود است ؟ امکان دارد نام انتشارات آن را اعلام کنید ؟ ارادتمند شما ...محمدی

نویسنده: مسعود

سه شنبه 11 تیر1387 ساعت: 16:42

سلام علیکم و خداقوت استاد بسیار عزیز.

حقیقتا" علاوه بر یادداشتهای وبلاگ مطالبی را که در بخش کامنتها درج میفرمایید روشنگر و حیرت آور هستند.
با اجازه شما استاد خدمت آقای بجانی عرض کنم در کل قرآن مبین کلمه ای بنام "نینوا" بهیچوجه بکار نرفته است .اما در عوض مثلا" در باره دو فرشته هاروت و ماروت به "بابل" اشاره میفرماید.
بنظر من برای روشن شدن اصل قضیه یعنی اینکه یونس پیامبر معاصر بنی اسرائیل بوده و یا نینوا در همین مکان مورد ادعای کنونی یعنی شمال عراق بوده است و یا مثلا" در شبه قاره هند !! بهتراست اول ببینیم زیستگاه و مسیر حرکت "نهنگها" آیا از خلیج فارس و دریای عمان میگذرد و بعد به ادعاهای تورات امروز را بپذیریم! و چه بسا با این تحقیق معلوم شود بودا و یا کنفوسیوس همان یونس (ع) بوده است !

یک نکته جالبی هم که من را وسوسه میکند قبول کنم توراتها را از روی حقایق قرآنی آپگرید میکنند و یهودیان هنوز هم در کار تحریف کلام الله هستند اینکه تورات هم به عدد یکصد و بیست هزار نفري جمعیت نینواي ادعایي و مورد رسالت "یونا" اشاره دارد :

"خداوند به یونا فرمود :براي گیاهي که در يك شب بوجود آمد و در يك شب از بین رفت دلت سوخت با آنکه برایش هیچ زحمتي نکشیده بودي .پس آیا دل من براي شهر بزرگ نینوا نسوزد که در آن بیش از صد وبیست هزار بچه معصوم و بیگناه و نیز حیوانات بسیار وجود دارد."!

در پناه پروردگار منان تندرست و شادمان باشید.

نویسنده: محمود بجانی

سه شنبه 11 تیر1387 ساعت: 17:45

با این حساب فعلا در این باب سوالم را وا می گذارم - انشاالله که شما در اسلام و شمشیر 2 روشنگری نمایید تا این مساله برایم بیشتر حل شود
موفق باشید
با احترام بسیار محمود بجانی

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 11 تیر1387 ساعت: 19:52

آقای محمدی. فرهنگ نامه ی قرآنی 5 جلد است از انتشارات آستان قدس و به سعی یاحقی که به شرح فنی و نیز ترجمه لغات قرآن بر مبنای 140 قرآن ترجمه دار خطی از قرن پنجم تا دوازدهم هجری پرداخته است. بدون تردید ترجمه ی منقول در ذیل آیات قریب 100 جلد از این قرآن ها الحاق جدید است و تاریخ گذاری بر بخش اعظمی از این قرآن ها غیر تخصصی و تنها بر مبنای فرض است.

نویسنده: فا...

سه شنبه 11 تیر1387 ساعت: 19:57

با عرض سلام خدمت استاد محترم و سایر دوستان
استاد،تاریخچه حجرالاسود و دلیل نگهداري این سنگ در کعبه چیست؟
با تشکر

نویسنده: م.ستاره

سه شنبه 11 تیر1387 ساعت: 19:13

1
سلام
معلوم نیست چه بلایی سر ما آورده اند که هر کس زبان باز می کند ، فورا نطق می کند که اگر قیمه قیمه ام هم بکنند و با فلان قوم و گروه مسلمان ، در یک دیگ بجوشانند ، باز هم ما ها یک طرف می مانیم و بقیه طرف دیگر ! چه قدر اخوت می جوشد ! مثلا ما با فارس ها نمی توانیم کنار بیاییم ، و چون ممکن است فرزندان مان بعدها بخواهند سازش کنند راه حل پیش گیرانه این است که تا آخرین نفر همدیگر را قتل عام کنیم.
افراد زیادی دارای مدارک عالیه هستند و اکنون فهمیده اند که آن مدرک ، کلاه گشاد یهود بر سر آنان بوده است . اگر کسی حاضر نباشد در راه حق ، از یک تکه کاغذ باطله بگذرد ، پس آیا چگونه ممکن است که از جان خود یا عزیزان خود بگذرد ؟؟؟

ارزش حق ، صرفا تا آستانه منافع باطل ماست ؟!
جناب ان شاء الله آقای احتمالا بجانی ! نمی خواستم چیزی بگویم ولی نمی دانم چه اصراری دارید در پیش کشیدن صد هزار نفر یونسی در مورد پوریم . آیا عکسی از شهر های باستانی ندیده اید ؟ مهم نیست ، آیا نشنیده اید که نام گذاری شهر های قدیم ، بر اساس تل و تپه ها بوده و هست ؟ می خواهید صد هزار نفر را در یک تپه کنار دریا بچپانید که چه شود ؟! که آقای پورپیرار اشتباه کرده است که جمعیت شهرهای قدیمی را کمتر یا حدود هزار نفر گفته اند ؟! یا قرآن عدد پرانده است ؟! اصولا چه اصراری دارید بر حاشیه ؟!

جناب آقای سهند ، دوست دیرین ما و ولی امر ترکان جهان ! چون شلاق خوردن در ملا عام را به حرف زدن با حقیر رحجان می بخشید ، پس خطاب به عموم می گویم .
تشخیص داده شد که بهتر است اعلان عمومی گردد تا کسی فکرهای بد نکند. از تاخیر پیش آمده هم ، معذرت می خواهم .
این همه متلک بار سران خود خوانده ترک می شود ، هیچ کدام صدای شان در نمی آید .
از میان آن " کله گندگان " که زمانی اسم شان ، لرزه بر اندام ها می انداخت ، چند تایی را نام می برم ؛ همان رزمندگان جبهه آذربایجان که در کمال رنج و مشقت !! ، در سفارت آذربایجان جمع می شدند تا در بازار مکاره ای که چند دختر لخت و پتی ، غذا سرو می کردند ، تا برای استقلال شادمانی شده باشد.

نویسنده: م.ستاره

سه شنبه 11 تیر1387 ساعت: 19:13

2

آنهایی که نه مکه را می شناسند و نه نماز جمعه یا 22 بهمن را ، آنانی که از اعراب می نالند اما اگر بپرسی اعراب از کجا و به که حمله کردند نمی دانند چه جواب دهند ، آنانی که به خونخوارگی مجعولات مغولی و تاتاری ، فخر می فروشند ، این روز را خوب به خاطر می سپارند و از یک ماه قبل ، منتظر دعوت نامه آن هستند . این جنبش بی بخار آذربایجان ، فقط به درد سر سفره یا پای منقل می خورد و بس .
تا پیشوا جنابوز اولا بو جماعته / بو ملتین اویانماقی قالدی قیامته !
تا پیشوا جناب شما باشد برای این جماعت / بیداری این ملت ، ماند به قیامت .
از همین قماش است آن دکتر باطنی که لینک مقاله اش را فرستاده بودید که خود فارس ها هم ، اصولا او را گم هم نکرده اند تا پیدا اش کنند ! مانده ام شما او را از کجا یافته اید ؟! دانشگاه های بزرگ بین المللی وامرده اند ، این پشمک دیگر کیست ؟! شیکاگو ،

سومین شهر بزرگ امریکا است با آن دانشگاه جاعل اش . بهتر است سر در دانشکده های ادبیات ، آرم WD4 را بچسبانند که توانستند مورخان دانشکده های تاریخ جهان را بکسل کنند و به جای آنها ، وظیفه پاسخگویی به 12 قرن سکوت را با 12 قرن شکوه بدهند (shokuh or shekweh ?) که کل مجموعه گل آقا هم در برابر آن اخمالود است ! و آن حوزه علمیه شهر مقدس قم چه زمانی به مطالب اسلام و شمشیر می پردازند ؟!

نویسنده: م.ستاره

سه شنبه 11 تیر1387 ساعت: 19:14

3

عمری از کیسه خلق آذربایجان خورده اند و اندام های خود را کلفت تر کرده اند .
عمری شعارهای ضد فارس داده اند . عمری برای ارتفاع مقام قوم ترک کوشیده اند . اما نشانه ای خواهم آورد که از همان ابتدا ، موجب آزار من بود و اکنون همان دلیل ، آیتی است روشن دال بر دروغ و پوچ و بی ارزش و سرکاری بودن همه این داستان کذب و جعلی قوم گرایی این حضرات و اینکه کل این ترک ستایی ها ، صرفا گرد و خاکی بود تا برد دید را کاهش دهد و به طور مصنوعی ، وجهه ای باشد برای برخی و سوزشی باشد در دل چند جوان خام . امیدوارم کافی باشد و نیازی نباشد که آن وکیل و مهندس که نماینده وزارت فخیمه اطلاعات ایران ! یا جاهای دیگر بودند را معرفی کنم یا آن دیگری را که در اتاق خواب اش به جای مریلین مونرو عکس استالین را بر دیوار زده است، پیری است دیگر !!
اگر این ها سکوت را گزیده اند ، پس این ناشناسان مجهولی که مدام از آذربایجان و قوم گرایی و حق و حقوق آن ، گوش ها را کر می کنند ، چه کسانی هستند ؟ آیا نظر شخصی شان است یا از جایی دستور می گیرند یا بنا است که بار دیگر ، با گروه دیگری از رهبران خود خوانده گرد و خاک به پا کن ، آشنا شویم ؟!
آیا یکی از اینان ، در باب این مسایل ، لام تا کام ، حرفی زده است ؟ آیا یک بار در آن نشریات بی وجود لام تا کام از پوریم حرف زده اند؟ مثلا در دیلماج و یا عصر آزادی؟؟ آیا گفته اند که مسئله ای به نام آنوسی وجود دارد ؟ گفته اند این فارس ، اصلا قلابی و محصول دوران مشروطه است ؟ نوشتند که مبارزه با فارس ، پذیرش تلویحی همان هویت است و برای اعتلای ترکی ، راه های بهتری هم هست و از هر مدعی فارس بودن ، اسناد فارسی بودن اش را بخواهیم که جز جعلیاتی از قماش شاهنامه از جیب اش در نخواهد آورد. اما هرچه بخواهید از استانبول و باکو می گویند که یکی با اجازه آمریکا دو تا گردنه در عراق جلو می رود و با تشر آمریکا بر میگردد و آن دیگری هم

مرتبا به ساعت اش نگاه می کند تا جشن بعدی استقلال و تعیین جانشین دقیقه ای عقب نیفتد!!

نویسنده: م.ستاره

سه شنبه 11 تیر1387 ساعت: 19:14

4

ادعا دارند که بیش از نصف تهران ترک است و باید یک حکومت فدرال ایجاد شود و در آن ، تهران هم بخشی از ایالت آذربایجان تلقی شود . باشد ؛ چه دولت گسترده ای و چه قدر آمار ترک ها بالا است ! هر که بام اش بیش ، تبعیت از فرامین یهودیان اش بیش تر! آیا از این جمعیت بزرگ ، چه تعداد گفتند : مجتبی جان مرسی ! فیلم ات بد نبود ! (متشکریم و عالی بود ، پیشکش شان!) چند نفر گفتند اگر خواستی کار را ادامه بدهی ، ما هم هستیم ؟! تهیه کنندگی نه ، لااقل یک استودیوی خشک و خالی را اجاره بدهند ؛ امانت و قرض هم نه ! یک دوربین با کیفیت بالا در اختیار شان قرار دهند . چه کسی چه کاری انجام داد ؟! هماندیشی بنیانی و همکاری با استاد ، این هم پیشکش چون که استاد از این گونه همکاری ها بی نیازند.
مگر دارایی فارسیان ، جز مولوی و حافظ و سعدی و فردوسی بود ؟ دیگر برای شان چه مانده است. اما چرا عالی رتبگان ترک ساکت اند زیرا اگر اظهار وجود کنند باید آن خرابه را هم از بابک پس بگیرند که جنگ با خلیفه و در واقع با اسلام بی جبهه می ماند!!! بارک الله ! همچنان او را بالا بکشید ! حفظ بابک از به آب بستن نیشابور با آفتابه سخت تر که نیست!!! مثل الذین اتخذوا من دون الله اولیاء ، کمثل العنکبوت !

نویسنده: م.ستاره

سه شنبه 11 تیر1387 ساعت: 19:15

5

در این میان ، آن یک نفری را که می خواستم معرفی کنم ، محمد جواد هیئت بود که عنوان پزشکی هم دارد و به نظر می رسد که هر کس تحصیلات آکادمیک دارد ، باید چیز فهم تر باشد . او ، به دلایلی که نمی گویم ، نه فقط پیش و بیش از من از داستان اطلاع دارد ، بلکه فرصت زیادی داشت برای بهبود اوضاع . او که خود را فدایی می دانست ، آنگاه یاطاقان سوختگی خود را داد زد که با عیان شدن بنیان اندیشی ، معلوم شد موضوع ، باب میل حضرت آقا نیست و آن گلو و یقه درانی های رهبران و سروران و اربابان و سران و فرماندهان و وکیلان و قیمان و سرپرستان و پرستاران و دایگان نازنین مهربان تر از مادر قوم ترک ، آن الهی قربان ترک ها بشوم ها ، آن جان ام فدای

ملت و زبان ام ها ، آن عربده کشی ها و فارس ستیزی ها ، صرفا برای این بود که بنشینند اختلافات خود را در نگارش و رسم الخط ترکی بیان بفرمایند که آب را " سو " بنویسند یا " صو " یا فرمت دیگر ؟! چه قدر این موضوع اهمیت دارد ! چه خدمات شایانی ! حالا لغات دیگر مثل رایانه و یارانه و کشک و پشم ، مانده است !
از حق نگذریم ! گاهی هم در جلسات ، اظهار می داشتند که باید در رادیو و تلویزیون و روزنامجات ، به این زبان بها داده شود و مثلا یک کانال 7/24 برای آذربایجان تشکیل بدهند ! چه قدر این سخنان بادبادکی ، وجد آور و اعتیاد بخش بود و نوید موفقیت در انتشار آن اختلافات فوق الاشاره داشت ! ادامه دارد

نویسنده: توحید

سه شنبه 11 تیر1387 ساعت: 20:16

با سلام
استاد درود بر شما ، مثل همیشه نغز گفتید و پر مغز ،

نویسنده: توحید

سه شنبه 11 تیر1387 ساعت: 20:18

و اما چند نکته در باره آیه 4 سوره محمد :
1- در قرآن کریم تنها در این آیه «الرقاب» به معني «گردن» گرفته شده است
2- در پاره اي از آيات قرآن «جيد» به معني گردن آمده
3-تقريبا در تمام آيات قرآن ، براي اشاره به گردن از کلمه «عنق» و جمع آن «اعناق» آمده است از جمله :
آیات : رعد5- اسرا 13 و 29- شعرا4-سبا33-یس8-ص33-غافر71
4- کلمه «الرقاب» و مفرد آن «رقبة» به معني برده و بنده آمده است: توبه60-نساء92-مجادله3-بلد13
5-اگر منظور زدن گردنهاي کفار بود بايد متصل به آن ضمير «هم» مي آمد = «فضرب الرقابهم» چنانچه در همين آيه هست : «أَثْخَنتُمُوهُمْ »

نویسنده: م. ستاره

چهارشنبه 12 تیر1387 ساعت: 9:16

6
می خواستند دولت را تحت فشار قرار دهند ! وزیر خارجه سوئد در مقابل فروشگاهی

در پایتخت ، به قتل رسید زیرا که ضد صهیونیست بود و با کشورهای اسلامی روابط خوبی داشت. در این کشور ، رئیس آبدارچی های یک اداره فسقلی را بدون وقت قبلی نمی توان دید ، از بنزهای ضد گلوله کمتر را سوار نمی شوند ، انتظار چه چیزی را داشتند ؟! نه نیروی مردم را نشناختند و نه جامعه ای که در آن بودند . خود شیرینی هایی بود برای آن ور آب که اگر زمانی ، سمیناری در کنار دریا و یا فلان ییلاق برگزار شد ، دعوتنامه آقایان ، فراموش نشود ! ادعای برتری شعور نسبت به مردم را داشتند . اکنون زبان بسته به کنجی صم بکم نشسته اند که زبان اندر حکم نداشته اند .
باری ، این سردار آذربایجان در آن مجله وارلیق ، عمری از این دست حرف های مفت را به جامعه ترک ایران ، هبه کرده است که در آرشیو ، برای ایجاد حالت تهوع ، موجود است ! کنج عافیت ، گوارای وجود نازنین شان که آذربایجان امروز ، خوب می فهمد بود و نبود او ، به اندازه تابلوی نقاشی ای از طبیعت هم ، نمی ارزد که آرامش بخش است یا گرد گلی که موجب حساسیت و آلرژی است ! امروز که معلوم شده است همه ما مترسکانی در دست مهره های دست چندم جهود بوده ایم ، آن اعتیاد ، مانع از سر فرود آوردن است . چگونه مدارک دانشگاهی خود را بی ارزش بدانند ؟ آن همه سمینار آب دوغ خیار در ترکیه و باکو و داد و بیدادها و پارگی های بخیه نخورده ، چه شود ؟ الباطل ؟! کلی برای خوجالی و قره باغ ، مجلس ختم گرفته اند و شعر خوانده اند ! این همه برای تقسیم آذربایجان و فدرالیسم ، خواب های رنگارنگ دیده اند ! این همه روی الفبای موهوم ، کار کرده اند ! نوشابه باز کردن ها ، دستمال بازی ها و... یعنی همه شان هیچ ؟!

نویسنده: م. ستاره

چهارشنبه 12 تیر1387 ساعت: 9:16

7

این جمعیت پریشان از نظر روان و اندیشه و آرمان و اعتقاد و دین و اندیشه های سیاسی و عقیده و ظاهر و باطن و همه چیز که انگیزه گرد هم آمدن شان ، جای بسی سوال است !! ، آن قدر عاجز بودند که برای همین مجله وارلیق هم نتوانسته بودند عنوانی برگزینند ! آری ، به گمان ام که از آلمان یا استانبول دیکته شده بود که این نام را برگزینید که به معنای بودن (to be) است ! ببینید این ها دارای چه نورون های منقطع الارتباطی هستند ! تا کی از همان جا ، دیکته شود که به جای سکوت ، فحش رکیک به آقای پورپیرار بدهند !! فعلا که همان چرندیات سابق را تکرار می کنند و پس از تاملی در بنیان تاریخ ایران ، نوچه ها را به پارس انداخته اند تا معلوم شود که هنوز ، همان سیاست شکست خورده 14 قرن پیش را ادامه می دهند و در این زمینه هم ، ترقی نداشته

اند و ما نیز دریابیم که چرا خداوند حکیم ، قرآن را کتابی برای همه دوران ها نامیده است و امروز هم ، کاربرد دارد ! :
و قال الذین کفروا : لا تسمعوا لهذا القران و الغوا فیه ، « لعلکم !!! » تغلبون !
سر در برف برده اند و غافل اند که امکان دارد ماتحت خوش سایز شان ، ناسلامتی سرما بخورد ! صدایی شنیده نمی شود ، حتی یواشکی هم سفارش نمی کنند که این قدر به فلانی فحش ندهید !!! بلکه خود هم فحاشی روشنفکرانه که این فلان فلان شده ، بابک و افشین و دیگر اسباب بازی ها را از ما گرفت ! حافظ لسان الکفر را ، ... ! ضجه و مویه می زنند و در توهم آن « لعلکم » ، قهقهه های دیوانگان را سر می دهند .
نکته موذی و ظریف شان هم این بود که این مدعیان زعامت و ولایت ترکان ، با فرزندان و جگر گوشه گان خود که انتظار است خلف صالحی برای پدر و قوم ترک باشند و بالاخص ، تربیت شدگانی در فرهنگ ضد فارس باشند ، به زبان قند صادراتی به بنگاله و سنگاله سخن می گفتند تا مبادا فارسی را ، خدای نکرده ، خدای نکرده ، زبان شان لال و چشم شان کور ، در هنگام مکالمه به زبان شیطانی ! فارسی ، با لهجه حرف بزنند ، کسی بپرسد : آیا تو ترک هستی ؟ ، در مدرسه مورد تمسخر قرار بگیرند ، از تحصیل وا بمانند !!! و از مملکت ، اخراج شان کنند !!

نویسنده: م. ستاره

چهارشنبه 12 تیر1387 ساعت: 9:17

8

این بود داستان این فوکول کراواتی های پاسدار ترکی و ترک ! مشتی جوان خام و احساساتی را به بازی می گیرند و برای شان دردسر درست می کنند . مثلا آیا نمی دانند که بلند کردن هر نوع پرچم اجتماعی مقدمات و ضروریاتی دارد و دست کم باید از زبان حزبی زده شود که نتوان زیر آن سرید. بچه بازی که نیست. می نشینیم چایی و بست و عصرانه را می زنیم و می خوریم و پیغام می دهیم که ما چنان می طلبیم و رفت تا وقت چای دیگر. اندازه همین خان بازی های سیاسی است شعور و جربزه شان. آیا آنان نمی فهمند که این گونه ترتیبات آدم های حرفه ای خود را می طلبد که وزن و اعتبار و ناموس قضیه را دریابند و با بی خبری و تعارف امورات را نگذرانند. یک بار ، دو بار ، چند بار باید شکست خورد و نفهمید ؟ چند بار باید فلان همه مان پاره شود و تجربه ای به بار نیاید. آقایان دیگر کمیته مرکزی اتحاد شوروی نیست که بگوید بروید و یا برگردید.
ترک ها هم برای اینها تره خرد نمی کنند در دیدار سر راه بلند می گویند چاکریم ! و چون گذشتند غر میزنند : دروغگوها ! به کار خود مشغول اند . آیا به راستی آن ها این

همه راه گشوده شده را نمی بینند که مباحث جدید در پیش پای ما گذارده تا با استدلال دندان شکن دروغ بودن هویت های فعلی و به خصوص از آن فارسیان را اثبات کنیم؟ مثلا لزومی ندارد دانشگاهیان ترک نشستی درباره درستی و یا نادرستی مطالب اسلام و شمشیر و یا تختگاه هیچ کس و به طور کلی پوریم بگذارند؟ همه مانند روحانیون منتظر محرم اند تا فعال شوند. شاید همین است که از راه انداختن کربلای هویت خواهی دم می زنند!!! می خواهید بدانید چه می گویم؟ به وبلاکwww.federalchi.com بروید لینک تمام مقالات آن فعال است جز مقاله ای به نام "تختگاه هیچ کس، نوری درون تاریکی" این نشان می دهد که صاحب وبلاگ اعتراف می کند که زمانی بدون اجازه چیزی خورده و حالا تشر شنیده و دارد دور دهان اش را پاک می کند. مگر تشر زنندگان همان ها نیستند که من می گویم؟!!
با این همه آنچه که عمومی و فراگیر است ، همین مباحث بنیانی است که از استاد دانشگاه تا راننده تاکسی ، با آن درگیر است.

نویسنده: م. ستاره

چهارشنبه 12 تیر1387 ساعت: 9:17

9
وگرنه عده زیادی در این کشور در این باره حرف هایی زده اند بی این که در ذهن مردم جایی باز کند. از کسروی تا شریعتی و سروش. مهره های سوخته و ناکارا ، ارزش پیچاندن ندارند و آنگاه هم که بر زمین بیفتند ، کسی آنها را بر نمی دارد ، با لگد ، از خود دور می کند و ارزش کار خود را ، فدای آن نمی کند . به راستی مگر ملتی در گرفتن حق خود ، شکست خورده است که ترک ها دومین باشند و عده ای از این امر ، به هر دلیل ، مضطرب ؟! و اصولا چرا مشوش اند ؟ مگر اینان اربابان و مالکان ملت ترک اند ؟ می گویند نصف بیشتر خلق این کشور ترک است ، نیروی فراوانی دارند ، از بابت مسایل قومی در آزار اند اما هیچ کدام هم حرکتی نمی کنند ! پس آن حرکت های بزرگ ملی کجا رفت ؟ آیا اینان را همانانی نمی دانید که مشروطه آوردند ؟ پس اگر بخواهند ، می توانند بار دیگر قدرت خود را به نمایش بگذارند و آن قدر هم موقر اند که با این جرقه های فندک های شکسته ، آتش نمی گیرند !
توحید خان ! این را به حساب حساسیت بر موضوع مهم بگذارید و هیچ اشکالی که ندارد ، کاملا هم به جا بود . همه ما دوران تشکیک به آقای پورپیرار را گذرانده ایم . شخصا دورانی را به یاد دارم که با خودم می گفتم : این هاخام دیگر از ما چه می خواهد ؟! هر روز منتظر بودم در وبلاگ بنویسند : هه هه هه هه هه هه هه ! همه تان را سر کار گذاشته بودم ! من یک ردیه نویس حرفه ای هستم ! و زمانی می گفتم اگر به من پیشنهاد

همکاری با اعراب حاشیه خلیج را بدهد ، نخواهم پذیرفت ! و بسیاری سوالات نگفتنی ! خوشبختانه خانواده ام به من یاد داده اند که خجالت نکشم و بپرسم و این شانس هم بود که هم دفتر ایشان نزدیک است و هم منشی و آبدارچی و وقت ملاقات برای 6 ماه بعد ندارد ! زنگ را می زنی و وارد می شوی ، همین ! در طی همین 9 ماه ، خداوند انسانی را می آفریند از هیچ و شما توانستید خلوص خود را نشان دهید .

نویسنده: م. ستاره

چهارشنبه 12 تیر1387 ساعت: 9:18

10
در مورد جانمازی هم ، ستاره های داوود ، هم در پایین (چند ردیف) و هم در بالا (یک ردیف) و هم به شکل گل های زیبا در وسط ، پراکنده هستند ؛ آیا نمی دانی که متعلق به مشهد مقدس ! است ؟ چیزی مثل شهر مقدس قم !
آقای پورپیرار هم اشتباهات فوق العاده زیادی دارد ! هم در کتاب ها ، هم در وبلاگ و هم در ... ! خلاصه ، اگر یهودیان به من پول درست و حسابی بدهند ، از خجالت شان درمی آیم ! خصوصا که خاندان ما شاید یکی دو قرن نباشد که از یهودیت ، مسلمان شده است ! من باب ایجاد اعتماد ! ، باید بگویم مثلا یکی از عکس ها ، برعکس است ، کافی است به خطوط نگاه شود . اما من نمی خواستم صدا اش را در بیاورم ، این اعلام ، فقط من باب نشان دادن حسن نیت به ایسراییلی ها بود !

از نسرین خانم هم خواهش دارم در صورت امکان ، ایمیلی بفرستند تا بیشتر از مطالب شان استفاده کنیم .
ببخشید روشه طولانی شد . حرف هایی بود که باید می گفتم . از مزاحمت و آزار و تصدیع اوقات شریف دوستان هم معذرت می خواهم .
قل الله ، ثم ذرهم !
والسلام

نویسنده: آیدین یاشار

چهارشنبه 12 تیر1387 ساعت: 10:53

همه ما از جناب استاد پورپیرار مطالب زیادی آموخته ایم، در حدی که شخصیت و شناخت ما از جهان تغییر بنیادی کرده است. علاوه بر ما، مخالفین سرسخت ایشان هم چیزهای زیادی یاد گرفته اند، و حرفهای قبلی شان را به راحتی تکرار نمیکنند. در این

میان موضعگیری در برابر مساله فرهنگهای قومی هنوز سخت میلنگد. خود استاد معتقدند که چون بحثهای بنیانی در جریان است, مطالبات قومی نوعی سطحی نگری است. برخی از موافقین ایشان هم سعی میکنند بحثهای بنیانی استاد را دستاویزی برای کوبیدن مطالبات قومی و محکوم کردن روشنفکران قومی قرار دهند. پرسیدنی است که اگر مریضی نیاز به عمل جراحی مغز داشته باشد و ضمنا عفونتی هم در کلیه داشته باشد، آیا بدلیل اینکه عمل جراحی مغز در پیش است باید از عفونت کلیه چشم پوشی کرد؟ چه تناقضی دارد که هم از آموزشهای ارزنده استاد در خصوص تاریخ شرق میانه بهره مند شویم و هم ناهنجاریهای سیاست فرهنگی کشور را اصلاح کنیم؟ بعضی دوستان مانند م. ستاره حرکتهای روشنفکری قومی را چشم بسته محکوم به خیانت و انحراف و در بهترین حالت کوردلی میکنند. این درحالی است که امروزه همانطور که پیتزا سریعتر از آمبولانس به مقصد میرسد, زبان فارسی هم زودتر از شیر مادر بر بالین کودک نوزاد آذربایجانی حاضر میشود! ایا سخن گفتن از این عقب ماندگی فرهنگی خیانت است؟ م. ستاره، هم پیوسته بر آیات قرآن استناد میکند و هم از "ماتحت خوش سایز" روشنفکران قومی صحبت میکند. آیا چنین شخصی استحقاق آن را دارد که برای پرگوئیهای کینه آلودش آن همه فضا در وبلاگ اختصاص داده شود؟ مگر وبلاگ آقای پورپیرار جایگاه بحثهای قومی است؟ کامنت ماقبل آخر من که آن هم در همین رابطه بود، متآسفانه درج نگردید (طلبکار هم نیستم) ولی وقتی گفته میشود که فعالین قومی در باره بحثهای بنیانی آقای پورپیرار نظر نمیدهند (که گویا به مصلحتشان نیست!)، شاید بسیاری از نظرات در همین کانتهای درج نشده مستطر باشد.

نویسنده: فا...

چهارشنبه 12 تیر1387 ساعت: 11:2

با سلام مجدد
استاد بزرگوار در خصوص سوال مطرح شده اگر مختصر توضيحي بفرماييد ممنون مي شوم.از ديگر دوستاني كه در اين زمينه اطلاعاتي دارند خواهشمندم راهنمايي كنند.
با تشكر

نویسنده: رحمانی

چهارشنبه 12 تیر1387 ساعت: 12:49

با سلام خدمت همگی

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ

به یاد پوریم زدگان و رخداد پلید و ویرانگر پوریم و به امید شناخت کامل پوریم و مشرکان پوریم ساز

با سلام و خسته نباشید خدمت ابرمرد تاریخ شرق میانه
ما فقط و فقط می توانیم بگوییم
اجرکم عند الله

به راستی که با این چند مقاله ، بانیان، استاد نماها ! (همان مدعیان بی دانش!) ، مسئولان و راهنمایان نقش جهان ، همانند همتایانشان در معبد سلیمان را، به فلاکت انداخته اید و اینان نیز در معرفی این اماکن و در مقابل پرسشهای پرسشگران ، همانند همتایان خود در معبد سلیمان، و با شنیدن نام شما ، برافروخته خواهند شد و البته بماند که در دل مزدور خود چه ها که نخواهند گفت !!!

با تشکر فراوان

نویسنده: محمود بجانی

چهارشنبه 12 تیر1387 ساعت: 12:58

با سلام
جناب م ستاره - چون شما عینک به چشم زده اید بحث با شما بیهوده است
اولین شرط بحث را شما را فاقدید لذا من با شما بحثی ندارم.
فقط در اینجا آقای پورپیرار را خطاب قرار دادم و ایشان هم جواب دادند.
خداحافظ -

نویسنده: مهدی.م

چهارشنبه 12 تیر1387 ساعت: 17:57

با عرض سلام.

جناب آقای م.ستاره نوشته های دهگانه شما را خواندم. الحق که سخنان خوبی گفته بودید.
اگر امکان داشته باشد کمی بشتر راجع به دکتر جواد هیئت توضیح دهید.
این سخنان شما را به هیچ وجه درخور شخصیت هیئت نمی دانم.

من از اولین شماره های مجله وارلیق تا آخرین آنها را خوانده ام.

هیئت تنها کسی است که پان ترکها او را خائن و پان فارسها او را پان ترک خطاب میکنند!!!

ایشان هیچ گاه ایرانی بودن خود را با تورک بودن و حتی بالاتر با مسلمان بودن در تناقض ندیده است. کوبیدن این شخص توسط شما برای من عجیب است. اگر مدارک بیشتری دارید ارائه دهید.هیئت یک مسلمان واقعی است که همواره قبله خود را خانه خدا کعبه میداند نه آن طرف رود ارس.
این را هم متذکر میشوم اولین عمل پیوند قلب در سال ۱۳۴۸ و اولین عمل پیوند کلیه برای نخستین بار در سال ۱۳۴۷ به وسیله يك جراح تبریزی به نام دکترجواد هیئت انجام گرفته است.
گوله گوله

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 12 تیر1387 ساعت: 20:52

آقای توحید. از آن استاد شما هنوز خبری نرسیده، بد نیست برای اطمینان خاطر احوال شان را پس از دیدار از مستند استاد غفوری بپرسید.

آقای فا. برای آگاهی از آن مطلب به کتاب ها رجوع کنید. به قدر کافی حدس هایی زده اند.

نویسنده: یولداش

چهارشنبه 12 تیر1387 ساعت: 23:43

اقای م . ستاره خیلی تند نرو میترسم پلیس کنترل نامحسوس جلبت کنه...

نویسنده: دوست

چهارشنبه 12 تیر1387 ساعت: 22:54

م. ستاره

سلام

چرا اذیت می کنی! بزار او تای بو تای بیر اولسون و من هم رئیس جمهور . اون وقت تو رو معاون و ولی عهد خودم می کنم.

نویسنده: رضا

پنجشنبه 13 تیر1387 ساعت: 7:48

با سلام خدمت استاد محترم ، بنده مجددا سوالم را به ایمیل وبلاگتان ارسال کرده ام و منتظر بذل توجه هستم.
از دوستان عزیز هم استدعا دارم با توجه به اینکه زمانی عده ای از تورکها به دین یهود درآمده و در مناطق مختلف پراکنده شده اند و این گناه نابخشودنی آنها باعث شده است که اعراب فلسطین را از دست بدهند و امریکا به عراق و افغانستان دست اندازی کند و .... ضمن اعلام برائت از زبان و فرهنگ و حقوق قومی این سلاله منفور منبعد تمام تلاش خود را بکار ببرند تا با شناسایی ، معرفی و محکوم کردن افرادیکه ماتحتشان خوش فرم است کمکی به نابودی عوامل باقیمانده آن تورکها بنمایند که اینک نام صهیونیست بر خود دارند.بدیهی است این عمل باعث درک صحیح مطالب این وبلاگ از طرف تمامی منتسبان به قوم آریایی و سامی خواهد شد. ضمنا به این افراد یهودی زاده و آنوسی تذکر میدهم که خجالت بکشند و در این وانفسای جهانی اینقدر بفکر خوش فرم نگه داشتن ماتحتشان نباشند که باعث گمراهی کسانی میشوند.

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 13 تیر1387 ساعت: 8:7

آقای آیدین یاشار. پاسخ خطاب شما به آقای م. ستاره بر عهده خود ایشان است، امابا ادای این نظر: «خود استاد معتقدند که چون بحث های بنیانی در جریان است, مطالبات قومی نوعی سطحی نگری است»، منبع بروز تضارب آراء پهلو شکن کنونی را معلوم کرده اید. زیرا مطالبات قومی در ایران هرگز تریبون و سخن گویی صریح تر از تزهای تاملی در بنیان تاریخ ایران نداشته است و البته نه به زبان هارای هارای من ترکم. اگر انتقال تجارب و نواندیشی های اجتماعی نتواند موجب تصحیح روش ها شود، پس حاصل راه نمایی های قلم و بیان معطل و باطل می ماند. به پاسخ های بالا از آقای یولداش و دوست و بجانی توجه کنید، معنایی جز این ندارد که برای دل سوزی های م. ستاره جوابی نداشته اند. صد سال است عرب را موش و سوسمار خور می خوانند و بهتانی نابسته بر آن ملت نداریم تا از محتوای دین و فرهنگ خود منزجر شویم، ولی آب

از آب نجبیده سهل است صاحب قلمان ممتاز آذربایجان نیز در همین باب خفت عرب داد سخن ها داده اند، بی این که مطلب عمده ای مغایر و معترض این تبلیغات یهودی در اسناد آذربایجان خوانده باشیم، اما بر اثر یک ناسزای احمقانه و بی اثر علیه ترک در روزنامه ای فاقد اعتبار، به سادگی در خیابان ها خون به پا می کنیم. این نمای همان خلاف در جریان هویت طلبی است: ما دشمن یکدیگر نیستیم و هر یک کباده ی خود را نمی کشیم، باید متحدانه و با سلاح فرهنگی و از بنیان با آن منبعی درافتیم که تصمیم گیری در باره ی فرهنگ عمومی را به دست پادوهای یهود سپرده است. همان پادوهایی که در میان روشن فکری کنونی آذربایجان نیز به قدر کافی یافت می شوند و برخی ماسک مطالبه ی حقوق قومی هم بر چهره دارند. کسانی که با وجود غده ای در مغز و قلبی اسیر انسداد رگ و کلیه ای از کار افتاده، مشغول پر کردن آخرین دندان کرسی در فک بالای آذربایجان اند تا لبخند قومی آن ها بدون نقص شود. آن ها با مستند تختگاه هیچ کس درست به علت افشای ماهوی توطئه های یهود در می افتند اما شعارشان درآوردن روزنامه به زبان مادری است تا به آن زبان هم ناتوانانه به یافته های تاملی در بنیان تاریخ ایران بتازند!!! امیدوارم درست متوجه این اشارات شده باشید: ملت ترک بیش و پیش از همه نیازمند صاحب اندیشگان نخبه و بنیان اندیش است، حتی اگر مجبورشان کنند به زبان فرانسه و یا هندیان بنویسند.

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 13 تیر1387 ساعت: 8:26

آقای مهدی.م. من هم سال ها است از دور و نزدیک، آقای هیئت را می شناسم و بارها افتخار دیدارشان را داشته ام. اشارات شما در باب ارزش های ایشان هم درست و هم مختصر شده است. اما در این جا صحبت از مهارت در تعمیر و تعویض کلیه نیست، صحبت از سرزمین بلاتکلیفی است که سنگی بر سنگ آن درست قرار ندارد و همه گونه خشم و کینه در سراسر آن می جوشد. سرزمینی که به جز قرآن حتی یک کتاب، دقت کنید یک کتاب، در مقوله های نظری که به خواندن بیارزد ندارد، کرم خوردگی تا هسته ی سیب فرهنگ آن را از فرم انداخته و ادبیات اش ابزاری برای تحمیق صاحبان آن است. به یاد دارم در آخرین برخورد و نشست با آقای هیئت در مطب ایشان، که نام داران دیگری هم از آذربایجان حضور داشتند، سخن از ساختگی بودن ادبیات فارسی و قلابی بودن درشت ترین ستارگان آن و از جمله حافظ شیراز و سعدی خوش سخن بود. شنوندگان ترک به تمامی برافروخته بودند و از شیرینی شعر فارسی مثال می آوردند!!! حال آن که ظرفیت وارد شونده ی به مطالبات مردمی باید در حد اکثر خود باشد و حساسیت های آمپریک نشان دهد.

نویسنده: فا...

پنجشنبه 13 تير 1387 ساعت: 8:26

با عرض سلام و وقت بخير.
استاد ، نظر جنابعالي در اين مورد چيست ؟(با توجه به اطلاعات جنابعالي در رابطه با حقايق وقايع).در ضمن مراجعه به چه كتابهايي مورد نظر مي باشد؟و آيا منابع موجود مورد تاييد شما است؟
با تشكر.

۱ ۲ <<

/wEPDwUJNzUyI

ایران شناسی 159

ایران شناسی بدون دروغ، 159، مسئله ی گویش ها - 60 نظر

نویسنده: صمیمی

شنبه 15 تير 1387 ساعت: 2:0

اینو حتما بخونین:
باطنی و حق‌شناس: زبان فارسی ضعيف است و اعتقاد به برتري زباني، نوعي نژادپرستي است

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8704080330

نویسنده: عثمان محمدی

شنبه 15 تير 1387 ساعت: 2:6

با سلام و خسته نباشید و تشکر برای مدخل جدید
جناب استاد در صورت امکان نقشه ی حدود تقریبی منطقه ی پوریم زده را منتشر فرمایید .

نویسنده: رضا

شنبه 15 تیر1387 ساعت: 8:9

جناب ناریا لینکس ، با سلام و عرض خسته نباشید گویا برخی از کامنتهایی که از طریق اتصال مستقیم (لینک داده شده در وبلاگ ناریا لینکس)به صفحه نظرات وبلاگ حق وصبر ارسال میشود ، با وجود اعلام رسیدن کامنت ثبت نمیشود این مسئله یکی دوبار برایم پیش آمده ، لطفا بررسی بفرمائید که آیا مشکلی وجود دارد یا نه؟ برای مثال بنده دیروز دو کامنت برای آقای آیدین یاشار نوشتم که فقط دومی ثبت شده . از زحمات شما کمال تشکر را دارم.

وب سایت

نویسنده: روشن

شنبه 15 تیر1387 ساعت: 8:50

با سلام استاد خسته نباشید و وقت به خیر

مدخل جدید بسیار اموزنده و افشا کننده خواهد بود خواهشی که دارم در صورت امکان مفصل تر و با نقل قول های بیشتر ارائه فرمائید با ارزوی سلامتی و طول عمر برای جنابعالی

نویسنده: حسام الاهوازی

شنبه 15 تیر1387 ساعت: 14:21

سلام استاد
به دلیل مشکل دسترسی به اینترنت و همچنین امتحانات ترمم مدت طویلی سر کلاس شما نبودم.....
پست های اخیر را که می خواندم بسیار افشا گرانه و مثل همیشه عالی بود......

این مدخل جدید را هم با کلی ذوق وشوق خوندم . ولی شما باید بدونید که با این مدخل به اقتصاد کشور ضرر میزنید چون بازار خیلی ها را کساد میکنید !
یادمه یک استاد ادبیات داشتم که همیشه بهمون میگفت شاه نامه رو بخونید چون تو زندگی بدردتون می خوره... (بدبختی رو میبینی باید واسه زندگی چه مزخرفاتی رو بخونیم)

راستی استاد من هم یک مقدار ذائقه ی شعر گویی دارم ، اگه خواستید می تونم خیلی بهتر از شاه نامه شعر بگم بعد به همه اعلام کنیم که این شعر ها مال 400 سال پیشه... تازه سعی میکنم با لهجه فارسی خام و درپیت 400 سال پیش شعر بگم !

نویسنده: 2

شنبه 15 تیر1387 ساعت: 14:24

استاد
می خواستم نظر شما رو در مورد ساکنین نبطی شهر کهن سلع (پترا) بدانم که چه کسانی بودن...؟
گویا شما عقیده دارید که مردم عرب مکه در قبل از اسلام بقایای به اعماق صحرا گریخته ی آرامیان، از شقاوت یهودیان در نسل کشی پوریم اند، که اندکی از فرهنگ و توانایی و خردمندی های بین النهرین کهن را، در محدوده ای کوچک، حفظ کرده اند . با توجه به اینکه عده اي از مورخان نبطیان را از عرب های قریش و نوادگان اسماعیل مي دانند و دلیل آنها قرابت زیاد در خط و اسامي و آنها با قریش است
و هم چنین اینکه مکیان مثل نبطیان تاجران بزرگی بودن و همچنین مثل انها بت پرست بودن ، احتمال نمی دهید که تمدن مملکت انباط مربوط به قسمتی از مردم مکه یا همان قریشیان است که به ناحیه ی طور سینا (اردن) مهاجرت کرده اند و ان تمدن را در دل کوه ها به وجود اورده اند ؟

با تشکر

وب سایت

نویسنده: narialinks

شنبه 15 تیر1387 ساعت: 15:8

سلام آقای رضا

این قبیل مشکلات ربطی به وبلاگ ناریا لینکس یا هر وبلاگ دیگری ندارد ؛ مشکلاتی است زائیده سرورها و اختلالات خود بلاگفا و و البته ضعف های سیستم اینترنت ایران .

http://narialinks.blogfa.com

وب سایت

نویسنده: رضا

شنبه 15 تیر1387 ساعت: 20:12

بمناسبت درگذشت عبدالوهاب المسیری اندیشمند مصری و مخالف صهیونیسم :
http://www.bashgah.net/pages-5881.html

وب سایت

نویسنده: قاراداغلی

شنبه 15 تیر1387 ساعت: 23:46

با سلام خدمت استاد و همه صالحان ارض
آقای م.ستاره
بدون تعارف عرض میکنم که تا امروز ، این وبلاگ برای ما فعالان ملی (بقول شما قومی) برکات زیادی داشته و امیدوارم تداوم داشته باشد . اولین میوه مبارک آن آشنایی با حقایق شیرین و دلنواز اسلام و دومینش دروغهای تاریخی شووونیسم «پارس» و سومین میوه ارزشمند آن ، کنار رفتن پرده تزویر و ریا از چهره مدعیان دروغین اتحاد اسلامی بود . به فرازهایی از فرمایشات گهربار خود توجه کنید :
1 - «من هم جای دولت مرکزی بودم ، همین کار را می کردم . آنها که از این حرف ها را می زدند ، به جرم خیانت و اقدام بر علیه امنیت ملی و تجزیه طلبی ، بازداشت و محاکمه می کردم .»
بدین ترتیب خودتان اعتراف کردید که مطالبات ملی (ببخشید قومی) را برخلاف نظر صریح استاد ، «خیانت و اقدام علیه امنیت ملی»! و مستوجب محاکمه میدانید ،آنهم در جوی که آزادی انسان از هر نوع بندگی غیر خدا ، ارزش اساسی تلقی میشود . خدا میداند در محیط کار خود ، چگونه با این مساله مواجه میشوید .
2 - «اکنون ، من و امثال من ، به چه کسی ، با چه اهداف و آرمانی هایی و در کدام نقطه باید مراجعه کنند و او ، چه برنامه هایی را عرضه می کند و در آینده ، قصد رسیدن به کدام نقطه را دارد و ... ؟»
اگر از برنامه و اهداف و آرمانهای حرکت ملی آذربایجان اطلاعی ندارید ، و حتی نمیدانید چگونه این اطلاعات را کسب کنید ، چرا فعالیت قومی! را «خیانت» می نامید ؟ اگر اطلاع دارید چرا و به چه نیتی دنبال «کسی» و «نقطه»ای هستید ؟

نویسنده: قاراداغلی

شنبه 15 تیر1387 ساعت: 23:47

3- «ما هم با طرح مباحث بی ارزش قومی مخالفیم و عامل افت کلاس وبلاگ ولی کاش دیگران ، مثلا خود شما هم همین طور می اندیشیدید و مطالبات قومی را ، از روش های منطقی و استاندارد و متعارف و مستند به داده های نوین ، پی می گرفتید ، ان کنتم صادقین !»
جل الخالق !!! از یکطرف مباحث قومی را «خیانت» می شناسید ، از سوی دیگر بدنبال کسان مطلع از اهداف و آرمانهای قومی! میگردید و نمی یابید و از سوی دیگر « روش های منطقی و استاندارد و متعارف و مستند به داده های نوین» را برای پیگیری مطالبات قومی پیشنهاد می کنید!!!! آیا این است «صداقت» شما ؟
4- «اصولا این سوال اساسی و بنیانی مطرح است که به راستی ، حضرات آیدین و قاراداغلی و مهدی.م و سهند و دیگر دوستان کامنت گذار یا جلسات ترکی بر پا کن نظیر همان دکتر هیئت و زیر مجموعه گان و غیره ، چه کسانی هستند و بر چه حقی ، در دورانی که مدارس کودکان هم مجلس منتخب دارد ، در مورد آذربایجان و ملت آن ، تصمیم و حتی اظهار نظر مالکانه می دهند ؟»
جناب ستاره ! آیا بهتر نیست بجای تلاش برای شناسایی «حضرات» فوق الذکر ، مطالبات و خواسته های آنان را با معیار های قرآنی بسنجید و لغزشهای احتمالی را نه با فحاشی بلکه اخلاق اسلامی تذکر بدهید ؟ شما فرض کنید حضرات مذکور تعداد انگشت شماری از بندگان خدا هستند و مستند به ذات خلقت ، حقوقی برای خود قائل هستند . آیا این کار جرم است ؟ یعنی میخواهید باور کنیم که شما نمیدانید در این جغرافیا «مدارس کودکان » که سهل است ملیت های میلیونی هم «مجلس منتخب» ندارند ؟
5 - « از دوستانی که علاقه مند به یقه درانی های وبلاگی هستند ، خواهش می شود یا فحاشی در مستراح ها را رها کنند ، یا اینکه لااقل اطلاع دهند تا راهنمایی های لازمه ، به شکل بروشور ! ، ارسال شود تا دچار مشکل نباشند !»

وجداناً بفرمایید ، آغازگر این بحث چه کسی بوده است ؟ چه کسی در مستراح به فحاشی پرداخته است ؟
چراغی که به خانه رواست ، به مسجد حرام است . بروشور ها را هدر ندهید که خود بشدت نیازمند آنها هستید .

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 16 تیر1387 ساعت: 0:15

آقای رضا. عبدالوهاب المسیری ضد صهیونیسم نبود. مجلدات دائره المعارف اش مطلب نوی نداشت و مصدق گاه مغرض داده های کهنه بود.

آقای اتفاق. مگر انتظار دیگری داشتید؟!!

آقای منوحیم. شخص مورد اشاره را شما به تر می شناسید من هم ایراد عمده ای در ایشان ندیده ام. انتخاب با خود شماست. کار نصب تمام شد تا چه پیش آید.

آقای حسام الاحوازی. نمونه بزنید ببینیم چه از آب در می آورید.

آقای روشن. به چشم.

آقای عثمان محمدی. حوزه ی اصلی قتل عام پوریم، ایران و ترکیه ی امروز و نوار شرقی بین النهرین یعنی سرزمین های بابل و آشور و عیلام بوده است.

نویسنده: مجتبی

یکشنبه 16 تیر1387 ساعت: 8:28

سلام جناب استاد از دقت نظر شما مبهوتم چگونه دیگران باین نازک اندیشی ها نمیرسند.

نویسنده: سماواتی

یکشنبه 16 تیر1387 ساعت: 11:5

تبریک میگویم جناب استاد بالاخره به مباحث اصلی و نهایی مدخل صفویه نزدیک میشوید. آن حقایقی را که از شما درباره صفویه خواندم هرگز بذهن راه نمیدادم و به اصطلاح در خواب هم نمیدیدم. ناظران بی طرف از خشمی که نسبت بشما و متاسفانه از همه سو ابراز می شود حیرت نمیکنند زیرا نشان میدهد حقایقی را بیان میکنید که میخواستند مخفی بماند.
زبان و قلمنان شیوا و شیرینتر و عمرتان دراز باد.

نویسنده: محمود بجاني

یکشنبه 16 تیر1387 ساعت: 11:18

با سلام
جناب قاراداغلي حق همان است كه در مورد ستاره بايد گفت چهره نوعي شونيسم مدرن را با چهره بنيان انديشي لعاب داده است تا هم از پورپيرار تاييد بگيرد هم از ورجاوند
البته نگران نباش تفكر و ايده ايشان و امثال ايشان آنقدر بي بنياد است كه به آقاي پورپيرار عرض كردم با يك زلزله 4 ريشتري مي لرزد .
راه بنيان انديشي از شناخت بنيانها مي گذرد نه توهم بنيانها! يعني تا بنيانها شناسايي نگردد انديشه در كجا سير خواهد كرد - آقاي ستاره هنوز در الفاظ و اسامي اي چون الهام علي اف يا احمدي نژاد وامانده است چطور مي تواند درك نمايد كه بنيان چيست؟
برادر عزيز جناب قاراداغلي آنچه مسلم است اين است كه اتفاقي پوريم مانند در تاريخ اسلام و ايران افتاده است در مورد تاريخ اسلام آقاي پورپيرار الحق زحمت كشيده و روشنگري كرده است كه بايد اين مسير ادامه يابد توسط خود ايشان يا توسط آنهايي كه در اين مسير پورپيرار را ياري كرده و همدل هستند و البته در آينده اي بسا بر خود جناب آقاي پورپيرار نقد نوشته شود (و ايشان فكر نميكنم از اين پيشامد واهمه داشته باشند) در مورد تاريخ ايران هنوز خيلي زود است همه ادعاهاي آقاي پورپيرار تمام و كمال صحه گذارد و تاييد كرد هر چند مسيري گشوده اند كه نورهايي از آن ديده مي شود.
با آروزي موفقيت براي اين مورخ شجاع و آرزوي بازگشتي دوباره براي آقاي ستاره بر سر بنيانهاي واقعي.
با احترام بسيار محمود بجاني

نویسنده: بابک

یکشنبه 16 تیر1387 ساعت: 14:45

با سلام خدمت آقاي پور پيرار
سوال من درباره ارگ بم است . ميخواستم بدانم اين بنا مال چه زمان و تمدني است؟
با تشکر از شما بابك

نویسنده: دوست

یکشنبه 16 تیر1387 ساعت: 11:45

آقای بجاني. سلام . من تبریزییم و تمام نوشته های آقای م. ستاره را درست میدانم و مشکل شما و دیگرانی را که با ایشان مخالفت میکنند این میدانم که هنوز با پوریم به طور کامل آشنا نشده اید. مطلب پوریم در این مباحث مثل مسلمان شدن یک مشرک است که اولین و مهم ترین قدم برای او شناخت وحدانیت خداوند است و نه قرائت درست در نماز خواندن!! امروز اولین و مهم ترین قدم برای هر مسلمان رفع پراکندگی عمومی مسلمین از راه آشنا کردن مسلمانان با پوریم و دیگر توطئه های یهودیان است که موجب تفرقه میان ما شده است، نه خواندن و نوشتن بزبان مادری و پدری. توجه بفرمایید که نوشتم اولین و مهم ترین وظیفه. زیرا اگر مسلمین بتوانند برادرانه و متحد و مطابق سفارشات قرآن با هم زندگی کنند، به طور طبیعی به حقوق قومی یکدیگر نیز تجاوز نخواهند کرد. مبارزه برای وحدت دوباره مسلمین و رسوا کردن دروغ های یهودیان اولین وظیفه است که تمام مشکلات ما را حل خواهد کرد.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 16 تیر1387 ساعت: 16:35

آقای بابک. این یک بنای کلنیالیستی جدید است که کم تر از دو قرن عمر دارد و در همان منطقه دو نمونه ی دیگر آن هم کمی کوچک تر یافت می شود. بدبخت هایی که از کشتی از آب بیرون نیامده تا این حصار گلی را به علت فقر اسناد، ساسانی می دانند احتمالا باید معتقد باشند که از زمان ساسانیان تا همین اواخر، فقط یک بار در بم زلزله نسبتا شدید آمده است!!!

آقای دوست. آقای بجانی نوشته اند که در منطقه ی ما اتفاقی «پوریم مانند» رخ داده است!!! درست مثل این که بگوییم در کرج رودخانه ای محتوای چیزی «آب مانند» جریان دارد و این نشان می دهد که تشخیص شما درست است و قضایا به رفع اتهام از یهودیان و نفی کلی و اگر ممکن نبود نسبی پوریم متصل است.

نویسنده: رحمانی

یکشنبه 16 تیر1387 ساعت: 13:8

با سلام خدمت همگی

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ
به یاد پوریم زدگان و رخداد پلید و ویرانگر پوریم و به امید شناخت کامل پوریم و مشرکان پوریم ساز

با سلام و خسته نباشید خدمت ابرمرد تاریخ شرق میانه
ما فقط و فقط می توانیم بگوییم
اجرکم عند الله

با گشودن این سرفصل جدید ، باید که منتظر پارس های پارس کنندگان و باوفایان، از هر سو باشید
به هر حال بی صبرانه منتظر ادامه مطالب هستیم

با تشکر فراوان

نویسنده: رحمانی

یکشنبه 16 تیر1387 ساعت: 13:13

با سلام خدمت همگی

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ
به یاد پوریم زدگان و رخداد پلید و ویرانگر پوریم و به امید شناخت کامل پوریم و مشرکان پوریم ساز

ای بسیار کتابخوان ، و ای مجهول الهویه ، ای ولی امر مطلق آذربایجان
ای سهند سینه چاک
اگر آذربایجان مسلمان،از دست دروغ و جعل ، رها شود باید که به حساب چون شمایی برسد که ژست رهبری گرفته اید
در حالی که کسی شما را نمی شناسد !!!
و این خود بزرگترین ظلم به یک حرکت نوپا است !!! کسی که ضربه می زند نامش خیانتکار است
نه کسی که انتقاد می کند ، حتی اگر انتقادش تند و تیز باشد!؟
شما که بسیار کتاب می خوانید و عالم و متفکر و علامه زمان هستید باید این را خوب بدانید!

به به آقای به اصطلاح بجانی،تورات شناس بزرگ ، کاشف نینوای یونس
سلطان دلایل محکم !؟

اینهمه از دست آقای م.ستاره عصبانی ای، که اینگونه دست پاچه و سریع همراهی کردی و جواب دادی!!!

باز هم با کمال وقاحت تکرار کردی::
"در مورد تاريخ ايران هنوز خيلي زود است همه ادعاهاي آقاي پورپيرار تمام و كمال صحه گذارد و تاييد كرد هر چند مسيري گشوده اند كه نورهايي از آن ديده مي شود."
آنوسی زیرک! که اگر آنوسی نباشی و باز بعد از اینهمه دلیل ، اینگونه ادعا می کنی ، یعنی مدعی خنگی بیش نیستی،
آقای مدعی! دلیل بیاور و ردکن، همین !!!
پیش گویی لازم نیست ، دلیل بیاور
گویا هدف تو ،کامنت گذاردن و القاء شک است ، و مطمئنا اگر ناچار نمی بودی ، جور دیگری می نوشتی!؟

بله مسلمانان احمق بوده اند که فریب گروه مکاری چون شما یا اربابانتان ! را خورده اند ، اما دیگر آن شرایط برقرار نیست
و با این کارها راه به جایی نمی برید، و فقط خود را رسواتر می کنید

در ضمن امیدوارم، شماها مورد خطاب آیه مذکور نباشید!

با تشکر فراوان

نویسنده: مسعود

یکشنبه 16 تیر1387 ساعت: 19:7

وقت شما بخیر استاد و خداقوت.

مطالب نو و بیدارگر شما همچنان اذهان مشتاقان حقیقت را تسکین میدهد.
اجرتان نزد خدای واحد و لایزال.

نویسنده: یه نفر

یکشنبه 16 تیر1387 ساعت: 20:44

آقای رحمانی: علی رغم لحن دلسوزانه و دوستانه شما احتمالا یکی از وظایف جنابعالی تحریک فعالین آذربایجان و شناسائی آنها برای حذفشان هستید . گهگاه موفق خواهید شد اما این امر کلی نیست .

نویسنده: سرباز اسلام

یکشنبه 16 تیر1387 ساعت: 21:43

استاد عزیز
اولاً به خاطر مطالب فوف العاده ای که در راه افشاگریهای جنایات یهود بر علیه مسلمین شرق میانه ،می نویسید به نوبه خود متشکرم.
ثانیاً در عجبم که چگونه این مدعیان پر ادعای حرکت قومی و رهبری آذربایجان!!!! (مثل سهند و قاراداغلی)خود را منتخب کل آذربایجان و ترکان ایران می دانند!!!در حالی که ترکان بسیاری مثل بنده و ...از این افراد بیزاریم.
براستی چگونه تفسیر کنیم این واقعیت را که در دنیای وانفسای امروز که پول حرف اول و آخر را در بین همه مردم می زند ، شخصی همه اندوخته های زندگی خود را صرف ساختن اثری ماندگار به نام تختگاه هیچکس می نماید تا با این کار خویش ، درک و فهم جنایات یهود را حتی برای مردم عامی و کم سواد مثل بنده به آسانی خوردن یک لیوان آب خنک نماید تا بدینوسله اولین و اساسی ترین قدم در راه اتحاد جامعه اسلامی در شرق میانه برداشته شده و عزت نفس واقعی به خانواده بزرگ مسلمین بازگردد.و در مقابل عده ای دیگر ، با محور انگاری برخی مسایل بی ارزش آب در آسیاب دشمن می

ریزند؟!!!براستی چه فرقی است بین شونیسمی که بر سر فارس نامیدن خلیج مسلمین میمون وار بر سر و روی خویش می کوبد ، و آن مدعیان سست عنصر رهبری آذربایجان که هر از چند گاهی محیط این وبلاگ را با اباطیل مغز معیوبشان به حاشیه می کشانند .
من به عنوان یکی از فرزندان آذربایجان از کسانی که خود را برتر از من و رهبر و مقتدای من می دانند ، متنفرم.

نویسنده: بی نام

یکشنبه 16 تیر1387 ساعت: 22:22

1
از لطف بی حد خداوند است که فرستادگانش را با معجزات می فرستدالبته نه برای هدایت کل بل برای راهنمایی ان قلیل افراد احتجاج گر که به سختی باور دارندحقیقت را, و می بندند باب پذیرش را , وبر دین خود مصرند , وحتی اگر قبول کنند ایات حق را,
ان را در قیاس بامعرفت ذات اکتسابی خویش در سنجش اند وگرنه امثال ستاره ها و میثم ها همیشه "علی دین ابراهیم" بوده اند باید سامری ها متقاعد گردند. آیات ومعجزات برای اعتراف به وحدانیت است پس چگونه است انکه ایه پوریم را نپذیزفته خود را سراینده نغمه زیبای وحدت می انگارد؟انهم چه نوع وحتی ؟ وحدتی از نوع ددقور قورد. ایا به نظر نمی اید که در پس ان شعار رهایی از امتیاز قومی خدعه ونیرنگ نفاق گونه ای مستتر باشدبرای جانشین کردن گوساله ای متکلم از همان جنس و قماش قبلی وعلی دین آبائهم؟
پوریم هشدار تاریخ است برای همه عصرها ونسلها وتوجهی تاریخی بر اینکه قومی غدار و زور مدار برای سیطره وگوییم سازی جهان .هر نغمه شوم بر تری طلبی از هر قوم وقبیله تحت هرعنوان وهربهانه حتی در حد اعلای دراماتیسم مظلوم نمایی و اشک در آری همراهی وهم آوایی با یهودیت پست است ودر ادنا جایگاه خود به تساهل وتسامح انوسیت است.

طبیعت زلزله است که همه چیز را بجنبانداپا انتظار دارید که نلرزاند؟جل الخالق!!! جنبیدن در نظامات ضد ارزش نیست در مسیر نظام است.فرو ریختن دلالت بر مهندسی ضعیف وخالی از ارزش است .نمی دانم که این قومگرایان(عنصریها)چند بار باید فرو ریزندو عبرت نگیرند و تازه لرزش نا ریخته راکارمایه "همزه لمزه" قرار دهند؟

انکه به قصد پنهان سازی سر در برف می کند بی شک جاهل به قوانین استتاراست و در فرهنگ خاص وعام کنایه از بلاهت وانکه به قصد خود نمایی سر در برف فرومی می کند غیر از این است که می خواهد اسافل خوش سایز خود را رخنمایی کند؟اگر می گویید نه حد اقل دلیلش را بیاورید واینچنین مته بر این عضوکه خشخاش انگارش کردید نگذارید بخداشک بر انگیز است وچنین وا روم سیاه واین حرفا مثه رو گیری خاتون از گنجشک نر سر شاخه درخت خانه همسایه است که باید چوب سفیدش را زاغ سیاه زدمطمئنا" منتج به نتیجه است . بی شک.

نویسنده: بی نام

یکشنبه 16 تیر1387 ساعت: 22:24

2
فرقی بین کلام نسرین وب1 و بجانی نمی بینم یکی با یهودی کردن مفسرین و متئولین قصد اثبات وجود تجمع در قرن پنجم اصفهان و رد نظریه پوریم دارد ودیگری در پی اثبات وجود ساسانیان و صفاریان و سلجوقیان و...است ورد نظریه پوریم وسومی قصد ایجاد جمعیت یکصد هزار نفری در بابل وعلم کردن شاهد نفی پوریم . همه در دو خصیصه تهاجمی مکارانه مشترک القول اند یکی رد پوریم ودیگری نزع وانفصال برادران از اتصال به بنیان اندیشی به حربه تهمت یکی تهمت جیره خواری اعراب می زند ودیگری تهمت شوئنیست مدرن!!!جل الخالق.

بگذارید مخلص کلام را بگویم البته به نظر بنده که به قول بعضی دوستان هنوز ادیت نشده ام انچه امروز وظیفه ماست تبلیغ ونشر حقایق پوریم واهتراز از دخالت در سیاست و اقتصاد وابتلائات روزمره زندگی است ولی دور نمای این اندیشه چنین نیست چرا که انها به سلام وصلوات رضایت نمی دهند ما به اعتقادات دینی چون اسلاف خود معتقد به دفاغ ایم و احفاد ما بی شک بر این باور اندو جبر دفع شر خواه ناخواه ما را به وادی درگیری خواهد کشاند در فلسطین در لبنان در عراق رافدین ودر افغانستان الزام دفاع همه روزه معرکه ها می افریند.

نویسنده: بی نام

یکشنبه 16 تیر1387 ساعت: 22:25

3
امروز نظریه جدیدی در اروپا به باور رسیده است وان اینکه نطفه اولیه رونسانس اروپا از نظر مکانی اسپانیاو از نظر ایدئولوژی اسلام بوده است ,اعتقادی بر هجمه اسلام در بین روشنفکران ان دیار باطل شده است بر خلاف انچه که قبلا" تلقین شده نکبتی نبوده که بر اروپائیان تحمیل شده باشد نعمتی بودکه پرده جهل وتاریکی کنیسه وکلیسا را درید. این اعتقاد فعلی انان است پس می بینیداین حرکتهای بشارتی و انذاری مختص منطقه ما نیست حقیقت از پس ان همه مکر و فریب شدید و

غلیظ قوم پست یهود در همه عالم رخ نما شده است یهود ومسیحیت تابع شریعت ان امروز دم از اخر الزمان می زند این مرگ عالم ونابودی جهان نیست این مرگ تمدن زرق و برق ومکر وریای یهودیت پست است وظهور تمدنی نو ,متصل به تمدن قبل از پوریم است
که مردان و زنانی را می طلبد از جنس بی رنگی نه متعلق به قوم وقبیله و ملت وبی عشق بنیان اندیشی و بی دغدغه اسلام و وحدت اسلامی که در نهایت گریزی جز رویارویی در تمام عرصه های اعتقادی واقتصادی و سیاسی و نظامی و... از ان نیست. بی شک این نوع مردان می توانند میثم هنرمند,م.ستاره اندیشمند که از سر بی تکلفی وخود شکنی خود را نو دین می داند ,اتفاق شجاع ودلیر,دهقانی عاقل و.....نه انان که به خود پردازی ذهنی از نوع خود رهبر انگاری مشغولند.

نویسنده: بی نام

یکشنبه 16 تیر1387 ساعت: 23:18

جناب سرباز اسلام
ممکن است بفرمایید "مسلمین شرق میانه" کدام صیغه است؟

نویسنده: بختیار

دوشنبه 17 تیر1387 ساعت: 0:29

استاد با سلام

این مقاله هم تیر دیگری بود بر پیکره ی دروغین باستانی ایران

خیلی روشنگر بود

از آنجایی که با حرف حساب استاد نمیتوان از راه آنچه از قبل موجود است انتقادی وارد کرد به جماعت باستان دوستان توصیه میشود شجره نامه فردوسی از طوس به تهران انتقال دهند و بعنوان برهان هم از وجود میدان فردوسی با مجسمه ای از این شاعر نامی در تهران شروع نمایند. چطور است از اینجا شروع کنیم که این این مجسمه را به دستور سلطان محمود غزنوی در این میدان علم کردند تا نشانگر ارادت ایشان به فردوسی باشد. بدین ترتیب هم ثابت میشود که تهران در زمان سلطان محمود وجود داشته است .

باور کنید اگر فردا این فرضیه از رسانه ملی پخش شود هزاران نفر برای اثبات آن دست و پا میشکنند. و حتی یک نفر هم نامی از بنده (بختیار) نخواهد برد

نویسنده: نسرین

دوشنبه 17 تیر1387 ساعت: 0:30

سلام آقای پورپیرار

تشکر که مباحث مربوط به ادبیات و فرهنگ را شروع کردید
آقای بی نام
من فقط قصدم نشان دادن این مساله بودکه این افراد یهودی نژادو یهودی مذهب بوده اندچون از اهالی محلاتی در اصفهان بوده اند که تا همین اواخر کاملا یهودی نشین بوده و کاری به تاریخ و زمان زندگی آنها نداشتم و نوشتن آنها به منزله تایید آن تاریخهای جعلی ذکر شده در تذکره ها نبوده!

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 17 تیر1387 ساعت: 0:49

خانم نسرین. حق را به شما می دهم، اما به تر بود در ابتدای نقل های تان نیز چنین تذکری را می گذاردید.

آقای بی نام. مطالب به سویی می رود که به تمرکز کامل و کافی برای درک منظورها نیاز دارد. ظاهرا ما نمی توانیم به گروه و امثال آراز بیلگین که نام اسلام هم حال شان را به هم می زند و از شکسته شدن سر یک مسلمان به دست مسلمان دیگر، به هر بهانه که باشد، لذت می برند، تفهیم کنیم که برقراری وحدت اسلامی با پایان تسلط یهود بر سرنوشت منطقه و اتمام هرگونه تجاوز به حقوق سیاسی و اقتصادی و فرهنگی مردم آن برابر است. مسلم بدانید که آذربایجان مستقل و صاحب اختیار این ها نیز چیزی به تر از آذربایجان شمالی نخواهد بود که پایگاه پنهان اسراییل در منطقه است.

آقای بختیار. برعکس نام شما را در لیست خدمت گذاران به ادبیات پارسی ثبت خواهند کرد.

آقای جسارت. چنان که خود حدس زده بودید، به ملاحظه ی جلوگیری از هجوم به شما، کامنت ارسالی را نصب نکردم. این جا مشتی چاله میدانی بی تحمل و ادب جمع اند!!! در آدرس قبلی این وبلاگ، که هک شد، چند تایی سرگردنه گیر مودب نشسته اند، که مقدم شما و کامنت های تان را گرامی خواهند داشت.

نویسنده: سهند

دوشنبه 17 تیر1387 ساعت: 1:1

ویت کونگ خوب ویت کونگ مرده است و تورک ایرانی خوب تورک اسیمیله شده است. بار ها خواسته ام که پاسخی به بعضی از دهن دریده های وراج این سایت داده باشم ولی از آنجائیکه با بافت و ساختار و ذات و ماهیت ذهن این افراد و همپالگی هایشان مانند محمد فروغی و محمود افشار و جلیل دوستخواه و علی میر فطروس و نورالدین غروی و محمد خاتمی و ذبیح الله صفا و شاهرخ مسکوب و اسماعیل نوری اعلا و داریوش همایون و نادر نادرپور و شجاع الدین شفا بگیر تا به جبهه مللی و نهضت ازادی اشنایی خوبی دارم نخواستم که با دیوار سنگی حرف زنده باشم. الان هم نه برای قصد روشنگری بلکه که به دو دلیل این پیام را می نویسم. دلیل اولی تشکر از اقای قاراداغلی است که با آن پیام های روشنگر و قلم شیوایشان تمامی حرف های دل مرا هم زده بودند. دلیل دومی: به عذاب در آوردن وجدان-- اگر داشته باشند---- افرادی مانند اقای رحمانی و ستاره داود و این سرباز اسلام که معلوم است که دیر تر سر سفره حاضر شده و از هول حلیم به دیگ افناده اند. این سه به اصطلاح مسلمان کامل که " بنیان اندیش هم تشریف دارند بار ها مرا با عناوین" رهبر" حرکت مللی آذربایجان مزین کرده اند این در حالی است که من بار ها در این سایت نوشته ام که من حتی تک نفری از رهبری این حرکت را نمی شناسم و بجز یکی دو تا از سایت های فرهنگی اذربایجانی به سایت های تورکی سر نمی زنم برای اینکه من برای اثبات وجود خورشید مجبور نیستم که فعل و انفعالات درونی اش را مطالعه کنم.

نویسنده: سهند

دوشنبه 17 تیر1387 ساعت: 1:2

اگر می خواستم فیزیک دان بشوم مجبور بودم که اطلاعات دقیقی در باره ساختار داخلی خورشید داشته باشم و اگر هم قصد رهبری داشتم حتما که باید حرکت جنبش را رصد کرده و با ضربان و تپش قلب اش اشنایی نزدیکی داشتم این در حالی است که من مثلا با سایت فدرالچی همین هفته قبل آنهم توسط پیام ستاره داود اشنا شدم. با اینکه اسم اش را این و آنور دیده بودم و خیلی راحت می توانستم با وارد کردن اسم اش د رگوگول آدرس اش را پیدا کنم.
اقایان رحمانی و سرباز اسلام و ستاره داود: با این رفتار و برخورد و پیام هایتان برایم اشکار شده اید که شما یه مسلمان واقعی -- یه شوینیست و یا تورک اسیمیله شده خود فروش چرا--- نیستید برای اینکه اگر مسلمان بودند به دیگری تهمت نمی زدید و بدون مدرک فردی را متهم نمی کردید در این دوره ملتهب از تاریخ ایران یکی از بزرگترین افتخارات رهبری سالم جنبش بیداری مللی اذربایجان است که متاسفانه من نمی توانم حتی خودم را شاگرد شان قلمداد کنم.

ایهمه نفرت شما از امثال من و سویداشم اقای قاراداغلی و دیگران بخاطراین است که ما اصالت و استقلال فکری مان را حفظ کرده و بوزینه وار معلق زدن را بلد نیستیم.

نویسنده: سهند

دوشنبه 17 تیر1387 ساعت: 4:52

یه گلایه کوچکی هم از اقای پورپیرار: اقای پورپیرارما بارها شاهد بوده ایم که پیامهای دیگران در این سایت درج نمی شده و جواب شما را که " پیامهایتان نرسیده" را قبول می کردیم برای اینکه من خودم در همین چند هفته قبل خیلی خلاصه وار از پیچیده گی تکنولوژی انترنت نوشتم . یعنی حسن نیت خودم را نشان دادم و بجای اینکه شما را متهم به سانسور پیامها بکنم مقصر اصلی را پیچیده گی تکنولوژی انترنت دانستم. هم شخص شما و هم ستاره داود مان ادعا کرده اید که سایت فدرالچی لینک فیلم مستند" تخت گاه هیچکس" را غیر فعال کرده است. اقای پورپیرار: برای این ادعایتان دلایل کافی دارید.؟ اگر آنها مخالف این فیلم بودند چه مرضی داشتنید که اصلا با حروف درشت در سایت شان به تبلیغات بپردازند.؟ می توانستند مانند ده ها هزار سایت دیگر اصلا ناده اش گرفته و حرفی هم ازش به میان نمی آوردند. چرا شماها اینهمه به همه چیز بد بین هستید.؟ تا آنجائیکه من میدانم یه مسلمان قبل از هم باید سلامتی روح و روان برخوردار باشد. پارانوید بودن نشانه سلامتی روح نیست.

ایا امکان دارد که بخاطر مشکلات فنی این لینک قطع شده باشد.؟ من صد ها بار شاهد همچو اتفاقاتی آنهم در سایت هایی مانند بی.بی. سی هم بوده ام که حتما یه تیم متخصص ای تی و طراح وب هم دارند.

همین دوستان -- مانند اقای عبادی-- و دیگران که معلوم است که تخصصی در این تکنولوژی دارند و در این مدت تقریبا کوتاه برایتان چندین سایت اصلی و پشتیبانی برایتان طراحی کرده اند نتوانستند از عهده یه هکر در بیایند. ایا امکان دارد که گرداننده گان سایت فدرالچی هم قادر تخصصی در این کار نداشته و قادر به تعمیر لینک نباشند. در آخر حیف است که

بخشی از پیام دوستمان اقای رضا را در اینجا درج نکنم.

"دانستن زبان عربی و توان ترجمه قران(که همه اعراب بلدند) با عمل به قران متفاوت است. احتمالا احترام به مردم و آفریدگان خداوند و رعایت ادب و نزاکت جزو آیات منسوخ خداست که ما هنوز بدان دست نیافته ایم

نویسنده: رضا

دوشنبه 17 تیر1387 ساعت: 8:31

با سلام به همه ، وقتی این کامنتهای پر از الفاظ عدوات را میخوانم و توجه می کنم که این افراد همدیگر را حضورا نمی شناسند و به خاطر محدودیت نوشتاری گاه حتی نمی توانند منظور خود را خوب برسانند و با اینحال اینهمه هجمه و تهمت و توهین رواج دارد و اغلب تحت نام اسلام و بنیان اندیشی و ملت دوستی صورت می پذیرد ، دلایل واضح موفقیت صهیونیسم را در طی قرنها بهتر درک می کنم. به قول معروف نه به داره نه به بار و اینهمه دشمنی و توهین . عجیب است که من تورک اگر کلمه ای راجع به هویتم بگویم بلافاصله کامنتهای مختلف شداد و غلاظ برعلیه من صادر میشود و انواع عناوین زشت و تهمت وابستگی نثارم میشود که پوزیم را درک نکرده ام و گرنه اگر مسلمان باشم باید که حق موطنم را رها کنم و در کنار حماس و الفتح و حزب الله و... برعلیه یهود بجنگم توگویی که فیلم تخت گاه هیچکس و مسئله پوریم (که بنده با تمام وجود آنرا پذیرفته ام)از سوی "این درصف مقدم جنگ قرار گرفته ها "قبول شده و تبلیغ میشود. انگار تمامی اقوام منطقه ایران و تمامی مسلمین جهان پوریم را پذیرفته اند و تنها این تورکها هستند که قدرت درک ندارند! و اگر تورکی کلمه ای راجع به حق ذاتی و بشری خود حرف بزندبجرم ادعای رهبری تورکها محکوم به ترد و توهین است.

وب سایت

نویسنده: رضا

دوشنبه 17 تیر1387 ساعت: 8:51

ادامه..... در تمام اینمدت ندیده ام که از دیگر اقوام منطقه کسی حرفی مخالف یا برعلیه موضوع بزند و بلافاصله تمام قوم وی منتسب به یهود شود اما سرنوشت تورکها باید چنین باشد. چون جدایی طلبان بلوچ و خوزی و کرد و ...(که من به عقیده همه ایشان احترام میگذارم و ذکر نامشان برای توضیح سخنانم است و نه به علت دیگر) همه بنیان اندیش و مسلمان واقعی هستند و فقط این عناصر تورک هویت خواهند که عامل رکود بنیان اندیشیند.شما تصور بکنید که امکان تجمع حضوری شاگردان این وبلاگ ممکن بود و آنوقت ازسوی این مسلمانان واقعی که تمام آیات قران را نصب العین خود قرار داده اند چه ارشادی میشدیم ما تورکها!! صدرحمت به لباس شخصی های نظام مقدس!!! هرکسی که کاملا پرونده شخصی را بررسی نکرده و تنها به کمک چند جمله شنیده و به همت ظن و گمان خود به قضاوت می نشیند ، حتی اگر فوق تخصص حقوق اسلامی هم داشته باشد ، قطعا نخواهد توانست فردای قیامت پاسخ مناسبی به مالک یوم الدین بدهد. واقعا فکر میکنید آن خوارجی که ظاهرا ضد یهود و حافظ قران بودند چرا بخطا رفتند؟ باور کنید که اگر کمی از من اندیشی دست بردارید و به غیر من هم حق حیات و اندیشه و بیان قائل شوید ، مطمئنا به قران نزدیکتر میشوید و نه دورتر. این اسلامی را که اینهمه از آن دم میزنید رسولی داشت که حتی به دشمنترین دشمنانش محبت میکرد و شما به کسانی که خوب نمشناسید جز نفرت و تهمت هدیه ای ندارید.

وب سایت

نویسنده: رضا

دوشنبه 17 تیر1387 ساعت: 9:10

ادامه.... باور کنید که من نه حزبی دارم و نه مدعی رهبری تورکها هستم و نه حتی یکی از آنها را از نزدیک دیده ام ، اما بعنوان یک انسان مسلمان تورک حق خود میدانم که انسانیتم را و دینم را و هویتم را بشناسم و از آنها دفاع کنم ، نمیدانم چرا درخواست حفظ فرهنگ مادری من ضد اسلام است و خرج کردن بیت المال ایرانی برای اشاعه فارسی در افغانستان غافل از پوریم عیبی ندارد. چرا اعتراض من به آواره گی هموطنانم در تهران برای مشاغل پست و تمسخر آنها ضد بنیان اندیشی و مورد تنفر سربازان اسلام است و تاراج ذخایر مالی و فکری آذربایجان و اسارت و تبعید هویت طلبان تورک عین بینان اندیشی است. در یک کلام چرا فقط تورکها هر کاری میکنند زیر ذره بین هستند؟ واقعا چنانچه قبلا هم عرض کرده ام و متاسفانه موجب برداشت نادرست دوستانی هم شد ، تورکها تاوان خزرهایی را میدهند که یهودی شدند و تعداد یهودیان را افزایش دادند؟ یا چون اروپاییها از تورکها بخاطر صدمات دینی و مالی ناشی از حکومت عثمانی ، بدشان میاید و برحسب این مد تورکها حق ابراز نظر ندارند؟ چرا ارتباط امثال علیوف با اسرائیل بحساب همه تورکها نوشته میشود ولی ارتباط پرده دار کعبه با آمریکا بحساب همه مسلمانان گذاشته نمی شود؟ چرا من باید بخاطر اینکه فلان استاد باکو یا استانبول هنوز پوریم را درک نکرده ، باید جیک نزنم و هویت نطلبم ولی اینهمه عرب قران فهم پوریم نفهم وجود دارد و اعمال آنها مربوط به دوستان بنیان اندیش نمیشود؟ و هزاران چرای دیگر که فقط قلوبی که در آن مرضی نیست آنها را قضاوت عادلانه خواهد کرد.
والسلام علی من اتبع الهدی

وب سایت

نویسنده: آیدین یاشار

دوشنبه 17 تیر1387 ساعت: 11:59

استاد محترم جناب آقای پورپیرار
بارها تاکید کرده ام که سایت شما نباید به سایت مطالبات قومی تبدیل شود. شما بحثی فراقومیتی را دنبال میکنید که به بنیان اندیشه ها اصابت میکند. تعارضی ندارد که هم از اندیشه های شما بهره مند شویم و هم در فکر اصلاح ناهنجاریهای فرهنگی کشور باشیم. اخیرا چند کامنت در این رابطه فرستادم که بیشتر آنها درج نشد. من طلبکار نیستم فقط مایلم بدانم انگیزه درج نکردن آنها چه بوده است. اگر از نظر شما بی محتواست، عیبی ندارد ولی نگرانی من از آن است که ممکن است به دلیل برخورد با بعضی نظرات شما صلاحیت درج نداشته است. زیرا برای من قابل قبول نیست که شخصی چون شما که ارکان اندیشه های موجود را میلرزانید، از درج یک کامنت به دلیل مخالفت (فرضی) با بعضی اندیشه های خودتان خودداری بفرمائید. من بدون کامنت کذاری هم از نوشته های شما بهره مند میشوم و بدون تردید ارزش والائی بر نظریات شما قائلم ولی وجود کامنت به معنی یک سیستم زنده و پویا است. حد اقل برای من در شناسائی شیوه تفکر خوانندگان شما خیلی کمک کرده است.

نویسنده: میثم

دوشنبه 17 تیر1387 ساعت: 12:34

آقا رضا زمان حرکت در جهت خواسته های کنیسه و کلیسا تمام شده . تامدت ها قوم پرستی- چه از نوع ترکی چه فارسی و ...- مانند یابویی که شلاق می خورده و بیعار به راهش ادامه می داده گاری کنیسه و کلیسا را هل داده تا آنجایی که امروز شاهدیم . حتی با مظلوم نمایی هم دیگه نمی تونه این برنامه ادامه پیدا کنه ترک و فارسم توی این راه هیچ فرقی نداره !!! ولی مشکل اینه که هنوز به اهمیت پوریم پی نبرده اید !!! هلوکاست قلابی باعث عوض کردن تاریخ و سرنوشت یک دنیا شد باعث بوجود آمدن نهادهای به ظاهر بر حقی که تمام گردانندگان آنها یهودیان هستند!!! شما هنوز نمی دانید با جهانی شدن موضوع پوریم چه بلایی بر سر تمام نقشه هایی که برای بشر کشیده اند خواهد آمد. درک موضوع پوریم به قدر فهمیدن این مطلب مهم است که مردم ممتاز شرق میانه، در هدایت آدمی پیوسته نقش مهمی بازی کرده اند.

سهند برو نگاهی در آینه به خودت بنداز!!! همین که بعد از اون همه وراجی و گنده تر از دهنت صحبت کردن استاد اجازه میده از محظرشون استفاده کنی برو کلات رو بنداز بالا وگرنه به امثال تو نباید زیاد توجه کرد چون چیزی تو فکرت نمی گذره جز نابودی امثال م .ستاره که هر روز توی دلت آرزوشو می کنی و تو کامنت هات می نویسی !!! ولی از یاد نبر که ارباب بزرگتان هم سال هاست از پس قلوه سنگ کودکان فلسطینی برنیامده است !!!

نویسنده: پطروس

دوشنبه 17 تیر1387 ساعت: 11:17

این میثم خیلی کارش درسته! دقیقن میدونه تو دله بقیه چی میگذره. دمت گرم.

نویسنده: بابک

دوشنبه 17 تیر1387 ساعت: 16:1

ميثم خان نميدونم چرا از حرفهاي آقاي پورپيرار اينگونه برا كوبيدن ديگران سوء استفاده مي كنين. من حرفهاي تو و سهند را خوندم ولي اصلا از اتهامي كه به او ميزني خوشم نيامد. اينو بدون همه مثل تو فكر نمي كنند و هركسي مثل تو فكر نكنه يهودي نيست. من سهند را صادق ر و راستگوتر از تو يافتم.
موفق باشي بابك

نویسنده: رضا

دوشنبه 17 تیر1387 ساعت: 18:27

جناب ميثم ، اولا ايكاش يك آدرس ايميل بدهيد كه مباحثات ما اين فضا را اشكال نكند. اگر برايتان امان دارد لطف كنيد و كمي در مورد مردم ممتاز شرق ميانه(نه آنهايي كه در جريان پوريم كشته شده اند بلكه كسانيكه در حال حاضر ميتوان به آنها بعنوان افراد ممتاز اقتدا كرد) برايم توضيح بدهيد. ضمنا راهي نشان بدهيد كه بنده بدون ناراحتي وجدان و بدون ترس از معاد بنشينم و براي اتحاد اسلامي تبليغ كنم و تا آن روز كه نميدانم عمر من كفاف ميدهد يا نه؟ بدون اهميت از كنار همه مشكلاتي كه براي خانواده و دوستان و هموطنانم اتفاق مي افتد بگذرم . و نابودي ارزشهاي فرهنگي و اجتماعيم را به اميد پيروزي حزب اتحاد اسلامي به هيچ بشمارم. به اميد اينكه روزي اين اتحاد پته صهيونيسم را بروي آب خواهد انداخت از

اجتماع کنار بکشم و همانطوريکه قبلا اشاره فرموده بوديد بدون دغدغه اقتصاد و اجتماع و مردم تنها به تبليغ براي اتحاد اسلامي بپردازم و به هر مشکلي که پيش ميايد بگويم که صبر کن وقتي همه فهميدند و اتحاد اسلامي بوجود آمد بتو هم ميرسيم(درواقع اگر چنين اتحاد بوجود بيايد مشکلي نخواهد ماند.) دوست عزيز لطف کنيد و بفرمائيد از کجا فهميديد من پوريم را درك نکرده ام و باز هم بدون دادرسي قضاوت کرده و حکم داديد؟ ضمنا اگر ميشود رهبر يا گروه و حزبي را که رهبري اين اتحاد اسلامي را برعهده دارند کمي معرفي نمائيد. موفق باشيد

وب سایت

نویسنده: آیدین یاشار

دوشنبه 17 تیر1387 ساعت: 18:45

تفکر در باره بنیان تمدن بین النهرین، ظهور هخامنشیان و ایجاد قرنها سکوت فرهنگی در منطقه پوریم زده بین النهرین و جغرافیای شرق میانه و در نهایت تاریخسازی مصنوعی از دوره صفویه به بعد همگی با ابتکار و طرح وسیع یهودیان محورهای اصلی تفکری است که امروز به بنیان اندیشی معروف شده و استاد پورپیرار با توانائی کامل در حال کامل کردن تئوری علمی آن هستند. البته من موافق آن نیستم که این تاریخسازیها به قصد سرپوش گذاشتن بر حادثه پوریم بوده است، محور اصلی تفکر یهودی از دیرباز کنترل اندیشه هاست که استاد با عنوان مهندسی افکار عمومی از آن یاد کرده اند. کنترل اندیشه ها عالی ترین شکل تسلط بر جهان بوده و هست و هرگاه که این قدرت عادی با قدرت سرمایه عجین شده، سلطه بلامنازع بر جهان را به دنبال داشته است. چند روز پیش شاهد آن بودم که به مریض سالخورده ای یک لیوان آب معمولی خورانده میشد. وقتی محتوای آن را جویا شدم، گفتند یک حمد و هفت قل هوالله به این آب فوت کرده ایم که علاج قطعی بیماری قلبی است! تقریبا تمامی خرافات حاکم بر تفکر دینی ما را همین یهودیان، آن هم از دوره صفویه به بعد تدوین کرده اند.
هدف: کنترل افکار عمومی. در این میان بعضی از دوستان کامنت گذار و کامنت شکن در مطلبی بسیار ساده و ابتدائی گیر کرده اند که گویا اصلاح ساختار فرهنگی کشور و تامین آموزش و پرورش به زبان مادری غفلت از بنیان اندیشی است! بابا، این چه ربطی به بنیان اندیشی دارد، انسان طبیعی به زبان مادری تحصیل میکند، این همه بگو مگو برای چیست؟

نویسنده: محسن 1/2

دوشنبه 17 تیر1387 ساعت: 19:44

جناب آقای پورپیرار

در یادداشت شماره 154 عنوان کرده اید که
"آیا این همان فن نوی نیست که در قرن پانزدهم میلادی به وسیله ی مهاجران یهودی از اسپانیا به ایران آورده شد و چنان که در ادامه خواهید شنید، به دنبال قرنی تلاش، با آوایی از نامی که به مرکز تولید و تکمیل آن اشاره می کند، در اواخر عهد به اصطلاح صفویه، راه خود را به آرایه های معماری اسلامی گشود؟"
و در یادداشت شماره 154 خاطرنشان می شوید که
"این دو تصویر گواهی می دهد که تا همین چند دهه پیش در شبستان و پیشخوان و مناره های مسجد بزرگ یزد، آثاری از کاربرد کاشی دیده نمی شود و با بنای خشت و گلی و آجری ساده ای رو به روییم که به زحمت شاید سه قرن بر پایه های خویش ایستاده است. پاسخ ساده ی این سئوال که چرا این بنا و نظایر بسیار دیگری را در همین اواخر کاشی کاری و از هویت نخستین خود خارج کرده اند، این است که سود بردن از صنعت نوپا و در زمان قاجار پخته شده ی کاشی سازی ایران، به ترین مدد کار امثال پوپ و مورخین و مرمت کاران ایزومئوی ایتالیا بوده است"

نویسنده: محسن 2/2

دوشنبه 17 تیر1387 ساعت: 19:52

حال سوال این است که چرا یهودیان در همان دوره موسوم به صفوی بناهای خود را کاشی کاری نکرده و چند قرن برای این کار صبر کرده اند؟
خوشحال می شوم اگر در این مورد روشنگری بفر ما یید.

با تشکر

محسن

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 17 تیر1387 ساعت: 20:2

آقای محسن. فن ساز و کار با کاشی که به وسیله ی یهودیان از اسپانیا به ایران منتقل شد، در همان اسپانیا نیز برابر نمونه ای که در یادداشت 154 از حمام خانه ای ارائه دادم، بسیار خام و خرده کاری و اولیه بوده است. این که تکمیل و بلوغ آن تا سرحد کاشی کاری های ممتاز و مقرنس سازی های اصفهان و یزد با در نظر گرفتن محدودیت های محیط نامساعد و فاقد امکانات ایران، دویست سالی زمان برده باشد، چیز عجیب و بعیدی نیست. اتفاقا در گنبد شیپوری برخی بناهای کلیسایی آن عهد، نخستین کاربرد خرده کاشی های تک رنگ، درست به همان صورت منعکس شده در حمام اسپانیا را شاهدیم.

آقای رضا. انصافا که سرعت سرسام آور موفقیت در کسب اختیارات!!!؟ فرهنگی برای آذربایجان، به شما حق می دهد از صرف وقت و صبر برای مبارزه ی دراز مدت در راه وحدت مسلمین بی حوصله شوید!!! در این سخنان شما اندیشه ای خفته بود که به صراحت اعلام می کرد: تا زمانی که نتوانم به زبان مادری خود روزنامه بسازم، مسائل عمده ی جهان اسلام و برداشتن پرچم پوریم، ربطی به من ندارد.

آقای آیدین یاشار. به یاد نمی آورم یادداشتی از شما را نصب نکرده باشم. البته برخی یادداشت ها از کسانی که با روبنده به این وبلاگ می آیند، چهره ی اصلی خود را می پوشانند و جرات ندارند به عنوان مخالف و حتی یهودی اظهار وجود کنند، ثبت نمی شود و همین موجبی است که به سرعت خود را آفتابی کنند و به فحاشی پناه برند که نمونه هایی از آن را نگه داشته ام. با این همه گمان می کنم مخالفت با بنیان اندیشی، غالبا ناشی از درک ناقص مطالب م مباحث این یادداشت های سنگین است. به همین دلیل در چند نوشته ی آینده نوع دیگری از طرح مطلب را خواهید یافت.

نویسنده: رحمانی

دوشنبه 17 تیر1387 ساعت: 16:44

با سلام خدمت همگی

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ
به یاد پوریم زدگان و رخداد پلید و ویرانگر پوریم و به امید شناخت کامل پوریم و مشرکان پوریم ساز

آقای "یه نفر "
چیزی از نوشته اتان دستگیرم نشد
حذف چه ، برای چه ؟
اصلا در این محیط مجازی حذف یعنی چه ؟
و اگر با این نوع حذف ها فعالان آذربایجان ، از کار می افتند که وای به حال آنها؟
من مزدور و پارس کن و باوفا نیستم که موظف به انجام کاری باشم

من کسی را تحریک نکرده ام ، اتفاقا باید جلوی تحریک آنوسی ها ایستاد!!!
مجهول الهویه هایی موظف ، که هنوز خود را به خواب زده اند! و مانند اسلاف خود فکر می کنند که هر کاری می توانند بکنند در هر لباسی و با هر عنوانی !؟
اگر منظورتان ، از فعالین سهند و بجانی و ... و در واقع یک عده مدعی پرگو ، است که اینان به هزار نشانه ، از سپاه شرک یا مزدور آنها هستند

چرا در مقابل مدعیان جعل و دروغ کسی اعتراضی نمی کند
اما در برابر بقیه سریعا عکس العمل می بینیم، این عجیب نیست ، یا به نظر شما اتفاقی است!!!

در ضمن کسی به دلسوزی نیاز ندارد که لحن من دلسوزانه باشد

با تشکر فراوان

نویسنده: قاراداغلی

دوشنبه 17 تیر1387 ساعت: 21:39

با سلام خدمت استاد و همه صالحان زمین و با سپاس از آقای رضا که حرف دل مرا زدند و چیزی برای گفتن نماند .
آقای سرباز اسلام
همینکه در ابتدای کامنت خود مرتکب «دروغ» آشکار و «تهمت» ناروا شده و بنده و آقای سهند را متهم نموده اید که ما « خود را منتخب کل آذربایجان و ترکان ایران» میدانیم ، نشان میدهد که چگونه «سرباز اسلام» هستید .
شما مخیر هستید از هرکسی متنفر باشید اما حق ندارید خود را به دروغ «فرزند آذربایجان» بنامید . کسی شما را نمی شناسد که خود را «برتر» از تو و «رهبر و مقتدای» تو بداند . اینها که مرقوم فرموده اید وهم و خیالی بیش نیست که صرفاً بکار عقده گشایی می آید و بس . اینکه آقای غفوری با تمام مضیقه مالی مستند تختگاه هیچکس را تهیه و در راه گسترش

حقیقت گام برداشته ، مورد احترام همه حقیقت دوستان است و بالاتر از آن ، استاد پورپیرار که تهمت ها و توهین های متعدد را بجان خریده و با کمال شجاعت به اشاعه آنچه حقیقت میداند پرداخته است ، در نزد همه آزاداندیشان جهان (حتی اگر نظریه های ایشان را نپذیرفته باشند) قرب و منزلت خاص خود را دارد و هیچ نیازی به «تفسیر» ندارد که شما از ارائه آن وامانده اید . در ضمن تا آنجاییکه من اطلاع دارم ، استاد از «تفسیر» بیزار هستند و آن را نوعی «فضولی» در کار خالق یک اثر میدانند .

نویسنده: قاراداغلی

دوشنبه 17 تیر1387 ساعت: 21:41

آقای بینام ، شما هم بیهوده تلاش میکنید که از «پوریم» چماقی برای کوبیدن غیرفارس ها بسازید . آنچه مسلم است و غیرقابل تردید ، بیشترین تاوان «قتل عام پوریم» را ملل غیرفارس ساکن ایران می پردازند . بر این اساس ، میتوانم ادعا کنم که زمینه پذیرش «پوریم» در میان این ملل ، بمراتب بیشتر از ملت فارس است . اما هیچیک از آنها و خصوصاً فعالین حرکت ملی آذربایجان ، برخلاف شما ها قصد استفاده ابزاری از این پدیده شوم تاریخ را ندارد و کسی را با آن «تکفیر» نمیکند .
آقای میثم ، تا به امروز تنها «قوم پرستی فارسی» نقش یابوی گاری کش یهود را بر عهده داشته و امروز هم با تمام قوا از وانهادن آن مسئولیت خطیر!!! خودداری می کند . امیدوارم شما که خیلی مسلمان هستید و طبعاً «متقی» ، این حقیقت عریان را کتمان نفرمایید .
به شهادت تاریخ مجعول و دست ساخته قوم پرستان «پارس» ، ترک و عرب و کرد و بلوچ ، پیوسته در زیر چرخهای این گاری شوم ، له شده و کسی هم صدای ناله و ضجه آنها را نشنیده است (نخواسته است بشنود) . همچنانکه در همین وبلاگ «حق و صبر» هم ، کمتر گوش شنوایی هست که این صداهای استمداد را توان شنیدن داشته باشد . و اینچنین است که شما «برادران» مسلمان هم با تهمتهایی نظیر ، آنوسی ، پوریم نفهم ، عمله بیگانه ، تجزیه طلب و مخل امنیت ملی و ... نشنیده گرفتن فریاد استمداد برادران مسلمان خود را توجیه میفرمایید . اما برادرم بدانید که تجاهل صرف ، سلب مسئولیت نمیکند . اگرچه من آقایان رضا و سهند و بجانی و آیدین یاشار و ... را از نزدیک نمی شناسم اما بنابر نوشته هایشان میتوانم بگویم که نه من یهودی هستم و آنوسی ، نه آنها . مطمن بدانید که بنده بشخصه در فردای روز قیامت در دادگاه عدل الهی ، دادخواهی خواهم کرد و گمان ندارم که تهمتهای شما و سایر کسانی که هویت و شخصیت اجتماعی مرا به سخره گرفته است ، ببخشم !

نویسنده: توحید

دوشنبه 17 تیر1387 ساعت: 19:6

با سلام و عرض خسته نباشید
استاد ، اطلاعاتي در مورد نسخه هاي خطي كشف شده تاريخ «طبري» مي خواستم . لطفا من را راهنمايي كنيد ، آيا اطلاع داريد براي قديمي ترين نسخه ادعايي چه تاريخي را ادعا كرده اند و در كجا كشف شده و در حال حاضر در كدام موزه نگهداري مي شود ؟
با تشكر

وب سایت

نویسنده: بی نام

دوشنبه 17 تیر1387 ساعت: 23:3

1
ایا فکر می کنیدفرقی بین ان رعیت روستایی یهود زده که در گزارش تلویزیون از جهاد سازندگی در خواست ساختن یک امام زاده در روستایشان را داشت واین روشنفکر تحصیل کرده که در یک وبلاگ با چنین تئوریهای ناب بنیان شکنانه که هنوز به دنبال افراد ممتاز جهت اقتدا می گرددوجود دارد؟ این است که میثم ناله خشم الود سر می دهدکه هنورز بنیان را نشناخته اید.
ایاانکه از تبلیغ برای اتحاد اسلامی ترس از روز معاد و جزادارد با انکه بیماری قلب رابا یک حمد وهفت قل هو الله درمان می کند فرقی دارد؟پیدا کنید جهت اندیشه ای را که از تبلیغ وحدت اسلامی دچار عذاب وجدان می شود .پرتقال فروش کجایی است؟
اخه برادر عزیز چرا عادت داریم به دنبال مانیفیست ساخت بشر بگردیم ؟این چه تقلیب اندیشه است که دچار ان شدیم ایا فکر نمی کنی که حتی اینجا که بر مرز سعادت وشقاوت اعتقادی ایستاده ایم نیز دچار الیناسیون زدگی اندیشه یهود شده ایم؟
برادرم ایا مسلمانی خوب همین کافیست مانیفیستت مشخص است .دو قدم به جلو ویک قدم به عقب هم ندارد ,قدمها همه رو به جلو است حتی به قیمت فدیه اسماعیلت در راه خدا (نه در راه مشکلات دوست وقوم وخویش واغراض از این دست مواردشرک الود)حق عقب نشینی هم نداری .

معیار شناخت محدوده دوست ودشمن مشخص,هدف مشخص,تاکتیک مشخص ,ابزار مشخص,فکر می کنی چه چیز نا مشخص است که چنین احتجاج می کنی؟ من می دانم که فقط خواسته ات نامشخص است.

نویسنده: بی نام

دوشنبه 17 تیر1387 ساعت: 23:4

2

اقا بیا و نعوذ بالله فکر کنیم پوریم دروغ ,انکه به دروغ چنین چهره زمین را به نکبت کده امیال ضدانسانی مبدل ساخته به مصداق قص بل قص جاری کردن این دروغ روا نمی شود؟
ایران کف فرش هزار موزائیک اقوام وملیتهای مختلف است که در تحقیر شوئنیسم فارس قومی بر قومی در امانتر نیست ایا هیچ از خود پرسیده اید چرا فقط معدودی از برادران قوم شریف ترک به این غلظت جامه دران مسائل قومی اند؟
من در باره اقوام غیور عرب خوزستان خوب می دانم اگر لازم باشد ناگفته های بسیاری از روند حرکتی زیبای این قوم دارم که نه فقط نفت وزمین حاصلخیزشان بل حتی اب کارونشان را به سرقت بردند وچه زیبا خود را حفظ کرده اند که اگر هزار شیرین شهر برای تغییر عیار جمعیتی انان بسازند قادر نخواهند بود ذره ای بر این امر توفیق یابند. در اینجا می خواهم چیزی را اعلام کنم که والله نه از روی پاچه خواریست بل حقیقتی است که باید عنوان شود .نشر عقاید استاد پورپیرار موجب رویگردانی قشر عظیمی از اعراب منطقه از مسئله تجزیه شده وبه مسئله فدراتیو تعدیل گشته .
اگر لازم شد روزی در باره مسائل و راهکارهای تقابل در راستای حفظ هویت این قوم صحبت خواهم کرد تا معلوم شود که حفظ هویت قومی وفرهنگی نه فقط منافاتی با بنیان شناسی ندارد بل دقیقا" بقا ومنافع یکدیگر تضمین می کنند.

۱ ۲ >>

ایران شناسی بدون دروغ، 159، مسئله ی گویش ها - 60 نظر

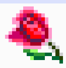
نویسنده: بی نام

دوشنبه 17 تیر1387 ساعت: 23:32

جناب قارداغلی
محض اطلاع بگویم ازهر قوم قبیله منفورتر در نزد شوئنیست فارس قوم وقبیله بنده است واز هر قوم وقبیله منکوب تر در مسئله پوریم قوم وقبیله من بود.
خوشبختانه بنده دو رگه عرب وفارس هستم وبیشتر معطوف به منش وحکمت قوم و قبیله عربی پدرم می باشم واز این بابت هم فکر کنم که بنده باز دربین شما از نوادرم که در کانون دو فرهنگ یکی یهود زده ودیگری عقاید نبیله وسامیه عرب پرورش یافته ام وشاید در بین دوستان بسیار بزرگوارم انتخاب من به درایت بیشتر بوده وفکر می کنم همین معناست که زودتر جان کلام استاد را شناخته ام انشا الله که چنین باشد.
می بینی که خیلی راحت امکان اشتباه وجود دارد کمی ارام تر لطفا".

نویسنده: رز

دوشنبه 17 تیر1387 ساعت: 23:55



نویسنده: مجتبی غفوری

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 1:19

با سلام

تصاویری از چندین توریست خطرناک!!!
http://mojijimi.blogfa.com

نویسنده: رضا

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 8:17

با سلام خدمت همه دوستان و بخصوص استاد محترم جناب پورپیرار
یکی از مهمترین چیزهایی که نوشته های استاد در طی این سالها در من تقویت نمود این بود که هرگز هیچ حرفی را قبول نکنم تا کاملا برایم مفهوم شود.حتی اگر همه جهان در حال تبلیغ و تائید آن حرف و حدیث باشد! پیشتر از آن هم چنین اندیشه ای در من وجود داشت که بدون درک عینی و لمس قلبی موضعی را نپذیرم حال ممکن است بزعم برخی اینهم از تاثیرات یهودی زادگی باشد!! اما بهرحال من از خودم مطمئنم که وقتی اعلام میکنم مطلبی را پذیرفته ام حتما بدان یقین دارم اما دوستانی که توانایی غریبی دارد که با چند کلمه نوشته ،در مورد شخصیت انسانها به تاویل و تفسیر بپردازند، خواهی نخواهی تنها آن قسمت از مطالب را میگیرند که گیرنده های خود را برای آن منظور تنظیم کرده اند.
جناب بینام عزیز کاش یکبار دیگر نوشته های مرا و دیگر دوستان را بخوانید و شما راهنماییم کنید که منظور دوستانی که بنیان را شناخته اند از مردم ممتاز شرق میانه در حال حاضر چه کسانی هست؟ فکر کنید که من همان روستایی نادان یهود زده ای هستم که شما میخواهید ویرا تفهیم کنید. خوب میدانید که با تهدید و ارعاب و تهمت کسی مجاب نمی شود البته با این روشها میتوان ویرا ساکت نمود اما مجاب خیر. بنده برای تبلیغ اتحاد اسلامی از معاد نمی ترسم بلکه از سکوت در برابر ظلمهای روز مره ای می ترسم که اتفاق می افتد و من باید بتوانم دلایلی برای خودم طرح کنم که میتوان از این ظلمهای روزانه درگذشت و از معاد و وجدان نهراسید و فقط برای اتحاد اسلامی حفظ بقا نمود. و صد البته که برای یک کار بشری باید روشهای بشری داشت.

وب سایت

نویسنده: azerbayjanli

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 5:2

با سلام
راستش دوستان من فکر نمی کنم در قیامت مسئله ای بنام حق الناس مطرح باشد و دنبال حلال کردن یا حلالی گرفتن از کسی باشیم .حقوق ضایع شده از جمله در این وبلاگ از جمله حق الله است. پس بیایید به سادگی آب خوردن بهم تهمت نزنیم!

نویسنده: رضا

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 8:36

ادامه...... استاد محترم جناب پورپیرار من ادمی هستم که هنوز زنده ام و میشود بجای تاویل سخنانم ، اندیشه های نهفته در آنرا با سوال و جواب بیرون آورد و اگر غشی در آن بود اصلاح نمود ولی تاویل آن راحت تر است!!بنده که بارها عرض کرده ام که انسانی مسلمان ، تورکم یعنی اسلام برایم مهمتر از زبانم است و شما مرا چنین تاویل میکنید پس چرا انتظار دارید قم و نجف والازهرو... دست از تاویل آیات الهی بردارند؟ بنده کی از بی حوصلگی حرف زدم بلکه در مقابل سخنان دوستان ارائه طریقی خواستم که با اتکای بدان از مسائل روزمره چشم بپوشم و فقط به اتحاد اسلامی بیندیشم. البته خودتان هم میدانید که با حلوا حلوا گفتن دهن شیرین نمیشود و برای مقابله با صهیونیسمی که 75در صد ثروت دنیا و نیروی عظیم فکری و نظامی در اختیار دارد باید که حزبی و راه کاری و تشکیلاتی باشد و گرنه گیرم که یک میلیون نفر بدون تشکیلات و مانیفیست مشخص مدعای بنیان اندیشی هم بکنند مشکلی حل نمیشود و بعد از مدتی میشود همین مسلمانانی که هر چند نفرشان حوزه ای برای خود ساخته اند و قران خدا را تفسیر به رای می کنند و بجایی نمی رسند.
شما توجه بکنید که از این چند نفری که در این وبلاگ رفت و آمد دارند هنوز برای این اتحاد جز شعار و توهین و تهمت چیزی نمی توان دید و با کمترین سوال و اعتراض به کوچکترین شعار بلافاصله انگ یهودیت و انوسی و وابستگی و نفهمی و... صادر میشود وای بان روزیکه این جمعیت بدون تشکیلات به یک گستردگی جهانی برسد.

وب سایت

نویسنده: رضا

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 8:48

3)ادامه.... دوست عزیز جناب بینام مایی که چندین دهه است در حال تبلیغ فدرالیسم هستیم بعنوان جامه درانی مفتخر میشویم و سکوت و تحمل دوستان عرب را در برابر یغمای منابع مالی و انسانیشان را زیبا و شیرین می بینید. متاسفانه بنده کمی دیر حالی میشوم و چه بهتر که شما بجای وعده به آینده همین حالا در مورد این بند سخنانتان که فرموده اید"در باره مسائل و راهکارهای تقابل در راستای حفظ هویت این قوم صحبت خواهم کرد تا معلوم شود که حفظ هویت قومی وفرهنگی نه فقط منافاتی با بنیان شناسی ندارد بل دقیقا" بقا ومنافع یکدیگر تضمین می کنند." بیان کنید تا معلوم شود چرا ما اشتباه

می کنیم و بچه علتی هرگاه تورک زبانی مینویسد که "حفظ هویت قومی وفرهنگی نه فقط منافاتی با بنیان شناسی ندارد" به یهودزادگی متهم میشود؟ مشتاقانه منتظر مراحم و ارشادات شما هستم.

نویسنده: هیوا ایزدی

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 17:51

استاد غفوری با سلام
جالب است بدانید در اسناد بین المللی مصوب مجامع جهانی حملات پیشگیرانه (بخوانید کشتارهای پیشگیرانه) به رسمیت شناخته شده اند!!!!

نویسنده: هیوا ایزدی

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 17:55

و البته ناآشنایی ما مسلمانان با پرچم برافراشته ی قرآن و ندانستن روش مبارزه در فرودستی مان بسیار کارگر بوده است.

نویسنده: اتفاق

چهارشنبه 19 تیر1387 ساعت: 1:6

دوستان عزیز

سلام علیکم . وقت شما بخیر
احتراماً :
سه سؤال قرآنی داشتم ؛ اگر بزرگوارانی تتبعات و تحقیقاتی در این زمینه ها کرده یا داشته اند ؛ مستدعی است منت گذاشته و دستگیرم شوند :
1. جریان سوره بندی آیات به « که » و « چه زمانی » باز می گردد ؟ یعنی چطور شد که خصوصاً در سوره های بلند ، آیاتی مشخص را ، " " علی رغم یکدست نبودن معناء یا روال تاریخی و موضوعی " " ، در یک سوره جای دادند ؟
2. چرا ترتیب سوره های قرآن به ترتیب زمان نزول ، که حداقل می توانست فهم روند تاریخی را بسیار سهل تر نماید نیست ؟ آیا در خود سوره های بلند نیز ، تقدم و تأخر آیات با مقتضیات زمانی همراستاست ؟ یعنی آیات اول نازل شده را در ابتدای سوره جای داده اند و آیات بعدی را در ادامه و دنبال آن ؟
3. در ابتدای قرآنم دیدم نوشته شده : « با قرائت عاصم به روایت حفص » . جریان این قرائات و روایات که ظاهراً شماره هایشان بیش از انگشتان دو دست هم می باشد ؛ چیست ؟

ان ارید الا الاصلح ما استطعت و ما توفیقی الا بالله
علیه توکلت و الیه انیب

۱ ۲

نویسنده: حسام الاحوازی

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 8:33

استاد در یمن بالغ بر 1 میلیون نسخه خطی تاریخی وجود داره که الان هم درون موزه هاش هستن

این خبر هم شاید جالب باشه
کشف بیش از ۴ هزار صفحه قرآن در محراب مسجد صنعا

به تازگی قرآنی با خطوط کوفی و حجازی و بدون نقطه که قدمت آن به قرن ششم هجری بازمی گردد در محراب مسجد تاریخی صنعا کشف شده است. به گزارش مهر باستان شناسان یمنی ۴ هزار و ۵۰۰ صفحه از برگهای قرآنی را کشف کردند که خطوط آن کوفی و حجازی بدون نقطه بوده اند.این دستنوشته های قرآنی در پی ترمیم و بازسازی مسجد بزرگ و قدیمی صنعا در یمن کشف شدند. این قرآن نادر از بخشهای تزئین شده و گچبری محراب غربی مسجد به دست آمد. این مسجد یکی از قدیمی ترین مساجدی است که در سال ششم هجری به دستور حضرت محمد (ص) ساخته شد و اینك به عنوان یکی از آثار باستانی اسلامی برجسته جهان اسلام به شمار می رود.

خاورشناس معروف آلماني موريتز هم معتقده که خط حروفي نخستين بار در یمن مشاهده شد

راستی استاد اگه به سوال قبلی من جواب بدید خیلی ممنون میشم (در مورد نبطیان)

نویسنده: نسرین

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 9:36

سلام آقای پورپیرار
یعنی زبان ترکی هم مانند زبان فارسی یک زبان ابداعی یهودی ها میباشد؟!

کلمات عاریتی ترکی در زبان فارسی:

آبجی-آچار(بازکنAchar)-آلاچیق-آیدا(Aida)-اتابک(Atabak)-اتاق-اجاق-اردک-افشین(Aghshinآغشین-سفیدفام)-باتلاق-باجناق-باسلق-بشقاب-بقچه-بلدرچین-بیات-تپق-توپ(Top)-توتون-جار-جارچی-چاپار(Chapar)-چاپیدن-چاتمه(Chatma)-چارغ-چاق-چکمه(Chakmaبالاکشیدنی)-چماق-خزر-داداش(Dadashهمپدر)-دوقلو-دولمه(Dolma)-ساناز(Sanazکمیاب)-سامان(Sahmanساهمان-مرتب-انتظام)-سلجوق-سنجاق-سنقر-سوجوق-سورتمه-سورسات-سوغات-سوگل-سوگلی(Sevgili)-فرفره-قاب-قابلمه-قاپیدن-قاچ-قاچاق-قاچاقچی-قارشمیش-قاشق-قاطر-قالپاق-قالی-قایق-قبراق-قدغن-قرق-قرقی-قره قات-قره قروت-قشقایی-قشقرق-قشلاق-قشون-قلچماق-قلدر-قنداق-قورباغه-قورمه-قوچ-قوش-قیچی-قیمه-کرنش-کشیک(Keshik)-کولاک-کهر-گلنگدن-یابو-یاتاغان-یدک(Yadak)-یراق-یقه-یواش(Yavash)-یورتمه-یونجه(Yonja)-یهر(Yahar)-ییلاق-...

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 10:21

نسرین خانم. عجله نفرمایید.

نویسنده: نسرین

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 10:41

بسیاری از کلمات ترکی و فارسی که به ظاهر متفاوت می باشند از دو گونه رایج یک مفهوم در زبانهای قدیمی گرفته شده اند.یعنی وقتی در یک زبان برای یک مفهوم دو کلمه وجود داشته است یکی در زبان ترکی به کار رفته و یکی در زبان فارسی: مانند کلمه آب و سو که به یک مفهوم خاص اشاره میکنند و هر دو از زبان سومری گرفته شده اند !
بسیاری از کلمات ترکی هم از زبانهای آرامی و سومری و سایر زبانهای خاورمیانه گرفته شده اند:

مانند:کلمه ی گؤل(Göl) به معنی استخر و دریاچه (در زبان تاجیکی هم به صورت کول تلفظ میشود) که کلمه ای آرامی است!
بعضی مواقع در مورد کلمات ترکی و عربی-وفارسی و عربی هم این امر صادق است!
کلمه او(Ev)به معنی خانه نیز یک کلمه سومری است!جالب اینکه کلمه عربی و عبری بیت به معنی خانه نیز یک واژه سومری است!

اگه امکان داره در مورد موسیقی هم بنویسید!
"سنتور"-"شیپور" و "سه تار"(در اصل ستار)هر سه کلمات آرامی هستند!
سه تاردر اصل از کلمه "ختار" آرامی است(وازدو واژه سه و تارتشکیل نشده است) !همین کلمه آرامی در زبان هندی سیتار و در زبانهای اروپایی گیتار تلفظ میشود!

سنتور یکی از سازهای محبوب یهودیان بوده است!

موفق باشید

نویسنده: ترک 86

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 11:7

«ترکان حتی یک نمونه از معماری کهن و یا باستانی و یا حتی صنایع دستی و تولیدات قدیم، در هیچ اقلیمی برای عرضه ندارند و در سده های اخیر سرانجام برای عرض اندام فرهنگی دست به دامان خط عرب شده اند»
بهتر بود می نوشتید در شرق میانه و گرنه در آسیای مرکزی آثار بسیاری از ترکان است از جمله خط و الفبای خاص ترکی.
شاید شما آشنا نباشید ولی کتیبه ها و آثار بسیاری از ترکان از جمله مثلاً در مغولستان بدست آمده است.

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 11:16

آقای ترک 86. بد نبود آدرس این آثار بی شمار ترکان در آسیای مرکزی را ارائه می دادید به شرط آن که از قماش نقاشی های منتسب به مانویان نباشد! و ممنون می شوم اگر یکی از کتیبه های به خط ترکی را بیاورید باز هم به شرط این که از قبیل سفال نوشته های اشکانی در نیسا درنیاید. در عین حال از یاد نبرید که مثلا کل بنای مقبره ی محمود یساوی در ترکستان بزرگ مانند آثار دیگری منسوب به تیمور، نوساز است.

نویسنده: سهند

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 11:25

آقای پورپیرار: بعد از نصب ادله شماره 150 و 151 که بیشتر در باره سلسله صفوی بود و نشان میداد که همچو سلسله ای اصلا وجود نداشته در این سایت ولوله ای براه افتاد که مرا به یاد صحنه ای از فیلم کودکان" شیر شاه" افتاد. با اینکه اهل سینما نیستم و 14 سال است که از در سینمایی وارد نشده ام اما با فرزندان ام فیلم های دلخواه ایشان را چندین بار تماشا کرده ام. در این فیلم بعد از کشته شدن شاه شیر با لیاقت و با تدبیر و عدالت خواه توسط برادر بی لیاقت و با همکاری کفتارهای تنبل که شاه شیر مجبور شان کرده بود که برای خودشان شکار کنند این کفتارها-- اصلا به کسی قصد توهین ندارم--- دلقک وار دور هم چرخیده و تکرار می کردند که " شاه مرد شاه مرد و دیگه شاهی نیست." بعد از نصب ادله شماره 150 بعضی ها از شادی اینکه اصلا سلسله صفویه هم قلابی بوده در پوست خود نمی گنجیدند. در حالیکه من خیلی خوشحال بودم که لااقل تاریخچه ملت خودم را می توانم رصد کنم. برای اینکه هر چقدر تاریخ ملتی جوان باشد به همان اندازه هم مشکلات کمی باید داشته باشد. در حقیقت تاریخ طولانی همچو باری بر دوش و روح آدمی فشار می آورد. در این مورد هم من بارها با دوستان اذربایجانی بحث کرده و آن اصل مشهور " تیغه اوکام" را مثال زده بودم. ویلیام اوکام یه متفکر قرون وسطایی بود که می گفت" چیزهای زیادی را باید برید و دور انداخت. هر چقدر کمیت موضوع بحث با مخالفان کمتر باشد به همان اندازه کیفیت مشاجره و جدل و بحث بالا می رود. متاسفانه دوستان اذربایجانی بجای اینکه از حقوق ملت ها از جمله حقوق خودشان--- که تشکیل خود ملت ها محصول همین یکی دو قرن است-- دفاع کنند با ادعاهایی بی پایه مانند این که تورک ها در لشکر پیامبر اسلام دوش با دوش ایشان جنگیده اند و یا اینکه ریشه تورکها به 7000 سال پیش می رود و غیره باعث درد سر خودشان می گشتند.

نویسنده: سهند

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 11:28

من چند روز قبل در همین رابطه پیامی در سایت اقای سی حیدر بیات درج کردم که ایشان به تورکی جواب دادند که من هم پیام خود و ترجمه بخشی از پاسخ ایشان را در همین جا درج می کنم.-- وقت ترجمه همه اش را ندارم که الان ساعت 2 بعد

از نیمه شب است که باید ساعت 6 بیدار شده و به گدایی روم/

در همین باره-- تورک ها و صفویه و غیره--- من تکه هایی ار نوشته های سابق خودتان را هم درج می کنم که فکر می کنم با دید کنونی شما در تضاد هستند. البته قصد مچ گیری ندارم و به این امر هم واقف هستم که دید انسانها با گذشت زمان می تواند تغییر یابد. اگر وقت اش را داشتید لطفا در باره تناقض نوشته های قبلی با فعلی را برایمان توضیح دهید.

نویسنده: سهند

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 11:35

سهند دئییر:
قوراپیشیرن ١٥-ي, ١٣٨٧ چاغ ١:١٨ گ.ؤ
حرمتلی بیات بئی: سلام و تشکر از اینهمه زحمت و نوشته های جاندار تان . قبل از همه بهتر بود که کمی هم در باره این حکیم تیلیم خان می نوشتید که من اولین بار است که اسمشان را می شنوم. ثانیا: چندی قبل در پیامگیرتان در زیر نوشته " نگاهی به عشقنامه اصلی و کرم" پاسخ ایمیل ام را داده بودید که فکر کردم بهتر است که در این پست آخری تان جوابی داده باشم.

البته قصد بازجویی ندارم ولی از آنحائیکه شما با دقت و ریزبینی قابل تحسینی با پدیده هایی مانند اسلام و تاریخ ایران و ترک ها و مشکلات و معضلات ترک های ایران درگیر هستید و با قلم شیوایتان به اینگونه مسائل می پردازید چرا تا بحال به اندیشه و کتاب ها و فیلم مستند " تختگاه هیچکس" و نوشته های اقای پورپیرار که همه اش دراین موضوعات هستند و به عقیده من تنها کسی هستند که تا بحال در تاریخ ایران پارادیم فکری جدید و علمی ترین شان را به حوزه فعالیت های فکری ایرانی کشانیده اند بی توجه بوده اید.؟

من اصلا مشکلی با اندیشه های اقای پورپیرار ندارم و اختلاف من با ایشان در شیوه راه حل مشکلات ایران است که به عقیده من ایشان بیشتر بر طبل نفرت می کوبند و قواعد بازی این دور و زمانه را بلد نیستند.

علت پرسش من این است که خود ایشان و یکی دو تا ....که فقط بلدند در جلوی ایشان معلق بزنند هویت طلبان تورک ایرانی را متهم به نادیده گرفتن و حتی مخالفت با یافته های ایشان می کنند که به عقیده من صحت ندارد برای اینکه اقای پورپیرار بهتر از همه تیشه به ریشه ادعا های قلابی باستان پرستان زده اند و اگر هم ایشان ادعا می کنند که مثلا سلسله صفوی دست ساخت یهودی هاست باز هم به نفع ماست چرا که تاریخ هر ملتی هر چه جوانتر باشد به همان اندازه هم مشکلات کمی دارد. اگر حق و حقوق را با اندازه طول زمان به سنجیم انوقت ماهی و اسب و گراز و پشه و میکروب ها باید بیشتز از انسانها دارای حقوق نی بودند برای اینکه اینها خیلی خیلی قبل تر از انسانها در این کره زمین می زیسته اند.
هله لیک

اگر بهر دلیلی نخواستید که در این پیامگیر پاسخ داده باشید می توانید برایم ایمیل بزنید.

نویسنده: سهند

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 11:36

اینهم بخشی از پاسخ اقای سید حیدر بیات.

ناصر پورپیرارا گلدیکده من دئدی‌ییم کیمی پورپیراری اوخوماغا واخت آییرا بیلمه‌میشم. یانی تکجه پورپیرار دئییل اگر اونون کیتابلارینی اوخوماق ایسته‌سم کسین کی اونون قایناقلاری و مخالفلری‌نین کیتابلارینی دا اوخومالی‌یام، و بو اوزون بیر زامان و بوش بیر واخت ایسته‌ییر

ترجمه : در باره ناصر پورپیرار باید گفته باشم که برای مطالعه ایشان نتوانسته ام وقت بگذارم. موضوع این است که اگر بخواهم پورپیرار را مطالعه کنم مجبورم که هم منابع ایشان و نوشته های انتقادی مخالف ایشان را بخوانم که وقت زیادی باید صرف کنم.

نویسنده: سهند

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 11:37

اینهم بخش هایی از نوشته های سابق خودتان.

شماره یک:
http://www.naria.ir/view/5.aspx?id=141

توسط:ناصر پورپیرار جمعه 24 شهریور1385 ساعت: 10:47
آقای رضا. تمام مقدمه ی کتاب اشکانیان، معرفی جنایات کثیف کلیسا و کنیسه در 5 قرن اخیر است. امکان دارد برای شناخت این فرافکنی پاپ، که می خواهد رد خون مردم آسیا و افریقا و آمریکای جنوبی را از صلیب دست خود بشوید، آن مقدمه را به این وبلاگ منتقل کنم.آقای آختاریش. ترک و عرب موجب و موجد پیدایش و گسترش اسلام در جهان بوده اند. دشمنی و هتاکی های کنونی نسبت به ترک و عرب، که به قصد تحقیر احمقانه و لات منشانه ی آن ها انجام می شود، ماموریتی است که کلیسا و کنیسه به کسانی سپرده، تا بدین وسیله نسبت به بالا برندگان پرچم اسلام در تاریخ عقده گشایی کنند. در حقیقت ترک و عرب ستیزی روی خجالتی، غیر رسمی و عامیانه ی اسلام ستیزی مصطلح مشرکان، یعنی یهودیان و مسیحیان است.

نویسنده: سهند

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 11:37

شماره دو:

http://www.naria.ir/view/5.aspx?id=14

درباره ی ترکان نیز جز این نمی توان گفت که مهاجرین به شرق میانه، از ارض های میانی و از خطه ای که امروز خراسان بزرگ می شناسیم، در پس طلوع اسلام اند و یافتن رد پای قوم ترک در محدوده ی کنونی ایران، پیش از حوادث پوریم، تاکنون ممکن نبوده است. این که نخستین سلسله های حاکم بر ایران را، در قرون اولیه ی اسلامی، همانند غزنویان و سلجوقیان، از مهاجران ترک می شناسیم، خود به عنوان مستنداتی در اثبات اهمیت بررسی تاریخی پوریم کاربرد دارد، اول این که معلوم می کند ترکان داخل حوزه ی نسل کشی پوریم قرار نداشته اند، پس در زمره ی مردم شرق میانه ی پیش از پوریم و ستیزندگان با داریوش نبوده اند و مهم تر، آشکار شدن این نکته است که در قرون اولیه ی اسلامی هم، هنوز هیچ تجمع قومی و بومی در ایران نبوده است که نسبت به مهاجران ترک ادعای اقلیمی کند و مانع تسلط آنان شود و بالاخره از آن جا که تا قاجار تمام سلسله های حاکم بر ایران از ترکان اند، به خوبی مسلم می شود که هرگز تسلط ترکان با مقاومت و مخالفتی رو به رو نبوده و این خود به ترین نشان است که حکومت سلسله های ترک پیوسته موجب و موجد رشد علمی و فرهنگی در ایران بوده و با مثال های سلجوقیه و به ویژه صفویه باید معترف بود که آنان در ایران تعدیات قوم گرایانه را موجب نشده اند و حتی در زمینه ی فرهنگی، علی رغم تسلط ۱۲ قرنه، تکلم به زبان های محلی و رفتارهای سنتی را تحت الشعاع تمایلات قومی خود قرار نداده اند و آن گاه که در رشد بعدی، دومین امپراتوری بزرگ جهان اسلام را پایه گذاردند،

نویسنده: سهند

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 11:38

شماره سه:

http://www.naria.ir/view/5.aspx?id=43

آقای مرندلی. ترکان این امتیاز و افتخار را دارند که از غزنویان تا قاجار گرداننده ی تاریخ و فرهنگ و سیاست ایران بوده اند، بی این که در این مسیر دراز و هزار ساله ی حاکمیت، حتی اندکی به حقوق و مظاهر دیگر اقوام ساکن این سرزمین تجاوز کنند و آن را ندیده بگیرند. حاکمان ترک هرگز دیگران را، همانند دوران کوتاه حاکمیت فارسیان بی ریشه، مجبور به ترک زبان و لبلس و آداب و رسوم بومی خود نکرده اند و در زمان تسلط آن ها ایران پیوسته تجمعی از «ممالک محروسه» با حقوق برابر قومی شناخته می شده و جایی ثبت نیست

http://www.naria.ir/view/5.aspx?id=63

در حال حاضر و با اختصار بگویم به جز ترکان - که مهاجرین پس از اسلام به ایران اند و در سازمان دهی تجدید حیات تاریخی و فرهنگی ایران اسلامی چنان سهم والا و حتی مطلقی دارند، که شناسایی و ستایش زحمات آنان محتاج فضای دیگری است که عقلانیت، جای گزین تعصب های کنونی شده باشد - دیگر اقوامی که در ایران امروز با زبان و لهجه و لباس و سنت های مختلف متمرکزند، هویت و هستی ماقبل اسلام ندارند

نویسنده: سهند

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 11:39

شماره چهار:

http://www.naria.ir/view/5.aspx?id=66

آقای یولداش. قبلا نیز عقیده ی روشن خود را کتبی و یا شفاهی درباره ی پیشینه ی ترکان در تاریخ شرق میانه ارائه داده ام. حضور ترکان در تاریخ کهن ایران پیش از هخامنشی، در محدوده ی کنونی ایران، از هیچ مسیری قابل اثبات نیست، و برعکس، دوام ترکان به دنبال نسل کشی پلید و عمومی پوریم معلوم می کند که این قوم به علت عدم حضور در شرق میانه شامل انهدام پوریم نشده، مگر این که آن ها را همدست یهودیان و داریوش در اقدام پوریم بدانیم که به دلایل متعدد حرف بی اساس و پوچی است. در فاصله ی پوریم تا طلوع اسلام نیز هیچ ردی از حضور آدمی در سراسر شرق میانه قابل شناسایی نیست، که ترکان را واحدی از آن ها بدانیم، اما تاریخ اسلام و به ویژه تاریخ ایران پس از اسلام، با وجود و حضور امواج متعدد مهاجرین ترک شکل گرفته و پیش رفته است . به طور کلی نقش ترکان در استمرار و دوام و عرضه ی عالی ترین نمودارهای تمدن اسلامی غیر قابل انکار است و می توان ترکان را سرداران محافظ دین اسلام پس از سقوط بنی امیه و جانشینان سرداران نخستین این دین دانست که به ویژه در گسترش اسلام در آسیای جنوب شرقی و هند نقش اساسی داشته اند چنان که عثمانیان دومین امپراتوری متحد و گسترده و بزرگ را در جهان اسلام پایه گذاردند. تذکر می دهم که زبان شناسی را ابزار شناسایی تاریخ نگیرید زیرا این وسیله را فقط برای ایجاد آشوب در فهم مسائل کهن انسانی به کار انداخته اند، به قدر یافتن یک نعل اسب هم در شناسایی محیط های بومی کاربرد ندارد و تئوری های آن بسیار ساده انگارانه، محدود، خوش خیالانه، بدون ارزیابی عوامل متعدد و مطلقا بی دوام بوده است

نویسنده: قورباغه کوچک

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 12:7

این بنیان اندیشی بسیار قابل احترام و شایان ستایش است. واقعا دوست داشتن حقیقت و ترجیح آن به دوست داشتن ترک و فارس و عرب و ... از عهده هر کسی بر نمی آید. وظیفه ای پیامبر گونه بر دوش می برید!

نویسنده: آیدین یاشار

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 12:27

استاد عزیز با سلام مجدد
یقینا ورود به مساله از زاویه زبان شناسی علمی روش مستحکمی است که بسیاری از مسائل را میتواند روشن کند. بدوا نکاتی به نظر من رسیده است که تقدیم میکنم:
1 - ارتباط زبان ترکی و سومری به هیچ وجه مسلم نشده است، و بعضی از زبانشناسان و افراد عادی صرفا بر اساس بعضی کلمات مشابه و تشابه دستوری (ماهیت التصاقی هر دو زبان) تئوری خویشاوندی آن دو زبان را مطرح کرده اند.
2 - تعداد زبانها در دنیا زیاد است ولی خط کتابت محدود است. به نظر من نمیتوان گفت که هر زبان مستقلی باید خط اختصاصی خود را داشته باشد.
3 - زبان ترکی علاوه بر خط اویغوری که ریشه آرامی دارد و عاریتی است، دارای خط اختصاصی موسوم به "اورخون" میباشد که آثار زیادی به صورت سنگ نوشته و برگ نوشته و غیره بدان خط موجود است، اما رد پای این خط در خاورمیانه تا کنون کشف نشده است.
4 - وضعیت دو زبان ترکی و فارسی در ایران بشدت متفاوت بوده و نمیتوان آنها را با مقیاسهای واحدی سنجید. زبان فارسی حالتی تهاجمی دارد و زبان ترکی در حالت دفاعی است. حد اقل از ظهور رضاشاه به بعد بعینه شاهد قلع و قمع زبان ترکی به نفع زبان فارسی هستیم، تا حدی که ترکان ایران حتی سنگ قبر خود را نیز به فارسی مینویسند. پیش از دوره رضاشاه نیز بحث خود را دارد.
5 - در زبان ترکی بر عکس فارسی که تفاوت فاحشی بین زبان ادبا و افراد عادی وجود دارد، چنین شکافی مشاهده نمیشود و موفق ترین اثار ادبی به زبان مردم است. این از آن روست که ترکی هیچگاه زبان مدح و ثنا نبوده است. همچنین توزیع زبان در سرتاسر آذربایجان، حتی آن سوی ارس تا دربند طوری است که یک فر عامی به راحتی میتواند در تمام آن جغرافیای بزرگ با همه صنوف مردم ارتباط زبانی راحتی را برقرار نماید. لذا نظریه خلق الساعه در مورد پیدایش این زبان ممکن است براحتی جا نیفتد.

نویسنده: رضا

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 13:26

استاد خسته نباشید ، مبحث بسیار گیرا و مهمی را آغاز کرده اید اولا از درگاه احدیت توان و موفقیت روز افزون برایتان آرزو میکنم. ثانیا امیدوارم دوستان همه صبر کنند تا مبحث به آخر برسد و پابرهنه بوسط ندوند جهت اعمال تلقیات و برداشتهای خود و یا دفاعیات غیر مستدل خود. به اصطلاح لطف کنند و کمی آتش بس اعلام نمایند تا جو توهین و تهمت آرام شود و موضوع به این مهمی با دقت لازم پی گیری شود.

وب سایت

نویسنده: حاجی زاده

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 13:28

1
بنیان اندیشان محترم آقایان رضا،قاراداغلی و آیدین یاشار
از گفتنی ها، هر آنچه که باید، با کلام شیوایتان فرمودید،درفشانی های شما در میان مغلطه بافیهای سه تفنگدار (سه قداره کش) عقل و دل و دیده را جلا می بخشد چه سود که "نرود میخ آهنین در سنگ"
از زمان ورودم به این وبلاگ معظم، مبحث صفویه در جریان است و در این مدت ندیدم کسی برای اسماعیل صفوی کذایی سوگواری کند و یا برای شاه عباس خیالی لباس سیاه به تن کند، آزاد اندیشان آذربایجانی متواضعانه در برابر حقایق سر تسلیم فرو آوردند، ولی گویا کسانی مترصد واکنشهایی از نوع جبهه گیریهای باستان پرستان از جانب ما بودند تا آن را ملعبه ای سازند برای کوبیدن آذربایجانیها و چون میسر نشد، همانند کودکانی که ملعبه ی مورد علاقه شان را از دست داده اند شروع به پای کوفتن و دادو بیداد کردند و برای تحقق آمالشان از مسیر حقیرانه دیگری وارد شدند ،شروع کردند به فحش و ناسزاگویی وتخریب ترکان، از نخبگان علمی و فرهنگی گرفته تا سران حکومتی ترکیه و آذربایجان شمالی، تا مادرانمان، و بدین ترتیب با جریحه دار کردن احساسات ما و متشنج کردن جو وبلاگ و با سو٫استفاده از شلوغی بوجود آمده ،حرف دلخواهشان را به قول معروف در دهان ما بگذارند، تا اسبابی برای عداوت ورزیهایشان فراهم کنند.

نویسنده: بابک

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 13:29

با سلام خدمت آقاي پورپيرار
شما در نوشته هاي قبلي خود ثابت کرديد که قوم و نژادي به اسم فارس وجود نداشته. آيا همين نظر را در مورد تورکها هم داريد؟

نویسنده: حاجی زاده

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 13:30

2
همانطور که اینجا محلی برای طرح مطالبات قومی نیست به همان ترتیب هم مکانی برای اقوام ستیزی ویا نقدو تفسیر اعمال این و آن گروه یا فعال سیاسی نمی باشد، فقط نمی دانم چرا آقایان حتی یک تف خشک و خالی بسوی آن سردمدار پاچه خوار عرب که مدال به گردن سگ هار اسراییل آویخت حواله نمی کنند، یا آن دیگری مرحوم شده که اگر امریکا الآن در بیخ گوشمان است از بی کفایتی و حماقتهای اوست، از گذشته ی مملو از جنایت و خیانت و حماقت او صرف نظر میکنند،چرا؟! او چه گلی به سر اسلام زد؟ جز آنکه سالها مردم ممتاز شرق میانه را از عرب و فارس و کرد وترک...را درگیر جنگهای خانمان براندازی نمود که منافعش تنها به جیب مشرکین نازل شد؟! هزاران کورد را آواره کرد (اتفاقا" همان موقع همین تورکهای نژاد پرست بودند که با اغماض از تمام کدورتهای گذشته، پناهشان دادند واتاقهای خانه هایشان را با آنها قسمت کردند،) جناب دکتر ستاره چقدر رئوف و با گذشتند،فقط نمی دانم چرا این رافت بی کرانشان تنها شامل حال خطاکارن(!)عرب می شود،شاید چون انها بعلت تکلم به زبان عرب تقدس دارد و همین تقدس هرگونه تکلیفی برای مبارزه و تلاش برای تحقق وحدت اسلامی را از دوش مبارک آنان ساقط میکند، آذربایجان باید باز هم خط شکن باشد،هرگونه خطایی هم مبین خیانت و آنوسی بودن است.
یقین دارم اگر این مکتب کبیر ومبارک که اینک در مرحله ی تربیت شاگرد ومبلغ قرار دارد، به مبارزه ای گسترده تبدیل شود،آذربایجانیها مثل همیشه پیشتاز و خط شکن خواهد بود ان شا,الله

نویسنده: حاجی زاده

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 13:34

3
معلوم نیست چه بلایی سر ما آورده اند که هر کس زبان باز می کند ، فورا نطق می کند که اگر قیمه قیمه ام هم بکنند و با فلان قوم و گروه مسلمان ، در یک دیگ بجوشانند ، باز هم ما ها یک طرف می مانیم و بقیه طرف دیگر ! چه قدر اخوت می جوشد ! مثلا ما با "تورکها" نمی توانیم کنار بیاییم ، و چون ممکن است فرزندان مان بعدها بخواهند سازش کنند راه حل پیش گیرانه این است که تا آخرین نفر همدیگر را قتل عام کنیم.
حقیقتش را اعتراف کنید:برای شما علم کردن پرچم پوریم و یهود ستیزی در ارجحیت قراردارد یا جار زدن مانیفیست و رهبر نداشتن جنبش مردمی اذربایجان و ستیز با اقوام مهجور مانده از حقوقشان، و حفظ ارکان حکومت پارس به قیمت ندیده و نشنیده انگاشتن فریادهای تظلم خواهانه ی اقوام،و توجیهات آبکی نظیر حفظ تمامیت ارضی! یا شاید هم این بزک مدل جدید است برای جلب توجه و خودنمایی

عجب کشف محیرالعقولی!(جناب ستاره حتما" هر از گاهی کشفتان را یادآوری کنید مبادا تیزهوشی شما از حافظه ی جمع پاک شود،)،خیزش مردمی آذربایجان دفتر و پروتکل ندارد، رسمی نیست، پس جدی نگیریدشان و حقشان را بخورید،هر وقت قضایا جدی و خطری شد فکری میکنیم ،گلوله و خونریزی در این مواقع راهکار مناسب و موثریست.اصلا چه کسی گفته تامین نیازها و خواسته های اقتصادی و فرهنگی و سیاسی ملت به عهده ی حکومت است؟هرکس چنین توقعات بیجایی از حکومت داشته باشد مزدور یهود است!

نویسنده: حاجی زاده

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 13:37

4
از این آقایان آنقدر تناقض دیده ام که کلامشان حتی اگر برحق هم باشد ،بی اعتبار شده است برای نمونه اگر سری به وبلاگ آقای الاحوازی با عنوان
"تاریخ باشکوه عرب باستان و نجاد نیک سام
گزری بر تاریخ باشکوه و درخشان عرب باستان قبل از اسلام و بعد از اسلام"
بزنید با جملاتی این چنین در توضیح تصاویری از بناهای باقیمانده از دوران حضور سلوکیان در خاک اردن مواجهه خواهید شد:"شگفت اور تر از همه قصر ها و معبد های با شکوهی است که معماران باستانی عرب بر سطح صخره ها و در دل کوهها پدید اورده اند..." واگر سری هم به آرشیو نظرات بزنید مشاهده خواهید کرد آقای بی نام بنیان اندیش و از قومیت رسته ی خودمان از الاحوازی بابت نشان دادن "بخش کوچکی از اثار تمدن بزرگ عرب" تشکر و به به و چه چه براه انداخته اند، بینامی هم که ظاهرا از هرکس و هر جایی که حرف از نژاد بزند گریزان است، بله!!!ایشان هم به ایل و تبار عربشان می نازند.
این آقایان متظاهر در خور هم کلام شدن با بنیان اندیشانی چون رضا و قاراداغلی نیستند و بدون شک راهزنیهای این قمه کشان و تهمتهای بی پایه شان مانع از حضور ما در پایگاه بنیان اندیشی و کسب فیض از محضر استاد پورپیرار بزرگ نشده و نخواهد شد، چون علم کردن پرچم پوریم و مبارزه برای تحقق وحدت اسلامی در اولویت خواسته های ماست،پس شایسته است انرژی و وقت خود را بیش از این مصروف مباحث سطحی و خارج از موضوع نکنیم و در برابر سنگ اندازیهای مغرضین بی اعتنا باشیم.

نویسنده: قدرت

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 13:50

استاد محترم آقای پورپیرار
با سلام

به نظرم منظور جناب ترک 86 سنگ نوشته های اورخون و یئنی سی می باشد .

http://en.wikipedia.org/wiki/Old_Turkic_script

مطالب فارسی راجع به این سنگ نوشته ها نیز در اینترنت یافت می شوند. به کتاب سیری در تاریخ زبان و لهجه های ترکی / دکتر جواد هیئت نیز می توان مراجعه نمود.

با تشکر

وب سایت

نویسنده: حاجی زاده

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 14:15

چند لینک جالب:
حمایت کامل یهودیان ایران از رژیم اشغالگر قدس
cat=1&http://www.shia-online.ir/article.asp?id=488
دو عکس از مراسم عروسی یهودیان(به پارچه ای که بالای سر عروس و داماد گرفته اند توجه بفرمایید)
http://www.iranianuk.com/article.php?id=17765
مراسم مذهبی یهودیان در کنیسه یوسف آباد تهران و نظرات جالب کاربران
http://www.shia-news.com/ShowNews.asp?Code=86091511

افاضات یک جوان یهودی
http://www.cloob.com/user/main/index/userid/263972

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 14:41

آقای رضا. بی شک هنوز در مقدمه ایم و هرگونه برداشت شتاب زده از این مقدمه ی هنوز ناتمام، امکان دارد در یادداشت های دیگر باطل شود.

آقای آیدین یاشار. 2. صاحبان هریک از زبان های جهان، که خطی برای انتشار اطلاعات قوم خود ارائه نداده اند، حرفی در این زمینه نداشته اند. 3. به یقین خطی به نام ارخون وجود ندارد. به پاسخ آقای ترک 86 رجوع کنید. 4. در این جا صحبت از زمانی است که در اوضاع کنونی قرار نداشته ایم. 5. این مطلب نیز، در صورت صحت هم، ربطی به زاویه ی دید در این گفتار جدید ندارد.

آقای سهند. می بینم پس از این همه سال از اسلوب این بررسی ها، سر در نیاورده اید. حتی در این بیان جز' به جز' و قطره چکانی نیز ظرفیت های لازم برای شنیدن سراغ ندارم. به گمان شما کریم خان زند کیست، همان که بارها گفته ام سازنده ی شیراز بوده است؟ توصیه می کنم صبور باشید و بشنوید. ضمنا ماهیت چنین آرشیو کردن هایی معلوم است، بد نیست به مطالبی که آرشیو نکرده اید هم، رجوع دوباره کنید.

فریبا خانم. مقدم دانستن کوشش در جهت برداشتن پرچم پوریم، در نفس و ماهیت خود خشکاندن آن سرچشمه ای است که پیوسته آبشخور تمام ظالمان و زورگویان جهان بوده است. چنان که شاخه شاخه کردن مبارزه موجب تغییر زاویه ی هدف و تحلیل بردن آن است. به عکس العمل ها نگاه کنید: یهودیان از فرض افتادن تریبون به دست بنیان اندیشان هراسان اند و برای حذف این امکان تمام نیروی وابسته به خود را به خدمت خوانده اند، در حالی که شاید از به خیابان ریختن هویت طلبان چندان هم ناراضی نباشند. از ارسال لینک ها هم ممنونم.

آقای قدرت. چرا باید این حروف عمودی را ترکی بدانیم؟ اگر آن متن را خوانده اند پس دلیل ترکی شمردن آن باید در کلمات این سنگ نوشته های نوتراش باشد که هنوز اعلام نشده و اگر هم نخوانده اند پس از کجا هویت ترکی آن را کشف کرده اند؟ از کسی بپرسید چرا همین خط را در امپراتوری های بزرگ ترک، که هرگز وجود نداشته، به کار نبرده اند!!؟ فراموش نکنید که هدایت شما به سوی این سنگ نگاره ها و کتیبه ها به عنوان اسناد خط ترکی همان سازندگان امپراتوری محمود غزنوی و سلجوقیان اند که گویی گروهی قاطر سوار از میان آنان در چشم برهم زدنی امپراتوری 1100 ساله ی بیزانس را که متکی بر تمدن رومن بود روبیده اند؟!!!

نویسنده: احسان از یزد

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 16:12

جناب استاد پورپيرار. با اينكه افتخار زدن پنبه دروغهاي تاريخ ايران تا ابد بنام جنابعالي ثبت شده ولي لازم بذكر مي باشد كه پيش از شما مردم يزد زيراب حافظ و اراجيفش زدند. يك شعر قديمي در شهر يزد رايج است كه نشان مي دهد مردم يزد هميشه بدليل سختكوشي كارهاي به اصطلاح شاعرانه و هنرمندانه و مطربي را سخيف و كار آدمهاي بيعار و بي خاصيت مي دانستند. به هر حال شعر يزديها در وصف حافظ چنين است:
حافظا تو در شيرازي و داري نان مفت
مي تواني خورد و گفت شعرهاي جفت جفت
گر بيايي شهر ما و شأربافي (=پارچه بافي) كني
مهره از كونت درايد جفت جفت !!
(در ضمن امكان سانسور كردن اين شعر به هيچ عنوان وجود نداشت. ببخشيد)

نویسنده: احسان از یزد

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 16:14

جناب استاد پورپيرار. با اينكه افتخار زدن پنبه دروغهاي تاريخ ايران تا ابد بنام جنابعالي ثبت شده ولي لازم بذكر مي باشد كه پيش از شما مردم يزد زيراب حافظ و اراجيفش زدند. يك شعر قديمي در شهر يزد رايج است كه نشان مي دهد مردم يزد هميشه بدليل سختكوشي كارهاي به اصطلاح شاعرانه و هنرمندانه و مطربي را سخيف و كار آدمهاي بيعار و بي خاصيت مي دانستند. به هر حال شعر يزديها در وصف حافظ چنين است:
حافظا تو در شيرازي و داري نان مفت
مي تواني خورد و گفت شعرهاي جفت جفت
گر بيايي شهر ما و شأربافي (=پارچه بافي) كني

مهره از کونت دراید جفت جفت !!
(در ضمن امکان سانسور کردن این شعر به هیچ عنوان وجود نداشت. ببخشید)

نویسنده: میثم

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 16:44

سهند جان می بینم خوب حرف های استاد رو رصد می کنی اما پسر جان بگوببینیم رصد خانه کجاست ؟!!!

با این کامنت های آخریت قصد تحریک چه کسانی رو داری ؟!!!بعد از مطالعه مطالب تاملی در بنیان عقل های سلیم بجای سیر در عالم هپروت و نئشگی به واقعیت برگشته و در راه وحدت قدم بر می دارند.

نویسنده: بابک

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 17:6

با سلام خدمت آقاي پورپيرار
شما در نوشته هاي قبلي خود ثابت كرديد كه قوم و نژادي به اسم فارس وجود نداشته. آيا همين نظر را در مورد توركها هم داريد؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 17:30

آقای توحید. در جایی مثلا حتی در دائره المعارف بزرگ اسلامی و یا در مقدمه ی تاریخ طبری هم ذکری از نخستین نسخه های آن تاریخ ندیده ام و این خود رسواکننده این اثر جاعلانه ی بی پایه و سند است. کافی است بدانید نخستین معرف طبری ابن ندیم بوده است که برای لجن مال کردن هر صاحب جریده ای کافی است.

نویسنده: مسعود

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 18:18

سلام علیکم و بحول الله.

واقعا" خسته نباشید جناب استاد پورپیرار عزیز و هزاران بار درود صالحان زمین بر حقگویی و ریزبینیهای بی بدیلتان.

اینکه شما میفرمایید لهجه های یک زبان از تلاش اقوام دارای یک زبان مجزا ی دیگر برای تکلم به زبان حاکم شده در منطقه زیستشان بوجود می آید بسیار جالب توجه است . یعنی اینکه مثلا" زبان مکزیکی و یا آرژانتینی از کوشش بومیان آمریکای مرکزی و جنوبی و مهاجرین برده از آفریقا برای تکرار و سازگار کردن خودشان با حاکمیت استعماری اسپانیا بر آن مناطق زاده شده است که با عنایت به تاریخ استعمار در آنجا امری فوق العاده واضح است که این موضوع در سرزمین ما که عمدتا" استعمارزده فرهنگی هم میباشد شایان توجه ویژه ای میباشد. چراکه بنظر میرسد یهودیان و استعمارگران اروپایی نخواسته اند اثر انگشت نجس خود را با ترویج زبان رایج ممالک خودشان بجا گذارند بخصوص که در مورد منطقه ما پای آبروی جانیان یهود با قتل عام پوریم هم در میان بوده است و از اینرو شاید زبان فارسی را در یکصد و پنجاه سال پیش ساخته باشند. که در آنزمانها ابداع زبان در دانشگاههای اروپایی موضوع پایان نامه دانشجویان بود و سبب معرفی زبانی چون "اسپرانتو" هم به عنوان زبان بین المللی بین دانشگاهها و یا زبان "یدیش" با کلمات عمدتا" آلمانی و با الفبای عبری به جامعه یهودیان اروپا شد.
هر چند که این سئوال من شاید عجولانه باشد اما در صورتیکه مردمان امروزین ساکن در تاجیکستان افغانستان ایران و شرق ترکیه و شمال عراق و شرق پاکستان هر کدام مردمانی متفاوت از هم فرض شوند اما به چه علت در ریشه کلمات محاوره ای و بسیار خصوصی فردی همه شان بر پاشنه زبان یا لهجه "تاتی" میچرخند!؟
آیا این نمی رساند این اقوام در قدیم از یک خانواده بوده اند که در طول زمانهای طولانی تفرق از هم ریشه مثلا" "خزری" بودن خود را هنوز در ته لهجه خود دارند!؟

سلامت و پایدار باشید . ان شا الله.

نویسنده: ترک 86

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 18:34

به نظر می رسد استدلال بهتری و قویی برای قانع شدن در باب کتیبه های اورخون و کلاً آثار ترکی قبل از اسلام لازم است. سعی می کنم در این زمینه نوشته ای فراهم کنم شاید قانع شوید. جدا از نوشته های اورخون آثار دیگری مانند مجسمه

های سنگی و هم چنین دست ساخته های بسیاری که بیشتر از قبور بدست آمده تعلق آن را به ترکان قدیم مسلم میکند هر چند ممکن است آن ترکان قدیم با ترکان کنونی ایران و آناتولی پیوند چندانی نداشته باشند.

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 20:40

آقای ترک 86. موضوع کاملا برعکس است. آن چه نیازمند دلایل قوی تری است ترکی شمردن کتیبه ی ارخون است نه نفی آن. زیرا ارائه ی دلیل وظیفه ی مدعی است نه منکر. اتصال قومی با یافتن مجسمه ای خاموش از عهدی نامعین در قبری بی صاحب و یا چند سطری بر سنگی میسر نمی شود، زیرا لااقل باید آن کتیبه خوانده شده باشد، که هنوز چنین نشده است. اگر ترکان چنان خط کهنی داشته اند پس کنار گذارده شدن آن نیز توضیح خود را لازم دارد.

آقای مسعود. زبان شناسان متعصبانه می گویند زبان را نمی توان ساخت و مثلا اسپرانتو را زبان نمی دانند و تمسخر می کنند. با این همه گردآوری و حتی ساخت زبان ممکن است به این دلیل ساده که تمام زبان ها احداث اند، نه قدیم.

آقای اتفاق. 1. در حقیقت هر دو مفهوم یکی است و دومی مناسب تر است.
2. مطمئن نیستم.
3. پیشنهاد شما درست است.
4. ضمنا در صفحه ی 43 کتاب سکه های ایران علی اکبر سرفراز هم برای کلمات سکه های به اصطلاح اشکانی ترجمه هایی احتمالا با کپی از کتاب ایران باستان آمده که غالبا غلط است.

آقای حسام الاحوازی. منظورتان از نبطیان چه کسان اند؟

نویسنده: مسعود

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 21:24

ضمن تشکر از توضیح شما استاد گرامی.

با عرض پوزش در کامنت قبل "غرب پاکستان" بجای "شرق پاکستان" صحیح است .

مطلب دیگر اینکه خدمتتان پیشنهاد میکنم متد نوین و جالب خود را که در این یادداشتها و کتابهای وزین مورد استفاده قرار داده اید و بعضا" مراجعین تازه وارد بدلیل عدم آشنایی با آن دچار اوهام و سردرگمیها و احساس تناقضاتی میشوند را در گوشه ای از وبلاگ وزین ناریا مرقوم بفرمایید که به عقیده حقیر بسیار ضروری بنظر میرسد.

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 21:41

آقای مسعود. این قید در مقدمه ی کتاب هخامنشیان اضافه شد است.

نویسنده: رحمانی

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 18:27

با سلام خدمت همگی

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ
به یاد پوریم زدگان و رخداد پلید و ویرانگر پوریم و به امید شناخت کامل پوریم و مشرکان پوریم ساز

از آنجایی که مدعی ، بسیار به رصد کردن علاقه مند است ، پس بدانید::
دوستانی که تاریخچه را از یاد می برند بخوانند، بعد مطمئن نظر دهند!!! که مدعی وجود داشته یا نه؟؟؟
تا با قسمی از شیادی آشنا شوند؟
جالب است که این سهند ،Trace و پیگیری کردن را خوب می داند؟؟؟!!! ولی دروغگو کم حافظه است!؟

فرازهایی از کامنتها و سخنان مدعی آذربایجان!!!
سهند بسیار کتابخوان ، مدعی پرگو و بیهوده گو ، آنوسی ای یا مزدوری که البته ! فکر می کند خیلی زرنگ است:::

" از آنجائیکه من با اسلام از طریق نوشته های اقای پورپیرار اشنا شده ام "

این یعنی چه؟ ایشان مگر مسلمان نیست؟!شاید ؟!
اما همین شیاد در جایی دیگر گفته است::
"با سلام: اقای پورپیرار: بقول مشدی عباد اگر من عیبی داشته باشم آنهم اینه که زیزاگ زدن را اصلا بلد نیستم. پدرمان به ما همه چیز را یاد داد بجز دو رویی و ریاکاری و شیادی و دروغ گفتن و زیگزاگ زدن. و چون تو عمر ش هم هیچکدامش را بلد نبود و فقط سالی دو بار به مسجد می رفت ولی نماز ش را می خواند و روزه اش را می گرفت و یک مسلمان به تمام معنی بود"

ظاهرا ایشان بچه زاده "یک مسلمان به تمام معنی"بوده اند!!!!!!!!!

نویسنده: رحمانی

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 18:27

بگذریم...

"ما ترک های ایران همانهایی نیستیم که بهترین فرزندانمان در راه دوختن لباس به دیگران جان خود را فدا کردند. ما مار خورده و اژدها شده ایم. می دانم باور کردنش برای امثال شماخیلی سخت است ولی زمان بهترین آموزگار است یاد خواهید گرفت."
از این به بعد می توانید ایشان را اژدها یا مارخورده بنامید؟!

"پدر مان به ما همه چیز را یاد داد بجز دو رویی و ریاکاری و شیادی و دروغ گفتن و زیگزاگ زدن" !!!؟؟؟
یا للعجب؟

"به شما قول می دهم که اگر در منطقه 3 نفر با افکار شما اشنایی خوب داشته باشند یکی من هستم."

"اما یادت نرود که روزی مانند آتش بر سرتان خواهیم بارید. این آخری تهدید الکی نیست بلکه که قول است که بهش وفا خواهیم کرد"

این قطعنامه ای رسا و محکم بود!!!!!!!!!

"ولی ما آذربایجانی ها به این مرض مبتلا هستیم و درد تحمل این مرض را به "زرنگی" بچه تهرونی ها ترجیح می دهیم."

"ما آذربایجانی ها همیشه مانند سوزن برای دیگران لباس دوخته ایم ولی خودمان لخت مانده ایم. الان که می خواهیم برای خودمان هم یه دست کت و شلوار بدوزیم جیغ و داد و صدای گوشخراش این ها گوش فلک را هم کر کرده است که پس ما چی.؟ اقایان برای مدت کوتاهی هم که شده لخت بمانید آنوقت ممکن است که ماها را به فهمید. فعلا تا اطلاع ثانوی خیاطی برای شما ها را تعطیل کرده ایم."

"اقای پور پیرار: من با کل گفته هایتان موافقم و خودتان و دیگران هم شاهد بوده اند که من بیش از همه با بعضی از به اصطلاح " هویت طلبان" افراطی در گیر بوده ام"

نویسنده: رحمانی

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 18:28

خطاب به میثم::
"از اینهمه تناقض گویی ها و پرستش شخصیت ات معلوم است که گرگی هستی در پوست گوسفند"
به نظر شما شیاد و تناقض گو و گرگ کیست ؟

"من از انهائی نیستم که از جر و بحث بترسم برای اینکه اگر در باره موضوعی حد اقل چندین کتاب از نحبه گان آن موضوع مطالعه نکنم لب به سخن گفتن باز نمی کنم. ولی در مورد شما باید آن گفته اولی را بکار ببرم و اینرا هم اضافه کنم که " جر و بحث با نادان و جاهل خود نشانه نادانی است."

این کلمه "چندین کتاب" اش دیوانه کننده است !!!

"ملت 25-30 میلیونی تورک های ایران با این اب نبات های ارزان و گندیده شما به خواب رفتنی نیست."

"پس اینهمه لجاجت در مقابل خواسته های قانونی و خدا دادی ماها از کجا سر چشمه می گیرد.؟"

"اما این به آن معنی نیست که ما هر وقت خواستیم حرف های دیگران را بدون در نظر گرفتن گفته های قبلی آن شخص را به دلخواه لنزی که در مخ مان قرار داده ایم تفسیر کنیم."

"ما این غربال را در دست توانای شما ها قرار می دهیم که اگر خوش تان می اید برای همدیگر اب بیاورید. ما راه و هدفمان را داریم و آهسته آهسته در راه احقاق حقوقمان قدم بر میداریم."

این کیست که قطعنامه صادر می کند؟ و مرتب "ما ما" می کند ؟؟؟

حالا این را بخوانید::
" یکی از بزرگترین افتخارات رهبری سالم جنبش بیداری مللی اذربایجان است که متاسفانه من نمی توانم حتی خودم را شاگرد شان قلمداد کنم."

نویسنده: رحمانی

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 18:28

دروغگر و تهمت زن کیست، کیست که شرافتش را فروخته به بهایی ناچیز !!!

حالا این پرگو ، مدعی است که :::
" اگر هم قصد رهبری داشتم حتما که باید حرکت جنبش را رصد کرده و با ضربان و تپش قلب اش اشنایی نزدیکی داشتم این در حالی است که من مثلا با سایت فدرالچی همین هقته قبل آنهم توسط پیام ستاره داود اشنا شدم. با اینکه اسم اش را این و آنور دیده بودم و خیلی راحت می توانستم با وارد کردن اسم اش د رگوگول آدرس اش را پیدا کنم."

حالا کامنت قبلی اش را بخوانید::
ایشان در جواب سوال من (آقای سهند ::: نمی دانم شما کجای دنیا هستید! که دلتان برای آذربایجان اینگونه می تپد) نوشته بودند::
" شمائی که حتما شب و روز دلتان به آن فلسطینی که هزاران کیلومتر از شما فاصله دارد می سوزد و احتمالا از آن چفیه بند های خیابانهای تهران هم هستید پس چرا دل من به خاکی که مرا پرورانده نه تپد.؟

این چه تپیدنی است؟! از همه چیز بی خبر است ولی می تپد!؟؟؟شاید ...
"
کسی که چیزی از حرکات جنبش یا بهتر است بگوییم حرکات ملتش را رصد نمی کند ، چه حقی دارد که مرتب مدعیانه "ما ما" بکند!!!؟؟؟

سوال :: دوستان اینان چرا اسم ترکی روی خود می گذارند؟؟؟؟؟؟

با تشکر فراوان

نویسنده: بختیار

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 22:13

استاد محترم

مدخل جدید را بسیار قوی و عالی دیدم. امیدوارم مستدام و موید باشید.

اما سخنی هم با تنی چند از کامنت گذاران محترم: دوستان عزیز تا جایی که من خبر دارم این سایت نه قصد توی سر فارس و ترک و کرد و لر زدن را دارد و نه میخواهد قومی را شاخص نموده و بر قوم دیگر برتری دهد. نوعی بنیان اندیشی و رجوع به اصل و اصالت اسلام دور از دعواهای شیعه و سنی و منم منم کردنهای کرد و ترک و فارس و بلوچ و ... سایر اقوام است. اینجا ناریا است. جایی که بر خلاف ایران میکوشد همگان را که مظلوم واقع شده ایم به وحدت و همدلی فرا بخواند. پس تمام دوستان ترک و کرد و لر و یا از هر قوم دیگری باید صبورانه تنها به حق گوش جان بسپاریم. انشالله ما هم از هدایت شدگان باشیم

نویسنده: بی نام

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 23:49

لازم میدانم جواب ان منافقی را که از کسورات 400گرمی ماخلق الله اش دراساسی ترین بخش مغزش رخ نموده و همیشه چون مارچوب نمایی کرده تا در لحظه مناسب زهر را از وجودش خارج کند بدهم. نمی دانم این سرکار علیه مناظره مارا با در گیریهای فکری مثلث شوم اراذل واوباش باستان ستایان ودگر اندیشان و ته مانده های رژیم سابق یکی می داندکه چنین چشم می بندد و دهان بر دوستان باز می کندوقیاس دو اثر تخت جمشید واثار ارائه شده در سایت اقای الاهوازی را تهدیدوضد بنیان اندیشی می داند.
خانم عزیز لطفا" جریان فکریتان که به صورت کامنت در این وبلاگ ضبط است را در همین چند وقته حضور مرور بفرمایید هر نامی را بر آدمی که صاحب یک چنین روند فکری باشد بگذاری بنده قبول خواهم کرد.

نویسنده: بی نام

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 23:52

جناب رضا
برادرم جدل کلامی ما از ان نوعی که تصور می فرمایی نیست شاید چنین می نماید که تا پایان راه نتوانیم با هم باشیم ولی هیچ دلیلی بر بی تفاوت از کنار هم گذشتن نمی تواند وجود داشته باشد چراکه اشتراکاتی تا قبل از ورود به وادی تعلقات قومی در بین ما وجود دارد که هر دو طرف امید به ان داریم که با بحثهای ایجاد شده باز به اشتراکات فکری قابل قبولی برسیم اگر هم گاهی لفظ حالت عتاب پیدا می کند این عتاب برادرانه است وجنگی در بین ما نبوده که اتش بسی لازم باشد.
کلام زیبایی از استاد غفوری شنیدم که در ارشاد اسلامی عنوان نمودند که می تواند
از مراتب اولیه ورود به عرصه بنیان اندیشی باشد "ابراهیم از بزرگترین تعلق غیر خدای اش که اسماعیل بود گذشت"می توان حدیث مفصل خواند از این کلام زیبا ونباید فراموش کرد اسماعیل تمثیلی عالی واز انتسابات به تعلق از جمله قوم گرایی می تواند باشد.

نویسنده: بی نام

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 23:53

2
از مراتب اساسی بنیان اندیشی یقین به مسئله پوریم است به عنوان اصل بنیادی و اساسی دشمن شناسی هلوکاست افرینانی که خود را هلوکاست زده معرفی می کنند. ایا بدون اعتقاد به پوریم می توان ادعای بنیان اندیشی نمود؟
ایا نظرت در باره اینکه درویشی ادعای بنیان اندیشی کند چیست؟ این سئوال را به این خاطر عنوان کردم که ملموس تر قابل بیان است .
مسلما" می گویی خیر ,کسی که در مسیر کابالا(عرفان یهودیت پست) به دست اویز مجهول الهویه ای مثلا" کرخی خوزی وایشان به اعتبار نقلی یا گفتاری از امام جعفر صادق و سیاهه ای چند صد صفحه ای قدم در باوری ضد اسلامی می گذارد و درست به دلیل همان مشخصه های وجودی بالا در حوزه فکری بنیان اندیشان مردود است.می بینی برادر عزیزم در نظریه بنیان اندیشی شناخت به همین سادگی است و این دور غیر قابل فهم در وادی غیر بنیان اندیشی چه قرابت با مضمون جئتکم بالدین السهله نبی اکرم پیدا می کند.
برادرم رضای عزیز چرا فکر می کنی که در حال حلوا حلوا کردنیم در حالی که این همه کار برای انجام داریم ,زدودن باورهای کعب الاحباری و ابوحریره ای,زدودن ملوثات از چهر پاک اسلام,نور نمایی اعمال ننگین یهودیت پست,تبلیغ تحریم ساخته یهودیت پست و....با جاری کردن عقاید بنیان اندیشی با کلید زنی نشر اثر جاوید وبی بدیل استاد غفوری و اندیشه های ناب استاد.
فرض کنیم امروز اقوام عرب خوزستان برای احقاق حقوق قصب شدشان به خیابانها بریزند یا به اجرای طرح خاور میانه بزرگ رضایت بدهند(یهودیت پست بنا به اصل نفع راه های متنوع امکان الوصولی در پیش پای این مردم بنام انچه که انرا حفظ هویت فرهنگی ,قومی ونژادی می نامند قرار داده است که کمتر قومی از ان برخوردار است) ودر راستای ان حرکت کنندآیا برنده اند؟ایا فکر نمی کنی که برنده واقعی یهودیت پست به سبب همان اندیشه تصنعی یهود ساخته و تلقین شده که مشق مکرر شده ومی شودباشد؟والله که سکوت واتلاف انچه که به روده و دستگاه تناسلی مربوط می شود شرف بر رهنوردی در مسیر یهود خواسته دارد.ایا با این عقیده مخالفی ونظری غیر از این داری؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 19 تیر1387 ساعت: 1:6

آقای رضا. کامنت شما ارزش نصب نداشت. به گمانم برابر اصطلاح رایج شده، سخت جو گیر شده اید. ممکن است نمونه ای را از زبان و قلم شخص من بیاورید که به قول شما منتقدانم را یهودی خوانده باشم؟ دل سوزی شما برای یهودیان ارتباطی با مباحث این وبلاگ ندارد که یهودیان را متهم به دو جرم بزرگ تاریخی و فرهنگی می کند. نخست اقدام به قتل عام پوریم و سپس تدارک جعلیات تاریخی برای مخفی نگهداشتن آن. اگر اثبات این دو جرم بزرگ که تمام بشریت و تمدن انسانی مدعی العموم آنند به کار شما نمی خورد، وبلاگ ها و سایت های سرگرم کننده کم نیست.

نویسنده: سوال

سه شنبه 18 تیر1387 ساعت: 21:55

قصد بی احترامی ندارم. من الان که 160رو خوندم دو تا چشمام از تعجب می خوادبیاد بیرون. سوالی داشتم. قرآن کی مکتوب شد. مگه نمیگفتید که خط عرب تا قرن 4 وجود نداشته. الان که سند 250 سال پیششو آوردین. آیا اینم نوعی اسلوب بررسیه؟! یا بازم باید صبر کنیم؟ ممنون

نویسنده: سهند

چهارشنبه 19 تیر1387 ساعت: 7:36

من بدون آنکه به قوم و ملتی توهین کرده و همه آنها رابا یه لنز به بینم می خواهم به پیام پائینی این " بی نام" که خدارا شکر نیمه هویتی پیدا کرده پاسخ دهم. ایشان فرموده اند که "نویسنده: بی نامدوشنبه 17 تیر1387 ساعت: 23:42

اقا بیا و نعوذ بالله فکر کنیم پوریم دروغ ,انکه به دروغ چنین چهره زمین را به نکبت کده امیال ضدانسانی مبدل ساخته به مصداق قص بل قص جاری کردن این دروغ روا نمی شود؟
ایران کف فرش هزار موزائیک اقوام وملیتهای مختلف است که در تحقیر شوئنیسم فارس قومی بر قومی در امانتر نیست ایا هیچ از خود پرسیده اید چرا فقط معدودی از برادران قوم شریف ترک به این غلظت جامه دران مسائل قومی اند؟
من در باره اقوام غیور عرب خوزستان خوب می دانم اگر لازم باشد ناگفته های بسیاری از روند حرکتی زیبای این قوم دارم که نه فقط نفت وزمین حاصلخیزشان بل حتی اب کارونشان را به سرقت بردند وچه زیبا خود را حفظ کرده اند که اگر هزار شیرین شهر برای تغییر عیار جمعیتی انان بسازند قادر نخواهند بود ذره ای بر این امر توفیق یابند. در اینجا می خواهم چیزی را اعلام کنم که والله نه از روی پاچه خواریست بل حقیقتی است که باید عنوان شود .نشر عقاید استاد پورپیرار موجب رویگردانی قشر عظیمی از اعراب منطقه از مسئله تجزیه شده وبه مسئله فدراتیو تعدیل گشته .
اگر لازم شد روزی در باره مسائل و راهکارهای تقابل در راستای حفظ هویت این قوم صحبت خواهم کرد تا معلوم شود که حفظ هویت قومی وفرهنگی نه فقط منافاتی با بنیان شناسی ندارد بل دقیقا" بقا ومنافع یکدیگر تضمین می کنند."

نویسنده: سهند

چهارشنبه 19 تیر1387 ساعت: 7:39

یعنی اینکه قشر عظیمی-- یعنی اکثریت-- اعراب ایرانی قبل از اشنا شدن با اندیشه های اقای پورپیرار استقلال خواه بوده و الان به فدرالیسم راضی شده اند که جای شکرش باقی است
اقای بی نام: خوشبختانه اکثریت به قریب آذربایجانی ها همیشه خواهان ایران فدراتیو بوده و تعداد استقلال خواهان در اقلیت ناچیز است و اگر روز به روز این حرکت مدنی مللی شان رادیکالتر میشه تقصیر ابله هایی است که در وسط اتاق نشیمن شان فیل 50 تنی را نمی خواهند به بینند.

شما از اینکه هویت طلبان اذربایجانی بیشتر از دیگران برای دریافت حقوق شان تلاش می کنند تعجب کرده اید که تعجب تان بی خود و بی جا است برای اینکه بر عکس برداشت شما هم کردهای ایرانی و هم بلوچ ها و هم اعراب دست به سلاح برده و به کارهای تروریستی رو اورده اند و روزی نیست که در این سه بخش از ایران بمبی منفجر نشده و اتوبوس مسافران بیگناه به رگبار مسلسل بسته نشده و در معابر و مساکن عمومی بمب کار گذاشته نشده باشد در حالیکه تا کنون در آذربایجان به آن بزرگی بجز قربانیان وحشی گری نیروهای امنیتی از خون تک بیگناهی هم خود ریخته نشده و تک بمبی هم منفجر نشده است. الان این سه بخش یاد شده پایگاه مامورین خارجی و جاسوسان بیگانه گان است در حالیکه تا کنون از اذربایجان به آن بزرگی حتی یه جاسوس و یا مامور خارجی هم دستگیر نشده است این در حالی است که آذربایجانی ها به راحتی هم به جمهوری آذربایجان و هم به ترکیه رفت و آمد می کنند که هر در کشور رابطه حسنه ای هم با آمریکا و هم با اسرائیل دارند. پس ما اذربایجانی اولا: چشم به خارج ندوخته ایم و ثانیا : مبارزه ما فرهنگی و مسالمت آمیز و مدنی است وبا بمب و انفجار و کشتار مسافران اتوبوس و کارهای جاسوسی خط کشی قاطع کرده ایم.

نویسنده: رضا

چهارشنبه 19 تیر1387 ساعت: 8:1

1- جناب بینام ، مطمئنا در راه مبارزه با هر آنچه از یهود ساطع میشود تا آخر راه با شما همگام هستم اما بسیار دوست دارم باور کنید که هر کلامی که می نویسم دقیقا معنی و مفهوم خودش را دارد و هرگز علاقه ای ندارم سخنانی بر زبان بیاورم که نیازمند تاویل و تفسیر باشد(اصولا بنده از تفسیر سخن زنده ها متنفرم) اما معتقدم که باید برای جلوگیری از این بلای تاویل باید برای هر کلمه ای که میتواند چند وجهی باشد تعریف ارائه کرد. چنانچه پیشتر هم عرض کردم ارائه طریق شما میتواند راهگشا باشد(در مورد نحوه فعالیت دوستان عرب) از جمله نگرانیهای من یکی هم همین طرح کثیف خاور میانه برزگ است که صهیونیسم در تلاش اجراست و متاسفانه تبلیغ غلط داخلی راهگشای اهداف جنایتکاران است.بنده قصد کتمان آنچه اتفاق افتاده است را ندارم بلکه ضمن تقدیر و تمجید از همه عزیزانی که زحمت می کشند ، معتقدم که باید در برابر این

هجمه قوی دشمن باید به کج فهمی های داخلی پایان داد و آتش بس کرد تا نیروی خودمان را برای نابودی دشمن نگه داریم اما این به معنی سکوت و عدم گفتگو نیست بلکه اتمام توهین و تهمت است.
2- جناب استاد ، بنده کامنتی را که اشاره نموده اید ارسال نکرده ام یا رضای دیگری است و یا جعل جدیدی از دشمن. بنده هرگز نسبت به هیچ خطاکاری دلسوزی نکرده ام و نخواهم کرد.(هرکس که باشد)

وب سایت

نویسنده: قدرت

چهارشنبه 19 تیر1387 ساعت: 8:32

استاد محترم آقای پورپیرار
با سلام
اولا این سنگ نوشته ها توسط کارشناسان خوانده شده اند و ترکی تشخیص داده شده اند.Deciphered یعنی کشف رمز شده اند.
The script is named after the Orkhon Valley in Mongolia, where 8th century inscriptions were discovered in an 1889 expedition by Nikolay Yadrintsev. These Orkhon inscriptions were published by Vasily Radlov and deciphered by the Danish philologist Vilhelm Thomsen in 1893
http://en.wikipedia.org/wiki/Old_Turkic_script
ثانیا سنگ نوشته های اورخون تعدادی سنگ نوشته هستند که یکی از مشهورترین آنها سنگ نوشته گول تکین است مطالب این سنگ نوشته (که در سه طرف به ترکی و در یک طرف به زبان چینی است) در مورد مناسبات ترکان و چینی ها مطالبی نگاشته شده است.
ثالثا با قبول اسلام توسط ترکان ، خط عربی جایگزین خط مزبور شده است.
رابعا با عرض معذرت، باید عرض کنم جوابتان به من و جناب ترک 86 به نظر من آشکارا محققانه نبوده و غیر منصفانه است .
یک اشکال کوچک جوابیه تان این است که سنگ نوشته های اورخون تعدادی سنگ نوشته هستند نه یک کتیبه! (علاوه برآنها، سنگ نوشته های یئنی سئی نیز وجود دارند که در قرقیزستان هستند و آنها نیز خوانده شده اند.)
(در کتاب تاریخ زبان و لهجه های ترکی / دکتر جواد هیئت مطالب بیشتری وجود در این مورد وجود دارد)
با احترام

وب سایت

نویسنده: قندیل

چهارشنبه 19 تیر1387 ساعت: 5:4

به نظر می رسد که پس از آراز بیلگین نوبت سهند باشه که از این جا طرد بشه!

۱ ۲ ۳ ۴ >>

ایران شناسی بدون دروغ، 160، درباره ی معماری و خط و گویش - 161 نظر

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 19 تیر1387 ساعت: 10:3

آقای قدرت. این اسم البته به تر از شجاعت است ولی منظورتان را از کارشناسان درست درک نکردم، شاید همان ها را می گویید که در نقش رستم کتیبه ی ساسانی کنده اند، در سمرقند برای تیمور لنگ مقبره و در بخارا گور محمود یساوی ساخته اند!!! سئوال این است که صاحبان این سنگ نوشته ها شب را کجا می خوابیده اند؟ در چادر؟!! ضمنا بفرمایید ترکان در چه زمان و چه گونه و به دست چه کسی مسلمان شده اند، اعراب؟!! و چون در این باب مطالب بسیاری هنوز نگفته مانده است، به تر این که به جای جواب منتظر یادداشت های بعد بمانید.

آقای سئوال. منظور خط عرب بالغ شده است که سبک های مختلف نگارشی و نقطه و اعراب دارد، نه این خط بدوی که کلمه ای از آن را نمی توانید بخوانید. در مطالعه دقت بیش تری کنید، این مباحث سنگین و تعیین کننده است.

نویسنده: آیدین یاشار

چهارشنبه 19 تیر1387 ساعت: 10:32

خدمت استاد بزرگوار جناب پورپیرار
1
کتیبه های اورخون و یئنی سئی و سایر مکتوبات قدیمی با خط اورخون، هم از لحاظ قدمت و هم از لحاظ ترکی بودن به راحتی قابل تحقیق است. من خود در این زمینه تحقیقاتی داشته ام و کلیه متون موجود را میتوانم بخوانم. اگر کسی یک کتیبه را به کمک فرض و خیال ترکی تشخیص دهد، و آن کتیبه ترکی نباشد، در گام بعدی و با مراجعه به کتیبه بعدی مایوس خواهد شد. اما نوشته های موجود از ترکی باستان به خط اورخون علیرغم وسعت جغرافیائی وقوع آنها از صحرای مغولستان تا سواحل رود یئنی سئی همگی سیستم کتابت واحدی را نشان میدهند که ضمنا کتابهای برگ نوشته نظیر "ایرک بیتیک" (کتاب فال) که از چین به دست آمده است، با آنها همخوانی کامل دارد، به طوری که یک محقق میتواند صرفا با آشنائی با حروف اورخون همه آنها را بخواند و ترکی بودن همه آنها را به وضوح ببیند. البته نمونه های خیلی محدودی نیز موجود است که با خط اورخون نوشته شده اند و ترکی نیستند (یک یا دو نمونه). بعید نیست که اقوام باستانی دیگری خط اورخون را از ترکان باستانی به عاریت گرفته باشند. خط اورخون از راست به چپ نوشته میشود و خطی نا پیوسته و نیمه فونتیک است، به طوری که مصوتها مثل الفبای عربی بعضا غیر مکتوب است. نشانه های موجود در این خط یک خاصیت گراماتیک بسیار مهم زبان ترکی یعنی قانون هماهنگی صوتی را منعکس میکند (قانون هماهنگی صوتی: کلمات ترکی اصیل یا تماما از مصوتهای ضخیم و یا تماما از مصوتهای نازک تشکیل میشوند و این دو نوع مصوت هیچگاه در کلمه واحدی در کنار یکدیگر به کار نمیروند).

نویسنده: آیدین یاشار

چهارشنبه 19 تیر1387 ساعت: 10:33

جناب استاد پورپیرار
2
قدیمی ترین متون سنگ نوشته ترکی در عهد امپراطوری "گوک ترک" نوشته شده اند و بیشتر حاوی مطالبی در رابطه با شکست و پیروزی ملت ترک است. عبارت "ملت ترک" برای نخستین بار در این کتیبه ها به کار رفته است. تشابه عجیبی نیز بین خط اورخون و خط رونیک اسکاندیناوی وجود دارد که بحث برانگیز است.
مطلب مهم دیگر عبارت از مضمون این نوشته هاست که در آنها عباراتی از سیاق "من آنم که رستم بود پهلوان" که در کتیبه های هخامنشی رایج است، مطلقا دیده نمیشود و گزارش زبان بری و گوش بری و نیزه داری هم نیست. متون سیاسی حاوی گزارشهای ساده و رئالیستی از تلخیها و شادکامیهاست و متون دیگری نیز وجود دارد که جنبه بدیعی دارد. این کتیبه ها کمک زیادی به مطالعه ریشه های زبان ترکی نموده است.
جناب استاد، من با ذکر این اطلاعات مختصر قصد سوادنمائی نداشتم، فقط قصد تاکید دارم که وجود این خط و ترکی بودن آن بر دلایل مهمل استوار نیست و قبول یا نفی آن نیاز به احاطه دارد که یقینا در شما موجود است. این که میفرمائید "چنین خط کهنی اگر وجود داشته باشد، باید نخست خوانده شده باشد که چنین نشده است" به نظر من دقیق نیامد، زیرا تقریبا هیچ نوشته اورخون ناخوانده نمانده است. و ضمنا کنار گذاشته شدن یک خط که اکثرا به دلایل سیاسی و در اثر زوال امپراطوریهاست، به دفعات در تاریخ روی داده است و چیز عجیبی نیست.

نویسنده: سهند

چهارشنبه 19 تیر1387 ساعت: 11:2

اقای پورپیرار: ژاپنی ها نسل پنجم سوپر کامپیوتر هایشان را به شکل استوانه می سازند که ارتباط بین ورودی و خروجی مدارها کوتاه ترین مسافت را داشته باشد. من یه خصلت خیلی بدی دارم که تقریبا به مرض لاعلاجی تبدیل شده است که آنهم اینه که وقتی با دیگران وارد بحث می شوم خود و مخاطبان ام را نه در دور یه میز مستطیلی و یا مربع بلکه که دور یه میز استوانه ای شکل قرار می دهم که بخاطر نزدیکی بلافاصله ذهن شان را قبل از باز کردن دهانشان می خوانم. دیروز هم که آن ارشیو تان را درج می کردم می دانستم که شما فکر خواهید که من فقط بخش های راجع به افتخارات تورکان را جمع آوری کرده ام و نتیجه خواهید گرفت که حتما من تمایلات شدید پان ترکیستی دارم که پیش بینی ام درست از اب در آمد.

آقای پورپیرار: من همه نوشته های این سایت را بصورت چاپ شده در گلاسورهای کت و کلفتی طبقه بندی کرده و در هین مطالعه به وقت شان موضوعاتیکه برای خود من مهم هستند را با رنگ های مختلف بر جسته می کنم که برای رفرنس دادن و یا دوباره خوانی راحت تر باشد. یکی از موضوعاتی که من به اصطلاح های-لایتر می کنم راجع با تورک هاست برای اینکه من از داده های اثار قدیمی راجع به تورک ها قانع نشده ام و از آنجائیکه معتقدم که گذشته هر فرد و قومی در سرنوشت

اینده اش تاثیر قاطعی دارد به همین خاطر علاقه مند به درک هویت واقعی-- نه جعلی--- خود و قوم و قبیله و ملت ام هستم.

نویسنده: سهند

چهارشنبه 19 تیر1387 ساعت: 11:3

در مورد سوال شما باید بگویم که من نمی دانم کریم خان زند کی بوده برای اینکه بار ها در همین سایت اعتراف کرده ام که دانش من از تاریخ بدون دروغ ایران و ایرانی و اسلام تقریبا نزدیک به صفر است. من هیجوقت داستانهائیکه به نام تاریخ ایران و ایرانی نوشته شده است را قبول نکرده بودم.

البته هر وقت اراده کنم با این موضوعات خواهم پرداخت. الان برای من موضوعاتی مانند اینکه چرا در دولت اسلامی مان که یهودی ها و ارامنه مسیحی برای خود کنیسا و کلیسا داشته و حتی شراب های دلخواه شان را تهیه می کنند اهل سنت که مسلمان هستند و پا به پای دیگران در ابادی این خاک سعی و کوشش کرده و شهید داده اند مثلا در تهران به آن بزرگی اجازه داشتن مسجدی برای عبادت-- نه مشروب خوری--- شان ندارند؟. اینها موضوعات پیچیده ای هستند که جواب ساده ای ندارند و من مجبورم که ساختار ذهن انسانهای معمولی و آنهائیکه در قدرت اند را مطالعه کنم که بیشتر به روان درمانی ناهنجاری های خانواده بزرگ---- من ملت را همانند یه خانواده و دولت را همانند پدر این خانواده میدانم---- می ماند.

نویسنده: سئوال(سلیم)

چهارشنبه 19 تیر1387 ساعت: 13:30

با سلام
استاد پورپیرار خسته نباشید.مطالبتان بسیار روشنگر و عالیست.چون دوست دیگری از اسم مستعار من استفاده کرده اند من دیگر از نام سلیم استفاده میکنم. از دوستانی که دعوت کردم تا از این وبلاگ برای کسب حقیقت وآشنایی با نظرات استاد پورپیرار استفاده بکنند توصیه میکنم مطالب را از اول با حوصله و دقت مطالعه نمایند تا عجولانه به ایراد سئوال و نقد نپردازند!چون جاهایی مشاهده کردم کسانی شروع به نقد و سئوال کردند بدون اینکه درک کنند قضیه از چه قرار است!
با تشکر

نویسنده: آیدین قشقایی

چهارشنبه 19 تیر1387 ساعت: 13:38

سلام به دوستان
جناب آقای پورپیرار
با سپاس از شما بابت تلاشهایتان برای شفاف سازی تاریخ ایران و خاورمیانه.
در مورد موضوع مطروحه تان در مورد زبان تورکی عرض کنم که به نظر من در مطالعه تاریخ و پیشینه یک زبان، خط صرفاً یک جایگاه نمادین و سمبولیک دارد و اصل خود زبان است. مثلا شما اگر کلمه "بابا" را چه با الفبای عربی بنویسید و چه با الفبای لاتین (baba) در هر حال هر کس با الفبای لاتین آشنا باشد کلمه baba را همانطور تلفظ می کند که داننده الفبای عربی کلمه "بابا" را تلفظ می کند. در هر حال در استنباط شنونده از این واژه هیچ خللی ایجاد نمی شود.
خط یک چیز قراردادی است که انسانها برای ابراز احساسات خود ابداع کرده اند و اصالت ندارد. اصل خود زبان است. مثلاً دقت کنیم می بینیم که اگر زبان فارسی را با الفبای لاتین بنویسیم خواندن آن راحت تر از حالت فعلی است که با الفبای عربی نوشته می شود. در اینصورت این دلیل بر این نمی شود که اگر مثلاً ما از شال 1387 شروع به نوشتن زبان فارسی با الفبای لاتین کردیم پس قبل از آن این زبان الفبا نداشته یا اینکه قبل از این سال زبان فارسی وجود خارجی نداشته است!!!
همین موضوع در مورد زبان تورکی هم صادق است. الفبای تورکی زمانی حروف "کؤك تورك" بوده و بعد با گسترش اسلام و آشنایی تورکها با اسلام و اینکه قرآن به زبان عربی بوده، و شاید به دلیل کاملتر بودن الفبای عربی نسبت به حروف کؤك تورك، کم کم خط عربی جایگزین خط کؤك تورك گشته است.
در هر حال ترکستان بزرگ جز محدوده پوریم نبوده و از طرفی با کشورهای خاور دور در تعامل بوده و طبیعی است که برای مراوده با آنها حتما مکاتباتی صورت می گرفته و اینطور نبوده که اصلا خطی وجود نداشته است. پس اینها چطور با خاور دوریها مراوده می کرده اند؟ مگر ذهن انسان برای حفظ معاملات و ثبت وقایع چقدر ظرفیت دارد؟ پس قبول کنید که تا قبل از آشنایی تورکها با اسلام و خط عرب، تورکها با الفبایی می نوشته اند.

وب سایت

نویسنده: آیدین قشقایی

چهارشنبه 19 تیر1387 ساعت: 14:24

سلام مجدد به دوستان
نکته ای که میخواستم خدمت دوستان عرض کنم هجمه روانی است که باستان پرستان در طی 80 سال گذشته در اذهان این ملت انداخته و اینگونه تلقین کرده اند که هر چه ویرانگری و غارت بوده کار تورکها و عربها بوده و آرياییهای کذایی همه متمدن و با کلاس!!!!
متاسفانه بعضی از دوستان این وبلاگ هم اگر چه پز روشنفکری می دهند ولی در عمل با این پیشینه فکری با حقوق و مطالبات تورکها برخورد می کنند. من به این دوستان می خواستم عرض کنم که الحمدلله فیلمها و عکسهای زیادی از دوران 80 سال گذشته و حرفها و حدیثهای آن موجود است و به گواه تاریخ حذف شخصیتی و تاریخی یک قوم و ملت به مراتب فاجعه بارتر از قتل و عام آن قوم و ملت است.
از آنجا که قریب به اتفاق جعلیات در تاریخ ایران از زمان رضا شاه آریایی (همان آرياییهای کذایی) به بعد صورت گرفته و از طرفی شائبه وجود چنگیزخان و تیمورخان با استدلالات جناب آقای پورپیرار، شائبه بی اساسی بوده است، اینجانب توصیه میکنم رضاخان و محمدرضا شاه پهلوی به عنوان جنایتکاران و روسیاهان و قاتلان فرهنگی مردمان ایران زمین به همه نسلهای این ملت معرفی شوند تا اینهمه تالمات که دو قوم تورک و عرب در طی 80 سال گذشته تحمل کرده اند تسکین یابد و همین که مردم ما خائنین واقعی به تاریخ و هویت بومیان خود را دقیقتر بسناسد.
در هر حال اینجانب معتقدم که هیچ فرد یا قومی نمی تواند ادعا کند که بزرگان و مردمانش در طول تاریخ مبرای از اشتباه بوده اند و فرهنگش کاملترین فرهنگ بشری بوده است و مسلم اینکه هر کسی گناه خودش را بدوش خواهد کشید (و لاتزر وازره وزر اخری).

وب سایت

نویسنده: ساسان

چهارشنبه 19 تیر1387 ساعت: 14:36

استاد سهند نیکوتبار. بنده سخت دچار حیران زدگی می باشم که چرا جنابالی متوجه نمی باشید که جنابالی آذری می باشید و از نژاد نیکوی آریایی و چرا بطور کامل توبه نمی گردانید؟؟ بنده انتظار میداشتم که جنابالی الان که متوجه گشتید پورپیران راست گفتار نمی باشد و دشمن نژاد نیکوی آریایی می باشد ، بطور کاملی مثل استاد حامد توبه بگردانید و از آرشیوتان مثل استاد حامد بر علیه پورپیران استفاده بگردانید و برای اینکه پورپیران نانیکو گفتار قادر نباشد انکار بگرداند، مثل استاد حامد از تارکده نانیکویش و گفتارهای ناراستش عکس تهیه بگردانید. بنده از درگاه اهورامزدا و حضرت زرتشت ع درخاست می گردانم هر چه زودتری شما را به میان ما آریاییان مبارز وارد بگردانند انشا’الله

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 19 تیر1387 ساعت: 14:37

آقای آیدین قشقایی. خواندن خطوط قدیم اسلوب خود را دارد. ابتدا باید معلوم شود که خط چه زمان، به وسیله ی چه مرکز و یا شخص و مهم تر از همه «از چه طریق»خوانده شده است؟ این که کسی معتقد شود که فلان شکل را الف و یا دال فرض کرده قابل پذیرش نیست، رمز گشایی حروف هر زبانی نیازمند داستان مخصوص خود است تا معلوم شود از چه طریق این کار میسر شده است. و تازه این مرحله ی نخستین کار است، مرحله ی بعد معنا گذاردن بر کلمات است که خود مبحث پیچیده ی دیگری است، که شرح داده نشده است. وانگهی هر سنگ نوشته ای باید حامل فرهنگی معین باشد. در کتاب خانه های سنگی چین حتی ساعت صحیح خواب و خوراک های مناسب برای هر وعده و در تمام سنین شرح داده شده است. این که یک حاکمی بگوید من فلانی فرزند فلان هستم منعکس کننده ی فرهنگ نیست، چنان که کتیبه های میخی داریوشی از همین قماش است. و در نهایت این که یافت شدن سنگ نوشته برای روابط ملی و حتی دولتی کافی نیست و به ضمائم بسیار دیگری از قبیل کاخ و مراکز خدمات عام المنفعه و معبد و میدان ورزشی و حواشی دیگر نیازمند است. ضمنا آشوب های وارد شده بر موضوع شناخت در منطقه ی ما کار اورشلیم بوده است نه رضا شاه. همان مرکزی که حتی در این جمهوری هم کسانی را وادار می کند که حتی بر سر منابر همان حرف های رضا شاهی را در موضوع تاریخ و پیشینه ی مردم ایران، تکرار کنند.

نویسنده: اتفاق

چهارشنبه 19 تیر1387 ساعت: 15:39

دوستان عزیز

سلام علیکم . وقت شما بخیر
احتراماً :
سه سؤال قرآنی داشتم ؛ اگر بزرگوارانی تتبعات و تحقیقاتی در این زمینه ها کرده یا داشته اند ؛ مستدعی است منت گذاشته و دستگیرم شوند :

1. جریان سوره بندی آیات به « که » و « چه زمانی » باز می گردد ؟ یعنی چطور شد که خصوصاً در سوره های بلند ، آیاتی مشخص را ، " " علی رغم یکدست نبودن معناء یا روال تاریخی و موضوعی " " ، در یک سوره جای دادند ؟
2. چرا ترتیب سوره های قرآن به ترتیب زمان نزول ، که حداقل می توانست فهم روند تاریخی را بسیار سهل تر نماید نیست ؟ آیا در خود سوره های بلند نیز ، تقدم و تأخر آیات با مقتضیات زمانی همراستاست ؟ یعنی آیات اول نازل شده را در ابتدای سوره جای داده اند و آیات بعدی را در ادامه و دنبال آن ؟
3. در ابتدای قرآنم دیدم نوشته شده : « با قرائت عاصم به روایت حفص » . جریان این قرائات و روایات که ظاهراً شماره هایشان بیش از انگستان دو دست هم می باشد ؛ چیست ؟

ان ارید الا الاصلح ما استطعت و ما توفیقی الا بالله
علیه توکلت و الیه انیب

نویسنده: بی نام

چهارشنبه 19 تیر1387 ساعت: 16:16

جناب سهند
تصمیم داشتم جواب تو یکی را ندهم چون اصولا"هیچ قرابت بین افکارو اعتقادات تو وخودم نمی بینم.
شکر خوری فرموده اید وسرکوفتی به جاسوس بودن ما زدی وتنع نع ورخکشی در فدرالیسم طلبی خود ببینم ایا صاحب این جملات عمیقا" طالب فدرالیسم!!!! را می شناسی؟:

:چنانچه تهران راه ارتجاع را انتخاب کند،خداحافظ! راه در پیش . بدون آذربایجان به راه خود ادامه دهد. این است آخرین حرف ما.

:آذربایجان ترجیح می‌دهد بجای اینکه با بقیه ایران بشکل هندوستان اسیر درآید ، برای خود ایرلند آزادی شود(یعنی انگلیس خیر شوروی اری)

:اگر کار به این منوال پیش رود ، ما چاره ای جز اینکه تماما از تهران جدا شده و دولتی مستقل تشکیل دهیم نداریم.

اگر توانستی یک چنین عروسکی که ملعبه دست سوسیالیستها(95درصد اقایان کمونیستهای شوروی سابق یهودی بودند) بوددر بین اقوام دیگر ایران بیابی سند رقیت!!!!! اذربایجان را به نام تو و آراز خواهیم زدتا ارزوهایتان رنگ خاطره نگیره.

نویسنده: روشن

چهارشنبه 19 تیر1387 ساعت: 16:21

با سلام به استاد و دوستان
استاد من نمیخواهم وارد بحث جنابعالی با دوستان ترک 86 و قدرت وایدین یاشار و قشقائی شوم فقط جهت اطلع رسانی عرض میکنم که راجع به سنگ نوشته های اورخون ینئی سئی کتابی با نام " یاد مان های ترکی باستان " اثر دکتر حسین محمد زاده صدیق در سال 1380 چاپ دوم انتشار یافته که در فصل اول باستان شناسی سفره مردارشاهنشاهی تقریبا نظرات شمارا در باره باستان شناسی کثیف ارائه میدهد
ولی منظور من در نصب این کامنت فصل پنجم این کتاب است که سئوال های جنابعالی را که چگونگی کشف این سنگها و چگونگی کشف رمز انها را از صفحه 97 الی 110 بطور کامل بیان میکند فکر میگنم با جستجو در کتاب فروشی های روبروی دانشگاه پیدا می شود

با عذر خواهی عرض میکنم اگر مطالعه کرده اید که هیچ ولی اگر مطالعه نکرده اید برای بحث های اتی مطالعه اش مفید می باشد

با ارزوی طول عمر و سلامتی جنابعالی

نویسنده: میثم1

چهارشنبه 19 تیر1387 ساعت: 16:32

جناب ایدین قشقایی چند سوال از حضورتان داشتم:
از کجا متوجه شده اید که این حروف و سنگ نوشته ها مربوط به ترکان هستند؟شاید به این خاطر که در سرزمین ترکان پیدا شده در این صورت محدوده این سرزمین را مشخص کنید تا بعد مشخص شود چه اقوام دیگری نیز سر و کله شان در آنجا

پیدا می شود !!!!!!! احتمالا در گوشه این کتیبه ها نقر نشده این کتیبه را یک ترک کنده ؟!!!!

استاد باید دستان شما را بوسید در صورتی که در سالهای اخیر با افشای بخش بسیار کوچکی از اسناد و اطلاعات بدست آمده از حرکات استعماری دول اروپایی که حال متوجه شدیم در راس انها سران کنیسه و کلیسا قرار داشته اند و دارند بوجود آمدن "جنبش هایی سیاسی!!!!!" نظیر ترک ها آریایی ها و... مه آلود شد ولی بررسی های بنیان شناسانه شما مسیری را گشوده تا تمام این ساختار کثیف و مرموز را دیگر بدون احتیاج به افشای اسناد در باره اشخاص بلکه از طریقی بشناسیم که این سازمان مخوف حتی فکرش را هم نمی توانست بکند .امروز شاهدیم این زنجیر به ظاهر نا گسستنی که در نمونه هایی مانند شاهنامه که وجود اقوامی مانند ترک و فارس را با هم نمایش می داد در حال تکه تکه شدن است و این بازی دو مینو به تکه های پایانی خود نزدیک می شود . آنهمه زحمت با ضربه اول که همان پوریم بود از بین رفت و چیزی برای این جریان باقی نمانده .

نویسنده: میثم2

چهارشنبه 19 تیر1387 ساعت: 16:34

جالب است که در برسی نخستین رواج دهندگان چنین تفکری در بین به اصطلاح ترکان نیز با همان عامل همیشگی طرف هستیم "یهودیان"!!!!!!!!!!!!برخلاف انچه تبلیغ میشود ضیا گوک آلپ مبتکر و پدر نظریه پان تورانیسم و پان ترکیسم نیست بلکه تنها مبلغ محلی آن است . ضیا گوک آلپ می نویسد "وقتی من در سال 1896 به استانبول رسیدم اولین کتابی که خریدم کتاب "لئون کاهون" بود که تهییج کننده و مشوق نظریه پان ترکیسم بودو بعدا با "حسین زاده علی بیگ!!!!!"ملاقات کردم و با نظریات او در باره پان ترکیسم آشنا شدم!!!در واقع شعر حسین زاده در باره توران اولین تظاهر و بیان پان تورانیسم در ادبیات ترک بود. این در حالی است که سالها قبل یعنی در سال 1868 آرمنیوس و امبری استاد زبان بوداپست - جاسوس معروف انگلستان - و پیش از فعالیت سیاسی علی بیک و ضیا فضا را آماده کرده بودند و حتی از نژاد تورانی در مقابل نژاد ایرانی سخن می گفتند از مبلغان دیگر موریس کوهن بانام مستعار تکین آلپ بود که از سرزمین توران بعنوان گهواره خلق ها و مبدا نژاد و... سرزمین ایدهآل پدری!!!!!!!!!!!!!!ترک ها یاد می کردبدون اینکه بتواند کوچکترین دلیل و مدرکی در باره اقوام تورانی و حتی سرزمین توران واین تعلق تاریخی ارائه دهد.

نویسنده: میثم

چهارشنبه 19 تیر1387 ساعت: 17:35

سهند خان از آنجایی که شما برای یک سمپل ساده در سرزمین یانکی ها مجبورید 1000دلار بپردازید ولی ما در اینور "هزارتاشو" توی یه سی دی 1000 تومن می خریم و البته اگه بخواهیم کپی کنیم که 200 تومن پول سی دی می دیم و بازم با سی دی فله ای قیمت پایینتر می آد باید خدمتتون عرض کنم که تا شما منتظر اکران فیلم هستید ما اینور توی همین میدون انقلاب با 1000 تومن دی وی دی شو می بینیم . اینو گفتم تا حواست جمع باشه که ما خوب حواسمون هست که شما و خیلی های دیگه تمام این مطالب رو آرشیو می کنی اصولا یه رصد خانه به تمام منابع برای اقدامات مقتضی احتیاج داره بخاطر همینه که من هیچوقت نگفتم تو واقعا دلت برای ترک می سوزه چون می دونم برای بعضی ها اینا یه بازیه اصل مطلب چیزه دیگست !!!منتهی اشکال کار شما متصدیان رصد اینه که تا حالا با تکنیک نوشتن این نوشتارها آشنا نشدید در صورتی که 10 بار توی همین نوشته هایی که بصورت کت و کلفت نگه شون میداری توضیح داده شده!!!! ولی نمی دونم چرا روشو با ماژیک خط نکشیدی این قسمتش برای اینکه زود قضاوت نکنی خیلی مهم بوده!!!
البته برای شما مسئله دیگه ای هم می تونه باعث دغدغه بشه !!!اینکه با بیان شدن تمام این مطالب باید تمام اون کتاب هایی که خوندی رو یک جا توی جوی آب مقابل منزل اگر شهرداری اجازه دهد. چرا که مبانی جامعه شناسی و روانشناسی و زبان شناسی و ایران شناسی و اسلام شناسی و هنر شناسی و از این قبیل، بعد از این نوشتارها باید عوض شه!!!!!!!!
اینو خودت خوب می دونی ...

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 19 تیر1387 ساعت: 17:54

آقای روشن. آن کتاب را دیده ام و در بحث های آتی مورد اشاره قرار خواهم داد. مختصر این که توضیحات آن فصل خود مستند نادرستی آن گمانه هاست. دوستان می توانند در آینه ی این مباحث نو و بی پرده اندکی نیز خود شناسی کنند. اگر چند سنگ نبشته با اسلوب عمود نگاری که به دلایل روشن در زمره ی مجعولات است و با فرض صحت متن نیز جز ابلاغ حضور یک حاکم در محدوده ای نامعین و بر مردمی ناشناس در زمانی نامشخص نیست، می تواند به جمعی احساس حضور و غرور باستانی ببخشد، انصاف دهید فارسیان با این همه سنگ تراشیده و نوشته شده که مالک اند، در مقایسه فروتنی بسیار کرده اند. بنیان شناس اشاره دارد که از ارخون نمی توان هویت و فرهنگ و حکمت باستان بیرون کشید، در مکه تکه سنگی قبله گاه است و کتابی که فرهنگ نیک اندیشان جهان و هویت تمام صالحان است. با معاوضه، از زیر بار این همه دروغ که یهودیان ساخته اند، خلاص می شویم.

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 19 تیر1387 ساعت: 23:55

آقای توحید. جای سخن از کسروی و آثارش زمانی است که به بررسی مسائلتاریخ معاصر وارد می شویم.

وب سایت

نویسنده: قاراداغلی

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 4:3

حضرت مستطاب اجل جناب بی نام
ناراحتی شما از سخنان مرحوم سیدجعفر پیشه وری کاملاً قابل درک است . اگر منهم مخالف حقوق ملی ، بخصوص در مورد ترک ها می بودم ، احساس شما را می داشتم . بنابر این برای تفاهم بیشتر آن جملات آزاردهنده مرحوم پیشه وری را با اجازه خودم و بخاطر دل شما بشرح ذیل اصلاح و در مقابل امیدوارم غمض عینی فرموده و بنده را از برچسب «جهود» ، «آنوسی» و «قومگرا» معاف بفرمایید :
1 – عبارت « چنانچه تهران راه ارتجاع را انتخاب کند،خداحافظ! راه در پیش . بدون آذربایجان به راه خود ادامه دهد. این است آخرین حرف ما.» بشکل زیر اصلاح شد :
« چنانچه تهران راه ارتجاع را انتخاب کند،بروی چشم! در رکاب ملوکانه هستیم ! با اتکا به نیروی آذربایجان به راه خود ادامه دهد . این است رسم بندگی شاهنشاه .»
2 – عبارت :« آذربایجان ترجیح می‌دهد بجای اینکه با بقیه ایران بشکل هندوستان اسیر درآید ، برای خود ایرلند آزادی شود» بشکل زیر اصلاح شد :
«اگر بقیه ایران بشکل هندوستان اسیر در آید ، آذربایجان ترجیح میدهد اسیرتر از سایر نقاط ایران باشد»
3 - عبارت «:اگر کار به این منوال پیش رود ، ما چاره ای جز اینکه تماما از تهران جدا شده و دولتی مستقل تشکیل دهیم نداریم.» بشکل زیر اصلاح میشود :
«اگر کار به این منوال پیش رود ، ما چاره ای جز اینکه بیشتر مطیع اوامر تهران (شاهنشاه آریامهر) شویم و تشکیل دولت مستقل را برای ابد فراموش کنیم نداریم .»
یقیناً میدانید که مرحوم قاضی محمد ، رهبر حزب دموکرات کردستان در دوران مرحوم پیشه وری نیز طالب حکومت خودمختار کردستان بود . هم از این روی این دو رهبر آذربایجان و کردستان همکاری نزدیکی بایکدیگر داشته اند و قرارداد دوستی منعقد نموده اند .
حالا که توانستم همانند مورد نظر شما را «در بین اقوام دیگر ایرانی» بیابم ، به عهد خود وفا کنید و « سند رقیت!!!!! اذربایجان را» بنام من بزنید . ضمناً بعلت روحیه انحصارطلبی فوق العاده زیاد ، نمیخواهم با سهند و آراز و هرکس دیگر شریک شوم و حتی حاضر نیستم نیم دانگ آذربایجان را بنام کس دیگر بزنید .

نویسنده: سهند

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 6:30

آقای بی نام: نمی دانم آن نقل قولهائی که جنابعالی ردیف کرده اید از کیست ولی از شیوه بیان و طرز نشست تان حدس می زنم که شما فکر کرده اید که آنها از من است که اگر حدسم درست باشد شما 300 در صد در اشتباهید و به همین خاطر هم یه عذر 10 کیلوئی برایم بدهکارید. من حرف متضاد زدن بلد نیستم که این عیب اساسی بنده است که خیلی تلاش می کنم که در نزد استادی این حرفه با ارزش را یاد بگیرم. اگر کسی را سراغ دارید لطفا برایم معرفی کنید که تا آخر عمرم شکر گزارتان خواهم ماند.
اقای میثم: لطفا به لیست تان علومی مانند اقتصاد وانواع و اقسام رشته های فیزیک و شیمی و زیست شناسی و نجوم و ریاضیات و فلسفه و علوم اعصاب و مغز و نشانه شناسی و ژنتیک و غیره را هم اضافه کنید که شما ماشاالله با یه سنگ هزاران پرنده شمار کرده اید. از اینکه بدون چاه زدن با اب زمزم رسیده اید هم خیلی خوشحالم و هم حسودی ام شد. نمی فهمم که چرا این پروردگار بعضی را نور چشمی افریده و بعضی هار ار از بارگاه اش طرد کرده است که من نوعی برای یه جرعه اب باید ده ها چاه اب بکنیم. خوش بحالتان. از زندگی تان لذت ببرید که نورچشمی افریده شده اید. از دست کسی شکایتی ندارم.

راستی یه واقعه حقیقی را برایتان تعریف می کنم که برای اندازه گیری غلظت مسلمانی تان بکار ببرید.

چند سال پیش یکی از زرگران بزرگ یهودی ساکن کانادا برای فروش مقدار زیادی الماس و سنگ های قیمتی و غیره در جشن عروسی ای به نیویورک آمده بوده. در برگشت کیفی که حاوی صد ها هزار دلار جنس داشته را در تاکسی بجا می گذاره و شماره و نوع تاکسی را هم بیاد نمی اره. تاکسیران یه مرد مسلمانی بوده که بعدا کیف ایشان را پیدا کرده و با شماره تلفنی که از داخل اش بدست می اره به صاحب اش در کانادا تلفن می زنه که خلاصه صاحب چواهرات با دادن انعامی ازش تشکر میکنه. این خبر در صفحه اول نیویورک تایمز درج شده بوده.

خودتان در باره اش فکر کنید. که ایا این عمل یه فرد چقدر در روی دیگران تاثیر مثبت می گذاره. زره طرفداری از یهودی ام را پوشیده ام اصلا در شلیک قناعت و قصور نکنید.

نویسنده: هاتف

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 9:48

پویم×××پوریم××××پوریم
/http://www.iraqbodycount.org

نویسنده: ادموندو

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 7:33

نویسنده: قاراداغلی پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 4:3حضرت مستطاب اجل جناب بی نام
ناراحتی شما از سخنان مرحوم سیدجعفر پیشه وری کاملاً قابل درک است .

نویسنده: سهند پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 6:30آقای بی نام: نمی دانم آن نقل قولهائی که جنابعالی ردیف کرده اید از کیست
================================

برادری و اتحادیعنی همین

این همان سهند است که تا 10 جلد در هر موضوعی نخواند حذف نمیزند
=============================
من حرف متضاد زدن بلد نیستم که این عیب اساسی بنده است که خیلی تلاش می کنم که در نزد استادی این حرفه با ارزش را یاد بگیرم. اگر کسی را سراغ دارید لطفا برایم معرفی کنید که تا آخر عمرم شکر گزارتان خواهم ماند.

احتمالا من حرف متضاد می زنم.
سهند شاگرد من میشوی؟

نویسنده: ترک 86

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 11:7

ایرادات شما باید به دقت جواب داده شود. ظاهر امر چنین است که اگر ترکان آسیای مرکزی و آن حدود را ترکان شرقی و ترکان ایران و ترکیه را ترکان غربی بدانیم، با وجود شباهت زیاد زبانی این دو گروه از نظر نژادی و تیپولوژیکی تفاوت زیادی دارند یا به عبارتی دیگر تفاوت تیپولوژیکی موجود بین این دو گروه بسیار بیشتر از تفاوتهای زبانی بین این دو گروه است.
نظریه حاکم و غالب کنونی در باب تاریخ ترکان ترکان شرقی را ترکان اولیه یا مقدم دانسته و زبان ترکی ترکان غربی را حاصل تغییر زبان بومیان آذربایجان و ترکیه توسط سلجوقیان (که البته الان خیالی بودن چنین قومی با بررسی ها شما مسلم شده است) به زبان ترکی می داند. البته داستانهایی که در این باره گسترده اند بیشتر قصه های کودکانه می نماید زیرا اگر با قبول همین نظریه آنها و این ادعا که بیشتر مردم ترکیه قبول از سلاجقه یونانی یا رومی بوده اند چگونه یک قوم مهاجر ترکی می تواند زبان اقوام ریشه دار یونانی و رومی را تغییر دهد.

نویسنده: ترک 86

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 11:13

نظریه دیگر می تواند این باشد که زبان ترکان ترکیه و آذربایجان ترکی اصلی بوده و زبان ترکی به نوعی به مردم آسیای مرکزی تحمیل شده است. (عکس نظریه بالا). نظر سوم می تواند این باشد که کلاً زبان هر دو گروه ساختگی بوده و توسط گروه های خاصی هم در ترکیه و آذربایجان و هم در آسیای مرکزی رواج داده شده است. علت چنین نظریاتی نبود اندیشه بنیانی و مستحکم در باب چگونگی پخش و گسترش ترکان، سرزمین اولیه آنان و ... است. آیا نظریه چهارمی که هر دو گروه را ترک بشمارد نیز قابل دفاع و عرضه است؟

نویسنده: ترک 86

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 11:17

اما در باب کتیبه های اورخون، سئوال نخست این است که آیا سرزمین اورخون و حوالی آن می تواند خواستگاه تمدنی باشد که از خود خط به تاریخ ارائه می دهد. ممکن است در نگاه اول چنین چیزی بعید به نظر برسد، اما اگر بخواهیم نمودارهای رشدی که باستان شناسان برای ملل گوناگون ارائه می دهند را در همان حوالی جستجو کنیم از لحاظ باستان شناختی و بدون در نظر گرفتن اینکه تمدنهای باستانی اطراف ینی سئی به کدام قوم متعلق است، می توانیم یک رشد پیوسته را از شروع هزاره سوم قبل از میلاد (آغاز عصر مفرغ در آن منطقه) تا هزاره اول بعد از میلاد (پیدایش خط و نوشتارها) ملاحظه کنیم. مثلاً اگر دست ساخته های منسوب به سکاها را که در فدراسیون توبا (در شمال مغولستان) و طی کاوشهای مختلف بدست آمده بدون تنگ نظری و با توجه به ارزش هنری و فنی آن مورد ارزیابی قرار دهیم بدون شک آنها را قابل مقایسه با دست ساخته های مردم شرق میانه همان عصر می یابیم. برای اینکه نوشته خالی از مدرک و سند نباشد لینک زیر گزارشی از اکتشاف انجام شده در کورگان ارژان – 2 در توبا را ارائه می دهد:
http://www.dainst.org/index_596_en.html

نویسنده: ترک 86

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 11:19

اما ممکن است بپرسید این چه ربطی به ترکان دارد، ولی این نکات ذکر این امر است که با وجود فقدان آثار معماری، لزوماً آن منطقه خالی از فرهنگ و هنر نبوده است. نکته دیگر این است که اگر چه آثار معماری چندی بدست نداریم اما آثار سکونت و سکونتگاههای مختلفی مورد کاوش و بررسی قرار گرفته اند.
در باب اورخون نیز عرض کنم که کتیبه های اورخون بیشتر متون سیاسی و حکومتی بوده و برخی از این کتیبه ها بسیار طولانی می باشند. کشف رمز این خطوط پس از کپی برداری ها اولیه در قرن نوزدهم در سال 1893 توسط زبان شناس دانمارکی ویلهلم تامسون انجام شد. حال حتی اگر این داستان نیز بی اساس باشد می توانیم سعی کنیم آن را در زبانهای مختلف بخوانیم تا معنادارتر تفسیر و زبانی که بیشترین معنی را به کتیبه ها می بخشد را انتخاب کنیم. واضح است که زبان مورد آزمایش نمی تواند مثلاً عربی یا یونانی باشد، لذا زبانهای آن حوزه و اطراف مانند ترکی، مغولی، زبانهای خاص سیبری و ... را می توان مورد آزمایش قرار داد و زبان آن کتیبه را یافت. اگر این روش مورد قبول نباشد می توان با همین استدلال تمامی کتیبه های خوانده شده مانند کتیبه بیستون را نیز رد کرد. حال فعلاً با فرض قبول این کتیبه ها، آیا آثاری دیگر که نشانی از یک سلطان باشد را می توان در آن حوالی یافت؟

نویسنده: ترک 86

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 11:22

در کتیبه منسوب به کول تگین که یکی از طولانی ترین کتیبه های اورخون است، می خوانیم که خاقان ترک از امپراتور چین می خواهد تا نقاشان دربارش را برای تزیین و ساخت آرامگاه کول تگین در اختیار او قرار دهد. کتیبه از نقاشی ها «شگفت انگیز» در اطراف آرامگاه خبر می دهد. در سال 1959 آن محوطه توسط لومیر جیسل باستان شناس چکی مورد کاوش قرار گرفته و آثار متعددی از جمله نقاشی ها کول تگین و همسرش در اطراف آرامگاه پدیدار می شود. همچنین ماسک سر کول تگین و نیز سکه های چینی نیز در آنجا یافت می شوند. متأسفانه با وجود موجود بودن گزارش باستان شناختی آن کاوش، بسیاری از آثار یافت شده گم و گور شده و تنها ماسک سر کول تگین باقی مانده است. اما اگر این داستان هم راضی کننده نیست کاوش دیگری آن هم در محوطه آرامگاه بیلگه خاقان که فرمانروای آن حکومت محسوب می شده است نیز انجام شده است. البته زمان این کاوش دور نیست و بین سالهای 2001 تا 2003 توسط گروهی از باستان شناسان ترکیه و یک گروه مغولی در مغولستان انجام شده است.

نویسنده: ترک 86

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 11:29

گزارش کامل این کاوش نیز ثبت شده است. در کاوش سال 2003 کاوشگران موفق به یافتن گنجینه عظیمی شدند که شامل بیش از 2000 شی از جنس طلا و نقره و دیگر اشیاء قیمتی بود. از جمله این یافته یک تاج طلا که ظاهراً تاج شاهی بوده، ظروف متعدد از طلا و نقره، دو مجسمه نقره ای از گوزن که حیوانی مقدس و نمادین چه برای گوگ ترکها و چه برای اقوام پیشین مانند سکاها بوده است و نیز اشیاء بسیار دیگری مانند گوشواره های طلا، رکابی اسب از طلا و ... کشف شده است. مطلب زیر که البته به ترکی است گزارشی از آن کاوش ارائه می دهد و در پایین مطالب عکسهای چندی از آن یافته ها آمده است، همچنین است عکسهای مربوط به سکونتگاه آن مردم.
http://yordam.manas.kg/ekitap/pdf/Manasdergi/sbd/sbd13/sbd-13-03.pdf

نویسنده: ترک 86

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 11:36

البته درباره آن خط و منشا’ آن هنوز ناگفته های بسیاری است. تنها به این امر توجه می دهم که اگر کسی با خطوط قدیمی مانند فینیقی ، آرامی و ... آشنا باشد، الفبای اورخون چندان الفبای غریبی برای او نخواهد بود.

نویسنده: رحمانی

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 9:4

با سلام خدمت همگی

این سهند عین "باوفا" و پارس دروغ می گوید
حتما خودش نیز یک باوفا است

"من حرف متضاد زدن بلد نیستم که این عیب اساسی بنده است "
پس آن همه حرف متضاد و کامنت چیستند؟؟؟

یکی از دوستان من می گفت
کسی که فکر می کند بقیه نمی فهمند، خود نفهم ترین است

با تشکر فراوان

نویسنده: Narialinks

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 12:45

نظر به تغییرات اعمال شده در پایگاه « ناریا لینکس » و در رأس آن ، اضافه کردن « خبرنامه » به آن ، از تمامی دوستان دعوت می شود ضمن رجوع به پایگاه موصوف و قرائت متن نصب شده ، در « خبرنامه » عضو شوند تا به مجرد پدید آمدن هر مشکلی در پایگاه معظم « حق و صبر » ، از طریق ایمیل ، مطلع ؛ و نشانی پایگاه جدید آقای ناصر پورپیرار را دریافت نمایند .

« ناریا لینکس » با « خبرنامه » ، قدرتمندتر از دیروز .

« ناریا لینکس » در خدمت بنیان اندیشان .

http://WWW.Narialinks.Blogfa.Com

وب سایت

نویسنده: حسام الاحوازی

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 13:16

جناب حاجی زاده !
اولا مباحث این کلوب در زمینه تاریخ است و نه سیاست . کشور های عربی اگر با آمریکا رابطه دارند به فکر منافع خود هستند . سیاست ایران اینه که با کمونیست های چین که مسلمانان سینک کیانگ چین را قتلعام و سرکوب کردند و کمونیست های روسیه که رهبران مسلمان چچن را از دم تیق گزراندند {روسیه بیشترین خیانت ها را به ایران کرده} روابط برادرانه وحسنه ای داشته باشد ، و همچنین سکوت در مورد سرکوب مسلمانان قره باغ آذربایجان و استقلال کشور مسلمان کوزو از دست صرب ها هم جزء سیاست ایرانه . سیاست کشور های عربی (و نه مردم عرب) هم اینه که با آمریکا دوست باشن . (این به اون در) پس خاهشا تاریخ رو با سیاست قاطی نکنید بلاخره هر کشوری دنبال منافع خود است .

ظمنا گفته بودید که چرا اقایون اینجا داغ دلیشونو سر عرب ها خالی نمی کنند ! شما زیاد قصه نخورید تو ایران اینقدر داشتن کینه عرب و نفرت از عرب را تو دل مردم نفوذ داده می شود که اکنون خود کشور های عربی هم به این نتیجه رسیده اند که دشمن درجه یک آنها ایران است و نه اسراییل . در ایران هم مذهبی ها از عرب متنفرتند و هم غیر مذهبی های ملی گرا و کوروش گرا و کسانی که توهم تمدن هزاران ساله دارند ! مذهبی ها به خاطر تنفر از سنی مذهب ها و به قول خودشان وهابی ها و بقیه مردم هم به خاطر اینکه عرب تمدن خیالیشان را نابود کرده و اسلام را برایشان به ارمغان اورده ....
حالا نمی فهمم چرا تبلیغ فحاشی به سردمداران عرب و مردم عرب میکنید !!!!؟؟

نویسنده: حسام الاحوازی

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 13:20

شماره 2
جناب حاجی زاده

گفته بودی که آثار با شکوه تمدن مملکه العربیه الانباط در اردن مربوط به سلوکیان است .
خوب چرا این رو ثابت نمی کنی ؟
اتفاقا خیلی از مورخان آنها را از عرب های قریش میدانند دلیل آنها قرابت بسیار زیاد در خط و اسامي و دین (بت پرستی)
وهمچنین پیشه وکار آنها (نبطیان مثل قریشیان تاجران قهاری بودند) با قریش است
انگار شما از سیاست تاریخ نویسی به روش یهودی که عرب ها را انسانهایی بدون تاریخ و بدون فرهنگ نشان میدهد (که
این نوعی مبارزه با اسلام تلقی می شود) اطلاع ندارید ! سیاست یهودیان این است که عرب هیچ حقی در هیچ چیز ندارد
(سیاستی برای رسیدن یهودیان به سرزمین موعودشان !)
حالا هم تمدن اردن که همسایه دیوار به دیوار اسراییل است را تحریف می کنند و آنها را به سلوکیان می بخشند و نه عرب
نبطی

راستی چرا سردار تراجان رومی وقتی شهر سلع (پترا) را اشغال کرد آن را ایالت عربی روم نامید
به راستی اگه عرب فقط در بیابان های حجاز زندگی میکرد و هیچ تمدنی نداشت چطور توانست که در زمان بنی امیه بدون
هیچ گونه تجربه ای چگونه توانست قلمرو پهناور اسلامی از دیوار چین تا مغرب و اسپانیا را اداره کند
الان تمدن نبطی ها را ول کن آیا میتونی تمدنهای دیگر اقوام عرب مانند کنعانیان (که یونانی ها به آنها فینیقیان می گفتند) و
آشوریان (660 کلمه و فعل مشترک بین زبان فصیح عربی و زبان آشوری وجود دارد !) را نفی کنی؟؟
این ها هم فدای سرت تمدن های بزرگ دیگرعرب مثل عمالیق، معین، سبأ و حمیر را چکار میکنی ؟
تمدن های کهن تر از اینها مثل عاد ، لوط ،هود و ثمود را که اکنون کتیبه های آنها در شبه جزیره عرب پیدا شده را چکار می
کنی ؟؟

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 13:37

آقای ترک 86. اگر می خواهید از مجموعه ی این مبهمات که تدوین کنندگان اصلی آن نیز از تنظیم آن درمانده اند، نتیجه
بگیرید که ترکان قوم شناخته شده ی قدیم و مقتدر، با فرهنگ جهانی و خط و معماری اند، مشغول فریب دادن خویش از
مسیر باور به مطالبی هستید که منشا' پیدایش آن به مراکز و نام هایی بر می گردد، که در حال حاضر به انواع جعلیات و
دروغ نویسی متهم اند. اگر شما بدون توجه به سیمای تصویر شماره ی 5 و آن ظروف فلزی اسلوب چین علاقه مندید تمام
این بقایا را نشانه ی تمدن ترک بگیرید، پس اجازه دهیم که فارسیان نیز مجموعه ی نوساخت پاسارگاد را کاخ ها و قبر
کورش و تخت جمشید را مرکز اداره ی جهان باستان بدانند!!! بنیان اندیشی عبارت از انکار این گونه برداشت های به سود
خویش است.

نویسنده: ناصر

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 14:1

نبود آثار معماری دلیل نبود یک قوم آن هم قومی به بزرگی ملت تورک نمی تواند باشد به خصوص که همه دنیا می دانند
تورکان قومی کوچ رو و تا چند قرن پیش عشایر بوده اندشما به سایت های تاریخی و یا ملیتچی تورکان چه تورکان تورکیه چه
آزربایجان و چه ترکمنستان و ازبکستان و... سر بزنید به وضوح می توانید با توجه به نماد های آن ها پی به زندگی در طبیعت
آنان ببرید. زبان تورکی زبانی بانظم و قاعده است که نمی توان گفت در چند صده پیش ساخته و یا بوجود آمده. وقتی که یک
تورک مثلا قشقایی فرهنگی بسیار نزدیک به یک تورک ازبک دارد و حتی داستان ها و ضرب المثل هایشان یکی است با این
که شاید یک قشقایی اصلا نمی داند که ازبک ها تورک هستند یا یک ازبک از وجود قوم تورکی به نام قشقایی خبر هم
نداشته باشد. این ها و مثلا نزدیکی اقوام دیگری مانند سرخ پوستان به تورک ها دلیل وجود تورکان در عمق تاریخ است. از
فرهنگ و موسیقی غنی تورکی نیز می شود به تازه نبودن این قوم پی برد.
اما سوالی که ذهن مرا به خود مشغول کرده است این است که چگونه شما خطوطی که در عکس نشان داده را عربی
دانستید و خطوط اورخون را غیر تورکی می دانید آیا هر دو را رفته و از نزدیک دیده اید آیا خودتان از این ها رمزگشایی کرده
اید و ترجمه دو اثر را بدون توجه به مترجمان قبل انجام داده اید؟

نویسنده: بی نام

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 15:46

جناب سهند
متاسفانه به دلیل پرش پاپتی اق قارداغلی وجلو اندازی خود برای بردن جایزه سند رقیت قرار ما باطل شد مگه اینکه ثابت
شه که این اق قارداغلی همون سهنده .

جناب اق قارداغلی

از قرار معلوم هنوز کینه عدم پذیرش ترکهای اذربایجان وقره پاپاق‌های نقده در ک ژ ک در دل شما باقیست که قاضی محمد را همسنگ جعفر پیشه وری می انگارید البته بنده قصد قضاوت وبرتری بخشی بین این دو مخصوصا" صحبت در باره قاضی محمد را ندارم امابه نظرم قاضی محمد شهامت این را داشت که در وطن بماند و بمیردولی رهبر شما چنین شهامتی را نداشت وبلا فاصله به محض تنگ شدن قافیه به دامن اربابانش پناه برد.
خوب جناب اق قارداغلی زود کشف حجاب فرمودید منظور شما از احقاق حقوق ملی
همان فدرالیسم!!!!! اق جعفر پیشه وری است؟ اگر این فدرالیسم !!!!بسیار غلیظ منطبق بر نظرات بنیان اندیشی است چرادست پیش گرفته ای که ترا انوسی ویهودی نخوانیم ؟شاید چون بهتر از همه می دانی که هر انکه به هر بهانه تفرد و تفرق را گزینه کند بی شک اب به اسیاب یهودیت پست ریخته وناگفته یا یهودیست یاانوسیست.
واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا واذكروا نعمة الله عليكم إذ كنتم أعداء فألف بين قلوبكم فأصبحتم بنعمته إخوانا وكنتم على شفا حفرة ...

نویسنده: کبیری

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 12:25

جناب آقای پورپیرار

اگر به فرض شما توانستید ثابت کنید که تخت جمشید نوساخت است چطوری از آن نتیجه می گیرید که آثار باستانی دیگری که در دنیا یافت میشود جعلی است؟

نویسنده: حسام الاحوازی

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 16:40

http://i4.tinypic.com/4q359a9.jpg

استاد یه نگاهی به این لینک بندازید

در مورد شجاع الدین شفاست

نویسنده: یولداش

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 17:8

تنها در ایران بالای گنبدها را هلال ماه ارایش نمیدهد.بر عکس سایر ممالک اسلامی.

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 18:15

آقای یولداش. احتمالا به این جهت است که ما تقویم قمری را قبول نداریم و بالای گنبدها هم که نمی توان نقش خورشید را گذارد. چون تهمت می زنند که آفتاب پرستیم!!!

آقای حسام الاحوازی. اصطلاحی داریم که به آن «سرکفنی» می گویند به این معنی که خانواده ی مرده قطعه ای از اشیاء مورد علاقه ی میت را پنهان از نظر دیگران با او به خاک می سپارند. گمانم این تعارف کمبریج هم «سرکفنی» شفا باشد. از این راه معلوم می شود که بزرگان مورد نظر کمبریج همه از همین قماش اند. اگر شفا نفر دویستم است، پس نفر اول باید سخت دیدنی باشد. احتمالا او ثابت کرده که هنوز اثری از دین اسلام دیده نشده است!!!

آقای کبیری. اولا به فرض نداریم. اگر در نیمه ساخت بودن تخت جمشید تردید دارید، مستند آن را برای تان بفرستم. وانگهی موضوع تخت جمشید نیست، ثابت شده که کتیبه های نقش رستم و نقش رجب و غار حاجی آباد و سراپای پاسارگاد و خط اشکانی و ساسانی و اوستا و سلمان فارسی و تمام نام آوران و کتاب های پیش از صفویه و مقبره ی محمود یساوی و آثار منسوب به تیمور لنگ در ماورا' النهر و بسیاری از تدارکات تاریخی دیگر در زمره ی مجعولات یهود ساخته است، حالا شما ثابت کنید که چرا فقط کتیبه ی اورخون را باید از گردونه ی این مجعولات خارج کنیم؟ مواظب باشید استدلالی نیاورید که آن مردگان قبلی هم زنده شوند.

آقای ناصر. خوب اختلاف ما در چیست؟ مگر جایی نوشته ام که ترک وجود ندارد؟ توجه داده ام که هر قوم بدون آثار معماری هنوز به دوران شهر نشینی و تولید و تمدن وارد نشده، که شما هم قبول دارید. مگر موافق نیستید مطلب را چنان دنبال کنیم تا شاید معلوم شود این ترکان بدون امکانات شهر نشینی و تولید در چه زمانی، چه گونه و به دست چه کسانی مسلمان شده و از چه راه توانسته اند امپراتوری یگانه ای چون بیزانسیان را از ترکیه امروز بیرون بریزند؟!!! این راهی است

که از مسیر آن می توانید با قومیت خود آشنا شوید و شانه را از زیر بار دروغ کنار بکشید. ضمنا بدانید که موسیقی در منطقه و میان مردم ما، اعم از ترک و فارس و عرب، پدیده ای نوظهور و از تولیدات کنیسه و کلیسا است.

نویسنده: ترک 86

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 18:54

با تشکر از پاسخ شما. گفتار شما در باب چینی بودن آن ظروف با توجه به اینکه کتیبه نیز از دریافت هدایای زیاد از چینی ها سخن می گوید قابل قبول می باشد. اما سخن اصلی اصالت آن خطوط و کتیبه ها است به طوری که بررسی دقیق آن خط و نوشتار به طرز عجیبی منشا' آن خط را به حوزه شرق میانه می کشاند. ممکن است این آثار ارتباطی با ترکان کنونی آذربایجان و ترکیه نداشته و پیشینه آنان محسوب نشود. اما با مبنا قرار دادن آثار هزاره اول قبل از میلاد و به اصطلاح backtracing به هزاره های پیش از میلاد و با بررسی آثار باستانی می توانیم خواستگاه اولیه آن آثار را تا قفقاز بکشانیم. نکته جالب دیگر تشابه زیاد باورها و آثار یافته شده از حوزه آسیای مرکزی و سیبری با باورها و آثار ایرانیان پیش از پوریم است. مثلاً آن مجسمه های سنگی که ظرفی در دست دارند در مارلیک نیز مشاهده شده اند.

نویسنده: --------------------

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 19:44

استاد عزیزسلام
این دوخت ودوزهای نژادی اقا ناصر واسمون ریسمان سرخپوستی ایشان سبب زدن جرقه ای در ذهن بنده شد .زمانی که کودکی چند ساله بودم مادر بزرگ لرم داستانی به نام دولی دیمی برایمان تعریف می کرد که بعدها همین داستان را در ادبیات اروپائیان به نام هانسل وگرتل (نوشته هانس کریستین اندرسون) دیدم استاد ایا امیدی هست که بتونیم به مغزها فرو کنیم که در یک جایی ما با دانمارکیها وحدت نژادی داشته ایم و فراموش شده است. استادامید و رویاهای بنده را خراب نکنید به خدا این از همه اون دلایلی که ناصر برای قوم خویش سازی با سرخپوستها اورده قوی تره, می شه در باره اش خیلی چیزا نوشت مثلا" هانسل همان دولو بوده چون در حرف "ل" اشتراک دارند وگرتر نیز ناچارا" بدون هیچ اشتراک حرفی فقط می تواند دیمی باشد واز این دست دلایل متقن و تعلیق ها وما هم اروپایی از اب در بیاییم.اونوقت می شیم سه نفر که اقوام خارجی داریم .من اقوام دانمارکی وانتی اقوام المانی وناصر اقوام سرخپوست.

نویسنده: سرباز 1

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 19:49

دوستان گرامی و به ویژه آقای سهند.
می خواهم مطالبی را به صورت شفاف برای همه ی شما مطرح کنم. پیشاپیش بگویم که اولا" من تاکنون در بحث های قومیتی این وبلاگ شرکت نداشته ام، ثانیا" بدین جهت وارد این بحث می شوم که احساس میکنم روش های بهتری هم برای برخورد با داده های نوین وجود دارد، و ثالثا" من فردی دورگه هستم. یعنی پدرم ترک و مادرم فارس هستند و بنابراین، وجود خود را سمبل دوستی و اتحاد اقوام مسلمان می دانم.

1- مهمترین مطالبی که همه ی ما موظفیم ابتدائا" تکلیف خود را با آنها روشن کنیم، دو چیز هستند: یکی جرمهای بزرگ اهل کتاب از وقوع قتل عام پوریم تا جنایات دوران معاصر از جمله آلودن تاریخ باستان به کثیف ترین جعلیات، و دیگری قرآن به عنوان سند خدشه ناپذیر ارتباط خداوند یکتا با بشریت. پس از پذیرش این دو، حرکت بشر در مقیاس کلان و تاریخی برای ما قابل درک می گردد به نحوی که بدون این دو، سوالات اساسی ما، از جمله درباره ی حقوق اقوام بی پاسخ می مانند.
2- یکی از نتایج درخشانی که از مطالب فوق گرفته می شود، این است که همانطور که بارها و بارها و به عناوین مختلف در قرآن وعده داده شده، "تمام" دارایی های بشر اعم از مادی و معنوی سرانجام به نیکوکاران به ارث خواهد رسید. واضح است که این دارایی ها شامل زبان و فرهنگ اقوام مختلف اعم از فارس، ترک، عرب، هندی، چینی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، آمریکایی، روسی، آفریقایی و غیره می شود. به این ترتیب ما با حرکت منسجم و متحد حول ریسمان الهی، نه تنها حق خواهیم داشت که از "تمام" این دارایی ها بهره بریم، بلکه موظف به صیانت از ارزشهای مستتر در تک تک آنها نیز خواهیم بود.

نویسنده: آیدین یاشار

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 19:53

استاد محترم
نمونه های خط عرب پیش و بلافاصله پس از ظهور اسلام که توسط خود جنابعالی دروبلاگ نمایش داده شد، به خوبی نشان میدهد که اعراب در دوره بادیه نشینی دارای خط (ولو غیر بالغ) بوده اند، بی آنکه دارای حمام و پل و کاروانسرا باشند و این نوعی تناقض در نظریات شماست. متن قرآن نیز که یقینا برای همه اعراب آن عصر مفهوم بوده، نشان میدهد که زبان همان قوم بدوی دارای نحوی بسیار متکامل بوده است که تا امروز نیز پابرجاست. به راستی آن قوم بدوی چه نیازی به آن نحو

متکامل و آن گنجینه کلمات داشته اند و این همه چه ارتباطی با شکل زندگی و معیشت آن قوم داشته است؟ راز نحو زبان عربی خود بسیار عجیب تر راز الفبای عربی است. الفبا فقط از چند نشانه تشکیل میشود در حالیکه نحو یک زبان سیستم قواعد گسترده ناخود آگاه یک زبان را تشکیل میدهد. لذا وجود الفبای اورخون نیز خیلی عجیب نیست، بلکه خود زبان ترکی و قواعد نحوی سیستماتیک آن است که عجیب است. ملتی که آن نحو و آن گنجینه غنی اسامی و افعال و مصالح صرفی زبان را آفریده، به راحتی میتواند از عهده ابداع چند نشانه مکتوب برآید.

نویسنده: سرباز 1

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 20:34

دوستان گرامی و به ویژه آقای سهند.
می خواهم مطالبی را به صورت شفاف برای همه ی شما مطرح کنم. پیشاپیش بگویم که اولا" من تاکنون در بحث های قومیتی این وبلاگ شرکت نداشته ام، ثانیا" بدین جهت وارد این بحث می شوم که احساس میکنم روش های بهتری هم برای برخورد با داده های نوین وجود دارد، و ثالثا" من فردی دورگه هستم. یعنی پدرم ترک و مادرم فارس هستند و بنابراین، وجود خود را سمبل دوستی و اتحاد اقوام مسلمان می دانم.

1- مهمترین مطالبی که همه ی ما موظفیم ابتدائا" تکلیف خود را با آنها روشن کنیم، دو چیز هستند: یکی جرمهای بزرگ اهل کتاب از وقوع قتل عام پوریم تا جنایات دوران معاصر از جمله آلودن تاریخ باستان به کثیف ترین جعلیات، و دیگری قرآن به عنوان سند خدشه ناپذیر ارتباط خداوند یکتا با بشریت. پس از پذیرش این دو، حرکت بشر در مقیاس کلان و تاریخی برای ما قابل درک می گردد به نحوی که بدون این دو، سوالات اساسی ما، از جمله درباره ی حقوق اقوام بی پاسخ می مانند.
2- یکی از نتایج درخشانی که از مطالب فوق گرفته می شود، این است که همانطور که بارها و بارها و به عناوین مختلف در قرآن وعده داده شده، "تمام" دارایی های بشر اعم از مادی و معنوی سرانجام به نیکوکاران به ارث خواهد رسید. واضح است که این دارایی ها شامل زبان و فرهنگ اقوام مختلف اعم از فارس، ترک، عرب، هندی، چینی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، آمریکایی، روسی، آفریقایی و غیره می شود. به این ترتیب ما با حرکت منسجم و متحد حول ریسمان الهی، نه تنها حق خواهیم داشت که از "تمام" این دارایی ها بهره بریم، بلکه موظف به صیانت از ارزشهای مستتر در تک تک آنها نیز خواهیم بود.

نویسنده: سرباز 2

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 20:36

3- پس، با تلاش در شاهراه "حق و صبر"، همگی سنگینی بار حفظ، پالایش، و تعالی دارایی های معنوی اقوام را نیز بر دوشهای خود حس خواهیم کرد. اگر زبان و فرهنگی نیاز به صیانت دارد، به خاطر ارزشهای بالفعل و بالقوه ی آن است که باید به سان یک امانتی گرانبها آن را از آلودگی ها زدود، به بار ارزشی آن افزود و سپس تحویل نسل آینده داد. و توجه داشته باشیم، که حجم عظیمی از آلودگی ها را اهل کتاب عامدانه وارد فرهنگهای هریک از ما کرده اند به طوری که تنها و تنها راه پالایش آنها همان شناخت حرکت کلان-مقیاس تاریخی بشر در راهیست که قرآن پیش بینی نموده است. این کاری است که از خودم و از همه ی شما دوستان انتظار انجام دارم، و نه مجادلات عبث.
4- آقای سهند، این بند آخر را مخصوصا" خطاب به امثال شما شخصیتهای علم-محور می گویم: من احترام شما را به شاخه های متنوع علم تحسین می کنم، ولی تقاضا دارم تا در عوض استفاده ی ابزاری از آنها در مباحثات خود برای گرفتن ژست آکادمیک، بیاییم همگی توان علمی خود را در راه آشتی با فاکت های قرآن، این متن جاویدان که هرگز در طول تاریخ مورد کاوشی آن سان که شایسته ی آن باشد قرار نگرفته است متمرکز سازیم. باشد که به این ترتیب، علاوه بر ایجاد صلح و برادری، افقهایی را پیش چشم بشر بگشاییم که در چارچوب های ماتریالیستی علوم سنتی غرب، هرگز حتی قابل تصور هم نبوده اند.

همگی در پناه خداوند متعال

نویسنده: النّاس

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 22:49

دعوت به قرائت مقاله

نظر مدیریت محترم وبلاگ و کلیهٔ خوانندگان محترم را به قرائت مقالهٔ مطول " " تقابل « پامنبری ها » با « بالامنبری ها » ، تحلیلی بر افشاگری های دکتر عباس پالیزدار " " جلب می نمایم .

لازم به ذکر است این مقالهٔ ، شاید اولین تحلیل " " سیاسی " " بر وقایع حال حاضر کشور باشد که از دریچهٔ چشم یک « بنیان اندیش » ، که به روی دادن " " انکسار نسلی بزرگ " " در ایران هم معتقد می باشد ؛ نگاشته گشته است ؛ چرا که نویسندهٔ آن ، جا به جا ، از منظر یک جامعه شناس ، که عالم به نوپدید بودن ملت و مدنیت در ایران هست ؛ به حوادث

نگریسته است .

توضیح 1 : این مقاله به دلیل مطول بودن ، امکان نصب شدن در یک پست را نداشت ؛ از همین رو آنرا در 9 پست متوالی ، به شرح لینک های ذیل منقسم کرده ایم .
توضیح 2 : قسمت های دوم ، سوم و چهارم این مقاله ، بررسی اوضاع و احوال مدنیت و سنت شهرنشینی در ایران ، به استناد نتائج اولین سرشماری نفوس و مسکن کشور ، انجام گشته به سال 1335 ه . ش است ؛ که خوانندگان را به غور فزون تر در آن دعوت می نمایم .

http://annaas.blogfa.com/post-1.aspx

http://annaas.blogfa.com/post-2.aspx

http://annaas.blogfa.com/post-3.aspx

http://annaas.blogfa.com/post-4.aspx

http://annaas.blogfa.com/post-5.aspx

http://annaas.blogfa.com/post-6.aspx

http://annaas.blogfa.com/post-7.aspx

http://annaas.blogfa.com/post-8.aspx

http://annaas.blogfa.com/post-9.aspx

وب سایت

نویسنده: حاجی زاده

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 23:41

با سلام
جناب آقای بینام،اگر بخواهیم شرط انصاف را رعایت کنیم باید عرض کنم که زهر ریختن در حیطه ی تخصص جنابعالیست وتلخی کلام من، متاثر از شرنگیست که بارها برادرانه(!)در کاممان ریخته اید، با اینحال قصد من از ارسال آن کامنت نه انتقام گیری، بل انتقاد و "عتاب خواهرانه" بود،البته با بهره گیری از متد و لحن مشابه و جملات آشنای خودتان، در حقیقت آینه ای بدستتان دادم تا خود را در آن نیک بنگرید، چرا آشفته میشوید؟! خوب تماشا کنید، شماو با آن دوست دیگری که حافظ و قاری تورات است و یعقوب و اسرائیل را یکی می داند(یهودیان دزد و برادر در چاه انداز...) برتر و بنیان اندیش تر از دیگرانی نیستید که مکررا" با عتابهای برادرانه تان مستفیضشان میکنید، کامنتهای آقای الاحوازی را بنگرید بوی "قوم گرایی" به مشامتان نمی خورد؟ شما بعنوان مبلغ بنیان اندیشی موظف بودید بجای به به وتشکر، او را بسوی حقیقت رهنمون نمایید، اکنون نیز دیر نشده است، پاسخگویی به سخنان وی را به عهده ی خودتان واگذار میکنم.
فقط همین را مختصرا" خدمت آقای الاهوازی بگویم که من حتی قبل از آشنایی با مکتب بنیان اندیشی هم هرگز ضدیتی با مردمان انجاد عرب نداشتم،اما شما نگاهی به نوشته های بینام بیندازید وببینید چطور وی ،خود فریبانه، چهره ی ترک ستیزش را پشت روبند تنک "حفظ یکپارچگی کشور" و شعارهای مزورانه ای از این قبیل پنهان نموده و مدام ما را بابت مواضع سیاستمداران ترک ایران و ترکیه و آذربایجان- از گذشته تا حال- مورد مواخذه قرار میدهد، ولی در برابر سیاستهای خائنانه ی سران حکومتی بی غیرت اعراب ساکت است!!!

نویسنده: میثم1

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 23:55

جناب سهند علوم انسانی تا کنون نقش دکان بازی می کرده !!!!! خودت کلاهت را قاضی کن تمام مبانی جامعه شناسی روانشناسی هنر شناسی اسلام شناسی زبان شناسی ایران شناسی و حتی جهان شناسی !!!!باید عوض شود. آیا بعد از این مطالب شما ایران را مانند قبل می شناسید ؟!!!! جامعه شناسی بوسیله این پژوهش ها چه بعدی پیدا می کند؟ کسی که با مطالب تاملی در بنیان آشنا باشد جامعه شناسی امروز برایش چیزی شبیه به تعریف کردن جک می ماند!!! در ضمن بنده گفتم از این قبیل شما اگر شیمی و فیزیک را جزو این رشته ها حساب می کنید بخاطر مطالعات وسیع تان است که بنده هم اتفاقا با آن موافقم!!!! چون یقین بدانید چیزی که امروز به عنوان علوم به ما ارائه می دهند همان چیزی ا ست

که جناب سرباز عزیز به درستی آن را "علوم سنتی غرب" نامیده.تاریخ مصرف این علوم تمام شده و حتی تاکنون هم به اشتباه انرژی تلف می کرده در زمان نگارش همین چند سطر باید خدمتتان عارض شوم که در همین وبلاگ کسانی مشغول انجام همین کار هستند!!!!! - البته اگر شما بگذارید این مسائل در سطح خود بررسی شود - تاملی در بنیان راه را برای تحقیق و پژوهش هایی باز کرده که تاکنون به هیچ وجه امکان فکر کردن به آن هم وجود نداشته در این بین قران به عنوان اصلی ترین منبع این پژوهشها به کار می رود.
اگر به عناوینی که در استفاده ار آن ها استاد هستید محکومم نکنید باید حقیقتی را که هنوز متوجه آن نشده اید را گوشزد کنم !!!تاملی در بنیان آغاز دنیایی دیگر است !!!!
در ضمن اینجا نور چشمی به معنی دیگری استفاده میشود به عنوان مثال شما نور چشمی بنده اید!!!

نویسنده: میثم2

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 23:56

در ضمن باید بنده هم برای تان یک واقعه حقیقی تر عنوان کنم که از بخت بد از آن به عنوان لطیفه یاد شده منتهی باید بگویم لطیفه آن چیزی است که شما ذکر کردید و واقعیت این مطلب !!!
می گویند مردي در پارك مركزي شهر نيويورك قدم مي زد كه ناگهان مي بيند سگي به دختربچه اي حمله كرده است. مرد به طرف آنها ميدود و با سگ درگير مي شود. سرانجام سگ را مي كشد و زندگي دختربچه را نجات مي دهد. پليسي كه صحنه را ديده بود به سمت آنها مي آيد و مي گويد: «تو يك قهرماني. فردا در روزنامه ها مي خوانيد "نيويوركي شجاع جان دختر بچه اي را نجات داد." آن مرد ميگويد: «اما من نيويوركي نيستم.» پليس مي گويد: «اوه پس روزنامه صبح مي نويسند: "آمريكايي شجاع جان دختر بچه اي را نجات داد."» آن مرد دوباره مي گويد: «اما من آمريكايي نيستم.»

«خوب، پس تو اهل كجا هستي؟»

«من ایرانی هستم!»

پس روزنامه ها فردا مي نويسند: «يك تندروي مسلمان سگ بي گناه آمريكايي را كشت.

بهتره به جای نوشتن چنین کامنت هایی برای این وبلاگ در لابلای تیترهای بزرگ همان روزنامه ها به دنبال چنین نوشته هایی بگردید شما که در قلب حوادث تشریف دارید!!!:

"وزارت دادگستری آمریکا به عناصر پلیس فدرال این کشور "اف بی آی" اجازه داد، مکالمات تلفنی مسلمانان این کشور را بدون هیچ اتهامی و فقط به علت سابقه دینی و نژادی آنان، شنود کنند. "

۱ ۲ ۳ ۴ >>

ایران شناسی بدون دروغ، 160، درباره ی معماری و خط و گویش - 161 نظر

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 21 تیر1387 ساعت: 0:4

آقای آیدین یاشار. نشان ندهید که مطالب را سرسری می خوانید و از بی توازنی در ابراز عقیده هراس ندارید. ممکن است از شما بپرسممردم حجاز باید بر کدام رودخانه پل می بستند و برای کدام قافله کاروان سرا و در کجا می ساختند که برای پذیرایی فقط یکی از شتران قافله سالار لااقل آب کافی داشته باشد؟ دوست عزیز شرایط جغرافیایی در هرکجای جهان احکام دیگری دیکته می کند که باید شناخت. اگر در نجد خطی برای بیان منظوری وجود دارد و گرچه بسیار آهسته ولی در هر قرن گامی به سمت تکامل برداشته، و اگر آن خط عمود نوشته ی ارخون به ترکان متعلق است، پس شاید که خط به درد بخوری نبوده است که تنها همان چند کتیبه را با آن نوشته اند، دورش انداخته اند و منتظر خط عرب مانده اند تا بار دیگر زبان شان را بگشاید. پیشنهاد می کنم خود را به زحمت نیاندازید حوصله کنید تا مطلب تمام شود.

آقای الناس. تحلیل شما از سرشماری سال 1335 بسیار عالی بود و بسیاری ابهام ها را از منظر صاحبان خرد زدود.

آقای ---------------. کاش فکری هم برای من می کردید!!!

نویسنده: میثم3

جمعه 21 تیر1387 ساعت: 0:22

جناب ناصر بالاخره ما نفهمیدیم شما به خاطر زبان به این مردم ترک می گید یعنی مفاهیم زبان شناسی رو به قوم شناسی تعمیم می دید یا اشتراکات فرهنگی و یا چیز دیگه چون منطقه که گویا نمی تونید براشون مشخص کنید آثار معماری هم که چون کوچ می کردند احتیاج نداشتن؟!!!!!!!!

در جایی فرمودید :
"وقتی که یک تورک مثلا قشقایی فرهنگی بسیار نزدیک به یک تورک ازبک دارد و حتی داستان ها و ضرب المثل هایشان یکی است با این که شاید یک قشقایی اصلا نمی داند که ازبک ها تورک هستند یا یک ازبک از وجود قوم تورکی به نام قشقایی خبر هم نداشته باشد."

دوست عزیز در این صورت یک وبلاگ بزنید اینها را با هم آشنا کنید!!!!!!!
در ضمن موسیقی در ایران لااقل هیچ عمری فراتر از 110 سال ندارد!!! و آنهم کاملا مشخص است توسط چه کسانی شکل گرفته!!!

جناب ----------------- باید خدمتتان عرض کنم اتفاقا افسانه "گرگ خاکستری" نیز که گویا اساس پان ترکیسم را در خیلی از موارد شکل می دهد -مانند داستان های شاهنامه- اصولا منشا اروپایی دارد (اشاره به افسانه مربوط به ایجاد شهر رم در ایتالیا و دو پسر بچه به نام های رموس و رومولوس که از شیر گرگ تغزیه می کردند)و گویا بوسیله هون ها به فرهنگ و افسانه های اسیایی منتقل شده!!!!
یه چیزی که خیلی جالبه این تازه از غربه که به سرخپوستان می رسن از شرق نمی دونید تا کجا رو در بر می گیره .واقعا که خوب سر کارمون گذاشتن!!!!!!

نویسنده: مسعود

جمعه 21 تیر1387 ساعت: 0:56

وقت شما بخیر استاد گرامی.

با اجازه شما همه دوستان را به مطالعه لینکهای ارسالی آقای الناس دعوت میکنم که بسیار جالب و در راستای مباحث وبلاگ وزین ناریا میباشند.

نویسنده: م.ستاره

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 22:14

1
سلام
اول از همه ، بنده به هیچ عنوان دکتر نیستم و اگر کسی تعارف کرد ، جدی نگیرید خصوصا جناب عاشق و مخلص (میثم سابق) ! وانگهی مدرک آکادمیک ، سند توانایی اشتغال به حرفه است نه سطح فکر و اندیشه ! (و البته گاهی هم وسیله ای برای پز دادن و نشان دادن ناتوانی در استدلال و منطق و توسل به یک تکه کاغذ !)
این سه تفنگدار آدم کش زاییده شده اند ! برادران توحید و مسعود و رحمانی و چند تای دیگر و چند خواهر دیگر که خداوند حافظ همه شان باشد هم ، در راه هستند که نام شان را نمی برم ، شاید راضی نباشند . ما به دوستی با هم ، افتخار می کنیم و لااقل من یکی ، به تبع استادم ، از منکران پوریم بریده ام و علی الارض الله الواسعه ، جز اینان و استاد غفوری با آن تروریست نشان دادن شان ، الحمد لله کسی را ندارم و عرض شود که از زمان آشنایی با مباحث ، نورچشمی هیچ کسی هم نیستم ، حتی مادر یگانه ام . ما را به جناب حاجی زاده ، امید بسیار هست و اگر چه تازه وارد است و زود جو گیر می شود ، ولی از دوستان ، جناب بی نام و عاشق و دیگر دوست تازه واردمان حسام همچنان متعصب ، می خواهم رعایت کنند که تا پایان ، خیلی نمانده است که همه چیز را از دست بدهید !
و نیز آیدین خان تناقض یاب ! آن وسط ، اشاره ای به نحو داشتید ولی کاش خودتان می دانستید چه گفتید ! به شما نیز امیدی هست به خصوص فاقد صفت یکدندگی مانند دیگران اید .
از جواب های از شیرازه گسیخته ، معلوم است که دیگر حرفی نمانده است . کامنت های جدیدا ارسال شده ، اصلا دارای یکپارگی مفهومی نیستند . بیشتر شبیه بال بال زدن بودند !

جناب قراداغلی عزیز ! از اینکه قصاب وار ، به جان نوشته های من افتادید و با جورچینی جدید ، حرف نوی از آن در آوردید به " جعل جدید " ، یاد 7 قطعه شگفت انگیز افتادم که از یک مربع استحصال می شود و تقریبا هر شکلی با آن می سازند حتی ویلاهای شمال ! به قول استاد ، این موزاییک چینی ها ، به درد نمی خورد و نشان دادید قادر به ورود به کلیت بحث نبوده اید ، چنانچه جناب سهند گرامی ! شما چندی پیش ، خیلی زود با آراز بیلگین رفیق شدید که الف تا یای نوشته های مرا تعریف شوونیزم نامید و اکنون با بجانی ، و باز هم خیلی زود ! امیدوارم موزاییک کار باقی بمانید و کاشی کار نشوید !

نویسنده: م.ستاره

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 22:15

2

"هنوز خيلي زود است همه ادعاهاي آقاي پورپيرار تمام و كمال صحه گذارد و تاييد كرد هر چند مسيري گشوده اند كه نورهايي از آن ديده مي شود."

اختیار دارید قربان !

البته آقای پورپیرار دنبال تایید این و آن نیست (این به شکل فوق العاده محترمانه بود !) ، خصوصا ناشناس !

جناب قراداغلی ! اگر من نمی شناسم این رهبران را ، شما معرفی بفرمایید ! این آرمان ها را یکبار بیان کنید اما نه به این شکل مافوق انقلابی: آهای پادوی فلان سازمان تعطیل شده! ماده فلان و فلان قانون اساسی، اجرا باید گردد ؛ والسلام !

" اگر از برنامه و اهداف و آرمانهای حرکت ملی آذربایجان اطلاعی ندارید ، و حتی نمی دانید چگونه این اطلاعات را کسب کنید ، چرا فعالیت قومی! را «خیانت» می نامید ؟ اگر اطلاع دارید چرا و به چه نیتی دنبال «کسی» و «نقطه»ای هستید ؟"

شما چرا از بیان آنها عاجزید که به گوش من نرسانده اید ؟!! وظیفه من است مجهولات قومی را بیابم و هر کس حرفی در باب قوم ام زد ، پیدایش کنم ؟!!

کدام پوستر و بنر را زده اید و مگر در زیرزمین و برای ارواح سرگردان تبلیغ می کنید ؟! و اگر اطلاع دارم ، پس درست می گویم ، چرا از دنبال کسی و نقطه ای شدن می هراسید ؟! دنبال تان که نفرستاده بودند سروش غیبی هم که نیستید. زنده باد حقوق قومی آذربایجان به شرط این که کسی مرا نشناسد و کاری به کارم نداشته باشد.

البته من واقعا هم نمی شناسم چون چیزی وجود ندارد ! جوان ها به پارتی های خاص می روند ، پا به سن گذاشته ها هم به نوعی مطب! به یکی می گویند اکس پارتی ، به دیگری هم مجالس روضه یا شعر و ادب ! صد رحمت به فارغ التحصیلان قم، که از فحش و اتمام حجت و نصیحت و تهدید محمد رضا شاه، تا قطعه قطعه کردن بدن امام حسین همه را بر سر منبر داد می زنند چه حالا چه اون موقع که سوراخ موش گران تر و نایاب تر از حالا بود.

جناب سهند ! بالاخره ما نفهمیدیم آشنا با این جنبش نبودید و اسم می خواستید یا بودید و ما را تست می کردید ؟! و حالا که جواب درست دادیم ، جایزه ، لطفا ! البته جالب است که هزاران نفر ضد ترک را می شناسید و این ، قطعا نشان تعصب شما نسبت به ترکی است و این که چه کسانی ادعای رهبری آن را دارند ، نه چیز دیگر !

نویسنده: م.ستاره

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 22:15

3

و اگر جواب غلط داده شد ، چرا کسی نگفت سوتی داده ام ؟! خیلی top secret است ؟! چرا مخفیانه فعالیت می کنند ؟!

بنابراین شما که شناخت ندارید ، سکوت را برگزینید و در آن یکی دو سایت فرهنگی ، بمانید و به دیگر سایت ها هم نروید اما از یک قبرستانی ، مقالات دکتر باطنی را سفارش بدهید !

"این در حالی است که من بار ها در این سایت نوشته ام که من حتی تک نفری از رهبری این حرکت را نمی شناسم و بحز یکی دو تا از سایت های فرهنگی اذربایجانی به سایت های تورکی سر نمی زنم برای اینکه من برای اثبات وجود خورشید مجبور نیستم که فعل و انفعالات درونی اش را مطالعه کنم."

از این خورشید برای ما بفرمایید که چگونه می توان آن را دید ؟ با جوانان احساساتی به زندان فرستاده ؟! یا مجالس شعر خوانی برای فدرالیسم (نام درست : مرثیه خوانی) ؟ شما که زودتر مشرف به این سایت شده اید و هلیم خود را حلیمانه میل فرموده اید ، بعد آن که صبوحی نزده اید ؟! آفرین که یک نفر از جنبش را هم نمی شناسید اما مطمئن اید که همه شان صالح هستند ! خوب شد کتاب فرزندان استر ، در همان امریکا چاپ شده است ! دوستان می توانند جدید ترین پست وبلاگ آخرین اخبار را بخوانند و با موضوع رهبری در هر امری ، با دیدگاه یدیدیا شوفطی ، آشنا شوند !

Akharinakhbar.blogfa.com

اما با توجه به اینکه جناب استاد سهند عزیز با آن سیستم های استوانه ای ژاپنی شان ، پیش از آنکه من یا هر کس دیگر نظیر آقای پورپیرار ، زبان باز کنیم ، با محتویات ذهن همه آشنا است ، بنابراین اولا یا باید در مورد کامنت های من حرفی نزند ، یا پیش از آنکه بفرستم ، نظر بدهد و از آقای پورپیرار می خواهم کنار بروند و وظیفه نگارش پست های بعدی را به استاد سهند خان بسپارند ، فقط باید گه گاهی فکر کنند ، نه بیشتر ! البته شاید بهتر باشد نظر ادموندو را هم لحاظ کنیم !

نویسنده: م.ستاره

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 22:22

4

در مورد بروشور هم چیزی نمی گویم . منظور از مستراح ها (" ها " علامت جمع است !) هم معلوم است اشاره به کجاها است ؛ شما فکر کردید کجا را می گویم ؟ آغازگر بحث ، همان کسی بود که گفت به کسی که جواب سلام نمی دهد ، سلام نخواهم کرد چون کسی ، از فعالین آذربایجانی را نام نبرده است . وگرنه من قصد آبرو داری حضرات را داشتم که تا امروز ، ذکری از آنها نکردم !
نوشته های استاد ، پر از غلط غلوط است ! من باب حسن نیت هم (و نیز آبروداری !) ، فقط یکی را ذکر کردم . هر که خواست ، اطلاعات آن چنانی آقای پورپیرار را به مزایده می فروشم ! البته به کسانی که فرق هک را با طراحی بدانند ، خصوصا باعنایت به password داشتن !
بر مبنای این وبلاگ و بنیان اندیشی ای که ما آموخته ایم ، اگر چه خود حقیر هم در ابتدا ، با تمنیات قومی پیوستم ، لیکن این را فهمیده ام که قومیت ، بسیار پیش پا افتاده ، کم اهمیت و حداکثر مطلبی درجه سه است . به قول استادی دیگر :
" مجتبی غفوری هستم.قبل از اینکه کشوری قومی, قبیله ای, نژادی یا زبانی داشته باشم فقط و فقط یک مسلمانم ."
mojijimi.blogfa.com
امیدوارم از این نقل قول ، نترسیده باشید ! در کنار آن ، این را هم از آقای پورپیرار داشته باشید تا عاقلان ، بدانند که زیر آبی باقی نخواهد ماند ؛ فقط صبر لازم است ! :
"علی رغم گمان های گوناگون کنونی، هیچ هویتی در شرق میانه جز اصالت اسلامی، منطق تاریخی و واقعیت مادی و استمرار دورانی ندارد. "
موضوع ، فاکتوری است که موجب این همه عداوت و اجحاف است . هنوز ابهت بنای ناتمام تخت جمشید ، از رسانه ها بیرون ریخته می شود که صد رحمت به طویله دارای پایان کار ! پس ادعاهای قومی و رسیدن به آنها سهل است زیرا در بیرون این مدار است و آسیبی متوجه یهود نیست و به همین جهت ، احتمالا تازه واردی غریب هستید ناآشنا با مقصد که نه ادعاهای قومی ، بلکه اخراج اباطیل از فرهنگ بشری است و در این میان ، امورات اقوام ، شاید بتواند ارزش قطره ای از دریا را داشته باشد .

نویسنده: م.ستاره

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 22:22

5

اگر روزی رسانه ها و آموزش و پروش و مکاتبات اداری ، ترکی شد اما به قرینه ی امروز هنوز با تختگاه هیچ کس تعیین تکلیف نشده بود ؛ پس همانا آن قوم را از این سوی سنگ لایتحرک قومیت ، برداشته اند و در آن سوی دیگری نهاده اند که به جای زبان فارسی ، به زبان خودش ، به اسلام و عرب و قرآن و دیگر اقوام ، توهین روا می دارد و آن گاه ، مثلا شاهد تفسیر ابوبکر عتیق تبریزی بر قرآن خواهیم بود و فحاشی ها به عرب و اسکندر و احتمالا مغول ، به ترکی " ترجمه " خواهد شد و فحاشان باکو و استانبول ، چند صد کیلومتری نزدیک تر مستقر خواهند شد و چون مثلا به حقوق قومی رسیده ایم ، پس حرف زدن از پوریم و غیره ، نوعی ارتجاع و جاسوسی و شوونیزم فارسی تلقی خواهد شد و همین جوانان بی نام و نشان آذربایجان هم ، منکوب خواهند شد تا فرمان سکوت شورای جهانی یهود ، گسترده تر اطاعت شود . به عبارتی ، همه دروغ ها ، صرفا به ترکی ترجمه می شود و اتفاق خاصی نمی افتد . آیا غیر از این است ؟ چرا شاید یک اتفاق دیگر هم بیفتد: بنیان اندیش را مفسد فی الارض بدانند.
از نظر من ، لااقل در حال حاضر ، درخواست های قومی ، معادل فحاشی در دیگر وبلاگ هاست ؛ آنها همه یهودی اند و هرگز حقیقت را نخواهند پذیرفت چندانکه فیلم را رد کرده اند و درخواست های قومی ، از این حکومتی که همان سنگ های نیمه تراش را رها نمی کند، فیلم را تایید و رد نمی کند و فقط مجری دستور سکوت است به چه معناست ؟! آنان به حقوق چشم های خود بی اعتنایند و این حقوق قومی طلبان به استدلال کاری ندارند ؟! دلم می خواهد یک لحظه گمان کنم که این مستند را آقایان هویت طلبان ساخته بودند، تا حالا هزار بار برنامه ی رابینسون خانه فروش را درباره ی مستندشان تکرار کرده بودند. هیهات هیهات لما توعدون !

نویسنده: م.ستاره

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 22:22

6

تا کی می خواهید به دنبال پستانک های ساخت جهود روان باشید و در پی این نیستید که چه کسانی ، انواعی از این سنگ ها را در پیش پای اقوام عدیده این اقلیم و سایر مناطق تمدن انداخته اند ؟ چرا کار فرهنگی عظیم و جهاد قرآنی را رها کرده اید و این همه به این آب نبات زبان مادری چسبیده اید ؟! چرا در پی آن سنگ انداز نیستید که کار ، به یکباره و برای همیشه و سراسر جهان ، تمام شود ؟ یک بار دیگر بپرسم که مگر مستند تختگاه هیچ کس با حقوق قومی آذربایجان مربوط نیست؟ پس معنای سکوت و فحاشی به آن جز اجرای دستور ارباب اورشلیمی است؟

آیا یک بار در خلوت ، با خود فکر کرده اید که وقتی قوم فارس وجود ندارد ، پس این زبان را چه کسانی و چه گونه حتی به فارس ها تحمیل کرده اند؟ مشکل شما چیست؟ توان ورود به دیالوگ های بنیان شناسانه را ندارید و یا دستور سرگرم کردن را دریافت کرده اید؟ در هر دو صورت دوستان آراز بیلگین، خداوند روزی تان را جای دیگری حواله کند.
چه ضرورتی باعث خلق شاهنامه و فردوسی و حافظ و مولوی شد ؟ چه کسانی این بت ها را چیدند ؟ آیا می خواهید جوان فارسی دان آذربایجانی ، در کتاب های درسی خود ، حسرت داشتن شاعری نظیر سعدی و گلستان را بکشد ؟ چرا نمی خواهید به او بگویید که این افراد ، ماهیتا جعل زیرزمین های اورشلیم است ؟
چرا وارد اصل مطلب نمی شوید ؟ چرا از خود نمی پرسید این منافرت های قومی ، از چه زمانی و با چه انگیزه ای و با چه مکانیسم و هدفی ، تولید و ترویج شد ؟ چرا دائما نق می رنید؟ آیا مگر پورپیرار نبود که شما را از ویلای خراب شده ی بابک بیرون کشید و ماجرا را لو داد؟ آیا ایشان به شما هشدار نداد که پرچم یک مترسک در اصل ضد اسلام را به دست گرفته اید و جماعتی از شما او را مامور آخوندها معرفی کردید و خط و نشان کشیدید و ایشان همچنان از نیاز به بنیان اندیشی گفتند و هنوز هم می گویند. آیا فراموش کرده ایم که کجا بودیم؟ جایی که سر دمداران هویت طلبی شب ها بدون فال گرفتن از حافظ به رختخواب نمی رفتند!!!

نویسنده: م.ستاره

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 22:23

7

آقا رضای عزیز ! اتفاقا ما هم دنبال همین هستیم که اول از همه ، سنگ انداز اصلی را کنار بزنیم که همانا رشته های نامرئی یهود بافته است . آن گاه خواهید دید که دیگر مسئله ای نخواهد بود که دنبال راه حل باشید . مثلا آیا ترک ها حاضر اند دست از این توله گرگ خاکستری خود بردارند که آیا انسان ، جایز است یک حیوان را نماد خود و خانواده و نسل و آبا و اجداد خود قرار دهد ؟! آیا این ، از بت پرستی هم دون تر نیست که نمادی انسانی را برگزیده اند ؟! لطفا از این قصه ها تعریف نکنید که این گرگ ، معجزه می کرد و خدا ، وجود ندارد یا کاره ای نیست که شرک ، از کفر هم بد تر است ! چرا اسلام ، هیچ نمادی ندارد الا کلمه جلاله تبارک و تعالی ؟ فرق بوز قورد و صلیب و ستاره داوود و غیره چیست ؟ چرا اجازه می دهید این مشرکین ، برای شما مسلمانان ، نماد بسازند ، آن هم حیوان ، از هر نوع ؟!
امتزاج بنیان اندیشی با قوم ستایی جاهلانه ، توسط عده ای که به زبان ترکی مسلط اند ، به دلیل بحر را در کوزه ریختن و در خورجین داشتن که گهگاه جرعه ای بالا روند ، مورد اعتراض حتی اهالی همان قوم خواهد شد و اتفاقا وظیفه همان هاست که جلوی این کار را بگیرند و از انگ فارس شوونیست و ترک آسیمیله شده نهراسند چرا که همه مردم زبان دارند و می توانند حرف بزنند یا وکیلی صالح برگزینند .

نویسنده: م.ستاره

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 22:24

8

برای یهود ترک و غیر ترک و مسلمان و مسیحی و بودایی و غیره ندارد. از دید او همگی لایق دوشیده شدن و به خواب و خیال فرو رفتنیم. راستی عقیده دارید که جنگ با این فساد کنندگان بر زمین می تواند موکول به امکان گفت و گو به زبان مادری شود در حالی که مزاحم همین استفاده از زبان مادری نیز یهودیان اند و نوکرهای شان. آنگاه عده ای علامه را می بینیم که درد شان ، نه نابودی مرکز فرهنگ و تمدن بشر ، نه کشتار دانایی در گهواره ی شرق میانه، و نه حتی جعل و تزویر آشکار مدعیان حفاظت از علم در دانشگاه های بزرگ غرب، بلکه فقط و فقط تکلم و نگارش به زبان مادری است و بس !!!
دنبال دروغگویان نیستند و دلیل کذابیات شان را نمی جویند و از خواهندگان حقایق ملی و جهانی در این وبلاگ ، می خواهند که هنوز یوغ جهود را از گرده باز نکرده و تکلیف پوریم، که موجب بی آبرویی و انزوای یهود خواهد شد، معلوم نشده، ترکی حرف بزنند !
این فقط یک نمونه ساده بود . معادل آن شمشیر بران عرب دختر کش است و از این لوس بازی های جهودانه ، اداهایی که برای هر یک از ما در صحنه ی دیگری در می آورند و ما در حال خواندن حافظ برای شان کف می زنیم حتی اکنون که گریبان شان را برای پاسخ به آن قتل عام و این خدعه در تالیف تاریخ و فرهنگ مان به چنگ داریم!
جناب مهدی م. عزیز ! ما نگفتیم ملت آذربایجان هیچ کاری نمی کند . هدف ، عدم مصادره همان فعالیت ها به نام عده ای خاص است که من نسل دوم رهبران آذربایجان ، اما کاملا در اختیار یهود ، می نامم . آن هفته نامه را هم ، اتفاقا آن موقع که به این مسایل پرداخت ، نشان ام دادند . اما چند نشریه دیگر را نام ببرم که همین بلا بر سر شان آمده است که بعضا فقط به قصد بیان پوریم بوده و در همان شماره اول ، تعطیل شده اند ؟ اصلا بگذارید از شبکه ماهواره ای گمنامی به نام " آنا یوردوم " نام ببرم که بعد از مصاحبه با آقای پورپیرار ، تخته شد ! البته هفته ای یک ساعت بود از شبکه nahrain bet (امیدوارم درست نوشته باشم) و 175 ساعت دیگر هفته ، به زبان آشوری بود . اگر او به این مطالب نمی پرداخت ، تا ابد هم حق پخش برنامه داشت و کار به همین یک نمونه ختم نمی شود. آیا این نشانه ها به ما نمی گوید که نقطه ی ضعف حریف در کجاست و وظیفه ی نخست ما چیست؟

نویسنده: م.ستاره

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 22:24

9

برادر گرانقدر ! به قدر یک وبلاگ هم به ما تریبون نمی دهند چه رسد به نشریه با زبان مادری. چاره کار ، تنها بیان رو در رو است مادامی که زبان را هم در دهان زیاده ندیده اند ! دکتر هیئت سرور ماست اما حالا دیگر زمان دیگری است و کشتیبان را سیاست دیگری باید. اینک انتظارات متفاوت شده است. آیا موافقید با در نظر داشتن نوید آذربایجان ، تکلم و نگارش و گفت و گو و هر اقدام ترک زبانانه نظیر دانشگاه های 100% ترکی ، نه فقط ممکن ، بل مجاز است فقط به این دلیل که منافع یهود ، به خطر نیفتد و آیا در دانشگاه کاملا ترکی ، در صورتی که یهودیان از قدرت کنار نروند ، کتاب های اسلام و شمشیر و دوازده قرن سکوت تدریس خواهد شد یا تاریخ و تفسیر طبری ؟! حتی اگر به منافع غلیظ ترکان می اندشید و طهارت را شرط می دانید ، لزوما و اجبارا و بدون هیچ گزینه دیگری ، نیاز دارید که قبل از هر فکر و اقدام و نظر و تلاشی ، برای بریدن دست و پای یهود بکوشید اما اگر ترکی آلوده به یهود را می خواهید ، این دیگر با خودتان است .
دوستان ! مشغول مبارزه با چه هستید ؛ زدودن دروغ و باز کردن اغلال از دست و پای انسان ، یا ترکی شدن اینجا و آنجا ، اما همچنان آلوده به یهود ؟
یکبار برای همیشه ، تصمیم بگیرید و مصمم باشید !
http://en.wikipedia.org/wiki/Image:Fig5Ishjamts_p166R2.gif
آیا ستاره داوود را می بینید ؟ این عکس را از اینجا برداشته ام که جناب قدرت ، زحمت ارسال را کشیده اند :
http://en.wikipedia.org/wiki/Old_Turkic_script
بله ! این همان آدرس قدیمی است در مورد ترکان آرخون ! در پاراگراف variants ، می بینید که عکس میانی ، کاراکتر های پیش و پس از میلاد را نمایش می دهد که یکی هم ستاره داوود است ! زیر آن مطلب لینک کتابی که جدول از آن برداشته شده است را می بینید . در google (و نه خود ویکی پدیا) هم عبارت isbn:9231028464 را بزنید تا کتاب مشترکی که اعتمادی و یک غیر ایرانی ، در 14 سال پیش نوشته است را ببینید که این جدول را از آنجا برداشته اند !

نویسنده: م.ستاره

پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 22:25

10
متوجه می شوید که دارند دور خودتان می چرخانند تان ؟!! از 14 سال پیش ، یک جدول برای تان ساخته اند که حرف هجدهم آن ، ستاره داوود است ! الله اکبر ! همه این حرف ها ، خصوصا در ویکی پدیا ، مفت هم نمی ارزد ! اما شما را به هیجانات قومی تشویق می کند ! به این ترتیب ، اگر سر رشته را بگیرید ، می بینید که فقط یهود است که حق انحصاری خندیدن به ریش ما را دارد!
حالا یکبار دیگر ، شماره 160 را در ذهن مرور کنید ! ما همه نو تولدیم و این سقل سفید را با چسب به صورتمان چسبانده اند تا برای آن ها نمایش خون یکدیگر ریختن را اجرا کنیم. افلا...؟
نمی دانم آیا کسی به این موضوع اندیشیده است که چرا به چیزی ، عتیقه می گوییم ؟ چون گویای حرفی از دوران باستان است . کمی خام و احساساتی است ولی شاید ما ناخواسته ، در اثر پوریم ، به دنبال هر شی زیر خاکی هستیم که از پدران خویش ، آموخته ایم که چیزی بوده است که نابود شده است و بی اندیشه از نابودگر ، به دنبال آن هستی قدیم هستیم و اگر انقطاعی نبود ، نباید که کاوشی هم می بود !
به سان جهودان که وعده های کشکی تمام version های تورات را جدی گرفته اند ، من هم تمام وعده های کتاب مقدس ام را جدی می گیرم :
قل : استهزئوا ؟؟!!
والسلام

نویسنده: میثم

جمعه 21 تیر1387 ساعت: 2:3

جناب ----------------- یه مطلب رو جا انداختم. مسیر کوچ ما خیلی طولانی بوده حتی برای اینکه بتونیم دام های بهتر و پروارتری داشته باشیم اونها رو به چین در بعضی اوقات به سیبری گاهی به آسیای مرکزی هر از گاهی به بلغارستان برای تنوع به فنلاند و مجارستان البته استپ های شمال و شمال شرق ایران همینطور به طور مداوم به تبت و هیمالیا-تامیل کره ژاپن ولی هیچ جا به اندازه دشت های روسیه مناسب نبوده البته ما بطور مداوم به آمریکا سفر می کردیم شاید بگید مثلا در 2500 سال پیش شما چه جوری به آمریکا می رفتید ؟!!!باید عرض کنم البته اون موقع ما به اونجا آمریکا نمی گفتیم اونموقع آمریکا بخشی از ترکستان بود!!!ولی در 2500 سال پیش ما با کشتی های خشایار شاه به اونجا می رفتیم- اینو جناب سهند می تونن شهادت بدن- بالاخره وقتی خشایار شاه 6 میلیون سرباز رو به یونان می بره لابد چند تا کشتی اضافه هم به ما قرض می داده تا باهاش به امریکا بریم !!!!!!!!

کاش ما چند تا کره زمین داشتیم تا بین آریایی ها و ما ترک ها تقسیمش می کردیم . آخه همینی که ما میگیم اونا هم ادعا می کنن . راستی من تا حالا ندیدم کسی آفریقا رو طلب کار باشه بهتره یکی زود تر دست بکار شه!!!!!

نویسنده: قاراداغلی

جمعه 21 تیر1387 ساعت: 3:29

جناب آقای بی نام
از اینکه قرار شما را با آقای سهند بهم زدم پوزش می طلبم . برادر بنیان اندیش ، باور کنید دست خودم نبود ، جایزه بقدری اغوا کننده بود که ناخودآگاه و «پاپتی» به وسط میدان پریدم و وقتی به خود آمدم دیگر راه بازگشت نمانده بود !!!
جهت مزید استحضار حضرتعالی عرض می کنم که بنده «قاراداغلی»(منسوب به ولایت قاراداغ) هستم نه «آق قارداغلی» ، و از اصلیت جناب سهند اطلاعی ندارم . اما باوجود اینکه اگر بنده و آقای سهند باهم روبرو شویم همدیگر را نخواهیم شناخت ، وجود درد مشترک که همانا «حقوق ملی» باشد ، مارا آنچنان شبیه هم ساخته است که موجب گمراهی بعضی!ها میشود .
بنده تا آنجاییکه خود میدانم نسبت به هیچ فرد و تشکل متعلق به ملل تحت ستم ندارم و بنابر این هدفم ، صرفاً اشاره بسیار مختصر ، به سطری از تاریخ «معاصر» منطقه شمالغرب ایران کنونی و درد مشترک دیرینه دو ملت «ترک» و «کرد» بود و بس !
حال شما اگر برحسب خصوصیت شخصیتی خود به «تاویل» آن پرداخته اید ، هیچ ربطی به بنده و «همسنگی» یا عدم «همسنگی» مرحومین پیشه وری و قاضی محمد ندارد . آن دو شخصیت در حالت فردی خصوصیتی داشته اند و بعنوان نماینده دو ملت ، خصوصیت دیگر . ممکن است یکی شجاع باشد و دیگری ترسو ، یکی پهلوان باشد و آن دیگر نحیف و لاغر و ... . در عرف سیاسی ، رهبران همه ملتها با یکدیگر «همسنگ» هستند . همچنانکه مشاهده می فرمایید ، مبادله پیامها و عقد قراردادهای بین کشورهای کوچک و بزرگ ، توسط روسای آن کشورها صورت می گیرد . یعنی من غیر مستقیم به «برابر حقوقی» ملتها (ولو بظاهر) تاکید میشود و هیچ ربطی به «همسنگی» آن شخصیتها ندارد . امیدوارم متوجه منظور حقیر شده باشید .

نویسنده: قاراداغلی

جمعه 21 تیر1387 ساعت: 3:29

برادر مسلمان ، بنده نه تنها «زود کشف حجاب» نفرموده ام ، بلکه اصلاً کشف حجاب نفرموده ام ، چرا که مذکر هستم و حجاب خاصی نداشته ام که کشف بفرمایم!!! شما فرض کنید «حقوق ملی» ما بوسیله همان «فدرالیسم غلیظ» تامین میشود ، ایرادی دارد ؟ جرم است ؟ ربطی به اورشلیم دارد ؟
علت اینکه «دست پیش» گرفته ام و خواهش کرده ام مرا «یهودی» و آنوسی» و ... نخوانی ، تعجیل همیشگی شما در نصب این برچسب هاست که خواستم موجب معصیت شما نشده باشم . اگر ایرادی داشته ، مجدداً پوزش می طلبم .
در خاتمه کلام یادآوری میکنم که اگر ترک ها هیچ رهبر قابل قبولی در اعصار و قرون گذشته نداشته باشند ، اگر زیستگاه اولیه آنها نامعلوم باشد ، خط و کتابتی نداشته باشند ، تا همین دیروز در «غار» زیسته باشند ، تعدادشان اندک یا کثیر باشد و ... ، هیچ تاثیر مثبت یا منفی در حق انسانی و خدادادی برخورداری از حق تعیین سرنوشت و حفاظت از فرهنگ (حتی جنگلی) و زبان مادری آنها ندارد . بنابر این از مدافعان حق ملی ترک ها انتظار دارم بیهوده وقت خود را برای این قبیل استدلال ها هدر ندهند ، و به عرض مخالفان «حق ملی» ملل غیرفارس نیز می رسانم که راه حل بهتری برای استمرار سیادت «پارس» و تحمیل موجه تر زبان شیرین «پارسی» بیابند . از برادران بنیان اندیش نیز تقاضا دارم بجای تخطئه شخصیتهای ملی ملل تحت ستم ایران ، به تعارض یا توافق بنیان اندیشی با «حقوق ملی» بپردازند ، تا شاید راه فرجی برای ما «گمراهان» پیدا شود !

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 21 تیر1387 ساعت: 7:24

آقای منوچیم. دیالوگ جاری حتی با همین زبان رو به اصلاح سازنده و مثبت است. اجازه دهیم فرهنگ های اشخاص بدون مانع بروز کند و دوغ و دوشاب از هم جدا شود. کوشش برای توسل به منطق و افزودن بر قطر پایه های کلام و بلوغ در ادای منظور کاملا و دائما افزون تر می شود. به روانی گفتار آقای ستاره توجه کنید!

نویسنده: سهند

جمعه 21 تیر1387 ساعت: 8:3

می خواستماول پاسخ سرباز اسلام و میثم را بدهم ولی از آنجائیکه پیام های دکتر ستاره داود مانند سوهانی به اعصابم کشیده می شود خواستم جواب ایشان را اول داده باشم. جناب دکتر ستاره(چه اسم شیکی) تورک های به آنهاییکه زیادی حرف های هاداران پاداران بی معنی میزند می گویند که" سوزلری اینجیرین چکیرده سینی ده دولدولماز" یعنی" حرف هایش حتی هسته انجیر--- که خیلی ریزه--- را هم پر نمی کند. ترا بخدا بجای اینهمه چرت و پرت و متلک پرانی به ماها چند تا

فحش ابدار بده که لااقل نشان بده که انسانی و رگی داری و توهین هایت بخاطر اینه که مثلا فهمیده نمی شوی و یا بهت توهین شده که حق هر انسانی است که بر اشفته بشه .

خیلی عجیبه: من همزاد شما که خوشبختانه یه خانم جوان ایرانی ساکن کانادا است را پیدا کرده ام که دقیقا مانند شما می نویسند یعنی اگر هم ده ساعت حرف بزنند و کسی سرا پا گوش باشه بعدا نمی تونه حتی از یه جمله اش استفاده کنه. اسم ایشان خانم نازلی کاموری است که با نام سیبل طلا در آدرس زیر می نویسد. باهاش تماس بگیر و اگر از همدیگر خوشتان آمد مراسم عروسی و غیر ه اش با من. فقط شلاق ام بزنی هم مسله نیست ولی تو را به هر چیزی که باور داری بعدا نگو که من سایت ایشان را می خوانم مانند همین پیام اخیرت که مرا دوست اقای بجانی خطاب کرده ای که هر کسی که کور نباشه می داند که من نه در اینجا و نه در جاهای دیگر اصلا اسمی از اقای بجانی نیاورده ام. آدم از ترس مارهای مسلمانی مانند شما که مولوکولی از اسلامیت در اندامشان وجود ندارد مجبور است که به اژدهای یهود پناه ببرد.
/http://sibiltala.blogspot.com

افراط گویی می کنم که نفرت ام از ریاکاران را به گوش ات برسانم

نویسنده: حسام الاحوازی

جمعه 21 تیر1387 ساعت: 8:26

سلام استاد
چند تا عکس قدیمی از داخل مسجد قبه الصخره در قدس اوردم .
به معماری اصیل عربی اون توجه کنید...
ولی یه چیز مشکوکه ! هر چی هست ساخت ساخت این مسجد خیلی قدیمی تر از دوران صفویست . ولی چرا اونجا از کاشی کاری استفاده شده ؟
نمیدونم شاید هم کاشی کاری نباشه ! و شبیه کاشی کاری باشه .
http://i37.tinypic.com/2jdrspg.jpg
http://i38.tinypic.com/2wd6mur.jpg

نویسنده: سهند

جمعه 21 تیر1387 ساعت: 8:48

اقای سرباز اسلام: من هیچ وقت مرزهای علوم فیزیکی و طبیعیبا دین را قاطی نکرده ام و هیچ کجا علوم را بر تر از دین ندانسته ام. علوم و دین هر دو مکمل یکدیگر هستند و بعد از انقلاب علم کوانتوم فیزیک مخصوصا با اصل عدم قاطعیت فیزیکدان برجسته آلمانی ورنر هایزنبرگ و قضایای ناتمامیت ریاضی و منطق دان نابغه ای به نان کرت گودل دیگر دانشمندان مانند سابق ادعا های زیادی برای علوم قائل نیستند و هر روز از تعداد دانشمندان پوزینیویستی که در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم اکثریت را داشتند کاسته می شه. اما باید خاطر نشان کنم که اگر دندان درد بگیرید شما به دندانپزشک مراجعه می کنید و نه به حوزه علمیه قم.

اقای بی نام: اسناد فرقه دموکرات اذربایجان هر روزه بیشتر و بیشتر دز اختیار مردم قرار می گیره و همه این اسناد نشان از این داره که پیشه وری رهبری بوده مستقل که این استقلالش باعث شد که جانش را فدای ایده های انسانی اش کند. حتما که از اختلاف ایشان با باقر اف دبیر حزب کمونیست اذربایجان آگاهید که در جلسه ای باقر اف بهش میگه که علت شکست شما این بوده که مسئله جنوب را با شمال یکی نکردید که پیشه وری هم جواب میده که برعکس ما نی بایستی بیشتر به داخل ایران توجه می کردیم که باقراغ بهش توهین کرده و میگه که: اوتور کیشی." یعنی به شین مرد که همان به معنی به تمرک است.---- نقل از حافظه---

نویسنده: سهند

جمعه 21 تیر1387 ساعت: 8:48

تا آنجائیکه من میدانم بجز افرادی که طرفدار غرب بوده و از سیستم شوروی انتقاد می کردند اکثر روشنفکران و متفکران عدالت خواه و مبارزین آندوره هر کدام به طرزی و در دوره هایی به مدح استالین پرداخته بودند بجز دو تورک: یکی ناظم حکمت سالها در شوروی زیست و در مقایسه بادیگران از رفاه و اسایش نسبی هم بر خوردار بود ولی نه تنها حتی یه سطر شعر هم در مدح استالین نسرود بلکه که غیر مستقیم بهش انتقاد می کرد --- مقایسه کنید با مداحی لاهوتی و یا آراگون شاعر فرانسوی و دیگران و دیگری پیشه وری بود که هیجوقت زیر فشار استالین نرفت و حتما که میدانید فرقه دموکرات وزارت خارجه و وزیر امور خارجه نداشت که بخواهد اعلام استقلال کند. لطفا به آنهمه " اگر" هایش دقت کنید که همه اش اخطار به دیکتاتور و ظالم است. پیشه وری هیجوقت خواهان تجزیه اذربایجان نبوده. در این مورد من مدارکی دارم که اگر خواستید آدرس شان در انترتن را برایتان پیدا می کنم

نویسنده: آیدین یاشار

جمعه 21 تیر1387 ساعت: 12:2

جناب استاد
من فقط قصد تاکید این نکته را داشتم که اگر در حجاز شرائط جغرافیائی طوری بوده است که ساختن تاسیسات اولیه را ایجاب نمیکرده است، شکل گیری زبان بدان پیچیدگی و الفبای نیمه بالغ آن برای پاسخگوئی به کدام نیاز اجتماعی بوده است؟ و اگر این معجزه در حجاز ممکن شده است، یقینا در جغرافیای ترکان بهتر از آن ممکن میبود. پس ما نباید وجود خط باستانی ترکان را با این مستمسک رد کنیم.
مطلب دیگر اینکه اکثر کامنت گذاران در رابطه با خط باستانی ترکی، آشنائی چندانی با آن خط ندارند ولذا نمیتوانند نه در قبول نه در رد آن چیزی بنویسند. برای کسی که توانائی خواندن آن خط را دارد (که با تسلط بر زبان ترکی و کمی زحمت ممکن است)، شبهه در ترکی بودن آن نوشته ها وجود ندارد. این که بخواهیم با نیروی تخیل از آن نوشته ها یک متن ترکی دربیاوریم، به آن میماند که یک متن انگلیسی را طوری بخوانیم که آن متن و همه متون دیگر انگلیسی فرانسه از آب دربیاید!
ضمنا به نظر من کتاب "یادمانهای ترکی باستان" اثر دکتر صدیق ضمن داشتن اطلاعات بنیادی ارزش علمی چندانی ندارد و مملو از عظمت تراشی بیمورد است. یکی از مراجع خوب کتاب "اسکی تورک یازیتلاری" اثر حسین نامیق اورخون است که البته به ترکی است. منابع اینترنتی هم فراوان است. با تشکر

نویسنده: بی نام

جمعه 21 تیر1387 ساعت: 12:35

جناب قارداغلی
شما بنده رابه طریق غیر معمول "جناب مستطاب اجل(اکرم)"خطاب کردید که بسیار مطول ومطنطن بود وبنده هم برای اینکه بگویم حتی در خطاب مثل شما نیستم بسیار مصغر ومحدد اق(اقا)خطابت کردم نگران نباش فقط تصغیرت کردم.
میدانی جناب قارداغلی مشکل اساسی تو ,توهم درد نیست مشکلت جهل است چون با عینک اونطرفیها به مسائل نگاه می کنی از تمام این اندیشه زیبا فقط کلمات مخم ومخم و مخالفم با فارسها از درون اون عینک قابل عبوره اقا والله هیچ چیز به اندازه این برای بنده تعجب اور نیست که بعد از این همه حضور در این وبلاگ باز هم عنوان می کنی:"شما فرض کنید «حقوق ملی» ما بوسیله همان «فدرالیسم غلیظ» تامین میشود ، ایرادی دارد ؟ جرم است ؟ ربطی به اورشلیم دارد ؟"
به صراحت بگویم بله ان احقاق حقی را که تو از ان دم می زنی (نوع پیشه وری)
بله هم ایراد دارد ,هم جرم است وهم مربوط به اورشلیم است وهم.....
جناب اق قارداغلی تکلیف خودت راحد اقل با خودت روشن کن, یا با خودی یا باخدا یا اعتقاد به دین عصری(تلقینات اقتضایی) داری یا عصر دینی"والعصر إن الإنسان لفي خسر إلا الذين آمنوا وعملوا الصالحات وتواصوا بالحق وتواصوا بالصبر"
اخه پسر جان اینکه نمی شود هم بنیان اندیش باشی و شاگرد این مکتب هم بر طبل تفرد وتفوق بکوبی بابا این جمع اضداد است, چرا متوجه نیستی؟اقا مگر کسی به تو گفته از ترک بودن استعفا بده؟که راه حل را در استعفای دست جمعی اتراک از جامعه اسلامی می دانی؟چرا فکر می کنی حفظ هویت فقط با جدا سازی واحیانا" اتصال به غیر ممکن است؟جناب اندیشه ات مریض است.درد در نوع تفکرت است .محل درد را گم کرده ای.تشخیص ات اشتباه است.

من نمی دانم در این کلمه کشف حجاب چه سری است که تا اسمش را می بریم بعضی ها به فکر جنس مونث می افتند البته این رابرای تو نمی گویم چون تو بعد از این همه مدت هنوز نتوانستی مفاهیم روان و شیرین این وبلاگ راکه برای بالا نرفتن سریع قند خونت به صورت قطره ای تجویز شده بودرا بفهمی این را برای کسانی گفتم که درک متعالی تری دارند, به قصد مزاح وتفرج خاطر ولبخندی.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 21 تیر1387 ساعت: 12:50

آقای امیر گشتاسب. نمی دانم در این «انجمن فرزندان وطن» به طور معمول چه قرصی مصرف می کنید، اما گویا در آخرین مصرف زیاده روی کرده و جمیعا اسهال گرفته اید. قبل از شما هم انجمن های دیگری به همین درد دچار بودند که خبردار شدم با مراجعه به پزشکی در شهر قزوین کاملا بهبود یافته اند.

آقای آیدین یاشار. منشاء فرهنگ مخفی مانده در اعماق صحرا را پیش از این در فصل «آکادمی» در کتاب سوم «پلی بر گذشته» آورده ام، مطالعه بفرمایید. گمانم در «عظمت تراشی بی مورد» با صدیق همکاری می کنید. خط و زبان عرب افتخار و استعداد بیان قرآن را کسب کرد، ممکن است از سرنوشت خط ارخون بگویید؟!

آقای سهند. تفسیر شما بر ماجرا و شخص پیشه وری مرا به یاد عتیق نیشابوری انداخت. زمان زیادی از پایان عمر چنین تغسیل های سیاسی می گذرد.

آقای حسام الاحوازی. در آن تصاویر نشانی از کاربرد کاشی نبود.

نویسنده: --------------------

جمعه 21 تیر1387 ساعت: 12:54

جناب میثم

نا امیدم کردی علیرعم اینکه من وتو وادموندو به نامی برای شناخت هم احتیاج نداریم ولی باید بگویم علیرغم علاقه ام به تو بسیار از تو گله دارم . نه!!! از دست تو خشمکینم بابا تو که همه عالم را قوم قبیله ناصر کردی خوت باید یه طور مسئله منو حل کنی و یه نژاد خارجی برام جور کنی اخه می دونی ادم احساس گندگی می کنه مالک دنیا می شه واعتماد به نفس پیدا می کنه تازه باید یه فکری هم برای استاد کنیم . البته اگه تو همه را به ناصر نمی بخشیدی خیلی اسون می شد جفتو جورش کرد.

نویسنده: سرباز

جمعه 21 تیر1387 ساعت: 13:51

جناب سهند

اولا" نام من "سرباز" است. "سرباز اسلام" نام شخص دیگری است.

ثانیا" انتقاد من از استفاده ی ابزاری شما از ژستهای آکادمیک در مجادلات زبان و فرهنگ بود، نه در طرفداری شما از ماتریالیسم.

انصاف می دهید که مطالب را به درستی نمی خوانید؟!

نویسنده: میثم

جمعه 21 تیر1387 ساعت: 14:38

"می خواستماول پاسخ سرباز اسلام و میثم را بدهم ولی از آنجائیکه پیام های دکتر ستاره داود مانند سوهانی به اعصابم کشیده می شود خواستم جواب!!!!!!!!! ایشان را اول داده باشم."

سهند کتابخان رصد کننده تو به این چیزایی که تعریف کردی جواب می گی!!!! اندازه همون مغز انجیرم کشش درک مطلب رو نداری!!!! در ضمن فحش دادن کار شماست اتفاقا خوب توی این رشته استادید !!!

جناب --------------------- بنده خیلی ارادت مندم و حسابی شرمنده شدم می خواستم بگم از انتهای شمال شرق کشور تا تهران برای شما منتهی یکی از دوستان وبلاگی قبلا گفته بود چون در تهران ترک زیاده آذربایجان تا تهران ادامه دارد یعنی تا تهران، لااقل در حوزه ی سوپر مارکت ها و بقالی های آن در محدوده ترک هاست !!!

نویسنده: نسرین

جمعه 21 تیر1387 ساعت: 16:21

سلام آقای پورپیرار
آیا شاعران فارسی زبانی که لقب حکیم داشته اند مثل ابوالقاسم فردوسی و عمر خیام در حقیقت خاخام های یهودی بوده اند؟

مولوی بلخی رومی یهودی یا آنوسی!

مولوی دردیوان شمس داستانهای پیامبران را با توجه به روایات یهودیان بازگو میکند:

**شهرت میهمان نوازي ابراهيم در تورا آمده است، مولوي ميگويد:
گه چو روح الله طبيبي مي شود
گه خليلش ميزباني مي كند.

**مسلمانان معتقدند که حضرت ابراهیم مامورقربانی کردن فرزندش اسماعیل بوده است و یهودیان معتقدند مامور قربانی کردن فرزندش اسحاق بوده است:

«اسحق قرباني است اين!» و «اسحاق شو در بحر ما، خاموش و در بحر ما»

**حضرت موسي(موشه)پيامبري است كه براساس روايات يهودی به جاي دست بردن در طشت زر، آتش را بر مي دارد و به دهان مي برد و از اين رو الكن مي شود.
هست دو طشت در يكي آتش وآن دگر زر
آتش اختيار كن، دست در آن ميانه كن
شو چو كليم هين نظر تا نكني به طشت زر
آتش گير در دهان، لبِ وطن زبانه كن
و...

**جامعه يهودي بلخ در كتابي كه توسط يك جغرافيدان عرب در سال 846 بعد از ميلاد نوشته شده، ذكر شده است. در اين كتاب او به كساني اشاره مي‌كند كه خودشان را يهوديان خزر Khazars يا Karaites مي‌ناميدند.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 21 تیر1387 ساعت: 16:36

خانم نسرین. ظهور یک جغرافی دان عرب، در ابتدای قرن سوم هجری، همان قدر ناممکن است که پیدایی مورخی یونانی به نام هرودوت در یونان پیش از مسیح! چنان که جای تردیدی در این باره نیست که تمام گنجینه ی ادبیات فارسی را خاخام ها و کشیشان در دوران پس از صفویه ساخته اند. کسی ثابت کرده بود که سراینده ی دیوان حافظ یک مسیحی بوده، چنان که می توان به سهولت دلایل یهودی بودن مولانا را از درون دیوان اش بیرون کشید. اما مناسب تر این که ابتدا به اوضاع زبان فارسی برسیم.

نویسنده: النّاس

جمعه 21 تیر1387 ساعت: 17:12

دعوت به قرائت مقاله

نظر مدیریت محترم وبلاگ و کلیۀ خوانندگان محترم را به قرائت مقالۀ مطول " " تقابل « پامنبری ها » با « بالامنبری ها » ، تحلیلی بر افشاگری های دکتر عباس پالیزدار " " جلب می نمایم .

لازم به ذکر است این مقالۀ ، شاید اولین تحلیل " " سیاسی " " بر وقایع حال حاضر کشور باشد که از دریچۀ چشم یک « بنیان اندیش » ، که به روی دادن " " انکسار نسلی بزرگ " " در ایران هم معتقد می باشد ؛ نگاشته گشته است ؛ چرا که نویسندۀ آن ، جا به جا ، از منظر یک جامعه شناس ، که عالم به نوپدید بودن ملت و مدنیت در ایران هست ؛ به حوادث نگریسته است .

توضیح 1 : این مقاله به دلیل مطول بودن ، امکان نصب شدن در یک پست را نداشت ؛ از همین رو آنرا در 9 پست متوالی ، به شرح لینک های ذیل منقسم کرده ایم .
توضیح 2 : قسمت های دوم ، سوم و چهارم این مقاله ، بررسی اوضاع و احوال مدنیت و سنت شهرنشینی در ایران ، به استناد نتائج اولین سرشماری نفوس و مسکن کشور ، انجام گشته به سال 1335 ه . ش است ؛ که خوانندگان را به غور فزون تر در آن دعوت می نمایم .

http://annaas.blogfa.com/post-1.aspx

http://annaas.blogfa.com/post-2.aspx

http://annaas.blogfa.com/post-3.aspx

http://annaas.blogfa.com/post-4.aspx

http://annaas.blogfa.com/post-5.aspx

http://annaas.blogfa.com/post-6.aspx

http://annaas.blogfa.com/post-7.aspx

http://annaas.blogfa.com/post-8.aspx

http://annaas.blogfa.com/post-9.aspx

وب سایت

نویسنده: بی نام

جمعه 21 تیر1387 ساعت: 21:21

نسرین خانم

باز که با کلون زنونه در زدی .رد گم می کنی یا می خای با مردخونه روبرو نشی؟
یه بار ازت خواهش کردم یه طوری بگو که این سنسورهای ما آلارم نده.
ممکنه که اسم اون جعرافی دان ونام کتابش را اعلام بفرمایید ؟

نویسنده: م.ستاره

جمعه 21 تیر1387 ساعت: 17:52

نویسنده: ادموندو
پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 7:33
نویسنده: قاراداغلی پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 4:3حضرت مستطاب اجل جناب بی نام ناراحتی شما از سخنان مرحوم سیدجعفر پیشه وری کاملاً قابل درک است .

نویسنده: سهند پنجشنبه 20 تیر1387 ساعت: 6: آقای بی نام: نمی دانم آن نقل قولهائی که جنابعالی ردیف کرده اید از کیست
==============================
این همان سهند است که تا 10 جلد در هر موضوعی نخواند حذف نمیزند
===========================
من حرف متضاد زدن بلد نیستم که این عیب اساسی بنده است که خیلی تلاش می کنم در نزد استادی این حرفه با ارزش را یاد بگیرم. اگر کسی را سراغ دارید لطفا برایم معرفی کنید که تا آخر عمرم شکر گزارتان خواهم ماند.

احتمالا من حرف متضاد می زنم.
سهند شاگرد من میشوی؟

سهندجان لو رفته ای ! گفته ای فقط یکی دو تا سایت فرهنگی آذربایجان سر می زنی که احتمالا سایت دکتر باطنی فارس پرست و اون طلا خانم است.
مردم آذربایجان شرم می کنند که نام کوه سهند را آلوده ای و معلوم بود که بالای طاقچه رفته ای و فیل و شتر و کرگدن فریاد می زنی که سخن بزرگی گفته باشی. صد البته تو وبلاگ سیبیل طلا را نمی خوانی بلکه عمه ی من است که می خواند ، می داند و او را می شناسد و معرفی هم می کند ، شاید عمه من ، درصدی هم بابت تبلیغات آن در این وبلاگ ، کاسب شود نمی تواند از قبیله حضرت عالی باشد که حتی نام خانوادگی او را هم می دانی .
نه ، ای مستعین الیهود ، تو را چه به مارهای اسلامی ؟! بشتاب که شبات آغاز شده و مشترکا آخر هفته ی خوبی داشته باشید که ما بخیل نیستیم . شابات شاد . شما برای ما دعا کنید و ما هم برای شما .
پس به همان اژدهای یهود حتی بدون عنوان اسلام پناه ببر که چند مار مسلمان ، تو را درسته قورت ندهند از بس که قدرت داری و همه فن حریفی و کسی یارای ایستادگی در برابر تو را ندارد.
نمی دانم این وبلاگ چه خاصیتی دارد که کسی نمی تواند جز برای مدت کوتاهی ماهیت خود را مخفی کند . آخرین خطاب من به تو این است چرا که سخنی بالاتر از این دیگر ندارم :
قال :
سلام علیک .
ساستغفر لک ربی .
انه کان بی حفیا .
و اعتزلکم
و ما تدعون من دون الله .
و ادعو ربی ، عسی الّا اکون بدعاء ربی شقیا .

والسلام

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 22 تیر1387 ساعت: 0:31

آقای آیدین یاشار. معلوم است که هضم مطالب نو چندان برای شما آسان نیست. پس به زبان ساده تر می گویم: مردمی که خطی برای بیان انتخاب می کنند، تنها زمانی از آن دست می شویند که پاسخ نیاز های شان را ندهد. آن گاه اگر حرفی برای گفتن داشته باشند، یا همان خط را کامل می کنند و یا به خطی تواناتر متوسل می شوند، نه این که آن را دور بریزند و قوم خود را از خیر و شر داشتن خط رها کنند! منظور من این است که خط های جهان سرنوشت روشنی دارند و هر قوم زنده ادامه ی خود را با متن های دوره ای با خطی مشخص و یا تولیداتی معین و گاه انحصاری اعلام می کنند. پرسیدم اگر خط ارخون را ترکی می دانید و اگر ترکان قومی قدیم اند، پس حضور خود را بدون ابنیه و خط چه گونه نمایش داده اند؟ طفره زدن از بنیان اندیشی و غرقه شدن در قوم پرستی از جمله از همین مسیر معلوم می شود که: قبول کنیم تمام آثار پس از پوریم که یهودیان در منطقه ی ما برای اختفای آن قتل عام تدارک دیده اند، جعل مسلم است، جز همان چند سنگ پاره که همان یهودیان گفته اند متعلق به اجداد قوم ما بوده است؟!!!

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 22 تیر1387 ساعت: 1:51

آقای کنجکاو. آن مطلب پاسخ کامنتی بود که یک کورش پرست پیزری به شرح زیر فرستاده بود:

جمعه 21 تیر1387 ساعت: 9:55 توسط:امیرگشتاسب
من نمي دانم شما چه نفعي مي بريد از دروغ پردازي
اما در انجمن فرزندان وطن شما به جرم خيانت به مرگ محکوم شده ايد و به زودي سزاي خوش خدمتي به اعراب را خواهيد ديد
باشد که عبرتي شود براي تمامي دروغگويان
http://amirgb.blogfa.com/

نویسنده: آیدین قشقایی

شنبه 22 تیر1387 ساعت: 9:51

سلام به دوستان

محقق ارجمند جناب پورپیرار
هر کسی فیلم تختگاه هیچکس را ببیند در مورد اینکه بنای معروف به تخت جمشید ناکامل بوده است شکی به خود راه نمی دهد. از تلاشهای جنابعالی و سازندگان این مستند در زمینه معرفی تاریخ واقعی ایران تشکر می نمایم.

وب سایت

نویسنده: رضا

شنبه 22 تیر1387 ساعت: 10:16

جناب م . ستاره ، لطف فرموده و بنده را مورد خطاب قرار داده ای و منهم وظیفه خود میدانم چند کلمه ای را پاسخگو باشم . جنابعالی با چند تن از دوستان که در تهران هستند و امکان ملاقات و صحبتهای رودررو داشته اید همفکری بیشتری یافته اید تا با کسانیکه تنها از طریق این کامنتها آشنا شده اید و قضاوتهایتان مبتنی بر این سطوریست که دوستان با عجله و در محدودیت و ملتهب از دیگر کامنتها می نویسند که در بسیاری از موارد واقعا نمی تواند منظور نویسنده را برساند. از مجموع کامنت های شما ، چنین بر میاید که بیسواد نیستید و اهل مطالعه هستید، اما شدیدا احساساتی و پرخاشجویید (احتمالا در دوران پرشورجوانی هستید) یقین دارم که از این سخنان نتیجه نمی گیرید که بنده غیب گویی می کنم بلکه برداشت خودم را از یک شخص مجازی بیان میکنم که مجموع نوشته هایشان چنین قضاوتی را در من بر می انگیزد. مطمئنا شما هم از نوشته هایم "من مجازی" را به قضاوت نشسته اید منتها مجبورم چند کلمه ای را راجع به تفکرات خود عرض کنم تا مسائلی روشن شود. من همیشه در این وبلاگ بعنوان شاگردی حضور یافته ام که بدنبال شناخت خویشتن است و در تلاش روشن کردن هویت خود بعنوان یک انسان که دین اسلام دارد و به زبان و فرهنگ تورکی منتصب است و از آن جهت همیشه به همه دوستان این وبلاگ به چشم همکلاسی نگاه کرده و متواضعانه از همه خواهش کرده ام که با هم بدور از کینه و توهین و تهمت برخورد کنند(که متاسفانه از ضعف بیان بنده هرگز مورد توجه واقع نشده است) زیرا معتقدم تاریخ ارث پدری کسی نیست و بلکه متعلق به همه است و مثلا در تاریخ تورکها(نامی از دیگران نمی برم که به کسی برنخورد) حق من همانقدر است که یک نفر تاریخ دوست اهل زیمبابوه. بنابر این در کلاس تاریخ هرگونه استفاده از توهین و تهمت و فحاشی و تمسخرتنها بیانگر ضعف منطق و کمی مطالعه و عدم پذیرش حقیقت است.

وب سایت

نویسنده: رضا

شنبه 22 تیر1387 ساعت: 10:24

ادامه ......حال با این طرز فکر که برایتان عرض کردم به سوال شما پاسخ میدهم.از دیدگاه من هرگونه بت پرستی منفور و مذموم است و وقتی مسلمانی جمله زیبای "لااله الا الله" را بیان می کند قلم بطلان بر هر نمادی غیر الهی کشیده است و از نظر من مسلمان فرقی بین گرگ خاکستری و ستاره داوودی و فلان سنگ قبر منسوب به فلان امامزاده وجود ندارد و جز الله معبودی نیست. اما همانگونه که بت پرستان بسیاری مدعی رهبری دین اسلام هستند در بین مردم تورک زبان نیز کسانی از این بت پرستان ادعای زعامت دارند.آنچه مورد توجه است و از نظر بنده مورد کراهت ، اینکه ، برخی از دوستان حاضر از جمله شخص شما ، نسبت به تورکزبانان حاضر در این کلاس همیشه به همان چشمی نگاه میکنید که باید به شوونیستهای تورک زبان نگاه کنید. اگر بنده از شما سوال کنم که مسلمانها چرا از پرستش سنگ و خاک و چوب دست برنمیدارند ، ناراحت نمی شوید در حالیکه همه مسلمانها ، مشرک ، نیستند!!

وب سایت

نویسنده: نسرین

شنبه 22 تیر1387 ساعت: 10:25

آقای بی نام

اولاخوشبختانه من به دورانی که در زدن زنان و مردان از هم جدا بودو فقط مردها حق اطلاع داشتن و حرف زدن داشتند تعلق ندارم !

ثانیا من فراموش کردم که در کنار تاریخ مذکور کلمه ی جعلی را بیاورم !

ثالثا قصد من از نوشتن آن مطلب این بود که یهودیان بلخ از خزرها بوده اندو مولوی هم از یهودیان خزر بوده است!

رابعا فکر نکنم شخصی مثل آقای پورپیرار به وکیل و وزیرهایی مانند شما احتیاج داشته باشند!

خامسا حقیقت همیشه پنهان نخواهد ماند!

سادسا من اگر جای شما بودم با خانمها محترمانه صحبت میکردم چون به هرحال طرز صحبت کردن هرکس نشانگر شخصیت وی میباشد!

نویسنده: رضا

شنبه 22 تیر1387 ساعت: 10:25

ادامه......جناب ستاره ، همه تورکها به ویژه غالب تورکهایی که در این کلاس هستند، ربطی به افسانه های گرگ و میش ندارند اما برخورد شما با همکلاسیهایتان طوریست که گویا با سردمداران این بت پرستی روبرو هستید.

(ومتاسفانه اغلب نوشته های آنها را در این راستا تفسیر می کنید واغلب حاضر به قبول عدم وابستگی آنها نیستید) و این رفتار شما بیشتر متوجه تورکهاست . مثلا حس میکنم چون قران بزبان عربی نوشته شده ، آنرا افتخاری برای اعراب میدانید و بنابراین با بت پرستان عرب کاری ندارید(امیدوارم که این حس خطا باشد) واگر معتقد باشیم که خداوند عرب نیست و تنها بخاطر درک مردم قران را به زبان عربی فرستاده " در صورت صحت حس بنده" میتوانیم نوعی تعلق به گرگ خاکستری از نوع عربی را درخود بیابیم!! مطمئنا

هرنوع بینان اندیشی با "لااله الا الله" به معنی واقعی شروع میشود. جناب ستاره ، ایکاش میتوانستید با هویت طلبان تورکها صحبت کنید بی آنکه نسبت به ایشان توهین و تهمتی روا دارید در واقع بهتر بود بگویم ایکاش میتوانستید بدون استفاده از الفاظی که زیبنده کلام مسلمان نیست با دیگر اندیشان از خود به مکالمه بپردازید.(اگرچه در مکالمات هرچند اندکمان با بنده به توهین سخنی نگفته اید اما غالبا در حین توهین و تهت به تورکها از بیان عام بهره گرفته اید که شامل بنده هم میشود.)

بهرحال ارزوی قلبی من ایست که روزی در این کلاس جناب ستاره و جناب سهند(دو نمونه از دو قطب یک کلاس) بتوانند بدون تمسخر و توهین و تنها با اتکا به معنی هرکلمه قراردادی انسانها ، بدون تفسیر و تاویل، باهم گفتگو کنند.

از همه دوستان بخصوص استاد پورپیرار عذر میخواهم که وقت و فضای کلاس را زیادی اشغال کردم.

وب سایت

نویسنده: عماد

شنبه 22 تیر1387 ساعت: 12:17

آقا اوضاع این ترکها یا بقول خودشون تورکها خیلی داره دیدنی میشه! من همیشه فکر می کردم ترکها شاید بیشتر از ما فارسها احتیاج به یک ناصر پورپیرار دارن. چون به لحاظ جامعه شناسی قومی که بیشتر تحقیر شود ، گرایش بیشتری به پرشکوه تر کردن و پرشکوه تر نشان دادن پیشینه خود دارد. برای همین همیشه معتقد بودم که ای کاش آنها هم صاحب یک ناصر پورپیرار ترک می شدند تا آنها را از شر دروغهای ناسیونالیستی نجات دهد. چراکه این ناسیونالیسم قلابی ترکها و فارسها و عربها را به یک اندازه قربانی کرده و همشون را به صورت قوم پرستانی احمق درآورده که به هیچ طریقی به تامل

رو نمی آورند. خوب خوبشون این آقای سهند است که بعد از چند سال پیگیری مطالب استاد پورپیرار حالا که بحث به تاریخ ترکان کشیده شده مثل همقطاران دیگرش حسابی قاطی کرده طوری که واقعا دل آدم برایشان می سوزد! خوب بد نیست مزه بلایی که زمانی بر سر باستان پرستان فارس آمد را اینها هم اندكي تجربه كنند! همه یادمان هست که با نگارش کتاب دوازده قرن سکوت چه اتفاقي در ميان جامعه فرهنگي ايران از بالا تا پايين افتاد؛ چه عربده هاي دلخراشي كه از طرف باستان پرستها به هوا رفت! كساني كه كوروش را كبير و ايكس و ايگرگ را صغير و زبان فارسي را سه هزار ساله و ... مي دانستند و از سوي ديگر چه هلهله هاي شادي كه تركان برپا نكرده بودند! خوشحالي تركها از اين بابت هم بود كه استاد پورپيرار فارس هستند و طبعا سخنانشان در زمره ادعاهاي به اصطلاح پانتركها قرار نمي گرفت. اما بيچاره همان تركهايي كه هلهله مي كردند! الان نيش همه شان بسته شده و غرغرهاي زير لبي شان داره به همان عربده هاي باستان پرستهاي فارس تبديل ميشه! در اين ميان فقط گروهي از مسلمانان اعم از فارس و ترك و عرب وجود دارند كه همه به مرتبه بنيان انديشي رسده اند و هم ديگر ذره اي به دروغهاي مربوط به تاريخ و گجذشته شون علاقه و اعتنا ندارند و فقط خود را مسلمان مي دانند و بس!

نویسنده: آیدین قشقایی

شنبه 22 تیر1387 ساعت: 12:28

سلام به دوستان
جناب میثم
آنچه که اینجانب ذکر کرده بودم نتیجه مطالعاتم بود و بس. من شخصاً کتیبه های اورخون را ندیده ام که بخواهم در مورد آن نظر دهم. همچنین صلاحیت اینکار را هم ندارم چون کاری تخصصی است.
هدف من و عامه دوستان صرفاً تبادل نظر است و نه چیز دیگر!!

وب سایت

نویسنده: آیدین قشقایی

شنبه 22 تیر1387 ساعت: 14:9

سلام به دوستان
محقق ارجمند جناب آقای پورپیرار
سئوالی از خدمتتان داشتم. با توجه به اینکه جنابعالی در مستند تختگاه هیچکس مدعی هستید که خانه های ساخته شده از سنگ برای جغرافیای بومی ایران مناسب نیستند (که البته همینطور هم هست) و با توجه به اینکه بومیان ایران آن زمان، طبق مدارک موجود خانه های خشتی می ساخته اند و تکنولوژی سنگ بومی نبوده است، پس می توان گفت که معماران تخت جمشید بومی ایران نبوده اند. اگر این فرض را کنیم در اینصورت چرا هخامنشیان برای ساخت کاخهای خود از تکنولوژی کاه و گل (و نه تکنولوژی سنگ) که بومی ایران بوده و از طرفی با اقلیم ایران هم همخوانی دارد استفاده نکرده اند؟ یعنی معماران تخت جمشید نمی دانسته اند که تکنولوژی سنگ با اقلیم ایران سازگار نیست و مناسب ایران نمی باشد؟ بعید می دانم که اینگونه باشد و آنها این موضوع را ندانسته باشند.
با این استدلال به نظر من میتوان گفت که ابتدا هخامنشیان بومیان ایران را در کودتای پوریم قلع و قمع کرده اند بعد به فکر ساختن پایگاهی برای خود افتاده اند و چون معماران ایرانی قلع و قمع شده بودند به این منظور از معماران غربی آن زمان برای ساختن این پایگاه استفاده کرده اند. منتهی در اینصورت این سئوال پیش می آید پس چرا این پایگاه نیمه تمام باقی مانده است؟ به نظر من شاید پس از اینکه پروژه ساخت تخت جمشید پس از پوریم تازه شروع شده بوده و از طرفی عملاً پس از حادثه پوریم جمعیتی در فلات ایران باقی نمانده بوده که هخامنشیان بر آن حکومت کنند یا شاید به صلاحدید اربابان یهودیشان آنها چاره ای به جز بازگشت به موطن خود نداشته اند و معماران غربی هم کار را نیمه تمام گذاشته و به موطن خود بازگشته اند.
به نظر اینجانب همین سنگی شدن یکباره تکنولوژی ساخت مسکن در فلات ایران خود می تواند دلیل دیگری بر وقوع حادثه پوریم باشد چون تغییر تکنولوژی فرآیندی زمانبر است و امری نیست که به یکباره روی دهد.
من میخواستم نظرتان را در مورد این دیدگاه اینجانب بیان کنید.

نویسنده: آیدین یاشار

شنبه 22 تیر1387 ساعت: 15:17

از خانم نسرین تقاضا دارم آدرس دقیق تر آن ابیات مولوی را که در آنها از اسحاق به عنوان قربانی نام برده شده است، برای مطالعه بیشتر بیان فرمایند.

نویسنده: آیدین قشقایی

شنبه 22 تیر1387 ساعت: 16:15

سلام مجدد
جناب عماد
شما بهتر است به احترام همان "گروهي از مسلمانان اعم از فارس و ترك و عرب كه همه به مرتبه بنيان انديشي رسده اند و هم ديگر ذره اي به دروغهاي مربوط به تاريخ و گذشته شون علاقه و اعتنا ندارند و فقط خود را مسلمان مي دانند و بس!"
به هويت اقوام تورک و عرب و فارس ايران احترام بگذاريد!!!!

نويسنده: بابک

شنبه 22 تير1387 ساعت: 17:33

با سلام خدمت آقاي پورپيرار و دوستان ديگر
من در اين وبلاگ بيشتر خواننده هستم تا نظر دهنده، چون سواد و مطالعه من اينقدر نيست كه بتوانم نظر بدهم. ولي مطالب آقاي پورپيرار را با واقعيت ملت ايران سازگارتر يافتم. من تورك آذربيجان هستم. تا آنجا كه يادم هست از زمان بچگي تا زمانيكه دانشگاه آمدم طوري مرا بزرگ كرده اند كه به ديگران احترام بگذارم خصوصا مارا طوري تربيت كردند به مهمانان فارس زباني كه روستاي ميايند نهايت احترام را بگذاريم. هيچ وقت پدر يا مادر من به من نگفتند كه فارس، عرب ، لر ، كرد يا... بد هستند. تا زمان ليسانسم كه در دانشگاه تبريز گرفتم هيچ حس ناسيوناليستي نداشتم (البته الان هم ندارم ولي بعضي چيزهايي كه به چشمم ديدم منو حساس كرد و باعث شد واكنش نشان دهم) مادرم به من ياد داده بود كه همه مسلمانها باهم برادرند چه فار يا تورك يا عرب و... ولي وقتي در دانشگاه تبريز با دوستان ديگر از قوميتهاي مختلف ايران (بخصوص فارس و لر) آشنا شدم اوايل برايم عجيب بود كه بهع ترك بودن من به عنوان جرم نگاه مي كردند و روزي نميشد توهيني از زبان اينگونه آدمها نشنوم حالا اين توهينها و تحقيرها در غالب جوك و شوخي يا به شكلهاي ديگر بودند.

نويسنده: بابک

شنبه 22 تير1387 ساعت: 18:5

تا اينكه براي ادامه تحصيلم به اهواز رفتم. آنجا بود كه متوجه شدم اكثر مردم غير تورك خصوصا فارس زبانها(اعم از توركهاي فارس شده فارسها و لرها) تورك بودن منو جرم بزرگ و نابخشودني مي دانند. اين را در حرفهايشان در رفتارهايشان كامل نشان ميدادند. به عنوان مثال به علت به خاطر عدم تلفظ صحيح فارسي حرف ق ساعتها مورد تمسخر قرار مي گرفتم. اوايل زياد جدي نمي گرفتم ولي احساس مي كردم بدون هيچ علت منطقي مورد تمسخر انسانهاي ناداني قرار مي گيرم كه فرق زبانها را باهم نميدانند. اين دلايلي كه گفتم و خيلي چيزهاي گفته نشده ديگر باعث شد كه عكس العمل نشان بدهم و اين عكس العمل اوايل به علت احساسات دوران جواني افراطي بودند. تا اينكه در 2 ، 3 سال اخير مطالعه مطالب آقاي پور پيرار خيلي كمكم كرد كه دوباره هموني بشم كه مادرم تربيت كرده بود.
حالا خطاب من به دوستاني چون م. ستاره ، بي نام و ميثم و ساير دوستان همفكر آنها ميباشد. من هر روز كامنتهاي شما را در قالب بحث با افرادي چون سهند قراداغلي و .... ميخوانم. احساس مي كنم هنوز آن بنيان انديشي كه آقاي پورپيرار ميخواهد و خودتان ادعا داريد، نشده ايد. هنوز در ريشه كلامتان ناسيوناليستي فارسي و تا حدي حس ضد توركي ديده ميشود (البته شايد من اشتباه ميكنم دوست دارم در صورت اشتباه مرا از اشتباه در بياوريد) تحقيرها و زخم زبانهايي كه افرادي مثل سهند ، قراداغلي و ساير دوستان همفكر آنها ديده اند و چشيده اند هيچوقت نميتوانيد درك كنيد. براي التيام آنها بايد زمان مناسب و كافي داده شود. افرادي مثل شما هيچوقت نمي توانيد اينگونه آدمها را درك كنيد. اينها در حساسترين سالهاي عمرشان بدترين تحقيرها را متحمل شده اند. ولي مطمئنم در آينده بيشترين كمك را به آقاي پورپيرار خواهند كرد.
آقاي پورپيرار شما حقايقي كه شما ميگوييد غير قابل انكار هستند ولي پيشنهاد ميكنم با بچه هاي آذربايجان با نرمش بيشتري سخن بگوييد چون روح و ذهن آنها آمادگي بيشتري براي درك حقيقت دارد. خودتان هم ميدانيد در اين مدت كمك زيادي به اشاعه نظريه و افكار عالي شما در بين ايرانيان كرده اند.
با تشكر بابك

نويسنده: دهقانی (از شيراز)

شنبه 22 تير1387 ساعت: 18:47

سلام و خسته نباشيد به آقای پورپيرار.
اين تصوير سالمترين سر ستون تخت جمشيد در موزه لوور
http://www.pbase.com/image/91084149

نويسنده: بی نام

شنبه 22 تير1387 ساعت: 18:57

جناب عماد
لطفا" کمی آرام تر .مگرچه شده که چنين تر وخشک را از دم تيغ می گذرانی؟ما اختلاف عقيدتی با تعدادی انکشت شماری

از دوستان در این مراحل پایانی پیدا کرده ایم که حتم دارم مسئله با اکثر انها حل خواهدشد الا تعدادمعدودی که خود را به خواب زده اند.مورد قابل تعمیم به کل نیست در بین همین دوستان ترک حاضر در این وبلاگ هستند کسانی که در ادنا عکس العمل سکوتکردند(بگذریم از برادرانی که به پاسخگویی وارشاد دوستان غافل وارد عمل شدند) می دانی چرا ؟ چون به کنه مطلب رسیده اند وبا سکوتشان تاییدی بر عقاید بنیان اندیشی گذارده اند.
لطفا" از بکاربردن ضمیر جمع خود داری کن .تازه مگه این اقایان چند نفرند که نمی توانی انها را به نام بخوانی.

نویسنده: بی نام

شنبه 22 تیر1387 ساعت: 21:56

نسرین خانم

از جواب دادن به شش بند دفاعیه تان خود داری می کنم چون هیچکدامش با منطق بنیان اندیشان سازگاری ندارد وتازه خود ان دفاعیه حکایت از اندیشه غیر دارد.
سرکار خانم به نظر نمی رسد که انسان کودن و دست پا چلوفتی باشید. بر عکس شماانسان بسیار با هوشی هستید.
پس بهتر است به شعور خود توهین نکنید کامنت های مورد اعتراض حامل مفاهیمی بیش ازجا اندازی سهوی یک کلمه "جعلی"بود.
جالب است در هردو مورد اعتراض بنده به کامنتهای شمادر جواب عنوان فرموده اید فراموش کردم جعلی بودن را بنویسم.
سرکار خانم محض اطلاعتان بگویم بنده و دوستان بنیان اندیشمان در این وبلاگ جعلی بودن مقوله هارا به این سادگی نپذیرفته ایم تا هر مفهومی را به بهانه جا اندازی کلمه جعل به ثمن اندک تر از هبه به کشیش یا حاخام پاک انگاریم.
خوب سرکار خانم اگه ممکنه ان جغرافی دان وکتابش را معرفی بفرمایید.
در نهایت امیدوارم بنده اشتباه کرده باشم (که فکر نمی کنم) لطفا" به صورت عملی این را ثابت کنید خوشحال می شوم اگر چنین شود.

نویسنده: مسعود

شنبه 22 تیر1387 ساعت: 22:27

وقت حضرتعالی بخیر استاد عزیز.

امیدوارم سلامت و شادمان باشید.

همیشه این موضوع آبشارهای شوشتر برای من جای سئوال بوده است که چه ارتباطی با خط سیر بنی اسرائیل فراری از دست فرعون داشته است .
شواهد و قرائن جسته گریخته این موضوع را که مصر حقیقی همان مرکز و جنوب عراق است و اینکه گریزبنی اسرائیل به سمت شرق یعنی خوزستان امروز و عبور از شط العرب یا کارون همان معجزه موسی (ع) بوده است را قوت میبخشند .حتی در متون کهن یهودی به روخانه ای بنام "مارون" اشاره میشود که هم اکنون در خوزستان هم با همین اسم وجود دارد.

اما در مورد آبشارهای اسرار آمیز شوشتر من تنها و تنها این سرنخ و راهنمایی مبارک را از قرآن مبین بدست آوردم که با ماجرای کوچ بنی اسرائیل همراه موسی همخوانی دارد :

" زمانی را که موسی برای قوم خویش، آب طلبید، به او دستور دادیم: «عصای خود را بر آن سنگ مخصوص بزن» ناگاه دوازده چشمه آب از آن جوشید; آن‏گونه که هر يك (از طوایف دوازده‏گانه بنی اسرائیل)، چشمه مخصوص خود را می‏شناختند (و گفتیم:) «از روزیهای الهی بخورید و بیاشامید و در زمین فساد نکنید»-بقره-60

اینهم آلبومی از عکسهای چشمه های مذکور که باستان شناسان حقه باز آنها را ساسانی!! مینامند . به پرتگاه عمیقی که این چشمه ها در طول سالیان کهن ایجاد کرده اند توجه بفرمایید مشخصا" گذشت زمان طولانی چشمه ها را بصورت آبشار درآورده است :

http://www.tebyan.net/index.aspx?pid=66183

مطلب جالب تر اینکه "یونسکو" معلوم الحال قصد دارد این مکان را فهرست آثار کهن طبیعی جهان ثبت کند !!!

ایران شناسی بدون دروغ، 160، درباره ی معماری و خط و گویش - 161 نظر

نویسنده: سهند

یکشنبه 23 تیر1387 ساعت: 0:19

جناب اقای سرباز عزیز: اولا من تمامی پیامها را دقیقا می خوانم برایی اینکه مجبورم که هم دوست و هم دشمن را خوب شناسائی کنم ولی از آنجائیکه قبلا شخصی به نام سرباز اسلام در همین سایت به من گیر داده بودند فکر کردم که شما باید همان باشید. ثانیا: من که کار خلافی نکردم به اسمتان کلمه مبارک اسلام را اضافه کرده ام که اگر مثلا حذف اش می کردم کار منفی بود برای اینکه سرباز می تواند سرباز صهیون باشد و یا سرباز پل پوت وحشی و یا سرباز مزد بگیر افریقائی و با سرباز استالین و هیتلر. ولی سرباز اسلام جای تفسیر و تاویل ها را می بندد. خلاصه اگر باعت دلخوری تان شده ام عذر می خواهم. ثالثا: من هم با شما هم عقیده هستم که خیلی وقت ها از طریق پیامگیر نمی توانیم مقصود خود را به گوش دیگران برسانیم مخصوصا وقتی که همدیگر را در دو جبهه مخالف و در دو طرف پلی می یابیم که باید سر همدیگر داد بکشیم. کلا این عدم درک دیگری از ماهیت و ذات زبان بر می خیزد که باید به زبان شناسان و متفکرانی مانند ویتگنشتاین و دیگران مراجعه کرد.

نویسنده: سهند

یکشنبه 23 تیر1387 ساعت: 0:20

دکتر ستاره داود: برای من کاملا معلوم شده است که لنزی به کلفتی ته لیوان چای خوری را در داخل ذهن تان نصب کرده اید که نوشته ساده مرا هم نمی توانید به خوانید. البته به این لنز ذهنی غرض گفته می شه و از آنجائیکه آدم مغرض و طرف گیری هستید نمی توانید مرا درک کنید. من نه نوشته بودم که فقط به یکی دو سایت سر می زنم بلکه که نوشته بودن به یکی دو سایت تورکی-- آنهم انز نوع فرهنگی-- اش سر می زنم والا من به اکثر سایت های فارسی که در باره موضوعات زبان شناسی و مردم شناسی و علوم شناختی و فلسفه و فیزیکی و غیره--- می دانم چقدر گمراه ام پس لطفا وقت دیگران را گرفته و دوباره یاد آوری ام نکنید--- را مطالعه می کنم . مثلا حتی به سایت سروش یهودی نسب هم سر می زنم و از نوشته اش یاد گرفتم که شماهایی که خودتان را تنها بنیان اندیش می دایند فقط طوطی های مقلدی هستید در حالیکه بنیان اندیشی مثل من زنبورهای مولد.

راستی اسم کامل خانم نازلی کاموری دز همان صفحه اولش بود که احیانا حذف اش کرده انداگر عکش اش را هم خواستید برایتان می توانم پیدا کنم. باباش از آن پولدارهای ایرانی است که رابطه خیلی خوبی هم با اقای هاشمی رفسنجانی دارند

و چرت و پرت های پسا مدرنیستی خانم سیبیل طلا هم اهمیت ندهید که ایشان هم مانند شما احتمالا از جناحی از حکومت دفاع می کنند. اگر هم تصادفا هر دوتایتان از همان جناح طرفداری می کنید که چه بهتر. دیگه قوز بالا قوز خواهد شد.

از آنجائیکه به علم یهودی روانکاوی علاقه دارم و این خانم یه مریض به تمام معنی می باشند در اوائل برای شناخت این موجود فقط تیتر نوشته هایش را می خواندم و پروسه رشد بیماری روحش اش را رصد می کردم و از آنجائیکه پیش بینی هایم در باره ایشان صحت پیدا می کرد به نبوغ--- به خند--- خودم افرین می گفتم

اقای دکتر: از آنجائیکه شنیدم که شما دکتر تشریف دارید خیلی خوشحال شدم ولی امیدوارم که دامپزشک نباشید که والا می ترسم که با قابلیتی که تا بحال در این سایت به نمایش گذاشته ای به جای درمان مثلا سم اسب با شکوهی زده و تخم هایش را در بیاری.

نویسنده: سهند

یکشنبه 23 تیر1387 ساعت: 1:0

اینهم آن پیامی که من قبلا در مورد حوزه سیر و سفرم در سایت های تورکی نوشته بودم که دکتر ستاره داود عرق ریزان خواسته بودند که مچ گیری کرده باشند." کافر همه را به کیش خود پندارد."

نویسنده: سهنددوشنبه 17 تیر1387 ساعت: 1:1ویت کونگ خوب ویت کونگ مرده است و تورک ایرانی خوب تورک اسیمیله شده است. بار ها خواسته ام که پاسخی به بعضی از دهن دریده های وراج این سایت داده باشم ولی از آنجائیکه با بافت و ساختار و ذات و ماهیت ذهن این افراد و همپالگی هایشان مانند محمد فروغی و محمود افشار و جلیل دوستخواه و علی میر فطروس و نورالدین غروی و محمد خاتمی و ذبیح الله صفا و شاهرخ مسکوب و اسماعیل نوری اعلا و داریوش همایون و نادر نادرپور و شجاع الدین شفا بگیر تا به جبهه مللی و نهضت ازادی اشنایی خوبی دارم نخواستم که با دیوار سنگی حرف زنده باشم. الان هم نه برای قصد روشنگری بلکه که به دو دلیل این پیام را می نویسم. دلیل اولی تشکر از اقای فاراداغلی است که با آن پیام های روشنگر و قلم شیوایشان تمامی حرف های دل مرا هم زده بودند. دلیل دومی: به عذاب در آوردن وجدان-- اگر داشته باشند--- افرادی مانند اقای رحمانی و ستاره داود و این سرباز اسلام که معلوم است که دیر تر سر سفره حاضر شده و ار هول حلیم به دیگ افناده اند. این سه به اصطلاح مسلمان کامل که " بنیان اندیش هم تشریف دارند بار ها مرا با عناوین" رهبر" حرکت مللی آذربایجان مزین کرده اند این در حالی است که من بار ها در این سایت نوشته ام که من حتی تک نفری از رهبری این حرکت را نمی شناسم و بجز یکی دو تا از سایت های فرهنگی اذربایجانی به سایت های تورکی سر نمی زنم برای اینکه من برای اثبات وجود خورشید مجبور نیستم که فعل و انفعالات درونی اش را مطالعه کنم.

نویسنده: قاراداغلی

یکشنبه 23 تیر1387 ساعت: 1:2

جناب ستاره ،
اولاً هنوز نمیدانم که مسله ملی (ببخشید قومی) چه ارتباطی به شما دارد ؟ مگر نه این است که روزگاری به «تمنیات قومی» پیوسته اید و با چون و چند قضیه آشنا شده اید و سرانجام فهمیده اید که «قومیت ، بسیار پیش پا افتاده ، کم اهمیت و حداکثر مطلبی درجه سه است .» ؟ شما که از نحوه «خواب» سردمداران هویت طلبی هم آگاهید و میدانید که قبل از خواب فال حافظ می گرفتند ، چرا از اهداف و برنامه هایشان بیخبر هستید ؟ خیال می کنید همه هالو هستند و این تجاهل شما را باور می کند ؟ در خصوص انجام «وظیفه» کشف مخالفان قومی خودتان ، بهتر است با سازمان یا سازمانهای متبوع خود مشورت بفرمایید . ثانیاً بنده سخنگوی «حرکت ملی آذربایجان» نیستم و صلاحیت لازم را حتی بصورت مافوق انقلابی ندارم . به همین مناسبت ناچارم بازهم نا امیدتان کنم و شما را همچنان در «جهل» خود رها کنم . ثالثاً ، اجازه بفرمایید در باره نوع فعالیت حرکت ملی ، اعم از زیرزمینی و علنی صاحبان صلاحیت تصمیم بگیرند نه بنده طرفدار ، نه جناب ستاره موظف !
جناب ستاره محترم ، امیدوارم اشتباه کرده باشم ، اما احساس می کنم شما و برخی از همکلاسی ها مایل نیستند ترک های «هویت طلب» در این وبلاگ حضور داشته باشند . متاسفم از اینکه مایوستان می کنم ، مطمئن باشید نه تنها شماها ، حتی اگر خود استاد هم عذر ما را بخواهند ، که بسیار بعید میدانم ، بازهم من یکی از حضور در کلاس خودداری نخواهم نکرد . من معتقد هستم حضور ما در این وبلاگ نه برای اظهار وجود و دفاع از حقوق ملی ، بلکه آشنایی با حقایق تاریخ منطقه خود است و گاهی اوقات اجباراً به سمپاشیهای افرادی مانند حضرتعالی پاسخ میدهیم .
جناب ستاره ، لطف کنید و از «تختگاه هیچکس» و «پوریم» ، چماق نسازید ! آنهم چماقی برای حرکت ملی آذربایجان . ادعاهایی نظیر «تعیین تکلیف با تختگاه هیچکس» در مورد هویت طلبان آذربایجان ، شوخی یخ کرده ای است که شما و برخی دوستانتان از سر واماندگی بکار می برید . من با اطمینان مدعی میشوم که هویت طلبان حاضر در این وبلاگ ، در اشاعه افکار استاد تحرک کمتری از شما مدعیان نداشته اند . اگر هیچکس هم نداند خودمان که میدانیم در این راه چه تهمتها و مشقاتی را متحمل شده ایم .

نویسنده: قاراداغلی

یکشنبه 23 تیر1387 ساعت: 1:3

واقعاً باور کردنی نیست که اینهمه کینه و دشمنی نسبت به ترک ، از جانب مدعیان اتحاد اسلامی ابراز شده باشد .
نه جناب ستاره !! تا به امروز هر توهینی که به اسلام و عرب شده از ناحیه و زبان «پارس» ها بوده و نه هیچ ملیت دیگر ، مگر ذوب شدگانشان در فرهنگ و ادب باشکوه پارسی!!! پس نگران رسمیت یافتن زبان ترکی نباشید که حد اقل در قرن اخیر ، جز تحمل توهین و فحش ، نقشی در فرهنگ ایرانزمین!!! نداشته است ، مگر آسیمیله های تمام عیار آن که ربطی به ملت آذربایجان ندارد . نویسنده و «مساعدت» کننده تفسیر عتیق نیشابوری و فحاشان به عرب و اسکندر نیز از میان همان «پارسیان شریف» بوده اند نه تبریز ، مغولهای وحشی را هم که سالیان سال است بر گردن ما آویخته اید ، پس چه جای نگرانی باقی است ؟
صد البته که غیر از آن است . «حرف زدن از پوریم و غیره» ارتجاع و جاسوسی تلقی نخواهد شد ، اما مخفی شدن در پشت نقاب «پوریم» البته که عین ریاکاری و فرمانبری از شورای جهانی یهود تلقی خواهد شد .
فرموده اید : «از نظر من ، لااقل در حال حاضر ، درخواست های قومی ، معادل فحاشی در دیگر وبلاگ هاست ؛ آنها همه یهودی اند و هرگز حقیقت را نخواهند پذیرفت»
راستی آقای مسلمان متعهدی که مبارزه با فساد یهود را اوجب واجبات میدانید ؟ از نظر شما تهمت و افترا اینقدر ساده است ؟ مسلمانی و اینهمه کینه ؟ باز فرموده اید :
«یک بار دیگر بپرسم که مگر مستند تختگاه هیچ کس با حقوق قومی آذربایجان مربوط نیست؟ پس معنای سکوت و فحاشی به آن جز اجرای دستور ارباب اورشلیمی است؟»
حضرت آقا ، مثل اینکه خیلی زرنگ تشریف دارید که ابتدا حرف توی دهن مردم میگذارید که هویت طلبان آذربایجان به مستند «تختگاه هیچکس» فحاشی می کنند و یا در برابر آن سکوت کرده اند ، آنگاه آنان را به «اجرای دستور ارباب اورشلیمی» متهم میکنید . متاسفم که در این وبلاگ با انسانهای از همه جا و همه چیز بی خبر طرف نیستید . اگر احتمال اشتباه در قضاوت نمیدادم ، مدعی می شدم که شما با این سبک قلم و بیان ماموریت دارید حد اقل تازه واردین به این وبلاگ را نسبت به هواداران بنیان اندیشی بدبین سازید .

نویسنده: قاراداغلی

یکشنبه 23 تیر1387 ساعت: 1:4

برای یکبار هم که شده منصفانه قضاوت کنید ، چه کسی در برخورد با مباحث وبلاگ مشکل دارد ؟ فحاشی و تهمتهای ناروا چه سنخیتی با «بنیان شناسی» دارد ؟ کامنت مفصل خود را یکبار دیگر بخوانید تا معلومتان شود چه کسی «دستور سرگرم کردن» دریافت کرده است ؟
صورت مساله را به دلخواه طرح کردن و جواب از پیش تعیین شده را در کنار آن قرار دادن ، بنیان شناسی است ؟ چه کسی «حسرت داشتن شاعری نظیر سعدی و گلستان» را می کشد ، «جوان فارسی دان آذربایجانی» یا فارس تمامیت خواه ؟
چه کسی از قلابی و مجعول از آب درآمدن سعدی و حافظ عصبی! است ؟ من ترک آذربایجانی یا عالیجناب ؟ با مطرح شدن اندیشه های تاریخی استاد پورپیرار ، ما ترک ها چیزی نداشتیم که از دست بدهیم . این شما بودید و هستید که افتخارات کذائی خود را از دست داده اید . این شما هستید که مدعی تسخیر دانش در ثریا هستید . اگر تحولی در بنیانهای فرهنگی این جغرافیا رخ دهد ، چیزی که ترک ها از دست خواهند تحمل فحش های چارواداری و تحقیرهای سیستماتیک است ، پس چه باک !!!
جناب ستاره مسلمان ، استاد پورپیرار هم قلم نیرومندتر از شما دارند ، هم منطق و استدلال عق پسند ، پس لطف کنید و وکالت ایشان را برعهده نگیرید و اجازه بدهید گلایه ها را خود ایشان مطرح کنند . کاسه داغتر از آش بودن ، چندان مطلوب انسانهای آزاده نیست .
هر ملتی افسانه هایی دارد . افسانه «گرگ خاکستری» هم در افسانه های ترکی آمده است که هیچ ربطی به معتقدات امروزی مردم ندارد . همچنانکه در یونان امروزی کسی بدنبال خدای آتش و باران و ... نیست ، اما در افسانه ها و فرهنگ شفاهی خود چنین اعتقاداتی را نشان میدهند . اگر سرسوزنی صداقت دارید ، به خودتان جواب بدهید این ادعاهای خود را ، خودتان قبول دارید ؟ یعنی براستی میخواهید بگویید که از فرهنگ عامه و فولکلور ، تا این حد بیخبر هستید و خیال می کنید هویت طلبان آذربایجانی خود را فرزندان «گرگ» میدانند ؟ اگر درجه فهم و آگاهی تان تا بدین حد نازل است ، سکوت ، مناسبترین گزینه برای شماست .

نویسنده: قاراداغلی

یکشنبه 23 تیر1387 ساعت: 1:4

اگر حقیقتاً باوردارید که « امتزاج بنیان اندیشی با قوم ستایی جاهلانه»مستحق اعتراض است ، پس این نسخه را برای خود نیز بپیچید و اگر باور ندارید ، مروری مجدد در کامنتهای «قومی» خود داشته باشید تا یقین حاصل شود .
اگر براستی باور دارید که « مزاحم همین استفاده از زبان مادری نیز یهودیان اند و نوکرهای شان» ، و مدعی هستید که یهود و نوکرانش «فساد کنندگان برزمین» هستند ، چرا از مبارزه با یهود و نوکرانش واهمه دارید و آن را پست و بی ارزش می نامید ؟

اما این ادعا که : « آنگاه عده ای علامه را می بینیم که درد شان ، نه نابودی مرکز فرهنگ و تمدن بشر ، نه کشتار دانایی در گهواره ی شرق میانه، و نه حتی جعل و تزویر آشکار مدعیان حفاظت از علم در دانشگاه های بزرگ غرب، بلکه فقط و فقط تکلم و نگارش به زبان مادری است و بس !!!» اوج اتهام است و یقین دارم خودت نیز بر آن باور نداری .
جناب بنیان شناس ، زبان ترکی و تکلم بلامانع با آن ، چه تضادی با تعیین تکلیف پوریم و بی آبرویی و انزوای یهود دارد ؟ اگر ممکن است مطلب مستدلی در این خصوص بنویسید و ثابت کنید که ترکی حرف زدن و به زبان ترکی تحصیل کردن برابر است با تبرئه یهود از اتهامات استاد پورپیرار!!!! و گرنه ، زبان در کام کشید و انقدر نیش و کنایه نزنید .

نویسنده: قاراداغلی

یکشنبه 23 تیر1387 ساعت: 1:5

جناب بینام
سپاسگزارم از شما برادر مسلمان که بنده را «تصغیر» فرموده اید ، نه چیز دیگر!!!!
استاد بینام گرامی ، خیلی دلم میخواهد با ادبیات «تو» و با صراحت بگویم : بنده با هرگونه برتری طلبی ، از جمله برتری طلبی شوونیست های فارس مخالفم و بقیه «مخم» ها را به شما عودت میدهم ! میخواهم بگویم که «تو» از «فدرالیسم» ، اعم از غلیظ و رقیق آن هیچی نفهمیده ای و نخواسته ای که بفهمی و شاید ماموریت داری که با این قبیل انتساب ها به یهود ، این قوم فاسد را از اتهامات جاری تبرئه کنی!!! الله اعلم .
پسرکم ، مجدداً به تعریفی که از بنیان اندیشی داده بودی سری بزن و آنگاه از دین و قرآن و اسلام حرف بزن .
حضرت عماد
آنچه که درباره اوضاع ترک ها مرقوم فرموده اید چیزی جز فرافکنی اوضاع خودتان نیست . برعکس ترکها خیلی خوشحال هستند از اینکه دست شوونیسم فارس روز به روز بیشتر رو میشود . اگر خیال می کنید که میتوانید استاد پورپیرار را با کوروش کبیرتان معاوضه کنید و این بار ایشان را مایه تفاخر قومی خود قرار بدهید ، اشتباه می کنید و حد اقل در زمان حیاط ایشان میسر نخواهد شد ، چرا که ایشان با هرگونه تفاخر قومی مخالف هستند . اگر تصور می کنید که ترکها از مباحث جدید ناراحت هستند ، قیاس به نفس میفرمایید و از حقیقت فاصله زیادی دارد . بیجهت دل خود را با این نوع تخیلات خوش نکنید . ما بدنبال برتری قومی نبوده ایم که حالا زمینه های مساعد آن را برباد رفته ببینیم . در این مورد اوضاع پارس ها را بهتر است مطالعه بفرمایید .

نویسنده: اورمزد 5

یکشنبه 23 تیر1387 ساعت: 3:14

در یک رویداد عجیب دامپزشکان نوعی نادری از اسب را شناسایی کرده اند که جنس سمش با تخمش فرقی ندارد .گویا این اسب ابتدا در سرزمین های اشغالی شبیه سازی شده و بعدبرای تحقیقات بیشتر به آمریکا برده شده !!!!

نویسنده: مهرداد

یکشنبه 23 تیر1387 ساعت: 12:6

سلام عزیزم !
با (پاسخ به عربده کشی پان ایرانست ها) بروزم
سر بزن میهن پرست!

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار به زودی اعدام می شود

شنبه 19 مرداد1387 ساعت: 23:54

تنها باید حکومت مقتدر جمهوری اسلامی ایران حکم به قتل این مردک رذل بدهد

و به جای آن جوان سیستانی می بایست این مزدور وطن فروش تجزیه طلب را اعدام

می کردند . باید سایتی بسازیم تا مردم در آن امضا نمایند و از حکومت اسلامی ایران

بخواهند تا این مردک ذی شعور تک سلولی را به سزای اعمال ننگین اش برساند.

ایران شناسی 161

ایران شناسی بدون دروغ، 161، گنجینه ی خالی مانده ی لغت فارسی - 54 نظر

نویسنده: رضا

یکشنبه 23 تیر1387 ساعت: 8:38

با سلام و عرض خسته نباشید خدمت استاد محترم
"زاده شدن لهجه از درون زبانی واحد غیر ممکن است و تظاهر هر لهجه ای جز مظاهر حضور یک کلنی مهاجر کوچک یا بزرگ نیست. "
در ارتباط با درک این جمله شما مطلبی وجود دارد که بعرض میرسد، مردم ساکن در استانهای تورک نشین شمالغرب ایران با وجود استفاده از مجموعه لغات مشترک تورکی آذربایجانی دارای لهجه های تلفظی مختلفی هستند بنحوی که مثلا ساکنان شهر مراغه و بیله سوار در عین استفاده از لغات مشترک برای ادای منظور بخاطر تلفظ خاص همان لغات برخی موارد از درک منظور هم وا میمانند.مردم مابین شهرهای اسکو تا بناب و مراغه در استفاده از حروف "ج" "چ" "گ" و "ک" تفاوت عمده ای با مردم مناطق دیگر بخصوص استان اردبیل دارند. بهرحال برای درک بیشتر بنده ، لطفا توضیح بفرمائید که آیا منظور جنابعالی از لهجه با این نوع طرز تلفظ ها فرق دارد یا نوع طرز تلفظ را هم لهجه میشمرید؟

وب سایت

نویسنده: بابک

یکشنبه 23 تیر1387 ساعت: 9:44

با سلام خدمت آقاي پورپيرار
واقعا مطالب جديد و نابي را نوشته ايد. اي كاش آنهايي كه شما را توده اي ورشكسته و غيره مي خوانند، بتوانند جوابي براي اين نوشته تان بدهند. مطمئنم نخواهند توانست. مجبورند سكوت كنند و يا بدون هيچ دليلي شما را متهم كرده و مثل انسانهاي نادان و ابله فحش بدهند.
بابك

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 23 تیر1387 ساعت: 9:53

آقای بابک. ممنونم.

آقای رضا. اگر در میان ترک ها صاحب لهجه ای ظهور کرد، یقین بدانید که در اصل مهاجری غیر ترک به اقلیم ترکان بوده است و همچنان که مهاجران غیر فارس وارد شده بر جمع فارسیان، فارسی را با لهجه ادا می کنند، مهاجران غیر ترک نیز نخواهند توانست ترکی را بدون لهجه حرف بزنند. از این مسیر می توان ابهام های بسیاری را در مبانی و مبدأ مهاجرت به ایران و تشکیل اقوام در همین اواخر حل و فصل کرد. زیرا اگر کسی هنوز نتوانسته است تاثیر فرهنگ و زبان بومی را از تلفظ خود بردارد، از جا به جایی او بیش از سه چهار نسل نمی گذرد.

نویسنده: با نام

یکشنبه 23 تیر1387 ساعت: 11:11

سلام جناب استاد. این یادداشت های شما مثل سوهان میماند که هر رفت و برگشت مقداری از زنگ نادانی را از روح آدم برمیدارد. بتراش ای مرد بزرگ، بتراش.

نویسنده: عماد

یکشنبه 23 تیر1387 ساعت: 17:18

خدمت همه كساني كه به نوعي بنده را مورد نوازش قرار دادند، عارضم كه استاد پورپيرار ساليانى شايد طولاني است كه به پاس گفتن سخن حق به هزاران جور لفظي و غير لفظي مورد عنايت قرار مي گيرند، خوب قرار هم نيست كه همه فحشها را ايشان تنهايي بخورند، ما هم حاضريم چندتاشو بجون بخريم! من همچين انتظاري هم از دوستان تركمان نداشتم چون مي دونم علم و ظرفيت اونها هم با فارسهاي قومگرا خيلي فرقي نداره، اما فقط يكي از اين دوستان بود (آقاي غارداغلي) كه در شدت ضعف در درك فحواي مطلب رو دست همه زد و منو واداشت برخلاف ميلم وارد بحث شوم. جناب غارداغلي. من همداني و از زمان تولد ساكن همدان و ظاهرا فارس هستم. حتمن مي دونيد كه همدان اين شهر در ظاهر اصالتا فارس الان مثل ولايت تركيه كاملا تركيزه شده است! راستش من هميشه به فارس و آريايي بودن خودم افتخار مي كردم و بر خودم مي باليدم كه اهل نخستين پايتخت آريايي جهانم! تا اينكه با آثار استاد پورپيرار آشنا شدم و بعد از كش و قوسهاي بسيار بالاخره فهميدم كه واقعا همه مونو سركار گذاشتن! از همون موقعها هم با فعالان سياسي و فرهنگي همدان و كمي شهرهاي ديگر اطرافمون دائم داريم تو سروكله همديگه مي زنيم و واقعا با تمام وجود فهميدم كه قومگرايان فارس و ترك همه به يك اندازه نادانند و ابله و آلت دست دروغهاي ساخت صهونيستهاي محترم كه خودشونو يهودي مي نامند! مثلا يه بار يكي از اين فعالان سياسي كه از دوستان مشترك من و آقاي پورپيرار بود و الان فرار كرده رفته خارج تا با جمهوري اسلامي مبارزه كنه، يه اطلس تاريخي ديده بود كه توش نوشته بود وسعت امپراتوري سلاجقه دو ميليون كيلومتر بوده! آقا اگه بدونين چه جوري رگهاي گردنش باد كرده بود! بهش گفتم احمق جون پس فرق تو با اون باستان پرست خنگولي كه به وسعت دو ميليون كيلومتري امپراتوري هخامنشيان مي نازه، چيه؟؟؟ و اون جواب ميداد هخامنشيان ساختگي هستند ولي سلجوقيان واقعي و آقاي پورپيرار هم اينو قبول داره!!!

نویسنده: عماد

یکشنبه 23 تیر1387 ساعت: 17:18

خوب من اون موقع بهش مي خنديدم و مي گفتم جوجه رو آخر پاييز مي شمرن! ولي با اين حال بهش گفتم مگر نه اين است كه هر دوتاتون بر طبل ناسيوناليسم قومي مي كوبيد؟ حالا فرض كنيم كه ثابت شده يكي از اين دو امپراتوري قلابيه، ولي مگر در رفتار و فكر دوتا قومگرا تفاوتي ايجاد ميشه؟ واسه همينه كه من از دو اسم فارس و ترك ديگه حالم بهم مي خورد و ذره اي علاقه ندارم كه حامل يكي از اين دو اسم قلابي حال بهم زن مسخره باشم. پس خواهش مي كنم آقاي غارداغلي منو فقط يك مسلمان بدونيد و بس و بس.

نویسنده: عماد

یکشنبه 23 تیر1387 ساعت: 17:19

مثلا به نفرت تركهاي ايران از رضا شاه نگاه كنيد: كسي كه حامل و باني فارس پرستي و ترك ستيزي هست يعني همون رضا پالاني چقدر مورد نفرت تركهاي ايران قرار داره! اما چنين نفرتي از آتاترك جز بندرت از سوي تركها ديده نميشه! حالا يه لحظه فرض كنيم سياست يهوديان بر اين قرار مي گرفت كه آتاترك در ايران به قدرت برسه و بجاي فارس پرستي، ترك پرستي در ايران رايج بشه. اون موقع مي دونين چه اتفاقي مي افتاد؟ الان بجاي پرويز ورجاوند و محمود افشار، سردمداران ترك پرستي مورد نفرت فارس قرار داشتند و الان جاي تجزيه طلبي تركي (به معناي متعارف و رايج آن) تجزيه طلبي فارسي داشتيم و فارسها مدعي ناديده انگاشتن حقوق قوم خود بودن و ..... پس مي بينيد كه در اصل ماجرا اتفاقي نمي افتاد! كما اينكه سياستهاي رضاشاه تفاله عينا از سوي آتاترك زباله اجرا شد و حتي ايندو در اجراي سياستهاي يهوديان با هم همدل و همصدا و دوست بودند و هر دو يه يك اندازه ناسيونالسيم قوم محور و اسلام ستيزي و عرب ستيزي را رواج دادند و حكومت هر دو بعدها به يك اندازه با اسلامگرايان چالش پيدا كرد! تنها تفاوت در اين بود كه ايران چند قومي بود و قرباني قومي بيشتري داد اما در تركيه اكثرا كردها قرباني اين ناسيوناليسم پوچ توخالي شدند. اما الان جالبه كه سران هر دو ناسيوناليسم به خون هم تشنه اند! خوب آقا جان اگه ناسيوناليسم بد است، براي همه بايد بد باشد و اگر خوب است ، براي همه خوب است! چگونه است كه پانتركيسم بد است اما پانفارسيسم يا پان ايرانيسم خوب است؟؟؟ يا چگونه است كه پان فارسيسم بد است اما پانتركيسم خوب است؟؟ تعجبم بيشتر از آقاي سهند است! راستش تو اين تقريبا دو سال كه خواننده وبلاگ استاد هستم بنظرم آقاي سهند آدم خوش فكر و باسوادي مي آمد كه خيلي خوب عمق مطالب را مي گيره، اما در كمال تاسف و ناراحتي ديدم كه ايشان هم مثل خيلي از قوم دوستان ديگر اول داغ كرد و بعد هم قاطي كرد! اونهايي تو چند روز دنبال سنگ نوشته هاي اورخون و ورخون و چرخون و حبه انگور مي گشتن ، عجيب منو به ياد باستان پرستاني انداختند كه دنبال كتيبه هاي ساساني و اشكاني مي گشتند تا بگن ساسانيان وجود داشتند!!!! آقا خدا و كيلي شما خودتون باشين هرهر خندتون نمي گيره؟؟؟؟؟؟ واقعا مردونه خندتون نمي گيره؟؟؟

نویسنده: عماد

يكشنبه 23 تير1387 ساعت: 17:32

بنظر من وقتشه كه همه ما بفهميم و ايمان بياوريم كه سر كار بوديم و آلت دست و تحصيل كرده هامون هم دست آموز بودند! (شكر خدا كه من كتابداري خوندم) اين كه شما يه مسائلي دارين كه داره حل ميشه يا نميشه صنار به اصل ماجرا و به من ربط نداره! اما هر آدمي كه فقط دوتا چشم داشته باشه و حتي ماهي يه بار به اين وبلاگ سر بزنه مي بينه كه 90 درصد كامنتها و بحثها متعلق به تركهاست! خوب اين مطلب واضح و بديهي چي رو نشون ميده؟؟ آيا جز اينه كه اين مباحث تا ديروز باب دل تركها و بعد عربها و تركمنها و ... بوده؟؟ و از امروز همشون با يه سري چالش تازه دارن رو به رو ميشن كه اصلن انتظارش را نداشتن؟؟ مثلا آقاي سهند ظاهرا خوش فكر ما وقتي مطالب آرشيو استاد را بازنويسي مي كنه دقيقا و دقيقا همون كاري رو مي كنه كه ديروز سورنا گيلاني و ارباب احمقش باباي‌ادگار انجام مي دادن!! كه آقا شما تا ديروز مي گفتين تخت جمشيد رو اسكندر آتش زد و امروز ميگيد نزد!! ديور زمي گفتيد غزنويان و سلجوقيان فلان و بهمان بودند و امروز ميگيد آنها اصلن وجود نداشتن!!! اگه كسي تفاوتي ميان اين دو برخورد مي بينه، براي اثبات عدم بلاهت گويندش ما رو هم شير فهم كنه!! باور كنيد من يكي دقيقا انتظار چنين روزي را داشتم! شايد اونقدر كه من ظاهرا فارس از زدن زيراب تاريخ فارس محور ايران خوشحال ميشم ، هيچ ترك و عرب ديگري نمي شد! خوشحالي من هميشه بحدي بوده كه دوستانم همگي منكر فارس بودن من شدند و هزارتا تهمت و داستان چرند راجب تبار من سرهم كردند! اما واقعيت اين بود كه من از زدن زيراب دروغ خوشحال ميشدم و از عصباني شدن پرستندگان دروغ خوشحال ترا!! الان هم دست خودم نيست. از عصباني شدن پرستندگان دروغ در ميان تركها هم واقعا خوشحال ميشم و از اين كه پنبه دروغهاي بيشتري زده ميشه خوشحالترا!! اميدوارم شما تركهاي منتقد من از فارسهاي دروغ دوست احمق فهميده تر باشين و واقعا بفهمين چي گفتم!

نويسنده: توحيد

يكشنبه 23 تير1387 ساعت: 18:11

سلام

در وبلاگ آخرين اخبار بخوانيد)ِakharinakhbar.blogfa.com) :

گسترش تشيع در مراكش .

نويسنده: آيدين ياشار

يكشنبه 23 تير1387 ساعت: 21:52

سلام بر استاد و همه دوستان و بعضا دشمنان:
1 - هر نوع اظهار نظر مخالف را به معنی خیانت نگیریم. اجازه بدهیم تلاقی اندیشه ها منجر به غنای بحث شود. مطئن باشیم که اساس نظریات استاد محکم تر از آن است که با یک کامنت مخالف متزلزل شود.
2 - لهجه از زبان واحد هم میزاید. همه زبانهای دنیا، بخصوص زبان عربی در همان حجاز دارای لهجه های متعدد و بیشماری است.
3 - قوم دوستی علاقه به فرهنگ قومی بدون نفرت از اقوام دیگر بوده و امری سالم و برای رشد شخصیت ضروری است. قوم پرستی بر اساس نفرت از دیگران بنا میشود و منجر به انحطاط شخصیت میشود.ما در طول تاریخ قوم پرستی فارسی داشته ایم، ولی قوم پرستی ترکی نداشته ایم. اکنون هم اگر در بین عده محدودی پیدا شده است، جنبه عکس العملی دارد و با اصلاح ساختار فرهنگی کشور منتفی خواهد شد.
3 - هویت پدیده ای لایه لایه است، هویت ترکی یا فارسی مغایرتی با هویت اسلامی ندارد. در قرآن مبین هم به خلقت اقوام و شعوب مختلف با زبانهای گوناگون و وجود حکمت در این گوناگونی اشاره آشکار وجود دارد. "وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالِمِينَ" (الروم 22).

همچنین: "يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُم مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ" (حجرات 13)
4 - طرد زبان مادری نه ممکن است و نه منجر به هویت اسلامی میشود، اما طرد هویت جعلی برای نیل به هویت اسلامی ضروری است. با تشکر ازهمه

نويسنده: سهند

يكشنبه 23 تير1387 ساعت: 23:4

راستی اینرا هم اضافه کنم که شخصا معتقد به هویت تورک ها بعد از اسلام هستم این به آن معنی نیست که تورک ها بعد از طلوع اسلام شبانه مانند ملغ از اسمان باریده اند بلکه به این معنی است که قبل از طلوع اسلام آنها مانند مردمان دیگر بیشتر مطابق با طبیعت شان زندگی می کرده اند که با داشتن فرهنگ-- یعنی جدایی از طبیعت--- فرق دارد. فرهنگ آن چیزی است که عده ای زیاد را در دور یه ایده ال و مقصد جمع کند .و به زندگی هرج و مرج وارشان معنی ای به بخشد. این

به آن معنی است که مثلا صد ها هزار قائق کوچک در اقیانوس پر تلاطوم ای بدون مقصد معین و هدف مشترک خودشان را به دست موج های بلند بسپارند ولی وقتی یه چراغ دریائی را مشاهده کردند نوک قائق هایشان را به آن سمت نور بر گردانند. طلوع اسلام همان چراغ دریائی است که به قبایل تورک بیابان گرد مسیری را نشان داد و هویت شان را تعیین کرد.

نویسنده: قاراداغلی

دوشنبه 24 تیر1387 ساعت: 0:47

جناب عماد
اولاً شما که نه اصالت فارس را قبول دارید نه ترک را ، چگونه فهمیده اید که «همدان این شهر در ظاهر اصالتا فارس الان مثل ولایت ترکیه کاملا ترکیزه شده است!»؟ ثانیاً «ظرفیت» اقوام را با چه ابزاری سنجیده بودید که به چنین پیشگویی عالمانه دست یافته بودید ؟ ثالثاً ، شما که «در درک فحوای مطلب» تا بدین حد قوی تشریف دارید ، چرا متوجه نشده اید که آغاز کنندگان بد و بیراه به ترک ها ، بی آنکه ناسیونالیست و غیرناسیونالیست آنها را تفکیک کرده باشند ، هم تباران شریف شما هستند ؟
رابعاً ، اگر کسی بواسطه دریافت اطلاعات غلط و یهودساخته ، که از اختصاصات نظام آموزشی یک قرن اخیر این جغرافیا است ، نتواند بسادگی نظریه جدید را بپذیرد و از استاد کلاس سوال کند ، عمله یهود و احمق و ناسیونالیست خواهد بود ؟ شما گمان میکنید همه شاگردان این کلاس مانند خود شما استعداد سرشار در درک مطلب دارند ؟ اگر چنین تصوری داشته باشید ، نشانه ساده لوحی شما نیست ؟ دوست من ، سوال و اما و اگر و تردید ، مقدمه یقین است و کسی که بسادگی نظری را بپذیرد ، به همان سادگی نظر مخالف آن را نیز خواهد پذیرفت . پس بیایید در صداقت و دریافت عمیق کسانی تردید کنیم که بدون چون و چرا مطلب را می پذیرند و یا احتمالاً تظاهر می کنند که پذیرفته اند ! من خودم سایان متمادی معلم بودم و بتجربه دریافته ام که مستعدترین شاگردان کلاس ، پرسشگران مستمر کلاس بوده اند .
خامساً ، امیدوارم بین اظهار نظر و سوال با توهین و تحقیر تفاوت قائل شده باشید . همچنین بین دفاع از حقوق ملی خدادادی با قومگرائی تمایز قائل شوید . باعتقاد بنده بیشتر دعواهای جاری بخاطر همین یکسان پنداشتن حق ملی و قومگرایی است .
همچنانکه سیاست غالب کنونی در جهان ، بین دفاع از حق ملتها و تروریسم تفاوتی قائل نمیشود و مبارزان فلسطینی و چچنی و افغانی را تروریست مینامد . اما جنایات یهودیان و روسها و آمریکایی ها را دفاع از امنیت ملی نام میدهد .

نویسنده: قاراداغلی

دوشنبه 24 تیر1387 ساعت: 0:49

شما نیز اعمال ستم فرهنگی و به تبع آن ستم اقتصادی و اجتماعی به ملل غیر فارس را حفاظت از «تمامیت ارضی» و «مبارزه با تجزیه طلبی» و «جلوگیری از نفوذ دول بیگانه» مینامید و اگر بنده گفتم من هم انسانم و زبان و فرهنگ خود را دارم و زبان مادریم برایم شیرین است و هم مستند به قرآن کریم و حتی قوانین پذیرفته شده قدرمندان جهان حق دارم با آن زبان از تعلیم و تربیت بهره بگیرم و در اداره امورات داخلی خودم حق دخالت داشته باشم ، متهم به قومگرایی و تجزیه طلبی و ناسیونالیسم و ... میشوم و باید تاوان خطاهای آتاتورک و باقراوف و استالین را و ... را بپردازم .
برادرم ، شماها که الحمدلله از من مسلمانتر هستید ، منصفانه بگویید مطالبه «حق ملی» مانند تعلیم و تربیت به زبان مادری (حتی اگر این زبان اختراع یهود بوده باشد) ، اداره امورات زندگی جمعی ، حتی اگر بصورت استقلال یا «فدرالیسم غلیظ» بوده باشد ، با فرامین الهی مندرج در قرآن کریم و مبارزه با یهود پست منافات دارد ؟
آیا ممکن نیست بنده هم با عاملان و آمران قتل عام پلید پوریم مبارزه کنم ، هم با نوکران یهود که ابتدایی ترین حق انسانی را از من سلب نموده اند ؟ پس اینهمه جار و جنجال بر سر چیست ؟ به خدای لایزال سوگند میخورم که قلابی از آب در آمدن شاه عباس و شاه اسماعیل و خیل اعقاب و اسلاف آنها باندازه از دست دادن یک چوب کبریت سوخته در من ناراحتی ایجاد نکرده و نخواهد کرد . برعکس ، خوشحال میشوم که هویت واقعی و راستین خود را بشناسم ، زیرا همچنانکه استاد متذکر شده اند ، حقوق ملی من در گرو وجود و عدم شاهان غدار ترک و فارس و ... نبوده و نیست . حالا که فهمیدم شاه اسماعیل صفوی تنها قهرمان یک «رمان» بوده و وجود خارجی نداشته ، چه امتیازی را از دست داده ام ؟ قبلاً چه امتیازی داشته ام ؟
برادر مسلمان ، بنده برخلاف شما از اسم فارس و ترک و عرب ، نه تنها حالم بهم نمیخورد ، بلکه آنها را نشانه هایی از آفرینش بی غل و غش الهی و قربانیان شیطان میدانم که وجود آنها سبب آگاهی عینی من از واقعیت الله و شیطان شده است . من برخلاف شما از واقعیات (وجود ترک و فارس) نمی گریزم .

نویسنده: قاراداغلی

دوشنبه 24 تیر1387 ساعت: 0:50

این دو ملت ، صرفنظر از منشأ پیدایش آنها ، صرفنظر از مورد استفاده ابزاری قرار گرفتن آنها و صرفنظر از اینکه در اعصار دور و نزدیک چه بر سر «اجداد» آنها آمده ، واقعیات وجودی آنها را بعنوان مخلوقات الهی می پذیرم و گمان دارم سعی استاد نیز آنست که با روشن نمودن گذشته آنها ، غرور و نخوت کذایی را از اندیشه های آنها بزداید و در مسیر حق و عدالت قرار دهد . با شناختی که من از استاد دارم ، ایشان هرگز قصد تحقیر حتی احدی از آحاد این کره خاکی را ندارد و برعکس در صدد

نابودی «بنیانهای» تحقیر آنها است .
برادر گرامی ، وقتی از نفرت در حق کسی صحبت می کنید ، به همه افراد یک ملت تعمیم ندهید . نه همه ترکها از رضاخان نفرت دارند و نه همه فارسها از آتاتورک . همچنانکه نه همه فارسها از رضاشاه تمجید می کنند نه همه ترکها از آتاتورک . تنها قوم پرستان فارس رضاخان را می ستایند و فقط قوم پرستان ترک آتاتورک را می ستایند . حساب ورجاوند و محمود افشار و ... را از حساب «فارس»ها جدا کنید . همین برداشت غلط سبب شده است که باستان پرستان ، استادپورپیرار را عرب ستا و یهودستیز بشناسند که حد اقل شاگردان این کلاس بر عدم صحت آن اطمینان دارند . ناسیونالیسم هم یک شکل قالبی و معین ندارد و درست نیست که آن را بسادگی معادل «پان» بدانیم . همه «پان»ها الزاماً تهاجمی هستند اما ناسیونالیسم الزاماً تهاجمی و مستلزم «دگرستیزی» نیست . من میتوانم ملت خودم را دوست داشته باشم و در عین حال نسبت به ملیتهای دیگر نفرت نداشته باشم . این سالمترین نوع ناسیونالیسم است که با شدت و ضعف تقریباً در همه انسانها وجود دارد . همچنانکه عموماً افراد به همشهریان خود تعلق خاطر بیشتری دارند تا غیر همشهری ها . اما این تعلق خاطر مستلزم کینه و نفرت و حتی بی حرمتی به غیرهمشهریان نیست . همینکه می فرمایید :« این که شما یه مسائلي دارین که داره حل میشه یا نمیشه صنار به اصل ماجرا و به من ربط نداره!» بیانگر نوعی ناسیونالیسم است و تفکیک انسانها به «خودی» و «غیرخودی» .

نویسنده: قاراداغلی

دوشنبه 24 تیر1387 ساعت: 0:50

برادرم ، اینکه اخیراً بحث مربوط به ترکها داغتر شده ، حق با شماست . اما یک خواهش برادرانه دارم ، لطف کنید ابتدای شروع این بحث ها را در آرشیو وبلاگ جستجو کنید و ببینید چه کسانی بحث را شروع کرده اند ، چه کسانی حمله نموده و چه کسانی دفاع کرده اند ؟ امیدوارم بخاطر حمایت از «حق» ، این کار کوچک را انجام بدهید و پاسخ سوال خود را خودتان بدهید .

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 24 تیر1387 ساعت: 1:4

آقای سهند. تنها یکی از یادداشت های شما را نصب کردم که اشاره هایی آموختنی در آن بود. بقیه را آسمان ریسمان بافی های سر هم بندی شده ای تشخیص دادم که موجب اطاله ی غیر لازم و بی هوده ی کلام می شود. این که انبوهی دانشمند عالی جاه پیوسته در صف خدمت ایستاده اند تا در هر تنگنا با گزیده گویی و سخنان قصارشان به داد شما برسند، موجب حسرت و حیرت ما از دنیا بی خبران است و مرا به یاد تریبون داران رنگارنگی می اندازد که در بزنگاه های سخن، بیتی برای ختم غائله از مولانا و این و آن می خوانند. پیشنهاد می کنم در مواجهه با بغرنجی ها، به جای توسل به اقوال دیگران به فکر مستقل خویش مراجعه کنید و تجربه های عقل و عمر را در نظر آورید. هنگامی که بنیان شناسان نخستین شرط درک مسائل هویت و تاریخ و فرهنگ شرق میانه و بل جهان را، قبول و یا رد تئوری پوریم می دانند، نظر به گفتارهای کسانی چون حیدر بیات دارند که هنوز تکلیف فردوسی را تعیین نکرده بیانیه ی فرهنگی صادر می کند و از خروج از وادی شعر و ورود به مسائل جدی می نالد. آیا به عمق فاصله میان بنیان اندیشی و هوس بازی جاهلانه با قلم پی می برید؟! با این همه به تر است نصیحت های تان را برای نویسنده ای که هنوز تمام حرف های اش را نزده به باد نسپارید، زیرا خبر ندارید سر از کجا به در خواهید کرد. یادآوری می کنم اعلام حضور ترکان در پی طلوع اسلام از سوی شما، که گمانم نونگری برداشت شده از داده های این وبلاگ است، اگر حوصله کنید، شاید هم که هزار سال دیگر جلوتر بیاید.

آقای آیدین یاشار. وقتی مکررا و پس از توضیحات مجدد نیز در برداشت از موضوعی عاجزید و مرا وا می دارید تا عجزتان را تذکر دهم و موجب لب ورچیدن تان شوم، از جمله به سبب فضل عظیمی است که در مورد دوم کامنت شما موج می زند. حتی ده درصد اعراب کنونی نیز به واقع عرب نیستند و پیش از اسلام زبان و فرهنگ و حتی خط مخصوص خود را داشته اند. بنا بر این وجود لهجه در میان اعراب نیز تابع همان قانونی است که برای نخستین بار در تعریف لهجه آوردم. لهجه حاصل برخورد دو دانایی و بیان است و ادعای ایجاد آن در یک زبان واحد ناشی از کمبود عقل و اندیشه است.

آقای فتح. متوجه منظور شما نشدم.

نویسنده: م.ستاره

یکشنبه 23 تیر1387 ساعت: 22:37

سلام
ادفع بالتی هی احسن السئیه
بسی آنوسی که به این وبلاگ می آیند و تشخیص آنها خیلی راحت است . من علاقه ای به برخی رفتارها ندارم . همان وقت هم گفتم که به بیگلی بیگلی های عاشق و مخلص ، اعتراض دارم . اما خودم هم می دانستم که او کیست .
جناب رضای عزیز ! از کامنت های شما ، نوعی نگرانی از به زیر سوال رفتن ترک ها را حس می کنم که درست آن ، به زیر سوال رفتن ترکی است . کاش یک بار برای خود ، قومیت را تعریف می فرمودید که ترک بودن یک نفر ، موجب چه واکنشی از

جانب شما می شود ؟ آیا نژاد پرست هستید و او را ، در کل به یک غیر ترک ، برتری می دهید ؟ اگر نژاد پرست نیستید ، پس این قومیت دیگر چیست ؟! آیا انسانیت ، به قوم وابسته است ؟ فضل یک ترک بر یک غیر ترک چیست ؟ چرا به زبان کسی گیر می دهید که چیست ؟ چه اهمیتی دارد ؟ آیا می توانید نقش قومیت را در زندگی کسی تعریف کنید ؟ چه فایده ، کاربرد ، عوارض ، ارزش و نتیجه ای دارد و اگر در حیات کسی ، چنین چیزی ، حالت تعریف نشده و نامفهوم داشت ، چه اشکالی پیش می آید ؟
حتی تاسیس دانشگاه های ترک در ایران ، خیلی راحت و ممکن است و بنابراین ، با یک روند ملی ، می توان به این خواسته رسید . پس دیگر نباید مشکلی باشد و امری بسته به نظر افراد متکلم به آن زبان است و نه دولت .
اگر ما با چند ملاقات ساده با آقای پورپیرار ، این قدر راحت قوم پرستی تزریق شده را کنار می گذاریم ، ببینید که کدام یک مهمتر است : تاسیس رادیو تلویزیون 7/24 ترکی یا اینکه هفته ای یک ساعت ، تریبون در اختیار ایشان باشد ؟ این همه بوزینه در مدل های مختلف ، معلق می زنند ، فیلم های بی محتوای سانسور شده خارجی یا یخ زده و چندش آور داخلی پخش می شود ، انواع چیپس سرطان نمکی و هر مزخرفی را در سطح ملی ، تبلیغ می کنند ، اما لحظه ای به این مسایل نمی پردازند . می خواهید بتوانم محترمانه حرف بزنم ؟! مثلا این شهبازی به غایت بی سواد را می آورند در مورد تاریخ مشروطه حرف بزند یا VOA هم افرادی دیگر را . اگر فقط 30 جمله از آقای پورپیرار در مورد مشروطه ، مطلب ، آن هم بدون ارائه سند و به شکل کلی شنیده باشید ، حال تان از این حرف ها به هم خواهد خورد و متوجه خواهید شد چرا بوزینه ، خیلی هم زیاد شان است .

نویسنده: م.ستاره

یکشنبه 23 تیر1387 ساعت: 22:37

2
دیگر ترک زبانان این وبلاگ هم ، کامنت گذار یا خاموش ، بسته به زحمتی که در راه باد هوایی به نام قومیت ترک کشیده اند ، همچنانکه عده ای دیگر و برای قومی دیگر ، ناراحت اند و مایل نیستند حقیقت ، آشکار شود چرا که هم معرکه را از دست خواهند داد و هم اعتبار خود را که چطور تا کنون به این مسایل ، نرسیده اند . اما اعتراض من این است که همه ما فریب خورده بودیم ، پس بیایید از این به بعد خود را اصلاح کنیم و اگر نویسنده ای کتاب هایی نوشته که سومریان صاحب خط ، اجداد ترکان بی خط بوده اند و امروز روشن شده است که مسیری یهود ساخته برای ادعاهای مسخره است ، اعتراف کنیم . مگر بد شد آقای پورپیرار از حزب توده برگشت ؟ وقتی اشتباه است ، باید ایستاد و بیشتر در باتلاق فرو نرفت . چنانچه فردی مثل شما ، ندا داد ، عزیز ومحترم است و اگر همچنان بر طبل دروغ کوبید ، شما بفرمایید ما چه کنیم ؟ مثل شما ، عزت و احترام روا داریم ؟ آیا افرادی ، مثلا خود شما ، یا فرد منصفی حتی از همان قوم ، اعتراض نخواهد داشت ؟ چرا باید این همه موضوع اساسی و حرف دل وبلاگ را رها کرد و به حاشیه ای نظیر قومیت چسبید ؟
البته جای بسی تاسف است که ما ، با این همه گفت و گو با ایشان ، هیچ کار شاقی هم نکرده ایم الا جناب آقای غفوری . توهینی هم به هیچ قومی از جانب ما نشده است . اگر به ترک ها توهین شده باشد ، والدین بسیاری از ما ترک است مثل مادر محترمه همین جناب عاشق و مخلص . این فقط یک نمونه خیلی ساده است . به موارد مهمتر از آن ، اشاره نمی کنم . بابک جان ! شما هم بهتر است اصل مبلغ این تحقیر ها را بیابی ، نه چند جوان دنبال هر گونه دلقک کاری و لودگی . آیا نمی خواهید ریشه این رفتار را بیابید که یکی از آنها ، انداختن گناه پوریم ، گردن چند مغول است و تایید آن از جانب برخی از همین ترک ها و بعضا افتخار به آن ؟!
برای نجات از گرداب یهود ، خیلی چیزها را باید انداخت ، مثلا رهبران یا بخش عمده ای از اعتقادات ! خاطرات هاخام یدیدیا شوفط را در وبلاگ آخرین اخبار بخوانید و لذت ببرید !
والسلام

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 24 تیر1387 ساعت: 8:41

آقای سهند. در این جا آجیل نمی دهند و نمی گیرند. برای آن نیچه خوانی های باطل شده و تصورات قومی بر باد رفته، متاسفم. بی حاصلی فحاشی در برخورد با این وبلاگ را باید تجربه ی هشت ساله به شما آموخته باشد. این وبلاگ با یاری الهی به راه خود خواهد رفت و تایید و تردید و تهدید این و آن تغییری در مسیر آن نخواهد داد. دنیایی نیست که غم خود خوران را گرامی بدارد. زمان جنگ عمومی علیه غارتگری و استبداد است نه صرف هزینه برای ستیزهای خانگی دل خوشی ساز، از قبیل آزادی تکلم و نگارش به زبان مادری، که سرنوشت کسی را تغییر نخواهد داد. اینک انسان در صحنه است و جدال برای رهایی عمومی جریان دارد، ستیزی که با پیروزی محتوم خود، دل واپسی های فرهنگ قومی را نیز چاره خواهد کرد. این تنها مسیر باز مانده است نه گردن را به یوغ افسانه های 8 هزار ساله بستن و گمانه های ناممکن پروراندن.

نویسنده: رضا

دوشنبه 24 تیر1387 ساعت: 10:52

با سلام خدمت جناب استاد
جناب م . ستاره ، اولا از لحن دوستانه و محترمانه شما نسبت به خودم متشکرم ، ثانیا من چنانچه اشاره کرده ام در این

وبلاگ شاگرد کلاسی هستم که در آن تاریخ و به تبع آن اصالت اقوام فعلی ساکن در منطقه ایران در زیر ذره بین است و به چالش کشیده شده است. یکی از این اقوام هم تورکها هستند . مطمئن باشید که تلاش برای شناخت هویت خود با قوم پرستی متفاوت است و برای من زیر سوال رفتن تورکی جای نگرانی نیست . چه اساس شرکت من وامثال من در این کلاس داشتن سوال در مورد هویت همه ایرانیان و علی الخصوص خودمان(تورکها) است. اجازه بدهید به سوالات شما اینگونه پاسخ دهم که ، بی آنکه خودم نقشی داشته باشم تورک زاده شدم و برخلاف عده ای از همزبانانم از این امر نه خجلم(که با انتخاب فارس شدن ازخجالت درآیم) و نه مغرورم (که تورک را پسر خوانده خدا فرض کنم) بلکه زبانی دارم برای گفتگو و کسب فرهنگ که باید آنرا بشناسم و سره اش را از ناسره جدا کنم تا بقول قران مجید از این اختلاف زبانها آیاتی الهی را دریابم . این امر بهچیوجه تائید برتری طلبی کسانی مانند سیاستمداران تورک نیست.به نظر بنده اصلا مقوله مباحث این کلاس سیاست روزنیست (اگر چه با اساس سیاست مرتبط است) بنابر این بحث خوبی و بدی رضاشاه و آتا ترک و... نیست که اینهمه سر وته یک کرباسند و ظلمی که از طرف شووونیستها به کورد کشور ترکیه میشود شکل دیگری از ظلم شووونیستها به تورک و عرب و کورد و لرو... ایرانیست. اما تفاوت یک تورک مسلمان با یک غیر تورک مسلمان برای من در حد تفاوت همسایه من با دیگر همشهریهایم است. و قطعا یک تورک غیر مسلمان برای من دورتر از یک فارس مسلمان است. حال اگر نزدیکی بیشترشما به همسایه خودتان از یک همشهری یا هموطن (بخاطر داشتن منافع مشترک تر) نژاد پرستی تلقی شود دیگر بنده دفاعیه ای ندارم.

وب سایت

نویسنده: رضا

دوشنبه 24 تیر1387 ساعت: 10:53

ادامه ... بارها عرض کرده ام که انسان بودن برای من مقدم تر از قوم است زیرا اساس خلقت بر انسانیت است .(این نظر با اومانیسم غربی یکسان نیست) پس برایم تورک بر غیر تورک افضل نخواهد بود. شما فرض کنید من وشما دو نوع اتومبیل متفاوت از هم داریم و در یک کلاس مرتبط به بررسی توانائیها و ضعف ها و نحوه ساخت آنها پرداخته ایم و این چالش به معنی تحقیر یا تفضیل آن اتومبیل نیست. توجه دارید که زبان و فرهنگ هم ساخت دست انسان است و نمیتواند مایه برتری جویی یا تحقیر باشد. بلکه موضوعی است دست مایه تحقیق و تعلیم. پس بنده به زبان کسی گیر نمیدهم بلکه از دیگران تمنا دارم به زبان من گیر ندهند.(تاکید می کنم که گیر دادن با بررسی و تحقیق فرق دارد) امروزه کسانی قومیت را در زندگی مردم ما بعنوان اصل اساسی طرح کرده اند و ما برای رد این موضوع و تاکید براین اصل که حقوق همه انسانها از هر قومی که باشند برابر است باید که اول از همه هویت حقیقی خود را باز شناسیم و سپس به دیگران بپردازیم و در این راه تا باز شناسی کامل مجبور به تحقیق و سوال کردن هستیم. جناب ستاره ، در مجموع آنچه من تاکنون در یافته ام اینکه حداقل غالب ما تورک زبانانی که در این کلاس هستیم بدنبال هویتیم نه برتری جویی و برای ما داستان گرگ خاکستری و با برداشتن تاج شاهی از بین دوشیر تفاوتی ندارد. اما چرا برای دوستان سوالات ما راجع به هویتمان و بخصوص اظهار داشته هایمان برای تشخیص صحت و سقم باعث نگرانی و ناراحتی است؟ بعنوان یک مسلمان بفرمائید که آیا سوال و جواب در مورد جزئیات دین اسلام نشانگر عدم قبول خداوند است؟ یعنی اگر من خدا را قبول کردم باید چشم و گوش بسته همه حرفهایی را که بنام خدا برزبان میاورند باید قبول کنم یا حق مباحثه دارم؟ اگر چنین حقی برای یک مسلمان وجود دارد باید قبول کنید که پذیرندگان سرفصلهای این کلاس هم حق سوال و جواب دارند و روزانه سه بار متهم کردن آنها به عدم درک بنیان اندیشی و پوریم تجویز خوبی نیست!! بهرحال امیدوارم همه مردم بتوانند از هرگونه شرک و کبر و برتری جویی آزاد گردند.

وب سایت

نویسنده: عماد

دوشنبه 24 تیر1387 ساعت: 14:6

آقای غارداغلی خیلی استفاده کردیم. سوتفاهمهایی پیش آمده بود که گمان کنم با تامل و اندیشه برای همه قابل رفع هستن و ضرورتی به بحث درباره آنها و کش دادن بیش از حد و غیرضروری این مباحثه نیست.در باره چند تا نکته هم درست متوجه منظور من نشدید یا اشاره های بنده رو درست متوجه نشدید که خیلی مهم نیستن. به هر حال استفاده بردیم و در ضمن بنده با بیشتر حرفهای شما موافقم.

نویسنده: رحمانی

دوشنبه 24 تیر1387 ساعت: 17:0

با سلام خدمت همگی

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ
به یاد پوریم زدگان و رخداد پلید و ویرانگر پوریم و به امید شناخت کامل پوریم و مشرکان پوریم ساز

آذربایجان انرژی بسیاری دارد که اگر این انرژی در اختیار اسلام باشد، و از جعل رهایی یابد ، بزرگترین ضربه به گردانندگان پروژه پارس کنندگان و باوفایان وارد خواهد شد، پس بسیار طبیعی است که تمام تلاش مشرکان ، کنترل و هدایت این انرژی عظیم باشد ، تا پروژه خود را و خود را و پارس کنندگان و باوفایان را بیمه کنند؟!

هر دو طرف توحید و شرک به این موضوع واقفند ،گله مندی حامیان حقیقت ، دقیقا از همینجاست
چرا این انرژی به هدر می رود و مشغول تبلیغ جعل دیگری است؟؟؟!!!
جالب است،دقیقا همانها که این ملت را تحقیر گرده اند (جعل سازان و تاریخ سازان برای باوفایان)، اکنون به پوستینی خزیده و در چهره دوست ! مشغول ضربه زدن به این ملت هستند
اما همه بدانند ، مشرکان هرگز و هرگز آبجکت پارس کنندگی را مغلوب ملت ترک نخواهند کرد، این بزرگترین اشتباه است اگر که فکر می کنید آنها به چنین کاری رضایت خواهند داد

از سویی دیگر سران جعل و دروغ هم ، خوب به این موضوع واقفند ؟؟؟
به همین خاطر و برای ضربه زدن و جلوگیری از این اتحاد (یعنی همراهی آذربایجان با حقیقت) تمام تلاش خود را به کار بسته اند
چرا آنان که پوریم را نفی می کنند یا سعی در بی اهمیت خواندنش دارند ؟
در این وبلاگ نام ترکی روی خود می گذارند؟ این سوال بسیار مهمی است ،
چرا آنان که خود را به مزدوری زده اند، نام ترکی بر خود می گذارند؟؟؟
و چقدر زیبا همدیگر را حمایت می کنند؟؟؟ بخشی را ببینید؟

نویسنده: رحمانی

دوشنبه 24 تیر1387 ساعت: 17:0

سهند (همان "ما ما" بکن اژدها):: "ازاینکه اقایان آتامان و قاراداغلی زحمت مرا کشیده و در محتوای پیامهای شان به تمامی معضلاتی که من می خواستنم بپردازم جواب های بهتر از من داده اید سپاسگزارم."

دوباره دخالت سهند (همان "ما ما" بکن اژدها):::
"اقای حاجی زاده: از اقای رضا که پیامی درج نشده که شما بهش پاسخ داده اید."
سهند این وسط چه کاره بود ؟؟؟ شاید اینها از یک مرکز هستند؟ و شک کرده که چگونه بدون خبر او (حاجی زاده) پیامی درج کرده ؟

قارداغلی ::
"اگرچه من آقایان رضا و سهند و بجانی و آیدین یاشار و ... را از نزدیک نمی شناسم اما بنابر نوشته هایشان میتوانم بگویم که نه من یهودی هستم و آنوسی ، نه آنها"

بجانی کاشف نینوا :::
" قبلا باید بگویم من نه پذیرنده و نه منکر پوریم هستم زیرا نه دلایلی محکم برای رد آن دارم و نه دلایل شما را به طور کامل می توانم بپذیرم پس در بوته امکان است ."

بعد از جند روز آیدین یاشار::
" البته من موافق آن نیستم که این تاریخسازیها به قصد سرپوش گذاشتن بر حادثه پوریم بوده است، محور اصلی تفکر یهودی از دیرباز کنترل اندیشه هاست که استاد با عنوان مهندسی افکار عمومی از آن یاد کرده اند."

حالا بابک خطاب به میثم::
"من سهند را صادق ر و راستگوتر از تو یافتم."
شیادی سهند را در کامنت های قبلی بخوانید؟! پس بابک را، اگر روی این موضوع اصرار دارد ،به جمع شیادان اضافه کنید

نویسنده: رحمانی

دوشنبه 24 تیر1387 ساعت: 17:0

دوباره مدعی آذربایجان ، سهند(همان "ما ما" بکن اژدها) بسیار کتابخوان و پرگو و بیهوده گو ،آن مارخورده::
"دلیل اولی تشکر از اقای قاراداغلی است که با آن پیام های روشنگر و قلم شیوایشان تمامی حرف های دل مرا هم زده بودند"
راستی اینها چگونه از دل هم خبردار می شوند؟!

باز هم مدعی نادان شیاد پرحرف ::

" ایهمه نفرت شما از امثال من و سویداشم اقای قاراداغلی و دیگران بخاطراین است که ما اصالت و استقلال فکری مان را حفظ کرده و بوزینه وار معلق زدن را بلد نیستیم"

باز هم قارداغلی ::
" با سلام خدمت استاد و همه صالحان زمین و با سپاس از آقای رضا که حرف دل مرا زدند و چیزی برای گفتن نماند . "
باز هم از دل هم خبر دارند!؟

آقای قاراداغلی در مقابل سهند(همان "ما ما" بکن اژدها) ، آن مدعی آذربایجان چیزی نمی گفت ولی حالا،
در مقابل یک ترک می گوید ، شما حق ندارید خود را حتی فرزند(توجه کنید ، حتی فرزند) آذربایجان بدانید ::
" همینکه در ابتدای کامنت خود مرتکب «دروغ» آشکار و «تهمت» ناروا شده و بنده و آقای سهند را متهم نموده اید که ما « خود را منتخب کل آذربایجان و ترکان ایران» میدانیم ، نشان میدهد که چگونه «سرباز اسلام» هستید
شما مخیر هستید از هرکسی متنفر باشید اما حق ندارید خود را به دروغ «فرزند آذربایجان» بنامید . کسی شما را نمی شناسد که خود را «برتر» از تو و «رهبر و مقتدای» تو بداند . اینها که مرقوم فرموده اید وهم و خیالی بیش نیست "

یا نه شاید ایشان فکر می کنند، هر ترکی حتما باید با ایشان هم عقیده باشد، وگرنه ترک نیست؟؟؟!!!!

نویسنده: رحمانی

دوشنبه 24 تیر1387 ساعت: 17:1

جالب است همین قاراداغلی! در چند خط قبل گفته بود::
"اگرچه من آقایان رضا و سهند و بجانی و آیدین یاشار و ... را از نزدیک نمی شناسم اما بنابر نوشته هایشان میتوانم بگویم که نه من یهودی هستم و آنوسی ، نه آنها"

نمی شناسد اما می داند!
ولی برای سرباز که فقط ادعای آذربایجانی بودن داشت ، اعتراض داشت!!!،،،

مدعیان رهبری را باید شناخت یا یک شهروند را!!!!!!!!!!

باز حاجی زاده ::
"بنیان اندیشان محترم آقایان رضا،قاراداغلی و آیدین یاشار
از گفتنی ها، هر آنچه که باید، با کلام شیوایتان فرمودید،درفشانی های شما در میان مغلطه بافیهای سه تفنگدار (سه قداره کش) عقل و دل و دیده را جلا می بخشد چه سود که "نرود میخ آهنین در سنگ""

جالب است تا آنجایی که من می دانم، استاد ، شاگرانش یعنی آقایان بی نام و مجتبی غفوری و میثم ، م. ستاره را بنیان اندیش خوانده،
پس چرا این حاجی زاده ، دقیقا مخالفان آنها را بنیان اندیش می شناسد!!! و آنها را قداره کش!!!
این یعنی مخالفت آشکار با استاد و رد سخنان ایشان و نتیجه معلوم است :: در نهایت رد پوریم؟؟؟؟
قضیه روشن است، اینها مزدور یا آنوسی هستند، نظر شما چیز دیگری است؟
و با هزار روش کثیف، قصد تخریب بنیان اندیشی را دارند،بی شرفی یعنی همین!
اما نوع رفتار و بیان و روش اینها ، کلاس درس بزرگی برای شناخت آبجکتهای مورد استفاده و احوالات باوفایان مزدور و آنوسیان است ، استفاده کنید و تجربه کسب کنید!

باز هم حاجی زاده ::
"این آقایان متظاهر در خور هم کلام شدن با بنیان اندیشانی چون رضا و قاراداغلی نیستند "

مدعی آذربایجان(همان "ما ما" بکن اژدها) می نویسد:::
"که معلوم است که دیر تر سر سفره حاضر شده "
ایشان خیلی خوب در حال رصد حرکات شاگردان استاد است؟؟؟
اما خوب متاسفانه بلد نیست حرف های خودش را رصد کند!!!!!! نه اژدها؟

نویسنده: رحمانی

دوشنبه 24 تیر1387 ساعت: 17:1

و سر آخر اینکه آن مدعی گفته بود::
"ولی من به دم خروس بیشتر از قسم حضرت عباس اطمینان دارم"

و این جمله دقیقا لایق خود او و باوفایان و مزدوران است ،
و باید گفت " من به دم خروس بیشتر از قسم حضرت عباس شما اطمینان دارم "

سوال :: دوستان اینان چرا اسم ترکی روی خود می گذارند؟؟؟؟؟
دوستان توجه کنند دقیقا مشکل اینجاست ، نه اینکه هر ترکی، چیزی بگوید همه اعتراض می کنند،
نه ، بلکه مزدوران با بهره گیری از اسامی و زبان ترکی ، خود را ترک معرفی می کنند و شگردی که ....
تا تحریک کنند ووووو
همانها که آذربایجانی ها را، مجبور می کنند تا نام فرزندان خود را کوروش و داریوش بگذارند، حالا در اینجا جهت اشاعه افکار خود ، نام ترکی انتخاب می کنند؟؟؟
هماهنگی اینها با هم بسیار تامل برانگیز است !!!!!!!!!!!!
مثل باوفا دروغ می گویند ، شیادی اشان عالی است و (به خیال خویش) بسیار حرفه ای هستند!
آیا در میان دیگران نیز چنین هماهنگی ای را سراغ دارید؟؟؟!!!
امکان ندارد ، چند نفر بیگانه ، در محیط مجازی دور از هم ، اینچنین هماهنگی ای را داشته باشند !!!

از این به بعد به کامنت های اینان دقت کنید، هیچ نوع شرافتی را نخواهید دید، دروغهای شاخدار ، اما اصل آنها ، بر حضور در این وبلاگ و نیش زدن سلسله وار است، در نتیجه تکرار جعل و دروغ و صیانت از آن برای آنها وظیفه است و تا آنجا که البته شرایط اجازه دهد !!!!!!!
اگر می بینید گاهی اینان سکوت می کنند نه اینکه فحاش نیستند ، بلکه به خاطر اصل حضور در اینجاست؟!
از این به بعد کارهای اینان را زیر نظر بگیرید ، به راحتی به بی شرف بودنشان پی خواهید برد، برای اینان مهم، همان آمال یهود است و بس ، و هدفشان در اینجا نفی پوریم !!! حتی با چانه زنی دیپلماتیک!؟ اما این آرزو را به گور خواهند برد! ان شاء الله
پس صحبت با اینها شاید که صحیح نباشد، البته این نظر من است و بس!
خلاصه اینکه مواظب باشید ، داستان غم انگیز است

سوال :: اما چرا آقای رضا ، آنها شما را تایید می کنند و شما چیزی نمی گویید؟؟؟
آیا نفی کنندگان پوریم، بنیان اندیش هستند، جالب است اسم شما را کنار اسم خود ،می برند؟!
پس چرا چیزی نمی گویید؟؟؟ و تبری نمی جویید؟
اگر به ترک بودن است، پس هر که در اینجا ترک است باید در لیست آنها باشد!!!!!!!!!!!!!

نویسنده: رحمانی

دوشنبه 24 تیر1387 ساعت: 17:1

طبق اطلاعات بالا این جمله شما ، نامفهوم است!!!
و تعجب برانگیز است ::
جناب ستاره و جناب سهند(دو نمونه از دو قطب یک کلاس) بتوانند بدون تمسخر و توهین و تنها با اتکا به معنی هرکلمه قراردادی انسانها ، بدون تفسیر و تاویل، باهم گفتگو کنند.

سهند مورد خطاب آیه بالاست، به نشانه های فراوان ، موظف است ، شیاد و اژدها و مارخورده است ، دروغگو ، بیهوده گو و پرگو است ، مثل باوفا دروغ می گوید ووووو
آیا با یک مسلمان مورد تایید استاد، همتا است ؟! و قابل قیاس؟
می دانید، حالا که پته سهند روی آب افتاده ، شما با این گونه سخن گفتن ، در حال سروسامان دادن به اوضاع هستید!!!؟؟؟این یعنی چه؟
(امیدوارم که اینگونه نباشد)

حالا بابک را ببینید ، چگونه به مارخورده دروغگو (همان "ما ما" بکن اژدها) کمک می کند؟؟؟
"من هر روز كامنتهاي شما را در قالب بحث با افرادي چون سهند قراداغلي و .... ميخوانم. احساس مي كنم هنوز آن بنيان انديشي كه آقاي پورپيرار ميخواهد"
و در ادامه
"تحقيرها و زخم زبانهايي كه افرادي مثل سهند ، قراداغلي و ساير دوستان همفكر آنها ديده اند و چشيده اند هيچوقت نميتوانيد درك كنيد"
آیا دروغ گفتن ،تحقیر کردن نیست؟ آیا بیهوده گویی ، تحقیر نیست؟
در ضمن تحقیر را آنانی می کشند که در متن ملت خود هستند ، نه در آنسوی دنیا !!!؟؟؟
پس این گروه ، با تمام توان می خواهد این بیهوده گوی اژدها را ، یعنی سهند را نجات دهد!!!؟؟؟
راستی چرا؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

چرا همین بابک در مقابل دروغهای مارخورده چیزی نمی گفت!!!!

اتفاقا من از استاد ، عدم نصب کامنت این موظفان را درخواست می کنم.
به ویژه کامنتهای اژدها را، هر چند یحتملا،با اسم دیگری ،دوباره خواهد درخشید!!!

با تشکر فراوان

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 24 تیر1387 ساعت: 22:6

آقای پرسشگر. غالب وارد شوندگان بر این وبلاگ سابقه ی رجوع چند ساله دارند و اگر استدلال و برهان و تصویر و بیان، قدرت رخنه در باورهای آنان را می داشت، پس در نحوه ی اندیشه ورزی تاریخی آنان تجلی می کرد. از دیدگاه من آن کس که پس از هشت سال مواجهه با اسناد همه جانبه ی ارائه شده و در نهایت دیدار از مستند تختگاه هیچ کس هنوز درباره ی وقوع پوریم دچار اما و اگر است، قصد فساد دارد نه یاد گیری و اتفاقا هم اوست که علی رغم مواجهه با صورت واقع در ماجرای صفویه و وسعت انواع جعلیات فرهنگی در موجودی تاریخ شرق میانه، هنوز از اصالت اقوام دم می زند و ادعاهای عجیب و غریب چند هزار ساله دارد.

آقای رحمانی. نیت خیر برخی از دوستان مثلا آقای بابک را ندیده نگیرید.

آقای منوحیم. نصب چنان اعدادی به اختیار تنظیم کننده ی آن است.

نویسنده: حاجی زاده

دوشنبه 24 تیر1387 ساعت: 22:51

رحمانی،ای بی ایمان، ای خدانشناس، ای بی چاک دهن وووو! از استدلالات و استنتاجات جنابعالی درسها آموختیم!خاطرم هست پیشتر، خود تو، میثمی را که اکنون بنیان اندیشش میشناسی را نیز طی ده کامنت آماج همین القاب و عناوین قرار دادی !چرا؟ چون به آراز بیلگین گفته بود "حمار"!پس مطابق اسلوب خودت، تو باید از نوچه های آراز باشی!
از رحمانی بپرسید بنیان اندیش کیست؟خواهد گفت:کسیکه ستاره و بینام و میثم را بپرستد چون آنها معصوم و بری از هر گناه و لغزشی هستند!
ای کفرگو!بدمستی کردی، ازخدا بهراس!
خود تو از کجا از نیات دل ما آگاه شدی؟جلل الخالق!از کجا فهمیدی ما اعضای یک باند هستیم؟ نگو که از کامنتهایتان!
اما من پیشنهاد بهتری برای استاد دارم،اگر مقدور است ایشان باکس کامنتها را تعطیل کنند تا نه انرژی و وقت بنیان اندیشان صرف قلع و قمع سئوال کنندگان شود ونه ما آنوسیان دالانی برای فرو ریختن بنای اندیشه های استاد!!بویژه که حضرات تشخیص داده اند"باید" استاد متکلم وحده باشند و دیگران صم و بکم!
"ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب"
بارالهی، به همه ی ما توفیقی عطا کن تا اسباب هدایت حق جویان و باطل جویان باشیم نه حائل و حجابی میان "حق" و ایشان.

نویسنده: یولداش

دوشنبه 24 تیر1387 ساعت: 23:20

به گمانم برای معنا کردن اسم ایران بایست در زبان و منابع یهودی جستجو کرد.

نویسنده: حاجی زاده

سه شنبه 25 تیر1387 ساعت: 0:7

تصحیح می شود:
"و نه ما آنوسیان، دالانی برای فرو ریختن بنای اندیشه های استاد خواهیم داشت!!"

نویسنده: چیل

سه شنبه 25 تیر1387 ساعت: 0:23

ضمن سلام وخدا قوت خدمت استادومحقق ارجمندجناب اقای پورپیرار

متاسفانه کمتر وقت کامنت نوشتن دارم اما مطالب را دقیقا" مطالعه می کنم.گویا این بحث صفویه ودو مطلب بسیار عمیق

متاخرتیر خلاص بعضی ها بود .
قدیمی ها درست گفتند که بیرون نرفتن بی بی از بی چادریست , همراهی بعضی ها با این وبلاگ هم مصداق بی بیست که این بعضی ها نه از باور اندیشه های ناب استادمتمایل به این وبلاگ اند بلکه به خاطراخم به با وفاها(به قول رحمانی عزیز) است.
ادعای ترس بنیان اندیشان از فرو ریختن اندیشه های استاد به دست چند طفل ابجد خوان قوم گرا(بخوانید انفصالی) ضرب المثل گنجشک و شمس العماره رابه ذهن متبادر می کند که گنده گوییهای گنجشک نه به جثه ونه به چلغوز او تناسب داشت.

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 25 تیر1387 ساعت: 1:6

آقای علی. تا نصب چند یادداشت دیگر نیز حوصله کنید.

آقای چیل. در باب دانایی های تاریخ و فرهنگ قومی و منطقه ای، همگی از ترک و فارس و کرد و لر و غیره، درست مصداق لعبتکان رقصنده ای هستیم که با نخ یهودیان چرخ می زنیم.

نویسنده: میثم

سه شنبه 25 تیر1387 ساعت: 1:14

حاجی زاده گرامی! با توجه به اینکه بنده و برخی از دوستان ممکن است از لحاظ فکری با هم اختلافات عمیقی داشته باشیم ولی بنده در نیت حقیقت یاب شما تردید ندارم! هر چند که بر خوردتان با جناب بینام عزیز و م ستاره را نمی پسندم. در ضمن جناب رحمانی و م ستاره عزیز نیز به بنده در مواردی تذکر داده اند، زیرا که ما در اینجا با کسی تعارف نداریم . به کسی که در اشتباه است باید تذکر داد حال می خواهد قبول کند یا خیر. بنده در مورد امثال سهند و آراز همان رفتار را اگر 1000 بار دیگر تکرار شود ادامه خواهم داد بدلیل اینکه چند شنبه قبل، بر سر نحوه ی اختلاف انداختن میان اقوام بین ما در کنیسه دعوا شد!!!

نویسنده: مسعود

سه شنبه 25 تیر1387 ساعت: 1:41

وقت شما بخیر استاد محترم و خسته نباشید.
دوستان عزیز.
به گمان من مطرح شدن مستدل و محکم مطالب فوق العاده نوین تاریخی - فرهنگی از سوی استاد میدان فکری را بر همه صاحبان افکار دروغ پیشین که همه دستپخت یهود بین الملل بوده است به شدت تنگ کرده است و همین عکس العملهای کامنت نوشتن هذیان وار از سوی افراد مغرض و یا بیطرف اما خوگرفته با این دروغها خود بارزترین نماد این شکست مفتضحانه اربابان و معتقدین به کاخ آمال دروغ و نیرنگ میباشد.
مطلب مهمی را که میخواهم به دوستان و دشمنان عرض کنم اینستکه بررسیهای پرمغز استاد نه اینکه مستقیما" موضوعی را دروغ و یا صحیح نشان بدهد بلکه به گونه ای مباحث را موشکافی و تحلیل میکند که هر انسان "معمولی" و "بیطرف" را در مسیری روانه میسازد تا خود با سبک سنگین کردن داده های جدید و دیتاهای وهم آور قدیم به حقیقت مطلب دست یابد.
این را هم عرض کنم که ما در عصر انتشار سریع اطلاعات میباشیم و نباید فراموش کنیم که:
"در ازای بدست آوردن دیتای نوین و صحیح در هر زمینه ای که رشد عقلانیت بشر را سبب میشود سیستم سیاسی-شیطانی حاکم بر کره ارض در هر منطقه ای که باشیم بهای گزافی را بعنوان دق دل و باج و خراج به نوع بشر با بیرحمی تمام تحمیل خواهد کرد . این بها میتواند فشار اقتصادی فرهنگی و حتی قتل عام دیگری از نوع پوریم باشد که همه ما باید برای آن در آمادگی صد در صد باشیم .بحول الله."

نویسنده: آیدین قشقایی

سه شنبه 25 تیر1387 ساعت: 8:17

سلام به دوستان
من احساس می کنم بسیاری از تهمتهایی که به بعضی از دوستان زده می شود بی اساس است و عامه دوستان آمده اند تا سناریویی که آقای پورپیرار برای تاریخ ایران پیشنهاد داده اند را بخوانند. آخر آقای پورپیرار هر چه باشد ایرانی است و رویکردشان به بحث تاریخ علمی می باشد و اینطور شخصی باید تمام تعصبات قومی و قبیله ای را به کناری نهاده و صرفا به دنبال حقیقت باشد و بس. من تا آنجا که میدانم ایشان به این اصل پایبند بوده اند.
عرضی هم با بعضی دوستان داشتم. پدر من تا چهل سال پیش عشایر بوده و حداقل من مطمئنم که اصالتا قشقایی ام از طایفه شیش بیلی (Shish Beili) ایل قشقایی. و تا آنجا که از لحاظ لهجه گویش تحقیق کرده ام گویش طایفه ما شباهتهای زیادی با تورکی آماتولی دارد تا تورکی آذربایجان. پس من نوعی تاریخ تا 500 سال قبل خودم را تا حدودی میدانم و اگر هم به

این وبسایت مراجعه می کنم می خواهم اطلاعاتم را کاملتر کنم. همین و بس!!!!!!
مطمئنم خیلی از دوستان دیگر هم همینگونه اند. لذا از دوستان خواهش می کنم بیاییم به هم انگ نزنیم که فلانی آنوسی است و فلانی چنان ... . بنا نیست همه ما همفکر باشیم. وجود تضاد در مباحثه نه تنها عیب نیست بلکه لازمه پیشرفت و تکامل است. بسیاری از ماها دوست داریم آقای پورپیرار هر چه زودتر وارد بحثهای زندیه و قاجاریه و سپس پهلوی و جمهوری اسلامی شود. وقوع این نوع بحثهای بیهوده صرفا ما را از شناخت سریعتر حقایق تاریخ ایران باز می دارد.
مسلم آنکه همه ما ممکن است رگه هایی از تعصب را در گفتار و رفتار خود داشته باشیم و خودمان هم متوجه این قضیه نشده باشیم و بیش از حد بر آنها اصرار کنیم. وقوع این امر در این مملکتی که استبداد شونیسمی نژادی و مذهبی حاکم بوده است کاملا طبیعی است.
پس بیایید دوستانه به هم تذکر دهیم تا همه رذایل رفتاری از ما پاک شود و بتوانیم از حضور در این جمع دوستانه طرفه ای بر بندیم.
"حملنا امانه علی الانسان انه کان ظلوما جهولا"

وب سایت

نویسنده: رضا

سه شنبه 25 تیر1387 ساعت: 8:44

با سلام خدمت همه دوستان
دوستان تورک زبان متهم به ضد بنیان اندیشی و وابستگی به صهیونیسم (و دیگر همکلاسیهایی که قصد پاسخگویی به کامنتهای مندرج اخیر را دارند) بعنوان یک عضو کوچک این جامعه استدعا دارم در حین نوشتن خودتان را در محضر خدا حس کنید و بعنوان یک مسلمان از توهین و تهمت بپرهیزید. بیاد داشته باشید که ما مخلوق "رحمان" هستیم و نه "رحمانی" و روز معاد هرکس پاسخگوی اعمال و رفتار خود خواهد بود و آنروز در محضر حقیقت فرصت کافی برای بررسی قضاوتهای عجولانه این دوستان هم وجود خواهد داشت. روزیکه در آن به تاکید خدای متعال هر"ذره شر و خیر" بررسی و جزا خواهد یافت. برای آنکه دچار وسوسه ابلیس نشوید و پاسخ نوشتن را به زهر تهمت و توهین آلوده نسازید ، هر کامنت را دوباره بخوانید و سپس کمی در باره اش فکر کنید و با عجله دست به قلم نبرید ، خواهید دید که هم میتوانید صحت وسقم کامنتها را بهتر بررسی کنید و هم با کف نفس از هرگونه تهمت و توهین اجتناب کنید.و بخاطر داشته باشید که تنها شهادت خداوند کافیست و ما تنها وجودیرا که باید از خود راضی نگه داریم ذات متعالی خداوندست. وگرنه نارضایتی مخلوق خداوند از ما(اگر که ما به صحت اعمالمان ایمان داریم) مسئله مهمی نیست.
اگر هدف شما هم مانند بنده از خواندن این وبلاگ جستجو و یافتن حقیقت است " سرزنشها گر کند خار مغیلان غم مخور"(این مصرع هم برای اینکه علاقمندان بتوانند مستمسکی جهت تهمت و توهین بیشتر داشته باشند ، بدرد میخورد)

وب سایت

نویسنده: عثمان محمدی

سه شنبه 25 تیر1387 ساعت: 9:15

باسلام
در زير منتخباتي از جملات قصار آقاي رحماني را خطاب به آذربايجانيان درج مي نمايم و سپس توصيه اي براي ايشان دارم :

((چرا آنان که خود را به مزدوری زده اند، نام ترکی بر خود می گذارند؟؟؟

سهند (همان "ما ما" بکن اژدها)

بجانی کاشف نینوا

دوباره مدعی آذربایجان ، سهند(همان "ما ما" بکن اژدها) بسیار کتابخوان و پرگو و بیهوده گو ،آن مارخورده
باز هم مدعی نادان شیاد پرحرف

با هزار روش کثیف، قصد تخریب بنیان اندیشی را دارند،بی شرفی یعنی همین!

بلکه مزدوران با بهره گیری از اسامی و زبان ترکی ، خود را ترک معرفی می کنند

همانها که آذربایجانی ها را، مجبور می کنند تا نام فرزندان خود را کوروش و داریوش بگذارند، حالا در اینجا جهت اشاعه افکار خود ، نام ترکی انتخاب می کنند؟؟؟

سهند مورد خطاب آیه بالاست، به نشانه های فراوان ، موظف است ، شیاد و اژدها و مارخورده است ، دروغگو ، بیهوده گو و

پرگو است ، مثل باوفا دروغ می گوید ووووو
آیا با یک مسلمان مورد تایید استاد، همتا است ؟! و قابل قیاس؟

حالا بابک را ببینید ، چگونه به مارخورده دروغگو (همان "ما ما" بکن اژدها) کمک می کند؟؟؟))

آقاي رحماني نخست بنده تورك نيستم و نصيحت بنده به شما از باب مسلماني است همه ي ما آبجكت هاي بسياري از شما خوانده ايم و شما را در مجموع مسلمان و بنيان انديش و نكته دان و روانشناس يافته ايم . اما نحوه ي بيان و اظهارات و كلام شما نسبت به آذربايجانيان خارج از دايره ي مسلماني و بنيان انديشي است .
به اين آيات خداوند در قران عظيم خوب توجه كنيد ((يا ايها الذين آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون)) . ((وجادلهم باللتي هي احسن)) البته خطاب قران در آيه ي دوم غير مسلمين است مسلمين آذربايجان كه جاي خود دارند .
در مجموع آن كس اخلاق ندارد هيچ چيز ندارد .
در مورد دغدغه ي حقوق قومي و ملي از جانب آذربايجانيان و بقيه ي اقوام اين نكته را بايد يادآور شوم كه شما هرگز نخواهيد توانست اين احساس جانكاه و دغدغه ي فكري را درك كنيد چون يك دقيقه هم به جاي آنان نبوده ايد . اين احساس و دغدغه را وقتي مي توانيد درك كنيد كه لااقل خود و خانواده و قوم و تبارتان چند سالي در موقعيت آنان باشيد .
والسلام علي من التبع الهدي

نویسنده: مسعود

سه شنبه 25 تیر1387 ساعت: 10:23

روز شما بخیر استاد گرامی.

گرچه بحث کاشی کاریهای نوساخته خاتمه یافته است لیکن اگر حوصله داشتید نگاهی هم به این تصاویر از کاشیکاریهای یهود ساخته در مسجد الاقصی و قبه الصخره بیندازید که بسیار دیدنی میباشند!!! :

/http://lh3.ggpht.com/_ATpBN55YQ3M/Rz5E6jFqmHI
AAAAAAAADBk/FjIRm47BgOI/100_3348.jpg

http://www.alhayathem.net/901.jpg

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 25 تیر1387 ساعت: 12:31

آقای عابدی. دعاگو و سپاس گذار زحمات شما هستم. با دوستان دنبال فرصتی هستیم که برخی روش ها را نوسازی کنیم که البته به معنای افزوده شدن زحمات شما خواهد بود. شاید هم خداوند مدد کرد و کارهای شما سبک تر هم شد. به دوستان تان سلام برسانید.

نویسنده: عابدی

سه شنبه 25 تیر1387 ساعت: 10:31

با سلام

استاد گرامی، ممنونم . در خدمتم و هر آن چه از دستم آید انجام می دهم ان شاء الله.
در پناه حق باشید.

نویسنده: م.ستاره

سه شنبه 25 تیر1387 ساعت: 11:44

سلام
از دوستانی که به قومیت علاقه دارند ، درخواست می شود همین فردا ، وسط میدان آزادی ، جمع شوند و با چاقو ، همدیگر را قیمه قیمه بفرمایند تا شاید عده ای باقی ماندند و دقت شان را صرف عکس های جناب مسعود ، مصروف داشتند که الحق و الانصاف ، هیچ فرقی بین کاشیکاری حضرت معصومه قم درایران و مسجد الاقصای اورشلیم در اسراییل نیست در استعمال و آرایش ابنیه با ستاره داوود و صلیب ! چه در بنای اصلی ، چه در آن بنای کوچک ! جایی را از دست نداده اند !
فاعتبروا یا اولی الابصار !
الم تر اللی الذین یزکون انفسهم ؟ بل الله یزکی من یشاء و لا یظلمون فتیلا .

والسلام

نویسنده: اتفاق

سه شنبه 25 تیر1387 ساعت: 16:22

سلام آقای عابدی
از زحمات شما سپاسگزارم
به گمانم جای مناسب نصب فایل « لغات منقور بر مسکوکات ارشکوسیان » ، در قسمت FAQ نباشد که چه بهتر است منوئی جدید در قسمت « عناوین » درست شود و اینچنین فایل هائی در همان فرمت PDF در آن قابل دیدار و قابل ذخیره کردن شوند ؛ اینچنین فایل هائی که اگر لازم باشد می توانم در موضوعاتی دیگر و مثلاً با عناوینی نظیر « آشنائی با روش تحقیق آقای ناصر پورپیرار » یا « مروری بر فحوای مجلدات هشت گانهٔ تأملی در بنیان تاریخ ایران » نمونه های دیگری از آنها برایتان ارسال کنم ؛ فایل هائی که خواندن آنها برای همه مفید است و در مورد فایلی مانند « آشنائی با روش تحقیق آقای ناصر پورپیرار » ، شاید جدای از مفید بودن ، واجب هم باشد ؛ چرا که جهل بر آن ، قرائت کنندگان را به ظن « تناقض گوئی » در آثار آقای پورپیرار کشانده است .
ضمناً در فایل ارسالی ، در همان محیط FAQ ، باید سرجدول ها (ردیف / اصل کلمه / تلفظ به حروف فارسی / معناء) را تنها یک بار ذکر کنید ؛ با این توضیح که اگر من در فایل ارسالی ، 4 بار در بالای جدول ، سرجدول گذاشته بودم ؛ از آن باب بود که در آنجا فایل در محیط Word نوشته شده بود و لاجرم پیوسته دیده نمی شد و در 4 صفحه گنجانده گشته بود ؛ حال آنکه در صفحات اینترنتی می توان یک متن را در درازا بطور کامل دید .

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

سه شنبه 25 تیر1387 ساعت: 21:15

با سلام خدمت آقای پورپیرار و سایر دوستان.
در این سایت 51 سند از ارتباط صهیونیت با حزب نازی موجود است.
دوستانی که وقت و امکان ترجمه این متن را دارند لطفا این کار را انجام دهند تا دیگر دوستان بتوانند از آن استفاده کنند.
در ضمن این سایت فیلتر شده , که با فیلتر شکن سایت www.narialinks.blogfa.com
باز میشود.

نویسنده: صادقی

سه شنبه 25 تیر1387 ساعت: 18:32

شب میلاد مردی که جهان او را می ستاید، به عدد خلافتش سروده ام باشد نشان اتحاد مومنین و نفرت از یهودیان موذی و سنگ انداز در مسیر بنیان اندیشان که تاب دنیای مجازی را هم نمی کشند با اسامی مستعار:
من عاشق رهپویی شاپور شهیرم
شاپور جلو افتد و من عینه ببینم
تا کی بنهد پا به سر این تن احقر
جان را بدهم تا که لبی سرخ بگیرم

ای مخرج تو مدخل انوار بصیرت
آنجای مبارک بودم مایه نعمت
من عاشق آن لحم و عظامم
از تو به که باید ببرم درد شکایت؟

تخت گه هیچ کس ناتمام
نیمه نیامد که به سر شد زمام
نیست پوریم منشا ول ماندگی
پول به اندازه نداد آن نظام

من کشته آن سته اسماء برینم
پیش آر که من منتظر خطبه نشینم
عمه لـله و خاله و آن ابن صغیرم
ام است بنات و دهن و پاک سرینم

عمریست که شاپور مرا کشته به مژگان

مژگان که نباشد تو بگو سیف سلیمان
این صادقی از خون دل خویش گذشته است
هیهات ز خون رگ و از خانه ایمان

نویسنده: یولداش

سه شنبه 25 تیر1387 ساعت: 23:8

اقای مسعود این بنای مسجد عمر است . مسجد الاقصی بنای کوچکتری در جوار ان است.

نویسنده: قاراداغلی

چهارشنبه 26 تیر1387 ساعت: 0:48

آقای رحمانی سلام علیکم
برای من مایه تاسف فراوان است که تصورات قبلی من نسبت به شما و آنهمه مطالب جالب و ارزنده ای که داشتید و من مدام همه آنها را با دقت و علاقه می خواندم نقش بر آب شد !! گمان می کنم که این تغییر نگرش حقیر را به حساب «عصبیت قومی» و پاسداری از منافع «یهود» خواهید گذاشت . اما بعنوان یک مسلمان (ادعای مسلمانی دارم ، چه قبول افتدو چه در نظر آید ؟) توصیه میکنم در قضاوت خود نسبت به کسانی که «ادعا»ی مسلمانی دارند ، کمی درنگ داشته باشید که گمان دارم موجب رضای حق تعالی خواهد بود .
برادر مسلمان ، لحظه ای با خود خلوت کنید و در ذهن خود مجسم کنید که رسول الله با «کفار» و «مشرکین» همانند شما با عناوین «بیشرف» ، «مزدور» ، «پرگو» ، «بیهوده گو» ، «دروغگو» ، «مارخورده» ، « نادان» ، «شیاد» ، «پرحرف» ، «آنوسی» ، «شیاد» و ... که بکرات در کامنت حضرتعالی تکرار شده است ، مواجه میشد . آیا در آن صورت ، اسلام امرز خانواده و احیاناً اقوام نزدیک آنحضرت فراتر می رفت ؟ شما حتماً کتاب کبیر «اسلام و شمشیر» را مطالعه فرموده اید . در آنجا عمده تلاش استاد تبرئه رسول خدا از هرگونه خشونت است . مگر نه این است که من و شما ، در حد توان خود ، باید شیوه آنحضرت را در پیش بگیریم ؟ اگرچه رسالت استاد پورپیرار با رسالت رسول اکرم (ص) قابل قیاس نیست ، اما بهر حال خود و شاگردان راستین ایشان مسئولیت اشاعه افکار و اندیشه های ایشان را بر دوش خود احساس می کنند ، و به گمان بنده ، شما نیز یکی از شاگردان ایشان و لاجرم مسئول در این عمل هستید . اما باز متاسفم که بگویم علیرغم خواست قلبی خودتان ، به بیراهه می روید !!!

نویسنده: قاراداغلی

چهارشنبه 26 تیر1387 ساعت: 0:49

آیا بنظر شما ، با این روشی که شما و برخی مدعیان در پیش گرفته اند ، «انرژی» آذربایجان «در اختیار اسلام» قرار خواهد گرفت ؟ آیا انرژی آذربایجان ، با انصراف از حق طبیعی و خدادادی خود در اختیار اسلام قرار میگیرد ؟ اگر گمان می کنید که با نفی این حق طبیعی و خدادادی خدمتی به اتحاد مسلمین خواهید کرد ، سخت در اشتباه هستید! آیا مطالبه «حق ملی» «جعل» است ؟ آیا ایستادگی در برابر «پارس کنندگان» در جهت منافع مشرکان است ؟ در عجبم از شخصی که آنهمه مطالب تحلیلی اجتماعی می نوشت ، چنین قضاوتی را شاهد باشم .
برادر مومن ، بنده یکی از کسانی هستم که بقول شما «نام ترکی» روی خود گذاشته ام . بنده کی و با چه لفظی «پوریم» را نفی کرده یا «بی اهمیت»ش خوانده ام یا «مزدوری»ام چگونه بر شما ثابت شده که چنین «سوال بسیار مهم»ی بر شما عارض شده است ؟ آیا ادعای مسلمانی با این نوع تهمت زدنها سازگاری دارد ؟
جناب رحمانی ، اگر از استاد بپرسید ، احتمالاً به شما خواهند گفت که کامنتهای مورد نظر شما از نقاط مختلف رسیده است ، نه از «یک مرکز»!!!
مچ بنده را گرفته و ایراد گرفته اید که :« نمی شناسد اما می داند!»[منظور آقایان رضا و سهند و بجانی و آیدین یاشار است] . اگر مجدداً به همان نقل قولی که از بنده آورده اید مراجعه کنید ، متوجه خواهید شد که بنده گفته ام « بنابر نوشته هایشان میتوانم بگویم که نه من یهودی هستم و آنوسی ، نه آنها"» . پس دانستن من مبتنی بر «نوشته های» آنان بوده و دلیلی بر «سوءظن» شما باقی نمیگذارد!!
پرسیده اید : « راستی اینها چگونه از دل هم خبردار می شوند؟!» و در ادامه آورده اید : « هماهنگی اینها با هم بسیار تامل برانگیز است » . و « آیا در میان دیگران نیز چنین هماهنگی ای را سراغ دارید؟؟؟!!!
امکان ندارد ، چند نفر بیگانه ، در محیط مجازی دور از هم ، اینچنین هماهنگی ای را داشته باشند !!!
برادر مسلمان ، آنچه که سبب میشود «از دل هم خبردار» شویم ، «درد مشترک» است و بس!! همچنانکه برادرمان آقای عثمان محمدی متذکر شده اند ، درک این یکدلی برای شما مقدور نیست چرا که چنین «دردی» را نداشته اید! همچنانکه «دیگران» مورد نظر شما نداشته اند! «درد مشترک» از این اعجازها بسیار دارد . باش تا صبح دولتت بدمد !

نویسنده: قاراداغلی

چهارشنبه 26 تیر1387 ساعت: 0:50

جناب رحمانی عزیز ، در این جغرافیا ، چماق های زیادی برای کوبیدن ما وجود دارد . مرحمت بفرمایید ، چماق دیگری از «پوریم» نسازید . من بجرات میتوانم بگویم که اکثریت قریب به اتفاق هویت طلبان آذربایجان که در این وبلاگ حضور می یابند ، موافقان افکار استاد هستند (امیدوارم بازهم سوءظن تان گل نکند که از کجا میدانی؟) ، منتهی نمیخواهند بدون کنکاش عمیق مطالب ، حتی اگر سبب برچسبهای ناچسبی هم شده باشد ، «تظاهر» به پذیرش کنند . سوال می پرسند ، مخالف خوانی می کنند ، رسوبات سالیان سال مطالعه آثار گمراه کننده را زیر و رو می کنند و آنگاه که مطلبی را پذیرفتند ، بسادگی متصاد آن را نمی پذیرند .
جناب رحمانی عزیز ، آیا آنهمه برچسب بر بندگان خداوند که میدانید مورد ستم فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی قرار گرفته اند ، «شرافت» است ؟ جناب رحمانی شریف ، بنده از طرف خودم حرف میزنم . چون ترک هستم اسم ترکی بر خود گذاشته ام . اگر شما با اسامی ترکی مشکل دارید سریعاً به مداوای سوءظن افراطی خود اقدام کنید .
برادر خوب ، شما از کجا می دانید بنده و دوستان دیگر آذربایجانی ها را مجبور می کنیم « تا نام فرزندان خود را کوروش و داریوش بگذارند» ؟ متوجه ضد و نقیض گویی خود هستید ؟ بنده و سایر دوستان ترک از یکطرف آذربایجانی ها را مجبور میکنیم تا نام فرزندان خود را کوروش و داریوش بگذارند» و از طرف دیگر اسامی «ترکی» بر خود میگذاریم و در این وبلاگ به «اشاعه افکار خود» مشغول هستیم ؟ عجبا! این است رسم مسلمانی مورد نظر شما ؟
برادر شریف ، بنده برخلاف شما ، منبعد در کامنتهای جنابعالی ، بدنبال «شرافت» خواهم گشت . همچنانکه «سکوت» شما را نه نشانه «فحاشی» ، که نشانه سر عقل آمدن و صاحب سر سوزنی انصاف شدن تلقی خواهم کرد . امیدوارم از تحقیق خودم مایوس نشوم .
برادرم ، باور کنید من از بدو تولد تا همین الان در «متن ملت خود» بوده ام و بجز یکماه سفر حج ، هرگز به خارج از ایران نرفته ام . اما به گمان من ، کسانی که « در متن ملت خود» نیستند! بیشتر تحقیر می کشند ، مگر اینکه بپذیریم ، افراد یک ملت «همدیگر» را تحقیر می کنند!؟

۱ ۲ >>

ایران شناسی 162

ایران شناسی بدون دروغ، 162، بررسی کتاب صدیق - 32 نظر

نویسنده: بختیار

سه شنبه 25 تیر1387 ساعت: 22:33

از اینکه خواننده مطالب وزین و با محتوای سایت شما هستم به خود میبالم

نویسنده: یولداش

سه شنبه 25 تیر1387 ساعت: 22:55

ممنون استاد .

نویسنده: بی نام

چهارشنبه 26 تیر1387 ساعت: 10:41

چرااین روضه های کپی پیست شده در ادعای فرهیختگان و تاریخ ملل که زایش نفرت و تفوق طلبی در نوشتارشان موج می زند,مدعیان اندیشمندی را که فیزیک وشیمی و...را هم از اقبال خوش در کارنامه خود دارند وادار به کمی صبر وسعه صدرعالمانه تا اتمام کلام استاد نمی نماید ومانع ترکیدن پفکیشان چون ذرت نهاد بر اتش ومبری از تعلیق لقب چس فیل بر خود نمی گردند؟
واقعیتها لخت وعریان شده است دشمن در پس چند هزار سال تجربه برنامه چینی و توطئه بر علیه بشر و بشریت به چنان مهارتی در اغوا و درون سوزی انرژی ملتها رسیده که حتی اندیشمندان ونخبگان ما هم از جذبه مظاهر ان در امان نیستند.
این اندیشمندان علائق بی منطق قومی را حتی تا درجه امتزاج ومیکس منافقانه با نظریه ناب بنیان اندیشی (که توان جداسازی ان رااز روح حقیقت خواهشان ندارند) مصمم اند .
بی شک وقار و تقیه استاد در اعتراض به ان افکار شوم قومگرایانه از دانایی نهاییست که ما شاگردان از ان بی بهره ایم نشا٬ت می گیرد و صبر و مدارا را همانطور که تا کنون جاری بوده را در قبال اینگونه تمنیات جاهلانه به ما توصیه و گوشزد می کند.
استاد دست مریزاد بسیار عالی بود هرروز به نمایانتر شدن تصور پازلی که فقط شخص شما از ان باخبرید نزدیکتر می شویم فقط بر این اندیشه ام که اگر قرار بود تمام این دانسته ها یک جا به ما منتقل شود خدا می داند به چه وادی ازانتقام و انتحار بر یهودیت پست که کشیده نمی شدیم.

نویسنده: آ

چهارشنبه 26 تیر1387 ساعت: 12:8

نویسنده: قاراداغلی
چهارشنبه 26 تیر1387 ساعت: 0:50
جناب رحمانی عزیز ، در این جغرافیا ، چماق های زیادی برای کوبیدن ما وجود دارد . مرحمت بفرمایید ، چماق دیگری از «پوریم» نسازید . من بجرات میتوانم بگویم که اکثریت قریب به اتفاق هویت طلبان آذربایجان که در این وبلاگ حضور می یابند ، موافقان افکار استاد هستند (امیدوارم بازهم سوءظن تان گل نکند که از کجا میدانی؟) ، منتهی نمیخواهند بدون کنکاش عمیق مطالب ، حتی اگر سیب برچسبهای ناچسبی هم شده باشد ، «تظاهر» به پذیرش کنند . سوال می پرسند ، مخالف خوانی می کنند ، رسوبات سالیان سال مطالعه آثار گمراه کننده را زیر و رو می کنند و آنگاه که مطلبی را پذیرفتند ، بسادگی متصاد آن را نمی پذیرند .

و آنگاه که مطلبی را پذیرفتند ، بسادگی متصاد آن را نمی پذیرند .

و آنگاه که مطلبی را پذیرفتند ، بسادگی متصاد آن را نمی پذیرند .

و آنگاه که مطلبی را پذیرفتند ، بسادگی متصاد آن را نمی پذیرند .

و آنگاه که مطلبی را پذیرفتند ، بسادگی متصاد آن را نمی پذیرند .

پس حقیقت را به سختی می پذیرند و دروغ را به سادگی.سخت با دروغ بودن دروغها کنار می آیندو با ناراحتی ترک میکنند.باز هم بگویم؟
نخواستم خیلی وارد کامنت شوم.همین یکی برای هفت پشت اظهار نظر کفایت می کند!!!

باز یکی از پیچای کارگاه لق شده؟مکانیک بفرستیم؟؟؟؟؟؟

نویسنده: حاجی زاده

چهارشنبه 26 تیر1387 ساعت: 12:29

1
باسلام

آقای میثم از حسن ظن شما ممنونم، امیدوارم دیگر دوستان هم مشمول این نگاه مثبت شوند، لازم به ذکر است، آن برخورد مورد نظر جنابعالی در حقیقت تقبیسی بود از رفتار و گفتار خود آقایان به قصد نشان دادن ناپسندی منش و سیاق آنها در تبلیغ بنیان اندیشی! در حقیقت بعد از آزمودن انحا, مختلف برای متذکر کردن آقایان، تصمیم گرفتم با ایشان به زبان خودشان وارد گفتگو شوم.
آموزه های قرآن باید علاوه بر حوزه ی فکرواندیشه در رفتار و گفتارمان نیز متجلی شود ، چنانکه با استناد از قرآن، موسای نبی در بدو بعثت فرمان میگیرد تا با فرعون سرکش با مصالحه برخورد کند، چه رسد به ما، از آن گذشته، معتقدم باید حرمت هرکسی که باعنوان شاگرد استاد وارد این مکان میشود محفوظ باشد چرا که اینکار در حقیقت احترام به ساحت استاد است،
ضمن اینکه متاسفانه جناب بینام ،مکررا در جریان مباحثه ها اقدام به حصارکشی و مرزبندی کرده وتا حد توان حلقه ی یاران استاد را تنگتر میکنند! اگر بخواهیم در انتخاب یاران استاد و بنیان اندیشان اعمال سلیقه کرده و انرا به انحصار چند نفر اقربای خود درآوریم، به دور از انصاف بوده واجحاف میشود،آیا اینکار صحیح است؟ اگر چنین باشد پس بنده هم مجازم مطابق سلیقه ی خود مثلا تنها آقایان رضا و قاراداغلی را بنیان اندیش بنامم! آیا چنین افعال دون شانی موجد چنددستگی و اختلاف بیشتر نخواهد بود؟

نویسنده: حاجی زاده

چهارشنبه 26 تیر1387 ساعت: 12:31

2
متاسفانه بنده بعنوان یک جوینده ی تازه وارد(همانطور که خود اذعان دارید) از بدو ورودم متحمل بدترین تهمتها و توهینها بودم (آنوسی،قوم پرست،منافق،جوگیر، بی شرف!) تنها چیزی که ندیدم مساعدت و روشنگری برادرانه ی آقایان مبلغ بنیان اندیشی بود ، بنده هر گاه که مناظره ای پیش می آید صادقانه و به بهای بجان خریدن انواع القاب و عناوین همه ی افکار و عقایدم را از نیک و بد آشکار کرده ودر معرض محک قرار میدهم و هر آنچه که ارزشمند باشد حفظ میکنم و زوائد را از ذهنم پاک میکنم.
اگر واقعا بنیان اندیشی با اولین رجوع به وبلاگ حق و صبر میسر میشود پس ارائه ی ذره ذره ی مطالب از چه روی است؟
اگر حقیقت را سهل الوصول بدانید تلاش و تتبع استاد به زیر سئوال میرود و اگر صعب الوصول است، پس این همه سرکوفت و منت و توهین برای چیست؟!
باری الحمدالله عنایت استاد بی همتایمان شامل حالم شد و من پیوسته از دریای علم و اندیشه و شخصیت بی نظیر و والایشان متمتع و محظوظ میشوم،خداوند حافظ و یاور ایشان باشد.

نویسنده: حاجی زاده

چهارشنبه 26 تیر1387 ساعت: 12:31

3
"قوم پرستی" و "قوم ستیزی" علت ومعلول هم و متجانس هستند هر جا که قوم ستیزی وجود داشته باشد،متعاقبا" قوم پرستی شکل میگیرد و بالعکس، قوم پرستی مولد قوم ستیزیست و هر دو مذموم اندو منتشا از احساس حقارت و کمبود و...جمعی.
در همین راستا تقبیح یکی(قوم پرستی) و تقدیس دیگری (قوم ستیزی) در حقیقت زنده کردن و به جریان انداختن هر دو تفکر پوچ است، بجای زایاندن قوم گرایی از شکم قوم ستیزی(مشغله ی برخی بنیان اندیشان!)، بایسته و شایسته است که به فکر درمان این درد جمعی باشیم،همان رسالت سترگ و ریشه ای که استاد بار سنگین آنرا بتنهایی به دوش کشیده اند.
نگاهی به آخرین کامنت جناب ستاره بیندازید،آیا آن گفتار نغز(!) در حوزه ی یک بحث علمی می گنجد؟ چه تفاوتی بین این یادداشت وآن یادداشت من که ناپسندش قلمداد میکنید وجود دارد؟ متاسفانه ایشان صلاحیت مباحثه ی علمی را ندارند حال هر قدر هم که در ابعاد دیگر به مکتب خدمت کرده باشند.
واقعا" نمیدانم مقصود ایشان از به راه انداختن مناظره، استغنای فکری است یا خودنمایی و برتری جویی؟! در هر صورت مرغ ایشان بطور مادرزادی یک پا داشته و خواهد داشت.

نویسنده: تلمیذ

چهارشنبه 26 تیر1387 ساعت: 12:34

با سلام خدمت استاد پورپیرار کبیر و سایر دوستان
1-اولا" خدمت همه دوستان عرض کنم که متاسفانه همه ما در اعماق ذهنمان دچار تضادهای فکری(پارادوکسها) هستیم و در این جمع بجز خود استاد پورپیرار من فکر می کنم تمام مدعیان هنوز هم تعصبات قومی و قبیلگی و مذهبیشان را در ته دلهایشان دارند و به همین خاطر باعث اشتباه تحلیل و عدم درک درست مسئله و باعث رنجش دیگران می شوند.
2-به نظر من به حال افرادی امثال آقای صادقی که در پست قبلی کامنت گذاشته اند فقط باید گریست!آخه برادر من استاد پورپیرار به چه زبانی بگویند بجز قرآن کریم هیچ متن دیگری از متون به اصطلاح اسلامی قابل ارزش گذاری نیست و مسائل صدر اسلام در هاله ایی از ابهام کامل است و اصلا" ارزش بحث و بررسی ندارد!!!کودکی سالها قبل از ظهور اسلام به دنیا

می آید، مانند سایر کودکان(تازه معلوم نیست این افراد واقع" وجود داشته اند یا خیر؟!!!)،چه کسی می دانسته در شصت و چند سالگی(به قول خودشان) او خلیفه مسلمین خواهد شد تا تاریخ تولدش را ثبت کنند؟!!!ثبت احوال از زمان رضاخان در ایران پرمدعا رایج شد و هنوز هم در این مملکت کودکان بسیاری در روستاها به دنیا می آیند که چه بسا در آینده شخصیتهای بزرگی بشوند ولی تاریخ تولدشان دقیقا" ثبت نمی شود!!!بابا دستمریزاد!پس تکلیف بنیان اندیشی چه شد؟!

نویسنده: تلمیذ

چهارشنبه 26 تیر1387 ساعت: 12:45

چند سوال:
1-چرا انجیل را به زبان لاتین می خوانند،حال آنکه مدعی هستند حضرت عیسی(ع) به زبان سریانی و یا عبری سخن می گفته اند؟!!!و طبق متن قرآن کریم او پیغمبر یهودیان بوده است که لابد باید به زبان عبری سخن می گفته اند!آیا زبان لاتین هم اکنون برای مردمان ساکن در اروپا قابل فهم است؟!!!آیا زبان لاتین یک ربان ساختگی مانند زبان مندرآوردی اوستا نبوده است،آن هم به این دلیل که ملاهای کنیسه مدعی شوند که فقط آنها این زبان را می فهمند و قادرند مطالب کتاب مقدس را بفهمند؟!!!
2-در رابطه با زبانهای ترکی و فارسی سوال این است که کدام لهجه را باید اصل گرفت؟!آیا ترکهای ترکیه ترک اصل اند(آنهم کدام لهجه شان شرقی یا غربی؟) و یا آذربایجانی ها؟!و یا قشقایی های و ...و در ارتباط با فارسی هم آیا فرض بر اصل بودن لهجه تهرانی است؟!!!آنوقت تکلیف سایر زبانهای به اصطلاح ایرانی از قبیل کردی و بلوچی و لری و ...که قرابت بسیاری با زبان فارسی دارند چه می شود؟!!!
3-در تغییر لهجه ترکها به فارسی، با حفظ اینتونیشن زبان ترکی در بیان لهجه،لهجه فارسی مردم قزوین مثال خوبی است و در پذیرفتن زبان فارسی به جای عربی با حفظ اینتونیشن زبان عربی لهجه بعضی از مردمان خوزستان،علی الخصوص آبادانیها، مثال بسیار خوبی است!
4-استاد چرا مدعی هستید که ترکها صنایع دستی هم نداشته اند،حال آنکه اصطلاحات قالی،جاجیم،گلیم،چادر،گچمه،کچه(نمد)شاید گبّه،چنته،قاشق،چنگال،بشقاب،قابلمه،بیل،خیش،صندلی،شاید میز و ...ترکی است؟!!!

نویسنده: روشن

چهارشنبه 26 تیر1387 ساعت: 13:2

با سلام به استاد و عرض خسته نباشید

استاد بعد از خواندن این قسمت فقط میتوانم بگو یم که عالی بود

بی صبرانه منتظر بقیه مطالب هستیم

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 26 تیر1387 ساعت: 13:3

با شکر بسیار از تعارفات دوستان، دوباره متذکر می شوم که پورپیرار جز انجام وظیفه در بازتاب آن چه خود حقیقت می داند، جایگاه دیگری ندارد. به گمانم عصبانیت های موجود در بطن دیالوگ های جاری، از آن است که برخی به هنگام مطالعه ی تاریخ، عینک پوریم را به مناسبت رعایت منافعی از چشم برمی دارند و منظره را در برابر خویش تار می کنند! این دوستان یک لنز ثابت پوریم بگذارند، تمام گذشته و حال و آینده تا انتهای عمق میدان شفاف خواهد شد.

فریبا خانم. ورود شما به این وبلاگ پیوسته با نوعی تلطیف مباحث همراه بوده است.

آقای تلمیذ. این لغات نیز همانند نمونه های صنایع ترک در قرون اخیر ساخته شده اند. باید اصل قدیمی و مثلا هزار ساله ی اشیا' را احتمالا یافت شده در کنار آن سنگ نوشته ی آرخون ارائه دهید.. شاید اگر درست جست و جو کنید در حوالی این سنگ نگاره ها ته سیگار حکاک را بیابید ولی قاشق غذا خوری کهن سال او را نخواهید یافت.

نویسنده: حاجی زاده

چهارشنبه 26 تیر1387 ساعت: 13:45

استاد پورپیرار گرامی با سلام مجدد
" آیا روا نیست قضاوت کنیم این گونه مانورهای فرهنگی، شاید هم بدون خوش خدمتی، فقط بر سر غیرت آوردن جوان ترک برای جنگ با جهان است تا گمان کند همسایگان، از دوران غار نشینی، دائما به حقوق او تجاوز کرده اند و مستحق چماق اند چنان که صاحبان اندیشه ی غیر قوم پرستانه می دانند که بر تابلوی نقل قول فوق حتی کلامی برای برداشت آگاهانه از

روند امور در شرق میانه ی پس از قتل عام پوریم میسر نیست و چوبی است که دشمنان عمومی مردم ممتاز شرق میانه، یعنی یهودیان، برای کوبیدن بر نعش یکدیگر به دست مان داده اند."
کاملا رواست و قضاوتتان نیز صحیح و منطبق بر واقعیت است، نوشتجات سبک و طنزآلودی از این دست، تنها برای مقابله به مثل و ایجاد شور و غرور کاذب ناسیونالیستی در جوانان است و...
در هر حال یادداشت بی بدیلی بود،خسته نباشید.

نویسنده: تلمیذ

چهارشنبه 26 تیر1387 ساعت: 13:53

-مطلب مهم دیگر دانستن این مطلب است که زبانهای ساختگی ترکی و فارسی از چه خمیرمایه ایی درست شده اند؟!!!
6-استاد اگر حمل بر تعصب و توهم نشود به عرض برسانم که در متن قرآن کریم بنده چند مورد دیده ام که برایم سوال برانگیز بوده است و حالا که وارد مباحث زبان ترکی شده اید بهتر است آنها را مطرح کنم.در متن قرآن کریم بنده چند کلمه دیده ام که ظاهرا" ریشه و یا قرابت ترکی دارند،البته اگر ترجمه ها را درست فرض کنیم!!!
یکی کلمه «əv به معنی خانه و منزل در زبان ترکی است».در قران کریم در بیان منزل دادن حضرت ابراهیم در وادی کعبه کلمه«اوهما» آمده است.در حال حاضر عربها به خانه و منزل«بیت» می گویند.حال اگر کلمه əv از زبان عربی وام گرفته شده باشد،سالهای بسیاری از ایمن وام باید گذشته باشد تا یک کلمه به صورت نهادینه در یک زبان دیگر پذیرفته شود!!!در ضمن کلمه خانه به نظر من در اصل یک کلمه ترکی و از مصدر قونماک(به زمین نشستن پرندگان و یا عشایر و یا کاروان در حال کوچ) است که به صورت قونا،غانا و خانا تغییر پیدا کرده است!کلمات قونشو(همسایه) و قوناق(میهمان) از همین ریشه است.
کلمه«اجاج» که ظاهرا" در توصیف رود دجله آمده است:ملح و اجاجا
این کلمه را مرحوم قمشه ایی«تلخ» معنی کرده اند.که در زبان ترکی هم به تلخ آجی یا آچچی گفته می شود.
کلمه«ورد» را مرحوم قمشه ایی مکان ترجمه کرده اند که ما یک طایفه در بین قشقاییها داریم به نام «بول وردی» که در فارسی ابولوردی یا ابیوردی گفته می شود.بول در زبان ترکی به معنی پیدا،پیداکرن و آشکار است(مثلا" کلمات بولوت=ابر و بولور=مینا از همین ریشه است).بنابراین« بول ورد» به نظر من به معنی سرزمین(مکان) آشکار و معلوم یا سرزمین مشخص یا سرزمین پیدا است.
کلمه غلام که با کلمه قول و یا غول ترکی هم ریشه است،چنانچه ترکه به فرزند پسر که به غلام خانواده معروف هست هم اوغول می گویند.اغول هموزن غول است و کنئز(کنیز) هموزن قئز(دختر) است.
کلمه دلو(آب) که در ترکی دول گفته می شود که به نظر من از مصدر دولماق(پرشدن) است.

نویسنده: تلمیذ

چهارشنبه 26 تیر1387 ساعت: 13:54

منظورم از این حرفها این است که: ممکن است زبان ترکی یکی از زبانهای قدیمی رایج در منطقه بوده است و منظور قران کریم از عجم(که گویا در زبان عربی به معنی گنگ و نامفهوم هم هست) شاید به ترک زبانها اطلاق می شده ات چون مثلا" فارسها کلمات عربی را به همانصورتی که در زبان عربی استفاده می شود استفاده می کنند ولی ترکها به خاطر قانون هماهنگی اصوات شکل کلمات غیر ترکی و یا حتی ترکی را تغییر می دهند!مثلا" هم عربها وهم فارسها کلمه محمود را یکسان تلفظ می کنند ولی ترکها آنرا ماحمود می گویند که اینگونه گفتار البته برای عربها و هم فارسها مضحک به نظر می رسد و شاید به همین دلیل به آنها گنگ گفته اند،گرچه در زبانهای اروپایی هم کلمات عربی به درستی تلفظ نمی شود و ممکن است منظور از عجم بازماندگان کلونی های یونانی نشین بوده باشد!!!چنانچه به قرآن،کران گفته می شود ویا حرف «عین» که در زبان ترکی و نیز زبانهای اروپایی اصلا" معادل ندارد!

نویسنده: تلمیذ

چهارشنبه 26 تیر1387 ساعت: 13:58

یک مطلبی که در باره کتیبه های اورخون می خواستم بگویم این است که:
استاد تا همین اواخر(40-30 سال پیش که سنگ قبر تراشی برای عشایر زیاد مقدور نبوده است) حتی قبایل قشقایی اشکالی را به عنوان«اجاق» و «داغما»(توضیح اینکه اکنون هم هرخانواده برای شناسایی گوسفندانش بر روی گوش گوسفندانش داغما می گذارد که لزوما" همان علایم اجاقها نیست)بر روی سنگ قبری که به صورت عمودی بر بالای سر قبر متوفیان قشقایی نصب می شده است حک می کرده اند تا مشخص شود که صاحب قبر متعلق به کدام طایفه بوده است!آنوقت بعضی معتقد اند که این حروف در واقع حرف اول و یا اول و دوم خط اورخون نام آن طوایف بوده است!و معتقد اند که این حروف در واقع برگرفته از همان حروف کتیبه های اورخون است.حال من فکر می کنم ممکن است آن کتیبه ها را از روی حروف نام قبایل ترک ساخته اند،البته بعد از اثبات قطعی جعلی بودن کتیبه ها!قبول اینکه این حروف را هم یهودیان به طوایف عشایر ترک زبان دیکته کرده باشند تا برای طوایفشان هویت بسازند قدری مشکل است.راستی آن کتیبه های کذایی الان کجاست؟!

نویسنده: آیدین یاشار

چهارشنبه 26 تیر1387 ساعت: 14:2

در خصوص آزمایشگاهی بودن زبانهای فارسی و ترکی نیز که بحثی قریب الوقوع است، بنده پیشاپیش (باز هم با کسب اجازه رفقای پرخاشجو) با دانش فعلی خود آن را غیر محتمل میشناسم و خصوصا در مورد زبان ترکی که از چین تا بالکان و از سیبری تا هندوستان گسترده است و لهجه ها و گویش های متعدد آن همگی تشکیل سیستم متشکلی را میدهند، چنین فرضیه ای را غیر محتمل میدانم. تصور اینکه یهودیان در جغرافیائی با این گستردگی و بین جمعیتی انبوده زبانی مصنوعی با گویشهای متعدد پدید آورده باشند که دارای غنای لغوی و وسعت نحوی در این حد باشد، غیر محتمل به نظر میرسد.
من اگر گاهی کامنتهای سوالدار مطرح میکنم، از وابستگی من به یهود یا از کندی مشاعرم نیست، بلکه از کودکی همواره عادت داشته ام چیزی را طوطی وار نپذیرم. در واقع طرح سوال در یادگیری هر مبحثی یک روش انسانی است و کمک به یادگیری فعال (learning active) مینماید. استاد خود نیز به این نوع شاگردها بیشتر احتیاج دارند تا شاگردهائی که کورکورانه هر مطلبی را بپذیرند.

نویسنده: تلمیذ

چهارشنبه 26 تیر1387 ساعت: 14:4

یک نمونه از آن علائم را در اینجا می توانید ببینید
http://www.fotogezgin.com/turkmuhru/haber_detay.asp?haberID=77

نویسنده: تلمیذ

چهارشنبه 26 تیر1387 ساعت: 14:33

استاد فکر نمی کنید یکی از دلایل عدم گسترش اسلام در اروپا خط عربی و نقصهای موجود در خط فعلی زبان عربی است؟!!!اگر قرآن کریم به خط لاتین نوشته می شد و برای نوشتن آن خط لاتین را توسعه می دادند شاید بهتر و قابل فهمتر می شد(البته منظورم برای مردمان اروپا است)!

نویسنده: تلمیذ

چهارشنبه 26 تیر1387 ساعت: 14:59

نقل از یکی از سایتهای پان عربیستی
نویسنده: بی نامپنجشنبه 19 اردیبهشت1387 ساعت: 22:27خوب است جنابان باستان ستایان آثار این تمدن (که بخش کوچکی از اثار تمدن بزرگ عرب است)را در کنار تخته سنگهای تزیین شده به نقاشی کودکان به نام اثار باقی مانده از سلسله های پادشاهی در طول دو هزار وپانصد ساله ایران قرار دهند انگاه دلیل این کینه بر خواست از حقرتشان ملموس هر ذهن عامی حتی در سطح ذهن مونگولها می گردد.وانگاه اوج حقارت وبی مایه گی گویندگان جملاتی نظیر:

" نویسنده: آرش
دوشنبه 9 اردیبهشت1387 ساعت: 23:30
مزخرف ننویس
جوک میگی؟ "
مشخص می گردد.

برادرم حسام معرکه ای باز هم بنویس تا نمایان شود واسعه علم استادبزرگ جناب اقای پور پیرار و انچه را در طول دو قرن در زیر گوش این به اصطلاح اندیشمند ایرانی اتفاق می افتاده و توان فهم ان را نداشتند وایشان از پس ان فاصله زمانی چه استادانه درک واشکار

آقای بی نام بهتر است همان بی نام بمانید.آخه برادر من تو که لالایی بلدی چرا خوابت نمی بره؟!آنوقت ما باور کنیم که تو و امثال تو بنیان اندیش اید و تعصب ندارید؟!!!
میشه برای ما توضیح دهید که آیا همین اعرابی که با صندل در گرمای تابستان وسرمای زمسان توی کوچه و خیابانهای کثیف مناطق عربنشین می گردند و ابتدایی ترین مسائل بهداشتی را رعایت نمی کنند به طوری که ما حتی رغبت نمی کنیم در منزل یک عرب یک استکان چای بخوریم،اخلاف همانهایی هستند که آن به اصطلاح تمدنهای بی صاحب را بوجود آورده اند؟!!!اگر تو و امثال تو توانستید همین عربزبانهایی که البته از نژادهای مختلف هستند را در زیر یک پرچم جمع کنید بعدا" به فکر اتحاد مسلمین باشید!
لااقل با خودتان روراست باشید.اول بدانید به دنبال چه هستید بعد برای رسیدن به آن هدف ابزارهای لازم را تهیه کنید.ظاهرا" برخلاف ادعایتان شما هم در پیگیری مطالب استاد پورپیرار به دنبال عقده گشایی هستید و از اینکه می بینید

فارسها و ترکها یکی پس از دیگری از سنگرهایشان عقبنشینی می کنند به اصطلاح حال می کنید!باشه حال کنید.ما که حسود نیستیم!

نویسنده: تلمیذ

چهارشنبه 26 تیر1387 ساعت: 15:12

در ضمن باید همه چیز را از نو تعریف کرد.اکنون بیشتر از هر زمانی در تاریخ بشریت ساختمانها و بناهای مجلل و محکم ساخته و می سازند و می بینید که در کشور ما هم هر ساله ساختمانها و آپارتمانها مانند قارچ رشد می کنند و ما همچمنان مانند 50 سال پیش بحران مسکن در شهرها داریم. ولی قبول کنید که رفتار بشریت امروز از هر زمانی بدوی تر است و سیستم بردگی نوین کثیفترین سیستم بردگی تاریخ بشر است.نظر من این است که صرف ساختن ساختمان بزرگ که البته با ظلم به دیگران انجام شده است(چرا که در اطراف چنین تمدنهایی باید که شهرهای بزرگی هم لااقل در تناسب با این بناها وجود می داشته است که آثاری از آنها نیست!!!پس سایر مردم بجز شاهان و جباران در کوخهای گلی می زیسته اند که درست مانند کتاب شاهنامه ایرانیان که در صورت اصالت سخنش فقط مربوط به جورو ظلم خون و خونریزی شاهان است هیچ افتخاری ندارد).مهمتر اینکه قرآن کریم به زبان عرب آمده است و نه برای عربها.وانگهی خطاب قران کریم به عربها به نظر من همراه با دودلی و تردید در ایمان آنهاست،گرچه با توجه به خطاب قران کریم به اعراب بادیه نشین سوالی مطرح می شود که مگر زبان مردمان قریه ها چه بوده است؟!و دیگر اینکه خطاب آیات زیادی از قرآن کریم به بنی اسرائیل است که شاید گرچه زبان عربی را می دانسته اند ولی ممکن است به زبان عرب سخن نمی گفته اند!
دیگر اینکه همانطور که تمدنهای به جای مانده از یونان باستان و روم باستان دارای سمبلها و نشانه های فرهنگی مختص به فرهنگ و تمدن یونان و روم بوده است که ما هم اکنون با دیدن آن نشانه ها از تعلق بقایای بجا مانده پی به یونانی بودن آن تمدنها می بریم،کسانی که ادعای داشتن تمدنهای کهن را دارند بر چه اساسی آن آثار را متعلق به اجداد خود می دانند؟!!!

نویسنده: تلمیذ

چهارشنبه 26 تیر1387 ساعت: 15:17

جالب اینکه همین viditor locations که در سایت هست نشان می دهد که تنها در کشورهای عربی مطالب استاد پورپیرار هیچ مخاطبی ندارد!!!اگر می بینید روی قسمتی از عربستان و عراق و اردن و سوریه هم پوشیده شده است به دلیل ویزیتورهای قابل توجه کرد و اسرائیلی در دو طرف این منطقه است!خوش به حال عربها!

نویسنده: بی نام

چهارشنبه 26 تیر1387 ساعت: 17:14

جناب تلمیذ
"میشه برای ما توضیح دهید که آیا همین اعرابی که با صندل در گرمای تابستان وسرمای زمسان توی کوچه و خیابانهای کثیف مناطق عربنشین می گردند و ابتدایی ترین مسائل بهداشتی را رعایت نمی کنند به طوری که ما حتی رغبت نمی کنیم در منزل یک عرب یک استکان چای بخوریم،اخلاف همانهایی هستند که آن به اصطلاح تمدنهای بی صاحب را بوجود آورده اند؟!!!..."

جناب تلمیذ بنده هیچ پاسخی ازبابت اعتراض به بنده به شما نمی دهم چون خوب می دانم در پی چه چیزی هستی.اما یک مطلب وان اینکه اگر هدف بنده بنده بوده ام همانطور که همیشه گفته ام شما حق توهین به جمع را ندارید انچه که از بهداشت وصندل وچایی نخوردن و اینجور حرفا زدید به عربها ربطی ندارد باید ان را دربیله ها ودر بین بیابانگردان با نام محترم کوچ رو ی در پی گله بز و بره و چارپا ومنزگاههای بدون حمام ومستراح وچهار دیواری دید نه در میان مردمی که هیچ سابقه بیبانگردی (در محدوده این سرزمین)ندارند وتاریخ همیشه انهار شهر نشین و مدنی شناخته.

نویسنده: مسعود

چهارشنبه 26 تیر1387 ساعت: 17:56

سلام علیکم و خسته نباشید جناب استاد .

آقای یولداش. در مورد تصویر قبه الصخره عرض کنم که این بنا در محوطه مسجد الاقصی قرار دارد و نمیدانم چرا !! معمولا" در نمایش تصویر مسجد الاقصی این بنای شش گوش با معماری رومی را معرفی میکنند در حالیکه مسجد خود گنبدی نامتقارن با بنا دارد که در یک سمت آن قرار داشته و تزئینات بیرونی یا کاشیکاری ندارد.
اشاره من به کاشیکاریهای قبه الصخره است نه مسجد عمر.
اگر شما تصاویری از مسجد عمر در اورشلیم دارید لطفا" لینک آنرا قید کنید. ممنونم.

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 26 تیر1387 ساعت: 18:26

آقای بی نام و آقای منوحیم. اگر گاه کامنت هایی همانند یادداشت های آقای تلمیذ را نصب می کنم برای این است که معلوم شود علائق قوم پرستانه چه تخریب وسیعی در اذهان پدید آورده است. چنان که آقای آیدین یاشار در کامنت بالا نوشته اند:

«من اگر گاهی کامنتهای سوال دار مطرح میکنم، از وابستگی من به یهود یا از کندی مشاعرم نیست، بلکه از کودکی همواره عادت داشته ام چیزی را طوطی وار نپذیرم. در واقع طرح سوال در یادگیری هر مبحثی یک روش انسانی است و کمک به یادگیری فعال (active learning) مینماید».

حالا خوش شانس بوده ایم که آقای یاشار از کودکی نسبت به شنیده ها سخت گیر بوده اند و با این همه چندین کامنت نصب نشده در دفاع از کتیبه های ترکی فرستاده اند تا معلوم شود که سخت گیری ایشان فقط شامل نوشته هایی است که دروغ ها را پاک می کند و گرنه هنوز هم ایشان ترکان را ادامه ی تمدن سومر می دانند. این از معجزات سخت گیری ایشان نسبت به شنیده هاست البته به جز مطالبی که از داستان های قوم ایشان حمایت می کند.

نویسنده: عابدی

چهارشنبه 26 تیر1387 ساعت: 17:15

با سلام

استاد فرزانه، بسیار عالی بود. خسته نباشید.

نویسنده: عابدی

چهارشنبه 26 تیر1387 ساعت: 17:17

آقای اتفاق. برای تان ای میلی ارسال کردم . هم چنین اگر فایل ها را ارسال کنید ممنون می شوم.

نویسنده: ایرج

پنجشنبه 27 تیر1387 ساعت: 0:38

با سلام و عرض خسته نباشید حضور استاد و سایر زحمتکشان این وبلاگ ' امیدوارم در راه مبارزه با دروغ و مصلحت اندیشی های بی مورد و بیجا موفق و موید باشید.

www.naria5.blogfa.com www.narialinks.blogfa.com

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 27 تیر1387 ساعت: 1:12

آقای عابدی و آقای ایرج. ممنونم.

آقای منوحیم. مرتبا اعلام می شود که از آن خانه بیرون تان کرده اند!!!

آقای علی و آقای توحید. چند یادداشت دیگر هم حوصله کنید.

فریبا خانم. گمان می کنم چند یادداشت آینده به عنایت الهی متضمن مطالبی تعیین کننده باشد. دیر نخواهد گذشت که ظرفیت جذب مطالب نو، نزد وارد شوندگان بر این وبلاگ معلوم شود. دعا کنید از گردنه ی دشوار گذر در پیش، با وجود این همه خرس معبر شکن، عبور کنم.

نویسنده: عابدی

چهارشنبه 26 تیر1387 ساعت: 22:32

با سلام

آقای اتفاق. نام های صفحات قابل تغییر است. هر نامی که مناسب است را انتخاب و ارسال کنید. در مورد فایل های ارسالی هر گونه که برای تان میسر است. برای بهبود سرعت سایت اغلب کد های اضافه ای که در word به کار برده می شوند، حذف خواهند شد. هم چنین، فعلا مبدل HTML TO PDF مشکل دارد، و این کار فعلا باید دستی انجام شود.

در پناه حق باشید.

نویسنده: کاوه آهنگری 10

پنجشنبه 27 تیر1387 ساعت: 10:14

نگارنده‌ی این مطلب، مرکزگرایان و مرکز نگران و مرکزی اندیشان را قبل از هر کس یا چیز دیگری جدایی طلب (بخوان تجزیه‌طلب) و باعث و بانی آن میدانم. اعتراف‌نکردن؛ به چند زبانه بودن ایران،به چند ملیتی بودن ایران، به چند مذهبی بودن ایران، به وجود ستم و ظلم تاریخی نسبت به کردها و تورکها وبلوچها و عربها و ترکمنها و ستم دینی و مذهبی در حق غیر شیعیان و....، اولین مانع در ایجاد ایرانی یگانه و یکپارچه است. و به نظر نگارنده کسی به که موارد یادشده اعتراف نکند و تلاش و اقدام فوری در جهت رفع آنها را نخواهد، تجزیه‌طلب است.

نویسنده: رحمانی

پنجشنبه 27 تیر1387 ساعت: 12:17

با سلام خدمت همگی

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ
به یاد پوریم زدگان و رخداد پلید و ویرانگر پوریم و به امید شناخت کامل پوریم و مشرکان پوریم ساز

چرا کسی در مقابل سهند آن اژدها چیزی نمی گفت؟

صد شکر که با پاسخهای طولانی ای که برای من نوشته اید ، دقیقا این موضوع را اثبات کردید که در مقابل آن مار خورده کسی اعتراضی نداشت؟؟؟
(اینها القابی است که خودش برای خودش انتخاب کرده است،قابل توجه کامنت گذاری که اینها را از من می دانست!!!!!!!!!!!)
همین سوال من بود و البته جواب را هم دریافت کردم؟؟؟؟ نه؟

همین آقای رضا، را ببینید، در مقابل آن "بسیار کتابخوان" چیزی نمی گفت، هیچ چیز !
و در واقع از من تبری جست نه از سهند!!! چرا؟ چون سهند ادعا! می کند،ترک است؟ و چند کلمه ای ترکی نوشته است؟و البته سهند را ندیده و نمی شناسد و اصلا چه معلوم سهند ترک باشد!!!
اما حالا ببینید به چه موضوع مهمی اشاره کرده است؟
و چقدر ادبیات دان شده است،

بیاد داشته باشید که ما مخلوق "رحمان" هستیم و نه "رحمانی"

این جمله شاید وزن خوبی داشته باشد، و بادی به غبغب نویسنده بی خبر از همه جا بیندازد اما ....
باور کنید که اگر اصول مسلمانی را در نظر داشته باشیم، یعنی ایشان فکر می کنند ، بقیه تشکیک در این موضوع داشتند و ایشان به همه تذکر داد که خالق ما "رحمانی" نیست؟؟؟؟؟ تا خدای نکرده مشرک نشوند؟؟؟!!!
به هر حال لازم است باید از اصول اسلام به شدت و سرعت حفاظت کرد؟؟؟؟؟
آقای رضا ناراحت نشوید ، کمی فکر کنید،هرگز کدخدامنش نباشید ، بزرگوار باشید

نویسنده: رحمانی

پنجشنبه 27 تیر1387 ساعت: 12:18

آقای رضا ، عثمان محمدی و قارادغلی وووو
آیا دروغ گفتن ،تحقیر کردن نیست؟ آیا بیهوده گویی ، تحقیر نیست؟ آیا آن اژدها دروغ نمی گفت و بیهوده گویی نمی کرد؟؟؟؟ در مقابل دروغ و جعل باید حساس بود که از بین برنده حقیقت است؟این درسی است که ما باید از این وبلاگ آموخته باشیم
در ثانی بهترین و سریعترین راه مطالبات آذربایجان ، ناکار کردن شیر نژادپرستی است که با وجود استاد بی چنگال و دندان

شده است، اما کسانی به عمد یا سهو به این شیر حیات دوباره می خواهید ببخشید،
آیا کسانی که به این شیر حیات می بخشند ، دوستار آذربایجان هستند؟؟؟
و این با هدف شما یعنی رهایی از چنگال ظلم در منافات آشکار است، موضوع زیاد پیچیده ای نیست، خودتان یا به عمد یا به سهو پیچیده اش می کنید، و توجه کیند،فقط و فقط یهود از این عمل شما سود می برد؟؟؟
حرکتی که مملو از نفرت و کینه و دشمنی وووو باشد ، شاید به ظاهر موقتا شما را به (لااقل) هویت دلخواهتان برساند، اما به کمال قرآنی هرگز!!! جز اتلاف انرژی هیچ چیزی عاید مسلمانان نخواهد شد، هر چند من معتقدم،جاعلان هرگز و هرگز آبجکت پارس کنندگی را مغلوب آذربایجان نخواهند کرد
پس اهتزار پرچم پوریم ، نافی آمال و آرزوها و "رهایی از ظلم" ووو هیچ ملتی نیست،
بلکه بهترین راه و سریعترین راه است تا عاملان اصلی بدبختی بشر را بشناسیم و ضمن رسیدن به رهایی، به کمال قرآنی هم برسیم ، و این شدنی است؟؟؟
پس بحث روشن است و بهتر است به این سوال پاسخ روشن دهیم،
به اهتزاز درآوردن پرچم پوریم بهترین و سریعترین راه است؟؟؟
و شما این را قبول ندارید ، زیرا راهی را که انتخاب کرده اید دقیقا از بین برنده و در تضاد با این اصل رهایی ساز است؟؟؟
به گفته ها ننگرید به اعمال بنگیرید، "نگرش نوع اول روابط آبجکتیو" دقیقا همین را بیان می کند، اصل خروجی است نه هیاهو و نه ادعا ، نه تکرار کلمات وووووو

مهم نیست، چه می شنویم و چه تصور می کنند، مهم این است که یاد بگیریم تا به قدر خردلی هم که شده، یهود ساخته ها را بشناسیم ،و از آنها دور شویم

اما اژدهاهایی مانند مارخورده بدانند، کسی که فکر می کند بقیه نادان هستند، خود نادان ترین است، اینان باید روش خود را عوض کنند و آنوسی تر شوند، زیرا ابرمرد تاریخ شرق میانه دست آنها را رو کرده است

با تشکر فراوان

ایران شناسی 163

ایران شناسی بدون دروغ، 163، در باره ی طوفان نوح - 99 نظر

نویسنده: نسرین

پنجشنبه 27 تیر1387 ساعت: 11:13

سلام آقای پورپیرار
مطالب اخیر که به زبان و هویت و سرزمین تورکها و فارسها میپردازندخیلی جالب و هیجان انگیز هستند!
آقای پورپیرار!آیا تورکها و فارسها از اتحاد چندین قوم و قبیله که توسط یهودیها ازنقاط مختلف به ایران و خاورمیانه کوچانده شده اند به وجود آمده اند؟یا تورکها و فارسها با نام و هویت دیگری در جای دیگری قبلا ساکن بوده اند؟
موفق باشید

نویسنده: نسرین

پنجشنبه 27 تیر1387 ساعت: 11:17

آقای پور پیرار یه سوال در مورد نماد مسلمانان و بناهای تاریخی داشتم.هلال ماه چگونه و به چه علتی نماد اسلام و مسلمانان شده است؟
هلال ماه در بناهای تاریخی مسلمانان به کارگرفته شده است؟

نویسنده: نسرین

پنجشنبه 27 تیر1387 ساعت: 11:19

چلیپا و ستاره ی هشت پر در هنر اسلامی!!
چلیپا در هنر اسلامی، عنصری کلیدی بوده و رابط و پیوند دهنده نگاره های پیچیده به شمار آمده است، از جمله در مسجد جامع اصفهان که مربوط به سده اول هجری بوده و بر روی یک آتشکده باستانی پایه گذاری شده است!! بر همه جای مسجد جامع اصفهان، نگاره های گوناگون و خوش ساخت از چلیپا دیده می شود، در آرامگاه «میرنشانه» در بازار کاشان که گنبدی مخروطی دارد، نام «علی (ع) » به گونه چلیپا نقش شده است!
گنبد قدمگاه نیشابور نیز کاشیکاریهای مزین به نگاره چلیپا را بر خود دارند! نقش چلیپا بر گنبد علویان در شهر همدان خیابان باباطاهر که روزگاری دبیرستان علوی بوده است، نیز دیده می شود! در گچبری های مسجد جامع نایین، در مسجد کبود و در قسمت گنبد آن که تماما کاشیکاری بوده نقش علی رویت می شود و در فضای هر ردیف کاشی، نقش چلیپا با رنگ زرد بارها تکرار شده است!
در موزه «قم» کاشی های ستاره ای و چلیپایی که از امامزاده علی بن جعفر قم به دست آمده نگهداری می شود!
http://isfahan.blogsky.com
ایوان غربی مسجد گوهرشاد مشهد
این ایوان به ایوان آب معروف است و به بست شیخ بهاءالدین عاملی و صحن جمهوری اسلامی ورواق دارالولایه راه دارد. کف ایوان با سنگ مرمر فرش شده و ازاره‌ها با سنگ مرمر سیاه پوشانده شده است.تمام سقف ایوان کاشی کاری است و21 ستاره هشت پر با کتیبه‌ای احاطه شده است.داخل ایوان کتیبه‌هایی دیده می‌شود که اغلب بر روی زمینه لاجوردی تیره وبه رنگ سفید کار شده‌اند.

http://www.koochehayedeltangi.blogfa.com

کاشی های هشت پر ستاره ای و چلیپا - قرن هفتم هجری - امامزاده جعفر دامغان
http://dejfampooshesh.parsiblog.com

نویسنده: نسرین

پنجشنبه 27 تیر1387 ساعت: 11:23

سلام آقای بی نام
منظورم این بود که وقتی به کامنتهای ارسالی من که بیشتر نقل قول از دیگران است ایراد میگیرید ازادبیاتی استفاده بکنید که من هم متوجه بشوم!
نام آن جغرافیدان عرب و کتابش را هم نمیدانم!
من قصد و صلاحیت رد و یا اثبات مساله ای را ندارم!فقط به دنبال حقیقت هستم!

نویسنده: مجتبی غفوری

پنجشنبه 27 تیر1387 ساعت: 12:48

ب سلام
جناب عابدی ضمن عرض خسته نباسید و تشکر این کار واقعا لازم بود . متاسفانه دیر به دیر به ایمیلم مراجعه می کنم بهمین خاطر متوجه ایمیلتان نشدم.باز هم متشکرم

تلمیذ خان کامنت های جنابعالی را خواندم باید عرض کنم دستمریزاد روی خیلی ها را سفید کردید! چطور است در کامنت های بعدی از شیر شتر خوردن و سوسمار بنویسید!!!توهین به قومیت ها یعنی این کاری که برای اولین بار شما در این وبلاگ انجام دادید نه اینکه کسی با توجه به شواهد موجود وجود قومی را نفی کند یا اینکه در صدد آنالیز هدف ها و رفتارهای هویت طلبان آن قومیت بر آید!!!

وب سایت

نویسنده: یولداش

پنجشنبه 27 تیر1387 ساعت: 13:8

استاد ایا اثار مربوط به هیتی ها و اورارتوها و نیز بقایای منسوب به تروا جعلی اند؟

نویسنده: عثمان محمدی

پنجشنبه 27 تیر1387 ساعت: 14:7

با سلام خدمت استاد گرامی
با این حساب محل وقوع کشتی در کوهستان آرارات یا آگری همان کوه جودی خواهد بود . (واستوت علی الجودی)
1-حضرت نوح فرمود (اللهم انزلنی منزلا مبارکا) آیا کوه جودی مبارک است ؟ دلیل آن چه می تواند باشد ؟
2- ایا ارتباطی بین کوه جودی و قوم گوتی می تواند باشد ؟

نویسنده: مسعود

پنجشنبه 27 تیر1387 ساعت: 16:2

خداقوت استاد عزیز و خسته نباشید .

واقعا" جالب و موشکافانه مطلب را بیان فرموده اید.

یعنی اینکه تمام این باصطلاح تمدنهای کهن قبل از پوریم که در آناتولی و عمدتا" در شرق آن برمیشمرند به دلیل یافت شدن بقایای انسانی در عمق گل و لای ضخیم کهن ناشی از طوفان نوح همگی یک سری اوهام یهود ساخته میباشند !!! و اورارتو و هیتی ها و غیره هم میرود در ردیف ساسانی و اشکانی !!

در پی اشاره شما به یافت شدن کشتی نوح با بررسیهایی که من انجام دادم متوجه شدم دو مکان را برای کشتی یکی در بالای کوه آرارات و دیگری را در پای همان کوه یافته اند . عکسها را ملاحظه بفرمایید:

http://www.noahsarksearch.com/anomaly.htm

http://www.arkdiscovery.com/noah-ark-grass.jpg

&http://www.space.com/php/multimedia/imagedisplay/img_display.php?pic=h_ark_dgimage01_02.jpg
cap=According%20to%20press%20materials%20supplied%20by%20Shamrock%20--
%20The%20Trinity%20Corporation,%20this%20satellite%20view%20shows%20Noah’s%20Ark%20jutting%20o
ut%20from%20the%20snow%20on%20Mt.%20Ararat.%20Image%20Courtesy%20of%20Digital%20Globe

در پناه رحمت الهی سلامت باشید.

نویسنده: ترک 86

پنجشنبه 27 تیر1387 ساعت: 18:46

آنچه من از مطالعه چندین مقاله در باب باستان شناسی آناتولی یافته ام این است که یافته های جنوب شرق و شرق ترکیه کنونی همانند یافته های شمال عراق و شمال غرب ایران و ادامه تمدن هایی مانند جارمو، حسونا، حلف و ... است. در اواخر هزاره چهارم قبل از میلاد این فرهنگها به سمت شمال شرق آناتولی و قفقاز گسترش می یابند که حاصل آن پدید آمدن فرهنگی که اینک کورا - آراس خوانده می شود است. البته در شروع دوره کورا - آراس محوطه های زیادی در شرق ترکیه و غرب قفقاز وجود دارند. گسترش کورا - آراس به سمت شمال غرب ایران، به سمت شمال قفقاز و همچنین به سمت حوزه مدیترانه با سفالهای خاص خود مورد ادعای باستان شناسان است. آنچه جالب و باورش مشکل است این است که مردمان کورا - آراس به آرامی به سمت شمال، یعنی استپ های روسیه و شمال قفقاز و از آنجا به سمت شرق یعنی آسیای مرکزی و سیبری مهاجرت می کنند که البته قبول ظاهری این امر با مشاهده مشابهتهای زیاد بین سفالهای کورا - آراس و آندرونوف (در آسیای مرکزی و سیبری) دشوار نیست.

نویسنده: reza71

پنجشنبه 27 تیر1387 ساعت: 20:43

با سلام خدمت استاد
با این مطلب جدید که در مورد محل وقوع طوفان نوح فرمودید و نیز اینکه در ارمنستان و شمال غربی ایران نیز کوههای بلند چسبیده به کوههای ترکیه وجوددارند ،تردیدی نمی ماند که تنها محل عبور خزران (یأجوج و مأجوج) که بعدا توسط اسکندر کبیر (به درخواست مردم منطقه که لابد زنده بوده اند یعنی جز منطقه پوریم زده نبوده اند) پوشیده شد ، در شرق منطقه

قفقاز می باشد.
اکنون باید پیدا کردن آن معبر (سداسکندر) که در قرآن به آن اشاره گردیده راحتتر باشد.

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 27 تیر1387 ساعت: 20:56

خانم نسرین. برای شناخت به تر ریشه ی اقوام و ملل کنونی در منطقه باید حوصله کنید. ماه در سرزمین های تفته و بیابانی علی البدل خورشید در تمام موارد است، زیرا فوق طاقت بودن رصد گردش خورشید در ریگزارها، مردم را به دامن ماه آویخته است. داستان های شما در باب کاشی های باستانی در مسجد جمعه اصفهان، پس از مباحث جاری در باب آغاز کاشی کاری اسلامی موجب تفریح بود. ستاره ی هشت پر و پنج پر در زمره ی نمادهای آرایشی در معماری اسلامی است، ولی ستاره 6 پر انحصار به یهود دارد. فرصت کردید نگاهی به پرچم اسراییل بیاندازید و از سازندگان اخیر بناهای اسلامی سئوال کنید مگر پرچم اسراییل را ندیده اند؟

آقای یولداش. در میان افسانه ها غرقه ایم.

آقای عثمان محمدی. نخست باید بر سر این امر تمرکز کرد که آیا ترکیه محل وقوع طوفان نوح بوده است یا نه؟ مظاهر تاریخی و نمایه های جغرافیایی درستی این گمانه را تایید می کند. اگر پذیرفتیم که ترکیه سرزمین مورد اشاره ی قرآن و آرارات همان جودی است، آن گاه باید تاریخ یهود را بار دیگر نوشت و به درک آن اشاره ی عمیق قرآن نزدیک شد که : ابراهیم یهود یا نصاری نبوده است!

آقای ترک 86. سرگرم کردن خود با این همه گمانه های ناممکن هم باید عالمی داشته باشد. لااقل بنده اصراری در مجاب کردن دوستان آذری و ترک ندارم، یافته های تاریخی خود را باز می گویم و عکس العمل و موضع گیری شنونده را به هیچ می شمارم.

نویسنده: ---------------------

پنجشنبه 27 تیر1387 ساعت: 23:0

چنین به نظر می رسد بعضی دوستان نظریه ها و احتمال یقین باستان شناسان بی غرض ومرض را در توجیه روند وجودی وحرکتی اقوام را واقعیت تغییرناپذیر می دانند.ولی باید توجه داشت که بی غرض ترین گفته ها(نظریه های تاریخی) ممکن است رد وغیر قابل قبول شناخته شود.

"طبق نظرتائید شده سرزمین‌مادری‌آنان (ترکها)دشت‌های حوالی« اورال-آلتایی» درمنطقه‌ی آسیای مرکزی بوده وازآن‌جا به نقاط دیگرپراکنده شده‌اند. شایان ذکراست که علت این‌مهاجرت‌هابیشتربه خاطرازدیادجمعیت وکمبود مراتع.... "
جملاتی از سبک وسیاق گفتار بالاکه با جملاتی نظیر"طبق نظر"طرح عقیده می کندو وجودا" حامل رد ذاتی است و انتی تزش را به عین الیقین به همراه داردشایسته بنای یک واقعیت ذهنی واعتقادی بر اینگونه جملات بیشتر با مایه سلبیه تا ایجابیست و به کمترین بی احتیاطی انسان را به وادی دگماتیسم فکری می کشاندصلاح اندیشمند بنیان اندیش است؟

"طبق نظریه‌ی دوتن ازمحققان روسی، چرنیکف/ Gernikovوکیسلف/Kiselev درغرب کوه‌های‌آلتای درمنطقه مینوسینگ(1700-2500)سال قبل ازمیلادموسوم به فرهنگ آفایی سیف وفرهنگ رشد یافته ازآن موسوم به فرهنگ آندرونوف(1200-1700)سال قبل ازمیلادمنسوب به اجداد ترک‌هابوده وآنان از دوره سنگ به این طرف، درجنوب غربی کوه‌های آلتای یعنی دشت‌های مینوسیگ تووا،آباقان ساکن بوده‌اند "

باز توجه بفرماییدشروع جمله با"طبق نظریه"اغاز می گردد ایا عاقل وخرد مند می تواند بنای اعتقادی,قومی وهویتی خود را بر اساس نظریه هایی که بارها وبارها به راحتی نقل قول ونظردیگری به راحتی می تواند تغییر کند بنا نماید؟

نویسنده: بی نام

پنجشنبه 27 تیر1387 ساعت: 23:26

نسرین خانم سلام
هنوز معتقد نشده ام که حقیقت جوی بی طرفی هستی چپ وراستی در نحوه سئوالات ونحوه بیان مطالب اطلاعاتی شما وجود دارد.ثابت کن که من اشتباه می کنم.جدا"خوشحال خواهم شد اگر این کاررا بکنید.
راستی نسرین خانم چند وقت پیش مطلبی در باره فیوج نوشته بودید ممکن است جهت نیاز مبرم بنده به اطلاعات موجود در ان مجددا"بیان بفرمایید؟ممنون می شوم.

نویسنده: بختیار

جمعه 28 تیر1387 ساعت: 0:4

در سایت نشنال جیوگرافی با نمایش یک عکس مدعی شده ست کشتی نوح در ایران یافت شده است؟ آیا منظور همان کوههای آرارات نزدیک مرز ایران است یا جای دیگری است؟
http://news.nationalgeographic.com/news/bigphotos/47307210.html

نویسنده: محزون

جمعه 28 تیر1387 ساعت: 0:24

اولین بار است که این وب لاگ را مطالعه می کنم.ولی باور این کلام برایم آسان است .به ایت دلیل که همیشه از خودم می پرسم که چرا ما ایرانی ها عادت داریم خودمان را قهرمان قصه های بیگانگان بدونیم؟و در پوچی و حسرت نداشته ها رنج 30 ساله ببریم و آخر سر هم خودمان را لایق کلمه عجم(به معنی گنگ) بدانیم؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 28 تیر1387 ساعت: 1:8

آقای بختیار. مهم تر از پیدایش چند قطعه تخته که صحت آن هم تایید نشده، شرایط جغرافیایی محل است که اجازه ی انباشت انبوه آب را بدهد. در ایران چنان شرایطی در هیچ کجا و از جمله در زاگروس برقرار نیست. به گمان من کسانی و به ویژه یهودیان مایل نیستند موضوع کشتی یافت شده در آرارات دنبال شود، زیرا مغایر با اسناد دینی آن هاست. هرچند که با قرآن منطبق است.

آقای منوحیم. دریای طوفانی، زباله ها را به گوشه ای می راند.

نویسنده: تلمیذ

جمعه 28 تیر1387 ساعت: 3:22

ببخشید
وقتی مرتفعترین کوههای زمین یعنی کوههای هیمالیا و یخچالهای صعب العبور اش را زیر پا گذاشته اند با چه انگیزه ایی برای بررسی این کشف شگفت کوهنوردانی اعزام نشده اند؟!

نویسنده: منتظر

جمعه 28 تیر1387 ساعت: 4:2

آقای پورپیرار با سلام و خسته نباشید!

آیا با توجه به این اسناد و اکتشافات می توان زمان تقریبی طوفان نوح را تعیین کرد؟
من مطالعه ای در تورات ندارم، اگر ممکن است بفرمائید یهودیان محل این طوفان را به کجا منسوب می کنند؟

با تشکر

نویسنده: تلمیذ

جمعه 28 تیر1387 ساعت: 4:8

سوال اساسی اینکه:نجایت یافتگان از توفان بعد از توفان کجا ساکن شدند؟!

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 28 تیر1387 ساعت: 7:1

آقای تلمیذ. مشکل اساسی شما و چند نفر دیگر از وارد شوندگان بر این وبلاگ طفره رفتن است. آن قدر مسائل ساده را پیچیده می کنید و یا زرق و برق می اندازید که محرک اصلی فراموش می شود. مثلا در باب همین یادداشت 163 اعلام نمی کنید که آیا رخ داد طوفان در ترکیه را پذیرفته اید یا نه؟ گرداگرد آن انواع سئوالات را قرار می دهید بدون این که لااقل تاثیر پاسخ ها را اعلام کنید. همین برخورد را از شما هرگاه یادداشتی به مسائل عمده مثلا موضوع معماری و خط و کاشی و جمعیت و غیره می پرداخت دیده ام. حتی گمان نمی کنم که هنوز تکلیف خودتان را با پوریم هم روشن کرده باشید. زیرا معتقد به پوریم در شرح تاریخ پس از آن در منطقه ی ما دچار وسواس نمی شود که توضیح ساده ای دارد: همه را کشتند و برای گریز از مسئولیت، همه چیز را با توسل به جعل و دروغ دوباره سازی کرده اند. همین! اما درباره ی نجات یافتگان

کشتی. با در نظر گرفتن موقعیت های جغرافیایی بازگشت شان به مبدأ اصلی غیر ممکن بوده است و...؟ به اضافه این که تیم های کوه نورد و حتی یکی از فضا نوردان آمریکا نیز به دیدار کشتی رفته اند و عکس هایی هم وجود دارد، بی این که گزارش مبسوطی از آن منتشر شده باشد.

آقای منتظر. زمان تقریبی طوفان را به این دلیل ساده که در هر سه کتاب آسمانی ذکر شده، باید دورتر از پیدایش ادیان برد. نه تورات و نه انجیل و نه قرآن منطقه ی رخ داد طوفان را تعیین نکرده اند. زیرا در آن دوران دور قاعدتا سرزمین ترکیه نام تاریخی و جغرافیایی شناخته شده نداشته است، چنان که نمی دانیم قوم عاد و ثمود در کجا مستقر بوده اند. در واقع تعیین محل طوفان با ذکر دلایل تاریخی و جغرافیایی برای نخستین بار در این وبلاگ انجام شده که به گمانم غیر قابل رد است. اما در تورات مذکور است که کشتی بر کوه آرارات پهلو گرفته که به دلایلی نام گذاری جدید است. قرآن محل توقف کشتی را کوه جودی می گوید که باز هم شناسایی جغرافیایی آن به سببی که گفتم ناممکن است. نام های جغرافیایی کهن، مگر معدودی از آن ها چون بابل و آشور و عیلام و فلسطین و غیره که در دوران ما نیز کاربرد دارد، قابل شناسایی نیست. مثل این که نام اقوام کهن ایران را که بقایای سوخته ی پیش از پوریم آن ها را می یابیم، قابل تشخیص نیست.

نویسنده: بی نام

جمعه 28 تیر1387 ساعت: 7:43

جناب تلمیذ
توجه داشته باشیدمن ان کامنت (به نظر شما قوم پرستی) را در رد و بیشتر با نظر تحقیر شوئنیست فارسی به نام ارش نوشتم ولی گویا دهان ایشان بسته ماند و کلامی برای گفتن نداشت ولی شوئنیستهای دیگر و از بین دوستان !!!خودمان نتوانستند مورد را تحمل کنندوعین دانه ذرت خود را به چس فیل تبدیل کردند.
جناب تلمیذ زاجع به ان اثار هم نه پیش داوری کنید نه عجله بی شک استاد تکلیف همه ماوهمه چیز را روشن حواهد کرد به قول برادر اندیشمندم جناب م.ستاره نوبت ما هم خواهد رسید انشا الله روسفید شویم ومانند دیگران منافق به نظر نیاییم که مرگ را فقط برای همسایه حق می دانند.
جناب تلمیذ مردم ماوشما(منظورم اعراب وترک ها) اینقدر از این فازسهای شوئنیست شنیده وتهمتهای ناروا خورده اند که گفته های استادبه هر تلخی وشوری وتندی باشد اب تغسیل و زایل کننده خبائث به ناحق پیرایه شده بر تن من و تو از دست واندیشه انهاست.
دوست پان فارسی داشتم که از بد حادثه دل در گرو دختر عربی بست و مدتها پس از ازدواج سئوالی به این مظمون از من پرسید که فلانی پس از مدتها رفت وامد در بین اقوام خانمم من هیچگاه ندیدم کسی حرفی بر علیه فارسها بزند .در جوابش گفتم شاد علتهای زیادی داشته باشد اما انچه که من الان از این مسئله حس ودرک می کنم می تواند دو دلیل داشته باشد اعتماد به خود وتاریخ وگذشته خود ودوم عدم به حساب اوردن وقبول وباور شوئنیستی چون تو.حال برادر تو نیز هرچه می خواهد دل تنگت بگوما این حرفها نسلهاست که تمرین من وامثال من است.

نویسنده: بی نام

جمعه 28 تیر1387 ساعت: 8:50

برادرانم ودوستان (بخصوص جناب تلمیذ)
هر چند گاها"حقایق تاریخی منطقه ای عنوان شده از سوی استاد با ذائقه کاذب اکتسابی وگاه باورهای تلقینی ماچون شفا بخش تلخ وشرنگ ناخوشایند به نظر می رسدلکن هیچگاه نباید فراموش کرد که حتی در ادنا واسعه اندیشه بی عمق احادما دو کس وجود دارند که همیشه در کمترین لول مقبولیت واصالت وبیشترین بدنامی وحقارت هستند یکی یهودیت رذل وپست و دیگری شوئنیست فارس ملعبه دست یهودیت پست.
خردمند در این وبلاگ به دنبال کسب تراز وامتیاز بالاترقومی نمی گرددکه اگر این شددیگر فرقی با ان یکی که ملعبه دیگریست ندارد,همینقدر باید برای اهل عقول تدبیر کفایت کند که نقاب از چهره کریه کسانی بر داشته شود که وجودوجعلشان کرور کرور مهریه جغد خرابه نشین وادی سلم وسلام رااز داشته های اصیل وناب اقوام منطقه در این چند صد ساله هزینه تنعم و اقایی خفت بار خویش کرده اند.
انشاالله که چنین است.

نویسنده: روشن

جمعه 28 تیر1387 ساعت: 9:49

استاد باسلام و عرض خسه نباشید
مطالب مدخل جدید واقعا مباحث نو و در حد خود شگفت و سئوال برانگیز است ضمن ارزوی طول عمر توام با سلامتی برای جناب عالی سئوالات را جمع مکنم که اگر در پایان مطلب بی جواب ماند یگ جا مطرح بکنم

موفق و موید باشید

نویسنده: سرباز

جمعه 28 تیر1387 ساعت: 10:19

سلام استاد
واقعا" عالی بود! تبریک می گویم.

از پاسخ شما به آقای منتظر یک سوال دیگر ایجاد می شود:

اگر تورات محل کشتی را آرارات می داند که یک نام گذاری جدید است، و در دوران معاصر هم محل کشتی را واقعا" در آرارات شناسایی کرده ایم، پس نتیجه می شود که این دست بردگی جدید در تورات پس از کشف کشتی انجام شده است؟!

نویسنده: نسرین

جمعه 28 تیر1387 ساعت: 10:49

سلام آقای پورپیرار
من هم میخواستم بدانم چرا مسلمانان بیشتر از ستاره هشت پر و پنج پر در تزئینات بناهایشان استفاده کرده اند که شبیه نماد یهودیها ستاره ی شش پر است؟و از نماد خودشان هلال ماه استفاده نمیکنند؟
یادم رفته بود در مبحث کاشیکاری این موضوع را بپرسم!
پایدار باشید

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 28 تیر1387 ساعت: 11:55

خانم نسرین. نخست این که کاشی کاری غالبا در ایران معمول است و در ثانی به یقین بدانید که ابراز حضور و عرض اندام در هیچ صنعت و هنری در ایران، از معماری و تزیینات آن و کار با فلز و چوب و نخ و پشم و پارچه و موسیقی و نقاشی و حتی آشپزی پایه های بومی ندارد و اینک در تمام موارد فقط از آموزه های یهودیان و ارامنه از مبدأ صفویه به بعد تقلید می کنیم. وانگهی ستاره ی هشت پر را نمی توان گزیده ای یهودی گرفت.

آقای سرباز. امیدوارم به زودی با عنوان تیمسار وارد این وبلاگ شوید. منظورم را ظاهرا درست بیان نکرده ام. اصولا نام آرارات برای آن کوه جدید است، نه تاریخی. ترکان این کوه را آغری، ارمنی ها، ماسیس و اعراب حارث نامیده اند و از آن جا که هیچ منبع و مردم بومی آن را آرارات نگفته اند، پس این نام بیگانه و غیر بومی است. اما نمی توان به یقین معلوم کرد از چه زمان آن را آرارات می خوانند. یک احتمال این است که خاخام های دور اندیش این نام جدید را در زمانی نه چندان دور اما نامعین، برای منطبق کردن با متن تورات آماده کرده باشند. مطلبی که می تواند مورد دقت بیش تر قرار گیرد این که نباید جودی در قرآن را همانند سینا نام کوه گرفت، اگر استوت را به قضی الامر عطف کنیم و نه به کشتی که در آیه به آن اشاره ای نیست، شاید که آیه معنای دیگری را ادا کند.

آقای بی نام. دوست و دشمن ار نثر بسیار فخیم شما گلایه دارند. کمی هم کوچه و بازاری بنویسید تا راه گم نشود و برداشت از معنا و منظور اصلی شما دشوار نباشد.

آقای بدیعی. از لطف شما ممنونم. می بینید که رجوع به آن وبلاگ ها نه فقط ضرورت ندارد که آلوده کردن خود به بی فرهنگی و عوام فریبی است. به تر این که خود داری کنید و وارد وز وز بی اثر آن ها نشوید.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 28 تیر1387 ساعت: 13:46

آقای یاشار. کامنت شما را از آن جهت نصب کردم تا دیگران ببینند قوم گرایی تا چه میزان بر عقل اندیشی اثر منفی می گذارد!!!

کسی در ضمن مطالب خصوصی دیگر پیام زیر را در وبلاگ گذارده بود که به نظر آشنایی با آن مفید به نظر می رسد. باید دید که ارامنه با چورچ اورول چه کرده اند؟!!

جورج اورول به ضرب المثل معروفی اشاره مي كند: به مار اعتماد كن بيش تر از اعتماد به يهودي، به يهودي بيش تر از يوناني اعتماد كن ولي به ارمني هرگز!
'Trust a snake before a Jew and a Jew before a Greek, but don't trust an Armenian.'
George Orwell

نویسنده: بی نام

جمعه 28 تیر1387 ساعت: 13:53

ممنونم استادولی نثر بنده فخیم نیست تعارف می فرمایید,گفته ان دوست بزرگوار که نثر بنده را مغلق خواند بیشتر برازند این کلام کج وموج بتده است.
میدانید استادبنده دو نقص عمده در هنگام نوشتن دارم که نمی دانم چگونه باید ان را تبدیل به مهارت کنم اولا" اینکه در نوشتن عجله می کنم و دوم اینکه لغات در ذهنم بیشتر عربی ردیف می شود تا فارسی شاید ارجاع این مسئله به دریافتهای اولیه بنده در آموزش زبان بوده است چرا که تا قبل از ورود به مدرسه بنده نمی توانستم فارسی صحبت کنم.به هر حال ممنون می شوم اگر راهنمایی بفرمایید چگونه بایداین نقص رااصلاح کنم,البته سعی زیادی می کنم ولی به هنگام خلوت دست و ذهنم این دست جز به رسوا سازی به بی سوادی وبی انظباتی کلمات رضایت نمی دهد.به هر حال اگر کج فهمی ایجاد کرده م ضمن پوزش از دوستان با مراجعه به اشل اعتقادی بندهکه اقرار به وقوع پوریم است ونفرت بی حد وحصر از یهودیت پست وجنایتکاراست هدف از جمله بندی نامفهومم را به بزرگواری در ان دو راستا اصلاح بفرمایند.

نویسنده: submission

جمعه 28 تیر1387 ساعت: 14:47

سلام خدمت استاد گرامی و دوستان عزیز
با توجه به آنچه که در تعالیم دینی ما بدان اشاره شده با وقوع طوفان نوح زمین خالی از نسل بدان شد .و آنچه ما از این تصور می کنیم.طوفانی است که سراسر زمین را فرا گرفته که در نهایت پس از خاموش شدن طوفان کشتی بر فراز کوه جودی فرود می آید.به جز آن چند نظریه جغرافیایی که در این متن نوشته اید چگونه می توان ثابت کرد این اتفاق محدود به ترکیه بوده؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 28 تیر1387 ساعت: 14:49

آقای بی نام. برای به راه راست درآوردن و در واقع عامیانه تر کردن نثرتان پیشنهاد می کنم که روزی یک قصه از شاه نامه ی فردوسی بخوانید!

آقای عماد. سخنان آقای آیدین یاشار. مرا به یاد آن فارس پرست انداخت که می فرمود: تمدن آریایی از میان خلیج فارس در ده هزار سال پیش سر بر آورده است. ظاهرا از عوارض قوم پرستی آبکی کردن مباحث است.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 28 تیر1387 ساعت: 18:26

آقای بی نام. برای فهماندن مطلب به عجمان یاد گرفتن زبان آنان لازم است، زیرا آن ها برای تظاهر به عدم درک هزار بهانه در آستین دارند و شاگردان هوشمندی نبوده اند.

آقای submission. خیلی ببخشید چون روز تعطیل و مغازه ها بسته بود نتوانستم جز این چند دلیل جغرافیایی دو سه کیلو دلیل دیگر برای تان خریداری و بسته بندی کنم. ضمنا نمی دانستم به چه نوع دلایلی بیش تر اهمیت می دهید، گیاهی و یا شیمیایی! اگر آیه را از خودتان نازل نکرده اید لطفا بفرمایید در کدام آیه به طوفان سراسری و انهدام کامل ساکنان زمین اشاره شده است؟ زیرا در قرآن موجود، نوح با قوم خود طرف است و نه ساکنان روی زمین. آسوده خیال باشید آن اهالی کهن ترکیه که نوح را آزار می دادند، بر اثر آن طوفان تنبیه و نابود شدند و اعقابی به جای نگذارده اند!؟

آقای اتفاق. یادداشت 163 افتخاری است برای محققین شرقی. نه فقط طوفان را از صورت قصه درآورد، بل محل وقوع آن را نیز به طور قطع معین کرد. هر مسلمانی موظف است برای قرار گرفتن در مسیر این نور نو، که دهان تاریک اندیشان را می بندد، بارها خدا را سپاس گذارد.

آقای افشین پاکیار. ای میل شما رسید. ممنون از تصاویر. گریزگاه های آب در آن خطه، قدرت انتقال اندکی دارد و در برابر آن ورودی باران مداوم که دشت ها را تا فراز کوه ها پر می کرد، مانند این است که سماوری را با چکه کردن گاه به گاه شیر آن تخلیه کنید، آن هم در حالی که به طور دائم بر سر سماور آب تازه می ریزند! شور بودن آب دریاچه های ترکیه خود دلیل بر کوچک شدن آن در اثر گذشت زمان است. به یقین هر یک از این دریاچه ها شاید زمانی ارومیه ی دیگری اما با آب شیرین بوده اند.

نویسنده: رضا صدیقی

جمعه 28 تیر1387 ساعت: 19:10

با سلام خدمت استاد و خوانندگان محترم ایشان
بدین وسیله 19 مین گفتار هنر و تمدن اقوام پراکنده ایران را با عنوان پیامبران عیلام را تقدیم حضورتان می نمایم .کسب نقطه نظرات ارشادی مزید امتنان است.

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 28 تیر1387 ساعت: 21:57

ستار خان. خیالات خوشی دارید، قدرشان را بدانید.

آقای سلیم. سری به آدرس زیر بزنید.
http://www.naria.ir/view/15.aspx?id=506

آقای عابدی. بسیار زحمت کشیده اید. در نزد خداوند ماجور باشید.

نویسنده: تلمیذ

جمعه 28 تیر1387 ساعت: 22:48

با سلام خدمت استاد پورپیرار و سایر دوستان
1-اولا" به قول استاد بنده ضریب هوشی بالایی ندارم ولی به موضوع دین و تارخ از همان دوران کودکیم علاقمند بوده ام و به خاطر این سایت و مباحثش را از سال 84 به بعد پیوسته دنبال کرده ام.بنده مسلمانیم را مدیون شما هستم و به همین خاطر مرا هرچه بنامید از شما دلگیر نمی شوم.
2-چون بزرگترین نعمت و تاج سروری که خداوند به بشر عرضه کرده است،طبق متن قرآن کریم،آیین یکتاپرستی اسلام است که به زبان عربی نازل شده است،پس انتظار می رود که عربزبانها بهتر از هر قوم دیگری به این افتخاری که نصیبشان شده است دلشاد باشند.حال آنکه طبق فرمایش خداوند گرچه قوم عاد و ثمود و هود و لوط و... به احتمال زیاد در منطقه خاورمیانه بوده اند،که باز هم احتمالا" سامی نژاد هم بوده اند و آن آثاری که باستان پرستان عرب به آنها مباهات می کنند ممکن است متعلق به همین اقوام مذکور در قرآن کریم باشد،ولی مهم این است که آن اقوام ستمگرانی بوده اند که حتی طبق فرموده قرآن کریم حضرت ابراهیم را وادار به مهاجرت می کنند(سوره مبارکه هود) و سایر پیامبران را هم می کشند!و به همین خاطر صاحبان آن تمدنهای سنگی نه تنها مورد لطف خداوند نبوده اند،بلکه مورد غضب خداوند واقع شده اند!پس آیا مورد غضب خداوند قرار گرفتن افتخار است؟!بنابراین باز هم تکرار می کنم برای قوم عرب چه افتخاری بالاتر از این که زبانش مناسب نزول وحی انتخاب شده است! وسرزمینش محل نزول وحی!(گرچه اسلام دین اعراب نیست و راهنمای کل بشریت است و هر عرب زبانی هم لزوما" مسلمان نبوده و نیست!) آیا انتظار نمی رود که عربها این موضوع را بهتر از هر قوم دیگری درک کنند؟!دیدن باستان پرست عرب مرا بیشتر عصبانی می کند تا سایرین!

نویسنده: تلمیذ

جمعه 28 تیر1387 ساعت: 22:50

3-من از آقای بینام و ملت شریف خوزستان و استاد پورپیرار و جمیع دوستان معذرت می خواهم.آن مطالب را نه از روی قصد وغرض بلکه از روی عصبانیت نوشتم،چرا که شعار و هدف ما فاصله گرفتن از خرافات و موهوم پرستی به عوض رجوع قلبی به وحدانیت و ایجاد اتحاد مسلمین است.به هر حال امیدوارم خداوند هم مرا ببخشبد.در ضمن بی نام عزیز من هم دقیقا" در هنگام ورود به مدرسه به هیچ عنوان فارسی بلد نبودم. یادم هست چند همکلاسی لر زبان (هم روستایی)داشتم که آنها ترکی می دانستند ولی نمی توانستند صحبت کنند و من هم لری می دانستم ولی نیمتوانستم لری صحبت کنم.من با آنها ترکی حرف می زدم و آنها لری جواب می دادند و بر عکس!!!

نویسنده: تلمیذ

جمعه 28 تیر1387 ساعت: 22:54

-خدمت استاد خودم عارضم که بنده در سال 84 دو جلد کتاب «تاریخ ترکان ایران» مرحوم زهتابی را تهیه نمودم.بعد از مطالعه جلد اول آن، کتابهای نفیس شما به دستم رسید.بعد از آنکه شما اثبات نموده بودید که امپراتوریهای اشکانی و ساسانی تقلبی است دیگر هرگز جلد دوم آن کتابهای مرحوم زهتابی را نخواندم،چون همانطور که خود شما تاکید نموده اید،همان مهملات بدون سند و مدرکی پان فارسهاست که مرحوم زهتابی به جای کلمه فارس، ترک و به جای کلمه پارس و ایران، آذربایجان گذاشته اند!!!در آن کتابها هم آن بیچاره قبل از اینکه به طور قطع وجود امپراتوری به نام مثلا"«ماد» را اثبات نمایند و

بعد هم به طور قطع ترک بودن آنها را بتواند اثبات نماید،از هنر و فرهنگ و ...آن تمدنها سخنسرایی کرده است که در واقع طوطی وار از فرمت تاریخ نویسی ویل دورانت تقلید کرده است!!! من به دنبال یافتن درک حقیقت،لااقل برای دل خودم،هستم.بنابراین بنده گرچه یک عشایر زاده ام و تعلقات قوم و قبیلگی شدید داشته ام،ولی دانستن حقیقت را بر هر تعلقی ارجح می دانم.این را هم مطمئنم که رگ و ریشه همه ما به حضرت آدم ابولبشر(ع) بر می گردد و همه با هم قوم و خویشیم!صحبتهایی که گاه گاه در رابطه با حق و حقوق اقوام در ایران می شود،بنده معتقد بوده و هستم که صرف نظر از تاریخ و گذشته این اقوام در حال حاضر واقعیت کشور و منطقه ما هیمن است که می بینیم و باید یک راهکار درست برای حل همیشگی معضلات ارائه شود.البته که کسی به حرف من تره هم خورد نمی کند! بعلاوه همه این اقوام مسلمان هستند و من فکر می کنم قدم اول همین کاری است که شما در حالا انجام آن هستید و آن ارجاع همه مسلمین به تنها متن مورد اشتراک همه، که تنها متن مورد اعتماد مسلمین نیز هست، می باشد.اگر هم حرفهای پس و پیش می زنم ناشی از IQ پایین بنده است،قصدم بیان هرآنچیزی است که در رابطه با موضوع مورد بحث به ذهنم می رسد،به امید اینکه به روشنتر شدن موضوع از تمام زوایا کمکی کرده باشم.

نویسنده: تلمیذ

جمعه 28 تیر1387 ساعت: 23:2

-اتفاقا" استاد از مطالعه این پست آخر به هوش و نبوغ شما آفرین گفتم و هیجان زده شدم.به نظر من اگر قطعا" برای همه جهانیان اثبات شود که آن بقایای یک کشتی است،حجت بر همه تمام است و همه باید در برابر عظمت قرآن کریم تعظیم نمایند.در ضمن در سوره مبارکه هود بعد از نقل واقعه طوفان خداوند به پیغمبرش تاکید می کند که این از اخبار غیب بود که نقل شد و قبل از آن تو و قومت چیزی از آن نمی دانستید!بنابراین مطمئنا" داستان طوفان حضرت نوح(ع)و همچنین داستان حضرت یوسف(ع)،که در آنجا هم بعد از نقل داستان همین آیه تکرار می شود، در زمان ظهور پیغمبر اسلام(ص) مطمئنا" در کتاب مقدس وجود نداشته و از قرآن کریم وام گرفته اند!پس همه باید بدون ذره ایی تردید بپذیرند که قران کریم کلام آسمانی است!
به هر حال ببخشید از اینکه وقت شریف شما را گرفتم.

نویسنده: اتفاق

جمعه 28 تیر1387 ساعت: 23:3

سلام آقای عابدی
1) آن لینک ها به وبلاگ هک شده مرتبط بودند که در حال حاضر یافتن مقالات مربوط به آنان دیگر مقدور نیست . البته رفرنس دادن در محیط های اینترنتی که در معرض فیلتر ، هک یا انقضای اعتبار قرار دارند چنین حاشیه های دل نچسبی هم دارد .
2) « فایل های خاص » ، صفحهٔ مناسبی شده است ؛ هرچند من به چیز دیگری می اندیشیدم که به دلیل نیاز به در دسترس بودن فرمت های HTML و Word ، باید از آن صرف نظر کرد و به فرمت فعلی رضایت داد .
3) نمی شد فایل های PDF در همان چارچوب و فونتی که خودم برایتان ارسال کرده بودم باقی می ماندند و فونت و صفحه آرائی آنان تغییر نمی کرد ؟
از زحمات شما سپاسگزارم و اجرتان را به خداوند حواله می دهم

نویسنده: حاجی زاده

جمعه 28 تیر1387 ساعت: 23:35

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت استاد پورپیرار ارجمندو دوستان
یادداشت منحصر به فرد و خارق العاده ای بود،
در پناه خداوند قادر و یکتا باشید.

نویسنده: حاجی زاده

جمعه 28 تیر1387 ساعت: 23:36

همره گرامی جناب بی نام
اول اینکه پاسخ به شونیستهایی نظیر آرش(و من!) باید مبتنی بر حقیقت باشد، نه توهمات، تا ناخواسته بیگاری نشر اکاذیب یهودساخته را نکرده باشیم.
ثانیا"در عجبم از داعیان و منادیان بنیان اندیشی که بعد از ابتلاع عسل حقیقت، مزاج و معده شان هنوز سازگار و پذیرای هلاهل اباطیل است! وگرنه چرخیدن در دکانهای سند خورده به نام یهود بنا به کدامین اقتضاست؟
نکته ی آخر: دوست محترم انصافا" اگر جنابعالی "بر فرض محال" بنده را در وبلاگی مشابه آن وبلاگ مشاهده میفرمودید که در وصف مثلا" جام حسنلو نوشته ام این گوشه ای از هنر ترکان باستان است،بقول خودتان چس فیل بازیتان نمی گرفت؟!

نویسنده: صالح

جمعه 28 تیر1387 ساعت: 23:43

سلام
سوالی از محضرتان داشتم وان که اخیرا فیلمی روزهای جمعه در مورد یوسف نبی از شبکه یک سیما پخش میشود آیا همه ان داستان حقیقت دارد؟باتشکر

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 29 تیر1387 ساعت: 2:16

آقای صالح. هرچه از آن فیلم بر متن قرآن منطبق است، قبول کنید و هرچه مغایر است، دور بریزید و بر شیطنت های یهودیان لعنت بفرستید.

فریبا خانم. محبت فرمودید، شخصا یادداشت 163 را بسی محترم می شمارم. اندکی اگر حوصله کنید، شاید بپذیرید نباید یک قوم به کلی نابود شده در پوریم را، که به تصادف در بخشی از آذربایجان کنونی می زیسته، ترک پنداشت و دست ساخته های آنان را به سود ترکان امروز مصادره کرد. این درست شبیه آن است که عراقی ها آثار تمدن بابل را عربی بدانند!!!

آقای ستار خان. جودی در قرآن اشاره به کوه نیست زیرا "جبل جودی" گفته نشده، مانند سینا که باز هم کوه فرض شده است. اگر در نزدیک شما کوهی به نام جودی است، مسلما محل مورد اشاره ی قرآن نیست، زیرا بقایای کشتی در جای دیگری یافت شده است. بد نیست شیوه ی سئوال کردن را هم بیاموزید. سئوال برای رفع احتمالی تردید و تشکیک است، نه مطالبه ی ارث خانوادگی.

اقای تلمیذ. اگر مفسرین و مترجمین مایل بوده اند بر حوادث تاریخی قرآن، نام قصه با مفهوم و برداشت آن چه برای سرگرمی گفته می شود، بگذارند و هنوز هم می گذارند، از سلامت نفس آن ها نبوده و نیست. قصه در قرآن شرح احوال و سرگذشتی واقعی است، نه واهی. "...فلما جاءه و قص علیه القصص". آن ها که اشارات قرآن به حوادث و رخ دادهای پیشین را قصه می شمارند، شاید که یادداشت 163 را علاجی بر بیماری خود بگیرند.

نویسنده: اویرنجي

شنبه 29 تیر1387 ساعت: 10:5

با سلام
در جستجوي کلمه پوریم به وبلاگ شما رسیدم - مطالبي عجیب در آن یافتم البته تکان داهنده است راستي سوال داشتم که آیا عنوان وبلاگ از نظر شما به این معني است که شما تمدنهاي شرق دور و آمریکاي لاتین را که همزمان با تمدن خاورمیانه ایجاد شده اند قبول ندارید؟

نویسنده: حاجی زاده

شنبه 29 تیر1387 ساعت: 11:42

استاد عزیز سلام، وقت بخیر
جالب است،برخی دوستان اسبقم مرا "خود تاریخ کش" و "خود فرهنگ کش" و... خطاب میکنند چون دیگر اتصال به سومریان واقوام منقطع النسل اورارتوها و هوریان و...را باور ندارم و و دل و عقل خود را به شفاف سازیهای تاریخی نوین سپرده ام، در عوض اینجا هم با قضاوتهای ناصوابی چون " اندکی اگر حوصله کنید، ((شاید)) بپذیرید نباید یک قوم به کلی نابود شده در پوریم را، که به تصادف در بخشی از آذربایجان کنونی می زیسته، ترک پنداشت..." مواجهم ،عجب سرنوشت شومی!!!متاسفم که ما همیشه محکوم به ارتجاع اندیشی هستیم.
استاد عزیز، بعرض می رسانم که بنده سرسپرده ی آرمانهای ناب و مقدس این مکتب گرانقدر هستم نه الب ارتونقا و تومروس و مته خان و... پس ترک بودن و نبودن آنها برایم یکسان است، من دقیقا نمی دانم شما از چه منظری کامنت مرا قرائت فرموده اید که چنین استنتاج کرده اید،اما اگر به همین منوال ،قلم الکن من موجد سو,برداشتهای عدیده شود،پس مصلحت در سکوت است بشرطی که این سکوت نیز سو,تعبیر به مخالفت و جبهه گیری در برابر مدخل نوگشوده نشود.
با آرزوی توفیق روز افزون برای حضرتعالی
ارادتمند حاجی زاده

نویسنده: حاجی زاده

شنبه 29 تیر1387 ساعت: 12:51

تصحیح می شود:
متاسفم که ما همیشه متهم به ارتجاع اندیشی هستیم.

نویسنده: بختیار

شنبه 29 تیر1387 ساعت: 16:37

با اجازه استاد

اشاره به این نکته که نوح پیامبری بوده مبعوث بر تنها قوم خود اشاره ای بس ظریف استکه توسط استاد بیان گردید.
اقرار میکنم که بدون مراجعه به قران من هم فکر میکردم که توفان نوح یک توفان بنیان کن و جهانی بوده است. لیکن اصلا منطقی به نظر نمیرسد که چون قوم نوح نافرمانی کردند پس تمام مردم جهان به زیر آب بروند. از دیگر سو نمیتوان تصور نمود که تمام مردم روی زمین هم منحصر به قوم نوح بوده اند.

از دیگر سو بر اثر القائیات زمان کودکی چنین بر می آمد که نوح از هر حیوانی (شیر و روباه و مار و گوسفند و خرگوش و گاو و عقرب و ...) یک جفت به کشتی خود برده است تا (خداوند)برای بقای نسل آنان فکری کرده باشد. من همیشه با این مسئله مشکل داشتم که اولا از تمام موجودات جهان یک جفت در یک کشتی چگونه میتوان جمع نمود. زیرا اگر نوح به اندازه صد هزار سال هم عمر میکرده ممکن نبوده است بتواند از تمام موجودات (که مثلا در گونه حشرات شمار آنها به صدها هزار گونه میرسد) موفق شده باشد.
بنابراین فکر میکنم نظریه جمع آوری از هر حیوان یک جفت نادرست است. جمع آوری حیوانات حلال گوشت که در طی سفر بتواند تامین کننده غذای سالم باشند و نیز بعد از پایان توفان با کمترین جستجو و کوچ قوم نوح بتوانند مجدد به پرورش آنها بپردازند بسیار منطقی تر است.

بهمین دلایل فکر میکنم جهانی بودن توفان نوح کاملا مردود است.

جناب استاد به بیشتر دانشجویان کلاس خود حق بدهید. ما ملتی هستیم که اگر اغراق نکنم حتی آموزه های دینیمان را هم از فیلم های هالیودی گرفته ایم پس خیلی راحت با خواندن مطالب کلاس اولین چیزی که در ذهنمان تداعی میگردد صحنه هایی از فیلم های هالیودی است.

نویسنده: یولداش

شنبه 29 تیر1387 ساعت: 16:43

امروز دو کتاب تحقیقی ! از اقایی به نام ... دیدم در مورد تاثیر پذیری تمدنهای ژاپن و کره از امپراتوری بزرگ پارس ....

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 29 تیر1387 ساعت: 16:45

آقای اویرنجي. کهن تر از تمدن بین النهرین و به طور کلی شرق میانه نداریم. این جا گهواره ی تمدن بشری و لااقل چهار هزار سال قدیمی تر از تمدن آمریکای مرکزی و خاور دور است. به معنایی تمدت یونان و چین و هند و آسیای دور پس از فروریزی هستی کهن شرق میانه در ماجرای پوریم جوانه زده است.

فریبا خانم. نزدیک است مسئول بروز این همه سوٌ تفاهم میان دوستان را گرمی هوا و یا سنگینی مطالب و محتوای یادداشت ها معرفی کنم. در پیامی از شما خواندم:
"مشاهده می فرمودید که در وصف مثلا" جام حسنلو نوشته ام این گوشه ای از هنر ترکان باستان است". چون آدرس محل ثبت را برای رجوع کامل و دقیق نداشتم، پس وقوع جرم!!! را محرز گرفتم و کیفر خواست صادر شد!!! نگران نباشید، متقابلا می توانید مدعی العموم را به کج فهمی متهم کنید. تا آن جا که از احوال قاضی باخبرم و او را می شناسم، حکم تبرئه را صادر خواهد کرد. به راستی می دانید چرا یادداشت های در باب جمعیت شناسی تاریخی و معماری و خط و این آخری، یعنی ارائه ی آدرس و مکان بروز طوفان نوح، برخی از دوستان ترک ما و درست آن هایی را که پیوسته مشوق بنیان اندیشی بوده اند، برآشفته است؟!! چرا گمان می کنند این مباحث ضعیف است و مثلا رد کتیبه ی نقش رجب، محکم؟!!

آقای بختیار. بروز تلاطم در قبول مدخل طوفان نوح، احتمالا حاصل این نگرانی است که برخی از دوستان گمان می کنند از اخلاف بخش تنبیه شده ی قوم نوح باشند. برای آسودگی خیال آنان تذکر دهم که آنان غرق شدند و به تولید عقبه نرسیدند!!!

آقای یولداش. اگر از این مولف دلیل بخواهید احتمالا خواهد گفت که ژاپنی ها هم به پرستو می گویند پاراستوی!!!

نویسنده: اویرنجی

شنبه 29 تیر1387 ساعت: 19:33

با سلام
جناب پورپیرار عزیز - ممنونم از جواب شما
ولی بنده فکر می کردم تمدنهای بشری به صورت موازی رشد کرده اند البته من نه اینکه توین بی انگلیسی را تایید کنم ولی به نظر می رسد حتی با قبول یادداشت عالمانه اخیر جنابعالی در خصوص توفان نوح قبول تمدنهای موازی بشری چندان بعید نیست زیرا از دوستان شنیده ام که شما تنها قرآن را قبول می کنید در قرآن هم آ/ده است که قصه هایی ناگفته از اقوام و پیامبران است که به محمد (ص)گفته نشده است. لذا من بعید می دانم شما از احوال تمدن آمریکای لاتین و پیامبرانی که خدا بر آنان فرستاده اطلاعات دقیقی داشته باشید .

نویسنده: رضا

شنبه 29 تیر1387 ساعت: 19:42

با سلام خدمت استاد محتروم و جمیع دوستان ، به علت مسافرت و نداشتن امکان استفاده از اینترنت دو مبحث اخیر و کامنتهای همراهشان را امروز خواندم و ضمن تشکر از استاد بخاطر ایندو بحث عالی و قابل توجه ، از اینکه نتوانستم بموقع جواب برخی از دوستان بخصوص جناب رحمانی را بدهم امیدوارم حمل بر بی ادبی یا خود ستایی نکنند و البته هنوز هم از دوستان تمنا دارم نسبت به هم رعایت ادب را بکنند، بهرحال هرکس به هردلیلی(توجه به دین ، علاقه بتاریخ ، جستجوی هویت و...) به این کلاس میاید باید تفاوت عمده ای با افراد بی اخلاق ناشایست در خود حس کند و گرنه برای فحاشی به افراد نادیده و نا شناخته قبول زحمت رسیدن به این وبلاگ کار بیهوده ایست میشود به اتاقهای مخصوص چت رفت و رودر رو به همه لیچار گفت و پاسخ شنید.
استاد سوالی که برایم وجود دارد درمورد توفان نوح اینکه آیا وقتی کشتی بر ساحلی می آرامد و باران متوقف میشود دره ها هنوز پر آب و غیر قابل سکونت هستند و قوم نوح که از کشتی خارج میشوند مجبورند در ارتفاعات کوه سکنی گزینند (که برای حیات بشری و حیوانی چندان مناسب نیست)ویا از طریقی به مناطق کم ارتفاع قابل زیست مهاجرت می کنند؟

وب سایت

۱ ۲ >>

ایران شناسی بدون دروغ، 163، در باره ی طوفان نوح - 99 نظر

نویسنده: رضا

شنبه 29 تیر1387 ساعت: 19:55

استاد با عنایت به پاسخ شما به فریبا خانم در ارتباط با برآشفتن دوستان تورک شما، آیا امثال بنده که برنیاشفته ام و از بحث استفاده نمودم :1- جزو دوستان شما نیستم؟ 2- با توجه به اسمم تورک نیستم؟ 3- تاکنون مشوق بنیان شناسی نبوده ام؟ 4- " من فقط اشتباهی بوده ام؟"
ضمنا جسارتا عرض کنم که دلیل عقیده عمومی مردم در مورد فقدان حیات در جهان بعداز توفان نوح توضیح غلط و تفسیر نابجای عالمان دینی در طول قرنها بوده است. زیرا همیشه وقتی راجع به لوط و یا ثمود صحبت میشود به نابودی قوم لوط قوم ثمود اشاره می کنند اما نوح بعنوان پیامبری نام میبرند که در رده موسی و عیسی بوده و حیطه پیامبریش بیش از محدوده قومی میباشد. بهمین جهت اغلب طوری صحبت می کنند که بنظر میرسد حیات فعلی بشر از دوران نوح مجددا آغاز شده است.
استاد آیا هیچ ردی از تلاش صهیونیسم در تبدیل یا تغییر موضوع پیدایش کشتی نوح در دست نیست؟

وب سایت

نویسنده: حسین محمدی

شنبه 29 تیر1387 ساعت: 20:10

مشایی : ایرانیها با مردم اسرائیل دوست هستند !!!!!!
http://www.asriran.com/view.php?id=47846

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 29 تیر1387 ساعت: 21:8

آقای رضا. برای رفع نگرانی، "برخی از" به جمله اضافه شد.

آقای محمدی. این را می گویند دموکراسی دولتی! رئیس جمهور می خواهد اسراییل را برچیند، معاون اش نازشان را می کشد! ببینیم کدام یک زودتر موفق می شوند. شاید هم خواسته های نفر سومی انجام شود که احتمالا از راه خواهد رسید.

نویسنده: بی نام

شنبه 29 تیر1387 ساعت: 21:52

جناب تلمیذ سلام علیکم

برادر عزیز واقعا" نیاز به معذرت خواهی نبود به مصداق ضرب المثل عربی"بین الاحباب تسقط الاداب"ما دو دوست وشاید بیشتر از ان دو همفکر هستیم که در مورد مسئله ای اختلاف عقیده پیدا کردیم ومطئنم که مسئله کاملا" حل شده است وما باز بر همان سراط و همان جایگاه اولیه پیش از بحث هستیم.
در اینجا به منظورجواب به عمل مو٬دبانه وشجاعانه شما (معذرت خواهی را می گویم)اگرناخواسته توهینی از جانب بنده به شما ومردم شریف وغیور ترک شد بند را ببخشید خداوند خود شاهدبر نیت من است,البته یهودیت پست وشوئنیست های ملعبه انها خارج از این محدوده اخلاقی قرار دارند.
در ضمن خوشحالم که وجه اشتراک خاصی نیز با هم پیدا کرده ایم شاید دیگران ندانند که ما از این بابت ناملایمتها کشیدیم وچه وقتها که ناجوانمردانه به علت عدم تسلط بر زبان فارسی در همان محکمه های اقتضایی دوران کودکی وشاید نوجوانی محکوم شدیم و حتی انگاه که رگ گردنمان از فشارناتوانی در دفاع کلفت می شدان نیز بر علیه ما شهادت می داد سخت بود,نه؟.به هر حال برادرم امیدوارم موفق ومو٬ید باشید.

نویسنده: ناصر پورپیرار، 1

یکشنبه 30 تیر1387 ساعت: 0:12

خانم فریبا. غوغای غریبی برپاست و می بینید که تمام همت مشرکین مصروف خاموش کردن بی صدای این آوای نو درگرفته است. گردانندگان قریب پنجاه سایت و وبلاگ، شبانه روز به تولید و توزیع ابهامات و اتهامات علیه این توضیحات مشغول اند که درماندگی از نوشته های آنان می بارد، بی مایگانی که برای پوشاندن برهنگی فرهنگی خود، چاره ای جز بر سر کشیدن هزار باره ی پلاسی ندارند که از فرط بید خوردگی با هر یادداشت نو، تار و پود حصه ی دیگری از آن، با باد حقایق می رود. در نظر آورید آن چه بیان اش هنوز بر زمین مانده، از نظر حجم و اهمیت، بسی بر آن چه گفته شده برتری دارد. بار غول آسایی که حمل و بر زمین گذاردن یک تنه و مطلقا یک تنه ی آن استخوان فیل را می ترکاند. بی تعارف و به اصرار انتظار هیچ عنایتی را جز از جانب خداوند ندارم، چنان که به بی راهه زدن برخی از دوستان را نیز بیش از این بر نمی تابم و به این نتیجه رسیده ام که صورت های پوشیده را نقاب بردارم و صف دوست و دشمن را بی ملاحظه جدا کنم، که صراحت گفتار یکی از ابزارهای آن است. زیرا از مرحله ی تعارفات دیگر گذشته ایم و تنها مضمون یادداشت 163 می تواند خشمی را در بطن دشمنان اسلام و قرآن شعله ور کند که به هر حیله ی احمقانه دست برند. امری که به عنایت الهی برای آنان ثمری به بار نخواهد آورد. به این وبلاگ انبوهی کامنت های فاقد ارزش نصب می رسد نشانگر این که با چه خوش خیالان بدون منطقی مواجهیم که بیماری تعصب و جهل تا مغز ضخیم ترین استخوان های شان را پوسانده است. یکی از آنان در کامنت نصب نشده ای نوشته بود:

نویسنده: ناصر پورپیرار، 2

یکشنبه 30 تیر1387 ساعت: 0:17

"به شما می گویم هیچ تصوری از وجود هیچ زبانی که بتواند با زبان فارسی از نظر گستردگی و عمق برابری کند ندارم و نمی توانم داشته باشم زیرا این زبان من است! و من آتشی هستم در زیر خاکستر که دیر یا زود زبانه خواهم کشید و خواهید دید که هرگز هیچ کلامی به شیوایی آنچه که "من" بر زبان و قلم جاری می کنم سراغ نمی توان گرفت".
این صورت عقب مانده و بی بار استدلال، هنوز تصویر و تصور یکی از صاحب اندیشگان آنان است، که از عهده ی نگارش دو

سطر بی لغزش املایی و انشایی، به مدد الفاظی از لسان عرب، برآمده است و در عین حال از زبان و لغت "من" سخن می گوید! با گفتار رجالگان آن ها آشناسید که در میان شان میدان داری را چند ترک دهان دریده به عهده دارند. واماندگان بر سفره یهود نشسته ای که سوزش و خارش زخم حربه ی تختگاه هیچ کس استاد غفوری آرام آنان را بریده و از همین روی دیگر ابلهان را به مرحم گذاری یهودیان فرا می خوانند. سخن کوتاه کنم بهانه گیری ها از یکدیگر را کنار گذاریم و بگذاریم امثال سهند و آرازها راه شان را طی کنند و ما مسیر خود را ادامه دهیم. زیرا به شیوه ای عجیب و جادویی در این وبلاگ کسی نتوانسته است مدت دراز با ماسک دوستی دروغین اطراق کند. من شما را خردمندی فرهیخته می دانم دوست من، به گونه ای که گاه گناه کارانه در صحت پروفایل شما تردید می کنم. ولی به هر حال اشارات مهربانانه ی شما بسی شور انگیز و امیدوار کننده است. تا خدا چه خواهد. و اضافه کنم پیش تر نیز در شتاب زدگی در قضاوت نسبت به آن یادداشت شما اعتراف کرده ام و اینک عذر خواهی را نیز بر آن بیافزایم.

نویسنده: بختیار

یکشنبه 30 تیر1387 ساعت: 0:29

استاد با سلام مجدد

به آن پنجاه شصت سایتی که اشاره فرمودید لطفا شبکه های ملی را هم اضافه نمایید. میدانم که جنابعالی شاید وقت دیدن برنامه هایشان را نداشته باشید. اینجانب هم جسته گریخته میبینم و از همنوایی آنان در مخالفت با شما حیرانم. بعد از هر مدخل جدید برنامه ای مثلا در رد مسایل مطرح شده تهیه و پخش میشود(شاید هم من خیالاتی شده ام) آنهم برنامه هایی نسنجیده و بی محتوا.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 30 تیر1387 ساعت: 0:34

آقای مجتبی. بی اعتنایی محض.

آقای بختیار. بی نوایان درمانده شده اند و اگر به چنین ابزارهایی متوسل نشوند، نان شان بریده خواهد شد.

آقای رضا 71. منظورتان از آن یادداشت کوتاه چه بود؟

نویسنده: اویرنجی

یکشنبه 30 تیر1387 ساعت: 0:52

ببخشید جناب آقای پورپیرار کتابهای شما را کجا می توان پیدا کرد؟ چون ظاهرا تمام شده است و چاپ هم نمی شود.

نویسنده: مسعود

یکشنبه 30 تیر1387 ساعت: 1:12

خسته نباشید و وقت شما بخیر استاد.

برای دوستانی که تصور نمیکنند یهودیت حاکم بر هالیوود چگونه بذر تمسخر و افسانه سازی از وقوع سیل نوح را که عبرت بزرگی برای بشریت میباشد در اذهان کودکان عالم میکارد توصیه میکنم یک بار هم که شده است کارتون مسخره هالیوودی "یوگی و دوستان" !! را که چندین دهه متوالی است برای تحقق این امر به مغز بشریت تزریق میکنند را ببینند !
توضیحات بیشتر را در این لینک میتوانید ببینید:

http://en.wikipedia.org/wiki/Yogi's_Ark_Lark

نویسنده: reza71

یکشنبه 30 تیر1387 ساعت: 1:38

با سلام
خبری بود در سایت تابناک با عنوان " ترجمه یک متن فلسفی دوره ساسانی "
http://www.tabnak.ir/pages/?cid=14028

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 30 تیر1387 ساعت: 2:5

آقای اتفاق. مشغول جست و جوی کتاب های سفارشی هستند و یکباره صورت حساب ارسال خواهد شد. در مورد نوع پست هم حتما.

آقای اویرنجی. از طریق تلفن 66492049 تهران.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 30 تیر1387 ساعت: 6:49

خانم فریبا. به یقین موجد جان تازه خواهد بود. آیا امید و راهی هست، جز این که به خواست و عنایت خداوند بسپارم، با این راه دراز در پیش که سر منزل مطلوب و محبوب را دور می کند؟! اگر به تصویری راه گشا رسیدید، با ای میل بفرستید.

آقای مجتبی. با مشتی گل چشمه ی خورشید بی فروغ نخواهد شد. در آن جا مطلب تازه و موجبی برای نگرانی نبود. حوصله کنید.

آقای رضا 71. احتمالا این متن فلسفی ساسانی را هم در انتهای آب های خلیج همیشه فارس یافته اند!!! حتی ممکن است به زودی یک کتاب خانه ی واتر پروف نیز از زمان اشکانیان در غاری در زیر همان خلیج بیابند که سند مالکیت ملی بر آن را خرچنگ ها بر صخره ها نگاشته اند!!!

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 30 تیر1387 ساعت: 8:7

آقای مجتبی. در قسمت زیرین سمت راست نقشه ی ترکیه یک نوار نمایش ارتفاع بر حسب تلورانس رنگ است که بخش مرتفع آن سرزمین را از 500 تا 2000 متر طبقه بندی می کند. بخش های اخرایی آن در حد فاصل 500 تا 1000 متر و انباشته از رسوبات رسی و بخش های بلند تر، از 1000 تا 2000 متر قهوه ای و از 2000 متر به بالا به رنگ خاکستری و سفید است. جالب ترین مطلبی که صحت یافته های مرا در باره ی آن طوفان تایید می کند، این که کشتی در ارتفاع 1800 متری کوه آرارات یافت شده گرچه بلندای آن کوه بیش از 5000 متر است. این مطلب اثبات می کند که سطح آب در آن طوفان از مقیاس تراز متوسط کوه های ترکیه بالاتر نبوده است. گمان نمی کنم درک این مطالب به عقل و استعداد ویژه ای نیاز داشته باشد.

نویسنده: درویش

یکشنبه 30 تیر1387 ساعت: 8:47

سلام استاد . مطلب جلبي بود اين پست جديد. راستش حدود بيش از 15 سال پيش من در جايي موضوع كشتي نوح را از كسي شنيدم . البته او مي گفت كه كشتي نوح را پيدا كرده اند كه به زبان عبري روي بدنه آن نام پنج تن نوشته شده بود.
مطلب ديگر آنكه در مورد تمدنهاي گم شده كه نامشان در قرآن آمده تحقيقاتي صورت گرفته و كتابي توسط محقق تركيه بنام هارون يحيي خواندم كه جالب بود و در مورد تمام تمدنهاي نابود شده مذكور در قرآن و جايگاه آنها و نحوه نابوديشان ، نوشته بود هماني است كه در قرآن آمده .
نكته ديگر ، كتابي خواندم بنام تمدنهاي روزگاران پيش از نوح كه در آن نويسنده معتقد بود طوفان نوح علمگير بوده و حتي آثار آن را تا دشتهاي امريكاي جنوبي دنبال ميكرد . البته كتاب مستندي نبود و هيچگونه ارجاعاتي نداشت بيشتر داستان گونه بود .
نكته ديگر آنكه در كتاب اساطير بين النهرين محل وقوع طوفان نوح را در منطقه جنوب عراق نام برده اند . البته همان طور كه گفتم بحثهاي جالبي كرده اند . اما بحثهاي جديد استاد بسيار مدللتر و علمي تر است . اينها را گفتم تا برخي از دوستان اطلاع پيدا كنند و البته نظر استاد را هم در باره كتاب هارون يحيي بدانم . البته ايشان سايتي هم دارند كه الان آدرسش يادم نيست به دو زبان تركي و انگليسي است ، بعدا كه آدرسش را پيدا كردم پيغام ميگذارم .
و در نهايت يك دستمريزاد جانانه به استاد پورپيرار بگويم و اين مطلب را عرض كنم كه بسياري از دوستان هستند كه مثل بنده فقط مطالب را دنبال ميكنند ولي كامنتي نمي گذارند . از طرفي دوستان ترك ما هم كه مدام گرفتار جنگهاي قبيله اي هستند و به كسي اجازه نمي دهند در خصوص مطلب پست شده چيزي بنويسد .
خداوند همه را هدايت نمايد انشالله .

نویسنده: نیوکامر

یکشنبه 30 تیر1387 ساعت: 9:35

سلام بر اسناد و دوستان حقیقتجو
من مدت کوتاهی است که با وبلاگ شما آشنا شده ام و سعی کرده ام مطالب شما را از ابتدا مطالعه کنم ولی امان از

زندگی ماشینی امروز و کمبود شدید وقت!

سوالی که برای بنده در این پست ایجاد شد اینست که چرا یونانیهاییکه بعد از حادثه ی پوریم به ایران آمدند در ترکیه ساکن نشدند؟ مگر نه اینکه ترکیه به لحاظ اب و هوایی شرایط بسیار مساعدتری دارد؟ و اگر به ایران آمدند چرا استان فعلی فارس را انتخاب کردند استانی که در مقایسه با استان های غربی و شمالی و شمالغربی آب و هوای بسیاار مغایرتری نسبت به یونان و اروپا دارد؟

آیا از آثاری که یونانیها در ایران بجا گذاشته اند در شرق ترکیه هم یافت شده است؟

البته فکر کنم جواب اینسوالات به زمان حادث شدن توفان هم بستگی داشته باشد.
با تشکر فراوان

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 30 تیر1387 ساعت: 17:50

فریبا خانم. پس از دو یادداشت مفصلی که در ساعات 0:12 و 0:17 یک شنبه 30 تیر در پاسخ به آخرین یادداشت خصوصی شما به تاریخ شنبه 29 تیر1387 ساعت: 23:21فرستادم، پیغام کوتاه و خصوصی و پر نیروی شما در ساعت 03:2 رسید که بر آن در ساعت 06:49 پاسخی فرستادم و آن هم فقط یک بار و با یک مضمون. اگر دشوارتان نیست از متن آن پیام دوم به نحوی باخبرم کنید. زیرا در ستون کامنت ها نیز فقط یک پاسخ ثبت است! در ضمن برای بهره برداری از امکانات فنی به تر، می توانید برخی نوشته ها و یا تصاویر را با ای میل و به آدرس های: info@karangbooks.com و یا pirna44@yahoo.com ارسال کنید. محترم و ماندگار و آسوده خیال باشید، هرچند با آخرین مطلب ارسالی شما در ساعت 03:2، به نحوی نگران و پریشان خیال شده ام.

آقای هاتف. زحمات شما در ترجمه ی آن کتاب، سپاس و دعای خیر خوانندگان اش را در پی خواهد داشت. منتظر دریافت محموله ارسالی می مانم.

آقای نیوکامر. به گمانم یونانیان در انتخاب مقصد برای مهاجرت، هرچه دورتر ماندن از دسترس رومیان را منظور داشته اند مضاف بر این که گستره ی کلنی های یونانی نشین، از خوزستان تا افغانستان و از کرمان شاه و سیستان تا ماوراً النهر پراکنده است. با این توجه که شرایط و امکانات جغرافیایی امروز همان امکانات 2200 سال پیش نیست.

آقای درویش. زمان برداشت دوران ساز از این یادداشت ها هنوز نرسیده و در حیات این روشنفکری و دستگاه های فرهنگی غالبا نان خور کنیسه و کلیسا نخواهد بود. صبر از فرامین الهی خطاب به حق طلبان است.

نویسنده: حاجی زاده

یکشنبه 30 تیر1387 ساعت: 20:2

با سلام و خسته نباشید
استاد گرامی آن کامنت ساعت03:2 ،متعلق به من نیست، و کاملا از محتوای آن بی خبرم،شاید یک تشابه اسمیست و یا نوعی رذالت!
ممنون میشوم اگر مرا هم از مضمون آن کامنت پر نیرو مطلع فرمایید.

نویسنده: ---------------------

یکشنبه 30 تیر1387 ساعت: 22:9

استاد عزیزومحقق ارجمندجناب اقای پورپیرار سلام علیکم
ممکن است که از این جناب شیوا سخن اتش زیر خاکستر که فرازی از گفتارش رابه این شرح :"به شما می گویم هیچ تصوری از وجود هیچ زبانی که بتواند با زبان فارسی از نظر گستردگی و عمق برابری کند ندارم و نمی توانم داشته باشم زیرا این زبان من است! و من آتشی هستم در زیر خاکستر که دیر یا زود زبانه خواهم کشید و خواهید دید که هرگز هیچ کلامی به شیوایی آنچه که "من" بر زبان و قلم جاری می کنم سراغ نمی توان گرفت".
آوردید بخواهیم چند کامنت اتشین زیر خاکستری به عنوان زنگ تفریح بلغور بفرمایند.
استاد بخدا این گرمای داغ تابستان و این مطالب سنگین شما می طلبه که این انش
جون زیر خاکستر قدری باعث انبساط خاطر ما داغ کرده ها شود.استاد بخدا شرط انصاف نیست که این تلخکها فقط موجب انبساط خاطر شمابه تنهایی بشونداجازه بفرمایید حد اقل ماهم یه ذره بخندیم .

نویسنده: آیدین قشقايي

یکشنبه 30 تیر1387 ساعت: 22:26

سلام به دوستان
دوست گرامي جناب آقاي تلميذ
فرزندان عشاير از زمره بااستعدادترين فرزندان اين ملت اند. در دهه 1350 شمسي در همين شيراز خودمان شهره قبولي بچه هاي عشاير در دانشگاهها چنان گسترده بود كه بسياري از شهريان را به تعجب واداشته بود و هم اكنون هم بسياري از وكلا و پزشكان همين شيراز بچه هاي عشايرند.پس دليلي ندارد خودخوري كنيم.عشاير مردماني بااستعداد و سختكوش و خوش مشرب و باغيرت اند.
ضمنا شجاعتتان را در معذرت خواهي بابت آن اشتباه بزرگ مي ستايم.

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 31 تیر1387 ساعت: 0:53

آقای رضا. این نوشته ها در برابر بی استعدادان نیازمند دفاع نیست. ما در این جا قرار داریم به کسانی که نام و صفحه و حتی عنوان وبلاگ شان سرقتی است، سر نزنیم.

فریبا خانم. بفرمایید آن کامنت مشکوک را به کجا بفرستم. یادداشت خصوصی بعدی شما نیز دریافت شد. احترامات و ارادت های مرا بپذیرید. همه چیز روشن و اسباب مباهات هر صاحب ذوقی است که از استعدادهای مسلم و ذاتی شما با خبر است. باید به گره گشایی الهی امید ببندیم.

آقای مجتبی. علت شوکه شدن و هراس جوجه یهودیان از بابت نصب یادداشت 163، در یادداشت بعد معلوم می شود که به اراده ی الهی به زودی نصب خواهد شد. آن چه را خواندید، تنها اثبات مدخل بود، نتیجه گیری از آن تاریخ یهودیت و فرهنگ نبوت توراتی را زیر و رو خواهد کرد.

آقای----------. آن ها نزد من نزدیک به یکصد دوره گل آقا انواع مطلب فکاهی دارند. زمان انتشارشان نیز خواهد رسید.

نویسنده: هاتف

دوشنبه 31 تیر1387 ساعت: 8:50

با سلام خدمت استاد بزرگ و دوستان
مطالبی که در کتابهای اقای هارون یحیی در مورد طوفان نوح موجود است همگی از دیدگاههای مورخان غربی است که بدنبال شهرهای مدفون شده در ریر رسوبات در بین النهرین می گردند. متاسفانه آقای هارون یحیی مورخ نیست بلکه مفاهیم و اطلاعات قرانی را با اطلاعات موجود مقایسه می کند.
تنها نکته ای که در کتاب هارون یحیی امده است. این است که براساس ایات قرانی طوفان نوح در یک منطقه محدودی واقع شده در حالی که کتابهای عهد عتیق و جدید انرا مربوط به تمام جهان می دانند.

نویسنده: حاجی زاده

دوشنبه 31 تیر1387 ساعت: 9:42

استاد گرامی سلام
آخرین یادداشت خصوصی که بنده خدمتتان ارسال کرده ام همان یادداشت شنبه 29 تیر1387 ساعت: 23:21 است ،باقی متعلق به من نیست، به گمانم دوست دیگری همنام من یافته اید! فقط نمی دانم این شخص با نام "حاجی زاده" ارسال کامنت میکند یا "فریبا"؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 31 تیر1387 ساعت: 10:28

فریبا خانم. این وبلاگ وارد شونده ی دیگری با نام کوچک شما ندارد. تمام کامنت ها اعم از خصوصی و عمومی با نام حاجی زاده می رسد.

آقای هاتف. هارون یحیی به احتمال بسیار در ریشه یهودی است، هر فرضیه ی دیگری در باب طوفان نوح و مکان رخ داد آن، به جز آن چه در یادداشت 163 آمده، یا خیال بافی و یا درهم ریزی عمدی موضوع به قصد بطلان و در پرده ماندن امر است. توضیح مفصل تر را انشا' الله در یادداشت 164 خواهم آورد. ضمنا با تلفن 66492049 تماس بگیرید.

آقای منوچیم. نصب شمارنده جز ارضا٬ حس کنجکاوی خاصیتی ندارد و حتی ممکن است موجب یاس و سرخوردگی شود. اصل ارزش مطلبی است که ارائه می دهید. حتی اگر فقط یک نفر خواننده داشته باشد.

نویسنده: نسرین

دوشنبه 31 تیر1387 ساعت: 10:51

سلام آقای بی نام
در این نوشته شما که خطاب به من نوشته اید اثری از"نثر بسیار فخیم "شما دیده نمیشود!احتمالا وقتی این کامنت را مینوشتید در حال مطالعه ی قصه های شاهنامه بوده اید!؟
بی نام: "باز که با کلون زنونه در زدی .رد گم می کنی یا می خای با مردخونه روبرو نشی؟یه بار ازت خواهش کردم یه طوری بگو که این سنسورهای ما آلارم نده.
ممکنه که اسم اون جعرافی دان ونام کتابش را اعلام بفرمایید؟"

و اما در مورد فیوجها (کولیها)من این سوال را از آقای پورپیرار پرسیده بودم:
نظرتان راجع به کولیها چیست؟در شاهنامه آمده که آنها را بهرام گور به ایران آورده(شاهنامه و بهرام گور جعلی است)بعضی ها هم معتقدند نادر شاه افشار آنها را به ایران آورده(نادر شاه هم که وجود خارجی نداشته)و بعدها در سراسر جهان پراکنده شده اند؟پس این کولیهای ایران(كولي ها را درتمام نقاط ايران به نامهاي جات، جت، گت، زط، پوشه، لوري، لولي ، جوگي (جوكي)، فيج، فيوجي، زنگي، چگني، كاولي، خنياگر، توشمال، جنگيانه، كولي، غربت، گات، سوزماني، فقرا، كليلاني، قره چي، كراچي، غريب زاده، غجر، زرگرقوچاني، زرگر كرماني، غرشمال، كم بند، غربال بند، خاني، شمريشن، چنگ زن، خطير، كوسان، لوطي و چلنگر،دام(دم) ،خراط،سوری،رومانلو... مي خوانند» . در آثار تاريخي از آنها با عناويني چون بنكشي، بنگالي، غره‌چه، زط يا جت، لوري، لولي، كولي و... ياد شده است.زط قديميترين نامي است كه کولیها در ایران در گذشته به آن خوانده شده اند) وبقیه نقاط کی و چگونه از آسیای میانه به هند و از هند به ایران و سایر نقاط رفته اند؟

نویسنده: بابک

دوشنبه 31 تیر1387 ساعت: 11:9

سلام آقاي پورپيرار
اگه ميشه شماره حساب بانكي خود را براي واريز كردن پول CD هاي تختگاه هيچكس برام بنويسيد. با تشكر بابك

نویسنده: نسرین

دوشنبه 31 تیر1387 ساعت: 11:34

سلام آقای پورپیرار
در کتاب مقدس آمده که تمام ملتهای دنیا بعد طوفان نوح از نسل فرزندان نوح هستنداین بدین معنی است که بعد طوفان نوح ملتها تقسیم شده اند بنابراین آیا میشود گفت که این واقعه در حافظه ی تاریخی همه ملتها ثبت شده است؟یا گزارش این واقعه توسط افراد نجات یافته از واقعه پوریم که به نقاط مختلف و بین ملتهای دیگر رفته اند به گوش آن ملتها رسیده؟

نویسنده: نسرین

دوشنبه 31 تیر1387 ساعت: 11:36

طوفان نوح(ع) در ملل مختلف به شکل های مختلف بیان شده است:

یکی از جالب ترین آنها داستان((دویکالیون))و((پیورها))است در افسانه ها ی یونان:
طی خشم خدایان از انسان ها زئوس طوفانی مهیب به پا کرد و تمام انسان های ظالم را نابود کرد.تنها این دویکالیون و پیورها بودند که زنده ماندند.زئوس به آنها دستور داد که هر کدام سنگ های روی زمین را بردارند و به پشت خود بیاندازند.سنگهایی که دویکالیون به پشت خود می انداخت به انسان های مذکر،وسنگ های پیورها به انسان های مؤنث تبدیل می شدند.

داستان توفان سومری :
از روایت‌سومری، چنین برمی‌آید که با و انلیل اراده می‌کنند بشر را با توفانی عظیم از میان بردارند.یکی از ایشان، موسوم به انکی ،ارزش‌های زی‌سودرا شاه، یعنی فروتنی، فرمان‌برداری‌و پارسایی را به خدایان یادآور می‌شود. هموست که پنهانی زی‌سودرا را در شوروپاك یاشروپك از این تصمیم آن و انلیل آگاه می‌کند. پروفسور کریمر می‌نویسد: زی‌سودراهنگام خواب و در ساعات خواندن ادعیه و اوراد منتظر وحی و الهام آسمانی است. تااین که روزی که در کنار دیواری ایستاده است، ندای

یکی از خدایان او را متوجه‌می‌سازد. به وی اطلاع داده می‌شود که خدایان در مجمع خود مصمم شدند نوع بشر رانابود کنند.
پروفسور کریمر در ادامه می‌نویسد: لابد در متن اصلی افسانه به زی‌سودرا اندرزمی‌دهند که کشتی بزرگی بسازد و خود را از مرگ و نیستی نجات دهد. اما شکستگی‌چهل خط از متن سند مانع دست‌یافتن به این بخش از داستان شده است. پس از آن که‌متن سند مفهوم می‌شود درمی‌یابیم که پس از هفت‌شبانه‌روز توفان بنیان‌برانداز، اوتو ،خدای خورشید، بار دگر بر جهان می‌تابد; زی‌سودرا در پیشگاه وی به خاك می‌افتد و به‌درگاهش قربانی می‌فرستد.پروفسور کریمر در پایان می‌افزاید: سی و نه خط دیگر از متن در این جا خرد شده‌است. در چند خط آخر افسانه به زی‌سودرا مقام خدایی عنایت می‌شود. زی‌سودرانخست در برابر آن و انلیل سجده می‌کند. آنان به وی زندگی خدایان و عمر جاویدان‌می‌بخشند و سپس او را به <<دیلمون>>، جایی که خورشید برمی‌آید، می‌برند.

نویسنده: نسرین

دوشنبه 31 تیر1387 ساعت: 11:38

داستان توفان بابلی :
برخلاف داستان توفان سومری که تا اندازه‌ای دچار پراکندگی است، شکل بابلی آن تاحد بسیاری بسط یافته است و قسمتی از حماسه مشهور گیلگمش را تشکیل می‌دهد.
بزرگ ایزدان آنو ،انلیل، نینورتا و انوگی در شهر شوروپاك، که در سواحل فرات‌واقع است، گرد هم آمدند و بر آن شدند که زمین را طی توفانی غرقه سازند. اما اآ ،که‌در آن گردهمایی حضور داشت، به حال انسان دل سوزاند و راز تصمیم‌گیری ایزدان را به‌کلبه‌ای نئین سپرد. همان گونه که اآ تصمیم گرفته بود، راز مزبور را یکی از ساکنان‌شوروپاك به نام اوتناپیشتیم شنید:
انسان شوروپاك، فرزند اوبارا - توتو ،خانه‌ات را ویران کن; کشتی‌ای بساز.
ثروت‌هایت را نجات بده; حیات خویش را بجوی;
و بذرهای حیات را در آن انبار کن!
اوتناپیشتیم به پند اآ گوش فراداد و بی‌درنگ دست‌به کار شد. کشتی بزرگی ساخت. اوتناپیشتیم نقل میکند: شش روز و شش شب باد وزید. با آغاز سپیده روز هفتم توفان از سمت جنوب‌فروکش کرد. دریاها ساکن شدند و سیلاب خاموش گشت. من دریچه کشتی را گشوده،به آن دریای بی‌کران نظر افکندم و شیون و زاری آغاز کردم، ولی همه آدمیان در گل فرورفته بودند. به عبث در جست و جوی زمین نگریستم، چرا که در هر سو آب بی‌حاصل‌بود. لیکن چهارده فرسنگ آن‌سوتر کوهی نمایان شد و در آن جا کشتی پهلو گرفت. روی‌کوه نیسیر کشتی ثابت ماند. کشتی شش روز روی کوه نیسیر ماند و تکان نخورد. با آغازسپیده روز هفتم، من کبوتری را رها کردم و به بیرون فرستادم. آن پرنده پرواز کرد و رفت،اما چون جایی برای نشستن نیافت‌بازگشت. پس پرستویی را پرواز دادم. او نیز به هر سوپرید و چون جایی پیدا نکرد، ناگزیر بازگشت. پس بار دیگر کلاغی را آزاد کردم. او فرورفتن آب‌ها را دید. پس آوازی داد و دیگر بازنگشت. سپس من هر چه داشتم در معرض‌چهار باد گذاشتم و بر فراز قله کوه قربانی گذرانیدم و شراب مقدس نوشیدم... سپس انلیل به کشتی درآمد و برای تبرك پیشانی من و همسرم را لمس کرد و گفت:«در روزگاران گذشته اوتناپیشتیم مردی روحانی بود. از این پس او و همسرش دردوردست، در دهانه رودها خواهند زیست.» بدین سان بود که خدایان مرا برگزیدند ودر این‌جا گذاشتند تا در دوردست، در سرچشمه رودها زندگی کنم.

نویسنده: اتفاق

دوشنبه 31 تیر1387 ساعت: 11:44

آقای عابدی
انصافا که سنگ تمام گذاشتید . از الطافتان سپاسگزارم و توفیقتان را از خداوند مسألت می طلابم .

نویسنده: نسرین

دوشنبه 31 تیر1387 ساعت: 11:46

توفان نوح در تورات
توفان نوح در تورات در سفر پیدایش از باب ششم تا نهم (6:1 تا 9:29) چنین آمده است:
" و خداوند خدا دید که شرارت انسان در زمین بسیار است، و خیال‌های دل او، دائماً شرارت است. و خداوند متأسف شد که انسان را بر زمین ساخته بود، و در دل خود محزون گشت. و خداوند گفت انسان را که آفریده‌ام، از روی زمین محو سازم، انسان و بهایم را، حشرات و پرندگان هوا را، چون‌که پشیمان گشتم از ساختن ایشان."

خدا نوح را که در نظر التفات یافته بود برگزید و به او دستور داد که کشتی را بسازد. کشتی از چوب کوفر ساخته شد و بیرونش به قیر اندود گشت. طول کشتی سیصد ذراع، عرضش پنجاه ذراع و ارتفاع آن سی ذراع بود. همچنین خدا به نوح دستور داد که جانوران پاک، هفت جفت و از جانوران ناپاک یک جفت به کشتی بیاورد. با روی دادن طوفان، نوح با خانواده‌اش به کشتی وارد می‌شود؛ تا این که سرانجام کشتی بر کوهی نشست. آنگاه نوح و خانواده‌اش به زمین تازه پا گذاشتند.

بنا به روایت تورات، پسران نوح که از کشتی بیرون آمدند، سام و حام و یافث بودند. نوح سیصد و پنجاه سال پس از طوفان زندگی کرد و در تمام عمر، نهصد و پنجاه سال عمر داشت.

نویسنده: نسرین

دوشنبه 31 تیر1387 ساعت: 11:53

طوفان نوح در جوامع پیش از مسیحیت اروپا در سواحل غربی اروپا:
در فرهنگ‌های جوامع پیش از مسیحیت، در سواحل غربی اروپا، خاطراتی ازشهرهایی که ناگهان در اعماق دریاها فرورفته‌اند باقی مانده است. در این وقایع‌سیلاب‌های وحشتناکی همه چیز را غرق کرده و جزایر متعددی از اقیانوس اطلس همراه‌با ساکنان آنها یکی پس از دیگری به عمق آب‌ها فروغلتیده و تنها اندکی از فاجعه نجات‌یافته‌اند. توصیف واضح‌تری از این فاجعه هولناك را می‌توان در حماسه‌ای از سرزمین‌ایسلند(Iceland) به نام ادآ یافت: «کوه‌ها با شدتی بسیار به هم می‌خورند و آسمان نیز به دو نیم‌می‌شود. خورشید به خاموشی می‌گراید، و زمین به اعماق دریاها فرو می‌رود. ستارگان‌تابناك ناپدید شده و همه جا را آتش فراگرفته و شعله‌های آن زبانه کشیده و تا اوج آسمان‌بالا می‌رود».

طوفان نوح در داستان‌ها و افسانه‌های آمریکای باستان:
در داستان‌ها و افسانه‌های آمریکای باستان نیز بارها به بروز حوادث ناگهانی وتوفانهایی اشاره شده است که علت اصلی آنها چیزی جز باران آسمان بوده است. درافسانه‌های قبایل سرخ پوست هوپی ساکن بخش‌های غربی ایالات متحده، به توفانی‌اشاره شده است که بدون باریدن باران و تنها بر اثر امواج کوه‌پیکری که از دریا برخاسته‌و خشکی‌ها را فرا گرفته، به وجود آمده است: «... قاره‌ها از هم شکافتند و در اعماق‌امواج فرو رفتند. ...». در این حادثه قوم هوپی به کوهی پناه برده و نجات یافتند; در حالی‌که «... تمام شهرهای بزرگ و ساکنان متکبرشان را آب فرا گرفته بود ...».

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 31 تیر1387 ساعت: 12:17

خانم نسرین. تنها سند مورد وثوق این وبلاگ، برای بررسی تاریخی و حواشی مربوط به آن، متن قرآن است و بس. در این میان دیگر روایت ها و افسانه ها و مندرجات تورات و انجیل نیز می تواند مورخ را در ارزیابی کلی هر ماجرا و پدیده و نحوه ی انعکاس حوادث در فرهنگ های مختلف عهد کهن یاری دهد. مشکل اصلی این است که نقل های غیر مکتوب مربوط به این یا آن نگرش، مبنای زمانی پیدایش ندارند و غالبا افسانه هایی هستند که در مجمع خاخام ها و کشیشان حیله گر با منظورهای مخصوص تدوین می شوند که یکی از مالیخولیایی ترین آن ها مجموعه افسانه های نوساخت شاه نامه اند. با این همه بد نیست اندکی دیگر نیز حوصله کنید.

نویسنده: نسرین

دوشنبه 31 تیر1387 ساعت: 12:43

طوفان نوح در افسانه های سرخپوستان تولتک(Toltec)مکزیک:
در افسانه های تولتک ها آمده که خلقت اصلی 1716 سال طول کشیدو به وسیله سیلی نابود شد و فقط یک خانواده زنده ماندند.

طوفان نوح در افسانه های سرخپوستان آزتک(Aztec)مکزیک:
در افسانه های آزتک ها اینگونه آمده است که:در روزگاران قدیم مرد پرهیزگاری به نام تاپی (Tapi)زندگی میکرد. خداوند به او دستور داد که کشتی بسازد که محل زندگی او خواهد بود.به او دستور داده شد که همسرش و همچنین یک جفت از هر حیوانی را با خود به کشتی ببرد. همه او را دیوانه میپنداشتند.باران شوع به باریدن کرد و همه جا را سیل فرا گرفت...سرانجام باش باران تمام شد.تاپی تصمیم گرفت که کبوتری را آزاد کند که اگر برنگشت یعنی آبها ی ناشی از سیل خشک شده اند.

طوفان نوح در داستانها و افسانه های چینی ها:
داستان کلاسیک چینی به نام هیه کینگ(Hihking) درباره خانواده فوهی("the family of Fuhi")میباشدکه از سیل بزرگی نجات یافتند.این داستان کهن میکوید که تمام زمین را سیل فراگرفت و فقط یک خانواده در کشتی نجات یافتند.چینی ها این شخص را پدر تمدن خود میپندارند.

طوفان نوح در داستانها و افسانه های هندی ها:
مردی به نام مانو(Manu)موقع آبتنی ماهی کوچکی را از دهان ماهی بزرگی نجات داد.ماهی کوچک به مرد گفت اگراز من تا وقتی که بزرگ بشوم مراقبت کنی تو را از یک واقعه وحشتناکی که اتفاق خواهد افتاد نجات خواهم داد.مانو پرسید چه واقعه ی وحشتناکی اتفاق خواهد افتاد ؟ماهی به او گفت:به زودی سیل بزرگی خواهد آمد و همه چیز را بر روی زمین نابود خواهد کرد...سپس ماهی به مانو آموخت که چگونه کشتی بزرگی بسازد... باران شروع به باریدن کرد و ماهی کشتی مانو را به

سمت قله کوه هدایت کرد...

با تشکر

نویسنده: نسرین

دوشنبه 31 تیر1387 ساعت: 13:24

آقای بی نام این هم نام کولیها در مکانهای مختلف :

در کرمان «لولي» و «سوري»، در اصفهان «فيوج»، در استان مرکزی و همدان«غربت» (غربتي) ،«فيوج»و «کولي»، در تهران «غربال‌بند»، در خراسان «قرشمال»، «قروشمال» ، «قرشمار»و «غرشمار»(لغت «قرشمال» که در خراسان رایج است به معني «غيرشمار» يا «بي‌شمار» يا «در شمار غريبه‌ها» به کار مي‌رود و همچنين قرشمال(کرشمال) در زبان سانسکريت به معنی کشاورز است)،در دامغان «غريشمار» ،در بجنورد «قلقلی»و«قرشمال»،در ملارد«غربتی» و«غربال بند» ،در زنجان «کليلاني»(کيلاني،گيلانی)، در کرمانشاه «سوزماني»،«قره چي»و«خراط»،در آذربايجان «قره‌چي» يا «قاراچي»(«قاراچي» به معني سياه‌چادر به خاطر سياهي پوست کولي‌ها و شايد همان لغت «غرچه» فارسي به معني ابله است شاید هم اشاره به کراچی(شهری در پاکستان)دارد)،«چلينگر» ،در ایل بختیاری «غربت»،«غربتی»،دربین هفت لنگان ایل بختیاری«توشمال» و«میشکال»،در بین چهارلنگان بختیاری«خطیر»، در یل قشقایی «غربتی»،«چنگی»،در ایل کهکیلویه «غربت»،«غربتی»،«کولی»،«قیوج»،«مهتر»،در کردستان «قره‌چي»، «سوزمانی» ، «دوم»،در مازندران و گرگان «جوکي»«جوگی»، «فیوج»،«قیوج»،«غربال بند»،«ایلیات»،«چگنی»،«غربتی»،«گجر»،«گسار»،«خی کش»و« گدار»،در قزوين«رومانلو»، در شيراز «غربتو» و «لولي» و در بلوچستان «لوري» خوانده مي‌شوند.
در هندوستان به آنها «کاولي» مي‌گويند و در ايران با حذف «الف»، کولي ناميده مي‌شوند. بنابراين واژه کولی از ریشه کابلی یا کاولی است. کولی ها در بخش‌هايي از البرز جنوبي نيز با نام گودار شناخته مي‌شوند و به زبان درون‌قومي خود را چوله مي‌نامند. در بعضی مناطق هم به ایشان چلنگر هم گفته می‌شود که این برای پیشه ایشان است که آهنگری است.
تيره‌اي ازکولی ها نيز که به جوکي شهرت دارند به وسيله‌ي آهنگري و ساخت ابزار و ادوات ابتدايي کشاورزي روزگار مي‌گذرانند.

نویسنده: بی نام

دوشنبه 31 تیر1387 ساعت: 15:59

نسرین خانم سلام

من نیز قبلا" خدمت استاد عرض کردم که استاد تعارف می فرمایند.البته با نظر شما نیزموافقم که نثر بنده اصلا" فخیم نیست.ولی بیشتر با نظر ان دوست بسیار عزیز که نثر بنده رامقلق تشخیص داده بود موافقم .
البته خوب است که کلمات را چون دانه های یک جواهر سینه ریز زیبا وبا وسواس کنار هم نشاند اما افسوس که همه جواهر ساز نیستند مخصوصا" بنده که از این بابت درصنف خر داغ کنها هستم.
نسرین خانم به راستی مطمئنی که کامنت فیوجها را قبلا" با نام نسرین نوشته بودید ایا مطمئن هستید که قبلا" این کامنت را با نام ناهید ننوشته بودید؟من که سابقه ان کامنت راکه در همین وبلاگ نوشته شده بود تا انجایی که رجوع به بایگانی اجازه می داد نتوانستم پیدا کنم اما اگر دوستان دسترسی به کامنتهای قبلی تر را دارند بررسی بفرمایند با تردید بسیار اندک فکر کنم که نام شما قبلا" ناهید بوده و مورد را به صورت جملات سوالی از استاد طرح سئوال کرده بودید.اگر چنین است ممکن است بگویید این تغییر نام چرا ؟

نویسنده: تلمیذ

دوشنبه 31 تیر1387 ساعت: 16:55

برادر عزيز،آقاي بي نام؛عليکم السلام.دو ست عزيز با بزرگواري خود مرا بيش از اين خجالت ندهيد.از اينکه مرا دوست خطاب مي کنيد از شما ممنونم.راستش را بخواهيد ديگر از حضور در محضر استاد کبير و شما بزرگواران خجالت مي کشم.بدانيد که بشدت احساس گناه مي کنم،چون از اخلاق مسلماني دور شدم و کار ابلهانه و کودکانه ايي انجام دادم.بدبختانه ذاتا" آدم کم حوصله ايي هستم و به اصطلاح زود از کوره در مي روم.دست خودم نيست.اين مسئله براي خودم هم آزار دهنده است.خودم هم نمي دانم چرا آن کار قبيح و کودکانه را انجام دادم و آن مطالب بي محتوي را نوشتم.راستش نمي توانم خودم را ببخشم. انسان از هر اشتباهي چيزي ياد مي گيرد.اميدوارم شما و مردم شريف عرب زبان ايران و دوستان ديگر هم مرا ببخشيد تا خداوند هم مرا ببخشد.در ضمن من خود را وکيل مدافع ترکها نمي دانم.من فقط مسئول اعمال خودم هستم.

نویسنده: تلمیذ

دوشنبه 31 تیر1387 ساعت: 16:56

به نظر من بررسي كلاسيك و بي طرفانه و دقيق تاريخ يك كشور يا قوم و قبيله در جاي خود با ارزش است ولي فخر و مباهات به آثار باقي مانده از حضور گذشتگان فقط و فقط گمراهي و ضلالت است.چون آن تمدنها كمتر چيز پايداري به فرهنگ بشري افزوده اند و تنها كلام خدا است كه براي راهنمايي بشريت تا قيامت پايدار خواهد بود.آنها فقط نشانه هايي از وجود حيات انساني و نشانگر تكامل معماري و ساير توليدات فني بشريت هستند و ارزش قربان صدقه رفتن ندارند.

نویسنده: تلميذ

دوشنبه 31 تير1387 ساعت: 16:57

در رابطه با طوفان:
1- من فكر مي كنم اگر آن آثار كشف شده در تركيه به 3500 سال پيش از ميلاد بر مي گردد،يعني مربوط به 5500 پيش مي شده است و اين مدت براي توليد مثل و افزايش جمعيت زمان بسيار زيادي است.يعني اگر فرض كنيم كه اولين تجمع بشري همان قوم حضرت نوح بوده است،كه البته جز همان تعداد قليل نجات يافته بقيه همه در طوفان هلاك شده اند،باز هم راهي به خطا نرفته ايم.مسئله مهم اسن است كه ساير تمدنهاي كهن منطقه و جهان بسيار كمتر از 5500 سال قدمت دارند!هزار سال نسبت به عمر انسانها زمان بسيار زيادي است.
2-در سوره مباركه هود آمده است:«...و قضي الامر واستوت علي الجوديّ...».اگر منظور فرود آمدن كشتي باشد به نظر مي رسد كلمه استوت،اگر از ريشه تساوي باشد(دقيقا" نمي دانم)، معني آيه غرق شدن كشتي در گل است، به گونه ايي كه با سطح زمين يكسان گردد!!! اين كشتي بايد كاملا" در گل فرو مي رفته است تا بتواند اينهمه وقت باقي مانده باشد.
3-فكر مي كنم طوفان مذكور بايد از برخورد دو جبهه هواي برخاسته از درياي سياه و درياي مديترانه بوجود آمده باشد واز آنجايي كه جهت باد غربي-شرقي بوده است،بنابراين منطقي است كه كشتي در داومنه كوهاي شرقي(آرارات) فرود آمده باشد1
4-آيا ممكن است عبور اين توده هواي بسيار بارانزا از غرب به شرق باعث ايجاد درياچه خزر(قزوين يا مازندران) و آرال شده باشد؟!اگرچه رودهايي به آنها ميريزد؟!
5-آيا نام «جوديّ» با مدار جغرافيايي «جدي» در ارتباط نيست؟!
6-من حدث مي زنم از ابتداي قرن 15 ميلادي و با شروع استعمارگي غربي ها،به كمك تكنولوژي توسعه يافته دريانوردي،يهوديان و مسيحيان به شدت به دنبال كشف سرزمينهايي بوده اند كه نامشان در كتاب مقدس به كار رفته بوده است.از آنجايي كه به قدرت رسيدن احتمالي عثماني ها و علي الخصوص تجهيز روسها توسط قدرتهاي غربي صورت گرفته است، ممكن است در زمان ورود آنها به منطقه توسط كساني(مثلا" بيزانسي ها) در منطق كوه آرارات هنوز «جوديّ» خوانده مي شده است و فكر مي كنم وارد كردن واقعه طوفان نوح به تورات،از متن قرآن كريم،به احتمال زياد مقارن با ظهور دولت عثماني است!و نامگذاري آرارات بر اين كوهها در همان اوايل دوران عثماني انجام شده است.ا

نویسنده: تلميذ

دوشنبه 31 تير1387 ساعت: 17:4

استاد، تمدن «هيتي» و «ميتاني» كه مي گويند در تركيه بوده است،آيا توهمات است و يا نامگذاري هاي باسمه اي است كه به همان تمدنهاي زير گل و لاي مدفون شده داده اند؟!

نویسنده: بی نام

دوشنبه 31 تير1387 ساعت: 18:55

جناب تلمیذ سلام علیکم
برادرم درکامنتهایت شما همیشه درایت وتفکر وجود دارد وهمیشه چیزهای اموختنی و تامل بر انگیزدر نوشته های شما هست. عکس العملهای ناخواسته تابع ظروف خاص را نباید جزو ملکات اخلاقی وشخصیتی قرار دادبه تعبیری دیگربنده اعتقاذی به کم حوصلگی شما ندارم ومطمئنم که استاد ودیگر دوستان ان را در حد یک رفلکس غیر ارادی به ذمه غیر می دانند.البته استاد محق هستند به هر طریق وهر کلام و هر نحو که صلاح بدانند در هدایت ما دخل وتصرف نمایند برای مثال همین چند وقت پیش بود که بنده را به جهت سر زدن به وبلاگهای انطرفیها مواخذه نمودند که حق هم با ایشان بود زیاد نباید نگرانی از این بابت به خود راه دهیم کلاس درس است واستاد وبه قول معرف چوب استاد گله هر که نخوره خله.از اینکه شما را در جمع دوستان بنیان اندیش می بینم بسیار خوشحالم.

نویسنده: مهرداد

سه شنبه 1 مرداد1387 ساعت: 1:15

http://www.666soon.com/search_for_noah.htm

نویسنده: حسین محمدی

سه شنبه 1 مرداد1387 ساعت: 10:1

http://www.alarabiya.net/articles/2008/07/21/53495.html

نویسنده: نسرین

سه شنبه 1 مرداد1387 ساعت: 14:44

سلام آقای کارآگاه بی نام
محض اطلاع شما من با نام ناهید کامنتی نفرستاده ام !ولی قبلا چند کامنت با نام نازنین فرستاده ام ولی بعد دیدم شخص دیگری قبل از من با این نام دو تا کامنت فرستاده بنابراین با نام نسرین کامنتهایم را فرستادم و این تغییر نام را هم همان موقع به اطلاع آقای پورپیرار رساندم!

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 1 مرداد1387 ساعت: 15:45

آقای سلیم. پاسخ طولانی است و در کامنت نمی گنجد. لطفا و در صورت امکان تلفن بزنید.

آقای هاتف. مقصر بی جواب ماندن تلفن شما قطع برق است. به ترین زمان ساعت 1 بعد از ظهر است. اگر برنامه قطع برق تغییر نکند.

آقای تلمیذ. این ها نیز مانند لولوبی و غیره فقط نام است و بس. سخنان اصلی در باب طوفان نوح هنوز در راه است.

نویسنده: ساسان

سه شنبه 1 مرداد1387 ساعت: 16:41

از نقطه نضر بنده پورپیران در صدد میباشد تا برای اثبات پورین همه تمدنهای آریایی را انکار نماید. الان ثابت گشته می باشد که نوح هم یک آریایی بوده که برای اولین دفعه در جهان کشتی بساخته بوده می باشد.

وب سایت

نویسنده: تلمیذ

سه شنبه 1 مرداد1387 ساعت: 19:9

با سلام
استاد، از لطف شما بسیار ممنونم.
بي نام عزيز،شما در حق بنده بي نهايت لطف داريد و بسيار بزرگواري مي فرمائيد.در پناه حق باشيد،انشاالله.

نویسنده: احمد

سه شنبه 1 مرداد1387 ساعت: 19:29

دیروز برنامه Teke Tek ترکیه یک مهمان داشت که چند تا مبحث مطرح کرد.
مباحثی که همه رو به شک و تردید انداختک
1- Ali Babacan وزیر امور خارجه ترکیه یهودی الاصله.
2- erdogan مدرک تحصیلی دانشگاهی نداره
3- تمامی دستورات AK PARTY از بروکسل وارد میشه

سوال کننده این سوالها به دنبال جواب بود. اینها سوالاتی بود که مطرح کرد.

نویسنده: حاجی زاده

شنبه 5 مرداد1387 ساعت: 0:46

دوشنبه 3 تیر1387 ساعت: 14:38 توسط:حاجی زاده
سلام و وقت بخیر
استاد گرامی،امیدوارم سو٬تفاهمی پیش نیامده باشد اما من این بی اعتنایی شما را می شناسم،
وقتی شما بابت یک لینک ناقابل تشکر و یا عذزخواهی میکنید بنده از این جهت خجل و دچار عذاب وجدان میشوم که از خود

میپرسم"تو در جبران نیکی بزرگ این مرد شریف و بی همتا که تو را از باتلاق جهالت بیرون کشیده چه کرده ای؟"
هر از گاهی که لینک به درد بخوری درباره قوم بنی اسراییل میابم آن را ارسال میکنم هم برای آگاهی جنابعالی و هم برای به یقین رسیدن کسانی که هنوز شعبده بازیهای یهود را باور ندارند، ولی بشرطی که اینکار باعث نشود که استاد کبیرم از شاگرد کوچکش عذر خواهی کند.
استاد اگر اجازه بدهید من خودم را عضوی از خانه و خانواده ی پورپیراریان میدانم،هر چند ظاهرا" شما هنوز به حسن نیت من یقین ندارید و این حتما" ناشی از نقصان در گفتار و رفتار من بوده است.
اما در مورد آیه ی7 سوره ی مبارکه ی آل عمران، باید عرض کنم علیرغم مطالعه ی مقالاتی چند، مدتیست که در خصوص این آیه دچار ابهاماتی شده ام و نیازمند روشنگری شما هستم، البته اگر پرسشم از آن دسته نباشد که باید به قم روم و گرنه اگر سئوال کننده لایق دریافت پاسخ از شما باشد ،مایه ی امتنان خواهد بود اگر عنایت بفرمایید.

ایران شناسی 164

www.naria.ir
www.naria.ir
5
1
5742870948
utf-8
utf-8
fa

ایران شناسی بدون دروغ، 164، طوفان نوح و برهم خوردن ترتیب توراتیظهور انبیا’ - 51 نظر

نویسنده: رحمانی

سه شنبه 1 مرداد1387 ساعت: 21:25

با سلام خدمت همگی

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ
به یاد پوریم زدگان و رخداد پلید و ویرانگر پوریم و به امید شناخت کامل پوریم و مشرکان پوریم ساز

با سلام و خسته نباشید خدمت ابرمرد تاریخ شرق میانه
ما فقط و فقط می توانیم بگوییم
اجرکم عند الله

در وعده کمک خدا به مومنان شکی نیست

با تشکر فراوان

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 1 مرداد1387 ساعت: 22:52

آقای سلیم. شماره ی تلفن در کامنت های قبل آمده بود، که با معذرت خواهی ارسال مجدد می کنم. 66492049

آقای رحمانی. ممنونم و خداوند یاورتان باشد.

نویسنده: محمود بجانی

سه شنبه 1 مرداد1387 ساعت: 22:53

جناب پورپیرار با خواندن این پست شکم به یقین نزدیکتر شد که شما نسخه اصیلی از تاریخ اسلام و خاورمیانه ارائه می کنید که می توان بدان اعتماد نمود - اگر مایه آزدگی خاطر شدم ببخشایید که بخشش از بزرگان است.
با احترام بسیار محمود بجانی

نویسنده: بختیار

چهارشنبه 2 مرداد1387 ساعت: 0:21

استاد با عرض سلام

پس آن همه هیاهو که با این مدخل همراه بود بی دلیل نبود. بی صبرانه منتظر ادامه مطلب هستم

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 2 مرداد1387 ساعت: 1:26

آقای امین. ورود به هر بهانه و با هر مقصدی به آن پایگاه، به رسمیت شناختن سرقت و سارقان است. اگر شما و هر کس دیگر این امر را نمی پذیرید، به این وبلاگ وارد نشوید.

نویسنده: تلمیذ

چهارشنبه 2 مرداد1387 ساعت: 1:31

با سلام خدمت استاد پورپیرار کبیر و سایر دوستان

نویسنده: تلمیذ

چهارشنبه 2 مرداد1387 ساعت: 1:34

-گرچه موضوع اصلي بحث شما مباحث تاريخي است،ليكن عالي ترين نتيجه ايي كه اثبات وجود طوفان نوح(حتي اگر اثبات شود كه در آفريقا اتفاق افتاده است!!!!) بدست مي دهد اثبات حقانيت قرآن كريم است.به نظر من اين موضع شاه بيت غزلي است كه تا كنون در راطه با تاريخ ايران و منطقه سروده ايد!هيچ كدام از موضوعاتي كه تا كنون مطرح نموده ايد به اندازه اين بحث مرا تحت تاثير قرار نداده است!انشاالله جايگاه ويژه ايي نزد خداوند كريم خواهيد داشت.

نویسنده: تلمیذ

چهارشنبه 2 مرداد1387 ساعت: 1:35

-استاد، در سوره مباركه هود بعد از حضرت نوح(ع)،حضرت هود(ع) براي قوم عاد،بعد حضرت صالح(ع) براي قوم ثمود،بعد حضرت ابراهيم(ع) كه همزمان لوط به ابراهيم ايمان مي آورد ولي ظاهرا" در دو قريه مجاور هم بوده اند،بعد حضرت شعيب(ع) براي اهل مدين،و در آخر حضرت موسي(ع) را براي دعوت فرعون و مردمش به راه خداپرستي و توحيد مي فرستد.اگر ما بتوانيم زمان ظهور حضرت

موسي(ع) را تخمين بزنيم،آنگاه شايد بتوانيم زمان وقوع توفان را هم تخمين بزنيم.
-احتمالا" مهاجرت حضرت ابراهيم به سمت حجاز بعد از نابودي قوم لوط بوده است.
-در آيه 60 سوره مباركه كهف«مجمع البحرين» آيا اشاره به محل تلاقي دجله و فرات ندارد؟ و يا اينكه ممكن است به يك تنگه بين دو دريا اشاره داشته باشد،با توجه به اينكه بعدا" حضرت موسي كسي را ملاقات مي كند كه به كشتي سوار مي شوند؟!

نويسنده: تلميذ

چهارشنبه 2 مرداد1387 ساعت: 1:40

-اين چند جمله هم از مقاله اي است در سايتي كه در پست قبلي توسط آقاي« مهرداد » معرفي شده بود.به آدرس زير:

http://www.666soon.com/search_for_noah.htm

Former CIAdirector James Woolsey asked what a more exhaustive review of the materialsmight cost. The document reveals the price was considered too high, and Woolseywas told it would take six months to complete the study. The project apparentlynever got off the .ground
Insight is still seeking additional records, butmost government documents and imagery associated with Noah's Ark remainclassified

نويسنده: تلميذ

چهارشنبه 2 مرداد1387 ساعت: 1:52

-طبق متن قرآن كريم،كه مي فرمايد بعد از طوفان:...قيل يا ارض بلعي ماءك...
به نظر من اين توفان در فصل بهار اتفاق افتاده است.چون در بهار هرچقدر هم باران سيل آسا بيايد(مخصوصا" در جنوب ايران كه ما تجربه داريم) بعد از قطع باران زمين به سرعت خشك مي شود،برعكس در زمستان حتي با يك روز بارش باران ملايم تا چند روز زمين خيس و گلي باقي مي ماند!

نويسنده: مارليک

چهارشنبه 2 مرداد1387 ساعت: 2:7

سلام استاد خسته نباشيد

"آیا به ترین معبر در مقابل آنان کدام بوده، آن گاه که راه غرب، یعنی بازگشت به ترکیه را بقایای آب های طوفان بسته بود..."
"حران را شهری در جنوب شرقی ترکیه گفته اند که در زمان ابراهیم قاعدتا هنوز زیر بقایای آب طوفان بوده است "(ایران شناسی بدون دروغ، 164)

و گفته شد ای زمین آبت را فرو بر و ای آسمان خودداری کن و آب فرو نشست و کار پایان یافت و بر جودی قرار گرفت و گفته شد دور باد قوم ستمکار (هود،44)

طبق این آیه زمین به فرمان خدا آب را فرو برد پس بقایای آبهای طوفان به امر خدا فرو نشسته و نوح بر خلاف نظر شما می توانست به طرف غرب برود و در این صورت حران زمان ابراهیم نیز زیر آب نبوده است چون بعد از طوفانی غیر طبیعی و سریع زمین نیز به صورت غیر طبیعی و سریع(به دلیل فرمان خدا) آب را در خود فروبرده است .لطفا راهنمایی بفرمایید

نویسنده: م.ستاره

چهارشنبه 2 مرداد1387 ساعت: 2:51

سلام
ماریا از کوه پایین می آمد که به اداره پزشکی قانونی رفته و تغییر جنسیت دهد به سولقون که لوبیای سحر آمیز را دید . آقا سولقون موقع آبیاری درخت لوبیای سحر آمیز ، یک قطره آب هم از دست اش ریخت روی شته . شته ها با آب ، تغییر جنسیت می دهند . شته خوشحال شد و مثل ماهی که از دست آدم لیز می خورد و هیچ عاقلی باور نمی کند بتوان آن را از دهان یک ماهی دیگر که حتما گوشتخوار و تیزدندان است نجات بدهد ، سر خورد و آمد در گوش سولقون خان و گفت حالا که ما هر دو جنس مان عوضی شده است ، به تو می گویم که این لوبیا با این عظمت و برگ های بزرگ ، روزی شونصد میلیون متر مربع (و نه مکعب) آب را بخار می کند که موجب تغییرات آب و هوایی شده است و بعد از سه روز 25 ساعت و 69 ثانیه و دو و نیم صدم ثانیه ، طوفان آغاز می شود که باید سوار همین درخت شد . سولقون هم درخت را یک جورهایی (احتمالا سیستم شق القمری) به دونیم کرد و بعد وسط نصفه را خالی کرد و از هر جفت حیوان ، هفشده جفت را سوار کشتی کرد و آب به شکل سونامی از دریا به خشکی ریخت و ملت ریختند داخل کشتی اما کسی آسیب ندید . بعد از n شباروز سونامی ، دریا خشک شد و آب درخشکی هم فرو می رفت که سولقون ، سوسک بالدار

بچه ای را ول کرد که اگر بازنگشت ، یعنی آب ها رفته اند خانه خودشان . اما برگشت و معلوم شد که سولقون ، دو جنسی و کور بوده و نمی توانسته است ببیند که بیرون چه خبر است و به کسی هم اعتمادی نداشته است . بعد کشتی در کوه به گل نشست ولی هیچ تکانی نخورد که معلوم شود دیگر حرکت ندارد . چپ هم نشد . بعد دوباره سوسک بالدار را ول کردند که برنگشت و معلوم نشد در آن ارتفاع ، به کجا رفته و قایم شده است . به همین دلیل انسان از سوسک نامرد متنفر است و به کفتر بازی علاقه دارد . کشتی در نزدیک ام القرا ، یعنی همین تهران فرود آمد و سولقون ، شهر سولقان اطراف تهران را ساخت .

نویسنده: م.ستاره

چهارشنبه 2 مرداد1387 ساعت: 2:51

2

بعد آن شته ، طلسم خود را شکست و معلوم شد حوری زیبایی بوده است و بعد با سولقون ازدواج کرد و شهر شته را ساخت که به مرور ، به کته و کنه و کن تغییر نام یافت . عکس هوایی کشتی سولقون در نزدیکی سولقان ، با google's map قابل مشاهده است . فرزندان آنها هم عبارتند از : پسر اول شهلا ، پسر دوم سدابتا ، دختر چهارم عباسقلی . این ها 6 فرزند بودند که بقیه افراد بشر ، از نسل این ها هستند . آنهایی که ذکر نشدند به این دلیل بود که مشکلی داشته اند .
آنها وظیفه انتقال ژن هایی را داشته اند که در عین نزدیکی تا حد تک والدی و هم خونی ، اما متنوع بوده اند و نیز و برخی بیماری ها که فقط انسان میزبان آن است مثل سل ، جذام ، سیفیلیس ، سوزاک ، آبله و غیره که چون این بیماری ها ، خاک تو سری بودند ، بیماران آنها هم نام برده نشدند و نام بیماران هم قید نگردید . این است نفرین خدایان کوه های شاراهامان .
نقل از کتاب پشم و پنبه در ازمنه پرنده .
آماده همکاری با زیرزمین های اورشلیم جهت تولید انواع قصه های مزخرف هستم. این هم نمونه کار . (با هم به توافق می رسیم . فقط یک تماس !)

برادر عزیز، جناب حاجی زاده ! بنده از اول شما را لایق می دانستم و جز یکی دو واژه ی خلاف مانند جوگیر و غیره ، درباره شما به کار نبرده ام. علت آن هم کاملا روشن است، زیرا حساسیت زایی ، مانع بیان مسایلی است . مثلا حتی نام استاد صدیق، مفاهیم خاصی را به ذهن متبادر می کند که به نوعی ، خواندن کتاب و غور در آراء او را از فایده می اندازد. مسائلی که نمی توان در این وبلاگ فریاد زد! آن ها که مثل آقای توحید

در باغند خوب از مقصود من خبر دارند.
هنوز هم شما را جو گیر می نامم ولی شما بودید که به درخواست من ، جواب مثبت دادید مبنی برتبری از آراز بیلگین ، و نشان دادید که حق را می پذیرید آنگاه که عیان شد اما حقایق زیادی هنوز پوشیده است .
من هم طعم شیرین تحقیر و مسخره شدن را چشیده ام . بارها گفته ام دوستانی داشتم که در عین ترک بودن ، برای ترک ها جوک می ساختند و هر وقت کسی اعتراض می کرد ، می گفتند : چه ترک ، چه فارس ؟! خود ما هم ترک هستیم !
اما اکنون نام های شان را در لیست آنوسیان کتاب فرزندان استر می یابم و تازه می فهمم چه ترک چه فارس آنها ، یعنی چه ؟!

نویسنده: م.ستاره

چهارشنبه 2 مرداد1387 ساعت: 2:52

3
یعنی ما این زبان را به شما مسلمانان قالب کرده ایم ؛ چه ترک و چه فارس ! مثلا هر زبانی ، لااقل تا حدی مذکر مونث می فهمد الا زبان های قلابی مانند زبان ترک و فارس! اتفاقا چند شب پیش ، VOA داشت همین را طرح می کرد اما نمی دانست که عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد ! باری ، بهتر می بینم لطف فرموده و ایمیلی در اختیار قرار دهید که کامنت های نغز من مفسد فی الارض ، علنی بیان نشود ! اگر هم ایمیل ناقابلی را نداده اید و بر آن بودید که همچنان کانال محدود وبلاگ را برگزینید، اگر کسی به همین اصرار شما در پنهان ماندن آن ، هم در وبلاگی که همه چیز آن عیان است، خود موجب بدبینی نیست؟ پس به دوستان ایراد وارد نکنید!!!
Mim.setare@hotmail.com
Moji_jimi@yahoo.com

مثل خروس جنگی به جان هم افتاده اید اما آیا یکی از شما ها ، به صدا و سیما یک زنگ ناقابل زد که چرا پیش از اذان ظهر ، چنانچه در وبلاگ آخرین اخبار آورده ام ، قرآن پخش نشد ؟ من آن قدر زنگ زده ام که وقتی صدای مرا می شنوند ، حتی روی پیامگیر ، تماس را قطع می کنند . شما همین کار ساده را انجام داده اید ؟
اگر 30 سال پس از انقلاب اسلامی به این جا رسیده ایم، 30 سال بعد کجا خواهیم بود.
در دل تان نگویید که آسمان که به زمین نرسیده است؟! ما مسلمین در این خفقان کنیسایی دل خوشیم که لااقل نظرمان در آیه های قرآن پخش می شود و کسی را جرات مانع تراشی برای آن نیست.

چه زمان به آقایان تذکر خواهیم داد که ویل للمکذبین، دروغ ها را از کتاب های درسی تاریخ و غیره برچینید! اگر دروغ های پاسارگاد و تخت جمشید را به شتاب ثبت جهانی می کنند، آیا در زیر کاسه نیم کاسه ای نیست؟!!
مثل معتادان نشسته ایم تا یادداشت بعد از راه برسد و مکیف شویم و دو تا چای دبش هم در کنارش! خودمان چه می کنیم؟ چه گونه صدای پوریم را به جهان می بریم و پرچم اش را بر بلندی اورست می زنیم؟ چه زمان به نشریات بزرگ و سراسری ، نامه نوشته یا زنگ زده اید که چرا این همه دروغ را اشاعه می دهند ؟

نویسنده: م.ستاره

چهارشنبه 2 مرداد1387 ساعت: 2:52

4
جز دم زدن از حقوق قوم خود چه کرده اید؟ آیا جنگ با دروغ راه مستقیم به سوی همان حقوق قومی نیست؟ آیا از حقوق و آزادی بیان عمومی چیزی شنیده اید ؟ مثلا به بلاگفا نوشته اید چرا وبلاگ قدیمی را بازپس نمی دهد؟ از دولت و یا همان نمایندگان پارلمان که به آنها رای داده اید ، خواسته اید که نه درمی ، بل لااقل قدمی کوتاه در حد تایید نامه شما به فلان اداره ، بردارند که چرا با این وقاحت دروغ را اشاعه می دهند؟ آیا شما حق ندارید حقیقت را بشنوید ؟ این مهمتر از حقوق قومی نیست ؟! دولت ، کدام یک را بیشتر زیر منگنه نهاده ؟

سوالات بچه گانه که گاه موجب خجالت است . موشه داوید نوشته بود از روی این کامنت ها می فهمد که ایرانیان تا چه اندازه کودنند و قدرت جذب و حتی فهم مسائل جدی را ندارند.
هنوز در مورد گذشته ، به یک اتفاق نظر نرسیده اید ، آینده را میان خود تقسیم می کنید . اگر معلوم شد که این زبان ها ، قلابی و ابزار اختلاف میان مسلمین اند، باز هم آن را زبان مادری خطاب می کنید؟ بیایید والا اندیشی کنیم که یهودیان را دست خالی می گذارد.
روی دیوار ها ، می نویسند که فلانی ، فلان است یا به زبان مادری باید خواند و نوشت و زنده باد این و مرده باد آن . آیا یک بار روی دیوار ها ، نوشته اید که پوریم یعنی فلان و آنوسی این است و چنین وبلاگی هست و حرف هایی از این قبیل؟ آیا یک بار روی دیوار نوشته اید که تخت جمشید ، یک بنای نیمه کاره است و در زیر آن ، مثلا آدرس وبلاگ یا دانلود فیلم و نظیر آن را نوشت ؟ یا مثلا پاسارگاد ، ساخته نیم قرن پیش دیوید آستروناخ ؟

اگر هدف ، مبارزه برای آزادی یا رهایی یا از این قبیل است ، چرا راه منطقی بیداری عمومی را ترک می کنید، به روش های فتنه انگیز دردسر ساز متوسل می شوید ؟ چرا کسی یکبار نمی نویسد که بهره بانکی وسود این نحوه قرعه کشی و غیره ، همان ربای مندرج در قرآن است ؟ لودگی هایی از قبیل love و غیره ، در سرتاسر دیوار های شهر پراکنده است یا گاهی شعاری نظیر مرگ بر فلانی و ... ، یک سری کارهای بی خاصیت که نتیجه آن ، حداکثر بازداشت است .

نویسنده: م.ستاره

چهارشنبه 2 مرداد1387 ساعت: 2:53

5

وزارت آموزش و پرورش ، ادارت و ادارات کل ، سازمان های پژوهشی ، دفتر تالیف و برنامه ریزی کتب درسی ، حوزه علمیه قم ، آخوند منبری ، مداح بسیج محل ، ... و حتی راننده تاکسی ، در حد خود ، گفته اید که چه خبر است و چه باید کرد ؟
آیا شما پرندگان آزاد شده ، که اکنون می دانید آن چه علم بوده ، مترسک سر جالیز است ، یکبار به این مترسک ، حمله کرده اید ؟ یا فقط منتظر شماره بعدی هستید ؟
چند وقت پیش ، استاد فرمودند که ایران شناسی هم ، مثل اسلام و شمشیر ، حدود 50 شماره خواهد بود. بعد بنا شد در 70 تمام شود . به درخواست استاد غفوری ، باید از شماره 100 ، بحث جدی می شد . چرا نشد ؟ چون دوستان انتظار گشایش مدخل ندارند ، بلکه می خواهند لقمه ، به طور کامل در دهان قرار گیرد یا حتی سرم آن تزریق شود ! همین بحث ساده جمعیت ، که جمعیت انبوهی را پریشان کرد ، نمونه خوبی است . بحث کامنت ها بود که چند مقاله شد . چرا ؟! آیا این قدر ثقیل بود ؟ و کسانی در این میانه ، به دنبال آن چند ده مدخلی هستند که هنوز ، اعلام هم نشده است ! بعد عمری ، هیچ کس به جایی نرسیده است الا یکی ، آیا حسادت است یا نفرت یا اصرار بر جهالت ؟ لازم است این قدر سوالات کودکانه پرسیده و اعلامیه های سیاه صادر شود ؟ بگذارید اندیشمند ، به تفکرات خود برسد . اکنون که یهود ، مانع است و همه گونه فشاری را هم وارد می کند و مجوز کتاب هم صادر نمی کند ، آیا روا است ما هم بار خاطر باشیم ؟
انتظار جواب ندارم . حرف هایی در دل ام مانده بود که جایی برای گفتن ، جز اینجا ، نیافتم . از همه دوستان هم معذرت می خواهم . کس خاصی مخاطب نبود .
راستی وبلاگ نژاد آریایی هم فیلتر شده است . چه می توان گفت ؟
و اذا مروا باللغو ، مروا کراما .
والسلام

نویسنده: نتاب

چهارشنبه 2 مرداد1387 ساعت: 3:26

سلام،
آیا می‌شود از طریق تماس با ادمین بلاگفا، سایت هاک شده قبلی را بست؟admin@blogfa.com

نویسنده: نتاب

چهارشنبه 2 مرداد1387 ساعت: 3:39

با سلام دوباره،
من فکر می‌کنم در سرور بلاگفا بخش " گزارش تخلف " شاید بشود که سوء استفاده یا تخلف در بلاگفا را گزارش کرد، و راجع به پایگاه سرقت شده اقدام نمود، در این آدرس:
http://www.blogfa.com/About/Abuse.aspx

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 2 مرداد1387 ساعت: 4:58

آقای نتاب. از تمام کانال های ممکن اطلاع داده شد، که بی جواب ماندن آن ها شک دست اندر کار بودن مرکز بلاکفا را افزایش می دهد. در هر حال کاملا بی اهمیت است.

آقای منوحیم. فرموده بودید که سطح مطالب بالاتر می رود. از پایین بودن ارتفاع نوشته های پیش عذر خواهی می کنم. معمولا هفته ی اولی که پول اعراب می رسد مطالب به تری ثبت می شود، زیرا این گونه مباحث ارتباط مستقیمی با گرسنگی و سیری شکم نویسنده دارد. دستی بالا کنید و یک عروسی به راه اندازید و سور مفصلی بدهید تا چند نوشته آماده کنم به بلندای کوه طور!!!

آقای مارلیک و آقای تلمیذ. دستور خداوند بر قطع ریزش باران از آسمان و بلع آب در زمین آغاز انجام یک فرمان است نه پایان آن. زیرا اگر آن دریای وسیع آب مطابق تصور شما به یکباره فرو می نشست، کشتی بر بلندی فرود نمی آمد و در قیف حاصل از فروکش فوری آب، تا اعماق دره ها به درون گل مکیده می شد. ضمنا آقای تلمیذ برابر معمول برای ختم کردن ماجرا عجله دارند. در مورد اسراییل نیز به توضیحات مجموعه مقالات اسلام و شمشیر مراجعه کنید.

نویسنده: محمود بجاني

چهارشنبه 2 مرداد1387 ساعت: 8:26

آقاي م ستاره - زبان تركي به هيچ وجه قلابي نيست .

نویسنده: هاتف

چهارشنبه 2 مرداد1387 ساعت: 10:18

قرآن به پادشاه زمان موسی فرعون می گوید.ولی برای پادشاه عهد حضرت یوسف از لقب فرعون استفاده نمی کند در حالیکه در کتاب عهد عتیق حتی برای پادشاه زمان حضرت ابراهیم نیز از لقب فرعون استفاده می کند.
اسناد بدست آمده از تاریخ با آنچه قران خوانده مطابق دارد نه با تورات.

وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ فَلَمَّا جَاءهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَى رَبِّكَ فَاسْأَلْهُ مَا بَالُ النِّسْوَةِ اللاَّتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ «50»
وپادشاه (مصر)هنگامي كه فرستاده [پادشاه] نزد يوسف آمد ، يوسف گفت : نزد سرورت بازگرد و از او بپرس حال و داستان زنانی که دست های خود را بریدند ، چه بود ؟ یقیناً پروردگارم به نیرنگ آنان داناست . « 50»-سوره یوسف

نویسنده: مجتبی غفوری

چهارشنبه 2 مرداد1387 ساعت: 15:31

با سلام
استاد چندین بار خدمتتان عرض کرده ام که بنده تنها دست بوس و شاگرد شما هستم خطاب بنده با چنان تعارفاتی آزارم میدهد. هرچند از نوشته های این چنینی سهند که حرف زدن و باد فرستادن اش یکی است، ککم هم نمیگزد.
"جدا به قیافه و طول گیس این مجتبی غفوری و کاپشن کاملا غربی و با آن اسم سوسولی اش مجی-جیمی و با آن گیتار بد تر از همه به موسیقی هوی-متال اش نگاهی به افکنید که خودتان قضاوت کنید که ایشان چگونه مسلمانی هستند. اگر شلوارش را در بیاورید حتما چند خالکوبی شیطانی هم در ران های پایش پیدا خواهید کرد."
خوب نتیجه روزی چند کیلو کتاب خواندن آن هم در دیار غرب همین میشود که خواندید.
اعتراف میکنم که خالکوبی شیطانی از خزیدن به زیر پرچم ستاره داود بسیار سلامت تر است!!! در این وبلاگ برادرانی دارم از برادر خونی نزدیک تر و قابل

احترام تر کسانی نظیر جناب بینام و م.ستاره و... و شما که از پدر برایم گرامی تر هستید .

جناب مسعود عزیز در صورت امکان با ایمیل بنده تماس بگیرید یا ایمیلی از خودتان برایم بگذارید تا با شما تماس بگیرم . اگر ایمیل بگذارید بهتر و مطمئن تر است !!!

جناب صادق عزیز گویا چند بار تماس گرفته بودید بنده منزل نبودم اگر ممکن است دوباره تماس بگیرید !

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 2 مرداد1387 ساعت: 15:39

آقای هاتف. تصور برقراری سیستم فرعونیت، یعنی انباشت فوق العاده ی ثروت در مصر عهد ابراهیم، بسیار عامیانه است. اگر یهودیان تاریخ پیدایش دین خود و عبور از نیل را تا قریب 4000 سال پیش از مسیح به عقب می کشند و در آن زمان حتی تمرکز و تجمع ساده نیز در مصر قابل اثبات نیست، پس بدون شک اگر این تاریخ گذاری را قبول کنیم، دوران ابراهیم لااقل به هفت هزار سال پیش منتقل می شود که هنوز عهد سنگ است. بدین ترتیب زمان شناسی تورات مطلقا تاریخی نیست و بر مبنای تاریخ فاصله ی میان موسا و عیسای پیامبر از هزار سال بیش تر نمی شود.

نویسنده: مارلیک

چهارشنبه 2 مرداد1387 ساعت: 15:49

با سلام

استاد آيه 44 سوره هود به اين صورت آمده است كه ابتدا به زمين امر مي شود آب را فرو برد سپس به آسمان كه نبارد وآب فرو ميرود و كار پايان مي يابد و بعد كشتي بر جودي مي نشيند
بنا براين اگر اين ترتيب را به اين صورت بپذيريم پس ارتفاع آب از سطح 1890 متري كه بقاياي كشتي را يافته ايم بالاتر بوده است چون با فروكش آب كشتي بر جودي مي نشيند و نيز كار پايان مي يابد ممكن است منظور از پايان كار انجام عذاب الهي باشد و يا

اينكه مربوط به جمله قبلي باشد يعني فرو رفتن آب پايان مي پذيرد. لطفا راهنمايي فرماييد

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 2 مرداد1387 ساعت: 16:13

آقای غفوری. آن بیداری که دیدار از مستند شما، که برای تولید آن خون دل خورده اید، در ذهن ها می آفریند، با هیچ عامل دیگری قابل مقایسه نیست. حرف های امثال سهند هم مسلما گرچه نمی تواند ذره ای از ارزش کار و شخصیت فداکار شما بکاهد، اما برای "یحمل اسفارا"ی قرآن مصداق دیگری می سازد. زیرا آن کتاب خوانده که درباره مولفی و اثرش از روی اندازه ی مو و نوع شلوار و از این قبیل قضاوت می کند، احتمالا کاه خوردن از توبره را با کتاب خواندن اشتباه گرفته است.

آقای مارلیک. از آن که حد اکثر بلندی ارتفاعات عمومی در اطراف ترکیه مرکزی، قریب 1900 متراست، پس بالاتر قرار گرفتن سطح آب از این ارتفاع ممکن نبوده و چون کوه آرارات بیش از پنج هزار متر ارتفاع دارد و در زمان طوفان لااقل سه هزار متر آن از آب بیرون و قابل مشاهده بوده، پس منطقی است قبول کنیم که پس از توقف ریزش باران و آغاز بازگشت آب به زمین، کشتی به کنار آرارات هدایت شده و به تدریج بر آن نشسته باشد.

آقای مسعود. با تبحر و شناسایی که دارید لطفا لینک های تصاویر هوایی قابل استفاده و در ابعاد بزرگ از عوارض جغرافیایی ترکیه را برای استفاده ی دوستان جست و جو و ارسال کنید. ممنون. دوستان دیگر نیز اگر در این مورد کمک کنند موجب امتنان خواهد بود.

نویسنده: مسعود

چهارشنبه 2 مرداد1387 ساعت: 17:12

وقت شما استاد عزیز بخیر و خسته نباشید.

استاد این یادداشت هم مانند همیشه فوق العاده پر بار و بیدارگر است.

حسب امر شما این لینکها شامل عکسهای ماهواره ای از ترکیه و قفقاز که شرق آن کشور و منطقه جودی را در بر میگیرد بهمراه تصویر کوه معروف شده به

آرارات(شامل قله کوچک و بزرگ) تقدیم میگردد :

http://veimages.gsfc.nasa.gov/8139/Turkey.A2005174.0855.250m.jpg

http://www.parstimes.com/MODIS/caucasus_caspian_region_1km.jpg

http://www.noahsarksearch.com/PickettTom/AraratCorona3.jpg

استاد غفوری بنده ایمیلی برایتان فرستاده ام.

موفق باشید . ان شا الله.

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 2 مرداد1387 ساعت: 20:20

آقای فتح. مطلب این است که بر مبنای سند اصلی، یعنی قرآن، چنان که پیش تر آوردم، به جز موسی، هیچ یک از پیامبران نام برده در قرآن، اعم از ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یغقوب و یوسف و حتی داود و سلیمان، به دلایل عقلی و دورانی، نمی توانسته اند پیامبرانی بر بنی اسراییل شنا خته شوند. در حقیقت متن آیات 33 و 34 سوره ی آل عمران را می توان سرمنشا' نگاه جدید به مسئله ی نبوت و رسالت قرار داد تا معلوم شود که تنها رسولان وارد و فرستاده شده بر قوم یهود، موسی و برادرش بوده اند که به اشاراتی در قرآن این قوم در نزد خداوند فاقد اعتبار هر دو را کشته اند.

آقای مسعود. ممنون اما بیش تر باید سراغ تصاویری را گرفت که اسکن کوه ها و ارتفاعات ترکیه را داشته باشد.

نویسنده: بی نام

چهارشنبه 2 مرداد1387 ساعت: 20:41

استاد غفوری عزیز سلام علیکم

از بابت لودگی ان قوم پرست بی هنر ناراحت نباشید .تمام داراییهای او در زندگی شاید توان حل یکی,دو مسئله فیزیک باشد که ذهن مردم وحافظه تاریخ به علت کثرت امثاله نه فقط حاضر به یادداشت نامش نیست بی شک در هنگام بی انظباطی های این چنینی تیپا به ما تحتش نیزخواهند زد.
استاد غفوری,هنرمند آزاده بنیان اندیش,بی شک در نوع خود یکی است با هر لباس و هر تیپ وهر هیبت, ماندگار در اذهان وتاریخ تا انگاه که یاد ونام استاد بزرگ ما در خاطره مردم ودر پس ان حافظه تاریخ ماندگار باشد.دوستت داریم و مورد احترام عمیق مایی.
امثال او باید بدانند که شما تا این زمان از معدود صحبه ای هستید که به همراه استاد وارد تاریخ شدید .مبارک است انشا ا....

نویسنده: یولداش

چهارشنبه 2 مرداد1387 ساعت: 21:9

ایا قبله اول که میگویند درست نیست و ان هم جعل است؟

نویسنده: آیدین یاشار

چهارشنبه 2 مرداد1387 ساعت: 23:16

آقا یا خانم م. ستاره معتقد است که زبان اصیل باید دارای جنسیت دستوری باشد و اگر نداشت، زبانی قلابی است! این اظهار نظرهای جسورانه که حکایت از زبان شناس بودن نویسنده آن نیز دارد، انشا الله که بر حدس و گمان استوار نیست و پشتوانه تحقیقی دارد، زیرا بر اساس این حکم زبانهائی نظیر چینی، ژاپنی، ترکی، بنگالی، کره ای، و حتی انگلیسی و بسیاری زبانهای دیگر با میلیارها نفر متکلم قلابی و آزمایشگاهی محسوب خواهد شد. ما شنیده بودیم که هر زبانی تیپولوژی دستوری خودش را دارد و برخی دارای حنسیت دستوری بوده و برخی فاقد آنند.من با آن که از غنای لفظی و نحوی زبان عربی به خوبی آگاهم و از شیفتگان و دانندگان این زبان به حساب میآیم و از فصاحت قرآن نیز آگاهم، ناچارم عقیده ام را نیز بیان کنم و آن این که زبان ترکی از لحاظ بعضی مکانیزمهای دستوری (نه لفظی) از عربی کاملتر است. جنسیت دستوری در تمام زبانها از جمله عربی و مکانیزم تثنیه که بهترین شکل آن در عربی است، این هر دو مکانیزم دستوری بیش از آنچه قدرت بیان زبان را افزایش میدهند، باری بس سنگین بر دوش زبان تحمیل میکنند. در آلمانی علاوه بر مونث و مذکر جنسیت خنثی هم وجود دارد و حالت جمع اسما' هم نوعی جنسیت محسوب میشود. اسامی و صفت های آنها و ضمیرها و حرف تعریف ها همگی به نسبت جنسیت و موقعیت کلمه در جمله تصریف میشوند،

که یادگیری آن حتی برای خود آلمانیها مشکل است. زبانهائی که این نوع مکانیزم های دستوری را ندارند، دچار هیچ کمبودی که با آن رفع شود، نمیشوند.به عنوان مثال جمله عربی «إن لغة العربية هی لغة جميلة» به فارسی و ترکی به ترتیب چنین ترجمه میشود: «عربی زبان زیبائی است» و «عرب دیلی گؤزل دیلدیر». اینجا مونث بودن کلمه «لغة» مارا مجبور میکند که کلماتی نظیر «هی» و«جميلة» را نیز به شکل مونث مورد استفاده قراردهیم. ترکی و فارسی با نداشتن این تأنیث دچار کدام کمبود بیانی شده است؟این را صرفا به منظور مطالعه قیاسی زبانها گفتم، نه من باب قوم پرستی. لطفا در تنظیم کنایه های خود دقت بیشتری بفرمائید.

نویسنده: narialinks

چهارشنبه 2 مرداد1387 ساعت: 23:32

ناریا لینکس مانند همیشه در خدمت بنیان اندیشان

در خبرنامه ی ناریا لینکس عضو شوید

در ناریا لینکس روش تهیه ی کتاب های آقای پورپیرار و مستند تختگاه هیچ کس ؟! و حتی چگونه و کی خواندن و دیدن آنانرا بخوانید

http://narialinks.blogfa.com

وب سایت

نویسنده: رعد

چهارشنبه 2 مرداد1387 ساعت: 23:45

سلام ... اقای پور پیرار ولله که به شما غبطه می خورم , در بنیان اندیشی در گوشه و کنایه زدن به یهود و نصارای میهمان این وبلاگ , به ترک وفارس ها که هنوز به داستان شب شنیدن عادت دارند , دست مریزاد . خداوند منان شما را نگه دارد, جسم و جان تان سالم باد .سئوال فراوان است ولی ایا زمانی با یاری خداوند خواهد رسید که ما در عرصه ترجمه قران به هیچ مترجم یهودی فارسی زبان احتیاج نداشته باشیم . ؟؟ این همه مصادره معنا در حوزه ترجمه از سوی مترجمین , هدایت شده از مرکز خاصی است ؟؟ چگونه است که مترجمین قران کتابی که سرشار از صحنه Porno ست را ملاک قرار میدهند : پیدایش , لوط و دخترانش باب 19 قسمت 30 الی 38 . و ان گاه که

قران در سوره مبارک مائده ایه 12 در مورد 12 نقیب یا سر کرده قوم , سخن میگوید ان ها (مترجمین) انها را فرزندان یعقوب قلمداد می کنند حال انکه طبق همان کتاب با ان قسمت مستهجن , اسماعیل نیز صاحب 12 فرزند است : پیدایش باب 25 قسمت12و15 اعقاب اسماعیل . قربان برم خدا را یک بام و دو هوا را .چگونه است که با ان داستان ذبیح ابراهیم که برای ما مسلمین, اسماعیل را ساخته اند این 12 نفر نباید پسران اسماعیل باشند ؟! این دل خشکنک را برای مترجمین اورشلیمی نوشتم تا بدانند در این مورد مانند دیگر موارد هیچ سند قرانی نداریم ولی شاید از همین عدد 12 توانستند 12 امام بسازند یا از 40شب وعده خدا با موسی مراسم چهلم مرده و امام , ولی بدانند که کتاب دوران ساز اسلام و شمشیر هرگز غروب نخواهد کرد .

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 3 مرداد1387 ساعت: 0:3

آقای رعد. جذب و درک کامل آن چه بر سر ما آورده اند تقریبا ناممکن است. چنان از چهار سو و از افراز سر و از کف پا در محاصره ی دروغ قرار داریم که حتی بیان جیره بندی شده ی آن نیز از حد تحمل و هضم مغز و معده ی کسان فراوانی در کل جهان بسی بالاتر است. با این همه اینک که این عرصه باز است، بی اعتنا به هرکس و هرچیز که زیر سم خواهد ماند، به مدد الهی باید تا پایان تاخت.

آقای یولداش. چه ارتباطی با مباحث جاری دارد؟

نویسنده: مارلیک

پنجشنبه 3 مرداد1387 ساعت: 0:10

با سلام خدمت استاد

در متن آیه 37 و 38 صحیح است

در مورد سوال قبلی هم بیشتر می خواستم بدانم جمله کار پایان یافت مربوط به انجام عذاب می باشد یا اتمام فروکش آب .
ممنون

نویسنده: مسعود

پنجشنبه 3 مرداد1387 ساعت: 1:35

وقت شما بخیر استاد.

از این لینک میتوانید نسخه آزمایشی "نقشه سه بعدی زمین" را دانلود نمایید:

http://www.soft32.com/Download/free-trial/3D_World_Map/4-77669-1.html

نکته قابل استفاده در این نقشه اینکه شما میتوانید ابتدا بر روی منطقه آناتولی یا هر جای دیگری زوم کرده و با حرکت دادن آرام ماوس بر روی مناطق مورد نظر ارتفاع آن نقاط را بر حسب "فوت" از سطح دریا در همان لحظه و در کنار "کرسر" ماوس ببینید.
هر چند تلاش من برای دانلود نقشه کامل "توپوگرافی" ترکیه نتیجه جالبی را در بر نداشت اما گمان میکنم نرم افزار فوق تا حدودی جوابگو باشد.

نویسنده: توحید

پنجشنبه 3 مرداد1387 ساعت: 11:32

با سلام
به راستي كه باريك بيني و نكته سنجي شما در دنيا سابقه و نظير ندارد . از اينكه مطالب وبلاگتان را مي خوانم به خود مي بالم . حقيقتا بقول خودتان نتيجه گيري از مبحث طوفان نوح ، شگفت انگيز تر و مفيد تر از خود طوفان نوح بود استاد .
با هر يادداشت شما از همينجا مي بينم كه پايه هاي معابد و كنيسه هاي يهود در اورشليم و ساير نقاط دنيا سست تر شده و در حال انهدام نهايي است .
به راستي كه خداوند اراده كرده ، نور حقيقت خود را به وسيله شما به كمال برساند :
يُرِيدُونَ أَن يُطْفِؤُواْ نُورَ اللّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللّهُ إِلاَّ أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ .

وب سایت

نویسنده: رعد

پنجشنبه 3 مرداد1387 ساعت: 23:45

سلام ... اقای مارلیک ، مثل اینکه شما ورژن جدید ی از قران ان هم از نوع یهودی در اختیار دارید .

نویسنده: تلمیذ

جمعه 4 مرداد1387 ساعت: 0:46

با سلام خدمت استاد و سایر دوستان
1-استاد خداوند می فرماید من موسی(ع) را به سوی فرعون و قومش فرستادم تا او را به پرستش خدای واحد دعوت نماید،اما چون فرعونیان ایمان نمی آورند،حتی با مشاهده معجزات،موسی(ع) از خداوند می خواهد تا کمکش نماید تا بتواند قومش را از اسارت فرعون نجات دهد و صد البته در هنگام خروج و حتی تا پایان عمر موسی(ع) اکثریت بنی اسرائیل به خدای واحد کافر و گمراه و بعضی هایشان هم بت پرست و مشرک بوده اند.گرچه می دانیم که یهودیان هرگز موحد نبوده اند!!!
2-آیا نوشتن آنهمه مهمل به نام کتاب خدا(تورات) با اینهمه صفحه تا قبل از اختراع کاغذبر روی پوست و پاپیروس به لحاظ فنی امکانپذیر بوده است؟!!!با توجه به اینکه یهویان مرتبا" در به در بوده و نگهداری و حمل آنهمه پوست و پاپیروس در این شرایط به مدت 3000 سال عملا" غیر ممکن است!!!آیا قبل از قرن 15 میلادی هم یهودیان توراتی به این حجیمی داشته اند؟!!!پس چرا انجیل آنقدر مختصر و پراکنده و غیر مستند است؟!!!حال آنکه هزار سال بعد از تورات نوشته شده است که امکانات فنی بیشتری هم وجود داشته است؟!!!

نویسنده: یولداش

جمعه 4 مرداد1387 ساعت: 16:27

...دوستون مقابل مجلس سنا نیز که بوسیله مهندس فروغی فرزند مرحوم فروغی از فراماسیونهای قدیم ایران طرح ریزی شده بتقلید از ستونهای بواز و ژاکین مربوط به مدخل معبد حضرت سلیمان بوده که قبله گاه فراماسیونهای ایران میباشد...گزارش ساواک از جلسات لژ خیام سال 48. نقل از کتاب اسناد فراماسونری در ایران - جلد دوم- موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی-زمستان 85.

نویسنده: یولداش

جمعه 4 مرداد1387 ساعت: 16:38

استاد فرمودید ابراهیم و اسماعیل و یعقوب هم مشغول ساختن قبله گاه مکه بوده اند بنابراین عنوان قبله دادن به بیت المقدس یا اورشلیم یهودیها جعل میشود و این عنوان از ابتدا از ان مکه میباشد.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 4 مرداد1387 ساعت: 18:37

آقای یولداش. موضوع ستون ها درست است و در باب بقیه ی مطالب نیز باید که اندکی درنگ کنید.

آقای سلیم. هر زمان که مایل و آماده بودید با تلفن قبلی تشریف بیاورید.

آقای تلمیذ. حوصله کنید.

آقای بی نام. گروه یک آن برایم جالب بود. ممنون

نویسنده: هیوا ایزدی

جمعه 4 مرداد1387 ساعت: 21:0

استاد با سلام
آیا شما ازدواج موقت را در اسلام دارای پایگاه می دانید
دیگر این که
منظور از ملک یمین در قرآن مبارک چیست

نویسنده: مسعود

جمعه 4 مرداد1387 ساعت: 22:6

وقت بخیر استاد گرامی.

نقشه توپوگرافیک ترسیمی منطقه جودی (آرارات) :

http://www.skimountaineer.com/ROF/Beyond/Ararat/AraratMap.jpg

همچنین در این نقشه منطبق بر عکس ماهواره ای از منطقه مذکور در سمت راست عدد 3500 از اشل روی تصویر میتوان کوه موسوم به آرارات را مشاهده کرد :

http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/e/e5/Armenia_Topography.png

در اینجا اگر منطقه زرد رنگ را که ارتفاعی معادل 500 تا 1000 متر از سطح متوسط دریاهای جهان ارتفاع دارد را از آب پرکنیم بدون شک سرریز آب آن ناحیه به سمت شمال دریاچه "سوان" در ارمنستان را بوجود خواهد آورد و نیز به سمت غرب و جنوبغرب دریاچه "وان" در ترکیه و به سمت جنوب از ناحیه "خوی" دریاچه اورمیه را خواهد آفرید!

نزدیکی این سه دریاچه در میان این مناطق کوهستانی صعب العبور احتمال بالا را به یقین نزدیک میکند!

سلامت و موفق باشید.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 4 مرداد1387 ساعت: 23:0

نقشه توپوگرافی بسیار روشنی بود. اما دو نکته: اول این که برای درک درست و کامل باید که نقشه عرض 30 تا 45 درجه شرقی غربی و 25 تا 45 درجه ی شمالی جنوبی را بپوشاند. دوم این که فرض را بر این بگذارید که پشت بامی با مساحت صد متر دارید که دیواره ای نیم متری در اطراف آن است. اگر در هر 4 سوی این پشت بام نیز ناودان کار بگذارید که مجموعا در هر ثانیه 50 لیتر آب را تخلیه کنند، اما بارانی درشت دانه و سریع ببارد که در هر ثانیه 100 لیتر آب وارد پشت بام شود،، در کم تر از بیست دقیقه پشت بام شما ابتدا تا لبه دیواره پر و سپس از همه سو سرریز خواهد کرد. این همان اتفاقی است که شدت باران در طوفان نوح برای سرزمین ترکیه امروز به وجود آورده که خروجی های آب آن اندک و باران وارد شده بر آن چون تنوره و ستونی از آب بوده است. ضمنا در نظر آورید که بارش باران به شهادت قرآن، تا زمان توقف کشتی ادامه داشته است.

آقای ایزدی. با عرض معذرت، به مجتهد محل رجوع کنید.

نویسنده: عابدی

جمعه 4 مرداد1387 ساعت: 23:43

با سلام

آقای اتفاق. ببخشید پیام تان را دیر هنگام دیدم. انجام وظیفه بود.

در پناه حق باشید.

نویسنده: مسعود

شنبه 5 مرداد1387 ساعت: 1:47

استاد.خسته نباشید.
اینهم نقشه طبیعی از آناتولی خدمت تان :

http://www.onurtan.org/T/maps/jpg/epi_topo.jpg

دایره های قرمز رنگ زمین لرزه های(depremlar) ثبت شده میباشند که مورد نظر ما نیست.

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 5 مرداد1387 ساعت: 2:11

آقای مسعود. ممنون و خسته نباشید. به راستی نقشه ی کم نظیری است. به موقعیت جغرافیایی مدار 25 تا 40 عرض جغرافیایی توجه کنید و ببینید که ارتفاعات سمت شمال و جنوب ترکیه، چنان راه را بر خروج آب بسته است که سیلاب های گریزان، بدون یافتن روزن نجات، اجبارا به مسیر شرق و غرب میل کرده اند. وانگهی چنان که خود توجه داده اید معلوم است که تمام مانداب های کنونی در ترکیه و ایران غربی و ارمنستان زمانی تا ارتفاع معینی با یکدیگر مرتبط بوده اند. به ساخت رسوبی و رسی حوزه ی وسیعی از ترکیه ی مرکزی امروز توجه کنید و در نظر بگیرید که این حوزه های رسی در زمان ماقبل طوفان در سطح بسیار پست تری بوده اند که امکان تجمع آب را سهل و ممکن تر می کرده است. به راستی که تئوری رخ داد طوفان در آسیای صغیر مدرکی روشن تر از این نقشه لازم ندارد، اگر بیاندیشند!!!

نویسنده: نتاب

شنبه 5 مرداد1387 ساعت: 4:4

سلام
استاد آن نقطه‌های قرمز رنگ در نقشه
(http://www.onurtan.org/T/maps/jpg/epi_topo.jpg) را می‌شود بفرمائید
علامت چه هستند؟
با تشکر

نویسنده: رضا

شنبه 5 مرداد1387 ساعت: 13:3

با سلام به خدمت همه دوستان
لینکی برای زنگ تفریح و استراحت کلاس
http://www.morsalat.com/detail_lib_fa/?iLib=117&iData=533&
nChannel=Lib&iChannel=24&iCat=359

وب سایت

نویسنده: هاتف

شنبه 5 مرداد1387 ساعت: 13:9

لتجدن اشد الناس عداوه للذين امنوا اليهود و الذين اشركوا- سوره مبارکه مائده ايه 82
يقيناً سرسخت ترين مردم در کينه و دشمنی نسبت به مؤمنان را يهوديان و مشرکان خواهی يافت .

۱ ۲ >>

/wEPDwUJNzUyI

نویسنده: حسام الاحوازی

شنبه 5 مرداد1387 ساعت: 19:54

و قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا

سلام بر پدر علم تاریخ شرق میانه
استاد مطالب اخیرتان بسیار روشنگرانه و عالی بود .

با آرزوی سلامت و طول عمر از درگاه الله می خواستم توجهتان را به مطلبی که آ قای قرائتی در تفسیر ایات طوفان نوح قرار داده جلب کنم
"«در اوستا کتاب مقدس زرتشتیان خطر طوفانی عالمگیر که به واسطه آن همه مردم غرق می شوند مطرح است ، بدین صورت که به جمشید وحی می شود که حائطی عظیم بساز و همه مردان و زنان صالح و از هر حیوان یک جفت در آن قرار بده .»" تفسیر سوره نور جلد پنجم صفحه 332 قرائتی

ببینید چگونه چرندیات و مزخرفات اوستا پلید را در تفسیر کلام الله مجید گنجانده!!

نویسنده: کورش آریایی

شنبه 5 مرداد1387 ساعت: 18:48

به نام اهورا مزدای جان و خردمند

بنده چند روز پیش فیلم بسیار قشنگ امپراتور دریا را بدیدم که جان بوگو و یوم جانگ دو دشمن دیرینه ، با هم صلح بنموده و در مقابل دشمن خود پیروز بشدند. ما آرياييان همانند جان بوگوی اهورایی و پان ترکان همانند یوم جانگ که دزد دریایی می بود، باید دست در دست هم بگذاشته و دشمن قسم خورده ی خود یعنی ناصر پورپیران، این توده ای یونانی را نابود بنماییم.

اهورا مزدا این تارزان را نیز هک بنمایید.

وب سایت

نویسنده: ارادتمند

شنبه 5 مرداد1387 ساعت: 22:38

سلام آقای پورپیرار

حالا که سخن از بی اعتباری اسفار خمسه و به نوعی کل عهد عتیق است ، خواندن مطلب کوتاه زیر به گمانم لبخندی بر لبانتان بنشاند :

http://www.lifeagape.org/farsi/basicsteps/Bible/authorityofot.htm

نویسنده: هیوا ایزدی

یکشنبه 6 مرداد1387 ساعت: 0:13

استاد با سلام
چشم در مورد ازدواج موقت به آنها رجوع می کنم اما در باره ی ملک یمین لطفا شما کمک کنید.

نویسنده: محمدحسین

یکشنبه 6 مرداد1387 ساعت: 0:49

با سلام
برایم چند سئوال پیش آمده
1- طبق فرمایشات شما از طرف خداوند متعال 124000 پیامبر مبعوث نشده اند چون در قران تعداد پیامبران نامبرده حدود 25

نفر است آیا این برداشت درستی است؟
2- بعض مورخین مسیحیت را به 2 قسم حقیقی و تاریخی تقسیم میکنند و مسیحیت حقیقی را همان دین بنی اسراییل میدانند و یکی از دلایل قرآنی آنها برای اثبات این فرضیه آیات 50-51-52 از سوره ال عمران است
با این احتساب آیا ما میتوانیم حضرت مسیح(علی نینا وآله و علیه السلام) را یکی از پیامبران دین بنی اسراییل قلمداد کنیم آنجایی که خطاب به حضرت مریم (علیها سلام) درباره حضرت عیسی میفرماید و رسولا الی بنی اسراییل ؟؟
با سپاس

نویسنده: مجتبی غفوری+++

یکشنبه 6 مرداد1387 ساعت: 1:4

با سلام
جناب مسعود عزیز برایتان ایمیلی ارسال کرده ام ولی پاسخی نگرفته ام . متاسفانه به وبلاگ مراجعه کردم همزمان 3 مسعود برایم آدرس ایمیل گذاشته اند . در صورت امکان با دفتر استاد تماس بگیرید و شماره بنده را از ایشان بخواهید یا شماره ای از خودتان بگذارید تا بتوان تماس گرفت پیشاپیش از زحمتی که می کشید ممنونم.در ضمن قبلا از شما ایمیلی دریافت نکرده ام!!!

"بدین ترتیب تورات نوساخته ی اربابان کنیسه، گرچه بر زمین ساکنی اعم از انسان و حیوان و بر هوا جان داری، از پرنده و حشره باقی نمی گذارند، اما فراموش کرده اند تکلیف آبزیان را نیز تعیین کنند که طوفان قادر به آزار رساندن و انهدام آنان نبوده است؟!!! هنگامی که چند خاخام تورات های جدید می نویسند، مانند تاریخ هایی که برای شرق میانه ساخته اند، مملو از ناشیگری منتشر می شود."استاد هوش شما نظیر ندارد!!!
دستمریزاد . این مطالب جدید کندن فساد از ریشه است. جالب است که در اناجیل 4 گانه مسیحیان در نسب نامه های پیامبران که بقول خودشان از تورات برداشته شده تضاد وجود دارد.یوحنا و مرقس این نسب نامه را نمی شناسند و متی و لوقا دو نسب نامه متفاوت عرضه می کنند.با بررسی در اناجیل اربعه می توان در یافت که این اناجیل نیز جدیدا تدوین شده اند ولی علت دست پاچگی کنیسه و کلیسا چه بوده ؟!!!!

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 6 مرداد1387 ساعت: 1:19

آقای حسام. ممنونم. اصلاح شد.

آقای منوحیم. پاسوردتان غلط است.

آقای ارادتمند. لبخند که هیچ از خنده دل پیچه گرفتم. ممنون.

آقای نتاب. آن نقطه های قرمز در نقشه علامت وقوع زلزله است.

آقای حسام الاحوازی. ایشان اهل کاشان اند و حساب شان با خداوند.

فریبا خانم. آن دوست شیرین زبان و خوش وعده دیگر سری نزد. شاید که او هم گرفتار امتحانات شده باشد!

آقای هیوا ایزدی. گرچه نمی دانم چه زمان میسر خواهد شد، اما پاسخ چنین سئوالاتی به ادامه ی مقالات اسلام و شمشیر محول خواهد بود.

آقای محمد حسین. به مجوعه مقالات "اسلام و شمشیر" رجوع کنید. و در انتظار دنباله ی یادداشت ها بمانید.

آقای غفوری. احتمالا گمان کرده اند حیوانات آبزی پیوسته از هر آلودگی و گناهی شسته و پاک می شوند و این پشه است که باید تا آخرین شماره کشت، که بی خواب ماندگان از نیش آن ها کاملا موافق این امرند.

نویسنده: محمود بجاني

یکشنبه 6 مرداد1387 ساعت: 7:41

با سلام
آقاي كوروش آريايي من پان ترك نيستم ولي ترك هستم مي خواستم بگويم هم اهورايي هستيد و هم دزد دريايي ! ناصر

پورپيرار دشمن تركها نيست ! وي تنها مامور بيان حقايقي است كه خود بدانها مي رسد . بنده قبل از آشنايي با تفكرات ايشان در مورد تاريخ تركها گلوگاههايي مشاهده مي كردم كه هيچ گاه دقيق و كنجكاو نشده بودم ولي اينك به لطف تاملات اين بزرگوار مي دانم كه تاريخ چه از نوع اسلاميش و چه از نوع فارسيش و چه از نوع تركيش تحريف شده براي استحمار و استعمار ملتها!
آقاي پورپيرار بنده هر وقت قرآن مي خواندم مي ديدم كه صريحا در قرآن گفته پدر ابراهيم! ولي مفسران همه اش اين را ترجمه به عموي وي مي كردند! يعني هر جا در قرآن از پدر ابراهيم سخن رفته تعبير به كلمه اب شده ولي مفسران و مترجمان آن را ترجمه به عمو نموده اند ! فكر مي كنم علت جريان رساندن معصوميت از آخر تا به آدم هستند! اينطور نيست؟

نويسنده: بابك

يكشنبه 6 مرداد1387 ساعت: 12:38

با سلام خدمت آقاي پور پيرار و ساير دوستان
به نظر من بهترين جواب براي اينگونه آدمها (كورش آريايي) فقط سكوت و بي محلي است. چون با خواندن مطالب آقاي پورپيرار سطح فكر آدم اينقدر بالا ميره كه اينگونه مطالب ابلهانه ، بي معني و خنده دار به نظر مياد. فكر كنم آقاي پور پيرار اين مطلب را به خاطر انبساط خاطر دوستان اجازه داده بود كه در اين صفحه بياد.

نويسنده: حسام

يكشنبه 6 مرداد1387 ساعت: 12:43

استاد
همیشه چند تا از نظرات امثال کوروش آریایی را برای رفع خستگی و شاد کردن دلمان بگزارید....
وقعا جالب هستند...!

نويسنده: رضا

يكشنبه 6 مرداد1387 ساعت: 13:17

با سلام خدمت استاد و تمامی دوستان
میدانیم که گسترش زبان با خط ارتباط مستقیم دارد و وجود نوشتار و امکان نوشتن باعث طراوت و قدرت یافتن ادبیات هر زبانی خواهد بود. چنانچه نبود نوشتن باعث عکس موضوع است. برای مثال زبانهایی که در بین قبایل کوچک دنیا استفاده میشود اولا بعلت نداشتن نوشتار ، هم محدودیت انتشار دارند و هم از نظر ادبیات در حد گذران روز مرگیها باقی میمانند.
گاهی عدم وجود خط کامل باعث میشود که زبانی هرچند قدرتمند از برخی واژه ها تهی یا کم مایه شود ، برای مثال وقتی جمهوری ترکیه خط خود را از عربی به لاتین تغییر داد و کمبود های علائم خطی لاتین را اصلاح نکرد برخی واژه های خود را از دست داد و در حال حاضر "خاتم" و "حاتم" با دومعنی متفاوت در ترکیه یکسان نوشته و خوانده میشود (آذربایجان این مشکل حل شده است)واز آنجائیکه این کشور با دین اسلام و زبان عربی اجین بوده موارد بسیار دیگری نیز وجود دارد .
همین طور است زبان عربی که بخاطر نداشتن برخی حروف در تلفظ لغات غیر عرب دچار مشکل است.وزبان فارسی که نمیتواند برخی اصوات غیر خودش را تلفظ نماید یا از هم باز شناسد.

وب سايت

نويسنده: رضا

يكشنبه 6 مرداد1387 ساعت: 13:18

ادامه......حال سوالی که برایم پیش آمده و امیدوارم استاد یا دیگر دوستان راهنمائیم کنند این است که با توجه به خط عربی ناقص دوران صدر اسلام آیا قران از نظر نوشتاری و اصوات بعد از تکمیل خط عربی تغییراتی را از نظر اصوات و ادای کلمات متوجه شده است ؟ اگر چنین تغییری وجود نداشته در آنصورت این ادبیات کامل را با خط ناقص چگونه نوشته اند که هنوز بعد از 1400 سال مشکلی ایجاد نشده است؟ و اگر همان خط برای رسانیدن آیات قدرتمند الهی کافی بوده است چه نیاز به تغییر و تکمیل خط عربی احساس شده است؟
سوال دوم اینکه گفته میشود حدود 43 نفر کاتب وحی بوده اند که ظاهرا هر از چندی یکی از آنها آیات نازل شده را نوشته اند آیا چنین امری حقیقت دارد ؟ آیا قران کامل قبل از قرن 4 بصورت مجموعه وجود دارد و اگر بلی ، آیا تفاوت خطی چندین نفر مشخص است ؟

وب سايت

نويسنده: بی نام

يكشنبه 6 مرداد1387 ساعت: 18:43

استاد گرانقدر جناب اقای پور پیرار سلام علیکم
بنده به فهمی تجربی رسیده ام وان اینکه جاعلین وکسانی که جعلیات انان را می پذیرندفاقد استعداد باز شناسی کمیتی وکیفیتی اعداد هستند.همچنین به نظر می رسد کم استعداد ترین این جاعلین همان جاعلین کلام وحی هستند که استعدادی در حددوران قبل از توانمندی انگشت شماری داشته اند وهیچگاه درکی از نتیجه عملیاتی بلغورخود را نمی توانستند داشته باشند. مثلا" یک کشتی را که قرار است تعدادی انسان واز هر حیوان یک جفت را برودر خود حمل کند هفت روز مهلت ساخت می دهد یا تداخلاتی را که از نظر عددی در پایان مقاله مرقوم فرموده اید.
ادراک عددی تاریخ عالم ارای عباسی نیز از همین نوع است چرا که جاعل هیچگاه نتوانست توفیقی درتطبیق عملی محاسبات گاهشماری با واقعیت ایجاد کند.از همین سیاق می توان نمونه های زیررا نیز به عنوان شاهد اورد:
:پنج میلیون لشکریان خشایار شا.
:محتوای اوستا بر شانزده هزار جلد پوست گاو .
:میزان عدد وزنی طلایی که رستم فرخزاد در جنگ با اعراب همراه داشت.
:وسعت سرزمین ادعا شده تحت سیطره کورش وداریوش.
:و....
همچنین ادعای بعضی از این عنترهای دست آموز لوطی های یهودی مانند زرین کوب که مدعی بود حکومت اسلامی دو میلیون جلدکتاب کتابخانه اش را مصادره کرده که اگر از ایشان بپرسیم این حجم کتاب را کجا نگهداری می کرده از عجز حساب وکتاب می گوید در کتابخانه شخصی ام غافل از اینکه این حجم کتاب در حد اقل حجم یکصد صفحه در زمینی به مساحت دویست متر و حد اقل به ارتفاع دو طبقه ساختمان خواهد شد .ویا آن اسلام ستیز نشسته بر انتن ماهواره ,اقای رضا فاضلی که برای بزرگ نمایی,مدعی خواندن سی وشش میلیون وششصد هزار صفحه کتاب شده است .این بیچاره نیز از موهبت درک عددی محروم است وذهن او انقدر عاجز است که نمی داند اگر برای خواندن هز صفحه فقط یک دقیقه وقت صرف کند ایشان لازم است حدود هفتاد سال بدون توقف وخورد وخوراک والبته بدون قضای حاجت باید بنشیند و بخواند.
حال استاد با توجه به مراتب بالا نمی توان نتیجه گرفت که جاعلین و دلقک های دنباله رو انها فاقد درک عددی هستند.

:

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 6 مرداد1387 ساعت: 20:44

آقای بی نام. اشتباهات این گروه تنها مبادی عددی ندارد، گاه به ارائه ی چنان تصاویری از زندگانی پیامبران و شبه پیامبران پرداخته اند که نزد عاقل هیچ محملی جز این ندارد که قصد زدودن قبح آن اعمال را داشته اند. یعنی اگر دختران یک نبی با پدرشان همبستر می شوند تا نسل او را حفظ کرده باشند، پس طبیعتا برای مردم معمول انجام هر فسق و شلم شوربایی مجاز می شود! چنان که شاهدیم دنیا را به کاباره ی بزرگی بدل کرده اند و فرق چندانی میان خیابان و اتاق خواب دیده نمی شود. ضمنا دو میلیون جلد کتاب را اگر به طور فله ای هم تا ارتفاع دسترس انسان بر روی هم بچینید میدان توپخانه را پر می کند.

آقای رضا. ظاهرا مهره های شما هنوز در خانه ی اول نشسته است! کتاب های پلی بر گذشته را بخوانید.

نویسنده: کورش آریایی

یکشنبه 6 مرداد1387 ساعت: 21:10

به نام اهورا مزدای جان و خردمند

این پان ترکان مقولیسم همچون استادشان، ناصر پورپیران، این یگانه دشمن قسم خورده ی آریاییان، نا سواد بوده باشند. بنده در تارزان خود، صندوقچه ی نقد پورپیران اثبات بنموده ام که همه ی شما، خود ناصر پورپیران بوده باشید. بنده اثبات بنموده ام که ناصر پورپیران حتی سیکل نمی دارد. حتی ششم قدیم را هم نداشته باشد. اگر باور نداشته باشید، به تارزان نیکو و شکوه مند با گرافیکی نوین، بیامده، و نوشتنی های ثقیل این تارزان را خوانیدن بنموده، که شما ترک نباشید، آذری بباشید و بنده این را اثبات بکرده ام.

نفرین اهورا مزدا بر پان ترکان مقولیست.

وب سایت

نویسنده: مارلیک

یکشنبه 6 مرداد1387 ساعت: 22:49

با سلام

گزارش كامران نجف زاده از لبنان مستحق جايزه اي بزرگ است به همين مناسبت ستون هاي به اصطلاح كاخ آپادانا به مدت يك روز تقديم ايشان مي شود تا در ..... خويش قرار داده و طعم تخت جمشيد زيباي خود را بچشد

نویسنده: دوست

یکشنبه 6 مرداد1387 ساعت: 20:11

آقای بجانی. فرموده اید : من پان ترك نيستم ولي ترك هستم.

یاد جمله ای افتادم : من ورزشکار نیستم، ولی ورزشکاران را دوست دارم !!

خوب ، حال باور دارید که پان ترک وجود دارد یا نه ؟

راستی چرا از این که گفته می شود ، پان ترکان : دزد دریایی ، واکنش نشان دادید. مگر نه این که پان ترک نیستید ؟! چرا واکنش نشان دادید ؟ من پاسخ می خواهم ؟ یا جمله ی نخستی که از شما گذاشتم را پس بگیرید یا این آخری را !!!

بدرود

نویسنده: صمیمی

دوشنبه 7 مرداد1387 ساعت: 0:28

سلام
لینک اعلام رسمی پایان کاشی کاری گنبد سلطانیه:
id=47221&http://www.chn.ir/news/?section=2
اینم مقاله اشپیگل:
http://www.spiegel.de/international/world/0,1518,566027-2,00.html

نویسنده: حکیمی

دوشنبه 7 مرداد1387 ساعت: 3:37

جناب مارلیک با اجازه شما بنای کعبه زردشت ستون های آتشکده های زردشتی سکه های اشکانی تبرزین رستم(نماد هویت ملی ایشان)همراه با معجونی به شیرینی فارسی را هم به ستون های تخت جمشید اضافه کنید....

نویسنده: محمد رضا

دوشنبه 7 مرداد1387 ساعت: 5:33

صبح بخیر استاد گرامی. مدتها دور بودم و این اواخر که بازگشتم از خواندن یادداشتهای صد به بعد استادم احساس رشد میکنم ما کجا بودیم و شما ما را به کجا برده و میبرید. با حکم جنابعالی مواجه شدم که دستور عدم حضور در وبلاگ ابلهان را داده بودید، چندی دم درکشیدم و ناگزیر و خطاکارانه جوابی به یک نقاب برداشته مافنگی بنام سهند دادم که او را سرند نام داده ام. مرا ببخشید اما این قماش آدمها زبان مرا بهتر می فهمند. خداوند در این طلوع صبح نگهبان شما باشد.

نویسنده: محمود بجاني

دوشنبه 7 مرداد1387 ساعت: 7:36

دوست عزيزم جناب دوست
احساس كردم كساني كه مطالب آقاي پورپيرار را مي خوانند مثل آقاي ستاره اين توهم برايشان به وجود آمده كه آقاي پورپيرار زبان تركي و مليت و قوميت ترك را هم مثل فارس و پارس جعلي قلمداد مي كنند در حالي كه من چنين احساسي ندارم زيرا آقاي پورپيرار تنها نوشته نويسندگاني از نوع آقاي صديق را نقد نموده بودند كه بسيار معقول بود - خوب برخي از اين نقد كه مي خواهند جعلي بودن زبان تركي را نتيجه بگيرند (مثل آقاي ستاره) اينان يا مغرض هستند و دشمني با ترك دارند و يا آنقدر سطحي فكر مي كنند كه زباني به قدرت تركي را ناديده مي انگارند !
ما نمي گوييم زبان تركي برتر است اما مي گوييم زبان مادريمان است و قوم ما قومي است از اقوام روي زمين! كساني كه مي گويند زبان و قوميت تركي جعلي است شايد ياد چاشني هاي آتاترك مي افتند ولي واقعيت اين است بنده هنگام شنيدن زبان تركي ياد پدر و مادرم مي افتم كه اين زبان شيرين را يادم داده اند . بنده هر روز يك جزء قرآن مي خوانم وقتي در هر ماه يكبار به آيه 13 سوره حجرات مي رسم آنوقت مي بينم كه همه قوم ها و همه فرهنگها و همه زبانها رسميت دارند و

خداوند بزرگ آنها را به رسميت مي شناسد آنوقت عده اي بيايند اين حرف خدا را نقض كنند آن چيز ديگري است - بنده در مورد اقوام زبانها و مليت ها و رنگ ها تنها اين كلام خدا را ملاك عمل دارم نه حرف آتاترك نه هيتلر نه خاتمي و نه حتي آقاي پورپيرار .

نویسنده: بابک

دوشنبه 7 مرداد1387 ساعت: 9:39

دوست عزيز جناب دوست سلام
شما فرق بين يك تورك زبان و يك پان تورك را مي دانيد؟؟ اصلا ميدوني يك پان تورك مسلك و مرامش چيه؟ جامعه شوونيستي ايران به آقاي بجاني به عنوان يك تورك زبان چه ارزشي قايل است؟؟؟ به هر حال زبان توركي زبان ايشان و ميليونها نفر امثال ايشان مي باشد. ولي از حق اوليه خودشون كه خواندن و نوشتن به زبان مادري مي باشد محروم هستند. حالا چطوري يك چنين آدمي كه زبان و لهجه اش اين مملكت فقط به درد جوك ساختن و ... ميخورد ميتواند پان تورك باشد. پان تورك مرام و مسلكش برتري نژاد تورك مي باشد. تورك زبانهاي ايران كي چنين ادعايي داشته اند كه آنها را به راحتي پان تورك مي ناميد. يك ذره انصاف هم بهتر است دوست گرامي. آقاي بجاني اصلا به دزددريايي خطاب شدنش واكنش نشان نداده اند. بلكه به آن آدم ابله جواب داده اند كه من نه دزد دريايي هستم و نه اهورايي بلكه فقط دنبال حقيقتم و به جعلي بودن قسمت اعظمي از تاريخ توركان اعتراف مي كند به نظر من تو مردانگي را از افرادي امثال آقاي بجاني ياد بگير كه چه زود در برابر حقايق روشنگرانه آقاي پورپيرار زانوي احترم زده اند.

نویسنده: بابک

دوشنبه 7 مرداد1387 ساعت: 9:52

من در كامنتهاي قبلي خود گفته و باز هم ميگويم كه در آينده بچه هاي آذربايجان بيشترين كمك را براي اشاعه افكار روشنگرانه آقاي پورپيرار خواهند كرد. جناب دوست به نظر من شما با ارسال اين مطلب باعث ايجاد تفرقه بين تورك زبانهاي ايران با ساير قوميتها ميشويد. كامنت افرادي مثل كورش آريايي باعث ايجاد اتحاد ميشود ولي كامنت دوستاني مثل شما باعث ايجاد تفرقه...
خداوند به همه ما چشم بصيرت بدهد...

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 7 مرداد1387 ساعت: 14:17

آقای رضا. مجموعه پلی برگذشته را این بار در زمان فراغت و به وجهی بخوانید که دیرتر فراموش شود.

آقای محمد رضا. صفا آوردید. دل مان برای هه هه هه های شما تنگ شده بود. با این همه توصیه همان است: به اراجیف نویسان اعتنا نکنید. آن آقا بیش از بی سوادی اش پر حرفی می کند.

آقای مارلیک و حکیمی. این داستان گزارش کامران نجف زاده چیست؟!

نویسنده: تلمیذ

دوشنبه 7 مرداد1387 ساعت: 16:41

با سلام خدمت استاد پورپیرار کبیر و سایر دوستان

«...گاه به ارائه ی چنان تصاویری از زندگانی پیامبران و شبه پیامبران پرداخته اند که نزد عاقل هیچ محملی جز این ندارد که قصد زدودن قبح آن اعمال را داشته اند. یعنی اگر دختران یک نبی با پدرشان همبستر می شوند تا نسل او را حفظ کرده باشند، پس طبیعتا برای مردم معمول انجام هر فسق و شلم شوربایی مجاز می شود!...»

استاد اين نظر شما هم مانند ديگر نظراتتان بسيار دقيق است.تورات پر است از دستورالعملهايي كه به يهوديان بفهماند «هدف وسيله را توجيه مي كند!!!».مثلا" در قرباني جنسي نمودن زنان ابراهيم و اسحق و ديگر پيامبران(نعوذبالله!) براي نجات خويشتن!!!و يا تورات تقريبا" مستقيما" مي گويد كه حضرت داود(ع) يك زنا زاده است!!!(كتاب روت)
و دقيقا" براي همين است كه يهوديان هميشه براي رسيدن به اهدافشان حاضرند حتي ناموسشان را فدا كنند(استر خشايارشا و مونيكا لوينسكي كلينتون)،درصورتي كه ديگر ملتهاي منطقه براي دفاع از ناموسشان جانشان را نثار مي كنند!!!
راستي روضه هاي ملاهاي خودمان هم پر است از روايات پرنو!!!

نویسنده: ناموف

دوشنبه 7 مرداد1387 ساعت: 17:2

سلام .میخواستم در باره کاشیکاری مسجد کبود تبریز اطلاعاتی ارائه دهید یا اگر ممکن باشد منابعی معرفی نمائید .چون در بحث زمان ورود کاشیکاری به ایران در مورد این مسجد که درست یا نادرست فیروزه عالم اسلام می خوانند بحثی ارائه نشد.

نویسنده: تلمیذ

دوشنبه 7 مرداد1387 ساعت: 17:36

استاد،موضوع ديگر اينكه نامهاي توراتي به نظر بي مفهوم و بيقاعده و نامانوس مي رسند،بجز نامهاي مشترك با قران كريم. به نظر مي رسد ابتدا حروف عربي را درهم ريخته اند و بعد به صورت تصادفي يك سري اسامي بي مفهوم و نامانوس را ساخته اند!!!

نویسنده: اركين قشقايى

دوشنبه 7 مرداد1387 ساعت: 18:42

با سلام
این لینک هم اطلاعات جالبی در مورد فعالیت شرکتهای یهودیان در شمال عراق می دهد.

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 7 مرداد1387 ساعت: 18:54

اقای تلمیذ. به زودی و به خواست خداوند خواهم نوشت که آن چند اشاره ی درست به برخی مسائل منطقه و تاریخ دنیای کهن، چیزی نیست جز این که نویسندگان پنج سفر نخست تورات در دوران جدید برای ایجاد توهم در ذهن قرآن ستیزان، با ناشیگری تمام از روی قرآن برداشته اند و با پر رویی بی نظیر ادعا می کنند که مندرجات قرآن کپی شده از تورات است. این نادانی نمونه، درست همانند این است که خط فارسی کنونی را از اعراب وام گرفته و سپس مدعی می شوند که ما خط عرب را اصلاح کرده ایم و در حقیقت وام خود را به جای استهلاک استملاک کرده اند!!! تشخیص دیگر شما، در مورد نام گذاری مصنوعی و بدون معنا بر اشخاص در تورات هم، کاملا به جاست.

آقای ناموف. درست است، مسجد کبود تبریز از قلم افتاد. بعدا و در محل مناسب تصاویر آن را ارائه خواهم داد، مختصرا این که مسجد کبود نیز، همانند مسجد بزرگ یزد، یک بنای کاملا خشت و گلی بوده است که در اواخر دوران فتح علی شاه و این یکی را بنا بر نیاز تحریک اقوام بسیار شاعرانه کاشی کاری کرده اند. و چون بنا فاقد استحکام اولیه بود، خلاف دیگر مساجد، در زلزله ی سنگین عهد ناصر الدین شاه به روز کنونی افتاد. هنوز بخش هایی از خشت چینی های قبل از کاشی کاری اخیر این مسجد در بقایای کنونی نیز قابل تشخیص است، هرچند بسیار سرهم بندی شده بر روی قسمتی از آن ها آجر چسبانده و یا چیده اند.

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 7 مرداد1387 ساعت: 18:56

اقای تلمیذ. به زودی و به خواست خداوند خواهم نوشت که آن چند اشاره ی درست به برخی مسائل منطقه و تاریخ دنیای کهن، چیزی نیست جز این که نویسندگان پنج سفر نخست تورات در دوران جدید برای ایجاد توهم در ذهن قرآن ستیزان، با ناشیگری تمام از روی قرآن برداشته اند و با پر رویی بی نظیر ادعا می کنند که مندرجات قرآن کپی شده از تورات است. این نادانی نمونه، درست همانند این است که خط فارسی کنونی را از اعراب وام گرفته و سپس مدعی می شوند که ما خط عرب را اصلاح کرده ایم و در حقیقت وام خود را به جای استهلاک استملاک کرده اند!!! تشخیص دیگر شما، در مورد نام گذاری مصنوعی و بدون معنا بر اشخاص در تورات هم، کاملا به جاست.

آقای ناموف. درست است، مسجد کبود تبریز از قلم افتاد. بعدا و در محل مناسب تصاویر آن را ارائه خواهم داد، مختصرا این که مسجد کبود نیز، همانند مسجد بزرگ یزد، یک بنای کاملا خشت و گلی بوده است که در اواخر دوران فتح علی شاه و این یکی را بنا بر نیاز تحریک اقوام بسیار شاعرانه کاشی کاری کرده اند. و چون بنا فاقد استحکام اولیه بود، خلاف دیگر مساجد، در زلزله ی سنگین عهد ناصر الدین شاه به روز کنونی افتاد. هنوز بخش هایی از خشت چینی های قبل از کاشی کاری اخیر این مسجد در بقایای کنونی نیز قابل تشخیص است، هرچند بسیار سرهم بندی شده بر روی قسمتی از آن ها آجر چسبانده و یا چیده اند.

نویسنده: تلمیذ

دوشنبه 7 مرداد1387 ساعت: 19:7

استاد،بسیار متشکرم.

نویسنده: ارکین ارسلان 1

دوشنبه 7 مرداد1387 ساعت: 19:37

آقای محمود بجانی
اتفاقاً آقای پورپیرار در این جملات از پست162 صراحتاً هر دو زبان تورکی و فارسی را جعلی و کار یهودیان می دانند:
"آیا به صاحبان چنین مبالغه هایی چه گونه باید توجه داد که زبان فارسی و ترکی دو نوزاد آزمایشگاهی توامان اند که بنا بر شرح آتی، از لابراتوار اخلال کنندگان در زبان و فرهنگ قرآن بیرون کشیده اند و در عین حال زیرکانه هر دو را به ناسازگاری با یکدیگر وادار می کنند."
به هر حال یکی از ویژگی های مثبت آقای پورپیرار عدم تعارف در بیان نظریاتشان است و این قابل تحسین است. اما من هم بدون تعارف باید عرض کنم که جعلی بودن زبان تورکی برای کسانی که با این زبان آشنایی دارند، غیر قابل قبول است. این را به این دلیل نمی گویم که زبان خودم است. بلکه با شناختی که از این زبان دارم نمی توانم تصور کنم که 9 حرف صدادار و این همه قواعد و افعال بی شمار و هماهنگی اصوات را یهودیان به تورکان ساکن در صحراها و کوهستان ها یاد داده اند.
آقای پورپیرار می فرمایند ، تورکها اغلب عشایر و کوچرو بوده اند لذا نمی توانند ادعا کنند که تمدن و خط نوشتاری داشته اند.
اگر همه مردم تورکزبان از روز ازل زندگی صحراگردی و عشایری داشته اند ، این نظر ایشان پذیرفتنی است.(البته من کتیبه های اورخون را ندیده ام ، اما با توجه به الگوی خلق هویت برای اقوام منطقه توسط باستانشناسان یهودی ، بعید نیست که آنها هم مشابه کتیبه های دوران های منتسب به اشکانی و ساسانی ساختگی باشند) اما پرسش اساسی این است که چگونه به این مردم کوچرو زبانی جدید با پیچیدگی های بسیار آموخته شده است.مطمئناً از راه خواندن و نوشتن نبوده ، چون فرض می شود که آنها زندگی عشیره ای داشته اند و مردم کوچرو اغلب سواد خواندن و نوشتن نداشته اند.از آن گذشته خط نوشتاری هم نداشته اند!

وب سایت

نویسنده: ارکین ارسلان 2

دوشنبه 7 مرداد1387 ساعت: 19:37

همواره جوامع عشایری جمعیت نمونه خوبی برای مطالعات اجتماعی و فرهنگی گذشته یک قوم بوده است.علت این امر هم آن است که تغییرات اجتماعی و فرهنگی در چنین جوامعی بسیار به کندی صورت می گیرد و از نظر فرهنگی نسبتاً بکر و دست نخورده اند. بنابراین تغییر دادن زبان چنین اقوامی به عنوان بخش مهمی از فرهنگ آن قوم به سادگی میسر نیست.
در حالیکه که ارتباطات آنها با جوامع شهری و روستایی نسبت به گذشته بسیار وسیعتر است. رسانه رادیو و آموزش سیار هم از 50 سال پیش به میان آنها برده شده است. علی رغم این ، هنوزهم جوامع عشایری در نقاط مختلف کشور تسلط چندانی به زبان فارسی ندارند.

نویسنده: دوست

دوشنبه 7 مرداد1387 ساعت: 17:59

آقای بجانی سوال من کاملا روشن بود. ضمنا سن بیرین بیلیسن، بیرین بیلمیسن!!!! اگر شما چند مطلب استاد پورپیرار را خوانده باشید، آقای م. ستاره تمامی مطالب استاد پورپیرار را خوانده اند. بنا بر این تا زمانی که به آن پخته گی کامل نرسیده اید، در مورد آقای م. ستاره یاوه نگویید . این اولین و آخرین تاکید من به شما بود.

آقای بابک از کدام اتحاد سخن میگویید که با یک کامنت "کورش آریایی" ایجاد می شود!! و با یک کامنت ایجاد تفرقه می کند و از بین می رود !!!

نویسنده: مارلیک

دوشنبه 7 مرداد1387 ساعت: 21:58

با سلام

استاد باید می دیدید ولی در کل مسخره عربها و اینکه شکم های گنده ای دارند و آثار باستانی لبنان به درد نمی خورد!! و تخت جمشید ایران از همه شان سر تر است !!

نویسنده: بی نام

دوشنبه 7 مرداد1387 ساعت: 22:5

استاد بزرگوار جناب اقای پور پیرار سلام علیکم
1-ایا از نحوه گاهشماری در عهد مورد ادعای نوشتن تورات اطلاعی هست؟
2- ایا داستان نوح تاییدی بر رد شفاعت گتره ای وفله ای که ما بدان اعتقاد داریم نیست؟

نویسنده: محمدی

سه شنبه 8 مرداد1387 ساعت: 0:14

به به حتما بخوانید:
http://www.bbc.co.uk/persian/arts/story/2008/06/080616_an-cy-bateni-interview.shtml

نویسنده: محمود بجاني

سه شنبه 8 مرداد1387 ساعت: 7:54

با سلام به همه عزيزان بنيان انديش - مسلمان - يهودي - ترك - فارس و ...
جناب اركين با نوشته شما در مورد پيچيده بودن زبان تركي كاملا موافقم - زيرا من نيز فكر مي كنم زبان تركي كه مثلا داراي 16 نوع زمان ماضي است كه حداقل 6 -7 تا از آنها را خود ما و پدر و مادر بيسواد من استفاده مي كنند در روستاي 2000 نفره پدر من يكبار كه از پدرم پرسيدم قريب 100 اسم تركي روي رودخانه ها 0 دره ها - كوهها - و ... بود اينها نشان مي دهد كه اين زبان از قدمتي ديرينه برخوردار است حال بماند كه خود من معتقدم اگر نظر آقاي پورپيرار را تمام و كمال قبول كنيم بايد بگوييم كه مثلا خاستگاه اين زبان و قوم حوزه تمدني خاور دور بوده است كه در اثر مهاجرت و سازگاري به قفقاز و خاورميانه رسيده است . منظورم اين است كه اين زبان با اين ساختار قابل مقايسه با فارسي نيست كه من هم معتقدم هر سال آيين نگارش جديدي توسط حداد عادلها بر آن نوشته مي شود ! - اگر آقاي پورپيرار بخواهد زبان تركي را در همه قالبهاي آن جعلي بداند بايد قريب 20 كشور فعلي را بگردد و آنگاه از چچنها شروع كرده - تا ازكها رسيده و بيايد قشقاييها را هم ببيند منظورم اين است كه مثلا چچنها را چه كسي به آنجا كوچ داده و زبان تركي يادشان داده است ! بنده به آقاي پورپيرار در آن پست مورد اشاره شما 162 نوشتم هرچند ايشان مفيد ندانسته و نصب نكرد - چون آقاي پورپيرار هنوز جعلي قلمداد كردن اين زبان را احتمالا به آينده موكول كرده ما نيز نقد آن را به آينده موكول مي كنيم و شايد هم نور حقيقتي از آن ببينيم -

نویسنده: محمود بجاني

سه شنبه 8 مرداد1387 ساعت: 7:58

دوست عزيزم جناب دوست (اگر مرا لايق دوست خطاب كردن مي دانيد)
بنده با شخصيت آقاياني مثل ستاره كاري ندارم - تنها حرف ايشان را نقد مي كنم اي بسا شخصيت ايشان در نزد خدا براي امثالي مني دست نايافتني باشد راستي :
آقاي دوست شما مرد را به حق مي سنجي يا حق را به مرد؟
بنده با وجود احترام بسيار براي آقاي پورپيرار هرجا احساس مي كنم به زعم من دور از حقيقت است وظيفه انساني الهي است كه نقد كرده و گوشزد كنم زيرا به قول استورات ميل اي بسا نوري از حقيقت الهي هم بر جان كساني چون من بتابد ... چرا اصرار داريم كه همه نورها بر آقاي ايكس تابيده مي شود و هركسي اين نور را نقد كند او آنوسي است اين نهايت سطحي نگري است .
با احترام بسيار بر همه بزرگواران - محمود بجاني

نویسنده: بابک

سه شنبه 8 مرداد1387 ساعت: 8:56

جناب دوست
اگر خوب دقت كنيد در مورد آقاي بجاني به چيزي گير داديد كه اصلا نيازي به گفتن نبود. چون ايشان اينقدر ساده نوشته بودند هيچ حس ناسيوناليستي در داخل مطالبش مشاهده نميشود. ولي شماها دوست داريد با راه انداختن بحثهاي بي مورد و ايرادهاي بني اسرائيلي وقت دوستان گرفته بشه. مطمئن باشيد تورك زبانهاي ايران با روشنگريهاي آقاي پورپيرار چيزي را از دست نميدهند كه هيچ بلكه خيلي از حقوق اوليه شان كه ناجوانمردانه از آنها گرفته شده بود، به دست مي آورند. مطمئن باشيد حس ناسيوناليستي تورك زبانها اينقدر زياد نيست كه نگذاره حقيقت را ببينند. فعلا بهتر اين هست كه به جاي ايراد گرفتن از همديگر منتظر مطالب بعدي آقاي پورپيرار باشيم.
با تشكر بابك

نویسنده: رضا

سه شنبه 8 مرداد1387 ساعت: 9:32

فتوای جدید از شیخ عربستان

http://www.todaylink.ir/go/index.php?id=21332

وب سایت

نویسنده: سوال از کورش آریایی

سه شنبه 8 مرداد1387 ساعت: 10:20

حضرت جناب کورش آریایی

با درودات فراوان نسار معذم له

بنده خود منتقدی مستقل می باشم که بنا به مصلهت زمانه با چراغ چشمک زن تردد می نمایم. همه چیز درباره ی این "ناصر پور پیران" به ظهن جان نصار ختور می کرد الا توده ای یونانی!!!!!!! که به حمد اهورامزدا جناب آلی پاگشا فرمودن بنمودید.

اکنون چگونه شده که این یونانی با پان مقولان از در دوستی درآمده از عجایبی است که می خواهم شما بفرمایید.

اهورامزدا تارزان تو را بتکاند!

نویسنده: م.ستاره

سه شنبه 8 مرداد1387 ساعت: 8:49

سلام
اینجا یک وبلاگ و مرکز برای مبارزه با جنایات و خیانات یهود است و اهداف ساده و ابتدایی آن را می توان به طور خلاصه ، اخراج دروغ و جعل و فریب و حقه بازی و کثافت کاری از فرهنگ بشری ، با اولویت بخشی به منطقه ی شرق میانه دانست . همراهان وبلاگ ، از هر قوم و قبیله که باشند ، مقصودی جز این ندارند و اتفاقا به همین دلیل ، اتصال آنها محکم و ورای قومیت و مسخره بازی هایی از این دست است و با همین انگیزه گرد هم آمده اند . حال در این پروسه ، می توان یک توده ای سابق بود یا یک جوان گیس بلند کاپشن چرمی یا یک طراح وب و یا چند ناشناس پیرامونی . تنها سلاح هم صرفا قرآن و تعقل در آن است . این ، یک کارزار کامل است . اینجا مرکز مطالبات قومی یا عقده گشایی یا حتی اداره کشور به شکل فدرال یا خود مختار یا تجزیه یا اتحاد اجزای مجزا با کشور دیگر نیست . آموزش و پرورش به زبان محلی یا تشکیل سیستم حکومتی و یا تغییر لسان و زبان و حروف را در مقایسه با اهداف اصلی، بی اهمیت و ابزاری به سود یهود می داند تا ما را از ستیز اصلی دور کند. به آن ها که خود را رسول برقراری نگارش به زبان قوم خود می دانند اغور به خیر می گوییم و لی ما سرباز جبهه ای دیگریم و عمر و توان و حوصله و امکان را صرف اهدافی نمی کنیم که بیش تر انحرافی است و با قصد دور کردن ما از مقاصد عالی و ستیزه با یکدیگر و فراموش کردن دشمن اصلی بیرق آن را برداشته اند. همان دشمنی که در سرزمین های عرب و هم غیر عرب ، در حکومت های جمهوری و سلطنتی و دیکتاتوری سیطره فرهنگی و سیاسی خود را گسترانده است . می توانم مثالی بسیار ساده و جالب اما باور نکردنی بزنم : جمهوری دموکراتیک و پارلمانی و آزاد غیر عرب و 100% اروپایی و مثلا متمدن یونان ، اگر سکه های اشکانی با خط یونانی و تاریخ گذاری یونانی و با الاهه های یونانی و ابراز عشق و علاقه به یونان وخدایان یونانی و دیگر نمادهای خاص هلنی یافت شده در ایران را به یک استاد علم تاریخ در آتن نشان دهی آن را سکه ای متعلق به پارتیان بیابان گرد شمال شرقی ایران شناسایی می کند؟!!!!!!!! به این می گویند قدرت نفوذ خراب کارانه ی عوامل یهود در فرهنگ بشری!!!!

نویسنده: م.ستاره

سه شنبه 8 مرداد1387 ساعت: 8:50

2
ترک ها و فارس ها به قدر کافی در این وبلاگ تلفات داده اند. اکنون ، فارس ها می توانند ترک های بدون بابک خرم دین را مسخره کنند و ترک ها هم فارس های بدون یعقوب ! لیث صفاری یا بدون فردوسی و حافظ و غیره را.
خدا کند راه خود را پیش گیرند و اگر اهل این مبارزه نیستند ، لااقل با داشته های تاکنون خود که از این وبلاگ و مطالب فخیم استاد برداشته اند ، به دنبال کار خود روند و بیش از این ، فضای وبلاگ را آلوده نکنند .
اکنون نه زبان ترکی و نه زبان فارسی ، هیچ یک قادر به اثبات دیرینگی خود نیستند و اگر بر طبق داه های قبلی همین وبلاگ می توانیم برای بنیان منضبط زبان و لغت عرب پشتیبان بین النهرینی پیدا کنیم، آن ها که به گرامر مثلا 16 حالته فعل ماضی در زبان ترکی چسبیده اند اندکی با خود بیاندیشند که این زبان کارخانه ای و جفت و جور را که ساده ترین و ضرورترین ابزار

همراه یعنی خط را ندارد، از کدام آسمان به دامن ترکان سقوط کرده است.
جناب بجانی عزیز که لااقل من هنوز شما را به درستی نشناخته ام، چه اصراری دارید که زبان ترکی جعلی نیست ؟ اگر باشد ، مشکلی برای کسی به وجود می آید ؟ مگر جعلی از آب در آمدن فارسی ، مثلا کسی را وادار کرده است که ترکی حرف بزند تا جعل بودن ترکی ، کسی دیگر را به تکلم به زبان دین و دنیا و آخرت شان وا دارد ؟!
اگر هنوز متوجه نشده اید که کل داستان حمله اسکندر و عرب و مغول و عثمانی و صفوی و شیعه و سنی و ترکی و فارسی و جناح چپ و راست و ... قلابی و ساختگی و سرکاری و به قصد " تفرقه بینداز به سبک یهودی " است پس رجوع به این وبلاگ چه خاصیتی داشته است؟!

نویسنده: م.ستاره

سه شنبه 8 مرداد1387 ساعت: 8:50

3
بهتر نیست اول منشا' قومی را اثبات بفرمایید و بعد قوم ستایی کنید ؟! با بلند کردن عکس یک گرگ آیا خود رابی فرهنگی اهل بیابان وبا تمایل به درنده خویی معرفی نمی کنید؟ آیا این گرگ زوزه کش بر پرچم شما نظیر آلن شمشیر در بیرق سعودی ها نیست و آیا یک لحظه هم گمان نمی کنید که هر دو را یک نفر مخصوص با یک هدف مخصوص کشیده است؟ آیا لحظه ای اندیشیده اید که مگر ممکن است اسلام هر جا می رود ، زبان قرآن را می گستراند ، الا ایران و ترکیه ؟!!!
نکته کمدی اینجاست که گروه های دینی – مذهبی – اجتماعی – فرهنگی - ... که گاه بیش از میلیارد ها نفر کشته - مرده و طرفدار افراطی دارند و دارای نظام های سیاسی یا نظامی هستند ، با بارگاه های ملکوتی و مطلای سر به فلک کشیده ، میلیسیاهای نهان و عیان ، آرم های بین المللی ، تبلیغات شبانه روزی ، از فیلترهای این وبلاگ کوچک ، نمی توانند رد شوند ؛ شما چطور ترک ها را با یک کامنت ، به عرش اعلی می چسبانید ؟!
و سوال ساده من این است که این کوروش آریایی چیزی انداخت ، شما چرا گرفتید ؟ مگر خطاب به شما گفته بود ؟! شما چرا جواب دادید ؟ دزد دریایی هستید ؟!!
جناب محمدی ! آن باطنی آن قدر بی سواد است که نوشته حروف دذرزژ ، به حرف بعدی نمی چسبند . احتمالا الفبای فارسی را هم نمی داند که می خواهد تغییر اش دهد وگر نه لااقل باید دو حرف الف و واو را هم می گفت ! همزه ، بماند ! وانگهی اصولا نه فارسی ونه ترکی ، قابلیت علمی نگاری را ندارند که یکی از همه فهم ترین ادله ، این است که برای هر برداشتی ، باید تا ختم جمله منتظر ماند . مثلا در یک متن طولانی ، تا فعل نهایی گفته نشود ، شما قادر نیستید حتی موضوع متن را دریابید حال آنکه در عربی و انگلیسی ، پس از فاعل ، فعل قرار می گیرد و حتی در عربی ، جمله فعلیه داریم که فعل و فاعل ، با هم و در یک کلمه قرار می گیرد که مبین برتری عربی به انگلیسی در این زمینه است . در مقاله مذکور ، همان باطنی هم به این موضوع اشاره داشت ، ولی ظاهرا صلاح دیده در کوچه بن بست سینه بزند و از روی موضوع ، پریده است ! فکر می کند هیچ کس نخواهد فهمید (قابل توجه استاد بجانی عزیز !)

نویسنده: م.ستاره

سه شنبه 8 مرداد1387 ساعت: 8:51

4
می گویند وقتی خشایار با 5 میلیون سرباز ، در راه یونان بود ، طوفان گرفت و او هم با خشم تمام ، دریا را به شلاق گرفت !! و دستور داد آرام شود و دریا هم آرام شد ! بعد می گویند در مدینه هم زلزله آمد که ملت ریختند در خانه عمر که بیا کاری بکن !!! بعد عمر شلاق را بر می دارد و به زمین می زند و می گوید به اذن خداوند متوقف شو !
و زمین باز می ایستد چون گفت : به اذن خدا !
چه قدر دیشب منشه امیر در صدای امریکا ، در مورد حمله به ایران می گفت زبان ام لال ، فلان ! من هم زبان ام لال ، نمی گویم اصلا آیا حضور فیزیکی عمر را می توان اثبات کرد یا نه ، فقط می خواهم به برادر عزیزم، جناب بی نام بگویم که اعداد ، سطح بالای دانش است و در مدارس ، آموزش داده می شود . اینها اصولا حتی نمی فهمند زلزله یعنی چه ؟! فکر می کنند چیزی مثل باران است که نیم ساعتی ببارد ، مردم به تنگ آیند و از دعا به درگاه خداوند خسته شوند ، نماز مستحبی های شان جواب ندهد ، به درگاه عمر بیایند و زمین ، همچنان روی ویبره باشد ! بعد عمر ، زمین را به خداوند قسم بدهد و شلاقی هم بزند ، بعد زمین بفهمد که اینجا ، مدینه است و بعد از آن ، دیگر هرگز و هرگز نلرزد ! شاید نمی دانند که زلزله ، چند لحظه بیشتر نیست و آنچه ادامه دارد ، جبران خسارت زلزله است و نه خود زلزله !
اوج حماقت اینجاست که آن آنوسی سنی نما که این داستان را جعل کرده است ، نفهمیده است که داستان را کمی تغییر دهد که این قدر تابلو نباشد و به جای شلاق مثلا عمر ، دست خود را روی زمین بگذارد تا کسی نفهمد که جاعل هر دو جوک ، یک نفر است ! (همین جا بگویم که من داستان های بهتری بلد هستم ، می توانم حتی رئیس زیرزمین های اورشلیم یا ناظر کیفی یا هماهنگ کننده داستان سرایی ها باشم ، منتظر دعوت نامه از اورشلیم هستم !)
و نیز منتظر دوست مان نارپالینکس هستم که ایشان هم مرحمت فرمایند و ایمیلی بزنند ، از جناب نسرین که خبری نشد ! والسلام

نویسنده: آیدین قشقایی

سه شنبه 8 مرداد1387 ساعت: 12:35

سلام به دوستان
دوستان سبک نگارش جناب "کورش آریایی" خیلی به سبک "ساسان بابکان استخري" خودمان شبیه است!!!!!!!!!!!!!!!!
من فکر کنم سبک نگارش جناب کورش سبک خراسانی و متعلق به قرن 4 و 5 هجری باشد یعنی زمانی که در فلات ایران در عین خالی از جمعیت بودن ؟؟؟؟؟؟؟؟؟، مثل بهشت بوده و به برکت حضور فردوسی نامدار و نیکوتبار همه جا آبادان بوده است!!!!!!!!!!
تا نظر دوستان چه باشد؟

نویسنده: دشمن

سه شنبه 8 مرداد1387 ساعت: 21:8

نماینده کلیمیان ایران در دیدار نماینده مجلس عوام انگلیس با نمایندگان اقلیت های دینی کشورمان گفت : جمهوری اسلامی ایران هیچگاه رویکرد ضد یهودیت نداشته است.
چرا..................................

نویسنده: یولداش

سه شنبه 8 مرداد1387 ساعت: 21:35

اقات بجانی زبان چچنی تورکی نیست از زمره زبانهای قفقازی مثل گرجیست. اقای م.ستاره هنوز در باره عدم قدرت ترکی در اثبات دیرینگی خود استاد توضیحی نداده اند. فقط انرا جدید الورود به منطقه خوانده اند .ما منتظر دلایل ایشان هستیم.ماشا... شما از استاد هم جلو میزنید!

نویسنده: قاراداغلی

سه شنبه 8 مرداد1387 ساعت: 21:46

برادر بنیاداندیش ، جناب ستاره !
اگر حقیقتاً «تغییر لسان و زبان و حروف را در مقایسه با اهداف اصلی ، بی اهمیت و ابزاری به سود یهود» می دانید ، چه اصراری دارید که زبان ترکی را « زبان کارخانه ای و جفت و جور» بنامید ؟ مگر برای شما چه اهمیتی دارد که بدانید زبان ترکی « از کدام آسمان به دامن ترکان سقوط کرده است.»؟؟؟ دکتر ستاره و ورود در اینگونه مباحث بی اهمیت و انحرافی ؟ چگونه بپذیریم که حتی حضرتعالی هم به دام «قوم پرستان» و «آنوسی» ها افتاده اید و به بحث های «انحرافی» آنها دامن می زنید ؟ چگونه بپذیریم که شما « سرباز جبهه ای دیگر» هستید ؟ مگر خودتان مدعی نیستید که مطالبات «قومی» با قصد دور کردن شما از مقاصد عالی و «فراموش کردن دشمن اصلی» ، این وبلاگ را «آلوده» می کند ؟ پس چرا بر این آلودگی می افزایید ؟
بگذارید فارس ها «ترک های بدون بابک خرم دین» و ترک ها نیز متقابلاً فارسهای بدون یعقوب لیث و فردوسی و حافظ را «مسخره» کنند و بر سر یکدیگر بکوبند . شما چرا آتش بیار این معرکه شده اید ؟ دون شان شما نیست ؟

۱ ۲ >>

ایران شناسی 166

....

میان پرده

میان پرده - 26 نظر

نویسنده: محسن

پنجشنبه 10 مرداد1387 ساعت: 12:45

درود برشما. وبلاگ شمارا برای خواندن نگه داشتم .عالی است.راستی حق و صبر ؟بسیار خوانده ام تا حق چه باشد در این وانفسای نسبی و صبر برچه که تاریخ پرده افکن صبرهای کهن است. مشخصات در وبلاگتان نیست. مشتاق دانستنم .

وب سایت

نویسنده: نویدار

پنجشنبه 10 مرداد1387 ساعت: 13:37

با درود آقای پورپیرار،
دیدم که نوشته مرا به همراه برگردان نوشته اشپیگل در اینجا گذاشته اید. البته لینک به وبلاگ مرا در بالای نوشته نگذاشته اید و از این رو نمی شود دید که این نوشته از وبلاگ من برداشته شده است. لطفا این را بیافزایید.

هدف من از برگردان نوشته اشپیگل دسترسی جامعه فارسی زبان به این نوشته و از زبان اصلی است و یاری به یک گفتگوی همه جانبه است. در جامعه ایرانی ما با این دشواری اساسی روبرو هستیم که برخی چیزی را رد می کنند و یا می پذیرند، بدون آن که از منبع اول اطلاعات گرفته باشند.
شاد باشید
نویدار

وب سایت

نویسنده: حسین محمدی

پنجشنبه 10 مرداد1387 ساعت: 15:11

جناب استاد... همانطور که خودتان قطعا" متوجه شده اید , در این مقاله بسیار کمرنگ و حاشیه ای به یهودیان اشاره شده است . به نظر می رسد که برای نجات یهودیان چاره ای جز قربانی کردن کوروش نمانده است .تا نظر جنابعالی چه باشد

ارادتمند شما - محمدی

نویسنده: بی نام

پنجشنبه 10 مرداد1387 ساعت: 15:46

با سلام خدمت استاد بزرگوار ودوستان عزیز
این مقاله هر چند حاوی رگه هایی از حقیقت و وجوه اشتراک جزئی درنوع تفکربا بنیان اندیشان است ولی تمام حقیقت نیست وبیشتر تمایل به خلق رزومه جدیدبرای کورش منهای منشور آزادی به اضافه تطهیروتبرئه یهود از جنایت فرا خوانی قومی ادمکش و سفاک به قصد انتقام از بابل وآزاد سازی یهود از اسارت وبستن نطفه های اولیه پوریم در منطقه است .
تاریخ ما بنیان اندیشان وتاریخ یهودیت پست حد اقل در این قول که کورش به جهت آزادی یهودیت پست وانتقام کشی به بابل لشکر کشی کرده وجه اشتراک و اتفاق نظرداردوبر خلاف گفته این نویسنده کورش هیچگاه به قصد ازاد سازی هموطنان پارسی خود به بابل لشکر نکشید مگر اینکه هم وطنان این بیابان گرد لولی مزدور, یهودی باشندکه این هم ادعایی فارق از حقیقت حتی در جعل تاریخ سازان یهودی است.
بنده با نظر اقای نویدار که مطلب بوی پلمیک می دهدموافقم واین پلمیک قصد تاثیربر نظریات تاریخ بدون دروغ را دارد.

نویسنده: محمدحسین

پنجشنبه 10 مرداد1387 ساعت: 16:6

با سلام خدمت استاد
بنظر در این مقاله اهداف سیاسی و فشار بر روی ایران ملاک بوده(مانندفیلم300) و درپی کشفی تاریخی و علمی نمیباشد!!! و بطور مجازی خواهان اثبات ایرانی جلوه دادن کورش و هخامنشیان است

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 10 مرداد1387 ساعت: 17:58

آقای نویدار. با وبلاگ شما آشنا نبودم. مطلب از آدرس:
shokri omid<shokri.o@gmail.com> برایم ای میل شده بود. جست و جو کردم لینک مورد نظر شما را یافتم و نصب شد.

آقای حسین محمدی و آقای بی نام. ارزش این گونه یادداشت ها در بدعت گذارانه بودن آن است و این که چه گونه داده های مجموعه ی «تاملی در بنیان تاریخ ایران»، هر بررسی در باب مسائل شرق میانه را، بدون منظور کردن قتل عام پوریم، فاقد ارزش و ژورنالیستی می داند. کاملا معلوم است نویسنده کوشیده است بر مبنای اطلاعات سنتی و دست و پا شکسته ی جاری، منتقدانه مقاله بنویسد که حتی در مواردی متن گل نبشته ی کورش را با کتیبه ی بیستون داریوش مخلوط کرده است. از طرفی این قبیل نوشته ها می تواند برخی از خوانندگان پی گیر را سرانجام به مقالات «ایران شناسی بدون دروغ» هدایت کند که امیدوارم در میان آنان مترجم مقاله را نیز بیابیم، که به اعتراف خودشان با تاریخ ایران آشنایی ندارند و به همین دلیل مقاله را با فرهنگ کیهانی همسو می دانند که از ژست های متعارف تازه واردان به گود است. بدون تردید تنها کلید ورود به گنجینه ی حقایق در باب القائات متعفن کنونی، در تمام جهات به اصطلاح علوم انسانی، وقوف از جنایات پوریم و جعلیات جدید یهودیان در تمام رده های فرهنگی تمام ملت های باستانی و کهن است. دیگر نکته ی جذاب مقاله اشاره ی تمسخر آمیز آن به کوشش بازگشت مسئولان فرهنگی این جمهوری به کورش پرستی است.

نویسنده: م. ستاره

پنجشنبه 10 مرداد1387 ساعت: 18:13

سلام آقای پورپیرار
دعوت نامه ای به صندوق ای میل من با مضمون زیر رسیده است:

Ba salam
Maraseme bozorgdasht-e "Ostad Prof. Dr. H. M. Sadigh" ruz-e Panjshanbe 1387/5/24 az Saat-e 18 – 21 dar Farhangsaraye Bahman bargozar mishavad.
Az alaqe mandan davat mishavad ta dar in marasem sherkat konand.
In kochektarin kari ast ke mitavan baraye Ostad anjam dad.

می خواهم بدانید که انواع قوم پرستان به یک نوع از بیان حقیقت می ترسند و از شر انتشار حقیقت به یک وسیله یعنی تبلیغات بیشتر پناه می برند. هنوز سه هفته از یادداشت شماره ی 162 شما نگذشته است که صدیق را یک پرویز ورجاوند ترک خوانده بودید، که دست اندر کاران و سازمان دهندگان و سران قوم پرستی ترک به فکر چاره افتاده اند و درست شبیه همان شیوه ای را عمل می کنند که مثلا باستان پرستان در برابر مستند تختگاه هیچ کس، کارتن شکوه تخت جمشید را در فرهنگ سراها نمایش می دهند. فاعتبروا یا اولی الابصار.

نویسنده: تلمیذ

پنجشنبه 10 مرداد1387 ساعت: 18:15

با سلام خدمت استاد پورپیرار کبیر و سایر دوستان

نویسنده: تلمیذ

پنجشنبه 10 مرداد1387 ساعت: 18:19

-واقعا" از دست ايرانياني كه به تعداد ميليوني در خارج از كشور زندگي مي كنند ولي متاسفانه همانها هم مانند درونمرزي ها فقط و فقط دچار روزمرگي هاي خودشان هستند و به قول مرحوم شريعتي فقط«زندگي مي كنند(درست مانند يك گربه كه او هم به هر طريقي فقط زندگي مي كند!!!)» و يا در بهترين حالت همانجا هم درگير تعصبات قوم وقبيلگيشان هستند كه حتي بعضي هاشان معلوم نيست از چه منابع مالي تغذيه مي شوند كه براي احقاق حقوق قومشان ميليونها دلار خرج خريد اسلحه و مبارزات مسلحانه مي كنند؟!!!!!!!!! ولي درعين تمام ايرانيان مقيم خارج آنقدر تنبل و يا بي تفاوتو و يا كج فهمند كه تا به امروز بعد از گذشت تقريبا" يك دهه از انتشار كتابهاي استاد پورپيرار يك برگ از هزاران صفحه نوشتجات استاد را براي اطلاع رساني به خارجي ها به زبان انگليسي و يا ديگر زبانهاي مهم اروپايي ترجمه نكرده و در جايي منتشر نكرده اند ولي همين گروهها اگر جهوداني چون شجاع الدين شفا در يك محفل خصوصي هم مطالبي عليه اسلام بلغور كنند از شور و شعف در پوست خود نمي گنجند و همصدا با او سخنانش را در همه جا پژواك مي دهند،حقيقتا" بايد عصباني شد.همين نقشه visitor locations كه استاد مدتيست در سايتشان نمايش مي دهند نشان مي دهد كه ايرانيان بيشماري در تمام اروپا و آمريكاي شمالي از اين سايت بازديد مي كنند ولي متاسفانه مانند دزدان قديم در تاريكي مي نشينند و روشنايي را مي پايند و وقتي اوضاعرابراي عرض اندام مناسب نمي بينند بدون هيچگونه اظهار نظري راهشان را مي شكند و مي روند دنبال علايق و روزمرگي هايشان.

در همينجا به آقاي اتفاق عزيز كه براي پخش CD هاي فيلم باشكوه استاد غفوري آنهمه زحمت كشيده و مي كشند پيشنهاد مي كنم نسخه انگليسي اين فيلم را در بتكده حافظيه و ديگرمكانها به توريستهاي اروپايي و آمريكايي و ساير كشورها عرضه نمائيد چون در جهان امروز اگر يك كشف جديد بخواهد انعكاس جهاني داشته باشد بايد به زبان انگليسي ارائه شود و مي بينيد كه نويسنده مقاله اشپيگل در عين حالي كه وجدان بيداري داشته است ولي همچنان از جعلي بودن بسياري از روايات كوروش و امپراتوريش بيخبر است و نمي داند كه تقديس كنندگان داخلي و خارجي كوروش و هخامنشيان و متعلقات آنها همه وهمه جهودان كثيف و يا جيره خوارن كاسه ليسشان هستند.

نويسنده: تلميذ

پنجشنبه 10 مرداد1387 ساعت: 18:20

از ايرانيان آزاده و باوجدان خارج از كشور هم دعوت مي كنم كه عظمت و عمق نهضت استاد پورپيرار كبير را به درستي درك كنند،تعصبات حزبي و قوم و قبيلگي دشمنتراشانه شان را كنار بگذارند، به خداي محمد(ص)ا حقيقتا" ايمان بياورند و بر او توكل نمايند و براي اعتلاي ارزشهاي والاي انساني و رفع ظلم و جور و دروغ و نفرت از جهان با استاد پورپيرا بزرگ همصدا شوند و بدانند كه اولين قدم براي ايجاد صلح جهاني زدودن دروغها و توهمات تاريخي يهودساخت حاكم بر فرهنگ و تواريخ ملتهاي دنياست.اين اولين قدم و مهمترين قدم است.آنهايي كه به زبان انگليسي تسلط كامل دارند كتب و مقالات استاد را به زبان انگليسي ترجمه كنند تا در اختيار علاقمندان در سراسر جهان قرار گيرد.

نويسنده: تلميذ

پنجشنبه 10 مرداد1387 ساعت: 18:22

-هركس به بزرگي وظيفه ايي كه بر عهده داريم به خوبي واقف باشد بدون كمترين درنگي قومپرستي و زبانپرستي و هرچه كه با آن خود را مشغول نموده است را كنار مي گذارد و وارد عرصه مبارزه عليه دروغ و تبليغ آثار استاد پوپيرارمي شود.
4-گرچه همانطوري كه آقاي محمد حسين تذكر داده اند ممكن است اهداف سياسي جوسازي عليه ايران نيز مد نظر بوده باشد!!!
5-اگر ترجمهاين گلنوشته را هم در ست بدانيم،اين گلنوشته هيچ ربطي به كوروش ندارد.اميدواريم در آينده استاد پورپيرار موضوع را روشن فرمايند.
6-نكته جالب اين مقاله اشاره به خيانت روحانيونبابلي به پادشاه بابل است كه با توجهبه حضور درازمدت يهودياندر آنجا بايد كه آنها را آنوسي هاي كهنوباستاني بدانيم كه در همه جوامع براي نفوذدر مراكز تصميمگيري به هر لباس و رنگي در مي آيند.
7- در ايران خودمان هم اگر روزي شنيديد كه دختر يك يهودي با پسر يك روحاني ازدواج كرده است اصلا" تعجب نكنيد.براي يهوديان رسيدن به هدف مهم است نه وسيله!!! و اينرا از تورات دستنوشته خاخامها آموخته اند كه براي رسيدن به هدف حتي مي توانيد ناموستانرا بفروشيد،چنانچه مثلا"پيغمبراني كه در تورات معرفي شده اند چنين كرده اند!!!

نويسنده: ناصر پورپيرار

پنجشنبه 10 مرداد1387 ساعت: 18:32

آقای نويدار. به تر است اجازه دهيد کامنت خصوصی شما را منتشر کنم که حاوی تمام مطلب است.

آقای م. ستاره. اشاره ی ظريف شما نشان می دهد که قوم پرستان، از هر قبيله ای که باشند، از يک مرکز اداره می شوند و قوم پرستی، از هر نوع که باشد، ابزار اختلاف افکنی يهوديان و ابزار مخالفتی آشکار و در پرده با دين اسلام است.

آقای تلميذ. بد نيست منتظر ادامه ی بحث بمانيد و يا مطلب مربوط به اسراييل را در مجموعه مقالات اسلام و شمشير بخوانيد. ضمنا بدانيد که وسعت جعليات يهود در باب تمدن و تاريخ و فرهنگ و ادب شرق ميانه و به خصوص بخش اسلامی آن، تا به حدی است که تعيين تکليف با آن ها مگر برای کسی که رخ داد پليد پوريم را پذيرفته باشد، ناممکن است. بايد صبور بود و تبليغ وسيع و همه جانبه، به خصوص پخش مستند استاد غفوری عالی مقام را، تنها چاره ساز و راه گشا در مرحله ی کنونی دانست. زيرا به عينه می بينيم که مخالفت با پوريم و ابراز دشمنی شخصی و لجارانه با استاد غفوری سرلوحه ی عمل مدافعان دروغ های پيشين است.

نويسنده: لارا

پنجشنبه 10 مرداد1387 ساعت: 20:22

با سلام حضور استاد ارجمند

مدتی است خواننده ی وبلاگ شما هستم
با تو جه به براهين و استدلالات شما من به عنوان يک معلم نمی دانم ايا مطالب کتاب درسی را به دانش اموزان ياد دهم يا

واقعیاتی که شما می فرماییدو شاید هنوز هم در هاله ای از سر گردانی به سر می برم
که حقیقت چیست؟ و واقعیت کدام است ؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 10 مرداد1387 ساعت: 21:52

آقا و یا خانم لارا. نمی دانم معلم چه مقطعی هستید، اما اگر حقیقت بر شما آشکار شده، بر مبنای معتقدات و نیز تبعیت از وجدان و تعهد به حفاظت از فرهنگ درست اندیشی و آگاهی، مجاز به تکرار آن دروغ ها نیستید. در حال حاضر معلمانی، در سطوح و با شیوه های گوناگون، زیرکانه جوانان را به سمت آشنایی بیش تر با حقایق تاریخ ایران سوق می دهند و حتی در کلاس بخش های اثر گذار مستند تختگاه هیچ کس را نمایش داده اند. این بر عهده ی شماست که تکلیف خود را با دیو دروغ تعیین کنید: با او بسازید و یا بجنگید.

نویسنده: رضا

پنجشنبه 10 مرداد1387 ساعت: 21:58

با سلام خدمت استاد و دیگر دوستان.
اگر کسی فکر کند که در جهان حاکمی(هرکس که باشد)که ، با استفاده از نیروی نظامی به قدرت رسیده است و در راه رسیدن به این قدرت انسانها کشته شده و خانه ها ویران شده و کودکانی بی سرپرست مانده اند و حقی ناحق شده است و بازهم اعتقاد داشته باشد که این حاکم بهر نحوی معتقد به حقوق بشر است و حامی انسانهاست، بطور قطع و یقین یا انسان احمقی است که قدرت درک موضوع را ندارد و یا انسان فریبکاریست که در تلاش فریب دادن همنوعان خود است ویا موجود حقیریست که برای لقمه ای نان اضافه کاسه لیسی قدرتمندی را شغل خود قرار داده است.
هرحاکمی که قطره خونی بناحق ریخته است ، جنایتکارست. " هرکس بناحق انسانی رابکشد ، توگویی جنایتی علیه بشریت انجام داده است" حال تو خود حدیث مفصل بخوان ازین مجمل. و به اعتقاد بنده جنایتکارتر از وی کسی است که در تلاش رفع و رجوع دنائت های انجام یافته توسط جنایتکاران است ، بخصوص اگر عمله بیمزد و مواجبی بیش نباشد.

وب سایت

نویسنده: رضا

جمعه 11 مرداد1387 ساعت: 7:37

سلام و درود جناب پورپیرار

آیا نسخه انگلیسی مستند " تختگاه هیچکس" موجود است. در صورت امکان من بسیار مایلم که نسخه ای از آن به همراه معرفی نوشته های شما را برای اساتید تاریخ دانشگاههای کانادا (به هزینه شخصی) ارسال نمایم.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 11 مرداد1387 ساعت: 7:45

آقای کیوان. توصیه همان است که عرض شد. کسانی که از کتاب اسلام و شمشیر و 165 یادداشت گوهرین "ایران شناسی بدون دروغ" و مباحث کلانی چون جمعیت شناسی تاریخی و ده ها مدخل بیدارگر دیگر، چیزی جز هارای هارای و از این قبیل نیاموخته اند، حتی در اندازه ی دریافت ناسزا هم نیستند، چون هرچه بگویند و بنویسند، در منظر خردمند، ناسزای دیگری است که خود نثار خود می کنند. حوصله کنید و به کار خود برسید، ضربه های در راه، با قوت الهی، کمر هرگونه قوم پرستی را، که در ماهیت خود جبهه گیری علیه وحدت اسلامی و خوردن از آخور یهودیان است، خرد خواهد کرد. تا آن جا که به تولیدات فرهنگی مربوط می شود، مجموع داده های تاکنون تمام قلم به دستان برخاسته از میان این قوم پرستان، از نظر ماهیت و محتوا، ارزش پاراگرافی از مثلا یادداشت شماره ی 160 را ندارد، که مهار و کنترل بیان را از کف بسیاری از قوم ستایان بیرون کشید و ماسک چهره ی بسیاری از مدعیان آنان را درید.

آقای رضا. در ایام غیر تعطیل با تلفن 66492049 تماس بگیرید.

نویسنده: رضا

جمعه 11 مرداد1387 ساعت: 7:59

سلام استاد. با تشکر از راهنمایی تان.

historicmapworks مكاني است براي جستجوي نقشه ها و اطلس هاي عتيقه كه كلكسيوني از تاريخي ترين نقشه ها رو

داراست ، یک کلکسیون دیجیتالي بزرگ از مجموعه اي نادر ، باستاني ، قديمي ، تاريخي ، املاکي و عتيقه و نقشه هايي از این نوع در این سایت موجوده. بیش از 200000 هزار نقشه در سایت وجود داره که به شما اجازه یک جستجوي کامل رو میده.
این سایت همچنین اطلاعات جالبي درباره نقشه ها میده ، به شما اجازه میده از نقشه ها پرینت بگیرید یا اون رو به چند فرمت ذخیره کنید. البته استفاده از تمامي این بخش ها مثل ذخیره تصاویر مجاني نیست!

تمام نقشه ها به صورت فلش هستش ، بنابراین براي دیدن نقشه ها ابتدا آخرین نسخه فلش رو دریافت کنید.

/http://www.historicmapworks.com

وب سایت

نویسنده: ارادتمند

جمعه 11 مرداد1387 ساعت: 11:54

زنگ تفریح !
ما کجا سیر می کنیم ، مردم کجا سیر می کنند !!! لینک های زیر ، که در حاشیه صفحات بلاگفا تبلیغ می شود را ببینید :

http://www.payegan.ir/arayeshmodern.htm

http://www.payegan.ir/ghatretangkonande.htm

http://www.payegan.ir/keremba.htm

از اینکه جسارت به خرج دادم ببخشید .

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 11 مرداد1387 ساعت: 12:8

آقای کیوان. مطلب ساده ای است. اگر مخالفان این مباحث، هنوز کتاب ها و مطالب وبلاگ را نخوانده و مستند تختگاه را ندیده باشند، پس ابله اند که به این حوزه وارد می شوند و اظهار نظر می کنند. و اگر با اسناد و ادله و تصاویر این گفتارها آشنا باشند و باز هم نغمه ی مخالف بخوانند، از دو حال خارج نیست: یا به مقدار فهم مباحث کلان نرسیده و مشکل برداشت دارند و یا محرک آنان در مخالفت، انگیزه ی مستقیم و غیر مستقیم قومی است. اگر این مباحث نادرستی ها و جنایات و توطئه های یهودیان را برملا می کند، پس مخالف خوانی آن ها، چه خود یهودی باشند و یا ضدیت با اسلام آن ها را به جانب داری از یهود بکشاند، از مبدأ پشتیبانی و گاه نان خوری یهودیان حرکت می کند. هیچ شق اصلی دیگری نیز امکان ندارد.

نویسنده: کیوان

جمعه 11 مرداد1387 ساعت: 19:35

از هدایت های شما ممنونم. ضمن این که بدانید کثرت نیرو در مدیریت بلاگفا با ترکان متعصب است و به قرائنی باخبرم که حک وبلاگ شما به نوعی با اجازه مدیران بلاگفا انجام شده است. اگر انتشار آن صلاح نیست، این پیام را هم خصوصی نگه دارید.

نویسنده: نویدار

جمعه 11 مرداد1387 ساعت: 19:45

جناب آقای پورپیرار،
با نشر پیام شخصی خود به شما مخالفتی ندارم.
با درود

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 11 مرداد1387 ساعت: 19:49

پیام زیر از سوی آقای نویدار به طور خصوصی رسیده بود که با اجازه ی مجدد ایشان منتشر می شود.

پنجشنبه 10 مرداد1387 ساعت: 16:46 توسط:نویدار
آقای پورپیرار، با درود مجدد
متاسفانه لینکی را که برای نوشته من گذاشته اید، متعلق به من نیست. آنها (یک سایت دانشجویی جدایی طلب به نام آذربایجان جنوبی) نیز دیروز نوشته مرا بدون ذکر منبع گذاشته بودند و وانمود ساخته بودند که گویا من نویسنده آن سایت هستم. پس از دو ای میل من لینک وبلاگ مرا گذاشته اند.
لطفا شما نیز لینک را روی وبلاگ من "آقا اجازه" (aghaejaze.wordpress.com) قرار دهید.
لینک کامل به نوشته:
http://aghaejaze.wordpress.com/2008/07/26/%D9%85%D9%86%D8%B4%D9%88%D8%B1-%D8%AD%D9%82%D9%88%D9%82-%D8%A8%D8%B4%D8%B1-%DA%A9%D9%88%D8%B1%D9%88%D8%B4-%DA%A9%D8%A8%DB%8C%D8%B1-%DB%8C%D8%A7%D9%88%D9%87-%DB%8C%D8%B2%D8%B1%DA%AF%D8%9F%D8%9F/
با درود،
نویدار
وب سایت پست الکترونیک [نظر خصوصی]
میان پرده

آقای کیوان. ظن شما قوی است، زیرا مدیران بلاگفا به ده ها اعتراض دوستان ما برای حک وبلاگ وقعی نگذاردند که این خلاف آیین نامه ی مدیریت این چنین رسانه هایی است که باید بی طرف بمانند. درست شبیه همین مشکل چند سال پیش با مدیران پرشین بلاگ پیش آمد که البته طعم گردن کلفتی شان را چشیدند. ببینیم بر سر بلاگفا چه خواهد آمد؟! اگر حقیقت ماجرا بدین گونه باشد که شما حدس می زنید، پس حقانیت مطلق بنیان اندیشان مسلم می شود که قوم پرستی را با توحش و دشمنی با فرهنگ پیشرو برابر می دانند.

نویسنده: رضاصدیقی

شنبه 12 مرداد1387 ساعت: 10:9

با سلام و احترام
بدین وسیله بیستمین گفتار هنر و تمدن اقوام پراکنده ایران با عنوان کاسی های ایرانی به جناب عالی و خوانندگان محترمتان تقدیم می گردد.

وب سایت

نویسنده: سید.م.ح.

شنبه 12 مرداد1387 ساعت: 12:20

سلام.خسته نباشید. چند روز پیش اومدم دفتر تشریف نداشتید و چون باید برمیگشتم موفق به دیدنتون نشدم. به هر حال بحث ها خوب پیش میره و ما تورکها از اینکه کسی تاریخ یا زبان ما را نقد کند نمی رنجیم جز گروهی آدم کم سواد احساساتی. به هر حال من خودم با چند استاد تاریخ تورکیه صحبتهای تاریخی داشته ام . آنها تبلیغات بی اساس راجع به تاریخ تورک را کار انگلیسی ها گفته اند. به هر حال کار و متد شما اصالت و ارزش خود را دارد و من از طرف بسیاری از تورکهای آذربایجان که دستی در تاریخ داریم میگویم که انتقاد های شما از تاریخ تورکان برای ما بسی ارزشمند است و هرگونه انتقاد وبررسی تاریخی ربطی به مسئله ی ملی آذربایجان که یک مبحث حقوقی است ندارد و نیز انتقادات تاریخی نافی حقوق فرهنگی و زبانی تورکان در ایران نیست.

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 12 مرداد1387 ساعت: 18:16

آقای سید.م.ح. ندیدن شما خسارت بود. کاش قبلا خبر دار می شدم. به گمانم در دو سه روز آینده امانتی شما آماده خواهد شد. منتظر خبر تازه از شما هستم.

ایران شناسی بدون دروغ، 167، بررسی سفر پیدایش تورات - 32 نظر

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 15 مرداد1387 ساعت: 16:33

آقای عابدی. ضمن تشکر ای میل رسیده، اما فولدر درخواست همچنان خالی است. ببخشید که جواب را در این ستون می گذارم. یاهو در اسکین جدید همچنان مشغول اطوار درآوردن است.

نویسنده: نسرین

سه شنبه 15 مرداد1387 ساعت: 16:56

سلام و وقت به خیر

علاوه برنامهای اصفهان، خزر ، کاسپین، لوت(کویر لوت)، گیلیارد، کویر(تلفظ عبری

کلمه کبیر) ، فارس ،نوش آباد(انوش آباد) شمیران و...که واژه هایی عبری و یهودی

هستند نام شهر نایین در استان اصفهان نیز واژه ای عبری است و این شهر نیز

همانند اصفهان به دست یهودیها ساخته شده است:

واژه نایین در عبری به معنی جمال است و بر سرازیری کوه دوخی و در جنوب خاوری

شهر ناصره، در فلسطین ، شهری بدین نام بوده و در انجیل لوقا، باب 7،

شماره 11، نوشته شده است که امروز رونق روزگاران گذشته را از دست داده و آن

را « نین » می گویند. گروهی از ساکنان این شهر به ایران کوچ کرده هسته مرکزی

شهر نایین را پدید آورده اند.

نویسنده: ..

سه شنبه 15 مرداد1387 ساعت: 18:6

استاد عزیز جناب اقای پورپیرار سلام علیکم .
خسته نباشی.
مقاله بسیار ارزنده ای وریزبینانه ای بود.
دستمریزاد و ممنونیم.

نویسنده: فدایی

سه شنبه 15 مرداد1387 ساعت: 19:30

قریون مورخ برم که 167 گذاشت....

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 15 مرداد1387 ساعت: 22:35

خانم نسرین. اگر تحقیق خود را در این باب تکمیل کنید در استان مرکزی و حوزه ی تهران و خراسان و اصفهان اسامی عبری فراوانی را بر شهرها و قصبات ایران خواهید یافت مثلا: کاشمر و قزوین و سمیرم و... به گمانم این آقای افضل زاده کوتاه ترین و بی زبان ترین تحقیق درباره ی مسجد جمعه ی نایین را ارائه داده است.

آقای... ممنون.

نویسنده: هیوا

سه شنبه 15 مرداد1387 ساعت: 23:56

استاد پورپیرار با سلام
سوالی داشتم: آیا (اورام) یک واژه ی عبری است؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 16 مرداد1387 ساعت: 0:11

آقای اتفاق. احتمالا اشتباه کرده اند، رسیدگی خواهم کرد.

آقای هیوا. این واژه را از کجا برداشته اید؟ مفرد اورامانات است؟

نویسنده: مهران حقیقت

چهارشنبه 16 مرداد1387 ساعت: 11:2

استاد عزیز سلام

امروز به مطلبي برخوردم در مورد بررسی ساختار سازمان روحانیت در تشیع و یهود
که در سایت انجمن کلیمیان تهران آمده است.
لینك مطلب: http://www.iranjewish.com/News_F/news_34_sazman_roohaniat.htm

جالب است همكاري اديان الهي!

خود مطلب:
سامان نجاتی
27 آذر 86

روز سه‌شنبه، 27 آذرماه، همزمان با روز وحدت حوزه و دانشگاه، در سی و چهارمین جلسه از سخنرانی‌های علمی موسسه‌ی گفت و گوی ادیان، حجت‌الاسلام و المسلمین حسن پویا و آرش آبایی، در رابطه با ساختار سازمان روحانیت در مذهب خود، سخنرانی کردند.
پیش از آغاز این سخنرانی، مجری این برنامه، عید حنوکا، عید سعید قربان و همچنین میلاد حضرت عیسی را به پیروان ادیان ابراهیمی تبریک گفت و از سخنرانان خواست تا ضمن معرفی خود برای حضار، در رابطه با موضوع برنامه، ایراد سخن نمایند.
ابتدا آرش آبایی صحبت خود را با دو بخش از متون دینی آغاز نمود و سپس گفت: « این دو متن از تورات و تلمود، نشان می‌دهد که بعد از انبیا، کلام جانشینان آن‌ها معتبر است و آن‌ها حق دارند از جانب خدا سخن بگویند و این اعتبار روحانیت را می‌رساند». وی همچنین اضافه کرد: «در یهودیت، فضای روحانیت باز بوده و مختص به یک طبقه‌ی خاص نیست». همچنین وی در بخش دیگری از سخنان خود به کلمات مورد استفاده در دین یهود برای

نام بردن روحانیون اشاره کرد و در ادامه نیز، به وظایف و اختیارات دینی روحانیون، تعلیم و تربیت آنان، نقش آنان در جامعه، تقسیم‌بندی روحانیون اشکنازی و سفارادی، شکل ظاهری آنان و در پایان به نحوه‌ی امرار معاش روحانیون یهودی پرداخت.
ادامه در بخش بعد ...

نویسنده: مهران حقیقت

چهارشنبه 16 مرداد1387 ساعت: 11:4

ادمه بررسی ساختار روحانیت در یهود و تشیع....

در بخش دوم نیز، حسن پویا با اشاره به این که وحی الهی با خواندن آغاز شده است، گفت: « در اسلام تاکید زیادی بر یادگیری علم و دانش به ویژه در زمینه‌های حوزوی شده است». وی در ادامه، به تشریح تاریخچه و فعالیت‌های حوزه‌ی علمیه پرداخت و افزود: «پیش از انقلاب، حوزه شکل سنتی داشت ولی پس از آن، پیشرفت و گسترشی خاص یافت». وی در ادامه‌ی سخنان خود، نظام روحانیت را به نظام‌های مختلف آموزشی، مالی، شغلی، مراتب سازمانی، اداری و .... تقسیم‌بندی نمود و در باب خصوصیات یک روحانی گفت: «شرکت در مراسم مختلف، از فرهنگ صنفی روحانیت است». وی هم‌چنین در بخش دیگری از سخنانش، به توضیح در مورد لباس سازمان روحانیت، تشکل‌ها، مدارس حوزوی و فعالیت‌های جنبی در این مدارس پرداخت و در پایان نیز به تفاوت‌های عمده‌ی حوزه‌ی پیش از انقلاب و پس از آن اشاره نمود.
در بخش سوم و پایانی این برنامه نیز، هر دو کارشناس به سؤالات حاضرین در برنامه پاسخ گفتند.

نویسنده: محمود بجانی

چهارشنبه 16 مرداد1387 ساعت: 11:34

جناب پورپیرار از خداوند برای شما دعای خیر مسالت داریم که اینهمه دروغ در تورات را برملا می کنید نمی دانم کدام عقل سلیم می تواند تورات را بخواند و آن را الهی بداند مگر اینکه از قبل چنین فرض کرده باشد - خدایی که با یعقوب کشتی می گیرد و خدایی که قهر م یکند آشتی می کند و خد ایی ...
واقعا نیروانا از این خدا خیلی بهتر است ولی خدای واقعی همان الله مذکور در قرآن است که سبحان از اینهمه شرک و تنگاست!
ضمنا در آیه ای در قرآن آمده است که به خاطر قتل فرزند آدم توسط برادرش بر بنی اسرائیل مقرر کردیم که هر کسی جان یک نف را بگیرد گویا همه را کشته است - از این بنده گاهی وقتها این نتیجه را می گیرم که احتمالا قوم بنی اسرائیل قبل از موسی و یهود بوده است و اسرائیل قبل از یعقوب و سایر پیامبران یهود بوده است.

نویسنده: نشانه های آشکار در همه جا

چهارشنبه 16 مرداد1387 ساعت: 15:23

بنا بر اظهارات رسمی سخنگوی یک تشکل عقیدتی سیاسی:

1- بزرگترین کنفرانسهای شیعه شناسی در اورشلیم برگزار می گردد.(قابل توجه آقای مهران حقیقت)

2- به تازگی خاخام های اسرائیل از زنان اسرائیلی و خانواده ها خواسته اند که میزان تولید مثل را بالا ببرند، حتی تا هشت فرزند!
آیا یهود که اکنون بر اثر تحولات مادی و معنوی جهان در سالهای اخیر، همه چیز حتی تورات خودش را هم از دست رفته می بیند به فکر بقای خویش با توسل به چاره ی ازدیاد جمعیت افتاده است؟

نویسنده: ...

چهارشنبه 16 مرداد1387 ساعت: 19:50

آقای " نشانه های آشکار در همه جا " : شیعه شناسی اورشلیم دلیل مهمتری دارد و آن در حقیقت " حزب الله لبنان شناسی" است ....

شیعه همان قدر که در چهارچوب فرقه سازی است , که تسنن است , که بهائیت و اسماعیلیه و علی اللهی و هزاران فرقه به ظاهر اسلامی دیگر است . همه و همه این فرقه ها هم برای تفرقه و تکه تکه کردن اسلام است ....

نویسنده: بی نام

چهارشنبه 16 مرداد1387 ساعت: 21:7

استاد عزیز سلام علیکم .خسته نباشید

از چه منبعی می توانم نامهای عبری شهرهای ایران را داشته باشم.

نویسنده: ,,,,,,

چهارشنبه 16 مرداد1387 ساعت: 22:4

سایت عصر ایران

بيکر تو "ماسون بزرگ صهيونيستي" در سخنراني که در سال 1921 ايراد کرده راه حل تسلط بر جوامع را اينگونه بيان مي کند:«براي اينکه بتوانيم تشکيلات خانواده را بر هم زنيم، لازم است به اصول اخلاقي لگد زده و يک نسل کاملاً بي دين، بي ناموس و بي اخلاق تربيت کنيم و البته اين کار در نظر اول مشکل به نظر مي رسد ولي چون ميل به شهوات و لاابالیگري فطرت و طبيعت بشر است از اين جهت شايد چندان هم مشکل نباشد ... طبيعت انسان، ميل زيادي به شهوت راني دارد، اين وظيفه ماست که درجه حرارت را بالا ببريم تا يک مرتبه آتش گرفته و به تمام مقدسات کافر گردد. »

نویسنده: استاد کورش آریایی

چهارشنبه 16 مرداد1387 ساعت: 23:13

به نام اهورامزدای جان و خردمند

پورپیران سیکل نداشته باشد. در کتاب های زمان شاهان پهلوی نوشته شده باشد که اسکندر [ملعون] تخت جمشید، این گوهر معماری جهان باستان و قرن 21، را آتش بکرده است. اما پورپیران که این کتاب ها را نخوانده باشد می گوید تخت جمشید نیمه کاره می بوده است؟؟!!!! پس می بینیم پورپیران حتی ششم دیرین را هم نداشته باشد. او منبع تناقض گویی باشد، او می گوید امروز چهارشنبه است فردایش می گوید امروز پنج شنبه است!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!

اهورامزدا دروغگویان را نفرین بنماید و تارزان مرا بپاید.

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 16 مرداد1387 ساعت: 23:25

آقای کورش آریایی. آن طرف ها چه خبر؟!!

آقای... یکی از موثرترین راه های گرایش به بی غیرتی در میان مردم ایران گسترش شعر فارسی و به خصوص دیوان هایی چون حافظ و مولانا بوده است.

آقای بی نام. گمان نمی کنم که این مطلب منبع تدوین شده داشته باشد. اخیرا کسانی در حوزه های جغرافیایی خود مشغول جست و جو شده اند.

نویسنده: تلمیذ

پنجشنبه 17 مرداد1387 ساعت: 1:17

با سلام خدمت استاد و ساير دوستان

جدول زير را از تورات استخراج كرده ام.شايد من در محاسباتم اشتباه كرده ام.اگر محاسبات من درست بوده است جدول جالبي است كه نشان مي دهد نوح مرگ نبيره دست چندمي اش را هم به چشم خود ديد ه است!!!

اگر مبناي تاريخ را سال طوفان بگيريم:

نام تاريخ تولد تاريخ وفات طول عمر(سال)

نوح 600ق.ط 350 ب.ط 950
سام 100ق.ط 500 ب.ط 600
ارفكشاد 2 ب.ط 440 ب.ط 438
شالح 37 ب.ط 470 ب.ط 433
عابر 67 ب.ط 531 ب.ط 464
فالج 101 ب.ط 340 ب.ط 239
رعو 131 ب.ط 370 ب.ط 239
سروج 163 ب.ط 393 ب.ط 230
ناحور 193 ب.ط 341 ب.ط 119
تارح 222 ب.ط 295 ب.ط 70
ابرام 252 ب.ط 427 ب.ط 175

فرض مي كنيم ابراهيم در30 سالگي تارح به دنيا آمده باشد.
پيدايش 7:25 ...مدت عمر ابراهيم 175 سال بود.

نویسنده: تلمیذ

پنجشنبه 17 مرداد1387 ساعت: 1:22

استاد در كتاب پيدايش تعداد حيوانات وارد شده به كشتي يك بار هفت جفت از هر حيوان و چند بار هم دو جفت گفته شده است.اگر تورات كتاب مقدس است مگر مي شود در فاصله فقط چند سطر چنان اشتباهات لپي رخ داده باشد.پس تكليف معتقدين به كتاب مقدس كه بايد به تناقضات اين كتاب عمل كنند چه مي شود؟!!!

نویسنده: تلمیذ

پنجشنبه 17 مرداد1387 ساعت: 1:50

طبق تورات:

1-نوح با خدا راه مي رفت
600/2/2-7 آغاز طوفان(600 سال عمر نوح(ع) در زمان طوفان است)
600/3/3-17 پايان طوفان(40 روز باران باريده است)
4- 600/7/17 بعد از انقضاي 150روز آب كم شد و كشتي بر كوههاي آرارات قرار گرفت
600/10/5-1 قله هاي كوهها ظاهر گرديد.
600/11/6-10 (40روز بعد ازبه گل نشستن كشتي) نوح دريچهكشتي را باز كرد
7- هفت روز ديگر تا صبر نمود و در تاريخ 600/11/17 كبوتر را رها كرد
8- هفت روز ديگر توقف نمود و در تاريخ 600/11/24 مجددا" كبوتررا رها نمود
9- 601/1/1 آب ازروي زمين خشك شد

10- 601/2/27 زمين خشك شد
11- آنگاه خدابهنوح گفت كه پياده شو قرباني بگذار
نكته:
وقتي كبوتر در تاريخ 600/11/24 رها مي شود از آنجائيكه زمين تا دوردستها خشك بوده به گونه ايي كه درختان زيتون وعلف سبز شده بوده است،در اين موقع طبيعتا" مدتهاي بسياري از خشك شدن اطراف كشتي كه در مرتفعترين نقاط قرار داشته وآب اين نقاط بايد زودتر از هرناحيه ديگري تخليه مي شده است،پس چرا نوح براي پياده شدن دو ماه ديگر صبر مي كند و بالاخره در 601/2/27 پياده مي شود.
ديگر اينكه اگر يك راس گوسفند روزانه فقط1 كيلو گرم علف نياز داشته باشد،آنوقت در 385روز بايد 385 كيلو علف خورده باشد، كه لابد در كشتي ذخيره شده بوده است.آنگاه براي 14 راس(هفت جفت)اين مقدار را بايد در 385 ضرب كنيم كه مي شود 5390 كيلوگرم.يك راس گاو هم حد اقل 8 تا 10 برابر يك گوسفند غذا مي خورد.و ساير حيوانات عظيم الجثه مانند اسب و استر و الاغ و شتر و زرافه و فيل و ...كه ديگر به حساب نمي آيد!!!
بنابريان به نظر من هفت جفت از هر حيوان حرف مفت است.بنابراين يك جفت عقلاني تر و منطقي تراست منتها به نظر من منظور فقط حيوانات اهلي و مزرعه ايي بوده است و نه ساير جانداران!!

نویسنده: سمیرا

پنجشنبه 17 مرداد1387 ساعت: 12:41

در مورد تناقضات موجود در عهد جدید هم مطالبی ارایه خواهید کرد؟

نویسنده: azerbaycanli

پنجشنبه 17 مرداد1387 ساعت: 15:38

با سلام
ترجمه گویا و بسیار دلنشین قرآن عظیم به زبان ترکی آذربایجانی.

http://mp3quran.blogfa.com/

نویسنده: دوست

پنجشنبه 17 مرداد1387 ساعت: 17:40

سلام.
چطور می تونم به مطالب پیشین سایت شما (از ابتدا) دسترسی داشته باشم؟؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 17 مرداد1387 ساعت: 23:30

آقای دوست. مجموعه ی یادداشت های این وبلاگ از سال 1382 تاکنون در سایت www.naria.ir به شکل طبقه بندی شده و در فولدرهای مختلف موجود است.

خانم سمیرا. گمان نمی کنم زیرا که مباحث بسیار مطول خواهد شد. در واقع ورود به تورات و موضوع طوفان نیز بخشی از تاریخ 500 سال اخیر منطقه ی ماست.

نویسنده: هیوا

جمعه 18 مرداد1387 ساعت: 1:35

استاد با سلام
اشاره ی شما رابه اور امان در بر آمدن هخامنشیان در ذهن دارم.ملی گرایان کرد امروزه در مورد تاریخ اورامانات بسیار مانور می دهند که گویا ریشه ی بسیاری از یاوه های آن ها گفته های بهار است . حتی در کردستان

عراق چند نفری برای اعلام ضدیت با دین اسلام گویا به دین زردشتی که به اعتقاد آن ها در اورامان رسالت یافته در آمده اند. بله منظورم همان بود.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 18 مرداد1387 ساعت: 8:45

آقای ایزدی. مشکل عمده و اصلی در این است که نام گذاری بر هیچ شیء و محل و عنصر و شهر و دهی در ایران قدیم تر از چند قرن پیش و حد اکثر از زمان به اصطلاح صفویه نیست. در آن زمان هم انتخاب هر نامی دورتر از مفاهیم اکبر و اصغر و احمد آباد، که بار تاریخی و عقیدتی و توصیفی داشته باشد، فقط می تواند یهودی و یا لااقل گزیده ای یهودی باشد، زیرا اندک بومیان ساکن در بلندی های ایران، صاحب فرهنگ و آگاهی متعالی و دیرین نبوده اند.

نویسنده: ناظر

جمعه 18 مرداد1387 ساعت: 9:10

صبح بخیر استاد معظم بعضی آدمها واقعا باندازه یک چس فیل مغز ندارند. تهاجمی که از همه سو در این هشت سال متوجه شما بوده کمر فیل را خرد میکند که از جمله باید رفتار آنوسیها را هم در نظر گرفت. حاصل این که دو سه نفری از قبیل سهند و حامد و اراز را باراده خودتان بیرون انداخته اید و احمقانی همان را نشان انفراد شما گرفته اند زیرا چشم و مغز ندارند که هجوم صدها هزار مشتاق را بسوی شما ببینند و اینها هنوز در حالی است که سران تمام نیروهای شناخته شده از قوم پرستان و طرفداران چپ و راست و روشنفکر نمای کراواتی تا شیخکی زیارت نامه خوان و شاعرکی گراس زده و استاد نمایی بوی نا گرفته و عربده کشان صدا و سیما و جمیع نوکران یهود درعالم علیه شما تریبون زده اند و شما جز این وبلاگ بلند گویی ندارید و باز هم ذره ای به هیچ کدام آوانس نمیدهید و در بیان حقایق کوتاه نمی آیید. در پناه دست خداوند باشید.

نویسنده: پرسش

جمعه 18 مرداد1387 ساعت: 9:44

و واقع شد بعد از این وقایع که خدا ابراهیم را امتحان کرده بدو گفت ای ابراهیم ، عرض کرد لبیک . گفت: اکنون پسر خود را که یگانه توست و او را دوست می‌داری یعنی اسحق را بردار و به زمین موریا برو و او را در آنجا بر یکی از کوههایی که به تو نشان میدهم برای قربانی سوختنی بگذران . بامدادان ابراهیم برخاسته الاغ خود را بیاراست و دو نفر از نوکران خود را با پسر خویش اسحق برداشته و هیزم برای قربانی سوختنی شکسته روانه شد و به سوی آن مکانی که خدا او را فرموده بود رفت و در روز سوم ابراهیم چشمان خود را بلند کرده آن مکان را از دور دید آنگاه ابراهیم به خادمان خود گفت شما در اینجا نزد الاغ بمانید تا من با پسر بدانجا رویم و عبادت کرده نزد شما باز آییم .
(تورات ، سفر پیدایش ، باب 22)

مست و پریشان توام مـــــــــوقوف فرمان توام
اسحاق قربان تـــــوام این عید قربانی است این
(بیتی از مولوی جهود : http://mowlavi.recent.ir/default.aspx?item=14706)

نویسنده: پرسش

جمعه 18 مرداد1387 ساعت: 9:45

ادامه...
آیات الهی : سوره ی صافات ، آیه ی 100 تا 113
رب هب لی من الصالحین ﴿100﴾
فبشرناه بغلام حلیم ﴿101﴾
فلما بلغ معه السعی قال یا بنی انی اری فی المنام انی اذبحک فانظر ماذا تری قال یا ابت افعل ما تومر ستجدنی ان شاء الله من الصابرین ﴿102﴾

فلما اسلما و تله للجبين ﴿103﴾
و نادیناه ان یا ابراهیم ﴿104﴾
قد صدقت الرویا انا کذلک نجزی المحسنین ﴿105﴾
ان هذا لهو البلاء المبین ﴿106﴾
و فدیناه بذبح عظیم ﴿107﴾
و ترکنا علیه فی الآخرین ﴿108﴾
سلام علی ابراهیم ﴿109﴾
کذلک نجزی المحسنین ﴿110﴾
انه من عبادنا المومنین ﴿111﴾
و بشرناه باسحق نبیا من الصالحین ﴿112﴾

و بارکنا علیه و علی اسحق و من ذریتهما محسن و ظالم لنفسه مبین ﴿113﴾
پروردگار بر ابراهیم فرزندی برد بار بشارت می دهد ، بعد ابراهیم در خواب می بیند، که فرزند اش را قربانی می کند ، فرزندش (که قرآن هنوز نامی از او نبرده است) می گوید آن چه امر شده است انجام ده ، ان شاء الله من را از صابرین خواهی یافت. ابراهیم از این امتحان الهی هم سر بلند خارج می شود. سلام علی ابراهیم ؛ و بشرناه باسحق نبیا من الصالحین : و بشارت دادیم او را به اسحاق که پیغمبری از صالحین است.

الله ، دو بار حضرت ابراهیم را بر فرزندی بشارت می دهد . با توجه به آیات معلوم است که شخصی که قرار بود قربانی شود، اسحاق نبوده است ، چون هنوز متولد نشده است !!! اکنون این مولوی جهود قرآن نشناس، عجب قرآن شناسی بوده است که این موضوع را نفهمیده است !!!!!
درود خداوند بر استاد ناصر پورپیرار باد .
جان ام فدای ایشان .

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 18 مرداد1387 ساعت: 10:57

آقای ناظر و آقای پرسش. از مراحم شما ممنونم و جان تان سلامت باشد. بحث جاری در باب طوفان و تاریخ انبیا و تورات و قرآن از اهم مباحثی است که ترکش و دنباله ی آن به تاریخ منطقه ی ما در 500 سال اخیر کشیده می شود. مطالب آقای پرسش متضمن دقایق بسیاری است که رمز گشایی آن ها، از جمله در باب قربان بودن اسماعیل و اسحاق و دیگز ضمائم موضوع چندان آسان نیست که اگر خدا بخواهد نگاه تازه به مطلب را عرضه خواهم کرد.

نویسنده: حسام

جمعه 18 مرداد1387 ساعت: 21:1

با سلام به استاد فرزانه و دوستان عزیز
من این را قبول دارم که تورات پر از اشکال است . ولی این طور هم درست نیست که هرچه در آن نوشته شده دروغ باشد !
تورات گزشته از یک کتاب مذهبی یک کتاب تاریخی هم حساب میشود . وقوع طوفان نوح فقط در جغرافیای ترکیه فقط به عنوان یک فرضیه قوی قابل پذیرش است . هر چند اشکالاتی هم می شود به آن وارد کرد ، مثلا اینکه اگر طوفان قرار بود فقط در ترکیه اتفاق بیفتد الله جل جلاله می توانست به نوح بگوید به جای ده ها سال زحمت برای ساخت کشتی، آن سرزمن کفر را رها کند و مثلا به بین النهرین برود تا طوفان فقط ترکیه را قرق کند . یا به طور مثال زمانی که مردم ترکیه کهن که دارای پیامبر بودند این چنین گمراه شدند و مستحق عذاب الهی ، وای به حال مردم سایر نقاط شرق میانه که پیامبر نداشتند ، آیا این با عدالت الله سازگاری دارد که فقط مردم ترکیه را عذاب دهد .
...

نویسنده: حسام

جمعه 18 مرداد1387 ساعت: 21:2

ادامه... شماره 2
و آیا واقعا فکر میکنید از قدرت الله به دور است که کل ارض را در آب فرو ببرد . کافی است که یخچال های قطب جنوب و قطب شمال تماما آب بشوند تا نصف و شاید کل کره زمین به زیر آب برود . بگزریم . اگر طوفان نوح فقط در ترکیه هم اتفاق افتاده باشد باز هم دلیل نمی شود که عیلام و آشور فرزندان سام نباشند .راستی به نظر شما چند سال طول می کشد تا از عیلام یک قبیله ای به نام عیلامیون تشکیل شود . من که فکر میکنم 300 سال هم کافی باشد . از دوران صفویه تا کنون جمعیت ایران به 70 میلیون رسیده . پس این هم نمی تواند عجیب باشد . در کشتی نوح فکر نمیکنم فقط فرزندان نوح سوار شده باشند ، بلاخره چند نفر هم بوده اند که به نوح ایمان آورده باشند و سوار کشتی شده باشند . پس این هم درست نیست که فکر می کنید که ادامه یافتن نسل انسان از افراد کشتی نوح چیز عجیبی است . در قران هم گفته نشده که فقط حام و سام و یافث سوار کشتی شده اند .نقل شده در زمان یک از پیامبران خداوند برای اینکه مردم گنهکار را کیفر دهد زبان آنها به چندین زبان تغییر داد به طوری که عده ای زبان عده ی دیگر را نمی شناختند و در دیگر نقاط ارض پراکنده کرد ، پس می توان مردم نقاط دوردست مثل جاپن و یا سرخ پوستان آمریکا را جزء آن مردم شمرد .
در یک جایی خواندم که یک کتیبه به زبان سومری در حوالب بغداد یافت شده که در آن ذکر شده که عیلام فرزند سام فرزند نوح در منطقه فعلی خوزستان پس از طوفان نوح سکنی گزیبید .

نویسنده: رضا

شنبه 19 مرداد1387 ساعت: 19:58

سلام استاد.
در رابطه با مطلب دوست گرامی پرسش برای من نکته ای مبهم است.
در آیه "فبشرناه بغلام حلیم ﴿101﴾" خداوند تبارک و تعالی مژده فرزندی صبور را به ابراهیم میدهد. در آیه "و بشرناه باسحق نبیا من الصالحین ﴿112﴾" برداشت شخصی من این است که خداوند بشارت رسالت اسحاق را میدهد.

آن فرزند صبور کیست؟
آیا این اسحاق نمیتواند همان فرزند صبور باشد که پس از مدتی به مقام رسالت نایل آمده؟

لطفا راهنمایی نمایید.

ایران شناسی 168

ایران شناسی بدون دروغ، 168، بررسی سفر پیدایش تورات - 88 نظر

نویسنده: حکیمی

یکشنبه 20 مرداد1387 ساعت: 1:0

سلام.نمیدانم باور میکنی یا نه ولی خدای بزرگ را به شهادت میگیرم که باکمال صداقت فریاد میزنم که یک تار موی گندیده ات را به عالمی نمیدهم.تو آن دریچه ای هستی که خدا از آن نور حقیقت را بر دلم تاباند در ضیافت خورشید پایدار باشی....

نویسنده: محمود بجانی

یکشنبه 20 مرداد1387 ساعت: 7:48

با سلام
عزیز بزرگوار جناب پورپیرار - متاسفیم که در کشوری که خود را ام القرای اسلام و قرآن می خواند فیلمی به نام یوسف پخش می کند و از تورات برای نامیدن یعقوب به اسرائیل فایده می برد - آیا این مجتهدین تلاشگر که م یگویند زمانی تنباکو را حرام کردند به این تحریفات بزرگ واکنش نشان نمی دهند؟ چرا ؟
آیا قرآن درست می گوید یا تورات ؟ قطعا یکی از آن ها درست است! اما سریال یوسف ترکیبی از تورات و قرآن است ! و این چنین دروغهای تورات به خورد بچه های ما داده می شود ...

نویسنده: روشن

یکشنبه 20 مرداد1387 ساعت: 8:55

استاد محترم کامنت های اردیبهشت وخرداد 87 را به امیل وبلاگ ارسال کردم انشا... مورد استفاده قرار بگیرد
در ضمن بیصبرانه منتظر زمان و چگونگی پدایش زبانهای فارسی و ترکی هستیم

نویسنده: پورپیرار بزودی اعدام می شود.

یکشنبه 20 مرداد1387 ساعت: 9:11

تنها باید حکومت مقتدر جمهوری اسلامی ایران حکم به قتل این مردک رذل بدهد

و به جای آن جوان سیستانی می بایست این مزدور وطن فروش تجزیه طلب را اعدام

می کردند . باید سایتی بسازیم تا مردم در آن امضا نمایند و از حکومت اسلامی ایران

بخواهند تا این مردک ذی شعور تک سلولی را به سزای اعمال ننگین اش برساند.

نویسنده: م.ستاره

یکشنبه 20 مرداد1387 ساعت: 6:26

سلام
این قدر داد زدم که حاضر ام با یهودیان همکاری کنم . اگر خواستند پته آقای پورپیرار را روی آب بریزم . او را لو بدهم . نحوه انتقال پول از اورشلیم و ریاض و بغداد و کویت و امارات و دبی و ... به حساب های او را بگویم .
گفتم حاضر هستم برای شان در زیر زمین های اورشلیم یا خانه خودمان کتاب جعل کنم آن هم بدون غلط های اینچنینی .
تنها شرطی کوچک گذاشتم که پولی بدهند تا بیگاری محسوب نشود و اداره بیمه جریمه شان نکند .
چه قدر این یهودیان نازنین ، خسیس تشریف دارند .
نخواسته اند پول بدهند هاخامی پیدا کنند که تورات را معقول تر بنویسد تا کمتر سوتی در آن باشد . یک هاخام عقب مانده ی مونگول را مفت به کار گرفته اند و شده است این .
یا آن تاریخ سکندری بیگ صفویه ناشناس .
حاضر نیستند مرا استخدام کنند .
الان هم از فرط خست ، می خواهند یک یک وبلاگ بزنند و امضا جمع کنند . انگار ناریا2 یا همان نارپای هک شده دست عمه ی ... است و لاجرم یک وبلاگ دیگر هم اضافه کنند . یا آن سایت آذر گشنه است و یونجه می خواهد دات نت !
بالام جان من اینجا نشسته ام آماده فرمان ، دولت به فکر آب و نان هم نیست . اما شما آن قدر خسیس تشریف دارید که حاضر نیستید بالای یک قطعه سرب پوکه دار پول بسلفید ، دولت را مجبور می کنید تا مبادا جیب تان فاقد دیناری کمتر شود
.
حالا باز من منتظر هستم . خواستید کسی را اعدام کنید ، به من خبر بدهید . من راحت به آن دفتر می روم و می آیم . من اسم رمز نگهبان جلوی در انتشارات کارنگ را می دانم . اگر در تیم شما باشم ، راحت از مرز آن دفتر رد می شوید .
حتما به من ایمیل بزنید ها !!! جدی می گویم ، به زمین و زمان و خیلی چیز های دیگر (مثل لباس زیر شلوار ام) قسم .
اصلا همان را به عنوان ماسک ، به صورت تان بزنید که کسی نشناسد . جوراب زنانه قدیمی شده است دیگر .
استاد می بینید که چه جواب هایی به نوشته های شما می دهند ؟ کاملا مستدل و منطقی .
والسلام .

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 20 مرداد1387 ساعت: 11:4

آقای م. ستاره. نصب این کامنت اعدام عمدی بود، تا بدانید با کسانی طرفیم که معنای "ذی شعور" را هم نمی دانند و با "بی شعور" عوضی می گیرند. پس از آن مجتهد زاده و یکی دو نفر دیگر چشم مان به این بی سواد روشن که در تحریک جمهوری، مستقیما تقاضای اعدام دارد. کاش یکی از این ها به خصوص مجتهد زاده بازجوی من می شد تا ببینیم چه سئوالی می کند! این یادداشت های مربوط به تورات کاسه ی صبر کسانی را لبریز کرده است.

نویسنده: آیدین قشقایی

یکشنبه 20 مرداد1387 ساعت: 14:28

سلام به دوستان
جناب آقای پورپیرار
سلام خسته نباشید.
یکی از دوستان با اینجانب بحثی مطرح کرده و مدعی شده که توراتی که آقای پورپیرار به آن استناد می کند توراتی است که یهودیان آن را قبول ندارند و توسط مسیحیان برای خراب کردن نام یهودیان تحریف شده است و تورات یهودیان تاریخش چون ماقبل تاریخ پدید آمدن هخامنشیان است اصلاً نامی از هخامنشیان در آن ذکر نشده است.
ضمناً ایشان مدعی است که آشنایانی در سازمان نظام مهندسی ایران دارد که آنها می گویند سازمان نظام مهندسی ایران نیمه ساخت بودن تخت جمشید را تایید نکرده است و اصولا در این زمینه صلاحیت علمی ندارد که بخواهد نظر دهد.
من چون خواستم شفاف سازی شود، خواهش می کنم که متن این سئوال را برای نمایش تایید و پاسخ خودتان به این سئوال را درج کنید تا این دوستمان جواب شما را بخوانند.
با تشکر
موفق باشید.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 20 مرداد1387 ساعت: 15:4

آقای قشقایی. از این دوست تان بپرسید یهودیان کجا اعلام کرده اند که تورات های کنونی را قبول ندارند؟!!! اگر این اعلام خصوصی بوده و صرفا در گوش ایشان گفته اند که قدر این دوست تان را بدانید و هرچه می گوید قبول کنید. اگر هم اعلام عمومی بوده آدرس آن را مشخص کنند. ضمنا بپرسید اگر تورات های کنونی را قبول ندارند شنبه ها در کنیسه چه می خوانند؟! آن نامه هم قبلا منتشر شده و اگر در آرشیو وبلاگ بگردید پیدا خواهد شد. به ایشان یک نسخه از مستند تختگاه هیچ کس را بدهید تا ببینند و اگر باز هم تاییدیه سازمان نظام مهندسی را برای قبول مطالب نمایش داده شده در مستند لازم داشت، ایشان را نه به سازمان نظام مهندسی که نزد یک چشم پزشک ببرید.

نویسنده: نتاب

یکشنبه 20 مرداد1387 ساعت: 15:15

«بنی اسرائیل از رعمسیس به سکوت کوچ کردند، قریب ششصد هزار مرد پیاده، سوای اطفال و گروهی مختلفه ی بسیار نیز همراه ایشان بیرون رفتند ....». (عهد عتیق، خروج، فصل دوازدهم، ۳۷ تا ۴۲)

پس در فاصله ی ۴۳۰ سال قوم بنی اسرائیل از هفتاد به ششصد هزار افزایش می یابد.

سلام استاد گرانقدر
در این مدت کوتاه افزایش خیالی جمعیت بنی‌اسرائیل قریب ششصد هزار مرد پیاده، بوده است. لازم است شمار زنان و کودکان را نیز به حساب اورد تا شامل کل جمعیت خیالی شود. یعنی 600000 *2 = 1200000.
البته يك ميليون ودويست هزار جمعیت افراد بالغ می‌شود و ان باید به علاوه شمار کودکان نیز بشود.

نویسنده: ناظر سوم بحث

یکشنبه 20 مرداد1387 ساعت: 15:21

دوستان تورات نخوانده که وانمود میکنید مطالب را میدانید
اولا یهودیان تورات عهد عتیق را انجیل عهد عتیق میخوانند...چون توسط مسیحیان نوشته شده و آنچه توسط یهودیان خوانده میشود با یک جستجوی کوتاه در اینترنت خواهید یافت.
توضیحات کامل را از خاخام موسی زرگری نویسنده بیش از 120 کتاب و برگردان تورات به زبان فارسی بپرسید.

نویسنده: آیدین قشقایی

یکشنبه 20 مرداد1387 ساعت: 15:48

سلام به دوستان
جناب پورپیرار
با تشکر از پاسخ شما. من همه کارهایی که شما فرمودید را انجام داده ام. ضمناً ایشان به نام "ناظر سوم بحث" برای شما پیامی ارسال کرده اند.

نویسنده: أمة الله

یکشنبه 20 مرداد1387 ساعت: 19:23

سلام آقای ارجمند

دیروز یکی از مقالات اسلام و شمشیرتان را خواندم و دیدم معتقدید جمع و تدوین و نشر قرآن در عهد صحابه نبوده !!

جمع و تدوین قرآن بلاشك به امر و توسط خداوند و در زمان حیات رسول الله علیه السلام صورت یافته است.

إن علینا جمعه و قرآنه .... الآیة

در ضمن سؤالتان در مورد وجود و عدم وجود صحابه و نامهای آنان بود .

متوجه ی منظورتان هستم.

مسلم است که شریعت قرآنی اسلام توسط رسول الله بیان و کامل ابلاغ شده است و این تکمیل بلاغ ربطی به ابوبکر و علی و عمر و عباس ندارد و وجود یا عدم وجودشان تأثیر و تبدیلی در بلاغ کامل اسلام ندارد.

این حقیقتی ست که بدان ایمان دارم .

اما اینکه وظیفه و مقام صحابه چگونه است خودش مبحثی دیگر است.

و اعتقادم این است که صحابه بهترین و مخلصترین تابعین رسول الله بودند که مورد مدح قرآن واقع شده اند و ما نیز مأمور به طلب غفران و دعا برای آنان شدیم و اینکه غل و کینه ای نسبت به آنان نداشته باشیم.

آیا فکر می کنید خلفای راشدین وظیفه ی اسلامی خود را در قبال نشر دین الله خوب بجا نیاوردند؟

یا اینکه فکر می کنید اصلاً خلفایی وجود نداشته که کاری انجام دهند!

در هر حال منتظرم رأی شما را بدانم .

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 20 مرداد1387 ساعت: 20:29

خانم أمة الله. شیخ و علامه ی بزرگ مرتضی عسکری کتابی دارد به نام "150 صحابه ی ساختگی" که مطالعه ی آن را به شما توصیه می کنم. در این وبلاگ به بنیان ها توجه داده می شود. مثلا اشاره است که خط عرب لااقل تا 6 قرن پس از پیامبر استعداد کتاب نویسی عمومی ندارد ولی شما علاقه دارید که امام بخاری در قرن سوم هجری کتابی حاوی 600 هزار حدیث جمع آوری شده برای شما نوشته باشد. بی این که توجه کنید اگر به طور متوسط هر ده حدیث را در برگی بگنجانیم، باید 60 هزار برگه ی پوستی فراهم کنیم که وجه تهیه ی مواد برای یک نسخه از صحیح بخاری هم سر به کهکشان می زند، مگر این که گمان کنیم امام بخاری پیش از تالیف دائره المعارف اش نیز وجوهات دریافت می کرده است!! ضمن این که هیچ مولفی نمی تواند حتی با صد نسخه از تالیف، خود را به دیگران، آن هم در حوزه ی بسیار وسیع جهان اسلام بشناساند. دو توصیه دارم: نخست در باب اسلام و شمشیر پس از مطالعه تمام مقالات قضاوت کنید و دیگر این که برای آگاهی از مسائل خلافت و خلفای پس از اسلام، از منظر صاحب این وبلاگ، حوصله کنید.

آقای محمدی. آب نمک از جمله به این درد می خورد که یک جهود را چهل سال در آن بخوابانند و سپس یک مسلمان دو

آتشه از درون آن خارج کنند.

آقای ناظر سوم بحث. شما که حرفی برای زدن نداشتید، پس راه را برای خاخام موسی زرگری باز کنید تا با آن نسخه ی مخصوص از تورات شان وارد شوند.

آقای نتاب. در تورات نوشته است سوای کودکان و البته هرچه جمعیت را زیادتر کنیم اشکالات تورات آشکارتر می شود. زیرا 400 سال بعد از خروج، در سرشماری زمان داود از مردم بنی اسرائیل و یهودا، بر اساس فصل 24 دوم سموئیل، تمام قوم فقط یک میلیون و سیصد هزار نفر بوده اند!!!

نویسنده: 000

یکشنبه 20 مرداد1387 ساعت: 20:44

دوستان
مشاور اول سریال حضرت یوسف جناب "حبیب الله عسگراولادی مسلمان" می باشند که البته پسوند مسلمان را از روی نام خانوادگی شان برداشته اند. معروف است که خود شخص ایشان در سن بیست و چند سالگی از یهودیت به اسلام گرویده اند و البته خودشان این مسله را انکار می کنند ولی با این انتخاب ایشان بعنوان مشاور اول سریالی که در مورد یکی از پادشاه-پیامبران یهودی است فکر می کنم انکار ایشان سنگ رویخ شده باشد.
مطلب مهم دیگر در اینخصوص صداوسیما می باشد که از کجا یهودی بودن ایشان را میدانند وگرنه انتخاب یک سیاستمدار بعنوان مشاور اول سریالی به این مهمی کاملا بی معنا خواهد بود.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 20 مرداد1387 ساعت: 22:50

آقای روشن نگر. متاسفانه باز هم ضمیمه ها باز نشد. این روزها یاهو دائما مشغول گربه رقصانی است.

نویسنده: ماهان

یکشنبه 20 مرداد1387 ساعت: 22:51

سلام جناب استاد
خیلی مشتاقم که در مورد یهودیت بیشتر بدانم
رشته من هم ادیان ابراهیمی هست و نه بخاطر رشته ام بلکه به این خاطر که رشته من زندگیم است مشتاقم تا بیشتر و بهتر و مستدلتر بدانم
از راهنماییتان ممنون خواهم بود
منتظر هستم

وب سایت

نویسنده: اسحاق جهوده(ناظر اول بحث)

یکشنبه 20 مرداد1387 ساعت: 20:7

انا لله و انا الیه راجعون.
این هاخام به شکل استخوان پوسیده در زیر گل هم موجود نمیباشد.
لطفا به کنیسای سر کوچه خود مراجعه کنید.
مسخره بازی تورات یهودی و تورات عهدین هم بازی جدید است.
من اول. من اول .من اول.
کسی هم جر نزند!!!!!!!!!!!!!!!!!!
این دیگر آخر حرامزادگی است که یهودیان هم در زمان اسلام و هم معاصر تورات واقعی را در آنجا مخفی کرده باشندو تورات قلابی رار رو کرده باشند.بهتر است بیش از این زر زر بیخودی و چیز زیادی خلاصه دیگه خودتون بهتر می دونید.
تف به ذات کثیفت جرواجر عوضی اگر اون نسخه تورات رو که میشناسی به ما نشون ندی که با یک سرچ تو گوگل پیدا می شه.
از فحاشی معذرت می خوام.فکر کنم راه دیگه ای نداشتم. کارد به استخونشون رسیده و حالا دارند اون ورژن جدید رو میدن بیرون نه؟؟؟؟؟؟

نویسنده: تلمید

یکشنبه 20 مرداد1387 ساعت: 23:57

با سلام خدمت استاد و ساير دوستان
1- اولا"دوست آقاي قشقايي كه صد البته بايد يك جهود باشد با زيركي تمام قصد دارد توپ را توي زمين حريف بياندازد و برخلاف تمام شواهد و قرائن موجود مسيحيان و مسلمانان را مخرب دين و فرهنگ يهوديان معرفي نمايد!!!
2- آن دوستان دوست آقاي قشقايي كه در نظام مهندسي حضوردارند و نيمه تمام بودن تخت جمشيد را تاييد نمي كنند احتمالا"همانهايي هستند كه نظارتشان باعث فروريختن ساختمانها و پلها و بناهاي بتون آرمه تهران و همدان و ديگر شهرها شده و مي شود. در ضمن اين گروه از مهندسان به بسياري از ساختمانهاي نيمه تمام تائيده پايان كار داده و مي دهند!!!
3- ديگر اينكه اين گروه از افراد بايد قبل از هر چيزبه يك روانپزشك مجرب مراجعه كنند چون به تعبير قرآن كريم« الذين في قلوبهم مرض» اند.اينها از همان اسلافي هستند كه به تاييد قران كريم پيامبراني را كه با ادله و معجزات آشكار براي هدايتشان آمدند را كشتند و يا نفي بلد كردند.البته كه حسابشان با كرام الكاتبين است.

نويسنده: تلميذ

يكشنبه 20 مرداد1387 ساعت: 23:58

4- براي روشن شدن اذهان عمومي كاش ايشان توضيح مي دادند كه چرا براي تمسخر يهوديان، مسيحيان(كه نمي دانيم چه كساني هستند؟!!!)براي آنها كتاب مقدس مي نوشته اند،اصل و نسب يهوديان را به پيغمبران قرآني متصل مي كردند،تمام سرزمينهاي اسلامي و مردمان ساكن در اين سرزمينها را از طريق يهوه به بني اسرائيل هبه مي دادند، در قرن بيستم يهوديان را به سرزمين كنعان هبه داده شده به بني اسرائيل در همين تورات دستونشته مسيحيان براي تخريب وجهه يهوديان با ريختن خون هزاران مسلمان و شايد مسيحي تحميل مي كرده اند و جالب استكه براي تكميل پروژه نيمه تمام از نيل تا فراتشان هم در ابتداي قرن 21 با به راه انداختن پروژه مبارزه با تروريسم و با حادثه ساختگي 11سپتامبر كه در آن حتي يك نفر يهودي هم كه مسيحيان براي تمسخرشان حتي كتاب مقدس تورات ساخته اند و اينهمه مخالف مسيحي دارند كشته نشد و هم اكنون هم اين پروزه دقيقا" و دقيقا"مطابق همين تورات ساخت مسيحيان در حال اجرا است كه فعلا" از افغانستان شروع كرده اند و احتمالا" به تركيه ختم خواهد شد(چون در جنوب شرق تركيه هم يعقوب توراتي شبي در سرزمين بورسا سنگي را زير سرش مي گذارد و مي خوابد و خوابي مي بيند و بر روي سنگ روغن مي ريزد و آنجا را بيت ائيل مي نامد و ...الان هم به ژنرال پترايس ماموريت فرماندهي عمليات در ايران و پاكستان را داده اند كه از هم اكنون مشخص است كه بعد از ايران حلقه بعدي پروژه خلع سلاح كشور مسلمان پاكستان است و ...
5- ديگر اينكه چرا تا به حال يهوديان و حتي مسيحيان به انجيل عهد عتيق(كه نمي دانيم چه صيغه ايست؟!!!) غير ضروري اعتراضي نكرده اند و در حالي كه نويسندگان و نقالان مسيحي عهد جديدنويس لااقل به نام مشخص اند چرا و به چه دليلي نقال و نويسنده تورات كنوني و يا همان انجيل عهد عتيق مشخص نيست كه صد البته بايد بعد از ظهور حضرت مسيح نوشته شده باشد،چون با آن توصيفي كه همگان از حضرت مسيح مي دانيم ايشان به هيچ عنوان نه فرصت و نه امكانات نوشتن كتاب انجيل عهد جديد را هم نداشته اند تا برسد به تورات يا همان انجيل عهدعتيق!!! بعلاوه اينكه حتي انجيل هم هماني نيست كه حضرت مسيح بر پيروانتش قرائت مي كرده است چه رسد به تورات كه با آمدن كتاب جديد نيازي به كتاب قديم نيست!!!درست مانند سيستم عاملهاي كامپيوترهاي امروزي!!!

نويسنده: تلميذ

يكشنبه 20 مرداد1387 ساعت: 23:59

6- در تورات آقاي زرگر عيد پوريم را به چه مناسبتي جشن مي گيرند؟!!!
7- براي خودم لازم شد به برنامه ويژه شنوندگان يهودي كه شنبه شبها از بخش فارسي صداي اسرائيل پخش مي شود با دقت گوش بدهم.متاسفم كه تا به حال با شروع اين برنامه راديو را خاموش مي كردم!!!
8- اما با اين همه لب كلام هماني بوده كه استاد پورپيرا كبير خلاصه و مختصر و مفيد فرموده اند كه بهتر است آقاي زرگر تورات اصيلش را بر همگان عرضه كند تا سوء تفاهمها بر طرف شود!!!نيازي به نوشتن صدها كتاب در باره يهويدت نيست هر آئين پرستشي در وهله اول بايد يك كتاب مقدس به پيروانش معرفي نمايد تا پيروانش طبق آن هدايت شوند!همين يكي كافي است اگر كتابي اصيل باشد!!!براي منمسلمان مهمترين چيز اين استكه بدانم كه آيا تورات اصيل آقاي زرگر هم خونريزيها و اشغالگريهاي يهوديان در سرزمينهاي اسلامي را تائيد مي كند يا خير؟!!!
9- يك اصل را نبايد فراموش نمود و آن اينكه در دشمني با اسلام و مسلمين مسيحيان و يهوديان همواره متحد عمل كرده اند و هم اكنون هم در لشكركشي به سرزمينهاي اسلامي و كشتار و غارت مسلمين متحد عمل مي كنند و پشتيبان يكديگر اند.
10- مطابق متن مقدس قرآن كريم آئين يهود = بني اسرائيل نيست،چنانچه در آيه 140 سوره بقره مي فرمايد كه ابراهيم واسمائيل و اسحق و يعقوب و اسباط يهودي و نصاري نبوده اند.و آئين يهود چيزي بوده است كه بعد از وفات موسي(ع)ساخته شده است!!! يا آنجائيكه مي فرمايد بزرگترين دشمنان مسلمين را آنهايي(كساني،نه لزوما" بني اسرائيل) خواهي يافت كه خود را يهودي مي نامند!!!

نويسنده: تلميذ

يكشنبه 20 مرداد1387 ساعت: 23:59

11- در آيه93 آل عمران مي فرمايد:همه طعامها بر بني اسرائيل حلال بود جز آنرا كه اسرائيل قبل از نزول تورات بر خود حرام كرده بود!!!طبق متن قرآن كريم معلوم نيست كه تورات برچه كسي نازل شده است؟!!! و از آنجائيكه طبق متن توراتهاي كنوني تورات بر موسي(ع) نازل شده است،پس اسرائيل بايد كسي معاصر موسي(ع) و يا خود موسي باشد!چون يعقوب(ع) بايد سالها قبل از ظهور موسي از دنيا رفته باشد(طبق تورات سال وفات يعقوب 2256بعد از هبوط آدم و سال خروج بني اسرائيل از مصر به رهبري موسي(ع) ٢٧۴٩ بعد از هبوط آدم بوده است!!!)
12- اما در قرآن كريم هيچ اشاره ايي هم به نزول تورات بر يعقوب(ع) نشده است!!!
13- ادعاي اينكه ممكن است قرآن كريم مطلبي را از تورات گرفته باشد يك ياوه گويي محض است،چون پيغمبريكه در زمان خود(و تا الان هم) آنهمه مورد تكذيب مشركين اهل كتاب و غير اهل كتاب قرار مي گرفته است اگر فقط و فقط يك مورد از دروغگويي هايش اثبات مي شد كافي بود تا كسي به او ايمان نياورد،حال آنكه دين اسلام بعد از ظهور به سرعت گسترش مي يابد و تبديل به يك قدرت منطقه ايي مي شود و كمي بعد تا قلب اروپا پيش مي رود!!!بنابراين منطقي نيست كه بپذيريم در زمان ظهور اسلام يهوديان معتقد به نزول تورات به موسي(ع) بوده اند و بعد پيغمبراسلام(ص) نزول آنرا به اسرائيل(يعقوب در تورات) و يا به كس ديگري معاصر اسرائيل(يعقوب در تورات)دانسته باشد!!!
14- استاد لطفا"راهنمايي بفرمائيد.
15- آنقدر تناقض در تورات هست كه به زحمت مي توان مطلبي صحيح و عقلاني و انساني و خدايي در آن يافت!!!از همه دوستان و دشمنان دعوت مي كنم به دقت و با حوصله تورات را مطالعه نمايند تا همه چيز بر همگان روشن شود.

نویسنده: تلميذ

دوشنبه 21 مرداد1387 ساعت: 0:7

استاد من فكر مي كنم تورات كنوني را هم در اوايل قرن 15ميلادي و به هدف تسخير ممالك اسلامي نوشته اند و تورات نه يك كتاب مذهبي بلكه يك برنامه سياسي-نظامي بوده است تا دستاويزي براي يهوديان و مسيحيان براي غارت جهان و به خصوص ممالك مسلمين ايجاد نمايد.

نویسنده: آیدین قشقایی

دوشنبه 21 مرداد1387 ساعت: 8:7

سلام به دوستان
دوست و هم ایلی عزیز جناب آقای تلمیذ
جسارتاً، زود قضاوت نکنید. من ایشان را می شناسم و خدمتتان عرض کنم که ایشان از کسانی هستند که حداقل در ظاهر ادعا می کنند به دنبال حقیقت اند. پس می بایست با مدارا با امثال ایشان صحبت کرد. ایشان تا آنجا که من میدانم اصالتا تورک و مسلمان هستند نه جهود!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!
اگر بنا باشد ما به هر کس که مخالف نظرمان است بگوییم یهودی به گمانم اکثر قاطبه دوستانی که به این وبسایت مراجعه کرده اند حداقل در برهه ای از دوران خواندن مطالب این وبسایت، ممکن است نظری مخالف نظرات عامه دوستان ارائه کرده باشند. پس با این منطق این دوستان هم می بایست یهودی بوده باشند!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!
اتفاقاً من هر چه توضیح دادم دیدم قانع نمی شوند و حتی از روی وبسایت تورات در اینترنت (www.bible.org) هم عملاً موضوعات مورد ادعا در تورات پیرامون پوریم را به ایشان نشان دادم منتهی دیدم که باز بر حرفش دائر بر اینکه تورات یهودیان اشاره ای به پادشاهان هخامنشی نشده است تاکید دارند، لذا مجبور شدم مطلب را در وبسایت حق و صبر مطرح کنم تا بداند که اینجانب بی حساب حرفی مطرح نمی کنم.
واصبر علی ما یقولون

نویسنده: أمة الله به تلمیذ

دوشنبه 21 مرداد1387 ساعت: 10:36

بارك الله بر شما دوست ارجمند.

دستتان با بركت باد!

بسيار عالی بيان كرديد.

البته از نظرات استاد ارجمند در مورد یهودیت و جنایتهایش ، کاملاً پشتیبانی می کنیم و امیدوارم اجر این جهاد بزرگ نصیب صاحب مخلصش باشد.

وب سایت

نویسنده: حاجی زاده

دوشنبه 21 مرداد1387 ساعت: 10:41

استاد ارجمند سلام و وقت حضرتعالی بخیر
به حول و قوه ی الهی مطالب وبلاگ معظم حق و صبر وارد مرحله ای شده است که یهود پست و دنی را بیش از پیش به فلاکت و پریشان احوالی دچار ساخته است!
خداوند یاور و پشتیبان شما باشد.

نویسنده: حاجی زاده 1

دوشنبه 21 مرداد1387 ساعت: 10:48

سیر تاریخی ستیزه جویی یهودیان
یهودیان در مسیر تاریخ پس از حضرت موسی(ع) با لغزشهای اعتقادی و عملی فراوانی روزگار را سپری نمودند؛ گوساله پرستی در عصر موسی و پرستش بت «بعل» و «عشتاروت»)خدایان آرامیان ساکن در مناطق شمالی سوریه) دو نمونه از این نوع بیراهه روی است.
در عرصه های دیگر نیز یهودیان پیام اصلی و بنیادین را نادیده می گرفتند، رسوم و سنتهای قومی به جا مانده از گذشته برای آنها ارزشمند تر از تعالیم دینی و آموزه های به جا مانده از الواح تورات بود، چنان که حضرت عیسی در پاسخ اعتراض «فریسیان» و «کاتبان» که می گفتند چرا شاگردان شما به تقلید از مشایخ سلوك نمی نمایند؟ فرمود:
«نیکو اخبار نموده اشعیا(740ق.م) درباره شما ای ریاکاران، چنان که مکتوب است: این قوم به لبهای خود مرا حرمت می دارند، لیکن دلشان از من دور است، پس مرا به عبث عبادت می نمایند، زیرا که رسوم انسانی را به جای فرایض تعلیم می دهند، زیرا حکم خدا را ترك کرده تقلید انسان را نگاه می دارند؛ چون شستن آفتابه ها و پیاله ها و چنین چیزهای دیگر بسیار که به عمل می آورید، و به آنها فرمود که حکم خدا را به خوبی باطل می نمایید تا آن که سنت خویش را محکم دارید».
با پیدایش فرقه های فکری ـ مذهبی، پس از زوال سلطه یونانیان بر فلسطین(165ق .م) کج روی ها نهادینه شد، هر گروهی به گونه ای در راستای دین گریزی نقش ایفا کرد، فرقه صدوقی که منسوب به جد اعلای خاندان «احبار» و روحانیون بود و افرادش همه متمول، اشرافی منش و اهل دنیا بودند، وجود ملائکه را باور نداشته وزنده شدن دوباره مردگان را انکار می کردند. از منظر این گروه، تورات به طور مطلق و بدون استثنا قداست نداشت و کتاب تلمود نیز مردود شناخته می شد.
فرقه «فریسیان» که بستر تولد آن قرن اول و دوم پیش از میلاد است بیشتر به تبعیت از سنتها و برداشتهای دینی بزرگان یهود می اندیشید و «تلمود» را که مجموعه ای است از روایتهای نقل شده و سخنرانی های علمای یهود در مسیر تاریخ و توسط تلاش جمعی تعدادی از علما طی چهار قرن و نیم(از سال 69میلادی تا اواخر قرن پنجم) گردآوری شده است برتر از تورات می داند. در یکی از کتابهای تلمود آمده است:

نویسنده: حاجی زاده2

دوشنبه 21 مرداد1387 ساعت: 10:49

«هرکه به تحقیر سخنان خاخامها بپردازد مستحق مرگ است، اما تحقیرکننده تورات چنین محکومیتی ندارد." کسی که تعالیم «تلمود» را رها نموده به تورات بسنده می کند راهی برای خلاص ندارد،(شبه تفکر شیعی!)" زیرا سخنان عالمان «تلمود» از آنچه در شریعت موسی مطرح می باشد برتر است.»
«اسینیان» گروه دیگری است که پس از تسلط روم بر فلسطین به وجود آمد(63ق. م)؛ با این باور که باید از فساد جهان و اهل آن دوری گزیده زهد و ترك دنیا را پیش گرفت و با عبادت، انزوا، صوم و نماز روز گذرانید و از درگیری و زد و خورد با دشمن پرهیز نمود، این گروه به صحرا و کوه ها پناه می برد.
در سال 66 میلادی که 133 سال از اشغال فلسطین توسط روم می گذشت، صدوقیان و دیگر فرقه ها از صفحه تاریخ محو شدند و تنها فریسیان باقی ماندند تا پرچمدار قوم یهود در آینده تاریخ باشد!
بی تردید انکار معاد و کیفر اخروی که جزء باورهای صدوقیان بود، ترك مخاصمه با تجاوزگران و گرایش به رهبانیت که جزء معتقدات «اسینیان» به حساب می آمد، و برتر دانستن «تلمود» بر تورات که فریسیان بدان باور داشتند، هر کدام به گونه ای در دین گریزی و تحکیم و توسعه مردم آزاری نقش داشت، ولی نقش اعتقاد به «تلمود» از همه برجسته تر بود، زیرا گروه حامی آن توانست به حیات خود ادامه دهد و به حراست از این کتاب بپردازد که پر است از تعالیمی که هم روحیه خودمحوری را تقویت می کند و هم به تخاصم با سایر جوامع دامن می زند به عنوان نمونه در تلمود می خوانیم:

نویسنده: حاجی زاده3

دوشنبه 21 مرداد1387 ساعت: 10:49

«به بهشت جز یهود کسی راه ندارد.»
«جهنم جایگاه غیریهودیان است.»
«انسان صالح غیر از اسرائیلی را به قتل برسان، بر یهودی حرام است از سایر امتها کسی را از هلاکت نجات دهد یا از چاه بیرون آورد.»
«عادلانه است اگر یهودی هر کافری را بکشد».

در تفسیر جمله «دزدی نکن» از سفارشهای دهگانه تورات آمده است:
دزدی از یهود نارواست اما از پیروان سایر ادیان دزدی جایز می باشد.
عین همین تحریف در تفسیر توصیه «کسی را نکش» از سفارشهای تورات دیده می شود که می گوید: «مقصود کشتن یهودی است».
اندیشه هایی از این دست همان گونه که پیداست در اثر دستبرد به کتاب مقدس و تحریف آیاتی از آن فراهم آمده است، انکار شمول و فراگیری سفارشهای «دزدی نکن»، «کسی را نکش» از باب نمونه توسط خاخامها، به جامعه دیندار یهود این اجازه را می دهد که برای جان و مال پیروان سایر ادیان حرمتی قایل نباشند و به خود جرأت هر نوع تعدّی و تجاوز را بدهند.

نویسنده: حاجی زاده4

دوشنبه 21 مرداد1387 ساعت: 10:50

بنا به "روایات!"::
عبدالله بن سبا، واضع تفکر شیعی:
بنیان گزار فرقه ی روافض، عبدالله بن سبا یهودی است، وی از یهودی های یمن بود که در اواخر دوران خلافت حضرت عثمان رضی الله عنه مدعی اسلام شد، گرچه او تظاهر به اسلام نمود اما در حقیقت بر یهودیتش باقی ماند و براساس آن سمپاشی کرد! او چنین وانمود می کرد که گویا با اهل بیت پیامبر رضی الله عنهم محبت دارد، لذا به ولایت آنان و بیزاری از دشمناشان - که گویا صحابه ی پیامبر بودند - دعوت میکرد. سبائیها به امامت علی -رضی الله عنه - قایل بودند و اعتقاد داشتند که امامت فرض است و از سوی خدا تعیین می گردد آنها پیروان عبدالله بن سبا هستند، ابن سبا از کسانی بود که بر ابوبکر و عمر و عثمان و دیگر صحابه آشکارا طعن وارد می کرد و از آنان بیزاری می جست و نیز عبدالله بن سبا اولین کسی بود که از فرض بودن امامت علی- رضی لله عنه- و اظهار بیزاری از دشمنانش سخن گفت! از اینجا است که کسانی که با شیعه مخالفند می گویند : "اصل رفض از یهودیت است"

نویسنده: أمة الله

دوشنبه 21 مرداد1387 ساعت: 11:0

آقای ناصر پورپیرار

مشتاقم با خواندن مطالبتان راه خوبی برای کشف حقیقتها پیدا کنم.

حقیقتش، بسیاری از امور مذهبی برایم قابل بررسی نبود مانند تاریخ و چگونگی شکل گیری مذاهب.

هرچند معتقد به " لامذهبی ! " هستم ولی تحقیقاتی در این باب داشتم تا با شناخت این بلای جامعه سوز اسلامی راهی برای درمان آن بیابم.

در مورد کتابهای بخاری و محدثین برایم این سؤال وجود داشت که چه شد یکباره ایرانیان شدند " پرچمدار " علم و دین و " امام " شدند!؟

البته شکی نیست که اسلام " عرب و عجم " نمی شناسد و همه را بر اساس تقوی می شناسد ولی چرا یکباره ایرانیان همه کاره ی دین شدند؟!

چرا دینی که از دیار عرب و با لغت آنان موافق و آشنا بود نتوانست از خودش مؤلف و محدث معرفی کند ؟!

جواب من تا حدودی در میان تحقیقات شماست ولی 100% جواب من را ندادید.

زیرا شما معتقد به این هستید که نوشتن و کتاب نویسی امری شبه محال بوده است و عرب توانایی آن را نداشته !

در حالیکه هرقدر بخواهیم عرب را عقب مانده معرفی کنیم باز نمی توانیم انکار کنیم که این قرآن زیبا و فصیح به زبان آنان نازل شده است و این بلاغت بلاشك یکباره ظاهر نشده بلکه در میانشان شناخته شده بوده است و برای همین توانستند زبان قرآن را درك و بدان ایمان آورند.

آیا قومی که زبانشان گویای اینهمه فصاحت و بلاغت و ادب است یکباره بمانند وحشیان جنگلی ظاهر شدند و از بقیه ی انسانهای هم عصر خود بدور بودند!؟

اگر به آثار مصریها و گذشتگان نگاه کنیم متوجه ی نگارشهای آنان بر روی دیوارها می شویم پس آنان نوشتن را به خوبی شناخته و وسایل حفظ نوشته ها را هم می شناختند.

وب سایت

نویسنده: أمة الله - ادامه

دوشنبه 21 مرداد1387 ساعت: 11:1

بر این اساس استاد گرامی ، سخنتان مبنی بر انکار نوشته های محدثین ، علمی به نظر نمی رسد.

البته بلاشك خرافات و انحراف در نوشته های گذشتگان بسیار است .

اما آیا نمی توان با مقایسه با قرآن و موافقت قرآن به حقیقت این نوشته ها پی برد؟

هرچند خودم مایل به اخذ دین از کتب محدثین نیستم و قرآن را برای شناخت شریعت کافی می شناسم .

اما بسیاری از احادیث منسوب به رسول الله علیه السلام مترادف و موافق قرآن هست بلکه آینه ی زیبای عمل به قرآن هستند .

مانند نظم در اوقات و ارکان نماز و نماز جماعت.

بلاشك این همان حکمتی ست که خداوند به رسولش آموزاند و او نیز به قومش آموزاند :

لقد من الله على المؤمنين اذ بعث فيهم رسولا من انفسهم يتلو عليهم اياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة وان كانوا من قبل لفي ضلال مبين

سورة آل عمران - الآية 164

نویسنده: أمة الله

دوشنبه 21 مرداد1387 ساعت: 11:2

دوستان اگر ممکن است معنای " ناریا " را روشن فرمایید که این اسم مجهول مرا مشغول کرده!

وب سایت

نویسنده: أمة الله

دوشنبه 21 مرداد1387 ساعت: 11:6

در ضمن دوستان بدانند وبلاگ " ناریا " مدتهاست در وبلاگ " معنای توحید " ثبت شده است.

ولی شما از نوشته های وبلاگ معنای توحید گله کردید که با مطالب شما گسستگی دارد!

اگر میشد انتقادتان واضحتر بفرمایید که بسیار آماده ی قبول انتقاد خوب دوستان هستم.

وب سایت

نویسنده: فریبا

دوشنبه 21 مرداد1387 ساعت: 11:9

خانم أمة الله گرامی،سلام
خداوند می فرماید:"منیبین الیه واتقوه و اقیموا الصلوة و لا تکونوا من المشرکین، من الذین فرقوا دینهم وکانوا شیعا" کل حزب بمالدیهم فرحون"(روم، ٣١ و ٣٢)
ما نیز به منظور و حکمت الهی در این آیه و آیات نظیر، پی برده ایم و الحمدالله اهل فرقه بازیهای یهود ساخته ی شیعه و سنی نیستیم.
امیدوارم بین ما و شما و جناب زد ایکس و سایر دوستان آگاه و فرهیخته، دوستی و وحدتی پایدار و سازنده در راه مبارزه با توطئه های یهود و احیا, دین و شریعت کامل و اصیل الهی صورت بگیرد. ان شا, الله

نویسنده: ناظر سوم بحث

دوشنبه 21 مرداد1387 ساعت: 11:49

سلام علیکم
دوستان عزیز تندرو دوستتان دارم و شما را به یادآوری اخلاق خوش پیامبر اسلام توصیه میکنم.
ناظر سوم بحث به این معنااست که از قوم یهود برائت میجویم و حاضر نیستم با بحثهای ضعیف شما به جنگ آنان بروم اگر هر چه از آنان را خواندم برای مسلح شدن بیشتر بوده بیاد داشته باشید یکی از علما بزرگ اسلام برای شکست یهود سالها با مشقات زیادی مجبور به یادگیری زبان عبری شد و اکنون یهود از کتاب او می ترسدو متاسفانه شاید شما هم آنرا نخوانده باشید.
من ادعا میکنم همه مطالب شما را خوانده و جواب منطقی برای بیشتر ادعاهای شما دارم از لحاظ مدرک هم دکتری معماری را تمام کرده و در خارج از کشور در صدد تمام کردن فوق آن هستم و تاریخ معماری را در ایران و خارج از کشور تدریس کرده ام ومتاسفانه از نظر مالی بسیار ضعیف هستم اگر کمک کنید مطالب را به شما داده تا در بحثهای آینده از نظریات ضعیف خود دست برداشته ویا کتابی با هر عنوان که خودتان صلاح میدانید بنویسم.
بیاد داشته باشید اگر فقیرم چون طرحهای فکری خودم را هیچگاه ارزان نفروختم وگرنه یک معمار با این مدرک میتواند ده ساله بار خود را ببندد.

نویسنده: کسی که نظرت درج نخواهد شد.

دوشنبه 21 مرداد1387 ساعت: 12:59

جهت اطلاع شما خاخام موشه زرگری "حاخام موسی زرگری" دبیر سابق زبان عبری و تعلیمات دینی یهود و مؤلف و مترجم آثاری چون آرامش روح، روش زندگی و ... و مترجم تورات به زبان فارسی در جمعه سی‌ام ماه تیشری 5768 عبری مطابق 20 مهرماه 1386 در سن 84 سالگی در خارج از کشور به دیار باقی شتافت.

"کسی که نظرش درج نخواهد شد وآن را با اسم خودتان کپی خواهید کرد."

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 21 مرداد1387 ساعت: 14:12

آقای هاتف. لطفا با تلفن 66492049 با پیش شماره ی تهران تماس بگیرید.

آقای ناظر سوم. برای تست و آزمایش خودتان، به خصوص که خداوند معماری هم حساب می شوید، نسخه ای از مستند تختگاه هیچ کس را ببینید و درباره ی آن قضاوت کنید تا ارزیابی فرهنگی خود شما میسرتر شود. تاکنون که یک یهودی دو آتشه اید که اقناع دیوار پشت سرتان از آموختن حقیقت به شما آسان تر می نماید.

فریبا خانم. اولا که خیر مقدم و در ثانی همین افسانه درباره ی ابن سبا و یهودی بودن او وغیره، همانند ده ها و صدها نظیر دیگر، در زمره ی جعلیات جدید است و امیدوارم مباحث آتی به نیکی معلوم کند که گفت و گو از تالیف کتاب در هر رده و موضوع و با هر قصدی در جهان اسلام، البته به جز نگارش قرآن، سخن سرایی در باره ی موهومات و ادعاهایی غیر مستند و بدون نمونه است. حتی تورات شان نیز جدید و با توزیع این افسانه ها همزمان است.

خانم أمة الله. مغروق دریایی از بلاتکلیفی و بیگانه با بنیان مسائل اید. مثلا از خرافات و انحرافات بسیار در اخبار محدثین می گویید، اما ابزاری برای جدا کردن صحیح از ناصحیح ندارید. آیا ضرورت حفظ ترتیب در نماز، موجبی برای قبول ششصد هزار حدیث بخاری است که اگر یکی هم نادرست باشد، او را از صلاحیت ورود در این گونه مطالب مردود می کند. به گمانم اثبات حضور شخص بخاری و آن دیگران مقدم و مهم تر از قبول و یا رد صحث ثبت احادیث آن هاست. لااقل مطالعه ی کتاب اسلام و شمشیر را تمام و موضع تان را نسبت به مطالب آن روشن کنید.

نویسنده: أمة الله به فریبا

دوشنبه 21 مرداد1387 ساعت: 14:45

سلام خواهرم

از آشنایی با شما و همه ی دوستان مؤمن خوشوقتم.

نوشته های آقای ناصر پورپیرار بسیار جالب و ارزشمند است و برایم عجیب است که این افکار در میان ایرانی تبار بوجود آید!

و حتی دوست دارم از ایشان سؤال کنم:

آیا در میان عرب نیز این افکار را یافتید یا صرفاً نتیجه ی تحقیقات شخصی شماست.؟

جالب و غم انگیز است که یک ایرانی به تعمق در تبه کاریهای یهود مشغول شود و روی سیاه این شریران و شرار خلق را نمایان سازد.

هرچند تبه کاریهای یهود اول و آخر ندارد و تا آخرین روز حیاتشان به این صفتهای پلید خود آلوده خواهند بود.

وب سایت

نویسنده: سلیم

دوشنبه 21 مرداد1387 ساعت: 14:50

با سلام
آقای ناظر سوم لطف می فرمایید به ما هم یاد دهید چگونه به قضایا نگاه کنیم تا مثلا نیمه کاره بودن تخت جمشید را نبینیم؟!؟!؟ و بحث های ضعیف انجام ندهیم!!؟
اگر کلاس خصوصی هم میگذارید لطف کنید آدرس دهید چون دیگر از دیدن این همه جعل و دروغ در اطرافم خسته شده ام و می خواهم طور دیگر نگاه کنم که زندگی به کامم شیرین شود!!!!

نویسنده: هاتف

دوشنبه 21 مرداد1387 ساعت: 15:25

با چه پیش شماره ای؟

نویسنده: سرباز

دوشنبه 21 مرداد1387 ساعت: 16:58

سلام استاد عزیز

از زمانی که نقد تورات را آغاز کردید سوالی ذهنم را مشغول کرده که مخصوصا" با جمله ی اول یادداشت اخیرتان بسیار پررنگ می شود:

شما در مورد عزیر چه می گویید که به گواهی قرآن مجید، یهود او را فرزند خدا خوانده است؟ آیا او منطقا" نمی توانسته پیامبری برای بنی اسرائیل باشد؟ و گرنه چگونه یهود او را بهانه ای برای اتصال به ذات خدا قرار داده است؟

با تشکر

نویسنده: بی نام

دوشنبه 21 مرداد1387 ساعت: 21:29

به ناظر سوم
من نمی دانم ایا این هم از ان نوع تکدی گریهای لوکس با کت وشلوار ومانتو و هفت قلم ارایشه که اینبار مدرک را بجای کت وشلوار وماتیک سرخاب پاشنه کردند یااینکه سناریویی دیگر از برخورد نزدیک از نوع سوم وبه تعبیری برخورد یک هوشمند فرا انسانی از نوع یهود با ان پدرسوخته گری خاص خود با گوییم های شبه انسان البته از منظری که ایشان می نگرند!!!اقا بد طوری به دست وپا افتاده اید ها!!! حتما"سوراخ دعا گم شده که مونگولها را به عرض اندام وادار شده اند.
من که بد جوری تحت تاثیر مدرک اکادمیک تو واقع شدم !!!فوق دددددکککتترا ولی بچه ها می گن این تیپ لته کاغذها از دستمال رولی (دستمال توالت)برای جمع حاضر در این وبلاگ کم ارزش تره.من تورا تو این یه مورد قبول دارم یه ایمیل بده بیشتر برام از فوق دکترا تعریف کنی.شاید تونستیم به توافق برسیم ویه راهی هم برای اقای م.ستاره باز بشه ودوتایی حقوق بگیر اورشلیم شیم!!!.
من که وا موندم ایا این شاهد مرده (موشه زرگر)را به مصداق ان روباه و دمش بگیرم یا به ان کچل بی مو که به گیس دراز خواهرش می نازید؟ بخدا عجب کلک اید شما جهودا حتی ادعاهاتون موجب سر در گمی یه.
ان عالم اسلامی را نیز معرفی کن شاید می ترسی تبلیغ سو بر علیه یهود شه ولی اشکال نداره بنده می گویم ایشان ایت الله سیدحسین شیرازی ونویسنده کتاب یهودیت و دنیا هستند البته محض اطلاع دوستان گفتم ولی هیچ گاه گفتار ایشان به عمق وریشه یابی گفتار استاد نیست (دوستان حرف این اقاجهوده در این مورد هم نوع بدیعی از شانتاژ اورشلیمی است) ولی از انجایی که ایشان از متقدمین رسوا ساز یهودیت پست است مورد احترام ماست.
دراخر با شناختی که بنده از قدرت معرفتی جناب اقای ایدین قشقایی دارم (خارج از این فضای مجازی) شک ندارم نیت

ایشان خیر است شما را به این وبلاگ دعوت کرده تا درمان شید و اون رگ احتجاج گر یهودی ات کورتاژ بشه.اخه می دونی بچه های این وبلاگ فوق دکترای کورتاژ دم نو میدون یافته های مسلمونای خرافی ودماغ پینوکیویی باستان پرستا و رگ احتجاج گر یهود پست اند.

نویسنده: ..

دوشنبه 21 مرداد1387 ساعت: 21:33

جناب سلیم
گفتار این داش ناظرسوم هزیون پس ازمصرف اکستازی بود. سعی کن از بنی اسرائیل چاره کار نطلبی اینان اوج خیانت اند در مشورت.

نویسنده: ---------------------

دوشنبه 21 مرداد1387 ساعت: 21:40

جناب ناظر سوم
تو با حال ترین ناظر سوم دنیایی.جون مادرت بگو چه حال می کنی که اینقده قشنگ خالی میبندی.
ایدین جان از تو دیگه انتظار نداشتیم با اینجور بچه ها بگردی؟حیف تو نیست با ان مدرک فوق لیسانس و دانشجویی دوره دکترا با این معتاد پعتادها بگردی؟

نویسنده: عدنان

دوشنبه 21 مرداد1387 ساعت: 22:12

سلام بر شما جناب آقای پورپیرار
وب شما را همیشه خوانده و در جزیره قشم تبلیغ میکنم سوالی داشتم که آیا در مورد تاریخ قشم و بنادر جنوبی تا کنون تحقیق نموده اید؟
از انجا که آثار پرتقالیها در این شهر و بندرعباس و کنگ و...میباشد آیا در آن زمان(قرن نهم) که با دوره صفویه برابر است جمعیت بومی درانجا حضور داشته اند یا خیر

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 21 مرداد1387 ساعت: 22:13

آقای هاتف. با پیش شماره ی تهران، 021.

آقای فتح. فرقه های اسلامی مشرک نیستند، شرک مخصوص اهل کتاب پیشین و معتقدان به تثلیث است.

آقای سرباز. چنین نامی در اسناد دین یهود ثبت نشده و نزدیک ترین نام به او عززیا است که در زمره ی انبیا' نبوده است. شخصا این نام را فقط در قرآن کریم دیده ام و به همین دلیل معتقدم حذف نام او در تورات های جدید نیز توطئه ای علیه قرآن است.

آقای عدنان. ممنون. تدارکات دفاعی پرتقالی ها در جزایر خلیج اثبات کننده ی حضور مردم بومی در آن منطقه نیست. اگر در داخل ایران تجمع انسانی و تحرک اجتماعی نایاب است، پس تصور زندگی جمعی در جزایر جنوب که بیش تر آن ها تا این اواخر غیر مسکون بوده، تصوری سالم نیست.

نویسنده: سلیم

دوشنبه 21 مرداد1387 ساعت: 22:30

آقای .. بگذارید تن ما هم به تن جهودان یکتاپرست با شرف بخورد!!!
شما چقدر سخت میگیرید!!این قوم خداشناس که کاری نکرده اند!!به جز به راه انداختن قتل عام پوریم و تحریف تاریخ و به جان هم انداختن مسلمانان و ربا خواری و کشتن یک مشت بچه که معلوم نیست تو این گرانی نان و پوشک بچه تو این دنیا چه کاری دارند!!!
بابا شما چرا نمی خواهید بفهمید!ایشان مدرک فوق دکترا دارند!!!آخره معماری هستند!!

پس از دیدن دوره و گرفتن مدرک از ایشان حتما جزوه ها را در اختیار شما هم قرار خواهم داد!! نگران نباشید و اینقدر حسودی نکنید!!!

نویسنده: آیدین یاشار

سه شنبه 22 مرداد1387 ساعت: 0:9

گزیده‌هائی از پروتوکول زعمای صهیون (بخش 1)
1 – نظارت بر مصرف الکل که آزادی در مصرف آن روح آزادی خواهی را تقویت میکند.
2و9و12 – انتشار عقایدی نظیر داروینیزم، مارکسیزم، نیچه‌ایزم، لیبرالیزم، سوسیالیزم، کمونیزم، آنارشیزم، اوتوپیانیزم با هدف ایجاد تزلزل در نظامهای موجود.
4 – ترویج ماتریالیزم
5 – ترویج ایده حکومت جهانی
7 – بهره برداری از تشنجات بین المللی و جنگهای منطقه‌ای و جهانی
10 – ایجاد مصنوعی بلایا و فلاکتهای طبیعی علیه ملت خود به منظور تأمین مشروعیت برای جلب کمکهای مالی بین المللی
11 – غیر یهودیان در حکم گله‌اند و ما گرگیم. ایجاد سازمانهای فراماسونری مخفی برای اداره افکار این گله‌ها.
11و12و17 – تحدید آزادیهای مدنی به بهانه مبارزه با دشمنان صلح
13 – القای توهم در خصوص واقعیت آزادی مطبوعات، آزادی بیان، حقوق بشر و دموکراسی که همه اینها در نهایت فریبی بیش نیست و بمثابه پرده دودی است که در قفای آن سرکوب واقعی انسانها صورت میگیرد.
14 – انحراف افکار در همه کشورهای پیشرفته از طریق میدان دادن به ادبیات توخالی، بی محتوا و مستهجن.
16 – استقلال فکری صرفا باید در انحصار یهود باشد و قطره ای از آن نباید نصیب ملتهای غیر یهودی بشود.
17– تخریب حیثیت روحانیون ملل غیر یهودی و ایجاد انشعاب بین آنان.
20 – شستشوی مغزی
21 – القای مصنوعی و بهره برداری وسیع از بحرانهای اقتصادی، تخریب نظامهای اقتصادی از طریق دیون خارجی، ترویج ورشکستگی ملی، تخریب بازارهای پولی و جایگزینی آن با موسسات اعتباری دولتی.
22 – قدرت امروز قدرت طلاست و ما قادریم ظرف دو روز هر مقدار از آن را در اختیار بگیریم.
23 – توجیه تراشی برای شرارتهای گذشته و ایجاد امید برای یک نظم نوین جهانی

نویسنده: آیدین یاشار

سه شنبه 22 مرداد1387 ساعت: 0:10

گزیده‌هائی از پروتوکول زعمای صهیون (بخش 2)
24 – کاهش تولید کالای لوکس، تضعیف تولید کنندگان بزرگ، منع الکل و حشیش، میدان دادن به نیروهای آشوبگر تحت لوای آزادیخواهی، و سپس سرکوب همان نیروهای به دست پادشاه یهودی برای ایجاز تصویر یک ناجی از وی.
همچنین کنترل رسانه‌های جمعی و تسلط بر اهرمهای اقتصادی در جای جای سند مورد تأکید قرار میگیرد.
یادآوری میشود که در این پروتوکل، اقوام غیر یهودی goy نامیده میشود که به احتمال قوی ریشه ترکی دارد و به معنای گوسفند است، زیرا پروتوکول تمام اقوام غیر یهودی را به گله و یهودیان را به گرگ تشبیه میکند. این کلمه ممکن است از طریق خزرها وارد تفکر یهودی شده باشد.
مطالعه متن کامل پروتوکول عبرت بر انگیز است.
http://www.biblebelievers.org.au/przion1.htm

نویسنده: تلمیذ

سه شنبه 22 مرداد1387 ساعت: 3:3

2-اما از جنبه روانشناسي بنده معتقدم كه احتمالا" تز فوق ليسانس و يا دكتري ايشان در باره معماري بناهاي،اكنون مكشوف، يهود و ارمني ساز بي ارتباط به هم ايران؟!!!بوده كه به احتمال باز هم قوي تر در باره تخت جمشيد بدون سقف و پنجره و چراغدان و نورگير و حمام و توالت و سيستم تهويه و پنجره و...بوده است و درست مانند اساتيد زبانهاي باستان ايران كه با نشخوار هزوراشهاي به اصطلاح كتيبه هاي پارتي و ساساني دكتري و كرسي استادي در دانشگاهها را اخذ نموده اند و قص عليهذا دكترا هاي تاريخ ايران باستان و ايران بعد از اسلام كه تز دكترايشان در باره جزئيات دربار و زندگي امپراتورهاي صحراگردان پاپتي امثال پدران خودمان،كه براي سرپناهشان عرضه ساختن يك كپر و كومه را هم نداشته اند چه رسد به كاخ و ايوان و...، بوده است كه وجود كليت آن امپراتوران محتشم هم در تاريخ قابل اثبات نيست چه رسد به جزئيات زندگشيان!!!يا از قماش آن كساني است كه تز دكترايشان در باره مثلا" سفرهاي سعدي به اقصا نقاط دنيا و يا ناز و غمزه هاي معشوقه هاي حافظ و... بوده است بي توجه به اينكه اصل چنين شخصيتهايي و آثارشان تماما" جعل اندر جعل است و بس!!! و ديگر موضوعات تزهاي دكتراي آبدوغ خياري از اين دست بوده است و چون به قول استاد پورپيرا كبير اوراق تزهاي دكترايشان فقط به درد بقال سر كوچه شان براي پيچيدن زردچوبه مي خورد و بس ماتحتشان از ديدن مستند آتشين تختگاه هيچكس استاد غفوري گر مي گيرد و چاره ايي بجز داد و فرياد و هذيان گويي ندارند!!!
3-پر واضح است كه ساختمانهايي كه اين بشر معماري مي كند درست مانند تخت جمشيد نه نام مشخصي (هيچكدام از نامهاي خارجي و داخلي تخت جمشيد نام واقعي اين بنا نيست و اين اسامي جعلي و باسمه اي است) خواهد داشت و

مطمئنا" درست مانند تخت جمشيد فاقد سقف، پنجره، نورگير، تهويه،روشنايي مناسب، دودكش، شبكه فاضلآب و... و به خصوص نه مناسب شرايط جغرافيايي منطقه و محل احداث و ...خواهد بود كه مطمئنا" حتي روباه و شغال هم،درست مانند تخت جمشيد،جايي براي سكنا در اينگونه بناها پيدا نخواهند كرد!!!

۱ ۲ >>

ایران شناسی 169

ایران شناسی بدون دروغ، 169، بررسی سفر پیدایش تورات، نتیجه - 113 نظر

نویسنده: ...

سه شنبه 29 مرداد1387 ساعت: 11:28

http://www.rajanews.com/detail.asp?id=15396

http://www.rajanews.com/detail.asp?id=15397

نویسنده: حاجی زاده

سه شنبه 29 مرداد1387 ساعت: 11:40

استاد ارجمند، سلام و خدا قوت
خداوند در سوره ی مریم، بعد از آوردن شرح حال کوتاهی از انبیایی چون زکریا و یحیی و عیسی و ابراهیم و موسی و هارون و اسماعیل وادریس در آیه ی 58 همین سوره می فرماید:
«اولئک الذین انعم الله علیهم من النبیین من ذریة آدم و ممن حملنا مع نوح و من ذریة ابراهیم و اسرائیل و ممن هدینا و اجتبینا اذا تتلی علیهم آیات الرحمان خروا سجدا و بکیا. اینان گروهی از انبیاء از فرزندان آدم و آنان که با نوح حمل شدند و از فرزندان ابراهیم و اسراییل اند که برگزیده و هدایت شده بودند چنان که اگر آیات خداوند رحمان بر آنان خوانده می شد، گریان به خاک و سجده می افتادند».
1.آیا همین که نام اسرائیل مستقلا" آمده است، حاکی از آن نیست که وی از نسل و ذریه ی ابراهیم نبوده است؟
2.با استناد به آیه ی 58،حداقل یکی از انبیایی که شرح حالشان وصف شده ، قطعا" از فرزندان و یا نسل اسرائیل بوده است.
3.اگر عبارات"برگزیده و هدایت شده بودند..."را معطوف به انبیایی که شرح احوالشان آمده است،بگیریم، پس نمی توان اسرائیل را یک نبی ویا برگزیده قلمداد کرد،بلکه او تنها پدر و یا مهتر یک قوم مشهور و دردسرساز بوده است که از میانشان پیامبری نیز برخاسته است.
تا نظر استاد محترم چه باشد؟

نویسنده: 000

سه شنبه 29 مرداد1387 ساعت: 18:1

نامه آقای سلیمی نمین به احمدی نژاد
لینک اصلی(سایت فیلتر است) : http://www.asriran.com/view.php?id=50256

نویسنده: ....

سه شنبه 29 مرداد1387 ساعت: 15:31

با سلام خدمت استاد و عرض خسته نباشید . از خدا برای شما عمر طولانی و سلامت مسئلت می کنم .
آقای ... که مرتبا لینکهایی در مورد مشایی معرفی می کنی ! برادر ممنون از این اطلاع رسانیت . ولی مثل اینکه اطلاع نداری کارنامه کسانی که در برابر مشایی موضع گرفتند پاکیزه تر تر از مشایی نیست ! مگر گمان می کنی واقعا کسی در این کشور هنوز به این چیزا اهمیت می ده ؟ اینهایی که ادعای اسراییل ستیزی می کنند و دایه مهربانتر از مادر شده اند چرا با اینکه فیلم مستند تختگاه هیچ کس رو دیدند و مطالب وبلاگ استاد پورپیرار رو هم خوندند (من که شک ندارم از همه این وقایع آگاهن) پس چرا این حقایق و از جمله قتل علام پوریم رو برای مردم بیان نمی کنند که اسراییل نسبت به آن این همه حساس است؟
اینها فکر کردند که با این نمایشات بنیان اندیشان فریب خواهند خورد؟

نویسنده: هادی از شیراز

سه شنبه 29 مرداد1387 ساعت: 20:26

گفته اید که قران تنها سند غیر مخدوش و سالم دینی است و ادعا کرده اید اثبات آن آسان است پس لطف کنید ثابت کنید با حرف زدن هیچ چیز ثابت نمی شود.

نویسنده: امیر عماد

سه شنبه 29 مرداد1387 ساعت: 20:29

سلام استاد گرامی
با توجه به مطالبی که شما در ارتباط با عدم درستی تورات نوشته اید و خصوصا فصل پیدایش را استادانه نقد کرده و از اعتبار انداخته اید سوالی که پیش می آید این است که با توجه به بی اعتباری تورات شما چگونه از این متن بی اعتبار در جهت اثبات پوریم استفاده می کنید.thx

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 29 مرداد1387 ساعت: 20:50

فریبا خانم. موفق به درک کامل منظور پنهان در سئوالات شما نشدم. برابر آیه ی 93 از سوره ی آل عمران، آن اسراییل که قوم بنی اسراییل را پیش از ظهور موسای پیامبر هدایت می کرده، شخصیتی منفرد و مستقل و بدون پیوند با راه نمایی های الهی بوده است. در آیه ی مورد نظر شما، برگزیدگی هیچ یک از انبیاٴ ذکر نشده و قرآن به طور معمول پیامبران را "انعم الله، مورد لطف خداوند"، "اجتبینا، در جوار خدا" و یا هدایت شده خوانده است، مگر در چهار مورد که "ان الله اصطفی، یعنی برگزیده خداوند" گفته شده اند: 130 بقره، 33 و 42 آل عمران و 144 اعراف. در مورد نخست خداوند ابراهیم را در دنیا و آخرت برگزیده ی خویش می خواند، که امتیازی استثنایی است. در آیه ی دوم باری تعالی آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را برگزیده و برتر از "عالمیان" خوانده است. در آیه سوم مریم برگزیده و برتر از "زنان عالم" گفته شده و در آیه ی چهارم موسی برگزیده ای بر "قوم خود" خطاب می شود. بدین ترتیب مقام برگزیدگی بر اساس این آیات، ابتدا بر ابراهیم و سپس بر آدم و نوح و آل عمران بخشیده می شود، که در مورد ابراهیم دو جهانی است. در ابواب دیگر، انبیاٴ مذکور در قرآن، غالبا در زمره ی ذریه ی پیامبران بزرگ خوانده شده اند که به تنهایی معنای برگزیدگی ندارد و بنا بر صریح چند آیه، حتی می توانند مطرود و مورد مواخذه ی خداوند نیز قرار گیرند.

آقای رامین. تشخیص های شما درباره ی او کاملا قابل تایید است، اما به تر که با کلماتی بدون بوی عصبیت بیان شود.

آقای هادی. اگر از این اشاره چیزی درک می کنید به اطلاع تان برسانم که هنوز در هیچ نقطه ای از جهان، قطعه ای از قرآن و از هیچ عهدی یافت نشده که متنی جدای از قرآن های موجود در قفسه ی کتاب فروشی های امروز داشته باشد. پس گمان دست بردگی در آن با عرضه ی کدام نمونه اثبات می شود؟ قرآن انجیل نیست که چند ورژن رسمی داشته باشد و تورات نیست که در هر دوره بنا بر نیاز خاخام ها تجدید مطلب شده باشد.

آقای امیر عماد. فقط از نادرستی اسفار خمسه گفته ام، سایر کتاب های ضمیمه ی عهد عتیق، قسمتی از تورات نیست،

بل شرح حوادثی است که رابی ها در باب تاریخ یهود پس از موسی نوشته اند و غالبا درست است. اگر از قضیه سر در نمی آورید، شاگردانه بپرسید و طلبکارانه سئوال ندهید.

نویسنده: ---------------------

سه شنبه 29 مرداد1387 ساعت: 21:52

جناب ....
اگر ممکن است نشان نام خودتان را تغییر دهید واگر ممکن نیست لطفا" اعلام کنید تا بنده تغییر دهم . ممنونم

نویسنده: ..

سه شنبه 29 مرداد1387 ساعت: 22:11

جناب ....
وظیفه ما انجام رسالت اعتقادیمان است حتی اگر این انجام وظیفه وجه اشتراکی با انوسیها پیدا کند.گاهی حتی دشمنان هم حرف درستی می زنند خوب فکر می کنی در مقابل ان باید مقاومت کرد؟
در نظام اعتقادی بنیان اندیشان، یهود و انان که دست خون الود این قوم را تغسیل و تطهیر می کنند در جایگاه اول مبارزه فرهنگی قرار دارند و مشایی استثنا از این اصل اعتقادی نیست. اطلاع رسانی در مورد کلام ننگین ایشان یک وظیفه است.

جناب... از اطلاع رسانی شما ممنونیم.

نویسنده: حکیمی

چهارشنبه 30 مرداد1387 ساعت: 0:55

ما خیلی مخلصیم ارباب!

نویسنده: نسرین

چهارشنبه 30 مرداد1387 ساعت: 1:14

سلام و وقت به خیر
نامهای عبری و یهودی مکانها و اقوام:

خراسان:Chor- ashanدرعبری به معنی کوره دود-در کتاب مقدس نام یکی از مکانهایی در فلسطین باستان است که داوود غنائم جنگی را برای اهالی آنجا فرستاد-نام منطقه(Chorazin)درشمال جلیله فلسطین که در تلمود ذکر شده است نیز به نام خراسان شباهت دارد.

شیراز:(Shir+Raz) در عبری به معنی شعر سری- شعر رازآلود- آواز سری-Shira نیز در عبری به معنی آواز خواندن و شعر میباشد.

کابل:ترکیبی از نامهای قابیل(Cain-Qayin) و (هابیلAbel-Hevelنفس-بخار)- یا برگرفته از نام مکانی در فلسطین باستان به نام Cabul که امروزه Kabulنامیده میشود.

نیشابور:از کلمه ی عبری(NESSA) به معنی معجزه،شاهکاریا از کلمه ی عبری(NISSA)به معنی نشانه و علامت است.خود کلمات نشان و نشانه و نشانی ریشه عبری دارند و ازهمین کلمه (NISSA)اقتباس شده اند.

آستارا:(Ashtoreth -Astera)ورژن دیگری از نام استر در عبری این کلمه در اصل نام الهه فینیقی ها میباشدودر زبان اکدی به صورت ایشتار(Ishtar)تلفظ میشود.کلمات ستاره و اختر فارسی در اصل از این کلمه مشتق شده اند.

گیل وگیلان:از کلمه ی عبری (Gilanah-Gil) به معنی شادی و خوشحالی و یا از کلمه ی عبری ایلان(Ilan)به معنی درخت

قائن:نام عبری قابیل(Qayinنیزه-صنعتکار)

نیر:(Nir)درعبری به معنی زمین شخم زده-همچنین(Ner)برادرکیش(Kish)وعموی سائول(Saul)است

کیش:(Kish)کیش یا قیس نام پدر شائول است،این کلمه در اصل سومری میباشد

سینا(شبه جزیره سینا در مصر):(Sinaiدر عبری به معنی بیابان رسی(اصل این کلمه مصری است)

کریمه(شبه جزیره کریمه در اوکراین):نام شبه جزیره کریمه (Crimea) در اوکراین از عنوان فرقه یهودی قرائیم گرفته شده است .

آمل:از نام Hamulپسر یهودا و تامار

قشم:از کلمه ی عبری (Geshem) به معنی باران

ماسال و ماساللی:(Mishal-Mashalالتماس)بنا به کتاب مقدس شهر قبیله آشر(Asher)در فلسطین باستان که امروزه (Misalli)نامیده میشود

و...

نویسنده: نسرین

چهارشنبه 30 مرداد1387 ساعت: 1:26

کلمات دیگر عبری در زبان فارسی:

سپهر(Saphirکبود)--خل(Choleh فرد مریض)-خانه(Chaniya محل استراحت،اردوگاه)-سوق(Shukبازار)-زیبا(Ziva درخشان)-مار(Mara،Marir تلخ)-آذین(Adin تزیین شده،زیبا)-عشق(خَشَق xašaq خواستن، آرزو کردن، وصل کردن، چسباندن، لذت که در تورات عهد عتیق بارها به کار رفته است)-خوش(kosher مناسب،درست،خوب)-خوجیر (kosher مناسب،درست،خوب)-و...

کلمه آذر هم از کلمه عبری(Adar)به معنی آتش برگرفته شده است.این کلمه در نام بعضی از یهودیها وجود داردمانند:منوچهر آذری بازیگر یهودی طنز رادیو و تلویزیون

نویسنده: محمود بجانی

چهارشنبه 30 مرداد1387 ساعت: 7:59

با سلامی بر مرد خستگی ناپذیر مبارزه با دروغهای بزرگ
زمانی که نخستین بار با عقاید شما برخوردم اول خوشحال شدم بعد ترسیدم چون همه چیز را بازخوانی می کردید ولی از همان ابتدا جسارت بازخوانی متن قرآن را نداشتید زیرا معتقد بودید قرآن خدشه ناپذیر است ترسم آن بود که روزی قرآن را دروغ بخوانید و آنوقت ما می ماندیم و دیگر هیچ !
اما روز به روز اعتمادم به شما و راسخ بودن اعتقادتان بیشتر و بیشتر می شود امیدوارم خداوند خود شما را در این راه یاری رساند که تنها یاریگر واقعی و بزرگ و همیشگی اوست . زیرا من چطور مردی را که اینگونه از کتاب الهی دفاع می کند و آن را می خواهد از انحراف مصون دارد می توانم بستایم .
انشاالله که هر چه بیشتر از انوار الهی که با صفحات قرآن هم می تواند تابیده شود بر جانهای ما بتاید تا هر چه بیشتر به سوی مقصود حرکت کنیم که مقصود تنها و تنها سبحان و سبحان و سبحان است .
با احترام بسیار محمود بجانی

نویسنده: فدایی

چهارشنبه 30 مرداد1387 ساعت: 13:37

با سلام خدمت جناب پورپیرار و بقيه دوستان
ضمن تشكر از جناب پور پيرار به خاطر زحمات خستگي ناپذيرشان يك انتقاد جدي به بعضي دوستان داشتم. بنده طي چند سال مطالعه آثار ايشان، حداقل چيزي كه ياد گرفتم اين بود كه مستند حرف بزنم و از طرفي حرفي را بدون سند قبول نكنم.از دوستان هم انتظار دارم همين طور باشند. ولي متاسفانه بعضي اوقات كه به بخش نظرات مراجعه مي كنم مطالبي مي‌بينم كه نويسنده آن هيچ چيزي جهت اثبات حرف خود ارائه نكرده است. نمونه آن وصله يهودي بودن است كه به بعضي افراد مي زنند. يك روز عسكراولادي، يك روز ذبيح الله منصوري، .... نه اينكه صرف يهودي بودن چيز بدي باشد و يا در مقام در مقام دفاع از آنها برآيم كه اتفاقا از منش و روش اكثر آنها بيزارم. ولي بدون سند و مدرك اصلا شايسته نيست. خواهش مي كنم براي حفظ حرمت قلم و همچنين اين وبلاگ اين مورد را رعايت كنيد و در اين جو سركوب و سانسور عليه اين وبلاگ بيشتر از اين بهانه دست مخالفان ندهيد.
با تشكر
موفق باشيد.

نویسنده: نتاب

چهارشنبه 30 مرداد1387 ساعت: 15:6

با سلام
چند تا از کومنتهای پیشین:

نویسنده: مسعود
شنبه 27 بهمن1386 ساعت: 23:25
گمان میکنم جزو اولین کسانیم که یادداشت را خواندم و در نهایت خشوع و تعظیم تنها میتوانم بگویم : هیچ دفاعی را برای مدعیان قدمت شیراز کهن ! باقی نگذاشته اید که به نوبه خود این هم تعمیمی میشود برای همه جای این سرزمین اسرار آمیز!

نویسنده: آتامان
شنبه 27 بهمن1386 ساعت: 23:55
با سلام
مطلبی که در مورد شیراز مرقوم فرموده اید ، در مورد تبریز هم میتواند صادق باشد. هر چند ظاهرا قدمت تبریز بیشتر از شیراز به نظر میرسد ولی با نگاهی به عکسهای قدیمی و بر اساس روش استدلال شما براحتی میتوان دریافت که تبریز زمان عهد صفویه نمی توانسته است بیش از چند هزار نفر جمعیت داشته باشد . حال با این اوصاف چگونه دویست و پنجاه هزار نفر و چهل هزار خانه در زلزله 230 سال پیش در تبریز کشته و ویران شده اند ، از عجایب غیر قابل باور است.
همانطور که قبلا هم عرض کرده بودم ، به نظر میرسد با توجه به قابلیت زلزله خیزی تبریز و مناطق اطراف آن ، بر طبق اسنادی که نویسندگان آنها غالبا ارمنی هستند ، خواسته اند چنین وانمود کنند که دلیل اصلی مرگ و میر و کاهش جمعیت و افول رونق شهری در این منطقه زلزله بوده است.
درحالی که اینک میدانیم که زلزله واقعی و اصلی همان حادثه شوم پوریم بوده و بس.

نویسنده: ناصر پورپیرار
یکشنبه 28 بهمن1386 ساعت: 0:29
آقای مسعود. منظور از افسانه های موجود درباره ی دروازه ی قرآن که گویا عضدالدوله دیلمی در 1000 سال پیش برای شیراز ساخته است، وسعت بخشیدن به شیراز نیست، ایجاد جاعلانه ی علامت حیات برای مدیریت های سیاسی پس از پوریم است که منطق و مظهر وجودی دیگری ندارند، چنان که این همه شاعر و پزشک و منجم و جغرافی دان قلابی و مهمل نویس را در جای کاروان سرا و بازار و حمام و آب انباری گذارده اند که تولید جاعلانه ی آن ها ممکن نبوده ولی ساختن نام و چند غزلی بر کاغذ، از خوردن شربت سکنجبین نیزبرای جاعلین آسان تر بوده است.

نویسنده: نتاب

چهارشنبه 30 مرداد1387 ساعت: 15:11

آقای آتامان. برای شناخت تاریخ بنای هر شهر، باید به کهن ترین نمایه ی معماری آن، در تطابق با ممیزات مخصوص شهر نشینی، چون کالاهای مصرفی و بناهای عام المنفعه از قبیل حمام و آب انبار و خانه ی حاکم و امیر و معبد و مسجد و غیره توجه کرد و البته با مقیاس درست و نه بر اساس شایعات. چنان که در اصفهان قدیم تر از ابنیه ی عهد به اصطلاح صفوی وجود ندارد، در شیراز این قدمت از زمان زندیه دورتر نمی رود و به گمان من در تبریز از قاجار عقب تر نیست. بدین ترتیب نخستین شهرها در ایران پس از پوریم، بر مبنای مانده های معماری، اصفهان و قزوین و قم و کاشان است و جز این ها در هیچ نقطه ی دیگر ایران آثاری از صفویه و ماقبل آن پیدا نمی شود. شاید که یادداشت های بعد روشنی بیش تری بر این مباحث بیفکند که برای جمعی ناخوش آیند شده است.

نویسنده: نتاب

چهارشنبه 30 مرداد1387 ساعت: 15:16

نویسنده: مرد ترکستان
یکشنبه 28 بهمن1386 ساعت: 1:41
با سلام
ارک علیشاه در تبریز مربوط به زمان اوزن حسن بوده و آزمایشات کربن 14 آن را اثبات نموده است .

نویسنده: ناصر پورپیرار
یکشنبه 28 بهمن1386 ساعت: 7:57

آقای مرد ترکستان. آیا از این آزمایشی که می گویید گزارشی منتشر شده و یا خصوصی بوده است؟ وانگهی ارگ زمان وزون حسن به ارگ اوزون حسن معروف می شود و نه علی شاهی که باز هم چون اوزون حسن بی نشان است! پیش از این که علی شاه و یا اوزون حسنی بتواند ارگی برای خود در شهری بسازد، مردم آن شهر باید بازار و حمام و آب انبار و گذرگاه و پل و کارگاهی داشته باشند، تا بتوانند هزینه ی ساخت ارگ را به حاکم علی شاه و یا اوزون حسن نام خود بپردازند.

نویسنده: بی نام

چهارشنبه 30 مرداد1387 ساعت: 15:42

سرکار خانم نسرین
با سلام
اگر ممکن است مرجع نوشته هایتان را معرفی کنید.

نویسنده: ویرگول

چهارشنبه 30 مرداد1387 ساعت: 20:46

آیت الله نوری همدانی
کیست که نداند که استعمار پیر انگلستان این غده سرطانی را با نقشه شوم هولوکاستی در این سرزمین غرس کرد و سردمدار استکبار جهانی یعنی شیطان بزرگ آمریکا این شجره خبیثه را آبیاری کرد.
قشنگه جهود تو هرجا مخفین! انگلیس آمریکا آلمان و.

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 30 مرداد1387 ساعت: 21:24

خانم عرب زاده. به ای میل تان پاسخ داده ام. مسلما بدون مطالعه ی کامل و دقیق مجموعه یادداشت های "ایران شناسی بدون دروغ" از مباحث جاری مطلب چندانی درک نخواهید کرد. هرچند کلان بودن این مدخل ها بسیاری را پس از مطالعه نیز حد اکثر دچار تردید کرده است.

آقای نتاب. منظورتان از انتقال دوباره ی جواب ها چه بود؟

آقای ترک 86. تاریخ و ماجرایی را که ارائه می دهید قابل تامل است، هرچند زمان طوفان را باید لااقل یک هزاره دورتر برد. ضمنا پذیرش شدت بارندگی با توصیفاتی که قرآن آورده، گریز از آن را مگر به مدد کشتی غیر ممکن می کند. مطلب اساسی این که تاریخ از حیات مقدم بر حضور رومیان شرقی در ترکیه خبری نمی دهد و نام هیچ قوم کهن متعلق به هزاره های دور و آثاری از آن ها، مثلا بقایای معماری، در ترکیه ی امروز دیده نمی شود، که چنین خلائی از جنبه ی باستان شناسی طبیعی نیست و جز با انهدام کامل ناشی از طوفان توضیح داده نمی شود. اگر کشورهای اسلامی همتی کنند، با وجود کشف سرزمین وقوع طوفان، به دست آوردن دقیق زمان آن با بررسی دوران شناسانه ی بقایا، چندان دشوار نیست. مطلب این است که مراکز دینی و مذهبی اسلامی که این همه بر منابر نان این طوفان را خورده اند، در برخورد با این کشف اصلی، احتمالا به خاطر برخوردش با ادعاهای تورات، رو ترش می کنند و فقط مانده است که عبری حرف بزنند!!!

آقای فدایی. مشکل این است که شیوه ی عمل برخی از افراد به خصوص در حوزه ی اقتصاد و فرهنگ بسیار به سبک یهودیان نزدیک است، به اضافه ی قرائنی که نمی توان از آن گذشت. با این همه هر ادعایی باید با مدارک کافی همراه باشد، مگر این که به صورت سئوال طرح شود.

نویسنده: تلمیذ

چهارشنبه 30 مرداد1387 ساعت: 21:31

با سلام خدمت استاد پورپیرار کبیر و سایر دوستان
با اجازه استاد:
1-مطابق متن صریح قران کریم صراط مستقیم همان اعتقاد به وحدانیت خداوند است و بس.
2-هر مسلمانی موظف به اعتقاد به وحدانیت خداوند و وحی بودن قرآن کریم و عمل به آن است و طبق دستور اکید خداوند خود پیغمبر اسالم نمی بایست در وحی بودن قران کریم شک می کرده و می بایست اولین مسلمان می بوده است.
3-از آیاتی چنین استنباط می شود که گویا عده ایی از عشایر عرب اطراف مکه به اسلام مومن می شوند و بر پیامبر اسلام منت می گذاشته اند که ما هم مسلمان شده ایم!!!خطاب خداوند چنین است که آنها چرا بر تو منت می گذارند در حالی که به راه راست هدایت شده اند!!! به عبارت دیگر انها باید ممنون تو باشند و نه بر عکس.
پس هر مسلمانی از پیغمبر اسلام گرفته تا پایان جهان موظف به عمل به قران کریم است و صرف عمل نمودن به قران کریم

از هیچ مسلمانی قدیس نمی سازد!!! آنها و آیندگان تنها و تنها به وظیفه دینشان عمل کرده اند،کاری که هر مسلمانی باید انجام بدهد!!!این نکته باریکی است.
3-به نظر من کلمه «نقصص» در قرآن کریم به معنی «کوتاه بیان کردن» است و نه داستان گفتن!!!
4-حوادث مربوط به حضرت ابراهیم و نوح نشان می دهد که قداست یک شخص ربطی به اصل و نسبش ندارد و نمی تواند داشته باشد!
5-در سوره بقره هم فضلی که به بنی اسرائیل شده است نیز همان راهنمایی این قوم به وحدانیت خداوند است که قدرش را ندانسته اند و اتفاقا" این آیه دو بار تکرار می شود و بعد از برشمردن نعمتها یک آیه یکسان تکرار می شود که «پیشینیان هرچه کردند مربوط به خودشان است و شما مسئول اعمال خود...»!!! نکته بسیار باریکی در اینجاست!!!

نویسنده: نسرین

چهارشنبه 30 مرداد1387 ساعت: 22:55

منابع:
www.hebrewletters.com
http://www.babynamecollection.com
http://www.behindthename.com
http://strongsnumbers.com/hebrew
http://devel.searchgodsword.org/enc/isb/view.cgi?number=T818
http://www.christiananswers.net/dictionary/nain.html
http://www.bartleby.com
http://www.churchisraelforum.com/the_cursed_city_of_chorazin.htm
http://www.moridenur.ir/yahood.htm
www.porsojoo.com
www.britam.org
www.iranjewish.com
www.khazaria.com
http://www.designersketchbook.com
http://www.studylight.org
http://listserv.heanet.ie
http://siddhameditation.blogspot.com
http://muslimisraelis.googlepages.com
http://members.aol.com/zimlechem/name_key
http://www.viewzone.com
ttp://atomology.blogspot.com
http://www.hebrewonline.com

نویسنده: بختیار

چهارشنبه 30 مرداد1387 ساعت: 22:57

خانم نسرین با سلام
همانگونه که مطلع هستید غرب ایران کنونی از محل های تجمع یهودیان بوده است و هست. مناطق کرد نشین کردستان و کرمانشاه و ایلام. اگر ممکن است در خصوص ریشه اسامی شهرهای مهم یهودی نشین چون سنندج و سقز نیز توضیح فرمایید

نویسنده: آشنا

چهارشنبه 30 مرداد1387 ساعت: 19:31

خدا عاقبت این مملکت رو بخیر کنه . پس از تکذیب مدرک دکترای علی کردان وزیر پیشنهادی ئکتر احمدی نژاد این هم چند سند دال بر داشتن سابقه غیر اخلاقی :
http://www.peykeiran.com/iran_news_body.aspx?ID=52649

http://www.roozonline.com/archives/2008/08/post_8726.php

http://donbaleh.com/link/33357
http://badhijab.blogfa.com/post-113.aspx

نویسنده: آشنا

چهارشنبه 30 مرداد1387 ساعت: 19:40

در ضمن دوست عزیز .... من قصد ندارم نام شما را به زور صاحب شوم . این چند نقطه را به خودتان باز گردانده و فعلا با نام آشنا کامنت می گذارم .

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 31 مرداد1387 ساعت: 2:24

آقای آشنا. از ارسال کامنت ها ممنونم. به نظر می رسد ساعت ارسال کامنت های شما خارج از ردیف و اندکی غریب است!

آقای فتح. این جور کارها از جوانب مختلف موثر و مفید است. مایلم مرا از بازخورد آن نیز با خبر کنید.

نویسنده: نتاب

پنجشنبه 31 مرداد1387 ساعت: 2:29

سلام
استاد می‌خواستم که ان سوال و جوابهایی را که در بلاگ قبلی بودند و از دست رفتند دوباره به این بلاگ تازه بیاورم. من مقداری از انها را نگه داشته بودم. گاهگاهی به انها برمی‌خورم و اگر لازم می‌دانید هر بار چند کومنت از میان انها را برای استفاده خوانندگان می‌فرستم. من خود از انها استفاده علمی فراوانی می‌برم.
حال نمی‌دانم، ایا انچه فرستادم چیز تکراری به همراه داشت؟ یا اینکه خود پرسش و پاسخهای پیشین غیر لازم است؟
البته انچه من می‌فرستم دارای ترتیب نیست، زیرا که هر بار به یکی از انها بر می‌خورم بدون توجه به شماره و تاریخ و تسلسل چند تایی را می‌فرستم.
اگر کار غیر مفیدی است بفرمائید، تا موجب بی‌انسجامی بخش کومنت ها نشود.

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 31 مرداد1387 ساعت: 6:36

آقای نتاب. منظور فقط کامنت های اردیبهشت و خرداد 1387 بود که سارقین مثلا هک کرده بودند. ظاهرا به همت دوستان تمام آن ها دوباره جمع آوری و قسمت اردیبهشت آن نیز نصب شده است. مجموعه ی پاسخ ها در حال حاضر و تا اردیبهشت 87 در سایت naria.ir موجود است. به هر حال ممنونم.

نویسنده: آشنا

پنجشنبه 31 مرداد1387 ساعت: 10:19

با سلام خدمت استاد
در باره ساعت و تاریخ کامنت ها اشکال از خود بلاگفا است و تازگی هم ندارد اگر دقت کنید اکثر روزها همینطور است .
خدا پشت وپنا هتان

نویسنده: آشنا

پنجشنبه 31 مرداد1387 ساعت: 10:36

استاد لطفا این قسمت نظرم را به کامنت بعد اضافه کنید :

دوستا اگر عبارت «علي كردان بازداشت» را در گوگل سرچ كنند مي توانند تصوير اين سند را پيدا كنند . ديشب تلويزيون رنگانگ تصوير اين سند را كه مربوط به دادگستري مازندران در سال 57 و چند ماهي قبل از رخ داد انقلاب بود پخش كرد .
....

استاد این هم چند عكس قديمي و كم سابقه از محوطه پاسارگاد و تخت جمشيد نمي دانم آيا آنها را قبلا ديده بوديد يا نه .

البته عکسها قابل ذخيره سازي نيست و تماسي هم که با صاحب اين وبلاگ داشتم و درخواست ارسال اين عکسها بي نتيجه ماند :

http://safarirani.blogfa.com/post-260.aspx

نویسنده: روشن

پنجشنبه 31 مرداد1387 ساعت: 14:20

دوستان مقاله جالبی در لینک زیر است به مطالعه اش می ارزد
http://www.irdiplomacy.ir/index.php?Lang=fa&Page=24&TypeId=18&ArticleId=2469&BranchId=2&Action=ArticleBodyView

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 31 مرداد1387 ساعت: 15:18

آقای آشنا. آن عکس ها قدیمی هست ولی کم سابقه نیست و قبلا در کتاب "پرواز بر فراز آثار باستانی ایران" اثر اشمیت چاپ شده است. آن شخص که گمان کرده تحفه ی نطنز یافته، آن قدر بی خبر است که در زیر دو عکس انتهایی مربوط به شوش، نوشته است: تخت جمشید در سال 1308!!! و برخی از تصاویر دیگر را عمدا دفرمه کرده تا جدید بنماید!!!!! طفلک حتی عکس مقبره ی دانیال را نیز نمی شناسد. مدعیان ایران شناسی ما از این قماش اند و تازه این یکی از به ترین شان است.

آقای روشن. این کنار زده شده که دکترای اش را با جوک نامه ی سلمان فارسی گرفته، باز هم دچار خواب آشفته شده است.

نویسنده: محسن

پنجشنبه 31 مرداد1387 ساعت: 16:28

آقای آشنا برداشتن این تصاویر ، نیازی به هیچ گونه درخواستی نیست.

درخواست از سنگ پرست ! چه چیز جالبی می شنوم !

یا جاوا اسکریپت را غیر فعال کنید وارد سایت شوید. می توانید از phproxy ها کمک بگیرید.

یا روی هر عکس لود شده راست کلیک کنید، آن را نگه داشته و بعد از آمدن پیام ، کلید Esc را فشار دهید و بعد از فشار دادن این دکمه، دست تان را از کلیک راست بردارد و عکس را به هاردتان کوپی کنید.

موفق باشید.

نویسنده: محسن

پنجشنبه 31 مرداد1387 ساعت: 16:37

آقای آشنا

این ام آدرس عکس های قديمي و کم سابقه ی شما :

http://aycu21.webshots.com/image/27460/2003909177889763171_rs.jpg
http://aycu25.webshots.com/image/28024/2003986325944249503_rs.jpg
http://aycu38.webshots.com/image/28797/2003910428310001952_rs.jpg
http://aycu29.webshots.com/image/28028/2003989474502823745_rs.jpg
http://aycu23.webshots.com/image/28942/2003910369443780220_rs.jpg
http://aycu16.webshots.com/image/29295/2003974046842681046_rs.jpg
http://aycu06.webshots.com/image/29125/2003935002820992726_rs.jpg
http://aycu23.webshots.com/image/28662/2003952925734195347_rs.jpg
http://aycu06.webshots.com/image/28565/2003932433400326386_rs.jpg
http://aycu40.webshots.com/image/29119/2004898460040848059_rs.jpg

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 31 مرداد1387 ساعت: 22:55

آقای ترک 86. دخالت دادن عداوت در مقولات فرهنگی، همان تعصب و مادر ارتجاع و واپس ماندگی در هر زمینه ای است. دشمن دانستن معتقدان به دیگر مذاهب اسلامی، درست احوال همجرمانی را تداعی می کند که در دادگاه گناه را به گردن یکدیگر می اندازند. آن که ارزش فرهنگی کشف نیمه کاره ماندن تخت جمشید و یا تعیین حوزه ی بروز طوفان نوح را نمی داند و با خبر نیست ارائه ی مدخل های نو از سوی ملتی که هرگز صاحب نظر در هیچ حوزه ای شناخته نشده، مایه ی چه سربلندی ملی است، محکوم و مجبور می ماند که در تمام عمر کورش بزک شده ی یهودیان را بستاید و یا به دشمنی با عمر و عثمان و ابوبکر افتخار کند.

نویسنده: اتفاق . 1 از 2

پنجشنبه 31 مرداد1387 ساعت: 23:41

استاد و محقق تیزبین ، جناب آقای ناصر پورپیرار

سلام علیکم . وقت شما بخیر
احتراماً :
پیرو سخنان حضرت عالی ، دال بر تطبیق محل وقوع طوفان نوح (ع) با ترکیهٔ کنونی ، امروز صبح ، دفعتاً یادم به چیزی افتاد که هوش از سرم برد :
حدود یک سال یا یک سال و نیم پیش ، فیلم مستندی از تلویزیون (اگر حافظه ام یاری کند ، از شبکهٔ چهار) حول دیدنی های ترکیه پخش شد . در آن فیلم ، مستندسازان به روستائی در آن کشور رفتند و گفتند در اینجا بینندگان را با عجیب ترین غذای دنیا آشنا خواهند کرد و آن ، خوراک گوشتیِ پخته شده ای است که در تهیهٔ آن ، از آتش استفاده نمی شود ! خلاصه در مطبخ یک قهوه خانهٔ سادهٔ ییلاقی در نقطه ای کوهستانی رفتند و در آنجا طباخ ، مشتی گوشت ریز ریز شده را در لگنی فلزی قرار داد و سپس چند نوع سبزی مخصوص به آن اضافه نمود و به ورز دادن آن مشغول شد . چند دقیقه بعد ، تکه های کوچک یخ نیز به آن اضافه نمود و در پاسخ مستندسازان گفت : « از اختلاط سبزی با گوشت ، آنچنان گرمائی تولید می شود که اگر یخ را به آنان نیامیزم ، دستانم تاول خواهد زد ، لذا برای حفاظت دستانم و اینکه بتوانم ورز دادن را تا زمان لازم ادامه دهم ، مجبور از توسل به یخ هستم ! » خلاصه کار را ادامه داد و طی دقائق بسیار ، از گوشت و سبزی ، طعامی یکدست حاصل نمود و تمام آب های ناشی از ذوب شدن یخ ها را نیز از جسم غذا بیرون کشید و خوردنی را در بشقابی Serve نمود و جلو مشتریان گذاشت !

نویسنده: اتفاق . 2 از 2

پنجشنبه 31 مرداد1387 ساعت: 23:42

اما عجیب ترین قسمت این ماجرا آنجا بود که مستندسازان پرسیدند چرا این غذا را به این شکل آماده می کنید و اصلاً پیشینهٔ این غذا ، به کی و کجا باز می گردد ، چرا که طباخ پاسخ داد : « این غذا ، یک غذای باستانی است و ما از اسلاف خود آنرا یاد گرفته ایم . آنان برای ما اینطور تعریف کرده اند که پدرانشان " پس از طوفان نوح " ، چون تا مدت های مدید ، به دلیل فقدان درخت و خار و خاشاک روی زمین ، اصولاً هیزمی نمی توانستند بیابند تا آتشی بیافروزند ، در فقدان آتش ، از این روش استفاده کرده اند !!! »
از صبح تا حالا سخت در فکر شده ام . عقلاً نمی توان این جماعت بسیار قلیل چپیده در کوهستان را اخلاف پیاده شدگان از کشتی نوح یا اخلاف مردم سرزمین های مجاور ، که هرچند مشمول عذاب نبودند ، اما دامنه های طوفان ، گریبان آنانرا نیز گرفته محسوب کرد ، اما این سخن عجیب آنان و اینکه در تاریخی به این پهناوری ، تنها به داستان نوح اشاره می کنند بسیار محل تعجب و تأمل است .
شاید اگر دوستان و خصوصاً دوستان آذربایجانی همت کنند ، بشود نام غذا و نام آن روستا و از آن مهم تر ، فیلم مستند را پیدا کرد . چون بینندهٔ هر از گاهی تلویزیون هستم ، نام آن برنامه را به خاطر ندارم ، لیکن گمان می کنم نام آن بر مدار کلمهٔ اسلام ، چیزی شاید حول « اسلام در جهان » ، « دیدنی های کشورهای اسلامی » و ... بود .

ان ارید الا الاصلح ما استطعت و ما توفیقی الا بالله
علیه توکلت و الیه انیب

نویسنده: بی نام

پنجشنبه 31 مرداد1387 ساعت: 23:52

به خانم ذبیح ا...نسرین!!!!
از شمشیر و خنجر سازی بنی قریضه تا کارخانه های جنگ افزار سازی زمین ودریا وهوادر زمان حاضر.از خیمه الرایه عربستان

تا فاحشه خانه های مدرن وپورنوی کنونی از قمار چعب(کعب)تا قماررولت وورق جک باد وقمار خانه های لاس وگاس از نخب تا ویسکی و مواد مخدر و از زایل کردن ادیان الهی به تمیم شیطانی تا تولید دین وایسم و ایستهای رنگا رنگ و... فاصله هایست که فقط یهودیت پست قادر به حفظ تسلسل آن در طول عصر ها و نسلهاست.
با توجه به این مقدمه والله عجب رویی دارید شما جودا,از رو هم نمی رین . هرچه می گیم بابا می شناسیمتون ,بابا دستتون واسه ما روشده باز اصرار بر قبولاندن یاوه می کنید دائم در حال جعل وتدلیس اید به خیال خودتون چیزای باب طبع بنیان اندیشا می بافید. اطلاعات دروغ میدین وقصد کرم انداختن به ریشه های بنیان اندیشی دارید خانم اینقدر این کارها را کردید که حتی حمل زنان باردار ما هم از شگردای رذیلانتان بطور ژنتیک آگاهی داره بعد هم که منابع مرجع را می دهید چاخانی بزرگتر سر هم می کنید. ای ول داره این حرام...گی!!! خانم خانمها !!!بابا ما که می فهمیم منظورت چیست اگر هم دوستان بنیان اندیش ما در برابر چرندیات تو سکوت کردند مال اینه فعلا" به مقیاس نمایی ودر قبال این سعی و تلاش کودکانه شما واکسینه اند. استاد هم که صبر ایوب داره چنان تحملت خواهد کردکه مجبورشی خود زنی کنی.
اما آدمای کم طاقتی چون من اصلا" دوست ندارن یه جهود حتی برای یک لحظه فکر کنه که تونسته بنیان اندیشی راکه سادگی و ساده اندیشی را پشت سر گذاشته به واسطه ان آگاهیهای غلط تو سر کار بره. خانم بیا و دست از این باز شناسی واژگان بردار و چاره ای دیگر بیندیش. چاره ای نوتر وحیله ای کاراتر. دیگه چه انتظاری داری این هم نصحیتی جوانمردانه به دشمنی قسم خورده.
راستی متوجه شدی چرا نام ترا ذبیح ا...گذاشتم چون اون یهودی الاسلاف هم مثه تو نشر جعل وتدلیس می کرد و بنا بر زباب می ساخت.

نویسنده: محمد

جمعه 1 شهریور1387 ساعت: 1:12

سلام و خسته نباشید استاد
استاد یا دوستان عزیزی که برنامه اسلام و شمشر در گوشیهای نوکیا سراغ دارند خواهشا ما را بی نصب نگذارند اجرکم عندالله

نویسنده: م.ستاره

پنجشنبه 31 مرداد1387 ساعت: 22:22

سلام
خیلی کوتاه ...
http://www.ox.ac.uk/media/news_stories/2008/080815.html

ازاله ی بکارت با زنای باکره متفاوت است . معنای دیگر این حرف ، زنای به عنف به باکره است . آیا غیر از این است ؟ و مجازات آن را در زمان پهلوی های غرب گرا که کارخانه مشروب سازی داشتند، نمی دانم اما هر چه بود ، فکر نکنم که حتی حبس ابد بوده باشد . ولی می دانم که در این جمهوری ، ظاهرا به دو گونه مجازات می شود :
اگر خودی بود، مناصب اعلای نظامی و امنیتی و وزارت با دکترای تقلبی در تنگ آن ؛
اگر نخودی باشد ، اعدام با طناب دار در ملا عام !
شاید هم شاکی رضایت داده باشد ؟!

آیت الله امامی کاشانی را نمی گویم که فرضا پالیزدار ، دروغ گفته است .
مشایی معاون رئیس جمهور است و کردان هم وزیر کشور .
جمهوری اسلامی ؛ 30 سال بعد : دولت عدالت ؛ جهان بدون صهیونیسم و نابودی اسراییل غاصب با تشکیک در هولوکاست .

سخرها علیهم سبع لیال و ثمانیة ایام حسوما ،
فتری القوم فیها صرعی !
کانهم اعجاز نخل خاویة !

والسلام .

نویسنده: یاسین

جمعه 1 شهریور1387 ساعت: 2:48

اقای بی نام

این کلمه بنیان شناسی برای شما شده چیزی شبیه کلمه گفتمان برای دوم خردادی ها. چیزی که توی دهانتون بچرخونین

و توی سر این و اون بزنین.
چیز دیگه هم یهودی کردن هر کامنت گذاری اه. حالا این خانم زحمت کشیده و بر اساس یه سری منابع حدسیاتی زده.
درست یا غلط. معنی این حرفهای شما چیه؟
مشکل شما سکسیست بودن بیش از حدتونه و نه یهودی بودن این و اون. آیا اینکه یه زن اینجا کامنت بذاره آزارتون می ده؟
لازم نیست جواب بدین. فقط از خودتون اینو بپرسین.

بعضی دوستای دیگه هم دست کمی از این رفیقمون ندارن. خیلی عجولانه درمورد دیگران قضاوت می کنین.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 1 شهریور1387 ساعت: 6:9

آقا و یا خانم یاسین. نگاهی به اطراف و اداها، حتی در این جمهوری انقلابی ضد ههیونیسم، معلوم می کند که چه گونه لااقل در بخش فرهنگی، در محاصره همه جانبه ی یهودیان تغییر چهره و رفتار و گفتار داده ایم. شخصا لااقل با نیم دوجین آنان طرفم که هر یک با سیما و سخنانی سخت دل خوشی آور، در پوشش بنیان اندیش، دنبال فرصتی است تا به نوعی زهر خود را بریزد. با آن ها مدارا می کنم و چون چیزی برای مخفی کردن ندارم اجازه می دهم در رفت و آمدها احساس آزادی کنند، در عین حال هم مواظبم حبه قندی را به ظرف آب و یا چای مقابل ام نیاندازند. چنین دنیایی را که همه باید مواظب حیله گری های یهودیان باشند، خود یهودی ها ساخته اند و مزرعه ی بدبینی به قوم یهود را خود تخم پاشیده اند. آن چه را که در مواردی آقای بی نام گفته اند، انعکاسی از این فضای احتیاط و حزم است که البته در مواردی هم به بی انصافی نزدیک شده که متاسفانه مورد خانم نسرین یکی از آن هاست، اما بازتاب چنین تصاویری شاید حتی یک یهودی را به خود آورد که رشد یهود ستیزی و بدگمانی نسبت به قوم یهود به جایی رسیده است که سر به زیر و بی غرض ترین آن ها خطرناک تر دیده می شوند. بنیان اندیشان و کسانی که اینک نیک می دانند از داریوش دوم هخامنشی تا کریم خان زند دروغ شنیده اند و از رودکی تا ابن سینا و حافظ شان قلابی است و می دانند که چنین زخم بدنما، در صورت هویت فرهنگی ایرانیان را یهودیان نشانده اند، کافی است جایی به ستاره ی داودی بر خورند تا داغ شان تازه شود و اختیار کلام را از دست بدهند. به هر حال امیدوارم آقای بی نام توضیح بیش تری در باب یادداشت خود بیاورند.

آقای محمد. به گمانم در کامنت های یادداشت قبل یک لینک نصب از طرف آقای صادق اعلام شده باشد.

نویسنده: یاسین

جمعه 1 شهریور1387 ساعت: 7:8

استاد گرامی
خسته نباشین.
نگرانی هایی که ذکر کردین کاملا به جا هستن. من صرفا احساس کردم که بعضی دوستان گاها زیاده روی می کنن. به هر حال امیدوارم آقای بی نام به دل نگیرن. صرفا یه تذکر برادرانه بود.
ضمنا بنده پسر هستم. این اسم بخاطر برخی مشابهت ها دردسرهای زیادی رو برامون درست کرده!

نویسنده: سلیم

جمعه 1 شهریور1387 ساعت: 9:30

با سلام
فایل اسلام و شمیشر را در گوشی سونی اریکسون نصب کردم جواب نداد!دوستانی که اطلاع دارند لطفا راهنمایی فرمایند.
با تشکر

نویسنده: عابدی

جمعه 1 شهریور1387 ساعت: 10:43

با سلام

آقای محمد فایل اسلام و شمشیر در سایت ناریا نیز نصب شده است. اطلاعات خاصی از نرم افزارهای موبایل ندارم. به گمان ام باید از نرم افزار جاوا استفاده کنید که این امکانات در اغلب گوشی ها وجود دارد. ضمن این که می توانید با استفاده از جستجوی ساده از گوگل ، این نرم افزار را تهیه و نصب کنید.

اسلام و شمشیر از شماره ی 1 تا 45

http://www.naria.ir/view/3.aspx?id=377

جستجوی : جاوا نوکیا

&http://www.google.com/search?hl=en
q=%D9%86%D8%B1%D9%85+%D8%A7%D9%81%D8%B2%D8%A7%D8%B1+%D8%AC%D8%A7%D9%88
%D8%A7+%D9%86%D9%88%DA%A9%DB%8C%D8%A7

در پناه حق باشید.

نویسنده: بی نام

جمعه 1 شهریور1387 ساعت: 10:43

جناب یاسین(1)
همیشه باید به یاد داشت این وبلاگ به ظاهر محدود وکوچک ناب ترین اندیشه های بی دروغ را بر علیه بزرگترین قوم جاعل ومنحرف اعلام کرده ورشته های جعل چند صد ساله انها را به پنبه تبدیل کرده.اقای یاسین اینجا واین انسانهای که شما نامشان را همردیف دوم خردادیهای چاخان پشت هم انداز می دانی بزرگترین وسر سخت ترین دشمنان جعل یهودیت پست اند که حالیه در جبهه نشر فرهنگی عقاید استاد مشغولند وانان که قندپرانی به طرف چایی ما را دارند کاملا"
متمایزومشخص اند.من اکثریت قریب به اتفاق این دوستان متحول را لایق وسزاوار نام بنیان اندیش میدانم که به نظر بنده همان السابقون این عصرند.
دشمن جاعل هیچگاه دست از سر این وبلاگ و بچه های ناب اندیش ان بر نخواهذ داشت سعی در تفسید عقاید بی دروغ استاد می نماید همانطور که شاهد صدها قسم دشمنی ذر صدها وبلاگ در قالب و دسته های تاریخی ومذهبی وقومی وفرقه ای و...بر علیه اندیشه های استاد هستیم این تنها جبهه ای نیست که بر علیه ما باز کرده اند همانطور که استاد معترفند لا اقل با نیم جین تغییر چهره یافته انها در بین خودما طرفند.

نویسنده: بی نام

جمعه 1 شهریور1387 ساعت: 10:45

(2)
جناب یاسین(1)
محض یاد اوری بخشی از جبهه های درونی خصم را متذکر می شوم تا شاید چراغی فراسوی اینده باشد از آگاهی به عمق ترس وکینه جهوداز ما ونسبت به ما.ایا حامد وان ابراز یقین ایشان به استاد را یاد داری که که با تاکتیک متهم کردن استاد به خود کامنت گذاری قصد شبه دار کردن استاد را داشت.آراز را به یاد داری که با تا کتیک مظلومیت نمایی قومی قصد افساد در اندیشه های استاد را داشت.ایا مهندس کارگر را به یاد داری که در ازای جواب سلام استاد قصد خدشه وارد کردن به شخصیت استاد را داشت.همه وهمه یک قصد را داشتند وان پیشگیری از نفوذ اندیشه های استاد در اطرافیان چرا که خود بیش از هر کسی به سریع النفوذ بودن اندیشه های استاد واقفند وبه هر طرفندی قصد جلوگیری از این نفوذویا حد اقل ویروسی کردن این اندیشه ناب متعلق به حقیقت ذات داده های استاد هستند.
حال انسانی که حتی کلامی در مورد اندیشه های استاد اظهار نظر نکرده و به تلقین اطلاعاتی دروغ در حد دایره المعارف مجعول در سمت و سوی نظرات استاد ان هم در زمینه نظری ترین رشته یعنی واژگان شناسی مشغول است را منتصب به کدامین تاکتیک می دانید؟انکه دیتاهای غلط در کنار و قرب گفته های مستدل استاد می چیند چه منظوری را دنبال می کند؟

نویسنده: بی نام

جمعه 1 شهریور1387 ساعت: 10:46

(3)
جناب یاسین فلفل به عنوان چاشنی محرک ذائقه است اما استفاده بیش از حد ان عواقب حینی وبعدی دارد .فلفل دست پخت این خانم بیش از حد است.
جناب یاسین تجربه سنین وسر به هر معرکه ای کردن در طول سالها به بنده اجازه هیچ اعتمادی به اینگونه افراد را نمی دهدو هیچ مرافقت وملاطفت و مدارایی نسبت به چنین افرادی ندارم مگر اینکه یک بار به خود این خانم گفته ام به شما هم می گویم که ایشان ثابت کنند بی غرض حرکت می کنند وتنها راه ان ابراز عقیده مستقیم در قبال اندیشه های استاد است.
ایا ایشان اعتقادی به پوریم دارند؟جعل یهود در تاریخ وفرهنگ ما را قبول دارند؟جعل تخت جمشیدرا چگونه می بینند؟وبه عوض دادن این دیتاهای مجعول در زمینه فکری این وبلاگ قلم فرسایی کنند.
در پایان همه دوستان را به سئوالی که گوینده تلویزیون امریکا از پروفسور ریچارد فرای در خصوص اقای ناصر پور پیرار و تغییر فیزک این پروفسور پس از شنیدن نام پورپیرار از خود نشان دادن جلب می کنم تا یاد اور عظمتی باشم متغلق به ما که حتی دنیای ژورنالیستها به اندازه حزب الله ومصادیق دشمنی با یهود با ان اشنایی دارند والزام حفظ وحراست این نعمت ارزانی شده رامتذکر گردم.

نویسنده: حاجی زاده1

جمعه 1 شهریور1387 ساعت: 12:5

با سلام
پوریم به روایتی دیگر!!!
بهار امسال مقارن با چند جشن مذهبی در میان ادیان و مذاهب گوناگون شده است تقارنی که هر 800 سال یک بار رخ می دهد(!) .امسال در فروردین هم ماعید نورزو هم میلاد پیامبر اسلام ص را داریم ، و از طرفي يكي از اعياد يهوديان به نام پوريم ، و همچنين عيد هولي كوچك هندوها و ماگا پوزاي بودايي ها وهم عید پاک راداریم.
......
عید پاک(!!!) و یهودیان
در كشورهاي ديگر رايج‌ترين واژه،Easter» و در زبان آلماني، «Ostern» است كه باز هم ريشه در زبان عبري دارد. واژه‌ي اخير،«Ostern» كه در زبان آلماني استفاده مي‌شود، به نام خداي‌بانوي «Ostra» برمي‌گردد:واژه‌ي«Pasach» كه ريشه‌ي همه‌ي اين واژه هاست، در زبان فارسي نيز به صورت «پاساژ» و به معني محل عبوركردن و گذشتن مي آيد. در رابطه با عيد «پاک» داستاني وجود دارد كه به اين شكل نقل مي‌شود:كه «موسي»، ع نزد «فرعون» مصر مي‌رود و از او مي‌خواهد كه قوم زير دست را آزاد سازد. «فرعون» نمی پذیرد و به همین جهت موسی و فرعون درگیر جنگ شده و پس از آن است که فرعون مورد خشم خداوند قرار مي‌گيرد و بلاهاي بسيار بر او و بر كشور مصر نازل مي‌شود تا آن‌جا كه «فرعون» مجبور میشود در یک روز با صدور فرمانی یهوديان را آزاد سازد. از آن زمان به بعد چنان شبي را، «شب آزادي» نام نهاده‌اند. چنان كه پيداست، عيد «پاک» هميشه در آغاز بهار اتفاق مي‌افتد. درست زماني كه طبيعت رو به گرما و نور مي‌رود، زمين نفس مي‌كشد و زندگي دوباره‌ي طبيعت آغاز مي‌گردد.

نویسنده: حاجی زاده2

جمعه 1 شهریور1387 ساعت: 12:6

با توجه به روايتي كه نقل شد اهميت عيد «پاک» براي يهوديان تنها پيروزي گرما و روشنايي بر سرما و ظلمت نيست بلكه يادآور آزادي اين قوم است.نكته قابل تأمل آن است كه در شب آزادي يهوديان، آنان براي گريز از نابودي و مرگ، بر آن شدند كه هر خانواده، یک گوسفند يا برّه تهيه كند و در تاريک و روشناي غروب، با قرباني آن حيوان و علامت‌گذاري بر درِب خانه‌ي خود با خون او، از دست فرشته‌ي مرگ رهايي يابد. باور يهوديان اين بود كه اگر «عزرائيل» از جلو خانه‌ی آنان بگذرد و آثار خون را بر آن جا ببيند، آسيبي به آنان وارد نمي سازد. گفته می‌شود كه يهوديان در واقع، در شب عيد «پاک» مصر را ترک كردند و از طريق درياي سرخ به صحراي «سينا» و سپس به كشور «غنا» رفتند.
نكته‌ي برجسته در اين داستان كه به واژه‌ي «پاساژ» گره مي‌خورد آنست كه هم عبور فرشته‌ي مرگ را از جلوي خانه‌هاي يهوديان برساند و هم اين كه از كنار آنها بگذرد و از انديشه‌ي آسيب رساندن به اين قوم صرف‌نظر كند.
......
http://pishgo.wordpress.com/2008/03/24/%D8%B9%D9%8A%D8%AF%D9%BE%D8%A7%D9%83-%D9%88-%D8%AA%D9%88%D9%84%D8%AF-%D9%BE%DB%8C%D8%A7%D9%85%D8%A8%D8%B1-%D8%B5-/%D9%88-%D8%B9%DB%8C%D8%AF-%D9%86%D9%88%D8%B1%D9%88%D8%B2-%D9%88
نتیجه گیری از این داستان به عهده ی خودتان!

نویسنده: نسرین

جمعه 1 شهریور1387 ساعت: 12:11

سلام
آقای بی نام از الطاف شما نسبت به خودم از همان ابتدا تا به امروزسپاسگزارم!

ولی باز هم معتقدم طرز صحبت کردن هر شخصی حتی در مواجهه با دشمنانش نشانگر شخصیت وی میباشد!
و اما در مورد نام این مکانها و آن کلمات:
معانی نام بعضی مناطق در ایران فقط و فقط از طریق زبان و فرهنگ ایوریت (Hebrew)قابل تفسیر و توضیح دادن میباشدو فرقی هم نمیکنه این مکان در کدام جهت جغرافیایی قرار دارد!
معانی نام مکانهایی را که من در کامنت قبلی آوردم معانی احتمالی آن مکانها میباشد نه معنی صد در صد آن مکانها که بعضی از آنها نقل قول هستند وبعضی دیگر حدسیات من !
در مورد کلمات هم تلفظ عبری و معانی آنها در آن زبان را ذکر کرده ام !
آقای بی نام در مورد برادران یهودیتان هم زیاد سخت گیر نباشید چون بعضی از آنها فقط میخواهند مسلمانان را تکه تکه بکنند(Cut into pieces) و آن هم به این خاطرکه معتقدند خدای مسلمانان (الله) خدای ماه عربها بوده و خدای اصلی همان خدای یهودیها(یهوه)میباشدو باید این کافران (مسلمانان) و فرهنگشان را از بین برد و نه عربها را! چونکه عربها برادران عبریها هستند!مقاله برادرتان را در این مورد میتوانید در سایت www.Britam.com مطالعه بفرمایید.
در ضمن من از آقای پورپیرار خواسته ام که اگر صلاح ندیدند کامنتهای من را منتشر نکنند کما اینکه کامنتهای من در مورد خزرها وخضر نبی رو حذف کردند!
البته باید به شما هم حق داد چون طرز بیان و سوال کردن من اشکالاتی دارد چون بعضی از سوالات و مطالبی را که من قبلا در کامنتهای قبلی ذکر کرده بودم مثلا سوال من در مورد کاسیها و ارتباط داشتن نام بعضی مناطق با آنها توسط بعضی افراد مورد سو استفاده قرار گرفته!
کسانیکه فرق بین سوال –بیان احتمالات و نظریه قطعی را نمیدانند خوب است که در این مورد مطالعاتی داشته باشند!

نویسنده: سلیم

جمعه 1 شهریور1387 ساعت: 13:24

جنی که مجسمه از آب در آمده است!!

http://www.asriran.com/view.php?id=50386

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 1 شهریور1387 ساعت: 13:56

خانم نسرین. امیدوارم فرصت تقدیم چند یادداشت آتی نیز به دست آید تا شاید معلوم کنم، به استثنای خاور دور، که به علت نبود امکان ارتباط، دست یهودیان تا همین اواخر از آن کوتاه بوده و در نتیجه از ژاپن و چین و کره و آسیای جنوب شرقی، اسناد کهن سالمی ارائه می شود، آن چه را مبانی فرهنگ خاور میانه و اروپا و ترکش های غربی و شمالی آن می شناسیم، در هر حوزه و به هر صورتی که گمان کنید، از خراب کاری یهودیان مصون نمانده، که در رأس آن ها تاریخ ادیان و به ویژه تاریخ استقرار اسلام قرار دارد. بنا بر این رجوع به این اسناد غالبا خواهان را به بی راهه هدایت می کند و به بن بست می رساند. اگر تاریخ باستان، در حوزه ی شرق میانه و حواشی مدیترانه را، بدون منظور کردن عواقب طوفان نوح و نیز رخ داد پلید پوریم و تبعات آن در نظر بگیریم و تدارکات موجود در علوم انسانی را مبنای جست و جو قرار دهیم، روز به روز و لحظه به لحظه از حقیقت دورتر خواهیم شد. مطالعات فرهنگی در روزگار ما صورتی از لوازم غذا خوردن را به خود گرفته است: قبل از این که قاشق بردارید و نان لقمه کنید، دست های تان را بشویید. همچنان که هرگاه کتابی را برای خواندن برمی دارید، ابتدا اثر انگشت یهودیان را از آن پاک کنید وگرنه مغزتان از بسیاری دروغ آماس خواهد کرد. هرچند در این صورت جز قرآن، متن کهن معتبری برای خواندن نمی ماند.

فریبا خانم. شاید بتوان چنین تقارنی، که تمام جهان را به ذهنیتی مشابه مشغول می کند، به فال نیک گرفت. لطفا اگر حوصله می کنید در باب ریشه شناختن پاساژ توضیح بیش تر بیاورید.

نویسنده: حاجی زاده

جمعه 1 شهریور1387 ساعت: 15:15

سلام استاد
آن مطلب را از ویلاگی با عنوان
"پیشگو
حکمت و عرفان نوین - تخصصی- درمانگر بیماریهای روح و جسم" آورده ام، آنچه که پیداست موضوع پوریم وارد محافل عمومی و خصوصی شده البته محتاطانه و اغلب پیشگیرانه، همانند داستان ساختگی وبلاگ فوق الذکر که علاوه بر تحریف و سانسور فاحش ماوقع فاجعه ی پوریم،حتی از آوردن نام آن(پوریم) نیز اکراه دارد و "پاک" را جایگزین آن کرده است.
در زبان سوئدي به عيد «پاک»، «Påsk»، پُسک»، مي گويند.واژه‌ي «Påsk»، يک واژه‌ي عبري است و در حقيقت شکلي از کلمه‌ي لاتين «Pasach» است، که «Paska» تلفظ مي‌شده. در «يونان» و «روسيه» نيز همين واژه را مورد استفاده قرار مي‌دهند. در زبان انگليسي چندين کلمه را به‌کار مي‌برند که باز هم ريشه در لغت «Pasach» دارد، مانند «Paschal» و

«Passover».
واژه ی پاساژ (passage) مشتق از pass به معنی عبور کردن و رد شدن) در زمان قاجاریه که ایران با فرانسه روابط فراوانی داشت از این زبان وارد زبان ما شده است.
به گمانم نسرین خانم که متخصص ریشه یابی واژگان هستند،بتوانند در این خصوص بهتر نظر بدهند.

نویسنده: خنده

جمعه 1 شهریور1387 ساعت: 16:16

بخوانید و بخندید :

پارسی باستان ، زبان رائج و بین المللی دریائی !!!!!!!!!!!

http://www.asianews.ir/main1.asp?a_id=22337

نويسنده: علي تهراني

جمعه 1 شهریور1387 ساعت: 16:18

خانم حاجی زاده
همانطور که آقای بی نام گفتند واژه شناسی و زبان شناسی علومی تخصصی هستند و برای تبیین و تفسیر ریشه واژه ها نیازمند آشنایی به پیشینه آن زبانها و زبانهای همخانواده آنها هستیم.
متاسفم که بگویم "پاساژ" مورد ادعای شما اصلا فارسی نیست بلکه یک واژه فرانسوی است (passag)به معنای گذر و گذرگاه که تلفظ انگلیسی آن هم می شود" پسیج"(passage).
این واژه نیز همانند بسیاری از واژه های دیگر همچون کمپانی، پلیس و ... توسط ایرانیان به فرنگ رفته در عهد قاجار وارد فارسی شده است. آیا شما نوشته اي به زبان فارسي با قدمت دو قرن یافته اید که واژه "پاساژ" در آن به کار رفته باشد؟

نویسنده: علی تهرانی

جمعه 1 شهریور1387 ساعت: 16:30

خانم حاجی زاده
ضمناً passag و passage اگرچه در زبانهای فرانسه و انگلیسی به معنای مختلف به کار می روند اما در فارسی واژه "پاساژ" هیچگاه مفهوم گذر و عبور نمی دهد بلکه مشخصاً به نوعی از بازار در قالب مجموعه ای از دکانها و مغازه های موجود در یک ساختمان واحد اطلاق می شود.

نويسنده: علي تهراني

جمعه 1 شهریور1387 ساعت: 16:33

ظاهراً خود خانم حاجی زاده هم در مورد وارداتی بودن این واژه توضیح داده اند.

نویسنده: آشنا

جمعه 1 شهریور1387 ساعت: 14:56

با سلام
کلوپ یهودیان ایران :
http://www.cloob.com/club/post/show/clubname/jew/topicid/1563244/order/asc

نویسنده: نسرین

جمعه 1 شهریور1387 ساعت: 19:34

سلام
خانم حاجی زاده !من متخصص ریشه یابی واژگان نیستم بلکه فکر میکنم واژه ها و نام مکانها نیزمنابع ارزشمندی برای کشف حقایق هستند! همانطور که شما از طریق نام این عید یهودی به حقایقی رسیده اید!
در مورد شباهت بین کلمات (Pass) اروپایی و (Pesah, Pesakh) عبری هم (همانطور که شما نشان دادید)این احتمال وجود دارد که (Pass) ریشه عبری داشته باشد! معنی(Pesah, Pesakh)در زبان انگلیسی (Passover) و(Pass through)عبور کردن ذکر میشه!این عید بهاری نیز به یادبود خروج یهودیان از مصرپس از سالها بردگی جشن گرفته میشود!

عید پاک یا ایستر(Easter)مسیحیان نیز یک عید بهاری است! با وجود این که مسیحیان بر این عقیده اند که عید پاك زمان رستاخیز عیسی مسیح و زنده شدن دوباره اوست ، اما این عید ، سنتها و افسانه هایی دارد که سرچشمه آنها اصلاً مسیحی و مذهبی نیست. پژوهشگران معتقدند که Easter از کلمه اسکاندیناوی Ostra و توتنی (زبان آلمانی قدیمی) Ostern یا Eastre می آید که نام الهه اساطیری بهار و حاصلخیزی و باروری است که در نقطه اعتدال بهاری، گرامی اش می داشتند. جشن مسیحی عید پاك، تعدادی از سنن قدیمی را حفظ کرده است. زیرا مسیحیان معتقدند که این سنتها با رستاخیز مسیح مرتبط اند. شکار خرگوش برای روز عید ، یك سمبل قدیمی و نشانه باروری است و همین طور شکلات ها که به اشکال مختلف حیوانات درست می شوند . تخم مرغهای رنگی عید پاك که با رنگهای روشن رنگ آمیزی می شدند ، هنوز هم رنگ آمیزی می شوند .
بین نام الهه (Eastre آلمانی ها) و عید ایستر با نام الهه (Estherفینیقی ها)نیز به احتمال زیاد ارتباطی وجود دارد!

نویسنده: نسرین

جمعه 1 شهریور1387 ساعت: 19:34

مجله اینترنتی هفت سنگ مینویسه:

سالها قبل از بوجود آمدن ایستر، مردم سراسر جهان، جشن بهاره برپا می‌کردند. با وجود همراهی این روز با خورشید، این جشن بر اساس تقویم قمری است. نام این جشن(ایستر) از Eostre ، که مترادف نام الهه ماه Astarte است، گرفته شده است. بخاطر مشهور بودن این الهه که سمبل تجدید و زندگی دوباره است، عقیده مسیحیان به حیات دوباره مسیح با این مضامین همخوانی دارد!
ارتباط بازگشت مسیح به حیات و جشن Passover یهودیان، به علاوه داستان پرواز از مصر، همچنین دارای عناصری است از جشن بهاره!

http://www.iran-newspaper.com
http://www.mnment.com/judaism/holidaya.php
www.britam.org
http://www.7sang.com/mag/2004/04/09/life-easter.php
♀

نویسنده: امیرعماد

جمعه 1 شهریور1387 ساعت: 20:48

با سلام خدمت استاد پورپیرار
تا همین جا هم من وهم تمام مردم خاورمیانه وتمام آگاهان وآگاهی جویان جهان بدهکار شما بابت این همه مطلب روشنگر هستیم وخواهیم بود تقاضای بخشش این شاگرد کوچک آگاهی جو راپپزیرید ویقین بدانید هیچ گونه قصد جسارت ویا لحن طلبکارانه تعمدا در سوال به کار نرفته است اگر جسارتی را احساس می کنید به بزرگی خود ببخشید و آن را به حساب ناآگاهی این نوآگاهی جو بگذارید.
پایدار باشید.امیر عماد.thx

نویسنده: نسرین

جمعه 1 شهریور1387 ساعت: 20:57

کلمه Pass گفته میشه که در نام شهر پیشاور(Peshawarمرکز ایالت سرحد پاکستان)هم وجود دارد! (-Hawer-Haber Habor-Chabor)به عنوان یکی از مناطق تبعید قبایل گمشده در سفر تواریخ و سفر پادشاهان ذکر شده است.نام پیشاور از دو قسمت تشکیل شده است: (Pesh) به معنی (Passعبور- گذرگاه)که میتونه گذرگاه معروف خیبر(Pass Khyber)باشه-و(Hawer)به معنی شهر-بنابراین پیشاور(Pesh-Habor) به معنی شهر پس از گذرگاه یا شهر پس از عبوراست!

منبع:

muslimisraelis.googlepages.com //:http

نویسنده: بی نام

جمعه 1 شهریور1387 ساعت: 23:24

سرکار خانم نسرین
سلام
نسل ما نسل خوشبختی است چیزها یی دارد که دیگر نسلها ی پیشین نداشته اند
نسل ما شانس داشتن سوپر من ومرد عنکبوتی را دارد که ارشمیدس از ان محروم بود.نسل ما تربیت شده نشریات فرهنگی ارزنده ای چون کیهان بچه ها وزن روز وخانواده سبزه که اگر فیثاغورث انها را می خواند می توانست واژه شناس غریبی شود.ما پپسی کولا وکوکاکولامی نوشیم وماهواره می بینیم وفاست فود می خوریم که نسل قبل از ما از ان محروم بود پس می بینی ما چه نسل خوشبختی هستیم.تنها بدشانسی که نسل ما آورد ظهور وبروز پدیده ای به نام پورپیرار است که اگر او نبود تز اخوت عبر(עברית) وعرب به وقوع می پیوست. ایا با این حرفا موافقی؟دیدی من هم بر خلاف نظر قبلی تو چه شخصیت خوبی دارم؟باید با حدس واحتمال وگمان ونظرات مشکوک دنیا را یهودی نشان داد!!!نه یهود زده. اصلا" ما واژه ای به نام یهود زدگی نداریم دنیا یهودی است. من هم از این به بعد معتقد شدم که باید واژه شناسی بر اساس زبان عبری (עברית) باشه وباکمی دست کاری وقدری چاشنی دروغ همه کس وهمه چیز را عبری بنامیم حتی از این به بعد باید بگیم که 85 درصد زبان فارسی عبریست نه عربی.
اقای پورپیرار دنیارا به سو٬ نیت یهود زده و یهود خراب نشان می دهد!! به همان اندازه که این واژه ها کذب است عمل ایشان مظنون ومذموم است او عامل مریخی هاست که می خواهد دنیای زیبای ما را خراب کند. مگه نه؟ یه بارک الله به این شخصیت ارزنده بگو!!!
خوب ما وجه اشتراک بسیاری یافتیم من عرب و تو ؟ از این به بعد خواهر وبرادریم دیگه جنگی با هم نداریم .یهودیها هم اعراب را نمی کشند هرکه میگه دروغ می گه
می خوان بین دو برادر عبری وعرب را به هم بریزند. مسلمونا هم دشمن این دو برادر عاشق و کشته مرده هم اند. همه چیز خوب است وخیر چه دنیای زیبایی می بینی همه چیز ختم به "به به از این افتاب عالم تاب" شد.
خوب خواهر جان حالا که شخصیت متعالی یافتم ممکنه یواشکی ودر گوشی نظرت را در باره پوریم و طوفان نوح و هخامنشیان وتخت حمشید بگی تا حظی ببریم و حالی کابالایی ببکنیم. ترا به خدایی که به ان معتقدی این بار سعی کن به بی راهه نزنی وجواب دادش ات را بدی.

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 2 شهریور1387 ساعت: 0:52

اقای فتح. همه چیز را به نوعی لج بازی بدل کرده اند و با دستپاچگی و بی دریغ پول خرج می کنند تا حقیقت بر این خلق آشکار نشود، که از جمله فیلم هایی چون "یوسف" و "پرچم‌هاي قلعه کاوه" و "شکوه تخت جمشید" و تمام برنامه های صدا و سیما است. چنان که امسال به گونه ای از ابن سینای قلابی می گویند که سنگ های آن مزار خالی نیز به حیرت افتاده اند.

خانم نسرین و آقای تهرانی. پسح در عبری نام عید گذر به سلامت از نیل و در میانه ماه نیسان در بهار است. لغت پاس در انگلیسی و پاساژ در فرانسه هر دو ماخوذ از این لغت عبری است، یکی به معنای کلی عبور و دیگری اشاره ای است به آن گذرگاه گشوده شده در میان آب.

آقای امیر عماد. ما از نسلی هستیم که چهار زانو و مودب نشستن در برابر معلم را آموخته ایم و شخصا چهره ی آن مکتب دار خدا بیامرز مسجد محل را از یاد نمی برم که چپق می کشید و ترکه می زد، اما به ما عم جز٬ و تلفظ صحیح حروف عربی را می آموخت. قصد ادای تکلیفی از سوی شما نسبت به خودم نداشتم که نیازمند آن نیستم. غرض یاد آوری این نکته بود که صاحب سئوال درست همانند کسی است که درخواست کمک می کند، اگر به لحن مناسب نباشد، می شود زورگیری!

نویسنده: مارلیک

شنبه 2 شهریور1387 ساعت: 11:43

سلام
استاد لطفا در مورد فراماسونری توضیحاتی بدهید و همچنین اگر مقاله یا کتاب بدرد بخوری سراغ دارید معرفی فرمایید .
ممنون

نویسنده: حسین محمدی

شنبه 2 شهریور1387 ساعت: 17:40

http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=8705291171

نویسنده: حاجی زاده 1

شنبه 2 شهریور1387 ساعت: 18:32

با سلام
اعیاد یهودیان:
با قاطعیت می توان گفت که یهودیان در آئین مذهبی خود روز عزا ندارند و همه مراسم و اعیاد آنان حاکی از شادمانی و توام با امید به آینده است.حتی در یادروز مقدسین خویش شادی می کنند و به تجلیل از آنان می پردازند. در هر یک از این اعیاد خوردنیهای ویژه ای سر سفره نهاده می شود و غذاهای ویژه خود را دارد.
1.روز شنبه: در این روز افراد خانواده دسته جمعی شام می خورند و طی آن بزرگ خانواده،جام شرابی بر دست می گیرد وبا خواندن دعا آنرا متبرک میکند وافراد خانواده از آن می خورند،تعطیل شنبه یکی از ده فرمان است.(خروج8: 20-11)
2.عید اول ماه:به عبری به آن روز حودش می گویند که به معنای آغاز ماه است.
3.سال انفاک ویا سال هفتم:طبق تورات هر هفت سال باید وامها را بخشید وکارها انسانی از قبیل آزاد کردن بردگان اسرائیلی و مانند آن انجام داد،نام عبری این سال شمیطا به معنی رها کردن است.
4.سال یوبیل:این عید هر 50سال یکبار می آیدکه اعمال اخلاقی و انسانی بسیاری در آن انجام میشود.(لاویان باب25)
5.عید فصح (پسح،Passove،Påsk): با فرا رسیدن بهار عید پسح חג פסח Hag Pessah آغاز می شود که یهودیان ایرانی آن را به نام عید فطیر می شناسند و آن هم یادآور ایامی است که یهودیان از مصر آزاد شدند، ولی فرصت پختن نان نداشتند.فصح، هم نماد آزادی است و هم شکل‌گیری قوم یهود. در تمام جهان، قوم یهود را با این عید می‌شناسند. همه ساله با فرارسیدن پانزدهم ماه عبری نیسان در فصل بهار، یهودیان سراسر جهان با برگزاری یکی از مهم‌ترین اعیاد مذهبی خود، یعنی "پسح" خروج از مصر و آزادی اجداد خود را یادآوری می‌کنند.

نویسنده: حاجی زاده2

شنبه 2 شهریور1387 ساعت: 18:32

نام پِسَح از واژه‌ای در تورات که با لفظ "پاسَح" آمده به معنی گذر کردن، جستن و رحم کردن وچشم پوشی کردن(چشم پوشي خداوند از قتل نخست زادگان بني‌اسرائيل در حين نزول اين بلا به فرعونيان) گرفته شده است.
6.عيدشاووعوت:عيد فصح به خودي خود كامل نيست بلكه با عيد شابوعوت كه بدان عيد هفته ها نيز مي‌گويند كامل مي‌شود،يهوديان هنگامی که درختان در اواخر بهار میوه می دهند که جنبه نوبرینه دارد، عید نوبرینه ها را برگزار می کنند که در زبان عبری عید هفته ها חג השבועות Hag HaShvu-ot نامیده می شود.(ما در بسیاری از شهرهای آذربایجان مراسمی داریم به نام "نوبار" که در اواخر بهار و یا اوایل تابستان برگزار می شود، در این مراسم برای نوعروسان از انواع میوه های فصل به عنوان "نوبارلیق" می برند!!!)
7. عيد روش هشانه:مهمترين فستيوالهاي مذهبي يهود در دو فصل پاييز و بهار است و تنها 2 جشن كوچكتر در زمستان برگزار مي‌شود، سه فستيوال پاييز پشت سرهم و در يك فاصله زماني 25 روزه برپا مي‌شود.
فصل پاييز با برگزاري مراسم روش هشانه (رأس السنه) شروع مي‌شود اين عيد كه اولين سال يهود است مطابق است با روز اول تيشري، كه با دميدن درشوفار باستاني يا شاخ قوچ آغاز مي‌شود، و آن به ياد روز قيامت و دميدن صوراسرافيل است. در ابتدا اين عمل براي دعوت و انتباه قوم بود كه از اطراف دور هم جمع شوند و در كردار و رفتار خويش خالق خود را به ياد آورند و از گناهان خود به درگاه او استغفار كنند. تلمود براي اين عيد اهميتي بسيار قايل شده است و آن را به عنوان «روز قضاوت و داوري» نام نهاده است" كه در آن پرونده‌هاي آسمان باز شده و اعمال هر فرد در سال قبل در صفحه اعمال وي ثبت مي‌شود" و معرفي شده و مقدمه مناسبي براي ايام 10 روزه‌ي توبه و ندامت است.

نویسنده: حاجی زاده3

شنبه 2 شهریور1387 ساعت: 18:33

8.یوم کیپور: یعنی روز کفاره،این عید مهم در دهمی روز ماه تشری واقع است،یهوديان اين عيد را «عاسور يعني عاشورا» نيز مي‌نامند.آنها از غروب روز قبل تا شبانگاه اين روز، از خوردن و آشاميدن، استحمام و كار پرهيز مي‌كنند و در كنيسه‌ها به عبادت و استغفار مشغول مي‌شوند. در آن روز، يهوديان بنيادگرا لباس ويژه‌اي بر تن مي‌كنند و از پوشيدن كفش چرمي خودداري مي‌كنند.
9.عيد سكوت(חג סוכות Hag Succot):اين عيد دقيقاً پنج روز بعد از عيد كيپور آغاز مي‌شود در 23 ماه تيشري به نشانه زندگي كردن بني اسرائيل در خيمه‌هاي تيه در عصر حضرت موسي مدت يك هفته جشن گرفته و در خيمه زندگي مي‌كنند،در آغاز پائیز هنگامی که فصل درو می رسد، عید سایبانها را برگزار می کنند و یک هفته جشن گرفته می شود، استدلال مذهبی آن است که این سایبان یادآور چهل سالی است که یهودیان در راه بازگشت از سرزمین بردگی و بندگی مصر به سوی وطن خویش، در صحرای سینا درخیمه ها و سایبانها می زیستند.در اين عيد كنيسه‌ها را تزئين مي‌كنند و بر در و ديوار گلها و ميوه‌هايي آويزان مي‌سازند، مخصوصاً از شاخ ليمو و شاخ نخل و برگ مو و بيد كه همه محصولات كشور فلسطين است كنايس خود را زينت مي‌دهند. پس هر كس در جلو منزلگاه خود خيمه‌اي يا سايباني برافراشته و در زير آن نشسته و با كسان و خويشان خود به صرف طعام مي‌پردازد و حتي در آنجا شب را به روز مي‌آورند. در روز آخر اين عيد روز «سمخات تورات» است كه براي شريعت خود جشن گرفته، طومارهاي تورات را از صندوق بيرون آورده و دور كنيسه طواف مي‌كنند.

نویسنده: حاجی زاده4

شنبه 2 شهریور1387 ساعت: 18:33

10.عید حنوکا: یا عید گشایش،یاد بود پیروزی یهودیان بر استعمارگران یونانی در سال 168 ق.م است،در این روز معبد سلیمان بدست یهود از پلیدیها و خرابیهای دشمن تطهیر شد،این عید یک هفته بعد از عید سایبانهاست.
11.عید پوریم:بدون شرح!
در یادروز ویرانی بیت المقدس یهود که تیشعا به آو תשעה באב (نهم ماه عبری آو) نامیده می شود، به سوگ می نشینند، ولی آرام هستند و به نیایش می پردازند.

با این حساب من به آقای بی نام توصیه می کنم در مورد پیشنهاد برادری عبرها بیشتر فکر کند و فرصت دوستی با آنها را بسادگی از دست ندهد!!!
منابع:

http://www.aftab.ir/articles/religion/religion/c7c1185809158p1.php

http://www.ido.ir/a.aspx?a=1385080103

http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%BE%D8%B3%D8%AD

http://www.mfa.gov.il/MFAFA/sochanedoust/140907-+19.htm?DisplayMode=print

http://www.mfa.gov.il/MFAFA/Jewish+Religion/Jewish+Feasts/051207-Hanuka

نویسنده: امیر عماد

شنبه 2 شهریور1387 ساعت: 19:10

با تشکر از شما استاد عزیز
ممنون از توضیحات شما.به دیده منت آنها را می پذیرم

نویسنده: نسرین

شنبه 2 شهریور1387 ساعت: 19:44

سلام
آقای بی نام
(همین کلمه سلام تلفظ عربی یک واژه مشترک عبری-عربی است که احتمالا از زبان سومری وارد این زبانها شده است!)
من سعی میکنم مطالبی را که مینویسم و سوالاتی را که میپرسم همراه دلیل و منطق باشد!شما اگربا آنها مشکل داریدمیتوانید متمدنانه با دلیل و منطق ایرادات آن را ذکر کنید!وگرنه با فحاشی کردن کاری به پیش نخواهید برد!
زبان عبری و عربی کلمات مشترک فراوانی دارند که اکثر این کلمات مشترک ریشه در زبانهای آرامی-سومری-اکدی و... دارد.
کلمات موجود در زبان فارسی هم مخلوطی از کلمات زبانهای زنده و مرده دنیا از جمله زبان عبری است.تعدادی از کلمات مشترک عبری-عربی که در فارسی استفاده میشوند با تلفظ عبری و تعدادی نیز با تلفظ عربی هستند.
بعید هم نیست که 85 درصد و یا بیشتر کلمات فارسی ریشه عبری و آرامی داشته باشند!چون زبان فارسی یا ساخته یهودیهاست برای اهداف خاص!ویا قبل از فارسها زبان یهودیهای ساکن ایران و آسیای میانه بوده که به آنها تحمیل شده!
من قصد یهودی نشان دادن جهان را ندارم.فقط نام بعضی از مناطق را که احتمالا فقط در این زبان معنی معقولی دارند را ذکر کردم.

نویسنده: ///

شنبه 2 شهریور1387 ساعت: 22:30

تابناك : گفتني است كه در زمان وزارت آقاي صفار هرندي به نويسنده اي كه ارتباطات گسترده اي با دربار رژيم شاه داشته و اكنون نيز ارتباطاتي با بنيادهاي صهيونيستي آمريكا دارد در حالي اجازه نشر كتابهايش صادر شده است كه پيش تر به مقدسات اسلام بارها توهين كرده است.

شجاع الدين شفاء كه در آثار خود در توهين به مقدسات و شعاير اسلامي تا بنيانگذار فقيد جمهوري اسلامي از چيزي فروگذار نكرده است از طراحان فرهنگي در زمان پهلوي بوده است و تهيه كننده متن معروف سخنراني پهلوي دوم در جشنهاي 2500 ساله بوده است.
http://www.tabnak.ir/pages/?cid=16269

نویسنده: محسن

شنبه 2 شهریور1387 ساعت: 23:16

باسلام

آقای بی نام دوست بسیار گرامی من. دیشب پنجره اتاقم باز بود و مگسی (از آن بزرگ هایش) از پنجره وارد اتاق شد و شروع کرد به وز وز کردن ! پیف پاف را برداشته و بر روی آن حدود 10 - 20 ثانیه ای پاشیدم و از فرط قدرت این پیف پاف های ایرانی ، مگس ما که خودش را به دیوار و سقف نمی کوبید ، شروع کرد خودش را به در و دیوار کوبیدن ! و تولید صدای تیک تاک و مخلوط ! شدن آن با صدای وز وز ، وضع را بد تر کرد.

فکر می کنم منظورم را فهمیدید!

هم چنین کسی که این جمله را می نویسد : «همین کلمه سلام تلفظ عربی یک واژه مشترک عبری-عربی است که احتمالا از زبان سومری وارد این زبانها شده است»، قطعا حتی مستند با شکوه تختگاه هیچ کس را ندیده است که لااقل بداند زبان سومری دیگر چیست که در وبلاگ بنیان اندیشان عنوان شود و اگر دیده است قطعا بدانید ، حتی نتوانسته است برداشت کند تختگاه هیچ کس (همان تخت جمشید سابق) نیمه کاره است!

می خواهید باز هم با این افراد بحث کنید؟! مگر بی کارید ؟!!!

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 2 شهریور1387 ساعت: 23:28

خانم نسرین. در این وبلاگ ترکیب لفظی بنیان شناسی زیاد به کار می رود و به قول آقای یاسین چندان که گروه آخوند خاتمی واژه ی گفتمان را به کار می بردند. حتی اگر این تمثیل درستی باشد، ولی در ماهیت با هم متفاوت اند، این جا بنیان ها مشخص و مرتب شده است:
1. آیا پوریم با همان عوارض و نتایجی که برمی شمریم، رخ داده است؟
2. آیا تخت جمشید مجموعه ای نیمه ساخت است؟
3. آیا درست است که سلسله هایی با نام اشکانیان و ساسانیان متکی بر اسناد جعلی صد سال اخیر از جمله کتیبه هایی است که کارشناسان دانشگاه شیکاگو در اواخر دوران رضا شاه در نقش رستم حک کرده اند؟
4. آیا می توان قبول کرد که به دنبال فاجعه ی پوریم تا هزار سال پس از اسلام زیر بنای هستی جمعی، اعم از اقتصادی و سیاسی و فرهنگی، در ایران پدیدار نیست و این پکیج ایران در هزاره ی نخست اسلامی، در تمام مراتب و مسائل، یک بسته ی دروغ ارسالی از کنیسه و کلیسا و تدارک شده با دست و قلم محققان و مورخان مزد بگیر غربی است که با منظور پنهان ماندن قتل عام پوریم تدارک دیده اند؟
5. آیا می توان پذیرفت که خط عرب لااقل تا قرن هشتم هجری استعداد کتاب نویسی نداشته است؟
آری گویان به مراتب اصلی بالا، سراپای اسناد و ادبیات موجود در باب شرق میانه ی کهن و باستانی و اسلامی را، ساختگی، مغایر با امکانات تاریخ و فاقد ارزش رجوع می دانند، به بازبینی بنیان شناسانه ی مسائل منطقه از دریچه ی این آگاهی های نو دعوت می کنند و از آن که در هر وجهی از مراتب بالا انبوهی اسناد مثبت و مطمئن از جمله مستند تختگاه هیچ کس را ارائه داده اند، کنجکاوند بدانند گشایش هر دیالوگی با وارد شونده ی به این وبلاگ را باید از کدام مقطع آغاز کنند؟ از صفر انکار مطلق و یا ردیف معینی از هماندیشی؟ چنین است که آقای بی نام به صراحت و با شیوه ی خودشان سئوال می کنند:

"خوب خواهر جان حالا که شخصیت متعالی یافتم ممکنه یواشکی ودر گوشی نظرت را در باره پوریم و طوفان نوح و هخامنشیان وتخت حمشید بگی تا حظی ببریم"؟

چرا به این پرسش های رفع و رجوع کننده ی اصلی که موجب تعیین و تخمین جایگاه شما در مبانی و بنیان ها و بی اثری هر حدس و گمانی است، پاسخ مستقیم نمی دهید؟ اضافه کنم که شخصا مباحثی را که عرضه می کنید، در هر جبهه ای که قرار گیرید، برای وارد شوندگان به این وبلاگ مثبت و مفید می دانم.

نویسنده: م.ستاره

شنبه 2 شهریور1387 ساعت: 21:9

با سلام ، جناب بی نام عزیز ! دوستی برای شما چند کامنت خصوصی فرستاده است که بد نیست بخوانید .
موفق باشید .

نویسنده: نسرین

یکشنبه 3 شهریور1387 ساعت: 0:54

سلام و شب به خیرآقای پورپیرار
آقای محسن اتفاقا سخنان آقای بی نام و همینطور شخص شما هم در گوش من همانند وزوز مگس است!
خیالتان راحت فیلم تختگاه هیچ کس را هم ندیده ام!
من به دنبال حقیقت هستم ولی افرادی مثل آقایان محسن و بی نام از من انتظار دارند که مانند خودشان روش چاپلوسی و چکمه لیسی را انتخاب بکنم!
افرادی مثل آقای بی نام فضای آزاد این وبلاگ را مخدوش میکنند و فضای علمی این وبلاگ را که شایسته نظریات آقای پورپیرار است به فضایی قهوه خانه ای تبدیل میکنند !و با زور و تهدید و تحقیر و تهمت زدن به دیگران به زعم خودشان میخواهند خود را فردی موثر جلوه دهند که میتواند دیگران را وادار به همفکری با خود نماید!
من وقتی با تمام نظریات آقای پورپیرار آشنا نیستم چطور میتوانم در مورد همه آنها نظر بدهم؟!من وقتی میتوانم نظر موافق یا مخالف بدهم که مطالعه تمام آثار ایشان و موافقان و مخالفانشان را به اتمام رسانده باشم!
فعلا ترجیح میدهم در جبهه بی طرفها باشم!
فکر میکنم که کامنتهایی که تا به حال گذاشته ام نشان دهنده این موضوع باشدکه من فقط از روی کنجکاوی نه از روی غرضهای سیاسی -قومی و مذهبی و... سوال میپرسم !!
البته فهماندن این موضوع برای افرادی مثل آقای محسن و آقای بی نام که دچار پارانویای حاد هستند کاربسیار سخت و دشوار است!
بنابراین برای خوشحالی آقای بی نام کامنتی نمی گذارم!
موفق باشید

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 3 شهریور1387 ساعت: 1:15

خانم نسرین. مشتاق حقیقت، پیوسته مترصد و در جست و جو است و قدرت رویارویی با هر شمایلی از حقیقت را دارد، احتمالا آشنا شدن شما با این مباحث نظری نو و ردیه های آن، که هنوز نوشته نشده، زمان زیادی می برد، اما دیدار از مستند تختگاه هیچ کس نیازی به درگیری با گمانه پردازی ها ندارد و منحصر به قضاوت چشم و عقل است. همین که شما علی رغم این همه گفت و گوهای مختلف، احتمالا هنوز تختگاه هیچ کس را ندیده اید، تصویر شما به عنوان یک پی گیر حقایق مربوط به تاریخ ایران را اندکی تیره می کند. پیشنهاد دارم آن مستند را فراهم کنید و ببینید و تاثیر آن را بر باورهای کنونی خود بسنجید و اگر مایل بودید، اعلام کنید. این گام اول امتحان ادعاهای هر کسی در این گونه مقوله ها و خود ارزیابی فرهنگی خویش است. در صورتی که مشکل نبینید و در پیام خصوصی رد پایی بفرستید، سی دی های تختگاه هیچ کس برای تان ارسال خواهد شد.

نویسنده: محسن

یکشنبه 3 شهریور1387 ساعت: 1:34

باسلام

خانم نسرین با اینکه استاد توجه داده اند که با افرادی که جرات اظهار نظر درمورد مستند راندارند دهن به دهن نشویم، اما لازم است بدانیداستادپورپیرار چنان چه به نوشته های کوپی پیست شما نیازی ندارند، نیازی به چاپلوسی و چکمه لیسی من و امثال من و همچنین امثال شما ندارند.

جناب بی نام اینجای ماجرای آن مگسه باقی مانده بود که بگویم : طی خود زنی های مکررش به در و دیوار ، عاقبت از همان پنجره ای که آمده بود، برگشت.

نویسنده: رضا

یکشنبه 3 شهریور1387 ساعت: 10:45

با سلام خدمت استاد محترم و دیگر دوستان
مدتی قبل یکی دو سوال از خدمت استاد داشتم که ایشان مرا به خواندن کتب خود ارجاع دادند بنده هم طبق امر ایشان مجددا به باز خوانی آنها پرداختم و البته در این مدت ضمن خواندن روزمره وبلاگ از هرگونه اظهار نظری امتناع نمودم تاذهنم مشغول سوالات جدیدتری نشود، از بازخوانی کتب سوالاتم بیشتر شد که انشالله در آینده نزدیک خدمت استاد عرض خواهم کرد. اما مسئله بنیان اندیشی طرح شده در کامنتهای اخیر مسائلی را برایم طرح نمود که اجبارا به نوشتن این کامنت روی کردم. بنده ضمن پاسخگویی به سوالات طرح شده « تمنا دارم دوستان دیگر(بخصوص دوستانی که السابقون و بنیان اندیش هستند)هم پاسخ بدهند تا ما نوآموزان هم خود را محکی زده باشیم .

1. پوریم مطلبی تاریخی است که در تورات اعتراف شده است و مستندا 78000 نفر مقتول را ابراز داشته ، و چون تنها مستند تاریخی بیانگر تعداد کشته شدگان است دلیل دیگری در دست نیست تا تعداد کشته ها را چند برابر کند. اماز شواهد و عوارض تاریخی چنین معلوم میشود که این قتل عام ، باعث قطع حیات مدنی در این منطقه شده است و حیات بشری بصورت مجموعه های کوچک کوچ نشین تداوم یافته است. (نمیتوان قطع حیات بشری را مطلق کرد)
2. فیلم جناب غفوری کاملا گویاست و بحثی ندارد.
3. شواهد بیان شده توسط استادبطور اعم و برخی منابع دیگر بیانگر اینست که سلسله اشکانیان مهاجران یونانی بوده اند که در پایان دوران خود از این منطقه کوچ کرده اند یا به مرور زمان در بین اندک مردمان منطقه حل شده اند. و آنچه بنام ساسانی ارائه شده (که در این وبلاگ بررسی شده اند) سندیت نداشته و نشان از نبودن ساسانیان دارد.
4 تمامی منابع و کتب بررسی شده توسط استاد پورپیرار به حق نشان از جعل آنها و کم وزن بودن محتویاتشان دارد.
5. از زمانی که مسلمانان توانسته اند قران را بصورت فعلی مکتوب و مجلد سازند ، امکان داشته اند که بزبان عربی کتاب بنویسند اما اینکه آیا نوشته اند یا نه؟ مبحث دیگریست .

وب سایت

نویسنده: نسرین

یکشنبه 3 شهریور1387 ساعت: 11:6

سلام
آقای محسن من برای فرار از دست مگسانی مانند شما(که از نوع مگسان پاییزی هستید) و هنوز فرق بین سوال کردن وتایید و انکار را نمیدانید و فهماندن این مطلب به شما و افرادی مثل شما کار حضرت فیله(Herculean Task)!به صورت عمومی کامنت نمی گذارم ولی به صورت خصوصی حتما این کار را خواهم کرد!(به کوری چشم دشمنان!)
من هم میدانم که آقای پورپیرار احتیاجی به کامنتهای من ندارند ولی خودم برای گرفتن جواب برای سوالاتم به آنها احتیاج دارم!
شما علاوه برادب و نزاکت و شرکت در جلسات اخلاقی احتیاج مبرم به روان درمانی و جلسات روانکاوی هم دارید!توصیه میکنم حتما به یک روانپزشک مراجعه کنید!
من هم دلیلی نمی بینم که با افرادی مثل شما که از پایین بودن توامان IQ , EQ رنج میبرید دهن به دهن بشم!
من خودم را در جایگاهی نمی بینم که از خودم نظریه ای در مورد اموراتی که تخصصی هستند ونیاز به مطالعات آکادمیک دارند ارائه بدهم(البته حدسیات و تفسیرات از این حیطه خارج هستند) !بنابراین مجبور هستم از تحقیقات دیگران با ذکر منبع در پرسیدن سوالاتم استفاده نمایم!و این کار در حیطه علم نه تنها ضعف و عیبی محسوب نمیشود بلکه نقطه قوت هم هست!
شما فعلا این موضوع را که من هنوز" فیلم تختگاه هیچ کس" را ندیده ام نگرفتید!هر وقت دیدم حتما در موردش اظهار نظر خواهم کرد!

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 3 شهریور1387 ساعت: 11:55

آقای رضا. تورات فقط یکی از چند مستند و مجوزی است که بر طبق آن، قتل عام مردم شرق میانه اثبات می شود. آثار و عوارض تاریخی پس از پوریم در شرق میانه، کوچک ترین نشانی از آن مجموعه های کوچ نشین که می گویید، در خود نگه نداشته و اندک حرکتی از باز سازی هستی و حیات، از پس آن قتل عام کامل، چنان که تفحص در سایت های بازمانده گواهی می دهد، دیده نشده و ارائه ی غیر جاعلانه ی یک دکمه و یا ظرف آب خوری که ساخت آن را بتوان به دوران پس از پوریم تا پانصد سال پیش منتسب کرد، ناممکن است و هیچ مدرک سالمی نداریم که حضور انسان ما بعد پوریم را، در سرزمینی که اینک ایران می شناسیم، اثبات کند، چنان که جمعیت شناسی تاریخی نشان داد که در مبدا صفویه نفوس ساکن در این خطه، صفر بوده است.

آقای امید. طفره رفتن خانم نسرین از قضاوت در باب مسائل مطروحه در مجموعه ی تاملی در بنیان تاریخ ایران و به خصوص نحوه ی برخوردشان با مستند تختگاه هیچ کس، مرا به یاد آقای کارگر می اندازد، و تردیدهای آقای بی نام نسبت به ایشان را موجه می کند.

نویسنده: رحمانی

یکشنبه 3 شهریور1387 ساعت: 12:32

با سلام خدمت همگی

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ
به یاد پوریم زدگان و رخداد پلید و ویرانگر پوریم و به امید شناخت کامل پوریم و مشرکان پوریم ساز

با سلام و خسته نباشید خدمت ابرمرد تاریخ شرق میانه

دوباره با تلاش دوستان دست یکی دیگر رو شد تا همه بدانند گفتن حرف گزاف در اینجا مشکل است!!!
آقای بی نام و محسن ووو اینها از شما یعنی شاگردان استاد، دل پری دارند ، چندین بار رسوا شده اند ، به هر ترتیب و با هر روشی که شده می خواهند بحث را به بیراهه بکشند، تا شاگردان استاد را افراطی و مغرض معرفی کنند
مواظب باشید، این به اصطلاح نسرین خانم (یا شاید آقا باشد!؟) وقت ندارد مستند با شکوه تخت گاه هیچکس را ببیند ولی سریعا جواب می دهد و گزافه گویی می کند، برای این وبلاگ وقت می گذارد و کلی مطلب جستجو می کند و از یهود می گوید وووو
به سخنان اینان توجهی نکنید که اینان موظف هستند و بس !
راستی چرا نوع رفتار و نوشتار اینها با افراد حمارخانه (این توهین نیست صفت قرآنی، یهودیان است)، ناریا2 یکسان است!؟
می توانید روش برخورد و نوشتار هر دو را باهم مقایسه کنید ؟ البته اگر وقت دارید!
این کامنت آخری به اصطلاح نسرین خانم! یادآور نوشتار کسان آشنای دیگری است!

وَقُلْ جَاء الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا

با تشکر فراوان

نویسنده: ویرگول

یکشنبه 3 شهریور1387 ساعت: 12:41

یک فعال صهیونیست مسلمان شد

دکتر "اوری دیفیس" 62 ساله که از فعال نسبتا سرشناس در رژیم صهیونیستی به شمار می رود، طی چند روز گذشته گرویدنش به دین مبین اسلام را رسما اعلام کرد.

به گزارش شیعه آنلاین، در همین راستا "توفیق جبارین" وکیل شخصی "اوری دیفیس" گفت: موکلم با مراجعه به دادگاه شرعی مسلمانان در سرزمین های فلسطینی 1948 در منطقه "باقه الغربیه" گرویدن به دین مبین اسلام را رسما اعلام کرد و پس از آن با یک زن فلسطینی مسلمان ازدواج کرد.

عشق!

نویسنده: رضا

یکشنبه 3 شهریور1387 ساعت: 12:45

با سلام مجدد خدمت استاد محترم ، توجه شما را به پاسخی که مدتی قبل در بخش کامنتها (درزمان بررسی نحوه محاسبه جمعیتی) به بنده لطف فرموده بودید معطوف میدارم که :
یکشنبه 29 اردیبهشت1387 ساعت: 12:54 نویسنده: ناصر پورپیرار
آقای رضا و آقای سلام. در هیچ زمان و در هیچ نقطه ای جمعیت آدمی به صفر مطلق نمی رسد، زیرا به محض بروز چنین تصوری، دیگر گفت و گو از رشد نفوس بی معنا است.
بنابر این آنچه من درک میکنم : عدم رسیدن به صفر مطلق بمعنی وجود هرچند اندک مردمانیست که در تعداد کوچک و بصورت کلنی های خانوادگی بوده اند. البته وجود این چنین کلنی ها قطعا به معنی وجود حیات مدنی نیست و بدیهی است این مردم نخواهند توانست ردی بر تاریخ بگذارند .

وب سایت

نویسنده: نسرین

یکشنبه 3 شهریور1387 ساعت: 14:5

سلام]قای پورپیرار
آقای بی نام مرا به ذبیح الله منصوری یهودی زاده اهل سنندج تشبیه کردندولی همین آقای ذبیح الله با همه جعلیاتی که انجام داده جعلیات دیگران مثلا در مورد سعدی شیرازی را رو کرده اند!
آقای بی نام خودشان از اثرات جعلیات ذبیح الله دور نمانده و همانند افراد حسن صباح جعلی که در کتاب خداوند الموت تالیف و ترجمه ذبیح الله ذکرشان آمده عمل میکنند!

آقای پورپیرار!من هیچ شبهه ای در مورد وجود جعلیات در تاریخ و فرهنگ ایران و خاورمیانه وبخش بزرگی از آسیا و اروپاو ... ندارم!و همین موضوع و وجود تناقضات عدیده مرا برای آشنا شدن با نظریات شما ترغیب کرده است!

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 3 شهریور1387 ساعت: 15:2

آقای رضا. ایران پس از پوریم از منظر حیات به صفر مطلق رسیده بود و به همین دلیل پس از پوریم، به گواهی فقدان مراکز تجمع و تمدن، "گفت و گو از رشد نفوس به هر شکل و میزانی بی معنا شده است". ظاهرا به یاد نمی آورید که در پس طلوع اسلام نیز تنها از وجود مهاجرانی باخبریم که به صورت پراکنده در قلاع فراز کوه می زیسته اند، از کثرت و نحوه ی زندگانی آنان بی خبریم و اندک نشانی از امکانات معمول رشد در اندازه ی قطعه ای دست بافت و یا ابزار معمول زندگی نزد آنان نیافته ایم و تجمع و تحرک اجتماعی در ایران به اصطلاح صفوی نیز، با اعزام گروه های گوناگون اجرایی از کاربران ملل مختلف ممکن می شود، و نه سود بردن از نیروی کار بومی.
خانم نسرین. باور شما به جعلیات مرسوم تا زمانی که به عمق لازم نرسد، به فرهنگ نو بدل نخواهد شد. نمی توان هم پوریم و هم کتاب نویسی در عهد باستان و قرون نخستین اسلامی و یا حمله ی عرب و مغول را پذیرفت. کوشش انجام شده برای صعود پلکانی و وجب به وجب از این هرم نوساز شناخت، درست به همین علت انجام شده است که بالا رفتن یکباره از آن نامیسر بود. چنان که هنوز رسوبات متعددی از آلودگی های پیشین حتی نزد پذیرندگان پوریم نیز دیده می شود، قتل عام کامل پوریم را قبول دارند ولی با رسیدن به مبحث ساختگی بودن شخصیت حافظ، دچار تردید و ترمز می شوند!!!

نویسنده: نسرین

یکشنبه 3 شهریور1387 ساعت: 15:38

در مورد تازه بودن و جعلی بودن تعدادی از آثار به اصطلاح باستانی هم با نظرات شما موافقم!مثلا همین جعلی بودن و نوساز بودن از سر و روی کتیبه های گنجنامه همدان میبارد!
در مورد ساخته شدن بعضی از شهرهای ایران و منطقه پوریم زده به دست یهودیان همانند اصفهان(که قدیمی ترین منطقه اش که یهودی نشین بوده این امر را تایید میکند)-نایین و...نیزبا نظریات شما موافقم!
ولی نمیدانم نشان دادن شباهت احتمالی بین نام خراسان ایران با خراشان فلسطین یا ماسال ایران با ماشال فلسطین و... چرا باید جعل تعبیر شود؟
در مورد ساختگی بودن و جعلی بودن زبان فارسی و اکثر زبانهای موجود در ایران و منطقه هم با نظر شما موافقم! ولی چرا نشان دادن وجود کلمات عبری و آرامی در زبان فارسی نیز باید جعل تعبیر شود؟(به نظر من عربی پنداشتن این کلمات جعل است و حتی مغایربا نظریات شما میباشد)!
من نظر شما را در مورد زبان سومری نشنیده ام!اگر این زبان هم جعلی است آن وقت زبانهای قدیمی مانند زبان سانسکریت و ایلامی و...هم میتوانند جعلی و ساختگی باشد؟!

نویسنده: نسرین

یکشنبه 3 شهریور1387 ساعت: 15:39

در مورد طوفان نوح هم بعد از توضیحات شما جهانی نبودن آن قابل قبول است!
در مورد کاشیکاری هم توضیحات شما روشنگر بود ولی من در مورد آن هنوز سوال دارم
وجود چلیپا و ستاره شش پر در کاشیکاریها نشانه ساخته شدن آنها به دست مسیحیان و یهودیان است!ولی ستاره های هشت پر کار کاشیکارهای مسلمان است؟اگر اینطور است به چه دلیل ازستاره های هشت پر استفاده کرده اند؟آیا مسلمانان از ستاره شش پر یهودیها تقلید کرده اند؟آیا مسلمانان ستاره های شش پر یهودیان را به صورت هشت پر در آورده اند که دیگر نمادی یهودی نباشد؟یعنی کاشیکارهای مسلمان از وجود نمادهای یهودی و مسیحی موجود در کاشیکاریها اطلاع داشته اند؟
در مورد وجود نداشتن سلسله ای به نام ساسانی هم توافق نظر دارم!
ولی در مورد اشکانیان نظرات شما را متوجه نشدم که آیا آنها هم همانند ساسانی ها وجود نداشته اند ؟یا وجود داشته اند و یونانی بوده اند؟

نویسنده: نسرین

یکشنبه 3 شهریور1387 ساعت: 15:42

آقای رحمانی شما یک پرسشگری معمولی مانند من را با افراد مغرض اشتباه گرفته اید؟
در مورد حمار هم باید بگویم که معرف شخصیت شماست احتمالا موقع نوشتن این کامنت در آیینه به خودتان و گوشهای درازتان مینگریستید؟!
در مورد فیلم مذکور هم باید بگویم که وقت نگاه کردنش را داشتم ولی به آن دسترسی نداشتم!
اگر من وقت خود را صرف این سوالات کرده ام به خاطر این بوده که کشف حقیقت در مورد تاریخ و فرهنگ کشورم ومذهبم و

زبانم و افراد و اقوام پیرامونم برایم بسیار مهم و جالب بوده است!و وجود تناقضات عدیده در آن برایم آزار دهنده بوده است!
در آخر به شما و آقای محسن توصیه میکنم که اولا مغزتان را آک نگه ندارید چون قرار نیست گرانتر شود!ثانیا مانند نخود هر آش و قاشق نشسته خودتان را وسط نیاندازید!

نویسنده: نتاب

یکشنبه 3 شهریور1387 ساعت: 17:37

با سلام
دوستان به شرح ایمان اوردن من به تحقیقات پورپیرار توجه کنید:
اولین کلمه‌ای که توجه‌ام را جلب کرد پوریم بود، ادامه به خواندن دادم،
اولین جمله‌ای که خواندم حاوی ان بود که ساسانی جعلی است. باور بفرمائید انچنان در فکر و روحم جای گرفت که امروز بعد از خواندن 80 % از نوشته‌هایشان (انچه در دسترس است)، میزان یقین من همان میزان یقینی است که با خواندن جعلی بودن ساسانی نصیبم شد. اخر همه چیز این سلسله در همه عمر من را ازار داده بود زیرا که با عقل جور در نمی‌اید سلسله‌ای با ان امپراتوری بزرگ به دست چهار نفر پابرهنه (به قول شاهنامه) سوسمارخور نابود شده باشند.
در واقع سیر تکامل باور من به نوشته‌های این بلاگ کاملا افقی است زیرا که با جمله اول از شماره‌های دور و بر 60 یا 70 به همان حد اقناع رسیدم که با خواندن شماره 169.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 3 شهریور1387 ساعت: 18:33

خانم نسرین. خواندن کتاب اشکانیان از سری کتاب های "تاملی در بنیان تاریخ ایران" و دیدن مستند تختگاه هیچ کس برای شما که دنبال پر کردن چاله های سئوال خودتانید، ضروری است. اگر به آن ها دسترسی ندارید با تلفن 66492049 تماس بگیرید و خریداری کنید.

آقای هاتف. چند روز دیگر فرصت بگذارید، مطالعه ی آن را کامل خواهم کرد.

نویسنده: بی نام

یکشنبه 3 شهریور1387 ساعت: 19:16

خوب شکر خدا اخرش این اختلال اینترنتی هم رفع شد وبعد از بیست ساعت چشممان به جمال این وبلاگ روشن شد.

نویسنده: بی نام

یکشنبه 3 شهریور1387 ساعت: 19:34

نسرین خانم سلام
ایا برای این عصبانیت بیش از حد شما محملی هم هست؟انصافا" ایا نگرانی اقای محسن یا اقای رحمانی بی مورد است؟ایا به انها حق تعلق را نمی دهید ؟انصافا" ایاعکس العمل این برادران عزیزبجا نبود؟انصاف بدهید که حق با ما بود وشما با سکوتتان مقصر.
انچه را که شما چاپلوسی وچکمه بوسی می نامید,(شاید این نظر هم ریشه عبری داشته باشد)داده هایست بدیع و دغدغه ساز,که نیازهای اعتقادی وعقلی ما را ارضا'می کندوامید به یکپارچگی از دست رفته اسلام ووحدت اسلامی را نوید بخش است پس الزام اعتقادی در حفظ وحراست از ان را داریم.لذا بنده بر غیرت وتعصب این برادران درود می فرستم بدون اینکه قصد رخ کشی کلامی به شما داشته باشم.
نسرین خانم هر چند نمی خواستم جواب تعارفات زیبای!!! شما را بدهم اما باید بدانید استاد ما چکمه پوش نیست به همین جهت بنده بر پای ایشان بوسه می زنم وتا ابد حس بندگی به ایشان دارم. چند سالیست در محضر ایشان تلمذ می کنم هیچ چیز نداشته که به ما بدهد الا بینش ویافته هایی بدیع وسازنده که بی چشم داشت ان را در طبق اخلاص در اختیار ما قرار دادو صبورانه سئوالات ما را پاسخ گفت ومی گوید.ایا نباید عاشق او بود؟
من فکر می کنم باید کلام کوتاه کنم تا شما بیشتر بگویید چون کامنتهایی نظیر کامنتهای اخیرشما را برادرانم بیشتر دوست دارند بخوانندوبنا بر ان واجب می دانم که فرصتی دیگر ایجاد شود تا هم شما این برادران خوبم را بشناسی هم ما شما را بیشتر بشناسیم فکر می کنم ان نوع گفتارهای اخیر از نوشته های مغلق بنده یا کامنتهای پر پرخاش قبلی شمابهتر باشه.

نویسنده: reza

یکشنبه 3 شهریور1387 ساعت: 19:40

در ارتباط با معنی پاساژ در فارسی:
در شهرمان از قدیم الایام که به یاد دارم لفظ پاساژ به مجموعه ای از مغازه ها و فروشگاهها در یک مکان اطلاق میشد به این

شرط که ورودی و خروجی آن به دو خیابان متفاوت منتهی میشد . کسانی که در بازار رفت و آمد دارند از طریق گذشتن از داخل پاشاژ راه میانبری را بین دو کوچه یا دو خیابان ایجاد میکنند. من یقین دارم که اسم پاشاژ یا passage در انگلیسی بر پایه همین کاربرد و راه میانبری است که پاساژ بین دو خیابان ایجاد میکند.

نویسنده: ؟؟

یکشنبه 3 شهریور1387 ساعت: 19:49

استاد پورپیرار، جسارت نباشد، خواستم بدانم آیا قصدتان از پاسخ گویی به این افراد پر حرف! نظیر بانو نسرین ! که با بهانه هایی که می آیند، می خواهند همانند جناب کارگر، از اظهار نظر در مورد مستند با شکوه تختگاه هیچ کس؟! طفره روند، ایجاد زنگ تفریحی دگر است؟!

نویسنده: !

یکشنبه 3 شهریور1387 ساعت: 17:54

؟؟.
احتمالا همین طور است. نمیشود که فقط استاد زنگ تفریح بسازد. ما هم باید نقش داشته باشیم و وارد ماجرا بشیم.
حالا میشه گفت این بانوی گرامی که سرور مردان هستن چون به نظر میرسه در اصل سیبیلاشونو تراشیدن اونهم نه از ته به فحاشی و متلک انداختن خیلی علاقه دارن که جامه زنانه پوشیدن!!!!!!!!!!!
بد نیست ماموران طرح مبارزه !!!!!!!!!!!!!با امنیت اجتماعی(به قوم جناب م.ستاره) ایشون رو پیدا کنن و ارشاد بفرمایند!!!!!!!!

نویسنده: محسن

یکشنبه 3 شهریور1387 ساعت: 22:21

با سلام

خانم نسرین بهتر است به جای لغت شناسی ، اول روی مستند و کتاب ها و وبلاگ نوشته های استاد پورپیرار مطالعه ای انجام دهید و ببینید پاسخ سوال های تان داده می شود یا نه. زیرا که بررسی لغات بدون برداشت از مطالب، شما را به بیراهه خواهد کشاند. چنان چه همین طور نیز بوده است. گمان نکنید آن جهودانی که کلمه ی یورش را در شاهنامه جعلی ساخته اند با آن کسانی که کلمه ی یوروشمک را ساخته اند، تفاوتی دارند!

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 3 شهریور1387 ساعت: 22:44

آقای رحمانی. دفتر و دستکی در کار نیست، منشی، تلفنچی، تایپیست موظف و آبدار باشی ندارم، تلفن ها را شخصا جواب می دهم، اغلب تمام روز را مهمان دارم، پذیرایی از آن ها به عهده ی خودم است و گاه گفت و گوها چند ساعتی به درازا می کشد و تا با خبر شوم، شب شده است، در این میان پاسخ نویسی به کامنت ها، اداره ی یک حرفه ی از پا افتاده و مورد بی اعتنایی قرار گرفته و رفع و رجوع انفرادی ملزومات زندگی، وقت اندکی برای اداره ی این وبلاگ، مطالعه و رجوع به منابع در کتاب خانه ای به هم ریخته و نصب دنباله ی یادداشت ها باقی می گذارد، به خصوص که کار تایپ ها نیز به عهده ی خودم است. ناگزیر باید از زمان خواب و استراحت کاست و در برگزاری ارتباطات شخصی و خصوصی، حتی در اندازه ی یک تماس تلفنی نیز بد قول شد. از سوی دیگر به کلان ترین مباحث نزدیک می شویم و مایل نیستم جریان انتقال شتاب زده انجام شود، فرصتی فراهم می کنم تا اهل آن به درون مدخل ها نفوذ کنند و مغز برخی از مسائل دیر هضم را به خوبی و در فراغت و به میزان لازم بجوند. با این همه کوشیده ام که فاصله ی یادداشت ها مگر به ندرت از یک هفته درنگذرد. اندکی بر حوصله بیافزایید و با یادداشت های مفیدتان، به همه ی ما آموزش دهید.

آقایان ؟؟ و !. خانم نسرین شایسته ی برخورد هماندیشانه ی بیش ترند. این که ایشان خود را مرد زن نما و یا زن مرد نما جلوه دهند، در ماهیت مباحث در پیش تاثیری ندارد و تغییری ایجاد نمی کند. این امری مسلم و در تجربه اثبات شده است، که پوست اندازی از غلاف دروغ و به لباس بنیان اندیشان درآمدن، پلکانی و تدریجی است، مثلا پذیرش ساختگی بودن ابن سینا برای پزشکان صاحب فرهنگ هم، حتی اگر ده سند در برابر آن ها بگذارید، دشوار می نماید و گاه با فحاشی عکس العمل نشان داده اند. گمانم بر این است که خانم نسرین در مطالعات لازم برای نواندیشی تاریخی، دچار کسورات اند، هنوز کتاب های اشکانیان و ساسانیان را نخوانده اند، مستند را ندیده اند و احتمالا از مجموعه مقالات اسلام و شمشیر بی خبرند. تشخیص ام این است که ایشان با اشتیاقی که نسبت به مجرد کنکاش و باریک اندیشی دارند، می توانند همراه شایسته ای برای تبلیغ حقیقت شوند.

ایران شناسی بدون دروغ، 169، بررسی سفر پیدایش تورات، نتیجه - 113 نظر

نویسنده: جلال

دوشنبه 4 شهریور1387 ساعت: 0:49

با عرض سلام و خسته نباشید جوابتان به آقایان ؟؟ و ! کاملا منطقی بود
به کسی که انتقادی کند یا سوالی بپرسد یا نظری بدهد که مغایر با نظرات ما باشد، حق نداریم توهین بکنیم
در ضمن لطفا کامنت های برخی مانند محسن و... که خود را مالک سایت می دانند و دستور اخراج افراد تازه وارد را میدهند نصب نکنید. به هر حال مطالبی را که مطرح میکنید برای اولین بار طرح شده اند و برای افرادی که تازه با شما آشنا شده اند بسیار سنگین است
در ضمن نهایت تشکرخودم را به از شما بخاطر مقالات تان مخصوصا از 163 به بعد واسلام وشمشیر اعلام میکنم که بعد از مطالعه انها در مورد حقانیت اسلام به کاملا یقین رسیده ام. به امید دیدار حضوری با شما..

نویسنده: ؟؟

دوشنبه 4 شهریور1387 ساعت: 3:12

استاد پورپیرار به سبب گستاخیم پوزش می طلبم. متاسفانه گمان بر این می رود که پیامگذاران این وبلاگ حد اقل مستند تخت گاه هیچ کس! را دیده اند و دستکم رئوس مطالب را می دانند. خواهر گرامی بانو نسرین طی چندین ماه اخیر که نامشان در میان پیامگذاران وبلاگ عظیم «حق و صبر» ، خودنمایی می کند، کم لطفی نموده اند.

نویسنده: رحمانی

دوشنبه 4 شهریور1387 ساعت: 9:10

با سلام خدمت همگی

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ
به یاد پوریم زدگان و رخداد پلید و ویرانگر پوریم و به امید شناخت کامل پوریم و مشرکان پوریم ساز

استاد به شما خسته نباشید می گویم بابا!

نویسنده: رضا

دوشنبه 4 شهریور1387 ساعت: 9:16

(2)
استاد شما با وجودیکه فرموده اید : " در هیچ زمانی جمعیت به صفر مطلق نمیرسد" و اگرچه در مورد مناطق پوریم زده به عکس این مطلب و نابودی مطلق جمعیت اعتقاد دارید و لی باز هم به تعداد اندکی جمعیت ساکن در قلاع منطقه پوریم زده اشاره می کنید. چنانچه ما این تعداد جمعیت اندک در کل منطقه را 100نفر در نظر بگیریم و احتمال دهیم که تنها چهل نفر این افراد قادر به تشکیل خانوار های دو نفره بوده اند و 5سال به مدت زمان اعتقادی شما (35سال زمان مورد نیاز دوبرابر شدن جمعیت) اضافه کنیم جدول مذکور حاصل میشود. حال فرض کنیم که نیمی از این جمعیت هم براثر بیماریهای مختلف نابود شده اند باز هم در آغاز قرن نهم هجری جمعیت این مناطق بیش از یک میلیون نفر خواهد شد. بنابر این و برای اصلاح موضوع شما یا باید مسئله صفر مطلق تا شروع صفویه را قطعی کنید و یا فرمول دیگری برای افزایش جمعیت در طول تاریخ پیشنهاد بفرمائید. بهر حال تصدیق میفرمائید که در میدان مباحثه مسئله جمعیت و نحوه ازیاد آن یکی از اصول مهم تفهیم موضوع نابودی کل جمعیت ایران زمان خشایارشا و اثبات پوریم است.

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 4 شهریور1387 ساعت: 12:56

آقای رضا. کمی به مفهوم جمله ی زیر دقت کنید:

"در هیچ زمان و در هیچ نقطه ای جمعیت آدمی به صفر مطلق نمی رسد، زیرا به محض بروز چنین تصوری، دیگر گفت و گو از رشد نفوس بی معنا است".

معنای واضح و البته نیازمند توجه بیش تر در جمله بالا چنین است:
1. هیچ تجمعی از صفر شروع نمی شود زیرا لااقل به یک زوج نیازمند است تا عمل تکثیر را آغاز کنند.
2. اگر در محلی تجمعی نبود، پس همان زوج اولیه نیز در آن ظهور نکرده اند.
3. از آن جا که در ایران پس از پوریم، تا قرون اولیه ی اسلامی، در هیچ اندازه ای نشان تجمع انسانی نمی بینیم، حال آن که پیش از پوریم مراکز متعدد تجمع و تمدن داشته ایم، پس واقعه ی پوریم نفوس موجود در ایران را به صفر مطلق رسانده است، زیرا اگر آن ها فقط یک زوج را باقی می گذاردند در روند طبیعی تکثیر، پس از پانصد سال نیازمند تولید و روابط اقتصادی - اجتماعی و معماری و شهر می شدند، که اثری از آن ها نیست.
4. از زمان، مبدا، چه گونگی، تعداد و سرنوشت مهاجران وارد شده به ایران، پس از ظهور اسلام، کم ترین اطلاعی نداریم و بدون بررسی های نو در باره ی قلاع فراز کوه، هرگونه گمانه زنی درباره ی آنان فاقد مستندات لازم است. از ظواهر امر برمی آید که آن ها هرگز توسعه نیافته و مراکز تجمع و تمدن ایجاد نکرده اند که به علت یابی دقیق نیازمند است.

نویسنده: اتفاق . 1 از 1

دوشنبه 4 شهریور1387 ساعت: 13:11

استاد و محقق تیزبین ، جناب آقای ناصر پورپیرار

سلام علیکم . وقت شما بخیر
احتراماً :
چند روز پیش من کامنتی گذاردم حول این معناء ، که پیرو تطبیق محل وقوع طوفان نوح (ع) با کشور ترکیه ، در ترکیه نیز غذای پخته شدهٔ گوشتی ای طبخ می گردد که در طبخ آن از آتش نیز استفاده نمی شود و طباخان سنتی ، این غذا را به طرز عجیبی میراث اجداد خود بیان می کنند و در توضیح عدم استفاده از آتش نیز بی هیچ تمجمجی معروض می دارند که نیاکانشان پس از طوفان ، چون هیچ هیزم و خاشاک خشکی در دست نداشته اند ، به ابداع پخته شده ای همت گمارده اند و کبابی اختراع نموده اند ، که اگرچه پخته می شود ، اما پزاندن آن بی نیاز به آتش است !
احساس من پس از طرح مطلب این بود که ظاهراً خوانندگان سایت معظم « حق و صبر » ، مسأله و اصلاً وجود چنین غذائی را به شوخی گرفته اند و گمان کرده اند ، یا خواب نما شده ام یا سیاهه ای در مقام « زنگ تفریح » نوشته ام ؛ لیکن خوشبختانه دعوت من از دوستان و خصوصاً همفکران آذربایجانی ام برای غور در موضوع ، مورد اجابت آن عزیزان قرار گرفت و یکی از سروران ، که پیش تر ها نیز مرا از بنده نوازی خویش محروم نگذاشته بود ، نام غذا و موطن اصلی آن و حتی مواد بکار رفته را در آن برایم ارسال نمود که اینک ضمن تشکر از آن عزیز نادیده ، اطلاعات دریافت شده ، تقدیم عموم می گردد :

نویسنده: اتفاق . 2 از 2

دوشنبه 4 شهریور1387 ساعت: 13:12

نام غذا : کباب خام

موطن اصلی : اورفا

Malzemeler : (مواد مورد نیاز)
4 c.b. Bulgur (بلغور)
350 Robotta Macun (Gibi Cekilmis g Dana Nuar) (گوشت گوساله)
6 - 7 Arzuya Miktar (Degistirilebilir y.k. Pul Biber) (فلفل قرمز)
1 t.k. Domates Salcasi (خمیر یا رب گوجه فرنگی)
1 c.k. Tarcin (دارچین)
1 c.k. Karabiber (فلفل سیاه)
2/1 ogutulmus (c.k. Karanfil) (قرنفیل)
1 Ince ; Kucuk (Dogranmis Adet Kuru Sogan) (پیاز خشک)
5 - 6 Adet Ince Yesil Sogan (پیاز سبز)
2/1 Demet Maydanoz (ترهٔ جعفری)

Dis Sarmisak 3 - 2 (سیر)

باز می پرسم ، چرا و اصلاً چطور در گستره ای به پهناوری چند هزاره ، این جماعت میان این همه شخصیت واقعی و اسطوره ای و حتی مشاهیر قومی ، انحصاراً و بی تعلل ، انگشت روی نوح (ع) می گذارند و این غذا را یادگاری پس از فروکش کردن طوفان آن بزرگوار معرفی می نمایند ؟ پاسخی که « عقل » ، جواب دندان گیری برای آن ندارد ؟!

ان ارید الا الاصلح ما استطعت و ما توفیقی الا بالله
علیه توکلت و الیه انیب

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 4 شهریور1387 ساعت: 13:19

آقای دکتر اوزان. ضمن آرزوی بازگشت کامل سلامتی شما، آگاهان نسبت به دست بردگی های مفصل نسبت به هویت و تاریخ و فرهنگ خویش، اینک دچار عصبانیتی طبیعی و گاه حساب نشده اند و به هر نشانه ای از دوام دروغ پرخاش می کنند.

آقای اتفاق. مطلبی که فرستاده اید، جای تامل بسیار دارد و البته اثبات رخ داد طوفان در بخش اعظم ترکیه ی کنونی، چندان مدارک جغرافیایی و تاریخی دارد، که بی توجهان به چنین نشانه های سنتی را نیز قانع کند.

نویسنده: رحمانی

دوشنبه 4 شهریور1387 ساعت: 13:32

با سلام خدمت همگی

مَثَلُ الَّذِینَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ یَحْمِلُوهَا کَمَثَلِ الْحِمَارِ
به یاد پوریم زدگان و رخداد پلید و ویرانگر پوریم و به امید شناخت کامل پوریم و مشرکان پوریم ساز

با سلام و خسته نباشید خدمت ابرمرد تاریخ شرق میانه

استاد نمی دانم چرا به جای دیگران پیغام می گذارند!!!!!!!!!!!!!
آن پیغام از من نیست؟

با تشکر فراوان

نویسنده: آیدین قشقایی

دوشنبه 4 شهریور1387 ساعت: 14:24

سلام به دوستان
محقق ارجمند جناب پورپیرار
من روزانه مطالب وبسایت شما را به همراه نظرات دوستان مرور می کنم. عرضی با جنابعالی داشتم. اگر چه نام این وبسایت "حق و صبر" است و ملهم از نص قرآن کریم :
"والعصر، ان الانسان لفی خسر، الا الذین آمنو و عملو الصالحات و تواصو بالحق و تواصو بالصبر":
با اینحال باور کنید گاهی صبرم تاق می شود برای خواندن یکجا و یکباره شمه ای از نظرات شما پیرامون تاریخ ایران تا زمان معاصر.
با توجه به اینکه در وبسایت ناریا حوادث تاریخ ایران تا زمان باصطلاح صفویه خلاصه و مفید ذکر شده خواهش می کنم اگر برایتان مقدور است در مورد آخرین یافته هایتان در مورد تحولات ایران از زمان باصطلاح صفویه تا آخرین مقطعی که تا کنون به آن رسیده اید هم خلاصه متنی فراهم و در وبسایت ناریا یا هر ماخذ دیگری که صلاح می دانید قرار دهید تا بتوانیم نمایه جدیدی از تاریخ 500 سال گذشته ایران -که بسیاری ازاقوام کنونی در این مقطع وارد فلات ایران شده اند- راملاحظه نماییم.
به امثال من نوعی حق دهید که محتاج و تشنه شنیدن نگاه شما پیرامون تاریخ 500 سال اخیر باشیم مگر نه ما قشقاییها از سرزمین آذربایجان حدود 3000 کیلومتر جابجا شده و به جنوب ایران آمده ایم. اما مانده ام چرا؟ به ضرب چه؟ چطور می شود ایلی که عامه مردمش نماز نمی خوانند، نام عموم ائمه را هم اصلا نمی دانند نام ابولفضل را باید بیشتر از پیامبر ذکر کنند و حتی به آن قسم هم بخورند!!!! و ...
اینجانب یافته های جنابعالی را مقرون به صحت می بینم و بیصبرانه منتظر خواندن و شنیدن نظرات شما در این حوزه ها هستم.
با تشکر

نویسنده: صمیمی

دوشنبه 4 شهریور1387 ساعت: 14:30

جناب اتفاق خیلی جالب بود.

نویسنده: ساسان

دوشنبه 4 شهریور1387 ساعت: 16:10

ای آقای اتفاق نانیکو نژاد. این غذای نیکو مال آریاییان و هاخامنشیان می باشد که در اسیای صغیر رواج گشته بوده می باشد.

وب سایت

نویسنده: ویرگول

دوشنبه 4 شهریور1387 ساعت: 16:53

www.fardanews.com
هوشنگ امیراحمدی:
کی گفته من آدم مهمی نیستم!
امیراحمدی در ادامه ضمن تمجید از اظهارات رحیم مشایی گفت: متعاقب ملاقات من با موفاز - از مقامات رژیم صهیونیستی - ، آقای مشایی،معاون اقای رئیس جمهور هم بدرستی گفت که ما با مردم اسرائیل مشکلی نداریم.

هماهنگی!هماهنگی!هماهنگی!هماهنگی!

۱ ۲ ۳

ایران شناسی 170

ایران شناسی بدون دروغ، 170، مسلمانان اسپانیا - 22 نظر

نویسنده: حکیمی

دوشنبه 4 شهریور1387 ساعت: 20:34

ایولللللللللللل

نویسنده: میثم

دوشنبه 4 شهریور1387 ساعت: 23:7

سلام جناب استاد با توجه به سالروز کودتای 28 مرداد آیا میشه نقش روحانیت تو اون رو بررسی کنید؟

نویسنده: استاد کورش آریایی

دوشنبه 4 شهریور1387 ساعت: 23:17

به نام اهورامزدای جان و خردمند

نوشته خردمندانه

«هیاهویی اینک در آمریکا ، از تخت جمشید و پاسخی دگر به پورپیران.»

را در تارزان صندوقچه ی نقد خوانیدن بنمایید.

وب سایت

نویسنده: بی نام

دوشنبه 4 شهریور1387 ساعت: 23:39

استاد عزیز سلام علیکم وخسته نباشید

فکر کنم که داده های عقلی ایگناسیو اولاگوئه در مورد عدم تسخیر قهری اسپانیا توسط اعراب مسلمان تا حدی مورد پذیرش جامعه اسپانیا واقع شده چرا که چند وقت پیش فکر کنم شبکه چهار سیما فیلمی دراین مورد نمایش می داد که اشارات صریحی نسبت به این مسئله داشت وحتی عنوان می کرد که عامل اصلی رنسانس در اروپا ان ادعای موهوم انتقال اندیشه هاعلمی شرق یا ظهور بی دلیل ویک باره اندیشمندان زمینه های مختلف علمی مورد ادعای تاریخ نویسان مزد بگیردر اروپا نبوده بلکه اشنایی به سلم وسلام وغیر قهری اروپاییان با تمدن درخشان اسلامی در اسپانیا بوده است.

جناب اتفاق سلام علیکم
بنده نیز ان فیلم را دیدم بنده فکر می کردم که این می تواند یک نواوری و سلیقه برتری در تهیه غذا باشد ومانند شما چنین در ان غور نکرده بودم نظرت برای بنده جالب بود.

نویسنده: صداقت

سه شنبه 5 شهریور1387 ساعت: 1:46

سلام جناب استاد .لطفا بفرمایید آنوس مستند تختگاه هیچ کس رو از کجا میتونم دانلود کنم.؟واسه یه جمع دانشجویی میخوام.

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 5 شهریور1387 ساعت: 2:8

آقای صداقت. به سایت naria.ir رجوع کنید.

آقای بی نام. اما توریست های تمام جهان از راه نمایان و تور لیدرهای اسپانیایی همان داستان قدیمی حمله ی اعراب ساخت کلیسا را می شنوند و کتاب های درسی اسپانیا نیز همان قصه ها را تبلیغ می کنند.

آقای میثم. انشاء الله زمان ورود به تاریخ معاصر.

نویسنده: صداقت

سه شنبه 5 شهریور1387 ساعت: 6:49

سلام مراجعه کردم ولی در naria.ir آنونس مستند تختگاه هیچ کس وجود نداشت.لطفا راهنمایی بفرمایید.

نویسنده: محمود بجانی

سه شنبه 5 شهریور1387 ساعت: 7:26

با سلام
جناب پورپیرار اگر تعداد بادکنکهای باده شده برای خواباندن یک میله آهنی محکم به میلیارد هم برسد آن قطعه آهنی نمی افتد این است قضیه بازخوانی تاریخ توسط شما و آن دروغهای بزرگ - هر چه پیشتر می روید قضیه دروغهای بزرگ تاریخ آشکارتر می شود . موفق باشید ما برای شما دعا می کنیم.

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 5 شهریور1387 ساعت: 7:47

آقای صداقت. سراغ ای میل استاد غفوری بروید:
mojijimi@yahoo.com

نویسنده: آیدین قشقایی

سه شنبه 5 شهریور1387 ساعت: 7:51

سلام به دوستان
جناب پورپیرار وقت بخیر
اینجانب حدود سه سال پیش در شاهچراغ شیراز با گروهی از توریستهای اسپانیایی برخورد داشتم. قبلاً آن واقعه را خدمتتان ذکر کردم.
با یکی از آنها که اهل بیلبائو بود صحبت می کردم در مورد تمدن اسلامی و نفوذ آن در اسپانیا. موقعی که در مورد الطارق فرمانده کذایی سپاه اسلام در جنگ اسپانیا صحبت کردم از تعجب می خواست شاخ در کند. وی میگفت که اصلاً حمله اعراب به اسپانیا روی نداده و برایش جالب بود که چرا من این سخنان را مطرح کرده ام!!!!!!!!
من گمانم اینست که ایشان از کسانی بوده که کتاب ایکناسیو اولاگوئه در مورد تاریخ اسپانیا را مطالعه کرده است.

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 5 شهریور1387 ساعت: 10:35

آقای قشقایی. آن نام را با اجازه ی شما عوض کردم. صلاح الدین ایوبی به جنگ های صلیبی مربوط است نه اسپانیا.

نویسنده: حاجی زاده

سه شنبه 5 شهریور1387 ساعت: 13:26

استاد ارجمند،سلام و خسته نباشید
دامنه ی شیوع جعل و دروغ آنچنان وسیع است که می تواند هر جوینده ای را مبتلا به سردرگمی، سرسام و تحیر کند،
درودهای بیکران برشما و تمام انسانهای وارسته ای که خالصانه و فداکارنه و بنحوی، در خدمت احیای حقیقت اید.
پیروز و پایدار باشید.

نویسنده: مسعود

سه شنبه 5 شهریور1387 ساعت: 20:37

سلام علیکم و خسته نباشید استاد عزیز و بزرگوار.

همه اینها میرساند قدرت کلام خالق کائنات در قرآن مبین تنها عامل تسخیر قلوب مردمان حتی در ایبریای اسیر در چنگ کلیسای کثیف بوده است.

مضافا" اینکه با این اوصاف شرح دلاوریهای این قهرمان کهن ملی پوشالی اسپانیایی ها یعنی "ال سید" که ویرا بیرون کننده "اعراب اشغالگر" !!! از مملکتشان میشناسند هم میشود حکایت قهوه خانه ای به سبک رستم و سهراب !!!
توضیحات شستشوی مغزی دهنده خلق الله را در مورد این پهلوون پنبه! از این لینک ویکیپدیا اگر حوصله داشتید ملاحظه بفرمایید:

http://en.wikipedia.org/wiki/El_Cid

خدای منان وجود شما را برای بشریت اسیر در چنگال شیاطین محفوظ بدارد.

نویسنده: reza

چهارشنبه 6 شهریور1387 ساعت: 8:5

مسعود عزیز
"ال سید" (السید) نام صلاح الدین ایوبی در اروپا است. در بکار بردن نامهای تاریخی لطفا بیشتر دقت کنید.

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 6 شهریور1387 ساعت: 14:4

فریبا خانم. بدون استثنا تمام اقوام و قبایل و عشایر کنونی ایران، به خصوص در آذربایجان و کردستان، کوچندگانی پس از دوران به اصطلاح صفویه اند. تشخیص ورود چند سیاه چادر نشین به محال سولدوز، در 200 سال پیش، که حالا ایل قره پاپاخ معرفی می شوند و صاحب چند شهرک و ده شده اند، کاملا درست است. اگر هر یک از متعصبان و قوم پرستان آذربایجان و کردستان نیز، اندکی اطراف خود را بجویند و به جای انتساب خود به مادها و سومریان، حقیقت را از ریش و گیس سفیدان قوم بپرسند، معلوم خواهد شد که آذربایجان و کردستان پیش از ورود قاجار و توابع آن، تقریبا غیر مسکون بوده است. آیا مشوق این کوچندگان چه کسانی بوده و از کجا به راه افتاده اند؟!!

نویسنده: مسعود

چهارشنبه 6 شهریور1387 ساعت: 21:28

وقت شما بخير جناب استاد

خدمت آقا reza عزيز عرض شود براي اطمينان از اينكه "ال سيد" = el cid همان قهرمان توخالي اسپانيايي هاي گول خورده امروز ميباشد و نه "صلاح الدين ايوبي "= saladin كذايي كه ظاهرا" كورد و در سوريه امروز شناسانده ميشود به اين كليپ ويديويي دقت نماييد :

http://www.youtube.com/watch?v=v5e1L5ocXUw

نویسنده: تلميذ

چهارشنبه 6 شهریور1387 ساعت: 21:31

با سلام خدمت استاد پورپيرار كبير و ساير دوستان
چند سوال و نظر:
1- در زمان ظهور سلام، آيا شبهه جزيره عربستان مستقل بوده و يا اينكه جزوي از امپراتوري روم بوده است؟!
2- آيا زبان مردمان ساكن در سرزمين شام و شمال آفريقا در زمان ظهور اسلام سامي و عربي نبوده است،عليرغم حاكميت رومي ها بر اين مناطق؟!چون صرف وجود آثار حاكميت رومي دليل كافي براي رومي بودن مردمان اين مناق نمي تواند باشد.
3- چرا يهوديان و مسيحيان مدتها قبل از ظهور اسلام در شبهه جزيره ساكن شده بوده اند؟!بنابراين بر خلاف ادعاي به اصطلاح مورخين شبهه جزيره به هيچ عنوان تا قبل از ظهور اسلام سرزمين ناشناخته ايي نبوده است.
4- در قرآن كريم از مكه به عنوان ام القري(بزرگترين روستاها) ياد شده است و نه با عنوان مدينه(شهر)!!!

5- حتي در قدرت و سپاه امپراتوري روم هم به نظر من بيش از حد غلو كرده اند.مثلا مگر ناوگاني كه پادشاه اسپانيا در قرون 14 و 15 ميلادي براي كشف جهان ناشناخته گسيل مي داشته بيش از ده فروند شناور و شايد حد اكثر 200 خدمه بوده است؟!
6- آن هزاران نفري كه در فيلمهاي هاليوودي مربوط به جهان باستان كشته مي شوند كجا خاك شده اند، اگر آن ماجراها غلو نباشند؟!

نویسنده: تلميذ

چهارشنبه 6 شهریور1387 ساعت: 21:33

- به نظر من يكي از مهمترين اسناد تجمع انساني در منطقه خاور ميانه و اروپا وجود قبرستانهاي قديمي و تعيين قدمت آنهاست كه فكر ميكنم عمدا كمترين تحقيقات در اين زمينه صورت گرفته است. مثلا در شهر « اردكان» شيراز كه معلوم نيست به چه دليل فعلا در نقشه هاي رسمي كشور «سپيدان» مي نويسند؟!!! در ورودي قصبه قبرستاني قديمي وجود داشته كه در اواخر دوره پهلوي تخريب و به جاي آن يك ميدان(فلكه) ساخته اند!اين سايت مي توانست قديمي ترين انسان خاك شده در آنجا و دين و مذهبش را نشان دهد ولي...
8- خلقت شتر به گونه ايست كه مي تواند از آب حاصل از سوختن مواد عالي در سلولهاي بدنش تا حدود قابل توجه اي استفاده كند،مانند حشرات و بعضي خزندگان كه آب نمي نوشند!پس اين موجودات در مناطق كم آب قدرت ماندگاري بيشتري دارند.
9- گرچه سندي در دست ندارم ولي به نظرمن زبان عبري يك زبان جعلي است كه از روي زبان عربي ساخته اند،چنانچه همين چند اصطلاحي كه از زبان عبري مي دانيم قرابت بسيار نزديك آنرا با زبان عربي نشان مي دهد:
اول اينكه خود كلمه «عبري» در هم ريخته كلمه «عربي» است!
دوم اينكه كلمات شبت(هفته) همان سبعه عربي است.كيپور محرف كفر عربي است.شالوم محرف سلام عربي است.فسح كه به نظر من محرف فتح(گشايش) عربي است كه اگر به زبان انگليسي راه يافته باشد به صورت path(پاث،به معني جاده، راه و مسير است)، گرچه اين كلمه با كلمه pass از يك ريشه است.فقط به جاي س، ش استفاده مي شود و به جاي ف،پ!!!
سوم: مهمترين نكته اين است كه چرا عليرغم اينكه قرآن كريم بزرگترين دشمن اسلام و مسلمين را يهوديان معرفي مي

كند،حتي يك مورد اشاره هم به زبان عبري و عبرانيان نشده است؟!
چهارم: نكته مهم ديگر اينكه زبان عبري تا قبل از تشكيل دولت اسرائيل زبان زنده ايي(حتي در بين يهوديان هم) نبوده است،بنابراين انتقال واژه هايي از اين زبان به زبانهاي ملل ديگر منطقي به نظر نمي رسد،بلكه ممكن است برعكسش صادق باشد،از آنجايي كه يهوديان در ميان تمامي ملل جهان حضور داشته و دارند!

نویسنده: تلميذ

چهارشنبه 6 شهریور1387 ساعت: 21:34

10- آيا در صدر اسلام در قلمرو روم نوعي آزادي دين و عقيده حاكم بوده است؟!در غير اين صورت گسترش اسلام در جنوب شرق و غرب امپراتوري،بدون لشكركشي، غير ممكن به نظر مي رسد!
11- در رابطه با احمدي نژاد و مشايي: اگر يادتان باشد كه پارسال آقاي احمدي نژاد با يك خبرنگار يهودي الصل فكر مي كنم CNN مصاحبه اي داشتند كه خبرنگار به رئيس جمهور ما گفت:«...ولي شما خود چندتا دوست يهودي داريد؟!» ولي مترجم به گونه ايي ديگر ترجمه كرد و همان موقوع هم بعضي از دوستان در در بخش نظرات اين وبلاگ معظم اين موضوع را تذكر دادند!
اينرا باور داشته باشيد كه حتي در جمهوري اسلامي هم بدون كمك لابي صهيونيسم كسي به قدرت نمي رسد!!! سوال اساسي اين است كه آن چند دوست يهودي مورد اشاره آن خبرنگار چه كساني هسند؟!كسي چه مي داند شايد مشايي يكي از صميمي ترينشان باشد!!!

نویسنده: تلميذ

چهارشنبه 6 شهریور1387 ساعت: 22:45

ببخشيد در كامنت بالا مواد آلي اشتباها عالي نوشته شده

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 7 شهریور1387 ساعت: 0:32

پریسا خانم. دیدن مستند تختگاه هیچ کس برای شما از خوردن نان و آب واجب تر است شاید که از رویا بافی دست بردارید. اگر خواستید برای تان می فرستیم.

نویسنده: reza

پنجشنبه 7 شهریور1387 ساعت: 1:6

با سلام.
جناب مسعود حق با شماست. ممنون از راهنمایی تان.

ایران شناسی 171

ایران شناسی بدون دروغ، 171، مسلمانان اسپانیا - 24 نظر

نویسنده: مهران حقيقت

پنجشنبه 7 شهریور1387 ساعت: 12:31

سلام استاد

ممنون از مطالب جديدتون در مورد اسپانياى مسلمان.

http://melina760.blogfa.com/

لينك بالا رو بخون.

مربوط به دهكده فاطيما در پرتغال.

اين دهكده حدود 600 سال پيش كه اسپانيا و پرتغال دست مسلمانها بوده به نام دختر زيباي حاكم محلي كه فاطمه بوده به نام اون تغيير نام ميده.

حدود 90 سال پيش هم "ميگن" كه مريم مقدس به سه بچه تجلي كرده و ...

يكي از اون سه بچه راهبه ميشه و كتابي هم در اون مورد نوشته.

ایرانیها هم با توجه به مطرح شدن نام Fatima گفتن که حضرت فاطمه ظهور کرده و فیلم مستندش رو هم شاید دیده باشي. جالبه بدوني كه ابراهیم حاتمی کیا چند سال پیش سفری داشت به پرتقال و در مورد فاطیما تحقیقات گسترده ای برای فیلمش انجام داد. اما در آخر متوجه شد فاطیما حضرت فاطمه زهرا (س) نیست. وقتی برگشت به ایران تصاویری به برای تحقیقات گرفته بود رو به موسسه حضرت فاطمه زهرا داد. چون تهیه کننده فیلم اون بود و تصاویر قانونا متعلق به اون موسسه بود. چندی بعد در یک اقدام غیر قابل باور موسسه تصاویر رو به یک فیلم مستند تبدیل کرد و به سیمای جمهوری اسلامی داد و سیما هم نامردی نکرد و اون رو پخش کرد. یک اقدام غیر قابل توجیه. بارها و بارها اون تصاویر پخش شد و آنچنان در ذهن و روح مردم نشست که وقتی حاتمی کیا اعلام کرد که اون حضرت زهرا نیست به تهدیداتی همچون کافر مواجه شد.

نویسنده: مهران حقیقت

پنجشنبه 7 شهریور1387 ساعت: 12:36

با سلام دوباره خدمت استاد گرامی

با مطلب قبل میخواستم بگویم که در تاریخ راجع به اسپانیای مسلمان خوانده بودیم ولی در مورد پرتغال مسلمان چیزی نشنیده بودم.

شاید همسایگی دو کشور و شاید هم قبلا یکی بوده اند.
من نمی دانم.

ممنون:
مهران

نویسنده: ..

پنجشنبه 7 شهریور1387 ساعت: 16:27

استاد بزرگوار سلام علیکم وخسته نباشید

قصه های سروده شده در خصوص حمله اعراب به اسپانیا از داستان حسن کچل خودمان که بنجل تر است.
استادمتاع فراهم شده برای فریب مردم ان دیاربسیار چیپ و ارزان است ایا واقعا"
اینگونه داستان ها باور حمله عرب را به اسپانیا ایجاد کرده است؟
البته از قبل به این باور رسیده بودم که انطرفیها از نظر ذهنی کاستیهای بسیار نسبت مردم شرق میانه دارند وشاید یکی از دلایل آرامش وهدوئی را که علی رغم سواری دادن اکثریت به اقلیت یهود در آن دیار شاهدیم همین کسورات درکی باشدنه برابری وبرادری گرگ ومیش.

نویسنده: امیر عماد

پنجشنبه 7 شهریور1387 ساعت: 20:18

با سلام وعرض ادب خدمت استاد پورپیرار
با توجه به اینکه من هم در کامنت هاي دوستان وهم در يادداشت هاي جنابعالي با واژه بنيان انديش بارها برخورد کرده ام و در واقع تعريف دقيقي از اين واژه ندارم مي خواستم خواهش کنم که بفرماييد از نظر شما يک بنيان انديش کيست و چه صفاتي از يک فرد که به تاريخ علاقه دارد و به درستي معلومات خود اهميت مي دهد يک بنيان انديش مي سازد.
از اينکه سئوال مرا بي پاسخ نخواهيد گذاشت بي نهايت ممنونم.thx

نویسنده: آشنا

پنجشنبه 7 شهریور1387 ساعت: 17:31

با سلام خدمت استاد
استاد مطالبتان به اميد خدا دارد به نقطه اوج خود مي رسد و ديرباوران هم ديگر نمي توانند در برابر اين همه دليل عقلي خود را به نا باوري قانع كنند! مگر اينكه صلاح و مصلحت در نفهميدن بدانند وگر نه در دل ....
استاد كم كم بزرگي و عظمت شما دارد براي عموم آشكار مي شود . چه كسي مي توانست لاشه و جنازه حقيقت را از بين اين همه آوار و لجنزار دروغ نجات داده و به همگان معرفي كند ؟ چه كسي جز شما توان اين را داشت كه اثبات كند :
1- تخت جمشيد نيمه كاره است ؟
2-در اثر واقعه پوريم جمعيت ايران به صفر مطلق رسيده است ؟
3- حكومتي به نام اشكانيان و ساسانيان موهومي اند و ساخته و بزك كرده دست كنيساييان و كليساييان ؟
4-ما دو نوع شيعه «علوي و صفوي» نداريم بلكه به قول شما تنها يك شيعه وجود دارد و آن هم شيعه صفوي با قدمت 500 سال ؟
5- و اما پس از همه اينها با قدرت ثابت كند كه حمله اعراب به ملتها و كشورهاي كفار دروغ محض است و اسلام با تبليغ و گفتمان در جهان منتشر شده است ؟
6- و باز هم به غير از همه اينها ، ثابت كند كه دروغ بافي در تاريخ نه تنها محدود به ايران ، بلكه تمام اروپا و خاور ميانه ، اين خطه مهم و حياتي و سرنوشت ساز بشر ، آلوده به چنين دروغهاي بزرگي هستند كه سبب معارفه غلط كشورها نسبت به هم و قضاوتهاي اشتباه آنها نسبت به هم بوده و در اين ميان آب به آسياب يهوديان ريخته مي شود ؟
استاد ، گشودن هر كدام از مباحث بالا و حتي جز كوچكي از آنها آرزو و مايه مباهات هر محققي است .

نویسنده: آشنا

پنجشنبه 7 شهریور1387 ساعت: 17:50

با اجازه استاد من جواب آقاي امير عماد را از طرف شما بدهم
آقاي امير عماد ، منظور و معني هر واژه در داخل همان واژه نهفته است ، بنيان انديش هم از تركيب بنيان + انديش متشكل است ، بنيان هم يعني ريشه ، پي ، ته هر چيزي و ...
پس در كل بنيان انديش يعني كسي كه عميق و ريشه اي به مطالب مي نگرد و به جزئيات دقت بيشتري مي كند ، يك بنيان انديش به روابط بين آبجكتها (موضوعات) حتي در ظاهر بي ربط به هم توجه مي كند و مسائل را بطور منفك و انتزاعي بررسي نمي كند ، مثلا تاريخ اختراع كاغذ و رواج انتشار و گسترش فكر را با ادعاي تاليف تاريخ طبري و ... در قرن سوم هجري مقايسه مي كند يا تاريخ ترسيم نقشه هاي جغرافيايي و شناخت نسبي بشر به اطراف و اكناف خود را كه عمري حدود 400 ساله دارد را مغاير با ادعا و داستان حمله خشايار شا به يونان در 2500 سال پيش و يا اعراب به اسپانيا در 1400 سال پيش مي داند .
به طور كلي بنيان انديش در سطح امور سير نمي كند بلكه مسائل را عميق بررسي مي كند و يك بنيان انديش اسير سطحي نگري و قيل و قالهاي رايج نمي شود .
از صفات يك بنيان انديش نيز مي توان به موارد زير اشاره كرد :
1-دوري از تعصبهاي متداول در جامعه
2-داشتن فكر و انديشه مستقل
3-داشتن روحيه حقيقت جويي ، حتي اگر به ضرر او تمام شود و مقدم شمردن حقيقت بر مصلحت .
4-جرات و اعتماد به نفس داشتن مستقل انديشيدن و ابراز آن و خلاف باورهاي جامعه حركت كردن .
و ....

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 8 شهریور1387 ساعت: 1:41

آقای دما. واقعا حیف شد.

آقای میر عماد. جز توضیحات آقای آشنا می توانید به قسمت FAQ در سایت
www.naria.ir رجوع کنید.

آقای آشنا. هنوز مطالب مهم دیگری ناگفته مانده است.

آقای حکیمی. در باب آن شخص گرچه از قدیم با کار و بار او آشنا بودم، از بابتی که می پرسید شناسایی ندارم و احتمالا نومسلمان باشد.

آقای... روشن فکران و علمای مسلمان از بابت قبول چنین داستان های بچگانه ای که در موضوع لشکر کشی اعراب به

اسپانیا ساخته اند، بیش تر مقصرند.

آقای مشقاسم. جهنم چه خبر؟!

نویسنده: صداقت

جمعه 8 شهریور1387 ساعت: 1:47

سلام آقای پورپیرار خسته نباشید.من چندین بار تلاش کردم در وبلاگ آقای غفوری پیام بگذارم ولی نشد.به ایمیل هم دسترسی ندارم.لطفا اگر ایشان اینجا را میخوانند یا دیگر دوستان می توانند یاری دهند لینک دانلود آنوس مستند تخت گاه هیچ کس را در اختیارم قرار دهند.

نویسنده: توحید

جمعه 8 شهریور1387 ساعت: 7:0

با سلام خدمت استاد پورپیرار ، خسته نباشید
مطالب اخيرتان بسيار مهم و روشنگر است و خوشحالم از اينكه كم كم به پايان راه شناخت حقيقت نزديك تر مي شويم ، با مطالعه دو يادداشت اخيرتان سوالات فراواني ذهن هر خواننده اي را به خود مشغول مي كند ، از جمله اينكه چطور نام اين كتاب را در چاپ فارسي بدينگونه تغيير داده اند ؟ آنهم در سال 1365 كه اوايل انقلاب و داراي جوي به شدت اسلامي بود ! نظر شما درست است كه براي جذب كمتر حقيقت جويان به سوي اين كتاب علت آن بوده است و محدود نمودن آگاهي هاي عموم . به نظر شما اگر قصدشان اين بوده است چرا اصلا آنرا ترجمه كرده اند ؟
سوال دوم اينكه ، استاد پس تكليف آياتي كه در باره جزيه گرفتن از كافران در قرآن امده است چه مي شود ؟ آيا نظر شما هم اين است كه اين آيات مربوط به جنگ ناخواسته مسلمانان در داخل عربستان با اراذل و اوباش و كافران و مشركان اذيت رسان از جمله اهل كتاب و بخصوص يهوديان ، تنها در زمان حيات پيامبر بوده است ؟
3- نظرتان در باره «نظريه توطئه» چيست كه موافقان و مخالفان زيادي دارد و عده اي آنرا نوعي بد بيني مي دانند و اصلا قائل به آن نيستند و آنرا مي كوبند ؟ آيا اين نظريه درست است يا نه ؟ البته مطالبي در اين مورد در يكي از كتابهاي تاملي بر بنيان تاريخ خوانده ام .
4- نظرتان در باره «فراماسونري» چيست ؟ يك جا خواندم كه فراماسونري نامي يهودي است و مربوط به زمان حضرت سليمان است و يك تشكل حزبي يا گروهي در آن زمان .
5- با دقت در آيات قرآن به نظر مي رسد ، يوسف (ع) يك پيامبر از جانب خدا نبوده است ، بلكه شخصي بوده كه از طرف خداوند به او علم تعبير خواب و حكمت و پاكدامني عطا شده و فرستاده خدا بر قوم خاصي نبوده و وحي دريافت نمي كرده است و تنها از صالحان بوده است مثلا در آيه 22 سوره يوسف آمده :

و چون (يوسف) به حد رشد رسيد او را حكمت و دانش عطا كرديم و نيكوكاران را چنين پاداش مى‌دهيم .
البته سوره يوسف داراي نكات قابل توجه ديگري هم هست كه با خواندن همراه با تامل و دقت آن مي توان به آنها دست يافت .

وب سایت

نویسنده: توحید

جمعه 8 شهریور1387 ساعت: 7:6

آدرس انونس تختگاه هیچ کس :

با کیفیت خوب : http://www.narina.ir/uploads/anons%20(keyfiyate%20khoob).mpg

معمولی: http://www.narina.ir/uploads/anons%20(keyfiyate%20motevaset).avi

نویسنده: ..

جمعه 8 شهریور1387 ساعت: 10:38

استاد عزیز جناب اقای پورپیرار سلام علیکم وخسته نباشید

استاد حقیقتا" چنین است که شما می فرماییداین همان تحمیق یهود خواسته توده مردم بودکه بعضا"توسط به اصطلاح علما

علم اموخته در مکتب مفسرین وتوجیه گران یهودی ودر ادنا ظن ممکن انوسیها با نام ملاوشیخ و...صورت اجرا یافته بود. اما سیر تکوینی تاثیر تخدیر گونه این قسم قصه ها واجابت اشتهای مذهبی توده مردم به این لاطائلات تا نسل من وشما جوابگو بوده وخنده بر این عقاید شاید از دوره من وشما شروع شد.نمی دانم شاید اشتباه می کنم ولی در یک قیاس اعتقادی ,گفتار وعمل پدر بزرگها ومادر بزرگها یمان با انچه که نسل من وشما بروز داد و تجربه کرد به مثابه کفری بود به اعتقادات انها.وباز شاید یهودیت پست کفر نسل ما به افسانه بافیهای چند صد ساله خود را دیده بود که ورژنهای بالاتری را برای تخطئه وانحراف ارائه داده و تا انجا موفق در زمینه فرهنگی بود که دل درد مند شما را به گفتار طنز شدیدتر از هر نهیب وفریاد واداشت که"بعضا" این نسل خیابان را با اطاق خواب اشتباه گرفته است". مسئله باز به دین سازی و القا٬اندیشه های انحرافی خاتمه نیافته واهرمهای زور ملیتاری و اقتصادی ضمانت اجرای بافتهای نوین یهودیت پست در جوامع گشته. ولی با این همه ایمان داریم که اندیشه های بنیان اندیشان که زمانی کور سوی ستاره ای بود با اصرار وجود بزرگی چون شما ورهپویی دوستان عریز به خورشیدی عالم تاب بدل گشته که ریش هر فوت کننده ای را خواهد سوزاندو بی شک این تولج اندیشه از تمیم شیطان به نور رحمان نه فقط در شرق میانه که در تمام دنیا نشر خواهد یافت وطلیعه ان با بروز نفرت عام از یهودیت پست شروع گشته.
موفق ومو٬ید باشید.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 8 شهریور1387 ساعت: 12:15

آقای.... همین روز گذشته گفت و گویی حضوری با چند دانش جو داشتم که مدتی است بر سر جزییات این گونه امور کنجکاوی می کنند و اندک اندک به قبول کامل نزدیک می شوند. در آن جمع نکته ای بیان شد که نهال حقیقتی عجیب در آن کاشته بود. می گفتم آلودگی عمومی و سراسری در فرهنگ کنونی بشر، که منشا٬ دانشگاهی و از نوع آن دارد، چندان است که اگر کنیسه سرانجام و بر اثر فشار عمومی بر ماجرای پوریم، مجبور به اعتراف شود که داده های موجود در امور انسانی سراپا جعل چاره اندیشان یهود است، آنان که نان شان در گرو همین موهومات است و تمام خدمه و بدنه ی فرهنگ جاری را شامل می شوند، یک یهود ستیزی واقعی به راه خواهند انداخت و کنیسه را به دروغ گویی و توطئه چینی متهم خواهند کرد!!! اگر چنین مطلبی صورت پذیرد، عرصه ی تفکر و اوضاع و رفتار متفکرین به سیرک بزرگ و تماشایی بدل خواهد شد.

آقای توحید. 1. در زمان چاپ این کتاب هنوز مترجمینی دنبال منابع نو بودند و ناشرینی که بازار کتاب های بی مایه را کساد می دیدند و آب های زیرکاهی که نصایح مخصوص خود را به کرسی می نشاندند. یکی از محصولات این توازن همین کتاب اولاگوئه بود. 2. نجس بودن مشرکین و الزام آن ها به پرداخت جزیه اگر در میان مسلمین زندگانی و کار کنند یک حکم تعطیل ناپذیر قرآنی است. 3. رد کنندگان نظریه توطئه هنگامی که جهان در لجن دروغ غرقه است، بلند گوی کنیسه اند. 4. فراماسونری چند وجه دارد که در مباحث معاصر خواهم آورد. 5. در قرآن به پیامبری یوسف و ارتباط او با یهودیان و دربار فرعون اشاره ای نیست. او غلام خریداری شده ای است که مورد نظر همسر صاحب اش قرار می گیرد و در اثر پاک نظری، سرانجام به سرپرستی اموال حاکم می رسد، که خطاب فرعون را ندارد. در واقع یوسف در قرآن کریم الگوی یک انسان خوددار و پاکیزه عمل است که اسیر وسوسه نمی شود و خداوند به او "حکمت و علم" می بخشد، نه نبوت. برای من از همه شگفت آورتر نام زلیخا است که جمعی از مترجمان و مفسران به زن آن خریدار یوسف بخشیده اند؟!!

نویسنده: صداقت

جمعه 8 شهریور1387 ساعت: 14:36

جناب توحید هر دو لینک فوق خراب است.دقت کنید که لینکها از narina.ir است و این دومین به وبلاگ متصل است.

نویسنده: م.ستاره

جمعه 8 شهریور1387 ساعت: 18:39

سلام
ختم دسته جمعی قرآن در ماه مبارک رمضان . ختم قرآن در 5 دقیقه با هزاران نیت . برنامه سیمای خانواده .
این ، بخشی از آگهی تلویزیون بود که تاکنون 2 بار بعد از اخبار ساعت 9 شب ، دیده ام . ابتدای آن ، آیه ای از قرآن هم تلاوت می شود . آنچه اما برای من عجیب بود ، صحنه ای فوق العاده کوتاه از آن که در آن ، صحنه قرمز است و بخش تقریبا پایینی صفحه ، نمی دانم با چه چیزی پوشیده است . به نظر که یک خط آبی ! بود و در زیر آن ، البته امیدوارم که فقط خطای دید باشد ، یک ستاره داوود زرد طلایی رنگ است ! پس شد رنگی پرچم اسراییل روی ستاره زرین داوود !
از همه دوستان می خواهم در صورت امکان ، در این موضوع دقت کنند . متاسفانه تلویزیون خانه ی ما ، قدیمی است اما اگر کسانی مدل های پیشرفته دارند که در آن ، مثلا می توان تصویر را 20 ثانیه به عقب برد یا نگه داشت ، خواهش می کنم در این مورد حساس (از نظر من) عنایتی داشته باشند . البته ما مساجدی داریم که سر تا پای آن را با ستاره های 6 پر ، انباشته اند اما این یکی ، کمی آزار ام می دهد .
شاید کسی توانست از آن ، حتی عکسبرداری هم بکند .

از مزاحمتی که ایجاد می شود ، پیشاپیش از همه عزیزان و سروران ، معذرت می خواهم .
والسلام

نویسنده: سعید

جمعه 8 شهریور1387 ساعت: 22:19

سلام!این آدرس یک سایت زردشتی است که برای حذف نام یک شهید از یک کوچه پای کوبی میکند(http://www.berasad.com/content/view/744/12/) با دیدن آن دلم گرفت پیامی گذاشتم که عینا این جا تکرار میکنم.فقط دوست دارم استاد بخوانند.همین.
سلام.پس از جنگ رسم بر این شد که اگر در کوچه ای خانواده ای از شهیدان بر جا بود نام کوچه را به احترام آن خانواده به نام شهید میزدند.شما در اقلیت هستید چه فکری چه تعدادی،ولی به شما اجازه داده شده در مجلس با وجود تعداد بسیار کمتان نماینده ای داشته باشید یعنی جمعیت چند ده هزار نفری شما را به اندازه چند صد هزار مسلمان بها دادند تا دیگر سخنی نباشد.صدها هزار نفر با شعار دین و با فریاد لبیک به ندای الهی برای دفاع به جبهه رفتند و شهید شدند با این همه آنها بر خلاف ادعای شما "پرستش میهن"را نداشتند و تنها سر بر آستان خدا می نهادند در کنار انجام وظیفه آنان برای دین و مذهبشان و به وسیله آن ایران افسانه ای شما حتی یک وجب از خاکش را از دست نداد حال نام کوی و برزنی را از تعلق به شهیدی پاک کردید حتی ماندن پلاک نام او را که لااقل به ضرورت پستی نیاز است چند صباحی دیگر بماند تا نام کوچه جا بیفتد را نیز بر نمی تابید؟

وب سایت

نویسنده: دوست

جمعه 8 شهریور1387 ساعت: 23:6

آقای م. ستاره
سلام
خوبید ؟!

کدوم شبکه بود ؟! میشه از اینترنت اون برنامه رو دید !

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 8 شهریور1387 ساعت: 23:36

آقای منوچ. شرح ماجرای یوسف در قرآن منحصر به سوره ای به نام اوست. یوسفی که به فرعون متصل نیست، عنوان پیامبری ندارد و تنها حکیم خوانده شده است. این یوسف در سوره فرزند یعقوب معرفی می شود که در آیه ی 140 سوره ی بقره، ابراهیم و ذریه ی او و نیز اسباط جدا از قوم یهود خوانده شده اند. جز این سوره، چنان که می دانید در دو آیه، 84 سوره ی انعام و 34 سوره ی غافر نیز نام یوسف به وجه دیگری برده شده که با صفات و مقامات سوره ی یوسف منطبق نیست. حتی در غافر رسولی صاحب معجزه معرفی می شود. در ضمن، آن مومن دربار فرعون را نمی توان یوسف فرض کرد، زیرا همان مومن، رفتار با یوسف را به علامت هشدار تذکر می دهد. به نکته ی بس ظریف دیگری نیز توجه کنید. یوسف ذکر شده در آیه ی 84 سوره ی انعام، از ذریه ی ابراهیم و زاد و رود اسحاق و یعقوب نیست، ذریه ی نوح و در ردیف داود و سلیمان و ایوب و موسی و هارون خوانده می شود و گرچه خداوند در آیه 58 سوره ی مریم همه را فرزند آدم می گوید، ولی صراحتی نداریم که ابراهیم از ذریه ی نوح باشد. بنا بر این می توان نتیجه شما را پذیرفت که یوسف مذکور در خارج از سوره ی یوسف شخصیت دیگری و در زمره ی پیامبران است و ارتباطی با شخصیت سوره ی یوسف ندارد. یعنی همان که می گویید: دو اسراییل و دو یوسف.

آقای بی نام. دیدار ایشان فرصت مغتنم و موجب مشتاقی است. برای تنظیم امور به تر آن که قبلا با تلفن 66492049 تهران تماس بگیرند.

نویسنده: رضا

شنبه 9 شهریور1387 ساعت: 12:10

پذیرایی کلیسا از روزه داران مسلمان!!!!
http://www.erfan.ir/farsi/news/news.php?id=1421

وب سایت

نویسنده: صداقت

شنبه 9 شهریور1387 ساعت: 17:5

کسی آنوس فیلم تختگاه هیچ کس رو نداره؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 9 شهریور1387 ساعت: 17:14

آقای صداقت. یک احتمال این است که دوستان به پیشواز ماه رمضان رفته باشند و نای پاسخ دادن به شما را ندارند.

نویسنده: صداقت

شنبه 9 شهریور1387 ساعت: 19:14

و احتمالا در کلیساهایی که آقای رضا لینک داده اند!

نویسنده: حکیمی

شنبه 9 شهریور1387 ساعت: 20:0

جناب استاد سلام این لینک از زبان نزدیکان صدر نقش فلسطینیان رو در ناپدیدی موسی صدر میگه لطفا مطالعه کنید:
http://www.shia-news.com/ShowNews.asp?Code=87060808

نویسنده: اتفاق

شنبه 9 شهریور1387 ساعت: 21:39

سلام آقای صداقت

من می توانم آن آنونس را روی سی دی خدمتتان ارسال کنم . اگر قابل دانستید آدرس بدهید تا فی الفور پست شود .

Nounvalghalam@Gmail.Com

نویسنده: 000

یکشنبه 10 شهریور1387 ساعت: 18:39

آقای صداقت اگر اینترنت ADSL دارید برایتان در یکی از هاستها آپلود کنم.

ایران شناسی 172

ایران شناسی بدون دروغ، 172، مسلمانان اسپانیا - 66 نظر

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 10 شهریور1387 ساعت: 2:51

آقای تاریخ. گرچه این نام شخص نیست، اما پر حرفی های تان با کارت ویزیت زیر که همراه آن کرده بودید، صاحب خود را لو می داد:

«گشتم و کتابتون رو پیدا کردم در طول خوندن کتاب بارها اون رو محکم به دیوار کوبیدم و ناراحت رهاش کردم ! ولي كنجكاوي

هيچ وقت رهام نمي کرد و باز براي خوندنش بر مي گشتم...».

چاره ای نیست، کتاب ها بدون توجه به علائق و عصبیت های شما نوشته می شوند، پیشنهاد کم خرج تر برای خلاصی یکباره، این که به جای کتاب، جمجمه ات را با شدت کافی و لازم به دیوار بکوبی...

نویسنده: مرتضی

یکشنبه 10 شهریور1387 ساعت: 8:28

با سلام
استاد با توجه به محتویات لینک ارسالی آقای حکیمی در پست قبلی ،جالب توجه خواهد بود اگر کمی هم در باره تاریخ دینی لبنان بنویسید تا اطلاعات بیشتری در مورد شیعه گری بدست بیاید.

نویسنده: مهران حقیقت

یکشنبه 10 شهریور1387 ساعت: 8:46

استاد سلام

http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=463232

سایت بالا مسجد جامع یزد را نشان میدهد.

جایی که مانند تمام مساجد و امامزاده های این سرزمین یهود زده
ستاره های داود بر آسمان نمازگزارانش میدرخشد.

نویسنده: رضا

یکشنبه 10 شهریور1387 ساعت: 9:8

با سلام و عرض تبریک بمناسبت فرارسیدن ماه مبارک رمضان خدمت استاد محترم و دگر دوستان ، استاد منظور شما از عبارت زیر چیست؟

"تامل نمی کنند که تاجران با هیچ دین و مذهبی رفاقت ندارند و مبلّغ اسلامی در اصول نمی تواند مشغول تجارت باشد، مگر این که قسمتی از قرآن را نخوانده بگیرد؟!!"

مبلغ اسلامی باید چه شغلی داشته باشد؟
آیا مبلغان اسلام باید مانند خاخامها و کشیشان و راهبان و ملایان حقوق بگیر و توجیه کننده دستگاه قدرت خویش باشند؟
آیا تجارت اسلامی وجود ندارد؟

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 10 شهریور1387 ساعت: 10:24

آقای رضا. قانون اصلی تجارت، چپاول و کسب حد اکثر سود و نارضایتی طرف مقابل است، نزدیکی مبلغ به این حرفه، تاراندن دیگران از اطراف دینی است که در اندیشه ی گسترش آن است. اشکال عمده ی جهان امروز هم همین است که خاخام ها و کشیشان و ملاها و حتی شامان ها مشغول تجارت شده اند و در مساجد خود ما ماش و عدس نامرغوب به قیمتی گران می فروشند.

نویسنده: م.ستاره

یکشنبه 10 شهریور1387 ساعت: 8:52

سلام
موبایل من ، زمان مقارنه را ساعت حدود 19 : 59 GMT نشان می دهد که معادل همان 28 / 23 به افق تهران است با تقویم نجومی . بنابراین اکنون می توان مطمئن شد که در غروب امروز ، هلال ماه در سرزمین های اسلامی که مشمول پوریم نشده اند ، رویت خواهد شد و مهاجران تازه وارد شده به این سرزمین ، بعد ازقرن ها ، به دلیل عدم آشنایی و بیگانگی و عدم آشنایی با محیط و نحوه رصد ، هلال ماه را ، یک روز دیر تر خواهند دید ! حتی وارثان عثمانی هم در " راه " مسلمین

حقیقی قرار دارند ! این درحالی است که در زمان غروب امروز ، یک درصد ماه ، نورانی خواهد بود !
و باز شاهد خواهیم بود که مسخره بازاری به نام استهلال به راه افتاده و در آشوب های ساختگی در پی آن ، ما حتی از جهودان هم عقب خواهیم بود !
می توانید مثلا در این آدرس :
http://www.spa.gov.sa/details.php?id=586176
ببیند بنا به اعلام خبرگزاری رسمی ، 30 شعبان ، مصادف با 31 آگوست است . تقویم جهودی نیز از سایت iranjewish ، قابل دریافت است . با این همه ، احتمال زیادی هم دارد که برخی علمای قم هم ، کتاب اسلام و شمشیر را خوانده باشند (یا حتی پلی بر گذشته را !) و یا آن بخش از ایران شناسی که به بررسی کتابت و خط عرب و کاغذ می پرداخت !
ما چون شیعه هستیم ، همه چییز مان درست است ، بدون استثنا اما دیگران ، همه چیز شان غلط و تباه و باطل و ما ، علیرغم صریح قرآن ، برای آنان ، شفاعت خواهیم کرد !
به هر حال ، این ماه را به همه خصوصا استاد گرامی ، تبریک می گویم و آرزوی قبولی طاعات و عبادات شان را از درگاه احدیت خواستاریم ، حالا هر کس نتوانست هلال را ببیند ، می تواند به چشم پزشک یا روان پزشک مراجعه کند ؛ البته به نیت ویزیت دوره ای و check-up !
من آن آرم را بار دیگر دیدم که بعد از اخبار 21 شب از شبکه اول نشان داده می شود . یک ستاره داوود واقعی است . شاید همان ستاره باشد که هلال ماه را می پوشاند تا دیده نشود !
کاش دولت دست از این نمایش تاثر برانگیز آبروبر ، بر دارد . جز عده ای بسیار قلیل ، چه کسانی فردا صائم نخواهند بود (از بین مسلمین) ؟!
راستی من به استقبال نرفته ام چون خود قرآن ، آن را " ایاما معدودات " می داند !
خجالت از حقیقت ؟!
إنّ ذلکم کان یوذی النبی
فیستحیی منکم
و الله لا یستحیی من الحق .

والسلام

نویسنده: صداقت

یکشنبه 10 شهریور1387 ساعت: 12:33

سلام.ممنونم آقای اتفاق از بزرگواریتون ولی الان آدرسی ندارم در اختیارتون قرار بدم میشه لطف کنید اونو تو سایت ناریا قرار بدید تا اگه مثل من کسی نیاز داشت اونهم بتونه استفاده کنه؟مخصوصا برای هموطنان خارج کشور واجبه.

نویسنده: عدنان

یکشنبه 10 شهریور1387 ساعت: 14:33

سلام استاد حلول ماه مبارک رمضان خدمت شما و متعلقات تبریک وتهنیت عرض مینمایم .استاد عزیز ما مانده ایم با چه سازی بسازیم از انجا که شهرما(قشم) به کشورهای عربی قرابت بیشتری دارد آیا بایست روزه خود را با آنان شروع کنیم یا یکی دوروز بعدبا قم ؟خواهشا مارا به مجتهد محل ارسال نفرمایید با تشکر

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 10 شهریور1387 ساعت: 15:6

آقای عدنان. راه سهل تر این که به مجتهد وبلاگ، علامه م. ستاره، در یادداشت بالا رجوع کنید.

آقای اتفاق. متاسفانه علی رغم چند سفارش نسخه ای از آن نیافتم. ممکن است بیش تر جست، شاید پیدا شود.

آقای م. ستاره. در مصر فتوا داده اند که ستاره ی شش پر نقشی اسلامی است. پس مسلمانان بشتابید برای بوسیدن پرچم اسراییل.

آقای مهران حقیقت. مسجد جامع 900 ساله ی یزد، بدون یک حمام حتی 300 ساله در آن شهر، نشان می دهد که مردم یزد در ایام ماضی از بطن مادر تا دیدار ملک الموت به طور مادر زاد مطهر می زیسته اند.

نویسنده: حکیمی

یکشنبه 10 شهریور1387 ساعت: 15:18

عجب جوابی دادی به مهران حقیقت!کلی حال کردم.

نویسنده: صداقت

یکشنبه 10 شهریور1387 ساعت: 22:22

جناب ..... من adsl ندارم ولی میتوانم از بخش کامپیوتر دانشگاه درخواست کنم این فایل را دانلود کنند.ممنون میشم آن را در فضای اینترنت بگذارید.

نویسنده: اتفاق

یکشنبه 10 شهریور1387 ساعت: 22:37

سلام آقای صداقت
من مدیریتی بر سایت ناریا ندارم و دوست ارجمندم آقای عابدی بر آن مدیریت می فرمایند . امیدوارم این یادداشت را بخوانند تا اگر آنونس " تختگاه هیچ کس ؟! " را در اختیار ندارند آدرسی دهند تا برایشان ارسال نمایم و در سایت ناریا قرار دهند .
ضمنا ایمیل ایشانرا اینجا می گذارم تا عندالزوم خودتان نیز بتوانید با ایشان مکاتبه نمائید :
Mohseyn_Abedy@Yahoo.Com

نویسنده: سینا

یکشنبه 10 شهریور1387 ساعت: 23:1

سلام استاد ایتالیا به جای چندین سال استعمار لیبی به اون غرامت داد!نظر شما چیه؟آیا تغییر رویه دادند؟
http://www.radiofarda.com/Article/2008/08/31/libya_italy_apology.html

نویسنده: مسعود

یکشنبه 10 شهریور1387 ساعت: 23:32

خداقوت جناب استاد عزیز و محترم.

صدها هزار بار درود صالحان زمین بر شما بابت صداقت تان در موشکافی حقایق تاریخ این زمین تیره و تار.
حقیقتا" در روز قیامت بهشت برین بر شما مبارک باد.
در خصوص اسلامی بودن ستاره داوود در مصر به گمانم همین قبطیهای جعلی امروز که بصورت آنوسی و شبه آنوسی مسیحی-مسلمان در رگ وپی جامعه مصر ریشه دوانده اند عامل اصلی فتوا باشند !
درود خدای متعال بر صالحان و مومنین بالله به رهبری شما.

نویسنده: باقری از ارومیه

دوشنبه 11 شهریور1387 ساعت: 1:23

سلام استاد حرف شما در مورد اذربایجان کاملا درست هست از دوستان ترک خواهش میکنم از بزرگان فامیل بپرسند اصلیتشان از کجا است در شهر ما ارو میه نام هزاران روستا است که عینا میتوان با همان نام در اسیای میانه وترکستان شرقی روستاها وقبایلی یافت مانند چنقارالو دویران .ایروانلو.شیخ تیمور . دوغلات .مرکیت.که نشان می دهد در همین اواخر این مردم بدین جا امده اند و نیز حکایاتی مانند کور اغلو نیز عینا در اسیای میانه روایت میشود چگونه این را توجیه کنیم که قسمتی از مردم ارومیه دارای چشمهای بادامی وزرد پوستند و قسمتی دیگر دارای موهای بور و چشمهای روشن این وضعیت را در شهرهای دیگر نظیر بناب، مراغه و اردبیل نیز دیده میشود وکردهای اذربایجان نیز همین وضعیت را دارند مضاف بر اینکه اکثر اکراد هنوز کوچ نشینند استاد لطفا در مورد اذربایجان وترکان ساکن ایران توضیح دهید

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 11 شهریور1387 ساعت: 1:26

آقای مسعود. ممنون. حالا مدتی است که سبب وفور این نقوش ستاره در معماری اسلامی جدی گرفته می شود. به گمان شان رسیده است که با فتوایی کار به پایان خواهد رسید.

آقای سینا. تردید نکنید خون بهای هر آفریقایی که غرب بر زمین ریخت و پاسخ هر ستمی را تا آخرین درشت گویی هم خواهند داد. و نه فقط غربیان که هرکس در سراسر جهان و در هر زمان که مردم فریبی و جنایت کرده باشد.

آقای صداقت. انشا' الله با پا در میانی مایکروسافت مسئله ی آنونس نیز پیش از انتخابات آمریکا حل خواهد شد. فعلا که دست رسی به استاد غفوری هم دشوار شده است. حرف هایی می زنند که امیدواریم به خیر بگذرد...

آقا یا خانم باقری. همین ظواهر و مشخصات در سراسر کشور ترکیه نیز برقرار است، با این تفاوت که در آن جا زرد پوستان کم تری دیده می شوند. اگر خدا بخواهد به گشایش مبحث مورد نظر شما نزدیک می شویم.

نویسنده: روشن1

دوشنبه 11 شهریور1387 ساعت: 10:42

(1)
با سلام و آرزوی سلامتی و طول عمر بر استاد گرانمایه.
و تشکر از مطالب روشنگرانه تان که مثل نورافکنی در تاریکی تاریخ جهان ، زوایا و گوشه کنارهای ناپیدای آن را در معرض دید مشتاقان حقیقت قرار میدهد.
استاد ارجمند به نظر بنده ، از راههای نفوذ دین و یا فرهنگ یک ملت در بین ملل دیگر احتمالا : جنگ وتسخیر و به سلطه در آوردن آن مناطق میباشد . دیگری اعزام میسیونرها و تبلیغ دین و سومی مراودات بین ملل (چه تجاری ویا توریستی) .با توجه به اینکه پدیدهء توریسم در زمانهای گذشته خیلی نادر بوده است. ودر مورد جنگ نیز در مورد گسترش دین اسلام چنانکه در مجموعه اسلام و شمشیر و مطالب اخیر وبلاگ به اثبات رسانده اید فرضی محال است.

نویسنده: روشن 1

دوشنبه 11 شهریور1387 ساعت: 10:43

(2) (...ادامه)
بنده در مسافرتی که در سال 83 به کشور مالزی داشتم ، و با توجه به اینکه هیچ گزارشی از جنگ جهت نفوذ اسلام به آن منطقه نشنیده بودم ،کنجکاو شدم ودر مورد چگونگی اسلام آوردن آن قوم جویا شدم. پاسخی که شنیدم این بود که: اسلام برای اولین بار توسط یک سری تجار عرب که با پادشاه اینجا دوست بود ند وبا مسلمان شدن پادشاه و به تبع آن اسلام آوردن طرفداران آن گسترش یافته است.به نظر جنابعالی آیا تجار در ظاهر مسلمان هم که (که قریب به اتفاق تجار کشور مسلمان ایران نیز در ظاهر مسلمان هستند)، عامل به اغلب احکام اسلام هستند (حداقل به نفع خویش) در شناساندن دین اسلام و ارائه آیات وزین قرانی (با توجه به قدرت اقناع محتویات آیات قرآنی که جنابعالی اشاره فرمودید) در ممالک جدید مسمر ثمر نبوده ند ؟.
و آیا راههای دیگری هم برای ارائه آیات قرآنی و نفوذ اسلام در بین ملل دیگر وجود دارد؟ خواهشمند است در این مورد نیز روشنگری فرمائید.
با تشکر

نویسنده: مجتبی غفوری

دوشنبه 11 شهریور1387 ساعت: 11:1

باسلام خدمت استاد و تمام دوستان
جناب عابدی در صورت امکان با بنده تماس بگیرید.
جناب صداقت آدرس آنونس در وبلاگ ناریا بود که گویا تغییر کرده آپلود مجدد آن با توجه به سرعت نت بنده مقدور نیست چون تغریبا 100 مگ است ولی اگر آدرسی در وبلاگ بنده بگذارید برایتان پست خواهم کرد.

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 11 شهریور1387 ساعت: 12:11

آقای روشن. در مورد حضور اسلام در شرق دور، هیچ هجوم نظامی و یا داد و ستد تجاری در کار نبوده است. مطلبی است روشنگر و دردآور که به خواست خدا قریبا به آن ورود خواهم کرد.

خانم لیدا. آن عکس ها از لاشه ی یک حیوان و از زوایای مختلف گرفته شده و آن منقار دارش دست کاری شده است.

نویسنده: عابدی

دوشنبه 11 شهریور1387 ساعت: 14:2

با سلام

استاد غفوری در اولین فرصت به روی چشم.

نویسنده: عابدی

دوشنبه 11 شهریور1387 ساعت: 14:7

با سلام

آقای اتفاق و آقای صداقت آنونس مستند تختگاه هیچ کس را در اختیار دارم. متاسفانه همانند استاد غفوری اینترنت ام محدود است. اندکی صبر کنید ان شاء الله در سایت جدید ناریا ، آپلود خواهد شد.

آقای 000. برای تان ایمیلی فرستادم. اگر امکان داشت، پاسخ اش را ارسال کنید. ممنون

نویسنده: نتاب

دوشنبه 11 شهریور1387 ساعت: 17:7

با سلام،
ان حیوان منقاردار که به اقتضای منقارش می‌بایست تخمگذاری کند، اگر خوب دقت کنیم و به شکمش نگاه کنیم می‌بینیم در حال زاییدن است.

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 11 شهریور1387 ساعت: 17:13

آقای ایمان. به علاوه و بدتر از همه، آمریکا دچار تشتت سیاسی و اغتشاش داخلی خواهد شد.

آقای عابدی. سرانجام گره ها به دست و فن شما باز می شود.

آقای ترک 86. توضیح قانع کننده ی کامل نیازمند بیان مقدماتی است که حوصله ی بیش تری می طلبد. چنان که مدخل های جنبی نوگشوده ی پیشین فضای آماده تری برای طرح مسائل بنیانی منطقه فراهم کرده است. ولو کره ال....!!؟

آقای نتاب. به علت نرسیدن نجات غریق آب فراوانی بلعیده است. خوب نباید با منقار داخل آب می شد! عهد خشایارشا نیست که مجسمه اش را بتراشن!!!

نویسنده: 000

دوشنبه 11 شهریور1387 ساعت: 19:9

جناب صداقت
در حال آپلود آنونس تختگاه هیچکس هستم و حداکثر تا ساعت 9 امشب آدرس آنرا در همین بخش خواهم گذاشت.

جناب عابدی
جواب ایمیلتان را فرستادم.

نویسنده: عابدی

دوشنبه 11 شهریور1387 ساعت: 19:46

با سلام

آقای 000 ممنون از پاسخ تان. ای میل دیگری را ارسال کردم.

نویسنده: مهدي - مهدي

دوشنبه 11 شهریور1387 ساعت: 19:49

بي‌پروايي در اعلام صريح تقابل با نص قرآن (إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ) را ملاحظه کنید:

اعتماد ملي - دوشنبه 11 شهريور
صفحه 11

گزيده‌اي از فتاواي آيت‌الله جنتي

> غير مسلمانان از هر نوع و قسمي كه باشند (اهل كتاب، مشركين و ملحدين) ذاتاً و از نظر جسمي و بدني پاك هستند و اگر از چيزهايي كه در نظر مسلمانان نجس است، اجتناب كنند، نجاست عرضي هم ندارند.

نویسنده: 000

دوشنبه 11 شهریور1387 ساعت: 21:24

جناب صداقت آدرس دانلود آنونس تختگاه هیچ کس

http://www.2shared.com/file/3859518/52b01cb5/ANOUNCE.html

برای دانلود پس از کپی و پیست آدرس فوق در addressbar مرورگرتان کمی صبر نمایید تا لینک دانلود به رنگ آبی و بصورت "click here" در پایین کادر بزرگ ظاهر شود و روی آن کلیک بفرمایید.
فایل برای کاهش حجم، زیپ شده و حجم آن از حدود 93 مگابایت به 73 مگابایت کاهش یافته و باید بعد از دانلود با نرم افزار winzip یا winrar که نرم افزارهای رایگان با حجم کمتر از 1 مگابایت هستند و در اینترنت براحتی پیدا و نصب می شوند آنها را باز و تماشا بفرمایید.

نویسنده: صداقت

دوشنبه 11 شهریور1387 ساعت: 21:32

بسیار ممنون!

نویسنده: محمد رضا

دوشنبه 11 شهریور1387 ساعت: 22:23

آقای مهدی - مهدی عزیز سلام هر دم از این باغ بری میرسد و هر روز با صورت بی نقاب یکی دیگر از آقایان مواجه میشویم، دیروز مشاعی و امروز جنتی و فردا...

نویسنده: ترک87

دوشنبه 11 شهریور1387 ساعت: 23:27

سلام
بالاخره ما نفهمیدیم امروز روز اول رمضان است یا فردا سه شنبه
بنا به خبر گزاری جمهوری اسلامی ایران گویا هلال ماه فقط مناطق جنوبی کشور و شهر لامرد در غروب روز یکشنبه رویت شده و مردود اعلام شده !!

نویسنده: ..

دوشنبه 11 شهریور1387 ساعت: 23:39

استادغفوری عزیز سلام علیکم

کامنت دوشنبه ساعت 1:26استاد پور پیرار موجب دلنگرانی بنده شد.امید وارم مشکل هر چه هست زودتر ختم به خیر وعافیت شود .

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 11 شهریور1387 ساعت: 23:46

آقای بی نام. مطلب جالبی بود اگر شهامت رجوع دوباره را نیز داشته باشد، که به طور معمول نداشته اند. مسافرتان نرسید.

نویسنده: دهقانی

دوشنبه 11 شهریور1387 ساعت: 23:56

با سلام خدمت آقای پورپیرار و سایر دوستان.
رسم بر این بوده که همیشه کشور اسلامی ایران, در جهان بزرگ اسلام ساز مخالف بنوازد. و این ساز مخالف میتواند در حد آغاز و انجام ماه مبارک رمضان باشد. کویا با این کار دل بعضی ها خنک میشود.
مطلب مهمی را که می خواستم از استاد سوال کنم این است:
بعد از 1400 سال که از گسترش اسلام در جهان و با توصیفات و تعاریف معمول میگذرد چرا این همه کشورهای بزرگ از جمله ایران و مصر و بین النهرین و ... (در حال حاضر 57 کشور مسلمان در جهان موجود میباشند) یک بار هم که شده به قصد انتقام از این قوم باز هم به قولی خون خوار (عرب) بر سر این کشور هجوم نیاورده اند تا تاوان این همه جنایات را از آنها پس بگیرند؟ و همیشه این کینه در سینه ها مانده است.
واقعا که یا باید ملت این 57 کشور را اخته شده توسط عرب فرض کنیم, یا باید این همه قصه و داستان از حمله ی بیرحمانه ی عرب به سطل زباله ریخت.

نویسنده: حکیمی

سه شنبه 12 شهریور1387 ساعت: 1:38

فقط همین چند خط اول مقاله العربیه را بخوانید تا ببینید نویسنده حتی به تخت جمشید هم نیامده!
"در تخت جمشید، پايتخت باستاني امپراطوري پارس که توسط اسکندر کبیر به آتش کشیده شد، هیچ گونه کنده کاري که سربازاني را نشان دهد، مشاهده نمي کنید.
هیچ گونه نیزه یا سپر یا نبرد را مشاهده نمي کنید. تنها نشانه هايي که وجود دارد حاکي از آن است که در اینجا ،در جنوب ایران ،امري انساني در جریان بوده است...... "عجب حرامزاده هایی هستند!
این یکی را هم ببینید نوشته غلامحسین مشایی؟!؟!
http://www.alarabiya.net/articles/2008/08/31/55782.html#002

وب سایت

نویسنده: حکیمی

سه شنبه 12 شهریور1387 ساعت: 2:0

لینک خبر اولی:
http://www.alarabiya.net/views/2008/08/30/55700.html#000

نویسنده: بی نام

سه شنبه 12 شهریور1387 ساعت: 7:28

استاد بزرگواز جناب اقای پورپیرار سلام علیکم

مسافر قرار است امروز با تلفنی که در اختیار گذاشتید هم اهنگی لازم را انجام بدهد .

نویسنده: فهیمه سعیدی

سه شنبه 12 شهریور1387 ساعت: 8:50

ماهاتیر محمد نخست وزیر احمق مالزی چند سال پیش خطاب به مهاجرانی احمقتر از خودش گفته بود چون اسلام پذیری ما از طریق تجار و با صلح و صفا بوده است ما مسلمانان میانه رو هستیم و بنیاد گرا نیستیم، اما اسلام شما چون با شمشیر به شما تحمیل شده است، شما را خشن و مهاجم بار آورده است!!! جالبه همین احمق مهاجرانی را بعد از سقوط از ارشاد به عنوان مشاور خودش برگزید!!! احمق چو احمق ببیند خوشش آید!

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 12 شهریور1387 ساعت: 11:25

خانم سعیدی. بر پیشانی همه ی ما یک داغ دروغ کوبیده اند. ماهاتیر محمد هم همان منابعی را حفظ کرده است که مهاجرانی و جنتی و مشاعی و غیره. مشکل این است که لااقل یک ایکناسیو اولاگوئه نداشته ایم.

آقای بی نام. ایشان نعمت دیدارشان را به بعد موکول کرده اند.

آقای فتح. اندکی دیگر حوصله کنید. روزه که جای خود دارد، معمول است که می گویند نمازمان را بخوانیم و راحت شویم!!!

آقای دهقانی. این گونه سئوالات در حوزه های علمیه و در دانشگاه های ما ممنوع بوده است.

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 12 شهریور1387 ساعت: 12:2

آقای عابدی. چیزی در اختیار من نیست ولی آقای اتفاق نسخه ی جدیدی از تختگاه تنظیم کرده اند که در مجموع از نسخه ی قدیم به تر است. پیشنهاد می کنم حاصل زحمت ایشان را که در اختیار استاد غفوری هم هست، آپلود کنید.

نویسنده: عابدی

سه شنبه 12 شهریور1387 ساعت: 12:31

سلام استاد خسته نباشید. ضمن تشکر از آقای 000 ، دوستان را در جریان ارسال مستند قرار دادم.

همچنین ، رمضان ، ماه نزول قرآن کریم را تبریک می گویم.

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 12 شهریور1387 ساعت: 13:25

رمضان ماه امتحان و هدایت بر بندگان مسلم خدا مبارک باد. برای مشرکین متاسفم که از هیچ راهی نتوانستند، جز همین اختلاف عمدی و لجوجانه ی یکی دو روزه، در زمان رویت هلال، به گونه ای رمضان را نیز فرقوی کنند.

نویسنده: مجتبی غفوری

سه شنبه 12 شهریور1387 ساعت: 15:34

با سلام
جناب .. عزیز اگر شما دعا کنید ختم به خیر میشود ولی بنده یک نفر را باید خفه کنم که تا حرفی از دهانت در می آید عالم و آدم را با خبر می کند که در اسرع وقت این کار انجام می شود و همه از دستش خلاص می شویم .

جناب عابدی یک نسخه از زحمتی که جناب اتفاق عزیز کشیده اند در اختیار بنده است اگر لازم است در اختیارتان بگذارم البته نسخه ای که بنده دارم بعضی از ترک هایش هنگ می کند بهتر است یک نسخه خود جناب اتفاق برایتان بفرستند که بنده پیشاپیش از ایشان متشکرم .

وب سایت

نویسنده: صداقت

سه شنبه 12 شهریور1387 ساعت: 15:43

جناب....من چندین مرتبه تلاش کردن فایل مورد نظر را دریافت کنم ولی متاسفانه دقیقا با رسیدن به 42 مگا بایت دیگر دانلود نمیکند.

نویسنده: اتفاق

سه شنبه 12 شهریور1387 ساعت: 17:22

سلام آقای عابدی

از بنده نوازی های آقای پورپیرار و آقای غفوری ، به دلیل عدم استحقاق حقیر که بگذریم ، آدرسی در اختیارم قرار دهید تا نسخه ای از ورژن جدید را بدان پست کنم .

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 12 شهریور1387 ساعت: 17:25

آقای بی نام. عنوان فامیل آن شخص به یهودیان شناخته شده و آنوسی های معتبر ایران متعلق است. یکی از آن ها هم دلقکی در رادیو تلویزیون بود که از جمله لحن یهودیان را تقلید می کرد. به مسافر سلام برسانید و سفر به خیر بگویید.

آقای غفوری. اگر برای خفه کردن سوژه نیاز به کمک داری خبرمان کن. ضمنا آن فیلم ترکیه شما هم از دقیقه ی سوم به صورتی چاره ناپذیر هنگ می کند.

آقای صداقت. ناامید نشوید، سرانجام پیروزی با شماست و بدانید در جهان گره ای فنی نیست که به دست آقای عابدی و اتفاق باز نشود.

نویسنده: رحمانی

سه شنبه 12 شهریور1387 ساعت: 17:32

با سلام خدمت همگی

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ
به یاد پوریم زدگان و رخداد پلید و ویرانگر پوریم و به امید شناخت کامل پوریم و مشرکان پوریم ساز

با سلام و خسته نباشید خدمت ابرمرد تاریخ شرق میانه
ما فقط و فقط می توانیم بگوییم
اجرکم عند الله

بسیار شنیده بودیم، تورات جعلی است ، چرا چون در تورات یعقوب با خدا کشتی می گیرد ووو سخنانی از این دست
البته هرگز به ما نمی گفتند که آنها هم با طرح دلایلی برای خودشان ، قرآن ما را الهی نمی دانند ووو پس این رابطه ای بود دو طرفه که ما از یک سوی آن آگاه بودیم!
به هرحال آنها با این روش به ظاهر ساده و بیخود، اما بسیار کارا، خود را و کتاب خود را ، به حاشیه امن رانده بودند، و برعکس قرآن را به وسط معرکه کشانده و مرتبا از آیاتی خاص از آن دم می زدند !!!!
روش ساده و زیرکانه ای بوده است ، تورات با چنین اشتباهاتی را کتاب خدا می خوانند!!! پس چرا اینهمه مدعی و کتابنویس مسلمان ، متوجه اینهمه تناقضات آشکار نشده و اگر متوجه شده اند ، پس چرا تورات را همچنان کتاب خدا می دانند؟!
اما یهودیان، با تحقیقات شما هم این حاشیه امن را از دست داده اند و هم بی دانشی خدای خود را اثبات کرده اند که جمع و ضرب نمی دانسته، اما ادعای خالقی می کرده؟ و مرتب زمین به این و آن می بخشیده ؟ووو

استاد خستگی ناپذیر ، نوع و روش تحلیل مسائل توسط شما بی نظیر بی نظیر ، است، شما اسفار تورات را نه بر اساس یک عده باور و سخن یکجانبه ، به عنوان یک غیر یهودی ، رد کردید، بلکه بر اساس استدلالات محکم ، نو ساخته بودنش را اثبات کردید ، حالا پیروان این کتاب که ادعای سروری می کنند ، باید توضیح دهند این چه نوع ادعای سروری است و این چه سروری است که که جمع و ضرب ساده هم نمی داند
یهودیان بسیار ساده و حرفه ای هر موضوعی را که خواسته اند به وسط معرکه کشانده اند و هزار برابرش کرده اند و هر چه را که خواسته اند به حاشیه امن برده اند ، اما چرا در سرزمینهای مسلمانان که به ظاهر یهودی در آن کم است ! اینجنین موفق بوده اند!؟

نویسنده: رحمانی

سه شنبه 12 شهریور1387 ساعت: 17:33

مطمئنا علاوه بر آنوسی ها ، فریفتن مسلمانان، یعنی در اختیار گرفتن نوکران بدون مزد ، آنهم دو آتشه!!!، کاراترین روش مدیریت آنها است، این یعنی مدیریت برتر

آیا باز هم آنوسیان برای اغفال خلق خدا ،و بعد از اثبات خدایی نبودن این تورات(نه تورات قدیم ذکر شده در قرآن که البته از بین رفته) شما را یهودی خواهند خواند،چنانکه سنی و عرب و صدامی ووووو نامیده بودند
استاد ، برای آنها حتی توراتشان هم ارزشی ندارد ، آنان فقط و فقط به فکر تسلط بر دنیا هستند و بس !
با این حساب، و بعد از مقالات وزین شما،مطمئنا اگر تکنولوژی و علم نمی بود و امکان جمع آوری تورات کنونی و از بین بردنش وجود می داشت، و در واقع ، تغییر کل تورات میسر می بود، اینکار را می کردند یعنی ورژنی جدید برای پوشش اهدافی جدید به بازار می دادند

"کدخدامنشی ، انتها و اوج کمال در یهود ساخته هاست"
و اگر نبود، روشنگریهای استاد کامل، ما هم در بهترین حالت کدخدامنشی بیش ، نمی شدیم!!! چنانکه اینهمه مسلمان مخلص ،کدخدامنشی بیش نشده اند؟!

در ضمن فی الحال ، به خاطر عقب افتادن بحث زبان شیرین فارسی! باوفایان در آرامش هستند وووو

وَقُلْ جَاء الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا

با تشکر فراوان

نویسنده: عابدی

سه شنبه 12 شهریور1387 ساعت: 19:17

سلام آقای اتفاق

اگر زحمتی نیست، مستند را به آدرسی که آقای 000 تعیین می کنند، ارسال کنید.

نویسنده: مهندس کورش آریایی

سه شنبه 12 شهریور1387 ساعت: 19:49

به نام اهورامزدای جان و خردمندان

نفرین بر دشمنان قسم خورده ی آریایی ، پان پورپیرانیسم های نا سواد

وب سایت

ایران شناسی 173

ایران شناسی بدون دروغ، 173، مسلمانان اسپانیا - 33 نظر

نویسنده: رضا

چهارشنبه 13 شهریور1387 ساعت: 8:45

سلام خدمت استاد و دوستان.

اشپیگل و تاریخ ایران : «سازمان ملل همچنان از شاه خودکامه ایرانی تجلیل می‌کند.»

ظاهرا مقاله اشپیگل که چند ماه پیش چاپ شده بود و استاد نیز آن را در این وبلاگ کار کرده بودند پس از انتشار مجدد در وبسایت العربیه به مزاج متولیان آنوسی-فرهنگی این مملکت خوش نیامده و کار به تعطیلی دفتر شان در تهران منجر شده.

وب سایت

نویسنده: عباس احمدی

چهارشنبه 13 شهریور1387 ساعت: 11:48

خسته نباشید

نویسنده: اتفاق

چهارشنبه 13 شهریور1387 ساعت: 14:54

سلام آقای عابدی

ملاک من برای کار کردن روی آن فیلم باشکوه ، نسخه ی ویدئو سی دی فارسی (بدون زیرنویس) بوده است . ضمنا فهرست اصلاحات انجام شده را به ایمیلتان ارسال خواهم کرد .

نویسنده: ثابت

چهارشنبه 13 شهریور1387 ساعت: 18:0

سلام استاد
اشتباها سوال خودم را در مبحث قبلی مطرح کرده بودم .
استاد عزیز انشاالله جلد دوم اسلام و شمشیر کی آماده می شود؟

نویسنده: رحمانی

چهارشنبه 13 شهریور1387 ساعت: 21:30

با سلام خدمت همگی

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ
به یاد پوریم زدگان و رخداد پلید و ویرانگر پوریم و به امید شناخت کامل پوریم و مشرکان پوریم ساز

با سلام و خسته نباشید خدمت ابرمرد تاریخ شرق میانه
ما فقط و فقط می توانیم بگوییم
اجرکم عند الله

استاد خستگی ناپذیر، افرادی چند با تلاش بسیار ،بخشی از دروغ و جعل را یافته بودند اما برای توجیه آنها از بخش دیگر جعل استفاده کرده بودند یا بعبارتی دیگر در دام آنها گرفتار می شدند پس تلاش آنها به عنوان تحقیقی جزء نگر در هزارتوی جعل ، توسط یهود مدیریت و گم می شد ، اما شما با کشف بسته دروغ ، در دام جعل دیگری نیفتاده اید و برای توجیه یک جعل به جعل دیگری پناه نبرده اید،
دیگر بهانه ای برای مسلمانان راستین جهت توجیه "به دام افتادنشان" نیست ،

"و اگر نبود، روشنگریهای استاد کامل، ما هم در بهترین حالت کدخدامنشی بیش ، نمی شدیم!!! چنانکه اینهمه مسلمان مخلص ،کدخدامنشی بیش نشده اند؟!

با تشکر فراوان

نویسنده: بی نام

چهارشنبه 13 شهریور1387 ساعت: 23:22

استاد بزرگوار جناب اقای پورپیرار سلام علیکم وخسته نباشی

امروز طبق عادت مالوف به باز خوانی مطالب گذشته پرداختم موردی نظرم را جلب کرد ابتدا بخشی از اغاز بحث عدم حمله اعراب به اسپانیا را پیست می کنم واز پس ان مورد غیر قابل فهم را عنوان می کنم.
"... چنین ساختار اجتماعی مستلزم کشوری است پر جمعیت و ثروتمند. پس بنا بر این عربستان قرن هفتم میلادی باید کشوری کاملا متفاوت با آن چه امروز می شناسیم بوده باشد.
در حال حاضر، ما شواهد و مدارکی قانع کننده در دست داریم که نشان می دهند صحراها و بیابان های داخلی شبه جزیره ی عربستان، ربع الخالی و نفود، از گذشته های بسیار دور همواره وجود داشته اند. در زمان بعثت حضرت محمد، شبه جزیره ی عربستان عملا به همین صورت کنونی بوده است. جمعیت عربستان در آن روزگار بسیار ناچیز بوده، تقریبا منحصر می شده است به طوایف کوچ نشین یا کاروان دار. بدین ترتیب، پرسشی که مطرح می شود، این است: خلفای صدر اسلام منابع انسانی و پول لازم برای نیل به مقاصد وسیع و دورگستر خود را از کجا تامین می کرده اند؟
در یک سرزمین کویری با خاک سست و نفوذ پذیر...."

واما نکته غیر قابل فهم بنده این است که بنی امیه چه ربطی به حکومت عربستان دارد؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 13 شهریور1387 ساعت: 23:50

آقای بی نام. از آن جا که چند یادداشت آینده به بنیان مسئله خواهد پرداخت، پس به تر که اندکی دیگر حوصله کنید.

آقای ثابت. به خواست خداوند چندان فاصله ای با آغاز مباحث آن نداریم.

نویسنده: دختر کرد

چهارشنبه 13 شهریور1387 ساعت: 23:53

با سلام و آرزوی قبولی طاعات و عبادات
امروز بطور اتفاقی از محضر یکی از فارغ التحصیلان مدرسه ی "عشق"(بسیج) کسب فیض می کردم که بسیار از مهجور ماندن قرآن در بین ما شیعیان ناله می کرد و میگفت: واقعا" جای تاسف است که ما برای مثال، این همه پول خرج داروهای شیمیایی تجویزی دکترهای فاقد ایمان میکنیم(با عرض معذرت از پزشکان حاضر در این محفل)، در حالی که مثلا می توانیم برای درمان جوش صورت، وضو گرفته و موضع جوش زده را به آیات قرآن بمالیم و صاحب پوستی شفاف و صاف شویم!!!!!!!!!!
دوستی نقل می کرد که یکی دیگر از هم پالگیهای این فرد ، در سر کلاس "عشق" به جوجه عاشقها میگفت: اول سئوالی که در آخرت می پرسند در مورد بسیجی بودن است!!!
در این ماه مبارک دعایی هم برای شفای عاجل این مجانین کفرگوی دروغگوی.......بکنید.

نویسنده: مسافر

چهارشنبه 13 شهریور1387 ساعت: 23:59

استاد گرامی
جناب اقای پور پیرار
سلام
متاسفانه به علت حجم بالای کاری و کمبود شدید وقت در این سفر کوتاه موفق به دیدارتان نشدم.دو سال پیش نقدی مختصر بر کتاب دو قرن سکوت دکتر زرین کوب نوشتم که خالی از نظرات مستدل شما بود. پاسخی انشاگونه به اباطیل انشاوار ایشان.گرچه این نقد در حوزه ی دانشجویی برتر شناخته شد اما تمایل داشتم در این خصوص از نظرات ارزنده ی شما برای ارائه ی نقد کامل تر در شماره ی آتی نشریه ی خود استفاده کنم که البته کم سعادت بودم.ان شاء ا... در سفر بعدی همراه با پدرم نعمت دیدار خواهم یافت.
با تشکر مسافر

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 14 شهریور1387 ساعت: 5:10

آقای عابدی. این دوست ما را یا روزه از حال برده، یا عاشق شده و یا بیماری مجتبی را گرفته است. آن سطر اضافی است، لطفا حذف کنید.

جناب مسافر. به دیدار شما و پدر گرامی تان مشتاق و امیدوارم. تعجب می کنم که در این اوضاع و احوال، نقد شما به نوشته های زرین کوب را پسندیده باشند. خوش شانس بوده اید. معمولا در این گونه موارد شاگرد را از تحصیل محروم می کنند.

دختر خانم کرد. در اقلیمی که فتوای پاکی مشرکین را می دهند، چنین رفتاری با قرآن و بر ا شدن چنان قیامتی نیز تعجبی ندارد.

نویسنده: درویش

پنجشنبه 14 شهریور1387 ساعت: 9:8

سلام استاد . جدا نگران شدم .مگر خداي نكرده جناب مجتبي چطوري شده ؟ الان يكي دو بار است مي بينم به اين موضوع اشاره مي كنيد .

نویسنده: رضا

پنجشنبه 14 شهریور1387 ساعت: 10:53

با سلام خدمت استاد محترم و دیگر دوستان
استاد چنانچه امکان دارد برداشت خودتان از آیه ذیل را کمی توضیح دهید.

"إِنَّ الَّذِينَ آمَنُواْ وَالَّذِينَ هَادُواْ وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحاً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلاَ خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلاَ هُمْ يَحْزَنُونَ "(بقره 62)

وب سايت

نويسنده: مهدي - مهدي

پنجشنبه 14 شهريور1387 ساعت: 14:11

جناب آقاي پورپيرار،
- آيا عبارت "عالمين" در قرآن، به بيابان‌هاي جهان كه زمين را به دو نيمه چنان تقسيم كرده كه تا پانصد سال پيش گذر از نيمي به نيم ديگر ممكن نبوده، مرتبط است؟

- در صورت امكان، هر قدر هم مختصر، توضيحي در باب مفهوم "زمان" بفرماييد.

ارادتمند
مهدي

جناب آقاي غفوري،
احتراماً، فايل زيرنويس انگليسي "مستند تختگاه هيچكس" را براي بنده ارسال فرماييد (ايميلي چند ماه پيش ارسال كردم كه ظاهراً رؤيت نكرده‌ايد).

با تشكر
مهدي

نويسنده: حامد

پنجشنبه 14 شهريور1387 ساعت: 15:20

با سلام خدمت استاد گرامی جناب آقای پورپیرار
بنده به تازگی با مطالب و نظرات جنابعالی آشنا و علاقه مند شده ام و به جمع خوانندگان این وبلاگ پیوسته ام. تقریبا ده روزی است که مطالعه کتاب «بر آمدن اسلام» را به اتمام رسانده ام. اینک که مطالب این وبلاگ را با مطالب آن کتاب مقایسه میکنم چند مطلب برایم هنوز جا نیفتاده است:
1) در کتاب مذکور از وجود اجتماعات و حیات مردمی و حتی تجمعهای یهودی نشین مثلا در نیشابور و نیز نهضت شعوبیه و... در محدوده جغرافیایی ایران در قرون اولیه اسلامی سخن به میان آمده است، در حالیکه در مطالب این وبلاگ عدم وجود مدنیّت و تجمع زیستی در شرق میانه را بخاطر رخداد پوریم، با دلایل و اسناد مستحکم، اثبات نموده اید. 2) در آن کتاب از فتوحات مسلمین در اروپا و نزدیک شدن به دروازه های پاریس و... نوشته اید ولی مطالب وبلاگ چنین لشکرکشیهایی را زیر سئوال برده است.
لطفا در این خصوص راهنمایی فرمایید.

نويسنده: علیرضا

پنجشنبه 14 شهريور1387 ساعت: 15:22

سلام مگه مدیریت وبلاگ بعهده آقای عابدی هست؟ایشان کامنها را تایید یا رد میکنه!

نويسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 14 شهريور1387 ساعت: 16:2

آقای علی رضا. تمام اختیارات در آدرس www.naria.ir در دست آقای عابدی است که مالک آنند.

آقای حامد. به آدرس www.naria.ir بروید و بخش FAQ را بخوانید.

آقای رضا. در کتاب اسلام و شمشیر درباره ی این آیه و «هادوا» که اشاره به یهود نیست، به گمانم سه یادداشت آمده است. رجوع کنید.

آقای مهدی - مهدی. تا قرون اخیر مسافرت با هدف معین از هیچ نقطه ای به نقطه ی دیگر جهان میسر نبود و جز در حوزه ای معین و محدود کسی از اوضاع آن سوی هیچ دریایی با خبر نبود. چنان که به تمام سفرنام ها از هرودوت تا ابن بطوطه

باید خط بطلان کشید. لغتی را که نوشته اید لااقل به دو صورت می توان خواند، منظورتان با کدام معنا است؟

آقای درویش. دیسانتری گرفته. البته شوخی است. ایشان الحمدالله بسیار سرحال و سلامت اند.

آقای فتح. لازم است یادداشت بعد را، اگر به خواست خدا نصب شد، عمیق و دقیق بخوانید. یادداشتی است روشنگر مطالب بسیار.

نویسنده: 000

پنجشنبه 14 شهریور1387 ساعت: 17:38

وبلاگ www.naria.blogfa.com فیلتر شد.

نویسنده: توحید

پنجشنبه 14 شهریور1387 ساعت: 15:27

با سلام خدمت استاد عزیز
ضمن آرزوي قبولي طاعات و عبادات ، فرا رسیدن ماه مبارك رمضان ، ماه زهد و تزكیه نفس و نزدیكي بنده به خالق هستي ، را تبریك و تهنیت عرض مي كنم و امید وارم این ماه ، براي شما ماه پربركت هم از لحاظ زندگي شخصي وهم از لحاظ تحقیقات پربارتان ، باشد .

وب سایت

نویسنده: توحید

پنجشنبه 14 شهریور1387 ساعت: 16:5

اقای حامد

ضمن خوش آمد گویی به شما پیشنهاد من این است که لینک زیر را حتما مطالعه کنید تا به پاسختان برسید :

http://www.naria.ir/view/14.aspx?id=503

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 14 شهریور1387 ساعت: 21:25

آقای بی نام. سئوالات شما برخاسته از باورهای موجود است و در صورت رد این باورها سئوالات هم خود به خود دود می شوند. لطفا چند یادداشت دیگر هم حوصله کنید. روش قطره چکانی در طراحی و عرضه ی این مدخل های نو، به راستی موجب استیصال و عصبانیت دشمنان حقیقت شده است، زیرا ممکن نیست دریابند پشت پا و فن بعدی را چه زمان و چه گونه خواهند خورد تا بدل آن را فراهم کنند. اما بدانید که به وفای عمر و یاری الهی، تا ضربه فنی شدن آن ها زمان بسیاری نمانده است.

نویسنده: عابدی

پنجشنبه 14 شهریور1387 ساعت: 22:4

با سلام

استاد پورپیرار ، متن ارسالی نصب شد.

نویسنده: بی نام

پنجشنبه 14 شهریور1387 ساعت: 22:38

استاد عزیز سلام علیکم وخسته نباشید

مسیر طبیعی مقالات شما اینگونه سئوالات را ایجاب می کند واگر اینگونه سئوالات حتی شاگردان موًمن به باورهای شما را

باقی مانده در وادی باورهای دروغین جلوه گر می کند پس خدا به داد ساده لوحی وساده اندیشی انان برسد که در مراتب پست تر اعتقاد به باورهای بنیان اندیشانند.
بی شک در یادداشتهای بعدی بایدباز هم شاهد ترفند بدیعی در باز گشایی مشت و پرونده موظفین کنیسه وکلیسا باشیم.
بی صبرانه منتظریم .

نویسنده: یولداش

پنجشنبه 14 شهریور1387 ساعت: 22:43

میر جلال الدین کزازی: بهترین اسم برای واحد پول ملی جدید " تالانت " است...

نویسنده: مهدي - مهدي

پنجشنبه 14 شهریور1387 ساعت: 23:38

جناب آقاي پورپيرار،
منظور بنده لغت "عالمين" به معناي "جهانيان" است. آيا مورد اشاره اين كلمه تمام ساكنان دو نيمه جهان (شمال و جنوب كمربند بياباني) هستند؟

ارادتمند
مهدي

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 15 شهریور1387 ساعت: 5:28

آقای مهدی - مهدی. منحصر کردن عالم به معنای زمین و نه کاسموس، آن گاه که خداوند مرجع رسیدگی به امور آسمان ها و زمین است، دشوار می نماید: و لله ما فی السماوات و ما فی الارض و الی الله ترجع الامور. کسانی از این اشارات که قرآن آسمان ها را کثیر و زمین را مفرد می گوید، چنین برداشت می کنند که انسان فقط در زمین زندگی می کند، اما ارض در قرآن نام کره ی زمین است و کره ی دیگری به نام ارض نداریم که جمع بسته شوند. اما عالم نام کره ی زمین نیست و تا بی نهایت را می پوشاند. به این بحث می توان بازگشت و آن را بازتر کرد.

آقای فتح. به خواست خدا تا رسیدن به پاسخ ها فاصله ی زیادی نداریم.

نویسنده: رضا 1

جمعه 15 شهریور1387 ساعت: 7:12

باسلام خدمت استاد پورپیرار و دوستان.

در نظر دارم که دوستان را با یک منبع تحلیلی دست اول در رابطه با آشنایی با سیاستهای استعماری آمریکا آشنا نمایم.
نویسنده با نگاهی کاملا متفاوت زوایای پنهان سیاست های قدرتهای استعماری و در راس آنها آمریکا را در ایجاد بحران و جنگ و خونریزی در خاورمیانه به خواننده معرفی مینماید.

نمونه ای از دیالوگ بین ایشان با یکی از خوانندگان.
به زبان رسا فریاد میزند که همه این جنایات و توطئه ها در جهان زیر نظر یهود و با مدیریت آنان اجرا میشود.

نظرات کاربران:
بی نام:
2008/3/9 - 4:55:00 PM
باسپاس همیشگی از وقت وانرژی که صرف این وبلاگ-مخ کارانداز-میکنید.شمادرپاسخ8/30/200812:42:00 - AM نوشتید که -....آقای "تنت" با یک بغل مدارک ساختگی....-راستی این برگزیدگان هوشمند ملت آمریکا بهمین راحتی فریب یک مشت مدارک ساختگی راخوردند؟یعنی اکثریت نمایندگان کم وبیش هالو بودند وگرفتار چیزهایی از قبیل ملانوما؟آیااین جمله شماالقامیکند که میل وکشش برخی تحلیلگرها اینست که برای گریز از تقبل تئوری توطئه های پنهان ومتهم شدن به ساده اندیشی، عبارتی رابنویسند وخواننده بی پناه را انگشت بدهان در عرصه گیج کننده جولان سیاست بازان(نه نویسندگان) رها کنند؟شما مینویسید-... وقوع حوادث 11 سپتامبر پرل هابر موعودی بود که این...-گویا یازده سپتامبر بیکباره باسرعت بالاتر ازنور به کره زمین رسید وهیچ مقدماتی نداشت.چه کسانی میخواستند نمایندگان راگول بزنند؟ شما اینهمه حرفهای خود اندیشمندان آمریکایی را درباره این توطئه بهیچ میگیرید؟من فکر میکنم حتی زمانی که دموکراتها درراس کار

هستند طرحهای خشن وجنگی (نه الزاما"توسط دموکراتها) ریخته میشوند ودر زمان جمهوریخواه ها اجرا میشوندواین موتور همیشه روشن است.من آنچه راکه برنامه سازان پنهان برجبین این کشتی نوشته اندمی بینم، سرنشینان فقط سوارند.زحمات شماراارج می نهم ومیخواهم جسارت شاگرد رابدل نگیرید.من ایرانی بدنبال نجات هستم.

وب سایت

نویسنده: رضا 2

جمعه 15 شهریور1387 ساعت: 7:13

شهیر شهید ثالث:
این کامنت را دوستی در مقاله ای دیگر گذاشته بودند که بدلیل اینکه این پرسش به انحاء گوناگون از طرف دوستان مطرح می شود فکر کردم شاید طرح آن در اینجا هم بد نباشد.

محبت کردی نظرت را نوشتی.روزگاری شب و روز من را نوشته ها و ویدئو های conspiracy theorist ها تشکیل می داد و البته هنوز هم برای اینکه در جریان باشم به کار هایشان سر می زنم. خدا می داند در مورد 11 سپتامبر چند هزار صفحه مطلب خواندم و چند ساعت ویدئو از همین تئوریسین های توطئه نگاه کردم. اشکال تفکری که نمی تواند بپذیرد که وقایع از کانال های معمولی نمی گذرد و قاعدتا مطالب باید از حد فهم ما فراتر باشد این است که آمریکا را خیلی بزرگتر، دقیق تر و پیچیده تر از آنچه هست فرض می کنند. اگر بالاخره اندکی به این حقیر اعتقاد دارید توصیه من به شما این است وقتتان را با این بازیهای تئوری ئوطئه هدر ندهید. آیا این بدان معناست که همه چیز دقیقا آنگونه که به چشم ما می آید در جریان است و کار های پشت پرده در جریان نیست؟ پاسخ من قاطعا منفی است. اما آیا این بدان معناست که دنیا را یک عده آدم عجیب و غریب که درBilderberg و یا Skulls and Bones و یا Council on Foreign Relations و یا لژ های فراماسونری و یا Davos جمع شده اند اداره می کنند؟ پاسخ من باز هم قاطعانه منفی است. آیا افرادی که در این گروهها هستند در شکل دادن فضای سیاسی و اقتصادی این دنیا دست ندارند؟ چرا حتما دست دارند اما این ها تنها گروههای اثر گذار در سیر حوادث این جهان نیستند. فکر انباره های کوچکی هم اکنون در واشنگتن هستند که به نیروهائی متصلند که از همه این ها موثرترند.اگر می خواهید بدانید نیروی اصلی (و نه تنها نیرو) که آمریکا را اداره می کند کیست این مطلب را از خلال نوشته های من و به استناد صد ها مدرک و سند می توانید دریابید. نگذارید همین نیرو های اصلی و تعیین کننده سرتان را با داستان های فضائی گرم کنند. نگاه کنید ببینید میدیا را چه نیروئی کنترل می کند، کنگره را چه نیروئی شکل می دهد، برای انتخاب شدن کاندیداها از ریاست جمهوری گرفته تا مجلسین آمریکا سر بر آستان که می سایند و از همه مهمتر دنیای فایننس و بانک در اختیار چه کسانی است. موفق باشید . شهیر

وب سایت

نویسنده: حسن

جمعه 15 شهریور1387 ساعت: 9:43

باسلام وتحیت حضور استاد عزیز.در رابطه با حضور علائم تمدن اسلام در اروبا.رنان درکتابش"تاریخ لغات سامی"مینویسد.انتشار زبان عرب ازغرایب تاریخ بشر است.چون در بادی امر زبان ناشناخته ای بود .وگسترش ان از اموری است که حل ان سخت میباشد.اما مستشرق دوزی وانگلمان در کتاب مشترکشان"معجم مفردات عربی در زبان اسبانی و برتقالی"مینویسد ربع کلمات اسبانی عربی و در برتقالی حدود سه هزار کلمه است.اما لامانس درکتابش "ملاحضاتی برالفاض فرانسوی مشتق عربی"ذکرمی کند.قریب هفتصد کلمه عربی درزبان فرانسه موجد است.نیز تیلور در کتاب"کلمات عربی در زبان انگلیسی"میگوید.بیش از هزارکلمه عربی درزمینه های طب.فلک.شیمی.بیولوجی.و...وارد زبان انگلیسی شده است .رینالدی ایتالیای اضافه میکند که .ورود کلمات عربی نه به سبب استعمار بل بواسطه مدنیت واقع شد.

نویسنده: بی نام

جمعه 15 شهریور1387 ساعت: 13:41

به جهت اطلاع دوستان ان بی نام ذکر شده در کامنت آقای رضا بنده نیستم چنانچه ملاحظه می شود عقاید ایشان در یک تقابل صد وهشتاد درجه ای با عقاید شاگردان استاد واقع است از جمله کسانیست که ماخذ برداشت فکری ایشان از منابع باستان ستایان وملق زنان لجن زار جعل وبه خیال خود چیز فهم است بیچاره حتی نمی داند که ملانوما نوعی سرطان خطر ناک پوست است که در بلند مدت کشنده است وخللی در قوای عقلی وفکری و ویژگیهای شخصیتی مانند ساده لوحی وزود باوری ندارد.

نویسنده: توحید

جمعه 15 شهریور1387 ساعت: 11:24

جناب عابدی
با سلام ایمیل شما رسید و از آدرس جدید ایمیل سایت ناریا آگاه شدم . با تشکر

وب سایت

نویسنده: آیدین یاشار

جمعه 15 شهریور1387 ساعت: 15:14

در روزگاران گذشته تأثیر زبانها بر یکدیگر از طریق سلطه سیاسی و نظامی ممکن نبود. این موضوع اهمیت زیادی در شناخت ماهیت حوادث تاریخی گذشته دارد. هیچ نیروی سلطه‌گری قادر نبوده است کلمات عربی را به تعدادی که ما امروزه می‌شناسیم، وارد زبان فارسی یا ترکی یا اسپانیولی و حتی ایتالیائی کرده باشد. با آنکه در دهه‌های اخیر تحمیل زبان از طریق نظام آموزشی و وسائل ارتباط جمعی تا حدودی امکان پذیر شده است، در روزگاران گذشته به علت فقدان این نوع مکانیزمها هیچ راهی برای تغییر یا تأثیر گذاری بر زبانهای دیگر از طریق زور وجود نداشته است. تأثیر پذیری زبانها از یکدیگر صرفا از طریق تماسهای فرهنگی و روابط بازرگانی و بعضا هم از طریق مهاجرتهای متراکم صورت میگرفت. تصور توسعه زبان عربی و تأثیر آن بر زبانهای مجاور در جغرافیائی وسیع، از طریق مهاجرتهای متراکم غیر ممکن است، زیرا جمعیت اعراب در صدر اسلام و سده‌های نزدیک آن در حدی نبوده است که از طریق مهاجرتهای متراکم زبان اقوام مجاور را تغییر دهند. لذا حضور کلمات عربی، آنهم اکثرا با بار معنائی فرهنگی، در زبانهای دیگر صرفا میتوانست از طریق نفوذ معنوی قرآن بوده باشد. اما در خصوص کشورهائی مانند مصر، سودان، مغرب، سوریه و غیره که گویا با ظهور اسلام بکلی تغییر زبان داده و عرب شده‌اند، چنین چیزی غیر محتمل است. چنین حادثه‌ای میتوانست صرفا از طریق مهاحرت متراکم اعراب به وقوع پیوسته باشد که قلت جمعیت عرب توجیه آن را غیر ممکن میکند. به طور کلی حوادث زبان شناسی در صدر اسلام و گسترش عجیب زبان عربی همزمان با ظهور اسلام موضوعی حیرت انگیز است، زیرا مثلا توسعه دین مسحیت با توسعه هیچ زبانی ملازم نبوده است و معلوم نیست چرا همزمان با ظهور اسلام، این همه ملت به زبان عربی تغییر زبان داده یا کلمات عربی را در زبانهای بومی خود پذیرفته‌اند. البته نظریه‌ای نیز وجود دارد که حضور کلمات عربی در زبانهای مجاور را با دوره‌های قبل از اسلام مربوط می‌بینند.

نویسنده: ویرگول

جمعه 15 شهریور1387 ساعت: 15:45

www.fardanews.com

مورخ ناشناخته قرن سوم در قرن 21 معرفی شد

رئیس کتابخانه های مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: در حوزه تاریخ نگاری شیعه، شعیان به عنوان یک جریان فکر موثر در تاریخ اسلام بسیار صاحب نقش بوده ان که سلیمان نوفلی از این محورهای موثر مستثنی نیست.

موسس کتابخانه تخصصی ایران اسلام و ایران اذعان داشت: مهمترین کتاب این مورخ شیعه که به اسم و رسم بر جای مانده کتاب "الاخبار" است که احتمال می رود این کتاب توسط ابوالعباس عمار سقفی شاگرد و راوی کتابش به نسلهای بعدی به ویژه ابو فرج اصفهانی انتقال یافته است.

رئیس کتابخانه مجلس شورای اسلامی اذعان داشت: مسعودی، ابوالفرج و شیخ صدوق در اخبار الرضا همه به طرقی خود به نوفلی اشاره کرده اند که با اندکی تامل و تسلط می توان بر این اشارات صحه گذاشت.

وی دوره زندگی خانواده پدر و پسر فرزند نوفلی را با نتیجه ای محتمل بین سالهای 150 تا 250 هجری معرفی کرد و اظهار داشت: پژوهش در مورد نوفلی خیلی اتفاقی بود و من معتقدم در این بحث پژوهشی عشق نقش مهمی را ایفا می کند.

نویسنده: فتح

جمعه 15 شهریور1387 ساعت: 17:6

این یوسفِ قرآن هم نیست!
http://rajanews.com/detail.asp?id=15918
استاد نظر شما چیست؟

ایران شناسی 174

ایران شناسی بدون دروغ، 174، مسلمانان اسپانیا - 83 نظر

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 19 شهریور1387 ساعت: 15:14

آقای جباری. برابر معمول در فاصله ی ساعات ده صبح تا دو و نیم بعد از ظهر، اما اگر ساعت دیگری برای شما میسر و به تر است، از همین طریق باخبرم کنید.

نویسنده: م.ستاره

سه شنبه 19 شهریور1387 ساعت: 11:47

سلام
برخی دوستان ، ظاهرا ایمیلی گرفته اند که هنوز نخوانده اند . فرستنده از من خواسته است که از سروران گرامی بخواهم سری به صندوق خود بزنند .
با تشکر .

نویسنده: رضا

سه شنبه 19 شهریور1387 ساعت: 15:44

با سلام خدمت استاد محترم و دیگر دوستان

رونمایی از قران بخط کوفی نوشته امام سجاد (قابل توجه استاد)

http://www.todaylink.ir/go/index.php?id=22983

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 19 شهریور1387 ساعت: 19:53

آقای سرباز. مواظب باشید ته دیگ آش معمولا ریگ زیاد پیدا می شود. فحاشان همچنان به تنها هنر خویش، یعنی تکثیر ناسزاها مشغول اند.

آقای حامد. ممنون.

آقای رضا. اگر منظور همان قرآنی است که تصویر آن را گذارده اند، آن قرآن عهد ناصر الدین شاه است.

آقای ویرگول. دیگر شناخت اشخاص نه از صورت ظاهر، نه از سابقه، نه از سخنان و نه از اعمال شان ممکن نیست. کنیسه تمام ذخیره ی خود برای ایجاد فضای "کی به کیه" را بیرون ریخته است!

نویسنده: دهقانی از شیراز

چهارشنبه 20 شهریور1387 ساعت: 0:16

با سلام.
سایت این آقا ساسان بعضی وقتا موجب انبساط خاطر ما بود که متاسفانه فیلتر شد.
آهورامزدا نژاد آریایی را برای شما زنده نگه دارد, چون زنده نگه داشتن چنین مخلوق بی سرو تهی فقط از عهده ی اهورامزدا بر می آید.

نويسنده: رضا صدیقی

چهارشنبه 20 شهریور1387 ساعت: 9:14

با سلام
محض اطلاع
در زبان عبری واژه نان לחם و واژه جنگ מלחמה است.
بدین مفهوم که واژه جنگ (מלחמה) از واژه نان (לחם) مشتق می شود و در دوران قدیم، بر سر نان بود که جنگ ها رخ می داد و برای سیر کردن شکم بود که مردمان به جان یکدیگر می افتادند که آن را از دست هم بقاپند- زیرا نان کافی در دنیا وجود نداشت.

وب سايت

نويسنده: رضا صدیقی

چهارشنبه 20 شهریور1387 ساعت: 11:12

با سلام
بدون تفسیر
به این عبارات از عهدعتیق عبری نگاهی بیندازید: «وی لیشماعیل ... بمئود مئود شنیم عسار نسیئیم یولید» که ترجمه‌اش چنین می‌شود: «اسماعیل ... زیاد زیاد دوازده پیشوا متولد می‌کند.» ولی علامه مجلسی می گوید پسران اسماعیل امام نبودند، و حتی نوشته است که اسماعیل بعد از خود به اسحق وصیت جانشینی نمود. (حیوات القلوب، ج ۲، ص ۱۵) .

وب سايت

نويسنده: حسن

چهارشنبه 20 شهریور1387 ساعت: 11:19

با سلام.برای وارد شونده مبتدی همچون منی به حوضه زبان عرب بنکات تامل برانگیز مواجه میشود .مثلا حرف در این زبان دارای رمزیت و دلالتهایی است که تمام کلماتی که باان حرف شروع درظرف معنایی ان حرف قرار و ارام می گیرند.مثلا حرف ح دلیل ورمزی بر حرارت دارد.حر.حب.حرب.حدیث.حنین...وحرف خ بر کریه وسیی رمزیت دارد.خوف.خزی.خجل.خیانه.خسیس.خدعه...نیز مابقی حروف اینجور مدلولات را دارند.شخصی در حین طی طریق متوجه میشود چیزی را فراموش کرده بی اختیار حرف خ را بصورت اندکی ممتد ادا میکند.بیان این تک حرف کفایت میکند تا شخص ثانی همراهش متوجه حالت مشوش رفیقش گردد.امثله در این خصوص زیاد است.مهم ایناست در زبان عرب شروع معنایی از حررف تکی سبس دوحرفی وانگاه سه وچهار حرفی.ودر اخر سوالی از محضر استاد عزیز دارم ایا ذکر بعضی حروف در اوال باره ای از سور مدلولی بر رمزیت معنایی ذکرشده دارد.متشکرم

نويسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 20 شهریور1387 ساعت: 14:10

آقای صدیقی. عبری زبان مادری شماست یا آموخته اید؟

آقای جباری. آدرس همان است، در خدمتم.

آقای سلام بر همه. پاسخ شما در شلوغی کار فراموش شد. در این باره در مجموعه مقالات اسلام و شمشیر لااقل دو یادداشت آمده است.

نويسنده: دهقانی از شیراز

چهارشنبه 20 شهریور1387 ساعت: 15:0

با سلام.

طراح بمب هيدرژني و سرسخت ترين مدافع تسليحات اتمي آمريكا درگذشت

دكتر« ادوارد تلر » كه از او به عنوان معمار بمب هيدرژني آمريكا نام مي برند شب دهم سپتامبر 2003 در 95 سالگي در پالو آلتو (كاليفرنيا) در گذشت . وي كه از مدافعان سرسخت گسترش هرچه بيشتر تسليحات اتمي و موشكي آمريكا بود در ميان جامعه فيزيكدانان و شيمي دانان آمريكايي يك فرد جنجالي كه درگير استراتژي است بشمار مي رفت و مورد انتقاد

برخي از اين دانشمندان بود.هر وقت كه به حمايت از گسترش تسليحات اتمي آمريكا بر مي خاست مورد اعتراض فيزيكدانان قرار مي گرفت.
وي كه يك يهودي مجارستاني بود و انگليسي را با اكسنت تكلم مي كرد پس از به قدرت رسيدن هيتلر به آمريكا مهاجرت و در سال 1941 به تابعيت اين كشور در آمده بود. اصرار او به اين كه آمريكا داراي بمب اتمي شود و استدلالهاي او در اين زمينه در كنگره آمريكا سبب شد كه اعتبار لازم در اختيار دكتر « اوپنهايمر » قرارداده شود و او نخستين بمب اتمي آمريكا را بسازد.
دكتر تلر پس اتمي شدن شوروي ، از آنجا كه از كمونيسم بيزار بود شخصا به طراحي بمب هيدرژني آمريكا پرداخت.
دكتر تلر كه در دانشگاه تدريس مي كرد بارها مورد اعتراض دانشجويان قرار گرفته بود. دانشجويان او را « عاشق بمب ـ پروفسور بمب » ناميده بودند.
اصرار دكتر تلر به ريگن سبب شد كه او با برنامه دفاع ضد موشك معروف به جنگ ستارگان موافقت كند و بودجه نظامي آمريكا را بالا ببرد و....
منبع: مجله اینترنتی روزانه شماره ی 1003

نويسنده: دهقانی از شيراز

چهارشنبه 20 شهريور1387 ساعت: 15:7

نمیدونم چطور این بنای نیمه تمام رو تونستن به عنوان گوهر تمدن غرب جا بزنن؟؟!!!
http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=744124

نويسنده: سرباز

چهارشنبه 20 شهريور1387 ساعت: 15:58

سلام استاد
خسته نباشید

سوال عجیبی ذهنم را مشغول کرده. آن طور که زمانی به تورات نگاهی می انداختم متوجه شدم که "ایل" به صورت پسوند یا پیشوند در تعدادی از اسامی عبری به کار رفته است. مانند "ایلیا" و "اسرائیل".
در دو مورد از پسوندها به خدا ترجمه شده. مانند "اسرائیل" یعنی کسی که پشت خدا به زمین رسانده و اسم مکانی (که دقیقا" به یاد نمی آورم) به معنای محلی که خدا در آنجا دیده شده است.
به این ترتیب کلمه ی اسرائیل در عبری یک کلمه ی مرکب است.

اما چطور چنین چیزی ممکن است؟! مگر دو اسرائیل در قرآن نداریم که یکی بت پرست و رئیس قوم بوده و دیگری در زمره ی پیامبران؟ چگونه قرآن نامی مرکب و ظاهرا" کفرآلود مانند اسرائیل را برای یکی از پیامبران به رسمیت می شناسد؟ و اصولا" کلمه ی اسرائیل در حقیقت به چه معناست؟
با تشکر فراوان

نويسنده: eldeniz

چهارشنبه 20 شهريور1387 ساعت: 19:50

با سلام خدمت استاد محترم و با عذرخواهی از اینکه مدتی طولانی به دلیل مسائل و مشکلاتی نتوانسته بودم تا از مطالب شما دیدن کنم . اما باید اعتراف کنم که امروز که پس از مدت ها مجددا به وبلاگ شما سر می زنم از این که باز هم با همان نشاط و استواری مسیر خود را ادامه می دهید به شدت غافلگیر شدم چرا که شاید هر کس دیگری بود تاب این همه فشار و توهین را نداشت .
امیدوارم همیشه با همین قدرت به راه خود ادامه دهید .
اما خواهشی نیز از شما داشتم و آن این که اگر برایتان مقدور باشد چند کتاب که به قلم شما نوشته شده و بنده نتوانستم آن ها را پیدا کنم را برایم بفرستید .
3 جلد از دوازده قرن سکوت شامل دوره ی ساسانیان.
مگر این 5 روزه .
چند بگو مگو .
هزار اتفاق می افتد .
سی دی سخن رانی.
و سی دی لاتین تخت گاه هیچ کس.
البته هزینه ی کتاب ها و پست آن ها را اگر که شماره حسابی لطف کنید تقدیم خواهم کرد.
بسیار منت دار شما خواهم بود اکر این لطف را در حق من انجام دهید .

با یک دنیا تشکر.
نیما.

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 20 شهریور1387 ساعت: 21:2

آقای سرباز. ظاهرا فراغت پس از صرف آش اندیشه را به جاهای دور می برد چنان که انگشت بر نقطه ای گذارده اید که خود حجتی است بر نونویس بودن تورات و دهان کجی ابلهانه ای که یهودیان در این نونویسی نسبت به قرآن روا داشته اند. اگر نام اسرائیل و اسماعیل و جبریل در قرآن ذکر شده و اگر خداوند این نام را بر سرکرده ی قومی پیش از رسالت موسی قرار داده، پس لااقل دو نکته از این باب بیرون می زند: نخست این که اسرائیل نامی عربی است و نه عبری، چنان که مترجمین با هدایت آن داستان مشرکانه ی تورات مدعی می شوند و بر آن معنایی بی توازن می گذارند، دوم این که زمان پیدایش خط و زبان عبری را باید تعویض کرد. زیرا اگر این خط و زبان را کهن بپنداریم و از جمله متن ده فرمان و تورات اولیه را نیز به همین خط و زبان بیانگاریم، پس بنی اسرائیل در مصر و پیش از رهایی نیز با این خط و زبان آشنا بوده اند که ارتباط اختصاصی این خط و زبان با دین یهود بریده می شود و در حاشیه ی فرهنگ مصر قرار می گیرد که نمونه ی کهنی از آن را ندیده ایم. اضافه کنم که ایل و آل و ال همه جا به معنای اهل و خانواده آمده و فقط در تفسیر قلابی نام یعقوب به اسرائیل بدل شده است که معنای خدا به آن بخشیده اند، تا عنوان قرآنی بنی اسرائیل را به استخدام تورات درآورند.

آقای eldeniz. ممنون. کتاب ها را همراه صورت حساب و طرز پرداخت برای شما خواهیم فرستاد. به شرط این که تقاضای تان را تایید دوباره کنید.

نویسنده: بی نام

چهارشنبه 20 شهریور1387 ساعت: 22:16

جناب آقای eldeniz الدنیز سلام علیکم

خوش امدی برادر ان شاالله مشکلات رفع شده باشد. اگر به تریج قبای بعضی ها بر نخورد که این وبلاگ فقط جای دشمن تراشی است و دوستی همفکران در ان معنایی ندارد باید بگویم از رویت کامنت شما بسیار خوشحال شدم .

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 21 شهریور1387 ساعت: 1:26

آقای جاوید. بر آن توصیه ایستاده ام. اجازه دهیم مثل چهار پای عصاری چشم بسته به دور خود بگردند، در عهد عتیق متوقف بمانند، به اطراف خود لگد حواله کنند و مخاطبی نیابند. نواندیشان در این مرحله تنها متعهد به تبلیغ اند و بدانید که این درخت ریشه در چشمه ی حقیقت دارد و بی گمان ثمر خواهد داد، حتی اگر تا ابد قطره بارانی نبارد.

نویسنده: هومن

پنجشنبه 21 شهریور1387 ساعت: 2:34

متشکرم
خدا به شما عمر دراز بده تا باز هم در خدمت اسلام باشید.....
اینطور که من شنیدم صدها هزار عرب مهاجر وبیش از 300 هزار اسپانیایی وباسکی مسلمان به شمال افریقا تبعید شدند که فکر کنم این رقم بسیار بیشتر بوده وباز هم تاریخ نویسان اروپایی در اعداد دست بردند اثار اخراج عظیم اسپانیاییهای مسلمان رو میشه به راحتی در چهره اعراب شمال افریقا مشاهده در واقع میشه گفت بسیاری از سرزمینهای خالی شده اسپانیا با مهاجرین جدیدی که کلیسا و کنیسه (که جنگ کذایی ازاد سازی اسپانیا رو راه اندخته بودند) از فرانسه و المان وایتالیا اورده بودند پر شد میشه گفت یک کشتار دیگه درجنوب غرب اروپا همانند خاورمیانه

نویسنده: امید

پنجشنبه 21 شهریور1387 ساعت: 12:40

با سلام. سایت چوبینه آغاز بخ نوشتن مقالاتی تحقیقاتی درباره چگونگی ورود اسلام به ایران کرده که به گمانم برای شما و خوانندگان نیز بسیار جذاب است :

/http://chubin.net

می خواستم نظر شما را نیز در این باره بدانم.

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 21 شهریور1387 ساعت: 19:30

آقای ایزدی. به ایشان سلام برسانید و بفرمایید: بر این عذاب الهی از آن روی شاکرانه صبر می کنم که مبادا مصیبتی عظیم تر نصیبم شود.

آقای هومن. مردان و زنان غیور شرق میانه، در فلسطین و افغانستان و به ویژه عراق، با مقاومت مثال زدنی خویش، پرچم کنیسه و کلیسا را نیمه افراشته کرده اند. آن گاه که نو بردگان سیاه، در اروپا و آمریکا، به یاری الهی، برای خون خواهی پدران خویش برخیزند، این لانه های شرک و حرص و جنایت، برچیده خواهد شد.

آقای امید. در میان آن نوشته ها مطلب تازه و قابل استفاده ای ندیدم. همان مکررات قبلی است.

نویسنده: اتفاق

پنجشنبه 21 شهریور1387 ساعت: 20:14

دوست عزیز ، جناب آقای هیوا ایزدی

ظاهرا شما کتاب اولاگوئه را در اختیار دارید . می خواستم بپرسم آیا برایتان مقدور است یک کپی کامل از آن تهیه فرمائید و برای حقیر ارسال نمائید ؟
می دانم زحمت زیادی است ، اما اگر مرحمت فرمائید ، منت گذاشته اید . تمام هزینه ها را هم حتی تا ایاب و ذهاب رفتن به مرکز کپی تقبل خواهم کرد .
نشانی من ، شیراز صندوق پستی 793 - 71855 است ، موبایلم را هم که دارید .

نویسنده: 000

پنجشنبه 21 شهریور1387 ساعت: 22:19

جناب عابدی با سلام
لطفا ایمیلتان را چک بفرمایید

نویسنده: توحید

پنجشنبه 21 شهریور1387 ساعت: 20:31

با سلام خدمت استاد گرامي و همه دوستان

استاد ، امروز در حال مطالعه كتاب اسلام و شمشير بودم و بحث درباره كلمه «هادوا» ، شما در اسلام و شمشير شماره 20 (صفحه 156 كتاب) به صراحت كلمه «هودا» از آيه 140 سوره بقره را «هدايت شده» و نه «يهودي» معني كرده ايد ، ولي در كامنتي مربوط به« ايران شناسي بدون دروغ 171 » (جمعه 8 شهريور1387 ساعت: 23:36) با استناد به همين آيه «هودا» را يهودي معني كرده ايد ، لطفا راهنمايي كنيد آيا تغيير عقيده داده ايد يا دليل ديگري بوده است ؟
اين سختگيري و نكته بيني را از اين شاگرد كوچكتان ببخشيد ، حقيقت اين است كه بحث بر سر «هادوا» ، كه اولين بار شما مطرح كرده ايد و نشان از نكته سنجي و دقت فوق العاده شما دارد ، بسيار پيچيده و سخت است .
با تشكر .

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 22 شهریور1387 ساعت: 0:21

آقای توحید. در کامنتی که می گویید، سخنی از هادوا نیست، سخن از یوسف های ذکر شده در قرآن است. اشتباه شما در این است که "هود" را که در چند مورد در قرآن، از جمله در آیه ی 140 سوره ی بقره، به جای "یهود" به کار رفته و قبلا در این باره توضیح کافی داده ام، با "هادوا" اشتباه گرفته اید.

آقای جباری. ممنون راه نمایی های شما هستم.

نویسنده: رضا

جمعه 22 شهریور1387 ساعت: 0:36

سلام
جنگ صفین و امام زمان!!
http://www.todaylink.ir/go/index.php?id=23084

وب سایت

نویسنده: هیوا ایزدی

جمعه 22 شهریور1387 ساعت: 1:14

دوست عزیز جناب آقای اتفاق
با سلام
تلاش خواهم کرد یک نسخه ارجینال از آن را برایتان پیدا کنم
پایدار باشید

نویسنده: مریم

جمعه 22 شهریور1387 ساعت: 8:42

آقای پورپیرار یک سوالی دارم و امیدوارم جواب من رو بدید.
با توجه به وجود دو آیه حجاب در قران و عدم وجود عنصری باسم موی سر و یا مقنعه در این کتاب، آیا خداوند از زنان چادر به سر کردن و یا روسری و یا مانتو پوشیدن رو خواسته و یا نه ؟
ثانیاً این آیات در مورد زنان مومنه است.
میخواستم نظر شما رو در این باره بدونم.
درسته که به بحث های جاری در اسلام و شمشیر بیربطه ولی برای من یک جای سوال بسیار بزرگیه

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 22 شهریور1387 ساعت: 8:55

مریم خانم. صبح جمعه ی ماه رمضان است، چادر سر کنید و روانه ی قم شوید، هم آب و هوا عوض کرده اید، به زیارت رسیده اید و هم می توانید پاسخی معتبر از بخش پرسش و پاسخ دفاتر مربوطه بگیرید که شنیده ام کامپیوتری هم شده است.

مش قاسم جان. بدو به داد آقا برس، انگلیسی ها دارن آزارش می دن؟!!

نویسنده: توحید

جمعه 22 شهریور1387 ساعت: 5:39

با سلام
استاد منظور من هم همین بود . یعنی معنی (هود یا هودا=یهودی)را قبول دارم ولی شما (هودا) را در آیه 140 بقره یکبار برابر (یهودی) (در کامنت صدر الاشاره)و یکبار به معنی (هدایت شده)(در اسلام و شمشیر 20) آورده اید .
یعنی در آن کامنت آیه را اینچنین ترجمه کرده اید :

یوسفی که به فرعون متصل نیست، عنوان پیامبری ندارد و تنها حکیم خوانده شده است. این یوسف در سوره فرزند یعقوب معرفی می شود که در آیه ی 140 سوره ی بقره، ابراهیم و ذریه ی او و نیز اسباط جدا از قوم "یهود "خوانده شده اند .

در اسلام و شمشیر ص156 :

«و قالوا ان یدخل الجنة الا کان هودا او نصاری تلک امانیهم قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین. می گویند کسی به بهشت نمی رود مگر هدایت شده و یا نصاری باشد، چه آرزویی. بگو برهان بیاورید اگر راست می گویید (بقره، ۱۱۱).

و قالوا کونوا هودا او نصاری تهتدوا قل بل ملة ابراهیم حنیفا و ما کان من المشرکین. می گویند باید هدایت شده، یا نصاری باشید تا رستگار شوید. بگو مشرک نیستیم و در زمره ی ملت ابراهیم قرار داریم». (بقره، ۱۳۵).

ام تقولون ان ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و الاسباط کانوا هودا او نصاری قل ءانتم اعلم ام الله و من اظلم ممن کتم

شهادة عنده من الله و ما الله بغافل عما تعملون. می گویید که ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و اسباط هدایت شده یا نصاری بوده اند؟ بگو شما آگاه ترید یا خدا؟ و گم راه ترین مردم کسی است که حقیقتی را که می داند از خدا پنهان نگه می دارد. و خدا از اعمال شما بی خبر نیست». (بقره، ۱۴۰).

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 22 شهریور1387 ساعت: 12:55

آقای توحید. اشارات شما کاملا درست است. هرچند برداشته شدن حرف ی از ابتدای نام یهود در قرآن مبارک بسیار جای تامل دارد، اما در حال حاضر معتقدم که با رعایت هایی می توان هود را هم به عنوان اشاره به نام قوم یهود قبول کرد، چنان که قوم و پیامبری غیر یهودی دیگری هم به همین نام در قرآن ذکر شده است: هود پیامبر و قوم او. بدین ترتیب کلیات بحث به این ترتیب می شود: یهود نام دومی است که به جز بنی اسراییل از مقطعی به بعد در قرآن بر قومی نهاده شده است که از مصر نجات داده شده اند. هود را هم می توان با ملاحظاتی اشاره به قوم یهود دانست بدون این که برای حذف حرف ی توضیحی داشته باشیم. اما هادوا را به هیچ عنوان نمی توان خطابی به قوم یهود گرفت. زیرا که هادوا نام نیست و مشتقی از فعل است. با این همه قبول هود به عنوان یهود هم هنوز بر مبنای نزدیکی اشاره قرآن به قوم یهود و تطبیق آن با مضمون آیات دیگر است، بی این که برای حذف حرف ی هنوز توضیحی وجود داشته باشد. اگر هادوا و هود و یهود و بنی اسراییل را تماما اشاره به قومی واحد بیانگاریم، آن گاه جای این تحقیق عمیق خالی است تا علت این همه تغییر نام گذاری بر قوم موسی در قرآن را دریابیم.

نویسنده: eldeniz

جمعه 22 شهریور1387 ساعت: 13:19

استاد عزیز اگر منظورتان از تایید دوباره یک کامنت دیگر در تایید کامنت قبلی است بنده مجددا از شما خواهش می کنم کتاب ها را برایم بفرستید .
با تشکر.
جناب آقای بی نام من شما را نمی شناسم اما مثل این که شما مرا می شناسید . به هر حال!!!
باید بگویم این وبلاگ اصلا هم محل دشمن تراشی نیست آن هایی که تبدیل به دشمنان این موضوع شده اند ذهنشان آن قدر در چارچوب ساختارهای موجود منجمد شده که حتی به خود جرات فکر کردن به شکستن این ساختارها را هم نمی دهند حال آن که من خود از هر اتفاقی که به هر نحوی به شکستن این ساختارها کمک کند به شدت استقبال می کنم به خصوص ساختارهایی که ریشه در تفکر سنتی و باستان گرایی دارد.

وب سایت

نویسنده: توحید

شنبه 23 شهریور1387 ساعت: 13:30

با سلام مجدد
استاد گرامي ، من هم كاملا با نظريه شما در باره لغت «هادوا» موافقم ، تنها شبهه من آيه 6 سوره جمعه بود كه با مراجعه مجدد به كتاب فخيم «اسلام و شمشير» اين شبهه ام نيز برطرف شد . ولي چيزي كه برايم عجيب بود شما در جاهاي مختلف «هود» را برابر همان «يهود» گرفته بوديد ولي در همان صفحه مورد اشاره (156) «هودا» را كه تنها يك الف اضافه نسبت به «هود» داشت مجددا «هدايت شده» معني كرده بوديد ، در حالي كه فكر مي كنم اين الف اضافه بخاطر هم وزني با «نصاري» از طرف خداوند انتخاب شده است ، يعني فكر مي كنم كتاب اسلام و ششيرتان در اين مورد نياز به تصحيح دارد .

نكته ديگر درباره معني «حكم» در قرآن و از جمله آيه22سوره يوسف است ، كه شما در كامنت مربوط به وجود دو يوسف در قرآن آنرا «حكمت» گرفته ايد ، در حالي كه در كتاب «اسلام و شمشير» كه محل دقيقش يادم نيست به اين موضوع كه مترجمان كلمه «حكم» را «حكمت» معني كرده اند و نه «ماموريت و انتساب» اعتراض كرده بوديد ، در اينصورت اگر بپذيريم كه «حكم» در آيه 22 سوره يوسف نيز به قول شما به معني «ماموريت و انتساب» از طرف خدا باشد ، آيا به معني اينكه يوسف اشاره شده در سوره يوسف هم پيامبر بوده است ، نمي باشد ؟
و آيا اينكه به هيچ طريق نمي توان از زمان تغيير نام بني اسرائيل به «يهود» پي برد ؟ و يا اينكه به معني و منظور باري تعالي از نام خاص «يهود» پي برد ؟ هر چند به نظر مي رسد ريشه كلمه يهود از «هدايت» باشد و ربطي با معني هدايت داشته باشد .

وب سايت

نویسنده: رضا صدیقی

یکشنبه 24 شهریور1387 ساعت: 10:11

جناب پورپیرار
با سلام -در پاسخ به سوالتان با استحضار می رساند که در حال آموختن زبان عبری می باشم.البته بیشتر برای تکمیل مطالعات تطبیقی زبانشناسی.-ارادتمند

وب سایت

نویسنده: eldeniz

چهارشنبه 3 مهر1387 ساعت: 18:32

با سلام خدمت استاد عزیز . کتاب هایی که لطف کرده و پست کرده اید متاسفانه هنوز به دست بنده نرسیده است . لطفا نوع پستی را که کتاب ها با آن فرستاده شده بگویید تا بنده از پست تبریز پیگیر شوم. با تشکر.

وب سایت

۱ ۲

ایران شناسی 175

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 22 شهریور1387 ساعت: 12:32

آقای بی نام. برداشت از این وبلاگ و یا سایت ناریا دات آی آر. با ذکر منبع برای انتقال در وب و نه چاپ کتاب و تهیه ی فیلم آزاد است.

نویسنده: ..

جمعه 22 شهریور1387 ساعت: 13:14

استاد عزیز جناب آقای پورپیرار سلام علیکم

مقاله بسیار عالی بود وچون همیشه طشت رسوایی جاعلان را از پشت بام انداخت.
بر قرار و سرفراز باشید.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 22 شهریور1387 ساعت: 13:45

آقای بی نام. به هیچ وجه. تصریح شده بود که چاپ آن به صورت کتاب و یا تهیه ی فیلم نیاز به اجازه دارد، نه به صورت مقالات تحقیقاتی چنان که تاکنون تعدادی مقاله در باب مطالب عرضه شده در این وبلاگ در موارد مختلف عرضه شده است.

آقای... ممنون. بیش از همه در عین مضحک بودن بسیار افسرده کننده است.

آقای جاوید. پیروان و مدافعان دروغ در تمام جهان به یکسان عمل می کنند. اگر انبوهی سند و چندین مستند سینمایی محکم، که حقیقت ماجرای 11 سپتامبر را بیان و آن را توطئه ی دولت بوش برای غارت جهان و در وهله ی نخست خود آمریکاییان معرفی کرده، موجب خجلت و مانع عوام فریبی حاکمان ایالات متحده نشده، تفاوتی با رفتار مسئولین فرهنگی دولت خودمان ندارد که پس از مستند تختگاه هیچ کس، هنوز نقش تخت جمشید را پشت درشت ترین اسکناس کشور قرار می دهند.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 22 شهریور1387 ساعت: 14:32

خانم نسرین. کامنت های شما برای دیگران بسیار قابل استفاده است و خصوصی فرستادن آن موضوعیت ندارد. سخت گیری دوستان ما به ملاحظاتی است که کم تر از آن باخبرند. اگر اجازه صادر می کنید آن ها را از صورت خصوصی خارج کنم.
کافی است پس از واریز وجه فرم سایت را پر کنید. بلافاصله ارسال خواهد شد.

آقای حامد. کوشیدم پاسخ شما را با ای میل بفرستم که ممکن نشد. ناچار در این جا نصب می کنم.

آدمی که بی درک بنیان مطالب ادای نکته بینان را در می آورد و خود را نخود آش می کند، به روز تو می افتد. اگر آتن ویران و سوزانده نشده بود، پس احتمالا بقایای قدرتمند یونانیان برای گذران یک سیزده به در پنج قرنه به ایران خالی از سکنه سرازیر شده اند؟!!!

نویسنده: هیوا ایزدی

جمعه 22 شهریور1387 ساعت: 15:0

آقا ی eldeniz با سلام
ورود شما به این وبلاگ با بقای وبلاگی که خود داریید تواما مایه ی تعجب و خوشحالی است . در ضمن حسن چه گوارا در زود مردنش بود نه اندیشه هایش . راستی چه چگونه نسخه ای برای ماست؟؟

نویسنده: رعد

جمعه 22 شهریور1387 ساعت: 15:35

سلام ' اقای پیرار , امکان دارد گروهی که رابی بنیامین را به این حوزه فرستاد بطور همزمان همان توهمات رانیز در اسپانیا ساماندهی کرده باشد ؟؟!! وه که فصل درخشانی در ص 271 کتاب فرزندان استر میباشد : روشنفکران یهودی ایران و انقلاب اسلامی , بیخود نیست که مشایی و جنتی سر بلند کرده اند . اگر کسی را در ثبت احوال میداشتیم ...

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 22 شهریور1387 ساعت: 17:41

آقای اتفاق. اگر بررسی های انجام شده در مجموعه ی "تاملی در بنیان تاریخ ایران" را نادیده بگیریم، تاکنون هیچ تحقیق ملی در باب هیچ موضوعی در حوزه ی تاریخ و ادب و هویت و دین و مذهب ایرانیان انجام نشده، حال آن که تمام دریافت های پیشین به عنوان میراث مکتوب ما، در تمام مبانی و مداخل، جعلیات ساخت دست کنیسه و کلیساست که یکسره و بدون هیچ استثنا و اغماضی به طور کامل دور ریختنی است. مثلا ما اصفهان و شیراز و کاشان و قزوین و تبریز و رشت و کرمان و یزد و بغداد قدیم نداریم که به دنبال نام شان بگردیم. آن چه را تاکنون در باب هر یک از این ها شنیده اید از نوشته های مضحکی چون الفهرست ابن ندیم و معجم البلدان و غیره درآمده است، که در اساس به کار ابطال آن اسناد و کتاب ها می خورد. اگر شیخ پیش تاز و روشن نگری چون علامه ی بزرگ مرتضی عسکری، مجموعه ی صحابه ی پیامبر را نیز جعل نام هایی از سوی یهودیان دانسته است، پس خود حدیث مفصل از مجمل ایشان بخوانید.

آقای رعد. این هم دنباله ای از حکایت بالاست. به زمان رابی بنیامین، جز مهاجرانی مختلف و غالبا ناشناس و ترسیده و پناه برده به بلندی ها، کسی در شهر و دهی در ایران زندگی نمی کرده که سیاحی چون رابی بنیامین، به شرح احوال و عقاید و گذران آن ها بپردازد.

نویسنده: نسرین

جمعه 22 شهریور1387 ساعت: 17:43

سلام آقای پورپیرار
خوشحالم که وارد مبحث نام شهرها شده اید!
هر چند بعد از فحاشی های آقای بی نام تمایلی نداشتم که به سوالاتم ادامه بدهم ولی کنجکاوی ام در مورد نام شهرها باعث شد که دوباره مزاحم بشم!
در موردفیلم مستند تختگاه هیچ کس من بعد از واریز 2500 تومن به حساب ذکر شده باید فرم سایت www.naria.irرا پرکنم؟
در مورد آن لغات و نام آن مناطق فقط حدسیات خودم را نوشتم من در مورد ساختگی بودن زبان های عبری و سومری اطلاعی ندارم ولی شباهت بسیاری از کلمات فارسی و ترکی به این دو زبان مرا متعجب کرد این موضوعی بود که من قبل از آشنا شدن با قسمتی از نظریات شما اصلا به آن توجه نکرده بودم!
حتی نام بعضی از شخصیتهای افسانه ای این ملتها به نام یهودیها شباهت دارد مانند ماناس قرقیزها که به اسم (Manasseh)یهودیها شباهت دارد(که احتمالا این افسانه نیز ساخته یهودیها باشد)!
یا کلمه ترکی-مغولی خاقان و خان به کلمه عبری-آرامی(COHEN)شباهت دارد!خاقان همچنین لقب پادشاهان خزر بوده!همچنین شباهت وجود کلمه خان در نامهای پشتو-پاکستانی-هندی-کشمیری همانند وجود کلمه کوهن در نام یهودیهانیز تامل برانگیز است!

نویسنده: نسرین

جمعه 22 شهریور1387 ساعت: 17:44

حدسیاتم را درباره نام چند منطقه دیگر برایتان ارسال میکنم امیدوارم مطالب شما در این مورد ومطالعه کامل نوشته های شما درستی یا اشتباه بودن این حدسیات را برایم روشن نماید:
ابهر:از کلمه عبری abhar به معنی عبور کردن یا عبور کننده
خزر:(Jeezer) پسرگیلعاد(Gilead)
محلات:(Mahalath) همسر(Esau)
بخارا:(Becher) پسرزبولون(Zebulon)نوه یعقوب
ایران: (مراقبEran)پسرزبولون(Zebulon) نوه یعقوب-(Ira) در زبان عبری به معنی خلف و اولاد و مراقب میباشدو در کتاب عهد عتیق نام روحانی زمان داوود است.
زابل- زابلستان : (Zebulon-Zabul-Zebul)زبولون(Zebulon) نام یکی از پسران یعقوب(Yakov) است-زابول(Zabul) و زبول(Zebul) درعبری به معنی شاهزاده است.
آلان: (Elon) پسرزبولون(Zebulon)نوه یعقوب
غور:(Gur)در عبری به معنی بچه شیر
لوت:(Lot)پدر موآب به معنی مخفی
آران:(Aran)به معنی بز وحشی-کوهستان مرتفع

مکران(نام قدیم بلوچستان):(Machir) پسر منشه (Manasseh)و نوه یوسف
فارس-پارس:پرش پسر منشه(Manasseh)-ازنام فرقه ی یهودی فریسیان(پروشیم، کلمه فاریس یا فریسی Parush در عبری به معنای عزلت طلب است) یا از نام فارص(Phareṣ -Péreṣ- Pharez -Pāreṣ)که بنا به کتاب پیدایش پسر تامار و یهودا و نوه یعقوب بود.
کرمان:(Carmi)پسرروبن(Reuben) نوه یعقوب
افغان-افغانستان: ('Avghana' Afghana' or')پسر ارمیا (Ermia) نوه طالوت(Talut)یا همان شائول(Saul)پادشاه اسرائیل
صدوق:(Zadok)به معنی درستکار و نام یکی از فرقه های یهودیان(صدوقیان)
گیان:(Gian)هدیه خداوند
خمین:(Ximen)خدا شنیده است
شلمان:(Shalman)صلح طلب-کامل
هرات:(Hara)به معنی سرزمین کوهستانی -نام یکی از ایالات آشور بین دجله و فرات
جیحون:(Gihon)در کتاب مقدس نام یکی از چهار رود بهشت
هریس:(Heres)در کتاب مقدس نام شهری در جنوب فلسطین باستان

نویسنده: نسرین

جمعه 22 شهریور1387 ساعت: 17:44

نائین:(Nain) در عبری به معنی جمال-زیبا-دوست داشتنی-مراتع سبز-در کتاب مقدس نام شهری درجلیله(Galilee) در جنوب شرق ناصره (Nazareth)، (لوقا، 7:11) در فلسطین باستان که امروزه نئین(Nein) نامیده میشود.Na'eh نیز درعبری به معنی خوش تیپ میباشد.
گیلیارد:گیلعاد(GILEAD-GILAD)::در عبری به معنای "بنای یادبود گواهی دادن و شهادت"،"یادبود"،"کوهان شتر"است.نام مکانی است کوهستانی در شرق رود اردن(Jordan)که نامش در عهد عتیق ذکر شده است و نام سردار داوود.
شمیران:از نام منطقه ی زیمران(Zimran) ،شومرون یا سمریا Shomron(Samaria شیمران(Shimran) یا شمیران(Shemiran) در اطراف اورشلیم اقتباس شده همچنین شمیران یا زیمران نام پسرابراهیم وکتورا(Keturah)است.یا از نام شیمرون(Shimronنگهبان)پسر ایساخر(Issachar)گرفته شده است.
آسارا: (Asherah)در عبری به معنی مستقیم-مداوم
افشار:کلمه ای عبری احتمالا به معنی "ممکن"
استرآباد:(Esther)همسر یهودی خشایارشاه و دختر برادر مردخای
ایبریا(Iberia):نام قدیم گرجستان- از خود کلمه عبری (نام زبان و نژاد یهودی ها)گرفته شده است.
ایبری: Iberian Peninsula شبه جزیره ایبری اسپانیا-پرتقال:از خود کلمه عبری (نام زبان و نژاد یهودی ها)گرفته شده است.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 22 شهریور1387 ساعت: 17:52

خانم نسرین. یادداشت های تان را برطبق اجازه ی صادره نصب کردم. برای خوانندگان این وبلاگ آگاهی نسبت به آن دسته از لغات سومری و عبری و عربی و هندی و اسلاو و لاتین، که در فارسی و ترکی به میزان کافی یافت می شود، غنیمت بزرگی است تا شاید معلوم کسانی شود که مسیر ورود لغات سومری به زبان ترکی، وام هایی برای بازسازی این زبان در دوران اخیر است، نه مثلا دلیل پیوند دیرین میان سومریان و ترکان. در وبلاگ تان دیدم که تشابه نام های جغرافیایی با مناطقی در فلسطین اشغالی را به کتاب مقدس ارجاع داده بودید، اگر ممکن باشد رفرنس نقل آن را اضافه کنید. برای نمونه در مورد نایین با اجازه اضافه کردم. یک شوخی هم بیافزایم: این متولد آذر تاریخ سال لازم ندارد؟!!

آقای هیوا ایزدی. منظور جوک نامه و یا کتاب مضاحک است.

آقای اتفاق. زحمتی که برای بهبود کیفیت سی دی ها کشیدید، بسیار ارزشمند بود و همگی راضی ترند. آن نامه ها را هم دیدم، روی سازمان های دولتی به سختی می توان تاثیر گذارد، اما آن خطیب اگر مجاب شود، که احتمال اش زیاد نیست، ثمر بیش تری خواهد داد. به هر حال ممنونم و خدا به شما عوض دهد.

نویسنده: رحمانی

شنبه 23 شهریور1387 ساعت: 14:34

با سلام خدمت همگی

تز : جملات فازی
(از مجموعه بحث های روابط آبجکتیو)
روابط و سنت های الهی

مثلا اگر بگویند ، کوههای بلند ، ما یا باید از پیش فرض ذهنی استفاده کنیم که در این صورت از این جمله خروجی های متفاوتی بدست خواهد آمد مثلا ارتفاع 6000 به بالا بلند است یا 4000 به بالا ووو یعنی ما باید تابع مشخصه را تعریف کنیم تا بتوانیم نظر بدهیم که کوه دنا چقدر بلند است ، صد در صد یا نه 0.7 یا 0.8 ووو
بعبارتی دیگر بدون داشتن تابع مشخصه نمی توان نظر داد یا اگر نظر داد باید برای خود تابع مشخصه را تعریف کرد
اگر می خواهید طوری حرف بزنید که کسی نرنجد باید به شدت فازی صحبت کنید (یا یکی به میخ یکی به تخته بزنید --البته این دو عمل با هم فرق می کنند)
به هر حال زمانی که ما در مورد تصمیمی دو دل هستیم (معمولا) شرایط به شدت فازی برقرار است
هر چه جمله، فازی تر ، نامفهوم تر است ،جملاتی زیبای به شدت فازی معرف "هیچ چیز" هستند و نامفهوم و به خودی خود ارزشی ندارند
انسان خوب ؟ تابع مشخصه "خوب" چیست؟ به چه کسی خوب می گویید؟ اگر مسلمانی سنی یا شیعه ، انتحاری ، بمبی گذاشت و از گروه مخالف کشت؟ خوب است یا بد ؟ از منظر کدام گروه خوب و کدام گروه بد است؟ ووو چون تابع مشخصه دو گروه متفاوت است پس این جمله بدون تابع مشخصه ، نامفهوم است
گفتار نیک، پندار نیک، کردار نیک ،،،، معرف "هیچ چیز" هستند، تا زمانیکه تابع مشخصه را نداریم!؟
شیادی زیرکانه ای است اگر جمله گفته شود و تابع مشخصه معلوم نباشد ، در این صورت هر کس در ذهن خود تابع مشخصه ای می سازد و بوسیله آن تعبیر می کند و چون در ذهن ، همه ، "آرمانی رویایی ایدآل!!! " فکر می کنند پس اینگونه جملات زیبای بی معنی ، معنی کاذب پیدا می کنند، چنانکه عده ای مسلمان نادان غافل از همه جا این جمله را می شنوند بعد با خوبیهای اسلام تابع مشخصه می سازند(دقیقا با خوبیهای تعریف شده در قرآن) بعد به گروه دیگر برتری عطا می کنند!؟و زردشتیگری توجیه می شود؟ عجب !!!

نویسنده: رحمانی

شنبه 23 شهریور1387 ساعت: 14:34

اگر شما تابع مشخصه را داشته باشید و پیش فرض و مورد قبول باشد ، و شنونده از آن آگاه باشد ، حالا معنی "خوب" را خواهد فهمید ، چنانکه می گوییم اسلام دین برتر است ، چون ما طبق تابع مشخصه تعریف شده این "برتر" را می شناسیم ، و قبول داریم
تصور خیلی ها از اسلام اینگونه است که اسلام را جمله ای به شدت فازی معرفی می کنند به نام خوب ، و غیر آن را بد؟ پس دو طرف یا دو کفه در ذهن خود می سازند هرچه خوب است (البته از نظر خودش!) به کفه اسلام و هر چه را بد می دانند (البته باز هم از نظر خودش!) به کفه دیگر،،، در واقع با این کار تابع مشخصه یعنی قرآن کنار می رود و من خودخواه، من مدعی، من حراف، من نامتخصص ، من نادان ، من ابله و من آنوسی ووو به جای آن معیار می نشینم؟
اینکه اسلام همه چیز خوب را شامل می شود یعنی چه ؟ این جمله به شدت فازی است ؟
اینکه نصف شب شما را ، از خواب منع و به عبادت می خواند؟ خوب است یا بد است؟
اینکه به خاطر رعایت و تقوی الهی ، نباید ربا بخورید، پس نفع اقتصادی آن از شما منع می شود خوب است یا بد؟
پس تابع مشخصه (اینجا قرآن) مشخص کننده این "خوب" است
ووو یکی می گفت اسلام دین خوبیهاست پس به شما سختی نمی دهد؟؟؟ و شما را در رنج نمی اندازد ؟ پس بیخودی هی خم و راست شوی که چه ؟!!!!!!! عجب ؟
پس این را باید تابع مشخصه تعریف کند.
یا اسلام دین برادری است ، جمله ای به شدت فازی است ، ؟؟؟

پس همه در دنیا برادر ما هستند، از جمله یهودیان ؟!!!!! تابع مشخصه کجاست؟؟؟ توجه کنید ، "من آنوسی" یا "من نادان" اینجا تابع مشخصه هست!، نه قرآن ؟

نویسنده: رحمانی

شنبه 23 شهریور1387 ساعت: 14:35

اسلام یعنی اینکه باید خوب بود!!! تا تابع مشخصه نباشد، از این جمله "هیچ چیز" دریافت می شود
در انتخابات ، جملات زیبای به شدت فازی گفته می شود، یعنی به مردم "هیچ چیز " گفته می شود و برای این هیچ چیز، چه ها که نمی کنند.چون تابع مشخصه تعریف نمی شود، البته اگر استثنائا تابع مشخصه هم تعریف شود، هیچ تضمینی برای اجرای آن وجود ندارد!
به هر حال باید مواظب بود تا در دام این جملات به شدت فازی یعنی "هیچ چیز" نیفتاد
اگر می خواهید شخصیتی را برتر چه در خوبی چه در بدی، به بقیه معرفی کنید ، سعی کنید جملات به شدت فازی ، در مورد خوب بودن یا در مورد بد بودن بیان کنید، سپس برداشت و پروردان آن را به شنوندگان بسپارید(البته با "مدیریت آبجکتیو")، مطمدن باشید که شخصیتی به شدت فازی خلق خواهد شد، این نوع شخصیت معرف هیچ چیز است چه خوبش! ،چه بدش!
اتفاقا برای مدیریت انسانها به چنین شخصیت هایی(کاذب) به شدت نیاز است!؟
پس "شخصیتهای به شدت فازی" خود بحث دیگری است!!!

تا بعد ...
با تشکر

نویسنده: مهدي - مهدي

شنبه 23 شهریور1387 ساعت: 15:8

http://www.threetwoone.org/diagrams/offspring-adam-2x-00.gif
http://www.threetwoone.org/diagrams/HebrewBibleOutlinePresentation.gif
http://www.threetwoone.org/diagrams/Genesis-Ch-01-10-OutlinePresentation.gif
http://www.threetwoone.org/diagrams/Genesis-Ch-11-14-OutlinePresentation.gif
http://www.threetwoone.org/diagrams/Genesis-Ch-15-19-OutlinePresentation.gif

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 23 شهریور1387 ساعت: 16:46

آقای مهدی - مهدی. از ارسال لینک ها ممنونم. برای اندکی شادمانی و رفع خستگی ادعا کنم که برای تالیف تورات های جدید ابتدا چارت آن را کشیده اند!!!

نویسنده: حامد

شنبه 23 شهریور1387 ساعت: 16:59

با سلام خدمت استاد گرامی
جناب استاد، بنده تاکنون فقط دوبار در این وبلاگ کامنت نوشته ام: یکبار در مورد مطالبی که پس از مطالعه کتاب « برآمدن اسلام» و مطالب این وبلاگ، برایم جای ابهام داشت، درخواست راهنمایی کرده بودم، که راهنمایی فرمودید، و بار دوم نیز یک دعای خیر برای جنابعالی. نمیدانم چرا شما ناراحت شده اید و با خطاب « آدمی که بی درک بنیان مطالب ادای نکته بینان را در می آورد و خود را نخود آش می کند، به روز تو می افتد» اینجانب را نوازش نموده اید؟ بهرحال فکر میکنم شاید کسی دیگری با نام حامد چیزی نوشته باشد.

نویسنده: حسام الاحوازی

شنبه 23 شهریور1387 ساعت: 18:35

سلام بر استاد کبیر دکتر ناصرپورپیرار و بنیان اندیشان محترم

ضمن عرض خسته نباشید و قبولی طاعات و عبادات، میخواستم بپرسم که دلیل شباهت معماری مساجد اسپانیا با معماری اصیل عربی در شام و شبه جزیره ، چیست ؟
اگر هیچ عربی بر اسپانیا حکومت نکرده ، پس این همه ابنیه با معماری کاملا عربی را چه کسی در اسپانیا ساخته ... ؟
آیا ممکن است که معماران اسپانیایی به شبه جزیره عرب رفته باشند و معماری آنجا به عنوان سوغات به آسپانیا برده باشند ؟
یا معماران عرب به آنجا مهاجرت کرده اند ؟
اگر معماران عرب به آنجا رفته اند چگونه اسپانیایی ها به معماران عرب اجازه ساخت و ساز داده اند ؟
واقعا دلیل این همه شباهت مثلا مسجد امویان در دمشق با مساجد بزرگ اسپانیا چیست ؟

نویسنده: حسام الاحوازی

شنبه 23 شهریور1387 ساعت: 18:39

راستی جناب مجتبی مشکلتان حل شد ؟؟؟
ما شدیدا نگران شما هستیم .
خواهشا ما را بی خبر نگزارید ...

نویسنده: ..

شنبه 23 شهریور1387 ساعت: 19:48

نسرین خانم سلام علیکم

استاددر کامنتی به حهت شما ذکری ازوبلاگتان نمودندآیا ممکن است که آدرس وبلاگتان را قید بفرماییدتا بیشتر از دانسته های شما استفاده کنیم. در ضمنا" از اطلاعات قید شده سپاسگزارم.

نویسنده: مهدي - مهدي

شنبه 23 شهریور1387 ساعت: 21:29

آقاي پورپيرار،

بنده برعكس فكر مي‌كنم اگر اول چارت مي‌كشيدند و بعد از روي آن مي‌نوشتند تناقضاتش كمتر مي‌شد. ولي قطعاً بدون تناقض از آب در نمي‌آمد (لَوْ كانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللهِ- لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلافاً كَثِيراً)

ارادتمند
مهدي

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 23 شهریور1387 ساعت: 21:56

آقای مهدی - مهدی. برای مزاح بود. طبیعی است که عکس آن درست است.

آقای حسام الاحوازی. گرچه شباهت چندانی میان معماری عرب و اسپانیا دیده نمی شود و مساجد اسپانیا از آرک ها و نعل درگاه ها و ظرایف معماری رومن و یونان پیروی کرده، اما رفت و آمد و کار معماران عرب در اسپانیای مسلمان و یا برعکس آن، طبیعی است که به مانعی برنخورد.

آقای بی نام. تحقق آرمان های شما قطعی و از وعده های خلاف ناپذیر الهی است.

آقای حامد. آن چند سطر پاسخ ای میلی بود که به نام شما رسیده بود. به هر حال مطلب بی اهمیتی است.

نویسنده: آیدین یاشار

شنبه 23 شهریور1387 ساعت: 22:5

حدسیات خانم نسرین در خصوص نام اماکن و اشخاص ارزش علمی ندارد. با این روش انسان میتواند تمامی کلمات را به شیوه دلخواه ریشه یابی کند. علم اتیمولوژی متکی بر حدس و گمان و تشابهات تصادفی بین کلمات نیست، بلکه از طریق مطالعه سیر تکوین هر کلمه در طول زمان و مسیر تکاملی آن راه خود را باز میکند. زبان شناسان پان فارسیست خود از همین طریق حد و گمان دست به دغل کاریهای وسیع زده اند. در ترکیه نیز در دوره آتاترک گروهی زبان شناس اقدام به توضیح ریشه کلمات بر اساس ریشه های ترکی نمودند و ظاهرا قادر بودند ریشه تمامی کلمات زبانهای مختلف از جمله عربی و زبانهای اروپائی را بر اساس بن های ترکی توضیح دهند که در فرهنگستان زبان ترکی کم کم داشت مقبولیت پیدا میکرد ولی درایت آتا ترک موجب افشای دغل کاری آنان شد.
در خصوص ریشه های سومری در ترکی و بعضا در فارسی باید گفت این کلمات اخیرا برای بازسازی وارد زبانهای فارسی و ترکی نشده است. ریشه های بین النهرینی در تمامی زبانهای زنده دنیا وجود دارد و حکایت از تاثیر معنوی تمدن بین النهرین بر تمامی فرهنگهای جهان دارد. از نمونه کلمات سومری که بر بیشتر زبانهای دنیا وارد شده است کلمه "دیب" است (نوشتن، بخصوص نوشتن روی لوحه) که در فارسی به صورت "دیباچه" و اشکال دیگر و در ترکی به صورت "دب" (رسم و آئین) و در انگلیسی به صورت tab و tablet و table و غیره تظاهر میکند. در عربی نیز کلمه "ادب" به این ریشه مربوط است. از مشتقات جالب این کلمه میتوان از "تباشیر" به معنی "گچ برای نوشتن" نام برد که هنوز رایج است.
با تشکر

نویسنده: توحید

شنبه 23 شهریور1387 ساعت: 19:33

با سلام مجدد
استاد گرامي ، من هم کاملا با نظریه شما در باره لغت «هادوا» موافقم ، تنها شبهه من آیه 6 سوره جمعه بود که با مراجعه مجدد به کتاب فخیم «اسلام و شمشیر» این شبهه ام نیز برطرف شد . ولي چیزي که برایم عجیب بود شما در جاهاي مختلف «هود» را برابر همان «یهود» گرفته بودید ولي در همان صفحه مورد اشاره (156) «هودا» را که تنها يك الف اضافه نسبت به «هود» داشت مجددا «هدایت شده» معني کرده بودید ، در حالي که فکر مي کنم این الف اضافه بخاطر هم وزني با «نصاري» از طرف خداوند انتخاب شده است ، یعني فکر مي کنم کتاب اسلام و ششیرتان در این مورد نیاز به تصحیح دارد .

نکته دیگر درباره معني «حکم» در قرآن و از جمله آیه22سوره یوسف است ، که شما در کامنت مربوط به وجود دو یوسف در قرآن آنرا «حکمت» گرفته اید ، در حالي که در کتاب «اسلام و شمشیر» که محل دقیقش یادم نیست به این موضوع که مترجمان کلمه «حکم» را «حکمت» معني کرده اند و نه «ماموریت و انتساب» اعتراض کرده بودید ، در اینصورت اگر بپذیریم که «حکم» در آیه 22 سوره یوسف نیز به قول شما به معني «ماموریت و انتساب» از طرف خدا باشد ، آیا به معني اینکه یوسف اشاره شده در سوره یوسف هم پیامبر بوده است ، نمي باشد ؟
و آیا اینکه به هیچ طریق نمي توان از زمان تغییر نام بني اسرائیل به «یهود» پي برد ؟ و یا اینکه به معني و منظور باري تعالي از نام خاص «یهود» پي برد ؟ هر چند به نظر مي رسد ریشه کلمه یهود از «هدایت» باشد و ربطي با معني هدایت داشته باشد .

وب سایت

نویسنده: ویرگول

شنبه 23 شهریور1387 ساعت: 23:9

انوسی نجس و یهودیان ....

شرق شناس آلمانی ادعا کرد:

پیامبري به نام محمد(ص) وجود نداشته!

اظهارات اخیر یک شرق شناس آلمانی در مورد عدم وجود پیامبر به نام حضرت محمد(ص) در تاریخ و عدم ثبوت صحت قرآن کریم، موجب خشم شدید مسلمان آلمان گردیده است.
شیعه آنلاین: "سفین محمد کالیش" استاد رشته اسلام شناسی در دانشگاه "مونستر" در شمال آلمان که یک شرق شناس به شمار می‌رود، اخیرا طی اظهاراتی ادعا کرده که از نظر تاریخی وجود پیامبری به نام حضرت محمد مصطفی(ص) در تاریخ ثابت نشده است.

"کالیش" که با اظهارات خود خشم شدید مسلمانان آلمان را برانگیخته در ادامه همچنین ادعا می‌کند که صحت قرآن کریم به عنوان یکی از تعالیم اسلامی نیز از نظر تاریخی ثابت نشده است.

گفتنی است اظهارات "سفین کالیش" که رئیس مرکز پژوهش‌های اسلامی دانشگاه "مونستر" نیز به حساب می‌آید، مورد استقبال برخی اساتید دانشگاه‌های مختلف آلمانی قرار گرفت.

در همین راستا خانم "گودرون کریمر" استاد علوم اسلامی دانشگاه آزاد برلین نیز روز گذشته طی اظهاراتی به رادیو فرهنگی آلمان گفت: من کاملا با اظهارات "سفین کالیش" موافقم. به نظر من هر پژوهشگری باید آزادانه آراء، نظرات، دیدگاه و عقاید خود را اعلام کند.

در پایان شایان ذکر است "سفین کالیش" در گذشته نیز به دلیل برخی مقالاتش به شدت مورد انتقاد مؤسسات اسلامی آلمان قرار گرفته بود.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 24 شهریور1387 ساعت: 1:1

آقای توحید. پاسخ قانع کننده بر این نکات، تا حدود زیاد به مقدماتی ظریف نیازمند است که قصدم موکول کردن آن به کتاب دوم اسلام و شمشیر بود، به خواست خدا. اما در این فرصت نیکو به اختصار بگویم: پیش از این تنها به حکمت ترجمه شدن حکم معترض بوده ام و نگفته ام که حکم به معنای نبوت است، که اگر گفته باشم نیز حاصل کم دقتی است. آیات 80 تا 90 سوره انعام را با حوصله مطالعه کنید که متضمن نکات ظریفی است. در این آیات خداوند فهرستی از شایستگان از نوح تا موسی و برخی از ذریه ی آن ها می آورد و النهایه آیه ی 89 یاد آور می شود که به آن ها مراتب برتری، از هدایت و کتاب و حکم و نبوت بخشیده ایم. مسلم این که تمام آن ها کتاب نداشته و مامور به رسالت نبوده اند، بل در درجات معین عنایت دیده اند که یکی هم "حکم و علم" است. کاری به این ندارم که مترجمین در همین آیه 89 باز هم به غلط حکم را حکمت ترجمه کرده اند، ولی حکم در لغت به معنای حق ابراز نظر، داوری و انفصال امور است: الیس الله احکم الحاکمین، و له الحکم و الیه ترجعون، ان الحکم الا الله، ان الله یحکم مایرید. در قرآن این رتبه ی حق داوری و علم، در محدوده ای معین، به لوط و یوسف و داود و سلیمان و موسی داده شده است و همگی نیز ماقبل رسالت و نبوت. چنان که در آیه 16 سوره ی جاثیه می خوانیم که خداوند بر بنی اسرائیل تمام مراتب برتری، از کتاب و حکم و نبوت را فرستاده است. برای دریافت دقیق تر مطلب کافی است به آیه ی 14 به بعد سوره ی قصص مراجعه کنید که به موسی ابتدا "حکم و علم" تفویض و سپس در بیابان آتش را می بیند و به رسالت دعوت می شود. در واقع حکم و علم اعطای رتبه و مقامی از سوی خداوند دون نبوت است. باید هر یک از ما نهضت دقت عمیق در مطالعه ی متن آیات قرآن را آغاز کنیم. در باب هود و یهود نیز بگویم که اصل بحث رد یهود شناختن هادوا بود که ظاهرا و به شکر خدا حاصل شده و هنوز در باب هود باید تامل بیش تری کرد هرچند ظواهر آیاتی با چنین خطابی، با تردید هایی، انتساب آن به یهود را بلامانع نشان می دهد. چنان که معتقد نیستم لغت یهود ارتباط محکمی با هدایت داشته باشد، که شرح آن را انشا' الله در آینده خواهم آورد. موفق باشید. در مورد آیه ی 22 سوره ی یوسف نیز بی دقتی من در اثر عدم رجوع به آیه بود، زیرا که مطلب را به طور کلی و ضمنی در پاسخ آقای م. ستاره آورده بودم، نه ترجمه ی دقیق آیه.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 24 شهریور1387 ساعت: 1:4

آقای ویرگول. همه مانند همین خانم کریمر ادعا می کنند "هر پژوهشگری باید آزادانه آراء، نظرات، دیدگاه و عقاید خود را اعلام کند". اما به پادوهای شان دستور می دهند که مانع پخش همگانی مستند تختگاه هیچ کس و انتشار کتاب اسلام و شمشیر و ورود من به کشورهای عضو شینگن شوند!!! مسلمانان از این معرکه گیری های بی حاصل کنیسه و کلیسا و پیروان شان زیاد دیده و شنیده اند.

نویسنده: سوال

یکشنبه 24 شهریور1387 ساعت: 1:12

آقای پورپیرار یهودیان در چه تاریخی فهمیدند که تخت جمشید را هخامنشیان ساخته اند ؟ با وجود این که قبلتر فرموده بودید این مورد در صدههای اخیر رخ داده است اما به دلیل ادعای تان که شهر شیراز را بنابه نزدیکی به تخت جمشید ساخته اند، ابهام در ذهنم ایجادمیکند.

برایتان آرزوی سلامتی دارم.

نویسنده: مریم

یکشنبه 24 شهریور1387 ساعت: 1:44

آقای پورپیرار من مقاله آقای بازرگان رو در مورد حجاب خوندم. و با نظرات اهالی قم هم آشنایی دارم. نیازی برای رفتن به قم نیست. من اهل ارومیه هستم و میخواستم بپرسم که آیا این ترفند حجاب هم یکی از توطئه های یهودیها در این کشور بوده یا نه واقعاً اسلام چنین چیزی رو از زنهای مسلمان خواسته؟
لطفاً نظر خودتون رو بگید. من با مطالعه مباحث اسلام و شمشیر شما که الان به قسمت 20 رسیدم دارم میفهمم که بعضیها احمقتر از اونی هستند که فکرش رو میکردم

نویسنده: مریم

یکشنبه 24 شهریور1387 ساعت: 1:48

آقای پورپیرار یک مطلبی هم میخواستم بپرسم و اون اینکه واژه حرب واقعاً به معنای جنگ با شمشیر به کار میرفته و یا نه مثلاً برای مبارزه با فتنه هم کلمه حرب رو به کار میبرند؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 24 شهریور1387 ساعت: 7:55

آقای سئوال. پرسش شما چندان واضح نیست.

خانم مریم. در آن چند مورد محدود، که لغت حرب در قرآن به کار رفته، چه ذهنی و چه عینی، مفهوم و معنای مرسوم کنونی را دارد. مثلا مساوی دانستن گرفتن ربا، با حرب با پیامبر و خدا، یک درافتادن ذهنی است. اشکال عمده در این است که بر اثر شاه نامه خوانی دائم، به محض شنیدن لفظ حرب، صف آرایی پنجاه هزار نفره از دو سو و یا جنگ العلمین در صحرای آفریقا را به یاد می آوریم، در حالی که کتک کاری دو کودک در خیابان و یا دو مشت زن در رینگ نمایش نیز حرب میان آن هاست. در مورد حجاب نیز که مختص به ایران نیست، اگر خدا بخواهد در چند یادداشت بعد مطلبی عرضه خواهد شد که پاسخی است کلی برای این گونه موارد.

نویسنده: رضا

یکشنبه 24 شهریور1387 ساعت: 9:29

با سلام خدمت استاد محترم و دیگر دوستان
استاد ممکن است توضیح بفرمائید که آیا خداوند با غیر پیامبران هم (مستقیم یا از طریق ملائکه) سخن گفته است؟ البته منظورم الهام مطلبی در ذهن کسی نیست بلکه گفتگو به همان معنی که قران مجید اشاره میکند.مانند این نمونه: قَالَ رَبِّ أَنَّي يَكُونُ لِي غُلاَمٌ وَقَدْ بَلَغَنِي الْكِبَرُ وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ قَالَ كَذٰلِکَ اللهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ﴿آل عمران 40﴾

وب سایت

نویسنده: رضا

یکشنبه 24 شهریور1387 ساعت: 10:22

استاد با سلام مجدد آیا ممکن است توضیح بفرمائید چه تفاوتی است از نظر ماهوی بین "انزل" و "اوتی" در آیاتی مانند ایت آیه: قُلْ آمَنَّا بِاللهِ وَمَا أُنْزِلَ عَلَيْناَ وَمَا أُنزِلَ عَلَي إبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَي وَعِيسَي وَالنَّبِيُّونَ مِن رَبِّهِمْ لاَ نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿آل عمران 84﴾

وب سایت

نویسنده: رضا صدیقی

یکشنبه 24 شهریور1387 ساعت: 11:8

جناب توحید
با سلام
در کامنتان آورده اید:...هر چند به نظر مي رسد ريشه كلمه يهود از «هدايت» باشد و ربطي با معني هدايت داشته باشد .
به استحضارتان می رساند ،ریشه کلمه یهود از زبان سومری و از واژه ایاهو به معنی پیک آسمانی گرفته شده است که سومریان در کتیبه هایشان به کبوتر اطلاق می نمودند.

وب سایت

نویسنده: سید

یکشنبه 24 شهریور1387 ساعت: 11:39

سلام و خسته نباشید. دانشگاهها مشغول تولید و باز تولید انبوه دروغند و اگر دانشجویی اعتراض کند کله پایش میکنند**!!**

نویسنده: رضا صدیقی

یکشنبه 24 شهریور1387 ساعت: 12:39

نسرین خانم-سلام
ir در زبان عبری به معنای شهر است.بنابراین ایران به معنای شهران می باشد.
در مورد ایبری حق با شماست زیرا شباهت در یافته های باستان شناسی ،به علت حضور هخامنشیان پس از عقب نشینی از ایران در گرجستان و بعدها در شبه جزیره ایبریا، این ایده را تقویت می کند.آدرس وبلاگتان را بنده نیز خواهانم.

وب سایت

نویسنده: نسرین

یکشنبه 24 شهریور1387 ساعت: 14:44

سلام
ابن سینای یهودی:
ابن سینا که در بخارا به دنیا آمد یهودی بود واز یهودیانی است که مجبور به تغییر دین شدند و در اسلام آسیمیله شده و تحلیل رفتند وTchale نامیده شدند**!**او خود را ابن سینا نامید به عبارت دیگرفرزند تورات که در سینا نازل شد**!**

http://www.dangoor.com/74069.html
ابوعلی سینا (البته اگر وجود داشته!)در شهر یهودی نشین بخارا به دنیا آمد و در شهر یهودی نشین همدان از دنیا رفت!

نویسنده: ..

یکشنبه 24 شهریور1387 ساعت: 15:2

جناب آقای صدیقی
سلام
"اور" به معنای شهر است در فرهنگ عبری به دنبال irگشتم معنایی نیافتم ولی iraرا یافتم که در زیر بخشی را که مربوط به بحث سرکار خانم نسرین می شد اوردم .اگر معنی ir را از جایی نقل می کنید مزید امتنان است که ماخذ را معرفی کنید.

ira

..Means "watchful" in Hebrew. Inthe Old Testament this was the name of King David's priest

نویسنده: جالبه !

یکشنبه 24 شهریور1387 ساعت: 15:16

واژه سومر از تورات برداشته شده ! واژه ی یهود هم از سنگ بنشته های سومر !!!

نمیدونم در منطقه ی ما حدود 7000 سال پیش یهود وجود داشته ؟!!

بالاخره من نفهمیدم میشه کتیبه سومری (=بابلی) را خوند؟

امیدوارم استاد این سوال آخری من را پاسخ دهند.

نویسنده: ویرگول

یکشنبه 24 شهریور1387 ساعت: 17:4

www.fardanesw.com
چرا شعر فارسی مسلمان است؟

شعر فارسی، بدون در نظر داشت اینکه شاعرش چه کسی باشد اگر شانس ماندگاری پیدا کرده و در حافظه تاریخی شعر فارسی ثبت شده است، شعری مسلمان و با پشتوانه های آموزه های اسلام و قران است.
000000000000000000000000000000000000000000000000
نمونه

بهشت عدن اگر خواهی بیا با ما به میخانه
که از پای خمت یکسر به حوض کوثر اندازم!

نویسنده: نسرین

یکشنبه 24 شهریور1387 ساعت: 17:54

سلام آقای پورپیرار
من این توضیحات را در جواب آقای آیدین یاشار نوشته ام بعضا بر اساس شنیده ها وگفته ها و نه نوشته ها !فکر میکنم این

مطالب میتوانند فقط سرنخی برای تحقیقات گسترده در مورد هویت ملتها باشند!اگر فکر میکنید که این مطالب تایید نشده جعل به حساب میاد آنها را به صورت عمومی در نیاورید!
یک سوال هم داشتم :آیا شمال هندوستان نیز جزو مناطق پوریم به حساب میاید؟
متشکرم

نویسنده: نسرین

یکشنبه 24 شهریور1387 ساعت: 17:55

ریشه یابی معانی این مناطق و اشخاص تنها بر اساس حدسیات نیست بلکه عوامل وپیش زمینه های دیگری نیز موثر است همچنین نظریات افراد مختلف:
مثلا در مورد شهر هریس: احتمالا پشتون ها در ترکیب جمعیتی شهر هریس همانند شهر قاین موثر بوده اند(این مهاجرت را مربوط به دوران تسلط افغانها در دوران صفویه و افشاربراین منطقه میدانند!که البته بعید است چنین اتفاقی رخداده باشد!)گفته میشود مادر پروین اعتصامی اهل این منطقه و پشتون بوده!!
البته قوم پشتون (پختون- پتان) که اکثرا در افغانستان –پاکستان- هندوستان و ایران زندگی میکنندهمانند دیگر ملتهای ساکن شده در منطقه پوریم از ترکیب چندین قوم مختلف بوجود آمده اند!ولی فرهنگ یهودیت در آنها همانند کشمیری ها پررنگتر است که این موضوع را بعضی از محققین مربوط به اسرائیلی بودن آنها میدانند یعنی آنها را یکی از ده قبیله گمشده بنی اسرائیل میپندارند!ولی به نظر میرسد که فرهنگ و اساسا خود قوم پشتو نیزساخته یهودیها باشد!هرچند بعضی از قبایل پشتواحتمالایهودی نژاد هستند :مانند قبیله ربانی (روبین) ، قبیله شنواری (شیمون)، قبیله لیوانی (لیو)، قبیله دفتانی (نفتالی)، قبیله جاجی (جاد)، قبیله آشوری (آشر) ، قبیله یوسفزائی (فرزندان یوسف)!
پشتونها همچنین پتان(Pathan)نامیده میشوند که به اسم (Pithon)نبیره شا ئول شباهت دارد! (Ref:Chronicles I , 8:35)
بنا به این توضیحات شهرهای پشتو نشین اکثرا اسامی یهودی دارند همانند قاین-هریس-کابل-پیشاور و...!!
هر چند بعضی از منابع نیز افغانها(پشتون ها) را ارمنی و قفقازی میدانند و معتقدند ازقفقاز-آذربایجان و ارمنستان به شرق مهاجرت کرده اند!!و نام افغان را مشتق ازکلمه ارمنی اغوان به معنی مردم کوهستانی ذکر میکنند!! در شمال آذربایجان هم قلعه ای به نام قلعه پشتو (پیشتو)وجود دارد!
مردم هند وستان به طوایف افغان که بدان سرزمین مهاجرت کرده اند رهیلا میگویند که به زبان پنجابی بمعنای کوهستانی و کوهنشین است. و نام ایالت "رهلخند" یا" رهلکند" از همینجاست!
پشتون ها و زبانشان همچنین شباهت عجیبی به کردها وزبان آنها دارند(هرچند احتمالا زبانهای پشتو و کردی نیز از ساخته های یهودیان میباشد وشباهت آنها از این مساله ناشی میگردد)!

نویسنده: نسرین

یکشنبه 24 شهریور1387 ساعت: 17:55

یا در مورد شهر محلات به علت حضور یهودیان در آن منطقه من این حدس را زده ام و فکر نمیکنم نام این شهر از جمع کلمه محله به وجود آمده باشد!

یا در مورد شهر ابهر به علت حضور تاتها در آن منطقه و همچنین منسوب کردن افرادی مثل سعدالدوله ابهری وزیر یهودی ارغون خان(البته اگر چنین شخصی وجود داشته!) به این شهر من نام این شهر را برگرفته اززبان عبری دانستم !

نام شهرها در ایران تنها ریشه عبری ندارند بلکه ریشه در زبانهای دیگری مانند سانسکریت و... نیز دارد!

مانند توس که گفته میشه ازکلمه (Taos) سانسکریت به معنی خالی, تهی وپوک ونیز آزاد, ول ورها گرفته شده است! (بارتلمه محقق آلمانی)

نویسنده: نسرین

یکشنبه 24 شهریور1387 ساعت: 17:56

درمورد زبان سومری هم باید بگم که علاوه برترکها، مجارها-تامیل ها-مغولها- انگلیسی ها- یهودیها و...نیز معتقدند که زبانشان با زبان سومری ها پیوند دارد!

تعدادی از کلمات سومری در زبان فارسی:

آب (A)-ابر(Epru غبار)-الماس (Ulmashدرخشان مجلل)-اما (Ma)-بانو(Ba-ú الهه مادر-بزرگ مادر-زندگی دهنده)-بوریا-بیت(Bitum خانه)- تب(Tab سوختن- Idpa تب)-تپه -تموز(دوموزی- خدای چوپانان-خدای بهار-خدای نوزایی زندگی)-تنبور(Pandur)-جن-چوپان(شوبا)-دبیر-دَف(Dub)-دفتر-دین(Dinumعقیده)-دیوان-زیستن(از ریشه زیZi به معنای زندگی)-سالم(Salamu)-شش(Sessum)-شعر(Šir آواز)-فرات(Puranun،آب عظیم)- قصر(Asru)-کبد(Kabattu)-کوکب-کوه (Kur)-گاو(Gu,Gud)- گبر- ما (Me))-مار(Merمار نابودکننده)ماسک(Masku پنهان کردن-پوست)-ملوان -نام(Nam)-نبی(Nabu)-ننه(Ninنین به معنای خانم)-نور(Nuru)-هیکل(E-gal)-یم-...

نویسنده: امید

یکشنبه 24 شهریور1387 ساعت: 21:11

سلام
امام 5ماه قبل از جنگ به ارتش عراق فرمان شورش دادّ
http://tinypic.info/files/imhnwf46cdw6u8agq6ig.jpg

نویسنده: توحید

یکشنبه 24 شهریور1387 ساعت: 18:14

سلام استاد ممنون از راهنماییتان واقعا مفید بود و بسیار استفاده بردم .
در پناه الله باشید

وب سایت

نویسنده: حکیمی

یکشنبه 24 شهریور1387 ساعت: 23:16

سلام به همگی!
این چند لینک زیر را حتما بخوانید:
جنگ به دستور آمریکا نبود!
http://tabnak.ir/pages/?cid=18251
اعترافات بزرگترین دزد فرهنگی جهان
http://www.jahanews.com/fa/pages/?cid=33011
تصمیم مراجع(به سبک تصمیم کبری)!
http://www.shahabnews.com/vdcf.ydviw6d1cgiaw.html

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 24 شهریور1387 ساعت: 23:47

ظاهرا آقای م. ستاره، برای یک امر خیر، ای میلی به چند دوست فرستاده اند که بی پاسخ مانده است. جز آنان که از حوالی ارومیه ظاهرا قهر کرده اند و یا به علت روزه های بی سحری رمق احوال پرسی ندارند و یا از اطرافیان تشر شنیده اند و یا مشغول اسباب کشی اند، دیگران به صندوق ای میل شان رجوع کنند.

نویسنده: عدنان

دوشنبه 25 شهریور1387 ساعت: 0:42

سلام
اخبار سراسری شبکه3:
کشف زباله دانی هخامنشی در ایران شهر...(حضور ذهن ندارم) !!!!!!!
باستان شناسان در حال تحقیقات هستند نظرتان چیه؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 25 شهریور1387 ساعت: 1:33

آقای عدنان. این یکی کاملا صحیح است چون هخامنشیان جز زباله و خاکستر خانه ها و جنازه ی بومیان ایران کهن چیزی از خود در تاریخ به جا نگذارده اند. طفلک سرپرست این به اصطلاح کشفیات حتی نمی دانست هخامنشیان مربوط به کدام دوره اند و مرتبا از دو هزار سال پیش می گفت. احتمالا عهد هخامنشیان را با دوران ظهور عیسی اشتباه گرفته بود.

۱ ۲ >>

ایران شناسی بدون دروغ، 175، بررسی کتاب معجم البلدان یاقوت - 88نظر

نویسنده: ویرگول

دوشنبه 25 شهریور1387 ساعت: 10:59

www.fardanews.com

گزارش دیلی تلگراف:
باغ گلشن طبس: بهشت روی زمین
طراحی این باغ بر اساس نمونه چهارباغ است که برگرفته از آیات قرآن در مورد بهشت، دو نهر در آن همدیگر را قطع می‌نمایند. درختانی که گفته می‌شود 400 سال عمر دارند سایه دل انگیزی را در کنار دیوارهای کهن این باغ می‌گسترانند

400 سال! 400 سال! 400 سال!

نویسنده: قهر کرده از حوالی درياچه اورميه !

دوشنبه 25 شهریور1387 ساعت: 11:46

سلام علیکم و خسته نباشید.

استاد علی الظاهر بنده تنها به آن دسته ای از دوستانتان مچ میشوم که در حوالی دریاچه زندگی میکنند و قهر کرده باشند منتها خودم هم نمیدانم چرا ؟!

حسب دستور به ایمیلم رسیدگی کردم.

خداوند به شما طول عمر همراه با سلامتی و اجر اخروی عطا بفرماید.

نویسنده: رضا

دوشنبه 25 شهریور1387 ساعت: 12:4

با سلام به همه دوستان آیا کسی از دوستان آدرس لغت نامه آنلاین(یا قابل دانلود) المنجد را میداند؟

نویسنده: !!!

دوشنبه 25 شهریور1387 ساعت: 14:24

آقای رضا ببین به دردت میخوره : http://www.saeed-igi.blogfa.com/post-10.aspx

نویسنده: رضا صدیقی

دوشنبه 25 شهریور1387 ساعت: 15:10

جناب استاد پورپیرار
وخوانندگان محترم
با سلام
بدین وسیله 23مین گفتار هنر و تمدن اقوام پراکنده ایران با عنوان لیپوها را تقدیم حضورتان می نمایم.ارادتمند همیشگی

وب سایت

نویسنده: eldeniz

دوشنبه 25 شهریور1387 ساعت: 19:32

آقا یا خانم ایزدی اول اینکه باید بگویم اگر به پست ها توجه کرده باشید وبلاگ بنده مدت هاست که به روز نیست و آن هم به دلایل شخصی . اما دلیل زود مردن یا البته بهتر بگویم شهادت چه گوارا و امثال ایرانی او مانند جزنی , پویان , حمید اشرف و بسیاری دیگر طرز فکر آن ها بود پس گزاره ای که شما صادر می کنید صادر نشده خود به خود نقض و باطل است.

وب سایت

نویسنده: توحید

دوشنبه 25 شهریور1387 ساعت: 18:22

با سلام خدمت استاد

به این لینک درباره قرآن منسوب به حسن مجتبی (ع) که در قرن اول و بصورت صحافی شده می باشد دقت کنید : http://www.aqm.ir/news/news_detail.asp?id=636
(تصویر سمت چپ همان قرآن منسوب به امام حسن می باشد) که از طرف شاه عباس صفوی در سال 979 ه ش به آستان امام رضا تقدیم شده !

وب سایت

نویسنده: توحید

دوشنبه 25 شهریور1387 ساعت: 18:37

استاد این یکی جالب تره :

/http://www.tebyan.com/religion_thoughts/articles
theinfallibles/imamaskari/2006/5/6/17212.html

به نقل از سایت مزبور :

"این اثر گرانقدر، با توجه به نوع خط و نوع تزئینات و کتابت آن بر روی پوست، به قرن سوم هجری تعلق دارد." !!!

در ادامه :

در آخرین صفحه قرآن، ذیل کادر مستطیلی که دارای نقوش ساده گیاهی است، عبارتی الحاقی و متفاوت با خطّ اصلی قرآن (کوفی) در دو سطر، به خط نسخ کهن مشاهده می‌شود که به واسطه آن، این قرآن شریف به امام حسن عسکری علیه‌السلام نسبت داده شده است. متن عبارت چنین است:

«...حسن بن علی رضی‌الله... سنه احدی

و نتیجه گیری :
در مورد قرآن مورد بحث، اگر چه دلیل قطعی بر این انتساب در دست نداریم ـ چون نوع خط و شیوه کتابتِ عبارتی که باعث انتساب این قرآن شده با شیوه کتابت و نوع خطی که در سراسر قرآن مشاهده می‌شود متفاوت است ـ اما از آنجا که ائمه معصومین علیهم‌السلام خود در زمره کُتّاب و حُفّاظ قرآن و مهمتر این که نزدیك‌ترین افراد بشر و عامل‌ترین آنها به قرآن محسوب می‌شوند، لذا هیچ بُعدی ندارد که برخی قرآن‌ها توسط ائمه معصومین علیهم‌السلام کتابت شده و از گزند حوادث مصون مانده و به دست ما رسیده، اگرچه فاقد نام کاتب باشد.

وب سایت

نویسنده: حکیمی

دوشنبه 25 شهریور1387 ساعت: 23:35

استاد چه خبره؟
http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/story/2008/09/080915_s-iranian-weopon-taleban.shtml

نویسنده: هیوا ایزدی

سه شنبه 26 شهریور1387 ساعت: 1:10

دوست عزیز آقای eldeniz
با سلام
قصد مجادله ندارم و با سلام به خدمت شما دعوتتان می کنم که مباحث مطرح شده توسط استاد پورپیرار را در کنار دانسته های پیشین خود قرار ندهید (ذهن انسان که همانند قفسه ی کتاب نیست که کتاب ها بسته به گونه ی چاپ و قطع آنها جدای از محتویاتشان در کنار هم قرار داده شوند) به گونه ای که جا را بر دانسته های پیشین تنگ نکنند.

اندیشه های استاد پورپیرار در کنار ساده بودن مدعاها تیتر نوی در دانش انسانی انسان هاست .

در ضمن یادداشت مرا با آرامش بیشتر بخوانید چراکه از پاسختان پیداست که اساسا متوجه مقصود من نشده اید.
از استاد پورپیرار خواهشمندم درباره ی چه گوارا (که مدتی است تبلیغ می شود) نظر خودشان را بگویند.

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 26 شهريور1387 ساعت: 6:42

آقای ایزدی. چه گوارا یک پزشک انقلابی بود که علیه تسلط کمپانی های غارتگر و سیاست مداران آدم کش ایالات متحده در آمریکای مرکزی و جنوبی مبارزه می کرد. او علی رغم پیروزی انقلابیون در کوبا و رسیدن به مقامات رسمی دولتی، در حد وزیر، با وجود داشتن خانواده و کودکانی، داوطلبانه استعفا داد، برای ادامه ی مبارزه به بولیوی رفت، به چریک های آن کشور پیوست و سرانجام با خیانت یک روشنفکر فرانسوی همرزم اش به نام رژی دوبره به دست عوامل نفوذی سازمان سیا کشته شد. شخصیت انقلابی و فداکار چه گوارا برای تمام آزادی و عدالت طلبان جهان و به ویژه ملت های آمریکای مرکزی و جنوبی، بسیار آرمانی و مورد احترام است و البته هیچ ربطی به روشن فکران چپ نمای ما ندارد که گرچه تصویر چه گوارا را بر می دارند و با نام او پز می دهند و ژست می گیرند، اما در بطن بیش تر آن ها یک رژی دوبره پنهان است و غالبا ه را از ب تشخیص نمی دهند.

نویسنده: حسن

سه شنبه 26 شهريور1387 ساعت: 8:9

باسلام وقبولی عبادات.از مطالعه 8 جلد کتاب بی نظیر اقای بوربیرار این نتیجه را گرفتم که مجموعه کنیسه وکلیسا برای مردم دنیا تاریخ و حتی مظاهر فرهنگی درست کردند.وقتی عمق اثر تخریب بدین گرانی است چرا باورمان شود برگردان و ترجمه خطوط زبانهای قدیم"اشوری.ارامی.سومری.و"با امانت صورت گرفته.وایا ودرقرون اخیر با تکیه بر عظمت کلامی قران نقوش قدیم را با توجه به مصالح خاص ظاهرا ترجمه کرده اند.

نویسنده: رضا

سه شنبه 26 شهريور1387 ساعت: 12:28

جناب !!! با تشکر از جنابعالی من هرسه قسمت را دانلود کردم ولی نتوانستم استفاده کنم یعنی از WINRAR استفاده کردم و فایلها را نتوانستم بهم وصل کنم احتمالا لم کار را نمیدانم.

نویسنده: eldeniz

سه شنبه 26 شهريور1387 ساعت: 12:44

استاد عزیز لطفا مقصود خود را از روشنفکران چپ نمای ما واضح تر بیان کنید آیا مقصود شما امثال جزنی هاست و یا نه امثال عمویی ها .
آقای ایزدی عزیز من هیچ گاه نخواسته ام با عصبیت با مطالب و نقدها برخورد کنم و مطمئن باشید جواب من نه از روی عصبانیت بلکه با آرامش تمام بوده این روزها دو چیز به شدت در مجامع روشنفکری ما مد شده اول پنهان شدن پشت عکس چه گوارا و دوم تخریب او که بنده با هر دو رویه مخالفم .
ضمنا منظورتان را از قفسه های کتاب و این که مطالب استاد را کنار دیگر مطالب نگذارم درک نکردم.

نویسنده: دزد فرهنگي

سه شنبه 26 شهريور1387 ساعت: 12:50

http://www.tabnak.ir/pages/?cid=18377

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 26 شهريور1387 ساعت: 14:14

آقای eldeniz. احتمالا باید کتاب های درخواستی شما حالا به دست تان رسیده باشد. لطفا دریافت آن ها را اطلاع دهید. دوما این که برای پیوستن به آرمان خواهی اجتماعی کسی را مجبور نمی کنند، این یک انتخاب داوطلبانه، آگانه و بی چشم داشت است، اما هر آرمان خواهی موظف است مواظب روش های اقدام خود باشد و به هر اندازه که می تواند جریان ترقی خواهی را به مقصد نزدیک کند، زیرا از خود گذشته ترین آرمان خواه اگر مسیر را اشتباه انتخاب کند، نه فقط کمکی به مردم و به جریان رو

به پیش تاریخ نکرده، بل در فهرست خائنان و حتی دشمنان فهرست می شود. از مهیب ترین آسیب ها برای جریان های آرمان طلب، نا آگاهی آن ها نسبت به جریان عمده تمایلات جامعه ای است که در آن عمل می کنند. آرمان خواه باید درست در میان و با کمک همان مردمی که او را احاطه کرده اند، نیات خود را پیاده کند و نه با پشت کردن به آن ها. اینک باید تاریخ به ما آموخته باشد که بی توجهی به اعتقادات دینی و مذهبی مردم تا چه حد موجب می شود تا درون پیله ی تنگ سکتاریسم محبوس باشیم و کوچک شویم. متاسفانه تمام جریان های چپ ایران از موضع دین ستیزی اعلام وجود کرده و در نتیجه غالبا در حد یک محفل بی اثر باقی مانده اند. این بحث مطولی است که بیش از این در چنین کامنتی نمی گنجد.

نویسنده: رضا

سه شنبه 26 شهریور1387 ساعت: 14:27

با سلام خدمت استاد محترم و دیگر دوستان

استاد ، اگر چه دوسوال قبلی من بی پاسخ مانده اند ولی بنده بازهم پررویی نموده و سوال دیگری هم عرض می کنم:

بنظر شما آیا کلمه "هادوا" در آیه زیر باید معنی "هدایت شده" بدهد یا "یهود" ؟

مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَواضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَرَاعِنَا لَيّاً بِأَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْناً فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاسْمَعْ وَانْظُرْنَا لَكَانَ خَيْراً لَهُمْ وَأَقْوَمَ وَلكِن لَعَنَهُمُ اللهُ بِكُفْرِهِمْ فَلاَ يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلاً ﴿نسا' 46 ﴾

بنظر نمی رسد کسی اگر هدایت شده باشد چنین اعمال خلاف خداوند انجام دهد! در واقع این گونه اعمال از آن عالمان دین یهود است که در تغییر دادن آیات الهی و حقایق جهان خبره اند و نه از آن کسانی که از سوی خدا هدایت یافته باشند.

وب سایت

نویسنده: بختیار

سه شنبه 26 شهریور1387 ساعت: 19:3

با اجازه استاد

جناب توحید انگار این چند صد مقاله استاد هنوز کامل گواراي وجود نشده است. بحث سر این قرن و آن قرن و این شخص و آن شخص نیست. بحث سر این است که همه اینها تازه ساز هستند .
چنان که معصوم خطاب کردن انسان در بیگانه بودن شما با بنیان نوشته های این وبلاگ جاي تردید بجا نگذاشت

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 26 شهریور1387 ساعت: 20:15

آقای بختیار. مطالب آقای توحید، نه نظر شخص ایشان، که به نقل از سایت تبیان بوده است.

آقای حامد. عربی بخوانید.

آقای رضا. مفسر قرآن نیستم و شرحی بر آیات الهی ندارم. درمورد هادوا در آیه ی 46 سوره ی نسا هم قضیه همان است که در اشارات قبلی گذشت، اگر یهودیان به قول خودتان "در تغییر دادن آیات الهی و حقایق جهان خبره اند"، پس نمی توانند از جانب خدا هادوا خوانده شوند، که به معنای هدایت شده است!

نویسنده: حکیمی

سه شنبه 26 شهریور1387 ساعت: 21:8

چه میگذرد؟
http://www.jahanews.com/fa/pages/?cid=33153
ابعادی تکان‌دهنده از فعالیت حداقل 50 فرقه شیطان پرست در ایران
http://www.shahabnews.com/vdca.wn0k49nwu5k14.html

نویسنده: فلانی

سه شنبه 26 شهریور1387 ساعت: 21:9

http://www.miadgah.org/view.php?file_id=131

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 26 شهریور1387 ساعت: 21:14

به عنوان یک تاکتیک دفاعی و به نشانه ی هراس از درگیری، نهضت ارسال کامنت های خصوصی و یا با پیغام های "لطفا حذف بفرمایید"، در این وبلاگ بسیار بالا گرفته است، هرچند بسیاری از آن ها برای ارشاد بنده و دیگر دوستان غنیمت است. به گمانم بد نیست پیه شنیدن چند لیچار بی اهمیت را بر تن خود بمالیم و لااقل در این ستون حرف های دل خواه مان را در حضور جمع بیان کنیم.

نویسنده: آلتین

سه شنبه 26 شهریور1387 ساعت: 21:23

لطفا در مورد زبان فارسی که الان در ایران رواج دارد توضیح دهید.

نویسنده: محمد مهدی پرتوی

سه شنبه 26 شهریور1387 ساعت: 22:51

با سلام بر استاد ناصر پورپیرار.
استاد خبری دیدم که نظرم را به شدت جلب کرد توجه کنید:

((ترجمه جدید کتاب "خدمات متقابل ایران و اسلام" تالیف شهید مطهری به همت رایزنی فرهنگی ایران در روسیه با عنوان «ایران و اسلام: تاریخ روابط متقابل» به زبان روسی منتشرشد.

به گزارش کتاب‌نیوز به نقل از اداره کل روابط عمومی و اطلاع رسانی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ، این کتاب 480 صفحه‌ای در شمارگان هزار نسخه و توسط انتشارات خاورشناسی سنت پترزبورگ (معتبرترین انتشارات روسی) به چاپ رسیده است.

محمد سلام مخشولوف مترجم روسی این اثر که ترجمه کتاب‌های «انسان کامل» شهید مطهری و «کارنامه اسلام» عبدالحسین زرین‌کوب را در کارنامه خود دارد، ترجمه «خدمات متقابل ایران و اسلام» را در مدت یک سال انجام‌داده‌است.

ترجمه جدید این کتاب همراه با ویرایش فنی و توضیحات مبسوط از سوی مترجم برای فهم بهتر خواننده روس، آن را از سایر ترجمه‌های روسی خدمات متقابل ایران و اسلام، متمایز کرده است.))!!!(لینک خبر:http://www.ketabnews.com/detail-9048-fa-80.html)

به نظر شما حال که توانسته اید دروغ های تفرقه افکنی مانند ساسانیان و غیره را بر ملا کنید این گونه حرکات از سوی این جمهوری چه معنی دارد؟

نویسنده: مسعود

چهارشنبه 27 شهریور1387 ساعت: 0:6

سلام علیکم و خداقوت استاد عزیز.

وقت شما بخیر و در پناه الطاف الهی از بلایا بدور باشید. ان شا الله.
گرچه به مبحث جاری مربوط نیست اما جالب استکه نگاهی به آرم رسمی کشور مفقود شده "بیزانس" ! بیندازید و شباهت آنرا با آرم رسمی کشورهای امروزی روسیه - مونته نگرو - آلبانی و یوگوسلاوی سابق ملاحظه بفرمایید!
بنظر میرسد امپراطوری "منحل شده" بیزانس را حسب مصلحت اندیشی کلیسا به شرق اروپا پراکنده کرده باشد!

/http://content.answers.com/main/content/wp/en-commons
thumb/4/46/485px-Flag_of_the_Byzantine_Empire.svg.png

http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/thumb/f/f2
/Coat_of_Arms_of_the_Russian_Federation.svg/
px-Coat_of_Arms_of_the_Russian_Federation.svg.png482

http://www.visit-montenegro.com/images/montenegro-coat-of-arms.gif

http://unimaps.com/flags-europe/albania-flag.gfi

http://www.allstates-flag.com/fotw/images/c/cs).gif

نویسنده: 1

چهارشنبه 27 شهریور1387 ساعت: 7:5

زمان وقوع توفان نوح

1 ـ تعداد زیادی از دانشمندان مي گويند درياي سياه قبلا یک دریاچه شيرين بوده كه به تدريج و با بالا آمدن آب به آرامي پر شده است . آنها مي پندارند اين حادثه 9000 سال قبل رخ داده و روند آن تدريجي بود ه است اما برخی نيز عقيده دارند سيل و طوفان بسيار سريع و گسترده درياي سياه را پر كرده است. زمين شناسان دانشگاه كلمبيا مي گويند سيل ناگهاني بوده و 7150 سال قبل صورت گرفته است .در هر حال دانشمندان در اين موضوع اتفاق نظر دارند كه درياي سياه طوفاني شده و باعث گشته مديترانه روي سطح خشكي طغيان كند و درياچه گوارا را به ويراني بكشاند آنها عقيده دارند اين طوفان سطح آب را در حدود 509 فوت بالا آورده و مساحتي برابر 58000 مايل مربع را در خود غرق ساخته است .
2 ـ دو دانشمند امريكايي به نامهای بيل و پيتمن شواهدي كشف و منتشر كرده اند (سال 1377) مبني بر اينكه در حدود 7600 سال قبل سطح آب درياي سياه به نحو آشكاري بالا آمده است. آنها بيان مي كنند كه رويداد توفان در گستره اي متجاوز از يكصدهزار كيلومتر مربع از خشكي ها در طول يك ماه به زير آب رفته است. شواهد فسيلي خوبي وجود دارد كه درياي سياه قبل از اين رويداد در حقيقت يك درياچه آب شيرين و جدا از آبهاي شور مديترانه بوده است .
3 ـ محققان در مجله "بررسي علم چهارگانه " Quaternary Science Reviews نوشتند (سال 1386) مطالعه آنان سند مستقيمي براي اثبات اين موضوع ارايه می‌دهد كه حدود 8300 سال قبل توفان سهمگيني فاصله ميان درياي مديترانه و درياي سياه را پر كرده‌است. آنها با استفاده از عمرسنجي از طريق راديو كربن، نشان داده‌اند شكستن لايه يخي آمريكاي شمالي، آب درياها را حدود ۴/۱متر بالا برده است،
"كريس ترني"، زمين‌شناسي از دانشگاه اكستر انگلستان، كه سرپرستي اين مطالعه را بر عهده داشت، گفته : بالا آمدن آب درياي سياه و پيوستن آن به درياي مديترانه در بيش از هشت هزار سال قبل، شرايطي را به وجود آورده بود كه هركس ساكن آنجا بود تصور مي‌كرد تمام دنيا را آب گرفته است.
نتیجه : طبق نظریات علمی و زمین‌شناسی این پدیده حدود 7000 تا 9000 سال پیش روی داده است.

نویسنده: مریم

چهارشنبه 27 شهریور1387 ساعت: 7:49

نظر قرآن در ارتباط با ربا
«اگر ربا خوردید، پس چنان است که با خدا و رسول اش جنگ می کنید»

و نظر حضرات در ارتباط با ربا:
http://www.shia-news.com/ShowNews.asp?Code=87062018

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 27 شهریور1387 ساعت: 9:50

آقای 1. برابر نشانه های متعدد تاریخی و جغرافیایی، طوفان نوح در بخش مرکزی ترکیه امروز و در حصار ناشی از چهار دیوار کوه های شمالی و جنوبی و شرقی و غربی آن رخ داده و از آن که بارش باران مدت طولانی ادامه داشته است، بی شک سرریز آب های داخل ترکیه، از دو سوی شرقی و غربی، بر سطح و وسعت دریای سیاه نیز تاثیر گذارده، چنان که در سمت شرق، دریاچه ی بزرگ ارومیه را در ایران با وسعتی بسیار بیش از سطح کنونی و دریاچه ای هم در همان حوالی کوه آرارات در ارمنستان پدید آورده است. زمان سنجی دقیق وقوع طوفان بسیار آسان است اگر لایه های رسی موجود در بخش مرکزی ترکیه، به آزمایشگاه فرستاده شود.

خانم مریم. اوضاع فقه اسلامی در حال حاضر چنین است: جزای زنا را با رجم می دهند که در قرآن نیامده و ربا را حلال می کنند که در قرآن جنگ با خدا و پیامبر خوانده شده است**!!!؟**

آقای مسعود. با تشکر. لینک های ارسالی شما باز نمی شود، اگر مشکل نباشد تصاویر درون آن ها را به صورت یک مجموعه و درکنار هم ارسال کنید. ممنون.

نویسنده: reza

چهارشنبه 27 شهریور1387 ساعت: 10:12

با سلام خدمت استاد و دیگر دوستان
1- استاد این نکته ای که دوست عزیز ویرگول به آن اشاره کردند سرنخ بسیار خوبی جهت تحقیق قدمت اماکن تاریخی است. اگر در باغ و بوستان یا شهری درختی بیش از 300 سال عمر سراغ نداشته باشیم پس همه این داستانهای عشقولانه باغ رکن آباد و جنت شیراز خیالات پای منقل است.

2- دوست عزیز 1 : بسیار عالی بود. لطفا منابع این گزارشات را اعلام نمایید.

نویسنده: مسعود

چهارشنبه 27 شهریور1387 ساعت: 11:30

استاد خسته نباشید .

من تصاویر مربوط به آرم ها را خدمتتان به ایمیل وبلاگ ارسال کردم.

فعلا" با اجازه شما . خداحافظتان باشد.

نویسنده: عابدی

چهارشنبه 27 شهریور1387 ساعت: 13:42

با سلام

آقای توحید ، قبل تر شما ف ایران شناسی بدون دروغ را به صورت پی دی اف جمع آوری کرده بودید. اگر مقدور است ، آن را جهت نصب در سایت به آدرس آقای پورپیرار ارسال کنید. ممنون

نویسنده: ..

چهارشنبه 27 شهریور1387 ساعت: 20:38

"به عنوان یک تاکتیک دفاعی و به نشانه ی هراس از درگیری، نهضت ارسال کامنت های خصوصی و یا با پیغام های "لطفا حذف بفرمایید"، در این وبلاگ بسیار بالا گرفته است، هرچند بسیاری از آن ها برای ارشاد بنده و دیگر دوستان غنیمت است. به گمانم بد نیست پیه شنیدن چند لیچار بی اهمیت را بر تن خود بمالیم و لااقل در این ستون حرف های دل خواه مان را در حضور جمع بیان کنیم."(استاد ناصر پورپیرار)

استاد عزیزدرود بر غیرت و شهامت ات بی شک هر چه به پایان بحث ها نزدیکتر می شویم حقایق برای شاگردان ملموس تر و کامنتها بنیان اندیشانه تر وموجد حساسیت بیش تر انوسی ها وخادمین شبکه انگیزاسیون خواهد شد ولی چه باک مگر چیزی بیشتر از انچه تا به حال انجام داده اند قادرند انجام دهند؟

نویسنده: آیدین یاشار

چهارشنبه 27 شهریور1387 ساعت: 21:23

با عرض سلام خدمت استاد بزرگوار و سایر دوستان
در خصوص توفان نوح، علاوه بر بحثهای قبلی این نکته نیز حائز اهمیت است که سیلاب مورد بحث طبق نص صریح قرآن از طریق باران و منابع زمین فراهم آمده است که این هردو آب شیرین است. اگر مطابق فرض توفان مذکور را در منطقه ترکیه کنونی تصور کنیم و فرض کنیم که رشته کوههای شمالی و جنوبی و شرقی و غربی ترکیه مرزهای مناطق توفان زده را تشکیل میداده است، باید قبول کنیم که حجم آب شیرینی حد اقل بمیزان آب موجود در دریای مدیترانه در زمان کوتاهی پدید آمده است. ضمن اینکه این مقدار آب شیرین در جو زمین و منابع تحت الارضی یافت نمیشود، در صورت صحت نیز عقب نشینی این مقدار آب شیرین به طرف دریاهای مجاور بایستی ترکیب آن دریاها را به شدت تغییر داده باشد. چنانکه توفان نوح را حادثه ای افسانه ای بپنداریم که در داستان گیل گمیش از آن یاد میشود (و در آنجا نیز نماینده خشم خدایان علیه بندگان گناهکار تلقی میشود)، میتوان قبول کرد که یک فلاکت طبیعی (آنهم به شکل هجوم آب دریا به یک دره مسکونی) روی داده و از طرف انسانها نشانه خشم خدایان تلقی شده است. اگر چنین توفانی رخ داده باشد، یکی از دریاهای منطقه نظیر دریای سیاه یا دریای مدیترانه اثر باقیمانده از توفان مذکور است و گرنه خدایان نیازی به مجازات بندگان خودشان به این شکل ندارند. با تشکرات صمیمانه.

نویسنده: ..

چهارشنبه 27 شهریور1387 ساعت: 21:55

میثم عزیز سلام

مدتی است از شما بی خبریم.پیام سلامتی خودت را به ما برسان.

نویسنده: دوست

چهارشنبه 27 شهریور1387 ساعت: 22:13

استاد پورپیرار

سلام خوب هستید. استاد در یکی از پاپیروس نوشته هایی در ایران شناسی آورده بودید به آدرس زیر :

http://www.naria.ir/view/1.aspx?id=434

سند ۳ و سند ۴

http://i30.tinypic.com/34j7qk7.jpg

«متن پاپیروس به این شرح است: (سند ۴)
«بسم الله الرحمن الرحیم. شاهد بودم که میان یعقوب بن اسحاق بن اسماعیل البغدادی و هارون، بنده ی آزاد شده اسحاق بن اسماعیل البغدادی قراری بود و آن بنده، ۹۰ دینار به یعقوب بدهکار است. در ذی القعده سال ۲۳۰ هجری از من شهادت خواستند». (جفری خان، نامه ها، صورت حساب ها و قباله ها، ص ۱۸۰ متن اصلی)

و با توجه به این که ایران خالی از سکنه بود، به جای کلمه ای که بغداد خوانده اند باید چه نوشته شود؟

ممنون

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 27 شهریور1387 ساعت: 23:27

آقای مسعود. تصاویر رسید و بی اندازه ممنونم.

آقای... ممنونم. این استاد بزرگ بنیان اندیشان و قهرمان تولید و تقدیم تختگاه هیچ کس به حقیقت جویان جهان، که دوست و دشمن را در برابر سلامت و سادگی و صحت تصاویر و بیان آن به احترام واداشته، احتمالا عاشق شده، از تمام تعلقات جهان دست شسته و مشغول گذران دوران سخت هجران است. اما از این که اخیرا صدای ضعیف و گله مند از دوری ایشان را از تلفن شنیده ام، ظاهرا جای نگرانی زیادی نیست.

آقای reza. نه فقط هیچ اثر فنی و فرهنگی در ایران عمری دورتر از چهار و یا پنج قرن پیش ندارد، بل ادعای کشف هر نمونه ای قدیم تر از این، که به بعد از زمان پوریم نسبت دهند، بدون ملاحظه و تردید مجعول است.

آقای دوست. اولا که آن پاپیروس تاریخ قرن سوم هجری را دارد و نه پیش از اسلام را. وانگهی بغداد چه ربطی به ایران دارد. و در نهایت تا پایان بحث حوصله کنید تا منظور از گشودن آن معلوم شود.

آقای آیدین یاشار. همین قدر که حجم آب مستطیل بسته شده به وسیله ی کوه ها در ترکیه را برابر دریای مدیترانه ای گرفته اید، که چندین برابر بزرگ تر از آن است، پس فرض های تان معیوب است و نیز بدانید که شیرین ترین آب هنگامی که به طور محصور و به تدریج تبخیر شود و منبع تازه و شیرین کننده ی کافی به آن نریزد، مانند دریاچه ی قم و خزر و ارومیه به تدریج شور و شورتر می شود. طرح مدخل رخ داد طوفان در ترکیه به چند دلیل تاریخی و جغرافیایی متکی و منضم بود که یکی از آن ها فقدان شهرهای باستانی و نایابی آثار تجمع کهن انسانی در حوزه ی مرکزی ترکیه است. اینک اثبات روی داد طوفان نوح و آن هم فقط در ترکیه بسیار آسان است و در نتیجه هر برداشت و گمانه و تصور دیگری را همان قدر باطل می کند که گواهی است بر درستی مطلق مطالب قرآن.

آقای عابدی ممنون. به خواست خدا و برای آماده سازی به قصد چاپ، مشغول آخرین بازخوانی یادداشت های ایران شناسی بدون دروغ از شماره ی نخست آنم که به تدریج در وبلاگ نصب دوباره خواهم کرد. دست بردگی اصولی در آن ها نخواهد بود و در حد نرم کردن ادبی برخی جملات ثقیل انجام می شود. دوستان می توانند یادداشت های جدید را ریپلیس و یا همان قدیمی ها را استفاده کنند.

نویسنده: علیرضا

پنجشنبه 28 شهریور1387 ساعت: 0:51

آقای پورپیرار
چرا مقالات اسلام و شمشیر خودتون رو به زبان ترکی ترکیه و عربی ترجمه نمیکنید؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 28 شهریور1387 ساعت: 1:43

آقای م. ستاره. تصحیحات شما بسیار مقدم و لازم است، کار من بر روی همان ها انجام خواهد شد و فردا هم جز کار روزمره و زیارت خوانی بعد از ظهر برنامه ی دیگری ندارم.

آقای علی رضا. باید به تقلید مومنین بهانه گیر نخستین، از خداوند تقاضا کنم که اگر نه چند هزار بل لااقل یکی دو همکار فرشته برای کمک به این از پا افتاده بفرستد تا شاید بتوانم به نوعی درخواست شما را اجابت کنم. در غیر این صورت باید کار را به زمانه سپرد تا صاحبان فرهنگ لازم از منگی به درآیند و آستینی بالا زنند.

۱ ۲

ایران شناسی 176

ایران شناسی بدون دروغ، 176، ماجرای بغداد - 99 نظر

نویسنده: رضا

پنجشنبه 28 شهریور1387 ساعت: 10:9

لینک مسجد قدیمی در حال تخریب!!!
http://www.todaylink.ir/go/index.php?id=23430

نویسنده: عادل

پنجشنبه 28 شهریور1387 ساعت: 10:58

سلام
خسته نباشید .
بسیار آموزنده و زیبا بود.
در این ماه مبارک برایتان آرزوی سلامتی دارم .

نویسنده: احسان

پنجشنبه 28 شهریور1387 ساعت: 11:35

با سلام.
استاد خسته نباشید.
با توجه به عمق جعل اسناد تاریخی منطقه ، با چه اطمینانی می توان از وجود یا عدم وجود امامان شیعه صحبت کرد ؟
روایات موجود درباره ی آنها تا چه اندازه سندیت تاریخی دارد؟

نویسنده: روشن

پنجشنبه 28 شهریور1387 ساعت: 18:13

با عرض خسته نباشید برای استاد عزیز برای ارائه مطالب بنیادی .

دوستان راجع به طوفان نوح مطالبی جدیدی را مطرح کردند . در تائید مطالب واقعا نو و بدیع استاد در محل حادث شدن طوفان در فلات انادولی و ارام گرفتن کشتی در کوههای ارارات هفته قبل یکی از کانال های تلویز ونی جمهوری اذر بایجان فیلمی از محل احتمالی قبر نوح در نخجوان نشان داد که تحقیقاتی در این باره در انجا انجام میشود البته به منظور های دیگری و از صخره ای نام میبرد بنام (گمی قایا) به معنای صخره کشتی و میدانیم که جمهوری خود مختار نخجوان در نزدیکی مرز ترکیه و نزدیک کوههای ارارات قرار دارد و چندین اسم ده ومحل را هم به اسم نوح مرتبط کرد از جمله خود ناخجوان که نوح جوان و نه هه جیر که نوح هجیر ممکن است بوده باشد

نویسنده: بی نام

پنجشنبه 28 شهریور1387 ساعت: 20:47

1
قال: أنا بنيت هذه الصومعة من أجل هذا الموضع وهو براثا، وقرأت في الكتب المنزلة أنه لا يصلي في هذا الموضع بهذا الجمع إلا نبي أو وصي نبي وقد ....

حبار(هشت پا) گفت من این صومعه را به جهت وجود این جایگاه(موضع‘) که همانا براثا باشد ساختم,در گتابهای نازل شده!!!!خواندم که در اینجاهیچکس با این جمع (یکصد هزار نفر)نماز نمی گذارد مگر اینکه پیامبر یا وصی پیامبر باشدو...

شاید قصد منع التفات مسلمین به بیت المقدس باشد.شاید هم القااین تفکر که کلیساامانتدار حفظ عتبات مسلمانان است تا مکانهای مقدس را در طول تاریخ حفظ وبه دست ما برساند وبه هنگام تادیه امانت با تغییر دین خود مجوز بنای ساخت مسجد را بدهند وقانونا" سند به نام ما ثبت شود.همچنین این محل(براثا) اعتبار تاییدات اللهی را نیز دارد چون در کتب نازل شده در مورد ان از قبل صحبت شده!!!!یا للعجب این محل به اندازه نبوت رسول رحمت مهم است وپا به پای خبر بعثت رسول رحمت خبر اهمیت این محل نیز در کتب نازل شده, امده است!!!!

نویسنده: بی نام

پنجشنبه 28 شهریور1387 ساعت: 20:48

2

"فقال له علي عليه السلام: فمن صلى هنا؟ قال: صلى عيسى بن مريم عليه السلام وأمه فقال له علي عليه السلام: أفأخبرك من صلى ههنا؟ قال: نعم، قال: الخليل عليه السلام...».
"

ترجمه:
"پس علی(ع) گفت:چه کس دیگر اینجا نماز گذارده؟نصرانی گفت:عیسی بن مریم ومادرش.پس علی(ع)به اوگفت: آیا به تو خبر دهم چه کسی اینجا نماز گذارد؟نصرانی گفت بله (یعنی بگو),گفت :خلیل (ع)..."

ایاشکی هم باقی می ماند که هدفی جز لوث اعتقاد مکانی مانند قبله اول باشدتا یهودیت پست نفسی راحت از دست اسلام بدون اوهام بکشد. مکانی که عیسی ین مریم ومادرش و ابراهیم در انجا نماز گذاشته بی شک کم از بیت المقدس نیست!!!!
ایابه نظر نمی اید که جای پیامبر یهود در این اتصلات کم باشد؟شاید اگر نامی از حضرت موسی می امد مسلمانان بوی جعل را سریعتر استشمام می کردندو به همین دلیل جاعلین نامی از او نمی آورند تا بر ما اشکار شود که دشمنی غدار چون یهودیت پست سهمی در این مکانها ندارد خیالمان راحت که این مال ماست هرچند در عراق

باشد!!!شاید از چنگ عرب بیرون کشیدن راحتر از یهود باشد.به هر حال جای پیامبر جاعلین خالی.

با توجه به موارد بالا ادمی به این فکر می افتد ان کس که در بلندیهای تهران خانه خدارا به نام حج فقرا بر پا کرده بود وتوسط نیروهای انتظامی دستگیر یا در مقطع زمانی نامناسب به جهت کثرت رقیبان اقدام به ساخت خانه ای دیگر برای خداکرد, یا نتوانسته بودارتباطی با دنباله ی دراز نقل و روایت و شهادت یاقوت حموی، انس بن مالک، جابر بن عبدالله انصاری، محمد باقر مجلسی، شیخ عباس قمی و... فراهم کند وگر نه خانه خدای ایشان کلی محل وفور نعمت می شد!!!

نویسنده: تلمیذ

پنجشنبه 28 شهریور1387 ساعت: 22:7

با سلام خدمت استاد پورپیرار کبیر و سایر دوستان

1-مجمع البحرین، در آیه 60 سوره مبارکه کهف،آیا ممکن است اشاره ايي به تنگه داردانل و یا تنگه بسفر در ترکیه امروز باشد؟!!!
2-آیا مغلوبیت رومي هاي مورد اشاره قرآن کریم مربوط به جنگ رومي ها با بازماندگان کلوني هاي یوناني نشین منطقه خاوریمانه و عراق بوده است؟!!!ظاهرا" وعده پیروزي رومي ها به عنوان مژده ايي براي مومنین آمده است.
3-آیا جنگهاي رومي ها و یوناني ها هم درست مانند جنگهاي امروزي انگیزه هاي ایدولوژیك داشته است و نه صرفا" کشورگشایي؟!!!
4- اتحادیه شینگن آخرین ترفند اربابان کنیسه و کلیسا براي ایزوله نمودن اروپا، در دیواري آهنین، از ترس گسترش آئین یکتاپرستي در اروپا،از طریق برخورد با مردم شرق میانه است.آنها از گسترش روزافزون اسلام در اروپا به وحشت افتاده اند و حادثه 11 سپتامبر مکري بود که صهیونیستها اندیشیدند تا به قول خودشان صداي توحید خواهي را در سزمین توحید خفه کنند و مانع گسترش بیش از حد آن در جهان باشند ولي کور خوانده اند مهم اراده خداوند است.

نویسنده: تلمیذ

پنجشنبه 28 شهریور1387 ساعت: 22:9

5-طبق آيات قرآن كريم:اولا" بني اسرائيل جزوي از مردمان سرزمين مصر بوده اند كه به احتمال زياد قبل از ظهور حضرت موسي هم پيامبر(احتمالا" شخصي به نام اسرائيل) و يا و پيامبراني برايشان آمده بوده و با وحدانيت آشنا بوده اند و احتمالا" به همين سبب هم مورد خشم فرعون قرار مي گيرند كه خود را خداي روي زمين مي دانسته است.پس مورد لطف خداوند قرار مي گيرند و پيامبر بزرگي به نام موسي(ع) براي نجاتشان مامور مي كند.پس به نظر مي رسد كه هم اسرائيل و هم موسي هردو كلماتي از زبان مصر باستان هستند كه به احتمال زياد زباني سامي بوده است.(آيات 1 تا 45 سوره قصص)
ثانيا" تقسيم بني اسرائيل به دوازده سبط بعد از خروج و در زمان رهبري حضرت موسي و بعدها اتفاق افتاده است(آيه 160 و 168 سوره مباركه اعراف).
6-كتابچه ايي در رابطه با مبارزات عمرمختار،مبارز ليبيايي بر ضد استعمار ايتاليا،خواندم. دو نكته برايم بيشتر جلب توجه كرد:يكي اينكه استعمار گران كافر چوپان جواني را كه ميدانسته مخفيگاه عمر كجاست را دستگير مي كنند به او مي گويند كه چرا وقتي جاي او را مي دانستي(عليرغم تعيين جايزه) به ما اطلاع ندادي؟پسرك جواب مي دهد كه قرآن به ما اجازه نمي دهد مسلمانان را به كفار تسليم كنيم!!!ديگر اينكه مبارزات مردم ليبي حدودا" 11 سال طول مي كشد كه با شروع جنگ جهاني دوم و شكست هيتلر و موسيليني ، ايتاليا مجبور به شكست و عقب نشيني از ليبي مي شود،كه نويسنده از شروع جنگ دوم جهاني و شكست ايتايا به عنوان امدادي غيبي براي نجات ليبايي هاي مسلمان از دست جنايات كفار ايتاليايي ياد مي كند.
به نظر من هر كافري كه به قصد كشتن و تحقير مسلمانان به خاك مسلمانان لشكركشي كند عملا" با دست خودش گور خود را مي كند.مطمئنم كه به ياري الله، درست همانند ايتاليا، لشكركشي آمريكا به سرزمينهاي اسلامي آغاز سقوط و فروپاشي امپراتوري آمريكا خواهد بود و صهيونيستها هم با اشغال سرزمين مسلمانان و كشتار مسلمين زمينه ساز محو كامل ايدولوژي يهوديت از تاريخ بشريت شده اند و مطمئنم كه چنين خواهد شد.

نويسنده: تلميذ

پنجشنبه 28 شهريور1387 ساعت: 22:9

7-مطلب ديگر خطاب به دوستان اينكه يك شخص بايد از درجه بسيار بالايي(در ايمان و شقاوت) برخوردار باشد تا خداوند او را به نام خطاب كند.پس هر يك از بندگان مخلص خداوند كه اخلاصشان مورد تائيد خداوند بوده است،مسلمين هم موظفند نام او را به نيكي ياد كنند.

ديگر اينكه حضرت يوسف پيامبر نبوده است چون طبق نص صريح قرآن كريم پيامبران براي ارشاد قومي مامور مي شده اند و حضرت يوسف تنها بنده ايي مخلص بوده است كه در ايمانش به وحدانيت خلوص كامل داشته است بنابراين مورد لطف خداوند بوده است.او بر هيچ امتي رسول نبوده است.
درسي كه در ماجراي حضرت يوسف وجود دارد « صبر در برابر مصائب » است و اينكه تعبير خوابي كه يوسف ديده بوده است بعد از گذشت چهل سال و فراز و نشيبهاي فراوران بر او و برادرانش آشكار مي شود!!!
8-طبق آيات قرآن كريم گروه هايي از اهل كتاب هم به زمان حيات پيامبر اسلام(ص) و نزول قرآن كريم به اسلام گرويده اند اما گروهي هم لجوجانه راه شرك را در پيش گرفته اند.
9- حتي تا هم اكنون هم گنبد و بارگاه ائمه شيعه در عراق ساختمانهايي بسيار ساده و ابتدايي داشته و دارند كه با همكاري جمهوري اسلامي و مراكزي مشخص به سرعت در حال ساختن ضريح و ساختمانهاي مجلل براي آنها هستند كه طبق معمول قصد دارند به نام ساخت و ساز همه چيز را از اصالتش بياندازند تا حقايق را هرچه بيشتر از ديد مردم پنهان كنند!!!

نویسنده: آیدین

پنجشنبه 28 شهریور1387 ساعت: 23:55

پورپیرار = مشتی از جانب حق بر دهان پارسیان و یهودیان جعل کار ، زنده باد پورپیرار

نویسنده: مریم

جمعه 29 شهریور1387 ساعت: 2:21

آقای پورپیرار لطفاً مطالبی هم در موضوع حجاب بنویسید. خیلیها دوست دارند دست یهود رو در این زمینه هم متوجه بشن

نویسنده: رضاصدیقی

جمعه 29 شهریور1387 ساعت: 10:6

جناب تلميذ-باسلام
موسی در زبان عبری به معنی از آب برکشیده است.موسی(ع)در 1350ق م مهاجرت معروف خودوقومش را شروع کرد.کهن‌ترين کتيبه‌اي که نام اسرائيل در آن مندرج است

به مرنپتح، فرعون مصر (1214-1224 پيش از ميلاد)، تعلق دارد. او در پنجمين سال سلطنتش به سرزمين كنعان تاخت و در كتيبه خود چنين نوشت:

شاهان مغلوب شدند و گفتند سلام...تحنو ويران شد...سرزمين هتي‌ها آرام گرفت
كنعان به يغما رفت، و شر بر سر آن فرو ريخت...اسرائيل غمگين شد...
فلسطين بيوه‌زني براي مصر شد...همه سرزمين‌ها متحد شدند و آرامش بر همه حكمفرما شد...هر كه آشوبگر بود در بند مرنپتح شاه درآمد.

مجمع الحرين از زمان امّپراطوری عیلام مکان استقرار اقوام فیلکه بوده است که أُثار زیادی از آنان باقی مانده است پس می تواند یکی از مکان هایی بوده باشد که موسی(ع)بدانجا رفته است در حالی که با توجه به آموخته های استاد ترکیه در آن زمان باید خالی از سکنه بوده باشد.اگر اشتباه می کنم تصحیح بفرمایید.

ضمناواژه مدین در آیه 23 سوره قصص در زبان عبری به معنای کشور است.

وب سایت

نویسنده: رضاصدیقی

جمعه 29 شهریور1387 ساعت: 10:45

جناب احسان -با سلام

وَكَفَى بِاللهِ وَلِيًّا وَكَفَى بِاللهِ نَصِيرًا .کافی است که خدا سرپرست باشد و کافی است که خدا یاور باشد.سوره نسا’آیه45

وب سایت

نویسنده: سرباز

جمعه 29 شهریور1387 ساعت: 13:28

سلام بر دوستان
یک نکته ی جالب

یکی از موضوعاتی که مدتها پیش در این وبلاگ مورد بحث بود، و هر از گاهی هم در

بین دوستان مطرح می شود، موضوع برده داری در قرآن است. می دانیم که قرآن رسما" برده داری را تحریم نکرده است، وجود آن را به عنوان یک مقوله ی اجتماعی مرسوم (حداقل تا زمانی معین) پذیرفته، و حتی کفاره ی برخی مسائل را نیز آزاد کردن بردگان قرار داده است.
اما از طرف دیگر، برده داری شایسته ی بشر متمدن نیست؛ و شبهه های برخی دوستان نیز از این قرار است که چگونه خداوند در قرآن آن را تحریم نکرده است؟ پاسخی که من تا بحال به این سوال می دادم این بود که بنا بر مقتضیات اجتماعی زندگی بشر، این مقوله در آن زمان قابل حذف نبوده است؛ و از کلیت آیات قرآن می توان چنین برداشت کرد که بشر می بایست در مقیاس تاریخی به تدریج در این جهت حرکت کند. به تازگی به نکته ی شگفت انگیزی رسیده ام که گواه صدقی است بر این مدعا در لابلای آیات قرآن.
در سوره ی بقره آیه ی 221، خداوند مومنین را از ازدواج با مشرکین بر حذر می دارد و همانگونه که استاد محترم در مجموعه ی "اسلام و شمشیر" آورده اند، جایگاه اجتماعی مشرکین را از بردگان هم پایینتر قرار می دهد.
اکنون به این آیه از دو زاویه می توان نگریست. اول از دیدگاه روند رو به تیرگی مطلق روابط مسلمانان با اهل کتاب که در "اسلام و شمشیر" بیان شده است.
اما از زاویه ی دیگر، این آیه بازتاب دهنده ی نظر تلویحی خداوند مبنی بر لغو تدریجی برده داری در جامعه ی اسلامی است. زیرا پذیرفتنی نیست که گروهی از انسانها (مشرکین) با پرداخت جزیه بتوانند آزادانه در جامعه رفت و آمد کنند، در حالی که گروهی دیگر (بردگان مومن) که خداوند مقامشان را بالاتر از گروه اول قرار داده است تا ابد در انقیاد زندگی کنند.
تا نظر سایرین چه باشد.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 29 شهریور1387 ساعت: 13:28

آقای عادل. ممنون.

آقای روشن. در جست و جوهای سردستی بعدی به علائم و شواهد جغرافیایی تازه ای برخورده ام که می توان حتی مراحل و مشروح رویداد طوفان در ترکیه را به آسانی همانند تختگاه هیچ کس به صورت مستندی مطمئن و محکم درآورد. هفته پیش با یکی دو روحانی و غیر روحانی موجه در همین باب می گفتم. پاسخ شان تقریبا چیزی در این مضمون بود که: گوشت باز هم گران شده است!!!؟

خانم مریم. حالا که دیگر چنان حجابی معمول است که خود عالی ترین منظر بی حجابی است، چنان که به گمانم اگر برداشتن این شبه روسری های بس رنگین و افه ساز را حکم کنند، بسیاری از بانوان با آن مخالفت خواهند کرد. اگر بخواهم در باب یهودیان و حجاب بنویسم احتمالا چیزی در باب همین حجاب جدید خواهد شد و البته گاه لوده گویی خود را به من تحمیل می کند.

آقای جباری. در مسافرتی کوتاه بودم، با عجایبی در آن، که از دور دنیا در هشتاد روز نیز شگفت آورتر بود. از توجه شما ممنونم.

آقای سرباز. انصافا که فراغت بعد از تناول آش، چنان که ظواهر امر حکایت می کند، تیز بینی ذاتی شما را بسی شکوفاتر کرده است. به مطلب کاملا درستی اشاره کرده اید، امیدوارم فرصتی فراهم آید تا تکمله ای در این گونه مطالب قرآن بیاورم که شاید مفید افتد. مختصر این که قرآن را نمی توان با کتاب مجموعه قوانین مدنی و جزایی یکی دانست و در جای آن قرار داد و توجه کنیم که آن آموزه های اساسی و تربیتی و اخلاقی قرآن در بطن خود، بی نیاز به فهرست مراحم و مظالم، هر گونه ظلم و اجحاف و نابرابری را مطرود می داند و در کار ساختن آدمی است که در کلیت امور، مبنای مهربانی و مراعات را به رسمیت بشناسد و از حرص و ظلم بیزاری بجوید.

نویسنده: ایمان صمیمی

جمعه 29 شهریور1387 ساعت: 17:4

سلام.
یک نکته برای آقای اتفاق و جناب عابدی که با مسائل فنی بیشتر سر و کار دارند:
سایت های شیعی روی سرور حمایت کننده سایت های اسراییلی:
http://smto.ir/?p=778
لیستی از سایتهای اسرائیلی که سرور شیعی حمایت میکند:
www.500.org.il
www.7000.org.il
www.maharishi-meditation.org.il
www.natural-law-party.org.il
www.tm1.org.il
www.tmt.org.il

لطفا پس از مطالعه خلاصه مباحث رو به صورتی که همه فهم باشه بفرمائید.
اینهم تقدیم به دوست وفادار مردک اسرائیل جناب مشایی:
http://akharinmongy.blogfa.com/post-51.aspx

نویسنده: مریم

جمعه 29 شهریور1387 ساعت: 18:57

آقای سرباز
راجع به موضوع برده داری باید گفت که هر جای قران صحبت از برده به کار رفته، منظور آزاد کردن بردگان بوده و نه برده داری.
و یکی از کارهای نیك، خرج کردن پول در راه آزاد سازی بردگان بوده.
برای مطلب برده میتونید این لینک رو ببینید
http://www.eholyquran.com/Quran/FAQ/FAQ04.htm

نویسنده: مریم

جمعه 29 شهریور1387 ساعت: 19:3

آقای پورپیرار یک سوالی از شما داشتم.
آیا آتاتورک به نظر شما جلوی بسط خرافات در اسلام و در ترکیه رو نگرفته؟
و آیا اعتقاد زیاد مردم ترکیه به اسلام ناشی از حضور آتاتورک در ترکیه نبوده.
با اینحال چطور فعل یهودیت رو به این فرد میبندند.
مردم ترکیه فعلاً جزو تنها مردمی هستند که تنها به قران اعتقاد کامل دارند و زیاد در گیر و بند روایات نیستند. آیا این مطلب ناشی از حضور و فلسفه آتاتورک در ایجاد حکومت ترکیه نبوده؟
و یک سوال دیگه و اون اینکه آیا حکومتهای لائیکی که در اروپا در جریانه بیشتر به اسلام نزدیکه یا حکومتهای کشورهای اسلامی؟
آقای پورپیرار بحث راجع به حجاب امروزی قران در کشور ایران نیست. لطفاً اگه براتون مقدور باشه بحث کلی در این زمینه انجام بدید.
و از طرف دیگه بحثهای اسلام و شمشیر شما رو دارم تموم میکنم.
امیدوارم موفق باشید. به نظر من اولین کسی هستید که قران رو بصورت علمی و منطقی مطالعه میکنید.

نویسنده: علیرضا

جمعه 29 شهریور1387 ساعت: 19:53

سلام
جناب پورپیرار بنده دانشجو بوده و یکی از هم کلاسیهای زرنگ ما سنی می باشد ما را در منگنه قرار داده خواهشا پاسخ درخوری برای سوالات زیر به او ندارید؟
1.صیغه را دقیقا زنا میداند؟2.زیارت عتبات عالیات را شرک میداند 3.ارتباط با امام زمان و ارسال نامه ها به چاه جمکران را گستاخانه قبول ندارد!4.نماز عصر را در وقت ظهر نمیخواند 5.

نویسنده: رحمانی

جمعه 29 شهریور1387 ساعت: 20:9

با سلام خدمت همگی

تز : آبجکت و استفاده از خود
(از مجموعه بحث های روابط آبجکتیو)
روابط و سنت های الهی

آیا یک آبجکت از تمام خصوصیات خود استفاده می کند ؟
نه ؟ یک آبجکت از خصوصیات خود متاثر می شود ولی از تمام آنها خودش استفاده نمی کند !!!
ماشین از سرعت خود چه استفاده ای می کند؟ ماکروویو از گرمای خود چه استفاده ای می کند وووو
یعنی بعضی از خواص شما فقط به درد دیگران می خورد به درد شما نمی خورد ، شما از آن متاثر می شوید ولی استفاده نمی کنید
البته این متاثر شدن اگر مثبت باشد ، مفید است ولی اگر به ضرر باشد چه؟(توجه شود متاثر شدن مهم است ممکن است خاصیتی (به نظر ما منفی) باعث تاثیر مثبت شود و برعکس)
باید استفاده از آن خصوصیت را کنترل کرد ، تا به ضرر منجر نشود
اصولا یک آبجکت دارنده و صاحب همه خواص خود هست ولی استفاده کننده یا صدا زننده تمام آنها شاید که نباشد؟
برخلاف ظاهر اولیه، بعضی از خواص ما دقیقا در این دسته قرار دارند
زیبایی شاید بهترین مثال از این دست باشد !

با تشکر فراوان

نويسنده: توحيد-1

جمعه 29 شهريور1387 ساعت: 16:48

با سلام
آقاي سرباز

به مطالب صحيحي اشاره كرديد ، من هم چند وقتي به تفكر درباره اين موضوع پرداختم و به نتايجي رسيدم كه در اينجا بيان مي كنم :

اين مسئله يعني برده داري ، داراي نكات باريكي است كه نياز به توجه و دقت دارد ، مثلا اينكه قرآن هيچ جا گرفتن برده و خريد و فروش آنرا سفارش و تاييد نكرده ، و آنچه در باره برده داري در قرآن است مربوط به دوره پيش از اسلام است كه قرآن بارها به سفارش خوش رفتاري و رفتاري عادلانه با آنها نموده است .
شايد بهترين پاسخ به اينكه پس چرا حكم صريحي درباره لغو برده داري در قرآن نيامده است اين باشد كه ، قرآن داراي ظرايف فراواني است و هر حكم را بايد از زوايا و ابعاد مختلف نگريست ، مثلا بايد در نظر داشت كه از نظر اجتماعي و اقتصادي آزاد نمودن يكباره برده ها ، مضرات روشني مي تواند داشته باشد چرا كه معمولا آنها متكي به اربابان خود بوده و به هيچ هنر و صنعتي آشنا نبوده اند كه به قول معروف پس از رهايي براي خود ايجاد اشتغال نموده و گليم خود را از آب بيرون بكشند و چه بسا جامعه با تعدادي افراد ولگرد و بيكاره و بزهكار مواجه شود .
در حالي كه اين برده ها تا زماني كه تحت حمايت مالكان خود باشند از حداقل امكانات معيشتي از قبيل سقفي براي زندگي و ملزومات پوششي مثل لباس و نيز خورد و خوراك برخوردار بوده اند ، نتيجه اينكه قرآن صحيح ترين روش را در اين زمينه اتخاذ كرده و با كفاره گناهان قرار دادن آزادي بردگان سعي در آزادي تدريجي اين قشر از جامعه نموده است . واين جاي بسي رسندي است كه قرآن 1400 سال پيش لااقل بحث آزادسازي تدريجي بردگان را مطرح كرده است در حالي كه تا همين 200 سال پيش در متمدن ترين كشور جهان يعني آمريكا همچنان برده داري رايج بود .

وب سايت

نويسنده: توحيد-2

جمعه 29 شهريور1387 ساعت: 16:49

به اين آيات نوراني قرآن بنگريد :

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ
فَكُّ رَقَبَةٍ
أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ

و تو چه دانی که آن گردنه [سخت] چیست .
بنده‌ای را آزادکردن .
یا در روز گرسنگی طعام‌دادن . (بلد- 12 تا 14)

و اين آيات را مقايسه كنيد با آيات انجيل مسيحيان :

«اي غلام ها از ارباب تان اطاعت نماييد و ايشان را با علاقه و بهترين نحو خدمت كنيد ؛ با اين تصور كه به مسيح خدمت مي كنيد . طوري نباشد كه فقط در حضور آنان وظايف خود را خوب انجام دهيد و در غيابشان از كار شانه خالي كنيد ؛ بلكه هميشه خوب كار كنيد ؛ با دل گرمي ؛ مانند اينكه براي مسيح كار مي كنيد و خ.... (انجيل- افسسيان-6:5-7)»

البته شكي نيست كه اين چنين متنهايي تحريف انجيل از سوي كشيشان بوده است در زماني كه به آفريقا هجوم برده و پس از غارت آن و مسيحي نمودن مردم آن سرزمين خود آنها را نيز به عنوان برده و نيروي كار ارزان به اروپا و آمريكا بردند .

به اميد روزي كه ، خدمت سربازي ، كه يك نمونه بارز برده داري است حذف شده يا لااقل حق و حقوق سربازان پرداخت شده و سربازان ما با عزت خدمت كنند !

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 29 شهریور1387 ساعت: 20:26

آقای علی رضا. به اتفاق سوار اتوبوس شوید و ایشان را به قسمت ارشادات قم معرفی کنید، امیدوارم هدایت شوند.

مریم خانم. برای بحث درباره ی ترکیه و عثمانی و آتاتورک باید اندکی دیگر حوصله کنید.

نویسنده: مریم

جمعه 29 شهریور1387 ساعت: 22:36

آقای علیرضا
من سنی نیستم ولی براتون چند تا آیه مینویسم

برای اینکه بیشتر متوجه قضیه بشید همین مطالب اسلام و شمشیر آقای پورپیرار رو بخونید.
و این مطلب رو در نظر بگیرید که هر روز دارید این آیه رو در نمازهای خودتون زمزمه میکنید:
ایاک نعبد و ایاک نستعین
خدایا فقط تو را میپرستم و فقط از تو یاری میجویم.

و این آیات رو هم بخونید:
آیه 31 سوره شوری
104 و 105 سوره یونس
آیه 88 سوره 28
و خداییش این آیه رو بخونید:
سوره الحج
ای مردم! مثلی زده شده است، به آن گوش فرا دهید: کسانی را که غیر از خدا می‌خوانید، هرگز نمی‌توانند مگسی بیافرینند، هر چند برای این کار دست به دست هم دهند! و هرگاه مگس چیزی از آنها برباید، نمی‌توانند آن را باز پس گیرند! هم این طلب‌کنندگان ناتوانند، و هم آن مطلوبان (هم این عابدان، و هم آن معبودان)! (73)

و یا این آیه :
ولی و سرپرست من، خدایی است که این کتاب را نازل کرده; و او همه صالحان را سرپرستی می‌کند. (196)
و آنهایی را که جز او می‌خوانید، نمی‌توانند یاریتان کنند، و نه (حتی) خودشان را یاری دهند; (197)

حالا من و شما يا بايد قران بخونيم يا به قول استاد پورپيرار سوار اتوبوس بشيم و بريم قم

نويسنده: تلميذ

جمعه 29 شهريور1387 ساعت: 23:48

با سلام خدمت استاد پورپيرار كبير و ساير دوستان
1-جناب رضا؛ در طي اين 1200 سال چند زلزله مشابه زلزله اخير در جزيره قشم رخ داده است؟!!!اگر هر 100 سال هم يك زلزله مانند اين زلزله رخ مي داد و خساراتي مشابه ايجاد مي كرد اكنون از مسجد مذكور اثري به جا نمانده بود!!!

نويسنده: تلميذ

جمعه 29 شهريور1387 ساعت: 23:51

2-جناب رضا صديقي؛ دونكته وجود دارد:اول اينكه اگر موسي به معني از آب گرفته باشد بايد كه در اصل يك نام تركي-عربي باشد،چون لااقل بخش «سو=آب» آن تركي است.اين ترجمه تورات هاي كنوني نام آن حضرت است.طبق نص صريح قرآن كريم فرعون پسران قوم بني اسرائيل را مي كشته و دخترانشان را زنده نگه مي داشته است.به مادر موسي الهام مي شود كه پسر بچه تازه متولد شده را در تابوتي بگذارد و در نهر روانه كند.مادر چنين مي كند.كسان فرعون(بي فرزند) پسر بچه را از آب مي گيرند.به عنوان هديه به بارگاه فرعون تقديم مي كنند.خداوند مهر بچه را در دل ملكه ايجاد مي كند.ملكه شوهر را راضي مي كند تا بچه را به عنوان پسرخوانده قبول كند.مجددا" خداوند طفل را به مادرش(به عنوان دايه) بر مي گرداند.حال چون اين بچه ظاهرا" متعلق به فرعون بوده منطقي نيست بپذيريم كه نامي از يك طايفه تحقير شده(بني اسرائيل) را براي فرزندش انتخاب كرده باشد.مگر اينكه بپذيريم انتخاب نام با دايه بوده است كه باز هم انتخاب نامي اسرائيلي بني اسرائيلي بودن موسي(ع) را لو مي داده است كه مساوي با مرگش بوده است و اين پذيرفتني نيست و يا اينكه بايد بپذيريم كه نام موسي نام اسرائيلي او بوده و نام مصري او چيز ديگري بوده است كه بر ما معلوم نيست!

نويسنده: تلميذ

جمعه 29 شهريور1387 ساعت: 23:51

دوم اينكه طبق اعتقاد خود يهوديان هم ظهور حضرت موسي(ع) بايد در همان سالها رخ داده باشد و اين با سال وقوع طوفان چند هزار سال فاصله دارد،بعلاوه اينكه طوفان در

شرق تركيه واقع شده و غرب تركيه كمتر در معرض آب گرفتگي بوده است.سوم اينكه در وجود قوم بني اسرائيل در مصر كسي شكي ندارد.چهارم اينكه آيا ترجمه كتيبه هاي كهن مصري معتبر و قابل استناد هست يا خير؟!!!پنجم اينكه امپراتوري ايلام نام اصلي امپراتوري مورد نظر نيست.اين نامي است كه مستشرقين يهودي الاصل بر روي خرابه هاي شوش گذاشته اند.ششم اينكه مجمع البحرين يعني جايي كه دو دريا به هم مي رسند!يعني يك تنگه!!! كه يا بايد تنگه جبل الطارق باشد،يا تنگه هرمز و يا تنگه كانال سوئز(!!!) و يا يكي از تنگه هاي بين استانبول و بخش شرقي تركيه!!!اما ظاهرا" يك رودخانه هم در آن نزديكي ها به دريا مي ريزد كه ماهي موسي(ع) و همراهش را با خود مي برد!

نويسنده: تلميذ

شنبه 30 شهريور1387 ساعت: 0:0

3-آقاي عليرضا من هم خود را يك مسلمان مي دانم و با نظرات دوستتان كاملا" موافقم.طبق متن قرآن كريم بسياري از مردم بي ايمان فقط از اوهاماتشان پيروي مي كنند!!!
مطمئنم اگر كسي امروز ادعا كندكه من امام آخر زمانم و اقعا" هم راستگو باشد اولين كساني كه حكم اعدامش را صادر مي كنند همانهايي خواهند بود كه اكنون در بلندگوهاي حسينه ها و مساجد با سر و صداي زياد و ايجاد مزاحمت براي مردم از خدايشان مي خواهند تا زودتر ظاهرش كند!!!ثانيا" اگر قرار است او بيايد تا اعمال اينها را تائيد كند من آرزو مي كنم كاش هيچ وقت نيايد و يا برخلاف ديگران وقت آمدنش آرزو مي كنم كاش من كرده باشم و خداي محمد(ص) هم به داد زنده ها برسد!!!انشا الله.

نويسنده: هيوا ايزدى

شنبه 30 شهريور1387 ساعت: 0:41

استاد پورپيرار با عرض سلام
به یمن ماه مبارک رمضان مشغول مرور چندم بار کتاب موثر اسلام و شمشیرم . در بحث من و سلوی فرض مائده ای از آسمان را مطرح نموده اید و یادم هست که در پاسخ به یکی از مراجعان وبلاگ (دو سال پیش)فرموده بودید که دستی از آسمان در ساخت مجموعه اهرام ثلاثه قابل طرح است. اکنون سوالی برایم پیش آمد : آیا می توان دست بی واسطه ی خداوند در اداره ی دنیا در تاریخ جستجو کرد؟ آیا طوفان نوح در این شیار قرار می گیرد؟ سلام خداوندی بر شما

نویسنده: سرباز

شنبه 30 شهریور1387 ساعت: 0:51

از دوستان گرامی بخاطر توجه و تعارفاتشان تشکر می کنم، مخصوصا" از استاد که واقعا" شرمنده می کنند.

نویسنده: احسان

شنبه 30 شهریور1387 ساعت: 0:52

با سلام مجدد.
استاد درباره ی سوال من توضیحی ندادید.
در صورت امکان توضیحی هر چند کوتاه ارائه فرمائید.
با تشکر

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 30 شهریور1387 ساعت: 1:16

آقای تلمیذ. در باب نام موسی به مطلبی هوشمندانه اشاره کرده اید. این اواخر کتابی دریافت کرده ام از یک نویسنده ی فرانسوی به نام "راز خروج" که تحقیق دامنه داری در همین باب است. گوش شیطان کر! مدتی است می کوشم که آن را ترجمه و در فهرست انتشارات مان قرار دهم. در عین حال از یاد مبرید که قرآن همین نام را برای موسی رسمی می داند.

خانم مریم و آقای سرباز. برخورد با قرآن بدون ایمان اولیه به خداوند، پیوسته موجد بهانه ای برای ایجاد اخلال در متن است. اخیرا به چراهای معمول در باب قرآن، چون نداشتن اعلامیه آزادی بردگان و شمارش رکعات نماز و غیره، افزوده اند که چرا خداوند متن رسمی اذان را مانند ترتیب وضو در قرآن نیاورده تا موجب اختلاف نباشد؟ پاسخ دادم اختلاف تراشان از همان دستور وضوی معین شده نیز موجبی برای جدایی درآورده اند، چنان که دستور مستقیم نهی و حکم حرمت در باب ربا را نشنیده می گیرند، ولی توهمی چون سنگسار را که پایه ای در قرآن ندارد، اجرا می کنند؟!! از مسلمین ساده ضمیر و آنوسی هایی که دائما مشغول غلط گیری از قرآن اند، باید پرسید: آیا خداوند را با همان توصیفات قرآنی، به یکتایی و مالکیت زمین و آسمان و آن چه در میان است، قبول دارند و می پذیرند که قرآن ارسال شده ای از جانب خداوند است؟ اگر آری پس بندگان در اندازه نصب سئوال بر قرآن، با هیچ اشاره و بهانه ای نیستند و جز انجام و

اجرا وظیفه ای ندارند و اگر در وجود خداوند مرددند، پس سئوالات شان را باید نه از حواشی قرآن، که از مبدا' خلقت آغاز کنند. در حال حاضر منکران رسمی و غیر رسمی، چون دانش ورود به بنیان هستی و مبانی موجود را ندارند، پیاپی به کسره و ضمه و کلمات و آیات قرآن بند می کنند!!! عجیب است کسانی با اندک سایه ای از علمی با عمر به زحمت صد ساله، به ادای ایراد های کودکانه در احکام دستگاهی مشغول اند که یاد آوری می کند یک روز ما برابر پنجاه هزار سال شماست!!!! آیا به تر نیست مومنین همانند چهارده قرن گذشته قرآن را برای اطاعت از دستورات و توصیه های آن بخوانند و منتظر اشراف بیش تر در مرور زمان شوند، چنان که همین مرور زمان قفل ماجرای طوفان نوح را گشود. در این باب بیش از آن نمی توان گفت که در آیه ی هفتم سوره ی آل عمران آمده است: "پا برجایان در دانایی می گویند ایمان آوردیم و تماما از سوی خداوند است و بیمار دلان به دنبال تاویل می روند".

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 30 شهریور 1387 ساعت: 1:33

آقای احسان. فقط فراموش کردم شما را همراه آقای علی رضا و دوست شان سوار اتوبوس قم کنم.

آقای ایزدی. سئوال شما ورود به مراتبی را می طلبد که تنها در صفحات کتابی قابل طرح است. حضور خداوند در صفحات تاریخ از این باب قابل دیدار و قبول است که سرنوشت تمام امور به دست اوست.

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 30 شهریور 1387 ساعت: 3:25

آقای عابدی و آقای صمیمی. این راه نمایی نیز از دوست دیگری رسیده است.

به این آدرس:

http://www.yougetsignal.com/

یا مستقیما به این صفحه بروید:

http://www.yougetsignal.com/tools/web-sites-on-web-server/

این عدد رو وارد کنید :

208.116.16.3

دکمه ی اینتر رو بزنید .
در لیستی که ظاهر می شه ، روی هر کدوم که خواستید ، کلیک راست بکنید و open in a newtab یا به طور خلاصه ، گزینه ی دوم رو انتخاب کنید .

آقای حذف. شامورتی که می گویند همین است. امیدوارم قدر شب های قدر را بدانید و ندبه ها را فراموش نکنید.

نویسنده: راننده اتوبوس

شنبه 30 شهریور1387 ساعت: 0:12

سلام استاد
به نظر می رسد در قم ، زیارت خوانی تان خیلی خوش گذشته و کاملا مقبول درگاه و آستانه ی آن خانم قرار گرفته است .
اگر بعد از ماه مبارک هم رفتید آدرس می دهم ، تا ناهار خیلی قابلی بخورید !
وای به حال مراجعان وبلاگ بعد از آن ! دیگر همه شان صاف باید به قم بروند ! می خواهم یک اتوبوس بخرم ولی می ترسم ، چون 40 نفر بیشتر جا ندارد ! اگر کسی مایل به همکاری است ، خبر بدهد ! مثلا یک تریلی 18 چرخ که پشت آن را صندلی چیده باشیم !
البته من که مسافر قم هستم ! بعضی اتوبوس ها ، داد می زنند :
قم – داخل !!! حرم .
من هم داد خواهم زد :
کسانی که اینترنت می دانند ، این قدر شلوغ نکنند ! سایت al-shia.com که مال سیستانی بود ، الان " دیگه نیست " !!! و کار و کاسبی و درآمد ها به شدت تقلیل یافته .
خوب جزای کسی که سرور اسراییلی انتخاب می کند جز این نیست. مگر سرنوشت مشایی را ندیدید؟!! دارد سحر می شود ! اگر نروم بخوابم ، احساس می کنم آنوسی ها مهار من را به دست دارند ! من اختیار خودم را فقط به جهودان می دهم !

الله ولی الذین آمنوا .

مثل الذین اتخذوا من «دون الله» اولیاء کمثل العنکبوت !!!
شب و سحر و روز خوش !

نویسنده: ایمان صمیمی

شنبه 30 شهریور1387 ساعت: 4:41

جناب عابدی سلام آیا آدرس :
http://smto.ir/?p=778
را دیدی؟در این آدرس مطلب بگونه ای توضیح داده شده است.لطفا بار دیگر ملاحظه بفرمایید.

نویسنده: مهران حقیقت

شنبه 30 شهریور1387 ساعت: 10:28

سلام استاد

لینک زیر را ببینید.
به ازای هر 9000 ایرانی در ایران امروز
یک بقعه یا امامزاده وجود دارد.

آمار جدید از تعداد بقاع متبرکه در کشور

در حالی که پیشتر برخی منابع خبری اعلام کرده بودند که در ایران مجموعاً 4000 امامزاده و بقعه متبرکه وجود دارد، سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه روز سه‌شنبه آمار دقیقی را از این تعداد اعلام کرد.

به گزارش خبرنگار شهاب‌نیوز، حجت‌الاسلام حیدر مصلحی نماینده ولی فقیه و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه روز سه‌شنبه در حاشیه امضای تفاهمنامه همکاری وزارت تعاون و سازمان اوقاف تاکید کرد که در ایران جمعاً بیش از هشت هزار بقعه متبرکه وجود دارد.

این اظهارنظر آقای مصلحی، دقیق‌ترین و مستندترین آماری است که تاکنون در این زمینه اعلام شده است.

http://www.shahabnews.com/vdch.znqt23nv6ftd2.html

نویسنده: رضا

شنبه 30 شهریور1387 ساعت: 11:6

با سلام خدمت استاد محترم و دیگر دوستان
خانم مریم اجازه میخواهم کمی راجع به تورکیه عرض کنم. نمیدانم مردم آن کشور را چگونه شناخته اید ولی من از طروق مختلف از جمله برنامه های مختلف تلویزیونی (منظورم فیلم نیست بلکه برنامه های مستند و زنده گفتگو و خبر و... است) و ارتباط مکاتبه ای با ایشان در تماسم. برخلاف آنچه فرموده اید اگرچه ظاهرا جز قران نمی شناسند اما آخوندهای کراوات زده اصلاح کرده آنها هم عین ایران مشغول اشععه انواع حدیث و داستانسرایی هستند. در سراسر تورکیه مثل ایران مکانهای مقدس! جهت دخیل بستن و عبادت و ... فراوان است. برخلاف عقاید همکلاسی آقای علیرضا کشور پر است از ازدواجهای موقت(امام نکاحی) . جالب تر اینکه آن آخوندهایی که عرض کردم اعلب در برنامه های نمایشی خوانندگان تورک حاضر شده و ارائه فتوا می کنند. جو مذهبی تورکیه در بین مردم عادی خیلی شبیه ایران قبل از انقلاب است. مردمی ظاهرا با یک احساسات تند مذهبی و معتقد به قران ولی غرق در توهمات شبه مذهبی !! مسئله آتا تورک هم یک موضوع جدای از اینهاست هنر وی تنها در دولتی کردن دینمداران تورکیه بود کاری که رضاشاه توان انجامش را نداشت. البته در تورکیه هم قشر روشن بین مذهبی وجود دارد ولی آنها هم محتاج تدارک اتوبوسی از طرف استاد برای یافتن جواب سوالاتشان هستند.البته اینراهم عرض کنم که من چندبار سوار آن اتوبوس شدم و رفتم قم ولی کسی را برای پاسخ گویی پیدا نکردم بقول استاد اغلب در چنین مواردی گرانی گوشت بیشتر مورد تاکید قمی هاست.در واقع بسیاری از سوالاتم پاسخگویی نیافته است.

وب سایت

نویسنده: ویرگول

شنبه 30 شهریور1387 ساعت: 15:55

کشف آداب تدفين زنان در اواخر دوره ساساني

كشف ميخ‌هايي در اطراف اسكلت‌هاي بدست آمده از گورستان پهلوج و در پشت سد البرز در مازندران معماي تازه باستان شناسان در اين گورستان اواخر دوره ساساني شد. بررسي جنسيت اسكلت‌ها و ميخ‌هاي كشف شده نشان مي‌دهد احتمالا از اين ميخ‌ها براي نگه داشتن صفحه‌هاي چوبي، براي گور زنان استفاده مي‌شده است. اين نوع تدفين در گور مردان و كودكان ديده نشده است.

وب سایت

نویسنده: راننده مینی بوس

شنبه 30 شهریور1387 ساعت: 17:56

جناب راننده اتوبوس وتمام زیارت خوانان عزیز
ألم تر إلى الذين أوتوا نصيبا من الكتاب يؤمنون بالجبت والطاغوت ويقولون للذين كفروا هؤلاء أهدى من الذين آمنوا سبيلا(50 نسا)

انشا الله از مو'منین به "جبت"(مصالح ساختمانی)و طاغوت نباشیم.
انچه می اید یک تیر است و دو نشان جوابیست دو پهلو که یک پهلوی ان مربوط به اقا رضا که به قم نرن ویه پهلوش هم برای کسانی است که زیاد به قم می رن وعادت به معبد رفتن را ازدبار خود به این دیار اورده اند وخود را به سنگ وچوب امام زاده می مالند.
(توضیح:این هیچ ربطی به پهلو شکسته های ساختگی یهود ندارد.)
اقای راننده اتوبوس پهلوی سومش هم مربوط به شما می شود .
لطفا" ایراد نگریید وقتی امام زاده جای خدا می شینه,دو پهلوی ما هم بشه سه پهلو,مشکلی ایجاد می کنه؟
بریم سر اصل مطلب و اما پهلوی سوم ,ایا نمیشه یک ماکتی از این امام زاده ها مثلا" با مقیاس یکهزارم بسازیم ودر خانه های خود نگهداریم هر وقت دلمون یا دستمون یا لباسمون دلتنگ شد بدون رنج سفر بریم وخودمون را به اون بمالیم و دلی از عزا در بیاریم!!!!؟

نویسنده: عابدی

شنبه 30 شهریور1387 ساعت: 18:29

با سلام
آقای صمیمی در واقع چند اتفاق جالب رخ داده است.

1. سایت هایی که هاست شان را از سایت FASTNEXT.COM با آی پی :
208.116.16.3 خریده بودند هک شده است. این سایت توسط گروه XP که به ظاهر وهابی هستند هک شده است!

2. تمامی سایت های هک شده ی سرور FASTNEXT.COM ، که به طور مستقیم از ایران وارد آن ها می شوید صفحه ای با این نوشته می آورد :
«بسم الله الرحمن الرحیم با آرزوی قبولی طاعات و عبادات به استحضار میرساند مدیریت فنی وب سایت در حال انجام به روز رسانی و بهبود نرم افزارهای سرور می باشد و انشاء الله بعد از اتمام ، مجددا وب سایت در دسترس علاقه مندان قرار خواهد گرفت. التماس دعا»

3. به هنگام ورود به همان سایت ها با استفاده از آنتی فیلتر ، پیام هک سایت (نوشته گروه XP) نمایش داده می شود.

4. سایت www.al-shia.net با آی پی 80.191.91.14 ، که به عنوان بزرگ ترین سرور شیعیان ! یاد می کنند نیز به سایت www.al-shia.com می رود که در سرور FASTNEXT.COM قرار دارد ! اما تا جایی که فهمیدم ، سایت هایی که از سرور al-shia.net با آی پی 216.87.173.164 خریداری شده، هک نشده اند. مثل :

www.gerami.org
www.ansariyan.org
www.almohri.com

خوب سوال این است ، مگر می شود یک سروری هک شود اما سایت های مربوط به آن هک نشوند ؟! من گمان می کنم مدیران سایت al-shia.net از سایت FASTNEXT.COM هاستی برای al-shia.com خریده بودند و دومین دات نت شان را به آن وصل کرده بودند که اکنون هم وصل است.

5. به گمان من، مابقی سایت ها یا لا اقل بخشی از سایت ها که پیام هک را نشان می دادند کار خود بچه های! شیعه بود، که خواسته بودند اندکی موضوع را بزرگ جلوه دهند و به قول یک نفر از ریش سفیدان شان بگویند می بینید که ما بر حقیم !!

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 30 شهریور1387 ساعت: 18:31

آقای عابدی. اگر هک شدن دلیل حقانیت است، پس ملاحظه کنید خود ما چه قدر بر حقیم!!!

اقای هاتف. 1434

آقای ویرگول. الحق که اگر این باستان شناسان زبده را نداشتیم به کلی از خاطره ی دنیا پاک می شدیم. احتمالا آن میخ ها را برای ادامه ی زجری که در دنیا می کشیدند در گور زنان سربالا قرار می داده اند. دوستانی که می خواهند تمرین باستان شناسی کنند، در این مورد گمانه بزنند. صاحب به ترین حدس و گمان باستان شناسانه، به زیارت گور کورش اعزام خواهد شد تا هرچه می خواهد به جای ضریح، چنان که مد شده است زمین را سجده کنان ببوسد.

نویسنده: صمیمی

شنبه 30 شهریور1387 ساعت: 19:1

جناب عابدی به گفته ناصر خان پس ایشان باید به خاطر هک در پرشیان بلاگ عین الحق و برای هک در بلاگفا راس الحق باشد!(فیلترینگ را فاکتور گرفتم!)

نویسنده: صمیمی

شنبه 30 شهریور1387 ساعت: 19:2

راستی جناب عابدی داستان آن سایتهای اسرائیلی روی سرور الشیعه چیست؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 30 شهریور1387 ساعت: 19:56

آقای عابدی. با عذر خواهی فراوان، آیا می توانید دوستان و از جمله آقای سرباز را به آدرس آن یادداشتی که نامه های نظام مهندسی ایران در آن اسکن شده راه نمایی بفرمایید؟ ممنون.

آقای سعاد. تمام آن مطالبی را که بالحنی متعجب اشاره کرده اید، حقیقت است. یعنی

سرزمین کنونی ما بر اثر قتل عام پوریم لااقل تا دوهزار سال خالی ازسکنه بوده سعدی و حافظ و فردوسی و ابن سینا و مولوی و شهر شیراز و اصفهان کهن و باستانی و اشکانیان و ساسانیان از جعلیات یهودیان است. اعراب و مغول و اسکندر طبیعتا به ایران خالی از سکنه حمله نکرده‌اند، ناصر خسرو و ابن بطوطه و غیره نبوده اند که سفرنامه نوشته باشند زیرا ایران در زمان آن ها بیغوله ای نامسکون بوده است و غیره و غیره... تمام این مطالب ناشی از «ذهن توطئه‌گر یهود» و حاصل «جعلیات ارباب کنیسه و کلیسا» برای پوشاندن رد قتل عام پوریم است! و حقیقت دارد که به ملک الشعرا بهار گفته ام جرثومه فرهنگی. برای درک و هضم و فهم این مطالب لااقل 6000 صفحه مطلب منتشر شده و مسلم است که نمی توان آن شش هزار برگ را به این ستون پاسخ ها منتقل کرد. اگر دوستان شما از مستند تختگاه هیچ کس مطلب تازه ای در نیافته اند، پس یا چشم های معیوبی دارند، یا متعصب اند. برای اشراف کامل به مطالبی که شنیدید باید کتاب ها و محتوای این وبلاگ را با حوصله بخوانید و آن گاه چندان به مستندات محکم مجهز خواهید شد که دوستان تان را مجاب کنید.

نویسنده: آیدین یاشار

شنبه 30 شهریور1387 ساعت: 20:5

با سلام خدمت استاد و تمامی دوستان و بعضا دشمنان

این آقای رضا ظاهرا از توان تحریف نسبتا بالائی برخوردار است. بدون این که از کشور خاصی طرفداری کرده باشیم، باید بگویم که اولا رضاشاه قصد دولتی کردن دستگاه روحانی کشور را نداشت، بلکه هدف او و روشنفکران اطراف او پیاده کردن آئین زرتشت یا باصطلاح آیین ملی ایرانیان باستان بود، در حالی که آتاترک از این حماقتها مبری بود. سیستم لائیک ترکیه در مجموع دیانت سالم را تقویت کرده است. در خصوص ازدواج موقت در ترکیه باید به آقای رضا تذکر دهم که "ایمام نیکاحی" (عقد آخوندی) به معنای ازدواج موقت نیست، بلکه همان ازدواج دائم است، که در دفاتر ازدواج ثبت نشده باشد، و این دقیقا همان ازدواج دائم به شکل اسلامی آن است. در خصوص وجود خرافات در ترکیه، یادآوری این نکته لازم است که هیچ ملت بدون خرافات در جهان نداریم، به خصوص کشورهای پیشرفته، و اگر یهودیان را اشاعه دهندگان خرافات میدانیم (که در مقیاس وسیع صحیح است)، باید گفت، جامعه یهودی خود از خرافی ترین جوامع جهان به شمار میرود.

نویسنده: حکیمی

شنبه 30 شهریور1387 ساعت: 20:13

سلام جناب استاد!
احمدی نژاد رسما گفت هیچ برنامه ای جهت برخورد با اسرائیل و حذف آن از روی نقشه ندارد!
sectionid=3510302&http://www.presstv.com/Detail.aspx?id=69866
این لینک صرفا به جهت اهالی ناریا و شخص استاد محترم است.با این نیت که اندکی عقل بر کاسه سر برخی مسئولان باز آید و قدردان مستند تختگاه هیچ کس باشند و نیز به جهت هدایت برادران اتفاق عابدی میثم م.ستاره ی آتیش پاره بی نام .... وکلیه مسلمین دیگر!ونیز بجهت یافت شدن زوجه ای مناسب از برای کارگردان آن مستند که از مشوش حالی به در آیند و به فیلم و داستانی جدید اندر آیند ایضا مناسب است از برای جمیع رفتگان و در راه ماندگان منجمله سرکار خانم نصریه که گویی آب شده اند و در این گرما تابستانه در هوا جهیده تا از آن بالا بر ضلالت اهای ناریا تاملی نمایند(حفظها الله تعالی) و نیز مناسب است از برای برادران آنوسی در تبریز (به خدا خطابم فقط با یک نفر است باز نگین توهین قومی کردم) و مشهد که از فرط سکرت بودن نامشان!!! قلم را یارای نوشتار در این باب نیست هرچند که ایشان به یقین محتوای این لینک را قبلا نیز در کتب قدیمه خاندان خود دیده اند و چه بسا خود نویسنده این موهبت الهی بوده اند (و الله الاعلم!)
در پایان نیز به جهت تجدید مو وگیسو بر سر آن پاکباز همیشگی که الحق او راست ولیعهدی بر سریر بنیان اندیشی و اخلاص (بالجد حفظ الله)!
مومنین ضمن عمل به مفاد لینک نگارنده را نیز از اثرات آن مطلع نمایند تا در ورژن های جدید اصلاح گردد. (میگم من خودم یه پا حافظ و سعدی بودم نمی دونستم نه؟)
http://gajamoo2.wordpress.com/2008/09/20/doa-baraye-/shabghadr-robaei

نویسنده: نتاب

شنبه 30 شهریور1387 ساعت: 21:16

سلام،
استاد گرامی،
فورموله کردن بحث به این شکل بسیار سودمند است برای کسانی که دیر به این حرکت روشنگری پیوسته‌اند. ولی ایکاش در جمعبندی زیر:
"اعراب و مغول و اسکندر طبیعتا به ایران خالی از سکنه حمله نکرده‌اند، ..." هر بار

جنگ خیالی چالدران نیز به لیست اضافه می‌شد، که همین جنگ چالدران مصنوعی منبع درامد سرشاری برای معماران تفرقه در میان مردم است. این دروغ اخیر متاسفانه قبول کردنش از همه برای مردم اسانتر است.

نویسنده: امیر عماد

شنبه 30 شهریور 1387 ساعت: 21:38

با سلام خدمت استاد پورپیرار
در فصل های گذشته پس از اینکه به مقاومت کلیسا در مقابل تعالیم آریانیسم به دلیل بر حق بودن آنها اشاره کردید متوجه این نکته شدم که دلیل بی تفاوتی سیستم حاکم بر کشور ایران نسبت به داده های این وبلاگ را می توان این گونه تفسیر کرد که انان نیز چون کلیسا دلهره و نگرانی برای دین ندارند و تنها نگرانی آنان بر باد رفتن مناصب خود که بر همان دروغ ها بنا کرده اند می باشد. زیرا با پذیرفتن مطالب این وبلاگ مباحث عمده ای در موارد گوناگون واز جمله مذاهب مسلط بر دین اسلام پوچ خواهد گشت.
در ضمن امروز در یک وبلاگ به ترجمه زیبایی از مقدمه اسلام وشمشیر به زبان عربی برخورد کردم که برایم جالب بود ولی نتوانستم بقیه اسلام وشمشیر رابیابم می خواستم بدانم اصلا شما در جریان ترجمه هستید وآن را از کجا می توانم بدست بیاورم.thx

نویسنده: عابدی

شنبه 30 شهریور 1387 ساعت: 22:32

با سلام

آقای صمیمی ، در سرور الشیعه دات نت ، هیچ دومین یهودی نام! نصب نشده است. فقط شیعیان و یهودی ها از یک سرور (FASTNEXT.COM) ، هاست خریده اند!

١ ٢ >>

/wEPDwUJNzUyI

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ، 176، ماجرای بغداد - 99 نظر

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 30 شهریور 1387 ساعت: 23:31

آقای عابدی. ممنونم. با همان لینک ارسالی شماره ی نامه را به دست آوردم. اصل آن را نیز در فراغتی برای تان ارسال می کنم اگر به یاد بیاورم که کجاست؟!!

آقای امیر عماد. ممنونم. تا آن جا که باخبرم ترجمه ی کامل و معتبری از اسلام و

شمشیر به عربی موجود است، ناشری در لبنان قصد انتشار آن را داشت، مدتی چانه زدند که برخی الفاظ را از مقدمه حذف کنم، به توافق نهایی در آن باب رسیدیم، گروهی مصرانه و سخت در پی انتشار آن بودند و ناگهان همگی گم و گور شدند. همین! پیدا کنید آنوسی پس معرکه را در لبنان؟!!!

آقای نتاب. چالدران نام یک منطقه است. نام های جغرافیایی به ندرت و در زمانی بس طولانی متغیر می شوند. ولی نمی توان علامت و اثری آورد که چالدران را پیش از ورود عثمانیان و صفویه ی هر دو بی ریشه، شناسایی کرده باشد.

آقای م. ستاره. تفضل.

آقای جباری. به نام شما پیامی دوستانه رسیده بود. در باب قضیه ی دیگر هم یک تازه وارد به بازار آمده است. http://www.emperatoor.net/

نویسنده: خودی!

شنبه 30 شهریور1387 ساعت: 23:54

آقای عابدی اگه اون گزینه پنجمت درست باشه میدونی یعنی چی ؟

5. به گمان من، مابقی سایت ها یا لا اقل بخشی از سایت ها که پیام هک را نشان می دادند کار خود بچه های! شیعه بود، که خواسته بودند اندکی موضوع را بزرگ جلوه دهند و به قول یک نفر از ریش سفیدان شان بگویند می بینید که ما بر حقیم !!

نویسنده: حکیمی

یکشنبه 31 شهریور1387 ساعت: 0:31

جناب استاد و سایر دوستان آیا لینک را رویت کردید؟و به آن عمل نمودید؟ http://gajamoo2.wordpress.com/2008/09/20/doa-baraye-shabghadr-robaei/

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 31 شهریور1387 ساعت: 1:0

آقای سعاد. مطالب اصلی که زمینه ی دروغ درباره ی تاریخ ایران را از اذهان پاک می کند در 176 یادداشت "ایران شناسی بدون دروغ" آمده که آرشیو آن در سایت www.naria.ir موجود است. برای خرید کتاب ها نیز می توانید با تلفن 66492049 تهران تماس بگیرید. برای تان ارسال خواهند کرد.

آقای احسان. خدا را شکر که رفع ابهام شد!!!

آقای مهران حقیقت. در ایران بیش از شصت هزار ده وجود دارد و در عین حال ده بدون امام زاده نایاب است. از این دیدگاه اگر امام زاده های گرداگرد و داخل شهرها و بین راهی را نیز به حساب نیاوریم، پس لااقل باید پنجاه هزار امام زاده داشته باشیم. آمار رسمی کنونی، امام زاده های مستضعف را که آرایه های آن چنانی ندارد، منبع درآمد سازمان اوقاف نیست و غبار روبی رسمی نمی شود، به حساب نیاورده اند!!!

نویسنده: نتاب

یکشنبه 31 شهریور1387 ساعت: 1:44

استاد عزیز،
پیش از زمان موسوم به صفویه و عثمانی از مکانی به نام چالدران خبری نیست. سوالم این است ایا امروز جایی هست که به ان چالداران بگویند؟

نویسنده: سعاد

یکشنبه 31 شهریور1387 ساعت: 1:55

بی نهایت سپاسگزارم

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 31 شهریور1387 ساعت: 2:19

آقای نتاب. باید مردم و محلی ها در آذربایجان پاسخ دهند.

نویسنده: دوست

یکشنبه 31 شهریور1387 ساعت: 3:25

اگه منظورتون چالدرانه یکی از شهرستانهای آذربایجان غربی است.

خوب ماهم یکمی واژه شناسی کنیم. اگه اشکالی نداره.

هرچه میکنم یه معنی معادل فارسی براش پیدا کنم نمیاد😕

چال : بکوب ، بزن (مثلا زدن طبل)

شاید معادل نوازنده

نویسنده: رضا

یکشنبه 31 شهریور1387 ساعت: 10:32

آقای امیرعماد.ممکن است آدرس وب سایت را اعلام نمایید. تشکر

نویسنده: رضا

یکشنبه 31 شهریور1387 ساعت: 11:30

جناب آیدین یاشار عزیز
من دلیلی نمی بینم که خودم را دشمن شما بدانم ! امیدوارم شما هم با چند سطر نوشته مرز بین دوستی و دشمنی را سنگر بندی نکنید. از استاد اجازه میخواهم فضای وبلاگش را برای توضیح بیشتری اشغال کنم شاید برای جناب آیدین رفع سوء تفاهم شود.
جناب یاشار ، گاهی آدم فکر می کند آنچه از مخیله اش می گذرد چندان واضح و پیش پا افتاده است که همه میدانند و نیازی به توضیح نمی بیند اما اشتباه می کند و گفتار ناقص در چند سطر باعث وجود ابهام می شود. رضا شاه در حد و اندازه ای از سطح سواد و معلومات نبود که خود طراحی محکمی برای مسائل فرهنگی ایران بکند وچون مشاوران مختلفش در اینگونه موارد بخاطر تلون مزاج و بدبینی های شاه بکررات عوض شدند لذا در طوا سالهای 04-20 اشکال مختلفی از طرحهای فرهنگی در ایران نمودار شد.(به نوعی مثل این سی سال اخیر که با تعویض هر دسته و گروهی از حکومتی ها مسائل فرهنگی رنگ عوض می کند) وی تنها باری که به مسافرت خارج ایران رفت ، تورکیه جوان را دید و شدیدا تحت تاثیر آتا تورک قرار گرفت. و تمایل داشت کارهای وی را در مورد ایران ادامه دهد که البته چندی بعد مجددا از طریق مشاورانش تغییراتی در فکر وی بوجود آمد.از جمله کارهای مورد تقلید وی از تورکیه جمع آوری مردمی با لباس ویژه روحانیت از سطح جامعه و محدود کردن این قشر بود.کاری که در تورکیه هم انجام شد. البته تورکیه سیستمی محستکمتر و اصولی تر داشت و در کار خود موفق شد .(البته جای بحث کلی در این سطور نمی گنجد و ممکن است مجددا باعث سوء تفاهم

شود)
"دیانت سالم " عبارتی است که من به دیانت اسلام زمان پیامبر اطلاق می کنم و بعد از ایشان با گذشت اینهمه سال و نفوذ این همه اسرائیلیات ، معتقدم بکار گیری این عبارت نمی تواند صحیح باشد. البته اگر منظور بررسی نسبی جایی با جایی دیگر باشد استفاده از عبارت "دیانت سالمتر" بهتر است و در این مورد هم موضوع کمک حکومت لائیک به حفظ دیانت سالمتر جای بحث دارد زیرا دیانتی را که حکومت تورکیه جوان وارث آن شده بود در دوران طولانی حکومت عثمانی پی ریزی شده بود و حکومت جدید تورک قصد بازبینی و اصلاح حقایق دینی را نداشت. بلکه برخی از تظاهرات دینی را تعویض یا متوقف کرد که آنهم در راستای حفظ منافع خود بود.

نویسنده: رضا - 2

یکشنبه 31 شهریور1387 ساعت: 11:31

" ایمام نیکاحی " به سان فرمایش شما به ازدواجی گفته میشود که خارج از چهارچوب قوانین جاری تورکیه و توسط آخوندهای مساجد که تورکیه ای ها بوی" ایمام " می گویند ، منعقد می شود. اما این نوع ازدواج می تواند موقت ، یا دائم باشد و البته درصد بالایی از این ازدواجها در موارد تعدد زوجات اتفاق می افتد و در مناطق شرقی و جنوب شرقی تورکیه رواج بالایی دارد. هدف بنده تنها اشاره به وجود این ازدواجهای کم عمر بود. البته ناگفته نماند که زندگیهای مشترک بدون همین نوع نکاح نیز در بین مردم جریان دارد(مانند اغلب کشورهای دیگر) ولی بدلیل آزادی روابط مرد وزن و وجود شناخته شده فحشا از سوی حکومت لائیک چندان نیازی به توجیه متعه و امثال ان وجود ندارد. چیزی که سالهاست سردمداران ما ازسویی در تلاش پنهان کردن فحشای موجودند و از طرفی راهی برای ایجاد فحشای مهار شده دیانتی جستجو می کنند.(لازم به توضیح میدانم که این موضوع هم جای بحث زیادی دارد و لطفا دوستان با خواندن دوسه کلمه برای کل فکر بنده قضاوت نکنند)
بنده بهیچوجه منکر وجود خرافات در کشورهای مختلف حتی در بین تحصیلکرده های جهان اول نیستم. بلکه توضیح من از باب این بود که خانم مریم بدانند که تورکیه ایها تنها معتقد به نص قران مجید نیستند و آنها هم مانند اغلب مردم ما به برخی کارهای غیر قرانی روی می کنند.
در نهایت لازم میدانم از الطاف شما تشکر کنم و یاد آوری نمایم که مطمئن باشید من هم تورکی هستم که دشمن تورک نمیتوانم باشم اما قبول کردن ضعف ها و چشم بستن به حقایق را مد نظر دارم.

نویسنده: عابدی

یکشنبه 31 شهریور1387 ساعت: 12:9

با سلام

با تشکر از دوست گرامی مان ، جناب 000 که زحمت آپلود مستند را در سایت ، کشیدند.

لینک های ورژن آموزشی مستند تاریخی « تختگاه هیچ کس؟! » به صورت زیر خواهد بود :

TRACK 00 - آنونس :

http://dl.naria.ir/Movie/VCD-Farsi/TRACK00.DAT

TRACK 01 - مدخل و مقدمه :

http://dl.naria.ir/Movie/VCD-Farsi/TRACK01.DAT

TRACK 02 - دیوار غربی :

http://dl.naria.ir/Movie/VCD-Farsi/TRACK02.DAT

TRACK 03 - پله ها :

http://dl.naria.ir/Movie/VCD-Farsi/TRACK03.DAT

04 TRACK - دروازه ملل :

http://dl.naria.ir/Movie/VCD-Farsi/TRACK04.DAT

TRACK 05 - کاخ نیمه تمام :

http://dl.naria.ir/Movie/VCD-Farsi/TRACK05.DAT

TRACK 06 - صد ستون :

http://dl.naria.ir/Movie/VCD-Farsi/TRACK06.DAT

TRACK 07 - آپادانا :

http://dl.naria.ir/Movie/VCD-Farsi/TRACK07.DAT

TRACK 08 - تچر :

http://dl.naria.ir/Movie/VCD-Farsi/TRACK08.DAT

TRACK 09 - هدیش :

http://dl.naria.ir/Movie/VCD-Farsi/TRACK09.DAT

10 TRACK - خزانه تخت جمشید :

http://dl.naria.ir/Movie/VCD-Farsi/TRACK10.DAT

TRACK 11 - نتیجه گیری (گفتگو با ناصر پورپیرار) :

http://dl.naria.ir/Movie/VCD-Farsi/TRACK11.DAT

وب سایت

نویسنده: عابدی

یکشنبه 31 شهریور1387 ساعت: 12:10

از دوستانی که اینترنت پر سرعت در اختیار دارند در خواست می شود مستند را برای تست دانلود نمایند و نتیجه را اعلام کنند.

نویسنده: 000

یکشنبه 31 شهریور1387 ساعت: 16:35

Scholar claims to find medieval Jewishcapital

http://news.yahoo.com/s/ap/20080920/ap_on_re_eu/russia_lost_capital

نویسنده: توحید

یکشنبه 31 شهریور1387 ساعت: 13:12

سلام استاد
ظاهرا آقای عابدی می خواستند مجموعه ایران شناسی به صورت PDF را براي شما ارسال کنم متاسفانه آدرستان را فراموش کرده ام اگر آدرس بدهید سریعا ارسال مي کنم .
موفق باشید

نویسنده: بی نام

یکشنبه 31 شهریور1387 ساعت: 20:58

جناب حکیمی -سلام علیکم

رویت شد,عمل شد,افاقه نکرد .ببین این "حاج میرزا سقازاده واعظ" تو طبله عطاریش یه

ورد قویتر نداره ؟به زبان اصلی ایدیش یا عبری هم باشه حاضریم بخوانیم,ولی این اقا را به جد اعظم اش جناب مرده خای قسم بده یه ورد فرد اعلا کار سازبدهد تا ....
راستی دوستان عزیز کسی از نسرین خانم خبر داره ؟ادرس وبلاگش را نداد مابریم خدمت ایشان و از دانسته های ایشان بهره بگیریم.انصافا"اگه از ما می بودمی تونستیم ازوجودش در بینمان به خود ببالیم.

نویسنده: تلمیذ

یکشنبه 31 شهریور1387 ساعت: 21:2

با سلام خدمت استاد پورپیرار کبیر و سایر دوستان
1- استاد،از لطف شما بسيار متشكرم.من هرچه به ذهنم مي رسد مي گم.احتمالا" بسياري از گفته هاي من اشتباهاست ولي بعضيهايش هم قابل تامل.گرچه پر حرفي هاي امثال من بعضي از دوستان را خوش نمي آيد.چه اشكالي دارد هر سوالي به ذهنمان خطور مي كند بپرسيم و يا هر نظري به ذهنمان مي رسد عرضه كنيم تا نقد شود(در هر جا و در هر بحثي كه شركت مي كنيم)؟!!!
2-كاملا" درست است ولي بحث من و ديگر دوستان در معناي كلمه«موسي» و عبري بودن و يا نبودن این كلمه بود.
3-در صورت به بازار آمدن كتاب مذكور علاقمندان از چه طريقي مطلع خواهند شد؟!
از طريق سايت انتشارات كارنگ(www.karangbooks.com)؟!

نویسنده: حمید

دوشنبه 1 مهر1387 ساعت: 1:3

من میخوام به نوشته های شما اعتقاد بیارم اما نمیتونم. آخه چه طور مگه ممکنه من نمیتونم بدونم مردم چه طوری به ایران خالی اومدن . میشه محدوده پوریم رو مشخص کنید ...

نویسنده: حکیمی

دوشنبه 1 مهر1387 ساعت: 2:3

جناب بی نام باید دوستان در مشهد وشیراز دست بکار شوند این دود تنها از کنده ی آنها بر خواهد خواست!

نویسنده: آیاز

دوشنبه 1 مهر1387 ساعت: 4:36

چالدران یا çaldıran صفت فاعلی از فعل سببی çaldırmaq می باشد و به معنای برانگیزاننده طرب و شادی و پایکوبی و چیزی که موجب به وجد آوردن نوازندگان موسیقی می شود.
چالدران نام ایالت و شهر و دشتی در شرق ترکیه و قرار گرفته در جنوب کوه آغری داغ و غرب رشته کوههای آزربایجان غربی می باشد.

نویسنده: هیوا ایزدی

دوشنبه 1 مهر1387 ساعت: 6:41

استاد پورپیرار با عرض سلام

پاسخ شما به آقای سرباز و مریم خانم در وجود هر منصفی ایمان آفرین است.آفرین بر ایمانی که اینچنین دیگران را سهیم می کند.

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 1 مهر1387 ساعت: 8:22

آقای تلمیذ. سایت کارنگ چندان فعال نیست ولی به هر ترتیب خبرش را به شما می رسانیم که لااقل سالی به طول خواهد کشید.

آقای بی نام. با این مخالفانی که بنیان اندیشان ذخیره کرده اند و جز فحاشی چیزی نمی دانند، وجود ایشان در بین دشمنان هم غنیمت است!

آقای توحید. ممنون. باید قابل حک و اصلاح باشد که یکی یکی از سایت آقای عابدی برمی دارم و کاری است نیازمند حوصله.

آقای... از همه بابت زحمت کشیده اید و ممنون. مقاله ای بی پایه و پریشان بود، از جمله در ذکر جاده ی ابریشم که توهمی مطلق است. از آن جا که محدوده و نقشه دقیق جغرافیایی برای یافته های خویش ارائه نداده بود، مطالب آن ذهنی می نمود.
اما به هر حال گامی به جلو در خزر شناسی و به ترین برداشت همان بود که در آخر مقاله ذکر شده بود: .Khazar studies are just beginning .

آقای حمید. اگر مستند تختگاه هیچ کس را ندیده اید، حتما با دقت تماشا کنید و یادداشت های ایران شناسی بدون دروغ را تماما بخوانید. به توضیحات کافی خواهید رسید.

نویسنده: بی نام

دوشنبه 1 مهر1387 ساعت: 10:3

استاد عزیز جناب آقای پورپیرار سلام علیکم وخسته نباشید

چنین غنیمتی حق دشمنان ماست,کرم خداوند مرزی ندارد هر که,هر چه را طلب کند به او می بخشد بخصوص انهایی که به خود واگذار شده اندبا این تفاوت که برای انها تمیزی در نعمت ونکبت روا نمی دارد.
ان شاالله از چنین غنایمی که از پیش ما رابه توهم باقفس پیش فاکتور کرده اند محروم بداردو آنان را نصیب دشمنان ما کند.امین یا رب العالمین.

نویسنده: بی نام

دوشنبه 1 مهر1387 ساعت: 10:28

جناب حکیمی سلام علیکم
نظرت صائب است باید در دارالیهودها به دنبال سقا زاده های واعظ گشت بخصوص از نوع میرزا که اگر روزی یهودی الاب بودنشان کشف شود مفر مادر سیدشان فریاد رس باشد.
بله دوست عزیز انان که بر سر هر گذر با تراکت وتابلو نماز را به نیاز ربط می دهند وروزه را برای ابوالفضل عباس می گیرندتا حقوقشان اضاف شود و نماز را به دستور فاطمه زهرا (س)می خوانندتا در اخرت بر رسوایهای دنیویشان حجاب بکشد بهره اعتقادیشان در رابطه با بهره مادیشان است و چه بسا از پس هر نذر چرتکه را برای جبران هزینه نذورات جهت تعیین نرخ روز بعد بدست می گیرند وچه بسیاراند در این دارالیهودفارس این به خیال خود مسلمانان و این همه از برکت وجودحاج میرزا سقازاده های واعظ و اوراد تحمیروتحمیق المومنین انهاست.
ان شا الله موفق و موید باشید.

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 1 مهر1387 ساعت: 14:6

آقای بی نام. به همت و کرم دوستی که خداوند دامادش کند، با مصاحبه ای آشنا شدم در روزنامه ی اطلاعات 21 شهریور، انجام شده با آقای ارفعی که می گویند خط ایلامی می خواند. به چند سطری از آن توجه کنید:

"س. استاد شاگردی دارید که راه شما را ادامه دهد؟
ج. نخیر!
س. پس بعد از شما چه کسی به کاوش در زبان ایلامی ادامه خواهد داد؟ آیا قصد ندارید یک خود آموز ایلامی بنویسید؟
ج. نه! چون در این جا هرکس که کتابی می خواند، استاد دهر می شود و این جای تاسف دارد. چند نفر از شاگردان ام که چند جمله پیش من درس خوانده اند، ادعای شان بیش تر از سواد من است که عمرم را در این راه گذارده ام. راست اش را بگویم من دل ام نمی سوزد. اگر کسی دوست داشته باشد، باید برود "جان بکند" و یاد بگیرد. من به لحاظ شاگرد بدشانس هستم...".

طبیعت امر بر این است که پیرزنی با چشمان آب مرواریدگرفته و نم دار بتواند گلیم بافی را به نوه پنج ساله اش بیاموزد، زیرا زیر و بم کار را می داند و گلیم باف ماهری است. حالا به حساب دانسته های آن آموزگار معمری رسیدگی کنید که از عهده ی پرورش شاگرد بر نمی آید!!؟ آیا این اعتراف به کار آن بحث نمی خورد که گفته ام کسی در جهان نمی تواند جز از راه مقابله با کتیبه های میخی داریوشی کلمه ای بابلی و ایلامی بفهمد؟!! در حال حاضر تمام بنیان اندیشان، به قول این گونه اساتید با جان کندن مشغول استخراج حقایق تاریخ و فرهنگ شرق میانه اند، زیرا به هر ظاهرا استادی رجوع کرده ایم، جز دروغ نمی دانست. آقای بی نام نسرین خانم نیز یکی از این اصطلاحا مشغول جان کندن هاست. دوستان، دشواری نوآموزی پیش خود و بدون راه نما را فراموش نکنند.

نویسنده: تلمیذ

دوشنبه 1 مهر1387 ساعت: 22:17

با سلام خدمت استاد پورپیرار کبیر و سایر دوستان
امروز به تورات نگاه مي كردم.جالب است كه تورات كه شجره نامه حضرت ابراهيم را از هبوت آدم(ع) مي داند،از معرفي حتي پدر و مادر حضرت موسي(ع) عاجز است.
كتاب خروج2:تولدموسي؛ و شخصي از خاندان لاوي رفته يكي از دختران لاوي را به زني گرفت.و آنزن حامله شده پسري بزاد و ...

سوال:اگر تورات بر موسي(ع) نازل شده است،پس كتاب پيدايش كه حوادث قبل از موسي را نقل مي كند بر چه كسي نازل شده است؟!
ديگر اينكه در كتاب خروج و شايد در كل عهد عتيق هيچ صحبتي از «تورات» نيست!!!
ديگر اينكه خداوند در قرآن كريم مي فرمايد ما به موسي(ع) «فرقان»عطا كرديم،كه اين تعبير براي قرآن كريم هم به كار رفته است.

نویسنده: علیرضا

دوشنبه 1 مهر1387 ساعت: 23:30

سلام
وقتی صحبت از قم برای همکلاسیم مطرح نمودم مثل کسی که ازجهنم بهراسد ترسید دو روزی هست که ندیدمش غیبش زده .ولی خدمت دوستان عرض کنم من خودم به قم رفتم(با تاکسی صلواتی که هم سریعتره هم باحالتره)بهم خاطر جمع شد که مسلمان حقیقی ام واون دوست وهابی (نمیدونم معنیش چیه؟)وبایست ازش دوری کنم فکر کنم تلمیذ شما هم وهابیه مگه نه؟

نویسنده: عثمان محمدی

سه شنبه 2 مهر1387 ساعت: 0:55

با سلام
هر روز که سپری می گردد نظریه های استاد پور پیرار یک به یک اثبات می گردند .
بر اساس نظریه ی استاد امام زاده ها فاقد سندیت بوده و در 500 سال اخیر به سفارش کنیسه و کلیسا بوجود آمده اند .
در رابطه با خبر بستن قبر ابولولو آه از نهاد مدرسه مطالعات شرقی دانشگاه لندن در آمده است !!!
:
http://www.rozanehmagazine.com/SeptOcto7/Aramgahe_firooz%5B1%5D.pdf

نویسنده: دوست

سه شنبه 2 مهر1387 ساعت: 3:8

استاد

در ادامه ی حرفای تلمیذ بگم یک شیعه پاشو کرده بود به یه کفش هی میگفت اناجیل تحریف شده نه آن قدر که تو میگی (یعنی کلا تحریف نشده !!!)

این آیه رو آوردم : وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَاةَ وَالْإِنْجِيلَ - 48 - آل عمران

و به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل می آموزد.

گفتم منظور شما این است که خداوند اناجیل «متی»، «مرقس»، «لوقا» و «یوحنا» را به عیسی بن مریم می آموزد !!!

گفت تو فحش میدی ! جوابتو نمی دم !

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 2 مهر1387 ساعت: 3:29

آقای دوست. ایشان چند کتاب مفید دیگر هم از جمله در رد شخصیت و دیوان حافظ نوشته اند که قابل استفاده است. ضمنا لینک ارسالی شما اشکال دارد و باز نمی شود.

آقای ایزدی. اشتغال به ویراستاری دشوار کتاب پاپیروس های اسلامی، اندکی تمام کارها را به تعویق انداخته است. به چشم!

نویسنده: ویرگول

سه شنبه 2 مهر1387 ساعت: 17:12

http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=52712

چرا پیش نمی رویم
وقتی دروغ کنتور ندارد...

ماجرای معروف بیل کلینتون و منشی اش مونیکا لوینسکی ، هر چند در ایران به رسوایی جنسی رییس جمهور آمریکا تعبیر شد،اما در خود ایالات متحده بیش از آنکه روابط خصوصی این دو مد نظر باشد، دروغی که رییس جمهور گفته و مدعی عدم وجود چنین رابطه ای شده بود، برایش گران تمام شد و یک رابطه جنسی را تبدیل به

یک رسوایی سیاسی کرد.
...

آیا جز این است که دادن وعده های پر طمطراق در ایام انتخابات و بعد، زیر آن وعده ها زدن، در جامعه امروز ایران یک مساله متعارف شده است؟
آیا دادن آمارهای غیرواقعی نمی تواند مصداق دروغ باشد؟ آیا نسبت دادن مشکلات جامعه به موجودات موهوم و مدام دم از معرفی آنها و البته معرفی نکردن صداقت است یا دروغ پردازی؟

از زمانیکه به مدیران کشور توصیه شد برای دلگرم کردن مردم آمار دروغ ارائه کنند یعنی از دوره سازندگی بتدریج دروغ گویی رواج یافت

از سال 60 به بعد......
از 1300 به بعد..........

نویسنده: ویرگول

سه شنبه 2 مهر1387 ساعت: 17:13

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=61409

جمکران دوم کجاست؟
اطلاع‌رسانی و تبلیغات متعددی درباره این مسجد با عنوان «جمکران ثانی» انجام شده که در تمام این تبلیغات تاکید می‌شود مسجد محدثین «تنها مسجدی است که به دستور مستقیم امام زمان (عج) ساخته شده است».

مهدویت جدید

نویسنده: ویرگول

سه شنبه 2 مهر1387 ساعت: 17:15

كشف كوزه حاوي سكه‌هاي طلا در شاهرود
ماموران پس از تحقيق از منابع محلي و كارگران شركت پيمانكاري پي بردند يك كوزه

با 15 قطعه سكه طلا، دو حلقه گوشواره طلا و يك قطعه انگشتر نقره با قدمت تاريخي مربوط به دوره اسلامي توسط كارگران به دست آمده است.

انگشتر و گوشواره و سکه انگشتر انگشتر انگشتر انگشتر انگشتر انگشتر انگشتر ....

برای گوش و دست چه کسانی و سکه طلا برای خرج کردن در کدام بازار؟!!

نویسنده: دوستانه

سه شنبه 2 مهر1387 ساعت: 17:33

پروژه ساخت جمکران دوم
http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=61409
آفرینش هان به دست حضرت زهرا و اعتراض تلویحی سنی نیوز:
http://www.sunni-news.com/?p=809

نویسنده: آلین

سه شنبه 2 مهر1387 ساعت: 18:20

نام چالدران همیشه بوده و الان هم هست . منطقه چالدارن دونیمه است نیمی دیگر در ترکیه و قسمت کوچک آن در ایران است. شهری هم به همین نام هست که مردم آذربایجان به آن چالدران و دولت سیه رود (siah rood) می گوید . در نقشه می توانید ببینید.

نویسنده: يك فاشيست

سه شنبه 2 مهر1387 ساعت: 21:13

به شرفم قسم و به روح پيشوا آدولف هيتلر و به تمام شاهنشاهان ايران باستان سوگند به زودي مي كشمت... حتي اگه به قيمت شكنجه و كشته شدن خودم باشه.... من يه فاشيست هستم مطمئن باش كاري رو كه گفتم مي كنم اي نمك به حرام...

نویسنده: از اصول كافي (1)

سه شنبه 2 مهر1387 ساعت: 21:21

o مسواک زدن در حمام باعث درد دندان میشود! ـ (منبع: من لا یحضره الفقیه ـ جلد یک، ص. ۵۳)

o در ادرار ائمه آلودگی نیست! � 'لیس فی بول الائمه استخباث' � (منبع: انوار ولایه، ص. ۴۴۰)

o خوردن آب در حالت ایستاده در شب باعث زردی میشود! � 'شرب الماء من قیام باللیل یورث ماء الاصفر' ـ (منبع: اصول کافی جلد ۶-ص۴۹۸)

o نگاه کردن به آلت تناسلی زن باعث کوری میشود! � 'النظر الی فروج النساء یورث العمی'- (منبع : من لا یحضره الفقیه -جلد ۳ ص۵۵۶)

o آه اسم خدا ست!- 'آه اسم من اسماء الله الحسنی' - مستدرک الوسائل جلد ۲ ص۱۴۸

o ملکی بنام خرقائیل هست که ۱۸ هزار بال دارد و بین هر بالش پنجاه سال زمان برای دیدن لازم است! ـ 'ان لله ملکا یقال خرقائیل له ثمانیه عشر الف جناح مابین جناح الی جناح خمس مائه عام' � (منبع : کتاب البرهان جلد، ۲ ص. ۳۲۷)

o ملکی هست که اسمش منت و همیشه بالای قبر امام حسین است ! ـ (الکافی جلد ۴ ص ۵۸۳)

o امام ده علامت دارد از جمله آنها ختنه شده بدنیا می آید!، با پا وبراحتی متولد میشود!، جنب نمیشود!، اگر بخوابد قلبش بیدار است، چشمش میخوابد ولی قلبش بیدار است!، همانطور که از جلو میبیند از عقب هم میبیند! ـ 'یولد مطهرا مختونا و لا یجنب و تنام عینه و لا ینام قلبه و یری من خلفه کما یری من امامه' ـ (منبع : اصول کافی جلد یک ص ۳۱۹ کتاب حجه باب موالید الائمه)

نویسنده: تلمیذ

سه شنبه 2 مهر1387 ساعت: 21:24

با سلام خدمت استاد پورپیرار کبیر و سایر دوستان
استاد پرحرفي هاي حقير را ببخشيد.

آقاي عليرضا:

گرچه فكر مي كنم شوخي مي كنيد ولي با اينحال؛
1-براي درك بسياري از مسائل هنوز خيلي جوانيد.
2-وقتي سطح فكر دانشجوي ما مانند شما و امثال شماست، كه واي به حال عوام الناس ما!!! ،خيلي وقتها به جهودها حق مي دهم ما را «قويون» بنامند.
3- من فكر مي كنم منظور استاد پورپيرار از ارجاع دوستان به قم به اين دليل است كه ايشان مورخ هستند و نه معلم دين!!!آنهايي كه درقم نشسته اند چنين ادعاهايي دارند و سوالات ديني را بايد از مراجع پرسيد!!! ارجاع استاد به قرآن كريم بيشتر از ديدگاه تاريخي موضوعات است،با علم به اينكه قرآن كريم تنها متن بي نقص در دسترس بشر است.

نويسنده: از اصول كافي (2)

سه شنبه 2 مهر1387 ساعت: 21:24

o امام زمان لخت و عریان ظاهر میشود! ـ 'انه سیظهر عاریا امام قرص الشمس' ـ (منبع: حق الیقین، ص. ٣۴٧)

o ابن بابویه روایت میکند که ابی عبد الله مردی را دید که کفش سیاه پوشیده فرمود چرا کفش سیاه پوشیدی، مگر نمی دانی کفش سیاه نور چشم را کم میکند و مردانگی را ضعیف میکند؟ . بر تو باد پوشیدن کفش زرد که نور چشم را زیاد میکند و باعث قوت مردانگی میشود!. ـ 'عن ابی عبد الله انه رای رجل و علیه نعل سوداء فقال مالک و لبس السوداء؟ هی تضعف البصر و ترخی الذکر و���' ـ (منبع : کتاب خصال شیخ صدوق ..ابن بابویه باب سوم جلد یک، ص. ٩٩)

o روایت از علی (ع): اولین حیوانی که پس از رسول خدا(ص) از دنیا رفت عفیر خر رسول خدا بود! این خر با رسول خدا صحبت کرده بود ! و گفته بود : پدر و مادرم فدای تو، پدرم از قول پدرش و از قول جدش و جد جدش و ..نقل کرده که نوح (ع) جد من را در کشتی گذاشت و به مردم گفت ای مردم از نسل این خر، خری متولد میشود که رسول خدا بر او سوار میشود، و من خوشحالم که آن خر هستم ! ـ 'عن امیر المومنین علی قال ان اول شیی من ادواب توفی هو عفیر حمار رسول الله ذالک الحمار کلم رسول الله فقال بابی انت و امی ���' ـ (منبع: اصول کافی جلد ١ ص ١٨۴ـ کتاب الحجه باب ما عند الائمه من سلاح رسول الله)

o از امام حسن (ع) روایت شده است که ایشان فرمود برای خداوند دو شهر است (خدا دو شهر دارد) یکی از انها در مشرق است و یکی در مغرب، و در آنها ۷۰ میلیون زبان و جود دارد! و من همه آن زبانها را میدانم! ـ 'عن ابی عبد الله الحسن قال ان لله مدینتین احداهما بالمشرق و اخری بالمغرب و فیها سبعون الف الف لغه و انا اعرف جمیع تلک اللغات' ـ (منبع: اصول کافی - جلد یک - ص ۳۸۴ و ۳۸۵ باب مولد حسن ابن علی)

نویسنده: از اصول كافي (3)

سه شنبه 2 مهر1387 ساعت: 21:24

o خوردن خاک نفاق می آورد! � 'اکل الطین یورث النفاق' ـ (منبع: الکافی جلد۲- ص۲۶۵). خوردن خاک حرام است مثل خون و مردار و گوشت خوک اما خوردن خاک قبر امام حسین باعث شفاء از بیماریها میشود! . ـ 'اکل الطین حرام مثل المیته و الدم و لحم اخنزیر الا طین قبر الحسین فیه شفاء من کل داء'- (منبع: اصول کافی جلد ۳ - ص ۳۸۷)

o توسل به امام موسی کاظم باعث جلای چشم میشود!.ـ ' التوسل بالامام موسی الکاظم ینفع لوجع العین' ـ (منبع : باقیات الصالحات ضمیمه مفاتیح الجنان -شیخ عباس قمی ص ۷۴۵)

o امام حسین(ع) از سینه حضرت زهرا شیر نخورد بلکه پیامبر انگشتش را در دهان او میگذاشت و او می مکید و برای سه روزش کافی بود!. ـ ' لم یرضع الحسین من فاطمه (س) و لا من انثی کان یوتی به النبی (ص) فیضع ابهامه فی فمه فیمص منها ما یکفیه الیو مین و الثلاث '۔ (منبع: اصول کافی کتاب الحجه - باب مولد حسین ابن علی)

o پیامبر از ابوطالب شیر میخورد! ـ ' لما ولد النبی (ص) مکث ایاما لیس له لبن فالقاه ابو طالب علی ثدی نفسه فانزل الله فیه لبنا فرضع منه ایاما' ـ (منبع: اصول کافی - کتاب الحجه - باب مولد النبی(ص) - جلد یک ص ۳۷۳)

o فاطمه زهرا (س) حیض نمیشده است! ـ 'عن ابی الحسن قال ان بنات الانبیاء لا یطمثن' ـ (اصول کافی ـ کتاب الحجه ـ باب مولد الزهراء ـ جلد یک ص. ۳۸۲)

نویسنده: تلمیذ

سه شنبه 2 مهر1387 ساعت: 21:25

- پيشنهاد مي كنم اولا"، منبعد نماز عصر را نماز دوم ظهر و نماز عشا را نماز دوم مغرب بناميد.چون مثلا"به نماز جمعه به اين دليل نماز جمعه مي گويند كه در روز جمعه برگزار مي شود.نمازهاي ديگر هم همينطور! پس چه لزومي دارد نمازي كه ظهرها و همراه اذان ظهر خوانده مي شود را نماز عصر بناميد،مگر اينكه براي عصر تعريف ديگري داشته باشيد!!!ثانيا"كسي كه خود در عالم غيب به سر مي برد لزوما" از عوالم غيب و درد دلها و دعاها و داد و فغان و روزگار مردم با خبر است.لزومي به نوشتن نامه نيست.اما براي راحتي شما و آقا پيشنهاد مي كنم يك صندوق پستي در تهران و يا قم براي نامه نگاري هايتان تهيه كنيد.چه لزومي به انداختن نامه به درون چاه هست؟!!!آنهم در دل يك بيابان برهوت؟!!!آيا او اينقدر مردم گريز و خجالتي تشريف دارند.پس با چه جرآتي مي خواهد بر عليه كفر جهاني با آن قدرت شيطاني اش قيام كند؟!!!
5- هر جا جلوي يك نقد علمي بر موضوعي را با خشونت مي گيرند(در هرجاي دنيا) مطمئن باشيد كه حقيقتي را پنهان مي كنند.آقايان اگر راست مي گويند اجازه بدهند همه چيز آزادانه نقد شود تا بر همگان معلوم شود كه تئوري تمامي فرق اسلامي چقدر سست و بي بنياد است و اختلافات شيعه و سني و فرقشان بر سر هيچ و پوچ است.
6-طبق ادعاهاي خود آقايان،آقا دين جديدي نمي آورد.او فقط مي آيد تا به مردم بگويد كه ايهالناس شما از اسلام اصيل و فرامين قرآن كريم دور شده ايد.به قرآن كريم برگرديد.خب مگر حال استاد پورپيرار كه اينهمه دشمن مهدوي دارد حرفي جز اين مي زند؟!!!چه فرقي مي كند كه حرف حق از زبان چه كسي صادر مي شود؟!!! كس مهم نيست!!!

نويسنده: از اصول كافي (4)

سه شنبه 2 مهر1387 ساعت: 21:25

o در روایت است که علی (ع) با رسول خدا به مسافرت رفت و عایشه همراهش بود و تنها یک لحاف همراهشان بود ! و علی میگوید رسول خدا بین من و عایشه خوابید ! و هنگامیکه رسول خدا شب برای نماز شب بر خاست من و عایشه در یک لحاف بودیم ! - ' قال علی سافرت مع رسول الله و کان له لحاف لیس له لحاف غیره و معه عائشه و کان رسول الله ینام بینی و بین عائشه فاذا قام الی اللصلوه اللیل ���..' - (منبع: بحار الانوار جلد ۲ - ص ۴۰ دار احیاء التراث العربی - بیروت بحار الانوار ص. ۲۹۷)

o هنگامیکه امام حسین به شهادت رسید بین امام سجاد و محمد ابن حنفیه فرزند علی(ع)

بر سر امامت اختلاف افتاد �محمد ابن حنفیه به امام سجاد گفت تو خودت بهتر میدانی که من از تو لایق تر هستم و امام سجاد در جواب گفت پاسخ تو را حجر الاسود میدهد ! و دعوت کرد که به آنجا بروند ..آنگاه محمد ابن حنفیه حجر الاسود را صدا زد و هیچ جوابی نشنید اما تا امام سجاد حجر الاسود را صدا زد حجر به صدا در آمد و گفت امامت مال علی ابن الحسین است و نزدیک بود حجر الاسود از جا کنده شود! ـ 'لما قتل الحسین (ع) ارسل محمد ابن الحنفیه الی علی ابن الحسین و ��' ـ (منبع: اصول کافی ـ جلد یک ص ۳۴۸ اعلام الوری للطبرسی ۲۵۸)

o علی(ع) بر روی ابرها پرواز میکند ! . خداوند ابرها را برای علی مسخر ساخت و او شرق و غرب عالم را درنوردید! . ـ 'ان الله سخر لعلی السحاب فکان یسیر فی الارض شرقا و غربا' ـ (منبع: تفسیر المیزان جلد ۱۳ ـ ص ۳۷۲ بحار الانوار جلد ۳۹ ـ ص ۱۳۸)

o رعد و برق آسمان از تدبیر علی است! . ـ ' قال ابو عبد الله علیه السلام .. ماکان من هذا الرعد فانه من امر صاحبکم قلت من صاحبنا؟ قال امیر المومنین علی

نویسنده: تلمیذ

سه شنبه 2 مهر1387 ساعت: 21:25

-در رابطه با صيغه؛
در قرآن كريم به مونين امر مي شود كه مردان بي زن را زن و زنان بي شوهر را شوهر بدهيد تا كسي مجرد نماند و اگر كسي توانايي ازدواج نداشت خويشتندار باشد تا خداوند گشايشي در كارش ايجاد كند.خب اگر صيغه جايز بود كه لااقل به مردان بي زن مي فرمود برويد زن صيغه كنيد!!!!وانگهي اگر صيغه فحشا نيست پس چيست؟!!!آيا آنهائيكه صيغه را حلال مي دانند حاضرند زنان بي شوهر فاميلشان (مثلا خواهر خودشان)صيغه اين و آن بشود؟!!!

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 2 مهر1387 ساعت: 22:27

آقای آلین. از کجا دریافته اید که نام چالدران همیشه بوده است مثلا چالدران پیش از عهد صفویه کجا ثبت است؟

آقای فاشیست. معلومه اشتباها بهت کراک خالص فروختن! جنبه داشته باش پسر، دو سه ساعت دیگه حال ات خوب میشه!

آقای تلمیذ و اصول کافی. بی شک و به خواست خداوند، بیداری اسلامی، از میان سردم داران شیعه یک علامه عسکری دیگر را به صحنه خواهد فرستاد تا نقد اسناد تشیع را وسعت دهد. باید همین آرزو را برای صاحبان رای در دیگر فرق اسلامی نیز آرزو کرد. حقیقت این که در باب دوراندیشی اسلامی، تشیع با نمونه کتاب های 150 صحابه ی ساختگی و اسلام و شمشیر از دیگر فرق پیشتازتر است.

نویسنده: استاد کورش آریایی

سه شنبه 2 مهر1387 ساعت: 23:43

به نام اهورامزدای جان و خردمند

نوشتنی شکوهمند

مصاحبه ی صندوقچه ی نقد با یکی از شاگردان سابق توبه نموده ی استاد نا سواد ناصر پورپیران (1)

را در تارزان صندوقچه ی نقد خواندن بنمایید.

وب سایت

نویسنده: سلام استاد

سه شنبه 2 مهر1387 ساعت: 23:56

سلام استاد
می خواستم خواهش کنم منت گذارید و در مورد نام بغداد بیشتر ما را راهنمائی کنید:
1) قبل ترها شایع بود بغ کلمه ای فارسی به معنای خدا است و بغداد هم یعنی خداداد. اما زمانی بعد روشن شد در یک سند قضایی مربوط به عهد حمورابی در اوایل هزاره دوم قبل از میلاد هم کلمه ی بغداد وجود دارد. یا در اسناد متعلق به زمان پادشاه کاسی بابل (نازی مارو تاش) در 14 قرن پیش از میلاد یا در اسناد سده های دوازدهم و نهم قبل از میلاد نیز این نام وجود دارد. حتی در تلمود، بغداد را با تلفظ بگدثا می بینیم. این سوابق چیست ؟ آن نوساز بودن که شما می فرمائید کدام است ؟

2)اگر بغداد جدیدالتاسیس است پس تکلیف خلفای عباسی چه می شود؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 3 مهر1387 ساعت: 0:29

آقای سلام. سه جلد کتاب پلی برگذشته و یادداشت 177 را بخوانید.

استاد کورش آریایی. این نقد آخرین شما کمر بنده را شکافاند. به سبک داریوش هخامنشی بگویم: ذلیل بشی الهی.

نویسنده: مجید

چهارشنبه 3 مهر1387 ساعت: 0:36

به این آدرس نگاه کنید آخرین معبد مانوی ئنیاس(آخرای صفحه)جالبه که عکس مانی رو هم گذاشته چیزی شبیه بودایه!
http://www.riverart.net/china/persian

نویسنده: آیدین یاشار

پنجشنبه 4 مهر1387 ساعت: 22:43

با کسب اجازه از خدمت استاد،
آقای رضای گرامی:
من قصد رنجش خاطر عزیز شمارا نداشتم و صرفا میخواستم تاکید کنم که "عقد آخوندی" به معنای ازدواج موقت نیست و دقیقا یک ازدواج قرآنی است. مساله مهم این که، جمهوری ترکیه نخستین جمهوری مدرن با ماهیت لائیک در دنیای اسلام است که کارنامه هشتاد و چندساله آن برای همه ما ممکن است عبرت برانگیز باشد. مشاهدات من حاکی از آن است که اعتقاد صادقانه به اسلام در شرائط لائیک آن کشور ادامه داشته و حتی ریشه دارتر شده است. حال اگر رد پای یهود را در این یا آن جنبه حیات سیاسی آن کشور نیز پیدا کنیم، دلیلی بر تخطئه اصول لائیک آن کشور نیست، زیرا رد پای یهود و ایده های مصور در پروتکل زعمای صهیون در همه کشورها وجود دارد. اینک آشکار شده است که اسحاق نیوتون از حلقه های رابط تشکیلات صهیون و پروتکل معروف آن بوده است، ولی این به معنای بطلان اندیشه های وی در زمینه قوانین حرکتی اجسام نخواهد بود. قوانین حرکتی نیوتون در حوزه اجرام سنگین با سرعت بالا یا ذرات اولیه

نیاز به تجدید نظر داشت که آن هم توسط صهیونیست دیگری به نام اینشتین انجام گرفت. این توضیحات را از آن جهت آوردم که نشان دهم، با آنکه یهود پرچمدار اصلی دروغ پراکنی در جهان با سابقه چندین هزار ساله است، وجود ردپای یک یهودی حتی از نوع صهیونیست آن همواره مترادف با کشف نوعی دروغ یا دغلکاری نیست و باید برای تشخیص حقیقت از دروغ موشکافی بیشتری بکنیم، که استاد با تحمل زحمات زیاد و پیگیری بی نظیر خود به این کار مشغولند و ما از برکات آن بهره مند میشویم.

۱ ۲

ایران شناسی 177

ایران شناسی بدون دروغ، 177، ماجرای بغداد - 45 نظر

نویسنده: صمیمی

چهارشنبه 3 مهر 1387 ساعت: 0:42

دو اشاره بی توضیح مانده یکی ماجرای جنگ و از آن به موضوع بحث مربوط تر سلسله عباسیان!

نویسنده: استاد کورش آریایی

چهارشنبه 3 مهر 1387 ساعت: 1:10

به نام اهورامزدای جان و خردمند

نوشتنی شکوهمند

مصاحبه ی صندوقچه ی نقد با یکی از شاگردان سابق توبه نموده ی استاد نا سواد ناصر پورپیران (1)

را در تارزان صندوقچه ی نقد خواندن بنمایید.

وب سایت

نویسنده: میثم+++

چهارشنبه 3 مهر 1387 ساعت: 3:53

با سلام
کوروش خان دست مریزاد . از این مجتبی غفوری خبری داغ برایتان دارم .او نه تنها توبه کرده است بلکه چنان که این روزها رسم است افطار را در کنیسه ای دعوت شده بوده از قرار معلوم از آنجایی که این استاد پورپیرار باعث آجر شدن نان خیلی ها

شده این موضوع دامن او را هم گرفته و تازه کسی دیگر حاضر نیست به او دختر بدهد او هم برای اینکه به همه ثابت کند توبه او از ته دل بوده با موهای بافته شده و کلاه مخصوص در مراسم افطاری کنیسه شرکت کرده که این موضوع با استقبال خاخام ها روبرو شده .بدین ترتیب او نه تنها از استاد پورپیرار بریده بلکه از اسلام هم خارج شده .

در ضمن درخواستی داشتم اگر ممکن است از یک دهن لق هم که از آنوسی های مطرح این وبلاگ است و همیشه ستاره داودش را در زیر لباسش پنهان می کند مصاحبه ای به عمل آورید .می دانم کارتان با این آدم مقداری سخت است ولی به زحمتش می ارزد فقط مراقب باشید در حین صحبت با او کلامی از دهانتان در نیاید که در چشم به هم زدنی همه با خبر خواهند شد **!!!**

نویسنده: رضا

چهارشنبه 3 مهر1387 ساعت: 7:13

سلام استاد.
آیا مقالات " اسلام و شمشیر " به صورت کتاب منتشر شده است؟
چگونه میشود که نسخه ای از این کتاب را جهت ارسال به خارج از کشور تهیه کرد؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 3 مهر1387 ساعت: 7:30

آقای ایزدی. چنین بهانه گیرانی نسبت به قرآن، منکران خداوندند و قصد اصلی و پنهان آن ها، قرار دادن سخنان مشکوک این و آن، در جای کلام خداست. مگر آن دوست شما رکعات نماز را از احادیث برداشته است. نحوه ی برگزاری نماز، مانند بسیاری از دیگر مراسم و معتقدات معمول زندگی، چون عروسی و عزا و غیره ماخوذ از سنت های متعارف و مانده از منشایی نامشخص است که نمی توان جواز صحت روایات و احادیث قرار داد، چنان که مسلمین ختنه را بر مبنای سنت انجام می دهند نه الزام قرآنی**!** در این باب بحث مفصلی می توان مفتوح کرد که انشا' الله به بخش دوم اسلام و شمشیر منتقل و محول خواهد شد.

آقای رضا. اسلام و شمشیر با تکنیک چاپ لیزری به صورت کتاب درآمده است. در پیام خصوصی آدرس بفرستید، ارسال خواهد شد.

آقای میثم. پیشنهاد شما چیست؟ کارگردانی مستند بعدی را به چه کسی محول کنیم؟

آقای صمیمی. این جا محل گفت و گو از جنگ نیست مگر در ورود به تاریخ جاری و در باب بنی عباس در کتاب های پلی برگذشته گفته ام و به امید خدا باز هم اشاراتی خواهم آورد.

نویسنده: حسین محمدی

چهارشنبه 3 مهر1387 ساعت: 11:55

سلام جناب استاد پورپیرار .... خسته نباشید و بابت مطالب همیشه روشنگرتان , به شماخسته نباشید می گویم .... سئوال بنده در مورد اشاره شما به خواندن کتیبه میخی داریوشی بیستون است .... ترجمه آن چگونه انجام شده است ؟ آیا مکانیزم ترجمه آن بر مبنای اصول محکم و قابل دفاع انجام شده است ؟ منظورم اینست که ترجمه واژه های موجود در کتیبه را چگونه انجام دادند ..... موفق باشید .

نویسنده: دوست

چهارشنبه 3 مهر1387 ساعت: 13:0

استاد پورپیرار

سلام بسیار عالی بود .

اینم لینک اصلی دانلود تضاد مفاتیح الجنان با قرآن

http://www.aqeedeh.com/ebook/view_book.php?rowID=273

اگه ممکنه برای استفاده دوستان در سایت ناریا هم نصب بشه .

اون یکی کتاب رو هم اگه تو اینترنت بود می گذارم.

نویسنده: دوست

چهارشنبه 3 مهر1387 ساعت: 13:4

دعاي ندبه و خرافات آن

http://www.aqeedeh.com/ebook/view_book.php?rowID=264

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 3 مهر1387 ساعت: 13:7

آقای محمدی. ممنون. داستان موجود در باب رمز گشایی حروف میخی داریوشی، تا حدود زیادی قابل قبول است. مشکل در این است که هنوز نمی دانیم آن حروف و کلماتی را که بازخوانی و ترجمه کرده اند، واقعا همان است که در اصل سنگی کتیبه وجود دارد یانه؟ در حال حاضر کسانی مشغول این تجسس و بازخوانی اصل کتیبه ی بر سنگ اند و شواهد مقدماتی نشان می دهد که آبرو ریزی بزرگی برای ایران شناسی بین المللی و باستان شناسی غرب در راه است.

نویسنده: رضا صدیقی

چهارشنبه 3 مهر1387 ساعت: 13:8

تورات بخوانیم:
«واي به حال من از دست خاندان «بوئتوس» و واي به حال من از دست تازيانه‌هاي آنان، واي به حال من از دست خاندان «هانيم» به علت سخن‌چيني‌ها و تدابير زشت و توطئه آنها، واي به حال من از دست خاندان «كاتروس» واي بر من از قلم‌هاي آنان، واي به حال من از دست خاندان «اسمعيل پسر «فيابي» واي به حال من از گره مشت‌هاي آنان، چون آنان خود را «كهن گادول» مي‌دانند و فرزندان آنان خزانه‌داران هستند و دامادهاي آنها معتمدين حكمران‌ها هستند و مزدوران آنان مردم را به تازيانه مي‌زنند».

تلمود - توسفتا- مناحوت 13: 21

وب سایت

نویسنده: میثم+++

چهارشنبه 3 مهر1387 ساعت: 14:22

استاد شما خودتون خوب می دونید که مطالب شما احتیاج به کارگردان نداره چون خود شما بهترین کارگردان هستید .این یک کارگردانی حساب شده و دقیق بوده که از ابتدا با برنامه ریزی جلو رفته طوری که همون استوری بوردهای اولیه شما هم گویای همه چیز بودند.امثال مجتبی غفوری فقط باید در سراسر عمر دست بوسیتون رو کنند .در ضمن اون قضیه هم با این حال که قبلا بیخ پیدا کرده بود تموم شد البته کی چوبش رو بخوریم معلوم نیست!!!

جناب .. عزیز من از نزدیک این پسره گیس بلند رو میشناسم بعضی ها فکر می کنن من خودشم که اشتباه می کنن ولی باید بگم این قضیه کاملا اشتباه و اصلا موضوعی مطرح نیست .

نویسنده: حسین محمدی

چهارشنبه 3 مهر1387 ساعت: 15:3

جناب آقای دوست..... لینکهای شما را دیدم .... دوست عزیز میدونی مشکل چیه ؟ مشکل اینه که این تیپ بحث ها مثلا" در مورد مفاتیح و غیره از طرف نویسنده آن مطلب و امثالهم و یا مصحح کتاب " تضاد مفاتیح الجنان با قرآن " که اسحاق نامی می باشد , بنیان اندیشانه نیست . مثلا" در همان سایت " کتابخانه عقیده" شما تمامی مطالبی که در مورد اصحاب پیامبر از ابوبکر گرفته یا ابو هریره و هزاران هزار اسم دیگر در قرون اولیه اسلام را یه نگاه بنیان اندیشانه بیندازید (شبیه همان نگاهی که آقای پورپیرار به ما یاد داده است) و یه تکونی به آنها بدهید بنظر شما چیزی می ماند ؟ گیج کردن و شلوغ بازی و بحث های انحرافی فقط و فقط برای اینه که بنیانی نگاه کردن همه گیر نشود . میگی نه ؟ ادرس ایمیل نویسندگان آن کتاب و نیز آقای اسحاق نوشته شده است . یک ایمیل به آنها بزن و کتاب اسلام و شمشیر را به آنها معرفی کن ببین عکس العمل چیه ؟ بعدش به ما حتما" بگو ...

نویسنده: آنوسی اصلی اورجینال(خراسان)

چهارشنبه 3 مهر1387 ساعت: 15:9

جناب میثم یک بار دیگر بفهمم عنوان آنوسی را به کس دیگری داده اید من میدانم وشما**!!!**آخه هر کاری راه و رسمی داره مگه شوخیه شما تاریخ یک ملت رو به کسی بدی؟تا اطلاع ثانوی بدون ارائه مدرک کسی حق استفاده از عنوان آنوسی رو نداره**!**

نویسنده: حکیمی

چهارشنبه 3 مهر1387 ساعت: 17:55

جناب محمدی واقعا جانانه گفتی**!**

نویسنده: یعقوب بزرگ

چهارشنبه 3 مهر1387 ساعت: 15:40

فرزندان من.
با هم درگیر نشوید.
مگر نمی بینید اوضاع چگونه است؟
همان گونه که نیروها را اشمیت برای تخریب بناهای ایلامی تخت جمشید گسیل داشت، نیروهای دیگری را هم برای تکمیل آن بفرستید.
حد اکثر 5 سال با تکنولوژی امروز زمان می برد.
به بهانه ترمیم مثل مسجد اصفهان تعطیل کنید و کارگران را بفرستید.
چند سال دیگر را که شما ها نمی بینید.
این یک نمونه.
بکوشید.

نویسنده: آلتین

چهارشنبه 3 مهر1387 ساعت: 19:43

وای بر ملتی که بر استخوان هایش افتخار کند. (جوابی به استاد کوروش آریایی)

نویسنده: آلتین

چهارشنبه 3 مهر1387 ساعت: 20:1

در ترکی یک ضرب المثل هست که می گه: (ایت هاپیل دییر کاروان گچیر) سگ پارس می کند و کاروان می گذرد. آقایون زیاد به حرف های این پارس های جعلی نگاه نکنید این ها بین کشور های جهانی آبرو ندارند مثالش اینه که مشعل المپیک رو از ایران (که راه ابریشم ازش میگذره) نگذروندن و از کشور های عربی (که اینا ملخ خور می گن بهشون) گذروندن و اصلا ایران رو به حساب نمی آورند اما اینجا متاستفانه ما (ترک ، کرد ، عرب، لر ،بلوچ)ذ داریم به آتیشه اینا می سوزیم. به امید کشور بدون حرکات نژاد پرستی. به امید کشور عاری از سگ

نویسنده: آلین از تهران

چهارشنبه 3 مهر1387 ساعت: 20:12

یه روز یه دوستی از هند که برای تحصیل در فوق لیسانس و دکترا رفته بود برگشت. (از اون پارس دوست های دو آتیشه بود) تو یه مهمونی بعد از صرف شام داشتم باهاش گپ می زدم و همون طور سر به سرش. داشتم کوروش و داریوش و چیزهایی که به تمدن عزیم پارس ها مربوط می شد رو پیشش مسخره می کردم (چون اینطوری عصبانی می شد و چهرش دیدنی) بهم گفت دیگه دست از سرم بردار دیگه آدم شدم . گفتم چه جوری چه عجب . گفت یه روز تو دانشگاه تو هند داشتم از تمدم پرشیا با آب تاب تعریف می کردم استاد رفت بیرون و برگشت و با تعدادی اسناد کتاب و ... اومد تو کلاس خلاصه با آوردن دلیل و مدرک ثابت کرد که این حرفا همشون دروغ و ریا و جعلی است و من رو خیت کرد و من داشتم از خجالت آب می شدم . خلاصه از این حرف ها می خواستم بگم که اینا تو دنیا آبرو ندارند در ممالک اروپایی اکثر مردمشون نمی دونند که ایران کجای خاور میانه است تا بیایند و با تمدن پرشیا آشنا باشند.

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 3 مهر1387 ساعت: 20:33

آقای دوست. بر آن کتیبه ها هیچ مطلبی که قابل خواندن باشد، ثبت نیست، ولی لااقل پانصد سطر ترجمه دارد. روزی که حساب رسی های فرهنگی در این سرزمین و جهان باب شود، لااقل پنجاه دپارتمان در دانشگاه های غرب که در زمینه ی ایران شناسی فعال بوده اند، به طویله تبدیل می شود.

آقای رضا از کانادا. کتاب اسلام و شمشیر به صورت پی. دی. اف و کامل در سایت www.naria.ir آماده است. اگر پرینت و سیمی کنید بسیار سریع تر و ارزان تر دریافت خواهید کرد.

آقای الدنیز. فردا موضوع را تعقیب خواهم کرد.

وب سایت

نویسنده: امیر عماد

چهارشنبه 3 مهر1387 ساعت: 21:31

با سلام به همه
برای رضا
این آدرس ترجمه عربی اسلام وشمشیر است که با توجه به بررسی و مقایسه ای که با متن فارسی کردم کلمه به کلمه ترجمه شده است وهیچ تفاوتی با مقدمه فارسی ندارد شاید ترجمه ای که مورد نظر اقای پورپیرار باشد و جملاتی از ان حذف شده اند این نباشد.thx
http://pourpirarism.blogspot.com/2008/01/blog-post.html

نویسنده: رضا صدیقی

چهارشنبه 3 مهر1387 ساعت: 21:46

جناب دوست
با سلام
از سایت زیبایی که معرفی کردید سپاسگزارم.

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 3 مهر1387 ساعت: 23:12

آقای امیر عماد. درست است این همان ترجمه ی سالمی است که از مقدمه اسلام و شمشیر وجود دارد و به گمانم تمام یا بخشی از کتاب نیز باترجمه ای چنین امین به عربی آماده است. قبول تغییر در این ترجمه، که به مرحله ی عمل نرسید، در حد حذف برخی از خطاب های نجس به مشرکین از جمله در تیتر مقاله بود که آن هم به سبب رعایت مسیحیان لبنان انجام می شد. گرچه این کار غلط بود اما اگر منجر به انتشار کتاب در لبنان می شد، امید تاثیراتی را به همراه داشت. ظاهرا آنوسی ها که به شکر خدا همه جا فراوان اند، به وسیله ای ناشر را منصرف و کار را متوقف کردند.

نویسنده: دوست

پنجشنبه 4 مهر1387 ساعت: 0:4

آقای حسین محمدی

سلام

من کی مطالب و اعمال اونهارو تایید کردم؟ فقط خواستم به بعضی از تازه وارد ها که از دریافت مطالب و داده های بنیادی شوکه شده اند، و هنوز میخواهند ناظر باشند ، بگویم چنین نظراتی وجود دارد. شاید به خودشان تکانی دهند !!!

نویسنده: مارمولک

پنجشنبه 4 مهر1387 ساعت: 3:9

رييس‌جمهور كشورمان ظهر چهارشنبه به وقت نيويورك با خاخام‌هاي يهودي ديدار كرد و صهيونيست‌ها را يك حزب سياسي به دنبال و طرفدار قدرت و ثروت دانست و گفت: اولين قرباني صهيونيست‌ها خود يهودي‌ها هستند
سایت ایسنا 3 مهرماه 87

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 4 مهر1387 ساعت: 5:3

آقای عابدی. استاد غفوری در وضعیت تعیین کننده ای به سر می برند، اخیرا با استاد کورش آریایی مصاحبه و اظهار ندامت کرده اند. قرار است به جبران گذشته و با خرج خودشان در اطراف قبر سنگی و قلابی کورش ضریح فولادی بکشند و خودشان هم تا پایان عمر در همان جا مشغول خدمت به زائرانی باشند که از راه دور مثلا اورشلیم، به زیارت می آیند. در عین حال باز هم به فکر تهیه ی یک مستند دیگرند و منتظر عنایت خداوند تا پولی برساند. قرار است این بار جمهوری تازه استقلال یافته ی آوستیا، که نفت ندارد، به ایشان کمک کند. چون اعراب به علت ارزان شدن قیمت نفت دیگر پولی نمی فرستند. با این همه این استاد بزرگ سر حال اند الا این که اندکی ناراحتی قلبی دارند که از یک دوشیزه ی بسیار محترم به ایشان سرایت کرده است. و برای شما سلام هم دارند و اگر یک ای میل به ایشان بفرستید خودشان مشروح قضایا را تعریف خواهند کرد. امیدوارم رمضان مبارک را به فیض گذرانده باشید.

نویسنده: رضا

پنجشنبه 4 مهر1387 ساعت: 10:39

با سلام خدمت استاد پورپیرار.
از راهنمایی تان سپاسگزارم. من به اشتباه چنین برداشت کرده بودم که سلسله مقالات " اسلام و شمشیر " به صورت کتاب چاپ شده و در بازار موجود است. حتمن همین راهی که شما فرمودید به صرفه تر و راحت تر است.
مستدام باشید.

نویسنده: سئوال

پنجشنبه 4 مهر1387 ساعت: 10:59

آقای پورپیرار در زمان حضرت محمد (ص) یونانیان در ایران بودند یا به سرزمین های خود برگشته بودند.

نویسنده: ویرگول

پنجشنبه 4 مهر1387 ساعت: 11:2

انجمن کلیمیان تهران:
روز قدس تجلی وحدت حق جویان عالم علیه استکبار جهانی است
انجمن کلیمیان تهران در بیانیه ای روز قدس را تجلی وحدت تمامی حق جویان و خداپرستان عالم علیه جبهه واحد استکبار جهانی خواند و اعلام کرد ایرانیان یهودی همراه با سایر اقشار مردم ایران و تمامی حق پرستان عالم در راهپیمایی روز قدس شرکت خواهند کرد.

بسوزد چاخان بسوزد خاخام
بسوزد پدر چاخان بسوزد پدر خاخام

نویسنده: ویرگول

پنجشنبه 4 مهر1387 ساعت: 11:20

http://www.roozna.com/Negaresh_site/FullStory/?Id=67665

انتقاد محتشمي‌پور از سياست‌هاي دولت درباره فلسطين

.... گرچه هدف يكي بوده اما دولت‌ها در اتخاذ مواضع علني و پشت پرده تفاوت‌هايي با يكديگر داشتند. ممكن است دولت‌هايي كه موضع شديد و غليظي نگرفتند در عمل خيلي قوي‌تر عمل كرده باشند تا افرادي كه به صورت ظاهري مواضع تندي اتخاذ كردند اما كاري را كه در راستاي آزادي فلسطينيان باشد پيش نبردند. دولت نهم هم در بين دولت‌هاي پس از انقلاب در اين زمينه سياست شناوري داشته است .....

؟؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 4 مهر1387 ساعت: 11:34

آقای ویرگول. این شگرد همیشگی آنوسیان بوده، طبیعی است و تعجبی ندارد!

آقای سئوال. یونانیان مشهور به اشکانی و پارتی، 350 سال پیش از طلوع اسلام و همزمان با شکست و سقوط دولت روم به سرزمین خود بازگشته اند.

آقای ایلدنیز. محموله ی شما در تاریخ بیست و سوم شهریور ماه از منطقه ی پستی 13 تهران شعبه ی شهید یوسفیان و با شماره ی 1793 ارسال شده است.

نویسنده: صمیمی

پنجشنبه 4 مهر1387 ساعت: 13:15

یک خبر و یک دقت:
این لینک یک دعوا و قتل یک ارمنی در تهرانه جالبه که:: "با توجه به تکمیل شدن اطلاعات و انجام تحقیقات، مجتبي مجرم شناخته شد اما بر طبق ماده 207 قانون مجازات اسلامي مجرمان مسلمان به اتهام قتل کافران قصاص نخواهند شد اما همچنان تصمیم درخصوص این پرونده با قاضي دادگاه است. "حالا اگه قبول دارین ارامنه کافرند پس چرا برای ارتباط با کفار مسلمین رو فدا می کنید؟
TextID=60144&aftab=8&http://www.aftab-yazd.com/textdetalis.asp?at=9/9/2008

نویسنده: سجاد

پنجشنبه 4 مهر1387 ساعت: 14:3

دیروز ادعای ارتباط با امام زمان و امروز کمک خواهی از پاپ:
اندر احوالات آیه الله العظمی بروجردی!!!!!؟؟؟؟
nid=haupt&news-id=226&http://iranglobal.info/I-G.php?mid=2
....ای پاپ اعظم، برای حفظ اعتبارات الهی و مقدّسات معنوی، به داد ما برسید، .....
آقای پورپیرار آیا در یک سلول انفرادی تنگ در جایی مثل اوین می شود گاز اشک آور زد؟
گارد امنیت ملی به داخل سلول آیت الله بروجردی ریختند ؛ ابتدا گاز اشک آور به داخل سلول پرت نموده وسپس با ضرب و شتم به بازرسی وسایل ایشان می پردازند، بگونه ای کلیه لباس و رختخواب ایشان را تکه تکه می کنند

نویسنده: حکیمی

پنجشنبه 4 مهر1387 ساعت: 15:27

آنوسی دیگر به میدان می آید:در ورای قرآنی که خداوند گوینده آن است اراده جدی نیست!!!
«... اگر شخصی بگوید الفاظ و معانی معینی، به‌طور ویژه‌ای برای من به‌وسیله واسطه‌ای مثلا فرشته قرائت می‌شود و سپس آنها را برای مخاطبان بخواند و خود را صرفا بلندگو معرفی کند و بگوید گوینده این جملات من نیستم...
این کلام برای مخاطبان «گوینده» ندارد و هیچ اراده جدی در ورای این جملات دیده نمی‌شود.»
http://kargozaaran.com/ShowNews.php?31124

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 4 مهر1387 ساعت: 17:11

آقای حکیمی. شاید سرانجام کسانی دین را جدی بگیرند، از نهادن قرآن بر موها دست بردارند و آن کتاب را منبع شناخت همه چیز جهان قرار دهند.

آقای سجاد. در آن سلول های اوین که بنده دیدم انفجار گاز اشک آور شخصی نیز غیر قابل تحمل بود!!!

نویسنده: نسرین

پنجشنبه 4 مهر1387 ساعت: 22:58

سلام آقای پورپیرار
به نظر من نظر و عقاید هرکسی محترم است چه یهودی باشه چه آنوسی چه شیعه چه سنی چه مسیحی و....
مگرمطلبی در مورد آنوسی ها نوشتن و یا نشان دادن شباهت نام بعضی از مناطق با اسامی عبری و یهودی نشانگر یهودی و آنوسی بودن افراد میتونه باشه؟
آیا وجود مطالب بسیار زیاد درباره حضرت موسی در قرآن نشانگر یهودی بودن حضرت محمد است؟

من نمیدانم چه کسی (با نام محمدعلی موسوی) آمده و در وبلاگم به من توهین کرده!ولی این رفتار ناشایست بعد از اینکه من آدرسم را در وبلاگ شما به طور خصوصی گذاشتم اتفاق افتاده!امیدوارم اگر کسی از دوستان شما بوده بهشون تذکر بدهید که دیگر این کار را تکرار نکنند!چون وبلاگ من یه وبلاگ سیاسی نیست و تنهاوبلاگی برای ارائه اطلاعات عمومی است.
اگر کسانی از دوستان شما از جمله آقای بی نام از کامنت گذاری من در وبلاگ شما ناراحت هستند من دیگر این کار را انجام نمیدهم.از اول هم اشتباه کردم.
متشکرم

نویسنده: دوست

پنجشنبه 4 مهر1387 ساعت: 22:58

استاد پورپیرار

این جهودا عجب هنرمندند می گویند قرآن کریم را روی سرتان بگذارید و در همان حال مفاتیح الجنان بخوانید !!!

درود بر تو استاد ، درود بر تو.

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 4 مهر1387 ساعت: 23:19

خانم نسرین. بر مبنای مجوز پیشین، کامنت ارسالی شما را از صورت خصوصی درآوردم تا فرصتی برای چند تذکر فراهم شده باشد.
1. صاحب نظری که گمان هایی را عرضه می کند، خود را در معرض انواع قضاوت ها قرار می دهد که غالبا غیر منصفانه است. کسی که از این دست برخوردها لب ورمی چیند و اظهار ملالت می کند، باید به سکوت و انفراد پناه برد.
2. عقیده ی هیچ انسانی محترم نیست! حق اظهار نظر با کرنش در برابر آن متفاوت است، اگر عقاید محترم بود، انسان هنوز دز مغاره ها می زیست.
3. آدرس وبلاگ شما در پایان یکی از پیام های عمومی خودتان فعال بود و گمان نمی کنم که آن آقای موسوی صرفا از مجرای این وبلاگ با شما مرتبط شده باشد که اگر هم شده باشد، جرمی اتفاق نیافتاده، شما حرفی می نویسید و کسانی نمی پسندند یا می پسندند و درست و نادرست عکس العمل های مختلف نشان می دهند، برخی خوش آیند و تعدادی نامطلوب. این ها همه در قاموس و ناموس فعالیت های فرهنگی است، چنان که پیام گذارانی در این وبلاگ جدای از فحاشی های دولوکس، روزانه مرا به انحا' مختلف مجازات می کنند و به قتل می رسانند!!!
4. باور کنید با این که یک نوبت به وبلاگ شما سر زده ام، آدرس آن را در جایی ثبت شده ندارم مگر این که به history رجوع کنم.
5. اگر آقای بی نام و یا هرکس دیگر قادر است شما را از ادامه ی گفت و گو در این وبلاگ و یا هرکجای دیگر بازدارد، پیشنهاد می کنم به کارهای تی تیش مامانی دیگر برسید و وارد معقولات زیر آسمانی نشوید!!! زیرا این جا از شما پاسخ می طلبند که برای رد آن نمی توان از خانه گریخت. من باب مداخله در امور دیگران عرض کردم.

نویسنده: حکیمی

پنجشنبه 4 مهر1387 ساعت: 23:31

سرکار خانم نسرین.
در کار فرهنگی و اجتماعی و کلا در راه حق به آدم جایزه نمی دهند.نباید منتظر باشید که برای شما هورا بکشند و دست بزنند که چند تا اسم را در آوردید.اینجا ما با کسانی مواجهیم که به خاطر عدم توجه جدی مسئولان به حقیقت و منافع ملی بسیار عصبانی هستند و مطمئن هم هستند این تضییع حق از جانب کسانی است که از اسلام تنها نقاب مسلمانی بر چهره دارند.در این بین مشخص است که با توجه به حساسیت موضوع جهت گیری ها به شدت تحت نظارت است.آن بخش سخنان شما در خصوص اماکن را هم بی اشاره نگزارم که آیا برای شما جالب نیست که مثلا بزرگترین کویر ایران را لوط می نامند و یا در جایی که مشخصا اسامی جغرافیایی با لهجه و سخن محلی به اندازه سر سوزنی شباهت ندارد مثلا شاهدیم نام منطقه قائن است؟کاش

خواهرم آنچه شما آن را توهین آقای محمد علی موسوی خوانده بودی در اینجا منتشر میکردی تا معلوم شود نازک نارنجی بودن معمول خانم ها این رنجش را ایجاد نموده یا مساله دیگری در بین است.

نویسنده: مجید

پنجشنبه 4 مهر1387 ساعت: 23:37

عجب تیکه انداختی جناب دوست!حال کردم

نویسنده: رحمانی

پنجشنبه 4 مهر1387 ساعت: 23:55

با سلام خدمت همگی

تز : نگرش نوع سوم روابط آبجکتیو
(اصل تناقض آبجکتیو)
(از مجموعه بحث های روابط آبجکتیو)
روابط و سنت های الهی

تقریبا برای فهم درست آبجکت A به همان اندازه آبجکت B هوش لازم است
اما شخص برای آبجکت A درست عمل می کند اما برای آبجکت B غلط،
واگر برای شخص توضیح دهید و بعد از آن،،، دوباره به کارش ادامه داد !!! یعنی خبری هست
پس برای فهماندن مطلب باید به دو آبجکت و عملکرد آنها اشاره کرد تا قضیه روشن شود
خیلی هنر کنید و به او فشار بیاورید ، خواهد گفت اشتباه است سهوا است ووو جملاتی عوام فریبانه تا توجیه شود شیادیش !
این تناقض است ، در همه جای اجتماع این حالت وجود دارد، از خانواده گرفته تا تصمیمات بزرگ

برای شناخت گروههای شیاد این اصل بسیار موثر است
در واقع در مورد بعضی از مسائل ما فاعل آن عمل را ، نادان یا عقب افتاده ووو می انگاریم در حالیکه فاعل آن عمل بسیار هم عاقل است و می داند چه می کند پس در این قضایا نادان و نفهم ، ما هستیم که متوجه قضیه نیستیم، شاید بهترین مثال حرکات آنوسی ها به ویژه در قالب افراطیون مذاهب اسلامی باشد . خود را به نادانی و افراطی گری می زنند در حالیکه آنها عاقلترینند(البته ...)!!!
در مورد گروههای سیاسی و اجتماعی این اصل بسیار رایج است، در مورد مساله ای باهوش باهوش هستند در مورد دیگر خود را به نادانی و اشتباه سهوی و فلسفی وووو می زنند، متاسفانه ما مسلمانها ، حتی احترام دو رکعت نماز خود را هم نگه نمی داریم، دروغ ،تزویر ، تناقض ، ارجح بودن همه چیز غیر از اصول قرآنی و مسلمانی ووووو

با تشکر فراوان

نویسنده: دوست

جمعه 5 مهر1387 ساعت: 0:0

نسرین خانم !!!

سیزین وئب لاگینیزی تاپ ماک ، بیزه سو ایچمه کیمین دیر !!

&http://www.google.com/search?hl=en
q=%22%D8%AA%D9%88%D8%B3%D8%B7+%D9%86%D8%B3%D8%B1%DB%8C%D9%86%22+%D9%8
8%D8%A7%DA%98%D9%87+%D8%B4%D9%86%D8%A7%D8%B3%DB%8C

نویسنده: دوست

جمعه 5 مهر1387 ساعت: 0:1

مجید خان خواهش می کنم...

نویسنده: تلميذ

جمعه 5 مهر1387 ساعت: 15:3

با سلام خدمت استاد پورپيرار كبير و ساير دوستان
1-قابل توجه نسرين خانم و دوستان:
نام كوير «لوط» به اين دليل لوط است كه در زبان فارسي محلي حاشيه كوير و جنوب ايران لوط يا لوت به معني عريان و لخت است.اين كوير تنها شنزار و لخت است.ديگر كوير ايران را كوير نمك مي گويند چون بيشتر مساحت آن نمكزار است.اينها هم اسامي بسيار جوان و امروزي هستندكه هيچ نكته مبهمي ندارند!
متاسفانه كار خانم نسرين به قول اصفهاني ها بيشتر به آش شله قلمكار شبيه است تا يك كار منطقي و علمي!!!متدولوژي در هر كاري بسيار مهم است،كه ايشان ندارند.مثلا"ايشان توضيح نمي دهند كه بر چه مبنا و اصولي يك كلمه را به يك زبان خاص نسبت مي دهند؟!!!
2-من فكر مي كنم منشا تمام جنگهاي بشر در همه دورانها اختلاف بر سر ايدولوژي ها بوده و جنگ هايي كه بر سر سرزمين رخداده حوزه بسيار محدودي داشته است.مثلا" سربازان چنگيزخان مغول با چه انگيزه ايي مي جنگيده اند و جانفشاني مي كرده اند؟!!!چون صرف كشور گشايي هيچ سربازي را وادار به جانفشاني نمي كند،چنانچه در جنگ ايران و عراق هم كه دو طرف ظاهرا" بر سر سرزمين مي جنگيده اند،حكام دو طرف مخصوصا" اين طرفي ها جنبه ايدولوژيك به جنگ دادند تا بتوانند پشتيباني مردم را جلب كنند كه موفق هم شدند.آن گروه از ايرانيان هم كه به ايدولوژيي كه جمهوري اسلامي تبليغ مي كرد معتقد نبودند گروه گروه جان خود را برداشتند و راهي مناطق امن جهان شدند!!!
در جنگهاي بين اعراب و اسرائيل هم اعراب به اين دليل شكست خوردند كه جنبه ايدولوژيك جنگ را از جنبه جهاد مسلمين بر عليه كفار تا پايين ترين درجه «آزادي سرزمينهاي عربي!!!»پايين آوردند،حال آنكه طرف اسرائيلي به يك ايدولوژي،هرچند غيرعقلاني و غير انساني، مسلح بود!!!توجه داشته باشيد كه اسرائيل تنها كشوري در دنيا است كه بر مبناي ايدولوژي بنا شده است!!!
آنوقت جهودها تبليغات و هياهو راه مي اندازند كه: «دين از سياست جداست»!!!

نویسنده: تلميذ

جمعه 5 مهر1387 ساعت: 15:4

چند سوال از محضر استاد
1-آيا بت پرستي مردمان شبهه جزيره منشا هلنيستي داشته و يا منشأ بين النهريني؟!
2-چرا وقتي اسلام(آئين توحيد)بعد از طلوعش اينگونه سريع در شرق و غرب منطقه منتشر مي شود، آئيني يكتا پرستي كه حضرت موسي مي آورد از محو ساير عقايد كفرآميز زمان خودش عاجز مي ماند و حوزه نفوذش اينقدر محدود مي شود(البته اگر يهوديان را پيراوان همان دين موسي(ع) بدانيم كه مي دانيم نيستند؟!)
3-اولا" كه 350 سال قبل از طلوع اسلام روميها از چه گروهي شكست خورده اند؟ از يونانيها؟ديگر اينكه به زمان رسالت پيامبر اسلام، چنانچه در سوره مباركه روم آمده است، روميها از ديگران شكست خورده اند كه وعده داده شده است كه دوباره پيروز خواهند شد.از چه كساني شكست خورده اند؟!و آيا فقط يك روم وجود داشته است و يا روم شرقي و غربي واقعيت داشته است؟!!!

نویسنده: وحید

یکشنبه 7 مهر1387 ساعت: 15:30

سلام
آقای ناصر پور پیرا من سی دی تخت گاه هیچ کس شمارا دیدم و با اسنادی که شما ارائه کردید من کاملا حرفهای شما رو قبول

کردم و به امید این که یک روز تمام مردم ایران با تاریخ و فرهنگ درست خود آشنا شوند و از این تاریخ غلطی که برای ما ساخته اند و ایرانیان سالها به این تاریخ عشق می ورزیدند به تاریخ واقعی خود عشق بورزند
من کمال تشکر رو از شما دارم و به همه دوستام توصه میکنم که این مستند رو تماشا کنند و من هم به نوبه خود تلاشم را برای شناساندن تاریخ صحیح ایران خواهم کرد

ایران شناسی 178

ایران شناسی بدون دروغ، 178، دیدار از اندونزی، 1 - 83 نظر

نویسنده: صمیمی

دوشنبه 15 مهر 1387 ساعت: 2:15

ناراحت به خاطر از دست دادن یادداشتهایت و بینهایت خوشحال از دیدن پست جدید که تا اکنون به امید دیدنش بیدار مانده ام.پیروز باشی و سربلند و هو معکم اینما کنتم.

نویسنده: صمیمی

دوشنبه 15 مهر 1387 ساعت: 2:16

جناب عابدی کامنت مرا دیدید؟لطفا ایمیل بزنید من آدرس میل شما را گم کرده ام.

نویسنده: ساسان

دوشنبه 15 مهر 1387 ساعت: 4:39

اگر حتی خود جنابالی و این صمیمی نانیکو تبار هم در اندونزی گم می گشتید هیچ آریایی واقعی نیکو جوهری ناراحت نمی گشت و اهورامزدا شادی می داد به آرییاین راستین و این هم لطف حضرت زرتشت (ع) میباشد که نبشته های دشمنان نژاد نیکوی آریایی گم گشته می گردد.

وب سایت

نویسنده: رضا صدیقی

دوشنبه 15 مهر 1387 ساعت: 9:22

جناب استاد پورپیرار و خوانندگان محترم
با سلام
بدین وسیله 24مین گفتار هنر و تمدن اقوام پراکنده ایران را با عنوان هوبان ها تقدیم حضورتان می نمایم.با تشکر

وب سایت

نویسنده: روشن

دوشنبه 15 مهر1387 ساعت: 10:9

با سلام استاد خیلی ممنون
عیدی ارزنده ای بود

نویسنده: مسعود

دوشنبه 15 مهر1387 ساعت: 11:12

وقت جنابعالی بخیر و شادی جناب استاد عزیز.

ان شا الله بتوانیم از نتایج پرمایه سفر مبارکتان به کشور هزار جزیره کامل مستفیض شویم.
استاد این لینک را ملاحظه بفرمایید که در آن "رافائل ایسرائلی" استاد دانشگاه عبری اورشلیم به دولت استرالیا از مهاجرت رو به افزایش مسلمانان اندونزیایی به آن کشور هشدار میدهد و وحشت اورشلیم را از گسترش دین الله به جوبشرق دور عالم به شکل جالبی به نمایش میگذارد :

http://www.indonesiamatters.com/1105/muslim-immigration/

موفق و سلامت باشید.

نویسنده: صمیمی

دوشنبه 15 مهر1387 ساعت: 13:17

جناب ساسان از همه تموم شد حالا نوبت مایه؟
آقای عابدی تشریف آوردید؟

نویسنده: ویرگول

دوشنبه 15 مهر1387 ساعت: 13:19

کهنسالترین درخت جهان در ایران است
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=53631

پیشتر «الکساندر روف» دانشمند روسی، عمر آن را به 4000 تا 4500 سال برآورد کرده بود. «حمدالله مستوفی» هم در کتاب «نزهت القلوب» که به سال 740 هجری قمری تالیف شده است، درباره این سرو آورده است: در آنجا سروی است که در جهان شهرت زیادی دارد چنانچه سرو کشمیر و بلخ، شهرتی داشته و اکنون این از آن بلندتر و بزرگتر است .
برخی تاریخ نویسان معتقدند: نهال این درخت را «یافث» پسر نوح کاشته است. رئیس اداره محیط زیست ابرکوه هم گفت: این درخت به عنوان يك اثر طبیعی در سال 1382 به تصویب شورای عالی حفاظت محیط زیست کشور رسیده است. رئیس اداره میراث فرهنگی و گردشگری ابرکوه بلندای این درخت را 25 متر، دور تنه آن را 11/5 متر و محیط آن را 18 متر اعلام کرده است.

کیه کیه ،،انوسیه! انوسیه! انوسیه!!!

نویسنده: ویرگول

دوشنبه 15 مهر1387 ساعت: 13:20

حمایت از مسجد محدثین با دستور دفتر رئیس جمهوری

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=62511

اما مجله شهروند امروز در آخرین شماره خود گفتگویی را با عسگر نصیرایی امام جماعت و تولیت مسجد محدثین منتشر نموده است که در آن اشاره به کمک دفتر رئیس جمهوری به مسجد محدثین شده است.

امام جماعت مسجد محدثین همچنین به نامه رئیس دفتر رئیس جمهوری در خصوص این مسجد نیز اشاره کرده است. در این نامه که خطاب به استاندار نوشته شده آمده است که این مسجد را در نظر داشته باشید و به خواسته های آن ها اهمیت دهید و کوتاهی نکنید. استاندار نیز نامه را به فرماندار داده بوده است.

گفتنی است امام جماعت این مسجد در اظهارنظری پیرامون نامگذاری آن به نام جمکران ثانی گفته است: اگر جمکران دوم شد اشکالش چیست؟ ما مدعی اسم جمکران نیستیم. چون محدثین نامی است که حضرت روی آن گذاشتند و ما این نام را خرج می کنیم و نه جمکران را.

حضرت ....

رئیس جمهور!!

نویسنده: م. ستاره

دوشنبه 15 مهر1387 ساعت: 12:48

سلام

- : کفینا کتاب الله ؟!
- : لا ، لا ! نحتاج الی کتب الشیاطین !!!

انا هدیناه السبیل (الشیطان یدعوهم الی عذاب السعیر) اما شاکرا و اما کفورا !!!

(حالا می فهمم چرا مفسرین و مترجمین ، مثل خیاطی که می تواند لباس ناپاک را را به گوشت سالم و لطیف آدمی بدوزد ، این همه به پرانتز علاقه دارند !!)

نکته ی دیگر اینکه این رئیس مجلس چنان در مورد علامه سخن رانده است که مولد شبهه ی شاگردی خاص یا رفاقت صمیمی خلوت ایشان است ! با این همه خدا ، رفتگان اش را بیامرزد که از جایگاهی مورد توجه ، به یاد علامه عسگری بوده است .

قرار است امسال شور انگیز ترین مراسم بزرگداشت حافظ با مشارکت گروه های فرهنگی بین المللی و بین السیاراتی و بین الکهکشانی و هنرمندان 7 آسمان برگزار شود .
akharinakhbar.blogfa.com

والسلام

نویسنده: سوال از ویرگول

دوشنبه 15 مهر1387 ساعت: 14:43

ببخشید من حالی نشدم که این درختی که ظاهراعمرش به قبل از هخامنشی و کشتار ساکنان ایران میرسد چه ارتباطی با انوسی دارد؟ آیا منظور اینست که در زمان هخامنشیان طبیعت هم همراه انسانها قتل عام شده است؟

نویسنده: ویرگول

دوشنبه 15 مهر1387 ساعت: 16:36

مشایی: کوروش، سرمایه گذاری خداوند در ایران
http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=62592

مشايي در بخش ديگري از صحبتهاي خود گفت:« معتقدم كوروش در ايران اتفاقي نيست. كوروش سرمايه‌گذاري خداوند در ايران است.»
وي ادامه داد:« خداوند ملت ايران را برگزيده است. از نظر ارزشي هيچ قومي بر ملت ديگر برتري ندارد.»
jews are active in iran, and one ofthem is mashaei , and ....

نویسنده: حسام الاحوازی

دوشنبه 15 مهر1387 ساعت: 16:41

با سلام خدمت استاد فرزانه و بنیان اندیشان محترم.
از مفقود شدن مطالب ارزشمندتان بسیار ناراحت شدیم . و مشتاقانه منتظرادامه این مدخل جدید هستیم .
راستی عیدتان مبارک

نویسنده: ویرگول

دوشنبه 15 مهر1387 ساعت: 16:41

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=62580

گنجی وجود امام زمان (ع) را انکار کرد
اكبر گنجي كه پيش از اين خواستار به رسميت شناختن زنا و همجنس‌بازي در قالب دين شده بود، قصد دارد قسمت دوم و سوم مقاله اخير خود درباره تشكيك در الهي‌بودن قرآن مجيد را ظرف روزهاي آينده منتشر كند.

گنجي سپس به نقل افسانه‌هايي مبني بر دنياپرستي و مال‌دوستي و قاتل‌بودن امام حسن عسكري(ع) پرداخته و مي‌افزايد: «نزاع‌هاي مالي در زمان حيات امام يازدهم[ع] آغاز شد. در اين نزاع‌ها، امام يازدهم[ع] حكم قتل نماينده مالي پيشين خود (فارس) را صادر كرد و يكي از پيروان آن حضرت فارس را به قتل رساند و قاتل، تا زمان فوت خود از امام يازدهم[ع] مستمري دريافت مي‌كرد.»

شلمشولبایی یه نوشته جات انوسی ها ....

نویسنده: سامان

دوشنبه 15 مهر1387 ساعت: 17:51

از کجا میشه کتاب 150 صحابة دروغین رو تهیه کرد؟ اصلاً چاپ شده است یا نه؟

نویسنده: علی

دوشنبه 15 مهر1387 ساعت: 20:51

پسر با اين كه به نظر مي رسد هنوز مشتي از خروار هم بيان نشده ولي همين مقدار نيز دريايي از شگفتي با خود آورد كه آن سرش ناپيداست. ولي واقعا جان به لب شديم تا مبحث اسلام در اندونزي درگرفت و با كمال احترام بايد بگويم تقريبا مطمئن بودم كه يادداشت هاي اندونزي را به ... مي دهيد! حرف هم گوش نمي كنيد. با اين حال رئيس شماييد، پس صبر مي كنيم و دعا تا خداوند افق هاي تازه برابرمان را هر چه سريع تر به دست شما بگشايد.

نویسنده: اتفاق . 1 از 3

دوشنبه 15 مهر1387 ساعت: 21:20

اطلاعیهٔ شمارهٔ 8 : دوستان عزیز

سلام علیکم . وقت شما بخیر
احتراماً :
می خواهم به کلیهٔ بنیان اندیشان خبر دهم ، بالاخره امروز ، بعد از 189 روز ، حراست سازمان میراث فرهنگی ، صنایع دستی و گردشگری ، که 12 / 1 / 87 ، در عملی غیر قانونی ، به جرم توزیع مستند تاریخی « تختگاه هیچ کس ؟! » میان گردشگران نوروزیِ آمده به شیراز ، مدارک هویتی راقم را ضبط نموده بود ، " " تفضل " " فرمودند و نسبت به آزاد نمودن آن مدارک اقدام کردند !!!
در حاشیهٔ کش و قوس های طولانی من با این حضرات ، سخن بسیار است و من ، مخفیانه اکثر گفتگوهای رد و بدل شده را توسط موبایلم ضبط کرده ام تا روزگاری به عنوان سندی بر خیانت های فرهنگی مسئولان اصطلاحاً فرهنگی این کشور ، پیاده ، و در اینترنت انتشار دهم ؛ اما آنچه در این فرصت گفتنی است آنکه ، آقایان ، 26 / 6 / 87 ، مرا به حراست برای ارائه برخی توضیحات احضار کردند . در آنجا پس از صحبت های مختلف ، فرمی مقابل من نهادند و با اجباری محترمانه خواستند آنرا برایشان تکمیل نمایم . چون پس از تکمیل ، با اعتماد به نفس و طلبکاری ، در مقابل آن آقایان ، از فرم پر شده عکس گرفتم و برای خودم نگاه داشتم ، پس بندهای آن فرم که در واقع اطلاعات اخذ شده از من بود را به راحتی می توانم برای دوستان تشریح می نمایم :
نام و نام خانوادگی / نام پدر / شمارهٔ♣ شناسنامه / کد ملی / محل صدور شناسنامه / محل تولد / آدرس محل سکونت فعلی / آدرس محل سکونت قبلی / شمارهٔ تلفن / شمارهٔ همراه / شغل / CDها را از چه کسی گرفته اید ؟ / چه تعداد از CDها را توزیع نموده اید ؟ / در چه محل هائی اقدام به توزیع CDها نموده اید ؟ / هدف شما از توزیع CDها چه بوده است ؟ / در صورتیکه کسانی با شما در توزیع CDها همکاری داشته اند ، نام و مشخصات آنها را بیان کنید / نام و نام خانوادگی / تاریخ / امضاء .

نویسنده: اتفاق . 2 از 3

دوشنبه 15 مهر1387 ساعت: 21:21

همه را به شیوهٔ کورش هخامنشی پاسخ دادم !!! اما مقابل دو سؤال آن چنین نوشتم :
1. چه تعداد از CDها را توزیع نموده اید ؟ چندین هزار !
2. هدف شما از توزیع CDها چه بوده است ؟ امر به معروف و نهی از منکر ، جلای اسلام و ستیزه با هرچه و هرکه در صددِ تخفیف و تحقیر اسلام است ، مبارزهٔ فرهنگی با صهیونیسم و جنودِ در لباسِ گوسفند آن (خاورشناسان) .
پس از تحویل فرم ، آنرا به اتاق دیگری بردند و مرا تنها گذاشتند و پس از پچ پچ کردن های بسیار ، یکی آمد و پرسید : « جنودِ در لباسِ گوسفند (خاورشناسان) یعنی چه ؟ » من ، که هم از کودنی او خنده ام گرفته بود و هم از بی سوادی اش متحیر شده بودم ، در لوای دادن پاسخ ، فرصت را غنیمت دانستم و نطقی طولانی در افشای حقائق و واقعیات تاریخی ایران ایراد نمودم و در قلب حراست سازمان میراث فرهنگی ، صنایع دستی و گردشگری ، واقعیت سرشت هخامنشیان روی آب ریختم و از کورش و گل نبشته اش و کتیبهٔ بیستون گفتم و از اشکانیان سخن راندم و ... ، که در پایگاه اصلی حفاظت از تمایلات باستان پرستانه ، بانگ حق برداشتن ، افتخار کوچکی نیست .
آنچه در حین و در پایان این نطق ، عجیب می نمود ، قدرت جذب مباحث بود ، بطوریکه به طرز قابل رؤیتی ، آقایان با علاقه ، سخنان مرا پیگیری می کردند ، علاقه ای که در چشمانشان به خوبی هویدا بود ؟! راستی در مراکز فرهنگی ما ، چه کسانی ، با چه سوادی کرسی امور در قبضه دارند ؟!

نویسنده: اتفاق . 3 از 3

دوشنبه 15 مهر1387 ساعت: 21:21

باری ؛ آن جلسه تمام شد و آقایان مدارک مرا ندادند و گفتند باید حراست مرکزی در مورد آن قضاوت کند ؛ لیکن آن سخنان کار خود کرد و بازتاب آنرا امروز دیدم که برای تحویل مدارک رفته بودم ، آنجا که آقایان اظهار امیدواری کردند برایشان وقت بگذارم و در جلساتی ، آنها را نسبت به تاریخ ایران توجیه نمایم ؟! آیا این دعوت ، بیانگر ناآشنائی کامل عوامل اجرائیِ حساس

ترین و مسئول ترین مرکز فرهنگی عهده دارِ امور تاریخ و هویت ایرانیان ، با مسئولیت های خود نیست ؟
در پایان آنچه نباید از قلم افتد ، اعتراضِ به عقیدهٔ من واردِ آن آقایان به گزنده گوئی های آقای پورپیرار بود که به عقیدهٔ آقایان ، می تواند مورد سوء استفادهٔ مغرضان قرار گیرد ، که باز به عقیدهٔ آقایان ، تخلیهٔ آنی باورهای سابق ، قطعاً خلأ هویتی به بار می آورد . آیا نیکوتر آن نیست از « قول معروف » و ... ، که در قرآن بسیار به آن سفارش شده ایم و « مجادله به احسن » ، که اطاعت از آن بر همهٔ ما فرض است ، نه به عنوان یک توصیهٔ اخلاقی صِرف ، که به عنوان یک تاکتیک مبارزاتی و تبلیغاتی مؤثر استفاده کنیم ؟ برخی مواضع ، انصافاً در تازه واردان ، حس خوبی بر نمی انگیزد !

ان ارید الا الاصلح ما استطعت و ما توفیقی الا بالله
علیه توکلت و الیه انیب

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 15 مهر1387 ساعت: 22:10

آقای اتفاق. می خواستم نصایح شما را به گوش گیرم و به اقوالی مودب تر شوم، ولی خواندم که خاور شناسان معزز را «جنودِ در لباسِ گوسفند» نامیده اید!! حقیقت همین است. ما با انسان مواجه نیستیم که مراعات کنیم، چنان که آنان ما را انسان نپنداشته و بدون رحم و مکث، همه را در زمینه های گوناگون به باطلاق عمیق دروغ هل داده اند. کژدم اند لانه کرده در سجاف لباس های ما، باید با انبر گرفت و بر سرشان کوفت. الاغ خطاب «لطفا توقف کنید» را نمی فهمد، باید بشنود که «هش»! نمونه ی آن هم همین رفتاری که 189 روز با شما داشتند و بیش از سالی است نسبت به استاد غفوری اعمال می کنند. در عین حال توصیه ی دل سوزانه ی آن آقایان، که لحن را موجب صدمه به متن می دیدند، در حالی که ظاهرا با این نوشته ها آشنا نبوده اند، موجب شگفتی شد. نگران نباشید آن ها و پیروان شان در کتاب خدا نیز به حمار تشبیه شده اند: مثل الذین حملوا التورات....

آقای علی. مگر کوران و کران در پایان مبحث اندونزی با حقیقت محشور و آشنا نشوند...

آقای سامان. این کتاب چند جلدی گران قدر، چند باری چاپ شده، اکنون کم یاب است و اگر در مقابل دانشگاه سراغ اش را بگیرید دست خالی نخواهید ماند.

آقای حسام الاحوازی. ممنون. شاید اشارات صریح در پیش بر بیدار کردن خفتگان اطراف، انشاء الله اثری بگذارد.

آقای منوچ. نوعی تهمت است به خصوص که آن ها نیز این کامنت ها را می خوانند!

نویسنده: ویرگول

دوشنبه 15 مهر1387 ساعت: 23:32

سوال از ویرگول: وخی بیدار شی::::::::::::::::

حمدالله مستوفی» هم در کتاب «نزهت القلوب» که به سال 740 هجری قمری تالیف شده است، ....
.......................!!!
برخی تاریخ نویسان معتقدند: نهال این درخت را «یافث» پسر نوح کاشته است.
....
کهنسالترین ....

ترین ها ووو

نویسنده: تلمیذ

دوشنبه 15 مهر1387 ساعت: 23:35

امکان درج نظر برای شما وجود ندارد!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!

نویسنده: ویرگول

دوشنبه 15 مهر1387 ساعت: 23:38

قدسنا: نظامیان رژیم صهیونیستی در حملات و تجاوزات اخیر خود در شهرهای فلسطینی اقدام به بیرون آوردن اجساد در قبرستانهای جنین واقع در کرانه باختری و نیز پاره کردن نوشته های قرآنی کرده اند و سپس در اقدامی بی شرمانه کاغذهای قرآن را در چاههای توالت می انداختند.

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=62609

نویسنده: ویرگول

دوشنبه 15 مهر1387 ساعت: 23:39

انتشار ترجمه قرآن براساس تفسير الميزان

حجت‌الاسلام محمد صادق يوسفي مقدم افزود: دراين ترجمه كوشش شده تا به گونه اي خاص مفاهيم و برداشت هاي تفسيري علامه طباطبايي دراختيار عموم پارسي زبانان قرار گيرد.

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=62615

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 15 مهر1387 ساعت: 22:48

آقای تلمیذ. ملاحظه می کنید که نظرها می رسد، مشکل موقت است شاید با خاموش و روشن کردن کامپیوتر برطرف شود.

دوستانی که مشتاق دریافت مجموعه داستان های کوتاه اند، می توانند آن ها را از قسمت پیوند های وبلاگ بردارند که به تدریج تمامی آن ها را نصب خواهم کرد.

نویسنده: آیدین یاشار

سه شنبه 16 مهر1387 ساعت: 0:0

با سلام خدمت استاد و سایر دوستان،
من نمیگویم حرف مرا همه بپذیرند، ولی خواستار آنم که آن را ارزیابی و اظهار نظر کنند. به نظر من کلمه "پیغمبر" جعلی است و معادل دقیقی در برابر "رسول" نیست. در واقع کاهش وزن زیادی در آن مشاهده میشود و مفهوم "رسول" را به حد "انبیای" بنی اسرائیل تقلیل میدهد که وظیفه شان محدود به انتقال پیام بوده است. شکی نیست که بخشی از ماهیت "رسول" همان انتقال پیام است، به عبارت دیگر "پیغمبر" در رسول میگنجد اما "رسول" در پیغمبر نمیگنجد. دعوت به ایمان، و غنای شخصیت رسول الله و معنویت قرآن در حد یک خبر رسان ساده و بی مسئولیت خلاصه نمیشود. بدرستی که انتخاب کلمه "رسول" در قرآن، مبتنی بر حکمت محکمی بوده است. تا نظر دوستان چه باشد.

نویسنده: ابوبکر اورامی

سه شنبه 16 مهر1387 ساعت: 0:28

با سلام
آقای پور پیرار آیا اسناد مشهور به قباله های اورامان را مطالعه نموده اید نظر شما چیست ؟
این قباله ها حدود 80 سال پیش در اورامان کردستان ایران کشف شده اند و شامل سه قباله ی خرید زمین و باغ به زبان های آرامی و یونانی اند .

نویسنده: حکیمی

سه شنبه 16 مهر1387 ساعت: 0:56

کاش استاد تاریخ نگارش این داستانها بعلاوه زمان نشرشون و اینکه کجا منتشر شده و.... رو هم مینوشتین!

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 16 مهر1387 ساعت: 1:59

آقای صمیمی. آن آقا خود از آنوسی های معتبر و مسلم است.

آقای ایزدی. خداوند شما را برای نزدیکان تان به سلامت و با طول عمر نگهدارد. در باب داستان ها در صورتی که تمامی آن ها را یافتم اطلاعات لازم را به تدریج بر آن ها خواهم افزود.

آقای اورامی. اسناد اورامی به زبان یونانی، حتی اگر جاعلانه نباشد، چه گره ای از تاریخ کردستان جز نفی قدمت حضور کردان در آن منطقه می گشاید؟!

آقای یاشار. اصولا خطاب پیغمبر تنها در صورتی درست است که از زبان خداوند ادا شود، زمینیان باید بگویند پیام آور و نه پیام بر!!؟

نویسنده: حکیمی

سه شنبه 16 مهر1387 ساعت: 6:57

اقای یاشار من کاملا متوجه نشدم لطفا از دیدگاه خود تفاوت نبی و رسول را شرح دهید.متشکرم

نویسنده: سرباز مسلمان

سه شنبه 16 مهر1387 ساعت: 8:40

آشنایی هر چند اندک-ولی عمقی و اصیل- با عمق مفاهیم قرآن ممالکی از نوع اندونزی و مالزی را چنان پیشرو در دین اسلام نموده است چیزی که خیلی با ایران اسلامی فاصله دارد - یادم هست پدرم مثلی می زد : روزی دو نفر به مالزی رفته بودند زمانی که هنوز مسلمانی در آنجا نبود این دو مسلمان تازه وارد چون مقید به آداب اسلام بودند هر کسی اینها را می دید می پرسید شما که هستید ؟ اینها می گفتند ما مسلمانیم - آنها با تعجب و شعف می گفتند چه خوب اگر ما هم مثل شما باشیم می توانیم مسلمان شویم؟ آنها می گفتند اگر مسلمان شوید می توانید حتی خیلی بهتر از ما شوید چون ملاک برتری و خوبی تقوای الهی است ... و مالزی مسلمان می شد
شاید قصه ای کوئیلویی به نظر برسد اما واقعیت همان است که استاد بزرگوار گفتند هیچ شمشیری حتی از نوع ذوالفقار هم به مالزی نرسیده است.... به راستی آنها چگونه مسلمان شده اند؟ ....
من فکر می کنم سکنه ایران بازمانده مهاجران بیابانگردی هستند که هنوز متمدن نشده اند و فکر می کنند که مسلمان هستند در حالی که نیستند زیرا نه اسلام را اجرا می کنند نه قوانین مدنی تمدن را!
در کشوری که وزیر کشورش با مدرک کاردانی هیئت عملی شده و هیچ مسلمان یا متمدنی قضیه را پی نمی گیرد آیا می توان ادعای اسلام یا تمدن درخشان نمود؟

وب سایت

نویسنده: سوال از ویرگول

سه شنبه 16 مهر1387 ساعت: 11:47

من نمیگم که کتاب مستوفی صحت داره یا نه بلکه این درخت الان در ابرکوه موجوده و امکان تعیین عمرش هم هست حالا ممکنه جاعل کتاب بنام مستوفی هم برای اطمینان بخشی به کتابش از اون نام برده است. قرار نیست هرچیزی را که جاعلی در جعلنامه خودش نوشته باشد دلیل عدم وجود آن باشد. خیلی از کتب جعلی از رسول الله هم نام برده و توضیح داده اند اینکه دلیل نبودن آن حضرت نیست!! فکر نمی کنید در بذل و بخشش القاب و عناوین آنوسی خیلی دست و دلبازی میکنید.

نویسنده: مهدي - مهدي

سه شنبه 16 مهر1387 ساعت: 12:29

آقای یاشار

"ما علي الرسول الا البلاغ" مائده/99

مهدي

نویسنده: عابدی

سه شنبه 16 مهر1387 ساعت: 13:7

با سلام

آقای صمیمی ، متاسفانه ای میلی از شما نرسیده است . ای میل من : mohseyn_abedy@yahoo.com است.

موفق باشید.

نویسنده: عابدی

سه شنبه 16 مهر1387 ساعت: 13:49

با سلام

آقای صمیمی . ایمیل شما رسیده بود و انجام داده شد.

نویسنده: صمیمی

سه شنبه 16 مهر1387 ساعت: 14:23

جناب عابدی بزرگواری کردید.صمیمانه سپاسگذارم

نویسنده: رضا

سه شنبه 16 مهر1387 ساعت: 14:44

مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَن يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُوْلِي قُرْبَي مِن بَعْدِ مَاتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿ 113 ﴾ جزء 11

مَاكَانَ لأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُم مِنَ الأَعْرَابِ أَن يَتَخَلَّفُوا عَن رَسُولِ اللهِ وَلاَ يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَن نَفْسِهِ ذلِکَ بِأَنَّهُمْ لاَيُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلاَنَصَبٌ وَلاَ مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللهِ وَلاَيَطَأُونَ مَوْطِئاً يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلاَيَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَيْلاً إِلَّا كُتِبَ لَهُم بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللهَ لاَيُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿ 120 ﴾ جزء 11

جناب یاشار با سلام

ملاحظه میکنید که کلمه نبی و رسول به فاصله چند آیه در مورد حضرت محمد (ص) بکار برده شده است. تا آنجایی که من می فهمم که شاید درست نباشد ، کلمه رسول در اغلب موارد بهمراه کلمه الله بیان شده و تاکید ارتباط و ماموریت حضرت از سوی الله است اما کلمه نبی در عین اینکه بیانگر وظایف رسالت حضرت است تاکید ارتباط و ماموریت ندارد.

وب سایت

نویسنده: گردشگر

سه شنبه 16 مهر1387 ساعت: 15:15

مشايي: گردشگري فروغ دين است!

http://www.tabnak.ir/pages/?cid=20536

نویسنده: ویرگول

سه شنبه 16 مهر1387 ساعت: 17:11

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=62708

بلکه احمدی نژاد خطرناک است چون حرفهایش فکر شده و از روی حساب هستند.»

نویسنده مقاله در ادامه با اشاره به برخی آیات قرآن می‌نویسد احمدی نژاد به این دلیل از «اسراییل» یا «دولت یهودی» سخن به میان نمی‌آورد
چون قرآن همیشه نگاه منفی به یهود ندارد.
بنابر این احمدی نژاد با استفاده از تعبیر «صهیونیستی» بین یهودیت و صهیونیسم تفاوت قایل می شود

میدونیم "تایید مسجد محدثه (جمکران ثانی)توسط رئیس جمهور " .... اوضا بی ریخته............

نویسنده: ویرگول

سه شنبه 16 مهر1387 ساعت: 17:15

اعتماد ملی

سخنان عجیب مشایی ؛ ملائکه مرتب در عرصه کشور در حال پرواز هستند، حضور کوروش در ایران از سرمایه گذاریهای خداوند است

انوسیه .... انوسیه...................

صد البت سوال بدش نیاد!....................................

نویسنده: sadegh

سه شنبه 16 مهر1387 ساعت: 17:19

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت استاد گرامی وسایر دوستان ودشمنان

و با تبریک عید سعید فطر بر همه حق جویان

خدمت شما عرض شود کهبه میمنت و مبارکی این عید سعید و با مجاهدتها و رشادتهای مردم مبارز مسلمان ودیگر آزد گان

جهان گویا خداوند امسال عیدی مومنان را سرنگونی غول استعمار نوین قرار داده و همزمان با شادی عید خبرهای مفرح و مسرت بخش به وفور وبا سرعت هر چه تمام تر به گوش میرسد در آمریکا فاجعه اقتصادی رخ داده مراکز مالی و بانکها (لیمان برادرز)روبه به ورشکستگی نهاده اند . جوج بوش به صراحت برای اقتصاد آمریکا اعلام خطر میکند. بسیاری از سیاستمداران و تحلیگران بر این اعتقادند که عصر هیمنه و سیطره آمریکا به پایان رسیده .
وزیر دارایی آلمان که خود محافظه کار افراطی است با صراحت اعلام میکند که دیگر محال است آمریکا به وضع وقدرت قبل برگردد یعنی سقوطی بی برگشت . طوفانهای بی سابقه وسهمگین سواحل آمریکا را درنوردیده اند و چند طوفان دیگر نیز در راه اند . گویا علت آن نفرین مردمان مظلوم وستمدیده جهان باشد این از جنبه اقتصادی وداخلی .
اما در عراق چه خبراست . حال بر همه آشکار است که رهبران آمریکا که ازمدتها قبل به عدم کسب پیروزی در عراق پی برده بودند . عاجزانه سعی نمودند ولو یکی از وعدهای قبل از اشغال عراق را عملی نمایند .اما باز هم ناکامی . قاعده هنوز هم به اعتراف خودشان با قدرت در عراق حضور دارد. دموکراسی و آن رویای نیمه شب شیرین پیشرفت و شکوفایی در عراق به کابوس کولرا و گروهای مرگ و فقر و در نهایت رتبه آخر در فساد مالی واداری برای کشور اشغالی عراق تبدیل گشت. تبدیل عراق به پایگاه نظامی ، چپاول نفت آن، و تقسیم آن به کانتونهای مذهبی و نژادی و ..... همه و همه به خاطر حملات مردم دلیر عراق و مقاومت مثال زدنی آن به توهماتی ابلهانه بدل گشته . و اینک رهبران آمریکا تنها دنبال یک اقدام مثبت و دلخوشی ساده هستند که در بوق و کرنا کرده و بهانه برای خروج خود باشد چرا که کسب پیروزی در میدان رزم وعمل غیر ممکن مینماید .
پس در آخرین اقدام خود میلیونها دلار به وسایل ارتباط جمعی و میدیا داده اند که وضعیت عراق را آرام ومطلوب بنمایانند و بالعکس اخبار حملات مبارزانی عراقی را بایکوت نمایند . .

نویسنده: sadegh. 2

سه شنبه 16 مهر1387 ساعت: 17:22

ادامه...

. آقای گیتس وزیر جنگ آمریکا اعلام کرده که کشورش دیگر قادر نیست دو جنگ را در آن واحد اداره کند . در افغانستان صحبت از گفتگو و مذاکره با طالبان است . کرازای دست به دامان کشورهای اسلامی (عربستان) برای پادر میانی و وساطت جهت قبولاندن طالبان به مذاکره شده ، ناتو اعلام مکند که کسب پیروزی در افغانستان غیر ممکن است . نخست وزیر کانادا اعلام میکند ناتو نمی تواند تا ابد الدهر در افغانستان بماند.و با تعیین اولتیماتو برای خروج نیروهایش به رییس جمهور آمریکا هشدار میدهد در پاکستان مجاهدان موفق به بیرون راندن هم پیمان آمریکا ژنرال مشرف از صحنه سیاست شده و آقای نواز شریف که به احزاب و گروهای اسلامی نزدیک است با قدرت دوباره به صحنه باز میگردد . در سایر مناطق هم پیمانان آمریکا یکی پس از دیگری کنار میکشند ، در لبنان ، فلسطین، اوکراین .
و اما در صومالی و ما ادراک ما الصومالی . مجاهدین صومالی قیامتی بر مزدوران و متجاوزین اتیوپی بر پا کرده اند . شهر کیسمایو که دارای فرودگاه نیز میباشد به تصرف مجاهدین افتاده است مجاهدین در شهر احکام شریعت اسلامی را بر قرار کرده اند .موگادیشو پایتخت صومالی آماج حملات مجاهدین است فرودگاه پایتخت روزانه مورد هجوم خمپاره ایی مجاهدین می باشد .
زیناوی نخست وزیر اتیوپی که قبلا برای خروج نیروهایش پیش شرط گذاشته بود اکنون عنوان میکند که برای خروج نیروهایش لازم نیست که حکومتی قوی ومستقر در صومالی باشد . وی حاجزانه از کشورهای آفریقایی می خواهد که به مسئولیتهای خویش درقبال صومالی عمل کنند و به این کشور نیرو بفرستند . بطور خلاصه تمامی هم پیمانان و مزدوران آمریکا به درک یا در شرف به درک واصل شدنند . در حیاط خلوط آمریکا ببرهای آمریکای جنوبی چنگالهای خویش را به رخ آمریکا میکشانند

نویسنده: sadegh .3

سه شنبه 16 مهر1387 ساعت: 18:49

پایان

ونزوئلا با روسیه رزمایش مشترک جلوی دید سربازان آمریکایی برگزار میکند . سفیر آمریکا اخراج میشود و این ابرقدرت به تماشاچی خارج از گود میماند . خرس روسی دوباره از خواب قطبی بیدار می شود . روسیه تهدید به قطع کریدور امدادرسانی به افغانستان توسط ناوگان ناتو میکند وناتو را از ویتنامی دیگر در افغنستان بر حذر میدارد . رهبران روس به صراحت از پایان عصر ابرقدرتی آمریکا خبر میدهند . و از آغاز جدال نظامی یا اقتصادی همچون جنگ سرد ابا ندارند . ازدهای چین اقتصاد جهان را با سرعت به تسخیر در میآورد .بطور مثال در آفریقا و سایر کشورهای جهان سوم اکثر قرار دادهای نفتی و صنعتی به

علت عدم وجود هیمنه استعماری واستحماری و ارائه خدمات بلا عوض زیرساختی وعمرانی با چین منعقد میشود . یکی از تحلیلگران علت صعود برق آسای اقتصادی چین را به برکت وجود اسامه بن لادن و القاعده وسایر گروهای اسلامی میداند و عنوان میکند که چین باید ممنون اسامه بن لادن ودیگر گروهای تندرو باشد که باعث شدند آمریکا از پیشرفت اقتصادی چین غافل بماند . و دو کشور چین وروسیه باید روزی چندین بار دعا کنند که جنگ برعلیه ترویست همچنان ادامه داشته باشد

اینها فقط سر تیترهایی از خبرهای خوش افول عصر آمریکا و زوال این ابر قدرت در سطح جهان میباشد که در حقیقت ترجمان مقاله ارزشمند جنابعالی و تحقق وعده تخلف ناپذیر الهی میباشد . و به پیش بینی دکتر نوری المرادی روزی خواهد آمد که شاهد نزاع بین ایالات مختلف آمریکا و تقسیم آن به واحدهای کوچکتر خواهیم بود . و

مکرو ومکر الله والله خیر الماکرین

پیروز باشید

نویسنده: بختیار 1

سه شنبه 16 مهر1387 ساعت: 22:54

با سلام و با اجازه استاد

آنچه که سبب شد این چند خط را بنویسم واکنش دوستاني -که به نظرم سني مذهب هستند- به يكي از نوشته هاي استاد بود.
دوستان محترم همچنانكه از مقالات استاد ملاحظه فرموده ايد هدف از اين وبلاگ بنيان انديشي تاريخي است. در كنار اين بنيان انديشي و با توجه به انكه تاريخ سرزميني كه اكنون ايرانش ميناميم نميتوان از مردمانش كه مسلمان شيعه و سني و زرتشتي و كليمي هستند سخن نگفت.
خلاصه بحثها تاكنون اين بوده است كه آنچه به نام تاريخ چندين و چند سال است به خورد من و شما داده اند خزعبلاتي بي شرمانه بيش نبوده است. در كنار اين دروغهاي بزرگ و نگين به تاريخ پيدايش اشتقاقهاي شيعه و سني نيز اشاراتي رفته است.
ترديد نكنيم كه اگر استاد به مجعول بودن امام زاده هاي مناطق شيعه نشين اشاره ميكنند منظورشان مهر تاييد زدن به شاخه ي سني مسلمانان نيست

نویسنده: بختیار 2

سه شنبه 16 مهر1387 ساعت: 22:59

در جايي استاد سوال هوشمندانه اي مطرح كردند : شيعه از كي به وجود آمده است ؟ و عبارت علي ولي الله از كي وارد اذان شده است؟
بي شك براي اين سوال نه شيعه و نه سني جواب معقولي ندارند. همچنانكه براي زمان پيدايش سني نيز جوابي موجود نيست.

از ديگر سو به گمان من كم و بيش هم در شيعه و هم در سني آنقدر خرافات و جعليات رسوخ كرده است كه باز شناسي اسلام راستين از طريق هردو كاري غير ممكن خواهد بود. اگر دوستي به احاديث ساختگي بحارالانوار پرداخته اند شك نكنيد در كتبي كه سني نيز به آن استناد دارد موارد متعددي از جاي پاي جهود را مشاهده خواهيد كرد.

نویسنده: آیدین یاشار

سه شنبه 16 مهر1387 ساعت: 23:43

با عرض سلام مجدد خدمت استاد و همه دوستان
تردیدی نیست که در قرآن هم از کلمه رسول و هم نبی و بعضا هم "رسول نبی" استفاده شده است. من چندان اعتراضی در مورد نبی نداشتم. نبی خبر آور است. به همین دلیل رسالت رسول الله را کاملا بیان نمیکند. از این رو کاربرد محدودتری دارد. آیه شریفه "وَّإِن تَوَلَّوْاْ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلاَغُ وَاللّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ" و همچنین "مَّا عَلَى الرَّسُولِ إِلاَّ الْبَلاَغُ" اشاره بر آن است که دعوت به اسلام نباید مسلحانه صورت گیرد.ولی اگر رسالت رسول الله را در چهارچوب "دعوت به ایمان" درک بکنیم، این با ماهیت "خبر آورنده" یا "نبی" یا "مخصوصا "پیغمبر" سنخیت ندارد. خبر آورنده دعوت به ایمان نمیکند و صرفا خبر را منتقل میکند. اما

نقطه نظر استاد در این مورد بسیار ظریف بود. ایشان تذکر دادند که حتی اگر رسالت را در حد "پیغام رسانی" ارزیابی کنیم، در آن صورت هم اصطلاح "پیغمبر" نادرست است و باید "پیغام آور" گفته شود.

نویسنده: میثم+++

چهارشنبه 17 مهر1387 ساعت: 1:18

سلام خدمت استاد و بقیه دوستان .
منوچ جان خودت یه کاریش کن ما رو زیاد تحویل نمی گیرن البته ما کاره خودمون رو می کنیم-در ضمن خیلی دلم برات تنگ شده-!!!
صادق خان با سلام التماس دعا داریم برادر.

نویسنده: م. ستاره

چهارشنبه 17 مهر1387 ساعت: 2:14

کوچك‌ترین بزرگداشت حافظ در:
http://akharinakhbar.blogfa.com

وب سایت

نویسنده: م. ستاره

چهارشنبه 17 مهر1387 ساعت: 2:20

آقای بختیار. حوصله کنید.

آقای sadegh. پشم و پیلی های شان در آغاز فصل سرمای جهان ریخته است و تمام این سلسله ی شقاوت و غرور در همه جا باید شاهد غضب خداوند باشند و بدانید که اگر غرب تمام دارایی خود را به آفریقاییان ببخشد، هنوز خون بهای یک دهم جنایات مرتکب شده در آن قاره ی مظلوم را نداده است. موعد فرا رسیده است.

نویسنده: مهران حقیقت

چهارشنبه 17 مهر1387 ساعت: 12:49

آنوسیان و تفسیر قرآن

وبلاگهای زیادی در مورد متعه و ... وجود دارد.
چیزی که جالب است استفاده و تفسیر قرآن در توجیه متعه (زنای ش.عی) است.
نمونه آنرا به آدرس زیر ببینید:
http://man-mote.tumblr.com/post/29576169/6

پرسش و پاسخ 6 : متعه و عفت
پرسش : در قرآن به كساني كه توانايي ازدواج ندارند توصیه شده كه عفت بورزند نه اینكه بروند متعه كنند!
وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ... ﴿نور33﴾
و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز گرداند.

پاسخ : « ازدواج » كه در آیه فوق توصیه شده ، دو نوع است ؛ دائم و موقت. هر كس به هیچكدام دسترسي نداشت « باید » عفت بورزد و هر كس دسترسي داشت ، مي تواند از « هر كدام » كه دوست داشت استفاده كند.
در مورد تهمت بی عفتی كه ممكن است به انجام دهنده متعه زده شود هم باید گفت كه منظور از عفت ورزي ، دوري از حرام است و خودداري از معصیت ، نه دوري از لذت حلال یا خودداري از مباحات! دستور دین این است كه اگر دسترسي به نكاح

داشتيد مي توانيد از آن بهره ببريد ولي اگر دسترسي به هيچ نكاحي نداشتيد (ولو موقت) نبايد به بهانه اينكه من نياز دارم و چه كنم و... معصيت كنيد. بلكه بايد نفس را كنترل كنيد آن هم از حرام ، نه از حلال**!!**

از ديگر افاضات آقايان در نحوه متعه دختران باكره' جواز دخول از دبر است تا جلو باكره بماند.

آنوسيان فراوانند**!**

۱ ۲ >>

ایران شناسی 179

ایران شناسی بدون دروغ، 179، دیدار از اندونزی، 2 - 118 نظر

نویسنده: سلام استاد

جمعه 19 مهر1387 ساعت: 12:16

سلام بر همگی
پیرو مقالهٔ " تجدید مطلع " جناب پورپیرار ، قرائت یادداشت زیر می تواند سودمند باشد :

http://alsonna.blogfa.com/post-517.aspx

نویسنده: sadegh

جمعه 19 مهر1387 ساعت: 13:12

با سلام خدمت استاد گرامی و تمامی دوستان ودشمنان

استاد گرامی خسته نباشید خدا قوت

جناب حکیمی در مورد آن مورد اخطار که فرموده بود آیا اخطاررسمی است یا خیر ؟ خدمت شما عرض شود که هیچ اخطار رسمی و غیر رسمی در کار نیست، چرا که بنده هیچ گونه موقیعت رسمی و حزبی و دفتر ودستک و دشنه و اهرم سیاسی و گروه فشار ندارم . و تنها یک توصیه ی برادرانه بود که که در نهایت منجر می شد که آقای میثم +++ را به جناب غفوری حواله کنیم !!!
در مورد آنوسیت البته از نوع و ورژن جناب غفوری خدمتتان عرض شود که حق با شماست چرا که این نوع آنوسیت کار هر کس نیست زیرا که مجاهدت ورشادت و ایثار و ترک دنیا ودینار ودوست و دشمن تراشی و زهد و ریاضت می طلبد که از عهده ی چون منی خارج است و لطف الهی میطلبد برای برگزیدگی و در نهایت مجتبی شدن . اما در مورد نوع دوم آنوسیت (جدی) هیچ تبحری و تمایلی در این زمینه ندارم که دنیای پستی از نفاق و خیانت وشرک وکفر و دوز و کلک و شیادی و شارلاتان باز یست پس عطایش را به لقایش بخشیدیم ، ارزانی طالبانش و خداوند نصیب نکند



نویسنده: حکیمی

جمعه 19 مهر1387 ساعت: 13:27

سلام! تا حالا در بین ایران شناسان حرام زاده زیاد دیده بودیم ولی نه بی شرمی مثل این یکی که از شنیدن نام پورپیرار به تته پته افتاد. http://www.rakhsh.org/baygani/1143.html

نویسنده: توحید

جمعه 19 مهر1387 ساعت: 14:44

فراز هایی از پروتکل یهود برای تسلط جهانی (2):
....

تا آنجا که مقدورمان باشد، باید از بروز جنگی که بسود ناحیه ای خاص منجر شود، جلوگیری کنیم. آنگاه جنگ را به صحنه اقتصاد می‌کشانیم تا طرفین متخاصم به خوبی تسلط همه جانبه ما را دریافته و تسلیم عوامل بین المللی ما شوند. حقوقی بنام حقوق بین الملل وضع خواهیم کرد که جایگزین حقوق ملی کشورها شده و ناظر بر روابط بین ملل باشد، همانگونه که قوانین حقوقی یك کشور، بر روابط افراد آن کشور نظارت دارد.

- اطاعت بی‌چون و چرا از مهمترین شرایطی است که ما برای انتخاب مدیران در نظر می‌گیریم و هیچ ضرورتی ندارد که آنها در زمینه مدیریت تحصیلات و اطلاعاتی داشته باشند. اینگونه مدیران همچون مهره شطرنج در دست مشاوران و متخصصانی خواهند بود که ما از کودکی آنها را برای اداره امور جهان تربیت خواهیم کرد. همانطوری که نیك می‌دانید اینگونه مشاوران را طوری تربیت می‌کنیم که برای احراز مقام هائی که به آنها محول می‌شود، واجد شرایط باشند. بعلاوه آنها را در زمینه امور سیاسی، تاریخ و تحلیل وقایع، آموزش می‌دهیم. می‌دانیم که غیریهودیها طوری تربیت شده‌اند که نمی‌توانند وقایع تاریخی و مشاهدات خود را بدون پیشداوری تحلیل کرده و از این تحلیها نتیجه عملی بگیرند و یافته ها را راهنمای عمل خویش قرار دهند. بنابراین، ضرورتی ندارد که ما به آنها اهمیت بدهیم. بگذار که سرگرم شوند و عمری را در آرزو و امید بسر ببرند و به خاطرات گذشته خویش دل خوش نمایند. بگذار خود را با اصولی که ما به نام علم(تئوری) به آنها دیکته کرده ایم سرگرم کنند. با توجه به این هدف ما به یاری مطبوعات(رسانه های گروهی) اعتماد غیر یهودیها را به صحت این تئوری‌ها جلب می‌کنیم. روشنفکران غیریهودی علوم را به طور مجزا از هم مورد تحقیق قرار می‌دهند و بی‌آنکه خود متوجه باشند، اطلاعات فراوان و نتایج گرانبهائی را فراهم می‌آورند ولی آنها را در متن عمل پیاده نمی‌کنند. اما عوامل ما اطلاعات به دست آمده از اینگونه تحقیقات را با هم تلفیق و ترکیب کرده تا به یك کل دست یابند و فکر خود را در جهت خواستهای ما پرورش دهند.

وب سایت

نویسنده: توحید

جمعه 19 مهر1387 ساعت: 14:46

فراز هایی از پروتکل یهود برای تسلط جهانی (2):
....

تعلیم و تربیت ویرانگر:

- فکر نکنید آنچه که در بالا گفته شد تنها یك حرف است. دقت کنید که ما چگونه موفق شدیم داروینیسم، مارکسیسم و نیچه‌ایسم را بال و پر بدهیم. یهودیان باید به سادگی به اهیمت نقش ویرانگر نظریه های بالا، روی ذهن و اندیشه غیریهود پی ببرند.

- می‌دانیم که ممالك جهان از مطبوعات بعنوان وسیله هائی برای هدایت فکر مردم در جهت دلخواهشان استفاده می‌کنند. لذا برای آنکه بتوانیم از مطبوعات در جهت خواسته های خود استفاده کنیم، باید در بین مردم نارضائی ایجاد نمائیم و سپس از طریق مطبوعات نارضائی‌ها را منعکس سازیم.

می‌دانیم که آزادی بیان تنها از طریق آزادی عمل تضمین می‌شود، اما مردم غیریهودی نمی‌دانند چگونه از مطبوعات استفاده کنند. خوشبختانه این وسیله به دست ما افتاده است و ما می‌توانیم از طریق مطبوعات اعمال نفوذ کنیم. جای بسی خوشبختی است

که ما علاوه بر مطبوعات، طلا را هم در اختیار داریم. ولی باید یادآور شد که ما این دو عامل را با از خودگذشتگی فراوان و از میان اقیانوسی از خون و اشك به دست آورده ایم و برای دست‌یابی به آنها قربانیان فراوانی داده‌ایم، البته هر قربانی‌ای که ما می‌دهیم، از نظر خداوند با هزار قربانی غیریهودی برابر است.

وب سایت

نویسنده: آلتین

جمعه 19 مهر1387 ساعت: 18:28

سلام . ما روز به روز افزایش جمعیت کرد ها در مناطق ترکنشین را شاهدیم بخصوص تبریز آیا این نقشه جدید و پلید یهودیان و مسیحیان است ؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 19 مهر1387 ساعت: 18:1

آقای حکیمی. برای بهبودی نسبی در این بیماران باید یک نسخه مستند تختگاه هیچ کس برای شان پیچید.

خانم نسرین. در آن زمان ها که می گویند، در خود ایران یک ایرانی پیدا کنید تا با بار یک شتر شناگر به عنوان تاجر به اندونزی بفرستیم. ضمنا هنر باتیک اندونزیایی چندان فاخر و هنرمندانه است که در همان شرق دور هم مشابهی ندارد.

نویسنده: آرش

شنبه 20 مهر1387 ساعت: 0:32

جناب التین
امروز اب منزل ما قطع شد یقین داشتم که کار فقط می تواندکار شمر ودار ودسته او باشد اما متاسفانه اشتباه فکر کرده بودم چون آب منزل ما توسط شرکت آب وفاضلاب به خاطر بدهی قطع شده بود.
بعد که یک ذره منطقی فکر کردم به خودم گفتم درسته که شمر آب را به روی امام حسین قطع کردولی نه من امام حسین ام نه شمر زنده است.مطمئن باش یهودیت پست دشمن ترک وکرد وبلوچ و...نیست چون هر اعتقاد ووابستگی از جنس قومیت که فارق از اعتقادات اسلامی باشددر ذات محکوم به فرمانبرداری از خواست یهود است آنها دشمن قران واسلام ومسلمانان هستند نه قومیت های بی اندیشه "ان المو’منین اخوه" .
خواهش می کنم اندیشه را فارق از منیتهای قومی کنید در اینجا بحث از برادری وبرابری است وادامه روند زندگی در کنارهم بدون در نظر گرفتن زبان ولباس و....در مقیاس بزرگ منطقه ای وجهانی حول لوای قران واسلام مطرح است .
اگر وجود کردها باعث ازار شما شده می توانی سفره ات را جمع کنی!!!!
ان اکرمکم عند الله اتقاکم. الا لعنت الله علی القوم الظالمین انما المومنین اخوه.

نویسنده: جلال

شنبه 20 مهر1387 ساعت: 0:33

ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلو علیه وسلموا تسلیما
آقای یاشار و مارلیک این است شان و مرتبه حضرت رسول(ص) که خداوند از عرش کبریایی خود براو صلوات میفرستدو مومنان را نیز فرمان میدهد که او را صلوات فرستند و به تسلیم سلامش گویند...
براستی چنین جایگاهی از آن بهترین مخلوقات خالق واحد می باشد

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

شنبه 20 مهر1387 ساعت: 2:14

با سلام خدمت آقای پورپیرار و سایر دوستان

آقای حکیمی اگر من به جای این گزارش گر محترم بودم, در همان لابی هتل, فیلم دیدنی (و البته برای پرفسور فرای, ترسیدنی) تخت جمشید را اکران میکردم و همزمان از چهره ی سرخ و عرق ریزان ایشان فیلم مستند دیگری تهیه میکردم که بسیار دیدنی میشد.

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 20 مهر 1387 ساعت: 1:25

خانم نسرین. قلمکار باتیک نیست. قلم کار مسطح است و با کوبیدن قالب انجام می شود ولی باتیک نه فقط نقش که حجم مومین دارد و عمدتا با دست نقاشی و رنگ آمیزی می شود. به همین دلیل قلمکارها باسمه هایی یکنواخت و تکراری اند اما هر هنرمند باتیک کار هر نقشی را فقط یک بار و در طول یک رول پارچه می زند و ارزش و غنا و تنوع بی پایان باتیک نیز در همین است. قلمکار بی شک بومی است و می تواند از انعکاس اثر انگشتان بر خمیر نان الهام گرفته شده باشد. باتیک به کلی مقوله ی دیگری است که به خواست خدا در ادامه ی مقاله در باب آن اندکی خواهم نوشت.

آقای جلال. گناه با حرام متفاوت است. دوست شما فراموش کرده است که در آیه 219 سوره بقره و منافع للناس هم آمده است که در مورد حرام کاربردی ندارد. آیه اشاره دارد که ضرر آن از منفعت اش بیش تر است که تعریف حرام این نیست. آیات قرآن منبع دانایی آشکار است و معانی آن بر اساس تعصبات و تفسیرات تغییر نمی کند.

نویسنده: جوادی

شنبه 20 مهر 1387 ساعت: 1:55

سلام و عرض احترام جناب استاد. وبلاگ سرقت شده ی قبلی شما که روزانه تا هزار بازدید کننده داشت، حالا به روزی ده تا بیست بازدید رسیده است. آیا این ابلهان بیدار نمی شوند و ادراک نمی کنند که با حقیقت به هر حقه ای نمی توان درافتاد.

نویسنده: حکیمی

شنبه 20 مهر 1387 ساعت: 7:58

جناب دهقانی.عجب سوژه ای!جدی که جالب خواهد شد.

نویسنده: رضا

شنبه 20 مهر 1387 ساعت: 8:51

با سلام خدمت استاد محترم و دیگر دوستان
آنچه باعث شادمانی افراد میشود ثروت نیست بلکه امید به آینده است. آدمی هرچه محدوده درخواستها و نیازهای مادیش وسعت یابد ، حریص تر و ناامیدتر میشود و در نتیجه در عین داشتن رفاه مادی بازهم ناشاد است و با استرس و نگرانی فردای مادی بسر میبرد. این از ارمغانهای غربزدگی ایران است. خوب یادم هست که در دوران کودکیم که مردم ما هنوز تا این حد غرب زده نبودند با وجود فقر اجتماعی و نداشتن برق و اتومبیل و لوازم لوکس منزل و .... یک آرامش ذهنی و امید به آینده داشتند که باعث شادی عمومی مردم به نسبت امروز بود. زمانی یک پزشک هندی برایم گفت که وقتی به ایران می آید همه مردم را عصبی و در حال نزاع باهم و در تنهایی در حال غرولند و حرف زدن با خود می بیند ولی اغلب مردم ایران متوجه نیستند،درحالیکه در کشور ما که بسیار فقیرتر از اینجاست مردم با هم با محبت و صفا برخورد می کنند و شاد هستند.
برخلاف آنچه در تعالیم قران نهفته است ، دولت و مردم ما با علاقه ایکه به سمبلهای غرب و مسیحیت دارند و رفاه مادی را بعنوان هدف برگزیده اند به وضع بدتری خواهند افتاد.البته بنده دشمن اقتصاد و رفاه نیستم بلکه آنها را وسیله میدانم برای تعالی بشر نه هدف غایی.طبعا داشتن اتومبیل بنز از پیکان بهتر است اما برای چه منظوری و به چه قیمتی!!

وب سایت

نویسنده: آنتی منوچهر

شنبه 20 مهر 1387 ساعت: 10:56

هی بگین منوچهر مسلمونه! بیاین اینم سندش!
id=28897&http://www.chn.ir/news/?section=1

نویسنده: رضا صدیقی

شنبه 20 مهر 1387 ساعت: 16:27

جناب استاد پورپیرار
با سلام
بدین وسیله 25مین گفتار باستان شناسی اندیشه ویژه هنر و تمدن اقوام پراکنده ایران تقدیم حضور جناب عالی و خوانندگان محترم می گردد.

وب سایت

نویسنده: هیوا ایزدی

شنبه 20 مهر 1387 ساعت: 16:39

استاد پورپیرار با عرض سلام
يعني دربارهٔي پاسخ آقاي جلال مي‌توان گفت که خمر و میسر اثم هستند نه حرام؟

نویسنده: منوچ

شنبه 20 مهر 1387 ساعت: 13:15

ای ای ای بچه مسلمون!
دلی دلی کبابی آی کبابی!

من که می دونم!
حالا منو سیاه کن. نذار بگم که اصلا ... !
ها. خوشم میاد زود می گیری!
استاد حساب ایشون با شماست!

اینجا شده خونه خاله!
ناراحتی حرفی داری به خودم بگو. چرا اینجا کامنت می ذاری اون هم از نوع خصوصی؟
مجبورم کردی بعد از مدتها کامنت بذارم. من که از اول گفتم جهودم. باز هم تکرار می کنم:
خدای بزرگ من یهوه است.
که یه معاون کلانتر هم داره به نام عزیر.
الان هم دارم می گردم ببینم تو کتاب مقدس مون چی نوشته اگه زمین و آسمون رو اون اولی آفریده. پس درست کردن این عزیر به چه درد می خورده؟ و خدا شده که چی کار کنه؟ اگر هم پسر خداست چرا به خلقت آسمون و زمین اشاره شده اما به زایمان و وجود آقا عزیره هیچ اشاره ای نیست؟
یه مسلمون فلان فلان شده می گفت حتما یه اشکالی در کار بوده که یهوه در حالی که اسم و تاریخ تولد بچه های تمام انبیا را ردیف کرده روش نشده مال خودشو بگه!!!
از شما مسلمونا که همش به فکر پایین تنتونین بعید نیست فردا بپرسین کی یهوه رو حامله کرده که پسر دار شده.
شایدم یعقوب. بعد از این که یهوه اونو برکت داده بود.

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 20 مهر 1387 ساعت: 16:45

آقای ایزدی. در متن آیه گناه آمده، اما برای گرفتن فتوا ببینید اتوبوس مربوطه به مقصد قم جای خالی دارد یا نه؟...

نویسنده: سرباز

شنبه 20 مهر1387 ساعت: 21:7

سلام استاد

متذکر می شوم که در آیه ی 33 سوره ی اعراف، گناه (اثم) رسما" و با وضوح تمام حرام اعلام شده است.

نویسنده: جلال

یکشنبه 21 مهر1387 ساعت: 0:27

باعرض سلام
اگر ممکن باشد بگویید گناه چیست و برای چه عملی تعلق میگیرد؟ آیا جز برای انجام فعلی حرام برای چیز دیگری هم تعلق می یابد؟
در مورد "الازلام" آیه 90 سوره مائده نیز اگر ممکن باشد توضیحی بدهید. باسپاس فراوان

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 21 مهر1387 ساعت: 0:26

آقای جلال. تا دیر نشده به آقای ایزدی بفرمایید جایی هم برای شما ذخیره کند.

آقای سرباز. بحث در باب آیات219 بقره و 90 مائده می گذشت که در آن ها فرمان تحریم مستقیم نیست، به خصوص که در این باب آیه ی چهارم سوره ی نسا' نیز باید دیده شود. چنان که در آیه ی 33 سوره ی اعراف سخن از فواحش تا میزان شرک است و نیز بد نیست آیه ی 151 همان سوره ی انعام را هم ببینید. به طور کلی در فهارس حرام ها در قرآن، خمر منظور نشده ولی در لیست منهایات، نهی نهایی آن در کلیات قرآن مسلم است.

آقای صمیمی. تماشاخانه ای و تبلیغاتی بودن این اطوارها زمانی هویدا می شود که می بینیم از کشتار صدها و هزاران کودک فلسطینی به وسیله ی اسراییلی ها چیزی نمی نویسند ولی پذیرش یک بیمار در بیمارستان را نشانه ی همنوع دوستی یهودیان اعلام می کنند، که لابد خانواده ی بیمار امکان پر کردن کیسه ی تجارت خانه های بیمارستان نامیده شده ی اسراییل را داشته اند. اسلنگ "خر خودتانید" در این گونه مواقع به درد می خورد.

آقای جوادی. مطلب بسیار ساده است. اگر می توان به سهولت اثبات کرد که اصفهان و شیراز و قزوین و قم و غیره، شهرهایی نوپدید و حد اکثر چهارصد ساله اند، پس هر کتابی که به نام این شهرها اشاره کند قطعا در دوران جدید نوشته شده است. حالا خود حساب کنید چه میزان سفرنامه و البلدان و مسالک و ممالک و کتب تاریخی کهن و نو را باید به عنوان منبعی از جعلیات به دور انداخت.

نویسنده: آیلار

یکشنبه 21 مهر1387 ساعت: 4:58

جایی نظرتان را درباره آکادمی دیدم
اما اصلش این است :
academy آک + آدامی = آدم سپید. که لغتی کاملا تورکیست

نویسنده: صمیمی

یکشنبه 21 مهر1387 ساعت: 7:16

خیلی ممنون که وقت گذاشتید مطالعه فرمودید.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 21 مهر1387 ساعت: 7:35

آقای آیلار. چه کسانی ترکی حرف می زده اند، بابلی ها و یا یونانیان؟!! دو قدم دیگر که در این راه برداری، درست به تقلید از فارس ها، مشغول یافتن لغات ترکی در قرآن خواهی شد!!!

نویسنده: سامان

یکشنبه 21 مهر1387 ساعت: 12:11

مشایی: سخنانم عین کلام خدا در قرآن است!

http://www.tabnak.ir/pages/?cid=21044

نویسنده: آیدین یاشار

یکشنبه 21 مهر1387 ساعت: 13:15

با سلام خدمت استاد و همه دوستان
مقدمتا بگویم که به نظر من آن کار استاد برای تعویض اسکناس 500 یوروئی در آن ساعت شب حتی در کشوری مثل اندونزی کار خطرناکی بوده است. اما از مزاح که بگذریم، نحوه وصول اسلام به کشورهای شرق دور نظیر اندونزی و مالزی، آن هم با اصالت و درجه خلوص نسبتا بالا امری شگف انگیز است. اینجا دیگر مطمئنا قادسیه ای در کار نبوده است و به احتمال قوی باید از تشرف داوطلبانه تحت تاثیر جاذبه های معنوی صحبت به میان آورد. کنجکاوی دیگر من در مورد مسیر وصول اسلام به آن خطه است. آیا از طریق دریا بوده است یا خشکی. وجود کشتیهای اقیانوس پیما پیش از ظهور استعمار (قرن 16) قابل تصور نیست. انتقال اندیشه اسلام در مقیاس توده ای به کشوری مثل اندونزی از طریق خشکی به روش مسالمت آمیز تنها از طریق این پیش فرض محتمل خواهد بود که وجود کاروانهای تجاری و ارتباطات بازرگانی و سیاحتی بین کشورهای اسلامی و خطه شرق دور را قبول بکنیم. اما این نیز با نظریه استاد در خصوص فقدان کاروان و حیات اقتصادی پیشرفته در بیشتر مناطق شرق میانه در اعصار قبل از صفویه در تعارض است. در این بین این سوال باقی است که ملتی به گستردگی اندونزی چگونه پیش از دوره استعمار پیام اسلام را دریافت کرده و در مقیاس گسترده به آن لبیک گفته است؟ نظر استاد عزیز را در این مورد جویا هستم.

نویسنده: هاتف

یکشنبه 21 مهر1387 ساعت: 13:16

صمیمانه برایتان دعا می کنیم.
و بی صبرانه منتظر ادامه اسلام و شمشیر هستیم.
موفق باشید.

نویسنده: سرباز

یکشنبه 21 مهر1387 ساعت: 13:48

استاد گرامی، متوجه استدلال شما نشدم.

آنچه که در آیه 33 سوره ی اعراف دیده می شود، خطابی به پیامبر است بدین مضمون که بگو جز این نیست که خداوند پنج آیتم زیر را حرام اعلام کرده است:
1- فواحش
2- اثم
3- بغی به غیر حق
4- شرک به خدا که سلطانی برای آن نازل نکرده

5- گفتن چیزی درباره ی خدا بدون علم

و مگر اثم مفهومی غیر از آن است که مثلا در آیات زیر بدان اشاره شده؟
1- یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیرا من الظن ان بعض الظن اثم (حجرات 12)
2- و تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان (مائده 2)
3- والذین یجتنبون کبائر الاثم و الفواحش و اذا ما غضبوا هم یغفرون (شوری 37)
4- یسئلونک عن الخمر و المیسر قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس و اثمهما اکبر من نفعهما (بقره 219)

آیا بدین ترتیب تکلیف روشن نیست؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 21 مهر1387 ساعت: 12:56

آقای سرباز. شما اول بگو منظورتان از 4- شرک به خدا که سلطانی برای آن نازل نکرده، چیست تا مطلب را دنبال کنیم.

آقای یاشار. هنوز در مقدمه ی مطالب مربوط به اندونزی هستیم. حوصله کنید.

آقای هاتف. دعای وصول فرصت کنید، به خواست خدا انجام وظیفه خواهم کرد.

نویسنده: سرباز

یکشنبه 21 مهر1387 ساعت: 14:22

بحث راجع به آیتم دوم یعنی "اثم" است، و نه راجع به آیتم چهارم یعنی "شرک".

نویسنده: علی

یکشنبه 21 مهر1387 ساعت: 15:42

متشکرم.

نویسنده: جامعه شناس

یکشنبه 21 مهر1387 ساعت: 16:5

(1)

تفکیکی برای نسل جدید

به نظر می رسد نسل جدید ایران از مقطعی دو شقه شده اند . شقهٔ جدید ، نسلی است که ابتدای ورود او به دوران تحصیل ، به دوران پس از پایان جنگ و مرگ آقای خمینی باز می گردد ، و نسل قدیمی ، نسلی است که پیش از پایان جنگ و مرگ آقای خمینی پا به عرصهٔ آموزش گذاشته است . تفاوت این دو نسل که به نظر ناشی از تحولات اجتماعی است ، تا آن حد می باشد که مثلا در یک خانوادهٔ واحد ، هیچ سنخیتی میان این برادر نسل قدیم با آن برادر نسل جدید وجود ندارد ! متأسفانه باید اعتراف کرد این نسل جدید ، یعنی نسلی که در دوران پس از پایان جنگ و مرگ آقای خمینی ، رنگ دبستان به خود دیده ، در درجات به شدت قابل رؤیتی ، نسل واپس مانده ای است و جدای از شکل و شمائل خود ، که بسیار به آن می رسد ، از حقیقت زندگی هیچ نمی داند و دنیای او در عمل جراحی بینی و تیشرت و اتوموبیل و رستوران و باشگاه بدن سازی و با دوستان گرد هم بودن و موسیقی و موبایل بازی و زیر ابرو برداشتن (برای مردان !) و رنگ آمیزی مو و توجهٔ بسیار زودهنگام به جنس مخالف و ... خلاصه می شود ، بطوریکه به همان اندازه که از کار منزل و مسئولیت های اجتماعی و فردی بی خبر هستند و مطلقا از عهدهٔ جزئی ترین امور بر نمی آیند ، به ظواهر بی اهمیت زندگی ملتفند و اگر آشپزی و خیاطی نمی دانند یا یک خرید سادهٔ منزل را نمی توانند سر و سامان دهند یا از کارهای فنی هیچ نمی فهمند یا احساس مسئولیت نسبت به پدر و مادر و خانواده را اصولا نمی

دانند چطور تلفظ کنند یا بسیار بی تربیت هستند یا نازک نارنجی اند یا خیلی دیر از عالم « بچگی » بیرون می آیند یا نمی توانند از پس تقبل هیچ مسئولیتی برآیند یا بی سواد مطلقند و سواد قرائت یا نگارش و فهم یک متن ساده را ندارند و ...

نویسنده: جامعه شناس

یکشنبه 21 مهر1387 ساعت: 16:6

(2)

در ازای آن ، آرایش کردن و رنگ کردن مو و در لاک و پوست جنس مخالف رفتن و هر روز با یکی مثل خودشان بودن و چهارشنبه سوری را به خارج از شهر رفتن و پاس داشتن Valentine و در این بوتیک و آن بوتیک سر کشیدن و به دنبال لوازم آرایشی ، به هر سوراخی فرو رفتن و اصلا خودِ فن آرایش نمودن و چت کردن با این و آن و غذا از فست فود سفارش دادن و بیلیارد بازی و در مجتمع های تجاری ، بیهوده پرسه زدن و پای تلویزیون و فیلم های ماهواره ای نشستن و ساعت ها با این و آن پشت تلفن صحبت نمودن و ... را خوب بلندند و ناگفته نماند نام این سفاهت ها و پست رفت ها و حتی حماقت ها را هم خصوصا مؤنث هایشان ، « پیشرفته » بودن و « غیر سنتی » بودن می گذارند !!! راستی از خصوصیات دیگر نسل موصوف ، یکی عدم توجه به بهداشت فردی و بی بند و باری است ، به این معنی که اگر به اتاقشان سر کشی شود ، از شیر مرغ تا جان آدمیزاد زیر تخت یا در کمدشان پیدا می شود و در پشت سر و وضع آراستهٔ شان ، لباس های زیرشان ، وضعیت آشفته ای دارد ، یا موهای زائد بدنشان را نمی زدایند یا حتی ممکن است در مستراح ایستاده ادرار کنند یا حتی طهارت درستی نگیرند . از اعتقادات مذهبی آنها نیز بگذارید سخنی نگویم !

نویسنده: هیوا ایزدی

یکشنبه 21 مهر1387 ساعت: 16:24

سلام بر استاد پورپیرار
آقاي جلال! آسوده باشيد جا به اندازه ي كافي هست.گويا استاد با گاراژچي قرارداد بسته كه مسافران زيادي را راهي كند و ايشان هم تدارك زيادي ديده‌اند!

نویسنده: آیلار

یکشنبه 21 مهر1387 ساعت: 17:8

برای کلمات تورکی قرآن مطالب زیادی دارم از اولش شروع می کنم
قرآن کلمه ای ترکی است KOR-AN ، (خدای آتش)، KOR-AGA (خدای کور)، O-KOR-AN (اوست خدای آتش ِ آسمان)،
OKOR-AN Okur-Han (خدای آسمان میخواند)، KURAN نام خدای باستانی آسمان است، KOR-HAN (خدای ِ آتش ِ آسمان)
کلمه anagrammatismos که یونانی است = onugrammadiismi as = نامش یکتاست با منفصل کردن آن
شک نکنید که کلمات زیادی از تورکی به زبانهای دیگر راه یافته
monstrous انگلیسی، در اصل ترکی استMANAS TuR OUS اشاره به خدای آسمانی

نویسنده: سعیدی

یکشنبه 21 مهر1387 ساعت: 17:19

استاد گرامی سلام. در مورد این مطلبتان دچار نافهمی شدم که خواهشمندم در صورت عنایت توضیح بیشتری مرقوم بفرمایید.
نوشتید:
(در اندونزی هنوز هم خانواده ها پر اولادند و همین رمز دوام ملی و استقامت در برابر استعمارگران و کثرت کنونی جمعیت، علی رغم تاریخ حضور بس کوتاه و خونین مسلمانان مهاجر به آن سرزمین است، داستانی که از فرط شگفتی، شنونده را دچار ناباوری و اعجاب می کند.)
در این جا از حضور خونین و لابد مهاجمانه مسلمین گفتید اما در یادداشت 179 به رد گفته های غربیان مبنی بر حضور مهاجمانه مسلمانان اشاره کردید. اگر میسر است توضیحات روشنگری مرقوم بفرمایید.

نویسنده: م.ستاره

یکشنبه 21 مهر1387 ساعت: 14:36

سلام
به مصداق چو می بینی که نابینا و چاه است ، اگر خاموش بنشینی گناه است اما لامپ اضافه خاموش ! و به منظور تنویر افکار عمومی و روشن سازی اهل ضلال و فریب خوردگان این وبلاگ که دیگر شیطان هم قادر به هدایت شان نیست ، باید بگویم که ، اگر چه می دانم کسی از شما ، حرف حق مرا باور نخواهد داشت و خواهید خندید ، اصلا خود قرآن یک لغت ترکی است و معنای آن ، برنده است که معنای شمشیر را هم در دل خود دارد . یعنی مسلمانان با این وسیله ! از دین قدیم خود بریده اند یا مثلا اشاره شده است که چطور هزاران و شاید میلیون ها یهودی نازنین به وعده بشارت ، به یثرب نزدیک شده را ، گردن برید و در چاهی ریخت که لااقل باید 100 متر عمق داشته باشد ، عمقی که آب می جوشد ولی اعراب ، جنازه در چاه عمیق می ریزند تا از تشنگی بمیرند (عرب یعنی همین !) یا دست دزد را و گردن نامسلمان را و غیره . دیگر وارد جزئیات نمی شوم که اوضاع خیلی قمر در عقرب است ! (از ریشه ی قیرماق)
این مطلب را از صفحه 438 کتاب الاعراب شعبة من الاتراک نوشته ی نزادیب ایوکنیش اوغلو برداشته ام .
البته سلحمناشی در کتاب لغات الترک فی القرآن الاعراب صفحه ی 386 ، از امام محمد غزالی نقل کرده است که معنای دیگر قرآن ، سازنده و بنا کننده و برگزار کننده است که چون در این مفهوم ، امکان برداشت آدم کشی و خونریزی کمتر است ، پس قابل قبول نیست ! (از ریشه ی قورماق)
پس باید به حال شما که حرف مرا باور ندارید ، زار زار گریست . حالا فارس ها در کتابی که اسم اش هم ترکی است ، به دنبال لغات فارسی می گردند !!!
می خواستم چند تا شعار ترکی هم اضافه کنم ، حافظه قلقلک ام می دهد .
با این حساب اما ، هنوز خبری از استاد کورش آریایی ندارم ! می خواهم با من مصاحبه کند فقط مرا راهنمایی کنید که به نژاد چاک آریایی بپیوندم یا به دین آباء و اجداد خزری ام ؟!
کورش جان اگر تا آخر هفته جواب ندهی ، صاف می روم داخل ضریح بست می شینم ! با اتوبوس این وبلاگ هم نمی روم که مشتی گمراه در آن اند !

... یحرفون الکلم عن مواضعه و یقولون سمعنا و عصینا و اسمع غیر مسمع و راعنا لینا بالسنتهم !!! ...

والسلام

نویسنده: حسام الاهوازی

یکشنبه 21 مهر1387 ساعت: 18:44

با سلام خدمت استاد فرزانه و بنیان اندیشان محترم
استاد این مطلب شما هم مثل همیشه عالی بود .
شما واقعا سفرنامه نویس ماهری هستید .

با تشکر

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

یکشنبه 21 مهر1387 ساعت: 20:33

سلام به همه ی دوستان.

آقای جامعه شناس, یک سوال:
1. جامعه بچه را تربیت میکند یا بچه جامعه را؟
2. چرا فرزندان بزرگ شده در خانواده های مورد نظر شما که valentine رو ارزش نمیدادند. موهای خود را رنگ نمیکردند. به چهار شنبه سوری نمی رفتند و .... امروز بیشتر از من و شما صاحب این عادات زشت و نا پسند شده اند؟

3. آیا به نظر شما این مسائل نیز نتیجه ی یک فشار بی منطق نیست؟
4. آیا نسل جدید تربیت شده از طرف نسل قدیم نیستند؟
5. پس کجا رفتند دلاوران دفاع مقدس؟
من این جمله را قبول دارم که می گوید: هیچ تمدنی نابود نمی شود مگر از درون.
و در نهایت به نظر من مشکل بزرگ ایران از اینجا آغاز شد که:
زبان فارسی به دست فرهنگستانها افتاد
و فرهنگ هم به دست سازمان جدیدی به نام انقلاب فرهنگی افتاد که اگر از مسئولینش سوال کنید که فرهنگ چیست با چشمان حیرت زده شما را تماشا میکنند. و ......
جناب جامعه شناس. جامعه مانند درخت ریشه ساقه و میوه ای دارد. میوه ی گندیده را مجرم نشمارید. گمان نمی کنید تحلیلتان کمی هم احساساتی است؟.

نویسنده: حکیمی

یکشنبه 21 مهر1387 ساعت: 20:48

آقای ایزدی ما هم هستیم!البته فرقش اینه که دقیقا بعد آشنایی با استاد کلا مقیم قم شدیم!آمدید تشریف بیارید منزل ما!

نویسنده: eldeniz

یکشنبه 21 مهر1387 ساعت: 21:55

با سلام و تشکر از استاد عزیز.
کتاب ها رسید مبلغ فاکتور را در اسرع وقت واریز خواهم کرد .
با تشکر مجدد و آرزوی موفقیت.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 21 مهر1387 ساعت: 21:2

آقای ایزدی. مواظب حکیمی باشید آنوسی است حتی اگر آقا جلال هم اصرار کرد به خانه اش نروید.

آقای حسام الاحوازی. ممنون.

آقای آیلار. برخی دوستان پیشنهاد داده اند به شما لقب مرحوم پرویز آیلار ورجاوند بدهیم، می پسندید؟! ضمنا چنان که در تبلیغات آن ها هم توجه می دهند قبل از مصرف این نوشابه های انرژی زای جدید، خوب به همه ی عواقب آن فکر کنید!!!

آقای م. ستاره. به احتمال زیاد یهودیان پس از این کامنت به سراغ تان خواهند آمد، شاید بخواهند جلد دوم الفهرست را به شما سفارش دهند. از هم اکنون مناسب است شما را "ابن ستاره" بخوانیم. به کورش آریایی هم زیاد فشار نیاورید، مشغول تصمیم گیری در باب چه گونگی اداره ی امورات دنیوی اند؟!!!

آقای جامعه شناس. یک تیم کامل سازمان داده شده برای ورود این نسل به مسیر کنونی، که ظواهرشان را خوب تشریح کرده اید، در ده سال گذشته، شبانه روز از ده کانال داخلی و خارجی که خرج آن را این جمهوری می دهد، جاده باز کرده اند. دنبال چه می گردید؟

خانم سعیدی. کمی دیگر حوصله کنید. اشاره ی کوتاهی بود به مبحث روشنگری که در پیش است.

آقای سرباز. معنای این جمله ی شما را نفهمیده ام. شرک به خدا که سلطانی برای آن نازل نکرده، منظور از آن "سلطانی" چیست؟

آقای eldeniz. به تقلید از کاسب های امروزه که دو سه برابر حساب می کنند، قابلی هم ندارد!

آقای دکتر. ابوالحسن نجفی یک کتاب "غلط ننویسیم" دارد که تذکر غلط های اش به یک کتاب دیگر محتاج است.

نویسنده: جامعه شناس

دوشنبه 22 مهر1387 ساعت: 0:34

(1)

آقای دهقانی از شیراز
آرام تر برادر من ، مشکل شما و شاید همهٔ ما ایرانیان این است که می خواهیم در آن واحد همه چیز را با هم قر و قاطی کنیم و نتیجه بگیریم . من یک جامعه شناسم که عینک قبلی ام را با عینک بنیان اندیشی عوض کرده ام و با علم به نوپدید بودن تمام مردم ایران کنونی سخن می گویم ، نه یک معلم اخلاق جان برادر . کار من تشخیص صالح و طالح نیست ، حتی چیزهائی که در مورد نسل جدید گفتم را سبکسری است اگر کسی به حساب بدگوئی آنان گذارد ؛ بلکه تنها ویژگی هائی است که اگر شما در خانوادهٔ خود از این نسل داشته باشید ، به عیان در آنان خواهید دید . گندیدگی نیز از جوامع بزرگ تر شروع شده ، یعنی شما در شهری مثل تهران ، آثار حادث بر نسلی که برشمردم را در متولدان سال 60 یا 61 هم می توانید ببینید اما در فلان شهرستان فلان استان ، بین متولدان سال های 69 و 70 ، خلاصه نسخه برای همه یکی است ، دیر و زود دارد ، اما سوخت و سوز ندارد .
سبیل این حرف های " جامعه آدم را تربیت می کند یا آدم جامعه را " نیز خیلی وقت است درآمده آقای دهقانی . تأثیرات این دو متقابل است ، اما آنچه جوامع امروزی به آن رو در رو هستند ، تأثیرات فرا جامعه ای ، یعنی تأثیرات عامدانه ای است که از جوامع دیگر بر یک جامعه تحمیل می شود . به همین ماهواره نگاه کنید ، بدون تعارف ، سهم عمده ای از آشوب های اخلاقی فعلی در جامعهٔ ایران ، رهاورد آن است ، ماهواره ای که مع الاسف تا قلب روستاها هم رفته و زنی که تا دیروز کار و تفریحش ، قالی بافی و رسیدگی به امور منزل و دوشیدن شیر گاوها و ... بود را واداشته پنکک به سر و صورت خود بکشد و ریمل بخرد و موی صورت خود دکلره کند و ... ، که هرچند شاید شما هم نام آنرا پیشرفت بگذارید ، اما من حقیقتاً از تحلیل این پیشرفت و اینکه قرار است ما را سوار بر چه کاروانی کند و کاروان سالار آن کیست و اصلاً مقصد کجاست ، عاجزم .

نویسنده: جامعه شناس

دوشنبه 22 مهر1387 ساعت: 0:35

(2)

داستان تخریب کردن همهٔ آوارها بر سر و روی جمهوری اسلامی نیز روغنش ته کشیده دهقانی جان . اینکه شما یک معماری ملی هم ندارید کار جمهوری اسلامی است ؟ اینکه در استادیوم های ورزشی ، پاره آجر روی سر هم می ریزید و اتوبوس ها تخریب می کنید هم کار جمهوری اسلامی است ؟ اینکه از عهدهٔ یک رانندگی ساده و قانونی نیز بر نمی آئید کار جمهوری اسلامی است ؟ اینکه اگر سر چهار راهی ، چراغ خطر نباشد ، هیچ کداممان به هم رحم نمی کنیم هم کار جمهوری اسلامی است ؟ ... ؟ آقای دهقانی اصل و اساس ماجرا را در بی ریشگی های ما مردم کنونی ایران بجوی که دهاتی های چپیده در عزلتکده هائی پرت و حقیر و ماقبل تاریخی بودیم یا عشایری کوچ رو ، بی خبر از دنیا و اهلش ، که ناگاه بی طی مراحل جنینی لازم ، ریشمان را زدیم و تنبان قری هایمان را درآوردیم و حمام رفتیم و خود را از بوی پهن و تاپاله نجات دادیم و کت و شلواری و فلکی شدیم و مینی ژوپ به پا کردیم و ادکلن زدیم و خیال کردیم مدرن شده ایم ، اما در باطن ، همان مردم الکی خوش و قاچاقی زندهٔ سابقیم و سر اینکه در تهاجمات فرهنگی ظرف سه سوت بازنده ایم ، یا از خود معماری نداریم و ... نیز در همین نهفته است . معماری ای که مثلا آن یمنی که من و شما عرب سوسمارخورش می نامیم دارد ، اما ما نداریم !

نویسنده: جامعه شناس

دوشنبه 22 مهر1387 ساعت: 0:36

(3)

و بحث آخر آنکه در ایران پس از پایان جنگ و مرگ آقای خمینی ، دست اندرکاران امر ، نسخهٔ سابق را برچیدند و کار را به

نسک دیگری درآوردند ، اکنون بقای حکومت فرض بود نه شعارهای تند انقلابی که توده ها را به هیجان آورده بود . به فیلم ها نگاه کنید ، به موسیقی ها نگاه کنید ، همه و همه رنگ تغییر سیاست می دهند ، نظام آموزشی نیز از برکات این تأثیر در امان نماند و با روی کار آمدن آقای رفسنجانی ، به سمت و سوی کاپیتالیسم و ملی گرائی کشیده شد و آنقدر از حقوق زنان گفتند و آنقدر از رمز و رازهای تربیت بچه نوشتند که از آن طرف بام به زیر افتادند . رمز واماندگی بچه های نسل جدید در این نظام تربیتی بوده است آقای دهقانی . راستی می توانید به من پاسخ دهید چرا بچه های نسل قدیم که پیش از پایان جنگ و مرگ آقای خمینی پایشان به دبستان باز شد و پدر و مادرهایشان به مدرسه هایشان دائم نمی آمدند و در مدارسشان هم هنوز ترکه و شلنگ علم بود و از وسائل کمک آموزشی و کلاس های جور واجور زبان و کامپیوتر و تقویتی نیز سود نمی بردند و در منازل ، در حاشیه زندگی می کردند نه مانند تحفه های امروزی در رأس و بجای سرگرم شدن با Game ، هفت سنگ بازی می کردند و تیرکمان دست می گرفتند و خانهٔ زنبور می انداختند و در محلات خاکی ، نه در پارک های چمنی ، به سر و کول هم می پریدند و پدر و مادرهایشان نیز از این قرطی بازی هائی که نامشان را اصول تربیت کودک گذاشته اند بی خبر بودند ، در عمل ، نسل محکم تر و پرتری از آب درآمدند اما بچه های بعدی که در مدرسه بجای چوب ، گل به آنان دادند و زیر نظر پدر و مادرهای وارد به اصول تربیتی پرورش یافتند و تغذیهٔ بهتری داشتند و قبل از مدرسه با کامپیوتر آشنا شدند ، اینقدر نماسیده هستند ؟

نویسنده: مریم

دوشنبه 22 مهر1387 ساعت: 0:56

آقای پورپیرار در آیه 32 سوره آل عمران گفته شده از فرستاده خدا هم اطاعت کنید.
با توجه به اینکه پیامبر خدا الان وجود ندارند و با توجه به این مطلبی که شما گفتید که هیچ دست نوشته ای از اون زمان باقی نمونده, ما چطور میتونیم از گفته های پیامبر اطاعت کنیم.
بگو: «از خدا و فرستاده (او)، اطاعت کنید! و اگر سرپیچی کنید، خداوند کافران را دوست نمی‌دارد.» (32)

این هم یک آیه دیگه
نسا 80
کسی که از پیامبر اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده; و کسی که سرباز زند، تو را نگهبان او نفرستادیم .

آل عمران 31
بگو: «اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید! تا خدا (نیز) شما را دوست بدارد; و گناهانتان را ببخشد; و خدا آمرزنده مهربان است.»

محمد 33
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را، و اطاعت کنید رسول (خدا) را، و اعمال خود را باطل نسازید!

ما الان چطور میتونیم از پیامبر تبعیت کنیم. بعضیها این مطلب رو به تبعیت از روایات و احادیث نسبت میدن. آیا این مطلب و اینکار میتونه صحیح باشه؟

نویسنده: حکیمی

دوشنبه 22 مهر1387 ساعت: 1:32

آقای پورپیرار بعضی وقتها نوشته هایتان بقدری باعث خنده میشود که روده های آدم رو از جاش میترکونه!منجمله همین نظرتون در خصوص کتاب غلط ننویسیم.

جناب ایزدی،سخنان استاد رو جدی نگیرید اتفاقا ما دنبال تاسیس شعبه تو غرب کشور هستیم!شما که همش تو راه قم هستید بیا و نمایندگی ما رو قبول کن!راستی این جلالی پسر گلیه!خودش شعبه داره مایه البته ایشون نمایندی ارشد هستند!(عرض ارادت برادر جلال!)

میگم این آنتی منوچهر لااقل پای م.ستاره رو دوباره به بلاگ واکرد ها؟نظر شما چیه؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 22 مهر1387 ساعت: 0:49

خانم مریم. اطاعت از پیامبر، چنان که در نسا 80 به سادگی اعلام شده، با منصب واسطگی در ابلاغ آیات قرآن مجوز می گیرد و نه به عنوان شخصیتی منفرد و مجزا. طبیعتا مخاطب چنین آیاتی مردم زمان دعوت اند، زیرا چنان تبعیتی با حضور پیامبر ملازم است. حتی اگر بخواهیم امتداد این اطاعت را به پیروی از احادیث منتقل کنیم، آن گاه مشکل اصلی سر بلند می کند که: چه گونه اثبات می شود احادیث موجود نقل هایی به جای مانده از زبان پیامبر است؟ زیرا ظهور احادیث با زمان وفات پیامبر، چنان که خود معترف اند، لااقل چند قرن فاصله دارد، حال آن که اینک با استحکام تمام می دانیم امکان تولید کتاب با خط عرب هم، به سبب فقدان بلوغ و کمال در آن، امری است که از قرن هشتم به بعد قابل پذیرش است. مختصر این که حتی همین "صحیح های" موجود، به زمانی منتسب اند که تالیف کتاب ناممکن بوده و لاجرم به فهرست مجعولات مکتوب می پیوندند.

نویسنده: جلال

دوشنبه 22 مهر1387 ساعت: 2:3

با سلام
استاد گرانقدر به توصیه تان عمل کرده و سری به قم زدم و مطالب زیر را دریافتم:
به عقیده مراجع قم از آنجاکه در آیه 90 سوره مائده شراب و قمار را اعمالی شیطانی خوانده شده و امر به اجتناب از این اعمال شیطانی را داده (فاجتنبوه) و در ادامه در ایه 94 وعده "عذاب الیم" را به تجاوز کنندگان از حدود الهی داده و نیز در آیه 219 سوره بقره که در آن شراب و قمار گناه کبیره خوانده شده اند، شراب و قمار هر دو حرام و از گناهان کبیره هستند.
و بنابه آیه 91سوره مائده دلیل این تحریم اینست که میان مومنان عداوت وکینه برمی انگیزد و مومنان را از یاد خدا باز میدارد.
در مورد منافع للناس نیز باید گفت که همه افعال حرام بد مطلق نیستند انچه مسلم است اینکه ضرر فعل حرام بیش از نفع آن و نفع فعل واجب بیش از ضرر آن است. مثل ربا که منافعی نیز دارد ولی ضرر آن بیشتر از نفع آنست.
مراجع قم نیز مرا به تهران فرستادند که از شما بپرسم در اینصورت حکم زنا چیست؟! و نیز حکم استمنا که در قران آیه ای در مورد آن(استمنا) وجود ندارد؟
ضمنا در مورد "الازلام" نیز توضیحی ندادید.
باسپاس بی پایان

/wEPDwUJNzUyI

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ، 179، دیدار از اندونزی، 2 - 118 نظر

نویسنده: جلال

دوشنبه 22 مهر 1387 ساعت: 2:12

آقای حکیمی
ایزدی و مرا را رها نمایید و به فکر مراقبت از روده های مبارکتان باشید که مبادا خدای ناکرده باعث رسوایی در مقابل آنوسی ها شود...

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

دوشنبه 22 مهر 1387 ساعت: 6:32

(1)
سلام به همه دوستان.
سلام آقای جامعه شناس.
بسیار از هم صحبتی شما خوشحالم. و اینکه بلاخره یه کسی بلند شد و دید بنیان شناسانه رو در جامعه شناسی پیاده کرد باعث شعفه.
من متاسفانه در نوشتن بسیار ضعیف هستم و شاید نتوانسته ام منظورم را درست ادا کنم.
درصد زیادی از تفکرات من و شما به هم شبیه است. من به ایران می گویم یک روستای بزرگ. روستایی در ابعاد یک کشور. کشوری که در همین حالا 60000
روستای فعال دارد. این اعتقاد رو از چندین سال پیش داشتم. نه بعد از نوشته های صفویه ی آقای پورپیرار که مشخص کردند مردم این مملکت تا 500 سال پیش نوک
قله ی کوه زندگی می کردند. دم این مرد گرم. من سوالاتی داشتم که با توضیحات آقای پورپیرار جواب داده شد از قبیل اینکه چرا مردم ایران از هم میترسند؟ چرا
حکومت ها با مردم دشمنند و برای بقای خود با آنها میجنگند؟ (این موضوع را همینک هم میبینیم) چرا مردم از قانون فرارینددو مجرم را حمایت میکنند؟ چرا از پلیس
میترسند؟ و مقدار زیادی چراهای دیگر که جای بحث دارد.
اما در مورد این مطلب که نوشته اید:
<<کار من تشخیص صالح و طالح نیست ، حتی چیزهائی که در مورد نسل جدید گفتم را سبکسری است اگر کسی به حساب بدگوئی آنان گذارد ؛ بلکه تنها ویژگی هائی است که اگر شما در خانوادۀ خود از این نسل داشته باشید ، به عیان در آنان خواهید دید .>>
از شما می خواهم متن خود را یکبار دیگر مرور کنید که:
<<متأسفانه باید اعتراف کرد این نسل جدید ، یعنی نسلی که در دوران پس از پایان جنگ و مرگ آقای خمینی ، رنگ دبستان به

خود دیده ، در درجات به شدت قابل رؤیتی ، نسل واپس مانده ای است و جدای از شکل و شمائل خود ، که بسیار به آن می رسد ، از حقیقت زندگی هیچ نمی داند <<
اگر کار شما تشخیص صالح و طالح نیست پس چرا متاسفید؟ پس مشخص میشود کار شما نتیجه گیریست.

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

دوشنبه 22 مهر1387 ساعت: 6:35

من نپرسیدم که جامعه آدم را تربیت میکند یا آدم جامعه را؟ من گفتم جامعه بچه را تربیت می کند یا بچه جامعه را؟
و اینکه قصد من از گفتن:
>>زبان فارسی به دست فرهنگستانها افتاد
و فرهنگ هم به دست سازمان جدیدی به نام انقلاب فرهنگی افتاد که اگر از مسئولینش سوال کنید که فرهنگ چیست با چشمان حیرت زده شما را تماشا میکنند. و......<<
تخریب همه ی آوارها بر سر جمهوری اسلامی نبود. قصد من این بود که بگویم اگر روزی آب دهان به روی زنی بریزند که چادر به سر ندارد و یا زن بارداری را در
شیراز به خاطر بیرون بودن اندکی موی سر چنان بزنند که فرزندش سقط شود و یا موی جوانی را در سر چهار راه بتراشند و .... حاصل آن اگر توطئه هم در کار
نباشد همین میشود که میبینید.
و این را به عنوان نکته ی مهم بگویم که مشکل من و شما و همه ی مردم ایران این است که بنیان اندیشانه با مسائل بر خورد نمیکنیم. مشکل این است که ما خوب و بد را نمیشناسیم. متوجه شدید؟ مثلا اگر از شما بپرسم که ریش را زدن و تمبان قری را در آوردن حمام رفتن درست است یا با بوی پهن و تپاله زندگی کردن؟ شما نمیدانید که چه جوابی بدهید..
آقای جامعه شناس. نگاهی هم به همان بچه های به قول شما تو سری خورده که در مدارسشان هنوز ترکه و شیلنگ علم بود بندازید که همه معتاد بی تعادل و با هزاران مشکل روحی و جنسی دست به گریبانند.
حالا به نظر شما چوب بهتر است یا گل؟
مسلما نمیدانید.
من هم واقعا نمی دانم.
آقای جامعه شناس. مردم ایران حد وسط ندارند. مواظب باشید حالا که مبحث بنیان اندیشی باز است شما از آن طرف دیوار نیفتید و تو سری را جایگزین حرف حساب
نکنید. مشکلی که ایران را به شرایط حاضر رسانده است.
شاد و موفق باشید

نویسنده: سرباز

دوشنبه 22 مهر1387 ساعت: 7:4

عبارت "ما لم ینزل به سلطانا" توصیفی است که در این آیه و در چند جای دیگر قرآن برای شرک به خدا آورده شده است.

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 22 مهر1387 ساعت: 7:4

آقای سرباز. زمانی بحثی بود که خطاب های چند گانه به یهود در قرآن مبارک با چه منظور است؟ سئوالی که بی جواب مانده زیرا هرگز پرسیده نشده ابود. قرن هاست که قرآن خواندن ما برای کسب ثواب است تا مثلا در برابر قرائت سوره ی یس قصری در بهشت از خداوند طلبکار شویم و یا با خواندن سوره ی الرحمان مرده ی خانواده را به بهشت بفرستیم. عجیبب است که درباره ی قرآن همه نوع تصوری جاری است الا این که قرآن کتابی است برای ادراک آن چه در آن ابلاغ شده و ظرایف و دقایق و دلایل و دفینه هایی دارد که باید دریافت شود. مثلا همان ترجمه ی بخشی از آیه ی 33 سوره ی اعراف، که آورده اید: "شرک به خدا که سلطانی برای آن نازل نکرده" آیا در فارسی هیچ معنا می دهد؟ مسلما خیر. با این همه پی گیر آن نمی شویم که مطلب چیست؟ چرا که عادات جاری در برخورد با قرآن ما را نسبت به این متن کبیر و استاد بی بدیل زندگانی درست سهل انگار کرده است. چنان که پس از 1400 سال، هنوز قرآن به عنوان مدرک و مستند تاریخ اسلام دیده نشده بود و قرار را بر قبول تفاسیر و شروح آن گذارده بودیم تا اسلام را درست با توسل به آیات آن، دین شمشیر کشی بدانند. مختصر این که خداوند در

قرآن فهرستی از حرام ها آورده است که در میان آن ها شرب خمر نیست، اما می توان از مسیر دیگری حرمت شرب خمر را مسجل کرد. حرف من این بود که در آن آیاتی که آقای جلال بدان اشاره داشتند، خلاف دیگر موارد مذکور در قرآن، چون اکل لحم خنزیر و یا ربا "دستور مستقیم" بر حرمت نوشیدن شراب نیست. اعتقاد دارم که این ذکر و توصیه ی غیر مستقیم، همانند موضوع مسح و یا غسل پا، دلایل قرآنی دارد که بخشی از آن در آیه ی 43 سوره ی نسا مستتر است، که به امید خدا در بخش دوم اسلام و شمشیر بدان خواهیم رسید.

آقای جلال. این همه راه رفتی، خوب جان من معنای الازلام را نیز می پرسیدی. حکم زنا در آیات نخستین سوره ی نور صریح است. آن سومی را هم که در آن تبحری ندارم یادداشت کنید برای سفر بعدی.

خانم آیلار. دوست بس محترمی که دختر کم تر از ده ساله ای سخت تیز هوش، به نام آیلار دارد، می گفت که این نام دو وجهی است و پسران نیز برمی دارند. با وصف ایشان و وصله پینه های لغوی شما، احتمالا لغات چند وجهی در زبان ترکی زیاد باشد که ظاهرا مصریان و یونانیان و اعراب و مردم ژاپن نیز از برخی وجوه آن بهره می برند!

نویسنده: حکیمی

دوشنبه 22 مهر1387 ساعت: 9:26

جناب جلال من متن توهین آمیزی برای شما ننوشتم خطاب اصلی هم با کس دیگری بود ولی شما گویا به رسم معمول عصبانیت ناشی از نیافتن کلمات دلخواهتان را از زبان خدا با این تندگویی ها میفرمایید!البته ایرادی ندارد بر آنها که حرام بودن ربا و معادل جنگ با خدا و رسول بودن آن را به وضوح در قرآن نمیبینند ولی با مرارت تمام به دنبال روزنه ای اند تا با هزار ترفند رسوم کثیف و غیر انسانی را به جای فرمایشات الهی بر زندگی روزانه مردم جاری سازند انتظاری بیش از این نیست! در ثانی بیش از من شما نیازمند کنترل معده و روده های خود هستید تا مدام تلقینات خلاف قرآن برخی را قی نفرمایید!گویی علی رغم آشکار بودن خورشید حقیقت هر کسی به دنبال هدف خاص خود در این وبلاگ است...

نویسنده: رضا

دوشنبه 22 مهر1387 ساعت: 11:17

با سلام خدمت استاد محترم و دیگر دوستان
جناب جامعه شناس ، اجازه میخواهم در گفتگوی شما و جناب دهقانی وارد شده و چند کلمه ای عرض نمایم . البته قبلا بخاطر طویل بودن عرایضم معذرت میخواهم.من از نسل قبل از انقلابم ، نسلی که کودکانش در کوچه های خاکی بازی می کردند و داخل جمع بزرگترها جایی نداشتند. زنان روستایی ابزاری برای روفت و روب و بچه داری در خانه و کارگری بیمزد در مزرعه و طویله بودند،زنان شهری هم همان بودند با اختلاف اندکی در حیطه وظایف ،مردان هم مورچه های کارگری بودند که مانند روباتها برای کار طاقت فرسا و جوجه کشی تربیت شده بودند. نسلی که وزیر آموزش و پرورش آن خانم دکتر پارسا بود ولی کتب تعلیمات دینی مدارسش را مرحومین دکتر بهشتی ، دکتر باهنر و گلزاده غفوری(چهره های کاملا سیاسی و حکومتی جمهوری اسلامی) می نوشتند.مجلات جز نوشتن در مورد زندگی خصوصی هنرپیشه ها و خواننده ها ، خوراک دیگری نداشتند و فیلم سینماها غالبا یا "آقا مهدی و شلوارک داغ" بود ویا ماجراهای" چیچو و فرانکو" و تلویزیون ملی هم سریالهای کیلویی آمریکایی نشان میداد و.... در دانشگاه جوانان یا ریش ستاری داشتند و یا سبیل استالینی اما با وجود انواع تحلیلهای سیاسی اجتماعی خود در باره دین ، همیشه به هم اتاقیهای مذهبی و نماز خوانشان احترام می گذاشتند وادارات پر بود از مردان فکلی که هنرشان کاغذ بازی ، حل جدول کلمات متقاطع و وقت گذرانی در قهوه خانه ها بود. با نگاه امروز کشور ایران جامعه ای بود بسیار دور از تمدن قرن بیستم مسیحی ، جامعه ای دهاتی با فرهنگی عقب مانده و به اصطلاح دمده!!

وب سایت

نویسنده: رضا

دوشنبه 22 مهر1387 ساعت: 11:17

ادامه....هدف از این مقدمه طولانی برای کامنت گذاری (با عرض پوزش از استاد بخاطر اشغال فضا) توضیح این مطلب است که این انقلاب ثمره فعالیت آن مردم و جوانان آن جامعه است و همانها هم بودند که 8 سال جنگیدند و البته باز باقیمانده همان نسل از جوانان هستند که رده های بالای حکومت فعلی را تشکیل داده اند(البته رده غوره نشده های مویز شده) و همان نسل است که

کودکانش اینک دچار چنین آلودگیهای دلخراش اجتماعی شده!!
به نظر شما چرا جامعه قبل از انقلاب جوانان متعهد انقلابی پرورش داد و بازماندگان همان قشر جوان ، جامعه غیر اخلاقی و غیر انقلابی کنونی را؟
چه کسی باعث شد جوانی که دائما مغزش ، از روابط غیرشرعی فلان به اصطلاح هنرمند مرد و زن تغذیه می شد ، فریاد استقلال و آزادی سر دهد؟
چه کسی پوکی مغز جوانی را مسبب است که بخاطر برد و باخت یک تیم فوتبال اتوبوس عمومی را تخریب می کند؟
در جوامع بسته مانند ایران که همیشه تصمیم از بالا گرفته میشود و پائین دست مجریست ، حکومتها نقش اول ماجرا هستند.
تلاش حکومت قبل از انقلاب برای ترسیم فضایی که در آن میخواست خودش را غربی و آزاد گرا واهل فضل ودانشجو دوست بشناساند ؛ منجر به باروری چنان نسلی شد. اما متاسفانه واکنش غلط حکومت جانشین به تمامی کلمات مورد استفاده فرهنگ غرب و عدم تفکیک خوب و بد آن نتیجه ای داد که مشاهده می کنید.

نویسنده: رضا

دوشنبه 22 مهر1387 ساعت: 11:18

ادامه..... وقتی ما نتوانیم بفهمیم و بفهمانیم که مثلا ،رعایت حقوق بشر، فی نفسه لازم و واجب است ، بجایی میرسیم که عده ای با کلمه حقوق بشر معامله ای بدتر از کلمه ربا می کنند و طبعا مخالفانشان از این کلمه برای تخریب اجتماع بهره می گیرند.
غرض اینکه " الناس علی دین ملوکهم" و به نوعی همه خوبیها و بدیهای یک جامعه نتیجه سیاست گذاریهای حاکمان است. البته این به این معنی نیست که اگر کسی معتاد شده دستور مستقیمی از نهاد های حکومتی یا پدرومادرخودش دریافت کرده ولی قطعا مجموع رفتارهای این افراد موثر دراعتیاد وی بوده اند. همچنان که"کما یکونوا یولی علیکم" یعنی حکومتها نتیجه سطح شعور و آگاهی و خواستهای مردم است و اگر حکومت پهلوی جایگزین می شود بعلت خواست مردم است که میخواهد تغییر اجتماعی داشته باشد. پس سیاست گذاریهای اجتماعی حکومت باعث ایجاد جو فکری و فرهنگی(نفس اجتماع) میشود که در نتیجه نسلی بوجود می آید تا همان نسل حامی یا مخالف حکومت باشد (برحسب دروس حکومتی ودرک خود ازآموخته هایش) و بنا به اظهار صریح قران مجید" همانا خداوند هیچ قومی را تغییر نمی دهد مگر آنکه آن قوم خویشتن و نفس خود را تغییر دهد" یعنی تغییرات موجود در اجتماع ،هرچه که هست،محصول تغییرات نفس اجتماع است که توسط سیاست گذاریهای فکری و فرهنگی حکومتها بعمل آمده است.

نویسنده: جامعه شناس

دوشنبه 22 مهر1387 ساعت: 12:0

(1)

سلام آقای دهقانی عزیز
شما که باز راه خود می روید و به دنبال یافتن یک « علت » ، برای « معلول » ، یعنی علت اینگونه شدن نسل جدید هستید ، بحثی که من اصلا اگر به یادداشت اولم رجوع کنید در پی آن نبوده ام . آقای دهقانی ، یادداشت اول من ، پیرامون دو مسأله می چرخد :

1) یافتن زمانی برای شقه شدن نسل جوان ، که من آن زمان را پایان جنگ و مرگ آقای خمینی می بینم که واردشوندگان به دبستان ، در قبل و بعد از آن ، دو چهرۀ مختلف را در نسل جوان نشان می دهند ؛

2) تشریح سیمای نسل وارد شده به دبستان ، پس از پایان جنگ و مرگ آقای خمینی .

اگر در این دو باب سخنی دارید بفرمائید ، چرا که در آن یادداشت من بطور عمده به دنبال علت یابی های دور و درازی که می فرمائید نبوده ام . ضمنا از یاد نبرید سخن از دو طیف مختلف نسل جوان است نه آنطور که شما اشتباه فهمیده اید ، نسل جوان و نسل گذشته .

راستی آنچنان از اعتیاد سخن گفته اید که اگر کسی نداند فکر می کند مصرف اکس و شیشه و برنج و کراک و ... ، نه در میان این نسل جدید ، که بین پیرمردها رایج است !!! و آنچنان از مشکلات جنسی حرف می زنید که آدم فکر می کند در گذشته که

اکثر مردم (از استثنائات بگذریم) بندشان را روی نامحرم باز نمی کردند و بنا به فرمودۀ قرآن ، عفت پیشه می نمودند ، آسمان به زمین می آمد . آقای دهقانی این حرف ها در مورد میل جنسی و اینکه همۀ جرائم از آن ناشی می شود ، از طبلۀ یک یهودی به نام فروید بیرون آمده ، سوار هر زورقی نشوید و وقت خود را صرف هر معرکه ای نکنید و بجای غور در کتاب های زنان را بشناسید و مردان را بشناسید و چگونه در روابط عشقی خود پیروز باشید و ... ، به اندازۀ استطاعت خود ، در سهل شدن ازدواج بکوشید . چند و چون اتاق خواب و روابط عاطفی میان زن و مرد را طی یک سی دی ، که تولید مالزی است ، مراکز بهداشت ، قبل از ازدواج ، به هنگام آزمایش دادن ، تحویل جوانان می دهند ، آنقدرها که شما فکر می کنید ، سخت هم نیست !!!
راستی شما پروتکل های یهود را خوانده اید ؟

نویسنده: جامعه شناس

دوشنبه 22 مهر1387 ساعت: 12:1

(2)

در پایان چون علت بدحجاب شدن های نسل جدید را فشارهای اولیۀ جمهوری اسلامی می گوئید و خیال می کنید چون اول انقلاب به زور ، چادر سر زنان بی حجاب کشیدند ، حالا آنها هم واکنش نشان داده اند ، می پرسم چرا این زن ها در دوران پهلوی ها واکنش متقابل نشان ندادند ؟ چرا که اگر خاطرتان باشد ، در آن زمان آنها چادری بودند و به زور چادر از سرشان درآوردند ، پس چرا آن زمان آنها با بازگشت به چادر ، واکنش در برابر بی حجابی های اجباری نشان دادند ؟ مسأله بزرگ تر از این حرف هاست آقای دهقانی ! شما را به خدا قسم در برابر یک زن با حجاب معمولی و آرایش نکرده بیشتر تحریک می شوید یا یک زن بی حجاب ، با ناخن های لاک زده ، که بوی عطر زنانه اش ده متر آنطرف ترش به مشام می رسد و چاک سینه و حجم نشیمنگاهش ، تابلو است ؟ قصه همین است آقای دهقانی ، اکثر زنان اصولا موجودات عاقلی نیستند و پیشقراول استعمار بوده و هستند . حتی قرآن آفرینش مستقلی هم برای آنها قائل نبوده و می گوید جفت آدم را از او درست کردم ، نه مانند آدم از گل !
هدف این است تا با تحقیر سنت های بومی و اسلامی و گذاشتن نام عقب ماندگی روی آنها ، ضد ارزش هائی را ارزش نام نهند که حاصل آن ، بی بند و باری و فساد و از هم گسیخته شدن فضائل اخلاقی است . زنا کنند ، نامش را روابط آزاد جنسی گذارند ، بسان فاحشه ها در خیابان بگردند ، نامش را آزادی های فردی بگذارند ، بچه ها را لوس و سختی نکشیده بار آورند ، اسمش را اصول تربیتی بنهند ، در نظام آموزشی ، به جای جوهرۀ دانش ، تنها به چیزی به نام « نمره » و « مدرک » اهمیت دهند و نامش ، نظام نوین تعلیم و تربیت بگذارند ، زن را به جای کار منزل یا کار بیرون از منزل ، صبح و شب روانۀ سونا و آرایشگاه و سفرهای دوره ای با دوستان و ... کنند و اسمش را مدرن شدن زنان و پاسداشت حقوق زن آزاد بگذارند و ... . جو این معرکه های خر مرد رند کن نگیرتتان آقای دهقانی !!!

نویسنده: حسین محمدی

دوشنبه 22 مهر1387 ساعت: 12:23

با سلام جناب استاد پورپیرار .... لطفا" لینک زیر را مطالعه فرمایید :
انتقال دارایی های بانک لهمن به اسرائیل
http://www.qodsna.com/NewsContent-id_13634.aspx

نویسنده: مسعود

دوشنبه 22 مهر1387 ساعت: 13:15

سلام علیکم جناب استاد بسیار عزیز

از خدای متعال برایتان سلامتی آرزو میکنم.
این هم چند عکس قدیمی از منطقه "بالی" که برای ملاحظه حضرتعالی خالی از لطف نیستند:

http://www.wonderfulbali.com/albums/07/index.html

یا الله و بحول الله.

نویسنده: خانم سعیدی

دوشنبه 22 مهر1387 ساعت: 15:0

فقط خواستم بعرض رساند باشم که من خانم هستم.

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 22 مهر1387 ساعت: 14:57

خانم سعیدی. اصلاح شد.اگر چند بار دیگر خانم های کامنت گذار در این وبلاگ را آقا خطاب کنم، احتمالا دشمنان فرصتی به دست خواهند آورد تا برایم مضمون تازه ای کوک کنند؟!!

آقای علی. شاید آن پسر خاله ی شما آنوسی باشد. برای دریافت فیلم به آدرس زیر رجوع کنید.
www.naria.ir

وب سایت

نویسنده: سرباز

دوشنبه 22 مهر1387 ساعت: 16:2

استاد گرامی، فرمایش شما متین. اما سرانجام نگفتید که بالاخره می پذیرید که آیتم دوم (یعنی اثم) در آیه ی 33 سوره ی اعراف حرمت شراب را اثبات می کند یا خیر؟

نویسنده: جلال

دوشنبه 22 مهر1387 ساعت: 16:24

با سلام
استاد مکرم تاآنجائی که من میدانم "الازلام" تیرهایی بودند که بر روی آنها خوب وبد نوشته و با آن استخاره میکردند. خواهان ان بودم که نظرشما را نیز دراین مورد بدانم، ولی اگر تصمیم به تحریم توضیح آن گرفته اید که هیچ.
ولی جناب حکیمی عصبانیت و تعصب بی حد شما چشمانتان را برای دیدن تصریحات قرانی کور کرده تا انجا که "اثم کبیر" و دستور "فاجتنبوه"و "رجس" و "من عمل الشیطان" را در نمی یابید و جاهلانه منتظرید که این اعمال قبیح را "جنگ با خدا و رسول الله" بنامد تا خود را ملزم به ترک آن بدانید. مگر زنا جنگ با خدا و رسول عنوان شده که (احتمالا) حرام میدانید؟؟ در گفتارتان را نیز اندکی بیاندیشید که "ترک قمار و شرب خمر" را که امر قران کریم است "رسوم کثیف وغیرانسانی" نامیده اید!!

نویسنده: سرباز

دوشنبه 22 مهر1387 ساعت: 17:47

من از شما در مورد مسیر ویژه ی اثبات حرمت شراب، مشخصا" از طریق آیتم دوم (یعنی اثم) از آیه ی 33 سوره ی اعراف، یک نظر "بلی" یا "خیر" یا "نمی دانم" می خواهم. در صورت امکان و بدون پرداختن به حواشی به این سوال پاسخ صریح بدهید.

دقت داشته باشیم که از آنجا که "اثم" یک آیتم عمومی است که بسیاری از اعمال را در بر می گیرد، پاسخ صریح "بلی" یا "خیر" به این سوال راه را برای روشن شدن تکلیف بسیاری دیگر از مسائل را در قرآن هموار خواهد کرد.
ممنون می شوم اگر پاسخ دهید.

نویسنده: ارکین ارسلان

دوشنبه 22 مهر1387 ساعت: 17:54

آقا یا خانم آیلار
این گونه توجیه و تفسیر های ذهنی شما از کلمات قرآنی و از جمله درباره ریشه خود کلمه قرآن تنها بهانه ای به دست برخی ترک ستیزان می دهد ، تا عقده های ضد ترکی خود را باز کنند. هرچند من شک دارم که شما ترک باشید یا زبان ترکی برایتان اهمیتی داشته باشد. ای چه بسا که از قماش همان فردی که برای تمسخر زبان تورکی یاوه هایی بافته بود از قبیل اینکه ،گزارشهای هواشناسی در جهان بعد از انگلیسی به زبان تورکی نیز ثبت می شود ، چرا که ترکی زبان دقیقیست !
اگر اینگونه که شما مدعی هستید بتوان برای کلمه قرآن با تعدادی بازی با حروف ، ریشه ترکی تراشید ، پس می توان گفت "وردربرمن" آلمانی ریشه فارسی دارد یعنی " بردار برای من" ! یا "Umbrella" انگلیسی ریشه عربی دارد یعنی "اَمرالله" !
پس می بینید که به همین راحتی می توان برای هر کلمه ای از یک زبان ریشه ای از زبان دیگر تراشید. بنابراین بهتر است در ادعاهایمان تامل بیشتری بنماییم.
البته در مورد ریشه کلمه قرآن اتفاق نظری در بین علما وجود ندارد ، اما به نظر می رسد از ریشه کلمه "قرا" عربی به معنی "خواندن" باشد.

وب سایت

نویسنده: جامعه شناس

دوشنبه 22 مهر1387 ساعت: 19:2

سلام آقای رضا
خوشحالم که شما نیز به بحث ما وارد شده اید . کامنت حضرت عالی را تمام و کمال خواندم ، به گمانم به شکلی پاسخ شما ، همان پاسخی باشد که به آقای دهقانی در بالا داده ام . بحث من ، علت شناسی و معالجه نیست ، بحث من فعلا بر سر خود ماهیت معلول است ، گمان نکنم تا خود معلول شناخته نشده باشد بشود به علت پی برد . پس فعلا بیائید بحث را در همان دو بندی که در یادداشت بالا برای آقای دهقانی نوشته ام پیش ببریم و بعد که به نتیجه ای رسیدیم ، مطلب را بسط دهیم .

نویسنده: مریم

دوشنبه 22 مهر1387 ساعت: 20:51

سوالم رو در مورد عایشه تکرار کنم: آیا عایشه همسر پیامبر بوده و آیا اسم عایشه در اصل قران ذکر شده یا نه؟

نویسنده: توحید

دوشنبه 22 مهر1387 ساعت: 21:2

فراز هایی از پروتکل یهود برای تسلط جهانی (3):
....

می‌خواهم اعلام کنم که تا رسیدن به هدفهایمان فاصله چندانی نداریم اگر چند قدمی را که در پیش داریم طی کنیم، سَر و دُم ماری که سمبل قوم ماست به هم وصل خواهد شد و حلقه‌ای کامل بوجود می‌آید. معنای کامل شدن حلقه آنست که تمام کشورهای اروپائی درون این حلقه محصور خواهند شد و تحت نفوذمان قرار خواهند گرفت.

- موازین قانونی کشورهای جهان بزودی درهم خواهند شکست. زیرا ما از همان آغاز تأسیس آنها را با نوعی عدم تعادل ایجاد کرده‌ایم و به سبب همین عدم تعادل شروع به نوسان می‌کنند و سرانجام محوری را که به دورش می‌چرخند فرسوده می‌سازند. غیریهودیان می‌پندارند که معیارهای قانونیشان از تعادل و ثبوتی همیشگی برخوردار است، اما نمی‌دانند که روزی با عدم تعادل موازین قانونی خود مواجه می‌شوند.

- برای آنکه قدرت طلبان جهان، پس از دست‌یابی به قدرت نتوانند از آن به نحو مطلوبی استفاده کنند، ما از پیش تدابیر ویژه ای اندیشیده ایم. نخست آنکه تمایلات قدرت طلبان را از آزادی خواهی، معطوف و متوجه استقلال طلبی می‌کنیم. دوم آنکه احزاب گوناگون بوجود می‌آوریم و آنها را رودرروی هم قرار میدهیم. سوم آنکه از بوجود آمدن قدرتهای بزرگ جلوگیری می‌کنیم و وضعی پیش می‌آوریم که دست‌یابی به قدرت برای هر کسی هدف بشود. سرانجام دولتها را به صورت صحنه مبارزات

گلادیاتوری در می‌آوریم تا ستیزه و جدال بر سر مسائل مبهم و پیچیده همچنان ادامه یابد و بی‌نظمی و گسیختگی همه جهان را فرا گیرد.

نویسنده: توحید

دوشنبه 22 مهر1387 ساعت: 21:4

فقر اسلحه ماست

- زنجیری که انسانها را به دام و تله فقر می‌بندد، به مراتب محکمتر از زنجیر بردگی است. به بیان دیگر، از زیر یوغ بردگی می‌توان بخوبی آزاد شد ولی رهائی از زیر یوغ بینوائی و فقر بسیار دشوار است. ما در قانون اساسی خود، حق رفاه مادی توده ها را به صورتی خیالی اما نه به گونه‌ای واقعی گنجانیده ایم و هرگز هم به این حق جامه عمل نمی‌پوشانیم. اگر قرار شود که هر فرد حق گفتن هر حرفی را داشته باشد، اگر قرار شود که هر روزنامه نویسی حق نوشتن هر مطلبی را اعم از خوب و بد پیدا کند، اگر هر کارگر زحمتکش و پرولتری، که دست تقدیر او را به کار وابسته کرده است، از لحاظ اقتصادی خود کفا باشد و نیز اگر بداند که قانون اساسی منافعش را تضمین نمی‌کند، فردا برای انتخاب نمایندگان بپای صندوق رأی نمی‌رود و به نمایندگان که در واقع عوامل دست نشانده ما هستند، رأی نمی‌دهد. برای آنکه چنین وضعی پیش نیاید، بسیاری از اصولی که رفاه اقتصادی او را تضمین می‌کنند از متن قانون حذف می‌کنیم و در عوض فقط به او حق اعتصاب اعطاء می‌کنیم تا از این طریق وابستگی‌اش به رفقای هم مسلکش و نیز شرایطی که کارفرمایش بر او تحمیل می‌کند، بیشتر شود:

ما از کمونیسم پشتیبانی می‌کنیم
- نابودی اریستوکراسی بنابه راهنمائی ما و بوسیله عوامل‌مان صورت گرفت. ولی با نابودی اریستوکراسی داستان پایان نیافت و این بار پول پرستان به شیوه دیگر دام خود را بر سر راه مردم پهن کردند و همانطور که امروز می‌بینیم پول پرستان یوغ استثمار خود را برگردن کارگران نهاده‌اند و آنها را شدیداً به اسارت گرفته‌اند.

- ما بر روی صحنه نقش حامی کارگر را بازی می‌کنیم و بدینسان زیر شعار همکاری، برابری و تحت شعار « اشتراك مساعی جهانی» و نیز مطابق اصول فراماسونری(1) خویش، کارگران را به صف نیروهای جنگجوی خویش یعنی سوسیالیزم، انارشیسم و کمونیزم می‌کشانیم.

-»»»» هنگامی که زمان موعود فرا رسید و منجی عالم بشریت بر اریکه سلطنت جلوس کرد و تاج شاهی بر سر نهاد، با دستهای توده مردم همه موانعی را که بر سر راه حکومت جهانگیرش قرار دارند، برمی‌داریم.

نویسنده: توحید

دوشنبه 22 مهر1387 ساعت: 21:6

-»»»» هنگامی که زمان موعود فرا رسید و منجی عالم بشریت بر اریکه سلطنت جلوس کرد و تاج شاهی بر سر نهاد، با دستهای توده مردم همه موانعی را که بر سر راه حکومت جهانگیرش قرار دارند، برمی‌داریم.
....

از جمله بالا مشخص می شود که ریشه اعتقاد به منجی و ولی عصر و ... از کجا است !

نویسنده: هیوا ایزدی

دوشنبه 22 مهر1387 ساعت: 21:31

استاد پورپیرار با عرض سلام
لطفا نظرتان را در مورد این سخن آقای جامعه شناس بفرمایید که می گویند" اکثر زنان اصولا موجودات عاقلی نیستند و پیشقراول استعمار بوده و هستند . حتی قرآن آفرینش مستقلی هم برای آنها قائل نبوده و می گوید جفت آدم را از او درست کردم ،

نه مانند آدم از گل ! "
با تشکر

نویسنده: مریم

دوشنبه 22 مهر1387 ساعت: 23:26

آقای جامعه شناس
مثل اینکه شما هنوز متوجه قضیه نیستید که بعضی از آنوسیها در لباس روحانیت, این فکر رو به جامعه تزریق کردند.
یک سوال مهم و اون اینکه قوانین تورات و انجیل در مورد حجاب سخت تر از قرانه
به نظر شما چرا اونها عمل نمیکنند؟

نویسنده: آیلار

دوشنبه 22 مهر1387 ساعت: 22:49

معنی دریای مدیترانه هم برایتان آوردم کلمه RA خدای مصری هم لغتی تورکیست
MA-iDI-TURAN-RA-HAN یعنی باشکوه بود توران خدای خورشید (RA)
این فرهنگ و زبان باشکوه تورکان است که تمام دنیای شناخته ان روز را دربر میگیرد
آیا دلیلی برای رد ادعاهایم هست؟

نویسنده: علیرضا

سه شنبه 23 مهر1387 ساعت: 1:57

آقای پورپیرار اصول فرقه وهابیت چیه و چه تفاوتهایی با فرقه های قبلی داره؟
آیا وهابیها هم به حدیث اعتقادی دارند یا نه

نویسنده: ساده لوحانه قضاوت نکنیم!

سه شنبه 23 مهر1387 ساعت: 7:15

از کجا می دانید که "جفت آدم را از او درست کردم" اتفاقا به معنای برابری ارزشی زن و مرد نباشد؟!!
تا آنجا که از ظاهر آیه معلوم است، بوی هم مایگی و برابری جنسیتی می دهد!!!

نویسنده: سمانه

سه شنبه 23 مهر1387 ساعت: 8:20

آدم میمونه این چه سوالایی که بعضی ها می پرسند؟این همه سایت قرآن هست اونوقت بعضی ها بدون اینکه یکم زحمت بدن به خودشون تحقیق کنن میان سوالای بسیار سطحی رو میپرسن!مثلا همین مریم خانم!خوب برو تو سایتهای قرآنی تو قرآن سرچ کن ببین اسم عایشه هست یا نیست!یک پیرمرد 69 ساله باید واسه تو این کار رو بکنه؟بیا اینم سایت تا زحمت بکشی سرچ کنی!
parquran.com

نویسنده: رضا

سه شنبه 23 مهر1387 ساعت: 9:52

با سلام خدمت استاد محترم و دیگر دوستان
جناب جامعه شناس
منهم گواهی می کنم که قبل از گشتن بدنبال علت باید که کم و کیف معلول را بخوبی شناخت و حدود آن را معلوم کرد تا امکان علت یابی روشن شود. لیکن شما در حال جستجوی معلول به کوچه پس کوچه های دیگری سر میزنید که اجبارا پاسخهایی می طلبد و نمیتوان بسادگی از کنار آن گذشت زیرا مسکوت گذاشتن آن باعث بروز جو مغاطله خواهد شد.جنابعالی در حین این

جستجو به مسئله زنان اشاره کرده اید، این نحوه اشاره شما ، مرا شگفت زده و ناراحت نمود. اجازه بدهید کمی توضیح دهم؛ اولا به این آیات مبارک توجه فرمائید:
یَاأَیُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّکُمُ الَّذِي خَلَقَکُم مِن نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا""
، "هُوَ الَّذِي خَلَقَکُم مِن نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا"
" ، "وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَیْنِ الذَّکَرَ وَالْأُنثَی
" فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَیْنِ الذَّکَرَ وَالْأُنثَی ؛"
وَمِن کُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَیْنِ لَعَلَّمْ تَذَکَّرُونَ" ، ،"
با توجه به معنی آیات ، خلقت زن از درون مرد(یا چنانچه یهود معتقد است از دنده چپ مرد) معنی ندارد ، بلکه خلقت و قرار دادن زن از نوع و جنس مرد است یعنی مشابهت آنان همانند مشابهت جنسی " کُلِّ شَيْءٍ" فرموده اید که زنان کم عقل و پیش قراول استعمارند ، آیا ممکن است بفرمائید چند تا امضاء در ذیل قراردادهای استعماری چند صده اخیر کشور ما از آن زنان است ؟ متاسفانه مردانی هستند که چنان از ایمان بخدا لبریزند که نه تنها از بوی عطر مصنوعی وگرمی صندلی تاکسی که زنی از آن پیاده شده ، که حتی از لباس زیر آکبند زنانه ای که در ویترین مغازه وجود دارد ویا از دیدن مرغ وگاومیش ومادیان ، به اصطلاح خودشان شیطانی می شوند اما نمیدانم چرا این زنی که ناقص العقل است و دوست شیطان و جاده صاف کن استعمار و از درون مرد خلق شده ، هرگز از دیدن لباس زیر فروشی مردانه تحریک نمی شود و یا یک مردی که لباس مرتب پوشیده و سر ووضع مرتبی دارد باعث ایجاد فساد نمی شود؟ البته بنده در حال حمایت از بد حجابی و فحشا نیستم بلکه میخواهم یاد آوری کنم که نقص ایمانی و اخلاقی مردان را نباید به گردن زنان انداخت.

وب سایت

نویسنده: رضا

سه شنبه 23 مهر1387 ساعت: 9:54

ادامه...در واقع خداوند وقتی میفرماید" الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَي النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللهُ بَعْضَهُمْ عَلَي بَعْضٍ" هدفش از این قوام(به معنی مکلف به امر) همین است که مردان نسبت به زنان تکلیف بیشتری برعهده دارند و باید که خویشتن داری بیشتری بکنند اما آیا میدانید درمقابل هر زن بی عفت چند مرد بی عفت وجود دارد؟ از فروید و تاثیر وی بر این بی عفتی ها نام برده اید ، واقعا چند درصد از زنان همسردار بدحجاب یا چادر بسر خود فروش ، نظرات فروید را خوانده اند؟ چند درصد ازتحصیلکردگان روانشناسی و جامعه شناسی ، که میدانند فرویدیسم چیست، بی عفت و خود فروشند؟ اصولا در تسلسل جستجوی اجتماع هر علتی خود معلول علت دیگریست و بدان جهت است که هم شناخت صحیح معلول مورد نظر ما لازم است و هم تداوم اصولی این تسلسل علت یابی.مردم ایران بعداز انقلاب ناگهان از زیر زمین نروئیدند که شما بتوانید نسل جوان آنرا با یک جداکننده قبل و بعد مرگ آقای خمینی تفکیک کنید شما برای دست یابی به وضعیت صحیح علت و معلولی مسائل کنونی ناچارید که تاریخ جامعه ما و همسایگان مارا بدرستی بشناسید یعنی آنچه اکنون در این وبلاگ پی میگیریم.مثلا قطعا نمی توان بدون شناخت تاریخ شیعه از اثرات کتاب حیله المتقین بر پشت صحنه مردان مومن و با ایمان سخن گفت! باید دید چرا چنین کتابی تاکنون نقد و اصلاح نشده و هنوز جزو کتب مرجع مردان مومن قم است. همانگونه که باید دید به چه علتی هنوز مردان تحصیلکرده دانشگاههای ما نتوانسته اند برای ایران کتاب مستقل جامعه شناسی و روانشاسی طرح کنند!

نویسنده: رضا

سه شنبه 23 مهر1387 ساعت: 9:55

ادامه...
! بنابر این من معتقدم که ما باید معلولی را کاملا مشخص کنیم و بصورت بنیانی در پی علت غایی راه بیفتیم وگرنه تلاش ما مانند دهها سال اخیر آب در هاون کوبیدن است و بازی اول مرغ یا تخم مرغ کودکانه. آیا شما در جستجوی علت سقوط اخلاقی جوانان حال حاضر اجتماع هستید؟ برای این کار باید ابتدا ابزار کار خود را تعیین کنیم که آیا به عنوان مسلمان قران را قبول داریم یا حدیث را هم بدان اضافه می کنیم و یا قرانی نیستیم و مثلا حقوق بشری هستیم یا مسیحی ویا پیرو انواع مکتبهای بشری هستیم سپس با آن ابزار مورد توافق طرفین خوب و بد را تعریف کنیم و بعد اخلاق را تبیین نمائیم در صورتی که در این ابزار و صورت مسئله به توافق رسیدیم آن وقت ممکن می شود که دنبال علت و معلول گشت و گرنه یک فرد معتقد به قران صرف با ابزار مثلا اسپینوزا راه بجایی نمی برد.درعین حال نباید فراموش کرد که همه نظریه های بشری چون ناشی از برخی تجارب هستند ، فی النفسه حقایقی در خود دارند اما چون به منبع وحی متصل نیستند غالبا تفسیر تجربه هارا اشتباه کرده و ابزار غلطی

استعمال نموده اند.حال بنده آماده ام که تعاریف شما ودیگر دوستان را گوش کنم و ابزار انتخابی شما را بشناسم تا در صورت تمایلتان بحث را ادامه دهیم.

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 23 مهر1387 ساعت: 9:45

خانم سمانه. صاحب اتوبوس از راه نمایی شما به خانم مریم ناراحت اند، چون یک مسافر خود را از دست دادند.

آقای علی رضا. این بار از نماینده ی وهابی ها که مقرری قراردادی ماهانه را می آورد خواهم پرسید و پاسخ شما را خواهم نوشت. اما به طور کلی می دانم که میان فرقه های اسلامی کوچک ترین تفاوتی نیست، تمامی آن ها مذهب اند و نه دین، چند بار در قرآن نکوهش شده اند و به مطالبی دون خداوند متعال سرگرم اند. کل حزب بما لدیهم فرحون.

آقای رضا. فرض کنیم که مردان چندان نانجیب اند که هر یک در طول حیات یکصد بار از جاده ی عفاف خارج می شوند. اشکال در این است که تعداد زن و مرد جوامع معمولا برابر است و مردان هم برای اجرای انحراف به زنان کره ی ماه متوسل نمی شوند. نتیجه این که در این جا نیز برابری در جرم باید مورد نظر باشد، هرچند این تمام سخن در این باره نیست. سعی بی سبب برخی از دوستان برای انطباق مطالب قرآن با مواد قوانین حقوقی امروزین، اسباب حیرت بسیار است.

نویسنده: حکیمی

سه شنبه 23 مهر1387 ساعت: 11:13

جناب جلال لقب متعصب برازنده ی کسی است که علی رغم درخشش خورشید تابناک در آسمان با توسل به چشمبند سعی میکند به خود بقبولاند که هنوز شب است! مرد حسابی خداوند لال نبوده که بخواهد صبر کند تو منظورش را از حلال و حرام بگویی! کسی قصد دفاع از شرب خمر را ندارد که می نویسید: "تا انجا که "اثم کبیر" و دستور "فاجتنبوه"و "رجس" و "من عمل الشیطان" را در نمی یابید و جاهلانه منتظرید که این اعمال قبیح را "جنگ با خدا و رسول الله" بنامد تا خود را ملزم به ترک آن بدانید." حرف اصلی اینجاست که آنچه را خداوند با قید اثم و اجتناب ممیز نموده به میل تو تبدیل به لغت حرام نمی شود، بار دستوری حرام از دیدگاه خداوند یقینا متمایز با اثم و...است. نباید فراتر از متن چیزی به آیات قرآن افزود و یا از آ، کسر کرد. شکر آن بیهمتای متعال را که در قرآن (نحل116) آشکارا نهی فرموده که به زبان خود به دروغ نگویید این حرام است و این حلال! کاش این دشوار گیری را در مورد صحاح سته نیز به کار می بردی که دیگر برگی از آن اعتبار ندارد!

نویسنده: رضا

سه شنبه 23 مهر1387 ساعت: 12:45

استاد بسیار ممنون از ابراز نظرتان ، بنده اولا معتقدم(با توجه به آمار های موجود رسمی کشور) که با وجود برابری تعداد مرد و زن جامعه تعداد مردان خطا کار یا متمایل به خطا از زنان کمتر است. بخصوص تفاوت فاحشی در تعداد مردان خطا کار متاهل با زنان متاهل وجود دارد. ثانیا اگر منظورتان از برخی من هستم ، عرض می کنم که بنده علاقه ای به تطبیق قران با قانون ندارم بلکه درست برعکس اگر قانونی با قران مطابق نباشد از نظر من اعتبار ندارد(البته این به معنی عدم اجرای آن از سوی بنده نیست زیرا منهم در اجتماعی زندگی می کنم که موظف به اجرا هستم) مثل همان مجتهدی که اگرچه فتوا ی دینی صادر می کند اما مجبور به اطاعت از قانونگذار است. با تشکر مجدد ازعنایت و راهنمایی تان.

وب سایت

نویسنده: university of tabriz

سه شنبه 23 مهر1387 ساعت: 14:32

سلام خدمتان دوستان گرامی!
در بین یا دداشت های جناب پورپیرار مطالبی پیرامون مولوی بوده تا حالا؟!...
بنده پیرو تحقیقی پیرامون این موضوع به دنبال چنین مطلبی هستم . لطفا هر کسی اطلا عاتی داره راهنمایی کنه!
یا حق!

نویسنده: دادا

چهارشنبه 24 مهر1387 ساعت: 1:0

استاد متن زیر را بخوبی مطالعه فرمایید:
!Hi all
!!!Payattention, an interesting thing

Someone had added below comment inIMDB.com. But, IMDB.com has took it off from website,
???Ha ???guess why
:Please study his comment, you'll know it

نویسنده: دادا

چهارشنبه 24 مهر1387 ساعت: 1:3

:And, you can see her review from thisURL
http://www.amazon.com/review/product/1559702702?filterBy=addThreeStar

indeed she is right! Prefect! If this problem must be solved, it must be done byIranians. It's our ,Yes
problem not anyone else. I don't want Iran to be like Iraq orAfghanistan. I think you Yankees think
!!!CULTURAL NATO). After that, you Yankees begin realwar) that it's time to begin cultural war
//

:Googlehas cached that page, you can see it. Here isURL

?http://66.102.9.104/search

hl&q=cache:iIBWM_8JyP8J:www.imdb.com/title/tt1277737/+manofseven
client=firefox-a&cd=6&ct=clnk&en=

Didyou know? Jews, have ordered in their holy book to stoning , not Muslims. Youcan research it
!!!
If someone act just as their holy book says, I thinkno one on the earth was alive!!! O God, first, Jews
:distribute these shits, thenthey say
let's break them down! And ,hey everyone, see these peoples, they are nondemocratic peoples
!!!indeed this will be done by USA

از دوستان خواهشمندم متن بالا را همه جا منتشر کنن.

با تشکر!

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 24 مهر1387 ساعت: 0:13

آقای دادا. لینک های ارسالی به هم ریخته است. وانگهی شما که امکان تایپ فارسی دارید، چرا مطلب را به فارسی نصب نمی کنید که برای گروه بیش تری قابل استفاده باشد؟

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

چهارشنبه 24 مهر1387 ساعت: 1:31

با سلام خدمت آقای پورپیرار و سایر دوستان.
من از آقای جامعه شناس, آقای رضا , آقای پورپیرار و سایر دوستان پوزش می خواهم که در کوران بحث از ادامه ی آن باز ماندم, بیماری و برگزاری نمایشگاه, به طور همزمان, طاقت و توان من را تا سر حد آخرین دانه ی نخودچی به اتمام رسانیده است به طوری که از کمترین زمان برای استراحت استفاده می کنم. انشاالله به زودی در خدمتم.

نویسنده: حکیمی

چهارشنبه 24 مهر1387 ساعت: 1:53

این چیه جناب دادا؟از کدوم طرفش بخونیم؟

نویسنده: دادا

چهارشنبه 24 مهر1387 ساعت: 2:4

استاد با عرض پوزش!

من کامنتی در مورد فیلم "سنگسار ثریا م" در وب سایت IMDB.com در تاریخ 3 اکتبر گذاشته بودم. این کامنت از سوی 14 نفر تایید شده بود و در صفحه اول IMDB.com قرار داشت. جالب اینجاست که امروز این کامنت رو IMDB.com حذف کرد. اصل آن را دوباره به وب سایت فرستادم, اما در تمامی نظرات کاربران قبلی حذف شده است. می توانید از لینک زیر متن کامنت را بخوانید و خودتان حدس بزنید چرا.

http://www.imdb.com/title/tt1277737/usercomments-2

سایت گوگل در کش خود نسخه دو روز قبل از حذف را دارد:

http://66.102.9.104/search?q=cache:iIBWM_8JyP8J:www.imdb.com/title/tt1277737/

از دوستان خواهش میکنم اگر نظرشان در مورد کامنت بنده مساعد است, آن را در وب سایت IMDB.com تایید کنند.

با تشکر فراوان از استاد والا مقام!

نویسنده: حکیمی

چهارشنبه 24 مهر1387 ساعت: 1:17

دوستان نگاهی به این مطلب بیاندازند.
http://www.geography.blogfa.com/post-30.aspx

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 24 مهر1387 ساعت: 1:22

آقای حکیمی. تمام این تفرقه افکنی و دشمن تراشی ها، چه آن که این مفتیان می گویند و چه آن چه ما در باب عمر و عثمان و ابوبکر به هم می بافیم، فقط یک سرمنشا' و مرکز صدور برای تضعیف اسلام و مسلمین دارد: اورشلیم. یک جهود آنوسی ملبس به لباس فتوا را به بیان این مطالب و موهومات وا می دارند و همان را اسباب تمسخر و موجب افتراق بیش تر میان مسلمانان قرار می دهند.

ضمنا اگر شناس نامه همان چیزی است که به ما داده اند، آن دفترچه ای که دست دوست شماست، شناس نامه نیست. زیرا صفحه ی تغییر نام فامیل در آخرین برگ شناس نامه و در بالای اطلاعات مربوط به فوت قرار دارد، حال آن که در عکس اولین برگ است؟!!! اگر این شناس نامه قلابی نباشد، نام قبلی او چیزی شبیه "سفیان"، "سهیل" و یا "شعبان" بوده است.

نویسنده: جامعه شناس

چهارشنبه 24 مهر1387 ساعت: 10:30

(1)

سلام به همه
با عرض تشکر از آقای پورپیرار بابت اعطای رخصت ، چون صراحت گفتار من در چند و چون زنان ، عده ای را به روال معمول برشورانده ، از آنجا که از چند هنگ سواره و پیاده ، در مقام اقامهٔ حق ، باک ندارم ، لازم است اول مطالبی پیرامون زنان اعلام نمایم و در انتها لمحه ای در حاشیهٔ سیاهه های آقای رضا ، تأمل کنم . باز هم تأکید می کنم که من سعی می نمایم جامعه شناس باشم نه معلم اخلاق ، پس زشتی ها و قشنگی های زنان را که بر می شمارم ، با هدف « تحقیر » نیست که قصد آن « تشریح » آنچه که هست می باشد :

1) مسئولان سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی ، برای آنکه در دنیا کم نیاورند و نگویند ضد زن هستند ، شعاری باب کرده اند و می گویند مردان بزرگ در دامان زنان بزرگ پرورده شده اند تا به این شکل کلاه شرعی سر مسأله بگذارند ! اما آیا کسی می تواند پاسخ دهد که همان معدود زنان بزرگ در دامان که پروریده اند ؟ لابد به قول رندی ، در دامان چند مرد تا خرخره زیر قرض برای رسیدن به قر و اطوار خانم ، چند مرد به خاک سیاه نشسته ! اما از شوخی که بگذریم حرف بالا حداقل برای جمهوری اسلامی زشت است ، چون حداقل آنها در تعالیم خود می دانند که مثلا مرد بزرگی مثل لوط ، زنی بدکار داشت ، یا اصولا قرآن در مورد بزرگ بودن یا نبودن زن موسی و نوح ، مسکوک است ، یا اساسا یوسف بزرگ بدون زن بوده ، یا سخنی از زن ذوالقرنین در میان نمی آورد ، یا نگفته آن کسی که از علم بهره ای برده بود و در سورهٔ کهف شرح احوال او را می آورد و مفسران می گویند خضر است ، دانائی و کرامات و بزرگی خود را از بغل مامان جون یا همسر عزیزش یاد گرفته باشد و الخ .

نویسنده: جامعه شناس

چهارشنبه 24 مهر1387 ساعت: 10:30

(2)

2) در افواه رایج کرده اند که حجاب ، « مصونیت » است نه « محدودیت » . اتفاقا من علی رغم موافقت مطلق با حجاب (البته در شکل و شمائل آن بحث دارم) با هر قرائتی از اسلام که مخالف با قرآن باشد موافق نیست . در قرآن ، طی آیهٔ 59 سورهٔ احزاب به پیامبر دستور داده می شود که به زنان خودش و زنان مسلمان بگوید « روسری های خود را بر خود بپوشند که به این وسیله محتمل تر است که شناخته شوند و رنجانده نشوند . » می بینید که سخن از مصونیت تنها نیست و مقدم بر مصونیت ، تمایز در جامعه از سایر زنان غیر مسلمان مطرح است ، یعنی حداقل بنا به ادراک من ، قرآن حجاب را تنها مصونیت نمی داند ، که یک نوع پرچم هویتی برای زن مسلمان می شناسد ، که اتفاقا حفظ این پرچم ، چنانچه امروز زنان مسلمان با تحمل رنج بسیار در غرب برای آن می کوشند ، تأثیری به مراتب بیشتر از مصونیت دارد .

نویسنده: جامعه شناس

چهارشنبه 24 مهر1387 ساعت: 10:31

(3)

3) بزرگ ترین سند کم عقلی زنان ، همراه شدن آنها با بوق های حقوق بشر است ، بطوریکه خفتی که غرب در لوای حقوق زن به زنان داد ، طالبان به زنان افغانستان نداد . می گوئید چطور ؟ توضیح می دهم . جنایت بزرگ به اصطلاح حقوق بشری

ها آنجا اتفاق افتاد که دانسته و عامدانه ، مرد را ملاک نوع بشر قرار دادند و گفتند چرا مردان می توانند فلان کار کنند اما زنان نتوانند ؟ چرا مردان بتوانند فلان پوشاک را بپوشند اما زنان نتوانند ؟ چرا مردان بتوانند عهده دار فلان شغل شوند اما زنان نتوانند ؟ و ... ، یعنی مرد محور قرار گرفت و زن با او سنجیده شد ! آیا در این بین اصلا کسی به موجودیت خود زن فکر کرد ؟ مطلقا ! زن موجود دست دومی قلمداد شد که باید پا به پای مرد حرکت کند ، حال آنکه حق آن است زن را در مقام مستقل خودش مورد بررسی قرار دهند و برای او تعالی بخواهند . این جنایت وقیح بشری که با لعابی از روشنفکری همراه بود ، در مقام مثل همان اندازه مضحک و گزنده است که مثلا مردی بگوید چرا زنان می توانند حامله شوند اما ما نتوانیم !!! نظیر همین قیاس های اشتباه را راه بران اجتماعی ایران هم در 150 سال اخیر ده بارها کرده اند و می کنند و بجای تعریف پیشرفت ، بصورت تفریق پارامترهای به فعلیت رسیدهٔ ملی ، منهای توانائی های بالقوهٔ ملی ، چشم به غرب و در برهه ای به شرق (مسکو) دوختند و خیال کردند اگر راه آهن بیاورند یا روزنامه داشته باشند یا انقلاب سوسیالیستی راه اندازند و ... ، درد مردم دوا می شود و ایران پیشرفت می کند ، حال آنکه آب هم از آب تکان نخورد .

نویسنده: جامعه شناس

چهارشنبه 24 مهر1387 ساعت: 10:32

(4)

4) با قرآن بازی نکنید دوستان و اشتباهی که جمهوری اسلامی برای موجه جلوه دادن خود مقابل جهانیان یا امثال محمد عبده و دیگران برای توجیه و تطابق آیات قرآن با کشفیات علمی ، نظیر تعبیر « جن » در قرآن به « میکروب » و ... انجام دادند را انجام ندهیم . اتفاقا یکی از براهین بسیار مستحکم غیر بشری بودن قرآن و اینکه ساخته و پرداختهٔ رسول ا... (ص) یا آن گنگی که آقایان می گویند سلمان فارسی است نمی باشد ، همین صراحت آن می باشد . قرآن با کسی تعارف ندارد و حقایق سرشت آدمی را بی تمجمج و مراعات منافع جنسی و قومی بر زبان می راند ، کما اینکه از اینکه ارث مرد را دو برابر زن قرار دهد یا دیهٔ مرد را از زن بیشتر تعیین کند ، از من و شما و دشمنان همیشگی اسلام که دنبال گزک بوده اند نترسیده است . با این مقدمه ، باز هم می گویم و دیگران را بجای « خوض » در چرائی مطلب ، به « تسلیم » دعوت می نمایم ، که خداوند فرموده است زن را از مرد آفریده ام نه از گل : « ای مردم ، از پروردگارتان پروا کنید ، همو که شما را از یک تن یگانه بیافرید و همسر او را هم از او پدید آورد ، و از آن دو ، مردان و زنان بسیاری پراکند ... » (نساء ، آیهٔ 1)
قابل توجهٔ آنانکه « همسر او را هم از او پدید آورد » را حمل بر ارزش آفرینشی یکسان می داند نه پدید آوردن زن از مرد ، اینکه ، آیه اصرار دارد که خداوند « شما را از یک تن یگانه بیافرید » ، یعنی کل ابنای بشر ، اعم از زن و مرد ، به علاوهٔ همسر آن وجود یگانه را از تن آن موجود یگانه آفریده است . ضمنا دوستان توجه داشته باشند که :

نویسنده: جامعه شناس

چهارشنبه 24 مهر1387 ساعت: 10:32

(5)

*) در قرآن ، هرجا سخن از آفرینش بشر در میان است ، از « آدم » گفتگو می شود و در مورد « آدم » تصریح دارد که او را از خاک و آب بدبو و لجن مانند آفریده است و سخنی پیرامون « حوا » در میان نیست ؛ جالب آنکه ما انسان ها نیز نوع بشر را « آدم » خطاب می کنیم نه « حوا » .
**) تفاوت در نگرش نسبت به زن و به صراحتا حقیرتر دیدن آن ، به طرز بدون تعارفی از آیات 22 – 19 سورهٔ نجم ، 59 – 56 سورهٔ نحل و 39 سورهٔ طور هم بر می آید ، آنجا که خدا با لحنی طلبکارانه که ناخرسندی هم از آن هویداست ، مشرکان و کافران را چنین مورد خطاب عتاب آلود قرار می دهد که سهم شما پسر باشد اما برای من (خدا) دختر ؟
***) تعیین جنسیت و هویت در نوع بشر به عهدهٔ مرد است ، چرا که این مرد است که از لحاظ ژنتیکی XY آفریده شده است ، وگرنه زن XX است و تنوع و امکان تعیین جنسی ندارد ؛ باز جالب آنکه در برخی فرهنگ ها ، مانند انگلیسی ، مرد (Man) ، هم مفهوم جنس مذکر می دهد و هم مفهوم نوع انسان . (از این جالب تر و غریب تر اینکه ما انسان ها طیور را با نام کلی « مرغ » می شناسیم نه « خروس » ، آیا می دانید در طیور ، این نوع مؤنث است که از لحاظ ژنتیکی XY آفریده شده و مذکرهای طیور XX هستند ؟! آیا علم کهنی وجود داشته که به این ظرائف ژنتیکی آگاه بوده و می دانسته در بشر ، مذکر تعیین جنسیت می کند ، پس « مرد » را مترادف کل انسان ها می گرفته ، و می دانسته در طیور این مؤنث است که تعیین جنسیت می کند ، پس کلمهٔ « مرغ » را به عنوان نامی عمومی برای طیور برگزیده است ؟)

/wEPDwUJNzUyI

ایران شناسی بدون دروغ، 179، دیدار از اندونزی، 2 - 118 نظر

نویسنده: جامعه شناس

چهارشنبه 24 مهر1387 ساعت: 10:33

(6)

5) بیایید با هم رو راست باشیم و تعداد زنان بزرگ عالم بشماریم . به من بگوئید چند زن فیلسوف داشته ایم ؟ چند زن پیامبر داشته ایم ؟ چند زن ریاضی دان داشته ایم ؟ چند مصلح اجتماعی زن داشته ایم ؟ چند سردار بزرگ زن داشته ایم ؟ چند سیاستمدار خبرهٔ زن داشته ایم ؟ چند مخترع زن داشته ایم ؟ و ... ؟ از آنجا که یا مقابل سؤالات بالا ، « صفر » می گذارید یا عددی چند هزارم عددی که برای مردان منظور است ، منظور می کنید ، و از آنجا که برای گریز ، تفاوت ساختار فکری و جسمی و اجتماعی زن را به میان می آورید ، می گویم به خوب جائی آمدید که اصلا دانه ریختم که به همینجا بیایید ! چرا که

اکنون ، بر سخنی که طی بند 3 آوردم ، جبرا صحه می گذارید و معترف خواهید شد : زن را باید در مقام زن بودن خودش سنجید ، نه در مقام و مقایسه با مرد ، حقی که در آن بسته ای که با کادوی مثلا روشنفکری و روبان مثلا پیشرفت ، به نام حقوق زن آزاد ، به جهانیان قالب کردند ، اساسا و عامدانه به آن پرداخته نشده بود و بیچاره زنان که با مردها قیاسشان کردند و زن بودنشان ، کاری که حتی طالبان منکر آن نبود را منکر شدند و راه بران سراسر نادان اجتماع ما که بی هیچ استراتژی ، دنبال این کارناوال احمق فریب جهانی راه افتاده اند ، کاری کرده اند که مثلا زنان ، رفته گر محله هم شوند یا پشت نیسان بنشینند و مواد بازیافتی جمع کنند و ... ، کاری که در دیدگاه ما ، دون شأن زن است و ما بر این باوریم باید از استعدادهای زن در سطوح متشخصانه تری استفاده کرد ، به شرط آنکه اول زن را بشناسیم و بعد متناسب با معرفتی که از او داریم ، وظیفه به او محول نمائیم .

نویسنده: جامعه شناس

چهارشنبه 24 مهر1387 ساعت: 10:33

(7)

6) متأسفانه در کشور ما زنان می خواهند هم از توبره بخورند و هم از آخور . از یک طرف می گویند ما با مرد برابریم ، باید به اندازهٔ هم ارث ببریم ، باید دیه هایمان برابر باشد ، باید بگذارند در استادیوم ها بیائیم ، باید در دانشگاه های سهمیه هایمان عین مردان باشد و ... ، اما از آن طرف ، هنوز در پیچ مهریه و شیربها مانده اند ، حاضر نیستند اگر شاغلند ، درآمد خود را مانند مرد صرف معیشت کل خانواده کنند و اصولا تأمین معاش خانوار را وظیفهٔ مرد می دانند و هنوز با طلبکاری ، از ته طبلهٔ فلان عطار ، که فلان امام از او گل گاوزبان می خریده ، حدیث در می آورند که زن برای کار در خانه ، برای شیر دادن بچه ها ، برای زیر و بالا کردن آقا و ... ، می تواند از مرد مطالبهٔ دستمزد کند !!! نمی شود خواهران من ! آسمان را هم به زمین بیاورید نمی شود ! یا باید بپذیرید در تاریخ « کالا » بوده اید و در جنگ ها جوان هایتان را نمی کشته اند و مانند گلیم و اسب و الماس و ... ، میان غارتیان تقسیم می کردند و هنوز هم با نمونهٔ فیلم های هالیوود و به شکلی تمام غرب و مع الاسف این روزها بالیوود و تبلیغاتی که بجز ایران و چند کشور دیگر ، در تمام دنیا پخش می شود ، عملهٔ طرب و مشتری جمع کن و اسباب معرکهٔ هر کس و ناکس بوده اید ، که در این صورت مستحق دریافت مهریه و شیربها و دستمزد بابت کار در خانه و ... هستید ، یا اگر فکر می کنید آنقدر رشد کرده اید و به آن هویت مستقلی که تشریحش نموده ام ، رسیده اید ، باید این رسیدن را با یک انقلاب اساسی نشان دهید و بحث مهریه و شیربها و حق شیر و دستمزد بابت کار در منزل و درآمد زن برای زن ، اما درآمد مرد برای همهٔ خانوار و ... را تمام کنید . پس از این تمام شدن است که ثابت می شود داد و فریادهایتان ، اشک تمساح های زنانه ، یا همان سلاحشان نیست . اگر به این مقام رسیدید ، مطمئن باشید دیه هایتان هم برابر می شود و در ارث هم می توانید سهم واحد ببرید و ... .

نویسنده: جامعه شناس

چهارشنبه 24 مهر1387 ساعت: 10:34

(8)

7) این سال ها خیلی روی قبولی کنکور دختران مانور می دهند و حجم بالاتر قبولی آنها را نشانهٔ امتیازشان نسبت به مردان می گویند و جمهوری اسلامی هم که سپر خوبی برای مصون ماندن از گزک این و آن یافته ، با دمش گردو می شکند ؟! اما آیا حتی برای یک بار شد که کسی آمار جمعیت زنان و مردان ایران و آمار شرکت کنندگان در کنکور را به لحاظ جنسی مقایسه کند و اگر دید مردان اصولا کمتر از زنان در کنکور شرکت کرده اند ، دهان بلندگوهای باسمه ای گشادتر از دهان کروکودیل را گل بگیرد ؟ آیا جامعه شناسی رفت تا بپرسد شما زنان چرا با این سراسیمگی در کنکور ثبت نام می کنید ؟ مثلا اگر من بگویم دختران برای چشم و هم چشمی و فرار از کار در خانه و یافتن شوهر به دانشگاه می روند ، کدامیک از شما می توانید با توسل به « داده های تحقیقاتی » گفته ام رد کنید ؟

8) می گویند زنان مظهر عطوفت هستند و مثل گل می باشند و ... . من به عطوفت فطری زن معترفم و اتفاقا استراتژی هایم بهره برداری بهینه از این گوهر خدادادی است ، اما از یاد نبرید که این عطوفت ، گاه به آنچنان افریتی بدل می شود که خدا هم به انتهای آن آگاه نیست ! مثلا همین زنانی که با علم به زن داشتن فلان مرد ، به زندگی او می خزند ، آیا عطوفت ندارند که بفهمند با این کارشان زن مقابل و فرزندان بیچارهٔ آن مرد را با چه سیلی فراموش نشدنی ای نوازش کرده اند ؟ مگر این همان

زنی نبود که عطوفت داشت ؟ چه شد که پایمال شدن آن طفل که سایهٔ پدر از سرش در حال رخت بربستن است را نمی بیند ؟ چه شد که بی سرپرست شدن آن زن را مشاهده نمی کند ؟ احساساتی در مورد زن ها قضاوت نکنیم و مقداری با تأمل بیشتر وارد گود نشویم .

نویسنده: جامعه شناس

چهارشنبه 24 مهر1387 ساعت: 10:34

(9)

9) دنیای زنان دنیای عجیبی است . احساساتشان ، مانند دریائی است که کف ندارد و هرچه می روی و می روی و می روی ، تمام نمی شود . حتی در مقولهٔ جنسی نیز این مرد است که باید در رختخواب با انزال ، سوت پایان را بزند ، چرا که به لحاظ زیست شناسی ، زن هم از مهبل و هم از مجاری ادراری ، توانائی انزال حتی تا اندازهٔ دو فنجان در هر بار (از مجاری ادراری) دارد و عجیب آنکه می تواند طی یک همبستری ، چندین و چند باز ، انزال داشته باشد ، کاری که از عهدهٔ مردان به در است . اینرا گفتم که بدانید فیزیک آنها جدای از احساس ، در بعد شهوانی نیز دریائی است که کف آن پیدا نیست و سوت پایان ندارد . برای یک ارزن برازندگی ، ساعت ها روی یک کفش پاشنه میخی راه می روند و برای یک جو زیبائی ، موم می اندازند و بند می اندازند و موهای ابروهایشان را می کنند و تاتو می نمایند و دماغشان را می برند و پلکشان را می کشند و چربی های شکم و کفل و گرده هایشان را با مکنده ، می مکند و هزار و یک داستان دیگر . از خودشان نسبت به خودشان بدتر پیدا نمی شود و هیچ چیز مانند اینکه زیر یوغ یک زن کار کنند آنانرا عذاب نمی دهد . یک فوق لیسانس یا دکتر آنها ، ظرف سه سوت با یک همجنس بیسواد خودش در فاصلهٔ کوتاه گرفتن چند قرص نان یا طی مسیر در اتوبوس یا مترو دوست می شود و از کس و کارش می گوید ، گو نه اینکه شأن اجتماعی آنها اصلا متناسب با هم نیست ! در اکثر موارد ، در محافل خودشان ، جز فرو رفتن در لاک و پوست این و آن سخنی دیگر رد و بدل نمی گردد و اکثر قریب به اتفاق آنها آنچنان پرده در هستند که حتی اسرار رختخواب مردشان را هم در محافلشان برای هم تعریف می کنند ! آقای رضا ، آیا من و شما یادمان رفته در گذشته که خانه ها حمام نداشت و همه به حمام عمومی می رفتند ، زن ها در حمام ، مقابل هم ، خیلی عذر می خواهم ، شورت هم به پا نداشتند و خیلی ریلاکس ، در مقابل چشم هم ، به زمین می زدند و سرگرم واجبی مالیدن به خود می شدند ؟! راستی برای آندسته از زنان که پیرامون تعدد زوجه و صیغه ، یقهٔ خود را جر می دهند ، دو عکس هم دارم :
http://irapic.com/uploads/1224041592.jpg
http://irapic.com/uploads/1224059428.jpg

نویسنده: جامعه شناس

چهارشنبه 24 مهر1387 ساعت: 10:35

(10)

10) آقای رضا ، فرموده اید چند امضاء زیر قراردادهای استعماری ، متعلق به زنان است !!! می پرسم چند زن تا کنون در عرصهٔ سیاست داشته ایم که دنبال قرارداد امضاء کردن های آنها هستید ؟ یکی دو دههٔ دیگر صبر کنید ، پای قراردادها را هم امضاء می کنند !!! جوجه را آخر پائیز باید شمرد !!!

11) آقای رضا ، گفته اید چرا مردی با « دیدن » مرغ و گاومیش و مادیان و ... حشری می شود اما زنی با « دیدن » مثلا یک مرد عریان چنان نمی شود ؟ همین پرسش شما نشانهٔ عدم شناخت زن ، و نشانهٔ آن است که دنبال مقایسهٔ زن با مرد هستید جان برادر ! اگر زن را در مقام خودش مورد مطالعه قرار دهید و مرد را هم در مقام خودش ، و پای قیاس به میان نیاورید ، آنگاه به استناد تحقیقات روانشناسان ، درخواهید یافت مردان موجوداتی « بصری » هستند و زنان موجوداتی « لمسی » . یعنی یک مرد آنقدر که از دیدن پیکر عریان و از آن بدتر نیمه عریان یک زن ، تحریک می شود ، از مالش های آن زن تحریک نمی شود ، و برعکس یک زن تا دست مردی پوست و نقاط شهوانی صورت و گردن و اسافل اعضای او را لمس نکند ، در آستانهٔ دروازهٔ شهوت قرار نمی گیرد . شاید یکی از علل واجب شدن حجاب بر زنان ، و نه بر مردان ، هم همین باشد . ا... اعلم

نویسنده: جامعه شناس

چهارشنبه 24 مهر1387 ساعت: 10:35

(11 ، آخر)

12) و سرانجام آقای رضا فرموده اند راهکارم برای اصلاح چیست ؟ دیگر یقین کامل پیدا کرده ام که تلاش برای اصلاح اخلاقی در بعد ملی ، بی توجه به امواج مخرب فرا ملی و جهانی ، کشک است و کشک است و کشک . ما هرچه تلاش کنیم نسل خوبی تربیت کنیم و آن نهال های اصلاح نژاد شدهٔ سالم را در زمینی شخم زده و کود داده شده ، تحت نظارت باغبانی دلسوز و عالم بنشانیم ، باز از گزند وزش بادهای مخالف و تابش تلألوهای مخرب در امان نیستیم و دیری نمی پاید که نسلمان را فنا شده خواهیم یافت . یک راه بیشتر نداریم و هرچند کار بزرگی است اما به بزرگی کلمهٔ شهادت ، که انصافا برازندهٔ راهروان راهی که برمی شمارم خواهد بود ، باید همه و همه ، از شرق تا غرب ، رهپوی آن شویم . آن طریق ، صراطی نیست جز : ستیزهٔ فرهنگی و قلمی و نظامی با سران نظام اولتراامپریالیسمی جهانی و در رأس آن یهود ، که تا اولتراامپریالیسم و یهود است ، هیچ مصلحی ، شاهد اصلاح در آغوش نخواهد کشید و هیچ معلم اخلاقی ، نسلی مهذب نخواهد پرورانده . والسلام .

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 24 مهر1387 ساعت: 10:55

فریبا خانم. خیر مقدم. از راه نمایی شما ممنونم و منتظر می مانم.

دوستان و دشمنان، از زن و مرد، پاسخ آقای جامعه شناس را با برافروختگی ندهند. زیرا چنین صراحت هایی محرک جست و جو در بنیانی است که برای دنیای شلم شوربا و به سعی یهود درهم ریخته ی کنونی، راه کار اصلاح بیابیم، که هیچ چیز آن در جای خود نیست و نظیر مشایی نیز در آن راهبری و یکه تازی می کنند.

نویسنده: احسان

چهارشنبه 24 مهر1387 ساعت: 12:8

واقعا متاسفم.
یاد روزهایی که بحثهایی پیرامون تاریخ انجام می شد یه خیر. چه قدر جذاب و روشن گر و آموزنده بود.این گونه بحث ها که توسط جناب استاد جامعه شناس که معلوم نیست چه کسی او را به این عنوان ملقب کرده است مطرح می شود نه تنها در پیشبرد و مجاب کردن جامعه به قبول نظریات استاد پورپیرار هیچ کمکی نمی کند ، بلکه حتی عاملی بازدارنده نیز هست.جناب جامعه شناس بهتر است وبلاگی تاسیس کنید و نظریات زیبایتان را آنجا تبلیغ کنید. اینجا هم آگهی بزنید تا دوستان در وبلاگ خودتان پاسخ دهند و با امکان رد نظر توسط استاد پورپیرار قبل از دیدن شما روبرو نشوند. با تشکر

نویسنده: اتفاق

چهارشنبه 24 مهر1387 ساعت: 13:46

سلام آقای عابدی
آیا ایمیل مرا دریافت کرده اید ؟

***

سلام آقای ی . میرزا محمدی
آیا ایمیل و بستهٔ مرا دریافت کرده اید ؟

نویسنده: جامعه شناس

چهارشنبه 24 مهر1387 ساعت: 14:53

آقای پورپیرار ، از اینکه با بردباری به من رخصت عرض اندام در وبلاگ معظمتان داده اید سپاسگزارم . بی ترس از انگ چاپلوس و پاچه خوار و ... ، که ممکن است بر من بچسبانند ، باید بگویم تغییر دیدگاه جامعه شناسانه ام را بیش از اساتید دانشگاه و هزار و یک کتاب دیگر ، تنها و تنها مدیون شما هستم . شمائی که اگر 9 – 8 پیش افتخار آشنائی تان را نمی یافتم ،

اینک معلوم نبود چه چرت و پرت هائی را به عنوان کتاب و مقاله ، روانهٔ بازار کتاب کرده بودم .

راستی :

به نسل جدید زنان می گوئیم چرا اینقدر بدحجاب می گردید و آرایش هایتان گوی سبقت از آکتورهای فیلم های سوپر برده است ؟ پاسخ می دهند چون اول انقلاب به زور و با دگنک و بازداشت و تیپا و ... ، ما را حجاب دار کردند ، حالا که زورمان می چربد ، در برابر آن فشار تحمیلی واکنش نشان می دهیم و به اصل خود بازمی گردیم ؛ درست مانند یک فنر ، که مادام که با دست فشرده می شود ، فشرده است ، اما به محض برداشته شدن انگشت از طرفینش ، به حال خود باز می گردد !!! کاری به این ندارم که اینها اول انقلاب در رحم مادرهایشان هم نبودند تا شاهد فشار یا چیزی شبیه این باشند ؛ اما می خواهم بپرسم اگر به صرف تحمیل چیزی ، آدمی دوست دارد به مجرد برداشته شدن مهمیز تحمیلگر ، به حال خود بازگردد ، چرا وقتی رضاشاه با فشار ، بی حجابی را به شما تحمیل کرد ، شما در دوران پسرش که دیگر زور پدر در میان نبود ، به حال خود بازنگشتید و بی حجابی تحمیلی ترک نگفتید و به باحجابی اولیه برنگشتید ؟! راستی پیش خود فکر کرده اید چرا پوشاک مردان را شلوار بلند و پیراهن تمام پوشیده و ... تعریف کرده اند ، اما پوشاک شما را شرتک و شلوارک و مینی ژوپ و البسه ای که تا نیمهٔ بدن از بالا ، تمام جلو و پشتش باز است و نیم وجب از پستان ها را هم عیان می کند ؟ فکر کرده اید چرا بر دامن های شما چاک های بلندی که تا خطی موازی با فلان جا امتداد دارد تعبیه می نمایند ؟! اگر پاسخ را می دانید ، دو حال دارد : یا پاسخ را منطقی می بینید ، پس حق اعتراض به گفته های من ندارید ؛ و یا آنرا وقیح ارزیابی می نمائید ، که در آن حال باید پرسید ، چرا بیکار نشسته اید و فکری به حال خود نمی کنید ؟ لازم نیست انجمن و ... راه بیندازید ، می توانید با تأسیس یک وبلاگ هم ، در تنویر افکار همجنسان خود ، و زاده شدن زنی برازنده تر ، کوشا باشید .

نویسنده: توحید

چهارشنبه 24 مهر1387 ساعت: 17:6

فراز هایی از پروتکل یهود برای تسلط جهانی (4):
....

- غیریهودیان عادت به فکر کردن را از دست داده اند مگر آنکه متخصصان ما به آنها آگاهی بدهند. بنابراین آنها قدرت تشخیص و درك برنامه‌هائی که ما برای رسیدن به حکومت جهانی در پیش داریم، ندارند. لذا برماست که در مدارس دولتی، اطلاعات و دانشهای پایه‌ای چون تشریح خصوصیات روحی (روانشناسی) و حیات اجتماعی (جامعه شناسی(به آنان بیاموزیم و به مدد اینگونه اطلاعات به آنها بقبولانیم که افراد از لحاظ قابلیت‌ها و استعدادها یکسان نیستند و از لحاظ سلیقه ها و هدفهای زندگی با هم اختلاف دارند. پذیرفتن اصل اختلافات فردی، تقسیم کار را به تناسب استعدادها ایجاب می‌کند و وقتی که انسانها بر حسب اصل تقسیم کار طبقه بندی شدند، خود به خود جامعه طبقاتی بوجود می‌آید و بدینسان افراد می‌پذیرند که همه طبقات در برابر قانون یکسان نیستند. پس از اینکه چنین اطلاعاتی به خورد آنها دادیم با رغبت تسلیم ما می‌شوند و هر نوع شغلی را که به آنها دهیم قبول می‌کنند. از سوی دیگر، چنین نظام تربیتی‌ای انسانها را وامی‌دارد که هر نوع نوشته‌ای را و یا هر سخنی را کورکورانه و بدون چون و چرا بپذیرند. همچنین به سبب درك ضعیفشان از امور، می‌توان نفرت آنها را در هر شرایطی و هر موقع که لازم باشد برانگیخت.

- نشان دادیم که چگونه باگذشت زمان، غیریهودیان تسلیم حکومت ما خواهند شد زیرا بخوبی می‌دانیم که چه موقع باید آزادی و آزادی خواهی را از تمام مؤسسات ریشه کن سازیم.

وب سایت

نویسنده: توحید

چهارشنبه 24 مهر1387 ساعت: 17:6

- هنگامی که توده‌های مردم می‌بینند که تمام امتیازها زیر عنوان آزادی به آنها اعطاء می‌شود، تصور می‌کنند که می‌توانند رهبری جهان را به دست گیرند. ولی به زودی خود را به راهنمائی ما نیازمند می‌بینند و دو دستی قدرت را در اختیار ما می‌گذارند و رهبری تام الاختیار امور را به دست ما می‌سپارند. اگر انقلاب فرانسه را به یاد آوریم، در می‌یابیم که عنوان و لقب کبیر را ما به آن دادیم، مقدمات آنرا ما فراهم کردیم و خلاصه آنکه طراحی آنرا ما به عهده گرفتیم.

- از دیرباز تاکنون ما بشر را از قیدو بندهای فراوانی رهائی بخشیده ایم و در آینده نیز او را راهنما خواهیم شد تا سرانجام در برابر پادشاهی که خون قوم بنی‌اسرائیل در رگهایش جریان دارد، سرتعظیم فرود آورده و به حکومتی که ما برای جهان تدارک می‌بینیم، تسلیم شود.

وب سایت

نویسنده: بی نام

چهارشنبه 24 مهر1387 ساعت: 18:17

سلام بر استاد عزیزو دوستان

دیشب شبکه 4 سیما فیلم مستندبسیار قدیمی از مهاجرت ایل بختیاری نمایش می داد که متاسفانه بنده از سکونت آنها در حدود عربستان و آغاز مهاجرتشان به سوی ایران موفق به دیدن ان شدم .
پنجاه هزار بختیاری که از ان سوی مرزها وارد ایران شدند!!!!حالا چرا اینان را لر می گویند والله ما که مانده ایم.چرا اشمیت انها را ماد می داند باز هم مانده ایم وچرا مادام دولافوا اینان را باز مانده آریایی ها می داند باز هم بیشتر مانده ایم !!!
استاد عزیز این فیلم بسیار قدیمی دلیلی بر اثبات نظرات شما در مسکونی شدن ایران در سده های اخیر است چنانچه دوستان این فیلم را از ابتدا دیده اند حتما" بطور دقیق نقطه آعازین مهاجرت این قوم به ایران را متوجه شده اند لطفا"مساعدتی بفرمایند وبگویند ایا درست متوجه شدم که اینان از حوالی عربستان وارد ایران شده اند هر چند بنا به مطالعات قبلی بنده بختیاریها (منظورم لر بزرگ است)را مهاجرین سماس سوریه دیده ام. نام علف (grass) است.

نویسنده: آیدین یاشار

چهارشنبه 24 مهر1387 ساعت: 22:28

1
آیلار را نباید ملامت کرد. این نوع اتیمولوژی وصله پینه ای از ده ها سال پیش در بین ادبای فارسی پژوه رایج بوده و آنها دائما کوشیده اند، سر تاپای زبان و ادب عربی و قرآن را ساخته و پرداخته فارسیان و همین فارسیان را نیز همعرض و مترادف ایرانیان قلمداد کنند. آنها ده ها سال وجود زبان ترکی در ایران را انکار کردند، سپس به وجود آن اعتراف کرند و لیکن آن را لهجه ای ازفارسی میانه شناختند. در مرحله بعدی از سر ناچاری وجود زبان ترکی در ایران را پذیرا شدند و لیکن آن را سوقات قوم مغول شناختند که گویا در هنگامه حمله مغول بر ایرانیان نیکو تبار تحمیل و زبان آنان را آلوده است. جنون نژاد پرستی آنان به جائی رسید که پیشنهاد کردند، نوزادان آذربایجانی را از خانواده شان جدا و در بین خانواده های "محترم" فارس تربیت کنند و سپس به خانواده های خود برگردانند تا خطر زبان ترکی بتدریج منتفی شود.

نویسنده: آیدین یاشار

چهارشنبه 24 مهر1387 ساعت: 22:29

2
اکنون نیز در قرن 21 در وضعی به سر میبریم که زبان فارسی زودتر از شیر مادر بر سر بالین نوزاد آذربایجانی حاضر میشود. با این حال زبان ترکی نابود نشده است. افراطیون در شگفت اند که این هیولای هفت سر چرا از پای در نمی آید. با آن که گفتگو با فاناتیک ها بی ثمر است، اما راز بقای زبان ترکی در ایران را برای آنها به اجمال توضیح میدهم. ترکی ریشه در طبیعت و تاریخ و جغرافیای ایران دارد، به این دلیل صعب الانهدام است. اگر باور ندارید، سری به روستاهای دور افتاده آذربایجان بزنید، تا بر شما معلوم شود که ترکی چه قدر مردمی است. راستش را بخواهید، من در مورد فارسی هم همین نظر را دارم، اما نه فارسی باسمه ای و روشنفکر مآبی که مملو از دساتیر خنده دار است، بلکه فارسی اصلی که در گویش مردم سرتاسر کشور به صورت لهجه های گوناگون و نام های جغرافیائی و غیره در داخل و خارج کشور حضور دارد. این لهجه ها به هم پیوسته اند و سیستم زبانشناسی منسجمی را تشکیل میدهند. هیچ یک از اینها وارداتی نیست.ما متفاوتیم، اما متضاد نیستیم. هویت اسلامی ما هیچ ضدیتی با هویت فارسی و ترکی ما ندارد. مشکل اصلی ما نژاد پرستی است، چه از نوع فارسی و چه از نوع ترکی (البته این یکی عکس العملی ناخوداگاه در برابر آن یکی است، با اصلاح آن یکی، این یکی نیز خود به خود اصلاح

میشود). در این میان تذکر یک نکته را بسیار ضرور میدانم. تفکر آیلار هرچند معصومانه است، اما ممکن است به عنوان نماینده تفکر روشنفکر آذربایجانی در این سایت درج شود. این همان قدر خطاست که تفکر پرویز ورجاوند نیز به عنوان نماینده روشنفکر فارس معرفی شود. در سایت استاد، صرفا نمونه هائی از افراطیون دو طرف معرفی میشود و عناصر واقع بین یا صدای خود را بلند نمیکنند، یا جایگاه نمی یابند.

نویسنده: آیدین یاشار

چهارشنبه 24 مهر1387 ساعت: 22:29

3
هم در زبان عربی و هم فارسی و هم زبانهای اروپائی لغات ترکی وجود دارند، اما آیلار نحوه بررسی آنها را فعلا نمیداند. اگر تعداد این لغات کم یا زیاد باشد، نه دلیل بر ننگ است، نه سبب افتخار. همه زبانها در هم تداخل دارند. و ضمنا همه زبانها غیر از عربی و لاتین زبانهای بومی با کاربرد محدود محسوب میشوند. اگر زبانی جهانی شده است، ناشی از الفت آن با یکی از دو زبان یاد شده یعنی عربی و لاتین است. زبان لاتین در دوره امپراطوری رم غنی شده است، اما زبان عربی محصول تمدن بین النهرین است و قدمت و غنای بیشتری دارد.با این حال، اینجا هم جای تفاخر نیست. پس تفاخر در کجاست؟ هر نوع وابستگی و علاقه باطنی به زبان و فرهنگ قومی هم سالم و هم ضرور است مشروط بر این که عنصر نفرت در آن مداخله نکند. من دوست زبان ترکی هستم و در عین حال طرفدار همزیستی و احترام متقابل همه زبانها و همچنین طرفدار جذب لغات عربی در حوزه های علم و تفکر برای غنی سازی زبانهای رایج کشور هستم. اگر این تفکر سالم نیست، لطفا یک پاسخ عذاب آور برای من در این سایت درج کنید. با تشکر، آیدین.

نویسنده: حاجی زاده

چهارشنبه 24 مهر1387 ساعت: 22:55

با سلام
زن و مرد دو کفه ی یک ترازو هستند،که باید توازن آن حفظ شود،متاسفانه در طول تاریخ به شکلی افراطی به توانایی های مردان تکیه شده و زنان ناشناخته مانده اند، به همین خاطر است که دنیای نامتعادلی داریم.
اینها ظلمی است که در حق زنان شده است: تا مدتهایی مدید به زن، خلقتش و نقشی را که بر اساس استعدادهای خاص خلقتش از جانب پروردگار به او اعطا شده است، بهایی داده نشده و اینک ظلمی مدرن در قلب شعارههایی پررنگ و لعاب و فریبنده در جریان است و آن شبیه کردن زنان به مردان میباشدو طلب ایفای نقش خاص مردان از زنان!
فمنیسم هم مانند همه ی ایسم های مرسوم و مردود تنها در راستای سردرگم و سرگرم کردن بشر ابداع شده است، والبته وجود پدیده ی"مردسالاری" زمینه های تولد و رشد این تفکر پوچ و منحرف را فراهم نموده است.
متاسفانه مردان همیشه توانایی های زنان را با خودشان مقایسه میکنند، حتی کسانیکه اذعان دارند اینکار بعلت تفاوت در موجودیت زن و مرد کاری لغو و مردود است!(همچون جناب جامعه شناس) زنان همواره بعلت نداشتن تواناییهای مردان تحقیر شده و متهم به نقصان در عقل میشوند! و این تحقیرها یک نوع تشویق منفی زنان برای مشابه کردن خود به مردان است بدون اینکه سعی در شناخت خود داشته باشند.
چرا انسانهاعلم و منطق را ضروریتر و کاراترو قابل اعتناتر از اخلاق و عاطفه میدانند؟! قرنها پیش سرخپوستان در قاره ی هنوز کشف نشده ی آمریکا زندگی متعادل و انسانی داشتند در کمال آرامش وسعادت، بدون آنکه دانشمند، سیاستمدار و فیلسوف داشته باشند بطوریکه زمان یورش وحشیانه اروپاییان مثلا متمدن، حتی طریقه ی جنگیدن را نمی دانستند! به گمانم یادداشتهای باارزش اندونزی نیز درصدد اثبات همین مطلب است که معیارهایمان برای کامل، سعادتمند و افضل بودن،اشتباه است.
از میان نوشتجات جناب جامعه شناس(؟!) تنها بند 3 قابل تامل بوده وباقی به درد زباله دانی میخورند. وای به حال جامعه ای که جامعه شناسش تا این حد از جریانها ، وقایع و مرسومات اجتماعش غافل باشد، و اینطور یکطرفه به قاضی رود.

نویسنده: فاضل میرزائی

شنبه 5 بهمن1387 ساعت: 18:35

سلام خدمت تمام دوستان
نطلب راجع به اندونزی را خواندم من الان که این مطلب را می نویسم در هتل آدیرامای شهر سینگاراجا جزیره بالی هستم .
من برای کارم با دختران - زنان - مردانی آشنا شدم که از ادیان محتلف(مسلمان-بودا-هندو) هستند و جز خوبی و صدق نسبت از

اینها چیز دیگری ندیدم به طوری که گاهی اوقات با خودم فکر میکردم کاش مردم ایران که تعدادشان هم کم نیست دغل و دروغ و ریا و کبر و پول دوستی کنار می گزاشتند و مثل این مردم می شدند.

۱ ۲ ۳

ایران شناسی 180

ایران شناسی 181

ایران شناسی بدون دروغ، 181، دیدار از اندونزی، 4 - 36 نظر

نویسنده: هومن

چهارشنبه 1 آبان1387 ساعت: 15:0

سلام استاد
دامنه فرهگ هندویی تا کره
با یک دوست خارجکی اونم از نوع خاورمیانه صحبت میکردم ایشون 5 زبان بلد بودند ودر امریکا تحصیل می کردند بحث درباره زبان دراویانی بود که ایشون تازه یاد گرفته بودند
و میگفتند شباهت این زبان به کره ای بی نهایت زیاد هست
چیزی که برای ایشون عجیب بود که چطور این همه دانشمند تا به حال به این موضوع پی نبردند.............
ظاهرا باید روزی در دسته بندی اقوام تجدید نظر کنیم .... فکر میکنم این همه تغییر در تاریخ بشر برای جلوه کردن عدم سازش روایات دینی با علم باشه..... همینطور نحوه پخش شدن انسانها در قاره ها و به قول استاد اون تاریخهای ابکی

نویسنده: دادا

چهارشنبه 1 آبان1387 ساعت: 17:42

با سلام حضور استاد گرامی!
بنده کامنتی در وب سایت imdb.com وصل کرده بودم, در مورد فیلم "سنگسار ثریا م.". این دومین بار است که این کامنت توسط این سایت پاک می شود. حدود 1 هفته کامنت وصل شده, بعد که امتیاز فیلم پایین می آید, متولیان سایت این کامنت را حذف می کنند. استاد, تا انسان با چشم خود برخی حقایق را نمی بیند, عمق کنترل امورات جهان توسط یهودیان را, باور نمی کند. الان که می بینم حتی برای یک نظر ساده این چنین عکس العمل نشان می دهند, بهتر درک می کنم که اینان چه قدرتی را در مورد نوشتن اراجیف در مورد تاریخ یک ملت را دارند. اوایل, زمانی که کتاب های شما را می خواندم, گاها این فکر به ذهنم می آمد که: "این ابعاد نفوذ و دستکاری که آقای پورپیرار به تصوریر می کشند, کمی اغراق آمیز بنظر می رسد".
اکنون می بینم که فاجعه بس وسیعتر و بحران بس نزردیک تر است. ناخوانده وسط میدان جنگی شده ایم که دشمن خود را نمی بینیم. چه سخت است جنگیدن با یک دشمن نامرئی, که او تو را بهتر از خودت می شناسد, اما تو هنوز قادر به دیدن وی هم

نیستی.
در این کامنت بنده در مورد کثافتکاری و تجاوز نظامیان آمریکائی ها به نوامیس ملت های تحت سلطه اشان نوشته بودم. این در حالی است که, سنگسار یک زن (آن هم بنا به باورهای اسرائیلیات یهودیان, بلکه نه مسلمانان) این چنین بزرگ و زیر زره بین رفته است.
در پایان از دوستان و خوانندگان وبلاگ خواشمندم, اجازه ندهند تا اینچنین در دیدگان جهانیان حقیر و کثیف جلوه نماییم. آن ها سوار بر اسب جولان دهند و ما ساکت زیر پای آن ها له شویم. وظیفه هر تک تک ما است که حتی با نوشتن یک کامنت ساده آبروی یک اینچنین افرادی را ببریم, تا هزینه های آنچنانی که خرج این چنین مزخرفاتی می شود (آن هم از برده کشی ملت مظلوم) به ثمر نرسد.
آدرس صفحه این فیلم:
/http://www.imdb.com/title/tt1277737
خسته نباشد استاد, تواصوا بالحق... !

نویسنده: جامعه شناس

چهارشنبه 1 آبان1387 ساعت: 23:17

سلام آقای حسین محمدی
ورود شما را به بحث خیر مقدم می گویم . اگر خدا خواست و استاد نیز رخصت دادند ، سخنان من در مورد زنان هنوز تمام نشده و تا طرح کامل ، بسیار در پیش رو دارد . پس با اجازه ، پاسخ به سؤالاتتان را در مقدمهٔ مباحث آتی خواهم داد .

نویسنده: نام

چهارشنبه 1 آبان1387 ساعت: 22:49

استاد عزیز جناب اقای پورپیرار سلام علیکم وخسته نباشید
مقاله روشنگری است.استفاده بردیم.دستمریزاد.

در ضمن استادعزیز دقیقا" درست فرمودید ما یک خانواده هستیم با تمام مشخصه های یک خانواده گام نهاده در مسیر تعالی وارزشهای اسلامی که درجهت روشنگری می کوشد.من بار علمی وتوان تحلیل این دوست عزیز را می شناسم وقلم توانایش را دراثباط برتری اندیشه بنیان اندیشان برتوهم زدگان باستان پرست را در این اواخر دیده ام ولی به جهت منع حضور فقط نوشته هایشان را می خواندم وبه ایشان احسنت می گفتم.
البته نا گفته نماند که قبل از این نیز از پس نوشته هایش ایشان را می شناختم وخوشحالم که پس از مدتی سکوت باز قلم بدست گرفته اند.حیف بود با چنان قوه تجزیه وتحلیل وقلم توانا وبار علمی به نحوی (امابی غرض)چنان سخن بگوید که موجب رنجش برادران خود گردد و علی رغم ارادت قلبی صلاح رابر هجمه کلامی دیدم تا متوجه اش کنم.نمی دانم شاید زیاده تند رفتم.از این بابت از ایشان طلب عفو وحلالیت دارم.

اقای جامعه شناس-سلام علیکم

بی شک شما بر بنده مهتریدچرا که از شاگردان نخبه و صاحب قلم ایدو بنده حقیربه اقرار صریح,در پایگاه بنیان اندیشان خرد مندو صاحب علم ومعرفت,طفل ابجد خوانی بیش نیستم بنا بر استقرار در این جایگاه شاید نسخه تلخی پیچیدم لذا از شما طلب عفو وحلالیت دارم.
منتظر کامنتهای شما هستیم جناب آقای جامعه شناس.ممنون

نویسنده: absurd

پنجشنبه 2 آبان1387 ساعت: 0:14

تنها کارکرد مذهب : قدرت تفکر و استدلال را می گیرد و به جای آن اطاعت کورکورانه را برای انسان به ارمغان می آورد.
ایامی خوشی بود . ولی چند صباحیست وبلاگ به چیزی شبیه حوزه علمیه تبدیل شده است . جالب اینکه در مورد همه چیز دین

و مذهب و ... نظر می دهید ولی به جای پاسخ دوستان را اغلب به قم می فرستید. تشکر به خاطر چیزهایی که از نوشته ها و کتاب هایتان یاد گرفتم. و بدرود . از قرار مطالبی که زین پس (به خصوص در قسمت نظرات) ارائه خواهد شد برای افراد غیر معتقد به اصول دینی پایه ی منطقی برای استدلال نخواهد داشت

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 2 آبان1387 ساعت: 0:42

آقای محمود. حالا در مقدمات این یادداشت ها قرار دارید، اگر به انتها برسانید پاسخ های لازم را از زوایای مختلف دریافت خواهید کرد.

آقای absurd. اشکال متعارف روشن فکری ایران همین است که ظرفیت و حوصله ی دریافت های غیر کلیشه ای از جمله در موضوع اسلام را ندارد. به هر حال مختارید.

نویسنده: درویش

پنجشنبه 2 آبان1387 ساعت: 8:52

سلام استاد خسته نباشيد
واقعا بسيار عالي است هر روز مطلبي جالبتر و روشنگر تر . بنده چون قبل مطالب شما را دنبال مي كنم و در حد وسع خودم با دوستان و آشنايان صحبت ميكنم و بحثهاي بنيان انديشي شما را مطرح مي نمايم اميدوارم كه من هم بتوانم در اين خيزش عظيم فكري در توسط شما در دنياي اسلام بپا شده سهمي داشته باشم .
البته استاد با بعضي از بحثها كه در اين كامنها شروع شده موافق نيستم . بنده خودم جامعه شناسي خوانده ام و جامعه شناسي را تدريس ميكنم اما فكر ميكنم جناب جامعه شناسي با اينگونه وارد كردن بحث جامعه شناسي به اين مسائل اهميت جامعه شناسي را در بررسي مسائل اجتماعي بسيار پايين مي آورد و كسي كه جامعه شناسي نخوانده و آشنايي چنداني با آن ندارد فكر ميكند جامعه شناسي همين است .
شايد بهتر باشد همانطور كه يكي از دوستان پيغام گذاشته بود ، جناب جامعه شناس وبلاگي بزند و بطور علمي و از راه درستش از ديدگاه جامعه شناسي مطالب را به بحث بگذارد .
البته بنده خدمت ايشان ارادت دارم يك وقت از بنده نيز عصباني نشوند . منظور اينست كه ايكاش ايشان همين مطالب جسته گريخته را تحت يك سلسله مقالات منسجمي ارائه ميدادند تا باعث سر در گمي برخي از دوستان كه جامعه شناسي نخوانده اند نشود .
با معذرت از محضر استاد پورپيرار و آرزوي سلامتي و طول عمر با بركت براي ايشان و البته ساير دوستان بنيان انديش

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 2 آبان1387 ساعت: 9:20

آقای درویش. دوستانی دارم در مراتب و مدارج مختلف فرهنگی با اوراق معتبر و غیر خریداری شده ی جهانی، که مدرکی است رسمی در تایید حکمت و دانایی آنان. در میان شان تاریخ خوانده هست و جغرافی دان و ادیب و باستان شناس و زبان شناس و جامعه شناس و خاک و آب شناس و چندین شناس دیگر، که تقریبا همگی به لطف مباحث جاری و با عنایت الهی، از دوست به نیمه دشمن و دشمن کامل بدل شده اند. زیرا مثلا زبان شناس می داند تنها پذیرش آن جمله که: «در بطن یک زبان واحد لهجه ساخته نمی شود و لهجه حاصل برخورد دو فرهنگ و گویش و نشان آشکاری از حضور مهاجرانی غیر بومی است»، ده سال تلاش او و استادان اش، برای تبیین نوع یهودی تاریخ نویسی از مسیر زبان شناسی را بر باد می دهد و یا ادیب با خبر است اگر نوسازی شیراز و به تبع آن حافظ و سعدی را بپذیرد، باید دانش نامه ی خود را به آتش کشد و باستان شناس مطلع است اگر مضمون مستند تختگاه هیچ کس را قبول کند، خود را به کلاس اول ابتدایی بازگردانده است و قس علی هذا. در حال حاضر غالب مدعیانی که خود را نخبه ای در این و آن «مطالعات» معرفی می کنند، مرا به خنده می اندازند، زیرا فی المثل صاحب چنین مطالعاتی در موضوع تاریخ و فرهنگ اسلام، از الفهرست ابن ندیم و تاریخ طبری و سیره و فتوح و تفاسیر گوناگون و از این قبیل شروع کرده و اگر چنین نخبه ای در علوم اسلامی فرضا بخواهد، چنان که باب شده، به حوزه ی گفت و گو با مسیحی و جهود وارد شود، ابتدائا و ناگزیر از هجوم مسلمین به ملل دیگر و صدور خونین اسلام به جهان و انقیاد زن مسلمان به تنگنا می افتد، زیرا رد این گونه ادعاها با نفی متون کتاب هایی برابر می شود که از طریق پر خوانی آن ها صاحب

این و آن عنوان دانشگاهی شده است!!! و چنین است تمام دیگر حوزه های علوم انسانی و وجوه معرفتی، از جمله و به ویژه جامعه شناسی، که بر مبنای تولیدات قاچاقی یهودیان برای تدریس در مدارس و دانشگاه ها و محیط و محفل های روشن فکری تدوین شده است.
بنا بر این در این جا از جامعه شناسی رسمی سخنی نیست، فقط یگانه کتاب آموزشی قابل اطمینان و اتکاء در موضوع انسان، یعنی قرآن را گشوده، در حول و حوش آن مطالبی را به یکدیگر یادآوری می کنیم که بیش تر به کار دوستانی می آید که جامعه شناسی نخوانده باشند.

نویسنده: جامعه شناس

پنجشنبه 2 آبان1387 ساعت: 11:25

سلام آقای درویش
اتفاقا ما هرچه کشیده ایم از همین « شناس » های کلیشه ای است . مثلا چند هزار نفر تاریخ دان و باستان شناس در این مملکت داریم و این حضرات چند هزار بار هم از تخت جمشید دیدن کرده اند اما هیچ کدامشان نفهمیده اند آن عمارت نیمه ساخت است ، اما فردی که خود را اسیر این « شناس » نکرده و « باز دیدن » را به « قالبی » شدن نفروخته است (آقای پورپیرار) ، با دیداری ساده متوجهٔ آن شده است .
چند سال پیش ، در اوائل مطرح شدن نظریات آقای پورپیرار ، دوست نزدیکی که آن روزها رفیق سفر و حضر هم بودیم و این روزها سایه ام را با تیر می زند و همین فردا یا پس فردا که بمیرم ، زیر تابوتم را نخواهد گرفت ، برای بیزار کردن من از آقای پورپیرار آمد و گفت می دانی این بابا ، آکادمیک نیست و مدرک دانشگاهی ندارد ؟! می خواست با این حرف مرا براند ، اما من که تا آن روز از این مطلب خبر نداشتم ، هیچ متعجب نشدم و راستش در کنه وجودم از همان اول احساس می کردم این مرد نباید دانشگاهی باشد ، چرا که او اگر پایش به دانشگاه باز می شد ، یا اخراجش می کردند یا خودش انصراف می داد ! فضای کلیشه ای و بله قربانی که در نظام آموزشی ما حکمفرماست ، گنجایش چنین وجود بزرگی ندارد . مگر می توان یک انسان را در یک لانهٔ موش جا کرد ؟
مختصر اینکه خیلی گوش به نوای دلفریب علوم دانشگاهی و ... نگذارید و بجای غرق کردن خود در چارچوب های کلاسیک علوم و از جمله جامعه شناسی ، به « کلمه » وفادار بمانید و بدانید جامعه شناسی باید هنر شناسائی و تدوین و تعریف خصوصیات یک اجتماع و از آن بالاتر ، راه پیدا کردن و راهنمائی اجتماع به آینده ای سعادتمندانه تر باشد ، نه غرغرهٔ هزاربارهٔ تقریرات اگوست کنت و امیل دورکیم و گاستون بوتول و ژرژ گورویچ و ساموئل کنیگ و ... ؛ مطلبی که صدبارها به دانشجویانم هم تذکر می دادم ، و بدانید (که قطعا هم می دانید) یافته های یک جامعه شناس ، جهانی نیست و جز برخی اصول که همان سنن الهی می باشد ، از جامعه ای به جامعهٔ دیگر متفاوت است .
حال شما خود بگوئید آیا تشریح سیمای نسل جوان یا زنان ایران ، نمی تواند جامعه شناسی باشد ؟ ضمن اینکه به یاد ندارم ادعاء کرده باشم این چیزهائی که می گویم ، « علم » جامعه شناسی است ، که از آن « علم » ، من تنها به یک ID برای معرفی خود قناعت کرده ام !!!

نویسنده: تلمیذ

پنجشنبه 2 آبان1387 ساعت: 11:44

با سلام خدمت استاد پورپیرار کبیر و سایر دوستان
1-از مرد و زن به ظاهر مسلمان هر کس با فرامین قرآن کریم مشکلی دارد به آئین کفار درآید و طبق خواسته های آنان رفتار کند.هر کس ادعای مسلمانی دارد باید بی چون چرا "تسلیم" الله باشد.والسلام.
2-دیگر اینکه همین که در اندونزی و احتمالا" سایر بلاد شرق دزدی و دروغ و بزهکاری کم تر است، خود بهترین دلیل بر رد ادعای جهودها در گسترش اسلام به شرق توسط ایرانیان است!!!

نویسنده: رضاصدیقی

پنجشنبه 2 آبان1387 ساعت: 15:30

با سلام خدمت استاد و خوانندگان محترم
بدین وسیله 26مین گفتار باستان شناسی اندیشه ویژه هنر و تمدن اقوام پراکنده ایران تقدیم حضورتان می گردد.با تشکر

وب سایت

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

پنجشنبه 2 آبان1387 ساعت: 16:37

با سلام.
گویا در شبکه های ماهواره ای, روزی را به عنوان روز حقوق بشر اعلام کرده اند و مردم را در آن روز به حضور در پاسارگاد دعوت کرده اند. اگر دوستان امکان دریافت اطلاعات کامل این روز بزرگ را دارند دیگران را در جریان قرار دهند, تا بتوانیم با بسته های شیرینی و شراب و البته مستند تخت گاه هیچ کس, از میهمانان پذیرایی کنیم.
ها ها ها.

آقای پورپیرار, از نوشته های اندونزی, تا اینجا بسیار لذت بردم. پس به نظر شما حرکت و گسترش اسلام در جهان, نه یک امر کوتاه مدت و سریع, که زمانی تقریبا معادل طول عمر اسلام داشته است. همانگونه که میبینیم که اندونزی هم قریب 300 سال است که مسلمان شده اند؟ می شود در مورد جنگهای صلیبی هم توضیح دهید یا اینکه این جنگها را هم باید به دست فراموشی سپرد؟
اما ما تا کی باید در خماریه تاریخ معاصر از قلم شما باشیم؟ آخر هرچه بر سر ما آمده است در این 400 سال آمده است.
با تشکر.

نویسنده: توحید

پنجشنبه 2 آبان1387 ساعت: 13:49

فرازهایی از پروتکل یهود (8) :
....

1- ما باید تمام جنگ ابزارهایی که مخالفانمان ممکن است علیه‌مان بکار گیرند، در اختیار داشته باشیم. ضمناً باید پیچیده ترین واژه های حقوقی را از میان کتب قانونگذاری بیرون بکشیم تا به هنگام داوری و قضا از آنها استفاده کنیم. البته این واژه‌ها ممکن است ناموجه و غیرعادلانه جلوه کنند ولی برای آنکه چنین وضعی پیش نیاید، باید از قبل چارەجویی کنیم بدین‌معنی، واژه‌های پیچیده را در قالب عباراتی زیبا بیان کنیم تا اصولی اخلاقی، عالی، متعالی و معقول جلوه کنند.

2-کادر رهبری جامعه ما باید خود رابا تمام مظاهر تمدن که به موقع بکار آیند، مجهز کند. کادر رهبری باید عواملی چون روزنامه نگاران، وکلای مدافع ورزیده، سیاستمداران کار کشته، مدیران برجسته و خلاصه افرادی که در مدارس ویژه از تعلیم و تربیتی عالی برخوردار بوده اند، در اختیار داشته باشد. چنین افرادی با ساخت اجتماعی جوامع)) جامعه شناسی))، انسان شناسی، و همه زبانهایی که با الفبای سیاست ساخته شده‌اند، باید آشنا باشند. وانگهی این افراد باید با تمام مسایل حساس جامعه ای که در آن نقشهایی بازی می‌کنند، آشنا گردند. منظور از مسایل حساس، تمایلات، علایق، نارسایی‌ها و نقاط ضعف مردم غیریهودی و نیز شرایط محیط زندگی آنها است. نیازی به گفتن نیست که معاونان و مشاوران کادر رهبری از میان غیریهودیان انتخاب نخواهند شد. غیریهودیان که عادت دارند رییس و مدیر بشوند، خود را در مسایل مربوط به مدیریت به زحمت نمی‌اندازند و هدف را از وسیله تمیز نمی‌دهند و معمولا\" نامه ها را بدون آنکه بخوانند امضاء می‌کنند و پست و مقام ریاست و مدیریت را یا به منظور گرفتن دستمزد احراز می‌کنند و یا به خاطر ارضاء جاه طلبی‌هایشان.

نویسنده: توحید

پنجشنبه 2 آبان1387 ساعت: 13:50

3- دولت ما تمام اقتصاددانان جهان را به خدمت خود درمی‌آورد. به علاوه آموزش اصول و مبانی اقتصاد به یهودیان نشانگر اهمیتی است که ما برای علم اقتصاد قائلیم. دولت ما از مشورت بانکداران، صاحبان صنایع سرمایه داران و میلیونرها برخوردار خواهد بود و همه چیز به زبان ارقام و اعداد بیان خواهد شد.

4- تا زمانی که نتوانیم مشاغل دولتی را به برادران یهودی‌مان بسپاریم، ناگزیریم افرادی را از میان غیریهودی برای تصدی

مشاغل دولتی انتخاب کنیم. البته این افراد را زیرنظر می‌گیریم و آنها را کاملا" از مردم جدا نگه می‌داریم چنانچه این افراد از اجرای دستورات ما سرپیچی کنند، به مجازاتهای سنگین و احتمالا" اعدام محکوم خواهند شد. غرض از اعمال چنین سختگیری‌هایی آن است که این افراد تا آخرین قطره خونشان ازمنافع ما دفاع کنند.

نویسنده: اتفاق

پنجشنبه 2 آبان1387 ساعت: 19:13

*** اطلاعیهٔ مهم ***

سیلی دومی برای باستان پرستان و خفتی بزرگ برای ایران شناسان :

بعد از « کشف » نیمه تمام بودن تخت جمشید ، توسط آقای پورپیرار ، هنگام « کشف » نیمه تمام بودن « طاق بستان » ، این اشرافی ترین و فانتزی ترین یادبود دوران اصطلاحا ساسانیان فرا رسیده است !

مقاله برآورده ام با عنوان « پشت پرده های محوطهٔ طاق بستان کرمانشاه ؟! » که در آن ، طی 101 صفحهٔ A4 ، و با ارائهٔ 278 عکس ، اثبات نموده ام :

1. طاق های موجود در محوطهٔ طاق بستان ، نیمه تمام و نیمه ساخت هستند ؛

2. کتیبه های اصطلاحا ساسانی موجود در محوطهٔ طاق بستان ، مشکوک ، و به نظر جعلی و نوکنده اند ؛

3. بر کل محوطهٔ طاق بستان ، سایهٔ هلنیسم گسترده است .

***

توضیحات :

الف) اگر زاویهٔ ورود به مباحث تاریخ ایران ، در مجموعهٔ « تأملی در بنیان تاریخ ایران » ، که در آن ، آنچنان بحث پوریم و عواقب آن مطرح نبود را « نوع اول بیان » بدانیم ، و زاویهٔ ورود به مباحث ، در مجموعه یادداشت های « آشنائی با ادله و ... » ، که با محوریت پوریم و عواقب آن پرداخته می شود را « نوع دوم بیان » مسأله بینداریم ، مقالهٔ مورد بحث ، حد میانهٔ این دو نوع بیان است ، بطوریکه چه کسی به پوریم باور داشته باشد و چه نداشته باشد :
-) نمی تواند به جائی از این مقاله ایراد بگیرد .
-) به یک اندازه تحت تأثیر این مقاله قرار خواهد گرفت .
بزرگ ترین حسن این طرز بیان جدید ، در آن است که کسی نمی تواند با طرح مداخل بعدی ، سخن از تناقض گوئی در میان آوردم و بگوید شما در فلان جا ، فلان مطلب را قبول داشتید اما اینک آنرا رد می کنید و ... ؛ سخن سستی که ناآشنایان به روش تحقیق آقای پورپیرار بسیار آنرا بر زبان می آورند .

ب) این مقاله ، اولین مقالهٔ منتشر شدهٔ مکتب بنیان اندیشی می باشد که در فرمت آکادمیک تدوین گشته است . (تا ببینیم باز هم کسانی بهانه پیدا می کنند قبول نکردن حقائق را به گردن فرمت غیر آکادمیک آثار بیندازند ؟!)

***

اگر نسخهٔ کاغذی یا الکترونیکی مقاله را دریافت نکرده اید ، به نشانی زیر مکاتبه نمائید :

Nounvalghalam@Gmail.Com

***

جزئیات بیشتر پیرامون این مقاله را در آدرس زیر بخوانید :

http://WWW.Ekhbar.Blogfa.Com/post-2.aspx

***

آیا مستندی حول طاق بستان ، بر اساس یافته های مقالۀ بالا ، در راه نخواهد بود ؟

نویسنده: اترش

پنجشنبه 2 آبان1387 ساعت: 20:59

سلام استاد
سه سوال داشتم که بهتر دیدم اینجا مطرح کنم چون جواب های شما می تواند برای بقیه هم مفید باشد
- خواندن چه کتاب ها و دیدن فیلم هایی را توصیه می کنید
اگر ممکن است لیستی از کتاب ها و فیلم هایی که تاثیرگذار و مفید اند ,در هر زمینه ایی فهرست کنید
- چند سال است به این دروغ ها و جعلیات پی برده اید. از چه زمانی مبارزه تان را شروع کردید
- از آنجایی که مطالب وب لاگ بسیار زیاد است و مطالعه آن و پی گیریشان از اول وقت گیر است, دانستن کدام مطالب و شماره ها را در اولویت قرار می دهید. چون مثلا دوستان خود من که تازه وارد این مباحث شده اند, فقط تختگاه هیچکس را دیده اند, حال پله پله بالا آمدن را ندارند و در کل بشر امروزی زیادی تنبل شده, نیاز به شدت عمل بیشتری هست
- (سوال الحاقی) این شیوه سوال پرسیدن وسوسه ام می کند در خواست مصاحبه و گپی دوستانه از شما بکنم (اگرچه برای هیچ خبرگزاری ایی کار نمی کنم و در کل از خبرنگاری هیچ سررشته ندارم) وقت و فرصت چنین کاری را دارید؟ مایلید؟

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 2 آبان1387 ساعت: 23:49

آقای اترش. از نظر من مطالعه ی تمام یادداشت ها و هرکدام به دلیلی، لازم است. مدت هاست سراغ سینما نرفته ام و کتابی در حوزه ی مطالب انسانی نمی شناسم که به خواندن اش بیارزد. داستان بخوانید آسان تر محیط اجتماعی را خواهید شناخت تا تحقیقات دانشگاهی را مطالعه کنید. از انتشار این نوشته ها هشت سال تمام می گذرد. هر وقت که بخواهید به شرط این که از قبل خبر دهید ممکن است.

آقای دهقانی. حتی سطری از تاریخ اسلام موجود صحت ندارد و قابل اعتنا نیست. برای ورود به تاریخ معاصر باید مدتی دیگر حوصله کنید.

آقای اتفاق. خسته نباشید.

نویسنده: reza71

جمعه 3 آبان1387 ساعت: 20:19

تحریف آیین مسیح در گذر تاریخ http://asriran.com/fa/pages/?cid=55114
مسلمانان غالباً از انجیل به عنوان کتابی آسمانی که بر حضرت مسیح نازل شد یاد می کنند، اما مسیحیان وجود کتابی را که بر حضرت مسیح نازل شده باشد انکار می کنند. انجیل های کنونی کتاب هایی است که مسیحیان اولیه در مورد زندگانی مسیح به نگارش در آورده اند.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 3 آبان1387 ساعت: 20:10

آقای reza71. تاریخ نگارش تورات و انجیل های کنونی بسیار جدید است. خنده دار این جاست که یهودیان در این تورات های تازه یهوه را وادار کرده اند تا تمام بین النهرین را به آن ها ببخشد و به همین دلیل مسیحیان ناگزیر راهی اروپا شده اند!!!

اقای پیوسته حذف. ظاهرا تمام دوستان و دشمنان به علت آن حادثه ی مولمه اعتصاب کرده اند. ضمنا آدمی که دندان های اش به اندازه ای خراب است که کار را به این جا می کشاند، نباید آش دهن سوزی باشد؟!!

نویسنده: اتفاق

جمعه 3 آبان1387 ساعت: 23:39

با عرض ادب و احترام خدمت آقای پورپیرار و آرزوی توفیقات الهی برای مشارالیه و جملهٔ دوستان

آقای جامعه شناس
روال من این بوده که مقالهٔ « پشت پرده های محوطهٔ طاق بستان کرمانشاه ؟! » را خدمت تمامی دوستانی که ایمیلشان را داشتم ارسال کنم . لذا خواهشمند است عدم ارسال مقاله برای حضرت عالی را به حساب قابل ندانستن (آنطور که فرموده اید) نگذارید . مقاله دقائقی پیش خدمتتان ارسال شد .

آقای بی نام
چنانچه صبح تلفنی نیز عرض کردم ، مقالهٔ « پشت پرده های محوطهٔ طاق بستان کرمانشاه ؟! » به ایمیل حضرت عالی دیروز ارسال شده بود . لیکن من باب اطمینان بیشتر ، مجددا امشب نیز آنرا ارسال نمودم .

و

آقایان م . امام ، Manofseven، Sh . Bashiri ، توحید ، Nepton_84 و ح . احدپور :
حسب الامری که فرموده بودید ، مقالهٔ « پشت پرده های محوطهٔ طاق بستان کرمانشاه ؟! » خدمتتان ارسال گشت .

***

در آخر از همهٔ دوستان استدعاء دارد ، نظرات و انتقادات بدون تعارف و بی رحمانهٔ خویش را از من دریغ نفرمایند .

نویسنده: badrreza

شنبه 4 آبان1387 ساعت: 0:6

جناب عابدی
با سلام. لطفا ایمیلتان را چک بفرمایید.

نویسنده: هیوا ایزدی

شنبه 4 آبان1387 ساعت: 1:6

استاد با سلام

این مطلب را ببینید:

sid=1808&file=article&name=News&http://www.islahweb.org/html/modules.php?op=modload
در ضمن لطفا به صفحه ی اول سایت مراجعه کنید و نظری بر مرامنامه و اساسنامه بیاندازید.(دنیای سیاست عجب معجونی است نه!!!)

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 4 آبان1387 ساعت: 0:56

آقای ایزدی. حرف های تکراری که دیگر به لج بازی شبیه است. ضمنا در این که نوع انسان از نظر فیزیکی میلیون ها سال سابقه ی زیستی بر زمین دارد، خلافی نیست.

آقای حذف. تصویر دومی قطعا رتوش است و اولی هم به علت سه امضای یکسان اندکی محل تردید است که البته تاثیری بر اصل قضیه ندارد. چه قدر به تو پیشنهاد کردم دندان پزشکی بخوان و گوش نکردی. حالا آن یکی که از دست رفت ولی هنوز فرصت داری تا دندان پزشک قابل و عاقبت به خیری شوی.

نویسنده: دادا

شنبه 4 آبان1387 ساعت: 1:57

سلام حضور استاد و دوستان!

خسته نباشید آقای اتفاق, مقاله کامل و خوبی بود. استاد از این که حرکت شما در مسیر خودش اینچنین جوشان است غیلی مسرورم, یا حق.

رخصت استاد.

نویسنده: عدنان

شنبه 4 آبان1387 ساعت: 8:1

سلام علیکم
آقای جامعه شناس کامنتهای شما در مورد زنان کاملا بجا و ستودنیست چنانچه حضار گرامی رعایت احرام را داشته باشند

نویسنده: بی نام

شنبه 4 آبان1387 ساعت: 8:5

جناب اتفاق سلام علیکم

این بار رسید.لطف فرمودید.

نویسنده: روشن

شنبه 4 آبان1387 ساعت: 9:23

جناب اقای اتفاق با سلام از ارسال مقاله تان کمال تشکر را دارم انشا.. سر فرصت مطالعه خواهم کرد واگر سئوالی پیش امد از خدمتتان خواهم پرسید با تشکر

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 4 آبان1387 ساعت: 10:11

آقای تا ابد حذف. نام برده را ظاهرا برخی از دوستان خیلی خوب می شناسند، رجوع بفرمایید. گرچه تمام پزشکان محرم مریضان اند، اما پزشک زنان از همه بیش تر، ولی زمانی که دعواهای خانگی شروع شود حتی پزشک زنان نیز ممکن است نتواند جلوی زبان اش را بگیرد و موجب جدایی شود. به تاریخ آن نامه توجه نکرده بودم که ضریب بی اعتمادی به آن را بالا تر می برد. چون در آن زمان اگر قرار بود دختران دبیرستانی نامه ای به مقامی بنویسند تقاضایی معکوس متن این نامه را می

فرستادند!!! به نظر شما آیا دندان پزشکان می توانند در حنجره هم اثر بگذارند؟!!
شابات شاد.

نویسنده: فاطیما

شنبه 4 آبان1387 ساعت: 14:48

سلام اقای پورپیرا
من راجع مطلبی که سال گذشته در مورد تخت جمشید گذاشته بودین در یکی از فروم های ایرانی بحث کردم و مطلب شما رو اونجا قرار دادم گویا خیلی ها سوالاتی
براشون پیش اومده من نمی تونم خیلی تخصصی پاسخ اونها رو بدم اگه لطف کنید
و من رو در این راه همراهی کنید

وب سایت

نویسنده: ترابی

شنبه 4 آبان1387 ساعت: 15:32

سخنان جناب جامعه شناس از آن جهت که مبتنی بر فطرت انسانهاست ؛ یعنی زن و مرد را از زاویه فطری آنها مورد مداقه قرار میدهد ؛ بسیار منطقی و قابل قبول است.
منتظر کامنتهای دیگر ایشان هستیم.
جناب آقای پورپیرار تاریخی که شما بیان میکنید دارای پیوستگی و منطبق بر واقعیات است نه افسانه هائی که تا به حال شنیده و یا خوانده بودیم . اما در مواردی با معدودی از نظراتتان به طور کامل موافق نیستم و اگر اذنی باشد و مجالی ، به تدریج در محضرتان مطرح خواهم نمود.
به هر تقدیر هم اینک ، مستند تختگاه هیچکس و کتابهای تاملی بر بنیان تاریخ ایران، بینظیرترین مستنداتی هستند که در عمرم دیده ام .

نویسنده: اس

شنبه 4 آبان1387 ساعت: 15:39

با سلام
از دوستان محترم خواهشمندم لطف بفرمایند و مرا راهنمایی کنند که فایلهای مقاله ساسانیان را با چه برنامه ای مشاهده کنم!؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 4 آبان1387 ساعت: 16:32

آقای کمال. لینکی که فرستاده بودید مطالب آقای جامعه شناس را تایید می کرد اگر سهم آن خانم را هم ملحوظ می کردید.

آقا یا خانم فاطمیا. سئوالات تان را در همین صفحه طرح کنید.

آقای اس. مدخل ساسانیان در وب نیست، سه جلد کتاب است با نام ساسانیان 1 و 2 و 3.

آقای ترابی. ممنون. ایراد ها را هم ارائه دهید.

نویسنده: جامعه شناس

شنبه 4 آبان1387 ساعت: 20:6

با سلامی گرم خدمت استاد و برادران و خواهران بنیان اندیش و همچنین عزیزانی که با پیام های گرم خود این حقیر سراپا تقصیر را نواخته اند،باید به عرض برسانم که اگر خدا خواست و استاد نیز صلاح دانستند و رخصت دادند،طی روزهای آتی باز در خدمت خواهیم بود.نمی خواهم دائم و پشت سر هم در وبلاگ باشکوه حق و صبر جنجال راه بیندازم و فکر کردم اگر بگذارم مدتی آرامش برقرار شود بهتر باشد.

این سوت و کوری و گوشه نشستن کنونی من،آرامش قبل از طوفان است!!!

نویسنده: فاطیما

یکشنبه 5 آبان1387 ساعت: 0:30

سوالات بچه ها رو اینجا قرار میدم
1-خب این آقا با این همه مدرک چرا نمیره به سازمان های علمی این مدرک رو نشون بده؟
2-خانم فاطمه یک کم توضیح بدید در مورد کتیبه ها چی گفته .
کتیبه ها اگر به طور منظم نشان دهنده یک دوران طولانی زندگی در این مکان نباشد اما نشان دهنده وجود زندگی و حکومت در این مکان است .
قدمت کتیبه ها نیز از طرف باستان شناسان بی طرف ایرانی و خارجی تایید شده و حتی بسیار از این سنگها به خارج کشور قاچاق شده اند و در موزه های معتبر نگهداری می شوند .
توضیح ایشان به این قضیه دقیقا چیه
3-اگه تمدنی به این عظمت نبوده یا به گفته ای قلابی باشه . پس چرا در اطراف پاسارگاد تو حفاری ها یه روستا پیدا کردن که متصل به تمدن هخامنشیان هست. و فعلا با نبود امکانات روی آن رو پوشاندند تا بعد.
اگه تخت جمشید کلک یهودیان باشه پس این روستا چی ؟؟؟؟
خواهش می کنم یه خورده زودتر جوابها رو برام بفرستید البته اگه واسه شما مشکلی نیست واسم ایمیل کنید البته این ای دی من در یاهو هم هست البته هر جور شما راحترین بنده حقیر هم راحت ترم راستی من خانم هستم

وب سایت

نویسنده: اتفاق

یکشنبه 5 آبان1387 ساعت: 1:45

با سلام خدمت استاد و تمامی دوستان

آقای K . Habibi ، ب 1 ، A .Pakyar و خانم Hajizadeh ، مقاله خدمتتان ارسال شد .

آقای Nepton_84 ، مقاله در فرمت PDF است و با نرم افزار Acrobat باز می شود .

نویسنده: بابک

یکشنبه 5 آبان1387 ساعت: 10:45

جناب اتفاق
مقاله را به ایمیل اینجانب نیز ارسال فرمایید.

نویسنده: هومن

یکشنبه 5 آبان1387 ساعت: 0:41

سلام استاد

یادمه یه بابایی تو یه فیلم گفت "اونقدر احمقانست که به نظر منطقی می یاد"
که فکر کنم حکایت محفل یهود پرستان باشه

حکایت ما هم فکر کنم این باشه "اونقدر منطقییست که به نظر احمقانه می یاد"
فکر کنم یه فکری برای iq فریب خوردگان باید کرد
متشکرم

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 5 آبان1387 ساعت: 0:29

خانم و یا آقای فاطمیا. رد و بدل کردن این سئوال و جواب ها بی حاصل است. به هر یک از این دوستان تان نسخه ای از مستند تختگاه هیچ کس را بدهید تا ببینند. اگر مجاب شدند پس پاسخ خود را گرفته اند، در غیر این صورت سر به سرشان نگذارید و اجازه دهید با توهمات خود خوش باشند.

نویسنده: علیرضا

یکشنبه 5 آبان1387 ساعت: 1:58

قیافه این محمد علی رامین که بحثهای ضدیت با یهود رو تو دنیا مطرح میکنه خیلی شبیه یهودیهاست. کسی میتونه در این مورد نظری بده؟

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

یکشنبه 5 آبان1387 ساعت: 2:24

با سلام.
آقا و یا خانم فاطیما.
من در مرود تاریخ ایران به صورت رو در رو بسیار بحث و گفتگو کرده ام. طبق تجربه چند نکته را برایتان توضیح می دهم باشد که گره گشا باشد.
1. تا زمانی که مجموعه یادداشتهای استاد را (چه کتاب و چه مقالات اینترنتی) به صورت تمام و کمال نخوانده اید هرگز, هرگز و هرگز با کسی وارد بحث نشوید. مطمئن باشید که نوشته های استاد چنان قدرت اطلاعاتی به شما خواهد داد که هر بنی بشری جلوی شما زانو میزند.
2. در آغاز بحث خود را بی طرف نشان دهید و به حالت سوالی بحث را آغاز کنید. شاید این موضع گیری از نظر استاد ایراد داشته باشد. اما افرادی که با شما بحث میکنند خود را در مورد تاریخ علامه ی دهر می دانند و سعی می کنند شما را با تمسخر, به بی ریشگی, بی عقلی, ضد ایران بودن و ... متهم کنند که ممکن است باعث عقب نشینی شما شود. پس با این شگرد شما انرژی منفی آنها را به راحتی دفع می کنید.
3. آنها به صورت شدیدی مورد بمباران دوروغ قرار گرفته اند. پس در آغاز بحث و تا مدت ها فقط و فقط از مستند و تخت جمشید بگویید. به هیچ وجه خود را وارد تاریخ کامل ایران نکنید که به قول معروف جمع کردنش کار سختی است. مطمئن باشید که آنها از هر دری وارد میشوند که به شما بفهمانند که از تاریخ هیچ نمی دانید. اما قضیه نا تمام بودن تخت جمشید امری نیست که بتوان از زیر آن فرار کرد کرد. از آثار نا تمام این بنا عکس تهیه کنید.(امید وارم که با کمک آقای اتفاق بتوانیم مجموعه

عکس بی نظیر و با کیفیت بالا از آثار نا تمام تخت جمشید تهیه و بر روی بک وبلاگ قرار دهیم تا ابزاری قدرت مند در اختار دوستان باشد) و خواهید دید که مخالفانتان از فرط تهی دستی گاهی اوقات به عقل و چشم خود نیز توهین میکنند. آنگاه شما یک شکم سیر خواهید خندید.

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

یکشنبه 5 آبان1387 ساعت: 2:26

4. کسانی هستند که می گویند این آقا دروغگو است. من هم با آنها هم آوا می شوم و می گویم که درست می گویید. من هم مثل شما هیچ کدام از حرفهای این آقا را قبول ندارد به جز اینکه تخت جمشید یک بنای نیمه کاره است و این هم به این دلیل است که با چشم خود دیده ام. آنگاه گویی که آب خنکی را بر جگر این باستان پرستان ریخته باشم نفسی از رضایت میکشند که: خوب شد که بالاخره این دهقانی هم به اشتباه خود پی برد و به راه راست برگشت. اما نمیدانند که با قبول نیمه تمام بودن این بنا, طبقه ی زیرین بنای تاریخ ایران را خراب کرده اند و باید واژگونی تمام آن را نظاره گر شوند.
از سایر دوستان هم می خواهم که اگر تجربه ای در این زمینه دارند در اختیار دیگران قرار دهند.
البته با پوزش از استاد و سایر دوستان

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

یکشنبه 5 آبان1387 ساعت: 2:27

استاد بساط عجیب و غریبی برای ما تدارک دیده اند.

نویسنده: اتفاق

یکشنبه 5 آبان1387 ساعت: 15:21

*** اطلاعیهٔ مهم ***

سیلی دومی برای باستان پرستان و خفتی بزرگ برای ایران شناسان :

بعد از « کشف » نیمه تمام بودن تخت جمشید ، توسط آقای پورپیرار ، هنگام « کشف » نیمه تمام بودن « طاق بستان » ، این اشرافی ترین و فانتزی ترین یادبود دوران اصطلاحا ساسانیان فرا رسیده است !

مقاله برآورده ام با عنوان « پشت پرده های محوطهٔ طاق بستان کرمانشاه ؟! » که در آن ، طی 101 صفحهٔ A4 ، و با ارائهٔ 278 عکس ، اثبات نموده ام :

1. طاق های موجود در محوطهٔ طاق بستان ، نیمه تمام و نیمه ساخت هستند ؛

2. کتیبه های اصطلاحا ساسانی موجود در محوطهٔ طاق بستان ، مشکوک ، و به نظر جعلی و نوکنده اند ؛

3. بر کل محوطهٔ طاق بستان ، سایهٔ هلنیسم گسترده است .

***

توضیحات :

الف) اگر زاویهٔ ورود به مباحث تاریخ ایران ، در مجموعهٔ « تأملی در بنیان تاریخ ایران » ، که در آن ، آنچنان بحث پوریم و عواقب آن مطرح نبود را « نوع اول بیان » بدانیم ، و زاویهٔ ورود به مباحث ، در مجموعه یادداشت های « آشنائی با ادله و ... » ، که با محوریت پوریم و عواقب آن پرداخته می شود را « نوع دوم بیان » مسأله بینداریم ، مقالهٔ مورد بحث ، حد میانهٔ این دو نوع بیان است ، بطوریکه چه کسی به پوریم باور داشته باشد و چه نداشته باشد :

-) نمی تواند به جائی از این مقاله ایراد بگیرد .
-) به یک اندازه تحت تأثیر این مقاله قرار خواهد گرفت .
بزرگ ترین حسن این طرز بیان جدید ، در آن است که کسی نمی تواند با طرح مداخل بعدی ، سخن از تناقض گوئی در میان آوردم و بگوید شما در فلان جا ، فلان مطلب را قبول داشتید اما اینک آنرا رد می کنید و ... ؛ سخن سستی که ناآشنایان به روش تحقیق آقای پورپیرار بسیار آنرا بر زبان می آورند .

ب) این مقاله ، اولین مقالهٔ منتشر شدهٔ مکتب بنیان اندیشی می باشد که در فرمت آکادمیک تدوین گشته است . (تا ببینیم باز هم کسانی بهانه پیدا می کنند قبول نکردن حقائق را به گردن فرمت غیر آکادمیک آثار بیندازند **؟!**)

***

اگر نسخهٔ کاغذی یا الکترونیکی مقاله را دریافت نکرده اید ، به نشانی زیر مکاتبه نمائید :

Nounvalghalam@Gmail.Com

***

جزئیات بیشتر پیرامون این مقاله را در آدرس زیر بخوانید :

http://WWW.Ekhbar.Blogfa.Com/post-2.aspx

***

آیا مستندی حول طاق بستان ، بر اساس یافته های مقالهٔ بالا ، در راه نخواهد بود ؟

نویسنده: رهگذر...

یکشنبه 5 آبان1387 ساعت: 16:20

با سلام خدمت آقای اتفاق و عرض خسته نباشید
می خواستم بدانم مقاله شما به چه فرمتی میباشد**؟!**چون کامپیوتر من مقاله را نمی شناسد و هیچ برنامه ای قادر به نشان دادن آن نیست**!**
لطفا راهنمایی بفرمایید چگونه مقاله را مطالعه نمایم
با تشکر

نویسنده: توحید

یکشنبه 5 آبان1387 ساعت: 18:28

توحید

سلام استاد ،
مقاله جالبي بود ، واقعا استفاده لازم رو برديم .
استاد واقعا كار اين خا خام ها خنده داره ، ولي نه ديگه تا اين حد كه از خنده رو زمين ولو شيد **!** بخصوص اينكه شما سال هاست با حماقتهاي اين قوم آشنا هستيد . خدا از سر اين خاخام هاي كودن نگذره كه اين بساط رو چيدند ، اگه خداي نا كرده براي شما اتفاقي مي افتاد و باعث به خطر افتادن سلامتي تون مي شد – از فرط خنده – هيچ وقت خاخام ها رو نمي بخشيديم**!**
البته شك ندارم با ساختن چنين بساطي از ته دل به حماقت عوام الناس مي خنديدند ، غافل از اينكه در طرف ديگر اين بنيان انديشان هستند كه به حماقت اونها مي خندند .
شاد وپيروز باشيد

نویسنده: reza

یکشنبه 5 آبان1387 ساعت: 21:1

با سلام به استاد و همه دوستان.
با نظر آقای دهقانی کاملا موافقم. این بهترین تاکتیک وشبیخون به انبار آکنده از دروغ است. من نیز چنین تجربه ای داشتم. بدون موضع گیری خاصی به نفع نظرات استاد با نشان دادن مستند و چندین عکس به آنها فهماندم که تخت جمشید نیمه کاره است.
تخت جمشید = ستون باستان شناسی سراسر دروغ ایران

نویسنده: آلتین

یکشنبه 5 آبان1387 ساعت: 22:57

می گویید چکار کنیم ؟ راه حل بگویید . در برابر این کلیسا ها و کنیسه ها دست به چه کاری بزنیم؟

نویسنده: آلتین

یکشنبه 5 آبان1387 ساعت: 23:14

آقای پورپیرار جواب دهید. چه خاکی بر سر خود بریزیم تا فعالیت های این خدا نشناس ها را خنثی کنیم.آذربایجان از بی هویتی خود دارد به خاک سیاه می شیند
می توانم بگویم حدودا 2000 نفر پیرو زرتشتی در تبریز داریم و دارند تبلیغات عظیمی می کنند. چه کنیم؟ چه کنیم؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 5 آبان1387 ساعت: 22:43

آقای توحید. نگران نباشید خنده سلامتی می آورد به خصوص هنگامی که به ریش صاحب منصبان فرهنگی غرب و دانشگاه ها و دانشمندانی باشد که کتیبه ی قلابی ساسانی حک می کنند و معبد عاریتی بودیستی می سازند**!!!**

آقای آلتین. آن ها تبلیغ می کنند و پول می ریزند، آذربایجانیان نیز باید همان راه را بروند. زیرا مراکز فرهنگی موجود به جریان رشد انگل وار این جماعات حتی کمک نیز می رسانند و وزارت ارشاد گرچه اجازه ی انتشار اسلام و شمشیر را نمی دهد، اما کتاب مقایسه ی اوستا و قرآن، که به سود اوستا تدوین شده را روی سر و چشم می گذارد.

آقای حذف. بالاخره مردم خیال باف شاید هم که خود را به امیدهایی بسته بودند که دود شده است. آمد و رفت و قهر و استقبال این و آن نیز محرک و یا مانع ادامه ی این مباحث نیست.

آقای هیوا ایزدی. فقط همین مانده است بگویند از اندونزی ها هم وجوهاتی می رسد.

آقای علی رضا. با قیافه ی این آقا از چه طریق می توان آشنا شد؟

نویسنده: هومن

دوشنبه 6 آبان1387 ساعت: 0:32

زرتشتیان:
اینان قومی میبودی کهن (به جان هخا)
از ایین اهورایی اویزان شددندی
زرتشت از کهن کلام زردتشک(زرد + تشک) زاییده بید
ابن اسکول در بوکی کهن در باب این قوم فضله بر اندام کاغذ پهن بکردی:
چون اینان از اضطراب بی هویتی در رنج بودی شبها حالی به تشک بدادی (و گلاب به روتون تشک رو به گند می کشیدند) از این سو تشک اینان همواره زرد می بودی ....

تا اینکه عمو اخورا نامی افتاد(هرجا بوی ... امدندی عمو اخورا در ان مکان مانند فضله افتادندی)و زرشکیان(از ان باب مردم نهند که همیشه در دعوت خود با بیلخ مواجه شدندی)را اغوش گرفتندی و دو کانی زدندی که شاعری در بکرد
خان با خام شود خاخام * کان با کان شود دوکان
بسبب این وصلت برکت فضله فوزون امدندید و از اضافات ان شیره ای تهیه و بر سر پیروان جدید بمالیدی....
برگرفته از کتاب سیر تکاملی فضله

استاد عزیز این رو برای التین جون فی البداهه گفتم که کمی اتیشش بخوابه خاک بر سر اون کسی که بیافته دنبال ایین اینها...همو بهتر که برن با محارم ازدواج کنند
پس هر وقت یکی از اینها رو دیدیم که به هیچ صراتی مستقیم نمیشه توصیه میشه
زنجیر سیفون رو بکشید وبرید دنبال کار خودتون وبزارید که تو کثافت خودش غرق بشه
خواهشا بدون سانسور چاپ شود
اقای اتفاق بیر دونیا ممنون
شب بخیر

نویسنده: reza71

دوشنبه 6 آبان1387 ساعت: 2:4

عکس آقای محمد علی رامین
http://tinypic.com/4htkwew.jpg
http://i20.tinypic.com/yexeg.jpg
http://www.fardanews.com/files/fa/news/1386/8/30/6965_707.jpg
http://www.mehrnews.ir/mehr_media/image/2005/12/167235_orig.jpg

نویسنده: اتفاق

دوشنبه 6 آبان1387 ساعت: 2:15

سلام آقای پورپیرار

آقای Farid، T . Qaraxan و بابک ، مقاله خدمتتان ارسال شد .

آقای رهگذر ، مقاله در فرمت PDF است و با نرم افزار Acrobat باز می شود .

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 6 آبان1387 ساعت: 1:29

آقای reza71. ممنون، ولی حرف های اش را از کجا باید برداشت و یا شنید؟

نویسنده: اتفاق

دوشنبه 6 آبان1387 ساعت: 10:25

دوستان عزیز

سلام علیکم . وقت شما بخیر
احتراماً :
به عقیدۀ راقم ، از رهگذر قرائت یادداشت هائی که آقای پورپیرار راجع به اندونزی می نویسند ، وظیفه ای بر دوش تک تک ما

سنگینی می کند ، و آن ، لزوم آگاه سازی برادرانمان در اندونزی نسبت به دسائس خبیثانهٔ سران کلیسا و کنیسه است . به گمانم ارسال نامه ای مصور ، به پیوست مستند « تختگاه هیچ کس ؟! » برای سفیر اندونزی در ایران ، جدای از اینکه مطالب و حقائق را بپذیرند یا نه ، از آنجا که وظیفهٔ ما « ابلاغ » است ، حداقل کاری باشد که باید انجام دهیم ؛ و به گمانم اگر یادداشت های آقای پورپیرار راجع به آن سرزمین ، در قالب یک « سفرنامه » چاپ گردد ، بسیار سودمند خواهد بود ، که کم ترین فائدهٔ آن این است که اگر در آیندهٔ سرزمین اندونزی ، پورپیراری درخشید ، دست خالی نخواهد ماند .

ان ارید الا الاصلح ما استطعت و ما توفیقی الا بالله
علیه توکلت و الیه انیب

نویسنده: بابك

دوشنبه 6 آبان1387 ساعت: 10:37

جناب اتفاق
مقاله را دریافت کردم. بی نهایت ممنون
بابک

نویسنده: توحید

دوشنبه 6 آبان1387 ساعت: 8:55

با سلام
استاد پورپیرار ! سلامتی و صحت شما آرزوی ماست تا ما را بیشتر با این جعلها و دروغ های بی شرمانه آشنا کنید و باعث رسوایی کنیسه و کلیسا شوید . دیر نیست آنروز که ما به ریش آنها بخندیم و آنها را به میز محاکمه بکشانیم .
شاد و تندرست باشید .

....

پروتکل یهود برای تسلط بر جهان (9) :

1- کلماتی چون آزادی، برابری و برادری در واقع اسمهای مستعاری هستند که فراماسونرهای ما آنها را بکار می‌برند. هنگامی که حکومت شاهنشاهی ما آغاز گشت این کلمات را از صورت استعاری بودن بیرون آورده و به صورت عباراتی ایده آلی چون حق آزادی، وظیفه برابری و آرمان برادری درمی‌آوریم. بدین معنی ما غلطترین کار را انجام می‌دهیم و به اصطلاح « با شاخ گاو درمی‌افتیم».

2-هرگونه قانونی را عملا\" از بین می‌بریم و تنها آنهایی را که خوب باشند، حفظ می‌کنیم. امروزه اگر دولتی علیه ما اعتراض کند بنا به تشخیص ما شاید هم بعید نباشد حتی اگر مبارزه علیه سامی‌گرایی را شروع کند، این مبارزه لازم و ضروری به نظر می‌رسد. زیرا نسل آینده ما را آماده کارزار می‌کند.

3- کسی نمی‌رود تحقیق بکند که در مدرسه فلان روستا چه مطالبی تدریس می‌شود، ولی به محض آنکه مردم ما از زبان یکی از مأموران سیاسی دولت یا رهبر مملکت مطلبی را شنیدند، نه تنها آن را درسراسر کشور خویش بلکه آن را به تمام مردم جهان می‌رسانند.

4- برای جلوگیری از نابودی بی‌موقع موسسات و سازمانهای غیریهودی، اهرمها و فنرهایی که گردش کار این سازمانها را تنظیم می‌کنند، تعبیه کرده‌ایم و با دقت و ظرافت هر چه تمام آنها را کار گذاشته ایم. « سیاست آزادی عمل» که نظم و هماهنگی را ازسازمانها و موسسات می‌گیرد، درموقع لزوم به جای اهرمهای تنظیم کننده، پیاده می‌کنیم. به بیان دیگر، به درون سیستم مدیریت، قانونگذاری، انتخابات، و نیز مطبوعات و آزادی‌های شخصی و از همه مهمتر سیستم تعلیم و تربیت این جوامع دست برده ایم و « فلسفه آزادی» را رواج داده ایم.

وب سایت

نویسنده: توحید

دوشنبه 6 آبان1387 ساعت: 8:59

5-- ما جوانان مسیحی را در دریایی از افکارشاعرانه غرق می‌کنیم و آنها را براساس تئوری‌ها و اصولی که آنها را غلط می‌پنداریم، تربیت می‌کنیم تا بتوانیم آنان را به فساد بکشانیم.

6- بدون آنکه قوانین را از اساس عوض کنیم، آنها را به تعبیر و تفسیرهای متناقض تبدیل می‌کنیم تا آنچه از این تعبیر و تفسیرها حاصل می‌شود، به صورت نتایج چشمگیری جلوه کند. البته چنین نتایج چشمگیری باعث می‌شوند، که چهره واقعی قوانین، در پس این تعبیر و تفسیرها مخفی بماند و کارگزاران دولتی نتوانند اصل قوانین را که در شبکه درهم و برهمی از سیستم قانونگذاری محصور گشته اند، از تعابیر و تفاسیر تفکيك كنند.

7- اعمال روش بالا را ما « تئوری تفویض اختیار» می‌نامیم.

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 6 آبان1387 ساعت: 13:4

آقای رحمانی. با تشکر کامل، محموله ی شما رسید و عینا تحویل استاد غفوری شد، که این روزها دیدن ایشان از لوازم زندگی شده است!!! ماجرا را می توانید از خودشان بپرسید.

آقای اتفاق. در باب یادداشت های اندونزی مناسب تر این که منتظر پایان آن ها بمانیم. ضمنا مرسوله ی صد صفحه ای شما نیز رسید و موجب امتنان فراوان شد.

آقای حذف. آن صفحه از هیچ طریقی باز نشد. اصل آشنایی با ایشان از طریق معرفی آقای علی رضا در کامنت روز یک شنبه انجام شده بود.

آقای توحید. ممنونم. رسیدن به آرمان مورد نظر، که حساب کشی از تفرقه اندازان در دین اسلام و دروغ پردازان در تاریخ و تمدن سرزمین های اسلامی است، به تعویض نمایندگان اورشلیم در حکومت ها با مردم آگاه و دل سوز است.

نویسنده: sadegh

دوشنبه 6 آبان1387 ساعت: 17:0

با سلام خدمت استاد گرامی وتمامی دوستان ودشمنان

استاد گرامی به گمانم این لینکها را طلب کرده بودید .

http://shirva.blogspot.com/2007/03/blog-post_12.html

/http://maramin.ir/blog

/wEPDwUJNzUyI

نظر شما

ایران شناسی 183

ایران شناسی بدون دروغ، 183، دیدار از اندونزی، 6 - 51 نظر

نویسنده: علیرضا

دوشنبه 6 آبان1387 ساعت: 22:54

آقای پورپیرار با در نظر گرفتن این آیه چه نتیجه ای میتونیم بگیریم

احزاب 36
هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش امری را لازم بدانند، اختیاری (در برابر فرمان خدا) داشته باشد;
و هر کس نافرمانی خدا و رسولش را کند، به گمراهی آشکاری گرفتار شده است!

نویسنده: مریم

سه شنبه 7 آبان1387 ساعت: 0:44

و یک سوال درباره زبور
«و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحین. به درستی که در زبور، پس از ذکر، قید شده است که زمین را به میراث بندگان صالح خواهیم سپرد». (انبیاء، ۱۰۵)

از آیه معلومه که زبور بصورت یک ذکر بوده که در انتهای این ذکر عبارت فوق درج شده.
و بعد این آیه, آیه ای به صورت زیر ظاهر میشه

در این، ابلاغ روشنی است برای جمعیت عبادت‌کنندگان!

یعنی اگه بخوایم با این دو تا آیه معنای ذبور رو استخراج کنیم, به نظر میاد ذکری بوده که برای پرستش و نزدیکی به خدا از خدا به داود داده شده و در انتهای این ذکر گفته شده که زمین که زمین را به میراث بندگان صالح خواهیم سپرد
و با توجه به اینکه کلمه ذکر به کار برده شده پس باید نتیجه گرفت که زبور فقط یک ذکر بوده

آیه به نظر شما این استنباط از آیه صحیح به نظر میرسه یا نه؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 7 آبان1387 ساعت: 9:4

خانم مریم و آقای علیرضا. قبل از این که هوا سرد شود و خدای نکرده از سوز باد گزنده ی قم رنجور شوید، سراغ مفسرین بزرگوار بروید زیارتی بکنید مشکل تان را بپرسید و ارشاد شوید.

نویسنده: دفتر رفع شبهات - قم

سه شنبه 7 آبان1387 ساعت: 13:7

محقق محترم
آقای ناصر پورپیرار

تعداد افرادی که با توصیه مستقیم و غیر مستقیم شما به این دفتر مراجعه می کنند باعث افزایش غیرقابل کنترل مراجعین شده است که مشکلاتی برای این دفتر تولید کرده است. علاوه بر مشکل فوق, افراد ارسال شده توسط شما بسیار لجوجند و با دلایل ما قانع نمی شوند. گرچه وظیفه ما رفع شبهات است ولی شما هم باید انصاف داشته باشید. لطفاً خود شما راه حلی برای مشکلات فوق پیش پای ما بگذارید.

دفتر رفع شبهات
قم

نویسنده: اتفاق

سه شنبه 7 آبان1387 ساعت: 14:19

* سلام آقای پورپیرار
قریب 1 ماه پیش به کامنت گذاری ، بدون درج کامنت او (به این دلیل که احتمالا خصوصی بوده) چنین پاسخ داده بودید : « آقای دوست . ایشان چند کتاب مفید دیگر هم از جمله در رد شخصیت و دیوان حافظ نوشته اند که قابل استفاده است . » این نویسنده کیست که در رد حافظ کتاب دارد و نام کتابش چیست ؟ مشتاق تهیه و قرائت آنم اگر لطف فرموده و راهنمائی ام کنید .

* سلام آقای مهدي – مهدي
آیا کتاب های « تضاد مفاتیح الجنان با آیات قرآن » و « دعاي ندبه و خرافات آن » نوشتهٔ آیت الله برقعي قمي هم اینک هم در بازار موجود است ؟ امکان دارد در مورد ناشر و سال چاپ و احیانا تلفن مرکز پخش مرا یاری کنید ؟

* برای خنده : رادیو شیراز برنامه ای دارد به نام تاریخ فارس . امروز داشت از تاریخ شیراز در عصر دیلمیان می گفت و می گفت شیراز در آن عصر دارای " بارو " نبوده . بعد ادامه داد و گفت شیراز در عصر دیلمیان دارای 8 " دروازه " بوده که محل 6 تای آن دقیقا مشخص است و موضع 2 تای دیگر پیدا نیست ! از این جک تر می توان مطلبی را در بوق رادیو جار زد ؟ آیا این آقایان نمی دانند شهری که بارو ندارد نمی تواند دروازه داشته باشد !!!

نویسنده: ساسان

سه شنبه 7 آبان1387 ساعت: 15:8

بواسطه تحقیقات نیکوی استاد پروفوسور دکتر شجاع الدین شفا آشکار گشته می باشد که ناصر پورپیران از حکومت تازی نانیکوی اندونزی و مالزی مقدار بسیار زیاد فراوانی پول دریافت نموده میباشد تا مثلا اثبات بگرداند که مردم اندونزی و مالزیا از اول مسلمان بوده می باشند و هرگز هندو نبوده میباشند! شوربختانه وی در ضمنا در صدد میباشد با کمک یک دشمن نژاد نیکوی آریایی دیگر یعنی غفوری فیلمی نانیکو تهیه بگرداند تا مثلا اثبات بگرداند که معابد هندو هم ناتمام میباشند! اما شیرین بختانه این مطالب نانیکو را هیچ دانشگاهی قبول نمی گرداند و این فیلمهای نانیکو را هیچ کس مشاهده نمی گرداند.

وب سایت

نویسنده: ساسان

سه شنبه 7 آبان1387 ساعت: 15:25

این مطالب نیکو را بنده الان برای استاد ایران زوالفرنین نبشتم که برای برملا نمودن دشمنی دشمنان نژاد نیکوی آریایی در اینجا نیز می نگارم:
در ضمنا استاد ایران از اینکه بر اساس خاهش بنده حقیر آدرس الان قبرهای تخت جمشید نیکوی ما را در تارنگار عالیقدر خویشتن نبشتید سپاس میدارم. بنده تصمیم میدارم به تخت جمشید بروم و این قبرها را از نزدیک مشاهده بگردانم و عکس گیری

بنمایم چونکه پورپیران می نبیسد که اشمیت عالیمقام و گرانجایگاه و بقیه یهودیان این قبرها را از بین ببردند و این قبرها الان وجود نمیدارند!!!! بیچاره پورپیران آگاهی نمیدارد اگر این قبرها الان وجود نمی دارند پس استاد ایران ما چگونه از آنها عکس گیری نموده می باشد؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟ در ضمنا استاد ایران پراکنش چه معنی میدارد؟؟

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 7 آبان1387 ساعت: 14:28

آقای اتفاق. آن کتاب از آقای برقعی و به حافظ شکن معروف است. ضمنا در عهد دیلمیان که نمی دانیم چرا از شیراز سر درآورده اند، برای فریب دشمن باروها را در زیر زمین و دروازه ها را روی زمین می ساختند. با توضیحات رادیو شیراز شاید دو عدد از دروازه ها را هم زیر زمینی ساخته باشند.

آقای ساسان. نانیکوتر از دانشگاه های شما یافتن نشده است.

نویسنده: مهدي - مهدي

سه شنبه 7 آبان1387 ساعت: 16:1

آقاي پورپيرار

خسته نباشيد. خداوند در مواردي مانند ذكر منافع چهارپايان و نعمات دريايي، به استفاده زينتي آنها اشاره دارد ("...وهو الذي سخر البحر لتاكلوا منه لحما طريا وتستخرجوا منه حليه تلبسونها..."نحل/16 "...من كل تاكلون لحما طريا وتستخرجون حليه تلبسونها..."فاطر/35). آيا استفاده از چيزي به عنوان زينت نوعي بهره مندي از زيبايي آن چيز نيست؟ نظر بنده اين است كه كارايي در درجه اول اهميت قراردارد و در درجه دوم لوازم حيات بهتر است زيبا "هم" باشد ولي صرف زيبا بودنِ چيزي توجيه رفتار عاجزانه در مقابل آن نيست.

ارادتمند
مهدي

نویسنده: مهدي - مهدي

سه شنبه 7 آبان1387 ساعت: 16:17

آقاي اتفاق

گرچه در صفحه اول نسخه الكترونيكي كتاب «تضاد مفاتيح الجنان با آيات قرآن» سال انتشار آن كتاب را سال 1387 نوشته است ولي بنده از انتشار يا عدم انتشار نسخه كاغذي آن اطلاعي ندارم. مي توانيد نسخه الكترونيكي كتب مورد اشاره و ديگر كتب آيت الله برقعي را (مجموعاً 12 كتاب) از آدرس زير دريافت كنيد:

http://www.aqeedeh.com/ebook/list_book.php?wriID=30

با احترام
مهدي

نویسنده: انجمن دانا

سه شنبه 7 آبان1387 ساعت: 17:2

دوست دانشمند و گرامی با اجازه شما ما از این به بعد قصد داریم مطلب های شما را در وب لاک خود قرار دهیم و برای آشنائی بیشتر جامعه از حقایق تاریخی انها را به وب لاک شما ارجاع دهیم امید است در این کار بسیار دشوار موفق باشید ما نیز مثل شما منکر این خرافات هستیم

وب سایت

نویسنده: reza71

سه شنبه 7 آبان1387 ساعت: 17:45

احمدي نژاد در حال نشان دادن شناسنامه اش .
http://i38.tinypic.com/2jepzeq.jpg
براي اينكه نشان بده توي تمام انتخابات شركت كرده و صد البته چيز ديگه ايي كه كشف شد اين بود كه گويا طبق شنيده ها فاميلي ايشان قبل از احمدي نژاد چيز ديگري بوده كه به احمدي نژاد تغيير يافته و در شناسنامه قسمت سمت چپ نوشته شده و در عكس معلوم هست.
البته در سايت ويكي پديا مطلبي نوشته كه خيلي جالب هست .
محمود سبورجيان در ۶ آبان سال ۱۳۳۵ در روستاي آرادان گرمسار به دنيا آمد. به گفته وي پدرش آهنگر بود و هفت فرزند داشت. محمود سبورجيان، كه چهارمين فرزند خانواده است، به همراه خانواده در سن يك سالگي به علت بهبود وضع اقتصادي از آن شهرستان به تهران آمده و ساكن تهران شدند و در طي اين سفر نام خانوادگيشان از سبورجيان به احمدي نژاد تغيير پيدا ميكند.
بالاخره هيچكس هم نفهميد چي به چي شد ولي اينطوري كه معلومه آقاي احمدي نژاد از وقتي كه به تهران اومد فاميلش احمدي نژاد شده و در گذشته چيز ديگري بوده. (طبق نوشته هاي ويكي پدياي انگليسي)
http://en.wikipedi a.org/wiki/ Ahmadinejad

نویسنده: توحيد

سه شنبه 7 آبان1387 ساعت: 18:26

با سلام
جناب آقاي اتفاق ، ضمن تشكر از ارسال مقاله با ارزشتان ، كتاب «حافظ چه مي گويد» مرحوم احمد كسروي را برايتان ايميل كردم ، كتاب نسبتا مفيدي است . اميدوارم كه استفاده لازم را ببريد .
در ضمن در لينك زير مي توانيد كتاب هاي «تضاد مفاتيح الجنان و قرآن» و «خرافات دعاي ندبه» را دانلود كنيد :

http://www.aqeedeh.com/ebook/list_book.php?catID=11

البته احتمالا بايد از فيلتر شكن استفاده كنيد :

اين هم فيلتر شكن :

http://www.footballiscool.com

در ضمن فاتحه اي هم در آخر نثار روح آيت الله برقعي ، اين بزرگمرد مومن ،قرائت كنيد ان شاالله خداوند ايشان و علامه عسگري و چنين علماي متعهدي را افزون كند .
با تشكر

نویسنده: ناصر پورپيرار

سه شنبه 7 آبان1387 ساعت: 17:52

آقایreza71. آن شناس نامه از تغییر نام فامیل حکایت می کند، اما نام پیشین مسلما سبورچیان خوانده نمی شود. معلوم نیست ویکی پدیا این اطلاعات را از کجا برداشته است؟

انجمن دانا. دشمنان نواندیشی برای خاموش و بی اثر کردن این تحقیقات، دیوانه وار به هر مستمسکی متوسل می شوند و تبلیغات برای پایدار نگهداشتن دروغ های پیشین، صورتی بی مهار به خود گرفته است: انواع فیلم ها، مصاحبه ها، سمینارها، نشست های داخلی و خارجی، برنامه های رادیو و تلویزیونی و... بنیان اندیشان گرچه فعلا جز عرصه ی وب و تبلیغ نفر به نفر راه گشوده و تریبونی در مقابل ندارند، اما به لطف خداوند جامعه را به خود متوجه کرده اند.

آقای مهدی - مهدی. استفاده ی زینتی از اشیاء با بحث کلی در موضوع زیبایی و هدف دیدن آن، کم و بیش متفاوت است. در واقع آیات مورد نظر شما شرح اند، نه امر و یا نهی. اما از آن که هر دو رفرنس شما به قرآن نادرست بود، خواستم از سر مزاح بپرسم مبادا شما هم در خانه از آن قرآن های قدیمی مخصوص دارید که آیه های آن در جای خود قرار ندارد؟!!!

نویسنده: اتفاق

سه شنبه 7 آبان1387 ساعت: 21:40

آقای مهدي - مهدي
و
آقای توحید
از مراحمتان سپاسگزارم .

نویسنده: علوی1

چهارشنبه 8 آبان1387 ساعت: 3:32

یک عده از علمای شیعه براین باورند که تشیع قبل از رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم وجود داشته و همه ی انبیا مأموریت داشته اند تا مردم را به ولایت علی و اولاد او دعوت کنند، از جمله ی کسانی که قایل به این نظریه هستند عبارتند از: ملاباقرمجلسی، محمد بن یعقوب کلینی، نوری طبرسی، هاشم بحرانی، محمدبن حسن بن حرعاملی، هادی طهرانی، محمدبن حسن صفار و محمدبن علی ملقب به صدوق. کلینی از ابوالحسن روایت کرده که گفته است: " ولایة علی مکتوبة فی جمیع صحف الانبیاء و لن یبعث الله رسولا إلا بنبوة محمد-صلی الله علیه وآله- و وصیة علی علیه السلام" - ولایت علی در صحیفه های همه ی انبیا نوشته شده است و هیچ پیامبری را خداوند مبعوث نکرده است مگر اینکه از و به نبوت محمد صلی الله علیه وآله و وصی بودن علی علیه السلام اقرار گرفته است [1] هادی طهرانی (یکی از آیات و مراجع روافض) می گوید: " روایات دلالت براین دارند که هر پیامبری مأموریت داشته است تا به ولایت علی مردم را دعوت دهد و علاوه از آن، ولایت علی برهمه ی اشیا نیز عرضه و پیشنهاد شده است، " فما قبل صلح و ما لم یقبل فسد" - هر چیزی که ولایت علی را پذیرفته است ارزش پیدا کرده و هر چیزی که نپذیرفته از ارزش افتاده است-!؟[2] بنا به اعتقادات این دسته از علما، گویا اشیای بی زبان و غیر مکلف هم مأمور به اقرار به ولایت علی بوده اند و صلاحیت و ارزش و فساد آنها، به پذیرش و عدم پذیرش ولایت علی وابسته گردیده است، یعنی مثلا اگر آب گندیده شد و قابل استفاده نبود گویا منکر ولایت علی گردیده است .

نویسنده: علوی2

چهارشنبه 8 آبان1387 ساعت: 3:34

سؤال اینجاست که اگر چنین چیزی در صحف انبیاء وجود داشته است چرا غیر از این علما سایر انسانها و حتی اهل کتاب، از آن هیچ گونه آگاهی و یا شناختی ندارند و آن را وانمود نکرده اند چرا این علما ی در این باره مدرکی از تورات و یا انجیل و یا صحف انبیاء ارائه نمی دهند؟، و اگر بگویند آنها همه تحریف شده اند، پس مراجع از کجا فهمیده اند که ولایت علی در همه ی صحیفه ها نوشته بوده است؟!، امتانی که هزاران سال قبل از حضرت علی می زیسته اند، ولایت و امارت حضرت علی چه ربطی به آنان داشته است!!؟، چرا در قرآن کریم که در برگیرنده ی مطالب عمده و اساسی دعوت انبیاء و صحف و کتب آسمانی است، در آیاتی که از سرگذشت و دعوت انبیا سخن میگوید، ذکری از ولایت علی به میان نیامده و در همه ی قرآن از امامت علی و اولاد او نامی برده نشده است؟.

نویسنده: علوی3

چهارشنبه 8 آبان1387 ساعت: 3:36

قرآن کریم در بیان دعوت انبیاء فرموده است: (وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِکَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِی إِلَیْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ) -(انبیاء 25) ما پیش از تو هیچ پیغمبری را نفرستاده ایم مگراینکه به او وحی کرده ایم که معبودی جز من نیست، پس فقط مرا پرستش کنید- و همچنین فرموده است: (وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِی کُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اُعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ..) - (نحل36) ما به میان هر ملتی پیغمبری را فرستاده ایم - و محتوای دعوت همه پیامبران این بوده است - که خدا را بپرستید و از طاغوت دوری کنید.. - ، قرآن کریم که محتوای دعوت انبیا را به وضوح بیان کرده است، چنین مطلبی را که پیامبری امت خویش را به ولایت علی فراخوانده باشد، بیان نکرده است؛ پس مشخص می شود که چنین چیزی هرگز وجود نداشته است و پیامبران مأمور به این کار نبوده اند بلکه مأ موریت آنان دعوت به سوی توحید بوده و آنان هم این وظیفه ی خویش را بنا به شهادت قرآن به نحو احسن انجام داده اند؛ لذا این گفته ی روافض که : تشیع قبل از رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم وجود داشته و همه ی انبیاء مأمور به تبلیغ آن بوده اند، ادعایی بیش نیست که باهدف زیر سؤال بردن اسلام و مسلمانان، این ادعا از طرف دسیسه گران مطرح گردیده است، بطلان این نظریه اظهر من الشمس است و قرآن، مدرک جاوید و زنده ایست بر بطلان آن. برخی دیگر از شیعیان بر این باورند که خود رسول خدا صلی الله علیه وسلم تشیع را به وجود آورده و شیعه در زمان پیامبر اکرم پدیدار گشته است

نویسنده: علوی4

چهارشنبه 8 آبان1387 ساعت: 3:37

و بعضی از صحابه در زمان حیات رسول خدا طرفدار حضرت علی بوده اند، چنانچه سعد بن عبدالله قمی می گوید: "فاول الفرق الشیعة و هی فرقة علی بن ابی طالب المسمون شیعة علی فی زمان النبی صلی الله علیه وسلم و بعده، معروفون بانقطاعهم الیه و القول بامامته، منهم المقداد بن الاسود الکندی و سلمان الفارسی و ابوذر جندب بن جنادة الغفاری و عمار بن یاسر المذحجی..و هم اول من سموا باسم التشیع من هذه الامة"- نخستین گروه شیعه، عبارتند از: گروه علی بن ابی طالب که در زمان رسول خداصلی الله علیه وسلم و همچنین بعد از ایشان به شیعه ی علی نامیده می شدند، آنان معروف و شناخته شده بودند به اینکه از دیگران بریده و یکسره با علی همنشین و هم صحبت اند و قایل به امامت او هستند، از جمله ی آنان: مقدادبن اسود کندی، سلمان فارسی، ابوذر جندب بن جناده غفاری و عمار بن یاسر مذحجی، بودند ، اینان نخستین کسانی از این امت بودند که به اسم تشیع نامیده شدند -. [3] محمد حسین آل کاشف الغطا - متوفی 1373هجری قمری- می گوید: " ان اول من وضع بذرة التشیع فی حقل الاسلام هو نفس صاحب الشریعة؛ یعنی ان بذرة التشیع وضعت فی بذرة الاسلام جنبا الی جنب و سواء بسواء و لم یزل غارسها یتعاهدها بالسقی والرّی حتی نمت و ازدهرت فی حیاته ثم اثمرت بعد وفاته" - نخستین کسی که تخم تشیع را در مزرعه و کشتزار اسلام افشانده خود صاحب شریعت بوده است؛ یعنی اینکه تخم تشیع در کنار تخم اسلام و موازی و برابر با آن قرار داده شده است

نویسنده: مجتبی غفوری

چهارشنبه 8 آبان1387 ساعت: 4:6

با سلام
جناب رحمانی عزیز با تشکر فراوان محموله جنابعالی بزودی در یکی از بهترین مجراهای ممکن استفاده خواهد شد.

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 8 آبان1387 ساعت: 5:28

آقای علوی. برای رفع برخی از شبهات محکم تر بود همین تاریخچه را در باب پیدایش تسنن و دیگر فرق نیز عرضه می کردید، تا معلوم شود که مثلا کتب صحیح از کجا و چه زمانی است؟!! مگر به گمان شما میان فرقه های اسلامی موجود اصولا تفاوتی است؟!!

دوستان دفتر رفع شبهات. برخی از مراجعین هنگام ارائه ی سئوال درصددند از نظر یک توده ای در باب آیات قرآن با خبر شوند و دریافت شان را به رفقای توده ای خود بدهند تا شاید روزی به کارشان آید. از آن جا که چنین ظنی در باب آن دفتر رفیع

الجايگاه محتمل نيست، زحمت افزا می شوم. برخی ديگر را نيز که برای تسنن گريبان می درند به دست بوس می فرستم تا علاوه به دريافت پاسخ سئوال از ديگر ارشادات به طور همه جانبه برخوردار شوند.

نويسنده: تازه مسلمان

چهارشنبه 8 آبان1387 ساعت: 7:53

آيا نبودن آياتی راجع به کلمات دقت يا دقيق در قران ، نشانه عدم نياز به اين صفت در مومنين است؟

نويسنده: مهدي - مهدي

چهارشنبه 8 آبان1387 ساعت: 9:26

جناب آقاي پورپيرار
مورخ تيزبين

در كامنت پيشين بنده از سر بي دقتي شماره سوره را به جاي شماره آيه درج كرده ام كه شماره درست آنها به ترتيب 14 و 12 است. خوشبختانه از آن قرآن ها ندارم!

ارادتمند
مهدي

نويسنده: هيوا ايزدی

چهارشنبه 8 آبان1387 ساعت: 14:24

توليد جنجالي جنين مركب از انسان و حيوان در انگليس

http://www.iranbar.org/pt13108.php#1922

نويسنده: علوی

چهارشنبه 8 آبان1387 ساعت: 15:19

با سلام جناب آقای پور پيرار
همچنانکه مستحضريد هر دين و مذهبی بر اصولی بنا گرديده که اين اصول نزد قاطبه ی مسلمين (اهل سنت)سه اصل (توحيد و نبوت و معاد) است و هر سه اصل دارای مستند قرانی است و قبول يا رد تمام احاديث کوچکترين تاثيری در اين اصول نخواهد داشت در مورد ساير مسائل مطروحه که فروع ناميده می شود قبض و بسط در اين زمينه وجود دارد و اساس پيدايش مذاهب فقهی اين مسائل است و اعتقاد يا رد آنها کسی را از دين خارج نمی کند و بطور کلی اظهار نظر در مسايل فقهی نسبی است يعنی هر شخصی می تواند پس از کسب معلومات اوليه مسائل فقهی را خود يا با استفاده از نظرات موجود فقهی مذاهب حل نمايد و پيروی از مذاهب فقهی مانند شافعی و حنفی و غيره در ميان اهل سنت بر کسی واجب نيست .
اما نزد شيعيان دو اصل امامت و عدل وجود دارد که مستند به آيات قرانی نيست و همچنانکه قبلا مطرح شد شماری زيادی از مشاهير شيعه اين نيز گذشته و امامت را بر امت های پيشين نيز واجب کرده اند !
رد احاديث موجب نابودی ارکان تشيع و فلسفه ی وجودی آن خواهد شد اما اين مسئله در مورد سنيان صدق نخواهد کرد .
همچنانکه انکار تاريخ موجود واز جمله انکار موجوديت خلفای راشدين حداکثر چند شخصيت تاريخی را از سنيان خواهد گرفت اما انکار علی و پسران وی هستی تشيع را برباد خواهد داد .
در خاتمه علاقه مند به بحث در اين موضوع با شما هستم هدف بنده نيز نه مجادله مذهبی بلکه نجات اسلام از فرقه بازی و پاک کردن آن از غبار شرک و مرده پرستی است .

نويسنده: دهقانی (از شيراز)

چهارشنبه 8 آبان1387 ساعت: 15:26

با سلام.
کامنت دفتر رفع شبهات قم جالب بود. خدا رو شاکر باشید که مدیر مسئول تخت جمشید نیستید.
همین روزها کامنت سازمان میراث فرهنگی و از جمله بخش مربوط به تخت گاه هیچ کس رو هم توی نظرات وبلاگ خواهیم دید.
اگر دفتر رفع شبهات, با دلایل و مدارک غالبا ذهنی طرف حساب است, مسئولین تخت جمشید در گل مانده اند که با این همه در و دیوار نا تمام که جلوی عیون مبارکشان است چه بکنند.

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 8 آبان1387 ساعت: 15:55

آقای علوی. برای برچیدن بساط اختلافات مذهبی از میان مسلمانان و مفاخره ی قومی از بین مردم منطقه، ساده ترین راه ورود به بنیان و مبدا' این گونه تفاریق است. گفت و گو بر سر مضمون و کاربرد وجوه موجود فقه و جست و جوی غنا و یا ضعف معانی در میان آن ها فرعی است بر این اصل نخست که آغاز و نیز آغازگران این تولیدات را بشناسیم. می پرسم کدام مقدم تر است، این دریافت که تشیع و تسنن در کلیات خود از چه زمان ظهور کرده اند و یا کشاکش بر سر رد و یا صحت این و آن حدیث؟ مثلا اگر ابتدا معلوم کنیم در قرن دوم هجری امکان تولید کتاب برای مالک و یا هرکس دیگر بوده است یانه، آن گاه پاسخ دریافت شده و مورد وثوق همگان ممکن است ما را به این نتیجه ی تعیین کننده برساند که بازیچه ی جاعلان شده ایم و بر سر موهومات و منافع دیگران جنگیده ایم و مسئله با از دست دادن و یا ندادن عمر و علی حل و فصل نخواهد شد. در این باب به خصوص توجه را به ادامه ی یادداشت های اندونزی جلب می کنم. من با شما کاملا موافقم که گوینده ی لااله الله که به روز جزا و رسالت پیامبر معتقد باشد، بر اساس آیات قرآن مسلمان است، ولی از این تذکر قرآن نیز باخبرید که فرقه سازان در دین، کافر و مشرک اند. بدون این که این فرقه یا آن دیگری مجزا و مستثنی شده باشد. (روم، 31 و 32)

نویسنده: ادموندو

چهارشنبه 8 آبان1387 ساعت: 14:7

نویسنده: ناصر پورپیرار چهارشنبه 8 آبان1387 ساعت: 5:28
آقای علوی. برای رفع برخی از شبهات محکم تر بود همین تاریخچه را در باب پیدایش تسنن و دیگر فرق نیز عرضه می کردید، تا معلوم شود که مثلا کتب صحیح از کجا و چه زمانی است؟!! مگر به گمان شما میان فرقه های اسلامی موجود اصولا تفاوتی است؟!!

دوستان دفتر رفع شبهات. برخی از مراجعین هنگام ارائه ی سئوال درصددند از نظر یک توده ای در باب آیات قرآن با خبر شوند و دریافت شان را به رفقای توده ای خود بدهند تا شاید روزی به کارشان آید. از آن جا که چنین ظنی در باب آن دفتر رفیع الجایگاه

با درود
رفیع الجایگاه غلطه اما مهم نیست ولی جالبه که منکر امامت علی از لفظ حضرت علی استفاده می کنه و اسم خودش را هم گذاشته است علوی!!!!!!!!!
اسمش رو به عمری تغییر داده بود منطقی تر بود.
آخه چرا بعضی ها این طوری سوتی می دهند؟

اما این ها چه ارتباطی به بندگی آدمی با خداوند صاحب قرآن دارد؟

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

چهارشنبه 8 آبان1387 ساعت: 18:37

با سلام.
http://irdc.ir/news.asp?id=2344
جشن های 2500 ساله
http://www.ganjei.com/index_files/optutorial.htm
خود آموز فارسی باستان

نویسنده: سام وان

چهارشنبه 8 آبان1387 ساعت: 20:4

جناب علوی
اتوبوس آماده حرکته .سوار شو که رفتیم.

نویسنده: فقط مسلمان

چهارشنبه 8 آبان1387 ساعت: 21:22

سلام ، من شیعه زاده ام و مدتي قبل باخرافه های تشیع آشنا شدم و به مطالعه کتب اهل سنت پرداختم و حالا با علم به خرافه ها و شبهات اهل سنت و شیعه در واقع مسلماني لامذهب!! هستم. اما مشکلي که دارم اینست که برخي اعمال روزمره مانند نماز را که قران بصورت کامل توضیح نداده ، نمیدانم که باید بشکل اهل سنت بخوانم یا شیعه و اصلا شاید هردو اینها بر باطل باشند؟
ازدوستان بنیان اندیش اگر مثل من لامذهب ! هستد آیا میتوانند مرا راهنمايي کنند؟ متاسفانه اینجا دیگر نه میتوان به قم رفت و نه مصر و حجاز چاره گشاست.

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 8 آبان1387 ساعت: 21:54

آقای سام وان. اگر چند دقیقه تامل کنید من هم خواهم آمد تا پاسخ سئوال آقای فقط مسلمان را بپرسم. چون ایشان ظاهرا اهل مسافرت نیستند!

آقای فقط مسلمان. به مهلت عمر و خواست خدا در بخش دوم اسلام و شمشیر خدمت خواهم رسید.

آقای ادموندو. رفیع المکان و رفیع المرتبه چه؟

نویسنده: بهنود(همون پرتویی)

پنجشنبه 9 آبان1387 ساعت: 0:10

سلام

این شعر از علامه برقعی(حافظ شکن)در مقابل شعری از حافظ که اینگونه شروع می شو.د است:ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی/دل بی تو به جان آمد وقت است که بگشایی......
اما شعر آقای برقعی:

۱ ـ ای خالق بی همتا دانیم که یکتایی

در ذات و صفات ذات شاهد به همه جایی

. . .

۷ ـ دائم تو توانائی نی وقت توانائی

فیض تو بود دائم هر وقت و بهر جائی

۹ ـ گربنده ی حق خواهی باشد غلط ار گوئی

رخساره بکس ننمود آنشاهد هرجائی

. . .

۱۷ـ فریاد ز این عرفان کاورده ز خود شیطان

افکار مغ و گبران هم مذهب ترسائی

۱۸ ـ برجای کلام وحی شعر آمده و دیوان

سد گشته ره قران وقتستکه بگشائی

. . .

۲۰ ـ نی مانده دگر دینی ایمانی و آئینی

توفیق رواج دین داریم تقاضائی

. . .

۲۲ـ هان برقعیا میکوش باطل ز تو شد مخدوش

توفیق نصیبت شد چون طالب عقبائی

نویسنده: ادموندو

چهارشنبه 8 آبان1387 ساعت: 21:29

شوخی بود. شما استاد این چیزا هستید.
به دل نگیرید.هر کس داستانهای شما را خوانده باشد فکر می کند دنبال تست کردن خوانندگان خود هستید. خواستم بگویم تست خوبی بود!!!!!!!!!!!!!!!!

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 9 آبان1387 ساعت: 4:12

آقای بهنود. اما هنوز بین رد موجودیت حافظ با نقد مضمون اشعارش فاصله بسیار است. نور عنایات الهی بر ارواح تمام متقدمان که به بهای تحمل رنج و توهین و تضییق از تواصوا بالحق بازنماندند، تابیده باد!

آقای ادموندو. چیستان طرح می کنید؟!!!

نویسنده: مهدی

پنجشنبه 9 آبان1387 ساعت: 13:33

این جناب ادموندو ظاهرا می خواند با هوش شرلوک هلمزی اش ؟پرده از بسیاری رازها بیندازه . بهتره با این مچ گیری ها یک وب لاگ هم شما راه بیندازید تا سوتی های موجود در comment های این وبلاگ رو کشف و در اختیار سازندگان فیلم های ماتریکسی قرار دهید تا نشان دهید که چگونه خود پورپیرار در اصل صهیونیست و یا مروج شیعه و یا چیزهای دیگری دور از اذهان غیر تیزبین می باشد.

نویسنده: اتفاق

پنجشنبه 9 آبان1387 ساعت: 14:26

آقای بهنود(همون پرتویی)
سلام
اگر برایتان مقدور است دیده ی ما را هم به داشتن این کتاب علامه برقعی (حافظ شکن) روشن کنید .

نویسنده: kaveh

پنجشنبه 9 آبان1387 ساعت: 15:24

salam aghaye poor pirar,kaveh hastam ke chand vaghte pish hozuriba ham sohbat kardim,az shiraz oomadeh boodam,be dalil inke man az hle sonnatiran hastam va albate aan ruz forsati nashod ta dar in bare sohbatkonim,ketabhayee ke bazi dustan donbalesh hastand ro man daram,lotfan weblog manro ham bebinid:http://haghighateislam.blogfa.com mamnoon misham va dust daram keba ham tabadol nazar konim,baz ham hozuran khedmattoon miresam ta nazaratetun rodarbareye aghayede .dini va tarikh eslam ke ma(ahle sonnat(be an motaghedimchist

وب سایت

نویسنده: علوی

پنجشنبه 9 آبان1387 ساعت: 16:14

با سلام
جناب استاد با فرمايشات شما موافقم اما هيچ علاقه ي به مسافرت به كوير قم ندارم !
آقاي ادموندو براساس تاريخ موجود
سنيان منكر امامت يا بهتر بگويم خلافت علي نيستند اما نه بي موقع بلكه در مرتبه رابع ! با فرض قبول اين تاريخ و قبول خلافت وي گفتن حضرت چه مشكلي ايجاد مي كند؟همچنانكه در مورد ساير ين حضرت ابوبكر و ... گفته مي شود .
نام علوي نيز ارتباطي با خليفه ي رابع ندارد !

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

پنجشنبه 9 آبان1387 ساعت: 17:18

با سلام.
مجموعه مقالاتی در نقد یهود و صهیونیست
/http://mohakeme.com/content/category/28/29
مجموعه تصاویری از فلستین
http://www.palestinetoday.org/gallery/albums.php?set_albumListPage=2
ترافیک انترنت در جهان را به صورت انلاین ببینید
http://www.akamai.com/html/technology/dataviz1.html

نویسنده: توحید

پنجشنبه 9 آبان1387 ساعت: 15:24

سلام استاد خسته نباشيد

لينك زندگي نامه آيت الله برقعي به قلم خودشان :

http://www.aqeedeh.com/ebook/view_book.php?rowID=266

خواندن اين كتاب را براي تمام بنيان انديشان مفيد مي دانم .

وب سایت

نویسنده: بهنود(همون پرتویی)

پنجشنبه 9 آبان1387 ساعت: 21:2

سلام
جناب اتفاق شما می توانید به همان آدرسی که آقای توحید نوشته اند مراجعه کنید.

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 9 آبان1387 ساعت: 22:54

آقای توحید و آقای دهقانی. ممنون.

آقای علوی. زمانی است که باید اندک اندک به عنوان دو مسلمان و فقط بر اساس متن قرآن تبادل نظر کنیم و نه دو معتقد به فرق و مذاهب گوناگون، که مثلا معلوم نیست اطلاعات مان در این باب را، که خلیفه اول و یا چهارم چه کسی بوده از کجا برداشته و چه گونه به دست آورده ایم و کدام مدرک تاریخی تایید کننده را در اختیار داریم؟!! بدین ترتیب بار دیگر بگویم که هیچ بحثی در موضوع تاریخ و ادبیات و معتقدات مذهبی جاری در منطقه ی ما به سرانجامی نخواهد رسید مگر از مبدا' بنیان شناسی به راه افتاده باشد.

آقای kaveh. چیز زیادی از آن دیدار به یاد ندارم ولی به هر حال هر زمان که اراده کنید و البته با خبر قبلی از دیدارتلان شادمان خواهم شد.

آقای هاتف. عنقریب و به شرط بقا، نوبت آن مطالب خواهد رسید.

نویسنده: هیوا ایزدی

جمعه 10 آبان1387 ساعت: 0:19

استاد با سلام
آیا با این یادداشت اخیرتان در پاسخ به آقا یا خانم علوی تلویحا نمی گویید که اساسا مسلملنان در طول تاریخ نسبت به تمام هویت خود بی قید بوده اند که حتی نام نزدیک ترین یاران رسول مکرم را در حافظه ی تاریخی خود نگه نداشته اند؟مسلمانانی که چنین دارای حافظه ی تاریخی ضعیفند چگونه توانایی حمل پیام متعالی اسلام در قرآن را داشته اند؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 10 آبان1387 ساعت: 0:4

آقای ایزدی. محقق و مورخ با فرض صحت و فخامت عمومی حافظه ی تاریخی وارد تجسس نمی شود و چنین مبنا و مدرک نایابی را برای عرضه ی نظر انتخاب نمی کند. مورخ می پرسد نخستین معرفان عمر و عثمان و غیره چه کسانی بوده اند؟ حافظه ی تاریخی؟ خیر. مولفانی چون طبری و ابن اثیر و ابن ندیم و دور تسبیحی از ابن های دیگر. آن گاه زمان تدوین و تالیف

این نوشته های تاریخی را می پرسد و سپس سئوال می کند مگر در قرون اولیه ی اسلامی تالیف کتاب تاریخ میسر بوده است؟ و چون پاسخ این سئوال به طور قطع منفی است آن گاه می خواهد بداند که اگر این اشخاص در حافظه ی تاریخی مسلمانان حضور داشته اند پس تدارک این همه عناوین و مکتوبات جاعلانه چه ضرورتی داشته و در پس این خوراک های ناپخته و مسموم چه آشپزی دست به کار بوده است؟!!

نویسنده: ترابی

جمعه 10 آبان1387 ساعت: 13:37

من هم با نظرات جناب علوی موافقم و معتقدم که اهل سنت حتی به قدر یکصدم اهل تشیع در قید و بند احادیث و روایات گیر نیافتاده اند و با حذف تمام یا قسمتی از روایات و احادیث و همینطور نادیده انگاشتن سیر تاریخ اسلام ، هیچ تغییری در نحوه مسلمانی آنان ایجاد نمیشود (اگر چنین نیست مثالی بدهید).
عمده چیزی که تشیع را از تسنن جدا میکند عقاید غیر قابل دفاع آنهاست.
عقایدی مثل:
1- عدم اعتقاد به ختم نبوت در قالب اعتقاد به نزول وحی بر امامان
2- اعتقاد به عصمت تنی چند از انسانها
3- اعتقاد به وجود کتابی برتر از قرآن به نام صحیفه فاطمه که فقط نزد امام زمان است.
4- مرده پرستی در قالب حفظ و نگهداری قبور
5- شرک در وحدانیت خدا در قالب طلب کمک از دون الله
6- رواج فحشا در قالب متعه
...

اگر از همین فردا تمام احادیث و کتابهای جعلی در تمام دنیای اسلام دور ریخته شوند و فقط بر اساس قرآن عمل شود ؛ اهل سنت در کدام شیوه و فعل کنونی اش باید تجدید نظر کند؟ (در این خصوص سیاستمداران را نادیده بگیرید)

نویسنده: توحید

جمعه 10 آبان1387 ساعت: 15:53

با سلام .

از دوستان درخواست دارم اگر ابیاتی از شاهنامه فردوسی در مورد حمله اعراب به ایران سراغ دارند (بخصوص ادامه ابیات زشیر شتر خوردن و...) در این قسمت قرار بدهند . متاسفانه شاهنامه در اختیار ندارم .

با تشکر

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 10 آبان1387 ساعت: 16:31

آقای ترابی." اگر از همین فردا تمام احادیث و کتاب های جعلی در تمام دنیای اسلام دور ریخته شوند و فقط بر اساس قرآن عمل شود" آن گاه این نام تفکیک کننده ی سنی و شناسه ی "اهل تسنن" دیگر به چه درد می خورد و اشاره به چه دارد؟!!

نویسنده: اتفاق

جمعه 10 آبان1387 ساعت: 19:30

آقای توحید
تا آنجا که من شنیده ام دو بیتی که با مطلع " ز شیر شتر خوردن و ... " آغاز می شود ، الحاقی است و حتی در اشرافی و ضد عرب و ضد اسلامی ترین شاهنامه موجود ، یعنی شاهنامه ای که به مناسبت جشن های دو هزار و پانصد ساله هم چاپ شده اثری از آنها نیست .

نویسنده: توحید

جمعه 10 آبان1387 ساعت: 20:27

آقای اتفاق . از راهنمایتان ممنونم . ولی در باره حمله اعراب چی ؟ آیا فردوسی ابیاتی در اینباره دارد ؟

۱ ۲ >>

ایران شناسی 184

ایران شناسی بدون دروغ، 184، دیدار از اندونزی، 7 - 63 نظر

نویسنده: عابدی

جمعه 10 آبان1387 ساعت: 18:48

با سلام

استاد پورپیرار خسته نباشید.

آقای توحید به این سایت مراجعه کنید. شاید مورد استفاده قرار گیرد.

http://www.persopedia.com

نویسنده: اتفاق

جمعه 10 آبان1387 ساعت: 19:40

آقای عابدی ، سلام
به مورخ 2 / 8 / 87 نامه خدمتتان ارسال نموده ام . آیا آنرا دریافت کرده اید ؟

***

آقای رضا ، سلام
به مورخ 6 / 8 / 87 نامه خدمتتان ارسال نموده ام . آیا آنرا دریافت کرده اید ؟

نویسنده: جامعه شناس

جمعه 10 آبان1387 ساعت: 20:12

سلام جناب پورپیرار
هوش از سرم بردید و وسوسه ام کردید تدارک سفر به اندونزی ببینم . انصافا که حرف دلم در مورد جوانان و زنان را در انشای شیوای شما یافتم . خدا اجرتان دهد و سایهٔ تان را از سر ما و مسلمانان کم نکند .
راستی عکس زیر نیز در حاشیهٔ سخنی که پیرامون نمازگزاران زن در اندونزی گفتید دیدنی است :
http://irapic.com/uploads/1225534482.jpg

ضمنا سؤالی هم داشتم و آن اینکه قوانین اندونزی بر چه اساسی تنظیم و تدوین شده است ؟ مثلا آیا احکام شرعی هم در آنجا اجراء می شود ؟ مثلا آیا زنا را جرم می دانند و زناکاران را حد شرعی می زنند ؟ در مورد مسکرات چه قانونی اجراء می نمایند ؟ اگر در این باب نیز تکمله ای ایراد فرمائید دستبوس خواهم بود .

نویسنده: sadegh

جمعه 10 آبان1387 ساعت: 22:48

با سلام خدمت استاد گرامی و تمامی دوستان ودشمنان

استاد گرامی بنده بعنوان شاگرد آخر کلاس شما بعلت بازیگوشی و سربه سر گذاشتن جناب میثم + + + در برخی از جلسات کلاس مبحث مربوط به توانایی نگارش به خط عربی را فراموش نموده ام در صورت امکان یادآوری بنمایید که توانایی نگارش کتاب به خط عرب در چه قرنی میسر شده ؟ و کتاب های کدام سالیان وقرون را میتوان بعد از تدقیق و تحقیق مورد قبول واعتماد قرار داد .

با تشکر فراوان

پیروز باشید

نویسنده: دادا

جمعه 10 آبان1387 ساعت: 23:8

سلا م استاد و خسته نباشید!

دست مریزاد که شاید با هزاران سخن نمی توانستم این چنین واضح مطلب به این مهمی را بیان کنم. خدا خود, شما را مورد لطف و عنایت قرار دهد.

رخصت

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 10 آبان1387 ساعت: 22:15

آقایsadegh. به سایت www.naria.ir بروید کلمه ی "پاپیروس" را جست و جو کنید و مقاله ی مربوطه را بخوانید.

آقای دادا. ممنون.

آقای جامعه شناس. به زودی نوبت پاسخ به سئوالات شما خواهد رسید.

نویسنده: علوی

جمعه 10 آبان1387 ساعت: 23:57

با سلام
جناب استاد در مورد تحدی در قران و مبنای منطقی آن اگر ممکن است راهنمایی فرمایید پرسش این است : در مسئله ی تحدی داور کیست و معیار چیست ؟
یعنی اگر کسی سوره ای بسراید چه کسی تشخیص می دهد این سوره مانند قران است یا نه ؟ چرا خداوند روش تمیز آن را بیان

نکرده ؟
لطفا آن را به آینده و یا کویر قم محول نفرمایید با تشکر و سپاس .

نویسنده: مریم

شنبه 11 آبان1387 ساعت: 0:42

آقای فقط مسلمان
این آیات سوره مزمل رو بخونید. آیات 1 و 2 و 3 و 4
به نظر من تائییدی بر این سخن آقای پورپیراره که قران بصورت حفظ شدن به دست ما رسیده. در این آیات به پیامبر و همراهانش از طرف خدا امر میشه که شب تا صبح نماز و قران بخونند
و از اینجاست که فلسفه ازبر کردن آیات قران توسط مسلمانها برای حفظ این آیات بدست میاد.
اما در مورد اینکه سنیها درست نماز میخونند یا شیعه ها, به نظر من بین نماز ایندو فرقی نیست.
آیه ای که برای سجده کردن در قران اومده رو بخونید

آیات 107 تا 110 سوره اسراء
در واقع هر نامی از نامهای خدا رو در سجده شما بیان کنید هیچ فرقی در محضر خدا نداره

اما چه خوب بود که برای برابری همه مسلمانها بعضی جزئیاتی که با هم فرق دارند, ترک کنند/

نویسنده: narialinks

شنبه 11 آبان1387 ساعت: 0:45

ناریا لینکس در خدمت بنیان اندیشان

http://narialinks.blogfa.com

وب سایت

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

شنبه 11 آبان1387 ساعت: 1:54

با سلام.
استاد خیلی خیلی با حال بود. باید چندین بار این مقاله را بخوانم. خسته نباشید.

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 11 آبان1387 ساعت: 3:44

آقای علوی. اخیرا یادداشتی با عنوان "پامنبری" در این وبلاگ نصب شد، آن را دوباره بخوانید و از یاد مبرید که تقلید از آیات قرآن بنا بر تصریح آیات الهی ناممکن است، چنان که تا امروز نیز ناممکن بوده است. اگر خلاف این معتقدید، پس منکر درستی اشارات در آیات قرآن اید. جست و جو در قرآن برای نصب سئوال بر آن، شیوه ی امثال عتیق نیشابوری است تا مسلمانان را نیازمند به انواع تفسیرات و تاویلات آن چنانی کنند.

آقای ایزدی. اگر دختر و پسری به رفتار مشترکی رضایت دهند و خانواده های آنان نیز مانعی نبینند، دیگر عنوان نامحرم بر آنان نمی توان نهاد. نخستین شرط صحت هرگونه عقدی در اسلام، رضایت طرفین معامله و ماجرا است.

نویسنده: عزت الله

شنبه 11 آبان1387 ساعت: 10:30

سلام آقای پورپیرار خسته نباشید .ممنون ازاین همه روشنگری های اخیر شما.

نویسنده: TalayTuktay

شنبه 11 آبان1387 ساعت: 12:55

با سلام خدمت استاد فرزانه، علی شریعتی زمان، دکتر ناصر پورپیرا. خسته نباشید. من باز هم آمدم و خدمت شما و همگان ارادت دارم. چندی بود سرگرم روزمرگی ها شده بودم. باز در خدمتتان هستم. وبلاگهایم را بسته ام ولی فکرم را که شما باز کرده اید نبسته ام و نمی توانم ببندم دیگر. این نفاق بین مسلمین و از بین بردن آن درد مشترک تمامی ماست و تا رسیدن به یار دیرین حق جویان، حقیقت، غریبیم و تنها یاورمان خداست.
آغریدیر یارا منی
جراح یوخ یارا منی
قوربتده کیمسه نم یوخ
یئتیرین یارا منی
با تشکر. خداحافظ شما ...

نویسنده: لیلا

شنبه 11 آبان1387 ساعت: 14:4

هوش از سرم پرید. این قلم است که شما دارید یا اندیشه ای فراتر از معجزه؟

نویسنده: توحید

شنبه 11 آبان1387 ساعت: 11:29

سلام
استاد پيرو پاسخ اخيرتان به آقاي ايزدي ، درباب ارتباط دختر و پسر، كه البته من از سوال ايشان كه شما چنين پاسخي داديد خبر ندارم ، ولي به نظر مي رسد مربوط به زنا باشد ، پس تكليف زني كه بيوه است و با پسري مجرد خواهان چنين رفتار مشتركي باشد ، از آنجا كه ديگر اختيارش در دست خودش است و نه والدين پس يعني اشكالي ندارد ؟
به نظر من كه ازدواج بايد بصورت عرفي و رسمي و يك عهد پابرجا باشد كه تنها يكي از جنبه هاي آن غريزه جنسي است .
در ضمن به نظر شما آيا والدين در اين زمينه اختيار تام فرزندان خود را دارند يا صاحب اختيار اصلي خداست ؟
در ضمن آيا تنها شرط محرميت رضايت طرفين و خانواده هاي آنهاست ؟

وب سایت

نویسنده: مارلیک

شنبه 11 آبان1387 ساعت: 15:13

سلام آقای پورپیرار

عجب جاییه این اندونزی! به قول شاهان: خوشمان آمد
میگویم شما که نتونستید اون یارو اندونزیایی رو راضی کنید که کارشون اشتباهه بیایید با راننده اتوبوس قم صحبت کرده و کمی هم از آن پولهایی که از اندونزی گرفتید رو بهش بدید (یه کم پول خرج کنید کیسه تون از تورم نترکه!) تا دوستان بعد از اینکه در قم جواب سوالاتشون رو گرفتند عازم اندونزی شوند و مردم اندونزی رو راهنمایی و ارشاد کنند شاید جواب داد البته باید اتوبوسش از نوع اتوبوسهای هخامنشی باشد یعنی اقیانوس پیما باشد هواپیما باشد همه چي پيما باشد و از همه مهمتر از پشتش دود در بیاید!! براي تبديل اتوبوس قم به اتوبوس هخامنشي با دوستان يهوديتان تماس بگيريد براي آنها كار سيم ثانيه است

نویسنده: بختیار

شنبه 11 آبان1387 ساعت: 15:19

استاد گرامی با کسب اجازه

از خواندن متن بسیار لذت بردم. باید کم کم منتظر عکس العملهای از نوع دیگر به نوشته های شما باشیم. تنها این بار باستان پرستان را مورد عنایت قرار نداده اید.

استاد سئوالی هم داشتم. آیا در مورد آموزش و پرورش در مالزی نیز سخن خواهید گفت. زبان مردم رسمی و معمولی دقیقا چیست و ریشه یابی ان حاکی از چیست. با نهایت تشکر

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 11 آبان1387 ساعت: 15:59

آقای بختیار. اندکی حوصله کنید. ضمن این که به مسائل اندونزی در حوزه ی مورد نظر باریک شده ام، نه تمام حواشی آن سرزمین.

آقای مارلیک. همگی مرا به خود شما رجوع دادند. بنا بر این هرچه صلاح می دانید انجام دهید. با این اخطار که حق و سهم مرا زیر و رو نکنید و کنار بگذارید.

آقای توحید. سئوال خصوصی آقای ایزدی مربوط با زنا نبود. مهار تمام امور به دست خداوند است و برای تعیین تکلیف در موضوع بیوگان و غیره نیز اتوبوس را به درب منزل تان می فرستم.

خانم لیلا. ممنون. به مزاح عرض کنم که قلم نیست، خودکار است!

آقای عزت الله. محبت دارید.

آقایTalayTuktay. خدا نکند از قماش علی شریعتی باستان ستا و قرآن ستیز باشم.

نویسنده: حسام الاحوازي

شنبه 11 آبان1387 ساعت: 18:30

سلام بر استاد بزرگوار جناب پورپیرار .
هر وقت به این وبلاگ سر میزنم و خوراك فكريم را مهيا ميبينم خوشحالي وصف ناشدني وجودم را فرا ميگيرد .
يك چيزي برايم جالب بود در اندونزي با اينكه نشانه هاي خدا ! يافت نمي شود اين همه مسلمان واقعي وجود دارد . ولي در ايران ما با وجود صد ها هزار نشانه خدا ! اسلام كمتر به چشم مي خورد .

نویسنده: TalayTuktay

شنبه 11 آبان1387 ساعت: 18:52

سلام استاد. خسته نباشید. منظور من از شریعتی گفتن، همان روشنگری خارق العاده تان بود که فکر کنم قیاس مع الفارق کرده ام. به هر حال ببخشید. من مطالعاتم کمه و به کنه سخنان شریعتی نیندیشیده ام تا آنوسی بودنش را بفهمم.
اما در مورد بایاتی تورکی ام. .. من که در آن بایاتی فقط تشبیه کرده بودم در پی حقیقت بودنمان را به غریب بودنمان در دیار باستان ستایان ایران که غریب مانده ایم.
آغریدیر یارا منی
جراح یوخ یارا منی
قوربتده کیمسه نم یوخ
یئتیرین یارا منی

با تشکر و خسته نباشید.

نویسنده: مجتبی

شنبه 11 آبان1387 ساعت: 17:57

سلام جناب استاد بر حسب تصادف از گه لاگ ناریا 2 گذشتم مطلب جالبی در آن بود که به خودشان نیز با نصب این کامنت اطلاع دادم.
توجه کنید که در این وبلاگ میان پیام ساعت 9 صبح روز پنج شنبه نهم آبان تا ساعت 3 بعد از ظهر روز شنبه 11 آبان، یعنی به فاصله ی 54 ساعت هیچ پیام تایید کننده ای نیامده است. این یعنی صاحب وبلاگ در این مدت احتمالا به خاطر مسافرت فرصت نکرده است تا به نام این و آن از خودش تمجید کند!!!؟

نویسنده: آلتین

شنبه 11 آبان1387 ساعت: 19:3

آقای پورپیرار یکی از کتاب های شما (پلی بر گذشته گذشته) را به طور اتفاقی در یکی از کتاب فروشی های تبریز دیدم خیلی خوشحال شدم چون در تهران نتوانستم پیدا کنم. و یک ماشا الله هم بگویید تا این اندونزیایی ها چشم نخورند. و لطفا بگویید که با جعلی سازی بابک خرمدین چه کسی سود می برد اگر جواب نمی دهید لااقل یک لینکی بگذارید!

نویسنده: رضا

شنبه 11 آبان1387 ساعت: 19:46

جناب اتفاق سلام
ایمیلی از جانب شما دریافت نشده است

نویسنده: توحید

شنبه 11 آبان1387 ساعت: 16:31

استاد ، سفر قم تنها نصيب من نشده بود که اينبار قرعه به نام من افتاد ! 

از مزاح گذشته ، مطلب اخيرتون يكي از بهترين و مفيد ترين مطالب ايرانشناسي بوده .

واقعا قلم ، مداد ، خودكار ، كيبرد يا ...... بي نظيري داريد

نویسنده: توحید

شنبه 11 آبان1387 ساعت: 18:46

استاد يك سوال

قبلا در مورد انجام ترجمه اي از قرآن از جانب شما صحبت شد و گفتيد ان شاء الله سر فرصت ، بنده عقيده دارم چنين كاري بس ضروري است و قول بدهيد پس از اتمام مبحث اسلام و شمشير 2 اولين اقداماتان همين كار باشد ، هر چند فكر نمي كنم اجازه انتشار چنين قرآني را به شما بدهند ولي در قالب وبلاگ چنين كاري را انجام دهيد و تا در آخر قابل پرينت باشد .

قبول داريد كه ترجمه قرآن بايد تحت اللفظي باشد ؟

چند سوال ديگر :

1- بي ربط ترين ترجمه اي را كه برخورده ايد مربوط به كدام آيه از قرآن و از سوي چه كسي بوده است ؟

2- ترجمه کدام آیه شما را بیشتر از بقیه خشمگین کرده است ؟

لطفا اگر امکان دارد به این دو سوال آخر سر فرصت پاسخ بدهید .

با تشکر

نویسنده: بی نام

شنبه 11 آبان1387 ساعت: 22:51

استاد عزیز جناب اقای پور پیرار سلام علیکم وخسته نباشید
قدر مسلم در اندونزی با مردم حشر ونشر از سر تحقیق داشتید,با دقت نظری که نسبت به شناخت ریب وریادر شما سراغ داریم
آیا هیچ متوجه این مسئله نشدید که مردم مسمان اندونزی خداورسول خدا ودین خدا را وجه الضمان تمنیات روزمره خود قرار دهند؟
آیا متوجه نشدید که امام جماعت انها برای جلب مسلمان نمازگزارشعار اول نماز بعدا" نیاز را سر دهندوسودا گرانه واجب دینی را ابلاغ؟
وآیافکر می کنید اگر مردم اندونزی نیز دارای شهدا وجانبازان وآزادگان و...می بودندمجاهدین فی سبیل ا....رادرصد بندی (درجه بتدی)می کردند تا هم سنگ درجه اعطایی بر خوردار ازامتیاز و مواهب دنیا شوند ؟
ویطور کلی ایا مسلمانانی به سبک وسیاق ما "بوق بزن برو جلو"بودند یا از قماشی مرغوب تر؟
بی شک اگر چنین چیزهایی را ندید آنچه در باره زنان انها می فرمایید صحیح است, وزنان انجا باید با زنان جامعه ما تومانی صد تومان فرق داشته باشندو ماسک ریا به صورت نزنند وچاک به بالا و به پایین نگشایند وپستی بلندی جاذب به رقابت عرضه نفرمایند و....
استثنا را به اثبات قاعده منظور فرمایید.

نویسنده: رضا

یکشنبه 12 آبان1387 ساعت: 8:24

جناب اتفاق ، نامه شما را دریافت نمودم و از متن محکم و متین آن بهره مند و مشعوف شدم. از الطاف شما متشکرم.

وب سایت

نویسنده: رضا

یکشنبه 12 آبان1387 ساعت: 8:25

با سلام خدمت استاد محترم و دیگر دوستان ، سلامت فکری و دینی زنان و مردان در اندونزی جای تامل بسیاری دارد.تا آنجائیکه من از ایران ، تورکیه و برخی کشورهای عربی اطلاع دارم قرنهاست که زن به صورت ابزار و وسیله نیازهای جنسی مردان سنجیده میشود وهرحرکت و رفتار زن جنسی و ناموسی براورد می شود. این مردان به اصطلاح عالم و رهنمای دینی و اجتماعی هستند که زنان را به طرف چنین فکر و رفتاری سوق داده اند و زنان هم در طی قرون باور کرده اند که باید نقش این ابزار را بازی کنند. البته از آنجائیکه استعداد بنیان اندیشی بصورت خدادادی به برخی خاص اعطا شده است و بنده از این استعداد بهره مند نشده ام !! شاید که توان فهم کافی را نداشته باشم ولی جای دارد دوستان مستعد این سوالات را پاسخ دهند:
چرا غربیها توانسته اند در سرزمینهای عربی موطن دین اسلام، و ایران و تورکیه که با آن کشورها همسایه اند اینهمه مردم را از دین دور کنند واندیشه دختر و پسر را نسبت بهم فقط به شکل تمایلات جنسی پرورش دهند اما در اندونزی و مالزی چنین توانی نداشته اند؟ یا شاید خواسته اند جایگاهی برای تحقیقات سالم دینی حفظ کنند؟ آیا زنان و مردان اندونزی کمتر از مردم دیگر سرزمینها نیاز جنسی دارند؟آیا مردم اندونزی قران را که زبان غیر آشنایی برایشان است بهتر از اعراب می فهمند؟یا برعکس چون خوب نمی فهمند نمی توانند از قران احکام مربوط به تعدد زوجات و متعه و برتری مرد بر زن و مالکیت زنان و حرمسرا و چرخش دنیا بر اساس مسائل جنسی را در بیاورند؟

وب سایت

نویسنده: رضا صدیقی

یکشنبه 12 آبان1387 ساعت: 14:46

استاد پور پیرار و خوانندگان محترم
27مین گفتار هنر و تمدن اقوام پراکنده ایران را تقدیم حضورتان می نمایم.با تشکر

وب سایت

نویسنده: ترابی

یکشنبه 12 آبان1387 ساعت: 16:9

عنوان سنی در مورد خیل عظیم و اکثریت قاطع مسلمین به کار میرود و هیچ ارتباطی به مذهب (مثل حنفی و شافعی و تشیع و ...) ندارد و صرفا نامی است بیانگر عدم انحراف مسلمان از سنت رسول اکرم . این عنوان صرفا بیانگر این است که فرد مسلمان دچار خرافات رایج در اقلیت منحرف از سنت نبی اکرم ؛ نشده و همچنان بر سنت پیامبر باقی است. والا ادعای مسمانی همان اقلیت راه باخته ، گوش فلک را کر کرده است.
اگر کسانی سعی کرده اند که با عنوان اهل تسنن ، خود را از همان راه باختگان جدا کنند ، کاری بس صواب کرده اند .
سئوالم را به طرز دیگری بیان میکنم : اگر تمام کتب و روایات و احادیثی را که جعلی بودن آنها توسط افرادی ذیصلاح مثل حضرتعالی اثبات شود ، دور بریزیم آنگاه چه تغییری در آداب و شیوه مسلمانی اهل سنت ، مستلزم تغییر و اصلاح خواهد بود؟

افراد منتسب به اهل تسنن اگر هم به برخی از قواعد مسلمانی خود عمل نمیکنند ، ناشی از ایجاد انحراف در دینشان نیست و فقط به سهل انگاری و اشتباه شخصی خود آنها برمیگردد ولی اگر هر فردی از اهل اقلیت بخواهد بر شیوه رایج مذهب خود و نه بر اساس مطلق قرآن ، مسلمانی کامل باشد تازه در آن صورت مبتلا به شرک و کجروی در دین خواهد شد.
شاید بهتر باشد حساب اکثریت و اقلیت از هم جدا و مجزا مورد بررسی و حسابرسی قرار گیرد تا گرفتار افراط و تفریط نشویم.

مقاله بسیار ارزشمند و آموزنده تان را خواندم و از این بابت بسیار ممنون.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 12 آبان1387 ساعت: 19:39

آقای ترابی. به قول فضلا شهوت کلام دارید و با سخنرانی از درگیری با بنیان مطلب می گریزید که ناگزیر بار دیگر سئوال در باب آن را تکرار می کنم: از چه طریق سنن رسول اکرم به شما منتقل شده و چه گونه مطمئن شده اید که اعمال و اقبال تان با آن سنن مطابق است، هنگامی که اثبات جعل بودن منابع آن از خوردن خرمالو آسان تر است**؟!!**

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 12 آبان1387 ساعت: 22:14

آقای همیشه حذف. آن تصویر اول اگر هم ساختگی نباشد، بقایای اثر یک بریدگی در حال بهبودی، مثلا با چاقو است که مواظبت نشده باشد. عکس دوم هم لااقل نشان می دهد که طرف به همه فنی آشنا است جز آن چه که لباس اش را پوشیده است. ضمنا برای مسافر دعا کنید اما تشریفات اضافی غیر ضرور است. اگر آن ای میل را هم می زدید ضرری نداشت. بقیه هم بماند برای بعد.

آقای علی رضا. متاسفانه راننده ی اتوبوس عازم سفر است و اتوبوس را هم به تعمیرگاه فرستاده است. خودتان برای قضیه فکری بکنید. ضمنا زمانی درباره ی سئوال شما مطلب گذارده ام که حالا آدرس آن را ندارم.

نویسنده: لیلا

دوشنبه 13 آبان1387 ساعت: 0:31

والا این قلم حضرتعالی به مداد جادو شبیه تر است تا خودکار !

نویسنده: عبداللهی

دوشنبه 13 آبان1387 ساعت: 9:48

سلام استاد بزرگ
کتاب قطوری در فرنگستان بدستم رسید بنام "فرهنگ کوهنوردی و غار نوردی ایران". در آن جا عکسی از دوران جوانی و شاید بیست و چند سالگی شما بود با شرح زیر:
"پورپیرار، ناصر: پیشکسوت، توانا، جسور، همکار فدراسیون در زمان استاد رفعتی افشار، سرپرست انتشار مجله کوهستان، ادیب، نویسنده، ویراستار، محقق، ورزشی نویس، عضو هیئت تحریریه بولتن کوهنوردان، عضو فعال سازمان کوهنوردی تنسینگ - هیلاری، سپس کانون کوهنوردان تهران، از نخستین پیشگامان صعودهای سنگین زمستانی، یکی از چهار کوهنورد پیروز در سومین کاروان زمستانی در حمله به قله دماوند در سال 1341."
در این کتاب قطور ندیدم که درباره کس دیگری چنین مطالبی نوشته شده باشد و اگر بآن اضافه کنیم که: منتقد فیلم، عکاس برجسته و زیر و رو کننده ی تاریخ و فرهنگ شرق میانه و جهان، آن وقت باید از دشمنان ابله شما پرسید که چه دارند تا بگویند؟ بد نیست آنها را هم دعوت کنیم که درباره خودشان چیزی بنویسند که احتمالا بصورت زیر درخواهد آمد:
بیسواد، فحاش، نوکر اورشلیم و بزدلانی که حتی نام هم ندارند! خدا نگهدارتان باشد.

نویسنده: ترابی

دوشنبه 13 آبان1387 ساعت: 12:39

سلام
سنت نبوی شامل قول و فعل و تائیدات حضرت رسول است.

قرآن، مکررا مسلمین را به تبعیت از رسول اکرم و الگو قرار دادن ایشان ملتزم کرده است.

اگر بنا بر این بود که سنت پیامبر دستخوش تحریف گردد و موجب خروج مسلمین از صراط اسلام شود ، لاجرم اینهمه مورد تاکید قرآن قرار نمیگرفت.

همان مسلمین شایسته و موظفی که توانستند قرآن را سینه به سینه حفظ و نقل کنند ، به همان طریق سنت نبی اکرم را نیز منتقل کرده اند.

میزان تشخیص صحت سنن موجود و احادیث در دست فعلی ، همانا قرآن است و هر کدام که دارای نتیجه مغایر با قرآن است میتواند کنار گذاشته شود.

اما سنت عملی پیامبر مثل طریقه حج و نماز و امثالهم چون منبعی برای تطبیق ندارد لذا همان بهتر که بر سبیل اکثریت و روال مسلمین ساکن در محل بعثت رسول اکرم صورت گیرد.

نویسنده: /

دوشنبه 13 آبان1387 ساعت: 20:0

راستی ببخشید این جمله زیر به نظر شما حقیقت دارد یا نه؟
آيت الله سيستاني هم زرتشیتان را در زمره اهل کتاب و پاک شمرده است.

نویسنده: حسین محمدی

دوشنبه 13 آبان1387 ساعت: 21:38

آقای ترابی .... اگر من بگویم که ابوبکر و عمر و عثمان معلوم نیست که وجود خارجی داشته اند و یا اینکه ماجرای خلافت و حوادث ظاهرا" معروف پس از پیامبر همگی قلابی و جعلی بوده است . چطوری و با چه استنادی می توانی خلافشان را برایم ثابت کنی ؟

2- ضمنا"اگر نوشته روی پوستی یا چوبی یا فلزی یا سنگی یا هر چی که فکرشو بکنی ؛ وجود داشته باشه که مربوط به چند قرن اول پس از اسلام باشه و اسمی هم از آقایون خلفا ذکر شده باشه بنده ممنون می شوم که آدرس آنها را داشته باشم .
با تشکر

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 13 آبان1387 ساعت: 21:58

آقای ترابی: می فرمایید: "سنت نبوی شامل قول و فعل و تائیدات حضرت رسول است". اما چه گونه معلوم می کنید که قول و فعل کنونی اهل سنت مورد تایید حضرت رسول است؟ متاسفانه باز هم از در گیر شدن با بنیان مطلب طفره می روید.
قرآن نه فقط سینه به سینه حفظ و نقل شده، بل از همان قرن اول هجری لت نوشته هایی از آن موجود است که محفوظات و مخطوطات را با یکدیگر مطابق نشان می دهد، و چون به قدر سطری مکتوب قدیم در باب ترتیب سنت های رسول اکرم نیافته اید، پس لاجرم تنها به محفوظاتی متوسل اید که معلوم نیست در سینه ی دوست حفظ می شده و یا دشمن؟

نویسنده: بهنود(همون پرتویی)

دوشنبه 13 آبان1387 ساعت: 23:23

سلام
به یاد دارم که آقای پورپیرار گفته بودند((مهمترین مشکل شریعتی این بود که سر دسته ی باستان پرستان بوده!و اعراب همه جای کتب او افراد شمشیر به دستی هستند که تمدن ایران را نابود کرده اند))چیزی با این مضمون.

نویسنده: عزیز

دوشنبه 13 آبان1387 ساعت: 23:42

استاد یک سوال
زکات در قرآن به چه معنایی مورد استفاده قرار گرفته و
و اگه به مفهومی که الان ما میشناسم به کار رفته بر اساس قرآن چطور باید مقدارش رو تعیین کنیم:

نویسنده: احمد

دوشنبه 13 آبان1387 ساعت: 22:55

آقای عبداللهی سلام معلوم است شما هم استاد را به خوبی نمیشناسید و احتمالا نمیدانید که استاد کتابهایی مربوط به رنگ شناسی نوشته اند که هشت جلد است و برخی از مجلدات آن در دنیا نظیر ندارد. ضمن این که تمام صنف چاپ ایران میدانند که ایشان در این فن ظریف استادی بی قرینه اند.

نویسنده: بهنود(همون پرتویی)

سه شنبه 14 آبان1387 ساعت: 0:9

جناب/
در آن عکس که چیزی دیده نمی شد.

اما بنده لینک تصویری از یک امام زاده ی پرتابل برایتان می گذارم قضاوت با شما!

http://i33.tinypic.com/jkgfhy.jpg
http://i38.tinypic.com/154kioh.jpg

آقای عبداللهی آقای پورپیرار 8جلد کتاب دارند به نام همنشینی رنگ ها همان طور که آقای احمد گفتند.

نویسنده: علوی

سه شنبه 14 آبان1387 ساعت: 1:27

"سرزمین پارس و مردم آن مشمول رحمت هستند". !!!
با این جمله پدر الکساندر (زارکشف) کشیش کلیسای ارتدکس در تهران، فیلم "پارس، سرزمین رحمت" ساخته "آئیدا سوبولوا" آغاز می شود. این فیلم در جشنواره بین المللی فیلم های سینمایی و برنامه های تلویزیونی "رادونژ" شرکت کرد.

رادونژ، جشنواره ای است که توسط مرکز فرهنگی ارتدکس وابسته به کلیسای ارتدکس روسیه برگزار می شود. ایده برگزاری این جشنواره با توجه به احیای فرهنگ مسیحیت ارتدکس در روسیه مطرح شد، زیرا فیلم ها و برنامه های تلویزیونی ارتدکس بیش از فیلم هستند. ارتدکس بعنوان یک فرهنگ حق دارد که مطابق زمان و در عین حال از نظر معنوی عمیق باشد ...
http://pe.rian.ru/articles/20081031/118058404.html

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 14 آبان1387 ساعت: 6:38

آقای ایزدی. تمام بنیان های مالوف ما تزریقی و تلقینی است.

آقای علوی. خوشا به حال مان!!؟ اعراب از ما نفرت دارند و ما از آن ها، اما تا دل تان بخواهد تاریخ مان مطلوب و مورد ستایش ارامنه و یهود و مسیحیان آن هم از نوع ارتدوکس آن است!!؟ آیا عجیب نیست که سه دولت بزرگ منطقه، یعنی ایران و ترکیه و روسیه ناگهان در قرن شانزدهم میلادی و هر سه با هم سربر می آورند؟ آیا احمقان شوونیست، از تمام انواع آن، در منطقه ی ما بالاخره اندیشیدن را فرا می گیرند؟!!

آقای بهنود. لینک آقای / را به همان سبب که تصویر ارائه شده چیزی را به وضوح نشان نمی داد، حذف کردم.

آقای عزیز. تا برگشت راننده ی اتوبوس از سفر باید منتظر بمانید.

آقای / . به گمانم برای گرفتن پاسخ امین و دقیق باید شما را به عراق فرستاد. اگر رفتید و برگشتید و سند معتبری یافتید مرا هم بی خبر نگذارید.

نویسنده: هاتف

سه شنبه 14 آبان1387 ساعت: 9:40

دوستان به این چرندیات بنگرید.
حفصه دختر عمر همسر رسول اکرم
ام کلثوم بنت فاطمه بنت الرسول الاکرم همسر عمر
حال رابطه نوه پیامبر (ام کلثوم) با همسر پیامبر (حفصه) چه می شود.
این اطلاعات در کتب دینی تشیع و تسنن موجود است.
حال به نمایندگی از گروهی از استاد نابغه شرق می خواهیم که بت شکنی را آغاز کنند. به یاری خدای بزرگ و کلام جاودان و مبارک او.
قران مبارک در پاسخ به مشرکان می گوید: تلک اسما سمیتموها انتم و ابائکم

نویسنده: ابراهیمی

سه شنبه 14 آبان1387 ساعت: 11:6

سلام آقای عبداللهی و آقای احمد و آقای بهنود همگی فراموش کرده اید که داستانهای استاد بزرگ ما از جمله عالیترین نمونه های ادبیات داستانی در ایران و بلکه در جهان است و شخصا هر یک از داستانهای "مالیخولیای عشق" و "نوبت" و "یاغی"

ایشان را از تمام ادبیات فارسی موجود بالاتر میدانم و کمتر نظیری برای آنها در داستانهای کوتاه دنیا میشناسم. خداوند ما را از نعمت وجود ایشان محروم نفرماید.

نویسنده: ds

سه شنبه 14 آبان1387 ساعت: 13:23

با درود فراوان
خبری جالب
http://pe.rian.ru/religion/muslim/20081031/118054350.html

نماینده اداری دینی مسلمانان اطلاع داد که در چارچوب این نمایشگاه 20 قرآن دستنویس قدیمی به نمایش گذاشته می شوند که کهن ترین آنها متعلق به قرن 13 میلادی است.

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 14 آبان1387 ساعت: 13:25

آقای ds. گرچه وجود قرآن کامل دست نویس و مجلد شده و به خط بالغ شده ی عرب، مثلا نسخ، در قرن 13 میلادی نیز مورد تردید فراوان است، ولی لااقل از قرآن های مذهب شده ی قرن چهارم هجری و با ترجمه ی فارسی که در گنجینه ی مرقد در خراسان چیده اند، بسیار قابل قبول تر است. در این باره خاطره بسیار بامزه ای دارم که به زمان خود عرض خواهم کرد.

نویسنده: ترابی

سه شنبه 14 آبان1387 ساعت: 16:21

آقای حسین محمدی ، نوشته اید که "اگر من بگویم که ابوبکر و عمر و عثمان معلوم نیست که وجود خارجی داشته اند...." ،
اولا چرا نام علی را از لیست فوق جا انداخته اید؟
ثانیا بنده قبلا هم عرض کردم که حذف کل تاریخ مکتوب و شفاهی اسلام و داستانهای بکش تا زنده بمانی صدر اسلام هیچ خلائی در نحوه مسلمانی اهل موسوم به سنت ایجاد نخواهد کرد. ولی حذف نام علی از تاریخ اسلام در همان گام اول ، اذان و اقامه اقلیت را زیر سئوال خواهد برد. حال اگر کل متون تاریخ اسلام را جعلی بدانیم آنگاه با توجه به ابتر (بدون اولاد) بودن پیامبر (سوره کوثر) و همینطور معرفی دقیق اهل بیت پیامبر در آیات 33 و 34 سوره احزاب مبنی بر اینکه فقط زنان پیامبر و نه فرد دیگری به عنوان اهل بیت ایشان معرفی شده اند ، شما بگوئید که بنا بر کدام دلیل مستندی ، حضور فاطمه در تاریخ اسلام را به عنوان فرزند پیامبر باید پذیرفت؟ در این حالت داستان ازدواج ایشان با علی و قضیه امامت که از اصول دین اقلیت میباشد را چگونه توجیه خواهید کرد؟
در این جاست که میگویم جعلی بودن تمام روایات و احادیث و تاریخ اسلام ، خللی به مسلمانی اهل موسوم به سنت وارد نمی آورد ولی بالعکس به مبانی مذهب اقلیت شدیدا لطمه وارد خواهد نمود.
ثالثا اگر حمل بر بی ادبی نباشد ، اجازه دهید خود آقای پورپیرار مورد خطاب بنده حقیر باشند

نویسنده: ترابی

سه شنبه 14 آبان1387 ساعت: 16:26

جناب آقای پورپیرار همانگونه که مستحضر هستید در آیه 3 سوره مائده ، پیامبر از جانب خدا کامل شدن دین و رضایت حق تعالی بر اینکه اسلام (بدون هیچ پسوند و نام مذهب) به عنوان دین مسلمین باشد را اعلام میفرمایند و چیزی از دین را از قلم نی اندازند تا عمر یا علی بخواهند آن را کامل کنند لذا با طرد تمام کتب تاریخ اسلام ، احادیث و روایات و نصب العین قرار دادن قرآن و فقط قرآن ، تنها مشکلی که وجود خواهد داشت نحوه انجام احکام عبادی اسلام مثل نماز و حج و ... و یا شیوه تدفین و امثالهم ، خواهد بود.
آیا از نظر شما تا همین حد ناچیز را هم مسلمانان حافظ قرآن نتوانسته اند به درستی منتقل کنند؟ اگر چنین است پس برای دریافت همین مقدار کم از سنت پیامبر به کدام سوره و آیه قرآن میتوان رجوع کرد؟
آیا اینهمه توصیه قرآن به تبعیت از رسول را فقط مختص به زمان زنده بودن آن حضرت میدانید؟

آیا میتوان پیامبر اسلام را عاجز از تربیت جمع مطمئنی از مسلمین دانست که به محض وفاتش اقدام به تغییر و تبدیل سنتش ننمایند؟
یعنی از نظر شما تمام مسلمانان در طول 14 قرن گذشته به شیوه ای غیر از شیوه پیامبر نماز گذارده و حج رفته اند؟ (در این باب اقلیت گرفتار محض در دام یهود را نادیده بگیریم)
ما که میزان مطمئنی مثل قرآن را برای سنجش صحت و سقم سنت در اختیار داریم حال چرا باید تمام سنت را به دلیل غیر مکتوب بودن آن کنار بگذاریم؟
اگر ادعا شود که کتابت دیر هنگام سنت به دلیل خوف مسلمین از احتمال تداخل آن با قرآن بوده است ، چه جوابی خواهیم داشت؟
باز هم میگوییم که مسلمانی اهل موسوم به سنت با جعلی بودن این حدیث و آن روایت ، دستخوش تغییر نمیشود. ولی شعبه های سیاسی ایجاد شده در اسلام شدیدا گرفتار موهومات و اسرائیلیات اند و مسلمانی که بخواهد در آن مذهب رشد و تعالی یابد تازه اول بدبختی و شرک اوست.

۱ ۲ <<

/wEPDwUJNzUyI

ایران شناسی بدون دروغ، 184، دیدار از اندونزی، 7 - 63 نظر

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 14 آبان1387 ساعت: 20:56

آقای ترابی. روبین تر از تعصب نداریم که گاه شاخ های برایی چون این سخن شما دارد: "اگر ادعا شود که کتابت دیر هنگام سنت به دلیل خوف مسلمین از احتمال تداخل آن با قرآن بوده است ، چه جوابی خواهیم داشت"؟ آقای ترابی تبادل نظر با کسی که پس از این همه مبانی و مدارک مرور شده، هنوز در اندازه ی این ادراک نرسیده که خط عرب بلوغ کافی نگارش متن های عمومی تا قرن هفتم هجری را نداشته، بسیار دشوار و حتی بی حاصل است، زیرا اساس بحث به آسانی شاخه به شاخه می شود و تغییر جایگاه می دهد و مانعی برای هر نوع سئوال تراشی نمی ماند. پیشنهاد می کنم تا پایان مبحث اندونزی تامل کنید و در این فاصله به محتوای سئوال خودتان بیاندیشید که چه گونه مسلمانان را از ورود جعلیات در اسناد اسلامی از همان آغاز نگران نشان می دهد. آن گاه بفرمایید که کدام ماجرا این بیم مسلمانان را برطرف و ناگهان مشغول تدوین تلی از مکتوبات مختلف در باب مسائل اسلام می کند؟!!

نویسنده: احمد

سه شنبه 14 آبان1387 ساعت: 20:59

شب بخیر جناب استاد امشب میبدی در پارس تی وی می گفت که سراسر تاریخ ایران آلوده به دروغ است و اضافه میکرد که باید این تاریخ را دوباره نوشت ولی نه بدست پورپیرار!!! باید از این احمق بدعاقبت پرسید مگر همین فهم مختصر او در این که سراسر تاریخ ایران دروغ است را جز از مطالب جنابعالی فهمیده است؟

نویسنده: احمد

سه شنبه 14 آبان1387 ساعت: 21:18

ببخشید جناب استاد سند پررویی باستان پرستان را در زیر ملاحظه بفرمایید
http://paniran.blogfa.blogfa.com/post-274.aspx
بزرگداشت کوروش با حضور جمع کثیری از ایرانیان، (سیزده نفر!!!) در پاسارگاد برگزار شد؟! و در اروپا و امریکا همین سیزده نفر هم جمع نشدند. افتخار بیداری عمومی مردم منطقه و جهان برای جنابعالی تا ابد باقی میماند.

نویسنده: حسین محمدی

چهارشنبه 15 آبان1387 ساعت: 0:45

آقای ترابی :
1- جنابعالی چون به نظر آمد که از اهل تسنن باشید مخصوصا" فقط اشاره به ابوبکر و عمر و عثمان کردم که صد البته جعلی اند و اینک همگی می دانیم که این اسامی چرا ساخته و پرداخته شده اند . همانطور که اسامی دیگر مورد اشاره جنابعالی در جناح دیگر هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمین ساخته شده اند.
2- فرمودید : بنا بر کدام دلیل مستندی ، حضور فاطمه در تاریخ اسلام را به عنوان فرزند پیامبر باید پذیرفت؟ پاسخ : هیچ مستندی نداریم ... راستی اسلام و شمشیر را خوانده اید ؟

3- فرمودید : با توجه به ابتر (بدون اولاد) بودن پیامبر (سوره کوثر) پاسخ : ؟!! پیامبر ابتر بوده ؟!! . پس این آیه 59 سوره احزاب چی میگه ؟ یا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْواجِكَ وَ بَناتِكَ (؟!!!!) وَ نِساءِ الْمُؤْمِنينَ يُدْنينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلاَبِيبِهِنَّ ذلِكَ أَدْنى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلا يُؤْذَيْنَ وَ كانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحيما .

4- فرموده اید : جعلی بودن تمام روایات و احادیث و تاریخ اسلام ، خللی به مسلمانی اهل موسوم به سنت وارد نمی آورد پاسخ : اگر واقعا" اینطوره که خیلی خوبه . اونوقت منم میشم برادر دینی شما .... فقط لازمش اینه که اعلام کنید : ما اهل تسنن نیستیم و فقط مسلمانیم (بدون پیشوند و پسوند) . هیچ کتابی به جز قرآن را هم قبول نداریم چون اصالت همه کتابهای دیگر اصلا" قابل تایید نیست و بدتر از همه آلوده به جعل و تفرقه و اسرائیلیات هستند و هرچی حدیث و سیره و خلیفه و صحاح و غیره را هم کلا" و بدون استثنا دور می ریزیم ....قبوله؟

5- نگران اذان و دیگر مسائل هم نباشید . چون وقتی قرآن و فقط قرآن خوانده و فهمیده شود این مسائل خود به خود حل خواهد شد . فعلا "بنیان" بحث دنبال شود

با تشکر

نویسنده: ... waiting

سه شنبه 14 آبان1387 ساعت: 21:34

time over !!!
how long should we wait for chapter 185?

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 15 آبان1387 ساعت: 0:7

آقای محمدی. گمان می کنم عرب وصف ابتر را درباره ی مردان بی فرزند ذکور به کار می برد.

آقای احمد. ممنون. لینک و تصویر را دیدم و دل ام به حال شان سوخت. نگران اداهای امثال میبدی هم نباشید، چندی دیگر بین خودشان بر سر تخریب عقاید پیشین نزاع درخواهد گرفت.

جناب waiting. نام این وبلاگ حق و "صبر" است.

نویسنده: امیر عماد

چهارشنبه 15 آبان1387 ساعت: 9:53

با سلام و ادای احترام
در یادداشت قبلی به نکته ای اشاره نموده اید و آن فقدان عمدی سه واژه هنر عشق و زیبایی در قران بود.در صورت امکان مرحمت فرمایید ما را از دیدگاهتان در مورد دلیل این تعمد مطلع سازید.باز هم متشکرم.thx

نویسنده: ؟

چهارشنبه 15 آبان1387 ساعت: 11:4

استاد شما مهدی ترابی رو می شناسید؟
http://akrane.persianblog.ir/post/3683

نویسنده: راننده خط قم (سمند)

چهارشنبه 15 آبان1387 ساعت: 14:45

استاد
اگه اتوبوسی در دسترستان نیست که آقای امیر عماد را به قم ببرد. بنده ایشان را با سواری می رسانم. چون من خط قم کار میکنم.

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 15 آبان1387 ساعت: 17:41

آقای ؟. با ایشان آشنایی ندارم

آقای امیر عماد. باید منتظر قسمت دوم اسلام و شمشیر بمانید.

آقای راننده قم. کاش هزینه ها را هم اعلام می کردید، شاید دوستان دیگری هم مایل باشند همراه شما بیایند!؟

نویسنده: رضا

پنجشنبه 16 آبان1387 ساعت: 12:11

با سلام خدمت استاد محترم و دیگر دوستان

جناب توحید ، به لطف و راهنمایی شما توانستم زندگینامه آقای برقعی را مطالعه نمایم. مطلب زیادی آموختم که پاسخ برخی سوالاتم را داد و البته سوالات بسیار دیگری را هم برایم به وجود آورد. از شما متشکرم و امیدوارم رحمت خداوند شامل حال شما باشد و همه مارا از دروغ و خود بینی و کفر حق محفوظ دارد.

وب سایت

نویسنده: سولماز

پنجشنبه 16 آبان1387 ساعت: 23:23

سلام. میگم هیچ دقت کردین عنوان برنامه های درس تاریخ تلویزیونی آقای خسرو معتضد یعنی پلی به گذشته عینا از کتاب های پس از اسلام استاد پورپیرار تقلید شده؟

نویسنده: عزت الله

یکشنبه 19 آبان1387 ساعت: 11:41

سلام آقای پورپیرار خسته نباشید گویا آقای اوباما هم یک نفر یهودی را به سمت دفتردار کاخ سفید انتخاب کرده است!!!. دیگر این که دانشگاهی در آلمان رشته ای به نام "هالو کاست شناسی"به رشته های تحصیلی خود افزوده است که از بهترین امکانات وضمانت شغلی بر خوردار خواهند شد!!!

۱ ۲

ایران شناسی 185

ایران شناسی بدون دروغ، 185، بازدید از اندونزی، 8، با نگاهی به تاریخ هند - 49 نظر

نویسنده: ؟

جمعه 17 آبان1387 ساعت: 2:38

http://www.radiozamaneh.org/special/2007/02/post_136.html
تابوی سفر شهروندان ایرانی به اسرائیل
پیشنهاد هم می کنم فایل صوتی این لینک رو هم دانلود کنید

نویسنده: روشن

جمعه 17 آبان1387 ساعت: 7:40

استاد محترم سلام عرض میکنم بسیار عالی و روشنگر بود صبح جمعه را زنگین کرد در پناه خداوند منان همیشه سالم و در کار خیرتان موفق باشید

نویسنده: سام وان

جمعه 17 آبان1387 ساعت: 7:58

آقای پور پیرار سلام

آب را به کر خود باز گرداندید.حال معلوم شد گریز به صحرای اندونزی وتقبل هزینه ان در این سن وسال به چه قصد بوده.
هوشیار ومصری.مرحبا...
صادق هدایت شوئنیست نیزخوب این ریشه را در همانجا یافته بود وپیوندی که در نوشته هایش وجود داشت همان رجعت به اصل بودکه امروز بنیان شناسان توسط شما رهگیری می شود.
فردوسی نیز محل ریشه را خوب می شناخت ولذا اسطوره ارجون هندی را به نام رستم ایرانی به تصرف فارسهای بی ریشه دراین اب وخاک در آورد وآنان را صاحب گذشته ای به قدمت حدوث اسطوره نمود.
پاینده ومستدام باشید جناب آقای پورپیرار.

نویسنده: سام وان

جمعه 17 آبان1387 ساعت: 9:7

آقای پورپیرار با سلام

لازم است در تکمیل عرایضم بگویم که منظور از فردوسی همان نام بی تعلق بر کس است که عمله وانکره با جیره مواجب کنیسه وکلیسا در پس ان پنهانند.

بی شک پوچ گرایی صادق هدایت هم نشأت گرفته از درک قوی بی هویتی وبی ریشه گی بودوبه این جهت مصرا"در پی دست وپا کردن اصالتی بر اساس داده های کنیسه وکلیسا برای التیام زخمهایی بود که به قول خودش کسی از انها خبر نداشت.
به هر حال ایشان رابطه بین ظهور فرهنگی ایران وهند را تشخیص داده بود.

نویسنده: بختیار

جمعه 17 آبان1387 ساعت: 17:51

استاد با سلام

مدتها بود اینقدر بهت زده و متحیر نشده بودم. فکر میکردم که کل مطلب یا کلیات ان را دریافته ام اما این مقاله به نوبه خود بار دیگر به من فهماند که بیشتر صبر و بیشتر مطالعه کنم

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 17 آبان1387 ساعت: 17:48

آقای اترش. همیشه فرصت است مگر...

آقای بختیار. گمان می کنم آدرس ارسالی صحیح نباشد.

آقای علی. آیه ی 33 سوره ی احزاب، آیه ی تطهیر نیست، آیه ی تنبیه است.

نویسنده: عدنان

جمعه 17 آبان1387 ساعت: 18:55

سلام بر استاد
متشکریم مطالب بسیار آموزنده بود

استاد عزیز با عرض پوزش مجدد چندی پیش در مورد یوسف در قران سوالی داشتم که متاسفانه به جوابی نرسیدم(آدرس این مطلب را وبتان نیافتم) و آنرا به خاطر عقل ناقص بنده بگذارید سوالم را مجددا ارسال مینمایم در صورت تمایل زحمت پاسخ انرا را مرحمت بفرمایید:-آیا سوره یوسف به فرزند یعقوب نبی ارتباط دارد؟فرمودید پیامبری که قران بنام یوسف اشاره دارد شخصیت دیگر ی است پس چرا نام یوسف در ایات مختلف در کنار یعقوب قرار دارد ؟و از اجداد نبی و از نوادگان ابراهیم یاد شده؟
با تشکر فراوان

نویسنده: بختیار

جمعه 17 آبان1387 ساعت: 19:34

با عرض معذرت ادرس اصلاح میگردد
http://www.ichodoc.ir/p-a/CHANGED/77/html/77-34.htm

در پيگيري مسائل مربوط به اخرين مقاله به اين سايت هدايت شدم که ادعا ميکند که بر اساس ايات قران اعراب قبل از ظهور پيامبر به خدايي به نام الله ايمان داشته اند و تنها بر او مشرك بوده اند. سئوالم اين است که ايا چنين چيزي صحت دارد؟ و ديگر اين که اين سايت اديان بودايي و هندو و... را هم در زمره اديان الهي قرار داده است.
http://www.ghadeer.org/index.html

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 17 آبان1387 ساعت: 21:48

آقای بختیار. مطالب مربوط به آیات قرآن انشا٬ الله می ماند برای بخش دوم یادداشت های اسلام و شمشیر. در حال حاضر باریک ترین مباحث مربوط به تحولات اخیر در منطقه ی ما می گذرد.

اقای عدنان. در این باب که در قرآن متین نام دو یوسف آمده، که اشاره به دو شخص مختلف دارد، پیش از این مطالبی گذارده ام.

آقای ابراهیمی. در نزد خداوند زیبایی ارزش و امتیاز شمرده نمی شود زیرا تمام کائنات مخلوق اویند و نمی توانند زشت و یا زیبا خوانده شوند.

آقای eldeniz. ظاهرا ارسال وجه کتاب ها را فراموش کرده اید؟!

نویسنده: دادا

شنبه 18 آبان1387 ساعت: 0:41

با سلام حضور استاد محترم!

استاد مانند همیشه فقط متحیر ماندم. استاد موهبتی هستید برای اسلام و مسلمین. عجب حوصله و ترتیبی در بیان حقایق دارید. همین تقدم و تاخر مطالبتان است که مرا در وادی حیرت می نهد. فقط نبوغ, فقط.

استاد رخصت

نویسنده: یک بنیان اندیش

شنبه 18 آبان1387 ساعت: 0:50

آقای پورپیرار سلام
در حال حاضر در کدام قسمت از تأملات شما هستیم ؟ آیا برآمدن صفویه پایان یافته است و اینک در آغاز برآمدن مردم هستیم ؟ یا نه ، هنوز در نیمه بحث صفویه می باشیم ؟ ممنون خواهم شد اگر راهنمائی ام کنید .

نویسنده: sadegh

شنبه 18 آبان1387 ساعت: 1:47

با سلام خدمت استاد فرزانه و تمامی دوستان ودشمنان

استاد گرامی خسته نباشید و خدا قوت چون همیشه بسیار مستدل، محکم و حیرت انگیز بود و اوج این مقاله اشاره و

استناد حضرتعالی به آیه عظیم وشگرف یا اهل الکتاب لم تلبسون الحق بالباطل و تکتمون الحق و انتم تعلمون است که
همیشه در ذهنم طنین اناز بود و گویا خطاب مستقیم و مداوم به اربابان کلیسا وکنیسه گذشته و کنونی یست
اما مطلب دیگر اینکه مدتی یست سوالی ذهنم را مشغول کرده و آن اینکه با نگاه به سیر تحول وتطور وپیشرفت تمدن
اسلام در منطقه خاور میانه و شمال آفریقا و هم چنین آثار باشکوه اندلس و تدقیق در ابنیه و مساجد ومساکن و صنایع
شمایی از این تمدن اسلامی و روند شکل گیری آن در ذهن هر دیدارگر و ناظری متبلور میشود که تمدن اسلامی داری یک
خط سیر پیشرفت طبیعی بوده و زمانی این خط سیر به اوج شکوفایی خود رسیده حال اگر این مقدمه را بپذیریم . چند سوال
اساسی به ذهن خطور میکنند . که :

1-این تمدن ،حکومت ،حکومت ها، مجتمع و یا اجتماعات اسلامی که ممکن است یه صورت ملوک الطوایفی ویا حکومت
مرکزی اداره میشدند چرا ، چگونه وچه زمان از خط سیرپیشرفت خارج و متوقف شده اند؟

2- چه عواملی باعث بیگانگی مردم و بانیان این نمدن با اصول و باورها وسنت های ناب اسلامی خویش گشته ؟ بطوری که
حافظه تاریخی بیکباره یا به تدریج پاک شده آثار مکتوب ومنقوش احتمالی از آن دوران شکوفا معدوم و منسوخ گشته و
ناگهان خود را ، در تکاپوی شناخت هویت وماهیت خویش در آثار و اقوال وافواه بیگانگان و مزدبگیران کلیسا و کنیسه میبیند .

3- تطبیق دیاگرام رشد جمعیت در مناطق ما بین غرب ایران تا اندلس چگونه امکان پذیر است ؟ و سر جمعیت کم
این منطقه ظاهرا مسکون بعد از ظهور اسلام نسبت به مناطق دیگری چون هند و پاکستان و اندونزی و اروپا چیست ؟

4-آیا پوریم دیگری در کار بوده است ؟

با تشکر فراوان از زحمات بیدریغتان . خداوند حامی و حافظتان باشد

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 18 آبان1387 ساعت: 2:24

آقای sadegh. پاسخ عمده ترین سئوالات شما انشا' الله در چند یادداشت بعد خواهد آمد.

آقای بنیان اندیش. در حال حاضر بخش نهایی برآمدن صفویه تبیین می شود که حاصل و برداشت از یادداشت های پیشین
است.

آقای دادا. ممنون. متاسفانه آدم کم ظرفیتی هستم، تعارفات شما را باور می کنم و کار دست خودم می دهم.

نویسنده: رضا

شنبه 18 آبان1387 ساعت: 12:20

با سلام به خدمت استادمحترم و دیگر دوستان
چنانچه ملاحظه می فرمائید در دیاگرام ویکی پدیا از سال 1260تا1320 سرعت افزایش جمعیت بسیار کند و تقریبا بعد از
سال1340 سرعت افزایش یافته است بنابر این تا قبل از شروع مسائل بهبود بهداشت و تغذیه جمعیت ایران بزحمت در هر
60سال دوبرابر می شده است که تازه با همین روند هم در سال900 یعنی شروع قرن دهم جمعیت ایران فعلی حدود
14000 نفر می شده است که نشانگر عدم وجود شهر و شهر نشینی در ایران است.
اما سوال اینست که چرا ترکان صفوی و عثمانی با وجود تلاش برای ساختن زبان فارسی خود و قبایلشان تورک مانده اند؟

وب سایت

نویسنده: R134a

شنبه 18 آبان1387 ساعت: 13:7

ba salam
khaste nabashid

نویسنده: مسعود

شنبه 18 آبان1387 ساعت: 13:13

سلام علیکم و رحمه الله

خداقوت جناب استاد بسیار عزیز.

در چند روز اخیر سر اسقف کلیسای آشوری که به عراق سفر کرده بود در دیدار با جلال طالبانی تاریخ مکتوب موجود که در آن ادعا میشود آشوریان در چند نوبت بدست کردها قتل عام شده اند را "کذب محض " !!! خواند ...
اینهم سایت رسمی آشوریان که نسل کشی را تائید میکند : !!!!!!!!!!!!

http://www.aina.org/martyr.html

http://www.learnassyrian.com/links/index.html

این را میگویند مسیحیت بی آبروی در خدمت بازار سیاست !!!

خداوند اجر عظیمتان عنایت فرماید که بشریت را بیدار کرده اید.

نویسنده: kaveh

شنبه 18 آبان1387 ساعت: 14:30

didaretan dar avalin forsat dar in mah dar tehran salam,aghaye poorpirar lotfan bazdid farmaeed montazere
man:http://haghighateislam.blogfa.com hastam.weblog
poli bar gozashte naresideha taze ebtedaye sasanian hastam,ama payandeh bashid,hanooz be seri ketabhae
kheili baram jazabe,khoda az shoma razi bashad tahlile shoma

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 18 آبان1387 ساعت: 20:21

آقای حذف. طرف از این حرف ها زیاد می زند. رفته رفته با این تعصب های متنوع و کهنه و نو، می توان یک موزه ی تعصبات افتتاح کرد، که مثل موزه ی ایران باستان بدون دیدار کننده و پر از اشیا' قلابی نباشد. راستی تو می دانی ریشه ی لغت "باستان" چیست، چه معنا می شود و چرا؟!! یکی می گفت در اصل "بایستان" بوده به معنای "همینه که هست"!!!

آقای عابدی. خسته نباشید از تیر ماه نداریم.

آقای ظریف. زیبایی نه فقط از الزامات زندگی نیست، بل بهانه ای است برای بریدن گوش خلق الله به فرم های گوناگون. فراموش نکنید زنی را که ناصرالدین شاه می پسندید، حالا کسی نگاه هم نمی کند و آن کنده ی درختی را که نوگرایان، به عنوان دکور در گوشه ی سالن می گذارند، تا همین دو سه دهه پیش زیر دیگ پخت آش قرار می دادند. بنا بر این زیبایی یک توهم بدون هویت و تعریف است. امروز زیبایی به مردم ابلاغ می شود و شاید ندانید رنگ سال را معمولا از روی ته انباری های کارخانجات نساجی تعیین می کنند! در ضمن معیوب حکم و تعریف دیگری دارد.

نویسنده: یولداش

شنبه 18 آبان1387 ساعت: 22:55

بی صبریم استاد ...دست مریزاد

نویسنده: عدنان

شنبه 18 آبان1387 ساعت: 23:4

سلام
با پوزش مجدد .استاد باور بفرمایید قریب یک هفته به دنبال مطلب مربوطه(در مورد یوسف)در وب گرامیتان گشه بودم که متاسفانه نیافتم .چنانچه آدرس آن صفحه را بفرمایید ممنون خواهم شد

نویسنده: سامان

یکشنبه 19 آبان1387 ساعت: 11:35

واقعاً زیبایی چیست؟
آیا زیبایی چیزی غیر از تناسب در اجزا است؟ یا فقط بر اساس تبلیغات است که حس آدمها از زیبایی تعریف میشود.

نویسنده: مهدي - مهدي

يكشنبه 19 آبان1387 ساعت: 14:9

جناب آقاي پورپيرار،

خسته نباشيد. عرض بنده مربوط به پاسخ شما به آقاي ظريف است. بنده مي پذيرم كه زيبايي از الزامات زندگي نيست و ابزار گوش بري است. ولي چنين فكر مي كنم كه در گذر از معيار هاي زيبايي كه هيچ ملاك مشخصي براي آنها نيست و هر روز چيز "عجيبي" به نام زيبا معرفي مي كنند، زيبايي، به معني "جذابيت بصري" كه ملاك انتخاب ميان دو چيزِ از جهات ديگر برابر است، وجود دارد. گر چه اين ملاك يک ملاك غريزي است و در رفتار حيوانات نيز مشاهده مي شود، ولي مي توان در كليات معيارهايي براي سنجش آن ارائه كرد كه قابل بسط به سلايق عمومي باشد در حاليكه در جزئيات بيشتر به سلايق خصوصي مربوط مي شود.

ارادتمند
مهدي

نویسنده: استنباط

يكشنبه 19 آبان1387 ساعت: 14:34

آیا این استنباط غلط است :
اگر واضح شده که شاهنامه محصول قرون اخیر است ، آیا نمی توان از آن این نتیجه را گرفت که اقوام و شهرهائی که در آن جائی ندارند و ذکرشان در آن نیست حتی تا همین قرون اخیر هم وجود خارجی نداشته اند . مثلا ذکر کردها در آن کتاب حیات قومی به نام کرد طی قرون اخیر در ایران مسجل می کند ، یا ذکر شهری به نام جهرم ، شاهد وجود چنین شهری در دوران اخیر است ، اما عدم اشاره به حضور ترک ها در آذربایجان نشان می دهد که حتی تا قرون اخیر هم بافت قومی آذربایجان در تیول کسان دیگری بوده است ؟

نویسنده: بابك

يكشنبه 19 آبان1387 ساعت: 14:43

با سلام خدمت مرد بزرگ و روشنگر جناب آقای پورپیرار
بعضی وقتها مطالب نوشته شده توسط شما طوری مرا جذب خودش می کند که گذر زمان را متوجه نمیشوم. من هر روز حداقل 3 ساعت از وقتم را صرف بازدید از سایت شما و خواندن مطالب آن می کنم. خداوند به شما طول عمر داده و در پناه خودش محفوظ بدارد. در ضمن هر از گاهی به سایتهای مخالف شما و کامنت بازدید کنندگان آنها نظری می اندازم واقعا مقایسه مطالب روشنگر شما با متن های سخیف آنها مرا بیشتر به حقیقت نزدیک می کند. امیدوارم خداوند دل همه انسانها و خصوصا مسلمین را با نور حقیقت روشن گرداند.
چند ماه پیش یک سفر دانشجویی به بندر تاریخی سیراف داشتیم در آنجا در پای کوهی حوضچه های آب در دل سنگهای به تعداد فراوان کنده شده بود که در مجاورت آنها چاههایی هم وجود داشد. ادعای راهنمایان بیسواد ما این بود که این حوضچه های کنده شده در سنگ قبور زرتشتی هستند که زرتشتی ها مرده گان خود را در این قبور سنگی می گذاشتند تا لاشخورها گوشت آنها را خورده و تنها استخوان آنها باقی بماند و سپس استخوانها را در داخل چاههای مجاور می ریخته اند. چون بنا بر ادعای راهنماها زرتشتیان خاک را پاک میدانند و اعتقادشان بر اینست که بدن مرده ها نباید با خاک تماس پیدا کند...
ولی به نظر من چیزی که مشخص بود این حوضچه ها برای ذخیره آب تعبیه شده بوده اند تا برای آبیاری دامها از آنها استفاده شود.
به اعتقاد راهنمایان این بندر در دوره ساسانی یک بندر جهانی بوده. وقتی سراغ سکه ای را از دوره ساسانی در این منطقه گرفتم سکوت اختیار کردند. منم به حرف اومدم و اطلاعات و حقایقی را که از نوشته های شما فهمیده بودم را ابراز کردم و گفتم اگر ای آثار مربوط به قبل از اسلام باشد مطمئنا از اثار عیلامیان می باشد. متاسفانه از طرف بعضی از دوستان به ضد ایرانی بودن متهم شدم. در جوابشان گفتم اگر با گفتن حقیقت قرار است انگ دشمنی با ایران و ایرانی را به من بزنید پس بدانید من دشمن ایرانم ولی دیگر نمیخواهم طوطی وار حرفهای تکراری و بی سر و ته باستان پرست ها و هخامنشی ستایان را تکرار می کنم.
راستی استاد شما از این بندر باستانی بازدید کرده اید؟ نظرتان در مورد آثار موجود در آن چه می باشد؟

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

يكشنبه 19 آبان1387 ساعت: 15:24

با سلام.

68درصد از ازدواج‌های صورت گرفته در یکی از تالارهای مشهور تهران، منجر به طلاق شده است.
این آمار، همه حکایت از این دارد که 68 درصد از کسانی که جشن ازدواج خود که را در این تالار برگزار کرده‌اند، گفته‌اند زندگی‌شان حتی دوام یکساله نداشته و در نهایت از یکدیگر جدا شده اند.
بنابر این گزارش، طی یکسال گذشته بیش از 350 مراسم ازدواج در تالار فوق انجام شده است، که هزینه‌های هر مراسم از 150 میلیون فراتر بوده است.
شایان ذکر است برخی از چهره‌های اقتصادی و حتی ورزشی کشور نیز جشن های عروسی خود را در این تالار برگزار کرده‌اند.
"ع .د" که از سرشناسان عرصه ورزش کشور محسوب می‌شود، مراسم ازدواج خود را در این تالار برگزار کرده است.
در برخی از ازدواج‌های این تالار که در منطقه فرمانیه تهران قرار دارد میزان مهریه در نظر گرفته شده، سکه بهار آزادی به ارتفاع قله هایی همچون هیمالیا(8000متر) و دماوند(5610) بوده است.
این اطلاعات در حالی فاش می‌شود که مدیریت تالار مذکور قصد داشته است از کسانی که طی یکسال اخیر در تالار فوق مراسم خود را برگزار کرده‌اند، دعوت به عمل آورده و طی یک جشن تحت عنوان یکسالگی زندگی، از آنان تقدیر به عمل آورد که متوجه می‌شود 68 درصد از ازدواج‌های انجام شده در تالار منجر به طلاق شده است.
شایان ذکر است در یکی از این جشن‌های عروسی، ارزش تقریبی خودروهای میهمانان حاضر در تالار، 17 میلیارد تومان براورد شده است.

منبع:
?http://www.mobin-group.com/photo/Roozaane/Archive/1025.htm

نویسنده: ترکان

یکشنبه 19 آبان1387 ساعت: 17:55

سلام آقای پورپیرار
خیلی دوست دارم بدونم منظور شما از «آیه ی 33 سوره ی احزاب، آیه ی تطهیر نیست، آیه ی تنبیه است.» چه می باشد؟
ممنون می شم توضیح بدید.

نویسنده: حاجی زاده

یکشنبه 19 آبان1387 ساعت: 18:44

استاد پورپیرار گرامی سلام و خسته نباشید
فریضه ی پرفیض و برکت زدودن دروغ از رخسار پاک اسلام، عین جهاد در راه حقیست که باریتعالی در مصحف کبیر و آسمانی، مسلمین را به آن مکلف کرده است، این عبادت خالصانه شما، متضمن وصول به مقام لقاالله در دیار باقیست.ان شا٬الله
بی صبرانه و مشتاقانه در انتظار تلا٬لو فزون تر نور حقیقت مکتوم مانده در ورای زنگار کذب هستیم.
پیروز باشید

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 19 آبان1387 ساعت: 21:54

فریبا خانم. ممنونم. تنها ادای وظیفه می کنم که هر یک از خانواده ی ماشا٬ الله بزرگ بنیان اندیشان و از جمله خود شما، به نحوی و در حد امکان بدان مشغول اند.

آقای ترکان. مختصر این که آیات 31 و 32 و 33 سوره ی احزاب، با زبان تذکر و تنبیه زنان پیامبر را خطاب می کند و قصد از نصیحت را دور نگهداشتن آنان از پلیدی های احتمالی می داند.

آقای دهقانی. از جنبه های گوناگون، بسیار آگاهی دهنده بود. ممنون.

آقای بابک. متاسفانه سیراف را ندیده ام ولی کتابی هست که درباره ی سیراف اطلاعات و تصاویر پراکنده ی فراوانی دارد. به مهلت عمر و خواست خداوند و ضرورتی دیگر، شاید در همین زمستان راهی سیراف شوم.

آقای استباط. بی انصافی ظریفی بود. بی تردید شاه نامه متنی جدید است که یاد آوری از کردان درآن، که فقط ده مورد است، نه فقط همراه تعیین محل جغرافیایی، بل اصولا رجوع قابل دفاع و خوش آیندی نیست. در عین حال ذکر از ترکان در

شاه نامه از پانصد مورد در می گذرد، هرچند که آدرس جغرافیایی دقیق نداشته باشند! در نهایت شاه نامه مدرک رجوع برای هیچ کس و به هیچ قصدی نیست. دیوان یاوه و باطل و بی ارزشی است.

آقای مهدی - مهدی و آقای سامان. تعیین زشت و زیبا در هر تیره ی حیوانی در اغلب موارد کار غیر ممکنی است. مثلا کبوتر چاهی و پنگوئن و تیره های ماهیان و تمساح و اسب دریایی و گنجشکان، ملکه زیبایی انتخاب نمی کنند، زیرا همگی به یک شمایل اند. حتی همین دکان در میان آدم ها نیز اگر داوران را تعویض کنید، نتیجه ی دیگری خواهد داد!!! بنا بر این جفت یابی در میان حیوانات معیار زیبا شناسانه ندارد و امری غریزی و نامکشوف است. اگر زیبایی را موکول به سلایق خصوصی هم کنیم آن گاه باید به تعداد اشخاص معیار و ملاک و تعریف زیبا شناسی داشته باشیم که گیج کننده است. بنا بر این حتی می توان گفت که زیبایی در اغلب نزدیک به کل موارد، امری تلقینی و این روزها فنی است؟!! انتهای اغراض من از یادآوری این گونه توجهات این که دریابیم دشمنان قرآن عمیق تر با متن آن آشنا شده اند و زودتر از مسلمانان دریافته اند که بی اعتنایی قرآن به زیبایی و عشق و هنر و شعر و سرگرمی و قمار، می تواند راه نمایی باشد برای انتخاب شیوه های ایجاد انحراف در زندگانی سلیم اجتماع، از طریق دعوت عمومی به تقدیس و توجه به این گونه امور و حرکت در جهت معکوس توصیه های قرآنی.

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

یکشنبه 19 آبان1387 ساعت: 23:9

با سلام،

معاون فرهنگی اجتماعی سازمان ملی جوانان گفت: ۱/۵ میلیون ازدواج در سال نیاز است تا حدود ۹۰ درصد جوانان تا ۱۰ سال آینده ازدواج کرده باشند. علیرضا عصارنیا در گفتگو با مهر اظهار داشت: بین ۱۲ تا ۱۵ میلیون جوان مجرد در کشور در آستانه سن ازدواج قرار دارند. وی گفت: میانگین سنی جوانان در آستانه ازدواج ۲۳ سال و يك شاخص مهم در برنامه ریزی هاست که يك هشدار جدی را برای جامعه به دنبال دارد. عصارنیا افزود: در حال حاضر میانگین اختلاف سنی زوج ها ۳/۷ سال است، در حالی که ۳۰ سال پیش میانگین این اختلاف شش سال بوده و بر اساس آمار میانگین، سن ازدواج پسران در ۲۰ سال گذشته ۲۵ سال بوده که اکنون به ۲۵/۹ رسیده و در دخترها از ۱۸ سال به ۲۱/۹ رسیده است. معاون فرهنگی-اجتماعی سازمان ملی جوانان از افزایش ۹ درصدی ازدواج و پنج درصدی طلاق نسبت به سال گذشته خبر داد و گفت: اعتیاد، مسائل اقتصادی و سازگاری و تفاهم نداشتن، بیشترین عامل ثبتی و اعلامی آمار طلاق از سوی زوجین است. وی با اشاره به اینکه فرآیندهای الگوسازی در جامعه در امر همسریابی نیازمند بازنگری است گفت: تسهیلات و حمایت از ازدواج از محورهایی است که نیازمند تقویت و توسعه آن به ویژه در حوزه مسکن، اشتغال، از سوی دولت است

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

یکشنبه 19 آبان1387 ساعت: 23:16

با سلام،
به قول ما شیرازی ها: دنیا رفته سر کار.(اصطلاحی که وقتی کسی رو سراغ یک کار بیهوده میفرستند اطلاق میشود)
وقتی این روزها به تلوزیون. اینترنت. ماهواره و .... نگاه میکنم میبینم که همه ی مردم دنیا سرگرم دیدن از یک کارناوال بزرگ و رنگارنگ هستند. اینم یه ورژن جدیدش.
جشنواره ی زیبا ترین بز دنیا.
http://news.xinhuanet.com/english/2008-10/31/content_10287952_1.htm

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

یکشنبه 19 آبان1387 ساعت: 23:17

سيماي جمهوري اسلامي ايران بعدازظهر 8 آبان در اقدامي بي سابقه پس از انقلاب در يكي از پربيننده ترين برنامه هاي كارتوني كودكان، آموزش كامل توليد مشروب الكلي را به تصوير كشيد.

ساعت 16.30 دقيقه بعدازظهر 8 آبان در كارتون پرمخاطب "پت و مت" در شبكه دوم سيما، در اقدامي تعجب برانگيز، يك بار چگونگي فرآيند توليد شراب از ابتداي كار يعني از چيدن انگور، و بار ديگر آوردن دستگاه تقطير و گرفتن "عرق" تا مصرف آن و متاسفانه حتي به هم زدن گيلاسهاي مشروب و سپس مست شدن دو شخصيت كارتوني محبوب بچه ها نشان داده شد.

تني چند از هموطنان نسبت به پخش اين انيميشن بشدت اعتراض كردند و با تقبيح اين عمل ناشايست، خواستار عذرخواهي رسمي مسئولان عالي صداوسيما و بركناري عاملان پخش اين برنامه شدند.

خبرنگار كيهان در تماس با مركز پيام روابط عمومي صداوسيما (162)، مطلع شد كه مردم هوشيار كشورمان در تماسهاي مكرر با اين مركز نيز اعتراضهاي شديد خود را اعلام كرده اند. مركز 162 به خبرنگاركيهان گفت: گزارش كامل اين اتفاق و

تماسهاي فراوان مردم نگران را براي مقامات بالاي سازمان ارسال كرده اند. گفتني است در فهرست ريز برنامه هاي اعلام شده كودك و نوجوان از سوي صداوسيما در بعدازظهر روز 8 آبان برنامه پت و مت وجود نداشت.
منبع: تابناک

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

یکشنبه 19 آبان1387 ساعت: 23:32

مهریه یجالب دختران علیرضا افتخاری
http://www.bekhon.com/?txt&code=1994
تجارت زنان در اسراییل
http://www.bekhon.com/?txt&code=2051
عکس از کیک هایی به مناسبت طلاق گرفتن
http://www.bekhon.com/?txt&code=2059
زني مهريه 99 هزار و 999 سكه يي خود را اجرا گذاشت
http://www.bekhon.com/index.php?txt&code=1927
حالا اگر کسی جرات داره بره زن بگیره.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 19 آبان1387 ساعت: 23:1

آقای عابدی. مطالب ارسالی رسید. بی نهایت ممنونم و خسته نباشید.

آقای دهقانی. مطالب جالبی بود. خدا آخر و عاقبت این تلویزیون ملی را به خیر کند!!؟

نویسنده: محمود بجانی

دوشنبه 20 آبان1387 ساعت: 8:47

با سلامی بر بزرگمرد خستگی ناپذیر مسلمان
جناب استاد پورپیرار عزیز - اکنون با افتخار تمام شما را به عنوان یک استاد تام خطاب می کنم قبل از شما با تفکرات علامه جعفری خیلی انس داشتم و اکنون پس از این فقید بزرگ شما را استاد بزرگ خطاب می نمایم - وقتی مطالب شما در خصوص زیبایی را خواندم هر چند کوتاه - دیدم که تنها کسی که آشنایی کامل و مخلصانه با قرآن داشته باشد می تواند چنین نظری بدهد - علامه فقید در خصوص زیبایی می گوید : زیبایی پرده نگارین و شفافی است که بر روی کمال کشیده شده است و سپس زیبایی ره به دو نوع معقول و محسوس تقسیم می کند . و به نقل از بالزاک می نویسد : اکنون عشق در خیابانهای پاریس از دو چشم و دو ابرو شروع می شود و در خیابانی خلوت با سستی به پایان می رسد : عشق یعنی درشکه کرایه ای در پاریس...
می بینم که استاد بزرگوار شما نسخه اصیلی از قرآن بر همگان عرضه می دارید در حالی که جماعتی غافل در ساقی سیم ساق حافظ مانده اند ...
و آن را در قنوتهایشان می خوانند ..
راستی در آن آیه تطهیر که تنبیه گفته اید ضمیر جمع مخاطب مذکر چه می شود :
انما یریدالله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت : عنکم چگونه تنها به زنان پیامبر قابل تطبیق است؟

نویسنده: احسان سولدوزی

دوشنبه 20 آبان1387 ساعت: 12:11

سلام استاد خسته نباشید
اینها ترک اند یا هندی؟!!!
سلطان سلیم عثمانی
http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/thumb/d/db/Selim_I.jpg/200px-Selim_I.jpg
شاه عباس صفوی
http://i9.tinypic.com/4qs6uc4.jpg
شاهان موهومی که زبان مادریشان ترکی ولی زبان مورد علاقه شان فارسی بوده و ظاهرشان هندی!

نویسنده: بابک

دوشنبه 20 آبان1387 ساعت: 12:15

استاد عزیز
حتما سری بهآنجا بزنید. به غیر از آثاری که گفتم شهر کوچکی هم بود که به خاطر پیشروی دریا زیر آب رفته بود. بنای قلعه ای در بالاترین نقطه این شهر قرار داشت که راهنمایان ادعا داشتند که مربوط به خاندان عربی با نام خاندان شیخ نصوری بود. وقتی عکس این عرب را با خاندانش نگاه کردیم چهره ها بیشتر شبیه اروپایی ها بودند. نه لباس و نه قیافه این خاندان به اصطلاح عربی هیچ شباهتی به عربها نداشت والله من هیچ شیخ عربی ندیده ام که حتی یک عکس هم با لباس عربی نیندازد تمام عکسها با کت و شلوار و کراوات بود... فکر کنم از سادگی و بیسوادی مردم مظلوم آن منطقه استفاده کرده و شیطنت کرده اند. چون ای شیخ به اصطلاح عربی از زمان قاجاریه مشغول چپاول و استثمار مردم ستمدیده آن دیار بوده است و با بنای قلعه ای در بالاترین نقطه منطقه بر تمامی منطقه مسلط بوده است.

نویسنده: ارسلان

دوشنبه 20 آبان1387 ساعت: 19:6

/http://shirinnazkhatoon.blogsky.com
اشاره به قتل عام پوريم در يك وبلاگ

نویسنده: توحید

دوشنبه 20 آبان1387 ساعت: 19:33

جناب عدنان

آدرس شروع بحث پیرامون وجود2یوسف در قرآن به قر ار زیر است :

postid=46&http://naria5.blogfa.com/comments/?blogid=naria5

(ایران شناسی171)

وب سایت

نویسنده: پارلا

دوشنبه 20 آبان1387 ساعت: 19:46

لنگرگاه ديروز دزدان دريايي، تفرجگاه امروز توريست‌هاي ايراني

http://tabnak.ir/pages/?cid=24761

حتما ببینید نظرات جالب تر از خود خبر هست !!!!!!!؟؟؟؟

نویسنده: اتفاق

سه شنبه 21 آبان1387 ساعت: 0:12

سلام آقای عابدی
دو مطلب :
1) سایت WWW.Naria.Ir ظاهرا خراب شده است . اگر کار و کمکی از ما بر می آید ، فروگذار نخواهیم بود .
2) با بررسی هائی که انجام دادم ، بجز چند یادداشت ، تمام دیگر یادداشت های موجود در آرشیو مرا شما دارید . انشاء ا... پس از ارسال یادداشت های 6 ماه اول 84 که امیدوارم مرا از دریافت آن محروم نکنید ؛ بررسی نهائی را انجام خواهم داد و اگر یادداشتی در آرشیو من بود که در رپرتوار شما وجود نداشت ، خدمتتان ارسال خواهم کرد .

نویسنده: اتفاق . 1 از 4

سه شنبه 21 آبان1387 ساعت: 0:14

یادی از گذشته
دیشب ، نیمه های شب ، یادداشت های قدیمی ناصرخان را می خواندم و مشعوف می شدم و گهگاه خون از تاریک فکران به جوش می آوردم ، که حاضرجوابی های مستدل و مدلل استاد در دیالوگ زیر ، نظرم را سخت جلب کرد . پس حیفم آمد دوستان را از قرائت آن بی نصیب گذارم :

*****

بخش ساسانیان از مجموعه کتاب های «تاملی در بنیان تاریخ ایران» به وسیله بررسان کتاب وزارت ارشاد اسلامی مهر ضاله خورد!!!

چند هفته‌ای پیش بخش اول کتاب «ساسانیان» را به وزارت ارشاد برای بررسی و اجازه چاپ فرستادم. تصورم این بود که کتاب به دشواری از سد فرهنگی ـ اداری وزارت ارشاد خواهد گذشت. زیرا می‌دانستم که سازندگان تاریخ دروغین و بزک کرده‌ی ایران پیش از اسلام، با کانال‌هایی که در وزارت ارشاد دارند، به مطالب آن پی خواهند برد و از آن جا که بی تردید انتشار کتاب ساسانیان با بر چیده شدن کامل افسانه سرایی‌های باستان پرستان و تلقینات یهودیان درباره‌ی تاریخ پیش از اسلام ایران برابر خواهد شد، خواهند کوشید حتی‌الامکان مانع چاپ و انتشار آن شوند.
اما هرگز تصور نمی‌کردم که وزارت ارشاد جمهوری اسلامی، با کتابی که به هویت و تاریخ ایرانیان پرداخته، انبوهی سئوالات نو در خصوص تمدن کهن ایران و پیشینه و سرنوشت شرق میانه پیش و پس از اسلام پدید آورده و اینک مرجعی جهانی برای مطالعه‌ی تاریخ ایران شناخته می‌شود چنین برخوردی کینه توزانه و بی منطق را جایز شمرد، که برای من این تصور را پدید آورد که کسانی در وزارت ارشاد صلاحیت اداره و حفاظت و نظارت بر کتاب را ندارند و نه ساز فرهنگ و دانایی و رشد اندیشه، که ساز تمایلات گروهی و شخصی خود را می نوازند.
باری، سه روز پیش بالاخره خبر دادند که کتاب ساسانیان من، اجازه‌ی انتشار نخواهد گرفت و غیر مجاز شناخته شده است و مرا به حضور مسئول مربوطه راهنمایی کردند. مدتی در پشت بارگاه ایشان انتظار کشیدم که زمان آن به نظرم بسیار طولانی و غیر معمول بود. بالاخره به حضور ایشان بار یافتم و قسم می‌خورم که مکالمه‌ی زیر تصویر سالم آن گفت‌وگویی است که بین من و ایشان گذشته است.

نویسنده: اتفاق . 2 از 4

سه شنبه 21 آبان1387 ساعت: 0:14

مسئول مربوطه در اولین جمله و پیش از این که حتی خودم را معرفی کنم، گفت:
ـ شما چه دشمنی با ایران پیش از اسلام دارید؟
ـ شما چه دوستی با تاریخ دروغین ایران پیش از اسلام دارید؟
ـ شما غرور مردم ما را جریحه‌دار کرده‌اید؟
ـ مگر غرور مردم ما به تاریخ ایران پیش از اسلام مربوط می‌شود؟
ـ شما تفسیر علامه‌ی طباطبایی را نخوانده‌اید، که چه قدر از کوروش ذوالقرنین ستایش کرده‌اند؟
ـ علامه طباطبایی مفسر قرآن‌اند نه مورخ و تحت تأثیر تبلیغات جدید بوده‌اند. ذوالقرنین در اسناد کهن اسلامی و تا همین ۸۰ سال پیش اسکندر بوده است، این جا به جایی اسکندر با کورش از توطئه های اخیر همان سازندگان تاریخ دروغین پیش از اسلام ایران است.
ـ شما همه را عصبانی کرده‌اید.
ـ مگر عصبانیت دیگران موجبی برای عدم صدور مجوز چاپ کتاب است؟
ـ شما حتی آقای رئیس جمهور را هم عصبانی کرده‌اید!!!
ـ اولاً که عصبانیت آقای رئیس جمهور هم موجب عدم صدور مجوز کتاب نیست و بعد هم جایی نشنیده‌ام که ایشان ابراز کرده باشند که از نوشته‌های من عصبانی‌اند.
یکی از آن پوشه‌های پلاستیکی کنار دست‌اش را باز کرد و قسمتی از نطق رئیس جمهور را در جایی خواند که ایشان به طور تلویحی تمدن ایران پیش از اسلام را ستوده بودند. کاملاً معلوم بود که از پیش برای رویارویی خود را مجهز کرده است.
ـ عقیده و علاقه‌ی تاریخی رئیس جمهور شخصی است، نه مستند تاریخی.
ـ شما که کسی را قبول ندارید.
ـ پیشرفت و اقتدار حقیقت همیشه با در افتادن و ستیزه با افکار رسمی آغاز می‌شود. اگر جز این بود آدمی هنوز در غارها زندگی می کرد.
ـ همه از شما انتقاد می‌کنند.
ـ پس چرا انتقادات‌شان را چاپ نمی‌کنند تا مردم از شیوه انتقاد آنان آگاه شوند؟
ـ پس لابد شما نمی‌خوانید، روزنامه‌ها و مجله‌ها پر از انتقاد از شماست.
ـ متأسفم که یک مسئول کتاب از پایه با کتاب و برخوردهای اجتماعی با آن بیگانه است و درباره کتابی که دستور عدم چاپ اش را صادر کرده، چیزی نمی داند.
ـ شما می‌دانید که کتاب‌های شما را ترک‌ها ترجمه کرده‌اند؟

نویسنده: اتفاق . 3 از 4

سه شنبه 21 آبان1387 ساعت: 0:15

ـ خوب اشکال این قضیه کجاست؟ ضمن این که در حال حاضر بخشی از ترک ها از مخالفین کتاب های من محسوب می شوند و بد نیست آن ها را هم به فهرست ناراضیان از نوشته های من اضافه کنید ولی نارضایتی از یک کتاب تحقیقاتی

هراندازه هم که گسترده باشد، باز هم دلیلی برای توقیف انتشار آن نیست.
ـ چرا ترک ها مخالف کتاب های شما شده اند؟
ـ برای این که مورخین نام دار آذربایجان پیش خود خیال کرده بودند که امپراتوری اشکانی یک امپراتوری ترک بوده و روی این مطلب سال‌ها مانور داده‌اند، حالا با کتاب‌های من معلوم شده که اشکانیان اصولاً یونانی بوده‌اند.
ـ کجا چنین چیزی ثابت شده؟
ـ در آخرین کتاب من به نام اشکانیان.
ـ به هر حال تشخیص من این است که کتاب‌های شما به غرور ملی لطمه می‌زند و طبق آیین نامه اجازه‌ی انتشار نمی‌گیرد.
ـ اگر منظورتان از غرور ملی باور حقه‌های یهود ساخته درباره‌ی ایران پیش از اسلام است، سعی من این است که اثبات کنم این غرور دروغین و بی‌پایه است.
ـ تا مملکت تجزیه شود؟
ـ اگر مملکتی با تحقیق تاریخی یک محقق و مورخ تجزیه می‌شود، آن مملکت اصولاً پایه‌های اتحاد محکمی ندارد ولی من خلاف شما تصور می‌کنم که تحقیقات من موجب مودت بیش‌تر و استحکام وحدت ملی شده است. اگر کتاب من برابر قانون و آیین نامه مطالبی دارد که مجاز به انتشار نیست شما باید به طور مشخص معلوم کنید که کدام سطر و پاراگراف، صفحه و یا فصل کتاب من به قول شما غرورملی را جریحه دار کرده، وگرنه کارتان غیر قانونی و جرم است و مجبورم از شما شکایت کنم. وانگهی بد نیست بدانید که در حال حاضر یهودیان بزرگ‌ترین مخالفین کتاب‌های من‌اند و دستور سکوت درباره‌ی این کتاب‌ها را شورای جهانی یهود داده، همان سکوتی که لج بازانه در مطبوعات ایران با دقت تمام رعایت می‌شود.
ـ به هر حال ما به کتاب شما اجازه نمی‌دهیم. شما می‌توانید شکایت کنید، ولی من خیلی میل دارم آن دستور یهودیان را ببینم.
ـ آن دستور در سایت‌هاست، ولی من باید به کجا شکایت کنم!
ـ به خود ما!!!
ـ خوب من شکایت نامه، آن دستور یهودیان و یک دوره از کتاب‌های خودم را فردا برایتان می‌آورم و تعجب می کنم شما که از مجموعه کتاب های من هیچ اطلاعی ندارید و سطری از آن را نخوانده اید چه طور با این حرارت علیه آن حرف می زنید؟
ـ بسیار خوب، بیاورید.

نویسنده: اتفاق . 4 از 4

سه شنبه 21 آبان1387 ساعت: 0:16

اما دیروز که همه‌ی این‌ها را به دفتر ایشان بردم، پس از این که به طور دقیق دو ساعت و پانزده دقیقه انتظار کشیدم، بالاخره هم مرا به اتاق‌شان راه ندادند و گفتند که دوشنبه‌ی هفته‌ی دیگر رجوع کنم.
اینک خطاب مستقیم من به وزیر ارشاد اسلامی است. ایشان در دفاع از کتاب «فرهنگ لغات مخفي» در مجلس گفته بودند که محتوای هر کتابی تعدادی خواننده و علاقه‌مند دارد و مجاز نیستند علاقه مندان هیچ کتابی را از مطالبی که می‌پسندند محروم کنند. شاید ایشان و مسئولین برگماشته ایشان خیال می‌کنند کتاب‌های جدی و تحقیقی علاقه‌مند ندارد و به همین دلیل ادامه‌ی انتشار مجموعه‌ی تأملی در بنیان تاریخ ایران را ضروری نمی‌دانند!
ضمناً می‌خواهم از آقای رئیس جمهور بپرسم اگر میلیاردها تومان را صرف اداره‌ی دستگاهی به نام «مرکز گفت‌و گوی تمدن‌ها» می‌کنند، خود را شخصیت دموکرات با فرهنگ و طرفدار مسالمت و تبادل نظر می دانند، چه طور اجازه می دهند سخنان‌شان دست‌آویز مخالفان رشد اندیشه و نظر باشد. مگر این که چنان که شایع است و آن مسئول کتاب در وزارت ارشاد نیز تایید می کرد، آقای رئیس جمهور نیز شیفته ایران پیش از اسلام باشند که تمام اطلاعات موجود درباره آن ساخت نوین مورخین یهود است و سطری اشاره درست در میان آن ها نیست. من پیوسته نوشته ام که روحانیت کورش دوست و پیش از اسلام پرست، از حیرت انگیزترین پدیده های ایران کنونی است!
مخالفین کتاب‌های من، از آن جا که کلامی در رد آن ها ندارند، برای ممانعت از ادامه‌ی انتشار این کتاب‌ها به شدت فعال شده‌اند و سخت به تکاپو افتاده‌اند، تا شاید از این راه نفسی به راحت کشند. به خصوص که با خبر شده‌اند بخش ساسانیان این کتاب‌ها دکان و بازار آن‌ها را نه فقط کساد که به کلی تعطیل خواهد کرد. به گمانم اگر کتاب‌های من موافقینی نیز دارد، اگر احساس وظیفه‌ای در برابر ابراز حقایق تاریخی ایرانیان دارند، به‌تر است که به وزارت ارشاد برای توقف ادامه‌ی انتشار این مجموعه اعتراض کنند.

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 21 آبان1387 ساعت: 2:24

آقای اتفاق. ممنون یادآوری شد که در بخش فرهنگی با چه تحفه هایی طرفیم. گمان می کنم مجلدات بعد معجم البلدان هنوز چاپ نشده باشد.

آقای بابک. در برنامه دارم و اگر خدا بخواهد و وسیله ی آن فراهم شود و عمر برقرار باشد، تا نوروز انجام خواهد شد.

آقای احسان سولدوزی. ممنون. به نظر شما از میان شاهان مغول هندوستان، سلاطین صفوی و یا خلفای عثمانی کدام یک بیش تر به هندوان شبیه اند؟ بعضی ها که عمامه و گوشواره ی هندیان را هم دارند!

آقای حذف. راه حل این مطالب بیرون انداختن آن نیست. باخبران از همه چیز آگاه اند. ضمنا امروز حسابی خجالت زده شدم. انشاٌ الله عروسی جبران خواهم کرد.

نویسنده: سام وان

سه شنبه 21 آبان1387 ساعت: 7:5

سلام بر استاد ودوستان
اخیرا" مجوزانتشار مجله فرهنگی دانشجویی توسط عده ای از دوستان بنیان اندیش اخذ شده قصد بر ان است که دراین نشریه از عقاید بنیان اندیشان ,افشای یهودیت پست واز مطالب استاد به صورت مقالات تحقیقی استفاده شود از استاد ودوستان خواهشمندیم که نام لایق ومناسب حال ودر راستای این فعالیت را پیشنهاد کنند. ممنونیم

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 21 آبان1387 ساعت: 8:23

آقای سام وان. "باز اندیشی" و یا "بنیان" چه طور است؟

نویسنده: آیدین یاشار

سه شنبه 21 آبان1387 ساعت: 12:18

به قول معروف با سلامی دوباره
من در مورد داستان مراجعه آقای اتفاق به وزارت ارشاد دچار ابهام شدم. به نظرم آمد که ایشان همان استاد پورپیرار هستند. ولی در کامنت دیگری استاد از آقای اتفاق تشکر کردند. اگر دچار وهم شده‌ام، لطفا به من کمک کنید. اما این که کتابهای استاد بوسیله ترکها ترجمه شده است، من نفهمیدم این موضوع چه ربطی به ضاله بودن کتاب دارد. مگر کتابهائی که فارسها نوشته‌اند یا ترجمه کرده‌اند، ضاله ندارد؟ به نظر من ترکها از سنگرداران اصلی فرهنگ و استقلال کشورند. این موضوع چند سبب دارد که یکی از آنها را من شرح میدهم. اکثریت ترکان ایران دست کم دوزبانه‌اند. تحقیقات علمی نشان داده است که دوزبانگی قدرت تفکر را افزایش میدهد. افراد دوزبانه روابط منطقی را بهتر درک میکنند و حوزه‌های جدیدی از تفکر را کشف میکنند که در توان افراد تک زبانه نیست. اکثریت روشنفکران فارسی زبان ما از این نعمت محرومند، زیرا مثل آن مسئول وزارت ارشاد، زبان ترکی را ضاله و زائد میدانند و زبان عربی را نیز نشانه فلاکت برای زبان فارسی تشخیص میدهند. به نظر من روشنفکر ایرانی پیش و بیش از زبان انگلیسی یا فرانسه، نیاز به یادگیری زبان ترکی و عربی دارد.

نویسنده: sadegh

سه شنبه 21 آبان1387 ساعت: 14:56

با سلام خدمت استاد گرامی و تمامی دوستداران حق وصبر

با اجازه استاد و اگر جسارت نباشد ، استاد پور پیرار و جناب سام وان ، واژه ی ((بنیان)) دارای فخامت و ژرفای معنایی بیشتری و تداعی کننده آیه ی((کالبنیان المرصوص)) می باشد در ضمن به نظر این حقیر اگر واژه ((اندیش)) نیز به آن اضافه شود با مسمی تر، زیباتر و معرفی دقیق تری ازموضوع نشریه خواهد نمود علاوه بر آن دارای وزن وآوای مناسبی خواهد داشت.
تا نظر استاد ودیگر دوستان بنیان اندیش چه باشد .

با آرزوی موفقیت

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 186

ایران شناسی بدون دروغ،186، دیدار از اندونزی 9، با نگاهی به چین 65 - نظر

نویسنده: نیوکامر

جمعه 24 آبان1387 ساعت: 16:18

جالبه واقعاّ. استاد یعنی خود چینیها در مورد دیوار چین چیزی نمیدونند تا مورخهای غربی اینقدر براشون تاریخ سازی کنند؟

نویسنده: علی

جمعه 24 آبان1387 ساعت: 19:24

آقای پورپیرار
آیا کلمات تورات و انجیل که در قرآن به کار گرفته شدند رو میتونیم کتاب تلقی کنیم یا اینکه منظور از این کلمات کتابهایی هستند که نزد پروردگار هستند و دقیقاً مثل قرآن که در آیاتی گفته میشه این آیات از کتاب مادر قران که در نزد خداست به پیامبر وحی میشه, بصورت ذکرهایی نزد مردم اون زمان بوده؟

نویسنده: مسعود

جمعه 24 آبان1387 ساعت: 21:12

سلام علیکم و رحمه الله

خواهشمندم تشکرات و تبریکات صمیمانه بنده را بخاطر این پرده برداری جدید از نقاب کریه شیطانیان کره ارض که اینبار دروغ بزرگ "دیوار چین " را بر ملا کرده است پذیرا باشید...

واقعا" زبان و قلم از تحسین تیز هوشی و حقگویی تان قاصر است .

بهتر است گفت : مبارک باد بر "بشریت" این پرتو چشم نواز نور معرفت !

اینهم چند تصویر از "جاده عظیم چین" که این حقیقت را میرساند که سرزمین شمالی و مرکزی چین مطابق فرمایش شما در معرض سیل و برف و شن و به زیر گل و شن رفتن جاده هاست :

http://people.ce.gatech.edu/~mhbergin/img/Zhenbeitai_Yulin.jpg

http://www.cherokeefarms.net/GreatWall2002c.jpg

http://image34.webshots.com/35/8/45/41/248384541xIuIEk_fs.jpg

همچنین نقشه دیوار کنونی در شمال چین :

http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/9/9d/
Map_of_the_Great_Wall_of_China.jpg

در پناه پروردگار واحد از گزند شیاطین بدور باشید.

نویسنده: سرباز

جمعه 24 آبان1387 ساعت: 21:55

استاد شما محشرید!

می ترسم آخر سر ثابت کنید به غیر از اهرام مصر هیچ شاهکار معماری کهنی وجود ندارد!!!

نویسنده: مسعود

جمعه 24 آبان1387 ساعت: 23:59

شب شما بخیر جناب استاد عزیز .

ترسیم بخشهای موجود از جاده عظیم چین بر روی عکس ماهواره ای :

http://www.drben.net/ChinaReport/Sources/China_Maps/China_Empire_History/Map-Great-Wall-China-Location-Length-Passes.html

نکته جالب به نظر من اینکه این جاده طولانی از غربیه طرف شرق نهایتا" به خلیج " بوهایی" ختم میشود و میرساند اگرحمل و نقل و داد و ستد کالایی در کار بوده باشد بایستی با کشتی به جای دیگری مثلا" جزایر ژاپن انتقال می یافته باشد !

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

شنبه 25 آبان1387 ساعت: 0:34

با سلام.
چند سوال داشتم.
1. اگر این راه یک راه تجاریست, پس چرا یک سمت این دیوار را به صورت حصار در آورده اند و سمت دیگر آن لبه ای تخت دارد؟
2. حتما در این راه ارابه هم عبور می کرده است, اما میبینیم که در راه رو این بنا هر کجا که شیب وجود دارد پله ساخته اند

که عملا حرکت ارابه را غیر ممکن میکند خصوصا وقتی که وزن بار را هم به آن اضافه کنیم.
3. قدمت واقعی این بنا مشخص نیست؟
البته باید گفت که اگر این دیوار در اصل یک راه ارتباطی است, سفری با ضریب امنیت بالا را برای مسافران آن زمان فراهم می کرده است. چون نه خطر سرما و گرما, نه حیوانات درنده, نه پرتگاه های خطرناک و ... هیچ اسیبی به مسافران وارد نمی کرده است.
با تشکر.

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 25 آبان1387 ساعت: 0:37

آقای دهقانی. سئوال اول شما کاملا مفهوم نبود. ضمنا پله های موجود در شیب ها را برای سهولت گذر توریست ها اضافه کرده اند در عین حال که عبور از این همه مسیر بدون اسب و ارابه و با پای پیاده ممکن نبوده است. برای یافتن قدمت این ابنیه باید اندکی دیگر حوصله کنید.

آقای مسعود. از الطاف و زحمات و راه نمایی های شما بسیار ممنونم.

نویسنده: علوی

شنبه 25 آبان1387 ساعت: 3:34

دیدار احتمالی آتی پاپ و اسقف اعظم روسیه در باکو

http://pe.rian.ru/religion/christians/20081110/118222863.html

باکو، 20 آبان، خبرگزاری «ریا نووستی»/ دیدار پاپ "بندیکت شانزدهم" رهبر کاتولیک های جهان و "الکسی دوم" اسقف اعظم مسکو و سراسر روسیه احتمالا سال آینده در چارچوب اجلاس سران ادیان جهانی که قرار است طی روزهای 30 اکتبر لغایت 2 نوامبر در باکو تشکیل شود، برگزار گردد.

به گزارش خبرگزاری «نووستی-آذربایجان» این مطلب را نمایندگان کلیساهای ارتدوکسال و کاتولیک به خبرنگاران اطلاع دادند.

اسقف الکساندر رهبر کلیساهای باکو و حاشیه دریای خزر گفت: در حال حاضر مسائل مهمی در دست تنظیم است که دیدار بی نظیر "الکسی دوم" اسقف اعظم مسکو و سراسر روسیه و پاپ بندیکت شانزدهم رهبر کاتولیک های جهان برگزار شود.

یان چاپلا نماینده کلیسای کاتولیک در آذربایجان گفت که باید برای انجام این دیدار باید تدارک جدی دید.

وی گفت: ما امیدواریم که چنین دیداری در باکو برگزار شود.

نویسنده: نادر

شنبه 25 آبان1387 ساعت: 7:22

بررسي جديد لايه هاي باستان شناختي تاييد مي كنند كه برخلاف آنچه در گذشته گفته شده، هيچ اثر متعلق به «مادها» در اين تپه باستاني كشف نشده است.

«دكتر مسعود آذرنوش سرپرست هيئت كاوش هاي باستان شناسي هگمتانه كه در سمينار بررسي لايه شناسي تپه هگمتانه در دانشگاه شهركرد سخن مي گفت: افزود: «سال پيش در يك نقطه از تپه هگمتانه كاوش انجام شد و نتيجه آن بود كه هيچ نشانه اي از حضور مادها در اين تپه باستاني شناسايي نشد. به همين منظور امسال نيز 5 گمانه ديگر در نقاط مختلف تپه ايجاد شد، اما نتيجه همان نتيجه سال پيش بود.» وي افزود: «در محدوده گمانه هاي زده شده به طور قطع مي توان گفت كه هيچ اثري دال بر وجود آثار غيراز دوره اشكاني در تپه هگمتانه يافت نشده است. همچنين در لايه نگاري سال پيش كه در محوطه اي به وسعت 100 مترمربع انجام گرفت، بقايايي از دوره اشكاني به دست آمد كه نشان مي دهد سازه هاي شهري روي اين تپه باستاني در دوره اشكانيان مورد استفاده قرار مي گرفته است.
آذرنوش گفت: «در تمام گمانه هاي ايجاد شده تا خاك بكر پيش رفتيم و جز آثار دوره اشكاني اثر ديگري يافت نشد.» وي يادآور شد: «محدوده تپه هگمتانه 35 هكتار است و هميشه اين احتمال وجود دارد كه لايه هاي باستاني غيراز آنچه كشف شده در نقطه ديگري از تپه ديده شود. نظريه كنوني در محدوده گمانه زني هيئت باستان شناسي ايراد شده است و شايد

در نقطه ديگري آثار مادي وجود داشته باشد.»
شايان ذكر است در اين سمينار كه به همت انجمن علمي باستان شناسي دانشگاه شهركرد برگزار شد از خدمات دكتر آذرنوش به باستان شناسي كشور تجليل شد.

نویسنده: روشن

شنبه 25 آبان1387 ساعت: 11:17

استاد محترم با سلام و عرض خسته نباشید و مخصوصا تبریک برای رونمائی جدیداز

دغل بازیهای باصطاح مورخ و تاریخ تمدن نگار کنیسه ای و کلیسائی خداوند بشما

طول عمر با سلامتی عنایت بفرماید تا از حقایق بیشتری پرده بردارید

نویسنده: علی

شنبه 25 آبان1387 ساعت: 11:18

آقای پورپیرار
چرا جواب این سوال منو نمیدید.
آیا توراتی که در قرآن بحثش جاریه , یک ذکره یا یک کتابه
چون جلوی تورات اصلاً واژه کتاب به کار نرفته, آیا میشه کلمه توراتی که در قرآن به کار رفته رو کتاب تلقی کرد؟
در سوره 48 آل عمران یک همچین آیه ای وجود داره
و به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل می‌آموزد

آیا جدا بودن واژه های کتاب و تورات و انجیل رو میشه بدین شکل تعبیر کرد که تورات و انجیل اصلاً نوشته نیستند؟

نویسنده: تلمیذ

شنبه 25 آبان1387 ساعت: 12:22

سلام استاد
واقعا" بی نظیرید.بی نظیر!همین!

نویسنده: مهدي - مهدي

شنبه 25 آبان1387 ساعت: 12:27

جناب آقاي پورپيرار،

از درايت شما و حق شما بر گردن خلق خدا، بهتر است چيزي نگويم تا از سر قصور خبطي نكرده باشم.
به نظر بنده بهتر بود به ويكي پدياي انگليسي يا كتب آكادميک استناد مي كرديد تا به بهانه كم سوادي ايجاد كننده و ويرايش كننده مدخل فارسي ويكي پديا غار و غور براه نياندازند. ضمناً بهتر است لينک زير را در ذيل نقل قول هايتان از ويكي پدياي فارسي اضافه كنيد تا در صورت ويرايش و تصحيحات آتي در مدخل ويكي پديا، معلوم شود كه شما به كدام نسخه استناد كرده ايد:
http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D8%AF%DB%8C%D9%88%D8%A7%D8%B1_%DA%86%DB%8C
oldid=1628630&%D9%86

ارادتمند
مهدي

نویسنده: مهدي - مهدي

شنبه 25 آبان1387 ساعت: 12:55

جمعیت مغول ها را در سال 2007 کمتر از سه میلیون نفر اعلام کرده اند. بقیه اش را خودتان حساب کنید.

نویسنده: رضا

شنبه 25 آبان1387 ساعت: 13:9

با سلام خدمت استاد محترم و دیگر دوستان
اگرچه در طی متن مطلب فرموده اید که " هرچند نمی توان این محاسبه ی دقیق ریاضی را با جیغ و داد و ادا و اطوار و قهر و کج نشستن و از این گونه دلقکی ها رد کرد و ندیده گرفت، اما مورخ این محاسبات را برای دفاع از صحت و دقت آن مطرح نمی کند، بل ملیّنی می شمارد تا هضم مباحث آتی در مدخل جاری را میسر کند و محرکی می گیرد تا در باب تاریخ نگاشته های کنونی تامل کنیم،"و بدین ترتیب هرگونه صحبتی در مورد مسئله را با تعیین حکم قبلی مسدود نموده اید ، اما از آنجا که صحت تمامی احکام بعدی در صحت همین پیش فرض نهفته است ، جسارت می کنم و اجازه میخواهم آنچه به فکرم رسیده است باز گوکنم تا شاید با توضیح جنابعالی یا دیگر دوستان موضوع بازتر و ذهن بنده روشن تر شود.
مسئله افزایش جمعیت جهان (هرقرن سه برابر) مسئله ایست که ظاهرا در کل موضوع قابل قبول و قابل فهم است ، مثلا این موضوع را در مورد جمعیت کلی آمریکا که بررسی می کنیم چنین تصویری حاصل میشود: آز آنجائیکه امریکا کشوریست که در طی 400 سال گذشته رشد و نمو یافته است پس بررسی جمعیتی آنجا راحت تر از دیگر کشورهاست . درسال 1915 جمعیت آمریکا 100میلیون بود که در سال 1967 دوبرابر و در سال 2008 به 300 میلیون رسیده است یعنی تقریبا در 95 سال سه برابر شده است.اما در نگرش به اجزاء مسئله موارد ذیل حاصل و مورد سوال باقی می ماند:
- این افزایش جمعیت شامل مهاجرت های زیادی از مردم اروپا و آسیا است و با روش فوق ملاحظه می شود که در سال 1636 آمریکا جمعیتی در حدود 3.700.000 نفر داشته است که خطاست.

وب سایت

نویسنده: رضا

شنبه 25 آبان1387 ساعت: 13:10

ادامه....- جمعیت سرخپوستان آمریکا در حال حاضر4.5میلیون نفر است که با همین حساب باید در حوالی سال 1630میلادی 55.000نفر باشد البته اگر قتل عام شدگان سرخپوستان را محاسبه نمائیم که اعداد کلا تغییر یافته و نتیجه در جهت افزایش شبهات و سوالات تقویت میشود.
- اگرجمعیت یهودیان جهان ، در زمان خشایارشا حداقل 100نفر در نظر بگیریم و در هرقرن افزایش جمعیت یهود را بجای سه ، دوبرابر قبول کنیم باید در حال حاضر جمعیتی معادل بیش از نیمی از جمعیت دنیا یعنی تقریبا 3.4 میلیارد نفر یهودی داشتیم که البته تبدیل دین خزر ها و جمعیت آنها را بحساب نمی آوریم. مگر اینکه معتقد به هولوکاستی بسیار بیشتر از آنچه ادعا دارند ، باشیم که اینهم میدانیم غیرممکن و نادرست است.
- اگر تصور کنیم که در منطقه آناتولی بعد از طوفان نوح همه مردم مردند و تنها 2 زوج انسان از کشتی پیاده و شروع به رشد و نمو کردند و این اتفاق را در 3500 سال قبل در نظر بگیریم با دو برابر شدن این مردم در هر صد سال ، اینک جمعیتی بیش از 137میلیارد حاصل آن زاد و ولد میبود.
- اگر بخواهیم قبول کنیم که در ابتدای قرن یازده میلادی جمعیت جهان تا این حد اندک بوده است ، پس اصلا در ابتدای قرن میلادی قومی در حیات نبوده است که خداوند بخواهد مسیحی برای هدایت آن قوم بفرستد و به همین ترتیب اصلا جمعیتی برای تمدنهای بین النهرین و اروپا و چین پیش از 2500سال قبل متصور نیست .
بنابراین به نظر میرسد، در مورد افزایش جمعیت دنیا اگر چه در مقاطعی و بصورت تفکیک جغرافیایی میتوان برآورد هایی بیان کرد ولی هیچ فرمول مشخص ریاضی برای کل موضوع وجود نداردو نمیتوان نتیجه گیریهای جزعی را به کل موضوع گسترش داد.

نویسنده: مریم

شنبه 25 آبان1387 ساعت: 13:42

میبخشید استاد
یک سوال
از کجا برامون مشخصه که حضرت محمد 1400 سال پیش در مکه به پیغمبری رسیده؟
ممکن نیست که این تاریخ هم جعل یهود باشه؟
آیا در قرآن نشانه ای برای فهمیدن این تاریخ وجود داره یا نه؟

نویسنده: سامان

شنبه 25 آبان1387 ساعت: 14:31

اگر این بنا دیوار نبوده و جاده است آنگاه:
1) جاده ها بین مراکز تجمع انسانی ساخته میشود. آیا شهرها و دهات قدیمی چین حول این دیوار (جاده) متمرکزند؟
2) در همه جای دنیا جاده را نه در نوک قلل و نه در کف دره ها بلکه در میانه این دو میسازند. چرا در چین این جاده از نوک قلل عبور کرده؟
3) برجهای موجود در فواصل خیلی کوتاه با گذرگاه های تنگ باعث میشود که در هر چند صد متر ارابه ها تعویض شود!

نویسنده: مسعود

شنبه 25 آبان1387 ساعت: 15:8

خداقوت جناب استاد بزرگ.

در این لینک از ویکی پدیای عبری عکسهای جالبی از طرحهای گوناگون جاده عظیم چین را میتوان دید که به وقت گذاشتن برای آنها میصرفد.
مخصوصا" آن عکسی که جاده ساخته شده در منطقه ای را به تصویر میکشد که مشخصا" مصالح معمول خشت خام و کاگل است ! ملاحظه بفرمایید :

http://he.wikipedia.org/wiki/%D7%94%D7%97%D7%95%D7%9E%D7%94_%D7%94%D7%A1%D7%99%D7%A0%D7%99%D7%AA

موفق و پیروز باشید. ان شا الله.

نویسنده: سرباز 1

شنبه 25 آبان1387 ساعت: 17:54

با اجازه ی استاد، می خواهم در حد وسع خود به برخی سوالات دوستان پاسخ دهم.

آقای علی. اگر تورات و انجیل کتاب نبودند، آنگاه خداوند قبل از اینکه بشارتهای ظهور محمد از آنها سانسور شود آنها را "کتاب الله" نمی نامید؛ و پس از آن نیز یهودیان و مسیحیان را "اهل الکتاب" و همچنین "الذین اوتوا نصیبا من الکتاب" خطاب نمی کرد.

خانم مریم. حدس من این است که اگر تاریخ گذاری بر لت نوشته های قرآنی صحیح باشد، آنگاه قدمت اولین نمونه های آن که با خط نابالغ و بی نقطه ی عربی نوشته شده است به حدود 1300 سال پیش بر می گردد. همچنین اولین نمونه از مساجد اسلامی در همان حوالی ساخته شده اند. اگر تمام اینگونه نشانه های ریز و درشت را به همراه سایر قرینه های باستانشناختی کنار هم قرار دهیم نتیجه می شود که پدیده ی "اسلام" در 1400 سال پیش ظهور کرده است.

آقای سامان.
1- برای پاسخ به سوال اولتان منتظر ادامه ی داستان باشید!

2- در مورد سوال دوم، باید گفت که اگر استنتاج جغرافیایی مطروحه در این یادداشت معتبر باشد، آنگاه در چین ساخت این جاده ها در میانه ی قله و دره ممکن نبوده است؛ زیرا آوار شن از ارتفاعات بالاتر بر روی جاده می ریخته است. در نتیجه، آنها بایستی در خط الراس ها ساخته می شدند تا عبور و مرور میسر گردد.

3- در مورد سوال سوم هم بهتر است از خود استاد توضیح بخواهیم!!

نویسنده: سرباز 2

شنبه 25 آبان1387 ساعت: 17:55

راستی: نگرانی که در کامنت قبل مطرح کردم نسبتا جدی است! حالا که حیطه ی شرق میانه افاقه ی شما را نکرده و پای مباحثات بنیان شناسانه را به شرق تا غرب عالم گسترش داده اید، به لیستی از اماکن قدیم "واقعی" نیاز داریم!! آن از بوربودو، احتمالا این هم از دیوار چین (یواشکی!)، خدا عاقبت معابد هندوستان و آمریکا را به خیر کند!!!!

نویسنده: ?

شنبه 25 آبان1387 ساعت: 21:24

عربستان با انگشت‌نگاري و عكس‌برداري به زايران خانه‌ي خدا خوش‌آمد مي‌گويد!
Lang=P&http://www.isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-1235296

کلیسای محل تعمید حضرت عیسی / بحرالمیت / اردن
http://www.webneveshteha.com/miscphotos.asp?id=2182

احمدی‌نژاد در نوشتن نامه به اوباما عجولانه تصمیم گرفت

http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=782869

استفتا از آیت الله وحید درباره شیعه و سنی
http://www.tabnak.ir/pages/?cid=25383

چرا اماراتی ها ایرانی ها را لخت می کنند؟!
http://www.fararu.com/vdcgxx9q.ak9un4prra.html

نویسنده: علی 2

شنبه 25 آبان1387 ساعت: 21:39

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ
و در حقيقت در زبور پس از ذكر نوشتيم كه زمين را بندگان شايسته ما به ارث خواهند برد (105)

در ترجمه ها به قول استاد, کلمه الذِّكْرِ رو تورات معنا کردند. آیا این به این مفهوم نیست که خواستند, تورات رو به عنوان یک نوشته جا بزنند؟

به این آیه هم دقت کنید:

سوره 62: الجمعة
مثل كسانى كه تورات بر آنان بار شد آنگاه آن را به كار نبستند همچون مثل خرى است كه كتابهايى را بر پشت مى‌كشد [وه] چه زشت است وصف آن قومى كه آيات خدا را به دروغ گرفتند و خدا مردم ستمگر را راه نمى‌نمايد (5)

این آیه به نظر میرسه عدم نوشته بودن تورات رو به اثبات میرسونه
چون حمل کردن یک یا چند کتاب, به نظر کاری نیست که خدا بخواد یهود رو با اون به خر تشبیه کنه. مگر اینکه تورات بصورت ادعیه ای در ذهن مردم مثل خرها حمل بشه ولی به اون عمل نشه

و به نظر در این آیه داره یهود رو به این امر تمسخر میکنه که اگه فکر میکنیدتوراتی که در ذهنتونه درسته بهش عمل کنید

سوره 5: المائدة
بگو اى اهل كتاب تا به تورات و انجيل و آنچه از پروردگارتان به سوى شما نازل شده است عمل نكرده‌ايد بر هيچ [آيين بر حقى] نيستيد و قطعا آنچه از جانب پروردگارت به سوى تو نازل شده بر طغيان و كفر بسيارى از آنان خواهد افزود پس بر گروه كافران اندوه مخور

نمیدونم استاد نظرشون در مورد این مطلب چیه. ولی این مطلب در ذهن من در حال قوته که هیچ نوشته ای تا قبل از قرن هفتم وجود نداشته

نویسنده: davoodi

شنبه 25 آبان1387 ساعت: 21:51

استاد ظاهرا يکي از طرفداران شما گرفتار بحثي شده که به نظر من کمي نامتناسب است چون صد به یک است
http://www.irplaces.com/vbulletin/showthread.php?t=5686

نویسنده: علی 1

شنبه 25 آبان1387 ساعت: 22:41

مثل اینکه قسمت اول نوشته من پست نشده
میبخشید
مطالب قبل از علی 2
==================

آقای سرباز 1

در اینصورت این آیه چه مفهومی برای ما پیدا میکنه؟

سوره 48 آل عمران
و به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل می‌آموزد

دلیلش رو نمیدونم , ولی در همه جای قرآن جلوی کلمه تورات و انجیل کلمه کتاب به کار نرفته.

جالب اینجا اینه که وقتی گفته میشه به فرزندان اسرائیل کتاب دادیم, اسمی از تورات برده نمیشه

سوره 45: الجاثية
و به یقین فرزندان اسرائیل را کتاب و حکم و پیامبری دادیم و از چیزهای پاکیزه روزیشان کردیم و آنان را بر مردم روزگار برتری دادیم

سوره 2: البقرة
همانا به موسی کتاب را دادیم و پس از او پیامبرانی را پشت‌سر هم فرستادیم و عیسی پسر مریم را معجزه‌های آشکار بخشیدیم و او را با روح القدس تایید کردیم پس چرا هر گاه پیامبری چیزی را که خوشایند شما نبود برایتان آورد کبر ورزیدید گروهی را دروغگو خواندید و گروهی را کشتید

دقت به این آیه هم که آستاد قبلاً بحثش رو کردند ما رو به واقعیتی نزدیک میکنه

سوره 21: الأنبياء
وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ
و در حقیقت در زبور پس از ذکر نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد (105)

در ترجمه ها به قول استاد, کلمه الذِّكْرِ رو تورات معنا کردند. آیا این به این مفهوم نیست که خواستند, تورات رو به عنوان یک نوشته جا بزنند؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 25 آبان1387 ساعت: 21:55

آقای davoodi. نگران نبشید، آن کس که به ابزار حقیقت مسلح است، قدرت ایستادگی در برابر لشکری از مدافعان دروغ را دارد.

آقای علی 2. تاریخ مکتوبات به صورت کتاب های امروزی، بر روی کاغذ و مجلد، در تمام جهان، بسیار به ما نزدیک و کم تر از هشتصد سال پیش است.

آقای سرباز. این اشارات تماما مقدمه چینی است و از قبول زحمت پاسخ نویسی نیز ممنونم.

آقای ؟. از لینک های قابل استفاده ی ارسالی متشکرم. آن به ظاهر آخوند شاید در آن کلیسا نماز حاجت نیز خوانده باشد.

خانم مریم. پاپیروس نوشته های اسلامی از اوائل قرن دوم هجری، یعنی از سال104 ، تاریخ خورده است. مسلما از روی شمارش سال ها نپریده اند و مثلا پس از 104 به 905 نرفته اند. بر طبق این گونه اسناد حالا 1429 سال از هجرت پیامبر می گذرد.

آقای رضا. آن محاسبه ی ریاضی بسیار جدی و نیازمند توضیحی محکم و قانع کننده است که در مطلب شما نبود. در عین حال قصد اصلی من توجه به یاوه بودن ارقام انسانی موجود در منابع تاریخی یهود ساخته از قبیل هجوم عرب به نیمی از جهان در 1400 سال پیش است که با هیچ روشی نمی توان کثرت 3000 نفره ی مردم نجد را هم در آن زمان پذیرفت.

آقای روشن و آقای تلمیذ. خجالت می دهید.

نویسنده: علی

شنبه 25 آبان1387 ساعت: 23:22

استاد
به نظرم تاریخ نوشته شدن کتابها از این هم نزدیکتره
برای نوشته شدن یک کتاب حتی 100 صفحه ای تاریخ یا حدیث, مسلماً احتیاج به یک کارخانه کاغذ سازی هست.
بنابراین تاریخ نوشته شدن این کتابهای تاریخی باید ربطی به تاریخ تولید کاغذ توسط یک کارخانه داشته باشه

که به نظر اولین کارخانه های دنیا بعد همین جنگهای جهانی اول و دوم به وجود اومدن

شاید قرآن روی پاپیروس به علت مقدس بودنش نوشته شده باشه, ولی تا پیش از صد یا دویست سال اخیر کی میتونه کتابی صد صفحه ای نوشته باشه؟

نویسنده: مریم

شنبه 25 آبان1387 ساعت: 23:35

آقای پورپیرار یک سوال دیگه
میبخشید من مقالات اسلام و شمشیر رو تازه تموم کردم
و ذهنم کاملاً به هم ریخته
سوال اینکه از کجا مطمئنیم که قرآن در عرض 23 سال بر پیامبر نازل شده؟

و سوال دیگه اینکه آیا نسبت به این پاپیروسهایی که بالا توضیح دادید, تحقیق کاملی صورت گرفته یا نه

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 25 آبان1387 ساعت: 23:3

خانم مریم. در هیچ سند مطمئنی، از جمله و به خصوص در قرآن، در این باب که پیامبر مکرم در چه سالی به رسالت مبعوث شده، یا چند سال مامور ابلاغ آیات الهی بوده و چه میزان عمر کرده اند، ذکر و قید و عددی دیده نمی شود و دریافت های کنونی در این باره مدرکی ندارد. در باب پاپیروس ها یادداشت 130 و 131 از سری همین یادداشت های ایران شناسی بدون دروغ را بخوانید. مسلما در میان این پاپیروس ها هم نمونه های جعلی و قلابی به قصد تاریخ سازی وجود دارد، اما این نمونه های جعلی چندان نیست و در کتابی با نام پاپیروس های اسلامی که در دست چاپ است، به عنوان ویراستار دلیل بطلان آن چند نمونه را آورده ام، ولی در مجموع این پاپیروس ها اسناد فرهنگی سالم و معتبری است.

آقای ایزدی. ممنون.

آقای علی. به اغراق افتاده اید. ساخت کاغذ به صورت سنتی سابقه ی هزار ساله دارد و از قرن 13 میلادی در اسپانیا و فرانسه تولید شبه صنعتی آن آغاز شده است، اما تاریخ دقیقی برای نخستین نسخه کتاب کاغذین نداریم که احتمالا باید انجیل و تورات باشد. بی شک تولید کاغذ به صورت سنتی چندان کند و پر هزینه و اندک بوده که تولید کتاب از آن را غیر ممکن می کرده است. البته در تولید شبه صنعتی نیز کاغذ را به همان روش سنتی اما در محیط های فراخ تر و با میزان بیش تر می ساخته اند. تاسیس نخستین کارخانه های کاملا صنعتی کاغذ، که موجب وفور آن شد، در اواسط قرن نوزدهم است. ضمنا بگویم که سراپای آن مبهمات مربوط به کاغذ سازی ایرانیان در قرون نخست هجری، شوخی سخت وارفته ای است.

آقای مهدی - مهدی. اشاره ی شما به جمعیت کنونی مغولان به این اندیشه میدان می دهد که نام مغول را نیز همانند بسیاری دیگر از اقوام و عناوین همین اطراف، در جریان تحولات دو سه قرن اخیر، به ساکنان بیست سی نفره ی یک اوبه بخشیده اند. حالا این چشم انداز را با کشتار یک میلیونی آن ها از مردم نیشابور در هفتصد سال پیش مقایسه کنید.

نویسنده: مریم

یکشنبه 26 آبان1387 ساعت: 0:11

استاد فکر میکنم هر کس باید درنتیجه به این عقیده نهایی که آیه زیر در حال بیانشه برسه

سوره 2: البقرة
آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید، شما حاضر بودید؟! در آن هنگام که به فرزندان خود گفت: «پس از من، چه چیز را می‌پرستید؟» گفتند: «خدای تو، و خدای پدرانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق، خداوند یکتا را، و ما در برابر او تسلیم هستیم.» (133)

آنها امتی بودند که درگذشتند. اعمال آنان، مربوط به خودشان بود و اعمال شما نیز مربوط به خود شماست; و شما هیچگاه مسئول اعمال آنها نخواهید بود. (134)

یعنی به نظرم گیر دادن به این تاریخهایی که با عناوین اسلامی قالب مردم کردند, داره مردم رو به دلخواه عده ای با روشی که قرآن این روش رو از مسلمان نمیخواد هدایت میکنه.
و به نظرم مردم به قول شما باید قرآن رو بخونند و ایمان پیدا کنند, نه اینکه با جفنگیات سیره و ... مسلمان باشند.

نویسنده: ؟

یکشنبه 26 آبان1387 ساعت: 6:9

واکنش آیات اعظام صافی گلپایگانی و مکارم شیرازی به اهانت به قرآن در حضور برخی از مسئولین
http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=65999

متن استعفاي معاون سازمان ميراث فرهنگي منتشر شد
http://www1.farsnews.com/newstext.php?nn=8708251519

مشایی سیبل شده است؟ +فیلم مراسم جنجالی (تکمیلي: معاون مشايي استعفا كرد)
http://www.rajanews.com/detail.asp?id=19649

این هم برای خنده دوستان
نهایت توجه مهمانان خارجی به سخنرانی مشایی در همایش گردشگری...
http://www.gigaimage.com/images/wdeogkvfrj2wt5mib9a.jpg

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 26 آبان1387 ساعت: 8:28

آقای عابدی. کارها انجام و به آن مرکز هم اطلاع داده شد.

نویسنده: دیاکو

یکشنبه 26 آبان1387 ساعت: 16:21

با سلام خدمت استاد پورپیرار, منتظر پاسخ شما و اقدام عملی در موردی که خدمتتان عرض شد, می باشم. البته می دانم که کارهایتان بسیار زیاد و اوقاتتان بسیار کم می باشد, اما توجه و دقت و اهتمام شما, به امید خداوند منان می تواند منشا' اثرات بنیادین و پایدار در امر روشنگری تاریخ و ادیان و .... باشد.
ربنا اهدنا و وفقنا لما تحبه و ترضیه. آمین!

نویسنده: جامعه شناس

یکشنبه 26 آبان1387 ساعت: 18:39

(1)

تصمیم داشتم از آرامش حاکم بر بخش کامنت های وبلاگ استاد استفاده کنم و تتمه و تکملهٔ یادداشت های خودم پیرامون زنان ، بر زبان برانم ، که دیدم در این فضای به سعی یهود و ایسم های یهودساخته ای مانند فمینیست و ... ، احساساتی ، سخنانم سوای استاد و تنی چند از دیگر خوانندگان ، راه در عقول دیگران نمی گشاید و جز جواب های خام و نامربوط و شبه پاسخ هائی در قالب برداشت های سطحی از قرآن ، در کشکول خویش در انتها به کف نخواهم آورد . پس با اجازهٔ استاد و دوستان ، از طرح ادامهٔ گفتگوهایم پیرامون زنان ، حداقل در زمان فعلی پرهیز می نمایم و تنها به ارائهٔ پاسخ به استدلالات سطحی و نیمه خوانده و نخواندهٔ آقای حسین محمدی که قولشان داده بودم (و به شکلی آقای توحید و آقای رضا) اکتفاء می نمایم و نقطه در پایان بحث مفتوح مانده قرار می دهم . اما پیش از آن سخنی با دو نفر دارم :

نویسنده: جامعه شناس

یکشنبه 26 آبان1387 ساعت: 18:39

(2)

* نخست سخنی با آقای دهقانی از شیراز که نمی دانم از کجا یهو و دفعتا پسر خالهٔ من از آب درآمده اند و آنچنان از آشنائی با من حرف می زنند و چنان وانمود می کنند با هم از قدیم دوست بوده ایم و چای دیشلمه می خورده ایم که برای خودم محل حیرت و البته خندهٔ بسیار بود !!! گو نه اینکه همین آقای دهقانی ، تا قبل از اینکه پاره ای تصوراتم پیرامونشان (از درست و نادرست) گفته باشم ، با من کل کل می کردند و یقه ام می گرفتند و بعضا فحشم می دادند و ... ! آیا این مطلب خود باز ما را با شناختی جامعه شناسانه هدایت نمی کند و آن اینکه ما ایرانی ها اصولا نمی خواهیم بپذیریم کم آورده ایم . بنابراین پاسخی ندارم برای شما آقای دهقانی که دوستتان را هم شاهد خودتان گرفته اید که : « خودتی !!! »

نویسنده: جامعه شناس

یکشنبه 26 آبان1387 ساعت: 18:40

(3)

** خانم حاجی زاده فرموده اند : « زنان گوهری دارند به امانت گرفته از خداوند به نام عفت و پاکدامنی، که متاسفانه پیوسته مورد طمع و تعدی مردان قرار گرفته و هیچ مکتب و فلسفه و دینی نتوانست اینرا به مردان بیاموزد که یک زن قبل از اینکه زن باشد یک انسان است و میتوان بغیر از جسم او از قوای خاص روحی و فکری اش جهت ساختن دنیایی بهتر بهره گرفت. » من قبلا جواب این عبارت ایشانرا داده ام ، اما می خواهم باز در پاسخ ادعای نامبرده مطلبی بیان نمایم : مراسم خواستگاری پاسخ تام و تمامی به زنانی مانند خانم حاجی زاده است که تلویحا از اینکه مردان ، زنان را تنها در رختخواب ببینند شاکی اند ؛ آنجا که نقش اصلی را در این مراسم در هر دو طرف زنان برعهده دارند لیکن وقتی زنان خانوادۀ داماد به خانۀ عروس می روند ، اول از هر چیز قیافه و زیبائی و اندام دختر برانداز می کنند ! اگر ملاک های ظاهری به میلشان بود ، ماجرا را ادامه می دهند و اگر نبود ، دور دختر بینوا خط می کشند . این خود آشکارا نشان می دهد که خود زن ها نیز تنها در درجۀ اول به ظاهر اهمیت می دهند و بعد سراغ باطن می روند ! راستی مگر می شود با یک یا چند جلسه ، به درون فردی فرو رفت و دید چه در نهاد دارد ؟ راستی این زنانی که چنین ادعاءهائی دارند (مانند خانم حاجی زاده) ، آیا وقتی برای برادرشان به خواستگاری می روند ، قید ظاهر دختر می زنند و تنها به کمالات معنوی او بهاء می دهند ؟ یا این حرف ها مصداق " مرگ خوب است اما برای همسایه " می باشد ؟!

نویسنده: جامعه شناس

یکشنبه 26 آبان1387 ساعت: 18:40

(4)

*** و سرانجام آقای حسین محمدی و آقای رضا و آقای توحید ، یکبار دگر بحث « قرآن و زنان » را با رنگ و لعابی تازه مطرح می کنم که غور در اضلاع آن ، پاسخ به همۀ چون و چراهای شما است :

قرآن و زنان . با تأکید بر اینکه قرآن ملعبۀ دست ما نیست و نباید با آن بازی کرد و آیاتش به سیاق تفکرات روز تفسیر و تأویل نمود و توصیه به برحذر بودن از اشتباهی که جمهوری اسلامی برای موجه جلوه دادن خود مقابل جهانیان یا امثال شیخ محمد عبده و دیگران برای توجیه و تطابق آیات قرآن با کشفیات علمی ، نظیر تعبیر « جن » در قرآن کریم به « میکروب » یا « الکترومغناطیس » و « جبرئیل » به « نیرو » و ... انجام دادند ، به نکاتی پیرامون زنان از دید قرآن خواهم پرداخت ، که اتفاقا یکی از براهین بسیار مستحکم غیر بشری بودن قرآن و اینکه ساخته و پرداختۀ رسول ا... (ص) یا آن گنگی که آقایان می گویند سلمان فارسی است نمی باشد ، خواهد بود ، که قرآن با کسی تعارف ندارد و حقائق سرشت آدمی را بی تمجمج و مراعات منافع جنسی و قومی بر زبان می راند ، کما اینکه از اینکه ارث مرد را دو برابر زن قرار دهد یا دیۀ مرد را از زن بیشتر تعیین کند ، از من و شما و دشمنان همیشگی اسلام که دنبال گزک بوده اند نترسیده است ، که همین صراحت بی تعارف ، بینه ای بر غیر بشری او می تواند باشد . پس ، خوانندگان را عوض چون و چرا کردن با خدا ، به « تسلیم » و « تحقیقی با پیش فرض کرنش در برابر آیات خداوندی » دعوت می نمایم ، که :

نویسنده: جامعه شناس

یکشنبه 26 آبان1387 ساعت: 18:41

(5)

ـ قرآن آفرینش مستقلی برای زنان قائل نیست و می گوید جفت آدم را از او (= آدم) درست کردم ، نه مانند آدم از گل ، یعنی زن را از مرد آفریدم نه مانند مرد از گل : آیۀ 1 سورۀ مبارکۀ نساء ، 189 اعراف و 6 زمر .
ـ در قرآن ، هرجا سخن از خلقت انسان و گفتگوی فرشتگان با خدا در مورد او و سجده بردن فرشتگان بر وی و تمرد شیطان از این کار و ... در جریان است ، تنها ذکر « آدم » در میان می باشد و صحبت و ذکر و سخنی از « جفت او / حوا » در میان نیست و پای « جفت او / حوا » از زمانیکه آدم در بهشت متمکن می گردد ، در میان می آید : آیات 39 - 30 سورۀ مبارکۀ بقره ، 25 - 11 اعراف ، 43 - 26 حجر ، 65 - 61 اسراء ، 50 کهف ، 124 - 116 طه ، 9 - 7 سجده و 85 - 71 ص . (تذکر : در میان آیات بالا ، همه جا سخن از « آدم » است الا آیات برشمرده شده از سور حجر و سجده و ص ، که کلام بجای « آدم » ، گرد « بشر » یا « انسان » می گردد . پس ، عده ای خوش خیال و به دنبال تفسیر و تأویل و هراسان از انگ هائی که اصطلاحا حقوق بشری ها و فمینیست ها رویشان می گذارند ، دست بکار شده اند و هرجا لازم بوده قصۀ خلقت در میان بیاورند ، به آیات سوره های اخیر استناد می کنند تا بگویند در کارگاه خلقت ، زن و مرد را خدا همراه هم و مانند هم آفریده است و ... ؛ غافل از اینکه خداوند طی آیاتی که از سوره های بقره ، اعراف ، اسراء ، کهف و طه در بالا آوردم ، به صراحت ، مراد خویش از بشر یا انسانی که در سوره های حجر و سجده و ص از آفرینش آن سخن می گوید روشن ساخته است که هرآئینه ، مراد او از آن « بشر » یا « انسان » ، « آدم » بوده است .)

ـ قرآن تنها به پدید آوردن « آدم » از گل اشاره می کند و سخنی از خلقت « حوا » از گل در میان نیاورده است : آیهٔ 59 سورهٔ مبارکهٔ آل عمران ، 12 اعراف ، 26 ، 28 و 33 حجر ، 61 اسراء ، 7 سجده ، 71 و 76 ص و 14 الرحمن . (تذکر : اینجا نیز مانند بند بالا ، هرچند در آیات 26 ، 28 و 33 سورهٔ مبارکهٔ حجر ، 7 سجده ، 71 و 76 ص و 14 الرحمن ، سخن از آفرینش « بشر » یا « انسان » در بین است ، اما با مقایسه با آیهٔ 59 سورهٔ مبارکهٔ آل عمران ، 12 اعراف و 61 اسراء ، مشخص می گردد مراد از « بشر » یا « انسان » در آیات فوق ، « آدم » می باشد .)

نویسنده: جامعه شناس

یکشنبه 26 آبان1387 ساعت: 18:41

(6)

ـ طبق نص صریح قرآن ، شیطان « آدم » و « جفت او / حوا » را توأمان فریب می دهد ، و این فریب آنطور که برخی می گویند ، متوجهٔ « آدم » به تنهائی ، یا « جفت او / حوا » به تنهائی نبوده است : آیهٔ 36 سورهٔ مبارکهٔ بقره ، 23 - 20 و 27 اعراف و 120 و 121 طه . (تذکر : آیات 120 و 121 سورهٔ مبارکهٔ طه را باید در قیاس با آیهٔ 36 سورهٔ مبارکهٔ بقره و 23 - 20 و 27 اعراف دید .)
ـ خداوند در قرآن ، در زمرهٔ برگزیدگان خویش ، انحصارا از « آدم » در کنار سایر پیامبران یا بطور مجرد یاد می کند و « جفت او / حوا » را برگزیدهٔ خویش نمی شناسد : آیهٔ 33 سورهٔ مبارکهٔ آل عمران و 122 - 121 طه .
ـ تفاوت در نگرش نسبت به زن و صراحتا تابع مرد دیدن آن ، در قرآن و نزد خدا ، به طرز بدون تعارفی از آیهٔ 40 سورهٔ مبارکهٔ اسراء ، 153 - 149 صافات ، 16 زخرف ، 39 طور ، 22 - 19 نجم ، یا حتی به لونی از آیات 59 - 56 سورهٔ مبارکهٔ نحل هم بر می آید ؛ آنجا که خدا با لحنی طلبکارانه که ناخرسندی هم از آن هویداست ، مشرکان و کافران را چنین مورد خطاب عتاب آلود قرار می دهد که " سهم شما پسر باشد اما برای من (خدا) دختر ؟! " آن هم دختری که در آیهٔ 18 سورهٔ مبارکهٔ زخرف ، خداوند بی بچه بازی هائی که ما انسان های خودسر در می آوریم ، پروریده در زر و زیور و راحتی می نامدش و او را خیلی صریح ، ناتوان در جدل (= غیر منطقی ، نا آشنا با احتجاجات عقلانی) می خواند !
ـ قرآن در آیهٔ 189 سورهٔ مبارکهٔ اعراف و 21 روم می فرماید برای شما از نوع خودتان همسرانی آفریدم تا با آنها به « آرامش » برسید . آیا این ، پاسخ سؤال همیشگی زنان نیست که می گویند اگر ما بد هستیم ، چرا شما مردها دنبالمان هستید ؟ آیا رسیدن به « آرامش » ، سر تمایل مردان به زنان نیست ؟
ـ و دست آخر اینکه در قرآن مطلقا نام و یادی از « حوا » نیست و حتی برای یک بار هم اسم او در قرآن نیامده و سخن از چنین نامی در بندهای بالا ، از ناچاری ، و حکمت کاربرد عبارت « جفت او / حوا » نیز از جانب من در مباحث اخیر همین بوده است .

نویسنده: جامعه شناس

یکشنبه 26 آبان1387 ساعت: 18:42

(7)

در حاشیه :
1) پذیرش آفرینش زن از مرد ، مندرج در آیهٔ 1 سورهٔ مبارکهٔ نساء ، 189 اعراف و 6 زمر ، که اتفاقا در تورات نیز بر آن صحه گذاشته شده (پیدایش . 24 - 18 : 3) ، برای برخی سخت است و به زمین و آسمان می زنند تا عبارت قرآنی « همسر او (= حوا) را هم از او (از آدم) پدید آورد » در آیات بالا را حمل بر ارزش آفرینشی یکسان زن با مرد کنند ، نه خلق گشتن زن از وجود مرد . پاسخ روشن است : آیات مذکور صریحا اصرار دارند که خداوند « شما را (= ما انسان ها را) از یک تن یگانه بیافرید » ، یعنی کل ابنای بشر ، اعم از زن و مرد ، به علاوهٔ همسر آن وجود یگانه (= حوا) ، از تن آن موجود یگانه (= آدم) آفریده شده اند . آیا علت اینکه ما انسان ها نیز نوع بشر را « آدم » خطاب می کنیم نه « حوا » ؛ یا در برخی فرهنگ ها ، مانند انگلیسی ، مرد (Man) ، هم مفهوم جنس مذکر می دهد و هم مفهوم نوع انسان ؛ یا چه در گذشته و چه در حال ، نسب را از پشت پدر حساب می کنند و در گذشته نیز مانند امروز ، که « نام خانوادگی » از مرد (پدر) منتقل می شود ، مردمان ، اعم از زن و مرد را با « ابن » یا « بنت » که به دنبال آن هم نام « پدر = مرد » می آمد خطاب می نمودند و حتی انتساب کسی به « مادرش = زن » را نوعی تعریض و متلک قلمداد می کردند ؛ یا اینکه زنان مشخصا اکراه دارند از اینکه « نامرد » خطابشان کنند ؛ و ... ، به همین مرکزیت « آدم » در خلقت نوع بشر و ترادف او با « انسان » بر نمی گردد ؟ آیا پس از آگاهی یافتن از ویژگی های خلقت زنان ، بهتر نمی توان بحث « الرجال قومون علی النساء » و « اجازهٔ برخورد فیزیکی با زنان ناشزه ، پس از طی مراحل ارشادی ـ اصلاحی لازم » ، مندرج در آیهٔ 34 سورهٔ مبارکهٔ نساء را ادراک نمود ؟ آیا روشن نیست چرا ارث زن و مرد یا دیهٔ آنها را خداوند متفاوت تعیین کرده است ؟

نویسنده: جامعه شناس

یکشنبه 26 آبان1387 ساعت: 18:42

(8)

2) پیرو ، و شاید در تأئید بند بالا (خلقت زن از مرد) گفتنی است تعیین جنسیت و هویت در نوع بشر به عهدۀ مرد است ، چرا که این مرد است که از لحاظ ژنتیکی XY آفریده شده است ، وگرنه زن XX است و تنوع و امکان تعیین جنسی ندارد . (طرفه آنکه ما انسان ها طیور را با نام کلی « مرغ » می شناسیم نه « خروس » ! آیا می دانید در طیور ، این نوع مؤنث است که از لحاظ ژنتیکی XY آفریده شده و مذکرهای طیور XX هستند ؟! آیا علم و دانش کهنی وجود داشته که به این ظرائف ژنتیکی آگاه بوده و می دانسته در بشر ، مذکر تعیین جنسیت می کند ، پس « مرد » را مترادف کل انسان ها می گرفته ، و می دانسته در طیور این مؤنث است که تعیین جنسیت می کند ، پس کلمۀ « مرغ » را به عنوان نامی عمومی برای طیور برگزیده است ؟ کاش این مطلب ، یعنی آفریده شدن زن از مرد ، بجای تعصب و خشم ، تحقیق در پی داشته باشد و مثلا آشنایان به تکنولوژی شبیه سازی را تحریک نماید تا تحقیق کنند آیا از یک سلول برداشته شده از یک موجود مذکر ، می توان موجودی مؤنث خلق کرد و آیا عکس آن امکانپذیر نیست ؟)

نویسنده: جامعه شناس

یکشنبه 26 آبان1387 ساعت: 18:43

(9 ، آخر)

3) و به عنوان مزاح ، در ربع آخر قرآن (آیات 48 و 49 سورۀ مبارکۀ صافات ، 52 ص ، 54 دخان ، 20 طور ، 77 - 70 ، و با تسامح ، 59 - 56 الرحمن ، 22 و 23 ، و با تسامح ، 38 - 34 واقعه و با تسامح ، آیۀ 33 سورۀ مبارکۀ نبأ) ، سخن از « حور » در میان است که اینجا و آنجا گفته اند زنانی هستند « سپیدپوست و سیاه چشم ، که سفیدی سفیدۀ چشم و سیاهی تخم چشم و موهایشان بغایت است و علاوه بر آن ، باکره و همسن مردشان و همسر دوست هم هستند » . بدیهی است اگر اینها را تأویل نعم بهشتی ندانیم و نگوئیم اینها تمثیلی از خوشی ها و لذائذ بهشتی هستند ، این حوریان زیبارو تنها می توانند سهم ، و موجب عیش « مؤمنین = مردان مؤمن » باشند نه « مؤمنات = زنان مؤمن » !!! پس آیا نباید پرسید چرا خدا در مورد « مؤمنات » ساکت است و قرار است به آنها چه لذتی بدهد ؟ شاید به قول رندی « غلمان (= پسران زیباروی خوش اندام در سنین بلوغ که موهای صورتشان در حال درآمدن و درنیاندن است !) » که باز هم در اواخر قرآن ، در آیۀ 24 سورۀ مبارکۀ طور ، و با تسامح ، در آیات 17 سورۀ مبارکۀ واقعه و 19 انسان ، بی آنکه صحبت از کنار گذاشتن آنها برای زنان باشد ، یادی از آنها می بینیم را هم برای « مؤمنات = زنان مؤمن » کنار گذاشته اند ؟! وانگهی ، نکند به ازای زنانی که روی بهشت می بینند ، مرد به تعداد لازم هست ، اما به تعداد مردانی که به بهشت می روند ، زن پیدا نمی شود و مردان بهشتی بیش از زنان بهشتی هستند و شاید چون تعداد زنانی که بهشت را می بینند کم بوده ، خداوند رحمان و رحیم ، حور را هم اضافه کرده تا جبران مافات شود !!! آیا صحیح تر نیست جهان باقی را عشرتکده نپنداریم و حداقل بنا به فهم من ، در سرای باقی جنسیت وجود ندارد و همه بر جوهرۀ روح ، که از علمش نیز بسیار کم میدانیم، استوارند ؛ نه زن و مردی که به اقتضای ماهیت ، آخرت را نیز مانند دنیا به منجلاب هوی و هوس می اندازد ؟

نویسنده: ؟

یکشنبه 26 آبان1387 ساعت: 19:50

یک حدیث عجیب و غریب
http://tinypic.info/viewer.php?file=olhggxyu5wdxkgqcihc2.jpg
استاد نظرتون چیه؟

نویسنده: ؟

یکشنبه 26 آبان1387 ساعت: 20:1

امام زاده سیار

آخرین تولید دولت احمدی نژاد!
http://hidarrr.blogspot.com/2008/11/normal-0-21-false-false-false_8878.html

نویسنده: ?

یکشنبه 26 آبان1387 ساعت: 21:35

راستی استاد این شکل را می توان گفت یه طرح از ستاره داود هستش؟

http://solarenergydream.com/blog/wp-content/uploads/2008/11/leafhouse-lead.jpg

راستی عذر می خواهم که پراکنده لینک ها را می فرستم

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 26 آبان1387 ساعت: 22:45

از باب اطلاع دوستان و دشمنان، سایت www.naria.ir باز است.

آقای؟. از ارسال لینک ها ممنونم. یکی را حذف کردم زیرا مسلمانان به موسی و عیسی و دیگر برگزیدگان خداوند احترام می گذارند و تمسخر آن ها را روا نمی بینند. ما از اهالی کنیسه و کلیسا نیستیم که مهاری در هیچ باب ندارند و به پیامبر گرامی اسلام توهین می کنند. به خصوص که در آن تصاویر حرف قابل اعتنایی هم نبود. شکل آن گل را عینا به عنوان لوگوی یک سایت مشهور یهودی دیده ام. در مورد آن امام زاده نیز برداشت صاحب آن وبلاگ درست نیست، چنان که بر پارچه نوشته دیده می شود، آن را برای نصب در محل اصلی خود حمل می کنند و بالاخره به گمانم بانی آن کاشی نوشته قصد تمسخر حدیث را داشته است. کاش می دانستیم تصویر از کجا برداشته اند.

آقای دیاکو. یادآوری بیش تری کنید. پیری است دیگر.

آقای جامعه شناس. جای تامل بیش تری بود که به زمان خود به آن اشاره خواهم داشت.

نویسنده: ریاحی

دوشنبه 27 آبان1387 ساعت: 1:26

جناب جامعه شناس. آیا ممکنه بپرسم که شما چند نفر خاخام هستید که دیروز تو کنیسه این متن رو نوشته اید؟

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

دوشنبه 27 آبان1387 ساعت: 2:13

با سلام.
یک اتفاق جالب.
چند روز پیش آقا و یا خانم davoodi در کامنتی به اطلاع استاد رسانیده بودند که شخصی از همفکران شما در سایتی با چند نفر در افتاده است.
من به آن لینک رفتم و از مطالب این بنیان اندیش بسیار لذت بردم و در بخش نظرات از نیمه کاره بودن تخت جمشید گفتم. در نیمه شب گذشته، متن نسبتا طولانی در مورد موضوع مورد بحث نوشتم تا به همراه یک مجموعه عکس، در آن سایت نسب کنم که به دلیل نقص فنی کامپیوترم موفق به نسب آن نشدم(افسوس). فردا صبح که مجدد به سایت سر زدم دیدم که مدیریت سایت، طی نامه ای آن موضوع را بی نتیجه و بخش تخت جمشید را قفل کرده بود.!!!!(البته قبل از قفل کردن شخصا به آن بحث جواب داده بود که جای بسی خنده بود)!!!! خلاصه من به این فکر افتادم که در قسمت تاریخ سایت آن بحث را دنبال کنم. مقاله ی متخصری نوشته و آن را به همراه چند تصویر از قسمت خزانه ی تخت گاه نسب کردم. دیگر به سایت سر نزدم تا امشب که دیدم تعدادی از دوستان با جملات زیبایشان بنده را نواخته بودند و بسیار سینه ی خود را برای تاریخ پر از دروغشان چاک کرده بودند. مطابق معمول، مشغول به نوشتن جوابیه ای شدم طولانی و با تعدادی تصویر دیگر. جوابیه که نصب شد، مشغول جمع آوری و آپلود تصاویری دیگر شدم وا وقتی که دکمه ی ارسال را فشار دادم پیغامی از سایت برایم رسید که ((قسمت مورد نظر یافت نشد)) سریعا به سایت رفتم و با کمال حیرت دیدم که تاپیک من را پاک کرده اند!!!!!

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

دوشنبه 27 آبان1387 ساعت: 2:26

(2)
خلاصه مشغول ساختن تاپیک جدید شدم به همراه عکس و ... . تاپیک را آپلود کردم متاسفانه دیدم که بعد از گذشت چند دقیقه آن را هم پاک کردند.
متن مختصری تهیه کردم تا در بخش های دیگر سایت این موضوع را اطلاع دهم و به قول خودمونی جارو جنجال راه بندازم که اینبار عضویتم را لغو و مرا محترمانه از سایت به بیرون پرت کردند.
البته من که دست از سرشان بر نمی دارم اما این موضوع برای من سوال شد که مگر در آن چند تصویر و چند سوال چه چیزی نهفته بود که اینچنین دستپاچه شدند؟ یادم به شخصی آمد که در یکی از شبکه های ماهواره ای صحبت می کرد. گویا ایشان نماینده ی حقوق بشر ایران در اتحادیه ی اروپا بودند. خیلی جالب بود, هرگاه که کسی به استودیو تماس می

گرفت و سوالات اساسی می پرسید, مجری خیلی محترمانه تلفن را قطع می کرد و به فحاشی می پرداخت. آقای پورپیرار من هم دارم به این نتیجه میرسم که اینها زبان آدمیزاد حالیشون نیست و به قول شما باید بهشون بگی حووووش تا وایسن.

نویسنده: ؟

دوشنبه 27 آبان1387 ساعت: 12:18

اهانت مجدد دانماركي ها نسبت به پيامبر(ص)

code&http://www.shabestannews.com/newsdetail.asp?newsid=87082514380792

ملك عبدالله به كجا مي‌رود؟

Itemid=99999999&id=34819&task=view&http://alef.ir/index.php?option=com_content

عکس زن دوم امیرکبیر
(ملکزاده خانم همسر دوم امیر کبیر و دختر مهد علیا)
h=448&http://guilanica.files.wordpress.com/2008/11/p43001252.jpg?w=336

تظاهرات یک نفره یک روحانی در روز قدس 87
/http://arashtn53.wordpress.com/2008/11/16/rouz-e-ghods87

قاچاق بز و گوسفند به نوار غزه از طریق تونل زیر زمینی
http://www.fararu.com/vglbsfb8.rhbzsruqaired.pqufr.l.html
http://www.fararu.com/vglcp1qs.2bqmp2a5pl2yn.85a12.,.html

چه کسانی میخواهند در حریم خصوصی مردم نفوذ کنند ؟ چرا؟
http://haghmosalamma.blogspot.com/2008/11/blog-post_6239.html
(من خودم این راتائید نمی کنم ولی دوستان اگر همچنین ایمیلی را دیدند ما را هم با خبر کنند)

این هم برای رفع خستگی استاد و دوستان
نزدیک ترین عکسی که تاکنون " ناسا" از خورشید گرفته است
http://f3.yahoofs.com/blog/4583b32dz4784685a/64/__sr_/f29a.jpg?mgoTTIJBJzTswK.H

شاد باشید

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر | بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ،186، دیدار از اندونزی 9، با نگاهی به چین 65 - نظر

نویسنده: امیر عماد

دوشنبه 27 آبان1387 ساعت: 13:20

با سلام
دیدن سایت زیر شاید خالی از لطف نباشد
http://www.askmusa.org

نویسنده: ؟

دوشنبه 27 آبان1387 ساعت: 13:37

عکسی از محمد رضا شاه پهلوی و جمعی دیگر در تشیع پیکر رضا شاه
/http://www.flickr.com/photos/29633143@N05/3031099043

عکسی از محمد رضا شاه پهلوی در حال خواندن نماز و سجده به درگاه الهی(یک آنوسی به تمام)
/http://www.flickr.com/photos/29633143@N05/2985724401

آنچه که در مورد جدایی خاک بحرین از ایران میخواهید بدانید:یک مقاله قدیمی متعلق به سال ۱۳۴۱
/http://www.flickr.com/photos/sepideh/2971262813

فرمان دادم بدنم را بدون تابوت و موميايي به خاک بسپارند تا اجزاء بدنم ذرات خاک ایران را تشکیل دهند(اخ که حالم از دیدن این تخت جمشید به هم می خوره)
/http://www.flickr.com/photos/arashhercul/2662175690

بر مزار صادق هدایت(استاد نظرتان راجع به این شخصیت چیه؟)
http://photo-vision.blogspot.com/2008/11/le-tombeau-de-sadegh-hedayat.html

این لینک آخری هم برای رفع خستگی
آقای شجاع به همراه پسرش!
http://farm4.static.flickr.com/3043/2987765968_68bb7c1568.jpg?v=0

نویسنده: عابدی

دوشنبه 27 آبان1387 ساعت: 14:10

با سلام

استاد فرزانه خسته نباشید.

آقاي اتفاق. آشيو سال 84 را به طور تمام و كمال براي تان فرستادم. ان شاء الله سي دي كامل سايت را براي تان خواهم فرستاد.

نویسنده: پوریم

دوشنبه 27 آبان1387 ساعت: 18:43

سلام جناب آقای جامعه شناس

بسیار بسیار عالی بود بی توجه به هیاهوی مخالفان مطالبتان را ادامه دهید که ما از منتظرانیم

نویسنده: اتفاق

دوشنبه 27 آبان1387 ساعت: 19:22

سلام آقای عابدی
خدا قوت . با امتنان بسیار ، فایل های ارسالی را دریافت کردم و بی صبرانه چشم به روزی خواهم دوخت که سی دی سایت را نیز برایم ارسال نمائید .
مختصر اینکه با بررسی آرشیو خودم با آرشیو سایت ، به نظرم رسید 8 یادداشت در آرشیو من وجود دارد که در آرشیو سایت نیست . آنانرا برای شما ارسال کردم با این قید که :
1. تاریخ نگارش این یادداشت ها را بطور دقیق ندارم و دقیقا نمی دانم آقای پورپیرار چه زمان آنها را نوشته اند . پس ، تواریخ مندرج در ذیل یادداشت ها ، نه تاریخ نگارش دقیق آنها ، که تاریخ حدودی پرداختن آنهاست .
2. قبل از نصب این یادداشت ها در سایت ، به شکلی با آقای پورپیرار هماهنگ کنید تا ایشان صحت انتساب آنها را به خود تأئید کنند . (این فایل ها را به ایمیل آقای پورپیرار نیز ارسال کرده ام .)

عناوین این یادداشت ها به این شرح است :
1. یادداشتی در باب افسانۀ بابک خرمدین
2. نقدی بر نوشتۀ آقای غلامی در سایت بازتاب
3. یادداشت برای آقای حامد (با مطلع : معتقدات مذهبی ـ و نه دینی ـ کاربرد تاریخی ندارد و به عنوان سند برای مورخ قابل عرضه و استفاده نیست . مثلا نگاه و نظر ...)
4. اظهار شرمندگی !
5. آب در بلندترین لانۀ مورچگان (با مطلع : به ارادۀ الهی ، قسمت سوم ساسانیان ، آب را در بلندترین لانۀ خدمتگزاران آشکار و پنهان صهیونیسم سرازیر کرده است ؛ که ...)
6. مزدوران و مأموران یهود دستپاچه شده اند !!!
7. شرمندگی های پیاپی چند طرفه
8. گزارشی از سخنرانی ناصر پورپیرار در مورد دلائل شکست نهضت ملی شدن صنعت نفت

نویسنده: ؟

دوشنبه 27 آبان1387 ساعت: 20:51

داشتم تو خیابابون راه می رفتم که از جلوی یک مغازه گچبری رد شدم نا خود آگاه نگاهم به داخل مغازه افتاد و یک ستاره داود دیدم خواستم یواشکی عکس بگیرم گفتم بی خیال رفتم داخل مغازه بعد دیدم اوه اینجا چه خبره پر از ستاره داود بود بعد از طرف گفتم اشکالی نداره چند تا عکس از طرح هاتون بگیرم گفت نه
حالا من این عکس ها رو آپلود کردم تا استاد و دوستان ببینند
http://www.gigaimage.com/images/l6vp8wcf86unzm5geu7q.jpg

http://www.gigaimage.com/images/ef5afoau9e4je09hf7p8.jpg

http://www.gigaimage.com/images/uya909zsskdv3xhphx4.jpg

http://www.gigaimage.com/images/4y412m09fn0ko77qgfds.jpg

http://www.gigaimage.com/images/wtuviy2x1u5fr674yai.jpg

استاد نظرتون چیه؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 27 آبان1387 ساعت: 21:49

آقای اتفاق. 28 یادداشت شما در باب برخی از مقالات مجموعه ی اسلام و شمشیر دریافت شد. مطول بودن آن ها فضای کوچک بخش کامنت ها را پر و بریده بریده بودن آن ها مطالعه ی خواستاران را دشوار می کند. پیشنهاد می کنم آن ها را از صورت کامنت درآورید، مقاله ی پیوسته ای کنید، در یکی از وبلاگ های شخصی خود بگذارید و لینکی برای رجوع و استفاده به مراجعین این جا نیز بفرستید. پاسخ کلی من به آن یادداشت ها این است که مطلب چندانی از مجموعه مقالات اسلام و شمشیر درک نکرده اید و اصرار شما در اثبات ابراز حقانیت یهود در کتاب خدا نشان می داد که با قرآن نیز چندان آشنا نیستید. اگر فرصتی فراهم شد به امید خدا، پس از نصب عمومی مقالات تان، در رد اجزاٌ آن نیز مطالبی خواهم نوشت. موفق باشید.

آقای؟. از لینک های ارسالی ممنون. الا این که برخی از آن ها را نمی توان با هیچ شگردی باز کرد. کاش نام این استاد گچ بر را نیز می پرسیدید احتمالا چیزی نننننزدیک به اسحاق گیلعادی در می آمد.

نویسنده: عدنان

دوشنبه 27 آبان1387 ساعت: 22:57

سلام استاد عزیز دست مریزاد
راستی قصد سفر به سرزمین فراعنه را ندارید؟

آقای جامعه شناس
دلتنگتان بودیم .منتظر داده های ارزشمند دیگرتان در مورد زنان هستیم
موفق باشید

نویسنده: ؟

دوشنبه 27 آبان1387 ساعت: 23:47

استاد یارو می گفت ما باهاش قرار داد داریم طرح ها رو از طرف می گیریم و این قالب ها رو در می آوریم. راستی توی مغازه اش پر از این مجسمه سرباز های هخامنشی و فروهر بود. سر فرصت انشاالله چند تا لینک نرم افزار فیلتر شکن براتون می فرستم

نویسنده: م.ستاره

دوشنبه 27 آبان1387 ساعت: 21:8

سلام
قصد مزاحمت نداشتم ولی مطلبی جالب به نظر ام رسیده است و آن اینکه سنگ قبرهای اندونزی ، به خط و زبان هندی است یعنی می گویند تا قرن پنجم هجری هم ، خط عرب ، حتی به درد سنگ قبر نویسی هم نمی خورده است تا بدانیم که لازم است از دروغ های دروغگویان ، بر علیه خودشان استفاده کنیم ! مقایسه ای با کتاب های حدیث و تفسیری که معتقد اند حتی در قرن اولیه نگاشته شده اند و سیر تکامل انواع خطوط و ... ! چه قدر دره های دروغ شان عمیق است ! خط را عثمان برای کتابت قرآن هم بکار برده است ! و البته این خلیفه ی سوم و رئیس وقت شعبه ی نمایندگی خداوند در حجاز و از اعضای فراکسیون عشره ی مبشره و داماد پیامبر به توان 2 و باجناق علی و شوهر خواهر فاطمه یا شوهر خاله ی امامان شیعه به توان 2 و مرجع کل مسلمین و مفتی و شیخ اعظم مسلمین و وارث نبوت و مالک الرقاب مومنین و ... ، (خیلی خیلی جالب است ! :) حافظ قرآن نبوده !!! چه خلیفه ای بشود عثمان ! بعد هم می گویند خانه اش محاصره شد و هنگام قرائت قرآن کشته شد و خون اش روی این آیه ریخته شد : فسیکفیکهم الله که این قرآن اکنون موجود است ! پس سند اثبات این یکی ، قرآنی خونین است ! که احتمالا یهودیان جاعل ، از فرط نفرت به اسلام ، آن را آلوده اند!
تا احساسات بخشی از مسلمانان ، به خوبی تحریک شود برای انتقام که پیراهن اش مثال شده ، چنانچه هنوز عده ای دیگر ، به خونخواهی خون چند تن دیگر و مشت و سیلی و کتک و ماچ و بوسه ی دیگر ، نعره می کشند ! این همان خطی است که چند قرن بعد ، استعداد سنگ قبر نویسی هم ندارد ! قرونی بعد از آنکه استاد جابر بن حیان ، هزاران کتاب نوشته است

در هر موضوعی و الفهرست ، کتاب ردیف کرده است مثلا کتاب سکنجبین ! نمی دانم آیا کتاب آموزش گام به گام طهارت به آفتابه هم فهرست شده یا نه ؟! (بله ! چنین کتابی هست ! می توانم نام هم ببرم ! فعلا قداست اش خیلی نشکسته !)
دقیقا به مصداق همین آیه :
ان الذین کفروا ، ینفقون اموالهم لیصدوا عن سبیل الله
فسینفقونها
ثم یکون حسرة علیهم
ثم یغلبون !

نویسنده: م.ستاره

دوشنبه 27 آبان1387 ساعت: 21:9

2
به نظر می رسد در همین کوتاه مدت هم ، اوضاع جهان زیادی آشفته است و کارد استخوان را شکسته . وقاحت تا جایی است که عربستان و اسراییل ، در مورد طرح صلح عربستان (پس دادن اراضی 1967 در مقابل به رسمیت شناخته شدن از جانب اتحادیه عرب) مبنی بر اعتراف اسراییل به حماقت موشه دایان در پیروزی های 67 و عجز از اداره ی چند وجب خاک و عقب نشینی از آن مناطق ، به گفتگو مشغول اند اما نام آن را ، بر خلاف گذشته مثل کمپ دیوید یا شرم الشیخ و غیره ، گذاشته اند گفتگوی ادیان !!! آه از این همه مدعیان تملک اسلام ! دین مبارک چیست که این همه مدعی برای آن پیدا می شود ؟! امان از این کتاب اسلام و شمشیر که اعراب را به جنون کشانده ! اسراییل دارد دو دستی این بخش را به مسلمین می دهد و از فرط حرامزادگی ، می خواهد خود را مصلح جلوه دهد نه تحت فشار مقاومت . عربستان هم می خواهد خود را مانند beautiful street walkers ، منبع محبت نشان دهد و کسی حاضر نیست بپرسد مگر همین اسراییل نیست که آمبولانس ها را به رگبار می بندد و مصر عربی ، مرز غزه را می بندد تا مبادا همان اندک آذوقه هم به فلسطین برسد ؟ حالا شده اند مصادیق صلح . و این حضرات ریاض نشین ، روضات و ریاض را مصفا می دیده اند آن گاه که غزه نشینان ، حتی آب چرکین هم نداشته اند . چه ساده خون دل مردم صبور فلسطین را به باد می دهند . آیا اگر عربستان ، لوند معرکه نمی شد ، اسراییل ، خود به خود از مناطق اشغالی عقب نمی نشست ، - حالا چند ماه دیر تر و این ننگ به رسمیت شناسی جهودستان توسط مدعیان اسلام و وارثان و صاحبان بیرق های مزین به انواع شمشیر و بعضا دو لب ، بر پیشانی مدعیان جلولا و نهاوند و قادسیه نمی نشست که اکنون حتی از پس تملک مجدد و نه فتح جولان ، بر نمی آیند - چنانچه از غزه و جنوب لبنان گریختند مدعیان مشت آهنین که می خواستند 100 روزه آرامش بیاورد که دق مرگ شد ؟! هرگز چنانچه قرآن می گوید : ضربت علیهم المسکنه ! و تا امروز هم یهود ، روی آرامش ندیده ! چه قدر باید بدبخت و حقیر بود و نقش لباس خواب زیر را برای جهودان بازی کرد ؟ آخر این دیگر چه جور فریبکاری است که حتی من هم می فهمم ؟

نویسنده: م.ستاره

دوشنبه 27 آبان1387 ساعت: 21:11

3
آیا اگر به همان دستور ساده ی صبر قناعت کنند ، شاهد در زمین فرورفتن همین تتمه ی فساد نخواهند بود که اکنون ، می خواهند زباله دانی را به رسمیت بشناسند که : اشکالی ندارد ! حالا که عرضه اداره کردن را نداری و روز به روز کوچک تر می شوی ، ما هم در اداره کردن و سرکوب بیشتر برادران مسلمان مان ، یاری تان می کنیم ! از این به بعد ، شما دولت رسمی هستید ، می توانید در کشورهای عربی حساب باز کنید ، ما به شما فرصت و کمک کافی می رسانیم تا موشک بسازید و با نفت ما ، هواپیما های تان را به پرواز در آورید و دختران کنار ساحل را به جرم ماسه بازی ، موشک باران کنید یا پیرمردان ویلچر نشینی نظیر شیخ احمد یاسین و اگر ما شرمنده ی شما شدیم ، پیاده راه بیفتید و بچه های مسلمان را به صخره ها بکوبید . در عوض ، شما هم به ما قاقانونچه و آب نبات و تفنگ بدهید که همدیگر را شدیدتر مصدوم سازیم و گاهی هم ما را به نقض حقوق بشر و زنان نوازش کنید ، کاپیتولاسیون را به تصویب خودمان برسانید و حق توحش هم که حق شماست و ما هم مثل امردان مفعول ، سرمان را پایین بیندازیم و در داخل کشورهای مان ، سر چند پا برهنه ، فریاد بزنیم : غیرت و مردانگی عربی !
آیا عربستان چه قدر بی شعور است که نمی فهمد اسراییل مجبور است این مناطق را ترک کند چنانچه مثلا در الخلیل ، پلیس از شکل فقط فرمانده اسراییلی ، به حالت بخش اسلامی توسط فلسطینیان و بخش یهودی نشین توسط اسراییلیان در آمده است . چه طور بعد از سالها ، فهمیده اند که باید با اسراییل صلح کرد ؟ خود اسراییل دارد اندک اندک و بی سر و صدا ، پس پسکی می رود . اولمرت گفت که رویای اسراییل بزرگ ، کشک هم نیست یعنی خیلی هنر داشته باشیم که همین را حفظ کنیم که نمی توانند . معنی این صلح را نمی فهمند که در عمل ، تایید و حمایت و تقویت دولت غاصب است و از این به بعد ، حق حمایت از فلسطینیان را نخواهند داشت ؟ آیا می دانند از این پس ، مجبور اند فلسطینیانی را که این فشار را بر اسراییل آورده اند ، تروریست و افراطی بدانند و سران مقاومت های اسلامی را ، دو دستی به اسراییل تسلیم کنند ؟

نویسنده: م.ستاره

دوشنبه 27 آبان1387 ساعت: 21:11

4
آیا همین چند روزه نمی بینند که بار دیگر غزه به عنوان گروگان ظاهری ، تحت فشار است که مثلا عربستان به خاطر عشق به برادران خود ، چنین موضوعی را پذیرفته است ، ایول به عربستان ، قهرمان عرب ؟؟!!! اصلا درک می کنند با این حساب ، همین مردم غزه که تحت فشار هستند ، دیگر نمی توانند بهانه هم برای اعراب باشند و زین پس شهروند اسراییل باید تلقی شوند و مثلا به عنوان بخش شورشی در اسراییل محسوب می شوند و اسراییل حق دارد هر بلایی سر آنها بیاورد ؟! و هیچ کمکی بدون تایید اسراییل ، به آنها نباید ارسال شود ؟
فما لهؤلاء القوم لا یکادون یفقهون حدیثا ؟
چه قدر باید احمق بود تا نفهمید چه کسی دست پیش گرفته تا دست او را خرد کرد ؟
یا در حالیکه مهلت امریکا برای جنایت در عراق ، امسال تمام می شد و الزام به خروج بود که این قرارداد را به عراق تحمیل کرد که بتواند تا آخر سال 2011 ، یعنی بیش از سه سال دیگر در عراق بماند ، مثلا خبرگزاری های خارجی ، می گویند دولت عراق ، موافقتنامه را پذیرفت (که در خود ، بار معنای منفی از دید عراق دارد) اما اخبار ایران ، می گوید امریکا طرح خروج از عراق را پذیرفت !!! همین که آدم به اخبار خود امریکایی ها گوش کند ، می فهمد چه خیانتی در حق مردم عراق صورت گرفته و خود آنها هم اعتراف دارند اما ایرانیان ، خیلی خوشحال شده اند و مدام ، این بند را تکرار می کنند : امریکا حق ندارد از عراق به عنوان پایگاه حمله به کشورهای همسایه ی عراق استفاده کند ، مثلا ایران !!! چرا که فکر می کنند ویتنام ، محصول مستقیم جان کندی بود و عراق و افغانستان ، میراث کلینتون . به یاد مانور 30 هزار نفری تهران و موشک سجیل و پیروزی دموکرات ها و خیلی چیز های دیگر می افتم که در همین چند روزه واقع شده اند .

نویسنده: م.ستاره

دوشنبه 27 آبان1387 ساعت: 21:12

5
ناخواسته ، شاهد از غیب می رسد ! اطلاعات امشب نوشته است که روسای دانشگاه های امریکا ، یعنی همان هایی که مغزهای ایرانی فرار کرده را خرید ، جذب ، مهار ، کنترل و اداره می کنند ، پیشرفت های علمی ایران را ستوده اند ! این تیتر یک روزنامه ی اطلاعات یا بهتر است بگوییم روزنامه ی الاغیات است . حالا یا آنها تعارف یا دروغ گفته اند و این ها نفهمیده اند یا اینکه آنها چیزی گفته اند و این ها نفهمیده اند ! ببینیم امام جمعه ی این هفته در این مورد چه نظری دارد !
یا مثلا جهانگیری می گوید مراسم رقص با قرآن ، قبلا در حضور حتی خود دکتر احمدی نژاد صورت گرفته ، اما خیلی زود داد و بیداد به راه افتاده و قربانی معهود ، حتی قبل از فجر ، ذبح و سلاخی شده . پس این جار و جنجال دیگر چه صیغه ای است ؟ خنده دار است اوضاع آنانی که خدا بریده اند ، مجبور اند به جان هم بیفتند . البته سود نهایی در جیب ما تماشاچیان است ، مثلا رادیو امریکا (این را که می گویم ، از این به بعد به نفع اورشلیم اصلاح خواهد شد و اگر دقت نداشته اید ، از دست داده اید مگر به آرشیو رجوع کنید ! این بوق های گوش کر کن قلدرهای بزرگ ، معمولا چشم به اینجا دوخته اند) به جای اسفندیار رحیم مشایی (mAshshaii) که در ذهن هر فردی ، مشاییان و اشراقیان یا مشابهات آن را می آورد و حتی خود مقامات ایرانی ، این گونه تکرار می کنند ، (mOshshaii) موشایی می گوید که یاد آور موشه در زبان جهودان به معنی موسی است و ذهن علیل من ، فقط به دوستی مردم ایران با مردم اسراییل می اندیشد !
تصویر این آیه ، گویای همه چیز است :
قد مکر الذین من قبلهم
فاتی الله بنیانهم من القواعد
فخر علیهم السقف من فوقهم !!
و اتاهم العذاب من حیث لایشعرون .
از بابت اطاله ، جدا از همگی معذرت می خواهم .
والسلام

نویسنده: حذف

دوشنبه 27 آبان1387 ساعت: 21:13

بسمه تعالی
سلام
راستی این یهودیا پر رویی رو از حد گذروندن که با گچبری هم تبلیغ می کنن! قبلا که کاشی کار بودند ! موفق باشید .

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 187

ایران شناسی بدون دروغ، 187، بازدید از اندونزی،10 - 90 نظر

نویسنده: جامعه شناس

شنبه 2 آذر1387 ساعت: 8:44

سلام بر استاد که مانند همیشه با نکته سنجی راه نمای رهروان هستند و سلام بر همه ی دوستان که پا بر سر و دیده ی من گذاشته اند .

فعلا یک توصیه بیشتر ندارم :
حوصله کنید دوستان ! حوصله کنید ! کار من با زنان از یک مثنوی 7 من هم مطول تر است ! حوصله کنید ! حوصله کنید !

نویسنده: رضا

شنبه 2 آذر1387 ساعت: 9:20

با سلام خدمت استاد محترم و دیگر دوستان
1- استاد ، از توضیح شما در مورد آیه 11 سوره اعراف من چنین متوجه شدم که به عقیده شما کلمه" آدم " در برخی آیات به صورت اسم خاص و در برخی آیات بصورت اسم عام بجای انسان یا بشر آمده است. اما اگر توجه نمائید در همان آیه مورد اشاره شما خطاب به ما (همه انسانها) می فرماید که(ما "شما" را خلق کردیم و سپس "شما" را مصور کردیم و بعد به ملائکه گفتیم که به "آدم " سجده کنید.) به نظر بنده خداوند در قران تمامی کلمات را بجای خود و به قصد خاصی بکار برده و از همین جاست که تفاسیر غالبا دچار مشکلند چون خواست خود را دنبال می کنند. "آدم" انسانی منتخب است که اسماء الهی را آموخت و درحد سجده ملائکه قرار گرفت (از آنجائیکه بنده حافظ قران نیستم)، بخاطر ندارم که سجده جز بر "ادم نبی الله" بر دیگر انسانها هم گفته شده باشد.واز آیه ای اطلاع ندارم که مستقیما به "خلقت آدم" اشاره کند، بلکه همه جا صحبت از خلقت انسان و سجده بر آدم است.

وب سایت

نویسنده: رضا

شنبه 2 آذر1387 ساعت: 9:21

ادامه...
2- واقعیات حال حاضراجتماع ما و دیگر مسلمین چیزی جدای از حقیقت آفرینش است و طبعا وجود کاستی های اخلاقی و اجتماعی ما که حاصل قرنها گمراهی بشر است ، نباید دستمایه برداشت و تفسیر ما از خلقت و حقیقتهای مرتبط باشد.برای مثال روابط غلط موجود بین زن و مرد در جامعه ما هیچ سنخیتی با حقایق قرانی ندارد و از همین جاست که گاه دوستانی نمونه های غلط موجود در جامعه را الگوی حکم دادن در کلیت آفرینش قرار می دهند. جناب استاد غفوری عزیز هم که مستند معظم خودشان نمونه بارز بیان حقیقت های پنهان بر علیه واقعیات باور شده ولی غلط تاریخ است، با قبول وجود کاستی های موجود در سیستم حاکم بر روابط زن ومرد در جوامع کنونی(که مورد قبول همه ماست) بر حکم کلی این نقایص در آفرینش انسانها(که توسط جناب جامعه شناس طرح شده) صحه می گذارند. امیدوارم که درک بنده اشتباه باشد.

نویسنده: ویرگول

شنبه 2 آذر1387 ساعت: 10:19

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=66741

مشایی: روز کوروش در تقویم قابل بررسی است
اسفنديار رحيم مشايي روز جمعه افزود: اين موضوع قابل بررسي است كه در تقويم ملي روزي بنام كوروش يا تخت جمشيد داشته باشيم.

آنوسی بی شرف

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 2 آذر1387 ساعت: 10:56

آقای رضا. خلقت آدم از نظر زمان، در مقیاسی کلان، بر هبوط پیامبری به نام آدم مقدم است و بدین ترتیب و به طور قطع، فرشتگان مامور سجده بر آدم مخلوق می شوند نه آدم پیامبر!

نویسنده: رضا

شنبه 2 آذر1387 ساعت: 13:43

با سلام خدمت استاد محترم و دیگر دوستان
جناب استاد ، اگر به آیه 123سوره طه توجه نمائید هبوط به آدم رسول الله مربوط است بهمراه جمعی دیگر از انسانها که حضرت حق عداوت برخی از آنها به برخی دیگر را پس از هبوط وعده میدهد. بنابر این رد سجده ابلیس بر آدم نبی الله بوده و این نبی خداست که فریب خورده و محکوم به هبوط شده است و بهمراه وی دیگر انسانها هم مهبوط شده اند. باز در سوره بقره بوضوح انتخاب و جعل شخصی را به عنوان خلیفه الله طرح می کند که آدم نام دارد (ونه خلق وی را)و داستان آموزش

اسماء و سجده بر این" آدم انتخاب شده" است و نه هر انسان دیگری. باعث کمال خوشحالی بنده است که شما هم اذعان دارید که قبل از آدم نبی الله انسان از گل آفریده شده ولی آدم اولین انسانی است که از سوی خداوند به خلیفه الهی برگزیده شده است. زیرا متاسفانه بسیاری از مردم آدم نبی الله را اولین انسان مخلوق خداوند میدانند.

نویسنده: مارلیک

شنبه 2 آذر1387 ساعت: 13:45

با سلام خدمت استاد محترم

بسيار عالي بود با مطالعه اين شماره بيشتر به اين مطلب رسيدم كه قضيه چيزي فراتر از پوريم است و شايد پوريم نقطه شروع آن باشد در ضمن جمله "انسان هر چه بی هنر و نازیبا و بی عشق تر، واقعی تر و قابل شناخت تر است." را بايد جلوي چشم تمام انسانها نصب كرد. يعني روزي مي رسد كه همه انسانها اين را درك كنند؟

خانم حاجي زاده "هنگامی که لفاظی جای بررسی های عقلایی را اشغال می کند، لاجرم شیرین زبانی های تمسخر آمیزی از این قبیل راه خود را گشوده می بیند."

نویسنده: نیما

شنبه 2 آذر1387 ساعت: 14:2

سلام به همگی،
در یکی از سایت ها مطلبی (خبری) خواندم، نمونه ی دیگری از میلیاردها کثیف کاری های یهود و همراهانشان (مسیحیان!).
این مطلب در یکی از سایت های مسیحیان ایران نوشته شده بود و من آن را در صفحه ی جوانی دیدم که با افتخار آن را نوشته بود و در آخر ما را به مسیح و پدر آسمانی دعوت کرده بود (!!!) - خدا همه ی گمراهان را به راه راست هدایت کند و همچنین همه ی مشرکان را لعنت!
در کامنت بعدی این مطلب را بخوانید!

نویسنده: نیما

شنبه 2 آذر1387 ساعت: 14:6

میزبان کلیسای خانگی بدست نیروهای لباس شخصی کشته شد
13 مرداد 1387
باز هم خون شهیدی دیگر برای بشارت انجیل آسمانی مسیح خداوند
در خاک پاک ایران بر زمین ریخت، مبارک باد ای همه مسیحیان و
عاشقان مسیح این جانفشانی و خون پراکنی در کلام خداوند
به گزارش شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان و به نـقل از منابـع خبری ما از "ملك شهر اصفهان" در جريان دستگیری و بازداشت تعدادی از هموطنان مسیحی مان که شب یکشنبه در تاریخ ٢٧ جولای ٢٠٠٨ برابر با (۶ مردادماه ١٣٨٧) در يك کلیسای خانگی که گروهی از ایمانداران مسیحی جهت پرستش و دعا گردهم آمده بودند ، متاسفانه با خبر شدیم ، " عباس امیری " از ایمانداران مسیحی، که خانه خود را برای جمعی از مسیحیان در آن شهر به جهت عبادت و دعا به کلیسای خانگی خداوند تبدیل کرده بود ، بر اثر هجوم و ضرب و شتم ماورین امنیتی لباس شخصی وبه دلیل جراحت وارده بر قفسه سینه و کهولت سن ایشان روز چهارشنبه در تاریخ ٣٠ جولای برابر با ٩ مرداد ماه پس از ٣ روز بستری در بخش مراقبت های ویژه در ساعت ١۶:٣٠ دقیقه در بیمارستان شریعتی اصفهان در سن ۶٣ سالگی جان به جان آفرین تسلیم و در خداوند به خواب رفتبنا بر گزارش FCNN.com ، مامورین امنیتی لباس شخصی پس از یورش به کلیسای خانگی بیشتر از این موضوع عصبانی و خشمگین بوده اند که این شهید مسیحی (عباس امیری) که بهمراه همسر خود میزبانی کلیسای خانگی را برعهده داشتند، قبل از ایمان به مسیح به سفر "(حج – مکه)" رفته و عنوان " حاجی" را نیز بر خود داشت

نویسنده: نیما

شنبه 2 آذر1387 ساعت: 14:7

،وی همچنین در زمان جنگ ایران و عراق نیز به عنوان "رزمنده" در جبهه ها حضور داشت و برای آنان باورنکردنی بود که این شخص به مسیح ایمان آورده و به تشکیل کلیسای خانگی همت ورزیده باشد.پس از فوت نامبرده هنگامی که خانواده آنها می خواستند جسد را تحویل بگیرند ،مامورین پلیس امنیتی به آنها هشدار دادند که اجازه هیچگونه خبر رسانی و برپایی مراسمی با نصب پرچم های سیاه در سر در منازل خود ندارند و در صورت مشاهده با آنان شدیدا برخورد خواهد شد.خانواده امیری و فرزندانش پیکر پاك این شهید مسیحی را روز پنجشنبه ٣١ جولای (دهم مرداد ماه) به زادگاهش در "مسجد سلیمان" انتقال دادند ، به نقل از همکار ما از مسجد سلیمان ، مراسم تشیع جنازه ،علیرغم ممانعت مامورین پلیس امنیتی

وانتظامی از ورود مردم به محل قبرستان اما مراسم خاکسپاری با انبوه دوستاران و بستگان وی بدون هیچگونه مراسم خاص مذهبی برگزار گردید .شبکه خبرمسیحیان فارسی زبان و دیگر سازمانها و کلیساهای مسیحی بشارتی ایرانی در داخل و خارج از کشور،همدردی خود را با بازماندگان، همسر و فرزندانش و دوستان و یاران و بخصوص اعضای کلیسای خانگی که این شهید سرپرست و میزبان آن بود را اعلام میداریم و اعلام میکنیم که ما به سوگ برادر شهیدمان نمی نشینیم و سیه پوش عزای سفرش نمی شویم چون ایمان داریم که اینک در آغوش مسیح است، بلکه با شادی و قوت مضاعف برای پیشبرد کلام خداوند دعا خواهیم کرد و حرکت خواهیم نمود و رنجور و فرسوده نخواهیم شد درود بر روح سربلندش و خونش که نهال کلیسای ایران را آبیاری نموده است

نویسنده: عابدی

شنبه 2 آذر1387 ساعت: 19:7

با سلام

آقای اتفاق ، ضمن تشکر از زحمات شما دوست گرامی، فایل های ارسالی را دانلود کردم.

فایل دوم ارسالی با عنوان « نقدی بر نوشتهٔ آقای غلامی در سایت بازتاب » ، در سایت با عنوان « تحریف در کتاب‌هاي تأملي در بنيان تاريخ ايران » به شماره ي 336 نصب شده است.

با توجه به پیام های مکرر دوستان، اگر مخالفتي نباشد فایل های « پشت پرده های محوطهٔ طاق بستان کرمانشاه ؟! » در سایت ناریا نیز نصب شود.

در پناه حق باشید.

نویسنده: اسدی

شنبه 2 آذر1387 ساعت: 19:28

محاکمه یک ایرانی به اتهام صدمه به کتابهای تاریخی..............................

روزنامه گاردین گزارش داده که دادگاهی در بریتانیا به اتهام یک ایرانی رسیدگی می کند که متهم است در مدت هفت سال کتابهای تاریخی را قرض گرفته و صفحاتی از آنها را جدا کرده است.

گاردین در گزارشی مفصلی می نویسد که یک ایرانی ثروتمند به نام فرهاد حکیم زاده به بیش از ۱۵۰ کتاب و اثر تاریخی و بسیار پرقیمت مربوط به قرن‌های شانزدهم میلادی به بعد را که در کتابخانه ملی بریتانیا در لندن نگهداری می‌شده، از کتابها جدا کرده است.

به نوشته گاردین، این ایرانی دانشگاهی خساراتی وارد آورده که به هیچ وجه قابل جبران نیست. صدمات وارد شده با چشم غیر حرفه ای قابل تشخیص نیست و در لابلای اوراقی قرار دارد که با دست صحافی شده اند و حدیث سفرهای اروپاییان به ایران، بین النهرین و امپراطوری مغول است.

به نوشته گاردین، پژوهشگران ارشد کتابخانه حیران مانده اند که چرا فرهاد حکیمزاده، تحصیل کرده دانشگاه هاروارد، ناشر و متفکر با یک چاقوی جراحی به جان 150 کتابی افتاده است که قرن هاست در مجموعه ملی محفوظ بوده اند.

گاردین می نویسد: خسارت مالی که او در طی هفت سال به بار آورده است چیزی حول و حوش چهارصدهزار پوند است اما دکتر کریستین جنسن، مسئول بخش مجموعه چاپی کتابخانه می گوید به هیچ عنوان نمی توان قیمتی روی کتابها و نقشه هایی که او نابود کرده گذاشت.

گاردین از قول جنسن می نویسد: این اشیاء تاریخی برای همیشه ناقص شده اند. شما نمی توانید کار او را جبران کنید. او بخشی از شواهد تاریخی درباره اولین سفرهای اروپایی به جایی که ما امروزه به آن خاورمیانه و چین می گوییم از بین برده است. من بسیار عصبانی هستم. این فرد متمول چیزی را نابود کرده که متعلق به همه است."

در ادامه مقاله گاردین آمده حکیم زاده 60 ساله، امروز (21 نوامبر) در دادگاهی در لندن برای توضیح در این مورد حاضر می‌شود و ممکن است با مجازات زندان روبرو شود. فرهاد حکیمزاده بعد از سقوط شاه، ایران را ترک کرد و دارای پاسپورت آمریکایی است. او به 14 فقره جرم از سال 1998 اعتراف کرده که شامل برداشتن نقشه های قدیمی و صفحاتی از ده کتاب در کتابخانه ملی بریتانیا و چهار کتاب دیگر در کتابخانه بودلین در شهر آکسفورد است.

نویسنده: اسدی

شنبه 2 آذر1387 ساعت: 19:30

(2)
گاردین می نویسد وقتی پلیس در ماه ژوییه گذشته خانه او را در محله نایتس بریج لندن جستجو کرد، چندین نقشه، صفحه و تصویر گمشده را پیدا کرد که در لابلای نسخه های کم ارزشتر کتابهایی که متعلق به خودش است، چسبانده بود.

به نوشته گاردین، پژهشگران کتابخانه در ماه ژوئن 2006، بعد از آنکه یک کتابخوان دیگر به آنها خبر داد که صفحاتی از یکی از کتابها کنده شده است، به کاراگاه تبدیل شدند. تحقیقات دقیق کارشناسان، صحت این حرف این کتابخوان را ثابت کرد و بعد عملیات وسیعی درباره آنکه چه کسی مرتکب این کار شده و اینکه چه کتابهای دیگری هم به همین سرنوشت دچار شده اند، آغاز شد.

گاردین می نویسد که کارشناسان با استفاده از سیستم بایگانی الکترونیک تمام کسانی را که این کتاب را قرض گرفته بودند پیدا کردند و بعد آثار دیگری را هم که همین افراد از کتابخانه بیرون آورده بودند مورد تحقیق قرار دادند. آنها متوجه شدند بخش هایی از کتابها که همان دوره را به تفصیل شرح می دهد و درباره روابط اروپاییان با منطقه ای است که سوریه امروزی تا بنگلادش را در بر می گیرد نیز از کتابهای دیگر جدا شده است. ارزش بعضی از صفحات
به 32000 پوند می رسد.

آنها متوجه شدند که حکیمزاده 842 کتاب قرض گرفته و به دست کم 150 کتاب خساراتی وارد شده است. بعضی از صفحات پیدا شدند اما بسیاری از آنها برای همیشه گم شده اند.

ساندرا لاویل خبرنگار گاردین می نویسد، کتابخانه نامه ای به حکیم زاده نوشت که در آن زمان رئیس بنیاد میراث ایران در لندن بود. او این بنیاد را از سال 1995 برای حفظ و ترویج فرهنگ ایرانی تاسیس کرده بود. او در جواب نوشت که اطلاعی درباره خسارات وارده به کتابها ندارد. به همین علت کتابخانه ملی تصمیم گرفت به پلیس مراجعه کند و داستان تحقیقات خود را شرح دهد.

گاردین به نقل از کریستین جنسن می نویسد:" حکیم زاده نمونه بارزی از خوانندگان کتابهای ماست. او اطلاعات عمیقی در این زمینه دارد و از نظر من این جرمش را سنگین تر می کند چون او اهمیت چیزی را که نابود کرد می دانست. او در پوشش یک محقق و با هدف دزدی آثار تاریخی، از اعتماد ما سوء استفاده کرد."

نویسنده: اسدی

شنبه 2 آذر1387 ساعت: 19:31

http://www.bbc.co.uk/go/wsy/pub/email/ft/-/persian/arts/2008/11/081121_sh_defaced_books.shtml

وب سایت

نویسنده: اسدی

شنبه 2 آذر1387 ساعت: 19:32

نظر شما در این مورد چیست ؟

نویسنده: جامعه شناس

شنبه 2 آذر1387 ساعت: 20:38

سلام بر همگی

آقای پورپیرار عزیز سلام . هرچند بارهای بار سورهٔ روم را خوانده ام ، لیکن بنا به دستور شما باز سر در آن سوره فرو بردم و در آیهٔ 21 غور کردم . مختصرا ، قصد من چنانچه اگر بحث را به انتها بردم روشن خواهد شد : 1) وارسی مسأله خلقت (فقط خلقت اولیه) در قرآن ، و 2) برجسته کردن برخی از اضلاع اجتماعات انسانی و در این مورد بخصوص ، سیما و صورت زنان ، آن هم نه از دید یک معلم اخلاق ، که از منظر یک آئینه به دستی که آئینهٔ خویش مقابل زنان گرفته تا خود را نه آنطور که یهود می پسندد ، که آنطور که هستند ببینند هست . هدف من از بررسی های قرآنی ، نتیجه گیری اینکه مرد برتر است و از گوهری بالاتر ، نیست که حتی بحث آفرینش زن از وجود مرد را نیز ، که هم قرآن و هم تورات بر آن صحه می گذارد ، به این امید باز کرده و می کنم ، تا به مکانیسمی در کارگاه خلقت آگاه شویم ، نه مستمسکی برای کوبیدن زنان .

نویسنده: جامعه شناس

شنبه 2 آذر1387 ساعت: 20:38

جناب رضا سلام . متنی از من در داخل یک پرانتز به شرح روبرو آورده اید : (در قرآن هرجا سخن از داستان خلقت / و گفتگوی خدا با فرشتگان پیرامون خلق یک موجود / و بعد خلق آن موجود /)
سپس گفته اید من بر اساس همین عبارات داخل پرانتز ، مبنای برتری مرد بر زن را گذاشته ام : « جناب جامعه شناس خواهش مي كنم به متن ادعاي خود نگاهي دوباره بياندازيد تا متوجه شويد كه نوشته داخل پارانتز از آن شما و مربوط به موضوع خلقت است و شما با توجه به اين تفسير خودتان مبناي بحث برتري مرد بر زن در خلقت و نقصان زن و... را پايه گذاشتيد و تلاش بنده هم تفكيك اين دو موضوع براي شماست . »
سکه ام نیفتاده ، لطفا کمکی کنید تا بیفتد ! البته اگر اصولا داشته باشم !

نویسنده: جامعه شناس

شنبه 2 آذر1387 ساعت: 20:39

سلام بر آقای غفوری مستند ساز . منظورم 9 - 8 سال است . جا افتادگی تایپی بود ، به پیری ام عفو کنید . امیدوارم عینکی نباشید ؛ اما اگر دو عینک مثل من داشتید که یکی برای نزدیک بود و دیگری برای دور و درست مانند آکتورهای کمیک ، در طی روز و در مغازه و بازار ، برای خواندن قیمت برنج ، اولی را برداشتید و دومی را گذاشتید و برای صحبت با مغازه دار ، دومی را به جای اولش گذاشتید و از اولی استفاده کردید و به تعداد دفعات خواندن قیمت لپه و نخود و کوفت و زهر مار ، از عینک 1 به عینک 2 و از عینک 2 به عینک 1 رفتید ، این غلط ها که سهل است ، بوسیدن زنی به غیر همسر خودتان ، به سهو ، را هم عفو می کردید !!! آن آقای م . ستاره را هم اگر با هم آشنا شدید نیاورید ! آنوسی جلبی است !!! شوخی می کنم . به حساب مزاح بگذارید .

نویسنده: جامعه شناس

شنبه 2 آذر1387 ساعت: 20:40

در پایان به نظر می رسد « ادعای شماره 1 » مخالفی ندارد . اگر کسی با آن مخالف است بگوید تا مبنای اختلاف را بررسی کنیم و اگر نیست ، با سکوت ، مرا مجاز به طرح ادعای دوم کند . سپاسگزارم .

نویسنده: جامعه شناس

شنبه 2 آذر1387 ساعت: 20:41

پانویس باشی !!!

ـ ظاهر زن ها اسباب جمع کردن مشتری است که مورد اعتراض خودشان هم نیست ! به دفاتر هواپیمائی و سیاحتی رفته اید ؟ دیده اید زیباترین دختران را با آرایش های آنچنانی و لباس زیبای فرم ، متصدی فروش کرده اند ؟ آیا این سوء استفاده از زیبائی نیست ؟ آیا بازدهٔ کاری آنها هدف بوده یا حظ بصری مشتریان ؟! آیا همین فعل را دفاتر روزنامه ها ، در بخش جمع کردن آگهی های تلفنی انجام نمی دهند تا پس از گماشتن چند زن جوان به عنوان بازاریاب تلفنی ، پشت تلفن ، با ناز و کرشمهٔ صدای زنانه ، ملت را سرکیسه کنند ؟!
ـ نمی دانم چه سِرّی است که علی رغم تقبل سنتی برخی مسئولیت ها از سوی زنان ، مثل آشپزی یا آرایشگری زنانه یا پزشک زنان و ... ، بهترین آشپزهای شهرها و طباخانی که برای پخت شام عروسی ها و ... ، روی دست می برندشان یا در رستوران ها مشتریان نمی دانند دستپخت آنها را بخورند یا دستشان را ، مرد هستند ؟ نمی دانم چرا در گذشته که مردان هم می توانستند آرایشگاه زنانه بزنند ، بهترین آرایشگران زنانه مرد بودند ؟ نمی دانم چرا زن ها دوست دارند برای جراحی های زنانه ، یا وضع حمل ، خود را نه به دست قابله های دانشگاه دیدهٔ زن ، که دست اطبای مرد بسپارند ؟ نمی دانم ... ؟ آیا کم حوصله بودن زنان عامل است یا اینکه مغز ریاضیاتی ندارند ؟ شاید هم مانند از خیابان گذر کردنشان ، که سر را پائین می اندازند و به آن سو می روند ، یا رانندگی کردنشان ، هیچ فیلسوفی هم علت آنرا نفهمد ؟!
ـ زنان به ندرت عاشق می شوند و به نظر می رسد عشق پدیده ای مختص به مردان است . ضمنا در ازدواج ، بیشتر مثل کالا هستند و اگر حسن آقا آمد ، زن او می شوند ، اگر کارشان با او نشد ، به نکاح علی آقا در می آیند و بسیار پیش می آید در فامیل ها که مثلا دختر خاله ، چشمش دنبال پسر خاله است اما بی آنکه بر خواستن خود اصراری ورزد ، اگر تقی آقا آمد و شرائطش بد نبود ، به خانهٔ وی می رود و ابراز دلدادگی هم به او می کنند ! سؤال : بسیار دیده می شود مردان بر سر تصاحب زنی با هم گلاویز شوند ، اما تا قبل از بی شوهری های اخیر ، آیا کسی دیده دو زن بر سر تصاحب یک مرد ، خون هم بریزند ؟!

نویسنده: توحید-1

شنبه 2 آذر1387 ساعت: 21:45

با سلام
استاد ، با اجازه شما ادامه «پروتكل هاي يهود» را كه با وقفه اي هم مواجه شده بود پي مي گيرم . ضمن اينكه بايد بگويم دو مطلب اخيرتان باز هم روشنگر و رسوا ساز بود . با قيد يك توضيح و اين كه شما عقيده داريد ، اجتماعات اخير غالبا محصول جابجايي آدمي در قرون اخير (5 قرن پيش) است . اين گفته شما شايد شبهه اي را در بعضي خوانندگان نوپاي مباحث شما ايجاد كند و آن اينكه آنها تصور كنند شما اعتقاد داريد تقريبا هيچ تمدن باستاني واقعي وجود ندارد و مثلا آن آثار باستاني بي شمار در هند و معابد در چين و ... نيز شامل دروغ پردازيهاي يهود مي شود ، حال من فكر مي كنم توجيه اين مسئله اينطور است كه تجمعاتي كهن در هند و چين و ... وجود داشته است كه بر پا كننده آن آثار باستاني چند هزار ساله بوده اند ولي اكنون اثري از آن نسل نيست و يا در تجمعات نوين هضم شده اند و مثلا مردم كنوني هند هيچ ربطي به تمدن هند ندارند و تقريبا همگي آنها مهاجراني هستند كه در 5 قرن اخير و بخصوص 2 قرن اخير به اين سرزمين وارد شده اند .
اگر چنين باشد ، كه واقعا بايد اعتراف كرد نظريات شجاعانه شما كه پشتوانه آن ايمان و امداد هاي الهي است ، انقلابي بزرگ در تاريخ جهان ايجاد خواهد كرد . و به قول شما با چنين ديدگاهي تقريبا برگي از تاريخ كنوني جهان صحيح نخواهد بود .

درباره سجده ملائك به آدم هم ، من فكر نمي كنم كه مطلب درستي باشد ، چرا كه آدم داراي مرتبه اي نيست كه مورد سجده قرار گيرد و اين كار هم نوعي شرك است بلكه فكر ميكنم منظور سجده به خالق آدم يعني خداوند صحيح باشد (و به ملائك دستور داده شد كه براي آدم سجده كنيد) نه (به آدم) . در ثاني به نظر مي رسد آن آدمي كه شرح خلقتش در آياتي از قرآن آمده فرق مي كند با آدمي كه پيامبر بوده است و مانند «يوسف» و «اسرائيل» باز شاهد دو آدم در قرآن مبين هستيم . ضمن اينكه هميشه اين سوال برايم مطرح بود كه آدمي كه همراه همسرش به زمين هبوط كرده بودند ، براي چه قومي پيامبر بوده است ؟ براي همسرش ؟

وب سايت

نویسنده: توحید-2

شنبه 2 آذر1387 ساعت: 21:47

....

1- آنچه که من امروز می‌خواهم بگویم، در واقع تکرار همان مطالبی است که قبلا\" هم گفته ام و خواهشم از شما این است که به خاطر داشته باشید دولتها و مردم به بازتاب و انعکاس سیاستشان در خارج از مرزهایشان، اهمیت خاصی می‌دهند. حال نمی‌دانیم نمایندگان دولتهای غیریهودی، در کنفرانسهای بین المللی پیرامون مسایلی چون آزادی یا تساوی حقوق به منظور برانگیختن احساس احترام دیگران صحبت می‌کنند، تا چه حد مفهوم این واژه ها را درك می‌نمایند. در هر صورت سیاست ما ایجاب می‌کند هنگامی که درباره مسایلی چون تفویض اختیار، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی مذهب، تساوی در برابر قانون، احترام به مالکیت فردی، آزادی انتخاب مسکن، عدالت و تعیین مالیاتها صحبت می‌کنیم، باید به معنی دقیق این واژه‌ها توجه داشته باشیم. به بیان دیگر، ما باید این مسایل را به طور خیلی صریح و بی‌پرده با مردم در میان نگذاریم و هر گاه ضرورتی حاصل شد که مطرح بشوند، به طور قاطع و صریح از آنها اسم نبریم. بالعکس به طور خیلی سربسته و بدون ذکر جزئیات درباره آنها صحبت کنیم. دلیل سکوت ما در این باره آن است که وقتی مقولات بالا اسم گذاری نشده باشند، یعنی مردم تصور دقیقی از آنها نداشته باشند، قطعاً دستمان باز خواهد بود که چه چیز اضافه و چه چیز کم کنیم و در نتیجه مردم متوجه چنین تغییراتی نمی‌شوند.
2- همه مردم را بدون در نظر گرفتن اختلافات طبقاتی یا سایر تفاوتهایشان وادار به رأی دادن می‌کنیم زیرا رأی افراد تحصیل کرده برای دست‌یابی به یك اکثریت قاطع کافی نیست و نیز به مردم القاء می‌کنیم که خود افراد دارای اعتبار و اهمیت هستند. اهمیت خانواده و نقش تربیتی آن را در میان غیریهودیان از بین می‌بریم و اجازه اظهار وجود به کسی نمی‌دهیم زیرا توده مردم باید صرفاً به وسیله ما اداره شود. به آنها اجازه نمی‌دهیم که رودرروی ما بایستد. حتی فرصت نمی‌دهیم که تقاضای دادرسی بکنند. آنها باید به شنیدن حرفها ما واطاعت از ما عادت کنند.

3-توده مردم ناآگاه بنا به راهنمایی ما سران خود را انتخاب می‌کنند و در جهت دلخواهمان حرکت می‌نماید و تسلیم رژیم ما خواهند شد زیرا مستمری و درآمد و نیز منافعش، همه در دست رهبران رژیم ما است.

وب سایت

نویسنده: توحید

شنبه 2 آذر1387 ساعت: 21:49

4- چهارچوب سیستم حکومتی که ما در آینده آن را عرضه خواهیم کرد، باید به وسیله یك نفر طرح ریزی شده باشد. زیرا اگر افراد متعددی دست اندرکار ساختن و پرداختن بخشهای مختلف این سیستم باشند، چهارچوب چنین سیستمی چندان محکم و استوار نخواهد بود. اگر ما شناختی درباره نحوه عملکرد سیستم داشته باشیم، اشکالی پیش نخواهد آمد ولی هیچگاه نباید به بحث و تبادل نظر درباره طرح کلی سیستم بپردازیم زیرا بسیاری از اسرار آن کشف خواهد شد. به علاوه بحث و تبادل نظر موجب می‌شود که افراد به برداشتهای متفاوتی برسند و این خود موجب تغییر و دستکاری سیستم

می‌شود. در حالی که ما نمی‌خواهیم سیستم حکومت تغییر کند و کاری را که نوابغ قوممان انجام داده‌اند، به دست توده ناآگاه یا عده‌ای افراد منتخب متلاشی شود.

5- از زمانی که سیاست آزادی طلبی به امر مملکت‌داری راه یافت، سیستم حکومت مطلقه جای خود را به حکومت مشروطه داد و بدینسان مردم غیریهودی با دست خود حکومت‌های مطلقه را که از ثباتی نسبی برخوردار بودند، متزلزل ساختند. زیرا حکومت مشروطه جز بی‌نظمی، سوءتفاهم، کشمکش، عدم توافق و برخورد میان احزاب چیزی دیگر ببار نمی‌آورد. به عبارت دیگر، مشروطه مکتبی است که جز نابودی دولت هدفی دیگرندارد. باید افزود که تریبون سخنرانان از جمله عواملی بوده است که در واژگون و متزلزل کردن حکومتهای مشروطه نقش بسیار مهمی بازی کرده است. پس از آنکه حکومتهای مشروطه یکی پس از دیگری بر اثر حمله و انتقادهای شدید واژگون شدند، مردم به فکر حکومت جمهوری افتادند. آنگاه به وساطت قوم ما رؤسای جمهوری ازمیان توده مردم انتخاب شدند. یعنی غیریهودیان بی‌آنکه خود بدانند، دست نشاندگان ما را به رهبری خود پذیرفتند. همه تحولات بالا که درا مر مملکت‌داری صورت گرفته است، به مثابه نقبی است که به دست ما زیرپای مردم غیریهودی حفر شده است.

6- در گفتار بالا نشان دادیم که به وساطت ما حکومت از مطلقه به مشروطه و از مشروطه به جمهوری تحول پیدا کرد. اینك می‌خواهیم اندکی درباره ویژگیهای حکومت جمهوری بحث کنیم:

7- رییس جمهور حکومتهای غیریهودی [] تحت نفوذمان را ما از میان موثق‌ترین عوامل و دست نشاندگان‌مان نامزد می‌کنیم و سپس او را براساس رأی‌گیری انتخاب می‌نماییم.

وب سایت

نویسنده: توحید-4

شنبه 2 آذر1387 ساعت: 21:53

8- از آنجا که قوانین را ما از قبل تدوین کرده‌ایم، حق تغییر و تعویض قانون را از رییس جمهور سلب می‌کنیم. در عوض او را به ریاست کل قوا منصوب می‌نماییم تا بتواند درموقع لزوم، ازقانون اساسی دفاع کند. رییس جمهور، عملا\" فرد فاقد اختیاری است که هدف و مسئولیتش تنها حفظ قوانین است که ما از پیش تدوین کرده ایم.

9- بسیارروشن است که کلید معما، در دست ما می‌باشد و کسی جز ما نمی‌تواند در قوانین دخل و تصرفی به عمل آورد.

10- در قانون اساسی دولتهای غیریهودی، حق استیضاح کردن دولت را از رییس مجلس سلب می‌کنیم و تعداد نمایندگان را به حداقل ممکن می‌رسانیم تا بدین‌وسیله بتوانیم شور و شوق سیاسی را در دل مردمی که مشتاق مسایل سیاسی هستند، بکشیم. اگر چنین رویه‌ای دشواریهایی به بار آورد، آنگاه وضعی پیش می‌آوریم که گروه بسیاری از مردم به فعالیتهای سیاسی تمایل پیدا کنند.

نابودی دولت‌ها هدف ماست :

11- با توجه به آنچه که قبلا\" گفتیم اندك اندك زمینه نابودی دولتهای غیریهودی را فراهم می‌کنیم و سرانجام قدرت را به دست می‌گیریم. پس از اینکه به قدرت دست یافتیم، به طور نامحسوسی اصول قانون اساسی دول غیرصهیونیست را گام به گام حذف می‌کنیم و هنگامی که زمان موعود فرا رسید، حکومت مطلقه قوم خود را جایگزین هرنوع حکومتی می‌سازیم.

12- پیش از آنکه قانون اساسی دول غیریهودی نابود گردد، ممکن است مردم به حقانیت حکومت مطلقه ما پی‌ببرند. در چنین دوره ای، مردم در حالت بیم و انتظار به سر می‌برند، از بی‌نظمی و نارسایی‌های دول خود که ما موجد آنها هستیم به شدت خسته می‌شوند و از رهبران خود چنین می‌خواهند:

»ما تنها یك پادشاه می‌خواهیم که همه مردم روی زمین را متحد سازد و نابسامانیها را - مرزها، ملیتها و مذاهب ریشه‌کن سازد. پادشاهی می‌خواهیم که بتواند صلح و آرامشی که رهبران فعلی نمی‌توانند به ما بدهند، برای ما فراهم آورد.«

وب سایت

نویسنده: توحید

شنبه 2 آذر1387 ساعت: 21:54

13- برای آنکه آرزوی استقرار حکومت مطلقه قوم خود را در دل همه مردم جهان ایجاد کنیم، لازم است که رابطه مردم را با دولتهایشان تیره کنیم. به طوری که مردم بر اثر اختلاف عقیده، گرسنگی، بیماری و کشمکش به تنگ آیند و جز به رهایی از دست دولتهایشان و پناه بردن به حکومت نجات‌بخش ما، به چیز دیگری نیندیشند.

14- اگر درراه رسیدن به هدفهایی که در پیش داریم کوشا نباشیم، و به ملل دنیا يك لحظه فرصت نفس كشيدن بدهيم، به سختی می‌توانیم به هدفهایمان برسیم.

وب سایت

نویسنده: یک بنیان اندیش

شنبه 2 آذر1387 ساعت: 21:54

سلام آقای عبداللهی
چند هفته قبل تر نوشته بودید کتابی راجع به کوهنوردی و غارنوردی خوانده اید که در آن عکس جوانی های استاد هست.
می توانم خواهش کنم از آن عکس اسکن بگیرید و روی یکی از شبکه ها آپلود کنید و لینک آنرا در قسمت کامنت های وبلاگ استاد بگذارید؟ آخر ما دلمان می خواهد عکس جوانی های استادمان را هم ببینیم .

نویسنده: بختیار

شنبه 2 آذر1387 ساعت: 23:39

سلام استاد
خسته نباشید ضمن حمایت از درخواست اقای بنیان اندیش میخواستم بپرسم شبانه روز برای شما چند ساعت است. خدا قوت چنان با شوق و پر انرژی مینویسید که دلم میخواهد بگویم هنوز هم جوان هستید. برایتان طول عمر از خدا میخواهم که طول عمرتان همراه با برکت نیز هست

نویسنده: بردیا

شنبه 2 آذر1387 ساعت: 23:57

آقای اسدی خبر فوق العاده جالبی بود. آقای فرهاد حکیم زاده، بنیانگذار و مدیر بنیاد میراث ایران در لندن، یکی از پادوهای حرفه ای یهودیان ایران شناس و ایران شناسی یهودی در انگلستان است. یکبار دکتر فریبا زرین باف (ایرانی یهودی استاد تاریخ معاصر ایران در آمریکا) در لندن در حضور خود من و چند نفر دیگر، وی را نوکر خودش خواند! که با پول یهودیان سمینار برگزار می کند. وی شخصی نان به نرخ روز خور و بی سواد و مامور و در واقع پادو است. در عین حال ضد انقلاب و سلطنت طلب هم هست و روابط نزدکی با جان کرتیس (مدیر بریتیش موزیوم) و همسر ایرانی زرتشتی وی دارد. مطمئن هستم که این سرقت را به فرمان و خواست اربابانش و به صورت کاملا هدفمند انجام داده است و قضیه صرفا یک سرقت مادی نمی باشد. تا نظر استاد چی باشد.

نویسنده: ادموندو

شنبه 2 آذر1387 ساعت: 21:10

كردان خاطرنشان كرد: من سرباز كوچك انقلاب بوده و به اذن خدا خواهم بود و از نوجواني تا زمان رحلت حضرت امام مقلد ايشان بودم، بعد از رحلت ايشان به مقام معظم رهبري رجوع كردم و با توجه به حمايت‌هاي بي‌همتاي ايشان از دولت جناب آقاي احمدي‌نژاد، تكليف شرعي دانستم كه از دولت حمايت كنم و بارها عرض كردم مريد رهبري و امين دولت هستم.
http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=66817

نوجوانی ابتدای شروع حرکات جنسی است!!!!!
مقلد هم که به پیشوای خود تقلید دارد.
من هم که فقط نقل قول کردم!!!!!!!!!!!!
برداشت های شما به خودتان مربوط است اگر فکر می کنید که در آن رساله چنین مجوزهایی هست یا کردان دروغ می گوید پس این را بخوانید در همان آدرس!!!!

وي ادامه داد: از همه دوستان كه زمينه‌اي فراهم كردند تا دو كار در زندگي من رخ دهد، سپاسگزارم. اول اين كه قبل از بحث استيضاح نگاه من نگاه حزبي بود، خداي را شاكرم كه نگاه من از نگاه حزبي جدا شد و به حزب‌الله پيوند خورد. دو حادثه شيرين در زندگي من رخ داد، شايد گاه به اشخاص وابستگي‌هايي وجود داشت، كه خدا لطف كرد و از اين حوزه خارج شدم و نقص توحيدم تكميل شد.

ونیزحرمت دروغ

وزير سابق كشور اضافه كرد: پس از پيروزي انقلاب كه وارد صحنه مسئوليت شدم، از خداوند خواستم قلم قدرتمندي به من

عنايت كند تا در خدمت مردم باشم، در اين گير و دار اخير كه همگي لطف خدا بوده است، سعي كردند مطلبي را برجسته كنند كه فلاني خلاف گفته است، از اين موضوع آزرده خاطرم، كساني كه در اين دوره حرف‌هايي زدند، به ويژه برادري كه نقش اول استيضاح را ايفا مي‌كرد و من به دو دليل در اطراف اين كار نرفتم، يكي اين كه دروغ حرام است و ديگر اين كه اشخاص ضعيف‌النفس دروغ مي‌گويند.

بینگ بنگ!!!!!

نویسنده: هومن

یکشنبه 3 آذر1387 ساعت: 1:0

سلام می گما استاد برای خودش قدیما یه پا اسپایدر من بوده ها!!!!!!!!!!
استاد جونم براتون بگه قدیما که ابتدایی و راهنمایی میرفتم یک دوست یهودی داشتم که خیلی با هم دمخور بودیم ....جالبه که من در اون زمان فرق اسلام و یهود رو نمی دونستم ولی این دوستم کملا به دینش اشنا بود و در چندین مرتبه برای من حضرت موسی ع رو با پیامبر اکرم مقایسه میکرد و می گفت که پیامبر خودشون برتره وغیره وهمیشه برای من تبلیغ یهودیت رو میکرد از اینها بگذریم خیلی خصایص برتر نسبت به دوستان مسلمان داشت
مثلا من رو بخاطر بیماری که اون زمان بهش دچار بودم (و حالا خوشبختانه شفا گرفتم) تحقیر نمی کرد یا حتی یک مورد ابزیرکاهی ادمفروشی و نامردی ازش ندیدم این در حالی بود که توی جو پلیس بازار اون موقع مدارس تهران کافی بود به یکی ف بدی تا بره فرحزاد پیش اق ناظم برای عملیات بندبازی..........
چیزی که خیلی برام جالب بود همیشه توی گروه نمایش مدرسه حضور داشت و در چند مورد من رو هم اونجا بند کرد ولی من به علت خجالتی بودم همیشه پا پس می کشیدم جالبه که همیشه نقش اخوند و عاقد رو بازی می کرد و باطنز و حالت کمیک خاصی که داشت کلی بچه ها ور می خندوند خلاصه نمایش اخوند ÷انگولر این دوستم با بازی من و چند نفر دیگه رفت به منطقه و مقام اول رو بدست اورد هیچ کدوم از مقامات جمهوری اسلامی هم نیومد بگه چرا توی این نمایش از روحانی مسلمان به عنوان چهره ای هیز و حوس باز و قالتاق یاد شده و چرا ترجمه صیغه به سخره گرفته شده هیچ وقت هم کسی نفهمید که هنرپیشه نقش اخوند یهودی هست............
یادمه اخرا یک بار برای من گله می کرد که اکثر یهودیهای ایران شیطان پرست هستند واینکه چون اون و خانوادش به خدا ایمان دارند از طرف بقیه تهت فشارن و هی بهشون فشار می یارن که با مسلمونها رفت امد نکنند و دست از پرستش خدا بردارن وشیطان پرست بشن خودش می گفت علت اینکه به مدرسه مسلمان اومده اینکه همه یهودیان شیطان پرستند و نمی تونه توی محیط اونها باشه و طردش کردن
××××××××××××××××××××××××××××××××××

فکر کنم باید اسم این قوم رو عوض کنن بزارن بنی سامری !نظر شما چیه؟
بعدا درباره خصایص دوستان ارمنیم می نویسم...................

نویسنده: اتفاق . 1 از 6

یکشنبه 3 آذر1387 ساعت: 1:23

گزارش شمارۀ 5 : دوستان عزیز

سلام علیکم . وقت شما بخیر
احتراماً :
با آقای دهقانی ، به تخت جمشید رفته بودیم . شرح دیدار آن محوطه ، پس از قرائت فصل « تخت جمشید ، یک خشایارشای مخفی و مفقود شده » ی کتاب « ساسانیان 1 » و صد افزون بر آن ، مستند فراموش نشدنی « تختگاه هیچ کس ؟! » ، از نوشتن بیرون است و به قول آقای دهقانی ، گوئی خواب بوده ایم ، بیدار شده ایم ! گوئی پرده ای جلو چشمانمان بود ، برداشته شده است ! کما اینکه این خواب و این پرده را در حالات هزاران نفری که به دیدار آن آمده بودند می دیدیم که کمافی السابق ، به عظمت آن فخر می فروختند و بی اعتناء به آن همه نشانه های نیمه تمامی ، عقل به نوای احمق فریب دو سه جین تورلیدری می سپردند که در آن محوطه می لولیدند و اگر قبل از رفتن به هم قول نداده بودیم مانند بچه های برویم و بیائیم و تنها به کارمان بپردازیم ، دودمانشان با گلولۀ « تختگاه هیچ کس ؟! » به باد می دادیم . (ناگفته نماند ، چند نفری را هم دیدیم که پیش خود به سؤالاتی رسیده بودند . مثلاً یکی از ما پرسید ، توالت های این مجموعه کجا بوده ؟ دیگری در مورد ابنیۀ خشتی شرق صفه می پرسید و ... .)

نویسنده: اتفاق . 2 از 6

یکشنبه 3 آذر1387 ساعت: 1:23

خلاصه از صبح تا لحظه ای که نگهبانان با داد و فریاد بیرونمان کردند در محوطه و عرصۀ جنوبی تخت جمشید جولان می دادیم و از تمام کوه های اطراف بالا رفتیم و سراسر محوطه های هخامنشی جنوب صفه ، قدم به قدم برانداز کردیم و مجبور

شدیم یک بار از محوطه برای گیر نیفتادن ، از روی کوه ها فرار کنیم و دوباره با خرید بلیط به داخل بیائیم و یک بار هم وقتی از محوطۀ شمال دروازۀ ملل ، خصوصاً دیوار شمالی تخت جمشید ، که دیدار از آن آزاد نمی باشد و در کمتر کتابی شرح آن هست و ستون نیمه تمام افتاده در آنجا و راه پلۀ شمالی و دیوارهای به شدت رسواگر آن عکس برداری می کردیم ، با چرب زبانی از چنگال قانون ! خود را برهانیم ، تا امروز با بدنی کوفته و عضلاتی به شدت گرفته و صورت و دماغی کاملاً سوخته ، خوشحال از گرفتن 414 عکس نفیس و بازدید از کل تخت جمشید و آثار بیرونی اش ـ کاری که اصولاً به یک روز شدنی نیست ، اما ما با دویدن و و پرهیز از استراحت و حتی درست نان خوردن ، آنرا انجام دادیم ـ و عکس برداری کامل از 4 کتیبۀ دیوار جنوبی ، منتسب به داریوش ، و حتی احتمالاً پیدا کردن بلوکی که سنگ مثلثی گوشۀ پائین سمت راست آن کتیبه را از آن کنده اند ، در خدمت دوستان باشیم . پس ، به نظرم نگارش سیاهه ای در حاشیۀ این دیدار خالی از لطف نیست :

نویسنده: اتفاق . 3 از 6

یکشنبه 3 آذر1387 ساعت: 1:24

1) نخستین چیزی که هر بینندۀ بنیان اندیشی که با آثار آقای پورپیرار آشنا باشد ، پس از دیدار از تخت جمشید متوجۀ آن می شود ، کثرت آثار نیمه تمامی است ، بطوریکه یافتن یک قسمت تمام شدۀ یک پنل ، کار نشدنی ای است نه یافتن آثار نیمه تمامی ! در آغاز با آقای دهقانی اینطور برنامه ریخته بودیم که پس از بازدید از هر پنل ، گزارشی در مورد آن بنویسیم ، که مثلاً این دارد و آن ندارد و جدای از آن ، آدرس دقیق نواقص را هم بدهیم تا هرکه خواست به تخت جمشید برود ، راحت و سریع با آثار نیمه تمامی روبرو شود ؛ اما همینکه از پنل اول به پنل دوم رفتیم و دیدیم باید درست مانند پنل اول ، همان گزارش تکرار کنیم ، از خودمان خندۀ مان گرفت و دفترمان در کیف انداختیم ! چون داستان همۀ تخت جمشید سراندرپا یک کرباس است و شما جائی تمام شده ندارید و انواع نواقص در تمام نقاط دیده می شود . به خنده به آقای دهقانی صحبت می کردیم که باید اینطور آدرس بدهیم : نداشتن کف سازی : کل تخت جمشید / نواقص حجاری : کل تخت جمشید / قوزهای برداشته نشده : کل تخت جمشید و ... ، و به خنده و مزاح به آقای دهقانی می گفتیم ناصرخان در حق باستان پرستان پارتی بازی کرده ! چون اگر هوادارشان نبود ، بیشتر خفتشان می داد و مثلاً ناصرخان در مستند « تختگاه هیچ کس ؟! » ، از روی بزرگواری و ارفاق ، به سه دروازه و پایه ستون ها و ورودیه های بنای کهنی که اینک جزئی از موزه است کاری نداشته ، که در نوع خود ، خصوصاً آن سه دروازه ، فاجعه ای بزرگ در نیمه تمامی است !

نویسنده: اتفاق . 4 از 6

یکشنبه 3 آذر1387 ساعت: 1:25

2) در جنوبی ترین قسمت بقایای هخامنشی واقع در جنوب تخت جمشید ، دیدیم بر فراز کوه ، داربستی بسته اند . حدسی در مورد گور نیمه تمام داشتم ، اما چون گاهی به آنجا سر نزده بودم مطمئن نبودم . پس ، با احتیاط به بالای کوه خزیدیم و دیدم حدسم درست است و در پشت کوه ، پشت به تخت جمشید و رو به جنوب ، گوری به همان سبک گورهای موجود در تخت جمشید وجود دارد و بر سراسر آن داربست بسته اند ، چنانچه دیدار آن با مشکل روبرو بود . حداقل من در مطالعاتم نخوانده بودم جز اشمیت و اگر اشتباه نکنم ، سامی ، کسی از این گور صحبتی کرده باشد ؛ اما چیزی در محوطۀ آن گور بود که شاید تا حدودی بر اختفای مسأله پاسخ شایسته ای می پوشاند : تمام سنگ های مقابل آن صخره ، تازه در حال درآوردن از کوه بود و معلوم بود کار گود کردن دل صخره برای محوطه سازی مقابل گور به پایان نرسیده بوده و عده ای بر سینۀ صخره ، نقش و نگارها می انداخته و عده ای سرگرم ساختن محوطۀ جلو مقبره بوده اند ، که مانند تخت جمشید ، کار خود دفعتاً رها کرده و برای همیشه حجاری آن تعطیل نموده اند ! ضمناً فاصلۀ زیاد آن با تخت جمشید و اینکه نمای بیرونی آن رو به دشت جنوبی (مخالف تخت جمشید و مخالف بقایای هخامنشی واقع در جنوب صفه) است ، از مسائل و سرنخ هائی می باشد که ارزش بررسی و پیگیری بیشتر دارد .

نویسنده: اتفاق . 5 از 6

یکشنبه 3 آذر1387 ساعت: 1:26

3) ما کل محوطه های هخامنشی واقع در جنوب صفۀ تخت جمشید را گشتیم . تقریباً از آن آثار چیزی باقی نمانده ، اما همان اندک ، خلجان بزرگی در ذهن بیننده پدید می آورد : درست با همان ادله ای که می گوئیم تخت جمشید نیمه کاره است ، بیشتر آن آثار هم نیمه تمام است ، چرا که ما به سهولت بر پایه ستون ها آثار پاکتراش نشدن دیدیم یا اصولاً چیزی به نام خرده های شکسته شدۀ سنگ ندیدیم یا شال ستون و قلمه ستون و ... پیدا نکردیم و تنها چیزی که یافتیم ، تعدادی پایه ستون (در چند مورد به سبکی متفاوت با سبک پایه ستون های تخت جمشید) و مقداری اثر ، درست به سبک پله ها و جان پناه های تخت جمشید بود . راستش را بخواهید ، محوطه های جنوبی صفۀ تخت جمشید که به همان بزرگی تخت جمشید هم هست ، از خود تخت جمشید رازآلوده تر است و تا کسی از آنها با حوصله دیدار نکند ، چیزی از حرف هائی که به ندرت ، اینجا و آنجا در مورد هویت آن آثار نوشته اند در نمی یابد . از دیگر غرائب آن محوطه ، دیوارهای نوسازی است که معلوم نیست آنها را بر بقایای کهن و برای نشان دادن جای جرزهای قدیمی بالا برده اند یا اصولاً جزو ناراستی های اخیر است ؟! در کل ، نمی توان به ضرس قاطع گفت کل آن همه آثار پراکنده ، مانند تخت جمشید نیمه تمام بوده ، یا آمیزه ای از عمارات به بهره رسیده و به بهره برداری نرسیده بوده است ، و به نظر می رسد مادام که دمیدن در بوق مفاخرات با محوریت هخامنشیان سرلوحه است و مادام که تیمی حاذق و بی طرف ، کل آن محوطه را نکاود و خاکبرداری کامل نکند ، نتوان به

اسرار پیچیدۀ آثار خارج از صفۀ تخت جمشید آگاه شد ؛ خصوصاً که نمی توان همۀ تقصیرها را هم گردن مستشرقان انداخت ، آنجا مثلاً در سفرنامۀ نیبور هم تنها از یک ستون سرپا در آن محوطه یاد می شود و معلوم نیست مابقی بقایای آن همه محوطه های عظیم واقعاً کجاست ، و اگر به پاسارگاد منتقل شده ، پس سنگ های شکسته و قطعات معیوب و بی مصرفش کجاست و ... ؟! خلاصه بازدید از این آثار ، جز سرگشتگی رهاوردی برایمان نداشت ، بالاخص که در منابع نیز چیز دندانگیری پیدا نکردیم .

نویسنده: اتفاق . 6 از 6

یکشنبه 3 آذر1387 ساعت: 1:26

4) فرضیه ای پیش خود داشتم . من می گفتم اگر تخت جمشید محوطه ای کارگاهی بوده (که بوده) و کار در آن تا لحظۀ آخر ادامه داشته (که داشته) ، باید ابزار و آلات حجاران و سازندگان هم در آنجا پیدا شود . از قضاء این فرضیه در موزه اثبات شد ، آنجا که چند قرقره و تیشه و ... به نمایش گذاشته شده بود .
5) در پایان من باب اطلاع خوانندگان باید عرض کنم به دلائل نامعلومی ، بازدید از تچر را غدقن کرده اند و من باب مزاح باید به اطلاع برسانم در فروشگاه محصولات فرهنگی نبش موزه هم فیلم « شکوه تخت جمشید ؟! » در حال پخش شدن بود !!!

ان ارید الا الاصلح ما استطعت و ما توفیقی الا بالله
علیه توکلت و الیه انیب

نویسنده: رضا

یکشنبه 3 آذر1387 ساعت: 8:21

جناب جامعه شناس ، فکر می کنم شما هم سکه دارید ولی فقط وقتی می افتد که خودتان میخواهید. اصولا به نظر میرسد شما جز آنچه را که میخواهید ، نمی بینید و نمی شنوید!! مطمئنا چندان با زبان فارسی بیگانه نیستید که نتوانید جملات ساده من غیر فارس زبان را درک کنید وشاید هم نقص از منست که نمی توانم منظورم را به زبان فارسی درست تفهیم کنم.بهرحال بحث خلقت انسان جدای از انتخاب آدم بعنوان رسول الهی است. دیگر خود دانید و آینه شما.

نویسنده: بابک

یکشنبه 3 آذر1387 ساعت: 10:5

سلام استاد
یک سوالی از شما داشتم. فرد تاریخنگار (در اصل داستانسرا) به اسم انوشیروان کیهانی را می شناسید؟ چند روز پیش اتفاقی تو سایت این فرد دغلباز رفتم. انگار این فرد وزیر پادشاهان هخامنشی بوده و در تمام لشکر کشی هایشان حضور داشته است. چون داستانهای ابله پسند خود را به تاریخ دقیق میلادی بیان می کند. در بعضی نوشته ها نزدیک است ساعت اتفاق را نیز ذکر کند. چیزی که برای من جالب است نوشته های این فرد بین جوانان رواج دارد. همین فرد است که برای تاریخ ایران باستان روز جشن سپندار مذگان مهرگان و ... تعیین می کند.

نویسنده: جامعه شناس

یکشنبه 3 آذر1387 ساعت: 10:26

(1)

سلام آقای رضا
به گمانم شما خودتان هم نمی دانید دنبال چه می گردید و تنها بیمناک از آنید که در فرجام این بحث قافیه را ببازید و و جز بر صحه گذاری بر آن کلام الهی که 3 بار در قرآن ، مانند تورات ، حوا را خلق شده از آدم می گوید چاره ای نداشته باشید .
شاهد این دعوی من آنجاست که در ابتدا عبارتی از اداعای 1 را داخل یک پرانتز می گذارید و بر اساس آن می گوئید من گفته ام مردان از زنان برترند ، بعد که منظورتان را نمی فهمم و توضیح می خواهم ، بدون اینکه توضیح دهید ، توپ را به زمین خاکی دیگری می اندازید و بحث عجیب و غریب و من درآوردی تفکیک بین آدم و خلیفه الهی و خلق انسان ، نه آدم و خلاصه شو رنگارنگی که جز برای خودتان برای کس دیگری مفهوم نیست به صحنه می برید ، که اگر خاطرتان باشد ، این فعل نامحققانه را پیش تر در برابر ادعای شمارۀ 1 هم به ظهور رساندید ، آنگاه که وسط غائله ، بدون آنکه در آن ادعا سخن از خلقت از خاک باشد ، بی آنکه موضعتان را شفاف پیرامون آن ادعا بیان کنید ، بحث آفریده شدن از خاک را پیش کشیدید که خداوند انسان را از خاک آفریده ، نه آدم را ، بی آنکه در آن ادعا اصولا چنین بحثی وسط باشد !

نویسنده: جامعه شناس

يكشنبه 3 آذر1387 ساعت: 10:27

(2)

اختیارتان با خودتان است و بدانید به همان اندازه که با یک نسیم خردمندانه از جای می جنبم ، با کوهی زد و خوردهای خام کلامی بی اعتنا هستم و بدانید پس از سوهان کاری لازم مباحث اخیر ، برای آشنائی جهانیان با حقیقت زنان از دیدگاه قرآن ، کل یافته هایم را حتی اگر شده با چند زبان ، در سایتی خواهم زد تا برای یک بار هم که شده ، کسی بی ترس از انتساب به وهابیون و اعراب و طالبان ، و بی ترس از این سوسول هائی که در لانه موش های انجمن های حمایت از زنان و تشکل های زنان آزاد و ... مخفی شده اند ، سخن الهی در مورد زنان بر زبان براند و حق را به جایگاهش برگرداند و سر در این سؤال فرو برد که چه شده است نساء العالمینی که به ناحق تا همین دیروز در تمام جهان حق رأی نداشتند و در کشور ما عنوانشان « ضعیفه » بود ، باز به ناحق به جائی برده شده اند که ظاهرشان لعاب اندیشمندی است و باطنشان بهره کشی و به فساد کشاندن جوامع ، و آثارش هم دم درآوردن خیلی از آنها است که دیگر حتی عار دارند به وظائف زنانهٔ خود هم برسند و از مهریه ، دکان زراندوزی درست کرده اند و اگر نمی دانید بدانید عقد کردن و بعد مهریه به اجراء گذاشتن و طلاق گرفتن و بعد با استفاده از لوس بازی های ثبت احوال ، شناسنامهٔ مجدد گرفتن این روزها میان خیلی از زنان رائج شده و این کلاهبرداری مادی و عاطفی کثیف را به قیمت به دست آوردن یک آپارتمان مستقل مجردی و یک خودرو انجام می دهند و هنوز باید ما با بستن چشم به روی این حقائق کثیف ، در آن عالم سیر کنیم که " دختر برکت خانه است " و " بهشت زیر پای مادران است " و ... ، چنانچه به امید امهال اجل به آن بپردازم .

باری ؛ آقای رضا یک بار دیگر ادعای شمارهٔ 1 را بخوانید و بی زدن به حاشیه های نامربوط بگوئید آن ادعا را قبول دارید یا خیر ، و اگر نه ، به چه دلیل . لطفا به بحث های نامربوط و مسائلی که در نص ادعا نیست هم نپردازید .

نویسنده: جامعه شناس

يكشنبه 3 آذر1387 ساعت: 10:28

پانویس باشی !!!

دنیای زنان دنیای عجیبی است :
ـ وای و صد وای به روز و ساعتی که چند زن پای هم بیفتند ، از یکصد بمب هسته ای خطرناک ترند و وای و صد وای اگر یکی در میانهٔ آنها ، در ازدواج یا عشق شکست خورده باشد ؛ آبروئی در آن جمع برای هیچ مردی نمی گذارد و تا می تواند ذهن آن دیگرها را در مورد مردان سیاه می کند تا بلکه آنها هم در زندگی یا روابط عاشقانهٔ شان ، مثل خودش شکست بخورند و همدرد برای خودش پیدا کند .
ـ بازار اجناس و کالاهای زنان همیشه پر رونق است و تجار و اهل بازار ، اگر در فکر سودایند ، باید به سوی زنان بشتابند که معرکهٔ لوازم و پوشاک و کیف و کفش زنان ، همواره گرم و پر سود است .

نویسنده: ؟

يكشنبه 3 آذر1387 ساعت: 11:39

کارنامه ونمرات درسی احمد شاه قاجار(نمره ی 6 به منزله نمره 20 بوده است)
http://www.fardanews.com/files/fa/news/1387/9/3/26018_252.jpg

کاریکاتور شرق الاوسط:عراق وجه المصالحه ایران و امریکا (همچنین کاریکاتوری در مورد فتوحات عرب ها و غیر عرب ها)
issueno=10953&http://www.asharqalawsat.com/sections.asp?section=27

قرآن كريم از سوي مركز اسلامي هامبورگ آوانگاري شد
http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=8709030277

وزير ارشاد: اهميت «جلال» در توجه به مردم و عقايد آنها بود
http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=8709021659

راستی لینک اون فایل صوتی ر ا ندارم
ولی بعدا برایتان ایمل میکنم
موفق باشید

نویسنده: یک بنیان اندیش

يكشنبه 3 آذر1387 ساعت: 12:30

سؤالی از برادران اهل تسنن داشتم :
من قصد دارم در قرآن تحقیقاتی را آغاز کنم و مایل هستم به بررسی ترجمه ها و تفسیرهای اهل سنت نیز بپردازم . می خواستم سؤال کنم :
1) کدام ترجمۀ فارسی قرآن از نظر اهل سنت معتبرتر است ؟ آیا می توان ترجمۀ فارسی « امام شاه ولی الله محدث دهلوی » را ملاک قرار داد ؟
2) کدام تفسیر یا تفاسیر اهل سنت نزد آحاد اهل سنت مقبولیت و سندیت بیشتری دارد ؟ آیا می توان تفسیر « انوار القرآن » را ملاک قرار داد ؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 3 آذر1387 ساعت: 11:48

آقای ؟. بار دیگر از ارسال لینک ها تشکر می کنم. وزارت ارشاد با این بزک ها خواستاری پیدا نمی کند.مرکز اسلامی هامبورگ هم که تکلیف اش معلوم است. احمد شاه هم در درس تاریخ رفوزه بود.

آقای بابک. آن شخص را مطلقا نمی شناسم. از این حاشیه نویسان زیاد داریم و مهمل نویس ترین شان هم رجبی است.

آقای جامعه شناس. بحث زنان شما، برای تطبیق موضوع، رفته رفته خاله زنکانه می شود. به بنیان ها برگردید و رفتار شناسی آبکی زنان را دنبال نکنید.

آقای اسدی. از انگیزه ی او خبردار نشده ایم، اما در این میان مطلبی واضح شد که در گنجینه ی غرب نیز کتابی کهنه تر از 400 سال پیش یافت نمی شود!

نویسنده: رضا

یکشنبه 3 آذر1387 ساعت: 13:59

جناب جامعه شناس با سلام مجدد بنده هنوز هم در ابراز نظراتم نسبت به ادعای شماره یک شما هرآنچه را که نوشته ام باز می گویم و تنها اضافه می کنم که این بحثی است برای آموختن نه مجادله ای برای کسب عنوان بنابراین قافیه ای برای از دست دادن نمی بینم یا علم ومنطق شما کاملتر است و قانع می شوم و یا اگر نمی توانم شما را قانع کنم منتظر مطالب بعدی شما می مانم تا مگر در کل مطلب روشنگری جدیدی بدست دهد. متاسفانه نمیدانم چرا برخی از دوستان مباحثات این گونه را با صحنه جدل و مبارزه اشتباهی می گیرند و فکر می کنند قبول کردن حرفی از سوی کسی به معنی قاقیه باختن وی است یا عدم قبول آن حرف نشانه عداوت." فبشر عبادی الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه" شنیدن همه حرفها و قبول حرفهای منطقی از خصایص مردم "عبد الله" است.

وب سایت

نویسنده: مارلیک

یکشنبه 3 آذر1387 ساعت: 17:42

جناب آقای جامعه شناس اگر استاد پورپیرار هم مانند شما منتظر پذیرش یا عدم پذیرش مطالب از سوی دیگران بود بعد از این همه سال هنوز هم در کار اثبات غیر ایرانی بودن هخامنشیان بودند

نویسنده: جامعه شناس

یکشنبه 3 آذر1387 ساعت: 20:40

سلام آقای پورپیرار . امر شما همیشه و همه حال برای من مطاع است ، اما هرچند نمی دانم کجای سخنانم خاله زنکانه بوده و هرچند نمی دانم کجای نوشته هایم آبکی بوده و اصولا مقصود شما از بکار بردن صفت آبکی معطوف به نوشته های من بود یا رفتارهای زنان ، لیکن می خواستم اندکی فرصت دفاع بگیرم و همین قدر بگویم که من در حاشیۀ بحث « قرآن و زنان » گمان کردم بد نباشد به برخی از رفتارها و خصوصیات زنان ، از بد و خوب هم اشاره کنم . آخر فکر نکنم دلیل جالبی باشد اگر رفتاری نازیبا بود و کسی آن رفتار نازیبا را نشان دیگران داد ، دیگران بجای رفع مشکل ، او را متهم به خاله زنکی و آبکی نویسی کنند . به هر حال امر ، امر شماست . « پانویس باشی !!! » را ادامه نخواهم داد و به همان بحث « قرآن و زنان » اکتفاء می کنم . برقرار باشید .

آقای مارلیک . به گمانم فراموشکار شده اید . کل بحث زنان ، هفتۀ گذشته یکجا ارائه شده بود ، اما استاد فرمودند مباحث را خرد کنم تا درک آن سهل تر شود . پس به آن دلیل که بحث ، بحثی سلسله مراتبی است ، من مجبورم تا به همۀ شبهات طبقۀ اول پاسخ نداده باشم ، و اکثریت را قانع ننموده باشم ، به مرحلۀ دوم نروم . چانه زدن با آقای رضا نیز بر سر همین

مطالب است ، هرچند که کامنت های خوانندگان نشان از قبول عمومی « ادعای شمارهٔ 1 » دارد و انشاء ا... به زودی به طرح ادعای دوم که بحث « طین » است خواهم پرداخت .

نویسنده: ؟

یکشنبه 3 آذر1387 ساعت: 21:2

صداي ضبط شده مظفرالدين شاه قاجار (حتما ببينيد)
http://www.iran-world.com/article.php?id=32494

استاد نظرتان چیه؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 3 آذر1387 ساعت: 22:22

آقای یک مسلمان. علت عذر خواهی شما را نمی دانم. در هر حال جای کدورتی نیست. عقیده شخصی تان را بیان کرده اید.

آقای ؟. در زمان او نطق های سیاسی و دادن وعده های عمل نشدنی باب نبود و لاجرم همین نوع حرف ها زده می شد.

آقای جامعه شناس. قرار نبود نمایشنامه های لاله زاری و کوچه برلنی درباره ی مجلس غیبت و یا حسادت و همچشمی و بی وفایی زنان بنویسیم، غرض این بود که برای رفع تردید و توهم و بستن راه سو, استفاده ها، جایگاه زنان در قرآن را جست و جو کنیم.

نویسنده: ساسان

دوشنبه 4 آذر1387 ساعت: 1:5

استاد اتفاقا. شوربختانه جنابالی هم بطور کاملا توبه نمی گردانید و به نژاد نیکوی آریایی و پارسی خویشتن پشت کردن می گردانید. چرا جنابالی که پارسی شیرازی اصیل تبار و از نژاد نیکوی آریایی می باشید هر چه زودتری به اصل نیکوی خویشتن بازگشت نمی گردانید و به درگاه اهورامزدا توبه نمی گردانید؟؟ در ضمنا استاد پروفوسور انوشیروان کیهانی یک پژوهشگر راستین آریایی و بسیار زیاد فراوان دانشمند می باشند و از استاد رجبی هم خیلی بیشتری دانشمند می باشند اگرچه که استاد پرفوسور رجبی خیلی دانشمند می باشند.

وب سایت

۱ ۲ >>

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنویسي

ایران شناسی بدون دروغ، 187، بازدید از اندونزی،10 - 90 نظر

نویسنده: ؟

دوشنبه 4 آذر1387 ساعت: 2:18

ادعای «سان»: مایکل جکسون مسلمان شد
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=57510

آخرين كاشي گنبد سلطانيه توسط مشايي نصب شد
id=48765&http://www.chn.ir/news/?section=2

نویسنده: ؟

دوشنبه 4 آذر1387 ساعت: 5:18

استاد آیا به نظر شما آمار های زیر درست است یا نه؟

حدود 135 هزار یهود ساکن اسراییل ریشه ایرانی دارند و ایران بزرگ‌ترین جامعه یهود خاورمیانه را در خود جای داده است.

به گفته بی بی سی، حدود 25 هزار یهودی در ایران ساکن هستند.

این هم لینک منبع
/http://www.mardomak.org/news/dastgiti_irani_israel

ناگفته نماند که خبرش مربوط به "یک ایرانی تبار به جرم جاسوسی بازداشت شد"
در تاریخ"۰۶ خرداد ۱۳۸۷ " می باشد
و آمار بالا در خط های پایانی همین خبر می باشد

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 4 آذر1387 ساعت: 4:52

آقای؟. این آمار شامل یهودان آشکار و رسمی است تعداد متظاهرین به ادیان و عقاید دیگر را که در اصل یهودی اند و خطرناک تر از بقیه، فقط خدا می داند.

آقای یک مرد بیوه. برای ملاحظه ی حفظ تعادل عصبی خوانندگان رقیق القلب از نصب کامنت شما صرف نظر شد امیدوارم هرچه زودتر دوران جدایی تمام شود.

نویسنده: یک مسلمان

دوشنبه 4 آذر1387 ساعت: 7:14

جناب جامعه شناس بنده هم با ادخای شماره 1 شما موافقم.

نویسنده: محمدرضا

دوشنبه 4 آذر1387 ساعت: 10:44

محاکمه یک ایرانی در لندن به اتهام «کتاب‌دزدی»
http://www.radiofarda.com/Article/2008/11/21/f1_Iranian_academic_sliced_Guardian.html

نویسنده: 5 قرن پیش ! ! ! !

دوشنبه 4 آذر1387 ساعت: 10:45

http://www.tabnak.ir/pages/?cid=26460

نویسنده: ؟

دوشنبه 4 آذر1387 ساعت: 11:25

تصوير زني كه مارك ادوارد هريس را در ايران شوكه كرد!
http://negarak.sbg.ir/more-7341.html

دحو الارض يك پديده معنوي و در عين حال علمي است (استاد درباره اين موضوع در كدام سوره قرآن آمده است؟)
http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=8709031600

قبرستان هلوچ يهوديان گمانه زني مي‌شود
id=48792&http://www.chn.ir/news/?section=2

تصویری زیبا از بام مکه مکرمه
http://www.shia-news.com/fa/pages/?cid=10813

نویسنده: ؟

دوشنبه 4 آذر1387 ساعت: 11:46

ماجرای «امامزاده سیار» در شهرستان اراک چه بود؟!
http://www.shahabnews.com/vdcj.tehfuqeymsfzu.html

(قبلا لینکی در این مورد داده بودم گفتم صحیح بشه)

نویسنده: اكبر رضايي

دوشنبه 4 آذر1387 ساعت: 14:10

سلام بر استاد پورپيرار
برخي از استاد پورپيرار ميخواهند كه {اگر پوريم را راست ميگويي صحنه هاي پوريم را تو دي وي دي}
برامون بازسازي كن اما اين انسانها متوجه نبوده اند كه عيب نديدن واقعيت از چشمان خودشان است زيرا اگر كمي احساس انسانيت در وجودشان مانده بود يكبار از خود ميپرسيدند كه مگر قبايل اصلي سرخ پوستان و ديگر اقوام بومي امريكايي كه بس تمدنهاي بزرگ هم داشته اند ظاهرا
چه گناهي كرده اند كه بايد كشته شوند و چگونه ميشود كه سرزمين امريكا را كه صاحب داشته كشف كرد؟ و اين همه فيلمهاي سينمايي و دوي دي از كشتار سرخ پوستان بيرون داده شده از هاليوود و اگر ان عاليجنابان ناباور ان پوريمهاي واقعي و عيني را نديده اند هرگز نابودي ملت خود را نميبينند و دائم در پي انكار ان هستند كما اينكه كشتار را در عراق

نمیبینند و در افغانستان هم نمیبینند و در فلسطین هم نخواهند دید و اصولا گفته اند که انکس که نداند و نداند که نداند در جهل مرکب ابدالدهر بماند

نویسنده: اتفاق

دوشنبه 4 آذر1387 ساعت: 15:41

استمداد عمومی . مرحلۀ 1

مشغول تهیۀ لیست کامل و جامع و مانعی از ایران شناسان و خاورشناسان یهودی هستم . از اینجا و آنجا ، به نام هائی به شرح زیر رسیده ام ، اما از صحت و ثقم برخی از آنها چندان مطمئن نیستم . از تمام صاحب نظران خواهش می کنم که :

1) اگر در فهرست زیر ، نامی از قلم افتاده ، بفرمایند تا اضافه کنم .
2) اگر در فهرست زیر ، نامی یهودی نیست ، یا یهودی هست ، اما ایران شناس و شرق شناس نیست ، بفرمایند تا حذف نمایم .

دیوید آستروناخ ، کرپورتر ، آرتور پوپ ، اشتاین ، لوئی واندنبرگ ، روزنتال ، هنینگ ، آن بریت تیلیا ، گلد زیهر ، اریک ف . اشمیت ، ولهاوزن ، مارکوارت ، آرتور کریستن سن ، هینتس ، دارمستتر ، اشتوله ، ریچارد نلسون فرای ، ارنست هرتسفلد ، شموئیل نیبرگ ، رومن گیرشمن ، کرفتر ، هوتسما ، گروته فند ، فریتس ولف ، اشتولزه ، رودریگر ، ویستهوفر ، یاکوب گریم ، پاسکال کوست ، شاندور ، اشپولر و اشپیگل ، کنت ، رلف نارمن شارپ ، لرد کرزن ، سلوود ، راولینسون ، گوردون ، کورت ، توین بی ، پیر برایان ، هاید ماری کخ .

از آقای پورپیرار استدعاء دارم نظارتی روی کامنت های ارسالی خوانندگان در این مورد داشته باشند تا مبادا نکتۀ اشتباهی ملاک کار حقیر قرار گیرد .

نویسنده: مارلیک

دوشنبه 4 آذر1387 ساعت: 16:36

سلام
پیامک!!

در کشور ما وضع چنین است
آن کس که بداند و بداند که بداند
باید برود غاز به کنجی بچراند
آن کس که بداند و نداند که بداند
بهتر برود خویش به گوری بتپاند
آنکس که نداند و بداند که نداند
با پارتی و با پول خر خویش براند
آن کس که نداند و نداند که نداند
بر پست ریاست ابدالدهر بماند!!!

نویسنده: نتاب

دوشنبه 4 آذر1387 ساعت: 19:49

سلام استاد عزیز
رابطه بین زبان فارسی و دری چیست ؟ ایا انها با هم رابطه تاریخی و همریشه‌ای دارند؟

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

دوشنبه 4 آذر1387 ساعت: 20:36

با سلام.
بر اساس گزارش شماره ی 5 آقای اتفاق در مورد اولین تصویر برداری حقیقی از تخت جمشید, بر آنیم که این مجموعه عکس را بر روی وبلاگ قرار داده تا همه ی دوستان بتوانند از آن بهره مند و شاید هم متعجب شوند. لذا این بنده ی حقیر در انتخاب نامی مناسب برای آدرس وبلاگ, تا به حال ناتوان بوده ام. از دوستان میخواهم نظرات خود را در این قسمت قرار دهند. در ضمن در انتخاب نام به این موارد دقت فرمایید:
1. نام انتخابی در محدوده ی تاریخ یا بنای تخت جمشید باشد

2. نام انتخابی, نامی باشد که در زبانهای فارسی, انگلیسی و عربی کاربرد داشته باشد تا خوانندگان در این زبانها هم در صورت جستجوی آن نام به این وبلاگ وارد شوند.
اگر دوستان در مورد وبلاگهای فارسی موجود اطلاعات کاملی دارند لطفا دریغ نکنند تا این مجموعه را بر روی فضایی مناسب قرار دهیم.

نویسنده: نتاب

دوشنبه 4 آذر1387 ساعت: 20:54

با سلام،
http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=786603

http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=786524

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 4 آذر1387 ساعت: 20:2

آقای دهقانی. نام وبلاگ تان را بگذارید: "از زبان سنگ ها". ضمنا برای آشنا شدن با زبان شناسان یهود هم می توانید به صفحات 92 تا 102 کتاب هخامنشیان در مجموعه ی تاملی در بنیان تاریخ ایران رجوع کنید.

آقای نتاب. فارسی دری هم مانند آریایی شوخی با کلمات است.

آقای مارلیک. استقبال خوبی بود.

خانم نسرین. اگر سخن در باب این دریافت های جدید است، همان اقلیت آگاه را هم نمی یابم.

آقای ؟. در یادداشت 26 آبان نوشته بودم که: "در مورد آن امام زاده نیز برداشت صاحب آن وبلاگ درست نیست، چنان که بر پارچه نوشته دیده می شود، آن را برای نصب در محل اصلی خود حمل می کنند". در قرآن اشاره ای به دحوالارض نیست و یادداشت مربوطه از جمله برداشت های بی اساس است. در قرآن در چند مورد محدود، "دحور" و "مدحور" داریم که به معنای مطرود و دور انداخته شده، از جمله در آیه ی 39 سوره ی اسرا, است.

نویسنده: یک بنیان اندیش

دوشنبه 4 آذر1387 ساعت: 21:35

آقای عبداللهی ، سلام
چند هفته قبل تر نوشته بودید کتابی راجع به کوهنوردی و غارنوردی خوانده اید که در آن عکس جوانی های استاد هست.
می توانم خواهش کنم از آن عکس اسکن بگیرید و روی یکی از شبکه ها آپلود کنید و لینک آنرا در قسمت کامنت های وبلاگ استاد بگذارید؟ آخر ما دلمان می خواهد عکس جوانی های استادمان را هم ببینیم .

نویسنده: یک بنیان اندیش

دوشنبه 4 آذر1387 ساعت: 21:35

سؤالی از برادران اهل تسنن داشتم :
من قصد دارم در قرآن تحقیقاتی را آغاز کنم و مایل هستم به بررسی ترجمه ها و تفسیرهای اهل سنت نیز بپردازم . می خواستم سؤال کنم :

1) کدام ترجمۀ فارسی قرآن از نظر اهل سنت معتبرتر است ؟ آیا می توان ترجمۀ فارسی « امام شاه ولی الله محدث دهلوی » را ملاک قرار داد ؟
2) کدام تفسیر یا تفاسیر اهل سنت نزد آحاد اهل سنت مقبولیت و سندیت بیشتری دارد ؟ آیا می توان تفسیر « انوار القرآن » را ملاک قرار داد ؟

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

دوشنبه 4 آذر1387 ساعت: 21:49

با سلام.
آقای پورپیرار با تشکر از نظرتان. حتما استفاده می کنم.

نام خوبیست, اما منظور من از نام وبلاگ, آدرس وبلاگ می باشد. مثل:
www.naria.blogfa.com
www.?.blogfa.com

نویسنده: ?

دوشنبه 4 آذر1387 ساعت: 22:21

استاد عزیز من هم لینکی را که برای آن امامزاده فرستادم صرفا برای تایید گفته های شما بود

نویسنده: ؟

دوشنبه 4 آذر1387 ساعت: 23:34

سوء استفاده تلویزیون کانال یک از حضور مردم در بهشت زهرا
http://www.bornanews.com/Nsite/FullStory/?Id=215988

تصاویر: جشن نور و صدا در تخت جمشید(اگه اشتباه نکنم اخر هر هفته اینگونه مراسم در تخت جمشید بر گزار می شه.
راستی مسئولین با این کار ا می خواهند چه را اثبات کنند؟!!!)
http://tabnak.ir/pages/?cid=26662

مسلمانان افراطی
http://img37.picoodle.com/img/img37/3/11/16/f_FT0153190m_909e59c.jpg

نویسنده: هومن

سه شنبه 5 آذر1387 ساعت: 0:11

سلام شب بخیر
استاد می خواستم بدونم اینکه بیشتر یهودیان در اصل یهودی نیستند و رو به شیطان پرستی اوردند حقیقیت داره؟ من این موضوع رو یک ماه پیش از یک دختر یهودی هم شنیدم که لاعقل توی ایران اکثرا شیطان پرستند جالبه هر کدومشون خودش رو خداپرست و دیگران یهودیان رو شیطان پرست خطاب می کنه

نویسنده: نسرین

دوشنبه 4 آذر1387 ساعت: 23:46

با سلامی دوباره

آقای پورپیرار من به عنوان پست های شما نگاه کردم مطلبی در مورد سکه هایی که در آن نقش ستاره داوود وجود دارد نبود
.آیا قبلا در مقاله ها و کتابهایتان به این موضوع اشاره کرده اید؟
این وبلاگ که داره در مورد مطلبی از سایت ایرنا توضیح میدهد علت وجود نقش ستاره داوود در سکه های موسوم به دوران ایلخانی را تساهل و تسامح دینی ایلخانان بیان میکند!
armagan.wordpress.com/2008/05/31/star-of-david-ilkhanid-coins //:http
آقای پورپیرار! در آذربایجان مراسمی هست به نام سایا که تقریبا همان نوروزخوانی است من هم تازه از وجود این مراسم آگاه شدم و احتمالا یا یک مراسم منسوخ شده است یا در روستاها اجرا میشود!موضوع جالبی در اشعار سایاچی ها وجود داره و آن هم این موضوع است که در اشعار سایاچی ها این مراسم را به دوران حضرت آدم و حضرت موسی نسبت میدهند!!
بو سایا کیمدن قالئب؟
حضرت آدم دن قالئب
حضرت آدم (ع) گلنده
دونیا بونید اولاندا
موسي چوبان اولاندا
قئرمئزي بوغدا بيتنده
شیشلیگیمیز اویشدي
ترجمه: این سایا از که به یادگار مانده است؟
از حضرت آدم (ع) باقي مانده است
زمانیکه حضرت آدم (ع) آمد
و دنیا، آغازین روزهایش را سپري ميكرد

موسي نبي (ع) چوپان بود
و گندم سرخ مي‌روئيد
كباب روي سيخمان بره‌ي سه ساله است

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 4 آذر1387 ساعت: 23:56

خانم نسرین. برای مورخ سکه هایی با نقش ستاره ی داود که: "بر روي آن ها آيات قرآني لااله‌الاالله ، محمدرسول الله بيشتر از ساير عبارات مشاهده و پس از آن سكه‌هايي با نام و القاب حاكم آن دوره معمولا به خط اويغوري با خطوط عربي، و در برخي از آن ها نام خلفاي راشدين و در دوره‌اي كوتاه متن علي ولي الله و نام دوازده امام به خط كوفي و نسخ ديده شود"، فقط به درد خندیدن و سرگردان کردن تاریخ می خورد. به خصوص که این سکه ها در مراغه یافت شده باشد، که ایستگاه ستاره شناسی مغولی!!! هم برایش ساخته اند. گول این گونه سکه ها را نخورید. ضمنا یقین بدانید که ترکان در دو سه قرن اخیر و به تدریج و خدا شاهد است که هیچ کس نمی داند از کدام مبدأ به آذربایجان مهاجرت کرده اند و باید آن گونه اشعار و مراسم را با خود سوقات آورده باشند. برایم هنوز همان سئوال قدیم پایدار است که چرا کامنت های تان را خصوصی می فرستید و خود را مخفی می کنید؟ در پیام های شما مطلبی که ضرورت این رفتار را توضیح دهد، ندیده ام. ضمنا جای تعارفات خوش آیند در زبان و بیان من خالی است که گله هایی را هم به دلایل مختلف موجب شده است. عذرم این است که نیاموخته ام.

نویسنده: احمد

سه شنبه 5 آذر1387 ساعت: 2:57

اقاي دهقاني اسم وبلاگ زياد مهم نيست مهم مطالب داخلش است
مثلا سنگ سخنگو و يا هر اسمي كه ميخواهيد بگذاريد مثلا تاريخ جعلي - ايران تحريف شده
tarikhe-jali.blogfa.com
ولي مكانش مهمه كه اگر از سرويس
http://www.blogger.com
استفاده كنيد عالي است و عكسهايتان را هم در خودش ذخيره كنيد

از اين وب هم ديدن كنيد و لینک بدید بهترين وب جايگزين سايت ناريا براي مواقعي كه سايت ناريا در دسترس نباشد
http://shirdel3000.googlepages.com/index.html
با تشكر و منتظر وبلاگ شما هستيم

وب سایت

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

سه شنبه 5 آذر1387 ساعت: 8:38

با سلام.
از راهنماییتان ممنونم آقا احمد.
منتظر نظرات دیگر دوستان هم هستم.

نویسنده: نسرین

سه شنبه 5 آذر1387 ساعت: 12:15

سلام و ظهر به خير
آقای پورپیرار اگر امکان دارد در مورد این سایت که ستاره داوود را اختصار نماي ايزومتريك يك مكعب ميداند و مینویسد: از اين رسم هندسي ستاره داوود با تلفيق و تركيبي از شش ضلعي ، در نقش و نگار مسجد كبود استفاده شده است ، كه دال بر اين موضوع است كه مسلمانان در قديم از اين رسم‌ها در معماري‌هاي خود استفاده مي‌كرده‌اند! نیز توضیح بدهید.
موضوع جالبی است که خیلی ها نقش ستاره داوود را در جاهای مختلف میبینند ولی هر کدام سعی دارند آن را به نوع دلخواه خود توجیه نمایند!
http://www.articles.ir/article2424.aspx

نویسنده: بردیا

سه شنبه 5 آذر1387 ساعت: 12:20

آقای اتفاق
رالف نورمن شارپ یک مبلغ مسیحیت در ایران بود. برای کسب اطلاع از زندگانی وی به کتاب "انجمن تبلیغی کلیسا" تالیف صفورا برومند، چاپ موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران روجوع کنید. هر چند که کتاب چندان قوی نیست ولی سرنخ های خوبی برای کار شما دارد.

نویسنده: ؟

سه شنبه 5 آذر1387 ساعت: 13:39

مذاکره شهید بهشتی با مقامات آمریکایی
http://www.tebyan.net/Politics_Social/History/Iran/Political_History/2008/11/20/79135.html

مشايي :تولد مسيح (ع) مبارک !
id=29524&http://www.chn.ir/news/?section=1

تصویری بسیار قدیمی از مقام حضرت ابراهیم (علیه السلام)
http://www.shia-news.com/fa/pages/?cid=10809

محاکمه یک ایرانی (پان فارس) به اتهام صدمه به کتابهای تاریخی
http://www.azadtabriz.org/news/archives/18676

تصاویری از عشق که میلیون ها نفر با آن گریه کردند(این هم برای رفع خستگی)
/http://m.parsipix.wordpress.com/2008/11/25/eshgh

نویسنده: ؟

سه شنبه 5 آذر1387 ساعت: 15:18

کشف تابوت تقلبي داريوش اول در يزد
http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100944172606

دبیر کمیته ملی پارا المپیک را عزل کنید
http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=788761

عکسی نایاب از بنای کاخ آیینه خانه-۱۲۷۰شمسی
http://rooshool.blogfa.com/post-2344.aspx

نمونه ای از مدرک حوزوی معادل دکترا (تصویر)
http://www.shia-news.com/fa/pages/?cid=10899

نویسنده: عاقل

سه شنبه 5 آذر1387 ساعت: 15:46

سلام(مربوط به نطق های معظم له جناب جامعه شناس)
معلوم ميشود هنوز هم در گوشه و كنار افرادي پيدا ميشوند كه طرز تفكر قرون وسطائي دارند و فكر كهنه و پوسيده تفاوت زن ومرد را دنبال ميكنند و خيال ميكنند زن و مرد با يكديگر تفاوت دارندوزن جنس پست تر است
اما امروزه معلوم شده تمام اين حرفها جعلياتي بوده كه مردان به حكم زور گوئي در دوره ي تسلط بر زن ساخته بودند.معلوم شده زن جنس برتر و مرد جنس پست تر و ناقصتر است.
بعضي اصرار دارند تفاوت زن ومرد را در در استعدادهاي جسمي و رواني به حساب ناقص بودن زن و كاملتر بودن مرد بگذارند چنين وانمود ميكنند كه قانون خلقت بنا به مصلحتي زن را ناقص آفريده است.
ناقص الخلقه بودن زن پيش از آنكه در ميان ما مردم مشرق زمين مطرح باشد در ميان مردم غرب مطرح بوده است. آنان گاهي از زبان مذهب و كليسا گفته اند :
((زن بايد از اينكه زن است شرمسار باشد))
((زن آخرين موجود وحشي ست كه مرد او را اهلي كرده است))
((زن برزخ ميان حيوان وانسان است))
از اين عجيب تر اينكه غربيان با يك گردش صد و هشتاد درجه اي اكنون ميخواهند با هزار و يك دليل ثابت كنند كه مرد موجود ناقص الخلقه و پست و زبون و زن موجود كامل و برتر است.

به هر حال تفاوت هاي زن و مرد تناسب است نه نقص و كمال. قانون خلقت خواسته است با اين تفاوتها تناسب بيشتري ميان زن و مرد كه قطعا براي زندگي مشترك ساخته شده اند و مجرد زيستن انحراف از قانون خلقت است به وجود آورد

نویسنده: اسدی

سه شنبه 5 آذر1387 ساعت: 18:19

کلمه "دیو" در شاهنامه ربطی به فرانسوی دارد؟! ....

در این زمینه می دانیم که ریشه کلمه فارسی "دیو " (شیطان) همان کلمه فرانسه Dieu (خدا) است .

(dieu (m
(religions creator and ruler of the universe (according to the tenets of monotheistic ;n. God, deity

....

مراجع :
1)فرویدیسم – با اشاراتی به ادبیات و عرفان – ا.ح. آریان پور – صفحه 234- پاورقی –قسمت سوم

2)دیکشنری بابیلون(بابل) فرانسه –انگلیسی

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 5 آذر1387 ساعت: 17:47

آقای فتح. به یک معنا درست می گویند زیرا غالب مهاجرت های دو سه قرن پیش به ایران برنامه ریزی شده بوده است.

آقای عاقل. در مجرد خلقت هیچ تفاوتی میان زن و مرد نیست، اما در مسئولیت و مدیریت مردان ارجح اند.

آقای؟. در 1270 شمسی ظل السلطان حاکم اصفهان نبود تا این بنا را خراب کند. این عکس را به احتمال زیاد از بنای چهل ستون پیش از تعمیرات و تغییرات جدید برداشته اند.

اقای بردیا. کدام شان جاسوس و مامور کلیسا نبوده اند؟!!

×انم نسرین. یهودیان چرا باید یک نشان اسلامی را بر پرچم خود نقش کنند؟!!

نویسنده: روشن

سه شنبه 5 آذر1387 ساعت: 21:43

با سلام

استاد گرامی در سایت تبیان تفسیری راجع به تعدد مشرق ومغرب در قران در لینک زیر درج شده است اگر ممکن است نظر خودتان را در این مورد بیان فرمائید

http://www.tebyan.net/Religion_Thoughts/Articles/QuranicArticles/2008/11/23/79249.html

نویسنده: آموزش ترویج خرافات در جامعه!

سه شنبه 5 آذر1387 ساعت: 22:0

جالبه . بخوانید و بخندید و تعجب کنید از افکار خرافاتی ما ایرانیان

http://karner.us/jesus/nph-proy.pl/000010A/http/www.sunni-news.com/?p=1693#more-1693

حتما ببینید

وب سایت

نویسنده: یک مسلمان

سه شنبه 5 آذر1387 ساعت: 22:0

استاد گرانقدر ، عده ای معتقدند که حکومت صفویان توسط مهاجران هندی و با پشتیبانی ابر قدرت زمان یعنی انگلیس ، ایجاد شده و ترک بودن سلاطین آن دروغ است .
اطرافیان از من سئوال میکنند که چرا نظرات شما در خصوص صفویان ، با دانسته های بزرگان اقوام ساکن در نقاط مختلف آذربایجان که به شکل شفاهی و سینه به سینه منتقل شده است و هیچکدامشان کتاب خواندن نمیدانستند که با تولیدات یهودیان دچار اشتباه شوند ، تناقض آشکار دارد؟
اگر نظرات حضرتعالی را مد نظر قرار دهیم آنگاه باید پرسید که مذهب تشیع از کجا و چگونه در منطقه ظهور پیدا کرده و توسط چه کسی رشد یافته است؟
اگر تصوف و صوفی گری سوقات هندوستان است پس آیا نمیتوان گفت تشیع محصول برخی از صوفیان بوده است که به قصد ایجاد انحراف در اسلام ، صوفی گری را در قالب دین مطرح کرده اند؟
اینها سئوالاتی است که از من میشود و بنده جوابی برای آنها ندارم.
موفق و موید باشید.

نویسنده: خرافاتی

سه شنبه 5 آذر1387 ساعت: 22:14

آموزش ترویج خرافات در جامعه!

به راستی ما ایرانیان چقد خرافاتی هستیم. ببینید و تحقیق کنید و بخندید.

http://karner.us/jesus/nph-proy.pl/000010A/http/www.sunni-news.com/?p=1693#more-1693

این را هم بخوانید ولذت ببرید
http://karner.us/jesus/nph-proy.pl/000010A/http/gameron.wordpress.com/2008/11/02/tarvije-khorafat/

نویسنده: -

سه شنبه 5 آذر1387 ساعت: 23:35

گوگل؛ راوی تصویری بخشی از تاریخ ایران

شرکت گوگل با استفاده از آرشیو عکس مجله لایف یک گالری عکس راه اندازی کرده و میلیون ها عکس تاریخی را در اینترنت منتشر کرده است.

در میان دو میلیون عکسی که گوگل تا به حال از آرشیو مجله لایف منتشر کرده، بیش از صد قطعه عکس مربوط به ایران است.

در این مجموعه عکس هایی از محمد مصدق در دادگاه نظامی، عکس هایی از مراسم عروسی محمدرضا پهلوی با ثریا و فرح، مراحل ساخت سد کرج، تصاویری از شهر تهران و اصفهان و شیراز در دهه های ۲۰ و ۳۰ خورشیدی و عکس هایی از اداره اطلاعات و روابط فرهنگی آمریکا در تهران دیده می شود.

بشنوید گفتگو با حسن سربخشیان عکاس در تهران
گفتگو با حسن سربخشیان، عکاس در تهران

http://www.bbc.co.uk/go/wsy/pub/email/ft/-/persian/help/2008/11/081124_sarbakhshian.shtml

نویسنده: جامعه شناس

سه شنبه 5 آذر1387 ساعت: 23:51

حکم اول :
در قرآن ، هرجا سخن از خلقت انسان و گفتگوی فرشتگان با خدا در مورد او و سجده بردن فرشتگان بر وی و تمرد شیطان از این کار و ... در جریان است ، تنها ذکر « آدم » در میان می باشد و صحبت و ذکر و سخنی از « جفت او / حوا » در میان نیست و پای « جفت او / حوا » از زمانیکه آدم در بهشت متمکن می گردد ، در میان می آید .

***

ادعای شمارهٔ 2 :
در آندسته از آیات قرآن که به داستان خلقت پرداخته می شود ، تنها از داستان آفریده شدن « آدم » از « گل » سخن در میان است و در هیچ جای قرآن سخنی دال بر خلقت « حوا » از « گل » رؤیت نمی گردد . به دیگر کلام ، حسب آیات قرآن ، تنها وجودی که مستقیما توسط دستان خدا از « گل » سرشته شده است ، « آدم » است و بس .

رفرنس :
آیهٔ 59 سورهٔ مبارکهٔ آل عمران ، 12 اعراف ، 26 ، 28 و 33 حجر ، 61 اسراء ، 7 سجده ، 71 و 76 ص و 14 الرحمن .

(تذکر : در آیات بالا نیز مشابه توضیحاتی که در ادعای 1 آمد ، هرچند در آیات 26 ، 28 و 33 سورهٔ مبارکهٔ حجر ، 7 سجده ، 71 و 76 ص و 14 الرحمن ، سخن از آفرینش « بشر » یا « انسان » در بین است ، اما با مقایسه با آیهٔ 59 سورهٔ مبارکهٔ آل عمران ، 12 اعراف و 61 اسراء ، آشکارا مشخص می گردد مراد از « بشر » یا « انسان » در آیات فوق ، منطقا « آدم » می باشد . ضمنا خوانندگان توجه داشته باشند که آیهٔ 2 سورهٔ مبارکهٔ انعام ، 20 روم و 11 صافات ، دیگر مرتبط با داستان اولیهٔ خلقت نیستند و خطاب آنها به همهٔ ما انسان هاست ، چرا که واضح است هیچ کدام‌مان ، اعم از مرد یا زن ، مستقیما از خاک خلق نشده ایم و همانگونه که همهٔ مان نیک می دانیم و آیهٔ 37 سورهٔ مبارکهٔ کهف ، 5 حج ، 14 - 12 مؤمنون ، 7 و 8 سجده ، 11 فاطر و 67 غافر هم بر آن گواهی می دهد ، از نطفه و گوشت و خونیم . اینرا گفتم تا کسی با استناد به آیات بالا (آیهٔ 2 سورهٔ مبارکهٔ انعام ، 20 روم و 11 صافات) گمان نکند می تواند داستان مستند سرشته شدن از « گل » را از وجود انحصاری « آدم » ، به وجود عام « بشر » یا « انسان » تعمیم دهد و سپس پای « حوا » را هم به میان کشد .)

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

چهارشنبه 6 آذر1387 ساعت: 0:0

با سلام,
بر اساس گزارش شماره ی 5 آقای اتفاق در مورد اولین تصویر برداری حقیقی از تخت جمشید, بر آنیم که این مجموعه عکس را بر روی وبلاگ قرار داده تا همه ی دوستان بتوانند از آن بهره مند و شاید هم متعجب شوند. لذا این بنده ی حقیر در انتخاب نامی مناسب برای آدرس وبلاگ, تا به حال ناتوان بوده ام. از دوستان میخواهم نظرات خود را در این قسمت قرار دهند. در ضمن در انتخاب نام به این موارد دقت فرمایید:
1. نام انتخابی در محدوده ی تاریخ یا بنای تخت جمشید باشد
2. نام انتخابی, نامی باشد که در زبانهای فارسی, انگلیسی و عربی کاربرد داشته باشد تا خوانندگان در این زبانها هم در صورت جستجوی آن نام به این وبلاگ وارد شوند.
اگر دوستان در مورد وبلاگهای فارسی موجود اطلاعات کاملی دارند لطفا دریغ نکنند تا این مجموعه را بر روی فضایی مناسب قرار دهیم.

نویسنده: نسرین

چهارشنبه 6 آذر1387 ساعت: 2:12

سلام آقای پورپیرار
من همچنان مطالب جالب شما را میخوانم ولی علاقه ای برای نوشتن نظر ندارم و پاسخهای شما به نظرات آخر من هم باعث نشده که من مطالب شما را دنبال نکنم.

اوریانا فالاچی روزنامه نگاربرجسته ایتالیایی از وینستون چرچیل سئوال میکند:
-آقای نخست وزیر شما چرا برای ایجاد یک دولت استعماری و دست نشانده به آنسوی اقیانوس هند میروید و دولت هند شرقی را بوجود می آورید اما این کار را نمیتوانید در بیخ گوشتان یعنی در کشور ایرلند که سالهاست باشما در جنگ وستیز است انجام بدهید؟
وینستون چرچیل بعد از اندکی تامل پاسخ میدهد:
- برای انجام این کار به دو ابزار مهم احتیاج داریم که آن دو ابزار را در ایرلند در اختیار نداریم.
فالاچی میپرسد:
- آن دو ابزار چیست؟
چرچیل پاسخ می دهد :
- اکثریت نادان و اقلیت خائن

خیلی خوشحالم که در بین اقلیت آگاه کشور فردی پیدا شده که خائن نیست!

ایران شناسی 188

ایران شناسی 189

ایران شناسی بدون دروغ، 189، دیدار از اندونزی، 12 - 110 نظر

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 17 آذر1387 ساعت: 1:32

آقای نتاب. با امتنان فراوان، دوستانی که مایلند به هر میزان و از هر راه و با رضایت کامل به تولید مستند طوفان نوح کمک کنند وجه را به همان حساب مستند تختگاه هیچ کس، یعنی جاری سپهر صادرات به شماره ی 0100428837001واریز کنند و میزان آن را در پیام خصوصی و یا ای میل اطلاع دهند.

نویسنده: Alborz_us

یکشنبه 17 آذر1387 ساعت: 7:57

Sallam Ostad poorpirar
afshanieye haghighat bar tarikhe tarik shodeh va dod alod az jaliyat az zahamate bidarighi ke baraye noor bod baraye nasl sepasgozaram.bedanid ke tamame asar va neveshtehayetan cheraghi roshan khahad mikeshid beresanand va bedanid ke tarikh az name shoma be haye ayandeh va javanane tiz hosh ke khod ra be haghighat in seri maghalat ke minevisid va dar shomarehye 189 hastid ra besorate ketab niki yad khahad kard. Ostad aya yar va yavaretan va jozveh chap khahid kard ya ma bayad khodeman az internet copy konim .khodavand ya .inshalah ghalametan baraye salhaye motavali ravan

نویسنده: رضا

یکشنبه 17 آذر1387 ساعت: 8:7

جناب استاد با سلام. تلاطم ریشه عربي دارد. البحر يتلاطم

لطم (با صدای فتحه بر سه حرف) برخورد و ضربه.
لطم و لطميه (مراسم سينه زنی) از همين ريشه هستند.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 17 آذر1387 ساعت: 8:8

آقای رضا- کانادا. اعلام نام لازم نیست و با نام مستعار هم ممکن است. علی الاصول این گونه مراکز برای رضای خدا تاسیس نمی شود و ملاحظه می کنید که چه گونه تمام اطلاعات را مفت و مجانی در اختیار دارند و دنباله روی من و ما از سر ناچاری و بی جایگزینی است، زیرا سر و ته یک کرباس اند و خدمت گزار حرفه ای های بزرگ دنیا.

آقای؟. اوقیانوس با واو و بدون آن صحیح است. مانند طلاطم که به صورت تلاطم هم نوشته می شود. زیرا مثل بسیاری دیگر از واژه های مورد رجوع زبان فارسی، لغت بی پدر و مادری است و ریشه ای ندارد که بتوان به آن رجوع کرد. پس اگر تلاتم هم نوشته شد بی اشکال است چنان که بر سر تهران و طهران آمده است.

آقای رضا. نمی دانیم این لغت غیر قرآنی از کجا آمده و ریشه ی و دیکته ی آن چه باید باشد. در آیه ی سی ام سوره ی ق هل امتلاٴت آمده که بسیار به معنا نزدیک است و هر دو حرف با ت است.

آقای Alborz_us. از لطف شما ممنونم. اگر خدا بخواهد پس از یک ویراستاری کامل به صورت جزوه ای مستقل منتشر خواهد شد.

وب سایت

نویسنده: رضا

یکشنبه 17 آذر1387 ساعت: 8:51

با سلام خدمت استاد محترم و ديگر دوستان
استاد ، استحضار داريد که در مجامع چند قومی مهاجر پذير ، اصولا به همت ارباب کنيسه و کليسا و برای جلوگيری از هرگونه اتحادی بر عليه خودشان ، اختلافات قومی و نژادی راه می افتد و اين اقوام مختلف با انواع فعاليت بر عليه هم زمينه حکومت مهاجمان را سهلتر می سازند. آيا اندونزی هم چنين وضعی دارد؟

وب سایت

نویسنده: kaveh

یکشنبه 17 آذر1387 ساعت: 11:19

سلام.تشكر از مطلب خوبتون.اين مطالب كم كم من رو داره به سمتي ميبره كه در باب يكي از اين موضوعاتي كه تا به حال مطرح شده توسط شما آنقدر تخصصي و با جزئيات تحقيق كنم تا هيچ فريب خورده ي كليسا و كنيسه توان صحبت نداشته باشد گر چه ميدانم زمان و هزينه ميطلبد اما نتيجه بسيار ارزشمند خواهد بود.آقاي پور پيرار به زودي شما را خواهم ديد شايد اواخر هفته.درباره هزينه براي مستند طوفان نوح با كمال ميل و مشتاقانه كمك خواهم كرد .بگذاريد حقمان رو از اين مشركين بي شرف بگيريم!موفق باشيد!!

نویسنده: هاتف (به نیما)

یکشنبه 17 آذر1387 ساعت: 11:26

To: nima
Dear my classmate
.Psychoemotiona Psychosexual does not mean
and as u know words play the main role in these sciences
As we know Zigmond theory turns arround one axle: sex
!!!!!!stay on the field u should play well but by words and if u want to
this part of theory lets look again on
eighteen months old is the oral stage, which centers on the The first stage, which lasts until the child is about bowels months to three years old, is the anal stage with stimulation of the bladder and mouth. From eighteen pleasure-seeking zone moves to the genitals. This is bringing gratification. From about three to six years old the sexuality is torpid. The next stage is called the latency period. During this time, a child's .called the phallic stage stage and begins to feel sexual feelings toward When a child reaches puberty, he or she enters the genital .others

conflicts during any one that an adult's personality developed because of how a child dealt with Freud believed .particular psychosexual stage
Thanks

نویسنده: توحید

یکشنبه 17 آذر1387 ساعت: 8:27

با سلام
استاد ، اگر اجازه بدهيد قسمتي از كتاب «صوفيگري» احمد كسروي را كه در انتقاد به صوفيه گري نوشته است را براي مطالعه دوستان در اينجا قرار بدهم ، تا همه ببينند كه در مملكتي اسلامي ! چه كتابهاي مبتذل و مخرب ذهن و افكاري از قبيل «نفحات الانس» و «تذكرة الاوليا» و «كيمياي سعادت!» و «كابوي نامه» و ... منتشر مي شود ك

ماخذ : كتاب صوفيگري ، احمد كسروي ، ص: 22-23

«...همان مولوي كه مي گويد : (عشق آمد عقل او آواره شد) در نفحات الانس داستان پايين را از او و پيرش شمس تبريزي مينويسند :
«مدت سه ماه در خلوتي ، ليلا و نهارا ، بصوم وصال نشستند كه اصلا بيرون نيامدند و كسي را زهره نبود كه در خلوت ايشان در آيد. روزي مولانا شمس الدين از مولانا "شاهدي" التماس كرد . مولانا حرم خود را (زن خود را) دست گرفته در ميان اورد ، فرمود (شمس تبريزي) : او خواهر جاني منست ، نازنين پسري مي خواهم ! في الحال فرزند خود ، سلطان ولد ، را پيش آورد . فرمود او پسر جاني من است ، حاليا اگر قدري شراب دست مي داد ذوق مي كرديم . مولا نا بيرون آمد و سبويي از محله جهودان پر كرده بياورد . مولانا شمس الدين فرمود كه قوت مطاوعت مولانا را امتحان مي كردم . از هر چه گويند زياد است !»
شما در اين داستان نيك انديشيد : دو تن در خلوتي سه ماه چه مي كرده اند ؟! ميگويد : «بصوم وصال نشستند» . سه ماه نيز سوم وصال تواند بود؟! آنگاه صوم وصال (يا روزه پيوسته) كجا و زن يا پسر خواستن و باده آرزو كردن كجا ؟! در اينجاست كه گفته اند :«دروغ گو فراموشكار باشد» .
این مولوی همان است که کتاب مثنوی او را پیاپی چاپ میکنند و با ستا یشهای گزافه آمیزی میپراکنند. همانست که کتابش را همپا یه قرآن میشمارند. کسانیکه میخواهند ازاینگونه رسواییهای صوفیان آگاه گردند، کتابهای نفحات الانس جامی یا تذکره

الاولياء عطار را خوانند.»

واقعا به نظر من بايد عده اي ، وزارت فرهنگ و ارشاد ! رو ارشاد كنند !!!

استاد در پايان نظرتان راجع به اينگونه آثار كسروي چيست ؟ در اين زمينه نظرات كسروي را بسيار همراستاي نظزرات شما مي دانم .

نویسنده: ؟

یکشنبه 17 آذر1387 ساعت: 12:29

استاد از بابت راهنماییتان متشکرم
من به همچنین نکته ای دقت نکرده بودم

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 17 آذر1387 ساعت: 13:23

آقای توحید. آریا بازی و باستان پرستی و سره نویسی و عرب ستیزی کسروی، به جایگاه فرهنگی او بسیار لطمه زده است، هرچند نظریات بدیعی در این یا آن موضوع نیز ارائه داده باشد. یک مبلغ مسیحیت به نام "ناپیر مالکوم" که در دوران انقلاب مشروطه در یزد می زیسته، کتابی نوشته است با عنوان "پنج سال در یک شهر ایرانی" که در زیر چاپ است. او در باب تصوف و عرفان و درویش بازی و روابط قومی و ملی مطالب جالبی دارد که از جمله می توان به نقل زیر اشاره کرد:
"ایرانیان عقیده به وحدانیت پروردگار را در جهت آزادی عمل مشرب چند خدایی تغییر داده و قرآن را در ازای سخنان صوفیان شاعر از تخت به زیر کشیده اند. ایرانیان احترام فوق العاده ای برای اشعار صوفیان قائلند، آن هم اشعاری که بر سخنان تردید برانگیز در مورد عقاید دینی مشتمل است که معمولا به راحتی نمی توان آن ها را به زیر سئوال برد".
عجیب است که حتی این مبلغ مسیحیت نیز از کنه مسئله سر درآورده و در این جمهوری برای مولانا نشست های بین المللی می گذارند.

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

یکشنبه 17 آذر1387 ساعت: 15:26

با سلام.
آقای پورپیرار امیدوارم همیشه سلامت باشید.

نویسنده: حاجی !

یکشنبه 17 آذر1387 ساعت: 12:54

جناب پور پيرار ، خسته نباشيد
يك سوال ، اگر شما به حج مشرف شويد ، آيا تلفن همراه تان را هم مي بريد ؟!
متاسفانه ، در اين چند روز هرگاه تصويري از مكه مي بينم ، شاهد یک عادت نکوهیده هستیم و آن اینکه اکثر مسلمانان مشغول و سرگرم موبايلشان هستند ، و با اين ابزار جهودان ور مي روند . در حالي كه حج فرصتي ناب و كمياب و مغتنم است براي اينكه انسان چند روزي را از همه مسائل مادي بريده و به رابطه خود با پروردگار تفكر كند .

لكل امة جعلنا منسكا هم ناسكوه و ادع الي ربك انك لعلي هدي مستقيم

نویسنده: ناموف

یکشنبه 17 آذر1387 ساعت: 17:21

سلام استاد خسته نباشید.

نویسنده: مهدي - مهدي

یکشنبه 17 آذر1387 ساعت: 17:53

جناب آقاي پورپيرار
خسته نباشيد.
در باب جريان فرار مسلمانان آفريقا و هند از دست جانيان مسيحي و يهودي به اندونزی چند سئوال به ذهن بنده متبادر شده

است:
1. اين مردماني كه امروز نيز از نظر وضعيت اقتصادي و مهمتر از همه توانايي هاي فني بسيار فقير هستند چگونه توانسته اند در چهار قرن پيش كشتي ها و و ابزارهاي جهت يابي مناسبي بسازند كه قادر به ورود به آبهاي آزاد باشد؟
2. اگر مهاجرتي اتفاق افتاده باشد آن مهاجرت بدون برنامه ريزی برای جمع آوري و ساماندهي متمركز مهاجران ممكن نبوده است. چه مركز مديريتي ساماندهي اين مهاجرت را بر عهده داشته است؟
3. مهاجران از كجا مي دانستند كه با حركت در آن جهت به خشكي خواهند رسيد؟ چنانكه امروز با نگاهي به نقشه جهان متوجه مي شويم كه ممكن بود با حركت در جهت اشتباه هرگز به هيچ جايي نرسند.
4. آذوقه اين سفر طولاني چگونه تأمين شده است؟
5. مهاجران هندي كه ظاهراً موج مهاجر دوم پس از آفريقاييان هستند بدون داشتن نقشه راه (چنانكه مي دانيم قديمي ترين نقشه ها كه به همان زمان ها متعلق است توسط اروپاييان با وسايل جهت يابي, فاصله سنجي و مساحي نسبتاً دقيق ترسيم شده است و در دست رس مسلمانان نبوده) چگونه توانستند به اندونزي برسند و آيا سر بر آوردن هنديان از اندونزي حساب شده بوده يا تصادم دو موج مهاجر از آفريقا و هندوستان تصادفي بوده است؟

ارادتمند
مهدي - مهدي

نويسنده: نيما (به هاتف)

يكشنبه 17 آذر1387 ساعت: 18:29

Dear Hatef

.1 Your previous speech was different from the recent one. In the former, you had used an unscientific literature, but the latter seemed to have a more scientific flavor. In the former, you inappropriately accused the Jews with no scientific reasoning and only based on skepticism about Freud's ideas. It doesn't fit a scientific personality.
.2 You didn't reject Freud's theory with any scientific reason.
.3 Freud believes that psychosexuality is inseparable from psychoemotionality. If you don't think so, you should give a scientific reason.
.4 Clinical observations strongly support psychosexuality in babies and children. For example:
a) Sexual hormonal activity before birth promotes male anatomy including external genitalia as well as the brain. Especially, the hypothalamus develops differently in males and females. Even sexual hormonal imbalance before birth may cause abnormality in hypothalamus that leads to homosexuality. This shows that psychosexuality is present from the very beginning of life.

نويسنده: نيما (به هاتف) 2

يكشنبه 17 آذر1387 ساعت: 18:29

b) Masturbation of children makes sense with the presence of a developing psychosexuality, only. Therefore, it is so natural to expect an active psychosexuality before masturbation, but of course, with more primitive manifestations such as oral and anal activities.
.5 Sexual sensitivity is not restricted to genitalia, as you know. Hence it is expectable to have a heavy load of psychosexuality within the practice of suckling in babies.
.6 Contrary to your ideas, psychology is not playing with words! Although requiring serious modifications, but after all, it relies on huge amount of clinical data as well as scientific hierarchy from physics to biology and medicine. Just pay attention to the fact that the recently-born field of cognitive science, which is extremely multidisciplinary, is rediscovering psychological facts one by one.
.7 Finally, I invite you to scientific politeness once more: if you try to criticize a scientific topic without enough outstanding or in a wrong way, the result will be nothing more than self-humiliation.

نويسنده: بختيار

يكشنبه 17 آذر1387 ساعت: 18:46

استاد با سلام و با تشكر از سئوالاتی كه در ذهن من بر انگيخته ميكنيد

بر اساس ديده ها و شنيده های قبلی بردگانی كه از آفريقا به بردگی به آمريكا برده ميشدند همگی بدون دين بودند و سپس در آمريكا به دين مسيحيت در ميامدند.

دو سئوال دارم : ایا در مورد دین این بردگان اطلاعاتی در دست هست و ایا تمام سیاه پوستان امریکایی که مسلمان هستند . تازه مسلمان هستند و یا در میان انان بقایایی از بردگان مسلمان هم وجود دارد.

سئوال دوم : ایا بردگانی به اروپا نیز برده شده اند یا تنها بردگان دارای مقصد امریکا بوده اند

نویسنده: بی نام

یکشنبه 17 آذر1387 ساعت: 19:22

استادبزرگوار سلام علیکم وخسته نباشید

اگر اشتباه نکنم نام صاحب حساب آقای عباس غفوری باید باشد .آیا صحیح است؟

نویسنده: بی نام

یکشنبه 17 آذر1387 ساعت: 19:25

جناب آقای اتفاق سلام علیکم

برادر اگر ممکن است لطفا"همراهتان را روشن کنید.واجب العرض ام نتوانستم خدمتتان تماس بگیرم.

نویسنده: مریم

یکشنبه 17 آذر1387 ساعت: 19:48

استاد من و دوستام منتظر راهنماییهای شما هستیم

ما رو به قم حواله ندید, چون ما تو ترکیه دانشجو هستیم.
خیلی ممنون

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 17 آذر1387 ساعت: 20:24

آقای بی نام. به نام نشر کارنگ است.

آقای بختیار و آقای مهدی - مهدی و آقای دهقانی. پاسخ ها را اواخر شب می فرستم.

آقای ناموف. ممنون.

خانم مریم. سئوال های شما یک کتاب جواب می برد. آن ها را یکی یکی بفرستید.

نویسنده: مریم

یکشنبه 17 آذر1387 ساعت: 22:16

سوره 6: الأنعام
(7)
و اگر مکتوبی نوشته بر کاغذ بر تو نازل می‌کردیم و آنان آن را با دستهای خود لمس
می‌کردند قطعا کافران میگفتند این [چیزی] جز سحر آشکار نیست

سوره 6: الأنعام
96
و آنگاه که گفتند خدا چیزی بر بشری نازل نکرده بزرگی خدا را چنانکه باید نشناختند بگو چه کسی آن کتابی را که موسی آورده است نازل کرده [همان کتابی که] برای مردم روشنایی و رهنمود است [و] آن را به صورت طومارها درمی‌آورید [آنچه را] از آن [میخواهید] آشکار و بسیاری را پنهان می‌کنید در صورتی که چیزی که نه شما می‌دانستید و نه پدرانتان [به وسیله آن] به شما آموخته شد بگو خدا [همه را فرستاده] آنگاه بگذار تا در ژرفای [باطل] خود به بازی [سرگرم] شوند

در آیه 7 سوره انعام صحبت از این مطلبه که قران بصورت نوشته بدست پیامبر نرسیده
در آیه 96 سوره انعام صحبت از نوشته شدن کتاب حضرت موسی روی طوماره

سوال اینکه:
آیا کتاب موسی همون تورات نیست؟ چون همه جا یا کلمه تورات بدون کلمه کتاب به کار رفته و یا کتاب موسی اسمگذاری شده

و سوال دوم اینکه
این آیه 96 داره نشون میده که مردم اون زمان روی طومار نوشته مینوشتند و حتی کتاب موسی درج شده که به نظر همون تورات نیست.

با این حساب آیا قرآن هم بعد نزول روی طومارهایی نوشته نمیشده؟

نویسنده: سلمان

یکشنبه 17 آذر1387 ساعت: 22:50

استاد فرزانه
با احترام کامل در برابر عظمت شخصیت ، علم، دانش ، شجاعت و فهم سرشار شما فقط سر تعظیم فرود می آورم و خدا را سپاس می گویم که پیش از مرگ فرصتی به من داد تا از طریق بزرگ مردی چون شما چشمم بر روی حقایق این جهان باز شود. براستی که مشرکان نجس اند.

نویسنده: مسعود

یکشنبه 17 آذر1387 ساعت: 22:53

سلام و علیکم و خداقوت .

استاد استدلالات شما درباره منشا اسلام در آفریقا و شرق دور واقعا" پرمغز است.

من تنها یک ابهام در این خصوص دارم که بی پرده عرض میکنم و امیدوارم حمل بر غرض ورزی نگردد و بل از ذهن بی اعتقاد من به اتفاقی و بی دلیل بودن پدیده ها نشات میگیرد:

در چند صد سال قبل فراریان مسلمان آفریقایی با چه امکاناتی توانسته اند از اوقیانوس وحشتناکی موسوم به اوقیانوس هند به طول لا اقل شش هزار کیلومتر عبور کنند و خود را به مجمع الجزایر اندونزی و مالزی و یا میکرونزی برسانند؟!

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 17 آذر1387 ساعت: 23:11

خانم مریم. اگر ترکیه به قم دور است می توانید به قونیه بروید تا اهل تصوف و عرفان، رقصان و چرخان پاسخ شما را بدهند. برای دریافت جواب دقیق و مفصل و عمیق لازم است سه جلد کتاب پلی بر گذشته را بخوانید و اگر در کامنت خصوصی آدرس بفرستید، برای تان ارسال خواهد شد.

آقای مسعود. به پاسخ آقای مهدی - مهدی توجه کنید.

آقای سلمان ممنون. فقط انجام وظیفه ای شاکرانه است و بس.

آقای دهقانی. در آن جا چندان مطلبی هنوز نبود که به اظهاری برسد. باز هم "از زبان سنگ ها" و یا "گواهی سنگ" را بیش تر می پسندم.

آقای بختیار. اسلام جز به وسیله ی بردگان سیاه به آمریکا راه نیافته است. سیاهان آفریقا هنوز هم در اروپا و به خصوص در فرانسه به بردگی و کم تر از آن مشغول اند و روشن فکری پر مدعای فرانسه کارش به آن جا کشیده که رئیس جمهور منتخب اش سرکوزی یهودی است که برخورد خشن او با آفریقائیان معترض در خیابان های پاریس و دیگر شهرهای فرانسه در همین اواخر را همگی به یاد داریم.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 17 آذر1387 ساعت: 23:29

آقای مهدی - مهدی. در آن باره لغت به کار رفته "حسن" است که باز هم در تمام ترکیبات و مشتقات، به معنای زیبایی نیست. اما در باب مهاجرت به اندونزی ملاک و اساس، اثبات وجود و حضور آفریقاییان در آن سرزمین، آن هم به صورت پناه بردگان است، که در باب آن تردیدی نداریم. نحوه ی فنی این جا به جایی، از آن که فرمانده آن عملیات نبوده ام موضوع این سخن نیست، اما مسلم می دانیم که راه اوقیانوس ها در پانصد سال پیش گشوده و قریب چهارصد و پنجاه سال پیش هجوم به آفریقا آغاز شده است و چون عمده خدمه ی کشتی های اکتشافی و حامل برده، به سوی شرق و غرب را باز هم بردگان سیاه تشکیل می داده اند، پس آگاهی آن ها نسبت به مسیرها و نحوه ی اداره ی سفاین تعجبی ندارد. حتی ممکن است آن ها با شورشی طراحی شده اختیار یک و یا چند سفینه را از چنگ ناخدای سفید خارج کرده و به انتهای شرق رانده باشند. وانگهی فرار سیاهان به اندونزی لزوما نباید عمده و انبوه بوده باشد، ضمن این که تامین غذا در دریا با وجود آن همه خوردنی در آب های اطراف دشوار نیست و بالاخره این که هر مهاجرتی از آفریقا و یا هند به اندونزی مقدم بر 400 سال پیش ناممکن بوده چنان که از آن پس کاری است کاملا میسر، زیرا راه های دریایی شناسایی و ملاحان و ناخدایانی در میان تمام ملل مجاور دریا پیدا شده اند. و سرانجام یادآوری کنم در باب تمام این گونه احتمالات اسناد فراوانی موجود است که برخی از آن ها را به فیلم های معتبر و معروفی نیز تبدیل کرده اند.

نویسنده: م.ستاره

دوشنبه 18 آذر1387 ساعت: 1:58

سلام
اول از همه ، این عید بزرگ را به همه تبریک می گویم و آرزوی توفیق و رشد دارم .
قصد ورود به بحث اخلاق را ندارم اما می توانم بگویم که تا زمانی که ما ، صاحب این فرهنگ فعلی هستیم ، ره به جایی نیست .
به عنوان نمونه ، در مقابل ظلم .
می گویند که فلانی هم رفتنی است ، کمی صبر کنید ! فلان حاکم جبار هم بیشتر از یک وجب جا ، نصیب نخواهد داشت که آن هم به مرور ، گم می شود .
چرا این را می گویند ؟ تا مردم نشورند و جبار ظالم را به زیر نکشند و بهانه ای بدهند برای ادامه ی ستم . آیا چنین صبری ، امری به منکر نیست ؟
این جبار کیست ؟ یک مسلمان معتقد به روز جزا و حساب ؟!
" او هم روزی خواهد مرد ! " ، خوب بمیرد ، اما بعد او ، اصلاح خواهد شد ؟ یا یکی مثل او ، و یک چرخه ی معیوب ؟
اما می خواهند او حکومت فاسقانه ی خود را ادامه دهد .
این حرف های " یکی می رود و دیگری می آید " به چه منظوری است ؟ جز دعوت به پذیرش فاسد در مقام اعلی ؟!
نمونه ی دیگر ، همین برنامه ی جاری زندگی است . کاری نمی کنند که فرد ، پس از نماز صبح ، به طرف محل کار خود حرکت کند . چون همزمانی این دو ، موجب اجرای هر دو است . طوری برنامه ریزی می کنند که به یکی نرسید !

نویسنده: م.ستاره

دوشنبه 18 آذر1387 ساعت: 2:0

2
هنگام ظهر هم برنامه ی " نهار و نماز " ! چه قدر این دو کلمه ، به هم شبیه اند ! و در کنار هم ! در کنار اینها ، بازگشت بچه از مدرسه و نهار ! پس باز نماز ، فدا می شود ، بعدا میخوانیم ، آخوند محله گفته تا اذان مغرب وقت هست !!! چه قدر این برنامه ریزان ما ، ظریف هستند ! چه قدر عداوت با اسلام ! همین آشفتگی در باب نماز دیگر ! البته ما فقط 3 بار نماز می خوانیم و هر سه هم با امری تداخل دارد ! یکی با خواب ، یکی با خانواده ، یکی با خواسته ! اگر بخواهیم 5 بار بخوانیم ، آن وقت مدیران جامعه ، باید دو فقره تکلیف دیگر را امر کنند که موجب زحمت شان می شود !
عیسی به دین خود ، موسی به دین خود ، کسی هم حق ندارد بپرسد چرا هیچ یک قادر به اثبات حقانیت خود نیست ؟!
مگر دو خداوند وجود دارد ؟! یا خداوند ، در دورانی بین 2 رسول ، تغییر نظر داده ؟!
این فرهنگ ما است ! محترمانه ، باید این را به قنات سپرد . خیلی پیشروی نمی کنم . همین مظاهر دم دست را گفتم .
رکیک ترین لغات و مفاهیم را داریم و شنیع ترین افعال را . انواع جرایم و پدرسوخته بازی ؛ بچه های خود را می خواهیم پاستوریزه و استریلیزه بار بیاوریم و در عین حال ، بسیار با فهم و شعور و همه چیز دان که بکفیه الاشاره به امداد غیبی !!
از هر طرف در محاصره ایم . این محاصره شدگی را هم تربیت می نامیم و به یک گوسفند ، می گوییم : چه بچه ی باتربیتی ! تا ثریا و بالاتر هم ، کج می رود (شرمنده ، می توان نوشت بچه ی خام ، ولی به نظر من که افاده ی معنی تام نداشت) .
از فرهنگ کنونی ، به غایت نفرت دارم .
واقعا ببخشید که روده درازی شد . جسارت است . بار دیگر این عید را به همه تبریک می گویم و امیدوارم با حرف های من ، مکدر نشوید .

انی ترکت ملة قوم لایومنون بالله .

والسلام

نویسنده: ?

دوشنبه 18 آذر1387 ساعت: 2:59

قبر یک جنگجو کورگاني به همراه گاو نر، پشت سد خداآفرین کشف شد
id=49002&http://www.chn.ir/news/?section=2

کشف معبدي باستاني در ميان خرابه‌هاي قوم اينكا
http://chtn.ir/WebForms/Fa/News/NewsInfo.aspx?ID=24018

حفاظت كتيبه بيستون در دستور كار قرار گرفت
http://chtn.ir/WebForms/Fa/News/NewsInfo.aspx?ID=23994

عجایب هفتگانه دنیا ورژن جدید
pid=2729#pid2729&http://aerocenter.ir/forum/showthread.php?tid=1426

تندیس ملکه اشکانی
http://siroco.ir/?p=113

انتقال تصاوير 88 نسخه خطي فارسي اسلواكي به ايران
http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=8709170791

کشف محموله قاچاق عتیقه به خارج کشور
http://tabnak.ir/pages/?cid=28353

پس از اعدام اشتري، جاسوس رژيم صهيونيستي؛
روش‌های جاسوسی اسرائیل از برنامه هسته‌ای ایران
http://tabnak.ir/pages/?cid=28301

اخبار ضد و نقيض درباره پست جديد "كردان"
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=58942

درخواست زن محجبه ترك براي نمايندگي در پارلمان
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=58956

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 18 آذر1387 ساعت: 7:32

آقای م. ستاره. شیر بهای مجاورت با حق، ایمان و صبر است. یادداشت های اخیر شما بسیار با اهمیت بود، اگر اجازه ندهید که یاس غلبه کند.

آقای؟. لینک های به درد خوری است، ممنون. به خصوص که برای نخستین بار محموله ای عتیقه ی قاچاق، از قاشق و چنگال و ساعت و تلفن های کهنه یافته اند، که در میان آن ها شیئی هخامنشی نبود!!! اول صبح هم نتوانستم چشمم را به جمال ملکه ی اشکانی روشن کنم چون لینک اش باز نشد. احتمالا در زمان اشکانیان زن سالاری رواج داشته، زیرا هرچه پیدا می کنند، تندیس ملکه است؟!!! بالاخره هم نفهمیدم این گورکانی ها 4000 سال پیش پشت سد خدا آفرین چه می کرده اند؟! مگر نمی گویند که تیمور هم گورکانی بوده، شاید هم باستان شناسان ما پس از پیدا کردن ده بیست تا گور به ترین نام برای صاحبان آن را همان گورکانی تشخیص داده اند؟!!

نویسنده: محمود بجانی

دوشنبه 18 آذر1387 ساعت: 7:57

با سلام بر استاد بزرگوار
استاد عزیز می ترسم با دنده سنگین فرصت رسیدن به سربالایی های این جاده سهمگین و طوفانی نباشد یا اندک باشد - اندکی با با دنده های بالاتر رفت تا درگیر سنگریزه های کف جاده نباشیم - تازه کوه هم برخی مواقع ریزش دارد و بنزین گران شده است - البته گازوئیل هم با کارت عرضه می شود اینها می رساند که تنها باید به قرآن تمسک کنیم - محور بنیان اندیشان باید قرآن باشد ...

مطمئن هستم که قدیمی ها بهتر از ما زمان خود را درک می کردند ولی حالا چه؟
امروز وقتی سوره ای را می خواندم به یاد اصحاب اخدود افتادم بگویید که اینان شبیه پوریم زدگان بودند و تنها گناهشان طبق گفته قرآن ایمان به خدا!
فرق ما با خدا تنها این است : ما در بین خوبی و بدی هستیم ولی خدا واحد است پس منشا خوبی است و این فرق اساسی است!!! لذا به دور خود پیله نکنیم استاد عزیز منظورم از اینهمه اطاله کلام این است که زودتر پرداخت به قرآن را شروع کنید ...
در پناه خداوند تا قبل از فوت عمر به این امر مهم برسید

نویسنده: ؟

دوشنبه 18 آذر1387 ساعت: 9:59

تندیس ملکه اشکانی-موزه بغداد
http://civilir.persiangig.com/siroco/55.jpg

استاد اگر باز هم موفق به دیدن عکس نشدید
حتما بگویید تا عکس را در سرور دیگری آپلود کنم

نویسنده: ?

دوشنبه 18 آذر1387 ساعت: 11:48

تعیین امام جماعت توسط صهیونیست‌ها!
http://tabnak.ir/pages/?cid=28408

مشايي و اعضاي دفترش عازم حج تمتع شدند.(آره دیگه، ما رفتیم، بریم یه کم برائت از اسرائیل و آمریکا بجوییم و بیایم!)
http://tabnak.ir/files/fa/news/1387/9/17/21135_110.jpg

نویسنده: حسین ک

دوشنبه 18 آذر1387 ساعت: 12:42

باسلام خدمت استادارجمند
بی صبزانه منتظر کتاب اسلام وشمشیر2هستیم

براساس برداشتی که ازکتاب متین "برآمدن اسلام2"ونیز بعضی ازآثاردیگرشما داشته ایم این بودکه هیچ تفاهمی دال بربودن کتابت ثابت ودارای قابلیت خواندن درنزد قوم عرب قبل وبعدازاسلام تاقرون اولیه هجری وجودنداشته حال چگونه می توان وجودمعاهدات گاه بین المللی ونوشته هایی که خودشما به عنوان نمونه آورده ایدونیزمشتقات کلمه(ک ت ب)که به وفور در قرآن آمده است ونیز امر قرانی برکتابت مساله دین درآیه282سوره بقره راتوجیه کرد آیااین نمی تواندنمونه هایی دال بروجودکتابت مشترک باشد

نویسنده: حاجی زاده

دوشنبه 18 آذر1387 ساعت: 14:50

با سلام
عید قربان،فرخنده روز تجلی عشق و عبودیت،بر استاد گرامی و دوستان محترم مبارک باد.

ان شا,الله ادامه ی مبحث طبیعت و تربیت بعد از عید قربان

نویسنده: هومن

دوشنبه 18 آذر1387 ساعت: 19:56

سلام استاد
عیدتون مبارک
یه چزی که به نظر می یاد اینکه سیمای اشخاصی که توی عکسها قرار دادید هندی چینی هست صورتهای گرد و چشمهای ریزو بیرون زده ریشهای کم پشت....ادم رو به یاد چینی ها میندازه؟
البته چیزی که خیلی جالبه بینی پهنشون هست که شبیه افریقایی هاست

نویسنده: ادموندو

دوشنبه 18 آذر1387 ساعت: 20:37

اخبار ضد و نقیض درباره پست جدید "کردان"
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=58942

معاون رئیس جمهور آقای حاج آقا شیخ دکتر کر -دان (داننده حرف دل کرها) که اشاره به مردم ایران است چون انگار دولت واقعا کر شده است

نویسنده: آیدین یاشار

دوشنبه 18 آذر1387 ساعت: 20:50

با سلام خدمت استاد و همه دوستان

قسمت اول:
روشنگری استاد در خصوص نحوه حرکت اسلام به شرق دور بسیار آموزنده است، هر چند برای من نیز بعضی سوالات «فنی» هنوز باقی است ک میخواستم نظر استاد را جویا شوم. تصور حرکت عده‌ای آفریقائی تهی دست (به هر تعداد) از طریق دریا یا خشکی به سوی مقصدی به مسافت بیش از 7000 کیلومتر در آن سوی دریاها قدری مشکل است. و در صورت وجود چنین مهاجرتی، باید بتوانیم قرابت زبانی مشهودی را بین زبان مالای و زبانهای آفریقائی امروز کشف کنیم. چنین قرابتی (هرچند به صورت نسبی) تنها بین زبان مالای و زبان ماداگاسکار (از خانواده زبانهای مالاگاسی) وجود دارد که خود تأمل برانگیز است، اما کافی نیست.

قسمت دوم:
اما در خصوص مهاجرت، شاید این فرضیه که بردگان آفریقائی برای انجام کارهای بدنی شاق توسط خود استعمارگران از آفریقا (و مشخصا از اطراف جزیره ماداگاسکار) به شرق دور برده شده باشند، نیز قابل تأمل باشد (مطلبی که حد اقل در مورد سیاهان آفریقا صادق است). اگر مجمع الجزایر اندونزی و کشور مالزی را در آغاز دوره استعمار بالنسبه خالی از سکنه تصور کنیم، استعمار گران بدون تردید به این نیروی کار فراوان و ارزان احتیاج داشتند و گرنه نمیتوانستند از منابع طبیعی آن خطه بهره‌برداری کنند. مستعمرات شرق دور دو نوعند. گروهی مثل چین و تایلند و ویتنام و امثال آنها که دارای سکنه محلی بودند و از اینرو بدون تغییر ترکیب جمعیتی از سوی استعمارگران مورد چپاول قرار گرفتند. گروه دیگر نظیر اندونزی و مالزی که فاقد سکنه محلی بودند و برای بهره‌برداری از آنها وار کردن انبوه کارگران خارجی ضرورت داشت. در این نوع کشورهاست که اسلام توسعه یافته است. در اینجا به وضوح شاهد یکی دیگر از معجزات قرآن هستیم که دین شریف اسلام به دست خود استعمارگران به مناطق بسیار دوری از جهان منتقل شده است و امروز شاهد یکی از خالص ترین و صمیمانه‌ترین نوع ایمان اسلامی در آن بخش از جهان هستیم.

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 19 آذر1387 ساعت: 0:11

فریبا خانم. عیدی چندان مبارک است که به قربانی نیز می توان تبریک گفت.

آقای حسن ک. بد نیست دو یادداشت ایران شناسی شماره ی 130 و 131 را با توجه کامل بخوانید.

آقای هومن.تیپولوژی مورد اشاره ی شما هم در اندونزی یافت می شود، اما نه چندان فراوان. از کسی شنیدم که اجداد و از جمله پدر اوباما از سیاه پوستان مسلمان در اصل کنیایی و گریخته به اندونزی بوده است!؟

آقای توحید. پیام خصوصی شما را برای استاد غفوری فرستادم، امیدواریم حرف شما را گوش دهد!

آقای آیدین یاشار. از آن که سیاه پوستان نه در شهرها، بل میان کوه ها و دره های اندونزی و به حالت پناه گرفته زیست می کنند پس ممکن نیست برای خدمت به کلنیالیست ها به آن سرزمین وارد شده باشند و دوم این که مسلما استعمارگران خدمه ی خود را از میان مسیحیان سیاه انتخاب می کردند، اما نظر درست شما در باب فقدان بومی در اندونزی به قلابی شناختن معابد هندوییستی کمک می کند.

آقای؟. خوش بختانه عید قربان شاید تنها مشترک کامل میان مسلمانان است، چون غدیر موجب شکاف و چون فطر امروز و دیروز ندارد. به همین سبب عرض شاد باش این عید با احساسی از همبستگی و جمعیت توام است و فرقه پذیر نیست. این عید بر شما و تمام مسلمین جهان مبارک باد.

نویسنده: ؟

سه شنبه 19 آذر1387 ساعت: 3:22

نمايي از خانه خدا در شهر مکه(در روز عرفه)
http://www.farsnews.net/plarg.php?nn=M397775.jpg

ريگی ، طلبه اخراجی حوزه علميه "گشت" سراوان
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=59061

حمايت عربستان از گروهك تروريستي ريگي
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=59062

به‌كارگرداني «علي عطشاني»؛
ناگفته‌هاي سپاه در «30 سال پايداري» به‌روي آنتن مي‌رود
http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=8709170288

به رئيس‌جمهوری پيامک بزنيد(نزديک انتخابات رئيس جمهور چه کارها که نمی کند!)
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=59072

حمام رومي رم، بازگشايي شد
http://chtn.ir/WebForms/Fa/News/NewsInfo.aspx?ID=24057

شگرد آيت‌الله مدرس براي كسب در آمد(خیلی خنده دار و باحال بود)
http://www.rajanews.com/detail.asp?id=21164

کشف جسد موميايی 4500 ساله در اراک
http://www.rajanews.com/detail.asp?id=21154

بزرگترين فرش خاكي جهان، خليج فارس نام گرفت
http://chtn.ir/WebForms/Fa/News/NewsInfo.aspx?ID=24047

جلسه هيئت دولت 
http://www.asriran.com/files/fa/news/1387/9/18/102301_832.jpg

تنها نامه بدون «بسم الله» از امام(ره)
http://tebyan.net/Politics_Social/History/Iran/Political_History/2008/12/9/80584.html

نویسنده: آیدین یاشار

سه شنبه 19 آذر1387 ساعت: 10:53

با تقديم سلام و تبريک عيد قربان خدمت استاد و ساير دوستان

کد داوينچی (1)
فيلم «کد داوينچی» را بعضيها ديده‌اند ولی خواندن داستان کد داوينچی نوشته دان براون امری ضروری است. هرچند داستان از منظر يهودی نوشته شده است، ولی اطلاعات ارزنده‌ای در خصوص تاريخ مسيحيت دارد که تأمل برانگيز است، از جمله:
1 – انجيل کنونی متنی الهی نيست، هيچ نسخه موثقی در طول تاريخ از کتاب انجيل وجود نداشته است.
2 - آنچه که امروز به نام انجيل ميشناسيم، به دستور امپراطور غير موحد روم، کنستانتين «کبير» تنظيم گرديده است.
3 - اين امپراطور در طول حيات خود با اعتقادات هلنيستی زيسته و صرفا در بستر احتضار غسل تعميد داده شده و ظاهرا به مسيحيت مشرف شده است.
4 - وی در سال 325 ميلادی تصميم به تأمين وحدت امپراطوری روم تحت لوای دين واحد يعنی مسيحيت گرفت. وحدت امپراطوری در اين زمان در اثر تضعيف عقايد هلنيستی و گسترش نسبی مسيحيت در حال فروريختن بود.
5 - دينی که به اين ترتيب شکل گرفت، اختلاطی از عقايد مسيحيت و نشانه‌ها، مناسبتها و آئينهای هلنيستی بود تا بدينوسيله هم طرفداران مسيحيت و هم طرفداران عقايد هلنيستی اقناع شوند.
6 - هاله قديسين مسيحی اقتباسی از خورشيد مقدس مصر، و تصوير مريم مقدس و مسيح طفل برگرفته از تصوير ايزيس

(خدای مونث مصری) بود که وی نیز به طریق معجزه آسا حامله شده و فرزندی به دنیا آورده بود و از آن پرستاری میکرد. به طور کلی مفهوم «تولد معجزه آسا» ریشه در دورانهای کهن دارد.

نویسنده: آیدین یاشار

سه شنبه 19 آذر1387 ساعت: 10:56

کد داوینچی (2)
7- مفهوم «فرزند خدا» برگرفته از خدای یونانی «میتراس» بود که «فرزند خدا» و «خورشید عالم» نامیده میشد.
8 - روز مقدس مسیحیان یعنی Sunday به مفهوم «روز خورشید» مفهومی هلنیستی است.
9 - امپراطور کنستانتین برای تحکیم مبانی مسیحیت جدید تجمعی از ریش سفیدان را فراخواند که به «شورای نیکا» مشهور است.
10 - در طول این تجمع، بسیاری از آداب و رسوم مسیحیت مورد مذاکره و از طریق «رأی گیری» مورد تصویب قرار گرفت، از آن جمله: تاریخ عید پاک، وظائف اسقفها، مراسم دعا و عبادت، و البته مسأله «تقدس خداگونه مسیح».
11 - مفهوم مسیح به عنوان «فرزند خدا» رسما در ضمن جلسه شورا مطرح و مورد تصویب قرار گرفت.
12 - آموزه معروف مسیح دال بر مقاومت منفی و «ارائه گونه دیگر بعد از سیلی خوردن گونه اول» از تعلیمات جعلی کنفرانس نیکا بود، زیرا امپراطوری به یک ملت مطیع و سر به زیر نیاز شدیدی داشت.
13- یکی از شاگردان و از حواریون صمیمی مسیح یعنی مریم مجدلی مورد انکار کلیسا و مورد تهمت فحشاء قرار گرفت، درحالیکه اسناد زیادی دال بر صمیمیت عیسی مسیح و حتی ازدواج وی با مریم مجدلی در دست است و نسلی هم از این ازدواج فراهم آمده است که شجره عیسی را تا امروز ادامه داده است. همچنین گفته میشود که همین مریم مجدلی وصی مسیح برای ادامه نشر طریقت او در جهان بوده است. همچنین مسأله مصلوب شدن مسیح ممکن است از جعلیات واتیکان باشد، چنانکه قرآن شریف نیز به صورت صریح دلالت بر آن دارد که وی مصلوب نشده است.

نویسنده: آیدین یاشار

سه شنبه 19 آذر1387 ساعت: 10:57

کد داوینچی (3)
14- با توجه به اینکه بیش از سه قرن از ظهور مسیحیت گذشته بود، جمع آوری و امحاء کلیه مدارک دال بر تعلیمات اصلی مسیح و از بین بردن تناقضها ضروری بود. از اینرو تفتیشها و قلع و قمعهای وحشیانه کلیسا شروع و برای سده‌های متوالی ادامه یافت که اکنون نیز به طرزی مدرن ادامه دارد. در واقع «جنگ مافیائی بر سر اسناد» بمنظور کتمان حقائق مسیح بخش اصلی تاریخ واتیکان را تشکیل میدهد. از جمله اسناد مربوط به تومارهای بحر میت که در سال 1950 کشف شدند، و تومارهای «نق حمادی» که به زبان قبطی است و در سال 1945 کشف شدند، موضوع کشمکشهای اطلاعاتی و مافیائی مستمر بین رژیم اسرائیل، واتیکان و سایر نیروهای ذینفع در دهه‌های اخیر بوده است. اما آنچه یهودیان معتقدند و موضوع داستان کد داوینچی را تشکیل میدهد، وجود اسناد باستانی در حجم بسیار بالا در حد هزاران تومار است که بیش از هزار سال است به صورت مخفی و از طرف یک هیئت امنای کاملا مخفی نگهداری میشود تا در موقع مقتضی به جهانیان ارائه شود و گویا در صورت ارائه این اسناد، ارکان مسیحیت کنونی به طور کامل درهم خواهد ریخت.
امید است این مطالب مفید فائده ای هرچند ناچیز باشد.

نویسنده: مارلیک

سه شنبه 19 آذر1387 ساعت: 11:56

عید قربان بر تمام مسلمین مبارک

استاد عیدی چی میخوای بدی ؟

نویسنده: sadegh

سه شنبه 19 آذر1387 ساعت: 12:38

با سلام خدمت استاد گرامی عید سعید قربان را به شما و سایر دوستان تبریک و تهنیت عرض می نمایم

نویسنده: هنگامه

سه شنبه 19 آذر1387 ساعت: 15:33

سلام استاد بزرگ خانواده ما از طرفداران و مبلغان شما هستند. پدرم میگوید که فقط یادداشت شما درباره جاده های چین به تمام نوشته های تاریخی پیشین میارزد. مامورم سلام خواهرم ریحانه و تعداد دیگری از دوستان دانشگاهم را برسانم. پیوسته موفق و شادمان باشید ضمنا عکس جدیدتان را در خانواده ما بیشتر پسندیده اند.

نویسنده: توحید

سه شنبه 19 آذر1387 ساعت: 12:7

با سلام
استاد ، عيد سعيد قربان بر شما و همه مسلمين مبارك باشد .
بي صبرانه ، منتظر تصميم شما و استاد غفوري هستيم .
اگر اجازه بدهيد ، متن زير را به شما و همه حقيقت جويان «حق و صبر» تقديم مي كنم :
....

«استاد ارجمند ، اينجانب به عنوان يكي از شاگردان كوچكتان و مكتب بنيان انديشي و يكي از اعضاي حزب مبارزه با شرك و دروغ و تحريف (حق و صبر)، صميمانه از زحمات بي دريغ و وصف ناشدني و مبارزه يكتنه تان با مظاهر شرك و كفر و فداكاري مخلصانه شما در راه دين ، تقدير مي كنم و باور دارم كه با كلمات و تقدير و تشويق هاي زميني و مادي كوشش هاي شما به ارج و منزلت واقعي خود نائل نخواهد شد ، لذا توفيق و عنايات جاودانه الهي را از صميم قلب براي شما ، هم در اين دنيا و هم در ان دنيا از درگاهش مسئلت دارم . هرچند اينهمه توجيهي براي شانه خالي كردن از وظيفه تقدير و قدر داني از شما بابت سالها تلاش و مطالعه در راه حقيقت نتواند بود . واميد وارم در آينده اي هر چه نزديك تر ، نتيجه تحقيقات شما به فضل خدا جهان گستر شده ، و باعث برون رفت بشريت از جهل و شرك و خرافات «يهود ساخته» شود . ان شاء الله . هم چنين بر همه بنيان انديشان است كه حاصل كار و بيلان يكساله خود را در ترازوي سنجش وجدان گذاشته ، و احساس مسئوليت نشر اين حقايق را بر خود دو چندان نمايند تا در روز حساب و در بارگاه باري تعالي ، از كم كاري خود خجل نشوند . »

نویسنده: فرنگیس

سه شنبه 19 آذر1387 ساعت: 19:42

سلام خانم هنگامه حالا در هر خانواده آشنا با فرهنگ و کتاب به شکلهای مختلف درباره نوشته های استاد بحث میشود و هر یادداشت جدید ایشان چند روزی مورد تجزیه و تحلیل قرار میگیرد. باور نمیکنید که اگر بگویم پذیرایی از میهمان در خانه ما از ابتدا با نمایش تختگاه هیچ کس شروع میشود. در این معرکه دروغ بافی که سراسر دنیا را گرفته باید صدا و نتیجه زحمات استادانه ایشان را به همه جا رساند.

نویسنده: عدنان

سه شنبه 19 آذر1387 ساعت: 20:7

عید بزرگ اسلام بر شما و دوستان مبارک باد
انشالله به زیارت خانه خدا مشرف شوید

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 19 آذر1387 ساعت: 20:24

آقای مارلیک. عیدی این روز، معمولا مقداری گوشت قربانی است که بر عهده ی من خانه ی خدا ندیده، نیست.

خانم نسرین. این مطالب چندان جدی به نظر نمی رسد و مستندات ندارد.

آقای آیدین یاشار. کد داوینچی بازخوراندن اطلاعات موجود کلیسا در باب مسیحیت در پوشش نقد آن و تمامی آن تکرار افسانه های قدیم به زبانی نو است. مثلا هیچ تجمعی در زمان کنستانتین انجام نشده و فرزند خدا خواندن مسیح در زمان حیات پیامبر اسلام و در قرن هفتم میلادی رخ داده است. به مقالات اسلام و شمشیر رجوع کنید.

خانم هنگامه، آقای توحید و خانم فرنگیس. از مرحمت های ابرازی ممنونم. باید همگی شبانه روز علیه خیانت فرهنگی کلیسا و کنیسه به تاریخ جهان و دانایی های جعلی مسلمانان اقدام کنیم.

آقای عدنان. آرزوی هر مسلمانی حضور هرچه نزدیک تر در خانه ی خداست. هرچند ادای وظیفه ی حج، این روزها بهانه ای برای تبلیغات فرقه ای چند سویه شده است و چنان که شنیده ام متاسفانه در کنار خانه ی خدا هم نمودارهای دشمنی از اتحاد اسلامی کم تر نیست.

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ، 189، دیدار از اندونزی، 12 - 110 نظر

نویسنده: مسعود

سه شنبه 19 آذر1387 ساعت: 21:39

استاد عزیز عید مبارک مسلمین بر شما مبارک باشد.
ان شا الله صد سال دیگر بر عمر بابرکتتان افزوده شود تا در این سکوت وهم آور شرک و کفر حاکم بر ارض همچنان بشریت یک مشعل دار نور الله را برای تحویل به آیندگان در اختیار داشته باشد.

استاد در رابطه با پاسخ مبارکتان به آقای ؟ دین خدای واحد طوری تدوین شده است که اگر به هزار فرقه و دسته اش هم تقسیم کنند باز هم تسلیم شده به امر او و در این فرق دیگری را خصم تلقی نخواهد کرد و با او حس مودت میکند . نمونه های عینی اش در بمبگذاریهای اماتکن شیه و سنی عراق و پاکستان شاهد بودیم که خائنین به اسلام آفریدند و جز خفت و روسیاهی بهره ای برایشان نداشت !

آقای جامعه شناس .در پست قبل یادم رفت عرض کنم با تمام نتیجه گیریهای نهایی تان بدون هیچ جبهه گیری مغرضانه نسبت به زن یا مرد بنده موافقم.

نویسنده: سوسن

سه شنبه 19 آذر1387 ساعت: 23:31

استاد گرامی انتظار نداشته باشید که سازندگان فیلم رمز داونچی در چند سال قبل مثل شما بر اساس قرآن به نقد و بررسی تاریخ مسیحیت دست زده باشند. باید کار آنها را در ظرف زمان و مکان و دایره داناییهای خودشان ارزیابی کرد. کار شما چیز دیگری و تازه ای است.

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 20 آذر1387 ساعت: 1:25

خانم سوسن. طبیعی است از منظر داده های نو، آن فیلم را تایید نمی کنم و توجه می دهم که اوضاع فرهنگی جهان چندان تحت تاثیر آسیب های ناشی از دروغ های پیشین است که یک استاد در دانشگاه پکن نیز جاده های قدیمی و باستانی کشورش را دیواری در برابر مغولان می پندارد و استاد دیگری در آتن سکه هایی با خط و زبان و تاریخ گذاری و الفاظ و معانی یونانی را متعلق به پارتیان خراسان می گوید. اگر در تمهیدات نو، برای تایید و تجدید دروغ های گذشته از پنجره و با ماسکی بر صورت وارد می شوند، شناسایی و معرفی آن ها ضرورتر است.

آقای kaveh. پیام شما رسید. برای تعیین زمان دقیق، لطفا با تلفن 66492049 تماس بگیرید.

آقای توحید. نگران نباشید، کارها به خواست خدا رو به راه خواهد شد.

نویسنده: تلمیذ

چهارشنبه 20 آذر1387 ساعت: 10:47

با سلام خدمت استاد پورپیرار کبیر و سایر دوستان
1-نحوه گسترش اسلام در آفریقا همیش برایم سوال بوده که بحمدالله اشاراتی داشت اید.امیدوارم این موضوع بیشتر روشن شود.بعلاوه اینکه مسلمان قلب آفریقا هم به اصطلاح اهل تسنن اند و نه تشیع.حوزه گسترش تشیع فقط ایران است و جنوب عراق!!!
2-یهودیان طبق توراتشان معتقد اند که از نسل ابراهیم(ع) اند و از همان ابتدا عبرانی بوده اند!!!ابراهیم-اسحق-یعقوب(اسرائیل)-بنی اسرائیل!!!
آیا ب عقل جور می آید که زبان عبری را ابراهیم یا اسحق و یا یعقوب و یا فرزندانش ابدا کرده باشند؟!!!
من فکر می کنم اگر زبان عبری یک زبان جدید نباشد،باید همان زبان به اصطلاح آرامی باشد که از خانواد زبانهای سامی است و بنی اسرائیل هم به زبان آرامی سخن می گفته اند.
3-دوستات توجه داشته باشند که طبق متن قرآن کریم بنی اسرائیل با یهودیت فرق دارد.یهودیت فرقه ای است که بعد از موسی(ع) درست کرده اند!!!

نویسنده: حسین محمدی

چهارشنبه 20 آذر1387 ساعت: 15:47

http://www.jahannews.com/fa/pages/?cid=37421

نویسنده: ؟

چهارشنبه 20 آذر1387 ساعت: 16:27

كاوشهاي باستان شناسي درجزاير سه گانه انجام مي شود
http://www.iribnews.ir/NewsRoom.aspx?ID=23678087

حرمسراي يكي از شاهان دوره قاجار+عكس
http://soti.parsaspace.com/haramsara.jpg

عکسی از صادق هدایت این عکس هنگام کشف جسد وی گرفته شده
http://i33.tinypic.com/2z592l5.gif

کشف سایت اشکانی در محوطه کهنه پاسگاه
id=49097&http://www.chn.ir/news/?section=2

وبلاگ یکی از نویسنده های هفته نامه اشپیگل(البته اگر اشتباه نکنم)

/http://aghaejaze.wordpress.com/category/%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%AE

معبد باستاني، تاريخچه حضور رومي‌ها در انگلستان را تغيير داد
http://chtn.ir/WebForms/Fa/News/NewsInfo.aspx?ID=24129

كشف بقاياي غارت شده 9 گور عصر آهن در باباجيلان لرستان
http://chtn.ir/WebForms/Fa/News/NewsInfo.aspx?ID=24086

«پستچي سه‌بار درنمي‌زند» 3 دوره تاريخ ايران را در 3 طبقه روايت مي‌كند
http://www1.farsnews.com/newstext.php?nn=8709200447

مشایی، با برخی از سران کشور های عربی در عربستان سعودی دیدار کرد(عجب آنوسی هستش این بابا. دست هر چی آنوسی را از پشت بسته)
id=29717&http://www.chn.ir/news/?section=1

شیر برنزی هرمزگان به موزه دهمین کنگره باستان شناسی نرسید
id=49108&http://www.chn.ir/news/?section=2

عيد سعيد قربان آمد و بازار داغ قرباني كردن.(گوسفند: بابا نامرد چرا با ملاطفت نمي‌بري منو؟! مگه مسابقه طناب‌كشيه؟)
http://tabnak.ir/files/fa/news/1387/9/20/21264_894.jpg

كتك خوردن 2 كيف قاپ از دختر كاراته‌باز(عجب!)
http://tabnak.ir/pages/?cid=28665

تكرار توهين به قبرهاي مسلمانان در فرانسه
http://tabnak.ir/pages/?cid=28633

عاملان 11 سپتامبر اعتراف مي‌كنند
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=59187

نویسنده: توحید

چهارشنبه 20 آذر1387 ساعت: 13:12

آقای تلمیذ . با سلام

به زودی اطلاعاتی درباره زبان عبری ارائه می دهم شاید پاسخ تعدادی از سوالات شما را بدهد .

نویسنده: حاجی زاده 1

چهارشنبه 20 آذر1387 ساعت: 16:53

با سلام
همواره شناخت انسان و طبیعت انسان از منظر علوم اجتماعی و علوم انسانی صورت گرفته و آنچه در این میان نسبتا مهجور مانده است "علوم زیستی" می باشد، در حالیکه هم اینک یافته های جدید حاکی از آن است که وارد شدن به مقوله ی انسان شناسی از باب علوم زیستی ،محققین و پژوهشگران را به نتایج واقعی تر و قابل پذیرش تری رهنمون خواهد کرد.
از ابتدای دهه ی سوم قرن نوزدهم پیشرفت هایی در زمینه ی ژنتیک، زیست شناسی، جمعیت و اصلاحاتی در نظریه تکاملی داروین از سوی افرادی همچون مایر، آیالا، و فیشر صورت گرفت که پیش زمینه ی ظهور شاخه ی جدیدی از علم به نام "سوسیوبیولوژی"(زیست شناسی جمعیتی) توسط ادوارد ویلسون، را فراهم نمود.
سوسیوبیولوژی و یا بعبارتی مطالعة سیستماتیک بنیان‌های زیستی در مورد همه ی رفتارهای اجتماعی، حوزة جدیدی از علم است که دربردارنده ی یافته‌های علوم اجتماعی، زیست‌شناسی و علوم انسانی بوده و دیدگاه‌های بین‌رشته‌ای و جامعی از حقیقت رفتارهای جانوران از جمله انسان ارائه می‌دهد و به انسان در همان چارچوبهای نظری و روش‌شناختی می پردازد که در مورد سایر جانوران به کار رفته‌است،از لحاظ نظری مسأله ی اساسی این علم پرسش درباره ی رفتارهایی است که ظاهراً با اصول انتخاب طبیعی در تعارض هستند، برای مثال چگونه رفتارهایی از قبیل فداکاری تداوم و توسعه می‌یابند، ویلسون مدعیست که بسیاری از رفتارهای انسان مبنایی "ژنتیکی" دارند، وی پیشنهاد کرد که بسیاری از فعالیت‌های انسانی از اقتصاد گرفته تا اخلاق، باید موقتا از دست متخصصان حاکم بر این رشته‌ها خارج شده و به زیست‌شناسان سپرده شود تا بنیاد تکاملی مناسبی برای آنها پیدا کنند.

نویسنده: حاجی زاده 2

چهارشنبه 20 آذر1387 ساعت: 16:54

او با بی‌اهمیت دانستن يك قرن كار فيلسوفان اخلاق، نوشت: «اتفاق حيرت‌انگيزی است كه بررسی اخلاق از قرن نوزدهم تاكنون پيشرفت چندانی نداشته است.»
به عقيده او، اخلاق و دين، ويژگی‌هايی هستند كه بر پايه انتخاب گروهی شكل گرفته‌اند.
از آنجا که سوسیوبیولوژی به جوامع، نوع رفتار و شیوه معیشتی و زیر ساخت های آن رفتارها و اثراتی که شیوه های یاد شده در افراد داشته اند به مطالعات دقیق و نظام مند پرداخته، سیطره علوم زیست شناسی را در سال های اخیر گسترش فراوان داده تا جایی که تاثیر آن بر دیگر علوم غیر قابل انکاراست. این پیشرفت ها در علوم ژنتیکی نقش حساس و تعیین کننده ی ژن ها در کنترل اعضا یک پیکره از موجودات تک سلولی گرفته تا بزرگ ترین آن ها انسان و ارتباط عضوها و شکل گیری رفتارها و نوع زیست، جمعیت و محیط از اهمیت و اعتباری فوق العاده در چند دهه ی اخیر برخوردار می باشد، همینطور تاثیر ابزاری آن در دیگر علوم به ویژه زیست شناسی، جامعه شناسی، اقتصاد و پزشکی که به شناخت دقیق تر انسان و موجودات و اجزا تشکیل دهنده آن منجر شده، مورد توجه بسیاری از دانشمندان علوم نظری و تجربی در همه ی عرصه های علمی در عصر حاضر قرار گرفته است.
دكتر ويلسون می‌گويد:به اعتقاد من هركسی كه روی حشرات اجتماعی كار می‌كند، در اعماق قلب‌اش از اين واقعيت آگاه است كه انتخابی كه آنها را پديد آورده انتخاب چندسطحی است.بسياری از زيست‌شناسان تكاملی از طريق آثاری همچون «ژن خودخواه» ريچارد داوكينز متقاعد شده‌اند كه ژن تنها سطحی است كه انتخاب طبيعی در آن عمل می‌كند. دكتر ويلسون كه به خاطر داده‌های جديد درباره ژنتيك كلنی‌های مورچه تغيير عقيده داده، اكنون معتقد است كه انتخاب طبيعی در سطوح بسيار ازجمله در سطح يك گروه اجتماعی عمل می‌كند. از نظر دكتر ويلسون از طريق انتخاب چندسطحی يا در سطح گروه ـ ترجيح بقای يك گروه از جانداران به گروه ديگر ـ است كه تكامل بسياری از ژن‌های ضروری را به وجود آورده كه به ضرر فرد و به نفع گروه عمل می‌كنند. اين ژن‌ها در انسان ممكن است شامل آنهايی باشند كه زيربنای بخشندگی، قيدهای اخلاقی و حتی رفتار دينی را تشكيل می‌دهند.

نویسنده: حاجی زاده 3

چهارشنبه 20 آذر1387 ساعت: 16:55

در اين ديدگاه كه انتخاب طبيعی تنها رفتارهايی را ترجيح می‌دهد كه به فرد كمك می‌كنند باقی بماند و فرزندان بيشتری از خود برجای بگذارد، توجيه وجود چنين ويژگی‌هايی دشوار است.
از آنجا ئیکه تمایل همیشگی مردم شناسان و جامعه شناسان از دیرباز تاکنون یا حداقل تا پیدایش نظریه ی جدید به مرزبندی بین انسان و حیوان اختصاص داشته است و صفاتی همچون تکلم، تفکر،اخلاق، زبان و حرکات نمادین را شاخصه های برتر این مرزبندی و جز صفات عالی انسان و وجه تمایز آن با دیگر جانداران می دانستند، اما همانگونه که گفته شد با پیشرفت علوم زیست شناسی وجمعیت برمحوریت ژن ها و تجربیات و تحقیقات ژرف و دقیق تری که در دهه های اخیر صورت گرفت بسیاری از این خصوصیات وجه مشترک بین تمامی و یا گروه هایی از جانوران با انسان اطلاق شد، بنابراین زیست شناسان بسیاری بر این عقیده متحد شده که انسان یک گونه ای درمیان دیگر انواع می باشد، اگر چه او گونه ای متکامل است ولی می شود با همان متدولوژی که جانوران دیگر را مطالعه می نمایند انسان را هم مطالعه کرد. هرچند ویلسون سوسیوبیولوژی را پیش بینی سازمان اجتماعی یک جمعیت مشخص می داند، او برای دستیابی به این سوسیوبیولوژی، به تحلیل رفتار اجتماعی یک گروه از جانداران در مقایسه با گروه دیگر می پردازد که در این تحلیل، او هر دو گروه را با یک متودولوژی و مجموعه ای از پارامترهای یکسان بررسی نمود و نتیجه کار را وجوه مشترکی بین آن ها دانسته که در حقیقت کلید " تلفیق نوین " وی به حساب می آید. هرچند این وجوه مشترک بسیارند ولی مهم ترین آن همانگونه که ذکر شد، نقش های اجتماعی خاص افراد گروه بوده که در آن ها سازمان اجتماعی در سیر تکاملی خود با یک جهش پیشرفته به بعضی مبانی که قبلا آن را خصوصیات خاص بشر می دانستند می باشد. ویلسون با تکیه بر این نکات مشترک و از بعد مطالعاتی که مبتنی بر تفکرات نوین داروینی می باشند، تئوری جنجال آفرین خود را مبنی بر اینکه انسان به عنوان یک فرد در روند تکامل به چیزی نمی ارزد به تالیف مبانی علمی خود پرداخته و انسان را صرفا حامل مجموعه ای از ژن دانست که او تنها ژن های خود را به پیش می برد،

نویسنده: حاجی زاده 4

چهارشنبه 20 آذر1387 ساعت: 16:58

و این تعریف از سوسیوبیولوژی به عنوان سنتز جدیدی از علم ژنتیک (در حقیقت سنتز جدید از نظریه داروین) و مطالعه جدید انسان و زیر ساخت های اجتماعی او گردیده و امیدوار است از این طریق جامعه شناسی وارد بحث های داروینی گردیده و اصلاحات عمیق در آن صورت گیرد.
از طرفی چون سوسیوبیولوژی در گذار تحقیقی و تجربیات علمی خود بر روی جانوران و رفتارهای طبیعی و غریزی آنان ناگزیر از اثبات شیوه هایی از کردارهای اخلاق گونه گردید که تا قبل آن ها را صرفا منتسب به انسان به عنوان یک موجود متکامل می دانستند، بنابراین ویلسون و دانشمندان هم عقیده او با رویکردی ژنتیکی و در حقیقت بیولوژیکی به مقوله هایی چون تفکر، اخلاق، زبان و بیان پرداخته و با آزمایش های علمی و تجربی طولانی در میان گونه های بسیاری از جانوران سعی در

اثبات آن ها و تعمیم آن به کل جانوران با ضعف و قوت نسبی داشته است. از این رو، سوسیوبیولوژی به یک اخلاق و رفتار کلی دست یافته که آن را متاثر از سازمان اجتماعی هر گروه در سیر تکاملی آن ها در طول تاریخ و در پهنه جغرافیا، با جهشی پیشرفته بیان می کند و میزان ضعف و قوت این پدیده ها در بعضی انواع نسبت به نوع دیگر را در همین پروسه قرار داده است.
برای مثال فداکاری و همکاری اعضا در نتیجه همین نوع زیست جمعیت ها و گروه ها و برآورد نیاز آن ها است که بتدریج بوجود آمده و بر میزان آن افزوده شده است.از این رو سوسیوبیولوژی در سیر تحقیقی به اکثر خصوصیاتی که وجه تمایز انسان با دیگر جانوران می باشد پاسخ هایی نسبتا علمی و مبتنی بر مشاهدات تحقیقی بر روی تنوعی از آن ها ارائه داده است

نویسنده: حاجی زاده 5

چهارشنبه 20 آذر1387 ساعت: 16:58

ژن خودخواه: در تعریف ژن‌ها به صورت خودخواه، منظور نویسنده(داوکینز) اینست که ژن‌هایی که منتقل می‌شوند، آنهایی هستند که پیامدشان به طور ضمنی باعث بقایشان هم می‌شود؛ البته نه برای خود جاندار، بلکه در پایین‌ترین سطح ممکن - یعنی در سطح ژن.این نگرش نیکوکاری در سطح جانداران در طبیعت را توضیح می‌دهد، به ویژه در ارتباط‌های خویشاوندی (یعنی زمانیکه یک جاندار جان خودش را برای حفاظت از خانواده فدا می‌کند، در واقع دارد به نفع ژن‌های خودش کار می‌کند).داوکینز جانداران زیستی را وسیله نقلیه می‌داند، که در آن ژن‌ها نقش رونوشت‌بردار را دارند تا جانداران بیشتری شبیه خودشان چنان بسازند که بتوانند از منابعی استفاده کنند تا بتوانند خودشان را کپی کنند.از نقطه نظر جاندار منفرد، ژن‌ها می‌توانند نوعی برنامه محسوب شوند که شاید به جاندار فایده رسانند؛ ولی از نقطه نظر ژن تنها هدف واضح سود خودشان است.
تا نظر استاد گرامی و دوستان محترم چه باشد.

نویسنده: توحید

چهارشنبه 20 آذر1387 ساعت: 13:44

مولانا شيعه بوده يا سني ؟
http://tiq.blogfa.com/
اطلاعاتي در باره كاغذ

http://fa.wikipedia.org/wiki/%DA%A9%D8%A7%D8%BA%D8%B0

اطلاعاتي درباره كتاب و تاريخ آن

http://fa.wikipedia.org/wiki/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8

آشنايي باچاپ سنگي

http://74.125.77.132/search?q=cache:KKm8VL_7fm8J:fa.wikipedia.org/wiki/%DA%86%D8%A7%D9%BE_%D8%B3%D9%86%DA%AF%DB%8C+%22%DA%86%D8%A7%D9%BE+%D8%B3%D9%86%DA%AF%D9%8A%22&hl=fa&ct=clnk&cd=10

نویسنده: حسین ک

چهارشنبه 20 آذر1387 ساعت: 19:20

با سلام خدمت استاد مسلم آقای پورپیرار
جواب شما رادریافت کردم آن مطالب راحتماخواهم خواند
جناب استاد اگرممکن است آدرس تحقیق خودرابر ریشه کلمه آکادمی راکه فکر کنم دریکی ازکتابها یا مطالب وبلاگی به آن اشاره مبسوطی داشته وازلحاظ واژه شناسی آن رابحث گذارده اید برایم بنویسید که شدیدا بدان محتاجم البته ناگفته نماند که جستجوی ما بی فایده بود والا مزاحم وقت گرانبهای شما نمیشدم

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 20 آذر1387 ساعت: 19:40

فریبا خانم. مجموعه ی یادداشت فاضلانه ی شما به نظر یک مقدمه آمد که با بحث طبیعت و تربیت ارتباط مستقیمی نداشت. در واقع پیشینه ی موضوع در زمینه "فطرت" و "فراگیری" می گذشت و جست و جوی نظر قرآن در باب هر یک از آن

ها. با این همه نوشته ای سودمند بود.

آقای حسین ک. به آخرین مقاله در جلد سوم "پلی برگذشته" رجوع کنید.

آقای؟. زحمت مفصلی کشیده اید. ممنون.

نویسنده: صمیمی

چهارشنبه 20 آذر1387 ساعت: 20:37

اینو ببین:
چه خبره؟؟؟؟
http://www.radiofarda.com/Article/2008/12/10/F8_H
http://ariobarzan.blogfa.com/

اینم برای خنده.
http://ariobarzan.blogfa.com/post-75.aspx

نویسنده: حاجی زاده

چهارشنبه 20 آذر1387 ساعت: 21:6

با سلام مجدد
حداقل نتیجه ی این یادداشتهای مقدماتی،نفی این عقیده ی رایج است که ضمیر انسان را در بدو تولد مانند لوحی سفید می پندارند، در حالی که هر کودک با ویژگیهای فکری، رفتاری و اخلاقی و نیز تواناییها و استعدادهای ویژه بدنیا می آید که بواسطه ی ژنهایش معین میشود و در نهایت ویژگیهایی در جامعه بشری ماندگار است که به سود دوام و حیات این جامعه باشد، مثل فداکاری، تلاش، نیکی، همکاری و... بدین معنا که انسانها محتاج تربیت برای کسب این ویژگیها نیستند، بلکه بواسطه ی نیازشان برای ادامه ی حیات سالم و مترقی، مجبور به حفظ و تقویت این بخش از خصائل ذاتی، و حذف و فاکتور گیری از خصوصیاتی هستند که این حیات را تهدید کند.

نویسنده: جامعه شناس

چهارشنبه 20 آذر1387 ساعت: 23:55

(1)

سلام خانم حاجی زاده
دو مطلب برای بیان دارم :
1) اصل توحید ، اصل واحد کل کائنات : چنانچه مستحضرید در قرآن خداوند بیش از هرچیز بر توحید پای می فشرد تا جائیکه تنها گناه نابخشودنی را شرک و نه حتی کفر قلمداد می کند ! آیا به این اندیشیده اید که فلسفهٔ این وسواس چیست ؟ آیا اندیشیده اید چرا اصرار دارد که زاده نشده و نمی زاید و ... ؟ حقیقت این است که هر جا می نگرم و سر در کل و جزء هر ماهیتی می برم ، جز توحید نمی بینم . توحیدی که به کثرت می رسد و باز به وحدت بر می گردد ! یعنی چه ؟ مثالی می زنم : یک آهنگساز قطعه ای می سازد . این قطعه ممکن است چند ساعت امتداد داشته باشد و از هزاران نت (کثرت) تشکیل گشته باشد ، اما در ذهن خود آهنگساز تنها یک ایده و جرقه (وحدت) بوده که در زمان تأویل یافتن به کثرت رسیده است . جالب آنکه شما هم وقتی آن چند هزار نت را می شنوید باز از یک کل واحد (وحدت) در هیبت نام آن قطعه یاد می کنید . این مقدمه را گفتم تا به این نتیجه برسم که جهان بینی توحیدی نداشتن ، دانشمندان جهان را به کوبیدن آب در هاون کشانده است . یکی می گوید تنها فلان عامل باعث پدید آمدن فلان واکنش است . دیگری می گوید نه ، شما اشتباه می کنید ! بهمان عامل ، علت است و الخ ، حال آنکه همهٔ این عوامل یک کل تأثیرگذار را می سازند (وحدت) که علت روی دادن معلولی است . مثلا کسی می گوید علت اعتیاد ، دوست بد است . دیگری می گوید خانواده است . آن یکی وسط می پرد و می گوید نازل بودن سواد است و ... ، حال آنکه همهٔ اینها تکثر یافته ها یا « کثرت » یافته های یک کل واحد هستند و نگاه جزئی نگر به هر کدامشان بیراهه است و عالم دارای جهان بینی توحیدی نگاه به تک تک این کثرت ها نمی اندازد و با نگاهی جزمی ، بر یکی به تنهائی پای نمی فشرد ، بلکه به وحدت کل باز می گردد و همهٔ آنها را در چهارچوب یک پیکرهٔ واحد علل می بیند که آن علت واحد ، به تکثر رسیده است .

نویسنده: جامعه شناس

چهارشنبه 20 آذر1387 ساعت: 23:56

(2)

اینک مقصودم این است که دعوای این آقایان اخلاقی و جامعه شناس و زیست شناس بر سر ماهیت تأثیرگذاری یک علت جزء بر ماهیت انسان بیهوده است و حقیقتاً وجود واحد آدمی را مجموعۀ تکثر یافته ای از عواملی مانند محیط یا جامعه ، عوامل ژنتیکی ، عوامل جغرافیائی ، عوامل تربیتی و ... می سازد و برجسته کردن یکی بدون توجه به عوامل دیگر که کار دانشمندان غربی است ، از وجاهت متدلوژی لازم برخوردار نیست و نگاهی می خواهد کل نگر و وحدت گرا که آن تکثرات را در قالب یک کل واحد مورد ارزیابی قرار دهد . در همین رابطه تدقیق در دستورات شرایع سه دین آسمانی نیز بسی سودمند است که مثلا شما در قرآن ، دستوراتی مطابق با جغرافیای خاورمیانه می یابید یا ترسیماتی مطابق میل مردم این منطقه مثلا از بهشت ، که در آن سرسبزی و خرمی هست و جوی روان است و ... مشاهده می کنید ، ترسیماتی که به همان اندازه که برای مردم خاورمیانه جذاب است ، مثلا برای یک آمازونی یا آلاسکائی حلاوت ندارد ؛ بحثی که با اشارتی مکفی در اوائل کتاب هخامنشیان استاد هم در جریان است .

نویسنده: جامعه شناس

چهارشنبه 20 آذر1387 ساعت: 23:56

(3 ، آخر)

2) از عوامل ژنتیکی و اینکه کودک مانند یک لوح نانوشته به دنیا نمی آید گفته اید . حقیقت این است که واقعا با مقایسۀ کودکان نیز به همین مسأله می رسیم که سرشت واحدی ندارند و مثلا یکی در همان کودکی آنچنان پخته است که دیگری نیست و ... ، اما می خواهم بدانم نظر شما در رابطه با « تناسخ » چیست ؟ مثلا اگر کسی بگوید آنکه از بچگی پخته است یا حتی مثلا در 5 سالگی با نمونۀ موتزارت و خیلی های دیگر ، حرفه ای ساز می نوازد ، پختگی یا هنر خود از حیات های قبلی اش یادبود دارد ، چه نظری ارائه خواهید کرد ؟
این بحث « تناسخ » ، بحث بی اندازه دامنه دار ، با طیف های گستردۀ مخالف و موافق است که به گمانم می ارزد دیگر دوستان هم هیمه ای در زیر دیگ آن بگذارند . با تشکر از جناب پورپیرار بابت اعطای رخصت .

نویسنده: آتین

چهارشنبه 20 آذر1387 ساعت: 23:58

آقای پورپیرار به این نگاه کنید. چه احمق هایی پیدا می شود. http://zulqarnain.persianblog.ir/

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 21 آذر1387 ساعت: 0:5

فریبا خانم. آن گاه چه عاملی این ویژگی های ژنتیک موجد فداکاری، تلاش، نیکی و همکاری را به عکس آن تبدیل می کند: تربیت و فراگیری؟! سپس این پرسش پدیدار می شود که مگر مربیان منحرف بدون آن ژن نیکی متولد می شوند؟! وانگهی مگر این ژن پاکی نمی تواند همان فطرت آدمی باشد که باید از آسیب های تربیتی دور نگه داشته شود؟!

آقای صمیمی. در لینک رادیو فردا مشکلی هست که باز نمی شود. آن آقا هم نه به جواب دم دستی، که به دم پایی برای کوبیدن بر مغز سرش محتاج بود!

آقای آتین. حالا مدتی است چنین بوزینه های معلق زنی نه فقط در معابد هندوبیستی که در کنیسه ها هم یافت می شوند.

نویسنده: آلتین

پنجشنبه 21 آذر1387 ساعت: 0:9

آقای پورپیرار ، با برخورد با چند کافر (پدید آورنده پوریم) در ترکیه بنده دیدم که اینها پخمه تر از این حرف ها هستند. آخر چگونه می توان این کار ها از دست این ها برآید؟؟؟
این ها از ما هم متعصب تر هستند.

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

پنجشنبه 21 آذر1387 ساعت: 0:16

با سلام.
آقای صمیمی, ممنون از لینکتون.
بسیار خندیدم. اما به نظر من کار این بیچاره ها از جوک گفتن گذشته و وارد وادی جنون شده اند. جالب اینجاست که دهن خودشون از آشی که پختن سوخته وقتی که توی بخش نظرات وبلاگ شخصی گفته بود:
با درود فراوان به دوست گرامی ام.من فکر نکنم که چنین باشد.به نظر من این شخص می خواهد دین زرتشت پاک را بگونه ای به دین اسلام مربوط سازد.
آقا دیگه نمیدونم چی بگم؟؟؟!!!!

نویسنده: آلتین

پنجشنبه 21 آذر1387 ساعت: 0:18

آقای پورپیرار لطفا چاره را بگویید. یک انسان که هیچ چیز از علم باستان شناسی نمی داند باید بفهمد که این تخت جمشید مال بابلیان یا آشوریان هست. این دنیا جایگاه موقتی انسان هاس، من نمی دانم چرا برخی این گونه می خواهند بر دیگران حکومت و تاریخ آن ها را جعل کنند. (در مورد این هم جوابی بدهید ممنون می شوم) شما آن قدر درباره اندونزی خوب گفتید که ما را جو اندونزی گرفت.

نویسنده: آدم/حوا

پنجشنبه 21 آذر1387 ساعت: 11:53

مطالبتون خیلی عالیه... دست به نوشتنون حرف نداره
فقط کمی خلاصه تر کنید...
موفق باشید.

وب سایت

نویسنده: hatef

پنجشنبه 21 آذر1387 ساعت: 11:56

Dear Nima
.participating I wrote my comment in English to prevent other's
.So I want this discussion to be man to man
some questions just I sent my comment to Mr Pourpirar (The Great Genius) privately because I had Know at first ?for my self
slander that your sciences named "Antisemitism". However It will be Not criticizing jews to make a new mark and .Then Honor for me
!Dear My brother- Dr Nima- a great Psychologist
shameful history of move to Israel, Stay in Synagogue Pray for Holocaust victims and wash the You don't need to like many others. From Chris Deberg to George W humanity with your tears then achieve the honorary doctorate .Bush
His supporters to theory didn't state the female baby it is its flaw and none of my business. As Dr Nima If Freud's her father and some pro-Freud shamelessly cover this puncture say u can see the female baby tending to support this theory.But you and other Iranian Psychologists make explained and made lesbianism to .play to support this theory commentaries
:Now Listen to my words
Our not a sex as West (Freud and us) nor Love (eshgh) as East (Molavi and Hafiz and Motherly affection is .and other things planned in nature fathers) think. But it is a natural need for a baby to get food and kindness
sex feeling to his mother But toward his/her spouse. This is notified in Naturally u can not find anyone that has :Quran to men Holy
مَّا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّن قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ اللَّائِي تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ (احزاب-4-
(مجادله-2-الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنكُم مِّن نِّسَائِهِم مَّا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنكَرًا مِّنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ)

نویسنده: ?

پنجشنبه 21 آذر1387 ساعت: 14:49

عکس:جانثار احمدي نژاد!(عجب!)
NID=7605&http://www.arasnews.com/default.aspx?cmd=news

اطاعت از فرمان الهی از کودکی (کودک محجبه در اروپا)
http://www.shia-news.com/files/fa/news/1387/9/10/477_711.jpg

توهین به ادیان الهی با نام مقدس عیسی مسیح !(هشدار به دوستان)
http://www.shia-news.com/fa/pages/?cid=11278

نزاع در مطبوعات انگلیس بر سر قرآن
http://www.shia-news.com/fa/pages/?cid=11322

مردي خطرناک‌تر از بن‌لادن!
NID=7696&http://www.arasnews.com/default.aspx?cmd=news

چشم دولتی ها روشن: «دریای عربی» در روزنامه ای با پول ایرانی ها! (+ عکس)
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=59215

رابطه زنگ تلفن همراه با شخصیت افراد
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=59270

خشم ایرانیان از اقدام مسئولان فرودگاه باکو
http://tabnak.ir/pages/?cid=27866

محمد البرادعي و همسرش آيدا و دخترش ليلا
NID=7724&http://www.arasnews.com/default.aspx?cmd=news

متاسفانه امروز سرعت اینترنتم به کلی افت کرده بود تا page باز می کرد کلی طول می کشید.در ضمن خبری به آن صورت که خیلی داغ باشد نبود

نویسنده: سرباز 1

پنجشنبه 21 آذر1387 ساعت: 15:0

جناب جامعه شناس
با سلام

1. از زمانی که دور جدید بحثهای خود راجع به جایگاه زنان در قرآن را شروع کردید، ترجیح دادم که نظری ندهم و فقط مثل یک خواننده ی بی طرف از مباحثات شما و دوستان استفاده کنم. ادعاهای شماره 1 تا 4 را مطرح نمودید که با آنها مخالفتی ندارم، ولی یادآوری کنم که طبق فرمایش استاد لفظ «آدم» به دو صورت در قرآن بکار رفته است: نام یک شخص خاص و همچنین اطلاقی عمومی به گروهی از مخلوقات.
و نیز هر چند که در مورد اوضاع نهایی زندگی بشر در بهشت با شما توافق نظر ندارم، اما فعلا" سکوت می کنم تا ان شاء الله فرصتی مناسبتر. به هر حال امیدوارم آشتی مرا پذیرا باشید.

2. با عقیده ی شما تحت عنوان «اصل توحید، اصل واحد کل کائنات» کاملا" موافقم. یکی از بزرگترین مصیبت هایی که معیارهای آکادمیک غرب برای تفکر امروز دنیا به وجود آورده اند، کنار گذاشتن وحدت است؛ به این ترتیب که حقیقت واحد ولی پیچیده ای را آنچنان به انبوهی از تئوری های ساده لوحانه تکه تکه کرده اند که جمع و جور کردن آنها خود مصیبت دیگریست. یکی از نمودهای واضح این بیماری، علم فیزیک است. به اعتقاد بسیاری از فیزیکدانان نظری، فیزیک امروز مانند یک مغز دوپاره است؛ یعنی مغزی که جسم پینه ای آن که پل ارتباطی دو نیمکره است قطع شده، و هر نیمه مستقل از نیمه ی دیگر عمل می کند: یکی کوانتومی و دیگری با نسبیت عام. تمام تلاش فیزیکدانان نظری امروز در یافتن نظریه ای که آن را «نظریه ی همه چیز» می نامند، برای وحدت میان این دو نیمکره و یافتن توصیفی برای «گرانش کوانتومی» است. اما دریغ! در سال 2005 که مقارن بود با یکصدمین سالگرد ارائه ی چهار مقاله ی انقلابی توسط اینشتین (دو مقاله راجع به حرکت براونی، یکی توصیف ماهیت ذره ای نور یعنی فوتون، و یکی هم نسبیت خاص)، خبری در سایت یاهو منتشر شد به این مضمون که جهان انتظار یک اینشتین دوم را می کشد تا بیاید و نسبیت عام و مکانیک کوانتوم را متحد کند، اما قبل از آن می بایست ریاضیات جدیدی ابداع شود که مشکلات ریاضیات سنتی را که امروزه فیزیکدانان با آنها دست به گریبانند نداشته

باشد و بتواند از عهده ی توصیف پیچیدگی ها برآید. فیزیکدان معلول معروف «استفن هاوکینگ» هم در مصاحبه ای در سال 2000 گفته است که به اعتقاد او، قرن بیست و یکم قرن پیچیدگی است.

نویسنده: سرباز 2

پنجشنبه 21 آذر1387 ساعت: 15:4

یا در مثال دیگری در سال 2002، روکو و دیگران از طرف «بنیاد ملی علوم آمریکا» مقاله ای چهارصد صفحه ای راجع به همگرایی تکنولوژیهای جدید تحت عنوان ترکیب نانوتکنولوژی-بیوتکنولوژی-آی تی-علوم شناختی منتشر کرده و اذعان کردند که به علت ماهیت شدیدا" بین رشته ای و ادغام شونده ی این تکنولوژیها، ما به آستانه ی یک رنسانس دوم رسیده ایم. در رنسانس اول یک نفر یک روز نقاش بود، فردا ریاضیدان و روز دیگر هم مخترع می شد. با گذشت زمان و باریکتر شدن تخصصها، هر کسی فقط در یک زمینه ی محدود متخصص شد و از کار دیگران سر در نیاورد. اما امروزه و در این حوزه های نو، به علت پیچیدگی فوق العاده و ماهیت بین رشته ای، لازم است که تیمی از متخصصان رشته های مختلف با یکدیگر همکاری کنند تا از عهده ی حل یک مسئله ی واحد برآیند.

3. در عین حال و به عنوان ماهی هایی از آب گل آلود گرفته، دو آسیب بزرگ نیز بر پیکره ی معرفت بشری در خلال رشد علم وارد آمده است: یکی آسیب علوم انسانی که معرف حضور همه است و علت اصلی آن این است که تئوریهای علوم پایه (ریاضیات، کامپیوتر، فیزیک، شیمی و زیست شناسی) هنوز قادر به در بر گرفتن حوزه های پیچیده ی زندگی بشری نشده بوده اند و در نتیجه جاعلین، دروغها و مهملهای خود را به راحتی در آنها جاسازی کرده اند. از جمله ی آن مهملات، همین توصیف ساده لوحانه ی رفتارهای انسانی با تکیه بر یک عامل و رها کردن عوامل دیگر است که جنابعالی هم بدان اشاره کرده اید. و نیز این مطلب عجین است با سانسور فاکتها و وعده های دینی مثل زندگی اخروی.

نویسنده: سرباز 3

پنجشنبه 21 آذر1387 ساعت: 15:7

دومین آسیب، عبارت است از اینکه منافع اقتصادی و سیاسی کمپانی ها و دانشگاهها (که می دانیم همگی تحت نفوذ یهود اداره می شوند)، چنان که بسیاری در سراسر جهان بدان معترفند از تلاشهای سالم نظری و عملی در جهت وحدت علوم و فنون جلوگیری کرده و آنها را بر میل خود هدایت می کنند. چه تعداد دانشمند و مخترع در گوشه کنار دنیا هستند که به آنها اجازه ی مطرح کردن اکتشافات و اختراعاتشان داده نمی شود. چه بسیار علومی که یهودیان در پشت پرده از آنها مطلعند ولی برای دیگران از آنها جز سایه هایی وهم آلود و دکانهایی برای چاپیده شدن نصیب نمی رسد. مثلا" اگر پذیرفته شود که طب سنتی انرژی درمانی چینی (کی-گونگ) روش مؤثری برای درمان انواع بیماریهای لاعلاج بدون استفاده از دارو فراهم می کند (مطلبی که در تعداد زیادی که آزمایشات محققین پراکنده و در حاشیه به اثبات رسیده و مقالاتی هم از آنها چاپ شده)، آنگاه تکلیف جیب رؤسای کمپانیهای داروسازی چه می شود؟!! اگر بر طبق تحقیقات برخی بتوان از خلأ کوانتومی انرژی بیکران تولید کرد، آنگاه چه کسی نان غولهای نفتی دنیا را بدهد؟!! جالب است در این زمینه به «یوری گلر» یهودی اشاره کنم که مشهور است با تمرکز قاشق خم می کند. کاری به راست و دورغش ندارم، فقط جالبیش در این است که سالها پیش در سایت رسمی او، کلیپی تصویری دیدم که در توضیح آن نوشته بود: «95% بچه ها در جشن پوریم در اسرائیل دوست دارند که نقش یوری گلر را بازی کنند»!! یهودیان از تمام این علوم غریبه خبر دارند، ولی دیگران را از تحصیل رسمی و آکادمیک آنها منع می کنند. همین مسئله خود به تنهایی، در کنار سایر مضراتش، مانع بزرگ دیگری در راه شناخت پیچیدگی های خلقت بشر ایجاد می کند.

نویسنده: سرباز 4

پنجشنبه 21 آذر1387 ساعت: 15:9

4. در مورد تناسخ، معتقدم که این مفهوم زاییده ی تفکرهای بودیستی و شبه بودیستی است؛ و معتقدم که تفکر اسلامی چنین چیزی را نمی پذیرد، زیرا به معاد و زندگی جاودانه ی اخروی ایمان دارد. خداوند متعال در قرآن در توصیف مجرمانی که در قیامت نتایج اعمال خود و عذاب جهنم را مشاهده کرده و طلب بازگشت به دنیا می کنند، می فرماید که اگر اینان به دنیا بازگردانده شوند باز هم کجروی های خود را تکرار می کنند و همان یکبار زندگی برای آزمایش آنان کافی بوده است. از طرف دیگر، در توصیف بهشتیان می فرماید که آنها طعم مرگ را جز همان مرگ اولی نمی چشند. بدین ترتیب قانع می شویم که از دیدگاه قرآن، یک بار زندگی در دنیا برای آزمایش انسان و تعیین تکلیف ابدی او کافیست. کسانی به تناسخ می اندیشند که در عوض آخرتی که در قرآن بر آن تأکید شده، هستی را تا ابدالدهر بصورت چرخه ای دائم از مرگ و زندگی های موقت دنیوی می بینند و در ذهن کم ظرفیتشان طاقت اندیشیدن به یک زندگی ابدی و بدون مرگ نیست. این را هم اضافه کنم که برای توضیح جرقه های هوش و پختگی دوران کودکی برخی مثل موتزارت، هیچ احتیاجی به توسل به مفهوم تناسخ نیست. اولا" این روایتها مانند تاریخ خودمان از زیر دستان یهودیان رد شده و به ما رسیده اند؛ در صحت و سقم آنها هیچ تضمینی وجود ندارد و نیازمند مطالعه ی بنیان شناسانه ی مجدد هستند. ثانیا" بر فرض که واقعیت هم داشته باشند، وقوع آنها می تواند معلول مکانیسمهای معینی باشد که هیچ ربطی به تناسخ ندارند: هوش و ذکاوت در جمعبندی تجربیات اندک دوران کودکی، انتقال غیرعادی اطلاعات مانند آنچه در رویاهای صادقه رخ می دهد، و حتی معجزه ی الهی مانند آنچه بر پیامبری

مانند عیسی در گهواره گذشته است.
پس تناسخ را رها کنیم و به آخرت بچسبیم.

نویسنده: حسین ک

پنجشنبه 21 آذر1387 ساعت: 15:32

با سلام خدمت استاد معزز جناب آقای پورپیرار
ازوقتی که صرف جوابدهی به این کمترین میکنید نهایت سپاس گذاری را دارم
مطلبی که بنده ازشما خواستم توضیحی بود که یاشما یا یکی از خوانندگان مطالب شما برای کلمه آکد آورده بود ومطابقت داده بود کلمه آکدمی را با خیلی ازکلمات یونانی با پسوند " می" که ظاهرا کاربرد پزشکی داشته اند
باتشکر

نویسنده: سوم شخص فضول!

پنجشنبه 21 آذر1387 ساعت: 15:37

آقای هاتف
ببخشید که دست و پا نشسته وارد صحبت خصوصی شما و آقای نیما می شوم! ولی به گمانم یک سو تفاهم باعث کشدار شدن بحث شما شده: آقای نیما می گوید که در نظریه ی فروید صحبت از پرورش جنسی خود طفل است و نه رابطه ی جنسی او با مادرش!!! مادر در اینجا فقط نقش یک محیط گرم و دلپذیر را برای طفل بازی میکند و نه چیزی دیگر!!! و گرنه پر واضح است که عاطفه ی مادری کاملا" غیرجنسی است!!!!!!!!!
تازه عقده ی ادیپ هم که در سن و سال بالاتر یعنی سه سالگی بوجود می آید هیچ ربطی به این بحث نداشته و داستان خودش را دارد!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!
چرا مطالب را با هم قاطی می کنید؟؟؟؟؟؟

نویسنده: مرتضی

پنجشنبه 21 آذر1387 ساعت: 16:24

سلام استاد عالیقدر امروز بر دیوار خانه ما یک آگهی برای خدمات نظافت منزل چسبانده بودند که نام بسیار با مسمایی داشت: " نظافتچیان پارسی خلاق". پیش خودم فکر کردم که احتمالا اینها بجای جارو با دسته های "برسم" خانه ها را تمیز میکنند!! عالی میشه نیست.

نویسنده: رحمانی

پنجشنبه 21 آذر1387 ساعت: 17:42

با سلام خدمت همگی

از قول یکی از دوستان گرامی :::

باكتريمي : باكتري در خون =BACTERIEMIA = bacteria in blood
ويرمي : ويروس در خون = VIREMIA = virus in blood
هايپو گلايسمي : كمبود قند در خون = HYPOGLYCEMIA = low level of glycine in blood
آنمي : كم خوني = ANEMIA (an = not) = not enough blood
اورمي : اوره در خون = UREMIA = urea in blood
اکدمی = از خون و یا نژاد اکدی = ACADEMIA !!!!!!!
ديديد ؟ خيلي جالب بود نه ؟ (emia = blood)

با تشکر فراوان

نویسنده: فرزاد

جمعه 22 آذر1387 ساعت: 2:26

سلام آقای پورپیرار

خیلی وقته سایت شما رو میخونم و این اولین مطلبیه که ذهن منو مشغول کرده
یک سوالی داشتم و اون اینکه

با توجه به اینکه اسم دولتهای اروپایی, دولت بی دین نامگذاری شده, آیا میتونیم این مطلب رو بیان کنیم که فلسفه این دولتها از قرآن برداشت شده و به خاطر تناقض مبانی این دولتها با انجیل و تورات اینها اسم این حکومت خودشون رو حکومت بی دین گذاشتند؟

چون بسیاری از مبانی این دولتها با اصول قرآن سازگاری داره.
مثل جزای زنا
مثل جزای تغییر دین از مسیحیت
مثل ......

آیا به نظر شما این مطلب چقدر صحیح به نظر میرسه؟

نویسنده: ویرگول

جمعه 22 آذر1387 ساعت: 11:48

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=68717
شکایت رژیم صهیونیستی از مشایی

هماهنگی رو ببین وای وای ..

نویسنده: ؟

جمعه 22 آذر1387 ساعت: 12:50

سيّد محمّد خاتمی در مراسم ايلانوت کليميان (١٩ بهمن ١٣٨٢)
http://www.khatami.ir/fa/photo/69/462.html

آخرین عکس لورل وهاردی
http://www.alborznews.net/pages/?cid=5789

15 نفر از زائران ايراني جان باختند
http://www.mizan.ir/news/5080.aspx

تهيه فيلم مستند از "رد پاي دايناسور ها" در كرمان
http://chtn.ir/WebForms/Fa/News/NewsInfo.aspx?ID=24158

باستان‌شناسي ايران بومي نيست
http://chtn.ir/WebForms/Fa/News/NewsInfo.aspx?ID=24155

تفسيري بر مهم‌ترين اثر فلسفي علامه طباطبايي منتشر مي‌شود
http://www1.farsnews.com/newstext.php?nn=8709220491

"غار بوف" استقرار پارینه سنگی در دشت رستم
id=49121&http://www.chn.ir/news/?section=2

آزادی متهم اصلی انفجارهای کربلا و نجف
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=59286

گوگل اعلام کرد: بیشترین جستجوها چه بوده؟(خیلی جالبه حتما بخوانید)
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=59287

علت اختلال شديد در شبكه اينترنتي كشور(ديروز ذكر كردم سرعت اينترنتم افت كرده اين هم دليلش!)
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=59300

امام جمعه بندر عباس: میراث فرهنگی متعل به یک ملت نیست متعلق به بشریت هست
id=49122&http://www.chn.ir/news/?section=2

عمق رضايت رهبري از دولت نهم
http://www.rajanews.com/detail.asp?id=21317

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 22 آذر1387 ساعت: 12:57

آقای ویرگول. یاد تآترهای روحوضی قدیم به خیر!

آقای kaveh. ساعت 11 به تر است.

آقای فرزاد. یادداشت های 165 تا 170 ایران شناسی بدون دروغ را بخوانید که درباره ی تورات و انجیل است و به مطالب مورد نظر شما هم اشاره های فراوان دارد.

آقای مرتضی. اگر به خانه ی شما آمدند بعدا تعریف کنید که بدانیم اصولا برسم چه پدیده ای بود؟

نویسنده: نیما

جمعه 22 آذر1387 ساعت: 14:16

جناب آقای هاتف، به نظر من شما درست متوجه منظور فروید نشده اید و به دلیل برداشت خودتان این حرف ها را می زنید و برداشت شما دلیل بیمار روانی بودن دیگران (حتی یهودی ها) و یا فروید نمی باشد. در ضمن به نظر من هم شما قضیه آغوش مادر را با مسائل دیگر مخلوط کرده اید و نیازمند مطالعه عمیق تر تئوری های روانشناسی هستید. همچنین مساله ای که شما مطرح کردید (همان عقده ادیپ) موضوعی جداگانه است. آن آیات قرآنی که آورده اید هم نه تنها تناقضی با این تئوری ها ندارد بلکه می توانم به شما نشان دهم که هر دو به نوعی هم جهت هستند. و باز هم تاکید می کنم که شما مسائل را با هم مخلوط کرده اید و از آن برای متهم کردن همه چیز استفاده می کنید. من خود نیز با بسیاری از شیادی های روانشناسی مخالفم و بسیاری از آن ها را می کوبم، و از کثیف کاری های یهود نیز متنفرم و دلیلی برای حمایت یا دلسوزی برای آن ها ندارم، اما شما را به این آیه از قرآن دعوت می کنم که می گوید: ای مومنان هرگاه فاسقی برای شما خبری آورد درباره ی آن تحقیق کنید. یهودی بودن یک نفر دلیل بر کذب محض صد در صد حرف های او نیست و بر اساس آیه فوق ما ملزم به تحقیق علمی بی طرفانه و دقیق راجع به نظرات او هستیم. بار دیگر شما را به تواضع علمی بیشتر دعوت می کنم.
در ضمن هر نوع مشکلی با این مطالب دارید و یا اگر من اشتباه هم می کنم دلیل این نیست که من یا شما به صورت توهین آمیز با یکدیگر صحبت کنیم.
موفق باشید

نویسنده: ؟

جمعه 22 آذر1387 ساعت: 14:35

کسی می دونه این اینترنت کوفتی 2 و 3 روزه چشه ؟
اینترنت ADSL من حتی سرعت DIAL UP را هم نداره.

نویسنده: ؟

جمعه 22 آذر1387 ساعت: 17:6

جناب ؟
لطف کنید با اسم دیگر کاربران کامنت نگذارید تا اشتباه برداشت نشود بلکه یک اسم مستعار دیگر برای خود برگزینید
اگر به لینک هایی که فرستادم دقت کنید جواب خود را می گیرید

علت اختلال شديد در شبكه اينترنتي كشور(دیروز ذکر کردم سرعت اینترنتم افت کرده این هم دلیلش!)
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=59300

نویسنده: ؟؟

جمعه 22 آذر1387 ساعت: 18:20

با سلام
آقای ؟ احتمالا موقع کشیدن لنگرهای کشتی های زمان هخامنشیان به بالا برای بردن به موزه ها باز به کابلی گیر کرده و آن را پاره کرده است!!
adsl من هم لاکپشتی شده!!

نویسنده: روشن

جمعه 22 آذر1387 ساعت: 20:25

اقای ؟ باسلام

دلیل کندی اینترنت فیلتراسیون نوع جدید است به لینک زیر توجه کنید

http://www.holidaysurf.info/index.php?q=aHR0cDovL2kzNC50aW55cGljLmNvbS8yY2VucWpzLmpwZw%3D%3D

نویسنده: ؟

شنبه 23 آذر1387 ساعت: 0:46

جناب ؟؟ ADSL بنده هم لاک پشتی شده ولی امید داریم مسئولین به فکر باشند و این قدر کاربران را در هچل نیاندازند به کاربران سرعت 128 می دهند ولی وقتی که شروع به دانلود می کنی سرعت گاهی وقت ها به زور به 10 kbps می رسد

این را هم بخوانید بد نیست!
ایران حائز رتبه اول قطعي اینترنت منطقه شد
http://www.hamshahrionline.ir/News/?id=74854

اما شما جناب روشن
سلام.بله الان هر سایت اجتماعی را که درست می شود بلافاصله از طرف مسئولین
فیلتر می شود اما مسئولین به این توجه ندارند که این سایت ها جزو بهترین سایت ها در اینترنت می باشد و انسان می تواند در مورد هر چیزی که می خواهد (از شیر مرغ تا جون آدمیزاد) در این سایت ها مطلب پیدا کند.
راستی همین جا که بحث از سایت های اجتماعی شد یک پیشنهاد به دوستان دارم(به خصوص دوستانی که زبان انگلیسی آنها قوی تر است)
پیشنهاد من این است یک گروه در فیس بوک(سایت اجتماعی پر طرفدار) یک گروه در مورد جعلیات تاریخی که استاد به آنها پی برده است (به خصوص تخت جمشید) بزنیم و در آنجا به بیان این مطالب بپردازیم و وبلاگ استاد را به بقیه معرفی کنیم به نظر من در مدت زمان اندک طرفداران استاد و وبلاگشان زیاد شده و از این طریق خیلی از افراد را با جعلیات یهود ساخته آشنا می کنیم.
منتظر نظر بقیه دوستان هستم

نویسنده: الکی خوش

شنبه 23 آذر1387 ساعت: 3:5

جناب استاد

یه نگاهی به این لینک بندازین:

http://www.bbc.co.uk/persian/world/2008/10/081212_ag_letterfromlondon111.shtml

من خودم یه رفیق هندی دارم و یکی از تفریحات ما شده پیدا کردن کلمات فارسی که برای دوست هندی من قابل فهمن. خیلی خلاصه خدمتتون عرض کنم: این مشترکات چیزی حدود ۹۰ درصد کلمات فارسیه. در بعضی موارد مثلا اگه حرف خ توی کلمه باشه اونوقت بدون شک براش کلمه آشناییه. و البته که این دوست فکر می کنه که این کلمات از فارسی به هندی وارد شدن. اولین باری که خودم متوجه این میزان مشترکات شدم وحشت کردم. فکر می کنم شما می تونین مقداری روی این مسیله مانور بدین.

نکته دیگه ای که خواستم خدمتتون عرض کنم درباره مسیحیت هست. غربی ها به شدت ضد دین هستن. ولی این مسیله چیز کاملا مثبتیه. چون تصور یه غربی از دین همون مسیحیت هستش و منظور یه انسان غربی مخالفت با کلیسا است. کلیسا قدمت زمین رو حدود ۶۰۰۰ سال می دونه (که شما هم اشاراتی به زمان نگاری حوادث از دید کلیسا داشتین) و علت خیلی از مخالفت هاش با علم همین هست. حالا یه انسان غربی منطقی چطور می تونه این مسیله رو بپذیره. کلیسا به شدت پاره پاره است. درسته که مسیحی ها از مسلمونه متنفرن ولی هر گروهی کلیسای خودشون رو دارن و به شدت از سایر مسیحی ها بدشون می آد. محاله که به کلیسای همدیگه برن و خیلی مشکلات دیگه.
اینجور مسایل باعث ایجاد گروههای ضدمسیحی زیادی بین جوون ها شده. حتی خیلی از اینها که خودشون رو شیطان پرست می نامن در واقع ضد مسیح هستن. حرفشون لابد اینه که اگه خدای شما اینجور موجودیه و دینش اینه ما همون

بهتر که شیطان پرست باشیم!
خیلی وقتها علت موضع گیری منفی یه غربی نسبت به اسلام اینه که ته دلش اونرو چیزی شبیه مسیحیت می دونه.
احساس من اینه که اسلام روزی کل غرب رو به سرعت می گیره. گرچه الان تمام انرژی کلیسا صرف مخدوش کردن چهره اسلام می شه ولی حقیقت اسلام چنان برپایه منطق و انسانیته که خیلی زود تمام سدها رو می شکنه. شاید این جنگ بوش علیه اسلام در نهایت به نفع این دین تموم بشه. شاید این دلیلی بشه که در مورد اسلام بیشتر صحبت بشه و این اصلا به ضرر اسلام نیست!

نویسنده: هومن

شنبه 23 آذر1387 ساعت: 3:55

اخه چی بگم
مکان مقدس یهودیان به فهرست آثار ملی ایران اضافه شد .
آرامگاه "استر و مردخای" در همدان، که از مکان های مقدس یهودیان محسوب می شود، در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است.

رئیس سازمان میراث فرهنگی همدان به ایرنا، خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی ایران گفته است که آرامگاه استر و مردخای از "بناهای مهم تاریخی شهر همدان و از زیارتگاه های خاص یهودیان و مهم ترین مکان تاریخی باستانی در ایران" محسوب می‌شود.

در مورد هویت استر و مردخای نظرات مختلفی وجود دارد، اما روایت مشهورتر که از مورخان یونانی و روایت تورات است، می گوید که "مردخای" که یکی از شخصیت های مذهبی قوم بنی اسرائیل محسوب می شود توسط "استر" دختر عمویش و همسر خشایارشا، موفق شد فرمان قتل عام یهودیان را از شاه پس بگیرد.

از آن به بعد، یهودیان در اواخر اسفند و اوایل فروردین هر سال (برابر با ۱۳ - ۱۵ آدار، در گاهشمار یهودیان) در سالگرد نجات از قتل عام، با خواندن دعا و گرفتن روزه و خواندن طومار مگیلا، این روز را به عنوان " جشن پوریم" گرامی می دارند.

آرامگاه استر و مردخای، یک ساختمان سنگی و آجری ساده است که در مرکز شهر همدان قرار دارد.

بازدید شهروندان از این بنا تا حدود یک دهه پیش امکان پذیر نبود ،اما در سال های اخیر سازمان میراث فرهنگی با فروش بلیت امکان دیدار از این آرامگاه را فراهم کرده است.

به جز آرامگاه استر و مردخای، همدان دارای چندین مکان مقدس یهودیان است.

این شهر تا سه دهه پیش محل زندگی جمع زیادی از یهودیان ایران بوده است، اما در سال های اخیر و در پی مهاجرت آنها، به شکل قابل توجهی از تعداد خانواده های یهودی این شهر کاسته شده است.

نویسنده: سالم

شنبه 23 آذر1387 ساعت: 4:21

سلام ، از این که سوالم مربوط به موضع شما نمی باشد امیدوارم مرا ببخشید ، ایا در مورد سوره انفال مطلبی را تا کنون انتشار داده‌اید ؟ چون این سوره برای من خیلی سوال برانگیز است ، نمیتوانم باور کنم از یک طرف دین سلام برده‌ها را آزاد کند و ملاک را تقوا بداند ، ولی از طرف دیگر حرف کشت و کشتار و سرکوب بزند ، لطفا در این مورد راهنمایی کنید .

نویسنده: سواریان (از آبادان)

شنبه 23 آذر1387 ساعت: 13:13

سلام جناب پورپیرار ... خسته نباشید ... قبل از هر چیز می خواستم ازتون تشکر کنم که از جان برای احیای وحدت امت اسلامی مایه گذاشتید ...
××××××××××××××××××××××××××××××××××××××
غزه ما را نخواهد بخشید ......

من مسلمانم ؟؟؟ واقعا مسلمانم ؟؟؟ اگر مسلمانم پس چرا خونم برای غزه و اهل غزه به جوش نمی آید ؟؟

غزه یعنی چی ؟؟؟؟ غزه یعنی مقاومت ، یعنی مردونگی ، یعنی استقامت ، یعنی قرآن ، یعنی آیه 82 سوره مائده ،یعنی حضرت محمد (ص) توی بیابانهای داغ مکه ، یعنی امام علی (ع) در صفین ، یعنی نامردی نامردمان ، یعنی اسماعیل هنیه

مقاوم ، یعنی اولمرت ... زاده ، یعنی ظلم ، یعنی مظلوم ، یعنی حقوق بشر ، یعنی کنوانسیون ژنو ، یعنی نفت اسلامی 100 دلاری ، یعنی خون دل شدن مسلمانان ، یعنی عماد مغنیه ، یعنی ملت در عشق و حال اسلام ، یعنی نستله خوشمزه ، یعنی نوکیای N73 من

ارادتمند شما ... سواریان از آبادان

وب سایت

۱ ۲ ۳ >>

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنویسي

ایران شناسی بدون دروغ، 189، دیدار از اندونزی، 12 - 110 نظر

نویسنده: مهران حقیقت

شنبه 23 آذر1387 ساعت: 16:26

سلام استاد

بخش عمده کتابهایتان را مطالعه کردم و بیش از پیش جانم از عمق دروغ روزمره موجود به درد آمد. به خود گفتم چگونه بنیاد غرور عده ای بر پایه های ناتمام یک مجموعه ناقص بنا شده و چه باید گفت جز صبر تا هضم این افیون ریشه کرده در عمق جان این متعصبان کور نافهم.

توفیق روز افزون حضرتعالی و دیدار مجددتان را آرزومندم.

نویسنده: ویرگول

شنبه 23 آذر1387 ساعت: 18:41

نوروز ؛ عید "درختان" یا عید "ملت ایران"؟
این قدر به "نوروز" ایرانیان حمله نکنید!
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=59393

نویسنده: مارلیک

شنبه 23 آذر1387 ساعت: 18:47

سلام علیکم

اندر تلويزيون جمهوري اسلامي: كسي از امام علي النقي سوال كرد كه چرا خداوند موسي را با عصا مبعوث كرد و عيسي را با شفاي مريضان و محمد را با قرآن و شمشير!!! امام جواب دادند كه مردم زمان موسي اهل سحر و جادو بودند به همين دليل موسي با عصاي سحرآميزش مبعوث شد و مردم زمان عيسي اهل طب بودند و عيسي با شفاي مريضان مبعوث شد و نيز مردمان زمان محمد اهل شعر و شمشير بودند و به همين دليل پيامبر با قرآن و شمشير مبعوث شد!!!!!
الله اكبر مي بينيد كه چگونه كساني اين اباطيل ضد اسلام و قرآن و پيامبر را در جاي اسناد فرهنگي مسلمانان قرار داده و كساني هم بي وقفه در پي تكرار اين مزخرفات ضد دين به قصد تخفيف اسلام اند. چه كنيم استاد؟ بگرييم بخنديم و شايد بايد صبر كنيم

نویسنده: ؟

شنبه 23 آذر1387 ساعت: 20:39

سريال «شيخ بهايي» از فردا شب روي آنتن شبكه دو مي‌رود
http://www1.farsnews.com/newstext.php?nn=8709230607

«حافظ» به خط «وصال شيرازي» رونمايي مي‌شود
http://www1.farsnews.com/newstext.php?nn=8709230348

در آستانه ميلاد مسيح (ع)؛
«مريم مقدس» در دانشگاه ژنو نمايش داده مي‌شود
http://www1.farsnews.com/newstext.php?nn=8709230296

كتاب «مفاتيح الاسرار و مصابيح الابرار» بررسي مي‌شود!
http://www1.farsnews.com/newstext.php?nn=8709230168

کاربرد روش‌هاي ژئوفيزيک در باستان‌شناسي ضرورت دارد
http://chtn.ir/WebForms/Fa/News/NewsInfo.aspx?ID=24184

کشف فسيل يک بچه دايناسور 70 ميليون ساله در مغولستان
http://chtn.ir/WebForms/Fa/News/NewsInfo.aspx?ID=24221

مصر، بزرگترين مجسمه رامسس دوم را آشكار مي‌سازد
http://chtn.ir/WebForms/Fa/News/NewsInfo.aspx?ID=24210

باستان‌شناسي ايران ضعف نظريه‌پردازي دارد
http://chtn.ir/WebForms/Fa/News/NewsInfo.aspx?ID=24205

"پشت قلعه " آبدانان مرمت مي شود

http://chtn.ir/WebForms/Fa/News/NewsInfo.aspx?ID=24199

بقعه استرومردخاي همدان در فهرست آثار ملي كشور ثبت شد
id=49145&http://www.chn.ir/news/?section=2

دليل فارسي بودن گوگل مدير ايراني آن است
http://tabnak.ir/pages/?cid=28968

سمند ایرانی در خیابان های مینسک(عکس) خودروی ملی افتخار ملی!
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=59418

بمب مخفي هيتلر فاش شد + عكس
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=59422

وزارت خارجه آمریکا در (یوتیوب)
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=59387

نوروز ؛ عید "درختان" یا عید "ملت ایران"؟
این قدر به "نوروز" ایرانیان حمله نکنید!
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=59393

خلخالی و خراب کردن مقبره رضا شاه
postcount=10&http://www.rakhsh.org/forums/showpost.php?p=1324

نویسنده: یک آشنا برای جناب ؟

شنبه 23 آذر1387 ساعت: 21:4

جناب ؟مگر شما بجز مطالعه و اینترنت گردی برای لینک گزاری برای استاد وقت اضافه هم پیدا میکنید که میخواهید در فیس بوک گروه بسازید؟بهتر نیست کمی هم به فکر جناب ! باشید که (واقعا دوری ایشان یک غم بزرگ برای ما در اینجاست) به مسائل خود بیشتر رسیدگی کنند؟با این همه اگر وقت اضافی دارید بهتر است با هماهنگی آقای عابدی کدهای اصلی دسترسی به سایت ناریا دات آی آر را تحویل بگیرید با اجازه استاد تا مدیریت آن سایت به روز تر گردد و بتوانیم بخشهای جدید من جمله اخبار را فعال کنیم.نظرتان چیست؟

نویسنده: ؟

شنبه 23 آذر1387 ساعت: 23:14

جناب یک آشنا برای جناب ؟
بنده همچنین وقتی را نمی کنم که بتوانم گروه برای استاد در فیس بوک بسازم بلکه با خود گفتم به دوستان یک همچنین پیشنهادی را بدهم تا شاید کسانی در بین دوستان باشد که وقت این کار را داشته باشد.
اگر کسی بتواند یک همچنین کاری را بکند خدمت بزرگی را کرده است

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 24 آذر1387 ساعت: 2:14

آقای نتاب. تمام دوستان دست اندر کار از مرحمت شما ممنونند.

آقای؟. از لینک اختصاصی و سایر لینک های مفید ارسالی بی اندازه ممنونم.

آقای مارلیک. موظفیم که تا زمان لازم صبر کنیم و از بیان حق به هر وسیله ی ممکن، نهراسیم و کوتاه نیاییم.

آقای حقیقت. ممنون. فعلا باید صبورانه کار و تبلیغ کنیم.

آقای سواریان. ماجرای مقاومت در غزه برگ دیگری از مقاومت 1400 ساله ی اسلام در برابر مشرکین است که بر آن سرنوشت ذلت بار دکان های جنایت و غارت، علم شده به نام کنیسه و کلیسا، ثبت خواهد شد.

آقای سالم. مجموعه مقالات "اسلام و شمشیر" را بخوانید.

آقای روشن. با تشکر. لینک ارسالی مشکل داشت و باز نشد.

نویسنده: فرزاد

یکشنبه 24 آذر1387 ساعت: 8:16

سلام آقای پورپیرار
با این حسابی که شما در بحثهای اسلام و شمشیر بیان کردید, از کلمه hadu دو دسته استفاده کردند.

1- یهودیها خودشون رو اقل کم هدایت شده معرفی کردند و به این ترتیب خودشون رو دیندار نشون دادند.

2- یهودیها تونستند خودشون رو زیر لباس هدایت شده ها مخفی کنند و به صورت عالمانی بدون انحراف, اینهمه خرافات رو به جوامع اسلامی تزریق کنند.

با این حساب وقتی رئیس جمهور دولت اسلامی ترکیه, هر روز با رئیس جمهور اسرائیل ارتباط برقرار میکنه, میشه هدف این توطئه رو تشخیص داد.
با توجه به آیاتی که مسلمانها رو از ارتباط با یهودیها صراحتاً منع کرد: آیه 51 سوره مائده

آیا میتونیم اینطور استنباط کنیم که هدف ایجاد اختلاف بین دو کشور قدرتمند ایران و ترکیه و راضی کردن مردم ترکیه نسبت به حمله اون کشور به ایرانه؟
یعنی راحت تر بگم, هدف حکومت اسلامی ترکیه!!!!! فقط کنترل کردن مردم ترکیه در لحظه ایه که اسرائیل میخواد بر علیه ایران اقداماتی تو دنیا انجام بده؟

واقعاً دست شما درد نکنه.
این یک حیله کثیفه که سالهاست نسبت به مسلمانها دارند انجام میدن و همه با هم باید باهاش مبارزه کنیم.

آیا به نظر شما حکومت اسلامی ترکیه یک همچین هدفی رو نداره؟

نویسنده: امیر عماد

یکشنبه 24 آذر1387 ساعت: 10:35

سلام استاد
خسته نباشید
چند وقتی است شبکه ابوظبی برنامه با نا شاعرالملیون در حال پخش دارد و موضوع آن شعر نبطی است
من در ارتباط با نبطی ها و زبانشان و چیزی نمی دانم
اگر در این مورد نکته قابل ذکری می دانید لطفا محروم نفرمایید
با تشکرthx

نویسنده: یک پور پیرار دوست

جمعه 29 آذر1387 ساعت: 18:18

سلام استاد بزرگ خسته نباشید و امیدوارم که همیشه موفق باشی
استاد بزرگ من یک سئوال داشتم می خواهم که اگر ممکن باشد جواب آن را به ایمیل نوشته شده ارسال کنید . استاد حضور تورکها در ایران از کجا نشات می گیرد آیا همانطور که گفته می شود آذربایجان تاریخ 7000 ساله دارد و ترکها اولین ساکنان ایران بوده اند و تمدن ایلامی و سومری متعلق به آنهاست درست است یا ترکها بعد از فارسها به ایران امده اند.
استاد کدام درست است منتظر جواب بزرگ شما هستم اللریویز آغرماسن

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 190

ایران شناسی بدون دروغ، 190، دیدار از اندونزی، 13 - 71 نظر

نویسنده: ویرگول

یکشنبه 24 آذر1387 ساعت: 18:52

http://tabnak.ir/pages/?cid=29120
تخت جمشید گواهی‌نامه میراث جهانی می‌گیرد

وای وای نجس!

نويسنده: توحيد

يكشنبه 24 آذر1387 ساعت: 15:29

سلام استاد و خسته نباشيد . بدينوسيله احتراما قسمتهايي از يافته هايم در باره زبان « عبري » را تقديم مي دارم :
نكاتي در باره زبان «عبري» :
آيا مي دانيد تعداد حروف عبري 22 حرف است ؟
آيا مي دانيد عبري ، هم مانند عربي و فارسي از راست به چپ نوشته مي شود ؟
آيا مي دانيد ترتيب الفبايي حروف عبري چيست ؟
در زير من 10 حرف اول عبري رو به ترتيب مي نويسم ،
ترتيب حروف عبري همراه با نام آن و معادل فارسي آن :

شكل حرف / نام حرف / معادل فارسي
א/alef/ الف
ב /Bet/ ب
ג /gimel/ جيم
ד /dalet/ د
ה /he/ هـ
ו /Vav/ واو
ז /zayin/ ز
ח / Het / ح
ט / Tet / ط
י / Yod / ي

به ترتيب حروف دقت كنيد ، اين ترتيب حروف اشنا نيست ؟

آيا مي دانيد ترتيب حروف عبري ، همان ترتيب حروف «ابجد» است ؟ يا بهتر بگويم حروف ابجد ، همان ترتيب حروف الفباي عبري است ؟ آيا مي دانيد « نت » هاي موسيقي سنتي ايران ! مثلا دستگاه «شور» با حروف ابجد نوشته و تنظيم مي شود ؟
به راستي چرا حروف «ابجد» تا اين حد در كشور ما كاربرد دارد ؟ آيا مي دانيد عده اي از علماي شيعي زمان صفويه از قبيل مجلسي و شيخ بهائي در باره حروف ابجد احاديث غريبه اي ذكر كرده اند و براي اين حروف خاصيت فرا زميني و شگفت انگيزي قائل شده اند ؟ مثلا شيخ بهائي كتابي دارد با عنوان : «سر المستتر» ؟

نويسنده: ؟

يكشنبه 24 آذر1387 ساعت: 20:32

آثار دوسالانه عكس جهان اسلام در مسكو به نمايش درآمد
http://www1.farsnews.com/newstext.php?nn=8709241005

كنگره شيخ بهايي هفته آينده در مشهد برگزار مي‌شود
http://www1.farsnews.com/newstext.php?nn=8709240779

اهداي كتاب‌هاي دوست صميمي «دهخدا» به كتابخانه مجلس
http://www1.farsnews.com/newstext.php?nn=8709240437

درخواست كارگردانان كشورهاي مختلف جهان براي ساخت فيلم مولانا
http://www1.farsnews.com/newstext.php?nn=8709121655

مرمت ورودي هشت ضلعي پشت ايوان خسرو
http://chtn.ir/WebForms/Fa/News/NewsInfo.aspx?ID=24240

قديمي‌ترين نقاش‌هاي جهان در خطر نابودي
http://chtn.ir/WebForms/Fa/News/NewsInfo.aspx?ID=24264

كشف سلاح‌هاي 4500 ساله در سواحل يونان
http://chtn.ir/WebForms/Fa/News/NewsInfo.aspx?ID=24258

ایران و اسرائیل با هم باشند!
http://tabnak.ir/pages/?cid=29057

هاآرتص: اوباما نماينده را به ايران مي‌فرستد
http://tabnak.ir/pages/?cid=29135

تاثير مكالمه طولاني با تلفن همراه بر حافظه(فقط برای اطلاع)
http://www.rajanews.com/detail.asp?id=21500

معطلي چندين ساعته حجاج در فرودگاه جده
http://www.rajanews.com/detail.asp?id=21484

احمدی‌نژاد زیاد به مشورت اهمیت نمی‌دهد
http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=68990

انتشار نظر آیت‌الله منتظری در اینترنت در خصوص سربازی(حتما بخوانید)
http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=68983

انتقاد شدید روحانیون مسیحی: «مدونا»، عامل اشاعه افکار گناه آلود
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=59400

کشتی ایرانی عازم غزه ماموریت های پنهان دارد!
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=59504

تولید رایانه هایی که به درخت تبدیل می شوند!+عکس(جالبه)
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=59523

خسته نباشید

نویسنده: ؟

یکشنبه 24 آذر1387 ساعت: 20:32

يونسكو گواهينامه ميراث جهاني به تخت جمشيد مي‌دهد
http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100956933039

Mahal - Symbol of Love - 7th Wonders in the World Taj(استاد نظرتان در این مورد چیه؟)
??http://travelintospain.blogspot.com/2008/10/taj-mahal-symbol-of-love-7th-wonders-in.html

!(CE OF ANCIENT IRAN: SASANIAN DYNASTY (224-651 IMAGES
http://www.cais-soas.com/CAIS/virtual_museum/sasanian/Artifacts/coinge.htm

فيلمي ديگر عليه جمهوري اسلامي
http://www.roozonline.com/archives/2008/12/post_10543.php

تصویری از اصفهان متعلق به سده ی هفده میلادی
http://depts.washington.edu/silkroad/texts/olearius/pictures/isfahan.jpg

عکسی جالب و تاریخی از مصدق در کنار مشاورانش(سمت چپ علی قلی اردلان و کنار در الله یار صالح، در حال گفتگو با مصدق. تاریخ عکس ماه اکتبر سال 1951)
http://i37.tinypic.com/1z50nc7.jpg

(جالبه)Pics7 - How a eagle shoot down a swan
http://curiousphotos.blogspot.com/2008/12/how-eagle-shoot-down-swan-7pics.html

کهربا، تار عنکبوت 140 میلیون ساله را سالم نگاه داشت
http://chtn.ir/WebForms/Fa/News/NewsInfo.aspx?ID=24261

تثبيت مالكيت ايران بر قلمرو زبان فارسي با برگزاري همايش بين‌المللي رودكي
http://www1.farsnews.com/newstext.php?nn=8709241127

نویسنده: آلیانس

دوشنبه 25 آذر1387 ساعت: 1:24

از هنگامی که غرق در ادیان شده ام کار مانی مرا در میان همه پیغمبران شرق و غرب تاریخ بیش از همه " دچار" کرده است. پیغمبران دیگر همگی همانند هم اند، یکی بهتر و یکی کمتر، جز محمد که پیغمبر مسلح است!....حال که مانی را می یابم که پیغمبر است و هنرمند، از شادی در پوست نمی گنجم.... پیغمبری که کتاب آسمانی اش ارژنگ! در شش فصل ....مانی معجزه اش هنر محض است، نقاشی است . من با این که او راسخت می شناسم و به مذهبش و شخصیتش و معنویت شگفتش تعصب می ورزم و پیوندهای پنهانی نزدیک و شگفتی را میان مانویت و اسلام کشف کرده ام (گرچه برخی از محققان نیز به این حقیقت پی برده اند و حتی شاندل و بعضی از مستشرقان معتقدند که اسلام ساخته مانویت است و نماز اسلام درست همانند نماز مانوی ها است و پیداست که اسلام نماز و نیایش را از مانی گرفته است و این درست است ! ولی اعتقاد خودم این است که مانی تاثیرات عمیق و تعیین کننده و بسیار مهمی در محمد و مذهبش داشته است)......... علی شریعتی , مجموعه آثار 33(بخش اول) صفحه 24

نویسنده: آلیانس

دوشنبه 25 آذر1387 ساعت: 1:26

نکته : شاندل یکی از اسامی مستعاری است که شریعتی بر خود می نهاده است

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 25 آذر1387 ساعت: 7:28

آقای آلیانس. شریعتی کفریات مستقیمی دارد که آبشخور تمام آن ها از چشمه ی تذلیل عرب و اسلام و تمجید ایران باستان می جوشد.

آقای؟. آن شمایل اصفهان نقاشی است و قلابی بودن اش از سبک معماری آپارتمانی آن معلوم می شود که پیش از رضا شاه سابقه ندارد. می گویند تاج محل چهارصد ساله است، اما گرچه چندان نگشته ام، اما هنوز از آن نقاشی ندیده ام و هرچه این جا و آن جا ثبت است، کار دوربین عکاسی است که از اختراع آن کم تر از دو قرن می گذرد.

آقای ویرگول. این گونه عکس العمل های از سر درماندگی، یونسکو و ماموران سازمان های خودی همسو با آن ها را، لااقل به دیدار کنندگان از مستند تختگاه هیچ کس می شناساند.

نویسنده: ??

دوشنبه 25 آذر1387 ساعت: 10:20

با سلام
دوستان متخصص عزیز شما می توانید با عضویت در سایت www.irexpert.ir و عضویت در گروههای تخصصی به ایجاد بحث و آشنایی بیشتر هم تخصصی هایتان با داده های جدید بنیان شناسی بپردازید!
من خودم به چند نفر پیام زدم و آنها در باره این موضوع اظهار بی اطلاعی کرده اند!
به نظر من انجمن متخصصین ایران که عضو متخصص فراوانی دارد از بهترین مکانهای مجازی برای رساندن پیام بنیان شناسی استاد می باشد.
با تشکر

نویسنده: سماواتی

دوشنبه 25 آذر1387 ساعت: 10:44

استاد عزیز آدم از این مقدمه چینی های شما می ترسد، باز قرار است چه اندوخته ای را به باد دهید که مهملات این کشیشان چرت و پرت نویس را به یاد ما می آورید؟

نویسنده: قدیر

دوشنبه 25 آذر1387 ساعت: 11:53

همسایه ستیزی به روش سایت تابناک

http://www.cloob.com/club/post/show/clubname/turks/topicid/1753930

نویسنده: ویرگول

دوشنبه 25 آذر1387 ساعت: 13:13

http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=59585
محتواي نامه صهيونيست‌ها به خدا
خبرنگار العربيه در اين باره گفت: نامه‌هاي كه براي خدا ارسال مي‌شود، در شكاف ديوار معروف براق قرار مي‌گيرد.

چاه امام زمان و نامه ....!

نویسنده: ویرگول

دوشنبه 25 آذر1387 ساعت: 13:14

به مكه نرويد؛ در مراكش حاجي شويد!
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=59573

فعال در مراکش..

نویسنده: ویرگول

دوشنبه 25 آذر1387 ساعت: 13:17

انتشار قران تحريف شده در كويت
http://tabnak.ir/pages/?cid=29245علاوه بر غلط هاي بسيار در صفحه بندي اين نسخه از قرآن ، بخش از آيات سوره آل عمران در سوره بقره چاپ شده و يك صفحه از سوره بقره در سوره آل عمران ديده مي شود

نویسنده: sadegh

دوشنبه 25 آذر1387 ساعت: 15:47

تودیع گرم جورج بوش مجرم در آخرین دیدار خود از بغداد ...

دیروز در طی کنفرانس خبری که با حضور جورج بوش مجرم و مزدور خائن نوری مالکی برگزار شد آزاد مردی از خبرنگاران عراقی حاضر در جلسه، بوش مجرم را با الفاظ رکیک مورد خطاب قرار داده سپس کفشهای خود را یکی پس از دیگری به سمت این مجرم پرتاپ میکند . و با صدای بلند فریاد می زند این هدیه ی مردم عراق به شماست.

زنده باد این غیور مرد قهرمان که به تمامی مزدوران و اربابان کلیسا وکنیسه فهماند که مردم این خطه از جهان سر به دار میدهند ولی تن به ذلت نمیدهند .

مبارکباد بر تمامی بنیان اندیشان ، آزادمردان و ملل تحت ستم که اینچنین پیشانی ارباب کل خونخواران کلیسا و کنیسه بازیچه ی کفشهای مجاهدان مسلمان گشت .

اشغال گران با این خیال خام اقدام به اشغال عراق کردند که با گل و سنبل و فرش قرمز مورد استقبال مردم عراق قرار میگیرند و اینک پس از 5 سال از بوق وکرنا و تبلیغ
تلمیع و زیباسازی وجه خود و دموکراسی و آرامش و امنیت و امان و پیشرفت که ادعا میکردند به ارمغان آورده اند و پس ته کشیدن تمام پولهای خونینی که برای کشتار مردم عراق و منطقه به کار بردند و البته با اتمام ماموریت کامل خویش در کشتار بیش از یک میلیون عراقی هیچ عجیب نیست که با این شیوه مورد استقبال قرار گیرند که اگر هر درخت و در و دیوار وسنگ وچوب توانایی آنرا نیز داشت چیزی پست تر از آب دهان به سمت آنها پرتاب می کرد.

اینم لینک تصویری این رویداد مبارک:

http://www.aliraqnews.net/Raw%20Video%20%20Iraqi%20Journalist%20Throws%20Shoe%20at%20Bush.flv

نويسنده: ويرگول

دوشنبه 25 آذر1387 ساعت: 16:1

http://tabnak.ir/pages/?cid=29273
همه چيز درباره شيطان پرستي
.....
نور خداوند هميشه - حتي اگر مشركان نخواهند- انتشار مي‌يابد. رسولان الهي آمده‌اند تا نور و شفقت الهي را گسترش بدهند. علت اينكه چرا انسان‌ها در دوران مدرن دنباله‌رو شيطان مي‌شوند و شيطان پرستي را ملجا خود قرار مي‌دهند،دلايل مختلفي دارد، بخشي از آن تحليل رواني دارد و بخش ديگري نيز تحليل ديني و جامعه شناختي است. انسان‌هايي كه از درون، افسار گسيخته هستند و به آرامش دروني و آسايش بيروني دست نيافته‌اند به دنبال ملجا و جايگاهي براي جبران افسار گسيختگي شان هستند، شيطان پرستي بهترين ملجا و پناه براي اين افراد است.
.....
یکی پیدا بشه به این بگه نجسها عامل اصلین!...

نويسنده: توحيد

دوشنبه 25 آذر1387 ساعت: 13:47

بررسي خط وزبان «عبري» بخش دوم
....

اما در پاسخ به اينكه ، عبري يك زبان كهن اصيل است و يا زباني جعلي و نوساز ؟

در اين زمينه ، نكاتي كه قابل توجه است :

1-نام حروف الفباي عبري و صداي آنها بقدري با الفباي عربي شبيه است كه مي توان گفت تقريبا جاي يكديگر قابل كاربرد هستند (معادل هم هستند- مثلا الف ، جيم ، كه در هردو مشترك است ولي در لاتين مي گوييم : اي ، جي) .

2- هم الفباي عبري و هم عربي هر دو از راست به چپ نوشته مي شوند .

3-علارغم شباهت نام حروف ، در تشابه شكل حروف الفبا هيچ شباهتي به هم ندارند و هر قدر محقق كوشش كند كه شباهتهايي بين اشكال آنها با هم برقرار كند بي نتيجه است و اين خود حس بد گماني به اصالت اين خط را بر مي انگيزد

4-اگر بنا بر ادعاهاي اخير ، الفباي عرب را وام گرفته از الفباي عبري بدانيم ، اين سوال مطرح مي شود كه اگر راز پيشرفت و تكامل عربي را ظهور دين اسلام و قرآن بدانيم ، پس چرا اين امر براي زبان عبري ، با وجود ظهور دين يهوديت و تورات رخ نداده است ؟

5-در زبان عبري بسياري از واژگان از ريشه عربي هستند و اين فراواني بسيار زياد و قابل توجه است ، چنانچه مي توان گفت همان معادلهاي عربي است كه حروف انها اندكي جابجا شده است ، چنانچه خود لفظ «عبري» به هم ريخته حروف «عربي» است !

براي نمونه در اينجا من اعداد «عبري» را به ترتيب از 1 تا 10 قرار مي دهم و خود قضاوت كنيد :

1-احاد (عربي=احد)
2- شِنَييم (عربي=ثاني)
3- شِلُوشا (عربي=ثالث)
4- آرباعا (عربي=رابع)
5- حميشا (عربي=خامس)
6-شيشا (فارسي=شش، عربي=سادس)

7- شیوعا (عربي=سابع)
8- شِمونا (عربي= ثامن)
9- تیشعا (عربي=تاسع)
10- عَسارا (عربي=عاشر)
مي بينيم که فرق چنداني بين آنها با معادل عربي آنها نيست ، و مثلا «س» را «ش» نموده اند : (تيشعا = تاسع) ، و خيلي جالب است که «ش» را «س» تلفظ کرده اند که طبيعي به نظر نمي رسد ، چون س=ش ، بنابراين ش=س !
(عسارا=عاشر)

و خنك تر از همه همانا عدد 6 مي باشد که با فارسي آن معادل است !

در ضمن نکته جالب ديگر اينکه «يلدا» در عبري به معناي «دختر» است .

نویسنده: مارلیک

دوشنبه 25 آذر1387 ساعت: 18:15

سلام
درود بر خبرنگاری که با پرتاب کفش به بوش اعتراض خود را اعلام کرد نظر شما چیه استاد؟

نویسنده: عابدی

دوشنبه 25 آذر1387 ساعت: 19:52

با سلام

استاد فرزانه خسته نباشید.

ممنون از دوستی که لینک زیر را گذاشته بود.

ايران حائز رتبه اول قطعي اينترنت منطقه شد

http://www.hamshahrionline.ir/News/?id=74854

خوب این هم برای آن هایی که می گویند ایران نمی تواند اول شود.

نویسنده: عابدي

دوشنبه 25 آذر1387 ساعت: 20:13

سلام مجدد.

آقاي يک آشنا برای جناب ؟ ، قرار بود چکيده ي نوشته هاي وبلاگ «آخرين اخبار دروغ در مورد تاريخ ايران» ، http://akharinakhbar.blogfa.com ، در وب سايت ناريا دات آي آر ذخيره شوند ، اما نه از کسي که پيش نهاد اين کار را داد خبري است و نه از آن کاربر ! و هزاران کار ديگر ...

به نظر من عده اي فقط پيش نهاد مي دهند .

از اين مسائل که بگذريم ، داشتم «ايران شناسي بدون دروغ» را مرور مي کردم. امروز هم به نوشته ي شاهنشاه داريوش کبير رسيدم ، که بايد تابلو کرد و بر وبلاگ هاي زرتشت پرست اهورامزدايي چسباند.

داریوش شاه می گوید: «آن گاه، فرورتی با اندکی از سواران اش گریخت، مردمی به نام رغا، در سرزمین ماد، او تا آن جا رفت، آن گاه من سپاهی را به دنبال او فرستادم، فرورتی دستگیر شد، به سوی من آورده شد، بینی، گوش ها، زبان او را بریدم و یک چشم اش را درآوردم، بر درگاه من، او در زنجیر نمایش داده شد، تمام مردم او را دیدند، سپس، در اکباتان تیر به مقعد او فرو کردم و در دژ، در اکباتان، به دار آویختم».
(پی یر لوکوک، کتیبه های هخامنشی، ۲۲۸، ۲۲۹ و ۲۳۳)

نویسنده: آلیانس

دوشنبه 25 آذر1387 ساعت: 20:14

سایت طرفداران میر حسین موسوی ....
http://www.kalemeh.ir/
یادداشت سمت چپ به نام "کلمه" که نوعی سرمقاله است کاملا" شبیه ادبیات شریعتی است

نویسنده: بختیار

دوشنبه 25 آذر1387 ساعت: 21:51

جز ارزوی سلامتی برای شما
و جز صبر چه میتوان میتوان کرد؟

نویسنده: اجباری

دوشنبه 25 آذر1387 ساعت: 22:29

سلام آقای پورپیرار
1.لطفا" فیلم تخت گاه هیچکس را در لینکی قرار دهید تا دانلود کنیم
2.اطلاع چندانی از تاریخ ندارم جز به خوانده هایم در مدرسه
3.فیلم تخت گاه هیچ کس را دیده ام
4.در مورد همین امر چند روز پیش با دکتر اسکندر امان اللهی بهاروند گفتگو داشتم
ایشان شما را به خیانت علیه ایران متهم کردند
5.ولی دلایل ایشان برای من غیر قابل قبول بود با اینکه در دانشگاه هاروارد هم تدریس میکنند
6.شاگرد دکتر پرویز پیرات هم بودم،ایشان هم با اینکه همیشه میگفتند کسی به نام ناصر پورپیرار هستن که میگوید کوروش بزرگترین قتل هارا انجام داده و کسی به ایشان جواب نداده و از ما میخواست که جوابی به ایشان بدهیم ولی باز میگفتند حرفهای این آقا مشکوک است و....
7.من مایلم که در کنفرانس درسی ام مطالب شمارو ارائه کنم اما نه به کتابهایتان دسترسی دارم نه به فیلمها.از شما خواهش میکنم که راهنمائیم کنید.
8.البته دکتر اماناللهی میگفتند که کسی کتابی در نقد گفته های شما نوشته آیا صحیح است؟چون میگفتند که اسم نویسنده و کتاب یادشان نمی آید.
9.بسیار ممنون میشوم اگر مرا کمک کنید.

نویسنده: دهقانی (از شیراز) 1

سه شنبه 26 آذر1387 ساعت: 2:7

با سلام.
اول از همه از استاد گرامی، آقای اتفاق و کلیه ی دوستان معذرت خواهی می کنم از باب اینکه امری را که به بنده موکول شده بود (راه اندازی وبلاگ نیمه تمام بودن تخت جمشید) را تا هم اینک انجام نداده و این بیشتر به خاطر مشغولیات زیاد این جانب می باشد و اینکه این امر مقارن شد با راه اندازی وب سایت فروشگاهی اینجانب.
همانگونه که آقای اتفاق عزیز در اطلاعیه های خود گزارش تصویر برداری از تخت جمشید را به دوستان اعلام نمودند، ایشان در سه مرحله عازم تخت جمشید شده و اقدام به عکس برداری نمودند که حاصل این عمل تعداد 803 قطعه عکس بی نظیر و دیدنی شده است که دیدن آنها واقعا باعث شگفتی است. از اینرو بر آن شدیم که این تصاویر را به روی وبلاگی قرار دهیم تا دوستان بتوانند از آن در استنادات و گفتگو های رایج بهره برند.
و اما چند نکته:
1.نام این وبلاگ را دروغ بزرگ قرار دادیم تا برای خوانندگان عمق فاجعه آشکارتر شود.
2.تصاویری که روی این وبلاگ گذاشته می شود، فقط تعداد اندکی از تصاویر برداشته شده می باشد. بنده کل تصاویر را به صورت دی وی دی خدمت استاد میاورم تا دوستانی که مایل به داشتن مجموعه ی کامل تصاویر هستند آن را از ایشان بگیرند.
3. کیفیت و حجم تصاویر اصلی بسیار بالاتر از تصاویریست که شما در این وبلاگ ملاحظه می کنند.
4. باز هم با عرض شرمندگی، باید بگویم که تنها 2 بخش از 19 بخش پیشبینی شده آماده و بر روی وبلاگ قرار داده شده.

وب سایت

نویسنده: دهقانی (از شیراز) 2

سه شنبه 26 آذر1387 ساعت: 2:8

5. قرار بر این است که این وبلاگ به صورت سه زبانه (فارسی، عربی، انگلیسی) باشد. از اینرو از دوستانی که توانایی برگردان مطالب را به عربی و انگلیسی دارند می خواهم تا در این امر ما را یاری دهند.
6. از دوستان می خواهم که این حقیر را از راهنمایی هایشان محروم نکنند تا قبل از اینکه حجم مطالب وبلاگ از کنترل خارج نشده عیوب آن برطرف شود.
پیامی به جناب ؟ و سایر دوستان:
وبلاگ استاد در آمار شمارنده ها رتبه ی 1685132 و همچنین سایت ناریا رتبه ی 829415 را دارد
هنگامی که در گوگل جمله ی (تخت جمشید یک بنای نیمه تمام) را جستجو میکنید، اولین لینک در مورد این موضوع مهم را در صفحه ی 16 نتایج جستجو مشاهده می کنیم که به نظر من ضعفی بزرگ برای ما ست.
آقای ؟ و سایر دوستان وبلاگ، از آنجا که زمان ما برای معرفی این همه دروغ بسیار کم است لذا هر کسی که امکان ساخت یک گروه انترنتی را در یاهو دارد پس دریغ نکند.
این بنده ی حقیر را ببخشید که زیاده حرف زدم.
به امید روزی که آمار بازدید سایت استاد جزو 10 سایت پر بیننده ی دنیا قرار گیرد

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 26 آذر1387 ساعت: 5:47

آقای توحید. زحمت می کشید و ادامه دهید. توجه کنید که ترتیب ابجد خوانی حروف مختص عبری نیست، زبان های مبداء لاتین مانند روسی و یا یونانی نیز مبنای رجوع ابجد نویسی دارد که گوشه ای از آن در ترتیب "ک ل م ن" زبان انگلیسی نیز دیده می شود.

آقای دهقانی. گنجینه ی خوبی فراهم شده ولی تصاویر خیلی به سختی بالا می آید.

آقای اجباری. درخواست خود را به تلفن 66492049 سفارش دهید ارسال می شود.

آقای عابدی. با شما موافقم. با این همه کسانی هم که در سکوت و خفا زحمت می کشند و تبلیغ می کنند اندک نیستند. چندین سال است که وعده ترجمه ی کتاب ها و از جمله اسلام و شمشیر را به زبان عربی می شنوم و نمی خواهم بگویم که به همین بهانه حتی گوش مرا هم بدون هرگونه اقدامی بریده اند.

آقای مارلیک. آن مسلمان غیور عراقی می تواند الگویی برای هر یک از ما در مواجهه با بوش های فرهنگی خودمان باشد.

آقای ویرگول و آقای ؟. ممنون از ارسال لینک های خوب تان.

آقای sadegh. می گویند آن خبرنگار برای کسب شهرت به بوش و پورپیرار برای کسب شهرت به دروغ حمله کرده اند. اما بوش و باستان پرستان برای کسب شهرت جنایت نمی کنند و دروغ نمی بافند، آن ها ماهیتا آدم کش و دروغ سازند.

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

سه شنبه 26 آذر1387 ساعت: 8:45

با سلام.
آقای پورپیرار دلیل بالا نیامدن تصاویر تعداد و حجم زیاد آنها و همچنین سرعت اینترنت می باشد. تازه من برای حل کردن این مشکل حجم تصاویر را تا حد ممکن پایین آوردم و از تمهید ادامه ی مطلب استفاده کردم.
راستی اگر زحمتی نیست مطالب مربوط به کف سازی های نیمه تمام را مرور بفرمایید تا اگر ایرادی دارد اصلاح کنم.
http://www.bigfalse.blogfa.com/post-3.aspx

وب سایت

نویسنده: رضا

سه شنبه 26 آذر1387 ساعت: 9:10

آقای دهقانی با سلام. کار بسیار ارزشمند و عظیمی است. پیشنهاد میکنم که از این عکسها چند سری مختلف اسلایدشو به کمک MS-power point درست کنید. میتوانید این سلاید شو ها را با متنی به فارسی (یا انگلیسی و عربی) نیز ترکیب نمایید.صدا گذاری موسیقی یا کلامی هم قابل اجرا است.
در نهایت یک کار فوق العاده حرفه ای جهت ارائه به اهل علم و اساتید و اهل قلم در سراسر دنیا. این کار رسوایی جهانی برای این دکان جعل و دروغ به همراه خواهد داشت.

مستدام باشید.

نویسنده: رضا

سه شنبه 26 آذر1387 ساعت: 9:26

با سلام خدمت استاد محترم و دیگر دوستان
جناب توحید با سلام و تشکر از ارائه اطلاعات مفیدتان
سوالی ذهن مرا مشغول نموده که در صورت امکان توضیح بفرمائید
میدانیم که بنی اسرائیل از سرزمین کنعان به مصر مهاجرت کرد و در آنجا ساکن بود تا آنکه موسی ظهور کرد و انانرا از مصر خارج نمود . این قوم تا زمان خروج از مصر یا همان ادبیات و خط کنعانی را داشته و یا ازخط مصری استفاده میکرد. آیا بنظر شما ، با توجه به ضعف خط عربی در قرنها بعد(دوران ظهور اسلام) و سابقه طولانی یهود در امر تجارت و مالکیت که نیازمند نوشتن و سند است آیا احتمال ایجاد شدن عربی از عبری قوی تر نیست؟ در واقع ایجاد خطی ویژه اعراب از درون همان زبان عبری چنانچه برای زبان فارسی ، خط مشابه از عربی اخذ شده است.

وب سایت

نویسنده: kaveh

سه شنبه 26 آذر1387 ساعت: 13:22

آقای پور پیرار شما از مرتضی عسکری در اسلام و شمشیر د قیقا با این نام اسم بردید:استاد بزرگوار و بی مانند علا مه کبیر و شیخ عالی مقام . این عنوان را شما به کسی می دهید که تمام تلاشش شیعه کردن تمام آدمای دنیا بوده؟ و اونوقت شیعه رو به نقد میکشید؟ یعنی شما کسی مثل عسکری رو تائید میکنید؟

نویسنده: عارف

سه شنبه 26 آذر1387 ساعت: 16:2

سلام
فیلمی مستند از دهه هفتاد ایران ساخته کلود للوش فیلم ساز فرانسوی با یک موسیقی زیبا:
http://www.archive.org/details/lelouch_iran_1971

وب سایت

نویسنده: سرباز

سه شنبه 26 آذر1387 ساعت: 16:46

آقای رضا و آقای توحید

چندی پیش در مورد منشا' کلمه ی اسرائیل در قرآن و معنای کفرآلود آن در تورات از استاد سوالی پرسیدم که پاسخ ایشان این بود که همین نکته خود اثباتی بر نوساز بودن زبان و الفبای عبری است. بطور خلاصه:

خداوند در قرآن دوبار کلمه ی اسرائیل را به عنوان نام اشخاص بکار برده است: یکی بت پرست و رئیس قوم بنی اسرائیل، و دیگری نام یک پیامبر. اگر در مورد اسرائیل بت پرست نتوان چیز زیادی گفت، اما حداقل در مورد اسرائیل پیامبر واضح است که معنای نام او نمی توانسته عبارت کفرآلودی مثل "کسی که پشت خدا را به خاک رسانده" باشد! از طرف دیگر این نام در زبان عبری کلمه ای مرکب (اسرا + ئیل) و با همان معنای کفرآلود تلقی می شود!! اگر دقت کافی داشته باشید، همین نکته کافیست تا جعلی و نوساز بودن کل زبان و الفبای عبری ثابت شود.

نویسنده: آیدین یاشار

سه شنبه 26 آذر1387 ساعت: 18:12

با سلام خدمت استاد و دیگر دوستان و حتی بعضی دشمنان
بر حسب تصادف به یکی از کانالهای لوس آنچلسی نگاه میکردم. گوینده که تصویری از مصدق را نیز بر پیشخوان خود قرار داده بود، سخنان خود را با این جمله شروع کرد: «عرض سلام و ادب دارم خدمت خداوند بزرگ». سپس بعد از اهانت زیاد و بی تعارف به مقدسات، سخنان خود را با این جمله به پایان برد: «شما را به خداوند بزرگ ایران زمین می سپارم». از

بیشعوری مدیران و مجریان آن کانال طوری بغضم گرفت که نیاز شدیدی به درد دل با یک همدرد پیدا کردم. خواهش میکنم یک نفر مرا تسلی دهد. آخر حتی یک آدم آتئیست نیز میداند که خداوند باید مقوله ای جهانی باشد، نه منطقه ای.

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 26 آذر1387 ساعت: 19:49

آقای آیدیم یاشار. لنگه کفش می خواهند؟!!

آقای kaveh. آن روحانی شیعه که کتاب صد و پنجاه صحابی ساختگی را می نویسد و خواندن زیارت عاشورا را موجب شکاف میان مسلمین و گناه می داند، شایسته ی هزار تقدیر و احترام است.

نویسنده: امیرعماد

سه شنبه 26 آذر1387 ساعت: 21:37

با سلام به همه علی الخصوص استاد پورپیرار
اطلاعاتی در مورد نبطی ها می خواستم
هر کس می تواند کمک کند دریغ ننماید
با تشکرthx

نویسنده: آتیلا

سه شنبه 26 آذر1387 ساعت: 23:14

با سلام خدمت دوستان و استاد ارجمند

آقای توحید لطفا دقت فرمایید

1- تمام الفباها با ابجد شروع میشود به جز الفبای قلابی فارسی!!!!!!!!!!!!(گرفته شده از عربی)(الف ب پ ت ث ج ح خ ....

یونانی(آلفا بتا گاما دلتا)
لاتین (a b c d)

عربی (الف - ب - جیم - دال)
2- علاوه بر عربی و عبری که همخانواده اند!!
آرامی(آشوری) نیز با ابجد شروع میشود که هم خانواده ی این دو زبان است
3- الف ب جیم دارای معناست!

مثلا گیمل در عبری و جیم(ل)در عربی و c)amel) در انگلیسی به معنی شتر
کمل انگلیسی مشتق از عربی و آشوری و عبری است

بیث در عبری و ب(یت) در عربی به معنی خانه

میم در عبری یعنی آب و نون یعنی ماهی
ذوالنون یعنی صاحب ماهی(لقب یونس)

4-در عبری مانند عربی میم تنها و میم چسبیده است

5 -این دو زبان همخانواده اند و زبان عبری دلیلی بر صهیونیسم نیست

اگر زبان آشوری را مطالعه کنی میبینی که خیلی شبیه این 2 زبان است

اقوام عبری آشوری بابلی و عربی و قبطی و نبطی و فونیقی همه هم خانواده اند و زبان و ادبیات و الفبای مشابه دارند

مثلا بیت الله در عربی معادل بیث ایل در عبری دارد

یا جندالله معادل اسرائیل در عبری
هبه الله معادل هابیل

عبدالله معادل (گابروئل)جبراییل

هردو قوم عبری و عربی سنت زنده به گور کردن دختران را در تاریخ دارند

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

سه شنبه 26 آذر1387 ساعت: 23:22

با سلام.
آقای رضا اگر امکان دراد آدرس و شماره تماس خود را برای من ایمیل کنید تا در مورد ساخت MS-power point با شما صحبت کنم.
تشکر.

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 26 آذر1387 ساعت: 23:38

آقای عاقل. یادداشت 104 را بخوانید.

آقای آتیلا. اعراب سنت زنده به گور کردن دختران را نداشته و ندارند.

آقای خرمی. عمل آن خبرنگار به عنوان سمبل دیگری از شجاعت و مقاومت مبارزان مسلمان، برای رد و طرد ماموران جانی و حریص کنیسه و کلیسا، در دوران معاصر ثبت خواهد شد.

نویسنده: ؟

چهارشنبه 27 آذر1387 ساعت: 1:22

وبلاگ و اسم نویسندگان وبلاگهای توهین کننده . کسانی که به مسیح و مسیحیت توهین میکنند
/http://toheen.blogfa.com

آخرین دیدار و گفتگوی میرزا کوچک خان و همسرش
/http://edenboy99.persianblog.ir/post/85

خورهه؛ شهر خورشید
id=29722&http://www.chn.ir/news/?section=1

بین خطوط حرکت کنید
http://i41.tinypic.com/29prf3q.jpg

این بار پرچم ایران را ناک اوت می کنند
http://www.iranmalaysia.com/123NewsDetail.aspx?NewsId=18722

Sky City - Dubai from Fabulous
http://travelintospain.blogspot.com/2008/12/fabulous-city-dubai-from-sky.html

مجسمه مسيح رهايي‌بخش، يکي از عجايب هفتگانه جديد
(http://en.wikipedia.org/wiki/Christ_the_Redeemer_(statue

برادر خبرنگار عراقي در گفت‌وگو با فارس:
منتظر الزيدي از شيعيان دوستدار ايران است
http://www1.farsnews.com/newstext.php?nn=8709261054

شب يلدا 30 آذر ثبت ملي مي‌شود
http://tabnak.ir/pages/?cid=29393

متكي به ارمنستان و بلاروس رفت.(به‌به چه كيكي، يادم باشه دستور پختش رو ازتون بگيرم براي حاج‌خانم)[نيشخند]
http://tabnak.ir/files/fa/news/1387/9/25/21576_513.jpg

سفر اضطراری هیات اسراییلی به مسکو:
به ایرانی ها موشک ضد هوایی ندهید تا بتوانیم بمباران شان کنیم!
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=59651

قرائتی:برای آب و فاضلاب جلسه هست اما برای نماز نه!
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=59733

دلسوزی سازمان ملل برای مسئولان رژیم صدام؛
اعدام‌ها را لغو کنید
http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=69239

بیکاری گریبان اسرائیل را گرفت؛
اخراج به خاطر بارداری
http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=69199

تخت جمشید روح دادگری و انسان دوستی پارسیان است!
id=49199&http://www.chn.ir/news/?section=2

آغاز عمليات كاوش باستان شناسي در گورستان گروي هرمزگان
http://chtn.ir/WebForms/Fa/News/NewsInfo.aspx?ID=24329

دختر بچه ژاپني، كاشف فسيل ميگوي 130 ميليون ساله
http://chtn.ir/WebForms/Fa/News/NewsInfo.aspx?ID=24359

راستی از دوستان کسی اسکن کتاب صحابه دروغین علامه عسکری را نداره تا برای بقیه به اشتراک بزاره؟

نویسنده: رضا

چهارشنبه 27 آذر1387 ساعت: 5:38

دوست عزیز دهقانی.
در بخش کامنت های وبلاگ تان پیغام خصوصی گذاشتم.

نویسنده: توحید

چهارشنبه 27 آذر1387 ساعت: 5:55

با سلام . خسته نباشید استاد .

قبل از هر چيز بايد بگويم كه واقعا دارم درس شاگردي شما را پس مي دهم .
فرموده بوديد ، ابجد خواني در ديگر زبانها و از جمله زبان روسي و يوناني نيز رواج دارد . البته منظور من نوع خاص ابجد است كه با شماره گزاري رمز گونه اي نيز همراه است و خاص الفباي «عبري» است كه به فارسي هم سرايت كرده است و استفاده از اين رمز عددي در فرهنگ ما «ايرانيها» رواج زيادي دارد :

(الف=1 ، ب=2 ، ج = 3 ، د=4 ، هـ = 5 ، و=6 ، ز=7 ، ح = 8 ، ط=9 ، ي=10 ، ك=20 ، ل=30 ، م= 40 ، ن=50 و ....)
مثلا كلمه «علي» به حساب ابجد مي شود «110» . (شايد دليل انتخاب شماره پليس 110 همين باشد)

هم چنین شما فرموده بودید : "زبان های مبداء لاتین مانند روسی و یا یونانی نیز مبنای رجوع ابجد نویسی دارد "

استاد تا آنجا كه من به ياد دارم خود شما فرموده بوديد ، (روسيه ، عثماني و صفويه) قريب 500 سال پيش با هم سر بر آورده اند ، پس فكر نكنم كه روسي (مبدا) الفباي انگليسي باشد .

نكته جالب ديگر آنكه برخي از حروف «روسي» شباهت زيادي به حروف «عبري» دارند و جالب اينكه در تلفظ هم شبيه هم هستند مثلا :

Ш روسي = sha

ש عبري = shin

و ما با پيشينه حضور « يهوديان خزري » در منطقه قفقاز و قدرت نمايي آنها و در نهايت زوال آنها و سپس پراكندگي آنها از غرب به روماني و مجارستان و از شرق به « روسيه » ، آشنا هستيم و اين موضوع مي تواند جاي تحقيق داشته باشد .

نويسنده: توحيد

چهارشنبه 27 آذر1387 ساعت: 5:56

جناب رضا ، با سلام
به نظر من اينكه فكر كنيم خواستگاه « بني اسرائيل » «كنعان» بوده است و فرزندان اسرائيل (= يعقوب!) توسط يوسف به مصر مهاجرت كرده باشند ، اسير شدن در مهملات و تلقينات «يهودي باف» است و هيچ ادله تاريخي در اين زمينه نداريم .
ضمن اينكه نكته ديگري كه وام گرفتن «عربي» از «عبري» را ضعيف مي كند توجه به عدم شباهت شكل حروف عربي و عبري است كه قبلا توضيح دادم .
يعني اگر با مراجعه و مقايسه خطوط كهن «لاتين» و «يوناني» با «حروف فعلي انگليسي» به سهولت مي توان حكم به هم ريشه بودن اين زبانها داد ، در مورد «عبري» و «عربي» چنين چيزي اصلا صادق نيست و حتي دو حرف را نمي توانيد در اين دو زبان با هم ارتباط بدهيد ! (مراجعه نماييد به مشاهده الفباي كهن عربي در مقالات ايران شناسي شماره 130 و كتاب پلي بر گذشته جلد 3 صفحات 52 و 53 استاد پورپيرار)
** از همه مهمتر اينكه ، حروف عبري ، مانند حروف لاتين جدا از هم و منفصل نگارش مي شود ولي عربي متصل است .**
همچنين اگر موافق باشيد ، خط پيوسته ، مانند عربي ، از پيچيدگي ها و تكامل بيشتري بر خوردار است نسبت به خطوط منفصل و اختراع يك خط منفصل بسيار سهل و ساده مي باشد ولي ساخت و ايجاد ارتباط بين حروف پيوسته كاري بسيار ظريف و شاق است .
در ضمن من فكر مي كنم زبان عربي بالقوه ، استعداد رشد و تكامل را داشته است ، در حالي كه اگر اندك آشنايي با حروف «عبري» پيدا كنيد خواهيد دانست كه اين زبان اصولا امكان هيچگونه توسعه و تكاملي را ندارد .
از شكل و فرم انعطاف ناپذير عبري كه بگذريم ، لغات عبري مانند عربي داراي ريشه ثلاثي نمي باشند و بدون ريشه و هويت هستند و آن زايش لغات عربي را ندارند ، بر فرض شما با داشتن ريشه لغت « تقدير » كه « ق-د-ر» است مي توانيد بيش از 10 لغت جديد بيافرينيد مانند : (قادر ، مقدور ، مقدر ، قدير ، قدر ، اقتدار و ......) .

در نهايت ، فكر مي كنم كه خط و زبان «عبري» بيشتر يك خط و زبان «رمز گونه» جعلي ، براي قومي است كه هيچ علاقه اي ندارد محتواي تاريخي و فرهنگي قوم خود را آشكار و عيان نمايد ، هر چند شايد چنين قضاوتي كمي عجولانه باشد .

نويسنده: توحيد

چهارشنبه 27 آذر1387 ساعت: 5:57

با سلام خدمت استاد و ساير دوستان
جناب آتيلا ، از اطلاعات مفيدتان بسيار سپاسگزارم و استفاده لازم را بردم .
البته شما اطلاعات مفيد و جالبي داريد ولي فكر مي كنم به خوبي از آنها استفاده نمي كنيد و اسير تلقينات «يهودي» هستيد .
مثلا اينكه «عربي» و «انگليسي» با ابجد آغاز مي شوند و «عبري» هم ، دليل بر اصالت خط و زبان عبري نمي شود و ياد آن جمله طنز مي افتم كه «ما سه تا رو كجا مي بري ؟!!»
در ضمن در مورد تناقض ادعاهاي هم خانواده بودن «عبري» و «عربي» كامنت بالا (پاسخ به آقاي رضا) را هم بادقت بخوانيد .
البته بنده تحقيقاتم را تازه آغاز كرده ام و اطلاعاتم ناقص است و خوشحال مي شوم براي مطالعه بيشتر منابعي را برايم معرفي كنيد . چون قصد همه ما در اين جمع آموختن از يكديگر است .
با تشكر .

وب سايت

نويسنده: ناصر پورپيرار

چهارشنبه 27 آذر1387 ساعت: 13:37

آقای توحید. حروف در زبان یونانی نیز عینا مانند زبان عبری و عربی معادل و مقادیر عددی دارد که جدول کامل آن را در صفحه ی 100 بخش اول ساسانیان قرارداده ام. حروف ابجد در عرب یک الحاق نو است و مبداء قدیم ندارد. در زبان انگلیسی و به طور کلی لاتین نیز حروف به جای اعداد به کار می رود که در تاریخ گذاری کتاب ها و در ارقام صفحات بعضی از ساعت ها هنوز کاربرد دارد. در باب روس ها زمان تحول تاریخی و تشکل سیاسی و ظهور دولت در آن سرزمین به قریب 500 سال پیش باز می گردد و نه تجمع انسان و زبان و خط، هرچند در باب ایران و عثمانی حتی تجمع و تدوین فرهنگ، نیز بسیار جدید است و محکم ترین دلیل آن استفاده ی ترکان و ایرانیان از خط عرب است که نشان می دهد فاقد فرهنگ نگارش باستانی بوده، به زمان عرض اندام مصنوعی جدید، ناگزیر به خط عرب پناه برده اند.
اما در باب خط عبری، هیچ تردیدی در نوتراشی آن نیست. زیرا کنیسه برای پنهان ماندن حقیقت، ناگزیر به انهدام اسناد قدیم قوم و دین یهود بوده است، تورات موسایی را در زمان پیامبر، که سند قرآنی دارد و تورات پس از اسلام را نیز در دوران جدید از بین برده اند و از آن که در عالم به طور عموم کتاب نویسی کلاسیک عمری بس جدید دارد و در دوران درازی، جز قرآن و انجیل و تورات، آن هم به صورت اوراق نبوده و اصولا یهودیان به متون تبلیغی و تفسیری برای جذب دیگران به دین یهود نیاز نداشته اند، پس در هر زمان تنها با گردآوری و انهدام تورات، خط قدیم آن نیز از میان می رفته و ناشناس می مانده است. به همین دلیل هرچند از خط عرب چند قرن قبل از اسلام نمونه های بسیاری بر سنگ به جای مانده، اما به خط کنونی یهودیان نمونه ی کهنی یافت نشده است. به علاوه محتوای تورات های جدید به خوبی تدوین آن را بر مبنای نیازمندی و سیاست های جدید یهود اعلام می کند. اگر از عبری و فارسی هیچ نمونه ای دورتر از قرون اخیر نداریم و حتی در ابتدا متون فارسی را با حروف تازه تاسیس عبری می نوشته اند، پس نتیجه گیری از تمام این مقدمات چندان دشوار نیست که به خواست خداوند به آن وارد خواهم شد. باید اشاره کنم در تدوین سومین تورات، به خط عبری موجود، نیازی به تغییر متن ضمائم آن نداشته اند که کتاب هایی مستقل با مولفین جداگانه و ذیل هایی بر پنج کتاب نخست تورات است.

نویسنده: مارلیک

چهارشنبه 27 آذر1387 ساعت: 13:53

سلام
دوستان کسی آدرس وبلاگ آقای اتقاق را اگر دارد ممنون می شوم

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

چهارشنبه 27 آذر1387 ساعت: 18:4

با سلام.
آقا رضا، برایتان یک ایمیل فرستادم، به درست بودن آدرس ایمیل شک داشتم.
لطفا چک کنید و مرا در جریان قرار دهید.
با تشکر.

وب سایت

نویسنده: حکیمی

چهارشنبه 27 آذر1387 ساعت: 18:5

با چشمانی ژر از اشک این لینک را برایتان میفرستم:
http://adlroom.info/vdce.78wbjh8pn9bij.html

نویسنده: روشن

چهارشنبه 27 آذر1387 ساعت: 18:37

اقای مارلیک با سلام
ادرس وبلاگ اقای اتفاق بشرح زیر است
نون والقلم نقطه ایران بلاگ نقطه کام

خواستم ادرس را بصورت لینک بنویسم با خطای تبلیغات ممنوع است روبرو شدم

نویسنده: عابدي

چهارشنبه 27 آذر1387 ساعت: 19:19

با سلام . خسته نباشيد.

کتاب 150 صحابه دروغين رو به زبان عرب گير آوردم.

http://alhikmeh.com/arabic/mktba/sira/zip/sahaby01.zip

http://alhikmeh.com/arabic/mktba/sira/zip/sahaby02.zip

از اين آدرس : http://alhikmeh.com/arabic/mktba/sira/index.htm

اگر فارسي اش را يافتم مي ذارم.

نویسنده: حذف

چهارشنبه 27 آذر1387 ساعت: 20:24

http://www.kroma.no/2008/bushgame/

این هم بازی پرتاب کفش به بوش !

وقتی دانلود شد می تونید از اینترنت قطع بشید ! اگر هم بتونید ، می نویسه : بله ! شما می تونید ! همون جمله ی احمدی نژاد ! هر وقت بازی تموم شد ، رایت کلیک بکنید و دکمه ی play رو بزنید ! حتی می تونید بازی رو روی هارد ، save کنید و هر وقت خواستید ، دوباری بازی کنید البته موقع ذخیره باید به شکل mht اون رو save کنید .

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 27 آذر1387 ساعت: 20:40

آقای تلمیذ و آقای ؟ و آقای مارلیک و آقای امیر عماد . لطفا در پیام خصوصی ایمیل خودتان را ارسال کنید.

آقای امیر عماد. در باب نبطی ها اطلاعات چندانی وجود ندارد.

١ ٢ >>

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ، 190، دیدار از اندونزی، 13 - 71 نظر

نویسنده: مارلیک

پنجشنبه 28 آذر1387 ساعت: 0:8

سلام
آقای روشن متشکرم

نویسنده: علیرضا از تبریز

پنجشنبه 28 آذر1387 ساعت: 1:38

آقای حکیمی
اگه جنگی با اینهایی که تو این لینک معرفی کردید, اتفاق بیافته, جزء اولین نفراتی خواهم بود که به جنگ میرم. درسته که سود جنگ رو همیشه بعضی نامردها میخورند, ولی من حتماً به این جنگ میرم

نویسنده: ویرگول

پنجشنبه 28 آذر1387 ساعت: 8:2

روایت مفضل بن عمر از امام صادق ـ علیه السلام ـ که در مصباح‌المتهجد آمده است، حکایت از آن دارد که روزه روز غدیر، معادل کفاره شصت سال است
http://tabnak.ir/pages/?cid=29384

بلکم ششصد یا شصت هزار سال،
هر چی شراب خاخام بیشتر عدد بیشتر..
stupidness infinite

نویسنده: رضا

پنجشنبه 28 آذر1387 ساعت: 8:48

با سلام خدمت استاد محترم و دیگر دوستان
جناب توحید با تشکر از توضیحتان ، آیات 99 و100 سوره مبارکه یوسف نشانگر انتقال خانواده یوسف به مصر از بیابان است. و ارتباطی با داستانهای یهودی ندارد.

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 28 آذر1387 ساعت: 9:31

آقای ارادتمند. نسخه ی من از انتشارات فرهنگستان ادب و هنر ایران به شماره ی 11 و ترجمه ی ع. وحید مازندرانی است.
در کتابی که 2000 سال پیش از کشف آفریقا، اتیوپی و لیبی و قاره ی آسیا و خلیج فارس دارد، دنبال چه می گردید؟!!

نویسنده: توحید

پنجشنبه 28 آذر1387 ساعت: 8:18

با سلام
دوست گرامي ، جناب رضا ، ممنون از پيگيري و توجه شما .

در کامنت سه شنبه 26 آذر1387 ساعت: 9:26 - نوشته اید :

"میدانیم که بنی اسرائیل از سرزمین کنعان به مصر مهاجرت کرد و در آنجا ساکن بود تا آنکه موسی ظهور کرد و انانرا از مصر خارج نمود ."

و در کامنت پنجشنبه 28 آذر1387 ساعت: 8:48 - نوشته اید :
"جناب توحید با تشکر از توضیحتان ، آیات 99 و100 سوره مبارکه یوسف نشانگر انتقال خانواده یوسف به مصر از بیابان است.
و ارتباطی با داستانهای یهودی ندارد."

جناب رضا ، بنده فكر مي كنم شما هنوز به بنيان موضوع پي نبرده ايد . اگر مطالب استاد را با دقت مرور كنيد لااقل خواهيد دانست كه اين قوم يوسف بودند كه به مصر مهاجرت كردند نه بني اسرائيل (استاد بارها تذكر داده اند كه يعقوب قرآن با اسرائيل هيچ ارتباطي ندارد و اسباط 12 گانه ساخته ذهن يهوديان است و توهم نه واقعيت) در ضمن همان قوم يوسف هم ما نمي دانيم مبدا شان كجا بوده است و در قرآن اشاره اي به «كنعان» نشده است و اين آگاهي جزو همان اسرائيلياتي است كه وارد قرآن شده است .
در مورد سوالتان در باره امكان ايجاد خط عربي از روي خط عبري ، همان طور كه قبلا گفتم و نتيجه گيري نمودم خط عبري يك خط نوساز و جعلي است و در واقع فكر نمي كنم حتي قومي به نام «عبري» هم وجود خارجي داشته باشد ، هر چند در اينباره توضيح شامل و كامل را استاد محترم در كامنت (چهارشنبه 27 آذر1387 ساعت: 13:37) بيان فرمودند و جالب است تحقيقات مستقيم و مستقل بنده هم كاملا بر نظر استاد صحه مي گذارد .

نویسنده: مارلیک

پنجشنبه 28 آذر1387 ساعت: 14:32

اندر تلویزیون جمهوری اسلامی: .....گر درب بهشت به روی ما نگشایند یا علی گوییم و از دیوار بالا رویم!!!!!!!!!

نویسنده: بای بگ

پنجشنبه 28 آذر1387 ساعت: 16:42

استاد دوستت داریم و از خدای بزرگ برایت سلامتی و عمر با عزت را خواستاریم

یا شا سن بویوک بیلیجی

وب سایت

نویسنده: ویرگول

پنجشنبه 28 آذر1387 ساعت: 17:13

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=69341
لوح دوران هخامنشي كشف شد
نجسا!!!.................

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

پنجشنبه 28 آذر1387 ساعت: 17:13

با سلام.
برای شوخی.
استاد چرا همه ی صحبتهای شما درست از آب در می آیند؟
1.هر چه در مقاله ی تجدید مطلع نوشته بودید به وقوع پیوست.
2.در همان مقاله ی تجدید مطلع، گفته بودید که مقاله ای در سال 61 و با همین مهتوا نوشته بودید که آن هم درست از آب درآمد.
3.جمله به جمله ی مقدمه ی کتاب اشکانیان را در لینک آقای حکیمی دیدیم
4. مدتی که حرف از دمپایی و لنگه کفش به میان می آوردید و دیدیم که به سمت بوش مفلوک پرتاب شد.
نکنه شما هم مثل اون هندیه پیشگو هستید و ما خبر نداریم؟
البته با عرض پوزش.

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 28 آذر1387 ساعت: 17:27

آقای دهقانی. خداوند اهل کتاب پیشین، یهود و نصاری را، نجس خوانده و هرچه می گذرد نجس تر می شوند.

آقای ویرگول. به زودی گند این یکی هم مانند آن دیگری که در جزیره ی خارک پیدا کرده بودند درخواهد آمد. مسخره این جاست که هنوز خوانده نشده از متن آن باخبرند!!!؟ ضمنا اگر ممکن است آدرس ای میل تان را به صورت خصوصی بفرستید.

آقای بی نام. با امتنان فراوان. به دست صاحب اش استاد غفوری نازنین می رسانم.

نویسنده: بی نام

پنجشنبه 28 آذر1387 ساعت: 20:12

آقای رضا و آقای توجیدسلام علیکم - با عرض ادب واجازه از محضر شما بزرگواران

عبری کلمه ایست عربی به معنی گذری(عبر=گذر) و به ان قومی اطلاق می شود که از رود نیل گذر کرد.
این گلمه به هم ریخته عربی نیست وتعلیقی است که عرب بر این قوم گذارده.

1-احاد (عربي=واحد)
2- شِنَييم (عربي=اثنين)
3- شِلُوشا (عربي=ثلاثه)
4- أرباعا (عربي=اربعا)
5- حميشا (عربي=خمسه)
6-شيشا (فارسي=شش، عربي=سته)
7- شيوعا (عربي=سبعا)
8- شِمونا (عربي= ثمانه)
9- تيشعا (عربي=تسعا)
10- عَسارا (عربي=عشرا)

نویسنده: ویرگول

پنجشنبه 28 آذر1387 ساعت: 20:19

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=69347
اسلام سئوالي را بدون پاسخ نگذاشته است

آيت‌الله العظمي ناصر مكارم شيرازي در ديدار اقشار مختلف مردم اظهار داشت: جوانان بايد فاصله خود را با نهج‌البلاغه، صحيفه سجاديه و تفسير آيات قرآن كم كنند، زيرا بالا رفتن علم و دانش باعث تشخيص راه زندگي صحيح و سعادتمند خواهد شد.

ای ای ای ای ای ای ای عقلم بد چیزی نیس..................فاصله با چیا باید کم شه!!؟

نویسنده: ویرگول

پنجشنبه 28 آذر1387 ساعت: 20:20

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=69348
کشف 37 قطعه شيء عتيقه در اهر
فرمانده انتظامي شهرستان اهر گفت اين اشياي عتيقه از 6 قاچاقچي كشف شده و شامل 5 جلد كتاب خطي نفيس دست نويس ، 20 قطعه مجسمه طلايي و مفرغي و 12 قطعه سفال قديمي است.

ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای ....

نویسنده: ساسان

پنجشنبه 28 آذر1387 ساعت: 22:24

استاد گرامی هرودت از خلیج عربی سخن گفته نه خلیج فارس!!!

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

پنجشنبه 28 آذر1387 ساعت: 23:39

با سلام.

>>>وبلاگ دروغ بزرگ در خدمت جویندگان حقیقت.<<<

مطلب جدید

>>>بررسی مفصل حجاری های نیمه تمام تخت جمشید.<<<

www.bigfalse.blogfa.com

وب سایت

نویسنده: دهقانی (از شیراز) 2

پنجشنبه 28 آذر1387 ساعت: 23:41

سلام مجدد.
آقای پورپیرار لطفا اگر کمی یا زیادی دارد بفرمایید تا رفع کنم.
آقا رضا، ایمیل من به دست شما رسید؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 29 آذر1387 ساعت: 0:59

آقای دهقانی. خسته نباشید. باید راهی هم برای معرفی و تبلیغ وبلاگتون پیدا کنید.

آقای ساسان. دعوا سر همین مطلب است که در ترجمه های موجود گاهی تبدیل به خلیج فارس کرده اند!!!

آقای ارادتمند. متاسفانه کامنت شما در اثر اشتباه از دست رفت.

آقای بای بگ. یکی از کامنت های شما هم در اثر همان اشتباه از دست رفت.

آقای فتح. متاسفانه نتوانستم از آن مقالات استفاده کنم چون به زبان فرانسه بود.

نویسنده: آتیلا

جمعه 29 آذر1387 ساعت: 3:56

جناب آقای توحید عبری نیز مانند عربی زبان قالبی است و از ریشه قدر در زبان عبری نیز مشتقات بر بابهای افعالشان ساخته میشود

مثلا کلمه قدوش(پاک)مشتق مقداش(مقدس) دارد
زبانهای قالبی علاوه بر خاور میانه در شمال شرق آفریقا نیز وجود دارد مثل سومالی که مرکز آن مقادیشو یا مقدسیه است
در اتیوپی نیز زبانهای قالبی صحبت میشو د در سودان نیز همچنین
برای مطالعه بیشتر زبانهای قالبی از جمله آشوریبا آرامی و عربی و عبری و زبانهای همخانواده قالبی مرده مثل بابلی و قبطی و فونیقی بهتر است بیشتر از سایت ویکی پدیا و لینک های مربوطه آن کمک بگیری
خداوند پشت و پناهتان باد

نویسنده: ارکین ارسلان

جمعه 29 آذر1387 ساعت: 10:44

تلاش رسمی در جهت محدودسازی و از بین بردن زبان تورکی شکل عریان تری به خود می گیرد:
http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=8709260165

نکته ای که تازه فهمیدیم اینه که فارسی زبان دوم جهان اسلامه! این هم می تونه یه جوک جالب باشه.
از نظر این آقایان تورکی زبان غیر اسلامیه. اما یکی نیست از اینها بپرسه اگر در ادعای اسلامی کردن نامگذاری اماکن صادقید ، چرا زبان عربی ، زبان اصلی اسلام را اجباری نمی کنید.
جالبه که خبرگزاری فارس از فرط ذوق زدگی در همین گزارش کوتاه مرتکب 8 غلط املائی و نگارشی شده است.

وب سایت

نویسنده: هدی صادقی

دوشنبه 28 بهمن1387 ساعت: 23:3

سلام
خوشحالم که با وبلاگ جناب پورپیرار آشنا شدم
دنبال مطالبی در مورد رقص توصیفی بودم که خدا مارو انداخت تو دومن شما
اگه منبع و مرجع دیگه میشناسید دریغ نکنید
شاداب باشید

وب سایت

۱ ۲

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر   بازنویسي

ایران شناسی 191

ایران شناسی بدون دروغ، 191، دیدار از اندونزی، 14 - 101 نظر

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

جمعه 29 آذر1387 ساعت: 12:38

با سلام.
استاد خسته نباشید.
من فکر می کنم که در هر زمان و هر مکان، سازمانی تشکیل شد که قصد حفاظت و یا ترویج و یا هر بهانه ی دیگر، در مورد مسایل سیاسی، دینی، فرهنگی، اقتصادی و ... را داشته باشد، عاقبت برای حفظ سلامت و بقای خود، نیاز به دروغ، فشار، ساختن بت، و ... را دارد. درد جوامع اسلامی نیز به دست گرفتن زمام اسلام توسط یک یا چند گروه مشخص است، تا مردم از طریق آنها اسلام را بشناسند. وگرنه کتاب قرآن که تنها سند دین اسلام است در خانه ی هر کسی یافت می شود.

نویسنده: ؟

جمعه 29 آذر1387 ساعت: 15:23

رکورد دار امامزاده، (بیش از 444 امام زاده در استان قم مدفون هستند)!عکس هایی از امامزادگان شهر قم
http://www.qom-barax.blogfa.com/post-12.aspx

علت اینکه لینک از خبر گزاری ها نمی فرستم این است
احساس می کنم دوستان خودشان این اخبار را می خوانند ولی اگر لینک های جالب شبیه به این مورد پیدا کردم حتما می گزارم
راستی نظر شما دوستان چیه؟

نویسنده: جامعه شناس

جمعه 29 آذر1387 ساعت: 15:47

سلام ناصرخان
راستش داشتم دیگر گیج می شدم که حکمت بحث اندونزی در میان تاریخ ایران چیست ، که آخرین سطور یادداشت اخیرتان که جذابیتی والا داشت ، ملتفتم کرد این همه زمینه چینی و آن سفر دور و دراز را برای چه آورده اید و رفته اید . خدا عزت و قوتتان دهد .

دو سؤال در مورد اندونزی و یک سؤال متفرقه دارم و التماس راهنمائی :

1) آشنائی مردم اندونزی با قرآن چه اندازه است ؟ (توضیح اینکه در کشور ما ، حتی باسوادهای کتابخوان هم از قرآن بی اطلاع هستند و مثلا حتی در برخورد با سریال مضحک یوسف نمی دانند اکثر قریب به اتفاق وقایعی که در فیلم نشان داده می شود ، همراستا با قرآن نیست !!!)

2) مردم اندونزی قرآن را به چه زبانی (برای فهمیدن ، نه برای تلاوت کردن معمولی) می خوانند ؟ به زبان خودشان از طریق ترجمه یا به زبان عربی ؟

3) از اشکانیان هیچ اثری جز مسکوکات آنها در دست نیست چنانکه اگر سکه ها نبود ، کل آن دوران 500 ساله را باید در خلأ کامل قدرت می دیدیم . حتی چند عمارت مانده در عمدتا فارس هم نمی تواند دردی را دوا کند ، چون اولا انتساب آنها به اشکانیان یا هر کس دیگری فاقد سندیت لازم است و دوما حتی با فرض انتساب به اشکانیان ، این آثار تنها در فارس است حال آنکه حکمرانان محلی ارشکوسی نام در سراسر ایران پراکنده بوده اند . با این مقدمه می خواهم بپرسم به همان طریق که تنها حسب مسکوکات ، وجود اشکانیان پذیرفته ایم ، چرا باز حسب مسکوکات ، وجود غزنویان و سلجوقیان و ... را نمی پذیریم ؟ شما می گوئید چون از این سلسله ها هیچ عمارت و بقعه و بارگاه و ... برجای نیست ، پس وجودشان خیالی است ، اما همین استدلال را در مورد اشکانیان که باز هم تنها سکه از آنها داریم نمی پذیرید ؟

نویسنده: بختیار

جمعه 29 آذر1387 ساعت: 17:22

استاد دستتان درد نکند

پتکتان را بلاخره فرو آوردید. هم پوزه و هم کله و سر و صورت عهده ای بدجوری مورد الطفاتتان قرار گرفت

نویسنده: مسعود

جمعه 29 آذر1387 ساعت: 19:45

سلام علیکم و بحول الله

خسته نباشید جناب استاد عزیز و میدانم که تحریر هر یادداشت در این سن و سال برایتان چقدر سنگین و صعب است با اینحال نیک واضح است از اینکه الله یاور شماست دل قوی میدارید و به روز رستاخیز و قیامت عالمیان ایمان کامل دارید و ان شا الله و به یقین من قطعا" خدای متعال شما را جزو صالحان زمین محشور خواهد فرمود.

چقدر این نوشته های شما دلنشین و به ایمان بیشتر به خدای مهربان آدمی را دلگرم مینماید و چه اندازه تیرگیهای اطراف را کنار میزند تا نور حقیقت بر ذهن های به عمد آشفته شده ما از سوی یاوران ابلیس در زمین بتابد و از گرمی این نور چقدر دلها آرام و به سوی الله تعالی نزدیکتر میگردد....

آری استاد عزیز حکایت "تظاهر به اسلام" که امروزه در رگ و پوست مردمان منطقه ما رسوخ کرده است را بسیار بجا تذکر داده اید و خدای واحد را گواه میگیرم که هر کس این اشاره فوق العاده پرمعنای جنابعالی را در درون خود نکاود و به خود نیاید از ساعتی پس از خواندن این یادداشت "تذکر دهنده" شما بنظر من باید در اسلام را از الف شروع کند ...

در پناه خدای منان از شر مفسدان فی الارض در امان و آرامش باشید.

نویسنده: توحید

جمعه 29 آذر1387 ساعت: 16:54

با سلام
استاد ، واقعا از مطلب جدیدتان لذت بردم ، در باره شاه اسماعیل ، قبل از اینکه با شما آشنا بشوم مفصل تاریخ دورانش را خوانده بودم واقعا باید گفت بیشتر شبیه يك فیلم ترسناك و خيالي بود با انواع مفسده ها و تجاوزات و قتل و غارت و ... و من هم تمام آنها را باور مي كردم! جالب است همانطور كه مي دانيد شاه اسماعیل در آخر سر همین لا ابالي گريها جان مي سپارد .

نویسنده: آنتی لگاریتم یک دهم

جمعه 29 آذر1387 ساعت: 20:34

با سلام و عرض پوزش محضر استاد
از دوستانی که ماشین حساب مهندسی دارند خواهش می کنم مقدار عددی زیر را برای حقیر محاسبه کنند :

1/0 Anti Log
(آنتی لگاریتم یک دهم)

باز هم از محضر شما آقای پورپیرار عذر می خواهم .

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

جمعه 29 آذر1387 ساعت: 22:27

با سلام
آقا رضا گویا هم ایمیل و هم آدرس وبلاگی را که برای من فرستادید اشتباه هستند.
با شما کار واجبی دارم. لطفا به ایمیل من تماس بگیرید.
با تشکر.

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 29 آذر1387 ساعت: 22:43

آقای توحید. سر و کار ما با خفاش های فرهنگی خون آشامی بوده و هست که غالبا از سقف کنیسه و کلیساها آویزانند.

آقای مسعود. ممنون.

آقای بختیار. پتکی در کار نیست، لنگه کفشی است که بر مسند فرهنگی دروغ بافان پرتاب می شود.

آقای جامعه شناس. در فرصت اندکی که بود به دو کتاب فروشی سرکشی کردم، به طور معمول قرآن ها ترجمه نداشت و شاید هم به قدر کافی باریک نشده باشم. از اشکانیان جدای از معابد و نقش برجسته ها و کتیبه های مختلف، به خط و زبان یونانی، بناهایی علاوه بر آن چه در فارس دیده می شود، باقی مانده که گسترده ترین آن ها بارگاه معروف به بلقیس و سلیمان در تکاب آدربایجان و نیز ابنیه ای ییلاقی در کرمانشاه و تیسفون در مرز عراق و مجموعه ی سنگی وسیعی در جنوب تخت جمشید است که به کلی برچیده و مصالح آن را برای تولید پاسارگاد حمل کرده اند، چنان که در کتاب ساسانیان تصاویر کامل و کافی از آن قرار داده ام. در باب تعدد معابد آن ها نیز به میزان کافی آثاری بر زمین ایران باقی است، ضمن این که از یاد مبرید آن ها مهاجرانی موقت و کلنی نشین بوده اند که قصد احیای امپراتوری یونان در ایران را نداشته اند. ضمنا آن سکه های سلجوقی و غزنوی مورد نظر شما را کجا باید دید؟!

آقای ؟. زحمت می کشید.

آقای دهقانی. هنوز هم اشاراتی نگفته مانده است.

آقای مارلیک. آدرس ای میل شما را می خواستم و به یاد ندارم که فرستاده اید یا خیر. به هر حال اگر اشکالی ندارد آدرس ای میل تان را در پیام خصوصی بفرستید.

آقای نتاب. شما هم اگر مشکلی نمی بینید آدرس ای میل تان را در پیام خصوصی بفرستید. ممنون

نویسنده: سعید

شنبه 30 آذر1387 ساعت: 0:44

سلام آقای پورپیرار- بطور کاملا اتفاقی با نظریات شما آشنا شدم. تمام مقالات ایران شناسی بدون دروغ و مقالات اسلام و شمشیر شما را خواندم. سی دی تخت گاه هیچ کس را تماشا کردم . با توجه به مطالعات قبلی ام در مورد تاریخ وادیان ابراهیمی اعتراف می کنم اکنون که به میانسالی نزدیک شده ام کمتر به اندازه این یکماه احساس خوبی از مطالعه موردی بمن دست داده بود. خصوصا اسلام و شمشیر عالی بود. با دوستان در باره شما صحبت کرده ام و این تجربه بسیار خوبی بود زیرا غالبا بدون شناخت قبلی در اولین لحظه اقدام به تخطئه و زدن انگ مزدوری برای بیگانه برای شما میکردند . فقط همسرم و یکی از دوستان اظهار نظر در مورد عقاید شما را به بعد از مطالعه کافی آثار شما کردند. جای تاسف دارد که دوستان که اکثرا تحصیلات عالیه نیز دارند قبلا از خواندن آثار یکنفر در اولین مرحله در باره وی قضاوت سختی میکردند البته در تمامی موارد آنان را به سایت شما ارجاع میدادم و درخواست میکردم بدلیل نظریات مهم شما در باب تاریخ منطقه که اساس دانسته های قبلی را زیر و زبر میکند، اول با عقاید شما کاملا آشنا شوند و سپس اظهار نظر نمایند که در مورد برخی تا حدودی مقبول می افتاد.
اما چند سوال:
1- در اواخر بخش 24 اسلام و شمشیر که از سایت naria.ir که چند نفر دانشجو تهیه کرده اند Download کرده بودم خودتان کلمه هودا را یهودی ترجمه کرده اید. البته این موضوع در جزوه کپی شده و مجلد که بفروش میرسد در این بخش دیده نمی شود.
2- معنی کتاب در آیات کریمه قرآن چیست؟ خداوند متعال در آیات کریمه قرآن به کتابی که برای پیامبر اسلام ص فرو فرستاده اشاره میکند ولی تا جائیکه من متوجه شدم شما بر این عقیده اید که قران تا چند قرن بصورت صفحات جداگانه وجود داشته و آنچه که ما اکنون از کتاب با جلد و صفحات بهم چسبیده میشناسیم وجود نداشته است.
3- یکی از مهمترین دلایل شما برای نبودن آثار تمدن در ایران قرون اولیه پس از اسلام عدم وجود کاروانسراهاست. آیا میتوان اینگونه فرض کرد که کاروان ها در آنموقع در بین مسیر در هر جا که نیاز می دیدند اتراق کرده و موقتا چادر میزدند ؟
با آرزوی موفقیت و عافیت!

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 30 آذر1387 ساعت: 7:55

آقای سعید. غالب کسانی که درباره ی این تحقیقات نو مطلبی بر سبیل عقده گشایی می گویند (زیرا جرات ندارند بنویسند و سند عمومی از نادانی خود باقی گذارند)، این مقالات و مطالب را نخوانده و آن مستند تختگاه هیچ کس را ندیده اند، چنان که تمام آن چه در باب احوالم می پراکنند، از ریشه نادرست است و کاملا نشان می دهد از زندگانی و گذران و گذشته و اکنون من کلا بی خبرند! اینک صورت فرهنگی قضایا بسیار بدیع شده است. اگر تختگاه هیچ کس را به جوانی مشغول آموزش نشان دهید، به آسانی تصاویر آن را راه نما می بیند، اشکال و اطوار را استاد او می سازد که قبول آن مستند او را وادار به توبه و ترک مسند فرهنگی و نادانی خود خواهد کرد. بدین ترتیب قضاوت آتی در باب روشن فکران و مسئولین دست اندر کار حوزه ی تاریخ و مذهب و ادبیات شرق میانه بسیار بی رحم خواهد بود، که فعلا و موقتا به سکوت می گذرد. در باب لغت کتاب و مشتقات آن در قرآن توصیه دارم یک بار دیگر یادداشت های شماره ی 130 و 131 را بخوانید و به مطالب مجلدات مجموعه ی پلی برگذشته در این باب رجوع کنید. بنا بر مستندات آن مباحث در سرزمین های اسلامی و بل در کل عالم، کتاب با مظاهر کنونی لااقل تا قرن هشتم هجری تولید نشده است. بنا بر این اگر برداشت و نام گذاری امروز ما بر کتاب با آن لغت قرآنی منطبق شده، به این معنا نیست که منظور قرآن نیز همین کتاب های چیده در قفسه هاست. در این جا نایابی نمونه ای قدیم، اشاره به اشتباه عمومی موجود در برداشت از آن لغت می کند نه نادرستی تشخیص در قرآن قویم. در باب هادوا نیز آن مورد حاصل شتاب در نقل آیه بود که برطرف شد. اصل بحث در یادداشت های ماقبل 24 از مجموعه ی اسلام و شمشیر گذشته است. اگر کاروان ها در جایی چادر بزنند، باری به خدمات متعدد و متنوعی نیاز دارند که بدون مکان معین و تدارک شده از پیش ناممکن است.

نویسنده: چشم بسته

شنبه 30 آذر1387 ساعت: 8:28

با یک جستجوی ساده میتوان کلی مطلب در مورد رواج مذاهب مختلف اسلامی در اندونزی گیر آورد!! حال آیا جای تعجب نیست که آن دختر و پسر تحصیلکرده حتی نام خلفای راشدین را هم نمیدانند.
RT=List&www.historylib.com/Site/SViewDocument.aspx?DocID=971
www.hawzah.net/hawzah/Magazines/MagArt.aspx?id=27177
www.tabnak.ir/pages/?cid=13860

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 30 آذر1387 ساعت: 10:34

آقای چشم بسته. در قانون اساسی اندونزی، فقط تعلق به اسلام، بدون قید هیچ مذهبی، ذکر شده است. کوشش ناموفق شیعیان و یا سنیان در یکی دو دهه ی اخیر، برای رخنه در میان مسلمانان اندونزی، حتی در لینک های ارسالی خودتان نیز ثبت است. مثلا می دانیم که گروهی از طلاب در اصل اندونزیایی هم در حوزه های ایران مشق تبلیغات تشیع برای اعزام به آن کشور می بینند. این مساعی نو، که بسیار محفلی و بی رواج است، هنوز بار نداده و راهی میان مردم معمول اندونزی نگشوده است.

نویسنده: علی کولوچو 1

شنبه 30 آذر1387 ساعت: 12:58

دبي - العربيه .نت (فراج اسماعيل)

يك پژوهشگر اسلامی مشهور دو كتاب معروف حديث به نام صحيحين "بخاری و مسلم" را حاوی 653 حديث نامطمئن و عاری از الزام دانست. وی كه معتقد است طلسم ترس از ترديد در قداست و صحت مهمترين كتب نزد اكثريت مسلمانان جهان پس از قرآن مجيد را شكسته است می گويد: "پيروی از چنين احاديثی برای هيچ مسلمانی الزام آور نيست". اين پژوهشگر مصری شخص گمنامی نيست. او جمال البنا برادر كوچكتر حسن البنا بنيانگذار جماعت اخوان المسلمين و فرزند عبدالرحمن البنا محقق احاديث نبوی است، 84 سال دارد و از صاحبنظران مطرح در انديشه های اسلامی معاصر است.
جمال البنا می گويد: "من احاديث نامطمئن و غير الزام آور را حذف كردم. اما با يك حديث چنين نكردم و آن حديث جواز شير دهی به مرد بزرگسال است". گفتنی است با استناد به اين حديث رئيس سابق دانشكده ی حديث در دانشگاه الأزهر فتوايی را صادر كرد كه موجب بحث و جدل فراوان در محافل فرهنگی و مذهبی شد. بر اساس فتوای او " يك همكار زن برای محرم شدن با همكار مرد خود در محيط كاری كه جز آن دو ممكن است كسی ديگر حضور نيابد، مجاز است به همكار مردش شير دهد". پژوهشگر مصری به "العربيه.نت" گفت: حذف نكردن اين حديث به اين دليل نبوده است كه من آن را صحيح بدانم. اين مورد از دست من در رفته است. زيرا من اساساً "صحيح بخاری" را ملاك قرار دادم، چون هر چه در آن آمده ، در "صحيح مسلم" نيز ذكر شده است. حال آنكه حديث مذكور فقط در صحيح مسلم آمده است. از نظر من نيز از جمله احاديثی است كه "بعيد بودنش" ارجح است. كتاب " تجريد البخاری و مسلم من الاحاديث التی لا تُلزم" (جدا سازی احاديث غير الزام آور از "بخاری و مسلم") كه از سوی جمال البنا در 342 صفحه در قطع بزرگ چاپ و منتشر شده است، از نظر نويسنده اش، "آرزويی بزرگ بود كه خيلی ها از آن سخن بميان آوردند، ولی تا به امروز كسی به آن جامه ی عمل نپوشانده بود".

نویسنده: رضا

شنبه 30 آذر1387 ساعت: 14:4

قانون اساسی اندونزی در لینک مربوطه در مورد دین:
اصل29

1 - اساس دولت اعتقاد به خداي واحد متعال مي باشد. 2 - دولت آزادي هر كس را به پيروي از دين و مذهب و اجراي مراسم و وظايف مذهبي خود تضمين مي نمايد.
این مطلب در لینک ذیل موجود است:
k30 - www.shora-rc.ir/portal/File/ShowFile.aspx?ID=4732f2ce-5883-4742-b7e3-7756e00afdc5

وب سایت

نویسنده: نسرین

شنبه 30 آذر1387 ساعت: 15:48

سلام آقای پورپیرار

مراسم شب یلدا یا شب چله(شب انقلاب زمستانی) یک جشن بومی است یا مسیحیان آن را در ایران رواج داده اند؟میترائیسم در بین رومی ها و هندی ها رواج داشته است؟

نویسنده: نسرین

شنبه 30 آذر1387 ساعت: 15:53

- نزدیکترین جشنهای یهودی به مراسم شب یلدا، جشن حنوکا یا خانوکا(Hanukkah) و جشن ایلانوت یا تو بیشواط (Tu La'Ilanot Bishvat- Rosh HaShanah)و نزدیکترین جشن مسیحی به آن کریسمس و نزدیکترین جشن چینی به آن دنگ ژی(اوج زمستانDongzhi) می باشد!
- بعضی از فرقه های مسیحی ،میلاد مسیح را در یکی از روزهای نزدیک به انقلاب زمستانی میدانند و جشن سال نو و

کریسمس را در همین هنگام برگزار میکنند!
-همچنین نقش قارون درمراسم شب یلدا مردم کرمان شبیه نقش سانتا کلاوس یا همان بابا نوئل است:
مردم کرمان تا سحر انتظار می‌کشند تا از قارون افسانه‌ای استقبال کنند. قارون در لباس هیزم شکن برای خانواده‌های فقیر تکه‌های چوب می‌آورد. این چوب‌ها به طلا تبدیل می‌شوند و برای آن خانواده، ثروت و برکت به همراه می‌آورند!(روایت ازدکتر محمود روح الامینی)
-شب یلدا همچون چهارشنبه سوری بین زرتشتی ها رایج نبوده است!
--یلدا از نظر معني معادل با کلمه نوئل از ريشه ناتاليس رومي به معني تولد است و نوئل از ریشه یلدا است !
-واژه یلدا سرياني و به معني ولادت است . آسوری های مسیحی که زبانشان سریانی است نیز شب یلدا را جشن میگیرند!
-در روم وبسياري از کشورهاي اروپايي ،روز 21 دسامبر (30 آذر) به عنوان تولد ميترا جشن گرفته ميشد.ولي پس از قرن چهارم ميلادي در پي اشتباهي که در محاسبه روز کبيسه رخ داد . اين روز به 25 دسامبر انتقال يافت!
-تنها شباهت مراسم شب یلدا با جشنهای یهودی نزدیک به آن مشترک بودن خوردن آجیل و میوه های خشک در شب یلدا و جشن ایلانوت است.

نویسنده: بختیار

شنبه 30 آذر1387 ساعت: 19:55

با ارزوی موفقیت برای استاد محترم
اکنون که ظاهرا به پایان سفرنامه بسیار اجمالی اندونزی رسیده اید فکر میکنم وقت ان است که با توجه به اشاره دوست محترم جامعه شناس . سئوال خود را تکرار کنم که لطفا در مورد آموزش و پرورش و زبان و خط مردم این دیار نیز در صورتی که صلاح میدانید بحث بفرمایید
استاد بسیار محترم با تفاصیلی که شما فرمودید چنین به ذهنم خطور نمود که بنا بر فرمایشات شما اکنون باید اسامیی نظیر ابوبکر و عمر و عثمان و علی و حسن و حسین و ... که در ایران بسیار رایج است در میان نسل میانسال اندونزی جایی نداشته باشد.(ایا حدس من درست است؟)

نویسنده: توحید

شنبه 30 آذر1387 ساعت: 16:36

سلام خانم نسرین

من اطلاع موثق دارم که "یلدا" نامی عبری است به معنای دختر ! حال نتیجه گیری با خودتان اگر این یک رسم و فرهنگ ایرانی است نام عبری آن چه معنایی می تواند داشته باشد ؟

در ثانی مراسم شب یلدا با شب "چله" متفاوت است . شب چله هنوز نرسیده و در پیش است یعنی 40 روز دیگر .

نویسنده: علی کولوچو 2

شنبه 30 آذر1387 ساعت: 20:27

این بلاگفای فاقد عقلانیت کافی بقیه پیام های منو نگرفت و گفت تکراریه!!!!

نویسنده: ارشمیدس

شنبه 30 آذر1387 ساعت: 20:40

آنتی لگاریتم یک دهم = یک ممیز 258925412

نویسنده: خواننده

شنبه 30 آذر1387 ساعت: 18:13

استاد يك اشتباه لپي در متن هست .پاراگراف پنجم خط دوم عبارت شهر كوچك صحيح است و نقل قول را صحيح منتقل نكرده ايد .

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 30 آذر1387 ساعت: 22:44

آقای خواننده. درست شد و ممنون.

آقای بختیار. دقت مخصوص نکردم، اما با مزاجعه به اسامی اعضای حکومتی غالبا محلی است. مثلا نام رییس جمهور سوسیلو بامبانگ یودهویونو است و البته نام قهرمان ملی اندونزی هم احمد سوکارنو بوده است. می توانید همین مطلب را دست مایه ی تحقیقی مستقل قرار دهید و نتیجه را به دیگران نیز اعلام کنید. در مورد آموزش و پرورش در اندونزی نیز منظورتان را نفهمیدم.

آقای hassan . پاسخ کامنت خصوصی شما دیر شد. برای آشنایی با دریایی از گفتارهای ضدعرب و اسلام در نوشته های شریعتی کافی است فقط کتاب "بازشناسی هویت ایرانی - اسلامی" او را بخوانید که چند سطری از آن را در زیر می آورم:

منابع لازم برای شناسایی تاریخ ایران اسلامی تا حمله ی مغول.
1. انتهای کتاب شاه نامه ی فردوسی که دارای سندیت تاریخی مسلم است!!!!!؟
2. کتاب اسلام شناسی، تالیف دکتر شریعتی
3. کتاب دو قرن سکوت، تالیف دکتر زرین کوب...
4. کتاب ایران در زمان ساسانیان. تالیف کریستن سن.
اینک سخنی اندک درباره ی فردوسی بزرگ
فردوسی شاعر و سخن سرایی است که بی شک او را باید یکی از بزرگ ترین و به ترین خدمت گزاران سرزمین ایران به حساب آورد او با آفریدن اثر فنا ناپذیر خود شاه نامه در واقع ملیت ایران و آن چه را که بیگانگان (یعنی اعراب) درصدد از بین بردن آن بودند، به به ترین صورت خود احیا’ نموده است".
در این باره می توانید به کامنت های آقای آلیانس در یادداشت 190 و ماقبل آن نیز رجوع کنید. باید از ایشان درخواست کنم که آن کار روشنگرشان را ادامه دهند.

آقای حسین. تمامی دوستان از مراحم شما ممنونند.

فریبا خانم. ممنون و دریافت شد. عقیده ام همان است که بود.

نویسنده: توحید

شنبه 30 آذر1387 ساعت: 20:26

با سلام
استاد بنده داوطلبانه چند جمله از شريعتي در زمينه ايران ستايي اش مي آورم :

« ما اگر به سادگی تسلیم شدیم تنها به این دلیل بودکه خود را در برابر اسلام و در حمایت از نظام فساد ، ظلم و فریبکاری ساسانی - اشراف و موبدان - میدیدیم نمی خواستیم راه را بر داعیان نجات و مساوات ببندیمو مدافع نظامی باشیم که خود قربانی آن بشمار میرفتیم و اکنون که اسلام جز ماسکی فریبنده برچهره ی اشرافیت و فریب و ستمکاری شما اجنبیان نیست
و آنچه مطرح است نژاد پرستی و تفاخر قومی و قدرت طلبی های قبایلی و ملی و خانوادگی ست و تجلیل از عنصر عرب و ترک و تحقیر ایرانیو نفی تاریخ و فرهنگ و اصالت ملی در قبال سیطره ی امپریالیستی بیگانه ،بنابراصل مقابله به مثل که قرآن خود بدان فرمان می دهد (فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم) باید نشان داد که عرب و ترک منهای اسلام جز بدویت و وحشیگری نیست و ایرانیان ، نه موالی حقیر و ذلیل ، که باید به بردگی شما درآیند تا تربیت شوند و هدایت و آشنا با تمدن و حکمت و انسانیت ، که آقایان تاریخ بوده اند و بازیگران سربلند و لایق قدرت و مدنیت و رهبری ...کی ؟؟؟ همانوقت که شما برای دزدی به روی هم شمشیر می کشیدیدو برای شتر لبوس که در صحرای چراگاه یکی از قبایل تان چند بوته خار چریده بود ،چهل سال باهم می جنگیدید و همانوقت که رستم پهلوان ایرانی ، بزرگترین قهرمانان و پیشوایان شما را مثل یک بز بزدل ، به زمین میزدو مفاخر تاریخی تان در زیر دست و پای او و امثال او دست و پا میزدند »

نویسنده: توحید

شنبه 30 آذر1387 ساعت: 20:27

« و مثل مرغ پرپرزنان و زجه کشان جان میدادند !!!اشرافیت قریش ؟؟؟ اگر اشرافیت ملاک ارزش است ،اشرافیت شما جز شترچرانان گدا و دزدی که در جاهلیت و فقر صحرا هارت و پورتی داشتند و سلاطین شکوهمند و افسانه یتان چون ملوک حیره ، جز نوکران حلقه به گوش اشرافیت ما هیچ نبودند .
زمان درچنین عصری که ترک زدگی و عرب زدگی به قیمت حقارت و ذلت و بندگی سیاسی و معنوی و ملی ما بیداد میکرد ، مسئولیتی را که بردوش یک روشنفکر متعهد خویش می نهاد ، احیای روح ملیت ، تجدید وحدت و پیوستگی با تاریخ و تاکید بر اصالت و ارزشهای سازنده و افتخارات ملی بود ، تا ملتی که با خود بیگانه و نسبت به خود بی ایمان شده است به خود آید و ایمان به خویش را در برابر بیگانه پرستی و تسلیم پذیری و خو کردن به ذلت بازیابد . در چنین شرایطی و ضرورتی و

مسئولیتی پیداست که تا چه اندازه بزرگمرد دلاوری که با گذشته ی ملت خویش آشناست از توطئه ی فریب مذهبی دستگاه امپراتوری بدویان
و قلدری و قساوت وحشیان غزنوی رنج می برد و دلش از آن همه دروغ و تحقیر و اسارت خون است .وی از ارزشهای انسانی و ضداشرافی و ضد قومی اسلام که فقط توجیحی برای بی ریشه ای و پستی و رذالت موروثی خویش میسازند و از حقیقت اسلام و دعوت پیامبرکه اکنون برای این خسروان جدید بی تبار و موبدان جدید بی ایمان و اشراف جدید بی پدر و مادرو بی شرف - حتی شرف طبقاتی و خانوادگی - میکوشد تا در چهره ی خاندان معصوم محمد »

نویسنده: توحید

شنبه 30 آذر1387 ساعت: 20:28

« و سیمای محکوم و مظلوم علی دفاع کند، شورانگیز است که با طبیعت و استعداد و نبوغ و روحیه اش سازگار بوده است !!!
این است که کار فردوسی اینچنین صدا کرد و اثر گذاشت و گرنه بسیارند شاعرانی که در تاریخ ما چون او نخواستند همچون امیر معزی و انوری و عنصری و سوزنی سمرقندی و فرخی سیستانی هنرشان را درخدمت دربار و دستگاه قدرت و اشرافیت بگذارند و ستایشگر خاقان ها و خان ها و شاه - شیخ ابواسحاق ها باشند و از نقره دیگدان بزنند
و از طلا آلات خوان بسازند و {خواستند } شعر را زبان شعور و شرف و ایمان خود و مردم خود کنند ، اما کار او در بعد فرهنگی مبارزه با قدرت و کار ناصرخسرو و در بعد فکری و اعتقادی { ایدئولوزیک} - و از آنرو که هم با ضرورت زمان و نیاز مردم سازگار بود و هم با استعداد روحی و فکری و هنری شخص خودشان هماهنگ این همه ، هم ارزشمند شد و هم اثربخش !!!»

....

البته چون بحث در اين وبلاگ تاريخي است بنده بدون تعصب چنين اشتباهات شريعتي را مي پذيرم ولي اينكه تنها اشتباهات يك شخصيت را ديد و بزرگنمايي كرد چندان كار درستي نيست ، مرحوم شريعتي آثار در خوري هم داشته اند .
من فكر مي كنم كه نه بايد تنها نيمه خالي ليوان را ديد و نه نيمه پر آنرا بلكه بايد نيمه پر و خالي را با هم ديد . و اگر قرار بر نقد است مي توان بيشترين نقد را بر كتاب «خدمات متقابل ايران و اسلام» مرحوم «مطهري» وارد نمود . به هر حال فكر مي كنم در ايمان خالص هيچيك از اين دو نفر شك نباشد ، ولي در كل كار شما در نقد چنين افكار شريعتي بجا و لازم است .

نویسنده: آلیانس

یکشنبه 1 دی1387 ساعت: 0:40

دو قرن اولیه اسلام (دو قرن سکوت) ناشناخته تر از سایر قرون است زیرا این دوقرن زمان استقرار اسلام در ایران است ...در این دو قرن است که ایران در برابر عرب می ایستد.در این دو قرن است که قهرمانان ملی ما خودشان را نجات می دهند...در همین دو قرن است که نهضت ملی ایرانی صد در صد خالص را می بینیم. نهضت های غیر سیاسی – نظامی ولی فکری و فلسفی علیه اسلام , از هر زمانی شکوه و جلالش بیشتر است و از همه مهمتر اینکه ملت ایران در این دو قرن از طول همه تاریخش بیشتر و روشن تر احساس می شود...در همین دو قرن بیشتر از هر زمان دیگر به ملیت ایران حمله شده است (اسلام با شمشیر عرب به ایران وارد شد , اسلام با فرهنگ و مذهب ایرانی ها جنگید و عرب با قدرت سیاسی و ااستقلال ملی) . .. عرب که وارد ایران شده هم آمده که ساسانیان را از بین ببرد و هم حکومت ایران و هم استقلال ایران را در مذهب اسلام حل کند. بنابراین زبان ما را مورد حمله قرار داده و همچنین خط و فرهنگ مارا . علی شریعتی . مجموعه آثار27 صفحه73و74

نویسنده: آلیانس

یکشنبه 1 دی1387 ساعت: 1:1

آقای توحید .... عرب ستیزی پوششی بر اسلام ستیزی است ... شریعتی بدون شک یک عرب ستیز درجه یک است .... انشاالله بیشتر با ایشان و افکار ضد اسلامی شان آشنا می شویم

نویسنده: محمود بجانی

یکشنبه 1 دی1387 ساعت: 7:52

با سلام به همه دوستان مخصوصا جناب استاد پورپیرار عزیز که قرار است نامشان برای آیندگان بارها و بارها تکرار شود زیرا به واقع طرحی نو در افکنده اند و قلم را برای تفاخر و مزد نمی چرخانند - مطمئن هستم که ایشان منت هیچ روزنامه و خواننده و وزارتی را نمی کشند حتی منت هیچ مداح ! زیرا سیر آفاق و انفس را با هم نموده و نتایجی را می بینیم ارمغان آورده است این ارمغان برای همه محققان و آ،ها که دغدغه دارند مفید و بسیار تکان دهنده و روشنگر است - خداوند شما را یاری کند

و اما پرانتزی بر سخن دوست عزیزم توحید:

اکثر آنهایی که در داعیه روشنفکری دارند یعنی می خواهند روشنفکر شوند از شریعتی شروع می کنند حال آنکه می بینیم شریعیتی هم در طلسم اغفال یهود گیر کرده بوده است خدایش رحمت کند اگر مغرض نبوده است ولی در حال حاضر سخنرانی امثال آقای دانشمند که وهابیت را می کوبد تا شیعه را نجات دهد رفته رفته به نقل و قولهای قهوه خانه ای بدل خواهد شد زیرا اکنون بزرگانی چون پورپیرار در سریعترین رسانه حال حاضر بشری قلمفرسایی می کنند و آنها که واقعا جویای حقیقتند می توانند حقیقت را بفهمند اگر نیت خالص داشته باشند.
تنها سخنی که پورپیرار می گوید این است که سند قرآن را بگیریم و غیر آن را فعلا تا قبل از فهم و عمل به قرآن با احترام رسمی کنار بگذاریم واقعا قرآن برای مسلمان کافی است - یکی از دوستانم در جواب این سخن مرا به خوارج تشبیه می کند !!!
شما چطور؟

نویسنده: تلمیذ

یکشنبه 1 دی1387 ساعت: 10:19

با سلام خدمت استاد پورپیرار کبیر و سایر دوستان
آیا به راستی علمی به نام علم اقتصاد وجود دارد؟!
اگر چنین علمی وجود داشت با آنهمه متخصص علم اقتصاد در جهان پس چرا هیچ عالم اقتصادی چنین به اصطلاح بحرانی را نتوانست پیش بینی کند؟!
من فکر می کنم به اصطلاح بحران پیش آمده توطئه یهودیان است تا تیم هیئت حاکمه جدید آمریکا را هم وادار به اطاعت و پیگیری بی قید و شرط مطالبات خود کنند.می دانیم که 80 رصد سرمایه و شرکتهای بزرگ تجاری و تولیدی جهان متعلق به یهودیان است.پس بی شک کار خودشان است.

نویسنده: مهاجری

یکشنبه 1 دی1387 ساعت: 10:54

هدیه ایرانیان مقیم آمریکا

http://flash.vg.no/grafikk/2008/bush/kast_sko.html

خوش بگذره

نویسنده: ؟!

یکشنبه 1 دی1387 ساعت: 12:10

سلام

آقای بجانی لطفا ایمیل خود را بگذارید . ممنون می شوم.

نویسنده: ؟!

یکشنبه 1 دی1387 ساعت: 13:11

علی کولوچو

بعد اینکه پیام اولتو نصب کردی و back کردی ، تو قسمت نظرات Refresh کن ، بعد پیامتو دوباره بنویس . همین

نویسنده: رضا

یکشنبه 1 دی1387 ساعت: 13:20

با سلام خدمت استاد محترم و دیگر دوستان
همه بخوبی میدانیم که مسئله "دوازده قرن سکوت" را جناب پورپیرار در سالیان اخیر طرح نموده و قبل از ایشان تمامی نویسندگان ما مسئله حمله عرب و مغول به ایران و نابودی تمدن ایران و... را دربست پذیرفته بودند و طبعا همه تفکرات بر این پایه طراحی شده بود.چنانچه الان هم همه مطالب روشن نیست و چه بسا تا چندی بعد پرده از روی مطالبی برداشته شود که بازهم چهارچوب مسائلی را درهم ریزد.درست است که درچنین شرایطی باید ، نقد نظریات درگذشتگان را بر اساس دریافتهای جدید انجام داد و ایرادهای وارده را برشمرد اما رد ایمان آنها به جهت اشتباهاتشان و ملحد خواندنشان

خطاست.چون اگر به صرف نوشته های غلط امثال شریعتی و مطهری در ایمان آنها شک کرده و حکم بر ملحد بونشان بدهیم پس باید گفت که اسلام در ایران تا امروز وجود نداشته است.انسانها گاهی بخاطر عدم درک صحیح مطلبی میتوانند در مورد آن نتیجه گیری خطا کنند اما این دلیل کفر یا الحادشان نیست. برای مثال ایرانیان عموما شیعه مذهبند و قریب به اتفاقشان به زیارت امام رضا رفته و ضریح طلایی وی را بوسیده و در مقابل آن تعظیم می کنند. این نه به دلیل وجود شرک در ایمان آنها بلکه بخاطر آموزش غلط و باور به صحت کاریست که از قم و نجف آموخته اند .آنها مشرک نیستند مگر اینکه اول با ایشان صحبت کرده و ایراد کارشان برشمرده شود ، چنانچه لجبازی کنند و برنگردند آنگاه انتخاب خطا با آگاهی انجام داده اند و گنهکارند. بنابراین نقد نظر باید متفاوت از حکم دادن در مورد ایمان افراد باشد بخصوص افراد مرده .

وب سایت

نویسنده: نتاب

یکشنبه 1 دی1387 ساعت: 13:33

سلام بر استاد عزیز!
ایا در قران حکم مجازات انکسی که از دین خارج می‌شوند (مرتد) بیان شده است؟
با تشکر فراوان

نویسنده: ؟

یکشنبه 1 دی1387 ساعت: 14:8

عکس های مستند از نژادکشی ارامنه
http://www.ourararat.com/far/F_PICS.HTM

تخریب سقف آرامگاه کورش کبیر!(پیش به سوی نابودی تخت جمشید )
http://www.noandish.com/com.php?id=21517

مجموعه عکسهایی از شاه ایران به همراه ثریا در ساحل میامی در فلوریدا(ببینید با پول مملکت چه کار ها نمی کرده!)
http://www.iranian.com/main/albums/two-years-after-coup

راستی استاد فیلتر شکن ها کار کرد یا نه؟
اگر نه بگید تا لینک دانلود فیلتر شکن بگذارم

عکس احمد کسروی زمانی که روحانی بود (احمد کسروی تبریزی (۸ مهر ۱۲۶۹، ۲۰ اسفند ۱۳۲۴) تاریخ‌نویس، زبانشناس و پژوهشگر ایرانی بود)[استاد این زو می شناسید؟]
http://i43.tinypic.com/29njz44.jpg

رييس‌جمهور گفت: ما در برابر كساني كه منطق‌شان متكي بر بمب اتم است و بمب اتم را روي ميز مي‌گذارند، رودكي و مولانا و حافظ را روي ميز مي‌گذاريم. (عجب!)
Lang=P&http://isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-1256881

نویسنده: ویرگول

یکشنبه 1 دی1387 ساعت: 14:22

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=69517
کشف سنگ قبر 900 ساله در کرمانشاه

نویسنده: ؟

یکشنبه 1 دی1387 ساعت: 16:0

حذف عمدي نام ” داريوش“ از ضريح دانيال نبي !
http://shahrestani.blogfa.com/post-112.aspx

قطع درخت کهنسال در پنج امامزاده شهر قم، به بهانه مبارزه با خرافه پرستی
http://www.qom-barax.blogfa.com/87092.aspx

نویسنده: استاد کورش آریایی

یکشنبه 1 دی1387 ساعت: 16:34

به نام اهورامزدای جان و خردمند.

نوشتنی گوهر و وزین

«نقد دگر بار از پورپیران ، وصیت نامه کورش بزرگ»

را در تارزان زرین صندوقچه ی نقد خوانیدن بنمایید.

نفرین اهورا بر دشمنان سوگند خورده ی این مرز و بوم

اهورا تارزان مرا بپاید.

وب سایت

نویسنده: ارکین ارسلان

یکشنبه 1 دی1387 ساعت: 18:0

در لینکی که آقای ؟ فرستاده اند ، اگر به بخشی که مربوط به تاریخ تشکیل امپراتوری عثمانی است توجه شود ، می بینیم که به گونه ای از کشور ارمنستان یاد می شود که گویا از چند هزار سال پیش وجودداشته اند و حالا در اثر تحولات تاریخی به ارمنستان شرقی و غربی تقسیم شده است.
http://www.ourararat.com/far/f_ottoman.htm
باید از اینها پرسید ،اگر از چندین هزارسال پیش قره باغ بخشی از کشور خیالی-باستانی ارمنستان بوده پس چرا هنوز هم اسمش ترکیست؟
همین دیدگاه را پان ایرانیست ها در مورد ایران تبلیغ می کنند ، به گونه ای از ایران و فرهنگ ایرانی صحبت می کنند که گویی از چندین هزاره قبل ، چنین کشوری وجود داشته است و مردم برای ورود و خروج از این کشور هم با پاسپورت ایرانی سفر می کردند!

وب سایت

نویسنده: رعد

یکشنبه 1 دی1387 ساعت: 18:28

سلام ... بعد از گفتن یک خدا قوت اسمی به اقای پیرار, پیرامون روشن کردن افکار جمعی و تاکید بر وحدت اسلامی با تکیه بر قران بصائر ونه فراورده های قرانی . خدمت جناب جا معه شناس دامت افاضه هم عرض فدات شوم .در کل , تعجب من بر چند حکمی بود که نام برده بودید , زیرا در ایه یکم سوره مبارکه نساء همه چیز بدون تعارف و صریح است : مردمان از خدائی که شما را , از نفس واحده افریده واز ان نفس واحده , زوجه او را و از ان دو رجال و نساء فراوان , واهمه کنید ... نفس واحده را خداوند تکلیفش را با لغت , ادم ,در ایاتی که شما قید نمودید روشن کرده همان طور که , زوجه و رجال و نسا ء معانیشان واضح است فقط ایکاش مخالفان شما رمز اوردن لغت رجال , که امروزه معنایش را میدانیم, از قول خداوند کریم , در یک لابیرنت فرو نبرند مانند ایه الرجال قوامون ... و ایه 46 سوره اعراف : و علی الا عراف رجال یعرفون کلا بسیماهم .نکته بعدی به تصورم , گوشزد شما , در این مقولات به مانند شیخ فضل الله نوری است , که معتقد بود در اسلام برابری وجود ندارد : در شریعت حقوق اسیر و ازاد , پدر و پسر , زن و شوهر , فقیر و غنی و عاقل و دیوانه از هم جداست... ای مردم بی ابرو ! خدا شما را عزت بخشید چون مسلمانید و به شما سود رساند شما با دست خودتان این ها را نادیده گرفتید و گفتید میخواهید با زردشتی و یهودی و مسیحی برادر و برابر باشید ! لعنت خدا بر ان که قدر خود نمیداند (فرزندان استر ص 162و 163) .
ظاهرا با شیخ و دیگران سازش نمودند و حق وتو در مجلس داده شد . شما که اهل سازش و ...که نیستید ؟؟!!

نویسنده: هیوا ایزدی

یکشنبه 1 دی1387 ساعت: 18:48

با سلام براستاد

آیا در کتاب های درسی مدارس اندونزی تاریخ اسلام به روش مالوف سایق تدریس نمی شود؟

نویسنده: توحید

یکشنبه 1 دی1387 ساعت: 15:21

با سلام
قبل از هر چيز از استاد به خاطر اينكه جو وبلاگ را بهم زدم و باعث انحراف مبحث اصلي شده ام معذرت مي خواهم . ولي گاهي انسان نمي تواند نسبت به تهمت يا قضاوت عجولانه يا نا حقي بي تفاوت بماند .
آقاي بجاني ، بنده با تمام وجود ارزش كار سترگ استاد را درك مي نمايم و به زواياي مختلف بحث ايشان اشراف دارم ، به طوري كه اگر حمل بر چاپلوسي نباشد مي گويم كار استاد با كار شريعتي اصلا قابل قياس نيست بلكه با كار بزرگتر از شريعتي ها هم قابل مقايسه نيست ، اگر سخن شريعتي در ظرف زمان و مكان خاصي معنا پيدا مي كرد به نظرم كار استاد محدود به زمان و مكان خاصي نيست و تا ابد جاودانه خواهد بود و يك بار براي هميشه انگل پليد يهوديت را از پيكر جهان بخصوص اسلام و مسلمين جدا خواهد نمود .
بلكه موضوع همانطور كه دوست محترممان آقاي رضا عنوان نمودند ، بر سر حكم دادن بدون ادله كافي است .
مثلا آقاي آليانس مي گويند :
"عرب ستیزی پوششی بر اسلام ستیزی است ... شریعتی بدون شک یک عرب ستیز درجه یک است "
و نتيجه حرفشان يعني اينكه : «شريعتي يك اسلام ستيز درجه يك است» .
ايشان حتي متن ارسالي بنده را با دقت نخوانده اند آنجا كه شريعتي مي گويد : « باید نشان داد که عرب و ترک منهای اسلام جز بدویت و وحشیگری نیست » .
به نظر من معناي اين جمله اين باشد كه « اسلام ، دين انسان ساز و فرهنگ ساز است » حال چگونه ايشان نتيجه مي گيرند كه شريعتي يك اسلام ستيز درجه يك است بايد از خودشان پرسيد . در ضمن ايشان آرزو كرده اند كه بيشتر با افكار شريعتي آشنا شوم ، بايد بگويم من تقريبا تمام آثار شريعتي را خوانده و تمام سخنرانيهايش را در لوح فشرده ذخيره دارم و بنا به راهنمايي استاد در حال بازخواني بنيان انديشانه ي آثارش هستم و از طرفي هم اشراف وافي و كافي به آثار استاد دارم ، و با اين اشراف مي گويم كه حكم قطعي آقاي آليانس درباره شريعتي را به هيچ وجه قبول ندارم و از ايشان مي خواهم دلايلي بر «اسلام ستيزي» شريعتي ، ارائه كنند همين .

نویسنده: آیدین یاشار

یکشنبه 1 دی1387 ساعت: 19:17

بحران اقتصادی کنونی ساختگی و از نوع توطئه یهودی و امثال آن نیست. این بحران بحرانی حقیقی است و ناشی از علل و اسباب سیاسی و اقتصادی و تکنیکی و غیره است. اما در خصوص سوال تلمیذ که چرا این همه متخصص اقتصادی قادر به پیش بینی آن نبودند و همه ظاهرا شگفت زده شده اند، به نظر من این نوع بحرانها مثل بیماری ایدز، پیش از ظهور، یک دوره کمون را سپری میکنند. این دوره کمون ناشی از آن است که موسسات تولیدی از ترس افت نرخ سهامشان یا از ترس از دست دادن بازارهای خود، گزارشهای مالی دقیق را ارائه نمیدهند. قضیه به زندگی زن و شوهرهائی میماند که علیرغم اختلافات شدید داخلی، سالهای سال به خاطر بچه یا نیش زبانهای این و آن از افشای وضعیت حقیقی خود خودداری میکنند و مدتها به ظاهرسازی ادامه میدهند و یک روز دفعتا خبر طلاق آنها مثل بمب صدا میکند.

نویسنده: آشنا برای جناب ؟

یکشنبه 1 دی1387 ساعت: 19:20

جناب ؟ خیلی لینکهای خوبی بود فقط لطفا دو نکته را رعایت کنید :
1-در زمان معینی از روز (معمولا قبل از 5 بعد از ظهر لینکها را بفرستید
2-روی اخبار عراق هم همچنان که روی اخبار میراث تمرکز دارید دقت کنید چند روز گذشته در عراق کودتا صورت گرفت که شما لینکی از آن نفرستادید.
راستی نگفتید آیا زمانی برای مدیریت سایت naria.ir دارید تا به كمك آقاي عابدي بشتابيد؟
پیروز باشید

نویسنده: حاجی زاده

یکشنبه 1 دی1387 ساعت: 19:47

با سلام
جناب جامعه شناس،یادداشت شما با عنوان"اصل توحید،اصل واحد کل کائنات" بسیار عالمانه و مفید بود، در خصوص تناسخ نیز کاملا با آقای سرباز موافقم، هر چند همیشه آن ذهن خلاقی که به این نحو جالب(هر چند غلط) به نیازش برای زندگی جاوید پاسخ داده است را تحسین میکنم.
همانطور که استاد فرمودند بحث "فطرت" و "فراگیری"بحثی بسیار عمیق و وسیع و درخت پر شاخه ای است، که البته پیش شرط پرداختن به این مدخل، این بود که جمع دوستان و دشمنان حاضر در این وبلاگ، خود را مشتاق و پذیرای این مبحث نشان دهند، من سعی کردم استارت آنرا بزنم ولی اینک که بعد از چندین روز دوری از وبلاگ، به آن مراجعه کرده ام، میبینم

که کسی رغبت و اشتیاقی به شنیدن نظرات مطمئنا بدیع استاد که می تواند تحولی عمیق در نوع نگاه و برخورد ما با دنیای درون و پیرامونمان داشته باشد،ندارد.
از دوستان خواهش میکنم ارزش بحث را بشناسند و از کنار آن بی اعتنا نگذرند تا همگی بتوانیم از محضر استاد در این خصوص مستفیض شویم.
با تشکر

نویسنده: حاجی زاده

یکشنبه 1 دی1387 ساعت: 19:54

جناب توحید، تا جایی که من اطلاع دارم، ما دو چله داریم، یکی "بویوک چیله" که از اول دی شروع میشود و تا 50 روز ادامه دارد و متعاقب آن "خیردا چیله"که 20 روز طول میکشد، بعد از آن هوا رو به گرم شدن می رود و به قول قدیمیها زمین نفس میکشد، در پایان چله ی کوچک ، مردم با روشن کردن آتش به استقبال گرما میروند که به آن اصطلاحا "چیله گوودی" یا "چیله قاشدی" میگویند.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 1 دی1387 ساعت: 20:17

آقای دهقانی. برای وبلاگ شما که یک مجموعه دیداری است باز ماندن قسمت کامنت ها با قصد رسوا کردن آنان که به چشم های خود نیز باور ندارند بسیار مفید است.

آقای؟. آن لینک خصوصی درباره ی آن فیلم مستند با شرحی که به همراه داشت، نمی تواند مستند شناخته شود. فقط روایت دیگری از دروغ هایی است که برای تحقیر کردن آن قهرمان با پول یهودیان سرهم کرده اند.

آقای نتاب. چنین حکم مستقم و یا حتی منحنی در قرآن کبیر نیست. امیدوارم فرصتی شود تا در بخش دوم مجموعه ی اسلام و شمشیر از جمله به این مطلب به اذن الهی پرداخته شود.

آقای عابدی. اختیار با خودتان است، از باب زحماتی که تحمل می کنید جز دعای خیر ندارم که امیدوارم کارساز شود.

آقای رضا. اگر مقرر است بزرگان و آوازه داران فرهنگی و اجتماعی نیز سخنان عوام را تکرار کنند، آن هم با زرق و برق بیش تر، پس وجه تمایزشان با دیگران در چیست؟! در گذراندن فلان حوزه و یا دانشگاه سوربن؟!!!! آیا این ها تربیت نشده اند تا با جوش و جلایی با ظاهر روشن فکری، عقب مانده ترین تصورات تاریخی را مراقبت کنند؟!!

آقای توحید. شریعتی واقعی در پس همان جمله ای که آورده اید، پنهان است : «باید نشان داد که عرب و ترک منهای اسلام جز بدویت و وحشیگری نیست». لابد اگر از او بپرسیم فارس بدون اسلام به چه می ماند؟ احتمالا همان جوابی را می دهد که در پشت اسکناس های پنج هزار تومانی نقش کرده اند!!!

آقای ایزدی. فرصت چنین بازبینی هایی نبود. اما اگر در کتاب های تاریخ اسلام اندونزی هم همین مطالب آشنا برای ما تدریس می شد، لااقل باید بنی امیه را می شناختند!

آقای رعد. فاضلانه فرمودید.

نویسنده: ؟

یکشنبه 1 دی1387 ساعت: 20:25

جناب آشنا برای جناب ؟
برای مورد اول سعی خود را می کنم که لینک ها را قبل از ساعت 5 بفرستم اما قول نمی دهم
برای مورد دوم هم چشم اما در مورد یاری به جناب عابدی بنده حاضر به همکاری می باشم

نویسنده: رضا

یکشنبه 1 دی1387 ساعت: 20:47

خبرگزاري ميراث فرهنگي_گروه ميراث فرهنگي_باستان‌شناسان سازمان ميراث فرهنگي، صنايع‌دستي وگردشگري كشور قرار است براي مطالعات باستان‌شناسي وارد شهر اهواز شوند. آنها برخلاف نظرهاي پيشين احتمال مي‌دهند اين محوطه اسلامي است و ربطي به شهر هرمز اردشير ندارد.

ه گفته وي مطالعات كارشناسان از سازمان ميراث فرهنگي تهران احتمال ساساني بودن اين محوطه را رد مي كند وآن را متعلق به دوران اسلامي مي داند.

١ ٢ ٣ >>

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ، 191، دیدار از اندونزی، 14 - 101 نظر

نویسنده: رضا

یکشنبه 1 دی1387 ساعت: 20:48

http://shahrestani.blogfa.com/cat-14.aspx

نویسنده: رضا

یکشنبه 1 دی1387 ساعت: 22:20

با سلام خدمت استاد محترم و دیگر دوستان

استاد ، خود شما بهتر از هركس ميدانيد كه خواندن مقداري كتاب و اخذ مدركي از دانشگاه يا اذن منبري از حوزه نشانه داشتن سواد و آگاهي نيست. متاسفانه آن بزرگان فرهنگي كه ميفرمائيد غالبا بزرگ كمي هستند نه كيفي . ما توركها مثلي داريم به اين مفهوم كه در شهر كورها شخص يك چشم پادشاه است. در ايراني كه پانصد سال اسلام صفوي (بقول همان شريعتي) مردم را كاملا از قران دور كرده بود سخنان شريعتي و امثالش بخاطر زيبايي كلماتش و گفتارش مردم را جذب كرد من كه خود از آن نسل هستم بارها ديده ام كه طرفداران و علمداران دكتر بسياري از جملاتش را نمي فهميدند و به به مي گفتند. ميتوان اين سخن شما را مورد تائيد قرار داد كه آنها براي اين منظور تربيت شده اند اما چون ادله كافي براي اطمينان از درك خود آنها از اين هدف در دست نداريم بنده معتقد به احتياط در صدور حكم ارتداد هستم وگرنه مرحوم پدرم از نزديك شاهد تربيت معمم معروفي در شهرمان از سوي استادش (يك عالم حوزوي) بود كه بعدا همين استاد غير مسلمان از آب درآمد. معمم مذكور احكامي غير اسلامي و غير مردمي صادر مي كرد بي آنكه شكي در اصالت استادش بكند. قبول مي كنيد كه اين آوازه داران همان مردمان ساده آرايش شده اند.

وب سايت

نویسنده: جامعه شناس

یکشنبه 1 دی1387 ساعت: 22:42

سلام آقای رعد
ممنون از کامنتتان . حق با شماست ، مسأله بسیار واضح و روشن است ، لیکن اگر دقت کرده باشید تمجمج دوستان از قبول همین حقیقت آشکار مرا وادار به مقدمه چینی های دور و درازی کرد که لابد با آن آشنائید .
در مورد شیخ فضل ا... نوری هم به گمانم آن پیرمرد که در رژیم گذشته ، انگلیسی می نامیدنش و در رژیم فعلی ، به عرش می برندش (عمدتا در اوائل انقلاب) کسی نبود جز یک روحانی نسبتا باسواد و آینده نگر ، که طعمهٔ پدربزرگان روشنفکران همیشه بی سواد ایران و آخوندهائی از قماش سید محمد خاتمی و ... ، که با نمونهٔ شیخ ابراهیم زنجانی در آن دوره هویدا بودند شد . بی شک اسلام سیاسی و شیعه ای که به دنبال حکومت است (بی اینکه صالح یا طالح بودن یا گناه آخوندهای حکومت فعلی ربطی به شیخ فضل ا... داشته باشد) ، آبشخور خویش در تاریخ معاصر از عبای شیخ فضل ا... می یابد و اینکه لایه هائی از روحانیون راستی انقلاب کردهٔ حکومت فعلی خود را منتسب به راه او می دانند ، ناراست نیست .
راستی جنای پورپیرار ، هرچند می دانم موقع آن نیست و صبح انتظار در « برآمدن مردم » سر می آید ، نظرتان در مورد شیخ فضل ا... چیست ؟ آیا برایتان امکان دارد لختی مجمل در اوضاع آن دوره برای ما بگوئید ؟

نویسنده: ویرگول

یکشنبه 1 دی1387 ساعت: 22:59

امشب اخبار از بالی اندونزی گفت و معابد 1200 ساله هندی اش ....
نجس equals هماهنگی..

نویسنده: بختیار

یکشنبه 1 دی1387 ساعت: 23:45

استاد عزيز با سلام و خسته نباشيد

در اجراي راهنمايي شما به جستجوهايي پرداختم . هرچند در يافتن اسامي رايج در كشور اندونزي چندان موفق نبوده ام اما سايت زير كه مدعي است اسامي دختران و پسران را بصورت طبقه بندي شده و بر اساس مصدر ميتواند رديف كند خالي از لطف نيست .
نمونه اي از اسامي عبري
page=3&=letter&gender=either&http://www.babynames.tw/search.php?origin=Hebrew

نویسنده: جلال

یکشنبه 1 دی1387 ساعت: 23:48

3
خَستـُوان=معترف

خَستويدن=اقرار كردن

خواناک=خواندني

خواها=خواستن هميشگي

خورآيان=مشرق

داراک=مال

درچيدن=مرتب کردن

دُژ=درشت،بد

دُژآگاه=وحشي

دستينه=امضا

رَسَد=سهميه

رفتار=رفتن بسيار

رميدگي=دور شدن

روان گردان=مجري

روزبه=عيد

رويه کاري=ظاهرسازي

زاب=صفت

زنديدن=شرح دادن

سات=صفحه

سپهر=طبيعت

سترسنده، سترسا=محسوس

ستيز=لجاجت

سررشته داري=حکومت

سکالاد=کنفرانس

سُکالش=مشورت

سَمَرد=خيال

سهاننده=احساس برانگيزنده

سَهِش=احساس

سوزاک=آنچه سوزانند

شايا، شاينده=لايق

شَدسيدن=دريافتن با يکي از حواس

شکناچ=افزار شکستن

شلپ=شیرین، آخشیج تلخ

شُوند=باعث، دلیل

شیرین=لبنیات

فراهمیدن=اجتماع کردن

فرجاد=وجدان

فرهنگ، فرهیخت=تربیت

فهلیدن=مشغول شدن

کاچال=اثاث

کارواژه هاي یاور=افعال معین

کارواژه=فعل

کحالي=چشم پزشکي

کراد=کمیته

کرف=ثواب

کرفدار=با ثواب

کوباچ=افزار کوبیدن

گُزیر=تصمیم

گزیراد=کمسیون

گستراک=فرش

گِلکار=بنّا

مینستن=اندیشیدن

ناسترسنده=نامحسوس

نام واژه=اسم

نویساچ=افزار نوشتن

نویساد=گروه نویسندگان

نویساک=نوشته

هلیدن، هشتن=رها کردن

همباز=شریک

هَنايش=تأثير

ورجاوند=مقدس

يارستن=دليري كاري را داشتن

نويسنده: جلال

یکشنبه 1 دی1387 ساعت: 23:49

4
كلمات ذيل همگي از سال 1303 تا 1333 توليد شدند، دولتمردان پهلوي و مبلغين شان، در بكارگيري اينها و ساخته هاي مذكور در پست قبلي مان، به قدري مردم را تحت فشار قرار دادند تا بالاخره بدون هيچ پيشينه اي براي اين ساخته ها، اينها را وارد خزانه لغات فارسيي كردند كه تا آن زمان چيزي حدود 125 كلمه و آن هم اغلب فحش ...

را شامل مي شد، به ياد بياوريد كه وقتي يكي از خدمهٔ رضاشاه به او گزارش مي داد كه فلان كسک مريض شد ... ، رضا شاه چگونه برآشفت و او را تنبيه كرد و گفت: مردک، «مريض» ديگر چيست بگو «بيمار»!

فهرست سمت راست زير، جايگزين كلمات سمت چپ شده اند:

نويسنده: جلال

یکشنبه 1 دی1387 ساعت: 23:58

با عرض سلام و احترام خدمت استاد گرانقدر
امروز به یکی از دوستان ایمیل جالبی برایم ارسال کرده بود که عینا برای شما ارسال میکنم:
1
"ساخته هايي كه هرگز تبديل به كلماتي براي فارسي نشدند!!"

كلماتي كه ذيلا خواهد آمد در طي سالهاي 1303 تا 1333به همت موسسه انتشاراتي و تبليغي پان ايرانيست « پيمان » و با تلاش جهودي حوزه رفته اي با نام « يحيي ذكاء» و با مزدوري ترک زاده اي به نام سيد احمد كسروي و با سرمايه مردم عقب نگه داشته شدهٔ ايران و به بهاي تخريب و نابودي فرهنگ و تمدن ديرين ايران ترک بنيان، ساخته و معناگذاري گرديد و ...

پياپي در رسانه هاي ديداري و شنيداري و مكتوب به كار گرفته شد تا در جامعهٔ ايران، به زور به جاي كلمات تركي و عربي جايگزين كنند ولي سر انجام اين ساخته ها،هم جايي براي خود باز نكردند وآن رفتار، عقيم و اين مصنوعات، متروكه ماندند. با احتساب كلماتي كه با ترفندهاي مختلف بالاخره به هر زوري بود آنها را به اعماق مغزهاي مردم شليک كرده و در گفتارها ترويج كردند كه تعداشان كم هم نيست و به زودي اين جديد واژگان را نيز نمايش خواهيم داد، پيدا كنيد كه قبل از حكومت ديكتاتور و دست نشاندهٔ پهلوي، آيا فارسي، مجموعا چند كلمه داشته است؟ جواب اين سوال را ما بارها در پستهاي قبلي و در جواب سوالات دوستان آورده ايم.

در واقع نام پان فارسيست برعاملان فوق الذكر صحيح تر بود چون اصطلاح پان ايرانيست با توجه به شمول قوميت هاي فراوان متشكل ايران، فريبي بيش نبوده و عملا بي معني است

آنان برخي از اين كلمات را از شمايل واژگان تركي و ارمني و كردي و گاهي لاتيني بازسازي كردند و بيشترِ اين كلمه گونه هاي زمخت و بد تركيب و نامأنوس را از پيش خود نازل كردند

سيد احمد كسروي كه در ابتدا خود را به زرهاي پهلوي فروخته بود با مطالعاتي كه به اواخر عمرش منتهي شد از خوش خدمتي به فارسي بي مايه و جسارت به زبان كامل تركي، پشيمان شد و اعتراف نمود كه با تمام اين پيرايشها براي فارسي، هرگز نتوان از آن يک زبان بيرون آورد.

نويسنده: جلال

یکشنبه 1 دی1387 ساعت: 23:59

آرمان=آرزو،آمال

آگندن=پرکردن

آگهي،آگاهي=اطلاعيه

ارج=قدر

اند=مقدار

انگيزه=محرک

باليدن=بزرگ شدن

باور=عقيده

بخشيدن=تقسيم

برتافتن=تحمل کردن

بزه=گناه

بزهکار=گناهکار

بسيج=تدارک،تهيه

بنام=مشهور

به يکبار=يکدفعه

بيمار=مريض

پلشت=ناپاکي

پوشاک=لباس

پيراستن=پاک گردانيدن

پيراسته=پاک شده

پيشرفت=ترقي

تاوان=غرامت

تنديس=مجسمه

چندان=آنقدر

چندين=اينقدر

چيره=مسلط،غالب

چيستان=معما

خودکامگي=استبداد

خودکامه=مستبد

خوراک=خوردني

خوي=عادت

خيم=حصلت

داور=قاضي

درآمد=دخل

درآمدن=وارد شدن

دررفت=خرج، هزينه

دست يازي=دست درازي

دستاويز=بهانه

دستياري=کمک

دهش=بخشش

رُويه=صورت،ظاهر

سامان=نظم

سترون=نازا

سرودن=با آواز خواندن

سو=جهت

شکيب=صبر

صده=قرن

کابين=جهاز،جهيزيه

کمابيش=تقريبا

مرز=سرحد

ناچار=مجبور

نگاشتن=نقش کردن

نويد=مژده،وعده

نيايش=تضرع

نيوشيدن=گوش دادن

هراس=ترس

هرچند=هراندازه

همچشمي=رقابت

هوده=نتيجه

واژه=کلمه

يوغ=چوبي گرد بسته که به گردن گاو نهند

نويسنده: جلال

دوشنبه 2 دی1387 ساعت: 0:7

توجه شود که بنا بود ساخته هاي سمت راست جانشين کلمات سمت چپ شوند:

آيفت=حاجت

آخشيج=ضد

آزرم=شرف

آک=عيب

آموزاک=تعليمات

آميغ=حقيقت

باک=در يک کاري زيانهاي گماني آنرا بديده گرفتن

بالا=قد

بالش=بزرگي

باهماد=جمعيت، حزب

بايا=وظيفه،واجب

برآغالانيدن=تحريک کردن

بندواژه=حرف

بهمان=فلان

بي يکسو=بيطرف

بيزاري=طلاق

بيوسيدن=انتظار داشتن

پادسخن=سخني که در برابر سخن ديگري باشد(جواب)

پاسدارانه=با احترام

پایندان=ضامن

پتیاره=بلا

پراچ=افزار پریدن

پرده داري=عفت

پرگ=اجازه

پروا=توجه

پروگرام=برنامه

پیکره=عکس

توزیدن=بدست آوردن

جداسر=مستقل

جنگاچ=اسلحه

جنگاد=کسانیکه براي جنگیدن باهم شده اند

چاپاک=چاپ کردنیچخش=مجادله

چاپاکها=مطبوعات

چاپیدن=چاپ کردن

چند سال باز=چند سال قبل به اینطرف

خامه=قلم

خریدار=خریدن بسیار

نویسنده: بروبچه های آبسردار(همون بهنود)

دوشنبه 2 دی1387 ساعت: 0:18

سلام
آقای پورپیرار چند لحظه پیش از این که بنده این کلمات را برای شما بنویسم،در شبکه یک سیما، آقای دکتر محمد رضا ترکی(همانی که در میان پارس ها به دنبال پارسا می گردد)در باب سلمان فارسی بالای منبر رفته بود و از زحماتش در آن کتاب سخن می گفت و می نالید که:((عده ای از شرق شناسان و عده ای از کسانی که با فرهنگ ایرانی مشکل دارند اصلاً منکر وجود شخصیت تاریخی سلمان فارسی شده اند)).
اما بنده هنوز متوجه نشده ام تولید کتاب آیا تا 3 قرن نخست هجری امکان پذیر نبوده یا "حداقل هشت قرن نخست" هجری؟

نویسنده: یک بنیان اندیش

دوشنبه 2 دی1387 ساعت: 0:55

سلام استاد
آیا پس از خاتمه بحث اندونزی به ادامه ماجرای صفویه برمی گردید؟ حقیقتا به سختی گیج شده ام. سوال اساسی ام این است که با توجه به قطعی بودن فقدان جمعیت در ایران به عصر صفوی، آثار و ابنیه موجود با چه هدفی خلق شده بوده؟ آیا برای اختفای پوریم یا اینکه قرار بوده کلنی های غربی اینجا را به نفع خودشان مصادره کنند که به هر دلیلی منصرف شده اند؟ سوال دیگر این است که آیا مساجد اصفهان کلیسا بوده و بعدها تغییر کاربری پیدا کرده اند و اختلاف جهت قبله شان

هم به همین بر می گردد؟
خدا سایه شما را از سر ما کم نکند

نویسنده: حسنی

دوشنبه 2 دی1387 ساعت: 3:4

سلام

نتونستم دوام بیارم . هنگ کردم . در برابر برخی استدالالات کم آوردم . از این طرف هم نمی تونم برخی چیزها رو ول کنم .
یعنی این همه چیز دروغه ! اگه خودت جای من بودی چی کار می کردی ؟
من که نمی تونم به مطالبت فکر نکنم . مثلا اونجایی که ثابت میکنی دکتری که 2 تا دکترا داره (فکر کنم ضیا بود) تفاوت سال های شمسی و قمری رو نمیدونه . یا اون برج طغرل یا بررسی چ ، ج و پ ، ب شاهنامه. وای خدای من.....

مثلا توی نوشته هات هی می نویسی یهودیا پوریم رو مخفی کردن . این درسته ! اما اونها که حیا ندارن . من فقط فکر می کنم اونا می خواستند اسلام رو خراب کنن . یا هر دوش . ولی دومی بیشتر.

اینارو فقط برای تو نوشتم اگه خواستی تایید نکن ! مختاری !

بازم سر میزنم...

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 2 دی1387 ساعت: 7:3

آقای حسنی. نمی دانم تا کجا را خوانده اید، اما اگر در ابتدای مطالب اید، یادداشت های بعد کمک تان خواهد کرد. ضمنا مستند تختگاه هیچ کس را ببینید مانند قرص آرام بخش عمل می کند.

آقای حذف. صندوق ای میل info@karangbooks.com امن تر و مطمئن تر است.

آقای عابدی. تصمیم را خودتان بگیرید، ایشان تایید دربست دارند و مسلمان بی غل و غش اند. در باب سئوال اول یقینی ندارم.

آقای برویچه های آبسردار(همون بهنود). سه قرن مربوط به زمانی است که اسناد و ادعاهای پخش شده ی موجود بررسی می شود و هشت قرن را زمانی طرح می کنم که اسناد پنهان مانده یعنی بررسی پاپیروس های اسلامی را عرضه می کنم. آن بابا که خواب تلویزیونی شدن را هم نمی دید، باید شکر گزار باشد که نام اش بر قلم من گذشته است.

آقای یک بنیان اندیش. یک بار دیگر یادداشت های 107 تا 120 را بخوانید و درتوضیحات آتی دقیق شوید.

آقای خرمی. این به سوراخ های شان در حال خزیده برگشته، در چند سال اخیر تمام شگردهای یهودی را در مقابله با این داده های نو آزموده اند. ابتدا حربه ی بی اعتنایی و سکوت برداشتند، سپس شکلک ساختند و دلقک بازی به راه انداختند، به تهدید متوسل شدند، اتهام های رنگارنگ و مسخره ساختند، شروع به غلط گیری از واو و دال کردند و چون نتیجه ای ندیدند، خفقان گرفته به اورشلیم رجوع کرده اند برای چاره اندیشی، که گمان نمی کنم که فریاد رسی بیابند. بد نیست مقدمه ی یادداشت 17 را بخوانید.

نویسنده: مهران حقیقت

دوشنبه 2 دی1387 ساعت: 9:55

سلام استاد

دیشب کتاب تورات را ورق میزدم.
قبلا فکر میکردم اشارات به کوروش و داریوش و خشایارشاو اردشیر محدود به برگرداندن یهودیان به اورشلیم است.
اما صحبت از نابودی بابل به گونه ای که در آن حتی علف نروید و بازسازی اورشلیم به دستور و کمک مالی فراوان کوروش مرا به فکر فرو برده است.
ضمنا در تورات مزبور با عنوان ترجمه تفسیری به مطلبی برخوردم که نظر حضرتعالی را هم میخواهم بدانم:

به ادعای تورات مزبور زبان آرامی زبان رسمی حکومت کوروش و داریوش معرفی شده است. پس تکلیف زبان هخایی چه میشود؟

با احترام
مهران

نویسنده: حسین رهبریان

دوشنبه 2 دی1387 ساعت: 12:35

سلام
از اینکه شما وبلاگ دارید و با مخاطبین خودتان ارتباط دارید موجب تعجب و خوشحالی من شد .

وب سایت

نویسنده: مارلیک

دوشنبه 2 دی1387 ساعت: 12:43

سلام علیکم

خانم حاجی زاده بی اعتنایی دوستان نسبت به آن مساله مهم به دلیل ارائه مطلب از سوی شما بود!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!

شوخی کردم به دل نگیرید البته اگر "اجازه" شوخی داشته باشم

نویسنده: عابدی

دوشنبه 2 دی1387 ساعت: 14:25

با سلام

آقای ؟ و آقای آشنا ، در صورت امکان با ایمیل من تماس بگیرید.

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

دوشنبه 2 دی1387 ساعت: 19:44

با سلام.
با کسب اجازه از آقای پورپیرار.
لطفا بخش نظرات وبلاگ دروغ بزرگ را بخوانید.

وب سایت

نویسنده: آیدین یاشار

دوشنبه 2 دی1387 ساعت: 21:40

چش نخورم الهی!
علامه دهخدا در لغت نامه معروف خود در باب «تخت جمشید» اطلاعات گسترده‌ای ارائه کرده است که دقت در بعضی فرازهای آن برای اینجانب حیرت انگیز بوده است. از اینرو تصمیم گرفتم با اجازه استاد یادداشتهای خود را به صورت چند کامنت متوالی ارسال کنم.
علامه دهخدا روی تلفظ کلمه «تخت جمشید» دقت خاص به کار برده و قید کرده است که تلفظ کلمه حتما «بفتح تای اول و کسر تای دوم و فتح جیم» صحیح است تا احتمال سوء تلفظ را منتفی کرده باشد. قابل تصور نیست که این همه دقت روی تلفظ کلمه بی معنا و بی مسمای «تخت جمشید» برای چیست و چگونه ممکن است انسان همین ترکیب لغوی را به شکل دیگری تلفظ نماید، بدون آن که باعث تبسم دیگران شود؟
علامه بزرگوار همچنین کلمه «آپادانا» را مورد بررسی قرار داده و ضمن این که تلفظ آن را به صورت «آپادانَه» (به فتح نون) ثبت کرده، آن را در معنای «کاخ بار عام» شناسائی کرده است. برای اینجانب جا نیفتاد که چرا «آپادانه» باید در معنای «کاخ بار عام» باشد.
علامه یکی از لوحها را به نحو زیر ترجمه کرده است:
داریوش ، شاه بزرگ ، شاه شاهان ، شاه کشورها، پسر وشتاسپ هخامنشی . داریوش شاه گوید: این است کشوری که

من دارم ، از سکستان آن طرف سغد، از آنجاتا کوشا (حبشه)، از هندوستان تا سارد (لیدی)، که اهورمزدا، بزرگترین خدایان ، به من داده است. اهورا مزدا مرا و خاندان مرا نگهدارد.
نکته تأمل برانگیز برای من آن بود که انسان بر شخص خود و خانواده خویش دعای خیری بدین مضمون نثار کند. قضیه به آن میماند که انسان به خود بگوید: «چش نخورم الهی!».

نویسنده: مارلیک

دوشنبه 2 دی1387 ساعت: 22:55

سلام و خسته نباشید خدمت استاد محترم

در بازدیدم از تختگاه هیچکس تعدادی عکس گرفتم که امروز هنگام مرور آنها عکسی که در به اصطلاح موزه گرفته بودم به چشمم خورد زوم کردم و خوندم و تا می تونستم خندیدم نوشته بود:
الواح گلی به خط میخی ایلامی
هنگام پاکسازی تخت جمشید تعداد زیادی الواح گلی پیدا شد که پس از ترجمه معلوم شد اینها سند پرداخت دستمزد کارگران بوده که بصورت نقدی پرداخت می شده برای نمونه ترجمه یکی از الواح را نقل می کنیم:
آقای شاکا مدیر صندوق
آقای بردکاما گواهی می دهد که آقای هردکاما درورگر مصری سرکارگر صد نفر کارگر که به ضمانت آقای وهوکا در ساختمان پارسه انجام وظیفه می کند استحقاق دریافت 3 کارشا و 2 شکل و نیم نقره به عنوان دستمزد خود دارد . مسئول صدور سند مردوکا
اینها موقع ساختن این جفنگیات چقدر به ما خندیدن؟؟؟؟!!!!!

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 2 دی1387 ساعت: 23:16

آقای دهقانی. ملاحظه شد. چندی دیگر می توانید دائره المعارفی از نشانه های واضح کمبود فرهنگ و قدرت استدلال و زوال عقل، نزد باستان ستایان را فراهم کنید. مطلب مورد نظرتان همراه تعدادی عکس برداشته شده از تخت جمشید توسط نمایندگان نظام مهندسی ایران در آدرس زیر یافت می شود. موفق باشید.
http://www.naria.ir/view/5.aspx?id=46

آقای؟. از کجا معلوم که او آخرین یار آن شهید بوده است؟! ضمنا فقط منزل ما را به عنوان محل اختفای او آدرس نداده بودند.

آقای بروبچه های آبسردار(همون بهنود). به اصطلاح روشنفکران ما، همان کودکان قصه دوست به ریش رسیده اند، با این تفاوت که قصه ها را از ننه بزرگ شان نمی شنوند، خود برای خود تعریف می کنند!

نویسنده: بنیاد ایرانشناسی

دوشنبه 2 دی1387 ساعت: 23:20

بنیاد ایرانشناسی را بهتر بشناسیم

وب سایت

نویسنده: همون آدم

دوشنبه 2 دی1387 ساعت: 21:49

timezone=12642&postid=317&http://mr-torki.blogfa.com/comments/Default.aspx?blogid=mr-torki

نویسنده: همون آدمدوشنبه 2 دی1387 ساعت: 21:42شنیدم تو برنامه تلویزیونی آدم شده بودی و می گفتی چون سلمان پلاستیکی یا همون سلمان پرژن تو مدینه به پیامبر اسلام صلوات الله علیه و سلم رسیده بوده پس حتی نمی شه ادعا کرد که تو قرآن دخالت داشته.
مردک بی شعور مگه تو کتابت نگفتی که دخالت داشته؟
پورپیرار آدمت کرده نه؟
آنوسی بدبخت.
اومدم بگم کار رو به جایی خواهیم رسوند ان شاء الله که همه تون به دریوزگی و گدایی برسید.
نه اینکه کینه ای باشیم، نه.

شما اون قدر فضله تو این فرهنگ ریختین که باید خودتون دوباره همه شو بالا بکشین.
این حق شماست.
وان عاقبتم فعاقبوا بمثل عوقبتم!!!!!!!!!!!!!!!!!
نویسنده: همون آدمسه شنبه 3 دی1387 ساعت: 1:18زاستی اون ترقی معکوست رو هم خوندم.نوشتی این اصطلاح بعد از صفویه است اما گفتی ابوسعید همچین شکری خورده!
همین نشون می ده که پورپیرار راست می گه و همه اینها جعله و دیوان های ابوسعید رو هم بعد از صفویه جعل کرده ان.
خاک بر سرت و اون دانشجویانی که بتو می گن استاد!!!!!!!!!

نویسنده: فریبرز

سه شنبه 3 دی1387 ساعت: 1:30

سلام خدمت استاد و بقیه دوستان، مطلب 153 مدخلی بر ایران شناسی(id=492)در سایت www.naria.ir لینک دانلود نداره. اگه کسی دستش میرسه لطفا اصلاح کنه که بتونیم دانلود کنیم

نویسنده: فریبرز

سه شنبه 3 دی1387 ساعت: 1:40

همینطور مطلب 155 id=494

نویسنده: عابدی

سه شنبه 3 دی1387 ساعت: 2:51

با سلام

آقای فریبرز لینک ها برای دانلود باز شدند.

نویسنده: رضا

سه شنبه 3 دی1387 ساعت: 4:13

سلوان، شهر تقلبی حضرت داوود

تاکنون سابقه نداشته که کسی تا این اندازه بخواهد تاریخ را مورد تحریف قرار دهد و بدون هیچ دلیل علمی آثار باستانی موجود در روستای سلوان در خارج از دیواره‌های شهر قدیمی قدس را به عنوان شهر حضرت داوود به جهانیان معرفی کرده و بدون هیچ دلیل منطقی بر فرض تعلق این شهر به حضرت داوود، خود را وارث این سرزمین‌ها بداند.

فلسطینیانی که تا قبل از جنگ جهانی اول و دوم در این سرزمین می‌زیستند، پشتوانه دینی و تاریخی بسیار دوری داشتد ولی تاریخ برای ساکنان شهر سلوان در نزدیکی قدس به يك نفرین تبدیل شد. در زمانی نه چندان دور یعنی فقط در دو دهه پیش، شهرك‌نشینانی وارد شهر سلوان شدند و ادعا کردند که این سرزمین‌ها حق آنهاست و به تورات خود استناد کردند.

Itemid=59&id=285&task=view&http://pe.expars.com/index.php?option=com_content

وب سایت

نویسنده: هاتف

سه شنبه 3 دی1387 ساعت: 9:44

"تلك اسما سميتموها انتم و آبائكم" القران الكريم
اسماء: ابوبكر - عمر- عثمان- .. صحيح مسلم- صحيح بخاري- مولوي- ابوهريره و...
خدا یارویاورتان باشد.
دوستي هندي كه بسيار سرسع زبان فارسي را ياد گرفته ميگويد كه ما كرداهه مي ذاريم و شما كرد و تمام.

نویسنده: ؟

سه شنبه 3 دی1387 ساعت: 13:10

اقای عابدی ایمیل فرستادم

نویسنده: عابدی

سه شنبه 3 دی1387 ساعت: 13:48

آقای ؟ ، ای میلی از شما نرسیده است. ای میل من : mohseyn_abedy@yahoo.com است.

موفق باشید.

نویسنده: نغمه

سه شنبه 3 دی1387 ساعت: 19:33

سلام حضرت استاد که خداوند یاورتان باشد در مقابل داشگاه تهران داخل یک کتاب فروشی دختری هراسان وارد شد و با التماس از فروشنده درخواست کتاب "القاب اداری در روزگار غزنویان" را کرد. میگفت که استادشان این کتاب را درسی کرده و هرچه میگردد پیدا نمیکند. باو گفتم که خواهر تو اول اداره ای از غزنویان را پیدا کن بعد دنبال القاب کارمندان و روسایش بگرد و شروع کردم به توضیح برای او. شگفت آور بود که فروشنده مغازه اعتراض کرد که چرا تبلیغ پورپیرار را میکنی. خریدار میگفت که استادشان راجع به شما در کلاس کنفرانس داده و گفته است که این فرد عرب است و برای بخشیدن جزایر سه گانه به اعراب زمینه سازی میکند. با آن دختر از مغازه بیرون آمدیم من تبلیغ خود را کردم و آدرس کتابها و وبلاگ شما را دادم و در دلم گفتم زهر مار شود نان آن استادی که بچه های مردم را در عین آگاهی به دروغ بودن امر به دنبال نخود سیاهی می فرستد تا وظیفه خود در اشاعه اکاذیب را انجام داده باشد.

نویسنده: سعید

سه شنبه 3 دی1387 ساعت: 19:38

متن زیر را از این آدرس برداشته ام:
http://parvaze2001.googlepages.com/z-index.html
باید گفت که دائما به علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان تهمت میزنند که ان عالم ربانی فرموده کوروش کبیر ذوالقرنین است در حالیکه این شایعه ای بیش نیست . عالم رباني مرحوم علامه طباطبايي در تفسيرالميزان به صراحت به دسيسه هاي يهوديان اشاره كرده و به خوانندگان توصيه مي‌كند كه گرد اختلاف درباره ذوالقرنين كه ساخته و پرداخته يهود باشد نگردند. او در توصيه خود مي‌فرمايد : خواننده عزيز بايد بداند كه روايات مرويه از طريق شيعه و اهل سنت از رسول خدا و از طريق خصوص شيعه از ائمه هدي و همچنين اقوال نقل شده از صحابه و تابعين كه اهل سنت با آنها معامله حديث كرده‌اند (و احاديث موقوفه‌اش مي‌خوانند) درباره داستان ذي‌القرنين بسيار اختلاف دارد. آن هم اختلافهايي عجيب و آن هم نه در يك گوشه داستان، بلكه در تمام خصوصيات آن و اين اخبار در عين حال مشتمل بر مطالب شگفت آوري است كه هر ذوق سليمي از آن وحشت كرده بلكه عقل سالم آن را محال مي داند و عالم وجود منكر آن است و اگر خردمند اهل بحث آنها را باهم مقايسه كرده مورد دقت قرار دهد هيچ شك نمي‌كند در اينكه خالي از دسيسه و دستبرد و جعل و مبالغه نيست از همه مطالب غريبتر، روايتي است كه علماي يهود كه به اسلام گرويدند از قبيل وهب بن منبه و كعب الاحبار نقل كرده يا اشخاص ديگري - كه از قراين به دست مي ايد از همان يهوديان گرفته‌اند. نقل كرده‌اند. بنابراين ديگر چه فايده دارد كه به نقل آنها و استقصا و احصا آنها با آن كثرت و طول و تفصيلي كه دارند بپردازيم.

نویسنده: ؟

سه شنبه 3 دی1387 ساعت: 21:5

اسکناسهای قدیمی کشورمان(قبلا هم شبیه به این مورد فرستادم)
http://p30bnd.ir/post/633

جاسوسه ای که با رقص اطلاعات ارتش فرانسه را به آلمانها می داد
http://gajamoo.net/1387/10/03/mata-hari-zele-germany-franch/

نیوزویک: آیت الله خامنه ای یازدهمین شخصیت قدرتمند جهان
http://www.radiofarda.com/Article/2008/12/23/f3_newsweek_khamenei.html

نویسنده: آیدین یاشار

سه شنبه 3 دی1387 ساعت: 21:9

اعلیحضرت خشیارشا!
علامه بزرگوار دهخدا در ادامه بحث تخت جمشید جزئیات «پلکان نو پیدایش» در جانب شرقی ایوان شرقی کاخ آپادانه را

شرح میدهد و در خصوص نقوش 23 مجلس نمایندگان ملتهای تابعه خشیارشا اظهار میدارد: «این نقوش صورت ملل باجگذاری هستند که در عید نوروز، باج و پیشکشهای خود را آورده میخواهند به پیشگاه اعلیحضرت خشیارشا، شاه توانای آن زمان که سرور 31 کشور باجگذار بوده تقدیم نمایند...»
نمیتوانم حیرت خود را پوشیده نگهدارم از اینکه حتی شخصی مثل دهخدا لقب «اعلیحضرت» را در مورد خشیارشا به کار میبرد. بیشک دهخدا از به کار بردن یک لقب عربی در مورد پادشاه باستانی ایران اکراه داشته و به علت فقدان لقب مناسبی که معنای «اعلیحضرت» را افاده کند و در عین حال فارسی سره نیز باشد، ناگزیر از به کارگیری آن کلمه مکروه بوده است. اضافه کنم که استعمال این لقب در دوره پهلوی هم از روی ناچاری بوده و حتی از لحاظ نحو عربی نادرست بوده است. البته نحو عربی به زبان فارسی چندان مربوط نیست، ولی برای سازندگان این اصطلاح مطرح بوده، زیرا آنها دو لقب جداگانه به صورت «اعلیحضرت» و «علیاحضرت» ابداع کرده بودند و این نشان میدهد که به مقوله تذکیر و تأنیث در زبان عربی توجه داشته‌اند، غافل از این که مقوله مذکر و مونث در این مورد نه شاه است و نه همسر او. در عربی صفت به نسبت موصوف صرف میشود، اما موصوف در این مورد کلمه «حضرت« (حضرة) است که در هر دو حال مونث است، پس هم در مورد شاه و هم همسر وی بایستی از لقب «علیاحضرت» استفاده میشد. آیا شخصی مثل دهخدا نیز از این قاعده نحوی ساده غافل بوده است؟ لقب مشابه در عربی «صاحب الجلاله» و «صاحبة الجلاله» است و در حالت خطاب هم میتوان به جای «اعلیحضرتا» چنین گفت: «یا صاحب الجلالة». حال این سوال باقی میماند که چرا ملل بدوی القاب مناسب پادشاه را دارند و ملتهای صاحب امپراطوری کهن مجبورند از اصطلاحات آن اقوام بدوی، آن هم به صورت نادرست استفاده کنند؟

نویسنده: عابدی

سه شنبه 3 دی1387 ساعت: 23:17

با سلام

آن دوستان که راغب به دریافت تمامی محتویات سایت www.naria.ir به جز سری مقالات «ایران شناسی بدون دروغ» به فرمت Word , PDF هستند ، ای میل شان را یا در این باکس بگذارند یا به ایمیل زیر ارسال کنند.

mohseyn_abedy@yahoo.com

نویسنده: علیرضا

چهارشنبه 4 دی1387 ساعت: 0:7

بمب گوگلی غزه

http://gaza.ir

نویسنده: علیرضا

چهارشنبه 4 دی1387 ساعت: 0:10

آرارات سمبل مقارمت ارامنه

http://www.todaylink.ir/go/index.php?id=26904

استاد آیا نظر شما در مورد این جمله متن چیه؟

"اما امروز در ایروان، پایتخت ارمنستان، ارامنه هر روز کوه آرارات را مشاهده مي كنند و با حسرت به آن خيره مي شوند، چرا كه اجازه رفتن به آنجا را ندارند. كوه آرارات، اين نشان ملي ارامنه، امروز در ارمنستان نمي باشد، بلكه در شرق تركيه، نزديک مرز ايران و ارمنستان واقع شده است. از سال 1920 تركيه اين قسمت از خاک ارمنستان شرقي را ضميمه خاک خود نمود و از آن زمان تا بحال، مرز تركيه و ارمنستان بروي ارامنه بسته شد و رفتن به كوه آرارات براي ارامنه به رويا تبديل گشت "

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

چهارشنبه 4 دی1387 ساعت: 0:24

با سلام.
آقا توحید از زحمتی که کشیدید کمال تشکر را دارم.

نویسنده: فریبرز

چهارشنبه 4 دی1387 ساعت: 1:33

آقای عابدی متشکرم، مطلب 157 i=496 هم همین مشکل-و داره

نویسنده: یه نفر

سه شنبه 3 دی1387 ساعت: 23:17

NID=8202&http://www.narestan.ir/default.aspx?cmd=news

نویسنده: رضا

چهارشنبه 4 دی1387 ساعت: 2:57

معبد هندوها در مالزي معروف به غار ميمونها (Batu Cave)

براي رسيدن به معبدي كه در عمق يك غار در شهر كوالالامپور واقع شده است بايد با گذر از 272 پله به ورودي غار برسيد.
در داخل غار نيز تا رسيدن به پرستشگاه اصلي در چپ و راست مجسمه هاي مقدسي قرار گرفته است...

واقعا خنده داره- عنوان وب سایت با آن ستاره داوود دیدنی است.

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 4 دی1387 ساعت: 9:47

فریبا خانم. دوستان از عنایات شما ممنون اند.

آقای رضا. تبدیل آن غار طبیعی با نصب پله های جدید به یک معبد، خود نشان می دهد که در مالزی فرهنگ بودیسم بسیار نوتولد است و بنای رسمی کهن ندارد.

آقای یه نفر. این مطلب عینا در لینک ارسالی شما نیز منعکس است. یک تالار شیک نوساز با کف سرامیک از ساخت جدید آن حکایت می کند و درست زمانی که آن ها را با بوروبودوی اندونزی مقایسه می کنیم مهارت یونسکو در تدارک معابد جعلی در آن کشور معلوم می شود.

نویسنده: ؟

چهارشنبه 4 دی1387 ساعت: 16:10

رحيم‌مشايي زبان فارسي هديه خداوند به ملت ايران است،
http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=8710031637

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

چهارشنبه 4 دی1387 ساعت: 17:26

سلام آقای عابدی.
ایمیل بنده.

نویسنده: سعید

چهارشنبه 4 دی1387 ساعت: 19:40

آقای پورپیرار- با سلام
آیا از مقالات شما اعم از ایران شناسی و اسلام و شمشیر اجازه میدهیدپرینت بگیرم

نویسنده: نسرین

چهارشنبه 4 دی1387 ساعت: 20:41

سلام آقای پورپیرار
به نظر شمابین لکهای قفقاز که به زبانی از خانواده ی زبانهای قفقازی تکلم میکنند با لکهای ایران و عراق و ترکیه و.. که به زبانی شبیه زبان سانسکریت صحبت میکنند ارتباطی وجود دارد؟آیا این امکان وجود دارد که هردو این اقوام از هندوستان به این مناطق آمده باشند؟!یا لکها قفقازی هستند و از قفقاز به مناطق دیگر رفته اند؟
همچنین در مورد لکها گفته میشود که در زمان موسوم به افشاریه از هندوستان به این مناطق آورده شده اند!لک در زبان سانسکریت به معنی صدهزار-نشان و... می باشد!نام بسیاری از مناطق لکها هم ریشه در زبان سانسکریت دارد مانند مندلی(عراق-نام قدیم اسلام آباد غرب)-دیوالا(نام قدیمی شهر ایلام) و...
همچنین کلمه لک و دیوا (به معنی جزیره)در نامهای قدیمی سریلانکا نیز دیده میشود:لک دیوا(Lakdiva)-لک بیما(Lakbima) و... همچنین کلمه لک در نام الهه ثروت هندوها لکشمی(Lakshmi)نیز وجود دارد!

نویسنده: نسرین

چهارشنبه 4 دی1387 ساعت: 20:52

همچنین در تبریز سه کوچه به نامهای لک لر(یعنی لکها) وجود دارد که به نظر میرسد لکهایی که ساکن آن مناطق و منطقه لکستان سلماس بوده اند از لکهای قفقاز باشند ولی صاحب این وبلاگ این لکها را از لکهای زند ملایر میداندو مینویسد:
خاندان مجدد شهروز (لک) بر طبق آنچه در تمامی کتب تاریخی آمده
و آنچه از پدران خود شنیده اند, از اعقاب خاندان زند بوده و به طایفه لک
تعلق دارندو ادامه می دهد:نادرشاه عشیره زند را که از عشیره لک ها می باشند برای حفظ وحراست مرزهای ایرانی با دولت عثمانی از هندوستان به سلماس کوچانید!!
http://www.shahroozfamily.blogfa.com/

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 4 دی1387 ساعت: 22:5

آقای سعید. به جز تهیه ی فیلم و یا تولید کتاب، برداشت از این نوشته ها آزاد است.

خانم نسرین. اگر شخص و گروه و قومی ادعایی در باب حصه ی معینی از رخ دادهای تاریخ دارد، برای اثبات و استحکام آن باید اسناد همزمان و به قدر کافی قدرتمند ارائه دهد. علاوه بر مبدأ کوچ کلنی های قومی کنونی ایران، به هر نام و کنیه و میزان و منطقه و کثرت که باشند، قبول این اصل مقدم است که نه فقط تمامی آن ها وارد شوندگان تدریجی به این خاک در طول چهارصد سال گذشته اند، هیچ یک بومی این سرزمین نبوده و بخشی از آنان از قبیل فارس ها نیز محصول ساخت و پاخت های اخیرند.

نویسنده: رهگذر

پنجشنبه 5 دی1387 ساعت: 21:36

دوستان این کتاب را راجع به ملت خیالی ایران داونلود کنید و بخوانید. متاسفان متن ان انگلیسی است
http://www.boxca.com/7szx7wttxw0w/Mostafa_Vaziri-_Iran_as_Imaagined_Nation-_Construction_of_National_Identity.pdf.html

١ ٢ ٣ >>

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 192

ایران شناسی بدون دروغ، 192، دیدار از اندونزی، 15 - 156 نظر

نویسنده: ؟

پنجشنبه 5 دی1387 ساعت: 2:5

متن رو هنوز نخوندم
ولی اولین نفری هستم که متن رو دیدم
استاد خسته نباشی

نویسنده: دوست

پنجشنبه 5 دی1387 ساعت: 10:30

سلام . اگه ناراحت نمیشی از اینجا ماچت می کنم خسته نباشی

نویسنده: أمة الله

پنجشنبه 5 دی1387 ساعت: 10:32

متن جالبی بود.

هرچند با همه ی نظریات شما موافق نیستم ولی این تحلیل شما برام جالب بود.

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 5 دی1387 ساعت: 12:49

خانم امت الله. نگفته معلوم است کدام بخش را پسندیده و کدام قسمت را نپسندیده اید!!! فرقه گرایی در همه جا تظاهری آشکار و یکسان دارد.

آقای؟؟!!. در اصطلاحات موجود در امورات فرهنگی دو اسلنگ هم ساخته اند: شیرفهم و خرفهم.

نویسنده: ویرگول

پنجشنبه 5 دی1387 ساعت: 13:0

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=70009
آيين طشت‌گذاري در رزن برگزار شد
خیلی زود طشتهای مشابه از جنس چوب و طلا به اندونزی می روند جهت حمل مناقصه خواهیم داشت بشتابید بشتابید بشتابید ....
....

نویسنده: ؟!

پنجشنبه 5 دی1387 ساعت: 13:55

نویسنده: ؟!

پنجشنبه 5 دی1387 ساعت: 2:13سلام

آقای اتفاق نقد اسلام و شمشیر شما را خواندم

فرموده اید : « در قرآن مستنداتی داریم که نشان می دهد یعقوب (ع) ، دارای « آل » ، با آن مفهوم خاص قرآنی که می توان از آن ذریه و سلاله را استنباط نمود بوده ، یعنی همان چیزی که از اسرائیل ، نیای قوم بنی اسرائیل متوقع هستیم.»

دلیل تان خیلی آبکی است. کاری به این ندارم که « بنی » معنای اش در لغت به معنای « آل » است ، یا خیر . اما در قرآن کریم ، یاسین ، لوط ، داوود ، موسی و ... نیز ، آل دارند ؟!!!

و در ادامه فرموده اید : « و از دیگرسو ، توجه و غور در آیات 136 و 140 سورهٔ مبارکهٔ بقره ، 84 آل عِمران و 163 نساء ، که اسباط یهودی را در ادامهٔ مسلسل ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) و اسحاق (ع) و یعقوب (ع) ذکر می نماید هم دلیلی خفیف بر شکل گرفتن اسباط از یعقوب (ع) و لاجرم یکی و یکسان بودن اسرائیل آیهٔ 93 سورهٔ مبارکهٔ آل عِمران با یعقوب (ع) می باشد .»

بنده چند بار این جمله را خواندم ، ولی چیزی نفهمیدم ! این عبارت تان « دلیل خفیف » ! مرا به یاد نوشته های آن جهودی می اندازد که خودتان در نوشته های تان او را نقد کرده بودید.

همانی که با گمان و فکر و ... برای ما تاریخ سازی کرده بود !!!

نویسنده: ؟

پنجشنبه 5 دی1387 ساعت: 16:29

تخت طاووس (قاجاری)
http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AA%D8%AE%D8%AA_%D8%AE%D9%88%D8%B1%D8%B4%DB%8C%D8%AF

تصویری تاریخی از دروازه گمرک به هنگام ورود ستارخان و باقرخان به تهران(دروازه ای که چیزی جز نام از آن باقی نمانده)
img_type=0&img_cat=34&http://www.iichs.org/index.asp?id=626

برگزاري آيين «اشو زرتشت» در يزد
http://www.tabnak.ir/pages/?cid=30437

نویسنده: ؟

پنجشنبه 5 دی1387 ساعت: 16:32

تحريف در صحيح بخاري + تصوير !!!
id=61&http://www.valiasr-aj.com/fa/page.php?bank=shobheh

نویسنده: توحید

پنجشنبه 5 دی1387 ساعت: 14:0

با سلام
استاد خسته نباشيد . خدا وند حامي و نگهدارتان باشد . از شما مي خواهم همچنان قاطعانه و استوار به راهتان ادامه دهيد و توكل بر خدا داشته باشيد كه همه امور در دستان خداوند است .
مشتاقانه منتظر ادامه مباحث مي نشينيم .

و من الله توفيق .

نویسنده: آیدین یاشار

پنجشنبه 5 دی1387 ساعت: 20:42

قصر آفتاب گیر هخامنشیان
گزارش علامه دهخدا از تخت جمشید حاوی نکات ظریف دیگری نیز هست. از جمله بشنویم شرح کاخ سه دروازه را به اجمال:

«... جرزهای دو درگاه شرقی و جنوبی تالار مرکزی نامبرده آراسته به نقش داریوش اول میباشد و دو تن از غلامان هم در دنبال او روانند. و در بخش بالای درگاه نیز نقش فروهر که در حالت پروازدیده میشود حجاری شده است».
در اینجا مسأله غلامان تناقض آشکار است، زیرا منابع متعدد از جمله خود لغت نامه مدعی آنند که در جریان ساخت و ساز تخت جمشید نظام مزد و مرخصی از جمله مرخصی زایمان برای زنان کارگر حاکم بوده است. دهخدا البته در گزارش خود از حرمسرای خشیارشا نیز صحبت کرده است که با توجه به ماهیت دموکراتیک هخامنشیان، احتمالا همه زنان حرمسرا به میل خود حاضر به اقامت در کاخ اعلیحضرت خشیارشا بوده‌اند. حالا اگر این تناقض را نیز به نحوی نادیده انگاریم، در جای دیگر گزارش دهخدا ادعا میشود:
«نام حقیقی کاخ آئینه بموجب کتیبه ای که در جرزهای درگاه جنوبی تالار مرکزی آن نقر گردیده تچرا یعنی قصر زمستانی بوده است، بعلت آنکه در سه سوی در و پنجره دارد و از بامداد تا شام آفتاب از سه طرف در آن میتابد».
ابهام من آنجاست که دهخدا چرا و چگونه کلمه «تچرا» را «قصر زمستانی» معنی میکند. پیش از این نیز دیدیم که دهخدا «آپادانه» را در معنای «کاخ بار عام» شناسائی کرده بود که آن هم به نوبه خود به حیرت ما افزوده بود. دهخدا حتی در جای دیگر گزارش «هدیش» را در معنای «کاخ نشیمن» شناسائی کرده است و نمیدانیم این معانی چگونه استخراج میشود.
برای افزودن بر حیرت ما دهخدا تعبیر دیگری نیز دارد:

«تالار مرکزی همانند تالارهای دیگر چهارگوشه و دوازده ستون در سه ردیف داشته و در چهار دیوار 6 در و 8 طاقچه و 4 پنجره سنگی دارد و دور گیلوئی هر پنجره و طاقچه کتیبه ای به سه خط میخی پارسی و عیلامی و بابلی نوشته شده و ترجمه آنها از این قرار است : این گیلوئی سنگی پنجره در خانه شاهی داریوش ساخته شده است».

خاستگاه این کلمه «گیلوئی» برای اینجانب روشن نشد، اما حیرت من از آن است که پادشاهی که برای سنگهای گوشه و کنار کاخ خود جداگانه کتیبه گذاری میکند، چگونه میتواند رهبر سیاسی قلمروی با آن وسعت معروف بوده باشد؟

نویسنده: آیدین یاشار

پنجشنبه 5 دی1387 ساعت: 20:43

ستونهای آهکیده کاخ خشیارشا
علامه دهخدا اندر شرح تالار مرکزی کاخ کوچک خشیارشا:
«از جای ستونهائی که در تخته سنگهای کف تالار نمایان است معلوم میشود این تالار 36 ستون در شش ردیف داشته و تماما در هنگام آتش سوزی (حریق) از طرف اسکندر مقدونی تبدیل به آهک شده و بتدریج ریخته است».
ضمن این که «تبدیل سنگ به آهک در اثر حریق» نکته‌ای است که از لحاظ فعل و انفعال شمیائی قابل بررسی است، و حتی ممکن است حریق موجب سفت شدن بیشتر سنگها نیز بشود، اما از این ابهام که بگذریم، شما ملاحظه بفرمائید که حریق چگونه تمامی 36 ستون را تبدیل به آهک کرده، اما جای ستونها و تخته سنگهای کف تماما دست نخودره باقی مانده است!

نویسنده: م . ستاره

پنجشنبه 5 دی1387 ساعت: 17:16

سلام
کریسمس مبارک ؟!
این هم هدایایی که در حکومت اسلامی ، نصیب اهل کتابی می شود که باید تحریم شان کرد !!

http://i39.tinypic.com/2lihtop.jpg

http://i41.tinypic.com/1i1hua.jpg

پیوند شان مبارک ! همکاری یعنی این ها !
(امان از این موبایل ، خصوصا نوع دوربین دار !)
جناب ویرگول ، در جستجوی آدرسی از شما بودم که هیچ ایمیلی نیافتم !
انما المشرکون نجس !
والسلام !

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

پنجشنبه 5 دی1387 ساعت: 21:9

با سلام.

وبلاگ دروغ بزرگ با مقاله ی جدید >>> فقدان آوار<<< و >>>پلکان ورودی<<< در خدمت دوستداران حقیقت

نشر حقیقت لطفا وبلاگ را به دوستانتان معرفی کنید

www.bigfalse.blogfa.com

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 5 دی1387 ساعت: 21:30

خانم امت الله. دریافت از مداخل کلان به آن آسانی نیست که گمان کرده اید چنان که دائما در ارتباط با مطالب این وبلاگ گیج می زنید.

آقای دهقانی. خسته نباشید.

آقای تاریخ اسلام در اندونزي. آن مورخی که به مطالب کتاب مارکوپولو و ابن بطوطه استناد می کند، به تر است ماست بندی باز کند.

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

پنجشنبه 5 دی1387 ساعت: 21:31

سلام مجدد.
آقای آیدین یاشار، اگر ممکن است این مطالب گهر بار را در وبلاگ دروغ بزرگ نیز قرار دهید تا از فعل و انفعالات مغزی باستان

پرستان شکمی سیر بخندیم.
عالی بود.

نویسنده: اتفاق

پنجشنبه 5 دی1387 ساعت: 21:52

سلام ناصرخان ، انصافا که دست مریزاد
***
دوست عزیز ، جناب ؟!
سلام و رحمت و تحیات الهی بر شما
پس از سپاس از مراحم و بنده نوازی هایتان ، کاش پیش از باز کردن کام ، تأملی متناسب با شأن یک انسان فرهیخته بر خود روا داشته بودید و با قرائت قسمت کامنت های وبلاگ « ن والقلم » ، وقت گرانقدر خویش صرف آبگوشت بی گوشت من نمی نمودید ! در هر حال چون این قدرت و سرعت را در شما نیافتم و دیدم که در خدمت مردان ، بار خاطرید نه شاطر ، از زیر پاچال ، کاسه ای از آبگوشتِ با گوشت ، به شکل سفارشی خدمتتان عرضه می دارم که امیدوارم نوش جانتان شود :

به قسمت کامنت های وبلاگ « ن والقلم » بروید و کامنت های زیر را لطفا دقیقا به ترتیبی که نوشته ام قرائت نمائید .
ممنون و سپاسگزارم :

کامنت آقای مارلیک : جمعه ، 1 آذر 1387 - 55 : 21 (مارلیک 2)
کامنت ن والقلم : شنبه ، 2 آذر 1387 - 46 : 15 (خطاب به آقای مارلیک)
کامنت ن والقلم : دوشنبه ، 4 آذر 1387 - 43 : 15 (اصلاحیهٔ دوم)

وب سایت

نویسنده: اتفاق

پنجشنبه 5 دی1387 ساعت: 21:53

آقای رضا (Azeroglu@Gmail.Com) ، دوست و همفکر گرامی ، سلام
لطفا ایمیلتان را چک بفرمائید . سؤالی داشتم و التماس دستگیری .

وب سایت

نویسنده: أمة الله

پنجشنبه 5 دی1387 ساعت: 22:25

آقای پورپیرار

بله موافقم که تاریخ خوانی چیزی جز ورود به مداخل کلان نیست که سردرگمی می آورد.

برای همین دستاویزی به قرآن باعث راهگشایی و عبور از مداخل کلان گم کننده به راه نور و حقیقت است.

وب سایت

نویسنده: رضا

پنجشنبه 5 دی1387 ساعت: 22:38

استاد با سلامی به گرمی صداقت وجودتان.این مقاله واقعا محشری است در نوع خود. همه با هم بر ضد هر گونه فرقه بازی در اسلام.

آقای دهقانی عزیز.من عکسها را از وبلاگتان داونلود نمودم و چند روزی است که با استفاده از این فرصت تعطیلی دست به کار شده ام. بزودی یک نسخه از کار را برای استاد و شما و نیز آقای اتفاق ایمیل خواهم کرد.

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

جمعه 6 دی1387 ساعت: 2:24

سلام آقا رضای عزیز.
لطف می کنید و کار با ارزشی انجام می دهید. البته تصاویر وبلاگ تنها قسمتی از تصاویر برداشته شده است. امیدوارم که همین مقدار کم نیز راهگشا باشد.

وای خدا، چه لذتی داره توی کامنتهای شما گفتگو کردن. اونجا آدم اعصابش خورد میشه بس که باید یه حرف رو 100 بار بگه تا شاید یکی یه چیزایی دستگیرش بشه. مثل بچه ابتدایی میمونن ناصر خان. حالا میفهمم توی این 9 سال که از انتشار کتاباتون میگذره شما با چه کسانی روبرو بودین.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 6 دی1387 ساعت: 6:25

آقای دوست. کسی، هرکسی، که از ابراز نظر درباره ی مستند تختگاه هیچ کس طفره می رود و یا آن را عامدا نمی بیند، آنوسی است.

خانم امت الله. آیا تاکنون مجموعه یادداشت های اسلام و شمشیر را خوانده اید؟!!

نویسنده: توحید

جمعه 6 دی1387 ساعت: 7:21

با سلام
بررسي خط و زبان عبري - بخش سوم
....
ضماير در زبان عبري :
تلفظ عبري / لاتين / معادل فارسي / معادل عربي :

اني / ani / من / انا

اتا / ata / تو / انت

ات / at / تو (مونث) / انتِ

هو / hu / او / هُوَ

هي / hi / او (مونث) / هيَ

اَنَخنو / anakhu / ما (مونث) / نحن

اَتِم / atem / شما / انتم

اَتِن / aten / شما (مونث) / انتنَّ

هم / hem / ايشان / هم

هن / hen / ايشان (مونث) / هُنَّ
....
در ضمن من در حال تحقيق درباره ميزان رسوخ فرهنگ يهوديان در فرهنگ ايراني هستم و از جمله همانطور كه قبلا نوشته بودم «يلدا» = י ל ד ה به معني « دختر » مي باشد ، و در همين قصه ها و داستانهاي سنتي و فولكلريكمان هم يلدا را دختر سياه مويي بلند بالا ميدانند كه سمبل بلندترين شب سال است !

از طرفي همانطور كه قبلا گذشت در بين اعداد «عبري» كه همه آنها به معادل «عربي» آنها شبيه بود الا عدد «شش» كه عينا معادل فارسي آن است ! وقتي درباره خواص عدد (6) در فرهنگ « عبري » تحقيق كردم متوجه شدم كه اين عدد در بين يهوديان از « قداست » خاصي برخوردار است كه نمود آنرا مي توان در « ستاره شش پر داوودي» مشاهده كرد .

نكته ديگر در ايام هفته در زبان فارسي است :

كه سبكي منحصر دارد ، يعني روزها با همان نام « شنبه » نام گذاري مي شود و تنها با جلو رفتن هر روز يك عدد به آن مي افزايند (شنبه – يك شنبه – دو شنبه – سه شنبه ...) ، خود لفظ شنبه هم به نظر مشتق از همان « شابات » عبرانيان و روز مقدسشان است !

يعني ما در فرهنگ ايراني (6) روز «شنبه» داريم ! جمعه هم كه عربي است و معادل فارسيش «آدينه» .

در حالي كه در ديگر زبانها چنين نيست و هر روز نامي منحصر دارد مانند انگليسي كه :

SATER/SUN/MON/TUES/WEDNES/THURS/FRI

نویسنده: رضا

جمعه 6 دی1387 ساعت: 11:50

با سلام استاد.. آیا این آقای غفوریان همان مستندساز "تخت گاه هیچکس" است؟ امیدوارم که اشتباه کرده باشم.

آقایان غفوریان و سراخوانی ۲ زندانی که مدتی نامعلوم بخاطر ساختن ویدیو کلیپ توسط مامورین وزارت اطلاعات دستگیر شده اند. و در سلولهای انفرادی بند ۲۰۹ زندانی هستند.آنها هنگام دستگیری توسط مامورین وزارت اطلاعات بشدت مورد ضرب و شتم و اهانت قرار گرفته اند. و در زمانی که در سلولهای انفرادی بسر میبردند مورد بازجوئی ،بازجویان وزارت اطلاعات قرار داشتند که موردشکنجه های جسمی و روحی قرار گرفته اند.

وب سایت

نویسنده: یک مسلمان

جمعه 6 دی1387 ساعت: 11:56

الله اکبر
زمان تحویل جهان به صالحان فرارسیده و لاجرم این تحویل با عنایات الهی توام بوده و مدد و نصر الهی را پشتیبان خود خواهد داشت.
دل ما را با پاگراف اول یادداشت اخیر تان به درد آوردید.
چراغی را که ایزد برفروزد
هر آنکس فوت کند ریشش بسوزد
جواب فرقه بازان را قرآن در آیه 159 سوره انعام که به خوبی در مقالات حضرتعالی تبیین شده است ، داده است و همان که قرآن را از دست نامحرمان و دین ستیزان سالم و بی نقص به ما رسانده ، شما را نیز در پناه خود خواهد داشت.
فرقه پرستان باید بدانند پوپیرار دیگر یک تن نیست و میلیونها نفر شاگرد دارد که از طریق نظرات او راه واقعی قرآن را باز یافته اند و اسلام شان را با هیچ عنوانی همراه نمیسازند و آیه سوم سوره مائده را دلیل معرفی روشن اسلام میدانند و نه دلیل واهی تراشیدن بت برای فرقه ای خاص.
چند روز پیش در مراسم شامی که به مناسبت بازگشت یکی از دوستان از مکه برگزار شده بود شرکت داشتم و از قضا دقیقا سر میزی نشستم که ملای مجلس نیز همانجا نشسته بود بعد از چند دقیقه یکی از حضار در خصوص محرم و اداب ان سئوالی از ایشان نمود و جوابهائی شنید که مملو از غلو و دروغ و تزویر بود .
بنده ابتدا نمیخواستم مداخله کنم ولی عهدی را که خدا از مسلمین گرفته تا سخن حق را در برابر هرکس که باشد بیان کنند، مانع سکوت شد و به ایشان نکاتی از قرآن را یادآور شدم ولی جناب ملا 35 سال درس حوزوی خود را به رخ من کشید و نام کتابهای بسیاری را که خوانده بود بر شمرد و بر اساس آن ادعا کرد که من باید بی چون چرا شنونده و پذیرنده سخنان ایشان باشم . اما با استناد به قرآن و آنچه که از شما استاد عزیز یاد گرفته بودم عرق شرم را بر پیشانی ملا نشاندم که با صدای تائید دیگران همراه شد و علی ماند و حوضش.
استاد عزیز ، مردم ما تشنه حقیقت اند و ما شاگردان شما میبایست شب و روز بسان همان مبلغان نخستین اسلام ، آنان را از این خواب تحمیلی بیدار کنیم.
خداوند پشت و پناهتان باشد.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 6 دی1387 ساعت: 12:17

آقای بی نام. آدرس تان را در پیام خصوصی ارسال کنید، کتاب ها همراه صورت حساب ارسال خواهد شد.

آقای یک مسلمان. یادداشت 192 و چند یادداشت آتی مقدمه ای است بر شناخت دو دولت صفوی و عثمانی. امیدوارم

خداوند فرصت بیان را فراهم کند.

آقای رضا. ممکن است در ایران چند صد نام فامیل مشابه وجود داشته باشد که لابد سرنوشت و روش مشترک ندارند!!!
البته استاد غفوری خود پاسخ شما را خواهند داد. اما اصطلاحا اندکی به کاهدان زده اید زیرا فامیل استاد ما غفوری است و نه غفوریان و در حال حاضر نه در 209 که شغول تدوین شبانه روزی کلیپ طوفان نوح اند.

نویسنده: آلیانس

جمعه 6 دی1387 ساعت: 12:18

بنا برگفته شریعتی "باید نشان داد که عرب و ترک منهای اسلام جز بدویت و وحشیگری نیست " . اما فارس و یا ایران قبل از اسلام از نظر شریعتی چه بوده است ؟
1-این همان روحیه غالب بر یونانیان باستان است که همه بشریت را به دو گروه تقسیم می کردند, یونانی و بربر . و مقصود از بربر هر ملتی و هر انسانی است که که به زبان یونانی سخن نمی گوید .... و با این طرز تفکر حتی ایرانیان متمدن را در قبال خود بربر می نامیدند . (مجموعه آثار 27 ص 119)
2- هیچ مذهبی در تاریخ به اندازه اسلام و به ویژه در عمل و سخن شخص پیامبر اسلام , با عصبیت های جاهلی قبایلی , تضاد و تفرقه نژادی و روح برتری جویی های قومی و نسبی مبارزه نداشته است و از برابری عرب و عجم و قریشی و حبشی دم نزده است , با این همه دیدیم که قرن ها, آنچه به نام انترناسیونالیسم اسلامی خوانده می شد جز توجیه مذهبی امپریالیسم خشنی که اشراف عرب و غلامان ترکشان ساخته بودند نبود و اسلام که دعوت به آزادی و شرف و کرامت انسانی می کرد , کمندی شده بود که مردمی با قرن ها تمدن و فرهنگ و اصالت انسانی , موالی فلان رئیس قبیله بدوی عرب گردند و به عنوان انتساب به قبط و فارس و روم و یونان تحقیر شوند.! (مجموعه آثار 27 ص 165)

نویسنده: علیرضا

جمعه 6 دی1387 ساعت: 12:24

آقای پورپیرار با این گفته های شما که باید ازتون تشکر کرد, میشه گفت که حکومت کشورهای اسلامی دقیقاً توسط مشرکین داره اداره میشه.
کشورهایی که نام اسلام رو دارند با کلمه تروریست ترویج میدن
سوال اینه که ما چه کاری میتونیم راجع به مردم اندونزی انجام بدیم؟
و سوال بعدی اینکه این خرافات در دوران جهالت مردم ایران و کشورهای دور و برش بهشون وارد شده. آیا این امکان هست که مشرکین در چنین عملی اونهم تو این زمانه به مردم اندونزی موفق بشن یا نه؟
چونکه الان قرن 21 مه و تفکر مردم نسبت به سالها قبل خیلی عوض شده.

نویسنده: آلیانس

جمعه 6 دی1387 ساعت: 12:39

دوران درخشان و متمدن در زمان ساسانیان از نظر شریعتی

3- آنچه قابل توجیه و ارزیابی مثبت است این است که بازگشت ساسانیان به گذشته پیش از هجوم اسکندر و سلطه فرهنگ یونانی و تکیه اش بر مذهب و فرهنگ و زبان و تاریخ خویش , به ایران عصر ساسانی چهره ای چنان مستقل و مشخص بخشید که توانست در برابر موج یونانی زدگی در عصر هلنیستیک شرق کاملا" ممتاز گردد و بدرخشد و فرهنگ ایرانی و روح ملی چنان قدرت و استقلال و خودآگاهی وجودی یابد که حتی وجود شهرهایی که در قلمرو ایران, یکپارچه یونانی بود و کلنی های یونانی نشین وجود داشت و حتی در زمان انوشیروان که بسیاری از دانشمندان و فلاسفه یونانی به ایران آمدند و فلسفه یونانی را از چنگ متعصبان مسیحی نجات دادند و در ایران هم از نظر سیاسی حمایت و تقویت شدند , نتوانستند به این روح و فرهنگ خدشه وارد سازند و در احساس وجودی ایرانی حلول نمایند . (مجموعه آثار 27 ص 214)

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

جمعه 6 دی1387 ساعت: 12:40

آقا توحید سلام.
نمیدانم که قبلا در مورد چیزی که می خواهم بگویم، صحبت کرده بودید یا نه؟ اما به نظر من یکی از دلایل رسوخ یهود در بین ما، همان در ترتیب روزهای هفته نهفته است.
شنبه برای یهودیان تعطیل است و آنها هفته ی خود را با یکشنبه آغاز می کنند که معقول به نظر میرسد. یعنی یک شنبه روز اول، دوشنبه روز دوم، سه شنبه روز سوم، و دیگر روزهای هفته به همین ترتیب.
اما از آنجا که ایران در زمانی نه چندان دور (که هنوز استاد در مورد آن نگفته اند، به جز در اشاره) از دین یهود برگشته اند، و از آنجا که مسلمانان جمعه را برای خود تعطیل میدارند، امروز ما با چیدمان مسخره ی روزهای هفته روبرو هستیم. یعنی:

شنبه روز اول هفته.
یک شنبه روز دوم هفته.
دوشنبه روز سوم هفته.
و ...
در حقیقت زمانی که این تغییر و تحول اتفاق افتاده است، تغییر و ترتیب روزهای هفته فراموش شده است.
تا نظر دوستان چه باشد؟
با تشکر

نویسنده: 123

جمعه 6 دی1387 ساعت: 13:42

'Ahmadinejad show 'causes offence

http://news.bbc.co.uk/1/hi/entertainment/7799652.stm

MP Mark Pritchard, a member of the Commons Conservative
all-party media group
said
Israel Channel 4 has given a platform to a man who wants to annihilate
and continues to persecute Christians at Christmas time

****

تبریک کریسمس احمدی نژاد ؟!!

/http://www.bbc.co.uk/persian/iran
v_ahmadinejad_xmass_message_fm_reaxion.shtml_081225/12/2008

همزمان یک عضو مجلس بریتانیا از حزب محافظه کار گفته است که این شبکه تلویزیونی
بریتانیا به شخصی زمان تلویزیونی می دهد که خواهان "از بین بردن اسراییل" است.

****

عجب ! احمدی نژاد قصد نابودی اسرائیل را دارد . مخصوصا اجازه ایشان برای نمایش مستند
شکوهمند تختگاه هیچ کس ، در شبکه نخست صدا و سیمای کاملا گویای این مطلب است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ لاَ تَتَّخِذُواْ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاء بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاء بَعْضٍ وَمَن يَتَوَلَّهُم مِّنكُمْ
فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللّهَ لاَ يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. مائده 51

آیا واقعا هر روز از قرآن کریم دور می شویم ؟!! جای افسوس دارد...

نویسنده: ؟

جمعه 6 دی1387 ساعت: 16:18

تونی بلر: هرروز قرآن می خوانم (کل متن خبر در زیر)
http://www.torkiye.com/news-fa/44.cgi

تونی بلر نخست وزیر سابق انگلیس در مصاحبه ای با نشریه آلمانی دی زیت گفت: به صورت مرتب قرآن می خوانم. در واقع
می توانم بگویم هرروز قرآن می خوانم.

این سیاستمدار 55 ساله درباره حضرت محمد پیامبر مسلمانان نیز گفت: " وی در واقع یک رهبر بسیار مدرن بود. مسیحیان
با پیش زمینه و فورا می گویند مسلمانان از ما نفرت دارند. اما من آیه ای در قرآن ندیدم که درباره حضرت عیسی باشد و
سرشار از احترام زایدالوصف نباشد."

به گزارش سایت ترکیه به نقل از روزنامه زمان او در پاسخ به سئوال خبرنگار نشریه آلمانی درباره اینکه "آیا مسلمان می

شوید؟" گفت: "خیر، لطفا این موضوعات را باهم قاطی نکنیم"

تونی بلر بعد از پایان دوره نخست وزیری اش اعلام کرده بود که به مذهب کاتولیک گرویده است. وی در این باره کاتولیک بودن همسر و فرزندش را نیز یک عامل مهم می داند و در کنار آن عوامل معنوی را نیز از علل این تصمیم برمی شمرد.

او در پاسخ به سئوال دیگری درباره فشار عملیات های نظامی نیروهای انگلیسی بر مردم مسلمان افغانستان و عراق نیز گفت: چه کسی تحت فشار قرار می گیرد؟ ما مردم این کشور ها را از چنگال دو دیکتاتور بزرگ نجات داده ایم.

نخست وزیر سابق انگلیس در بهار 2008 یک سازمان برای گردهم آوردن ادیان بزرگ دنیا تأسیس نموده بود.

نویسنده: أمة الله

جمعه 6 دی1387 ساعت: 16:56

فکر کنم تا حدودی خواندم مدتها قبل.

البته مطمئن نیستم که همه ی مطالب همین بود یا بیشتر ، برای اینکه می دیدم هوادارانتان از شما می خواستند ادامه دهید.

به هرحال خیلی مایلم تمام مطالب را از نو بخوانم برای اینکه با خیلی از مقاله های شما در حد تحسین برخورد داشتم و برایش تبلیغ هم کردم!

اما دوست ندارم تنها راه شناخت صحیح دین داری از طریق اکتشاف غلطهای تاریخی باشد!

برای من قرآن راه آسان و شیوای دین داری را هموار ساخته و من بدون هیچ کتاب دیگری می توانم بواسطه اش یک مسلمه ی شایسته شوم.

کتاب خداوند همتا ندارد هرچند ملاهای ما خیلی دوست دارند در خطبه هایشان ما را به قیل و قالهای مختلف مشغول سازند!

البته در حال حاظر عاجزانه تنها راه وحدت و نجات امت سروکله زدن با ملاها نیست بلکه معرفی کردن بهتر و بیشتر قرآن است که مورد قبول تمامی وجدانهای اسلامیست.

برای همین از کنایه گویی و نیش زدن به ملاها هم تاحدامکان دوری می جویم تا فرصت خوبی برای فرقه سازان برای بدمعرفی کردن امثال من بوجود نیاید!

شما حرفهای خوبی برای گفتن دارید ولی آنقدر با کنایه و تندی به همه می تازید که گویا هیچ کس را جز خودتان قبول ندارید پس مواظب باشید!
این نصیحت دوستانه ایست که به تمامی حق جویان و حق طلبان دارم.

نگذارید پرده ای ضخیم بین خود و عموم مسلمین ایجاد شود برای برداشتن این پرده کاری به ملاهای بد نداشته باشید و فقط با عقلها و دلهای سلیمی که قرآن را بهترین کتاب شناخته اند هم سخن باشید و بدون شک عقلهایی که با نور قرآن به یقین راه می یابد هرگز دچار انحراف نخواهد شد.

وب سایت

نویسنده: أمة الله

جمعه 6 دی1387 ساعت: 17:2

فکر کنم تا حدودی خواندم مدتها قبل.

البته مطمئن نیستم که همه ی مطالب همین بود یا بیشتر ، برای اینکه می دیدم هوادارانتان از شما می خواستند ادامه دهید.

به هرحال خیلی مایلم تمام مطالب را از نو بخوانم برای اینکه با خیلی از مقاله های شما در حد تحسین برخورد داشتم و برایش تبلیغ هم کردم!

اما دوست ندارم تنها راه شناخت صحیح دین داری از طریق اکتشاف غلطهای تاریخی باشد!

برای من قرآن راه آسان و شیوای دین داری را هموار ساخته و من بدون هیچ کتاب دیگری می توانم بواسطه اش یک مسلمه ی شایسته شوم.

کتاب خداوند همتا ندارد هرچند ملاهای ما خیلی دوست دارند در خطبه هایشان ما را به قیل و قالهای مختلف مشغول سازند!

البته در حال حاظر عاجزانه تنها راه وحدت و نجات امت سروکله زدن با ملاها نیست بلکه معرفی کردن بهتر و بیشتر قرآن است که مورد قبول تمامی وجدانهای اسلامیست.

برای همین از کنایه گویی و نیش زدن به ملاها هم تاحدامکان دوری می جویم تا فرصت خوبی برای فرقه سازان برای بدمعرفی کردن امثال من بوجود نیاید!

شما حرفهای خوبی برای گفتن دارید ولی آنقدر با کنایه و تندی به همه می تازید که گویا هیچ کس را جز خودتان قبول ندارید پس مواظب باشید!
این نصیحت دوستانه ایست که به تمامی حق جویان و حق طلبان دارم.

نگذارید پرده ای ضخیم بین خود و عموم مسلمین ایجاد شود برای برداشتن این پرده کاری به ملاهای بد نداشته باشید و فقط با عقلها و دلهای سلیمی که قرآن را بهترین کتاب شناخته اند هم سخن باشید و بدون شک عقلهایی که با نور قرآن به یقین راه می یابد هرگز دچار انحراف نخواهد شد.

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 6 دی1387 ساعت: 17:12

خانم امت الله. از نصایح شما ممنونم. پس از دیدن وبلاگ تان موکدا توصیه دارم مجموعه مقالات اسلام و شمشیر را بخوانید، دوباره در اسلام متولد و با قرآن به صورتی نو آشنا خواهید شد. می توانید مقالات را از سایت www.naria.ir بردارید و یا در کامنت خصوصی آدرس بفرستید به صورت کتاب ارسال خواهد شد.

آقای؟. ممنون. لینک مربوط به بلر فوق العاده بود. ظاهرا مقاومت مومنانه ی مردم عراق مانند ضربه ای او را از خواب پرانده و به راه راست کشانده است. در باب آن کامنت خصوصی توضیح بیش تری بدهید.

نویسنده: یه نفر

جمعه 6 دی1387 ساعت: 14:38

http://www.cloob.com/profile/memoirs/one/username/mina_n62/memid/93234/
redirectkey/2bafbfba579f16e16e9c6818a2eea0e4

نویسنده: مسعود

جمعه 6 دی1387 ساعت: 18:12

سلام علیکم و اسعد الله اوقاتکم

استاد خداقوت . واقعا" تبریک عرض میکنم . بخاطر شجاعت و صداقتتان در ایمان به خدای واحد و اینکه به هر قیمتی و در هر شرایطی الله تعالی را ناصرید...
ان تنصرو الله ینصرکم و یثبت اقدامکم.

نویسنده: محشری به خدا

جمعه 6 دی1387 ساعت: 19:20

... در فرودگاه جاکارتا سینه زنی ببینند ...

واقعا تو دیگه کی هستی...

نویسنده: یک بنیان اندیش

جمعه 6 دی1387 ساعت: 19:36

سلام استاد
می خواستم خواهش کنم در صورت امکان طی مقالات آتی اشاره هم به نحوه ی انقراض بنی عباس داشته باشید. چون گفته اند آنان توسط مغولان نابود شده اند که اگر مغولان وجود نداشته باشند مشخص نیست چه بر سر بنی عباس آمده.
ضمنا در مورد مغولان آیا در ایران نبوده اند یا مثلا در هند و در چین بوده اند اما داستان آمدن آنها به ایران و بعد عراق و بعد اروپای شرقی افسانه است؟
ممنون

نویسنده: آشنا

جمعه 6 دی1387 ساعت: 20:36

بیا غفوری جان هنوز فریم عکست با من خشک نشده خبر اوینت رو آوردند!حالا باز بگین من ....به خدا من بی تقصیرم...

نویسنده: توحید

جمعه 6 دی1387 ساعت: 17:37

خانم امة الله ، با سلام - بنده فكر مي كنم كه مسلمانان جهان براي دريافت عيني فريب خوردگيشان و تلاش براي بازگشت به قرآن نياز به نمونه اي عيني يعني اثبات دروغ هاي تاريخي يهود ساخت دارند تا ضمن تحكيم بيشتر ايمانشان به قرآن با درك اينكه دشمنان را واداشته چنين هزينه هايي بكنند براي مقابله با قرآن ، نياز به آشنايي با بر ملا شدن اين دروغهاي تاريخي دارند كه استاد ارجمند در حال انجام آن هستند .
به نظرم هنوز خيلي از ايرانيها تمدن از دست رفته هخامنشيان « بي نام و نشانشان » و « ساسانيان » قلابي و پوچ و « اشكانيان » ساختگي شان را از چشم اعراب و اسلام مي بينند و همين طور در جهان مسلمين را مسئول حمله و غارت و تخريب تمدن جهان و مشتاق شمشير كشي و راهزني مي دانند .
ضمن اينكه طبق سفارشات قرآن به هر حال بايد دروغگو را رسوا كرد و حق را نمايان .

نویسنده: رضا

جمعه 6 دی1387 ساعت: 21:43

جناب پورپیرار از بابت پیامتان بسیار ممنونم.خیالم را راحت نمودید.البته از این جمهوری اسلامی چندان هم بعید نیست که بخواهد به هر بهانه واهی(در جهت منافع کنیسه) صدای حق گویان را خفه کند.
چگونه میتوان با استاد غفوری تماس گرفت.

نویسنده: آیدین یاشار

جمعه 6 دی1387 ساعت: 22:58

استاندارد کمیتهای فیزیکی در دوره هخامنشیان
علامه دهخدا در ماده تخت جمشید در خصوص «تالار صدستون نویافته» چنین مینویسد:
«... تالاری است راستگوشه که دارای 100 ستون در دو ردیف پنج در بیست بوده و پاستونهایش مرکب از دو سنگ چهارگوشه وگرد است و فعلا وجود دارند. از توی این تالار، دو وزنه از سنگ مرمر سیاه به دست آمده و روی هر یک از آنها کتیبه ای به سه خط میخی پارسی ، عیلامی و بابلی کنده شده و ترجمه آن بدین قرار است : داریوش شاه بزرگ ، شاه شاهان ، شاه کشورها، شاه این زمین ، پسر گشتاسب هخامنشی .گمان میرود این دو وزنه سنگی از وزنه های واحد مقیاس بوده و در خزانه دولتی هخامنشی بایگانی میشده است، مانند متری که امروز در کشورفرانسه در «آرشیو ناسیونال» ضبط است» .
تأمل در ماهیت این دو ستون آموزنده است. در موزه پاریس البته نمونه‌ای از متر به عنوان واحد استاندارد طول نگهداری میشود که از آلیاژی از پلاتینیوم و ایریدیوم ساخته شده و طول آن در صفر درجه سانتیگراد به عنوان مرجع جهانی «متر» تعریف گردیده است. اروپائیان نه تنها برای واحد طول، بلکه برای سایر کمیتهای فیزیکی نظیر کیلوگرم، ثانیه، آمپر، درجه حرارت کلوین و سایر کمیتهای فیزیکی نمونه‌های استاندارد ساخته‌اند که ثابت و غیر قابل فرسایش است و یا تعریفهای دقیقی برای آنها قائل شده‌اند که قطع نظر از شرائط جوی یا محیطی، نمادی از کمیت مورد نظر را ارائه دهد. این کار برای تفریح و سرگرمی نبوده است و مقتضیات انقلاب صنعتی و ضرورت تولید دستگاههای دقیق علمی آنرا ایجاب میکرده است.

مثلا امروزه تقریبا ساعت مچی تمام مردم روی زمین تقریبا مشابه هم میچرخد و انحراف بین آنها در حد صفر است. اگر تعریف دقیقی از ثانیه وجود نداشت، نیل به چنین دقتی غیر ممکن میشد.
حالا باید دید هخامنشیان از روی چه ضرورتی اقدام به نگهداری نماد استاندارد وزن آن هم در 2500 سال پیش کرده‌اند. لابد محدود به وزن نبوده و حتما شامل استاندارد سایر کمیتهای بنیادی نیز بوده است. اگر چنین است، پس لابد آنها بر علم فیزیک دست کم در حد نظریه نیوتونی احاطه داشته و ساختار اتمی را نیز میشناخته‌اند، و ریاضیات را حد اقل در حوزه معادلات دیفرانسیل خطی مسخر کرده بودند، آنهم در عصری که هنوز در یونان از این خبرها نبوده است. من به علت احساس نسبی سرگیجه از نوشتن ادامه این مطلب منصرف شدم.

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

جمعه 6 دی1387 ساعت: 23:27

سلام آقای پورپیرار.
می خواستم بدانم که در اندونزی هم مثل دیگر کشورهای مسلمان خواندن قرآن با صوت و لحن نیز رسم است یا نه؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 7 دی1387 ساعت: 1:45

آقای دهقانی. اندونزی یکی از مراکز بزرگ تعلیم و قرائت قرآن و نیز برگزاری مسابقه تلاوت آن با اصوات خوش است.

آقای رضا. در همین جا ای میل بگذارید خودشان با شما تماس خواهند گرفت.

آقای دوست. به هیاهوی اینان توجه نکنید در پس آن یک فارس پرستی ناب پنهان است هرچند به ظاهر بلند گوی ترکان آذربایجان شده است.

آقای یک بنیان اندیش. اندکی دیگر حوصله کنید.

آقای؟. بعید است هنوز به دنبال این قصه های فرقه گرایانه ی فاقد سند باشید.

نویسنده: نتاب

شنبه 7 دی1387 ساعت: 1:54

با سلام!
استاد عزیز فرمودید:
" .... در حال حاضر نه در 209 که شغول تدوین شبانه روزی کلیپ طوفان نوح اند."

با سلام و خسته نباشید به استاد غفوری توانمند،
من ان کلیپ را ندیده‌ام ، اما معتقدم با تولید و پخش شدنش طوفان نوح دیگری برپا خواهد شد، این بار برای غرق کردن دروغ و جعل در سراسر گیتی.
انشاالله !

نویسنده: جورج اورول

شنبه 7 دی1387 ساعت: 10:26

هرکس گذشته را زیر نگین داشته باشد، زمام آینده را در دست می گیرد:
هرکس حال را زیر نگین داشته باشد زمام گذشته را در دست می گیرد.

از کتاب "1984" جورج اورول

نویسنده: سرباز

شنبه 7 دی1387 ساعت: 20:26

سلام

« ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکه الّا تخافوا و لا تحزنوا و ابشروا بالجنه التی کنتم توعدون! نحن اولیاؤکم فی الحیوه الدنیا و فی الاخره و لکم فیها ما تشتهی انفسکم و لکم فیها ما تدّعون. نزلا من غفور رحیم.»

نویسنده: أمة الله به توحید

شنبه 7 دی1387 ساعت: 22:31

سلام بر شما

شاید در حال حاضر کشف اباطیل و دروغهای دشمنان اسلام فرصت خوبی برای بیداری ملتهای فریب خورده باشد اما در کنار کشف دروغ دشمنان بایستی بسیار به قرآن نزدیك و راه نور را فقط از سوی رهنمودهای کتاب خداوند جست.

و این نیاز را در لابلای نوشتارهای آقای پورپیرار می بینم که ایشان بسیاری از مقاله اش در رابطه با ابراز و کشف دروغ دروغگویان است و خواننده را به مرحله ای می رساند که اعتمادش را از هر نوشته و روایتی برمی دارد!

پس بایستی در کنار رفع اعتماد از کتابهای به اصطلاح تاریخ و روایی بلافاصله بدیل حقیقی را نمایانتر ساخت که همانا قرآن مجید است.

اکنون با خواندن مطالب ایشان یك خلأ در اعتقادات هر خواننده ایجاد می شود که بایستی فقط با سخنان خداوند سرشار و پر شود و الا راه به بی راهه های لادینی خواهد کشاند!

... درحال حاضر دارم مقاله های اسلام و شمشیر ایشان را مراجعه می کنم ...

نویسنده: علیرضا

شنبه 7 دی1387 ساعت: 23:59

آقای پورپیرار یهود دشمنی خودش رو با اسلام آشکارا داره نشون میده
اگه خدای نکرده اشتباهی بکنه و جنگی با ایران در بگیره, از اولین نفراتی خواهم بود که به جنگ میرم.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 8 دی1387 ساعت: 0:19

آقای علیرضا. یهودیان آب در هاون می کوبند و فقط پرونده ی جنایات شان را قطورتر می کنند. فلسطین و به طور کلی مسلمین به تایید الهی شکست ناپذیرند، حتی اگر تمام زمام داران شان آنوسی باشند.

خانم امت الله. کاش بر آن جمله "خواننده را به مرحله ای می رساند که اعتمادش را از هر نوشته و روایتی برمی دارد"، کلمه ی حدیث را هم اضافه می کردید!

آقای سرباز. از هر زاویه که نگاه کنیم، همگی مشغول انجام وظیفه ایم و بس. آن زمان نزدیک می شود که کفش نپوشیم مگر برای پرتاب به جمجمه ی انواع بوش ها!

آقای دوست. در صحت این نظر تردید نکنید که یونسکو کنیسه ای است پهناور که در هر کشوری دری گشوده دارد.

۱ ۲ ۳ ۴ >>

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ، 192، دیدار از اندونزی، 15 - 156 نظر

نویسنده: استاد کورش آریایی

یکشنبه 8 دی1387 ساعت: 1:54

به نام اهورامزدای جان و خردمند

سال 2009 ، به همان نام سال پیش، یعنی سال کورش بزرگ مبارک باشد.

من با زیرکی و به یاری دوستان مان در سیا و اف بی آی از همان نخست بفهمیدم که کار تروریستی که به قصد ترور حضرت همایونی بوش کرده بودندی توسط شاگردان ناسوادمند ناصر بنا کننده (با اسم جعلی پورپیران) صورت بگرفته بوده باشد.

نفرین بزرگ ایزدان، اهورامزدا بر اهریمنان باد.

اهورا تارزان مرا بپاید.

وب سایت

نویسنده: دوست

یکشنبه 8 دی1387 ساعت: 2:3

استاد . یقینا این گونه است ! خودشان سعدی را ساخته اند باید هم با این گونه کارها نام اش را پر آوازه کنند ! لا اقل فهمیدیم که این بیت نه به فارسی که به ترجمه ی انگلیسی اش آن هم نه در سر در سازمان ملل ؟!!! ، بل در یک اتاق آن جهود خانه نصب کرده اند !!!

دوستتان دارم

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

یکشنبه 8 دی1387 ساعت: 2:25

با سلام.
خانم امت الله سلام.
به نظر شما اگر ما بخواهیم حدیث، تاریخ تا کنون نوشته شده ی اسلام، شیعه، سنی و همه ی زنگارهای چسبیده شده به اسلام را از آن جدا کنیم، چه می شود؟ آیا چیزی جز قرآن برایمان بر جای میماند؟س چرا این کار را نمیکنیم؟
این را بدانید که مشکل امروز ما این است که می خواهیم اسلام را با تمام زر و زیور آویزان به آن درک کنیم و این غیر ممکن است. می گویید چرا؟ برای اینکه تا صفحه ای از قرآن را باز میکنیم تا قرائت کنیم، علی و عمر و قادسیه و نهاوند و خوارج و سیره ی پیغمبر و گفته های پیامبر و حسین و حسن و ... جلوی چشم ما باز میشود. آیا حالا میتوانیم با متن بی آلایش آن رابطه ای درست برقرار کنیم؟ بگذارید برایتان مثالی بزنم. آیا به برگزاریه دو عیدی که ایام آن چند روز پیش گذشت دقت کردید؟ یکی عید قربان و دیگری عید غدیر خم. آیا در ایران برگزاری کدام یک با شکوه تر بود؟ به نظر من عید غدیر خم. چرا؟ میخواهید بگویید چون ما شیعه هستیم؟ نه. چونکه ما باید به دنیا بفهمانیم که شیعه هستیم و نه سنی. بین این دو از عرش تا فرش اختلاف است. آیا کسانی که جشن عید غدیر خم را برگزار میکردند در فکر بزرگداشت اسلام نبودند؟ باید بگویم بله. اما چرا دانسته یا ندانسته سینه ی اسلام را از دور هدف می گیرند؟ آیا قرآن نمی خوانند؟ بلی. پس چرا؟ به نظر من چونکه اسلام را با زنگارهای آن میشناسند. روزی از دوستی پرسیدم که تو شیعه هستی یا سنی؟ گفت من مسلمان حنیف هستم. گفتم یعنی چه؟ گفت آیا از نظر شما مسلمانانی که قبل از مرگ پیامبر، اسلام آوردند و برای اسلام جان دادند شیعه بودند یا سنی؟ گفتم نمی دانم. گفت دقیقا همین که نمیدانی از نظر من اسلام حقیقیست. امیدوارم منظورم را رسانیده باشم.

نویسنده: @

یکشنبه 8 دی1387 ساعت: 8:23

براستی که باید این را با آب طلا نوشت و همه جا چسباند.

«گفت آیا از نظر شما مسلمانانی که قبل از مرگ پیامبر، اسلام آوردند و برای اسلام جان دادند شیعه بودند یا سنی؟»

نویسنده: مهران حقیقت

یکشنبه 8 دی1387 ساعت: 9:11

استاد سلام

در باب اسلام پاك موضوعي كه همه ما بايد به اون توجه كنيم اين است كه چطور بردگان جامعه 14 قرن پيش آنرا فهميدند و به شهادت قرآن امت نمونه و الگوي جامعه بشري شدند اما با جهد و اجتهاد صاحب منصبان امروزين دين، امري پيچيده و دور از فهم و هر امر و آیه ای نيازمند استعلام و فتوا شده است.

و اما غزه:
به نوشته جعليات يهود نوشت، تورات فعلي، نابودي غزه و هر آنچه در آن است اراده بلافصل يهوه است. قومي كه اشغال سرزمين و كشتار ديگران را دستور ديني و اجراي خواست يهوه ميدانند از انجام جنايت باكي ندارند.
در تورات جعلي نوشته است كه مردمانشان را بكشيد و سر طفلان تازه به دنيا آمده را به صخره ها بكوبيد و زنان باردارشانرا شكم دريده نابود سازيد.
و كم نيست از اين دست افاضات حاخام هاي يهود كه بر دهان يهوه مهر كرده اند.

انا لله و انا اليه راجعون و هو الرحمان الرحيم.
مهران

نویسنده: ویرگول

یکشنبه 8 دی1387 ساعت: 14:2

عزا............................
http://tabnak.ir/pages/?cid=30759
مفتي بزرگ عربستان؛
فتواي حمله به مواضع اسرائيل در سراسر جهان
به نوشته روزنامه هاي عربستاني؛ او تاكيد كرد : توطئه برخي كشورهاي عربي موجب وحشي شدن اسرائيل براي حمله به زنان ، كودكان و بيمارستان ها شده و اگر آن زن را (ليوني وزير امو خارجه اسرائيل) برخي سران عربي در آغوش نمي كشيدند اكنون فرزندان مظلوم فلسطين را در خيابان هاي غزه ، قطعه قطعه نمي ديديم.

چقدردیر...
ملا و مفتی های ما چی می گن اصلن چیزی گفتن!!!

نویسنده: حذف

یکشنبه 8 دی1387 ساعت: 11:12

بسمه تعالی
سلام

از حضرت صادق(ع) روایت شده که فطرس ملکی از حاملان عرش الهی بود و به سبب تعلل, مغضوب خداوند شد. بالش درهم شکسته در جزیره ای مشغول عبادت بود.
وقتی که حضرت سیدالشهداء (ع) متولد شد، خداوند تبارك و تعالی حضرت جبرئیل (ع) را با هزار ملك بر پیغمبر (ص) نازل فرمود که به پیغمبر(ص) تهنیت گوید.
همینطوری که حضرت جبرئیل (ع) بر پیغمبر (ص) نازل می شد گذرش به جزیزه ای که فطرس یکی از ملك مقرب که از حاملان عرش الهی بود که بر اثر اشتباهی که از او سرزده بود و در آن جزیزه زندان شده بود و بالش شکسته بود و به عذاب گرفتار بود و در بعضی روایات بمژه های چشمش معلق و آویزان بود و از زیر او دود بدبویی می آمد افتاد.
فطرس وقتی که جبرئیل (ع) را با ملائکه ها دید، گفت : ای جبرئیل با این همه ملك کجا می روی ؟! آیا خبری شده ؟
حضرت جبرئیل (ع) فرمود: خداوند متعال به حضرت محمد(ص) نعمتی کرامت فرمود. و مرا فرستاده که از جانب خودش به او مبارك باد بگویم .
فطرس گفت : ای جبرئیل اگر می شود مرا هم با خود ببرید شاید حضرت محمد(ص) برای من دعا کند و من از این گرفتاری نجات پیدا کنم .
حضرت جبرئیل (بقول ما دلش سوخت و) فطرس را با خودش به محضر مقدس حضرت رسول الله (ص) آورد. وقتی که خدمت حضرت رسید از طرف حق تعالی تنهیت گفت در ضمن سفارش حال فطرس را هم خدمت آن بزرگوار کرد.
حضرت فرمود: ای فطرس خودت را به این مولود مبارك بمال که انشاء الله حالت خوب می شود. فطرس ، میگریست و خود را به قنداقه حضرت اباعبدالله (ع) مالید، بمحض مالیدن متوجه شد پرشکسته اش خوب شد و خدا بخاطر حضرت امام حسین (ع) توبه اش را قبول کرد.

نویسنده: حذف

یکشنبه 8 دی1387 ساعت: 11:12

خلاصه بالا رفت و چون به آسمان رسید گریه می کرد و صدا می زد: ای ملائکه ها من آزاد شده حسینم . کیست کسی مثل من که آزاد کرده حسین باشد، بعد برگشت ، و گفت : ای رسول خدا به همین نزدیکی های می آید که این مولود را خواهند کشت و روضه کربلا را برای پیغمبر (ص) تعریف کرد، هم خودش و هم پیغمبر و هم تمام ملائکه ها گریه کردند و بعد گفت : یا رسول الله در مقابل این حقی که این مولود گردن من دارد من ضامن می شوم که هر کس بزیارت این شهید غریب برود یا اشکی برای او بریزد چه از راه دور و نزدیك آن سلام و گریه را به حضرتش ابلاغ کنم ...
فطرس که پرش را شرر قهر خدا سوخت
آن کس که بدادش پر پرواز حسین است
در پناه حق باشید .
خدا نگهدار .

نویسنده: م . ستاره

یکشنبه 8 دی1387 ساعت: 11:13

سلام
من این عید سعید باستانی و آغاز سال نو را به همه ی مسلمانان تبریک می گویم ، خصوصا کسانی که به ایمیل ها ، جواب نمی دهند !
امیدوارم سال خوبی برای همه مان باشد اگرچه باز یهود فتنه انگیز ، بیش از 200 تن از مسلمانان غزه را به شهادت رسانده است .
انا من المجرمین منتقمون .
والسلام .

نویسنده: سجاد

یکشنبه 8 دی1387 ساعت: 19:15

سلام استاد پیام و درخواست مرا ملاحظه فرمودید

نویسنده: ؟

یکشنبه 8 دی1387 ساعت: 19:58

میرحسین موسوي در انتخابات آینده کاندیدا مي‌شود
http://adlroom.info/vdcc.eqia2bqemla82.html

تصویر/ کردان چگونه استاد شد؟
http://adlroom.info/vdcj.me8fuqemxsfzu.html

روایت جدید از ماجراي مک فارلین
http://parsine.com/pages/?cid=3044

سران کشورهاي عربي چه جوابي در برابر رسول‌الله دارند؟
id=22293&=http://www.rajanews.com/detail.asp?lang_id

میرحسین به آمدن تمایل نشان داده است، باید تلاش کنیم
http://www.rajanews.com/detail.asp?id=22311

لوگوي سایت رهبر انقلاب رنگ و بوي غزه گرفت
http://www.rajanews.com/detail.asp?id=22301

پیشنهاد علی مطهری برای جنگ زمینی واقعی ایران با اسرائیل
http://www.shahabnews.com/vdcgtx9q.ak9zz4prra.html

نویسنده: دوست

یکشنبه 8 دی1387 ساعت: 20:29

آقا م. ستاره دوست عزیزم. ایمیلم ارور میداد. برای همین اینجا پیام میزارم. بانظر آقای توحید موافقم.

نویسنده: ؟

یکشنبه 8 دی1387 ساعت: 20:31

مخصوص استاد

الهام:
عبور ازاحمدي نژاد براي مقابله با گفتمان دولت نهم است
ساختار حکومتي کشور اجازه تحقق طرح وحدت ملي را نمي‌دهد

code1=15&http://www.ilna.ir/shownews.asp?code=464919

نویسنده: عابدی

یکشنبه 8 دی1387 ساعت: 21:2

با سلام

آن دوستانی که مایل به دریافت مطالب سایت ناریا به جز سلسله مقالات شکوهمند «ایران شناسی بدون دروغ » اند ، لطفا ایمیلی برای این حقیر ارسال کنند.

مقالات شکوهمند « ایران شناسی بدون دروغ » نیز، انشاءالله در اولین فرصت برای دوستان ارسال خواهد شد.

در پناه حق باشید.

نویسنده: أمة الله

یکشنبه 8 دی1387 ساعت: 21:5

شما اضافه کردید !

راستی استاد

از ایک مردتقریبا 0 ساله ی اندونیزیایی شنیدم که می گفت لغت و خط نوشتن مردم اندونزی عربی بوده است و توسط استعمار انگلیس به لغت کنونی که همان الفبای انگلیسی ست تغییر داده اند تا از قرآن دورتر باشند و نتوانند بخوبی کتاب آسمانی شان را درک کنند.

شما راجع به این نظر چه حرفی دارید؟

وب سایت

نویسنده: أمة الله

یکشنبه 8 دی1387 ساعت: 21:7

آن مرد 70 ساله اندونزی (اشتباه تایپ شد)

نویسنده: ایمان صمیمی(برای ویرگول)

یکشنبه 8 دی1387 ساعت: 21:10

متاسفانه گویی دشمن انگاری تمام مسئولان داخلی برای برخی تا آنجا پیش رفته که حیا و حرمت کلمه را به کناری گذارده اند و در روز روشن توهین های زیر لفظی و به اصطلاح امروز تکه اندازی های نمکین را به جای بیان حقیقت انتخاب میکنند.آن بی شرفی که بر مسند فتوا در عربستان نشسته است (جالب آنکه وی برخلاف تیتر خبر مفتی رسمی و حکومتی عربستان نیست) اگر بر فتوای خود مصر است نمی خواهد تا اسرائیل برود تنها تا ریاض و تا یکی از قصرهای ملک خود برود و پاسخ زیر یک سقف نشستن او با سران اسرائیل را بیاورد!!!یادت نرود علی رغم تمام اتهامات درست و نادرست در ماهیت عملکرد بخشی از حاکمیت ایران .افتخار شکست نظامی اسرائیل برای اولین بار در تاریخ وجود نا مشروعش به نام دلیران شیعه لبنان ثبت شد.چیزی که در تاریخ بی نظیر بود.چند هزار رزمنده لبنانی در برابر لشگری تا بن دندان مسلح نه تنها مقاومت کردند که او را شکست دادند!چیزی که بیش از 6 کشور عربی با همه ی امکاناتشان انجامک ندادند.مردک کوری یا کری؟!؟!یا آنقدر انتقاد بی پایه از سیستم داخلی تو را مشغول خود داشته که ....به سایت العربیه سر زده ای؟""ملك عبد الله از کشورهای بزرگ خواست تا با عمال فشار بر اسرائیل، حملات هوایی به غزه پایان داده شود"""این شاه بیت پیام رسمی ملک عبداالله بود به نقل از العربیه!!!که متعلق به خود سعودی هاست.حتی این حمله کثیف را محکوم هم نکرده است.

نویسنده: یک مسلمان

یکشنبه 8 دی1387 ساعت: 21:14

جناب حذف ، بدجوری در دام انسان پرستی و شرک افتاده ای .
اگر حرفهایتان از جنس مزاح است که هیچ و گرنه لطف کنید و مطالعه قرآن را مجدانه شروع کنید تا از مقام انسان پرستی به خدا پرستی ارتقا یابید.
1- مطابق قرآن کریم ملائک فاقد اختیار هستند و قادر به انجام عملی خلاف اراده و مشیت الهی نیستند تا مورد غضب ذات اقدس قرار گیرند.
2- تصور بالدار بودن ملائک از آن جهت است که آنها را فرود آمده از آسمان میدانیم لذا باید به اطلاع شریفتان برسانم که در خارج جو کره زمین و به طور قطع عرش الهی که چیزی غیر مادی است ، هوا وجود ندارد تا پری برای پرواز در آن لازم باشد.
3- حسین از فرزندان علی بود که بر خلاف غلو کنندگانی مثل شما خود را بنده ضعیف خدا میدانست و پیرو اسلامی بود که رسول الله پرچمدار آن بود و بر خلاف شما که جیغ و داد تظلم طلبی تان گوش مسلمین را کر کرده ، جرات آنرا داشت که در برابر ظالم دوران خود قیام کرده و شهید شود.
4- آیا شما بر مذهبی هستید که به نام خمس جیب بری میکند و به نام صیغه و متعه ، فاحشه بازی را رونق داده و با چشم پوشی از حرمت ربا شب و روز در رادیو و تلویزیونها مسابقه نزول خواری گذاشته ؟
5- آیا با این همه نشانه ها که در محضر استاد فرا گرفته ایم هنوز متوجه نیستید که باید از هر آنچه که روایت و حدیث و کشکول و هر کوفت و زهرماری مثل آنها است دست کشیده و فقط قرآن را رعایت و اجرا کنیم؟
اگر جواب منفی است ، از خدا برایتان طلب انصاف دارم.

نویسنده: ایمان صمیمي)براي ویرگول(2

یکشنبه 8 دی1387 ساعت: 21:55

حالا ويرگول كاری ندارم تو چندمين شناسه آن كاربری هستی كه من قبلا هم در مكالمه تلفنی به او تذكر داده بودم كه يكجانبه به قاضی نرو! ولی توهين های مكرر آن عزيز به اعتقادات شيعه كه خارج از حيطه ی نقد و پرسش و آشكارا توهين است شباهت زيادی به نحوه ی سخن گفتن تو دارد بماند مسائلی چون ip كه حتي با استفاده از فري گيت و مبدل آي پي هم قابل رهگيري است. به هر حال اگر تنها به تاريخ ارسال پيام تو كه بعد از ساعت 14 امروز است نگاه كنيم كاملا مشخص ميشود تو با ناديده گرفتن پيام صريح و موضع گيري شفاف آيه الله خامنه اي رهبري انقلاب كه در اخبار ساعت 14 هم پخش شد و حتي تغيير لوگوي سايت رسمي ايشان در حمايت از غزه و در ناديده انگاري عامدانه اي از مواضع اصولي ايشان عربده هاي خوابيده ي يك شيخ سعودي را سخن علماي سني گفته اي ؟!؟! و از سكوت علماي ما ناليده اي!!! يادت باشد اگر سراسر ايران آنوسي باشد با وجود همه اين آنوسي ها به رهبري آيه الله خامنه اي در اوج اين توطئه ها سنگين ترين ضربه نظامي بر پيكر اسرائيل وارد شد.... نمي دانم اين پيامها چگونه تاييد ميشود... راستي از الازهر چه خبر؟؟؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 8 دی1387 ساعت: 22:22

آقای صمیمی. به زانو درآوردن اسراییل و همراهان بله قربان گوی شرقی و غربی و داخلی و خارجی اش یک راه آسان دارد: مسلمین شیرهای نفت شان را ببندند. همان نفتی که تبدیل به بنزین هواپیماهای اسراییل برای بمباران غزه می شود. والسلام و بقیه تعارف و بی اثر است.

خانم امت الله. می تواند صحیح باشد، زیرا خط و حتی زبان کنونی مردم اندونزی بسیار تازه ساخت است، اما متاسفانه در این باب شخصا پرس و جوی جداگانه نکرده ام.

آقای سجاد. کامنت خصوصی شما را پس از خواندن برابر معمول و احتیاطا حذف کردم و در نتیجه آدرس ای میل شما نیز از دست رفت. اگر ممکن باشد آدرس ای میل تان را مجددا در پیام خصوصی دیگری ارسال کنید.

آقای؟. از ارسال لینک ها بسیار ممنونم. بعضی حرف های نشنیده در آن ها بود.

نویسنده: اتفاق

دوشنبه 9 دی1387 ساعت: 1:8

سلام آقای عابدی
مرحمتی هایتان دریافت و موجب خوشحالی ام شد . در مورد دیرکرد هم از قدیم گفته اند دندان اسب پیشکش را نمی شمارند . ما به معذوریات شما آگاهیم و خواهان آنیم بیش از این شرمنده ی مان نفرمائید .
موفق و منصور باشید

وب سایت

نویسنده: 1

دوشنبه 9 دی1387 ساعت: 2:15

1
با عرض سلام خدمت آقای پورپیرار و دوستان ندیده.
اماجوجه حزبل پشمالو خانم ایمان بدون روسری.
بهتره بدونی که اگر حرفت درست باشه حتی باز هم این مسلمونا بودن که براسرااییل پیروز شدند و نه اربابان آنوسی تو.
بهتره بگی علنا اگر خیلی مردی که ماهی چه قدر پول میگیری واسه این گلوپاره کردنات؟
نه خوشگله حلوا حلوا گوی آنوسیا.نه اون مفت و نه این ملا پولکی همه نوکر مفت یهودند. بهتره بدونی که اصلمبارزه با اسراییل داره تو این وبلاگ می گذره. نگاه نکن که از صرمیلیارد دلارشون صد میلیون هم میدن به حزب الله.99میلیارد و 900میلونش میره تو کنیسه ها. یهودیان حتی اشاره ای به این وبلاگ ندارند در حالیکه می دونن کجای مریخ آب هست یا دره هاش چند متر عمق داره.
بهتره بگی کی هستی، پشتت به کی گرمه و قراره چه گندی رو بپوشونی؟حرفای تو رو حوزه قم هم نمی گه رفیق ریشو تیغ ندیده. خوب جنابعالی اگه اعتراف کردی اون وقت من می پرسم که آیا به اربابات گفتی که اینجا چه خبره واز نورچشمی های آقای پورپیراری؟ و اون آنوسی ها هم حتما بهت گفتن بارک الیهوه!!!!!!!!!!!!!!!! بهت ترفیع هم میدن حتما!!
یا بگو چه خیری از این حکومت بهت رسیده که خودتو شقه می کنی؟ قند و شکر یا تیر آهن و سیمان یا پست و مقام؟
پس یا مثل شیر بیا وسط میدون و بگو که فقط اینجا زبونت درازه یا مثل من خودتو جمع کن و کناری بشین که سنگین بمونی.
حل این تناقض با خودته. من مسئولین رو تو مبارزه با بدحجابی دیده ام که فرق زنها رو خونین می کردند و برخوردشون با استاد غفوری مظلوم که هزارتا توهینو برای نشون دادن گوشه ای از حقایق تحمل کرد. به قول آقای پورپیرار انگار این امام

حسین هم واسه روسری کردن رو سر حرمسرای یزید قیام کرده!
آره من تو خودی و نخودی دیدم.
تو آزاد کردن قسطی اسیران و فقط خدا می دونه اگرصدام شهید نمی شد (شهید رو به خاطر نظر صائب آقای پورپیرار گفتم نه از لج تو) کی قضیه تموم می شد.
تو ترافیک جاده های شمال تو وسط خرداد.
و خواهی دید تو سوز سرما تو این عاشورا و تاسوعا.
تو کف پای بچه محل مون دیدم که تو کوی دانشگاه 8 تا بخبه خورده بود.
و ترفیع سردار فرهاد نظری عامل حمله.
دکتر کردان.

نویسنده: 2

دوشنبه 9 دی1387 ساعت: 2:16

و همین روایت جدید مک فارلین که حتی یک جمله صحیح در آن یافت می نشود.مهم نیست که موشک ها ساخت اسراییل است.مهم این است که آرم اسراییل روی آن نباشد.آن آرم ها را هم که نمی شود پاک کرد.پس معامله فسخ.
راستی امریکا و انگلیس که فروشندگان هر تکنولوژیی و محصول خام یا تولیدی به اسراییل هستند هم نداشتند؟!
اینها اربابان و الگوی اصیل تو هستند.تو باید شبیه اینها شوی.حد اکثر می توانی به ناخن انگشت 5 آنها برسی.
ناراحت شدی؟ مگر اینها دروغگویند؟!!!
این هم روایتی است دیگر. مثل روایت فطرس کشک اندر پشم اندر باد هوا. یعنی باور کنم که هیچ گزارش مکتوبی از این جلسات نیست؟یا نوار ویدئو؟
انتقاد بی پایه یعنی اینها! چیزایی گفتم که رگای گردنت نترکه! ببینم امسال هم اوپک گازی گازمون رو قطع میکنه یا نه.

از بی شرفی که در مسند فتوا در عربستان نشسته گفتی. خوب عیب می جمله بگفتی هنرش نیز بگو که اگر نگی دلم ازت نمی گیره ولی از مساند این ور هم چیزی می تونی بگی یا رگهای حلقومتو بیشتر دوست داری؟!!!!!
امیدوارم که حرفای من باعث نشه حواله ای که به خاطر حرفات امروز گرفتی فردا بهشون پس بدی.
گوش من همه قبض هاشو پرداخت کرده و در حال حاضر به کسی بدهکار نمی باشد. منبر هم تخته پاره است که اگر حقیقت ازش شنیده نشه بدرد هیزم شدن میخوره. هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت. این قدر هم ip به رخ من نکش که جای خشک برام باقی نذاشت. د حالا بیا و درستش کن.
به قصد تایید نوشتم بنابراین محترمانه و نمکین نوشتم. یعنی مثل خودت که خیلی باحالی که فکر می کنی ملت بیکارند و یا همه اخبار ساعت 2رو می بینن. حتی به خاطر احترام به لوگوی سایت هم که باشه ممکنه اسراییل از حمله به غزه توبه کنه!!! راستی چیزی از ممانعت از چاپ کتاب اسلام و شمشیر و سه کتاب ساسانیان شنیده ای؟ تو چون گوش دادن به رسانه های فرنگی حرامه حتی اخبارش، فقط به برادران صدا سیما گوش میدی به نظر تو اون تشکیلاتی که اجازه نمیده بوی گند پوریم تو جهان بپیچه میتونه و یا حتی میخواد که با اسراییل مبارزه کنه؟ یا پول مردمو میدن تا مسافر فلان جا رو بسازه و از خودش یوسف اون جوری درآره؟ شنیدم این وزرای نازنین و دل نازک ما ثلث حقوق دی ماه رو ریختن به حساب مردم غزه. این قدر واسه دل بی ضخامت وزرا گریه کردم که سیم های کامپیوترم اتصالی کرده. هرچند که یک سوم حقوق شون هم پول کمی نیس!

نویسنده: 3

دوشنبه 9 دی1387 ساعت: 2:16

3
می خواستم بپرسم شما برادران سپاه چرا تو انتخابات رفسنجانی رو به احمدی نژاد فروختید یادم اومد که اینها طبقه بندی شده است.خدا کنه خاتمی نیاد چون باز هم به اسناد طبقه بندی اضافه میشه.خصوصا تو بازار گرونی های زمین جا پیدا کردن تو نیاوران سخته.
برو پدرجان برو حواله روزیتو از اون 99 میلیارد بهت ندن از 900 میلیون که میدن.
به خاطر بی ادبی هام از همه خصوصا محضر شریف آقای پورپیرار معذرت می خوام ولی اگر نمی گفتم نمیشد. خیلی وقت بود انباشته شده بود. شرمنده که گهگاه جو وبلاگ رو به هم میریزم. فکر کنید من هم یه جور بسیجی بی ترمزم! از اینکه مامانم اینا به من ادب یاد نداده و فقط لری حرف می زنم به مامانم شیکایت کنین! (اگه شوهرش بهتون اجازه بده)
خدایا من از تو دولت نمی خواهم
متاع دنیا و شوکت نمی خواهم.
فقط از لطف بی کرانت به من عطا کن حقیقت مطلب را.

نویسنده: ویرگول

دوشنبه 9 دی1387 ساعت: 9:39

آقای ایمان!
ان شاء الله ایمون داشه باشی..........چی شد قرار بود محو بشن یا کارت تبریک دریافت کنن؟!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!
اونام یاد گرفتن لیوانشونو کوبیدن به لیوان بوش .... یک به یک مساوی.........................
افتخار شکست نظامی اسرائیل برای شیعه؟کاش همین بود........... ایا تقویت شیعه در بین عرب ها و اختلاف و شکاف عمیق بین شیعه سنی اتفاق نیفتاد...
ایا بخشی از همین وضعیت متاثر از تقویت شیعه بین عربها نیس..
اگر دستت زگیل داشته باشه، و دستتو قطع کنی البته از زگیل خلاص شدی اما دیگه دس نداری ....
طلايي‌نيك: ديپلماسي ضعيف ايران و سوريه در وقايع غزه
بازتاب پیام احمدی نژاد به مناسبت کریسمس
واكنش دولت انگليس نسبت به پيام احمدي نژاد
رييس‌جمهور:
ـ برخي بمب اتم روي ميز مي‌گذارند و ما رودكي، حافظ و مولانا. والله که بمب اتم خطرش واسه اسلام از حافظ و مولانا خیلی کم تره......

اینا رو وهابیون کافر گفتن یا العربیه !!!!!!!! نه رفیق الفارسیه! گفته !!!!!!!!!! !!!!!!!!!!!!! !!!!!!!!!!!!!!! !!!!!!!!!! !!!!!!!!!!!!!!!!

نویسنده: ویرگول

دوشنبه 9 دی1387 ساعت: 9:40

اینم یه فیلم جدید....................
عصبانیت از پیام کریسمس احمدی نژاد در تلویزیون انگلیس: این مایه شرمساری ملی است!
آقای با ایمان! ژست تو ، همون تورم جعله ....
شما موشک تست می کنی با کلی هزینه، امارات قرارداد می بنده واسه خرید با کلی هزینه،
،،،،،،،،،،،،،،،،،،،،،،،،،،،،،،،،،،،،، هیچ فکر کردی در هر صورت از جیب مسلمونا به جیب یهود میره ....
بله راه قدس از کربلا می گذش، نتیجه صدها هزار کشته وزخمی و میلیاردها دلار هزینه و نابودی زیربناها .... آیا اسرائیل تو اون ماجرا امنیت یافت یا ایران یا عراق.............
حیا و حرمتو معنی کن یاد بگیری!!
ای پی ....
سایت العربیه...........!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!
چندمین شناسه!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!
اگر سراسر ايران آنوسي باشد با وجود همه این آنوسي که تا دلت بخواد خط بده دارن
وای وای وای وای ....ورژن جدید.... آنوسی ها در خدمت اسلام و مسلمین .... روت نمی شه میدونم ... بگو ....ظاهرا نعوذ بالله قرآن اشتباه گفته که یهودیا سرسخت ترین دشمن مسلمونان......................................
و اعدولهم ماستطعتم من قوه ....
راستی از کریسمس چه خبر...
وَالشُّعَرَاء يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ
راستی از حضرت حافظ چه خبر ....
رفیق حال همه خراب است شیعه و سنی نداره درضمن انتقاد تند وتیزه بز اخفش که نیستیم
حرص نخور عاقبت مسلمونا برنده میشن..

نویسنده: عابدی

دوشنبه 9 دی1387 ساعت: 13:16

با سلام

فایل ها به ای میل های دوستان ارسال شد. در صورت برخورد با هر گونه مشکل ، لطفا ایمیل کنید.

آقای اتفاق ممنونم .

نویسنده: یکی به دو

دوشنبه 9 دی1387 ساعت: 13:26

کسی هست جواب بده چرا مسلمونا نباید کتاب اسلام و شمشیرو بخونن، مگه توش چی نوشته جز این که گرد قرآن جمع بشیم و بس!؟

نویسنده: عابدی

دوشنبه 9 دی1387 ساعت: 13:28

آقای اتفاق دوستی در سایت پیامی برای انتخاب چکیده هایی از کتاب ارزشمند « پشت پرده های محوطهٔ طاق بستان کرمانشاه ؟! » برای بخش ساسانیان صفحه ی FAQ سایت ناریا فرستاده بود.

سر بلند باشید.

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

دوشنبه 9 دی1387 ساعت: 14:0

با سلام.
تشکر بی اندازه ی من را بپذیرید جناب عابدی.

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 9 دی1387 ساعت: 14:54

آقای فتح. غالب بل تمامی پیام های شما خصوصی است و ظاهرا نباید خواننده ی دیگری داشته باشد. آن پیام مربوط به فتوای آقای سیستانی هم رسید. برخی دوستان دیگر هم از آن با خبر بودند و به هر حال از شما بسیار ممنونم. در باب ادامه ی مطالب هم جایی نوشته بودم که به تر است اندکی دیگر حوصله کنید.

آقای hasan. فقط می توانم بگویم که چند یادداشت های آخر دیدار از اندونزی را دوباره بخوانید.

نویسنده: اتفاق . 1 از 4

دوشنبه 9 دی1387 ساعت: 15:8

دوستان عزیز

سلام علیکم . وقت شما بخیر

پیرو فجایع غیر قابل تحمل اسرائیلیان در فلسطین و بگو مگوهائی که در پایگاه معظم « حق و صبر » می گذرد ، به گمانم دم خروس رسوائی خیلی آشکارتر از آن است که دیده نشود ، لیکن بی توجهی به بنیان مسائل و عدم غور در گفتارهای ظاهراً ساده و معمولی ای که می بینیم و می شنویم ، دیدگان ما را از دیدار شاهد حقیقت عاجز ساخته است . دم خروس ، از تیتر و دیالوگ هائی بیرون زده که چند صد بار از تریبون های رسمی جمهوری اسلامی ارائه می شود ، آنجا که این بوق ها ، دائماً از بی تفاوتی کشورهای عربی می گویند . دقت کنید ! کشورهای عربی ، نه اسلامی !
توضیح اینکه سوای ایران ، ما 56 کشور اسلامی داریم که تنها 22 عدد از آنها عربی هستند ، یعنی 34 کشور غیر عربی داریم ؛ بنابراین حجم بیشتر جهان اسلام غیر عربی است ! پس نباید پرسید چرا تریبون های جمهوری اسلامی روی بی تفاوتی و انفعال آن 34 کشور یعنی نیمهٔ بزرگ تر و پر جمعیت تر مانور نمی دهند و تنها به ممالک عربی بند کرده اند ؟! دم خروس همینجاست ! آه دوستان ! ماجرا ، به تناول از میوهٔ درختی بر می گردد که تخم ناپالوده و لق آنرا سران کلیسا و کنیسه در مقطع علم کردن صفویان و عثمانیان در پهنهٔ پوریم زدهٔ شرق میانه نشاندند . غزهٔ مظلوم ، اما قهرمان ، اینک تاوان کشاکش های سیاسی و مذهبی سران شیعه نگر تهران ـ قم ـ که بی خبر نیستید و نیستیم مبلغان شیعی به اینجا و آنجا می فرستند و بی خبر نیستید و نیستیم سودای شیعه نمودن فلسطینیان به سر می پروارند ـ با سران وهابی و فرقه گرای عربستان را پس می دهد . مردم غزه ، میان شمشیر آختهٔ این دو نحله ایستاده اند . یکی می خواهد با بدنام کردن سران عرب و نشان دادن رقصیدن و میگساری آنها با آمریکائیان و ... به فلسطینیان بگوید پشتیبانان عرب شما اینها هستند که می بینید و حامیان واقعی شما ما پیروان اهل بیت هستیم و دیگری که از شاخ شدن تهران سال هاست در تب و تاب است ، چاره در خفه کردن نطفه ای یافته است که تهران ـ قم ، سه دهه ای است بی بسم ا... و بی قرائت خطبه ، اینجا و آنجا می ریزد . خدا لعنت کند آنانکه تخم فرقه بازی های مذهبی در منطقهٔ ما ریختند و خدا لعنت کند آن معمم و آن مکلائی که با علم به حقیقت ماجرا ، از توسن فرقه بازی هائی که سود آنرا دشمنان اسلام در همه حال می برند پائین نمی آید .

وب سایت

نویسنده: اتفاق . 2 از 4

دوشنبه 9 دی1387 ساعت: 15:8

شرارهٔ خشم و تأثراتم بی بازگوئی دو مطلب لختی آسوده تر نمی گردد که بی شک ، جدای از سیاست بازی ها و فرقه بازی های سران دول اسلامی ، قلب آزادگان جهان اسلام ، چه شیعه ، چه سنی ، چه عرب ، چه عجم ، از فجایعی که بر امت اسلام در اینجا و آنجا ، از ترکستان شرقی (سین کیانگ) تا غزه می گذرد دردمند و پر آلام است و دیگر اینکه آیا دقت کرده اید هیچ تجمع و تظاهراتی در ایران به معنی واقعی کلمه مردمی نیست ؟ توجه نموده اید همواره از یکی دو روز قبل آن ، بوق های حکومتی و شیپورچیان آن ندا در می دهند که مثلاً مردم ایران پس فردا ، پس از نماز جمعه ، فلان خواهند کرد و پس فردا هم یونیفرم و رسمی مراسم برگزار می شود و الخ !!! پس جای حرکات خودجوش مردمی کجا رفته ؟ ما مردم منفعلی نبوده ایم ، لیکن آیا حکومتی ـ سیاسی شدن ریزترین حرکات در این کشور و اینکه بر مبنای تدابیر امنیتی و چرتکه اندازی های پشت پرده ای احساسات خلائق رهبری می شود ، علت انفعال مردم ما نیست ؟ راستی موضع خبرنگاران ایرانی در حمایت از « منتظر الزیدی » عراقی چه بود ؟ وکلای ما چه کردند ؟ آن خانم شیرین عبادی و صف آن خزیدگان در پستوی مرکز مضحک گفتگوی تمدن ها کجا بود ؟ و ... .

وب سایت

نویسنده: اتفاق . 3 از 4

دوشنبه 9 دی1387 ساعت: 15:9

باری ؛ تکملهٔ زیر در انتهای این مقال بی سود نیست :
1. مؤید این مطلب که می گویم مشکل جمهوری اسلامی و بوق های آن در برقراری ارتباط برخی سران عرب با اسرائیل نیست و آبشخور قضیه به شیعه سازی و جلوگیری از رشد آن بر می گردد آنجاست که جمهوری اسلامی در این گیر و دار ، کاری به کار دولتمردان ترکیه ، که خلاف خواست و سمت و سوی افکار عمومی کشورشان ، رذیلانه با اسرائیل پیمان دارند و نرد عشق می بازند و مانور مشترک انجام می دهند و با آن برنامه های تلویزیونی و آن سواحل نکبت بار مدیترانهٔ شان ، مایهٔ ننگ اسلام و مسلمانان گشته اند کاری ندارد ! آیا ماجرا روشن نیست ؟!
2. از نقش فرقه گرائی در حوادث غزه گفتم ؛ پس بگذارید سخن با این جمله تمام نمایم که تا « حماس » ، « اشهد ان علیا ولی ا... » بر زبان نیاورد ، از حمایت های بی دریغ ایران ، نظیر آنچه « حزب ا... » از آن بهره ور بود و هست بی نصیب خواهد بود و کشاکش های فعلی ، راستش را بخواهید ، بی ربط به گفتن و نگفتن و اصرار یکی بر واداشتن به گفتن و نهیب آن دیگری برای نگفتن نیست !!!
3. در امتداد سخنی که پیرامون انفعال و بی تفاوتی روشنفکری ایران نسبت به وقایع امت اسلام داشتم ، اینرا هم بی انصافی است از قلم اندازم که اینان نه تنها متألم نیستند ، که در قلب خویش بابت خرد شدن اعراب شادمانند و در ذهن خود به ستایش اسرائیل هم مشغولند ! در همین وادی یادم به خاطره ای افتاد از چند سال پیش که ذکر آن بی تناسب نیست : کشتارها در فلسطین آغاز شده بود و انتفاضهٔ دوم در حال شکل گیری بود . به دوستی در آن باب سخن می گفتم و از مظلومیت فلسطینیان می گفتم که ناگاه در جواب من گفت : « حقشان است ! بگذار تاوان ستم هائی که در زمان فتح ایران به عهد ساسانی ، به ایران و ایرانیان کرده اند را پس دهند !!! » آیا روشنفکری ایران نمی داند حتی با باور فتوحات اعراب ، فلسطینیان در آن ماجراها کاره ای نبوده اند و حتی اگر دستی داشته اند ، نسل برآمده در 1400 سال پس از آنها ، از کل و جزء ماجرا مبراست ؟!

وب سایت

نویسنده: اتفاق . 4 از 4

دوشنبه 9 دی1387 ساعت: 15:10

4. روشنفکران ابله خود ممالک اسلامی تحت تهاجم ، مانند افغانستان و عراق و ... نیز مقصرند . وقتی این حضرات در گرماگرم مبارزات خونین آحاد مردمشان با جنود صلیب و ستاره ، دختر برگزیدهٔ سال انتخاب می کنند و به ویترین های خنده دار آدم نمائی غرب می فرستند یا شوهای آنچنانی برگزار می نمایند و بی توجه به سنگ های در دست آن کودک فلسطینی مجروح ، از یار و می و مطرب می گویند و مقابل دوربین از این و آن خودفروش و بی حیا کام می گیرند ، چه توقعی می توان برای همراهی مردم سایر بلاد اسلامی داشت ؟! آیا وقتی مردم بلاد اخیر پیش خود می گویند این چه افغانستان تحت ستمی است که دختر شایسته انتخاب می کند ، یا این چه لبنان و ... است که بهمان می نماید ، می توان به آنها ایراد گرفت ؟
5. و در آخر ، به نظر می رسد خود فلسطینیان نیز در بلایائی که بر آنها می بارد تا حدودی مقصرند ! آیا تجربهٔ 60 سال نبرد با سنگ نباید به آدمی بیاموزد که این روش ستیز ، جز برای نشان دادن روحیهٔ مقاومت کاربردی ندارد ؟! آیا نباید فلسطینیان تکانی به خود دهند و با تغییر در استراتژی هایشان ، برنامهٔ بلندمدت تری برای بیرون ریختن اسرائیل طرح کنند ؟! آیا اصلاح روش های نظامی و مجهز شدن به سلاح روز ، نباید در دستور کار قرار بگیرد ؟!
کلام ، جز با ابراز تأسف شدید و جز ذکر « انا لله و انا الیه راجعون » ، یارای به انتها رساندن ندارم .

ان ارید الا الاصلح ما استطعت و ما توفیقی الا بالله
علیه توکلت و الیه انیب

وب سایت

نویسنده: sadegh

دوشنبه 9 دی1387 ساعت: 15:27

با سلام خدمت استاد و دیگر دوستان

آقای صمیمی محترم در صورت امکان از حضرتعالی چند سوال داشتم.

1- چرا حکومت اسلامی چند موشک نا قابل حواله اسراییل نمیکند ؟ چرا اعلام جهاد نمی شود؟ مگر حکومت اسلامی ایران شب و روز در سودای نابودی و محو اسرائیل از کره زمین نیست ؟ آخه با حلوا حلوا گفتن دهن شیرین نمیشه !
لطفا از حزب الله نگویید که حزب الله دینش رو به اسلام ادا کرد و یک تنه نمیتونه جور این همه خیانت و بزدلی مسلمانان رو بکشه اما من میپرسم چرا حکومت اسلامی
مستقیم وعملا وارد گود نمیشه ؟مگه چیش از حزب الله کمتره ؟ اگه حزب الله اسرائیل رو شکست داد ایران اسلامی می تونه از روزگار محوش کنه ، پس منظر چی هستیم ؟ اگه چندتا موشک یا چند میلیون دلار به حزب الله داده دستش درد نکنه اما حاکمان و شیوخ خائین عرب خیلی بیشتر پول و اسلحه دادن .
اونم قبل از اینکه حکومت اسلامی تو ایران باشه
صدام کافر (از نظر حکومت اسلامی) تلاویو را موشک باران کرد . در اوج محاصره اقتصادی قوت مردمش رو با مردم فلسطین نصف کرد یعنی درصدی از بوجه عراق را به فلسطین میفرستاد چرا که دو ملت عراق و فلسطین را یکی میدانست و برای خانواده شهدای فلسطین مقرری تعیین کرده بود.
در ضمن از حکام عرب نگویید که از آنها هیچ انتظار ی نیست و دین و دنیا را فروخته اند . می خواهم بدانم آیا براداران مکتبی حکومت اسلامی میتوانند مانند حزب الله دو تا موشک ناقابل حواله اسرائیل ظالم کنند یا خیر ؟ و اگه الان نمی توانند کی میتونند ؟ اگه الان وقتش نیست کی وقتش میرسه ؟ الان که دارن هم پیمانانشون (از نظر سیاسی) رو قتل عام میکنند یا اینکه فقط میتونند وعده وعید بدن و حماسی ها رو بفرستن جلو ، که ما هوا تونو داریم ! بابا حرکتی عملی همش حرف ! این همه مانور برای چی ؟ برای دو تا جزیره عرب نشین بحرین و امارات و .... که بترسن ؟

فقط واسه اینا شیریم این که شد همون سیاست حکام خائن عرب !

نویسنده: sadegh 4

دوشنبه 9 دی1387 ساعت: 15:51

یا شاید اینکه چون در عراق حکومتی شیعه به قدر رسیده دیگه همه چی تموم شد ؟ نکنه این همه جارو جنجال و وعده ووعید و نابودی اسرائل و شیطان بزرگ و استکبار همه به خاطر یه کرسی ناقابل ریاسته؟ عجب پس همه اینا تعطیل ؟ لطفا یکی به این دولت مکتبی بگه از برادر مالکی درخواست کنن که روزنامه نگار آزاده عراقی رو آزاد کنه؟ آخه کلی دل مسلمونا رو شاد کرد . وگر نه از استقبالش تو ایران معذوریم ؟ ایران تشریف نیارن که ما از دشمنان اسلام و ملت عراق پذیرایی نمی کنیم ، یا شاید خودشون هم تو عراق ممکنه دچار همون حادثه لنگه کفش بشن !!
نکنه فردا هم تولبنان اگه حزب الله به قدرت به رسه یعنی منصب نخست وزیری تو دستشون بیاد همه چی تعطیل میشه ؟ پس ما برای منصب وحکومت و قدرت این همه شعار میدیم که مثل عراق حکومت شیعه بیاد بالا ؟ بعدش تو لبنان بعد مصر بعد اردن بعدش ..... بعدش هیچی میهمونی تموم میشه ؟ اسلام هم بای بای مسلمونا هم که همشون سنی ببخشید کافرند !!!! و آمریکا دوست وبرادر میشه روبوسی هم پیشکش
یهود و صهیونیسم هم که فرق میکنن با برادر هنری کسینجر هم سر تقسیم منطقه میسازیم یه نقشه جدید میدیم بازار اون قبلی که عراق رو مثلا کرده بود سه قسمت قدیمی شده دوباره باهم میکشیم آخه کلی زحمت کشیدیم و عرق ریختیم !!! نه !!!!!

نویسنده: 321

دوشنبه 9 دی1387 ساعت: 12:52

به ايمان صميمي
آقاي صميمي اميدوارم با پاسخهايي كه از دوستان دريافت كرديد بدانيد كه اين وبلاگ پايگاه بنيان انديشان است نه مهد كودك !
واقعا خون آدم بجوش مي آيد وقتي «تصاوير غزه» را در خاك و خون نشان مي دهد و پيامهاي سران كشورهاي اسلامي و از جمله ايران را كه گويي حتي « غزه » را بهانه اي براي تبليغات خود و خود نمايي و كم كردن روي رقيب ! قرار داده اند .

پيام استاد بسيار موجز و پر محتوي بود ، يعني اينكه ديگر حرف بس است ، « عمل » ، « عمل » ، « عمل » !!!
اي كاش دولت جمهوري در اين شرايط حتي نيمي از كمكهاي حزبي به « حزب الله لبنان » را به « غزه » اختصاص مي داد .

نویسنده: حسینی

دوشنبه 9 دی1387 ساعت: 18:40

سلم. خسته نباشید. از هر طرف که رفتم جز حیرتم نیفزود.
حکایت تمامی تاریخ ما عین این شامورتی بازی های خسروخان معتضد است در شعبده های کوتاه هرشبش در تلویزیون.
جالب اینکه اسم برنامه هم دزدی از پلی برگذشته ی شماست. . دلم برایتان تنگ شده.

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 10 دی1387 ساعت: 0:20

آقای حسیی. از دیداران خوش حال می شوم.

آقای شریف. مدتی است خوانده ام و در فرصت مناسب در باب آن حرف خواهیم زد.

آقای خرمی. در زبان یونانی پرسیکا و پرسیا نام درخت شفا بخش و مقدسی است در مصر که می گویند در برابر مسیح خم شده است. انتخاب این نام به معنای گردن نهادن به تعالیم مسیح است.

آقای صمیمی. وقتی در کامنت خطاب به دیگران می نویسی: "مردک کری یا کوری؟!!" منتظر نباش برایت آجیل پوست بکنند. نظریات شما عینا نصب شد و طبیعی است که پاسخ های دیگران نیز به همین طور. اگر هم کسی از من نظر خواست عقیده ی خودم را خواهم نوشت، اما این یکی به دوها به طرفین قضیه مربوط است.

نویسنده: بهلولی

سه شنبه 10 دی1387 ساعت: 1:0

با عرض سلام خدمت شما استاد عزیز.

من از تورک های قشقایی در شیراز هستم.
به داشتن هموطنی مثل شما افتخار میکنم.

تشکر

نویسنده: sadegh 2

سه شنبه 10 دی1387 ساعت: 1:5

2- چرا دولت مکتبی از آقای برادر مالکی با آغوش باز و به گرمی استقبال کرد و میکند؟ مگر عراق اشغال نشده است ؟ مگر آمریکا اشغالگر نیست ؟ مگر آمریکا یک میلیون عراقی را به شهادت نرسانده ؟ مگر 5 میلیون عراقی آواره نیستند؟ مگر مالکی همکار و شریک آمریکا نیست ؟ مگر وی نخست وزیر حکومت ویشی آمریکایی نیست ؟ یا شاید حکومت مالکی قانونی است ؟ چون از طریق انتخابات آزاد!!!! و دموکراتیک به کرسی ریاست رسیده . اگر جواب دولت مکتبی این است ، نمی دانم به کدام قانون و قاموس و شرع وشریعتی استناد کرده اند؟ در قانون بین الملل هر انتخاباتی که با اشراف و در سایه ی اشغالگران برگزار شود غیر قانونی ایست . البته عجیب نیست نه تنها حکومت مالکی قانونی که آمریکا نیز اشغالگر نباشد !!!!! چرا که دیدارهای سفیر ایران در عراق با اشغالگران آمریکایی دوره ای و عادی شده البته برای رفاه حال مردم عراق چانه زنی بیشتری لازم است !!! عجب حکایتی است دو کشور قیم برای عراق تصمیم میگیرند و مردم نیز هر روزبا انواع موشک و بمب بمباران می شوند ، راستی کسی شیطان بزرگ رو یادش هست یا خیر ؟ یکی بود یکی نبود شیطان بزرگی بود دیگه نیست !!!!!

نویسنده: محسنی 1

سه شنبه 10 دی1387 ساعت: 1:10

مثل اینکه بعضیها از نظرات آقای صمیمی بدجوری عصبانی شدند و از حول حلیم افتادن تو دیگ! آقای اتفاق عزیز من، اولا بقیه سران کشورهای اسلامی دست نشاندگان و عروسکهای انگلستان و آمریکا و اسرائیل نیستند، مثلا خدا وکیلی حسنی مبارک کثیف در مصر با رئیس جمهور مسلمان مالزی یا هند (دوره قبل) یکیه و برابره؟؟؟؟ یا حتی با رئیس جمهور

سنگال؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟ دوما روسای کشورهای عربی تو منطقه هستند و پول و قدرت دارند و مناسبات دوستانه با غرب و اسرائیل یا روسای سنگال و تانزانیا و اندونزی و ...؟؟؟؟؟؟؟ سوما روسای کشورهای عربی منطقه 50 ساله سنگ عربیت را در دفاع از فلسطین به سینه می زنند یا رئیس جمهور آذربایجان و ترکمنستان و ..؟؟؟؟؟؟؟؟؟ چهارما اونها به فلسطینی ها نزدیکترند یا سران کشورهای تاجیکستان و افغانستان و ...؟؟؟؟؟؟ و بعد آقای صادق و ویرگول و 321 و چند تا اسم دیگه که یادم نمیاد: در هر چیز آقای خامنه ای شک کنی و از هر چیز از جمله آنوسی بازیهای رایج تو این مملکت عصبانی باشی، در صداقت ایشان در دفاع جانانه از ملت فلسطین نمی تونی شک کنی و اینو خودتو و بقیه کاسه های داغتر از آش هم می دنند. حساب ایشان از بقیه عوضی هایی که داریم جداست. و اینو یه بچه هم می دونه وارد جنگ شدن با اسرائیل کاری نیست که با احساسات یه لحظه ای بشه انجام داد. هزارتا مسئله و دنگ و فنگ دراه. درست مثل این میمونه که من بگم جنابعالی که اینقدر گلو می درانی چرا خودت نمی ری با اسرائیلیها بجنگی و به حکومت چکار داری؟؟؟؟ ببین وقتی خودت نمی تونی به همین راحتی وارد میدان بشی، حکومت هم نمی تونه و هیچ کدام ماها هم نمی تونن. همونطورکه نمیشه به این همه آدم تو خیابانهای کشورهای اسلامی گفت چرا به جای تظاهرات نمی رین با اسرائیل بجنگین؟؟؟

نویسنده: محسنی 2

سه شنبه 10 دی1387 ساعت: 1:11

یه ذره انصاف و عقل هم خوب چیزیه والا. اگه بجای حکومت فعلی رهبران سعودی یا اعالی حضرت سابق یا شیخهای ... نشور کویت و دوبیت را داشتیم چی می گفتین؟؟ شما حتی نمی تونین حساب آقای صمیمی را با آشغالهایی از قماش ناریا2 و ذورالقرنین جدا کنین. بجای صمیمی اونا را داشتین بهتر بود نه؟؟؟؟؟؟ اون موقعی که صمیمی شجاعانه تو میدون بود شماها کجا بودین؟؟؟؟ خدا وکیلی جان مادرانتان به پورپیرار فحش نمی دادین؟؟؟؟ نمی گفتین سنیه، وهابیه، ضد ایران و ...؟؟؟؟؟؟؟ همه تون جزو اونهایی نبودین که به پورپیرار فحش میدادن و باهاش دشمن بودن؟؟؟ چقدر طول کشید تا بفهمید حقیقت چیه؟؟؟ اون موقع صمیمی ها تو میدون بودن و حالا شما شدین قهرمان و صمیمی دشمن؟؟؟؟؟؟؟ اینقدر دیگ غیرتتون به جوش اومده، بفرما: بجای جنگ با صمیمی هیچکاره برین سراغ اسرائیل و آنوسیهای داخلی. مطمئن باشین از حذف صمیمی مفیدتر و اسلامی تره تازه بدوران رسیده ها.

نویسنده: محسنی 3

سه شنبه 10 دی1387 ساعت: 1:14

در ضمن آسیاب به نوبت. چند سال دیگه رو هم میبینیم. شماها صمیمیهای الان خواهید بود و چند تا بچه تازه بدوران رسیده شما را به فحش می بندن که چرا کاری نمی کنید!! همین حماقتهای بی منطق است که همراهان و مومنان یک مسیر را با هم دشمن می کنه و دل دشمن را شاد. یه ذره عقل و انصاف هم خوب چیزه والا.

نویسنده: sadegh 3

سه شنبه 10 دی1387 ساعت: 1:22

عجیب تر فرمایش رئیس جمهور مکتبی که فرموده بودند مخالفان حکومت مالکی خرابکارند (خوب یادم نیست ولی صفتی ناشایست داده بود) رئیس جمهور مکتبی به چه حقی ، حق جهاد و مبارزه علیه اشغالگران را ساقط کرده؟ آیا جهادگرانی که بر علیه آمریکا و مزدورانش در عراق
میجنگند با همان دید به دولت مکتبی اسلامی نمی نگرند که مبارزان فلسطینی به نظام خائن مصری ؟ مگر آقای سید حسن نصرالله در جنگ سی روزه نفرموده بودند که : تمام این کشتارها ، قتل عام ها وخونهایی که در لبنان ریخته میشود توسط آمریکاست ؟ مگر نگفتند ؟ مگر از همکاری با آمریکا هشدار ندادند؟ مگر نگفتند که آمریک در کشتار و جنگ علیه لبنان شریک و اجرا کننده مستقیم است؟ پس چرا
دیدارهای دورهایی هنوز برگزار می شود ؟ وبر سر چی؟ تقسیم عراق ؟ آیا محمود عباس که با آریل شارون دست و روبوسی کرده خائن مذموم و مطرود است اما مالکی و عبدالعزیز حکیم که در کاخ سفید با بوش روبوسی کردند خائن نیستند ؟ دیدار حکیم با هنری کسینجر یهودی عقل مدبر سیاست های ظالمانه آمریکا چی میشه ؟ کلی قربون و صدقه و تشکر و تعارف حکیم چی میشه ؟ بابا دمون گرم شما دموکراسی رو برای ما به ارمغان آوردید؟ دموکراسی یا کرسی !!!!!!!!

نویسنده: مسعود

سه شنبه 10 دی1387 ساعت: 1:25

وقت بخیر جناب استاد عزیز.

شما فرموده بودید:"به زانو درآوردن اسراییل و همراهان بله قربان گوی شرقی و غربی و داخلی و خارجی اش یک راه آسان دارد: مسلمین شیرهای نفت شان را ببندند."

منتها بنده نظر ریشه ای دیگری دارم که از در ماندگی بشر امروز به پاسخ صریح به این پرسشهای بنیادین منتج میشود:

1- چه کسانی کره زمین را به دویست و اندی کشور تقسیم کردند؟!!!
2- کشور یعنی چه و به چه منظوری تاسیس میشود؟!!!
3- شرکت مرکزی اداره کل این کشورها از قانون و مرامنامه ای بهره کشانه و ضد بشری به نام "سیاست" ! تبعیت میکند .
تدوین کنندگان این دستورالعملهای سیاسی چه کسان و یا نیروهایی هستند و چرا خود را آفتابی نمیکنند؟!!!
4- آیا بی بروبرگرد لااقل 99 درصد سیاسیون جهان از یک سازمان مرکزی حقوق نمیگیرند؟!!!
به عقیده بنده همانطور که کشورهای عربی و باصطلاح اسلامی را خود سیستم سیاسی-شیطانی حاکم بر زمین تاسیس کردند و برایشان رئیس جمهور و شاه و امیر تعیین نمودند اسرائیل را هم خود همین جانیان در حق بشر بوجود آوردند. با این محاسبات در کشتار مسلمان بیگناه فلسطینی بدست جنایتکاران یهود همانقدر که اسرائیلیان مجرمند به همان میزان حاکمان دست نشانده کشورهای عرب زبان و باصطلاح اسلامی نیز مقصرند. آنوقت بستن و یا باز کردن شیر نفت بدست اینان هیچ معنایی ندارد!!!

نویسنده: رضا

سه شنبه 10 دی1387 ساعت: 10:19

با سلام به استاد محترم و دیگر دوستان
جناب اتفاق ، به قول معروف " جانا سخن از زبان ما می گویی" و اگر اجازه بدهید چند کلمه ای بر گفتار شما اضافه نمایم.
رفتار سردمداران دوقطب شیعه و سنی با حق مردم فلسطین مصداق "کلمه الحق یراد بهاالباطل" است و حاکمان هیچ یک از این 57 کشور اسلامی جز در حد تشبثات سیاسی علاقه بیشتری به مطلب ندارند. در حقیقت انتظار از مردم سیاست مسلک و حاکم! برای دفاع از حق و حقیقت کم لطفی است و هرگزهیچ حکومتی جز برای منافع شخصی خود لب به سخن نمی گشاید. مردم هم در اغلب این کشورها بر دین ملوک خود هستند و در ایران مردم بر دو دسته اند مخالفان و موافقان حکومت. دسته اول بطور عمده به خاطر مخالفت قلبی یا عملی یا منافعی(اعم از فرقه ای و قومی وریالی و..) با اسلام مخالف این حکومت اند و تکلیف حق مردم مسلمان هم نزد آنها معلوم است! عده قلیلی هم که مسلمان بی فرقه و حق طلبند چنان در محاصره این ناحقانند که امکان عملکرد خودجوش مردمی وجود ندارد. موافقان هم که در بند افکار حکومت و مومن به آنند و تکلیفشان از بالا تعیین می شود. اما در مورد قسمت 5 مطلبتان معتقدم وقتی هدف مردمی به تشکیل گروههای نظامی مسلح و قدرتمند جلب می شود طوعا و کرها در دام مافیای اسلحه و حکومتها می افتد و مبدل به سیاست مردان حزب ا.. و حماس و الفتح می شود. متاسفانه برای مسلح شدن به سلاح روز انجام عقد یا متعه با سران یکی از این 57 کشور اسلامی !! نیاز است و صد البته آنها هم بیشتر از کمک کردن طالب سود شخصی خود هستند.

وب سایت

نویسنده: اتفاق

سه شنبه 10 دی1387 ساعت: 15:50

سلام آقای محسنی
اولا من از دست کسی عصبانی نیستم و سخن خویش خطاب به آقای صمیمی هم ننوشته ام .
ثانیا آقای صمیمی از دوستان نزدیک من هست و من به منزلشان هم رفته ام و نان و نمک هم خورده ایم .
ثالثا مقابل من تنها یک کیبورد قدیمی است نه پاتیل حلیم .
رابعا در عرصه اندیشه ، نان و حلوا ، جز در حفرات و سالن ها و آمفی تئاترهای مرکز گفتگوی تمدن ها تقسیم نمی کنند !
خامسا گویا شما هنوز در دوران آرش کمانگیر خیالی زندگی می کنید و گمان می کنید هرکه به فلسطین نزدیک تر باشد مسئولیتش بیشتر است و مثلا مسئولیت لبنان نسبت به آذربایجان بالاتر است !!!
سادسا فرموده اید حکام ممالک عربی دست نشانده اند ؟! ببخشید ! یادم رفته بود حکام عجم ها و ترک ها و تاجیک ها دست نشانده یا سیاست باز و منافق نیستند !!!

***

سلام آقای رضا
در مورد بند 5 گفتار من که مورد موافقت شما نبود ، تکلیف چیست ؟ یا باید مُرد و با آرمان ها وداع کرد یا باید دست نیاز بسوی برادران دراز کرد ! مگر راه دیگری هم هست ؟ آیا من و شما از برادر و خواهر خود گاهی قرض نگرفته ایم ؟ بحث بر سر انتخاب دو شق ناخوشایند و اخذ یکی که خسارتش کمتر می باشد هست . آیا بهتر نیست اندکی واقع بین تر باشیم .

آیا وقت آن نرسیده متفکرین آزاد جهان اسلام ، ضمن پرهیز از سیاسیون منافق ، با تأسیس یک تشکل ، ساز و کارهائی برای دفاع از اسلام و مسلمانان طرح نمایند . ایمان قلبی دارم که به مصداق عبارت « هو الرزاق » ، اگر فکرمان صالح و عملمان سالم باشد ، خداوند منابع مالی لازم را نیز برایمان مهیا خواهد ساخت .

وب سایت

نویسنده: توحید

سه شنبه 10 دی1387 ساعت: 14:1

با سلام
آقای عابدی لطفا فایلهای سایت ناریا را به ای میل بنده هم ارسال نمایید .
tohid.zaher@yahoo.co.uk
با تشکر

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ، 192، دیدار از اندونزی، 15 - 156 نظر

نویسنده: أمة الله به دهقانی (از شیراز)

سه شنبه 10 دی1387 ساعت: 18:27

سلام

آفرین بر شما.

سختنتان درست است.

وب سایت

نویسنده: سوسن

سه شنبه 10 دی1387 ساعت: 19:44

استاد عزیز فهرست مطالب یادداشتهای ایران شناسی ... را بروز نمی کنید؟

نویسنده: احتیاط

سه شنبه 10 دی1387 ساعت: 19:54

برادر مسلمان ، جناب اتفاق
با سلام من نیز با برادرمان آقای رضا همصدا میشوم و بر فرمایشات شما صحه میگذارم و توضیحات زیر را بر آن می افزایم :
اگرچه «گمان» می کنیم که بواسطه ارتباط با آثار استاد پورپیرار ، «بنیان اندیش» و معتد به «اسلام منهای پیشوند و پسوند» هستیم و از «باستان ستایی» و «عصبیت قومی» فاصله گرفته ایم ، اما همین تاخت و تازهای بی لجام ، بقول شما «دم خروس» را عیان می کند . به بهانه همدردی با گروه خاصی از مسلمانان و نه همه مسلمانان از سین کیانگ تا غزه ، بلکه فقط از عراق تا غزه ، آنهم بخاطر عقده گشایی علیه «عرب سوسمارخور» ، آتشفشان غصب برادران به فوران درآمده است . نمیدانم برادر خوبمان جناب محسنی با کدامین «محک» تشخیص داده اند که «بقیه سران کشورهای اسلامی دست نشاندگان و عروسکهای انگلستان و آمریکا و اسرائیل نیستند» . شاید معیار ایشان برخی فحش های مصلحتی به آمریکا و اسرائیل بوده ، به هر حال اگر فرمایش ایشان را نیز بپذیریم ، عذر بدتر از گناه خواهد بود . چرا که آن «بقیه کشورهای اسلامی» اگر حقیقتاً خودشان تصمیم گیرنده هستند و اهمیتی به آمریکا و اسرائیل نمیدهند و در عین حال «اسلامی» هستند و طبعاً باید از مسلمانان مظلوم حمایت کنند ، چرا مانند کشورهای عرب «دست نشانده» تماشاگر جنایات اسرائیل بر علیه گروهی از مسلمانان هستند و دم فرو بسته اند ؟ آیا براستی آنها بیشتر مستوجب سرزنش نیستند ؟ پس چرا سعی داریم آنان را تبرئه کنیم ؟
برادر گرامی ، بعقیده من مشکل همان است که شما انگشت گذاشته اید : «فرقه بازی»

نویسنده: ...

سه شنبه 10 دی1387 ساعت: 21:11

امان از دست شبه آنوسیان خراسان

نویسنده: سجاد

سه شنبه 10 دی1387 ساعت: 21:45

http://politic.iran-emrooz.net/index.php?/politic/more/16783/ استاد شمارا به یک بیماری جدید روانشناسی متهم کردند ملاحظه کنید راست-واره پنداربافته جالبه نه

نویسنده: ...

سه شنبه 10 دی1387 ساعت: 22:26

سجاد خان این نبشته از مطالب ساسان استخری و استاد کورش آریایی هم خنده دار تر است .

نویسنده: محسنی

سه شنبه 10 دی1387 ساعت: 22:31

دوست گرامی آقای اتفاق از شما انتظار نداشتم متوجه نشوید من چی می گویم.

نویسنده: محسنی

سه شنبه 10 دی1387 ساعت: 22:35

جناب اختیاط شما هم ظاهرا خیلی این مسئله برایتان یقین شده. خواهشا کمی تاریخ معاصر خاورمیانه را ورق بزنید تا دریابید دست نشانده به کی مگن و تفاوتها از کجا تا به کجاست.یه چیزی تصور میکنید اما بدتر از اون فکر می کنید تصورتان درست است!

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 10 دی1387 ساعت: 22:46

آقای خرمی و آقای محسنی و آقای.... خرسندم که باورمندان به بنیان اندیشی، مجامله و پنهان کردن استخوان در لا به لای زخم را، تا مرز تاختن به یکدیگر نیز، نمی پسندند. همه ی ما به قدر کافی تعارفات دروغین شنیده ایم و تحمیق و اسباب تفریح خاخام ها و کشیشان شده ایم. این جا میدان داد و ستد نیست و صحابه ساخته نمی شود. آقای صمیمی منصفانه زحمت بسیار در مسیر این گذر جدید کشیده اند، اما این امر اختیاری و گزینشی، او را به نمایش کم ظرفیتی و انتظارات مخصوص مجاز نمی کند. هم اکنون چند روزی است استاد غفوری نازنین در این هوای نامناسب برای دومین بار در کوه و کمر و شهر و کوچه های ترکیه برای آماده کردن مقدمات ساخت کلیپ طوفان نوح سرگردانی می کشد، این راه دراز چند هزار کیلومتری تا ترکیه را برای صرفه جویی، در این فصل نامناسب با اتوبوس طی می کند و به زحمت می توانیم او را قانع کنیم تا بخشی از هزینه های به قدر کافی سنگین را از دوستان قبول کند. او فحش های بسیار ناروا و تهمت های کمرشکن از مسئولین میراث و ارشاد همین جمهوری را بارها و برای مدت طولانی تحمل کرد و هرگز لب به شکایت نگشود و از مسیر کنار نکشید. آقای صمیمی به تر است مسائل پیش آمده را معلمی برای اعتلای تحمل در مبارزات فرهنگی بداند و مانند کودکان لب ورنچیند.

آقای سجاد. برای تان دو ای میل فرستادم و مایل بودم به خصوص پاسخ ای میل نخست را برگردانید. از آن سخن رانان عهد عتیقی بپرسید چه دارند تا درباره ی مستند تختگاه هیچ کس بگویند؟!! حالا و با همین پرسش کوتاه، تمام شیرین زبانی ها به کام اش تلخ می شود، از تب و تاب می افتد و خود را نیازمند چشم پزشک می یابد!!!؟

آقای سئوال. بدون شک معماری اسلامی از عالی ترین گزینش ها برای انتقال پیام اسلام است و البته نه آن گروه که به سبک کلیسا طلا کاری و برق اندازی می شود.

آقا و یا خانم دوست. شب هله هوله خوری یلدا گذشت؟!!!

خانم نسرین. به زودی و به چشم!

آقای مسعود. حقیقتا که نام گذاری بر نزدیک به تمامی سرزمین های کنونی، به جز چند استثنای مختصر، که ایران میان آن ها نیست، کاملا جدید است.

نویسنده: علیرضا

سه شنبه 10 دی1387 ساعت: 23:40

آمریکا در پائیز 2010 بدنبال درگیری ای داخلی فرو خواهد ریخت

http://www.ijna-ir.com/news_050.htm

نویسنده: عتیقه چی

سه شنبه 10 دی1387 ساعت: 20:25

در تاریخ جهان جنگهای بیشماری رخ داده اند، که شمار کشتگان آنها سر به سدها هزار تن می‌زند.

از همون آدرسه.
بنازم به این سواد!!!!!!!!!!!!!
نمی دانم اگر بخواهد بنویسید سد به معنای آب بند چه طوری می نویسد. بدین ترتیب معنای جمله او چنین می شود که شمار کشتگان رو به سد ها بزنیم سرهاشون هزار تا می شه یا چیزی مثل این.
بیشتر از این ارزش فکر کردن نداره.

نویسنده: علیرضا

چهارشنبه 11 دی1387 ساعت: 0:55

کاريکاتور در مورد غزه
http://medya.zaman.com.tr/2008/12/30/israel3.jpg
بوش: یکبار دیگه بگو ببینم, چقدر تا سر کار اومدن اوباما باقی مونده

علامت مورد علاقه بعضیها
http://medya.zaman.com.tr/2008/12/30/israel6.jpg

http://medya.zaman.com.tr/2008/12/30/israel2.jpg

http://medya.zaman.com.tr/2008/12/30/israel4.jpg

http://medya.zaman.com.tr/2008/12/30/israel5.gif

http://medya.zaman.com.tr/2008/12/30/israel1.jpg

نویسنده: برای رفع خسته گی

چهارشنبه 11 دی1387 ساعت: 0:57

خليج هميشه فارس، هميشه فارس خواهد ماند ؟!!

http://www.mardomsalari.com/template1/News.aspx?NID=27033

...من در 9 کتاب هرودوت هرگز چنين نامي [خليج فارس] نيافتم .. خليج عربي مورد نظر تاريخ نگاران يوناني آن طور که خودشان مي نويسند ميان مصر و سوريه است ... پر واضح است که خليج عربي هرودوت و ديودور همان خليج سوئز امروزين است که به درياي سرخ راه دارد ...

يونانيان باستان وارون ادعايي که مبني بر شناخت جغرافياي جهان داشتند، در اين دانش بسيار ناآگاه بودند. آنچه يونانيان در نوشتارهاي خود در اين باره نوشته اند يا افسانه است يا برگرفته از گفتار ديگران. چراکه آنان در گوشه جهان بودند و آنچه مي شناختند کرانه هاي شرقي درياي مديترانه و جزاير يوناني نشين و شبه جزيره يونان تا ايتاليا و مصر شمالي و صحراي سينا که آنرا "عربستان" مي خواندند و فينيقيه و آسياي خرد به ويژه ليديا و ايوني بود...

نویسنده: نتاب

چهارشنبه 11 دی1387 ساعت: 2:14

با سلام،
دوستان !
در این کار هنری همه باید شرکت کنند، نه تنها يك یا چند نفر. اگر به فرموده فوق:
" هم اکنون چند روزی است استاد غفوری نازنین در این هوای نامناسب برای دومین بار در کوه و کمر و شهر و کوچه های ترکیه برای آماده کردن مقدمات ساخت کلیپ طوفان نوح سرگردانی می کشد، این راه دراز چند هزار کیلومتری تا ترکیه را برای صرفه جویی، در این فصل نامناسب با اتوبوس طی می کند و به زحمت می توانیم او را قانع کنیم تا بخشی از هزینه های به قدر کافی سنگین را از دوستان قبول کند." پس شاگردان این کلاس نباید بیکار بنشینند. کار تولید مستند فعلی باید به نحوی گروهی شود. باید به نزدیکترین بانك مراجعه کرد و شرکت خود را در ان تولید عملی کرد. به هر میزان و از هر راه و با رضایت کامل به تولید مستند طوفان نوح کمک کنید وجه را به همان حساب مستند تختگاه هیچ کس، یعنی جاری سپهر صادرات به شماره ی 0100428837001واریز کنید و میزان آن را در پیام خصوصی و یا ای میل اطلاع دهید.

نویسنده: اتفاق

چهارشنبه 11 دی1387 ساعت: 2:38

1 از 4

دوستان عزیز

سلام علیکم . وقت شما بخیر
احتراماً :
در « آشنائی با ادله و اسناد رخداد پلید پوریم ، مدخلی بر ایران شناسی بی دروغ و بی نقاب ، 192 » ، جائی به نقل از

آقای رسول جعفریان خواندیم که ایشان در سفرشان به اندونزی ، مجبور شده بودند بر خلاف رسومات ما شیعیان ، در مسجدی با پای برهنه به وضوخانه و دستشوئی وارد شوند و ... . در همین رابطه یادم به خاطراتی افتاد که به گمانم ذکر آنها خالی از فائده نیست :
چند سال پیش ، به « گاوبندی » ، شهری در منتهی الیه غربی استان هرمزگان ، که رئیس جمهور مکتبی ، برادر بسیجی ، جناب آقای محمود احمدی نژاد نام آنرا در سفرهای درویشانهٔ استانی شان ، به « پارسیان » بدل کردند رفته بودم (وقتی از حزب الهی های باستان پرست سخن می گویم ، منظورم چنین تیپ هائی است !) . گاوبندی یک شهر سنی نشین می باشد ؛ پس لازم است این توضیح را اضافه کنم که اوقات نماز اهل سنت در صبح و مغرب ، به دلیل تعریف متفاوت آنها از طلوع و غروب ، نسبت به شیعیان فرق دارد و علاوه بر آن ، ایشان مطلقاً نماز عصر را با ظهر و نماز عشاء را با مغرب نمی خوانند و نمازهای پنجگانه نزد آنها به درستی پنج اذان و پنج مقام مختلف دارد . باری ؛ ظهر بود و مردم کم کم برای اقامهٔ نماز در مسجد حاضر می شدند . ما نیز برای ادای تکلیف به درون مسجد رفتیم و بی خبر از همه جا ، با کفش به درون دستشوئی خزیدیم . یک سرویس خالی بیشتر موجود نبود ، لذا من تقدم جستم و همراهم بیرون منتظر خالی شدن غرفه ای دیگر بود که ناگاه کسی با خشم و تندی و با لهجهٔ جنوبی ، دوست مرا مورد خطاب قرار داد که تو با چه مجوزی با کفش درون مسجد آمدی ، فوراً برو بیرون و کفشت را در آور و ... ! غیض او تا آنجا بود که من از ترس در همان توالت ، برای در امان ماندن از نهیب های او ، که فراش یا خادم مسجد بود ، کفش هایم را در آوردم و با پای برهنه روی سنگ نشستم ! بیرون که آمدم ، تازه سکه ام افتاد و به سنت آنها آگاه شدم .

وب سایت

نویسنده: اتفاق

چهارشنبه 11 دی1387 ساعت: 2:39

2 از 4

سنت آنها چنین بود : اول باید در بدو ورود به مسجد ، کفش ها را درآورد ؛ سپس با دمپائی مخصوص به درون دستشوئی و وضوخانه رفت ؛ بعد از طهارت ، به محض خروج از وضوخانه و عزم حرکت بسوی مسجد ، دمپائی را خارج ساخت و با عبور از روی قالی باریک و بلندی که وضوخانه را به مسجد متصل می کرد ، به درون مسجد رفت و نماز خواند . استنباط من از سنت آنها این بود که مسجد ، نزد اهل تسنن از جایگاهی به مراتب والاتر نسبت به آنچه در بینش ما شیعیان وجود دارد ، برخوردار است ؛ لذا آنها ورود به آنرا مستلزم رعایت موازین خاصی می دانند و خصوصاً بی احترامی تلقی می کنند کسی با کفشش که احتمال آلودگی بر آن می رود پا به صحن مسجد گذارد .
خلاصه وضو گرفتیم و داخل مسجد شدیم . چون عجله داشتیم ، نشد که منتظر انعقاد جماعت بایستیم ، لذا به آخر مسجد رفتیم و همانجا فرادی مشغول شدیم . اما اینجا نیز اتفاق جالب دیگری رخ داد . ما همانطور که گفتم ، در انتهای مسجد ، با فاصله ای تقریباً نیم متری از دیوار مشغول نماز خواندن بودیم ، لیکن من دیدم هرکه وارد مسجد می شود و قصد دارد در همان ضلعی که ما ایستاده ایم ، محل نماز خود تعیین کند ، از پشت ما می گذرد و خود را ملزم می داند از فاصلهٔ کمی که مابین ما و دیوار بود عبور کند ! حسابی فکرم مشغول شده بود که حکمت این کار آنها چیست . ناگاه بچه ای خردسال که همراه پدرش به مسجد آمده بود ، برخلاف والدش که از پشت ما در حال عبور بود ، از جلوی ما گذشت . پدر ، او را مورد شماتت قرار داد که تو به چه اجازه ای از جلو نمازگزار رد شدی ؟! کاملاً حیرت زده شده بودم ! فهمیدم این مردمان باور دارند نمازگزار مشغول گفتگوئی رو در رو با خداست ؛ بنابراین ناروا و نوعی بی ادبی است کسی از میان این دو (نمازگزار و خدا) بگذرد ، لذا باید وقتی کسی جائی مشغول ادای فریضه است و فضا نیز امکان می دهد ، حدالامکان از مقابل او گذر نکرد و از پشت وی عبور نمود . حقیقتاً تعجب کرده بودم . یادم به مساجد خودمان افتاد که وقتی به رکوع می روی ، یکی رد می شود و نشیمنگاهش را به سرت می زند ، وقتی به سجده می روی ، پایت پایمال می شود و وقتی در قیامی ، مهر نمازت را شوت می کنند ! قصدم بالا بردن اهل سنت و شماتت شیعیان نیست ، اما حقیقتاً نمی شود چیزهائی را که دید منکر شد .

وب سایت

نویسنده: اتفاق

چهارشنبه 11 دی1387 ساعت: 2:40

3 از 4

سخن خویش با ذکر خاطره ای دیگر به انتها می برم : از شیراز به مقصد تنگهٔ هرمز (هرمود سابق) می رفتم . مسیر رفت را محور شیراز ـ لار ـ کهورستان ـ تنگهٔ هرمز انتخاب کرده بودم . شب بود . حومهٔ لار ، به شهرک لطیفی رسیدیم . به دنبال جائی بودیم برای اقامهٔ نماز . آرام و با سرعت کم می رفتیم تا بلکه اگر جائی پیدا کردیم ، به سرعت توقف نمائیم . نور نیلی رنگ و معنوی ای از دور چشمانمان را نواخت و ما را به سلام و تسلیم ، مژدهٔ تحیت داد . به آن سو رفتیم . توقف کنار آن نور ، به همان اندازه که در آن سکوت شباهنگام مناطق گرمسیری ـ که از پایه و اساس با شب های مناطق معتدل و سردسیری فرق می کند ـ آرامشان داد ، موجبات تأثر و حتی اشمئزازمان را نیز مهیا ساخت ! در سمت چپ جاده که عرضی حدود 15 - 12 متر داشت ، آن نور ملکوتی ، بر سردر مسجد ساده و بی پیرایه و قدیمی اهل تسنن می درخشید که

درهایش هم باز بود و نمازگزاران را به خود می خواند ؛ و در طرف راست جاده ، جرزهای سر به فلک کشیدهٔ مسجد جامع لطیفی (مسجد شیعیان) وجود داشت که معلوم بود نوسازتر از مسجد اهل تسنن هم بود ، با درهائی بسته ، از بیم دزد از آب درآمدن نمازگزاران و به غارت رفتن فرش های نفیس و لوسترهایش ! آیا بهتر نبود شیعیان، بجای ساختن مسجدی درست مقابل مسجد اهل تسنن ، که به دهن کجی شبیه است، کاری که مع الاسف در دارالیهود شیراز نیز عیناً با نام گذاری بر روی پل مقابل دومین مسجد اهل تسنن شیراز تکرار شد ـ درهای مسجدشان ، این خانهٔ متبرک خدا را باز می گذاشتند تا رهگذران بتوانند از آن در همهٔ اوقات و نه تنها در چند دقیقه ای که برای نمازهای RARشدهٔ ظهر ـ عصر ، مغرب ـ عشاء باز است استفاده کنند ؟ بگذریم ؛ به دلیل بسته بودن در مسجد بزرگ و باشکوه اما بسته به روی نمازگزارانِ شیعیان ، که مانند دیگر مساجد این فرقه ، کاشی کاری نیز داشت ، به درون مسجد بی پیرایه و بدون کاشی و گچ نما شده ، اما مفتوح اهل تسنن رفتیم و باز طبق سنت ، موزه ها خارج ساخته و دمپائی به پا نموده و به نمازخانه رفتیم و با آب داغی که از آبگرمکن روشن مسجد بیرون می آمد ، طهارت گرفتیم و به ادای فریضه مشغول شدیم .

وب سایت

نویسنده: اتفاق

چهارشنبه 11 دی1387 ساعت: 2:40

4 از 4

اینچنین مشاهداتی پس از آن ، محدود به گاوبندی و لطیفی نشد ؛ در نماز جمعهٔ روستای سنی نشین گَرمِستَج که به مراتب از نماز جمعهٔ کلانشهر شیراز باشکوه تر بود و امامش نیز به کلاشینکف ـ نمی دانم به دلیل نداشتن یا بنا به آموزه های مذهبی ـ اقتداء نداشت و به عصائی تکیه می کرد ، در نمازهای اِوَز ، در جمعه و جماعت های خُنج ، بستک ، بِیرَم ، فِداغ ، اَرَد ، اَهِل ، گله دار ، اسیر ، طاهری ، عسلو ، سیراف ، جاسک ، سیریک ، قشم ، سوزا ، لافت ، خمیر ، لنگه و ... ، باز ، تکرار و تکرار و تکرار شد . راستی ! اهل تسنن جنوب (اهل تسنن استان های فارس ، هرمزگان و بوشهر) ، از نظر قومیتی ، غالباً منتسب به اعراب جنوبی هستند ، لیکن به دلیل تبلیغات پان فارس های مرکزگرا ، دو سه نسلی است گرفتار « هویت گریزی » شده اند و نمی خواهند قبول کنند عرب می باشند !!!

ان ارید الا الاصلح ما استطعت و ما توفیقی الا بالله
علیه توکلت و الیه انیب

وب سایت

نویسنده: نظر من ؟!

چهارشنبه 11 دی1387 ساعت: 12:57

... یادم به مساجد خودمان افتاد که وقتی به رکوع می روی ، یکی رد می شود و نشیمنگاهش را به سرت می زند ، وقتی به سجده می روی ، پایت پایمال می شود و وقتی در قیامی ، مهر نمازت را شوت می کنند ...

آقای اتفاق در مساجد ما شیعیان ، بوی خوش فرش ها با آن رایحه گلآب نادر ، دیگر مجالی برای فکر کردن به پای پایمال شده و مهر گم شده و سر شکسته شده، نمی گذارد.

نویسنده: اتفاق

چهارشنبه 11 دی1387 ساعت: 13:43

تکمله :

شاید درآوردن کفش در اماکن مقدس یا در حضور بزرگان ، ریشه در یک سنت قدیمی رایج در منطقهٔ ما داشته باشد ، آنجا که در داستان موسی (ع) نیز به آیهٔ 12 سورهٔ مبارکهٔ طه می خوانیم خداوند به او فرمان می دهد در وادی مقدس « طوی » و در محضر « ا... » ، کفش هایش را در آورد .

وب سایت

نویسنده: حسین محمدی

چهارشنبه 11 دی1387 ساعت: 17:43

نقش ترکیه در بحران جاری قابل تامل است . آنها دنبال این هستند که در این قضیه میانجیگری کرده و موضوع را بدین صورت پایان دهند که ابتدا آتش بس صورت پذیرد و در نهایت غزه تحت نظارت نیروهای ترکی و اروپایی اداره شود . بدین صورت خیال اسرائیل از بابت مقاومت در غزه راحت باشد .

نویسنده: آیدین یاشار

چهارشنبه 11 دی1387 ساعت: 18:56

حقیقت یا دروغ؟
زندگی کردن با حقیقت روح انسان را جلا میدهد و زندگی در کنار دروغ روح انسان را افسرده میکند. با این حال چرا بعضیها ناگزیر از پرورش دروغ و همزیستی با آنند؟ شاید استفاده از دروغ برای تحصیل منافع مادی تا حدودی، حد اقل از منظر منافع شخص دروغ پراکن، قابل توجیه باشد، ولی دروغ پراکنی در دفاع از هویت مسلما بی ارزش است، زیرا هویت باید در درجه نخست در چشم خود شخص، دارای منزلت شامخ باشد و دروغ نه تنها هیچ کمکی به ارتقای منزلت هویت از این منظر نمیکند، بلکه منزلت هویت را بیش و پیش از همه در نظر خود شخص متزلزل و بیمقدار میکند. و اگر هویت در نظر خود شخص بیمقدار باشد، حتما قابل دفاع هم نخواهد بود. با این همه چرا دفاع از هویت قلابی چرا این همه رواج دارد؟ ظاهرا قضیه دوسو دارد، از یک سو استعمار برای ما هویت سازی میکند که چون اهداف سیاسی و اقتصادی را دنبال میکند، قابل فهم است (نه قابل دفاع). اما این که خود ما از هویت قلابی دفاع کنیم، صرفا و صرفا یک بیماری کودکانه است. تنها یک کودک خردسال است که با پوشیدن کفش و لباس پدر خود یا چسباندن ریش و سبیل مصنوعی احساس بزرگی میکند و بر خود میبالد. حالا دوستان نظر بدهند که آیا مطلب کوتاهی که در پی می‌آید دروغ است یا نه و از کدام نوع است:
«شهری در جلو تخت جمشید بوده و نام آن پارس و به یونانی پرس پلیس یعنی ایرانشهر بوده است . در برزن شمالی شهر، یعنی در دره شمالی پائین تخت، درگاه سنگی دیده میشود که در جرزهای آن ، صورت دوچاکر حجاری شده است . در سمت غرب برزن شمالی شهر، درجلگه زیر راه شوسه ، یک آستانه در و دو جرز سنگی درگاه و چند ساختمان و پاستون پدیدار است . در جرز این درگاه صورت یک مرد و یک زن در حال عبادت نقش گردیده است . در جنوب و جنوب غربی پائین تخت ساختمان های زیاد و پاستونهای بزرگ ، مانند پاستونهای روی تخت ، به انضمام آستانه های سنگی کشف گردیده است . احتمال دارد ساختمان های نامبرده متعلق به درباریان و بزرگان پارس بوده باشد». (لغتنامه دهخدا، نقل از خلاصه کتاب راهنمای تخت جمشید تالیف حسین بصیری صص80-97)

نویسنده: مارلیک

چهارشنبه 11 دی1387 ساعت: 19:46

سلام و خسته نباشید خدمت استاد و دوستان
در مورد حملات اخیر مشرکین به موحدین و محکوم کردن برخی دولت ها امروز مردی بی سواد!! مثالی زد که به نظرم تصویر واقعی و دقیق عکس العمل کشور های مسلمان در قبال این مسائل است:
گرگ توی گله افتاده و داره گوسفندارو می بره و چوپان به جای برداشتن داس بر پشت بام بر سر وروی خود می کوبد و سگ به جای حمله به گرگ سروصدا می کند.

نویسنده: م . ستاره

چهارشنبه 11 دی1387 ساعت: 16:42

سلام
در این چند روزه که اوضاع مسلمانان غزه نابسامان شده ، اوضاع این وبلاگ هم کمی تا قسمتی ابری است .
جناب آقای صمیمی ، دوست عزیز و دیگر دوستانی که از کلمه ی ستاره مشمئز می شوند !
درست به خاطر ندارم اما زمانی که با نام اصلی می نوشتم ، مسایلی برای من پیش می آمد که موجب آزردگی می شد . چه وقایعی ؟ هر کس در این مسیر افتاده ، نه فقط می داند ، که با آن دست و پنجه نرم می کند .
بنابراین در اندیشه گذار به نام مستعار بودم که خود استاد این نام را برای من برگزیدند . از ایشان ممنون ام . لطفا به این لغت ایرادی وارد نکنید چرا که من ناخواسته آن را در ضمیر ، متوجه استاد می کنم و ناراحت می شوم . اگر دوست ندارید ، به اسمی دیگر خواهم نوشت .
دیگر اینکه 1 و 2 و 3 و ویرگول و 123 هم نیستم و اگرچه تایید نمی کنم ، رد هم نمی کنم و نظر افرادی است و مسئولیت حرف ها ، با خودشان است و من قاضی نیستم . البته این 123 خودش را به من معرفی کرده است . گهگاه کامنت هایی خصوصی می فرستم که منحصرا برای خود استاد است که ایشان هم به سلیقه ی خویش ، گاهی تایید می کنند و خودشان نامی به آن می دهند ، البته حذف و اضافه هایی می شود که معلوم نباشد از کیست . نوشته های عمومی من خطاب به استاد نیست چرا که هر وقت بخواهم مزاحم می شوم . آن کامنت های خصوصی هم گاهی فقط یک لینک است و غیره ، و البته فقط برای استاد است .
اگر من بخواهم انتقادی به نظام حاکم بر این کشور داشته باشم ، با اندیشه خواهم گفت و بنابراین ترسی ندارم که نام عوض گردانم . اصلا همین الان منتقد می شوم :
در این کشور ، وزارتی است به نام اطلاعات و بر طبق ماده ای در قانون اساسی و وظیفه ی این وزارت مطلع کردن رهبر

است مقدم بر رئیس جمهور .
کار این وزارت خانه ، کسب هر اطلاعی است . حتی مثلا وقتی وبلاگی زده می شود و مطلبی در آن نوشته می شود ، از نظر اینان بررسی می شود .
خوب حالا چند سالی است که این موضوعاتی مطرح شده اند و حتی فیلمی هم در این موارد ساخته شده است مثلا :

نویسنده: م . ستاره

چهارشنبه 11 دی1387 ساعت: 16:42

2
1 / تخت جمشید نیمه کاره است (سند : فیلم " تخت گاه هیچ کس ") ،
2 / ایرانیان باستان همگی نسل کشی شده اند (سند : مطالب وبلاگ) ،
3 / تمام ایرانیان فعلی ، مهاجران قرون جدید اند (") ،
4 / یهودیان با توطئه ی خویش ، ایرانیان کنونی را به باستانی منتسب کرده اند در حالی که خودشان بهتر از همه می دانستند دروغ می گویند (") ،
5 / برای تزریق این مسایل و مسایل دیگر ، برخی از یهودیان ، تظاهر به اسلام کرده اند و حتی برخی از آنان برای قرآن ، تفسیر نیز نوشته اند (سند : کتاب فرزندان استر) .
فکر کنم تا همین جا کافی است . حال یا در این سال های عدیده ، مراکز مربوطه از این مسایل باخبر نبوده اند و یا می دانسته و سکوت کرده اند. آیا نباید حقایقی به این کلانی برملا شود و آیا این مسایل شوخی است ؟!
آیا روزنامه ی اطلاعات نبود که یک صفحه از مطالب خود را به این موضوع اختصاص داد که باید آقای پورپیرار را بازداشت و محاکمه کرد ؟ آیا همین روزنامه ی زباله ، حاضر است فقط یک ستون را به طور متقابل به ایشان اختصاص دهد ؟ آیا این کار ، تشویش اذهان عمومی نبود ؟! برادران مسئول چه کردند ؟ هیچ !
آیا اینها نباید حرکتی بکنند و به جای این که با لباس شخصی ، به تفرج و غور در عظمت یک بنای نیمه کاره پردازند ، با لباس رسمی در دفتر مهندس ضرغامی حاضر شوند و از او بخواهند که از نمایش ستون های تخت جمشید دست بردارد و این فیلم را نشان دهد ؟ چطور می گویند که فیلم 300 توهین به ایرانیان است و بخش هایی از آن را نشان می دهند اما حاضر نیستند همین فیلم را ، اگر توهین است به عنوان موهن و اگر حقیقت است به عنوان حق ، لااقل گوشه هایی را به قصد نقد ، نمایش دهند و کارگردان آن را برای ادای توضیحات ، پای میز محامه بکشانند یا به عنوان تشکر از کمک به انتشار حقیقت ، شایسته ی مدال بنامند حتی اگر ندهند ؟!

نویسنده: م . ستاره

چهارشنبه 11 دی1387 ساعت: 16:43

3
واقعیت این است که ما از این نظم برآمده از خون مردم و آلوده به نفوذ یهود ، ناامیدیم و دریافته ایم که باید تک به تک و نفر به نفر ، موضوع را به اطلاع مردم ایران و جهان برسانیم . آیا شرم آور نیست که ما افغان ها را تحقیر می کنیم اما همین ها بودند که فیلم را نشان دادند ؟ اگر بگویم افسوس از این صدا و سیمای متعفن و پوسیده که به جای صدای مردم گذارده اند، ناراحت خواهی شد ؟
اگر بگویم آنوسیان فراوانی در این ملک که قدرت فرهنگی و عملیاتی دارند ، مستقیما از اورشلیم خط می گیرند ، به تو بر خواهد خورد ؟ اگر بگویم دستور مقابله با داده های نو از اورشلیم می رسد رد خواهی کرد ؟
البته این جمله کاملا صحیح است که در حال حاضر ، اصل مبارزه ی واقعی و عملی با اسراییل ، نه حتی با راکت های حماس ، که در پست های فرهنگی نو درگرفته صورت می گیرد و از اینجاست که اعلام می شود آنچه تورات می نامیم و انجیل ، ورق پاره هایی نونویس اند و بی اعتبار و باورمندان به آنها ، بی دین و لامذهب ؟ این مبارزه است که پرده از اسرار پوریم برگرفته که قرن ها بر آن خاک پاشیده اند! آیا بر این اساس ، موضوع گفتگوی ادیان و تمدن ها و غیره ، دود شده و به هوا نخواهد رفت ؟! یا آنان هم مطالبی دارند و ترس از این است که VOA و بوق های دیگر ، رو کنند ؟!
و اگر بنا باشد نبردی با اسراییل صورت بگیرد ، اول قدم نمایش فیلم است و دوم دادن میکروفون به دست استاد گرامی . با IRINN و press tv و غیره که نمی شود جنگید ، اجساد لخت را نشان دادن و ترساندن بچه ها هم مبارزه است ؟ مبارزه ، شیوه دارد و تا زمانی که این مردم ، اعراب را حمله کننده و ویران گران این خاک می دانند ، دادن راکت به حماس ، همین بمباران را در پی دارد و نقشه ی راه و کمپ دیوید و گفتگوی ادیان نیویورکی و باز بمباران و ... .

نویسنده: م . ستاره

چهارشنبه 11 دی1387 ساعت: 16:44

آیا به یاد نداری که همین اسفندیار رحیم " موشایی " بود که دم از دوستی ایران و اسراییل (حالا مردم اسراییل !) زد ، همین که معاون رئیس جمهوری است که جهان بدون صهیونیست را آرزو دارد ؟ آیا همین بزرگ مرد سیاست نیست که سرمایه های ملی را دور می ریزد ؟
چه چیز مانع از بیان حقیقت است ؟

جز راست نباید گفت / هر راست نشاید گفت ؟!
پس چه چیز راباید گفت ؟ این " راست " چه مشکلی دارد ؟! کج کنیم ، خوب است ؟!
این یعنی ماست مالی و ماله کشی ! قرآن می گوید : ... کونوا قوامین بالقسط شهداء علی الله ولو علی انفسکم او الوالدین و الاقربین ... .
این جمله که از فرط روزمرگی در باب آن هیچ نمی اندشیم ، در واقع حربه ایست برای هر پنهانکاری در هر بعدی و امری .
این است که می گویم این فرهنگ را باید به دیوار کوبید .
اکنون دعوت ما به شناسایی و تلاش برای ممانعت از رشد بیش از این یهود در هر سیمایی است . راه درازی داریم تا بتوانیم یک یک ، مسلمانان را در موضع قدرت قرار دهیم اما تلاش خواهیم کرد و به مرور اسلام قرآنی ، جایگزین اسلام یهود زده کنونی خواهد شد با بعد المشرقین از بئس القرین ها ، ان شاء الله .
ما مسلمانان تازه بیدار شده ایم و باید گذشته را جبران کنیم و ناامید نباشیم :
قل یا عبادی الذین اسرفوا علی انفسهم ! لا تقنطوا من رحمت الله ... .
این را هم ختم بگیرم که آیا نمی بینی هماهنگی در سکوت را در برابر این وبلاگ از جانب :
اورشلیم در اسراییل ، مراکز فرهنگی مربوطه در ایران ، یهودیان جهان ، رسانه ها و مطبوعات ؛
و در برابر ، هماهنگی در انواع فحاشی ها و توهین ها ؟
لقد جئناکم بالحق
ولکن اکثرکم للحق کارهون !
البته تو خیلی هنرمند و توانا هستی و من ایمان دارم می توانی ip یکی از این فحاشان و مخالفان را رونمایی کنی و هم ویرگول یا نیروهای خودی را .
و اذا انعمنا علی الانسان اعرض و نای بجانبه !!
و اذا مسه الشر فذو دعاء عریض !!

والسلام

نویسنده: حسین محمدی

چهارشنبه 11 دی1387 ساعت: 21:31

این روزها خیانت چند حاکم عربی سوژه و بهانه ی جدیدی برای حمله به اعراب شده است . انگار نه انگار که قبل از هر چیز , افتخار مقاومت در عراق و فلسطین و لبنان متعلق به جوانان مسلمان عربی است که از جان مایه گذاشته اند و در حال رقم زدن تاریخی هستند که دیگر در آینده کسی یادی از خیانت مشتی اندک مزدور نکند . اعراب 60 سال است در حال جنگ با اسرائیل هستند . دیروز حکومتها می جنگیدند و امروز مردم همان سرزمینها و به نام مقاومت می جنگند .... اگر این رییس جمهور و یا آن حاکم عرب مزدوری اسراییل را می کنند، و ملت عرب آن ها را نجاست می خواند، پس اعراب خائن اند؟!!! آیا در این سرزمین و در رده های مدیریت مزدور یهود نداریم؟!!!

نویسنده: اترش

چهارشنبه 11 دی1387 ساعت: 21:31

سلام جناب عابدی
ممنون می شوم مطالب سایت ناریا را برای من هم بفرستید
tizab@ymail.com

نویسنده: محسنی

چهارشنبه 11 دی1387 ساعت: 21:48

فقط بگم آقای ستاره حدس قریب به یقین من این است که دوستمان 123 همان آقای توحید است و تقریبا میتونم بقیه را هم با حدس قریب به یقین تشخیص بدم ولی ترجیح دادم خطابم را به طرف بگیرم چون آن چند نفر همه بر یک موضع بودند.
از استاد هم ممنونم که مثل همیشه راهنمای ما بودند. یا حق

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 12 دی1387 ساعت: 0:27

آقای اترش. پاسخ ای مبل تان را فرستاده ام.

آقای بی نام. اطاعت می شود و اگر دشوار نیست فهرست کتاب های مورد نیاز را نیز در پیام خصوصی بفرستید.

آقای D. پیام کوتاه بسیار پر باری بود اما آن را خصوصی فرض کرم.

آقای مارلیک. اگر این نخستین تمرین شماست بسیار خوب از عهده برآمده اید و نگاه تان کاملا متعهد و هنرمندانه بود اما ندانستم چرا آن را خصوصی فرستاده اید.

آقای سجاد. تاکنون سه ای میل برای تان فرستاده ام اگر نرسیده پس آدرس تازه و آن هم از طریق یاهو بفرستید.

فریبا خانم. به آن آدرس سر زدم بسیار قابل استفاده بود. ممنونم که به یاد بودید. باز هم از این عنایت ها ابراز کنید. به حقیقت که فرصت جست و جو و بهره بردن از این گونه نوشته ها را ندارم و مغبون می شوم.

آقای سئوال. این آسمان و ریسمان ها پاسخ نیست. به او یک مستند تختگاه هیچ کس برسانید اندازه ی نادانی اش به سهولت قابل سنجش می شود.

آقا و یا خانم دوست. آن شخص که نمی تواند با چشمان خودش در برخورد با مستند تختگاه هیچ کس تعیین تکلیف کند، چه گونه به حقانیت دین زردشت پی برده است!!؟

نویسنده: عابدی

پنجشنبه 12 دی1387 ساعت: 1:30

با سلام

خسته نباشید

فایل های News_505 به اشتباه در آرشیو 1387 با عنوان دیگری ذخیره شده است.

دوستان لطف کنند از این آدرس زحمت دانلود نوشته ی 505 را خودشان بکشند.

http://www.naria.ir/view/14.aspx?id=505

موفق باشید.

نویسنده: فریبرز

پنجشنبه 12 دی1387 ساعت: 1:34

سلام استاد، یه سوال داشتم، شما جایی نوشتین، از اونجایی که بنی اسرائیل در مصر تحت فشار و آزار بودن معلوم میشه که بومیه اونجا نبودن، آیا شواهدی هست که نشون بده سرزمین اولیه-ی اونا کجا بوده؟ خود شما مسقط الراس اونا رو کجا می دونین؟

نویسنده: یه نفر

چهارشنبه 11 دی1387 ساعت: 22:10

من خیلی خوشحال بودم ! من و نامزدم قرار ازدواجمون رو گذاشته بودیم والدینم خیلی کمکم کردند
دوستانم خیلی تشویقم کردند و نامزدم هم دختر فوق العاده ای بود...

فقط یه چیز من رو یه کم نگران می کرد و اون هم خواهر نامزدم بود...!

اون دختر باحال ، زیبا و جذابی بود که گاهی اوقات بی پروا با من شوخی های ناجوری می کرد

و باعث می شد که من احساس راحتی نداشته باشم...

یه روز خواهر نامزدم با من تماس گرفت و از من خواست که برم خونه شون برای انتخاب مدعوین عروسی !

سوار ماشینم شدم و وقتی رفتم اونجا اون تنها بود و بلافاصله رک و راست به من گفت :

اگه همین الان ۵۰۰ دلار به من بدی بعدش حاضرم با تو ....!

من شوکه شده بودم و نمی تونستم حرف بزنم...

اون گفت: من میرم توی اتاق خواب و اگه تو مایل به این کار هستی بیا پیشم...

وقتی که داشت از پله ها بالا می رفت من بهش خیره شده بودم

و بعد از رفتنش چند دقیقه ایستادم و بعد به طرف در ساختمون برگشتم و از خونه خارج شدم...!

یهو با چهره نامزدم و چشمهای اشک آلود پدر نامزدم مواجه شدم!!!

پدر نامزدم من رو در آغوش گرفت و گفت: تو از امتحان ما موفق بیرون اومدی...!

ما خیلی خوشحالیم که چنین دامادی داریم و هیچکس بهتر از تو نمی تونستیم برای دخترمون پیدا کنیم

به خانوادهء ما خوش اومدی !!!

نتیجه اخلاقی: همیشه کیف پولتون رو توی داشبورد ماشینتون بذارید !!!

نویسنده: مارلیک

پنجشنبه 12 دی1387 ساعت: 2:12

سلام علیکم
استاد ما با مطالعه هر یک از مطالبتون بیشتر آگاه و تیزتر می شیم و می فهمین دوروبرمون چه خبره
تو شبکه 3 در مورد آخوند فرستادن به اینور اونور صحبت می کردن خلاصه گفتن که یه آخوندی خودش به یکی از مناطق بسیار محروم ایران (نگفتند کجا) رفته بود و دیده بود که اینا چند تا روستا هستن که تا به حال روحانی نداشتن و اصلا عزاداری برای امام اینا نمی دونن چیه این آخونده هم کلی زحمت کشیده بود و واسه اونا هیئت های عزاداری و مراسم سینه زنی تشکیل داده بود و چیزای جدید یادشون داده بود بعد یه سری آخوند رفته بودن پیشش دیدند ای به به چقدر کار کرده و بهش گفتند که چرا اینا رو گزارش نمی کنی واسه تو امتیازه ولی اون گفته بود که نه می ترسم ریا بشه!!!؟
الله اکبر

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 12 دی1387 ساعت: 5:50

آقای عابدی. خسته نباشید. کار سنگین و بسیار لازمی انجام داده اید که از این مرتب تر و به درد بخورتر نمی شود. بسیار ممنونم.

آقای مارلیک. این ها فقط چند تا را پیدا کرده اند و البته باز هم یافت می شود. این مطالب نشان می دهد که این گونه معلومات را به دین ضمیمه کرده اند. زیرا همان مردم که عاشورا را نمی شناسند نماز و روزه شان ترک نمی شود و خدا ترس و بی آزارند.

آقای فریبرز. اگر به هدایت تورات حرکت کنید در همه جای بین النهرین بوده اند تا امروز بتوانند با احساس کسی که مال خود را می سوزاند، غزه را به آتش بکشند، و از آن که قرآن به تعلق اصلی این قوم اشاره ای ندارد، برای آن ها نمی توان مسقط الراسی تعیین کرد. کینه ی یهود به اقوام و ملل دیگر عمدتا از بابت همین نداشتن سرزمین اجدادی است که موجب شده همه جا و همه وقت آن ها را یهودی سرگردان بخوانند. آن ها احتمالا اهمیت این مجازات الهی را درک نمی کنند. به گمان من وضعیت فعلی یهودیان کمک خواهد کرد که در آینده آسان تر از رپرتوار ملل روی زمین خارج شوند.

نویسنده: sadegh

پنجشنبه 12 دی1387 ساعت: 8:50

با سلام خدمت استاد گرامی و دیگر دوستان

جناب آقای اتفاق گرامی با شیوایی وبلاغت تمام حق مطلب را ادا کردید . بنده نیز با فرمایشات حضرتعالی کاملا موافقم به جز آن مورد آخر که فرموده بودید: ((به نظر می رسد خود فلسطینیان نیز در بلایائی که بر آنها می بارد تا حدودی مقصرند !
آیا تجربهٔ 60 سال نبرد با سنگ نباید به آدمی بیاموزد که این روش ستیز ، جز برای نشان دادن روحیهٔ مقاومت کاربردی ندارد

?! آیا نباید فلسطینیان تکانی به خود دهند و با تغییر در استراتژی هایشان ، برنامهٔ بلندمدت تری برای بیرون ریختن اسرائیل طرح کنند ؟! آیا اصلاح روش های نظامی و مجهز شدن به سلاح روز ، نباید در دستور کار قرار بگیرد ؟!)) جناب اتفاق در خط سیر مبارزات ملت فلسطین ظاهرا چند نکته را فراموش کرده اید که : 1- فلسطینیان نه تنها روش های نظامی جدید را به کار میبرند بلکه آنها موثرترین کاری ترین و قوی ترین بمب روی زمین را به نام استشهادیون (عملیات شهادت طلبانه) اختراع کرده اند این بمب هوشمند قادر است محل انفجار را خود انتخاب کند
و در لحظه ی مناسب دشمنان متجاوز را به درک واصل کند . آیا فراموش نموده اید که آلت جنگ آمریکا و غرب برای تمامی سلاحها آنتی سلاح اختراع کرده الا این سلاح ویران کننده ؟ آیا میدانید قسمت اعظم خواری و شکست آمریکا و اسرائیل همین یگانه سلاح است؟ میزان ترس و هراس سربازان اشغالگر را متصور هستید یا خیر ؟ در هنگام عبور از مناطق شلوغ دست پاچه و مظطرب اند از نزدیک شدن هر جنبده ایی هراس دارند و هر لحظه منتظرنند که انفجاری قطعه ایی از بدنشان را به سمتی پرتاب کند .
بله این سلاح ایمانی هیچ جلوداری ندارد

نویسنده: sadegh 2

پنجشنبه 12 دی1387 ساعت: 8:58

2- حضرتعالی مستحضرید که اینک دنیا، دنیای رسانه هاست هر کس که بر رسانه ها حاکم با شد جهان نیز در دستانش خواهد بود پس دوست و دشمن می کوشند وجه ی خویش را در رسانه مطلوب یا مظلوم نشان داده تا عواطف ، احساسات و افکار عمومی مردم را به نفع خویش برانگیزند . در مورد فلسطین نیز وضعیت اینگونه است شاید شما دست به سنگ شدن کودکان فلسطینی را عبث ، کلاسیک و قدیمی بدانید اما آن تصویر کودک فلسطینی (فارس عوده) که یک تنه و تنها با مشتی سنگ به سمت تانک اسرائیلی یورش برده و تانک ضد گلوله را به عقب نشینی مجبور میکند هرگز فراموش نمی شود هر چند که شلیک ناجوانمردانه گلوله ایی سینه کودک را شکافته واو را به شهادت رساند تا که جبن و نامردی یهود بر جعبه ی جادویی و شبکه های ماهوارهایی به تصویر کشیده شود تصویری که مردم غرب را قبل از مسلمانان متاثر نموده و به واسطه این تصاویر و رشادت ها و مجاهدتها ی این کودکان جهانیان با چهره ی بی نقاب قاتلان یهودی آشنا شده و دولتهایشان را برای کمک به فلسطینیان تحت فشار قرار دادند .

نویسنده: sadegh 3

پنجشنبه 12 دی1387 ساعت: 9:7

3- شما مستحضرید که مقاومت ملت فلسطین را با هیچ مقاومت دیگری نمیتوان مقایسه کرد چرا که1- این مقاومت نه تنها اززمین و دریا و هوا محاصره بلکه در بین دریایی از دشمنان و مخالفان محصوراست . 2-تمام خطوط امداد لجستیکی قطع و از کمک رسانی ساده انسانی نیز محروم است در حقیقت هیچ کشوری در همسایگی فلسطین نیست که سلاح و مهمات مورد نیاز را تامین کند(مانند مقاومت های ویتنام ،الجزایر ، وافغانستان که به ترتیب از طرف شوروی ، کشور های عربی و پاکستان مورد حمایت مستقیم و لجستیکی بودند) مقاومتی که تنها بر خود ، مردم ، ایمان مبارزانش و البته امدادغیبی اعتماد دارد ، 3-هیچ گونه عوارض یا پوشش طبیعی مناسب که مبارزان فلسطینی را مستتر کند وجود ندارد(مانند ویتنام – افغانستان – کوبا) شما با نمونه و الگویی یگانه در تاریخ مقاومت مواجه هستید اما همه اینها عزم مبارزان فلسطینی را سست نکرده بلکه روشهایی بدیع و نوین ابداع کرده اند ایشان توانستند باحفر تونلهایی از غزه به درون مصربخشی از مایحتاج خویش را تامین کنند اما مهم تر از آن و در جهشی خارق العاده مردان مومن مقاومت فلسطین توانستد موشک های دست سازی تولید کنند و جواب موشک را با موشک بدهند هر چند که ازقدرت تخریب زیادی برخوردار نباشند اما یهویان را به وحشت انداخته و این حمله اخیر اسرائیلی های برای متوقف نمودن پرتاب این موشک ها ست . در آخر برای مبارزه با آلت جنگ پیشرفته اسرائیل استراتژی جنگ کلاسیک بیهوده بلکه نبرد پارتیزانی و چریکی موثرترین و کاری ترین روش می باشد

نویسنده: حسین محمدی

پنجشنبه 12 دی1387 ساعت: 9:36

http://www1.farsnews.com/newstext.php?nn=8710110920
http://www.presstvbeirut.com/pages/?cid=6710
http://www1.farsnews.com/newstext.php?nn=8710112045
http://www.presstvbeirut.com/pages/?cid=6693

نویسنده: رضا

پنجشنبه 12 دی1387 ساعت: 9:37

دفاع از مردم مظلوم غزه به روش قمی !!
http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=809053

نویسنده: kaveh

پنجشنبه 12 دی1387 ساعت: 11:16

سلام.خوبيد اقاي پورپيرار؟جمعه هفته پيش رفته بودم تخت جمشيد.جاي شما خالي بود گر چه مهمان حراست هم شدم اما مهم نيست .هم تونستم سي دي رو بدم به يك خانواده ي ديگه هم اينكه كلي با يه عده از افراد اونجا نواقص رو بررسي كرديم.اما يه چيزي رو كاملا جدي ميخوام بگم اونم اينكه من كه قبلا تور گايد بودم و تور هارو ميبردم هيچ وقت اينهمه فضاي امنيتي اونجا نديده بودم به طوري كه به شما حتي اجازه نميدن به سنگ ها از نزديك هم نگاه كنين.آقاي پورپيرار مطمئن باشين تا عيدبه بهانه ي بازسازي و مرمت تعطيلش ميكنن خيلي از نواقص مشهودش رو درست كنن.خنده ام ميگيره كه به چه دردسري افتادن!!

نویسنده: اتفاق

پنجشنبه 12 دی1387 ساعت: 14:13

آقای sadegh
سلام و رحمت خدا بر شما
چیزهائی در مورد فلسطین در مغزم خلجان دارد که شمه ای از آنرا در کامنت ها گذاشته ام و اگر بر تردید شخصی کنونی ام فائق آمدم ، مفصل آنرا در وبلاگی نصب خواهم کرد .
مختصر اینکه اگر آن یادداشت را نصب کردم ، با نقشه های متعدد نشان خواهم داد که اسرائیل چگونه مانند سرطان طی 60 سال اخیر فلسطین را بلعیده و هرچند ایمان قلبی دارم که فلسطینیان پیروزند و هرچند ایمان قلبی دارم تمام شهرک های صهیونیست نشین و خانه های ویلائی و آپارتمانی ای که یهودیان با خون دل ساختند ، میراث فلسطینیان آواره خواهد شد ، اما به استناد آن متن و آن نقشه ها نشان خواهم داد با دشمنی قسی و تا دندان مسلح و مورد حمایت شرق و غرب ، باید به شکل دیگری سلوک کرد . این دشمن تنها حرف زور می فهمد و بس . هیچ کنفرانسی او را سر جایش نخواهند نشاند و از اینکه یهودیان اصولا مردمان بزدلی هستند ، اگر با تدابیری بر حجیم تر کردن مشت زور پافشاری شود ، به گمانم فلسطین زودتر آزاد خواهد شد . جان سخن من همین است . من نه تنها منکر جنگ های پارتیزانی نیستم که آنرا یگانه شیوۀ نبرد مؤثر در فلسطین می دانم ، اما در عین حال ارزش نیروهای انسانی کارآمد را بالاتر از آن می دانم که بخواهیم در عملیات های شهادت طلبانه آنها را تنها برای زخمی کردن یکی دو صهیونیست از دست بدهیم . لذا سخن من حول اصل مبارزه و وجوب آن نیست که حول استراتژی های مبارزه می گردد . در آخر گمان نمی کنم آن موشک هائی نیز که شما دست ساز نامیده بودیدشان ، بی کمک دیگر ممالک اسلامی ساخته شده باشد ؛ آخر موشک تکنولوژی ویژه ای دارد که از زیر بوته عمل نخواهد آمد ؛ ضمن اینکه اگر چنین کمکی هم به حماس از جانب ملل اسلامی شده باشد ، نه تنها جای شماتتی برای حماس نیست که دولت های امداد رسان نیز به حداقل وظیفۀ خود عمل کرده اند .

وب سایت

نویسنده: عابدی

پنجشنبه 12 دی1387 ساعت: 15:27

با سلام

استاد خواهش می کنم، وظیفه ام را انجام دادم.

آقای اترش و سایر دوستان فایل ها در سایت ناریا نصب شدند، می توانید از سایت دانلود کنید.

سری مقالات ایران شناسی بدون دروغ و فایل های دیگر نیز ان شاء الله در سایت نصب خواهند شد.

در پناه حق باشید.

نویسنده: فتح

پنجشنبه 12 دی1387 ساعت: 16:27

رسوایی برای نویسنده داستان عاشقانه هولوکاست

http://www.radiofarda.com/Article/2008/12/31/F7_Herman_Rosenblat_scandal_book.html

نویسنده: سئوال

پنجشنبه 12 دی1387 ساعت: 16:36

با سلام خدمت استاد محترم
در مورد معماری اسلامی که فرموده بودید می توان نمونه های آن را در کجا یافت؟
آیا این معماری از تفکرات اسلامینشات گرفته است و مختص مسلمانان می باشد یا توسط مسلمانان بر اساس تفکری که داشتند معماری های پیش از خود را تغییر داده و به اوج رساندند؟!
با تشکر

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 12 دی1387 ساعت: 17:1

آقای ابراهیمی. آن بحث تنها با یک آیه از سوره ی "لیل" به پاسخ می رسد: و ما خلق الذکر و الانثی...

آقای سئوال. کتابی است به نام هنر عرب، اگر به دنبال شناخت یگانگی و استقلال هنر اسلامی باشید، باید آن کتاب را ببینید که تنها عیب اش قیمت صد هزار تومانی آن است.

آقای اتفاق و آقای sadegh. مجموعه ی مبارزاتی که در 60 سال گذشته علیه اسرائیل صورت گرفته، هرگز نتیجه ای را به بار نیاورده است که باز بیان ماجرای پوریم از روزگار کهن و علنی کردن دخالت های جاعلانه و خیانت های یهود در فرهنگ عمومی و معاصر انسان، با یکی دو سال کار آگاهانه و پی گیر بین المللی به دست خواهد آورد. زیرا این نبرد فرهنگی سراپای اندیشمندی موجود را می پوشاند، به صحنه می کشاند و مبارزه را از اسرائیل، متوجه ویرانگری های همه جانبه ی قوم یهود خواهد کرد. چنین مبارزه ای از سوی دیگر به طور عام پرده از رخسار کریه دانشگاه های همدست کنیسه و کلیسا نیز برخواهد داشت. آن ها که با تمام توان در برابر نو یافته های تاریخی در مجموعه ی تاملی در بنیان تاریخ ایستاده اند، به خوبی از اهمیت عریان شدن این پاشنه آشیل فرهنگی اسراییل آگاهند.

آقای kaveh. از مصر حسنی مبارک تا تخت جمشید قلابی همه جا نوکران اورشلیم صف کشیده اند. باید حرارت این مبارزه ی فرهنگی را بالاتر بریم.

آقای حسین محمدی. لینک های بسیار ارزشمندی بود و نمای دیگری از ماجرا را نشان می داد. ممنون.

آقای فتح. لینک بسیار با ارزشی که ارسال کرده بودید در زمره ی همان مبارزات فرهنگی است که در سطح جهان آبروی یهودیان را می ریزد و از هزار ساعت نطق های آبکی مرسوم علیه هولوکاست موثرتر است.

آقای رضا. ظاهرا کارهای قمی ها همیشه از نوع اولین هاست. گروه ما که در بهمن ماه سال 1342 به قله ی دماوند رسید، هنوز سومین گروه بود و از آن زمان تاکنون لااقل یکصد صعود زمستانی دیگر انجام شده است.

آقای رها. شبات که به کنیسه رفتی این حرف ها را برای خاخام و همکیشان ات بگو، موجب قوت قلب لرزان تان خواهد شد. در این جا هم مانند فلسطین کسی از این بلوف ها جا نمی زند.

نویسنده: هومن

پنجشنبه 12 دی1387 ساعت: 20:10

با سلام
حصارهای دروغ فرو می ریزند:

بخشی از دیوار چین ویران شد

ایسکانیوز: بخش بزرگی از دیوار چین که در مرز مشترک با مغولستان بنا شده بود، ویران شد.(که به احتمال زیاد هیچ وقت وجود نداشته)

به گزارش موسسه باستان‌شناسی و میراث فرهنگی چین اعلام کرد: این بخش در زمان سلسله امپراتوری «مینگ» در شمال این کشور بنا شده بود.

عکس‌های ماهواره‌ای به دست آمده از وضعیت دیوار بزرگ چین نشان داد نزدیک به یک پنجم مساحت آن در خطر نابودی کامل قرار دارد.

به گفته کارشناسان، طی چند قرن گذشته دیوار تاریخی شاهد خسارت های طبیعی زیادی بوده که این مساله به تدریج باعث از بین رفتن آن شده است.

مقام های دولت چین اوایل سال گذشته 100 میلیون یوان برای بازسازی این بنا اختصاص دادند اما تا کنون هیچ پیشرفتی در ترمیم آن صورت نگرفته است.

دیوار بزرگ باستانی در طول حکومت پنج سلسله پادشاهی در چین ساخته شد.

این دیوار 1987 میلادی از سوی سازمان یونسکو، جزو آثار باستانی برتر دنیا قرار گرفت.

دیوار چین تنها ساخته بشر است که اگر از جو زمین خارج شویم، می توانیم آنرا ببینیم.

نویسنده: حسین محمدی

پنجشنبه 12 دی1387 ساعت: 20:14

http://www.jahannews.com/fa/pages/?cid=38738
http://www.qodsna.com/NewsContent-id_16260.aspx
http://palestine-persian.info/fa/default.aspx?xyz=U6Qq7k%2bcOd87MDI46m9rUxJEpMO%2bi1s7V4ukKuSmek9gX0Po3zhCYJ3Bn1EPpOfr%2b7pGH4mYyt%2brSlGEJuMoSQtyzpfPLeEoCk1uXod0AFUeXtJUajyHsKjwtYJ8yGjv1RpUpq9Wk5c%3d

نویسنده: حسین محمدی

پنجشنبه 12 دی1387 ساعت: 20:15

http://www.kayhannews.ir/Detail.aspx?cid=3748

۱ ۲ ۳ ۴ >>

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ، 192، دیدار از اندونزی، 15 - 156 نظر

نویسنده: دادا

پنجشنبه 12 دی1387 ساعت: 20:28

سلام استاد!

استاد الان فرصت مرور متن را کردم, فقط گریه ام گرفت, چقدر بی تفاوتیم و همه فکرمان دنبال مشکلات خودمان است.
اتفاقاتی که در جهان اسلام می افتد فاجعه است که اگر پی آمد آن را هر کداممان درک کنیم, از فرط فشار حتما گریه امان می گیرد.
استاد دستتان را می بوسم, خسته نباشد.

رخصت استاد!

نویسنده: !!

پنجشنبه 12 دی1387 ساعت: 22:37

http://www.boston.com/bigpicture/2008/12/2008_in_photographs_part_2_of.html
http://www.boston.com/bigpicture/2008/12/the_year_2008_in_photographs_p.html
عکس های جالبی توشه!!مخصوصا اولین عکس در لینک اول!!یعنی کار فتوشاپه!!<<

نویسنده: !!؟؟

پنجشنبه 12 دی1387 ساعت: 21:45

چرا عکس اول ساختگیه؟

نویسنده: یه نفر

پنجشنبه 12 دی1387 ساعت: 22:3

برای رفع سرگرمی
عاقبت کار فراوان با کامپیوتر قابل توجه استاد و دوستان

http://pix2pix.org/my_unzip/1219407431_daily15.jpg

نویسنده: رضا

جمعه 13 دی1387 ساعت: 7:14

با سلام استاد.این لینک را ببینید.
دقیقه 5 به بعد صحبتها جالب میشود.من مطمئنم که اینها همه از برکت نو یافته ها و روشنگری های شماست.شنیدن چنین صحبتهایی تا چند سال پیش امری نزدیک به محال بود.درورد بر شما و زنده باد حق

ویدئو: در یک برنامه تلویزیون صورت گرفت- حمایت از عمل انتحاری، زیر سوال بردن دمکراسی در آمریکا و تبلیغ تلویزیون

جمهوری اسلامی توسط مجتبی آقا محمدی، یک محقق ایرانی تابعه آمریکا

http://ca.youtube.com/watch?v=XsXGT1zFIGo

وب سایت

نویسنده: لادن

سه شنبه 17 دی1387 ساعت: 12:53

با سلام :
مطالبتان عالی است
من را هم یکی از شاگردان کوچک خود بدانید

وب سایت

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 193

ایران شناسی بدون دروغ، 193، مقدماتی بر نتیجه، 1، بازبینی مجدد بررسی های پیشین - 103 نظر

نویسنده: روشن

جمعه 13 دی1387 ساعت: 8:59

با سلام و خسته نباشید ضمن ارزوی سلامتی و طول عمر برای ان استاد گرامی بیصبرانه منتظر مطالب جدید و افشاگر هستیم

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

جمعه 13 دی1387 ساعت: 10:24

با سلام.

<<<وبلاگ دروغ بزرگ در خدمت جویندگان حقیقت.>>>

بررسی پاشنه گردان های تخت جمشید

www.bigfalse.blogfa.com

وب سایت

نویسنده: ارکین قشقایی

جمعه 13 دی1387 ساعت: 11:48

با سلام و خدا قوت خدمت استاد عزیز
تصویری که در این پست نصب شده است ، دیده نمی شود.

وب سایت

نویسنده: حسین محمدی

جمعه 13 دی1387 ساعت: 12:38

با سلام و احترام به استاد بزرگ جناب آقای پورپیرار ... 193 یادداشت طوفانی را تاکنون نگاشته اید ....واقعا" خسته نباشید ...می توان با قاطعیت گفت که شعور تاریخی به قبل و بعد از این سلسله کتابها و یادداشت های شما تقسیم می شود... یا حق

نویسنده: حسین محمدی

جمعه 13 دی1387 ساعت: 12:40

جهت اطلاع (مرور مواضع پیشین) :

جهت اطلاع :

1- ایرانیان سال هاست که احساسشان این است که ما بي خودي پول خودمان را در فلسطین هزینه مي کنیم. اصلاایرانیان با اعراب بیشتر از بقیه مشکل دارند. (سید حسین مرعشي سخنگوي کارگزاران - روزنامه اعتماد ملي > شماره 570)

86/11/8

2- به گزارش رجانيوز، صادق خرازي گفته است: در سال 2003 ديوار بي اعتمادي بلندي ميان ايران و آمريكا وجود داشت و هر لحظه ممكن بود آمريكا به ما حمله كند(!)، به همين خاطر به پيشنهاد من دولت هشتم نامه اي به آمريكا نوشت و همراهي اش با برخي سياست هاي خاورميانه اي آمريكا مثل سازش در فلسطين و لزوم تبديل حزب الله لبنان به يك حزب سياسي و شفاف سازي فعاليت هاي هسته اي ايران را اعلام كرد . (1385/12/1)
(http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=12170)

3- اسفنديار رحيم‌مشايی : براي هزارمين بار و قوي‌تر از گذشته اعلام مي‌كنم كه ما با همه مردم دنيا دوست هستيم حتي مردم آمريكا و اسرائيل... بنده به حرف‌هايم افتخار مي‌كنم و آن‌ها را اصلاح نمي‌كنم (خبرگزاری فارس 87/5/20)

نویسنده: حسین محمدی

جمعه 13 دی1387 ساعت: 12:41

4- علي‌اكبر محتشمي‌پور: در خصوص اظهارات مطرح شده درباره دوستي مردم ايران و اسرائيل در سالگرد به آتش كشيدن مسجد الاقصي بايد گفت براي آزادي فلسطين و رهايي قدس شريف نمي‌توان اميدي به دولت‌ها بست.... كسي در دنياي اسلام و در جهان، انتظار چنين موضع گيري را در جمهوري اسلامي ايران نداشت. اصلا در كشورهاي اسلامي كسي جرات نمي‌كند چنين حرفي بزند و ادعاي دوستي با ملتي كه غاصب است و حقوق فلسطين را پايمال كرده است، بكند... توقع اين بود كه بلافاصله با گوينده چنين سخناني در سالگرد به آتش كشيدن مسجد الاقصي برخورد صورت مي‌گرفت اما نگه داشتن او بر سر پستش به معناي تائيد مواضع وي است... اين اظهارات نظر يك شخص نيست و مسئله پيچيده و عميق‌تر از اظهار نظر يك شخص به عنوان يك مقام دولتي است... ما امروز نبايد به سادگي از كنار اين اظهارات بگذريم. ممكن است با واسطه‌هاي مختلف يك نفر در درون نظام ما فريب بخورد و حركت نظام را به سمت مشروعيت بخشيدن به يك كيان ظالمانه و اشغالگر رژيم صهيونيستي هدايت كند. (خبرگزاری فارس 87/5/29)

نویسنده: ا

جمعه 13 دی1387 ساعت: 10:7

کشیشی یک پسر نوجوان داشت و کم‌کم وقتش رسیده بود که فکری در مورد شغل آینده‌اش بکند. پدرش تصمیم گرفت آزمایشی برای او ترتیب دهد. به اتاق پسرش رفت و سه چیز را روی میز او قرار داد: یک کتاب مقدس، یک سکه طلا و یک بطری مشروب.
کشیش پیش خود گفت: «من پشت در پنهان می‌شوم تا پسرم از مدرسه برگردد و به اتاقش بیاید. آنگاه خواهم دید کدامیک از این سه چیز را از روی میز بر می‌دارد.»
اگر کتاب مقدس را بردارد معنیش این است که مثل خودم کشیش خواهد شد که این خیلی عالیست.
اگر سکه را بردارد یعنی دنبال کسب و کار خواهد رفت که آنهم بد نیست.
امّا اگر بطری مشروب را بردارد یعنی آدم دائم‌الخمر و به درد نخوری خواهد شد که جای شرمساری دارد.
مدتی نگذشت که پسر از مدرسه بازگشت. در خانه را باز کرد و در حالی که سوت می‌زد کاپشن و کفشش را به گوشه‌ای پرت کرد و یک راست راهی اتاقش شد. کیفش را روی تخت انداخت و در حالی که می‌خواست از اتاق خارج شود چشمش به اشیاء روی میز افتاد. با کنجکاوی به میز نزدیک شد و آن‌ها را از نظر گذراند.
کاری که نهایتاً کرد این بود که کتاب مقدس را برداشت و آن را زیر بغل زد. سکه طلا را توی جیبش انداخت و در بطری مشروب را باز کرد و یک جرعه بزرگ از آن خورد ...
کشیش که از پشت در ناظر این ماجرا بود زیر لب گفت: «خدای من! چه فاجعه بزرگی! پسرم سیاستمدار خواهد شد!»

نویسنده: رضا

جمعه 13 دی1387 ساعت: 13:52

حجت الاسلام مهدی دانشمند (آنوسی زاده): " اقلیت سنی ایرانی برای بچه دار شدن از عربستان جایزه می گیرد ! "

مبلغان مذهبی ضمن روضه خوانی به ایفای نقش پرداخته و تلاش می کنند جو متشنج موجود علیه اقلیتها را دامن بزنند . به خطابه حجت الاسلام مهدی دانشمند که به علت وعظ در رادیو تلویزیون دولتی نزد مردم شناخته شده است توجه کنید

وب سایت

نویسنده: حسینی

جمعه 13 دی1387 ساعت: 16:36

خسته نباشید

نویسنده: مسعود

جمعه 13 دی1387 ساعت: 22:52

یا الله و خسته نباشید استاد محترم.

آقای دهقانی (از شیراز) .پیشنهاد میکنم نام وبلاگتان را از bigfalse به biglie تغییر دهید که از نظر لغوی به مفهوم فارسی "دروغ بزرگ" نزدیکتر است.

نویسنده: علیرضا

جمعه 13 دی1387 ساعت: 23:28

آقای پورپیرار کشورهای عربی عدم حمایت خودشون از حماس و مردم غزه رو سیاستهای ایران در منطقه میدونند.
کشورهای عرب بیان میکنند که مردم غزه به خاطر سیاستهای غلط ایران دارند کشته میشند.
تو بعضی سایتهای عربی مینویسند, ایران از حماس به خاطر حفظ حکومت خودش و بسط بساط شیعه و اتحاد ملی خودش داره این کارها رو انجام میده.
آیا کسی میتونه بگه چه کسی داره راست میگه؟

نویسنده: علیرضا 2

جمعه 13 دی1387 ساعت: 23:35

برای مثال این صفحه رو ببینید:
http://www.presstvbeirut.com/pages/?cid=6718

داره یک صف بندی از طرف کشورهای عربی در مقابل ایران صورت یگیره
و این میتونه خیلی خطرناک باشه

نویسنده: علیرضا

شنبه 14 دی1387 ساعت: 0:15

این مطلب به نظرتون چقدر میتونه درست باشه؟

nid=haupt&http://iranglobal.info/I-G.php?mid=2-48649

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 14 دی1387 ساعت: 1:28

آقای علیرضا. تمام آن نوشته و دیگر ضمایم آن یک یاوه بافی فاقد مستندات برای تطهیر دست خونین یهودیان بود و بس. مهمل بافی ابوالغیظ از اظهار نظرش هویدا بود که : «چیزی به نام مقاومت در منطقه وجود ندارد»!!!

آقای مارلیک. استحکام و تاثیر گذاری نسبی آن داستان از جمله به خاطر پایان غیر سینمایی آن بود.

آقای جلال. هیچ نوع آرشیوی از این سخنرانی ها جمع نمی کنم، اما اگر کامنت تان را عمومی کنید شاید دوستانی فراهم داشته باشند.

نویسنده: sadegh

شنبه 14 دی1387 ساعت: 3:40

با سلام خدمت استاد گرامی و دیگر وستان

آقای محسنی امیدوارم خوب و خوش وخرم باشید در خصوص کامنت اخیرحضرتعالی لازم دیدم مواردی را ذکر کنم :
1- ظاهرا بنده را با آقایان ویرگول و 123 اشتباه گرفته و در حقیقت یکی می دانید زیرا که هر سه مواضعی مشابه داشته وعرضه کرده ایم این امر چندان برایم مهم نیست اما برای رفع این شبهه واطلاع حضرتعالی و دیگر دوستان عرض میکنم که

کاملا در اشتباه اید . این موارد دیگر تکراری و عادی شده اند که هر مدت افرادی متهم به این موارد میشوند یکی از این موارد اگر اشتباه نکنم حامد نامی بود که در آخر با رمالی و علم غیب و کمی تکنولوژی و شارلاتان بازی به این نتیجه رسیده بود که استاد پور پیرار با آقایان جینگول، علی، عارف گلسرخی، ساسان و خلاصه تمامی پیغام گزاران و وبلاگ نویسان یکی هستند و در حقیقت حتی سایه خودش را در هیاءت استاد میدیدند .

نویسنده: sadegh

شنبه 14 دی1387 ساعت: 3:41

2- از این دو جمله حضرتعالی نیز : ((مثل اینکه بعضیها از نظرات آقای صمیمی بدجوری عصبانی شدند و از حول حلیم افتادن تو دیگ! - اینو خودتو و بقیه کاسه های داغتر از آش هم می دنند.)) به سادگی می گذرم که اقتضای این ایام است .اما گویا درون مجالس زیادی خوش گذشته و نذر و نذورات و حلیم و آش و شله زرد تمام فکر وخیال شما را تحت شعاع قرار داده است !
2- از خشم بر نظر آقای صمیمی ، اجحاف و مقایسیه ایشان با عوامل معاند نارِیا 2 گفتید . بنده هیچ بی احترامی به جناب صمیمی گرامی ننموده ام و برای ایشان ارادت و احترام خاصی قائلم زیرا که پیغام ها و نوشته های ایشان دال بر هویت بنیان اندیشانه داشته و معرف ایشان به عنوان یکی از فعالان حق وصبر است . اما این دلیل نمشود که با ایشان یا دیگر دوستان تبادل نظر ، محاوره و احیانا اختلاف نظر نداشته باشیم .
بنده نیز تنها چند سوال ساده را مطرح کردم چون که موضوع را خود ایشان طرح کرده بودند پس لاجرم ایشان را مورد خطاب قرار دادم اما در حقیقت مخاطب اصلی عام بود و چه بسا ایشان با پاره ای از این مطالب موافق باشند

3- در مورد آقای خامنه ای نیز بنده هیچ اشاره ایی به ایشان نکرده و نامی از ایشان در کامنت بنده قید نشده اما به عنوان یک شهروند حق دارم از مسئولین کشوری و متولیان امر توضیح بخواهم مگر اقدام آقای خامنه ی در نامگذاری سال پاسخگویی را فراموش کرده اید ؟ نکند گمان می کنید اعتبار این رهنمون با انتهای سال مذکور به پایان می رسد .

نویسنده: sadegh 3

شنبه 14 دی1387 ساعت: 3:43

در ثانی بنده هیچ دشمنی با مسئول و وزیر و وزارت و مدیری ندارم بلکه انتقاد از عملکرد و سیاست اتخاذ شده است . ناظر خارجی ساده مسلمان که عملکرد جمهوری اسلامی را در لبنان و عراق پی گیری میکند ، فلان وزیر یا مسئول یا رئیس را از نزدیک نمیشناسد که بداند فلانی آدم خوبی است یا خیر؟ و یا علم غیب نمیداند که، در دل فلان مسئول کشوری چه میگذرد و آیا نیتش پاک است یا خیر؟ ایشان سیاست کلی نظام را مورد قضاوت قرار میدهد و اگر جایی مصلحت مسلمانان توسط این دولت اسلامی پایمال شود با این سیاست به مخالفت خواهد پرداخت .در مورد شهروند ساده داخلی نیز وضعیت همین طور است در ضمن شعار و حرف و حسن نیت ملاک نیست ، ملاک عمل است ((یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون)) ((من یعمل مثقال ذره خیر یرا و من یعمل مثقال شر یرا)) پس تمام افعال و کردارو سیاست ها ی مثبت ومنفی زیر زره بین و مورد بازخواست قرار خواهد گرفت .
4- فرموده اید وارد جنگ شدن با اسرائیل کاری احساسی نیست . آخه برادر من این همان عذر و بهانه حکام عرب است که از دست آنها فغان نمودی و آنها رابه فحش کشیدی .آنان نیز در جواب انتقادها و توهین و فحش و فحاشی شما همین عذر شما را خواهند آورد که دشمنی با اسرائیل منطقی نیست و هزینه بر و دنگ و فنگ دارد. در ضمن از همه بدتر شما رئیس جمهور را به احساسی بودن متهم میکنید آیا ایشان به این نکته آگاه نیستند که جنگ با اسرائیل بقول شما هزار دنگ و فنگ دارد پس چرا بازهم شعارهای دو آتشه میدهند که اسرائیل باید نابود شود . یا شاید شما بشتر از ایشان به خفایا و اسرار و بنیه نظامی و اقتصادی کشور آگاهید؟

نویسنده: sadegh 5

شنبه 14 دی1387 ساعت: 3:47

6- و در آخر این جمله حضرتعالی : ((آسیاب به نوبت. چند سال دیگه رو هم میبینیم. شماها صمیمیهای الان خواهید بود و چند تا بچه تازه بدوران رسیده شما را به فحش می بندن که چرا کاری نمی کنید!!!!!)) گمان نمیکنم کسی در این وبلاگ دنبال مقام ومقربت باشد که استاد شدیدا از این رفتارها بیزار وبرحذر داشته اند و بقول استاد هرکس وظیفه ی خویش انجام می دهد علاوه بر آن این وبلاگ معزز موسسه خیریه نیست که هرکس چه چه و به به بیشتر کرد عطایای بیشتری به او اهدا شود . کسانی که این وبلاگ را با ایمان ویقین کامل همراهی می کنند
دشمنی و تهمت و تهدید را چه درون این وبلاگ یا خارج آن به جان خریده اند پس فحش و فحاشی دوست و دشمن و معاندان نه تنها خللی در اراده آنها نکرده بل بر استواری آنان می افزاید علاوه برآن بر حقانیت مسیر انتخابی صحه می گذارد
.
والسلام

با عرض پوزش از محضراستاد گرامی بابت اطاله کلام درصورت عدم صلاحدید می توانید نصب نفرمایید هر چند لازم به ذکر

نیست و حق شماست.

پیروز باشید

نویسنده: علیرضا

شنبه 14 دی1387 ساعت: 8:27

استاد راست یا درست یک همچین جوی رو دارن تو کشورهای اسلامی حاکم میکنند.
http://www.samanyoluhaber.com/haber-132060.html

این هم سایت خبری کانال اسلامی ترکیه
سر تیتر این مقاله به این شکله
آیا ایران و اسرائیل با هم متفقند؟

نویسنده: sadegh 4

شنبه 14 دی1387 ساعت: 10:21

علاوه بر آن شما با این روحیه سست و متزلزل تمامی نهضت های ضد ظلم و آزادی خواهانه را محکوم می کنید . آیا حزب الله لبنان در جنگ سی روزه عملی احساسی و غیر منطقی انجام داده؟همان حرفی که حاکمان عرب در کوران جنگ به حزب الله زدند که شما ماجراجویی می کنید. آقای محسنی یقین داشته باشید که اکثر جنگ ها ی جهان معاصر و قدیم از شرایط برابر و متوازنی برخوردار نبوده اند و نمونه های زیادی را می توان نام برد که طرف غالب ضعیف تر بوده است . برهان قاطع آن نیز کلام نورانی خدواند است ((کم من فیه قلیله غلبت فیه کثیره باذن الله والله مع الصابرین)) هر چند که ایران اسلامی اکنون بسیار توانمند بوده . و گمان نمی کنم از چند هزار مجاهد عراقی یا لبنانی کمتر باشد بل در صورت وقوع جنگ پوزه ی دو ابر قدرت آمریکا و اسرائیل را هم زمان به خاک خواهد مالید و این فرموده ی شما کسر شان برای ایران اسلامی است .
5-فرمود ه اید : ((درست مثل این میمونه که من بگم جنابعالی که اینقدر گلو می درانی چرا خودت نمی ری با اسرائیلیها بجنگی و به حکومت چکار داری؟؟؟؟..... همونطورکه نمیشه به این همه آدم تو خیابانهای کشورهای اسلامی گفت چرا به جای تظاهرات نمی رین با اسرائیل بجنگین؟؟؟)) خوشبختانه خودتان پاسخ خویش را داده اید .که: جنابعالی و دولت مکتبی که اینقدر گلو می درانید چرا خودتان نمی رید با اسرائیلیها بجنگید و به حکومت مصر و دیگر کشور های عربی چکار دارید؟ روی سخن من نیز با افرادی بود که همیشه مصر و دیگر کشور های عربی را مورد شماتت قرار می دادند بالاخص دولت مکتبی که ، آقایان بفرمایید توبه گود . پس از این به بعد حق هیچ گونه نقد ونفرینی به هیچ حاکم عربی نداریم چرا که لازم میشود چند تا موشک ناقابل انبار شده نثار اسرائیل کنیم در غیر اینصورت فرافکنی بیش نخواهد بود. اشاره ایی گذری و کوتاه نیز به تظاهرات در کشور های اسلامی بکنم که هیچ با ورژن ایرانی ، رسمی ، اجباری و نماز جمعه ایی آن قابل مقایسه نیست که اکثرا در روزهای کاری و بصورت خود جوش ومردمی برگزار میشود علاوه بر آن همواره با تهدید وترهیب نیروهای امنیتی همراه بوده و غالبا ضرب وشتم و زندانی وکشته به ارمغان می آورد نمونه ی آن کشور مصر است . پس مشارکین در این تظاهرات در کشورهای اسلامی همانند برادران فلسطینی به جهاد با جلادان می روند .

نویسنده: رضا

شنبه 14 دی1387 ساعت: 10:41

با سلام خدمت استاد محترم و دیگر دوستان
استاد به این عبارت متن توجه کنید:" ... ، یعنی همان پارسیان کهن از ترس عرب به هندوستان گریخته و از آن جا بازگشته،..." آیا این قسمت تفکیک شده با ویرگول تاکید بر واقعه ای صحیح در تاریخ است یا مشمول علامتهای تعجب انتهای عبارت می شود؟
با تشکر

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 14 دی1387 ساعت: 12:20

آقای م. به یادداشت 137 و 147 رجوع کنید.

آقای رضا. به قصد تمسخر بوده است.

نویسنده: یه نفر

شنبه 14 دی1387 ساعت: 13:22

سئوال: الحق چیست و از کجا شروع شد و الحقیان چه میگویند؟
اطلاعات بیشتر : اگه در مورد الحق و زیر شاخه های آن مثل نعمت اللهی توضیحی بدهید ممنون میشم
به چه اعتقاد دارن؟
عبادتشان چه جوریه؟

پاسخگو: باسلام
یکی از فرق صوفیه میباشند که به جای نماز نیاز انجام میدهند
معتقد هستند یک شخص یا به قول خودشان پیر به اسم بنیامین در آینده ظهور میکند و دنیا را از عدل و داد پر می کند.
سمبل و آرم این فرقه سبیل بلند میباشد چون معتقد هستند در زمان غسل آقا حضرت محمد(ص) امام علی(ع) با دهن آب غسل را از ناف مبارک آقا نبی اکرم (ص)خارج نموده و به همین دلیل نباید سبیل را کوتاه کرد.هر پنج شنبه یک خروس را به نیت نیاز سر میبرن و به یک سایل میدهند.

سئوال: وقتی دلت خیلی از خدا می گیره باید چه کار کنی؟
پاسخگو : کاری کن که نگیره یا میگیره یا نمیگیره اگر گیره کارت گیره گیره را گیر کن رها کن

نویسنده: یه نفر

شنبه 14 دی1387 ساعت: 13:25

شما آدرسی از این اهل حق دارین؟
یه بار دیگه قیمت مرغ رفته بالا.
سیبیل که نشد علامت.

نویسنده: محسنی

شنبه 14 دی1387 ساعت: 16:58

جناب آقای صادق. احتراما باید بگم دچار سوءتفاهم شدید. مقصود بنده از آن پرخاشها و توضیحات اصلا آن چیزی نبود که شما برداشت کردید.

نویسنده: یک مسلمان

شنبه 14 دی1387 ساعت: 22:21

استاد عزیز خدا به فریادتان برسد با اینهمه معاند مغرض که شب و روز در پی تخطئه شما هستند و به امید خدا راه به جائی نخواهند برد.
هم اینک مقابل خانه ما دسته عزاداری در حال گذر است و آنچه که مینویسم حال و روز خیابان است که از پنجره منزل ما قابل دیدن و شنیدن است:
1- دسته عزاداران کمتر از صد نفر و تماشاچیان بیش از سیصد نفرند.
2- سردسته ، خلاف کارترین و بی اخلاق ترین فرد محله است.
3- تمام طبلها و سنجها ساخت ژاپن هستند و سایر ادوات الکترونیکی هم همینطور.
4- قطر بزرگترین طبل حدودا 2 متر است و بر روی یک ارابه سوار شده است.
5- کسی که نوحه میخواند ، تقریبا بدون ذکر یاد خدا و تماما کفرگوئی میکند.
6- اکثر تماشاچیان دختر و پسر بی اعتنا به دسته ، آن کار دیگر میکنند.
7- صاحب نمایشگاه ، که اتفاقا نزول خوار است ، نذری خرما و شربت پخش میکند.
8- همین جوانها که ایچنین از سوز عزا فریاد میکشند 2 ساعت دیگر موقع برگشتن چنان صداها و عربده هائی خواهند کشید و چنان فحشهائی به هم خواهند داد که از دست آنها بچه های من اجازه دیر خوابیدن ندارند.
9- صدایشان به قدری بلند است که شیشه های خانه مان به لرزه آمده اند.
10- مابین شعائر به اصطلاح مذهبی ، تندترین شعارها را بر علیه کل اعراب حواله میکنند.
و ....
ما کی از دست فرقه بازیهای گوناگون رها شده و فقط و فقط مسلمان قرآنی خواهیم شد؟ آیا قبل از ترک دنیا چنین روزی را شاهد خواهم بود؟ این بزرگترین آرزوی من است.

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

یکشنبه 15 دی1387 ساعت: 1:10

سلام جناب یک مسلمان. نوشته ی شما من را یاد خاطره ای انداخت که با اجازه ی دوستان می گویم.
در شهر شیراز دسته ی عزاداری فعال است با نام هیئت بنی هاشم. این هیئت زیر نظر امام جمعه ی شیراز اداره میشود و یکی از پر اعتبار ترین هیئتهای شیراز است. از نمونه ی گفته های شما در آن نیز می توان زیاد پیدا کرد. در این هیئت شخصی است که یکی از مدیران ارشد انجاست. نامش را نمی دانم اما این فرد یک عادت همیشگی دارد که جالب است. وی هر سال، در ظهر عاشورا که هیئت به شاه چراغ می آید میکروفن را از نوحه خوان میگیرد و چنان بر سرو صورت خود می کوبد که بعد از چند دقیقه از هوش میرود و ایشان را روی دست میبرند. (ما به ایشان لقب غشی را داده بودیم) من برادری دارم که از سنین پایین بسیار مذهبی، دوستدار اهل بیت و اهل نماز و... . برادرم هر سال بدون استثنا چند شب را به هیئت بنی هاشم میرفت و عزاداری خود را انجام میداد تا اینکه یک سال دیدیم که از رفتن سر باز زد. هر چه مادرم اصرار کرد حاضر نشد که به عزاداری برود و این امری است که تا به امروز که صاحب چند فرزند هم شده، ادامه دارد. بعد از چند سال که علت را از وی جویا شدیم گفت: ان کسی را که در روز عاشورا غش میکرد را یادتان است؟ گفتیم بله. گفت یک روز که از مدرسه بر می گشتم، وی با چند نفر مشغول دعوا کردن بود. گفتیم خوب؟ گفت باور کنید که فحش هایی که از دهان این مرد بیرون می آمد، منی که در یکی از بدترین مدارس شیراز درس خوانده بودم تا به حال نشنیده بودم. من دیگر در هیئتی که این مرد سر دسته ی آن است عزاداری نخواهم کرد.

نویسنده: صلاح الدین

یکشنبه 15 دی1387 ساعت: 4:39

با سلام و عرض خدمت ، لطفا شماره حساب مربوط به کمک به ساخت مستند کشتی نوح را به ایمیل من بفرستید ، مبلغ ناچیزی را برایتان خواهم فرستاد که چون در خارج زندگی میکنم کمی طول خواهد کشید تا به دست شما برسد ، قبلا از زحمات شما و همکارانتان در ساخت و تولید این پروژه عضیم معنوی نهایت تشکر را دارم ، براتان آرزوی موفقیت دارم.

نویسنده: سرباز

یکشنبه 15 دی1387 ساعت: 6:36

آقایان یک مسلمان و دهقانی. خداوند در قرآن می فرماید:

آنها {اهل کتاب} هیچ ضرری بجز اذیت به شما نخواهند رساند....مسلما" از دست اهل کتاب بسیار آزار خواهید دید، اما اگر صبر پیشه کنید و تقوا داشته باشید، این از عزم امور است!

نویسنده: ارکین قشقایی

یکشنبه 15 دی1387 ساعت: 8:37

کانال یک تلویزیون ایران شنبه شب در اخبار ساعت 21 در مصاحبه هایی که در مورد عاشورا در میان ملل مسلمان با مردم انجام داده بود ، بخش کوتاهی از صحبت های یک روحانی را پخش کرد . بنا به گفته آن روحانی در اندونزی روزهایی از این ماه به نام امام حسن و امام حسین شناخته می شود.
با توجه به مشاهدات استاد ، مسلمانان اندونزی ،حتی خلفای راشدین را نیز نمی شناسند و تنها قرآن و پیامبر اسلام را می شناسند ، آیا ادعای فوق واقعیت دارد؟ شناخت مردم اندونزی از ماه محرم و حادثه کربلا چگونه است؟

وب سایت

نویسنده: بابک

یکشنبه 15 دی1387 ساعت: 10:17

استاد روشنگر و دوستان حقیقت جو
من معمولا کم کامنت میگذارم و بیشتر ترجیح میدهم در این سایت خواننده باشم . واقعا مقالات جناب پورپیرار بزرگ و نوشته های شما در کامنتها روح هر انسان حقیقت جو را از زنگارهای دروغ و جعل پاک کرده و جلا میدهد. فقط شما را به خدا بیایید از این به بعد اهل عمل باشیم و به اطرافیانمان هم این طرز فکر پاک و صحیح را تزریق کنیم. وقتی به سایتهای مخالف شما سری میزنم تفاوت سطح فکری را به وضوح می بینم. اگر به طرز فکرمان ایمان قوی داشته باشیم مطمئن باشید عالمگیر خواهد شد فقط باید صبر کرد...

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 15 دی1387 ساعت: 10:40

آقای قشقایی. نه فقط اخبار دیشب که مدتی است تلویزیون به اندونزی بند کرده و در صدد کم رنگ کردن بحث های جاری در این وبلاگ است. مسلم بدانید در اندونزی و مالزی فرقه های اسلامی بی قدرت و اثرند و گرنه گروه گروه مبلغ شیعه و

سنی به آن سمت نمی فرستادند که معمولا هم با دست خالی برمی گردند.

آقای بابک. اینک تنها دری که به روی بنیان اندیشان باز مانده، تبلیغ نفر به نفر و به خصوص با ارائه ی مستند تختگاه است که تاثیری طوفانی دارد.

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

یکشنبه 15 دی1387 ساعت: 11:38

با سلام.
عکس برگزیده ی عاشورا.

http://www1.farsnews.com/pic.php?ph=Media-8710-ImageNews-871013-&29_871013_L600.jpg
dsc=%E5%E3%C7%ED%D4%20%C8%D2%D1%90%20%D4%ED%D1%CE%E6%C7%D1%90%C7%E4%20%CD%D3%ED%E4%ED(%DA)%20%CF%D1%20%E3%D5%E1%ED%20%CA%E5%D1%C7%E4

نویسنده: سعید

یکشنبه 15 دی1387 ساعت: 15:27

جناب استاد پورپیرار- سلام
لطفا در صورت امکان نظر حضرتعالی در مورد تاریخ هجری شمسی بیان فرمائید. آیا در بین کشورهای اسلامی فقط ایران است که از این تاریخ استفاده میکند؟

در پناه خدا کامیاب باشید!

نویسنده: دیاکو

یکشنبه 15 دی1387 ساعت: 17:37

با سلام , نمی دانم مطالب و در خواست هایی را که چند بار در قسمتهای مختلف نوشته ام و نیز پاسخ آنها را در کجا بیابم ؟!

نویسنده: بختیار

یکشنبه 15 دی1387 ساعت: 22:3

استاد محترم ضمن خسته نباشید و دعای خیر

میخواستم از حضورتان سئوال نمایم که در خصوص هنر مینیاتور که ظاهرا زادگاه ایرانی دارد(نمونه همان قلمدانهای دوره صفوی که عکس کلیسا و عمارات اروپایی را تصویر کرده است) ایا هم خانواده هنر نقاشی چینی است و از آنجا به عاریت گرفته شده است. زیرا در اروپا چندان رد پایی از سبک نقاشی مینیاتور به چشم من نخورده است.
قبلا از عدم ارتباط دقیق سئوال با متن مقاله اخیر عذر میخواهم

نویسنده: بی نام

یکشنبه 15 دی1387 ساعت: 22:29

منوچ ذاکری عزیز سلام
ایا ئی میل دو سه روز پیش بنده به شما رسید؟

نویسنده: توحید

یکشنبه 15 دی1387 ساعت: 19:27

با سلام و خسته نباشید خدمت استاد .
بي صبرانه منتظر شماره 194 هستيم ، الحمدالله مثل اينكه قسمتهاي سخت و دشوار مسير طي شده است و كم كم به سرازيري نتيجه گيري نزديك مي شويم !

آقاي دهقاني ،
اميدوار بودم در اين لينك تصويرتان در باره عاشورا باز به ستاره هاي داودي بر نخورم ولي وقتي سقف را ديدم پر بود !!!
به قول بنده خدايي بازم نشد !

نویسنده: دوست

یکشنبه 15 دی1387 ساعت: 23:29

آقای یک مسلمان و دهقانزاده

الان هم از جلوی خونه ی ما داره دسته عزاداری داره رد میشه . شور منو برداشته. چنان که خود من می خواستم برم فرق سرمو نصف کنم. وقتی نیگا کردم شاخ در آوردم ! سردستشون یک مرد گوندست که ... !!! انتظامات دسته هم طبق معمول از عزاداران زیاده !!! اغلبشون همین چند ماه پیش داشتن تو پارک مشروبخوری می کردن ! به قوله گفته ، آمارشون دستمه !!! یک لشکری سیاه پوش !!! هم دارن پشتشون میرن. به قول آقای مسلمان دارن کاره خودشونو می کنن !

نویسنده: بی طرف

دوشنبه 16 دی1387 ساعت: 0:6

توحید جان سلام.
اونها ستاره های هشت پر هستند.
روزی بنده خدایی شیطان را در بیابان زیارت می کند که به دستش چندین طناب، با ضخامت های متفاوت بوده است. از شیطان سوال می کند که: این طناب ها برای چیست؟ جواب میشنود که: بندگان خدا را با این طناب ها به سوی خود میکشم. می پرسد: چرا بعضی طناب ها ضخیم و بعضی نازک هستند؟ شیطان جواب می دهد که مثلا این طناب نازک برای کسانی ست که ایمانشان سست تر است و آن طناب کلفت تر برای با ایمان تر ها. شخص لبخندی از زیرکی به لب می آورد و باز از شیطان می پرسد: بگو ببینم شیطون حالا ما رو با کودوم یک از این طناب ها می کشی؟ شیطان هم با نگاهی عاقل اندر سفی و لبخندی از روی تمسخر می گوید: تو نیاز به طناب نداری، هنوز سوت نزدم خودت آمده ای.
حالا شده اوضاع و احوال ما. دیگر نیازی به ستاره ی داوود و سرمایه ی یهود و غیره نیست، ما به جایی رسیده ایم که هنوز لب خود را برای سوت زدن آماده نکرده اند خودمان می بریم و می دوزیم و می پوشیم و قاعدتا آنها هم می خندند.

نویسنده: عابدی

دوشنبه 16 دی1387 ساعت: 4:11

سلام استاد خسته نباشید.

فرمت ZIP و فرمت HTML سری مقالات ایران شناسی بدون دروغ از 1 الی 25 و 26 الی 50 را در سایت گذاشتم. مابقی هم به زودی.

http://www.naria.ir/view/5.aspx?id=558

لینک 1383 هم فعال شد.

در پناه حق باشید.

نویسنده: یه نفر

دوشنبه 16 دی1387 ساعت: 4:35

صبح به خیر.
یه کم صبر کنید دانلود بشه.

http://whats-happening.net/fa/stone/index.htm

http://whats-happening.net/fa/stone/index.htm

یه کم کار با ماوس سخت است.

نویسنده: یه نفر

دوشنبه 16 دی1387 ساعت: 4:36

شب به خیر.
می تونید بازی رو save هم بکنید.
خاک عالم .باز مدرسه ام دیر شد.

نویسنده: رضا

دوشنبه 16 دی1387 ساعت: 11:44

با سلام خدمت استاد و دوستان.حتما این نوشته کوتاه را مطالعه نمایید.

هیچ سپاهی از عهده آرمانی که زمان ظهورش فرا رسیده باشد برنخواهد آمد

http://www.iranamerica.com/forum/printthread.php?t=2699

وب سایت

نویسنده: محمود بجانی

دوشنبه 16 دی1387 ساعت: 11:46

از کرامات شیخ ما چه عجب :
http://tabnak.ir/pages/?cid=31336

نویسنده: حاجی زاده

دوشنبه 16 دی1387 ساعت: 16:14

سلام
آیه جهت فرزند پسر
گويند هرگاه آيه الكرسي (آيات 255 تا 257) سوره بقره را بخواند و به انار شيرين بدمد و پيش از چهار ماهگي به حامله دهد فرزندش پسر خواهد شد.
http://www.goonagoon.org/SubjectForPrint.aspx?key=10172

نویسنده: حامد1

دوشنبه 16 دی1387 ساعت: 21:0

بعد از چند سالي تجربه مطالعه آثار و مطالبي وبلاگي استاد معظم جناب پورپيرار، دريافت مطالبي چند بر هر كسي مسلم مي شود كه از جمله آنها ظهور علمايي است كه يك شبه مراتب مختلف علمي و فرهنگي را طي مي كنند و به صاحب نظراني در همه چيز بدل ميشوند. اگر نيك بنگريم مي بينيم كه به دلايل بيمشار و آشكار اهل فن و علم يعني گله دانشگاهيان و روشنفكركان ما در مقابل آرا جناب پورپيرار لال موني گرفتن را ترجيح دادند و ميدهند و در مقابل كساني به ميدان آمدن كه نه از علم و دانش و تجربه و قدرت فهم و درك عميق جناب پورپيرار اندك بهره اي دارند و نه از ميزان علم و دانش همان گله فوق الذكر. اينها فقط آدمهايي هستند كه با خواندن كتاب هاي آقاي پورپيرار بد جوري جو گرفتتشون و كاملا به اين نتيجه رسيدن كه خيلي ملا شدند، و براي خودشان شدن يه پورپيرار دوم و سوم و .. كه حتي از جناب پورپيرار هم مدعي ترند و هماورد و نفس كش مي طلبند. سر و كله زدن با اين مدعيان نو ظهور كه گاهي اوقات به تعبير استاد (پورپيرار) (البته در موردي ديگر) «ه» را از «ب» تشخيص نمي دهند و فقط همان نحوه فارسي نوشتنشان بي سوادي يا حداقل كم سواديشان را جار مي زند، خيلي سخت است. اين همه مقدمه را گفتم تا بپردازم به آقاي اتفاق، فردي زحمت كش، شجاع، و مبارز در راه دفاع از حقيقت، اما متاسفانه جزو همين آدمهايي كه صحبتشان را كرديم. ايشان بعد از خواندن مطالب استاد يك شبه تفرقه شناس شده (ر. ش به وبلاگ الناس) و ديگه همه چيز و همه كس را از زاويه تفرقه شيعه و سني ارزيابي ميكند.

نویسنده: اتفاق

دوشنبه 16 دی1387 ساعت: 21:1

سلام آقای عابدی
اجازۀ ما هم دست شماست . هر جور صلاح می دانید اقدام کنید . ما به امانت شما در حق بنیان اندیشان مؤمنیم .

وب سایت

نویسنده: حامد2

دوشنبه 16 دی1387 ساعت: 21:1

من واقعا قصد ندارم و وقت ندارم كه به بحث مستمر با چنين افرادي بپردازم و اساسا اعتقادي به بحث با چنين مدعيان يك شبه ملا شده اي ندارم، و فقط چند تا نكته را دوستانه ميگويم و ميروم و ميدانم كه دوستاني چون اتفاق را مي زنجانم و البته در برابر زحمات خالصانه ايشان (فقط زحمات خالصانه ايشان) سر تعظيم فرود مي آورم. آقاي اتفاق اگر آدم به اندازه يه ذره از اسب غرورش و صاحب نظري يك شبه كسب شده اش فرود بيايد و به اندازه يه نخود عقل داشته باشد، كافي است نگاهي به جهان اسلام و ملتهاي مسلمان و به ويژه غير مسلمان در سراسر جهان بيندازد تا ببيند كه عين شعارها و ادعاهاي جمهوري اسلامي و حتي تندتر از آن را آنها هم سر مي دهند يا نه. و آنگاه از خودش بپرسد كه اين همه آدم و شخصيت سياسي و غيره و غيره و غيره هم فارس يا عجم يا شيعه هستند يا نه. آگر فقط به اندازه يه نخود «تامل» و فقط تامل كنيد و وقتتان صرف جواب دادن يا حمله به من نكنيد، آن موقع خودتان تمام اين جنفگيات احمقانه و مايه تاسف را كه نوشتيد بر باد داديد و اگر نه، كه هيچ، هر چه مي خواهيد خود را عالم همه چيز دان فرض كنيد و چنان جوابي به من بدهيد كه حسابي احساس رضايت و پيروزي نماييد. (هرچند ميتوان اين را هم اضافه كرد كه چه زمان مناسبي رابراي نقد عملكرد جمهوري اسلامي انتخاب كرديد. واقعا دست مريزاد)

نویسنده: جواد

دوشنبه 16 دی1387 ساعت: 17:59

آيه جهت فرزند پسر
گويند هرگاه آيه الكرسي (آيات 255 تا 257) سوره بقره را بخواند و به انار شيرين بدمد و پيش از چهار ماهگي به حامله دهد فرزندش پسر خواهد شد.

مشكل اينه كه انار ترشه نه شيرين!!!!!!!!!!!!!!!!!!!

۱ ۲ ۳ >>

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تايپ نماييد:

نظر شما در مورد اين مطلب پس از تاييد نويسنده وبلاگ نمايش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ، 193، مقدماتی بر نتیجه، 1، بازبینی مجدد بررسی های پیشین - 103 نظر

نویسنده: دوست

دوشنبه 16 دی1387 ساعت: 22:58

استاد عزیزم . آخه کسی که نفهمه داره تو وبلاگم مسخره میشه می خوای از مستند چی سر در بیاره ؟!

نویسنده: من

دوشنبه 16 دی1387 ساعت: 23:14

194 را نمی رسونین؟ مردم چشم انتظارن. استاد شدن دردسر هم داره خب

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

دوشنبه 16 دی1387 ساعت: 23:20

سلام آقا مسعود.
ببخشید که به شما جواب ندادم. حقیقت این است که من قبل از تاسیس وبلاگ فراخوانی در وبلاگ استاد قرار دادم مبنی بر اینکه اگر دوستان پیشنهادی دارند بگویند که متاسفانه جز استاد، هیچ کس ما را تحویل نگرفت. حالا هم واقعا اسباب کشی از این وبلاگ و تغییر نام آن مقدور نیست. باز هم از شما سپاس گذارم.

نویسنده: بنیاد ایران شناسی

دوشنبه 16 دی1387 ساعت: 23:51

در بنیاد ایرانشناسی چه خبره؟

وب سایت

نویسنده: علیرضا

سه شنبه 17 دی1387 ساعت: 0:41

به نظر میرسه هدف از جنگ غزه رو جان بولتون بیان کرده

جان بولتون: غزه به مصر و کرانه باختری به اردن واگذار شود
http://www.inn.ir/newsdetail.aspx?id=11467

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 17 دی1387 ساعت: 0:44

آقای عابدی. فعلا به همان تعداد که در وبلاگ شان نصب است ولی قول داده اند که به زودی و به خواست خدا ادامه دهند.

آقای من. هنوز خمیرش ورنیامده...

آقای جواد. اگر انار ترش باشد، دختر خواهد شد. از همین رو می گویند کارهای دنیا وارونه است!؟

آقای اتفاق. مواظب باشید این انتخاب نام حامد چندان هم بی حکمت نیست. امان از دست این روسا که درست به موقع سراغ بعضی گوش ها برای پیچاندن می روند!!؟ این اخطار گرفتگان آیا به تر نبود لااقل بهانه ها ی شان را متنوع می کردند؟!

آقای هاتف. اصطلاحا روغن ریخته را نذر امام زاده کرده و گنجشک در هوا را بخشیده اید...

آقای بختیار. البته هنر مینیاتور در اروپا نیز پیدا می شود که در گوبلن های فرانسوی نمونه هایی بس ظریف دارد. اما بسیار بعید است دورتر از اوائل قاجار چه از چین، هند و یا اروپا مینیاتور به ایران رسیده باشد. آن حرف ها درباره ی بهزاد و این و آن و هنر مینیاتور عهد مغول به کار تفریح می آید.

آقای دیاکو. کدام سئوالات؟...

آقای حسین محمدی. آن یاوه بافی که به ارسال کمک برای فلسطینیان اعتراض دارد، آیا نمی داند که جبهه ی شرک، از کانادا تا استرالیا، سالانه فقط سی میلیارد دلار کمک نقدی بلاعوض به اسراییل می فرستند که بخش عمده ای از آن را دولت آمریکا و صندوق یهود جمع آوری می کند. آیا آن ها نوکر اورشلیم نیستند که حامیان بی دریغ اسراییل را نمی بینند و اندک کمک مسلمانان به مردم فلسطین جگرشان را می خراشد!!؟

نویسنده: علیرضا

سه شنبه 17 دی1387 ساعت: 0:59

این مقاله رو بخونید
انگشتان پنهان ایران در تراژدی غزه
http://www.alarabiya.net/views/2009/01/01/63298.html

و بعد این خبر رو بخونید:

مشاجره ی تند برادر احمدی نژاد با بسیجی ها
بازی تبلیغاتی را چرا باور کردید؟

http://www.akhbar-rooz.com/news.jsp?essayId=18847

این هم تبلیغات
http://www.haber7.com/haber/20090105/70-bin-ogrenci-Israille-savasa-hazir.php

استاد ما باید چه نتیجه ای بگیریم؟

نویسنده: عابدی

سه شنبه 17 دی1387 ساعت: 1:45

با سلام

استاد فرزانه سپاسگزارم.

آقای اتفاق ممنون. فایل های «پشت پرده های محوطۀ طاق بستان کرمانشاه ؟!» در سایت نصب شدند.

ایران شناسی تا شماره ی 100 نیز نصب شد.

مابقی شماره ها و فرمت ها ان شاء الله پس از چند هفته ی دیگر.

http://www.naria.ir/view/5.aspx?id=558

خدا نگه دار

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 17 دی1387 ساعت: 6:31

آقای عابدی. همگی از زحمات شما بسیار ممنونیم.

آقای علی رضا. چند روزی است سخت مرددم که آیا تحلیل خود بر وقایع دهه ی اخیر در خاورمیانه را بنویسم یا نه و به علت نامتعارف بودن آن، هنوز تصمیمی نگرفته ام. ولی بدانید که هر منتقد حماس، به هر میزان و بهانه و نامی، مامور اسراییل است.

نویسنده: علیرضا

سه شنبه 17 دی1387 ساعت: 11:51

استاد
لطف کنید مردم رو از سردرگمی در بیارید.
یهود چهره تروریستی خودش رو بالاخره نشون داد.
خدا به مردم فلسطین رحم کنه

نویسنده: عاشورا

سه شنبه 17 دی1387 ساعت: 8:42

یه روز یه کشیش به یه راهبه پیشنهاد می کنه که با ماشین برسوندش به مقصدش...
راهبه سوار میشه و راه میفتن...
چند دقیقه بعد راهبه پاهاش رو روی هم میندازه و کشیش زیر چشمی یه نگاهی به پای راهبه میندازه...
راهبه میگه: پدر روحانی ، روایت مقدس ۱۲۹ رو به خاطر بیار... !
کشیش قرمز میشه و به جاده خیره میشه...
چند دقیقه بعد بازم شیطون وارد عمل میشه و کشیش موقع عوض کردن دنده ، بازوش رو با پای راهبه تماس میده...!
راهبه باز میگه: پدر روحانی! روایت مقدس ۱۲۹ رو به خاطر بیار!!!
کشیش زیر لب یه فحش میده و بیخیال میشه و راهبه رو به مقصدش می رسونه...
بعد از اینکه کشیش به کلیسا بر می گرده سریع میدوه و از توی کتاب روایت مقدس ۱۲۹ رو پیدا می کنه و می بینه که نوشته: به پیش برو و عمل خود را پیگیری کن... کار خود را ادامه بده و بدان که به جلال و شادمانی که می خواهی میرسی !!!
نتیجه اخلاقی اینکه اگه توی شغلت از اطلاعات شغلی خودت کاملا آگاه نباشی، فرصتهای بزرگی رو از دست میدی!!!

نویسنده: توحید

سه شنبه 17 دی1387 ساعت: 8:45

سلام استاد ، خسته نباشید

گفته بودید :

" آقای علی رضا. چند روزی است سخت مرددم که آیا تحلیل خود بر وقایع دهه ی اخیر در خاورمیانه را بنویسم یا نه و به علت نامتعارف بودن آن، هنوز تصمیمی نگرفته ام. "

از شما درخواست دارم اگر هم بصورت عمومي ترديد در نشر تحليل خود داريد ، تحليل خود را بصورت خصوصي و از طريق اي ميل به علاقه مندان ارسال كنيد .
البته كه ما هم به دنبال تحليلي نا متعارف و بدون تعارف از اوضاع خوار ميانه هستيم .
با تشكر .

وب سایت

نویسنده: رئیس گذر لوطی صالح

سه شنبه 17 دی1387 ساعت: 13:38

زنده باد امریکا !!!!؟

http://newsimg.bbc.co.uk/media/images/44580000/jpg/_44580967_8.jpg

نویسنده: انیس

سه شنبه 17 دی1387 ساعت: 17:36

سلام خدمت استاد عزیز و تمامی دوستان

ایا در بین دوستان متصل به پایگاه حق وصبربزرگواری به نام دکتر قلی زاده از اساتید دانشگاه در تبریزوجود دارد ؟

نویسنده: أمة الله

سه شنبه 17 دی1387 ساعت: 18:33

سلام استاد

از صراحت شما در دفاع از ملت مظلوم فلسطین در کنار رسواسازی یهود بسیار خوشوقتم.

و با توحید موافقم که کاش می دانستیم مطلبی که موجب تردد شما شده چی هست!؟

در ضمن خواستم بدانم راجع به سفینه ی نوح چه مطلبی دارید.

آیا ممکن است از طریق ایمیل در تماس باشیم؟

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 17 دی1387 ساعت: 20:10

خانم امت الله. ممنون. دوستان زیادی ارتباط با ای میل را بیش تر می پسندند. آدرس آن در صفحه ی نخست وبلاگ موجود است. درباره ی طوفان و کشتی نوح مجموعه ای از تصاویر موجود است که به ای میل تان، که آدرس آن را ندارم، ارسال خواهد شد!!!

آقای ایزدی. مسلمانان در هه جا و به ویژه فلسطین و عراق و افغانستان و لبنان، کاملا بر اوضاع حاکم اند و امثال مالکی و غیر او نیز مشغول به انجام وظیفه ای محتوم و مقرر و تقسیم شده و الهی اند که سرعت و دور گیج کننده ای برداشته است. آیا به رپرتوار لحظه به لحظه ی تصاویر ارسال کفش برای بوش دقت کرده اید؟ مالکی به زحمت مانع انفجار خنده ی خود می شود و سیمای بی تفاوت او نشان می دهد که پیشاپیش از تمام مطلب باخبر بوده است. این تنها صحنه ی مختصری از آن کلیت بس هوشمندانه ای است که طی ده پانزده سال گذشته در جهان اسلام برای امحا' کامل دشمن مشرک گذشته و غزه از شگفت ترین نمودارهای آن است.

خانم لادن. به جمع دوستان خوش آمدید.

خانم فریبا. بسیار دیدنی و استادانه بود و البته موجب شرمساری این جانب...

نویسنده: أمة الله

سه شنبه 17 دی1387 ساعت: 20:29

سلام استاد

لطف کنید با این آدرس برایم نوشته های خوبتان را بفرستید که خیلی ممنون خواهم شد.

گلناربهار اسم مستعاریست که بر جی میل قرار دادم.

راستی استاد

شما در ایران بسر می برید یا خارج؟

قصد تدخل در امور شخصی تان ندارم فقط خواستم بدانم چون چندان به بودن در ایران علاقه ای ندارم و خودم هم در خارجم.

نویسنده: این هم فوتوشاپه؟؟؟؟؟؟؟

سه شنبه 17 دی1387 ساعت: 19:8

http://i39.tinypic.com/2mq70up.jpg

این قده تو این مدت تو خیابون کوفت لمبوندم که حال شام نداشتم!
کل یوم عاشورا!!!!!!!!!!!!!!!!

نویسنده: دوپسر احمدی نژاد

سه شنبه 17 دی1387 ساعت: 19:16

http://saroseda.com/uc/out.php/i2001_pesaran.jpg
حالا خوبه دختر نیستن.
تمام دنیا عکسای دخترای بوش و اوباما و چلسی خوشگل کلینتونو بک موبایل کردن.

نویسنده: بی طرف

سه شنبه 17 دی1387 ساعت: 23:19

استاد فکر می کنم اگر ما مقداری دیگر اصرار کنیم تردید شما در مورد تحلیل اوضاع فلستین از بین برود. پس اصرار می کنیم و منتظر می مانیم.

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

سه شنبه 17 دی1387 ساعت: 23:20

ها ها ها.
من را نمیگید که اینجا نیز با نام بی طرف کامنت میگذارم؟ داشتن دوتا نام هم درد سره برای من بی هوش و حواس.

نویسنده: ناصر پورپیرار، 1

چهارشنبه 18 دی1387 ساعت: 1:32

باید خلاصه کنم و مهار را از کف ندهم:
دو دهه است خردمندان و سیاستمداران مومن جهان اسلام، غرب را به بازی ویژه ای گرفته اند که در پایان، دنیای شرک را سرشکسته و خونین به نیمکت های خود بازگردانده است: بازی افغانستان: طالبان و القاعده، بازی پاکستان، بازی ایران، بازی عراق، بازی کویت، بازی عربستان، بازی مصر، بازی ترکیه، بازی لبنان و از همه فنی تر بازی فلسطین: عباس و هنیه. غربیان با تکیه به یار گیری های غیر ارگانیک و غریبه و به امید برد سریع و تمام عیار به این بازی گیج کننده تن دادند و به زودی اعتبار سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خود را بر سر آن نهادند. پول های شان ته کشید، دموکراسی شان به صورت ابوغریب و گوآنتانامو درآمد، مبارزه با تروریسم از خود آن ها بی رحم ترین تروریست ها را ساخت و صدها ترفند سیاسی و رفت و آمدهای دیپلماتیک پر از ژست و اطوار، به بازگشت با دست خالی منجر شد. در یک کلام آن دنیای غرب آرمانی در کم تر از دو دهه فرو ریخت و اینک یک سیبل جهانی برای ابراز تنفر و تمسخر است که عالی ترین تظاهر آن در پرواز کفش های الزیدی منعکس شد. آن ها بسیار دیر متوجه درماندگی تدریجی خود در این بازی شدند و دستپاچه به شعار "تغییر" یعنی بیرون رفتن از بازی، روی کرده اند، بدون این که بدانند باید چه چیز را تغییر دهند: سیاست، اقتصاد و یا فرهنگ شان را؟ آن ها حتی قادر نیستند مواضع تازه خود را بشکافند و در هر سخن رانی نو، تکلیف ایران و عراق و فلسطین و افغانستان را به نوع تازه ای تعیین می کنند تا معلوم شود که حاصل بیست سال بازی مسلمانان با آن ها نه فقط مشتی نظامی معتاد در افغانستان و گروهی تفنگ دار روان پریش از عراق بازگشته را به همراه جنازه ها و زخم دیدگان فراوان و قروض بسیار روی دست شان باقی گذارده، بل مجموع سیستم های فوق مدرن اطلاعاتی در زمین و فضا و تمام مزدوران پر خرج شان حتی نتوانسته اند احوال درست فلوجه را رصد کنند. بر این ها اضافه کنید بر باد رفتن عنوان و آرمان و تعصبات آمریکایی را که به قبول چاره سازی یک سیاستمدار رنگین پوست نیز ناچار شده اند، مطلبی که چند دهه پیش، سفید پوستان ریشه داری چون کندی را، بر سر تفکر آن هم به تیر می بستند. اینک غرب در بن بستی بدون بازگشت گرفتار مانده که حاصل آن از هم پاشیدگی کامل خواهد بود، عاقبتی که بدون ورود به بازی با مسلمین دهه های دیگری به عقب می افتاد.

نویسنده: ناصر پورپیرار، 2

چهارشنبه 18 دی1387 ساعت: 1:38

حالا ادامه ی بازی را به اسراییل واگذار کرده اند، که سبب فروریزی سریع آن خواهد شد. و مکروا و مکرالله والله خیر الماکرین. درود به شرف مسلمین که با نثار خون عالی ترین مومنین وابسته به یگانگی خداوند، سرانجام جهان را از آسیب مشرکین پیرو کنیسه و کلیسا مصون خواهند داشت. باید به چشم انداز آتی این پیروزی شگفت انگیز الهی چشم دوخت که برچیدن آثار رسوخ اسراییلیات از فرهنگ و تاریخ مسلمانان و بازگشت به اتحاد اسلامی از دست رفته است.

آقای دهقانی. خداوند جزای خیرتان دهد.

خانم امت الله. بله در ایرانم و در راسته ی مقابل دانشگاه تهران مشغول به نشر کتاب.

نویسنده: علیرضا

چهارشنبه 18 دی1387 ساعت: 1:53

این بچه ها با نگاه کردن به این اجساد مرده چه فکری دارند میکنند؟
http://fotogaleri.hurriyet.com.tr/LiveImages/Foto%20Haber/Gazzeli%20çocukların%20hali/P05185020.jpg

به عکسهای کودکان مظلوم غزه نگاه کنید.
rid=2&http://fotogaleri.hurriyet.com.tr/galeridetay.aspx?cid=19180

استاد محترم
مسلمانها به خاطر وجود رهبران مشرک سالهاست که به جهالت کشیده شدند.
این روش مبارزه روشی نیست که خداوند از مسلمانها طلب کرده.
روش همون روشیه که شما با بیان این تواریخ دارید مردم رو بهشون آشنا میکنید.
این اتفاقات خاورمیانه همه و همه به خاطر شرک و تفرقه دینی بین مسلمانها ایجاد شده.
تا زمانی که هیچ حکومتی سعی در از بین بردن این خرافات در جوامع اسلامی نکنه, ما شاهد این صحنه ها خواهیم بود.
خداوند به مسلمانها نسبت به در خطر نینداختن خودشون بارها هشدار داده.
آیا کاری که حماس داره انجام میده, درسته؟
خون این بچه های بی گناه به گردن اسرائیل و آمریکا نیست.
به گردن رهبران مسلمانیه که سالهاست, تفرقه دینی رو بین مردم مسلمان رواج میدن.
رهبران مسلمانی که یا 4 تا زن میگیرند یا مردم رو به دستبوسی خودشون دعوت میکنند.
در خون ریخته شده این کودکان مظلوم غزه همه مسلمانها مقصرند.
مسلمانهایی که همه چیز اسلام رو رها کردند و اسلام رو در روکش کردن زلفهای زنها میبینند.
تمامی این مسلمانها مقصرند.

نویسنده: بی طرف

چهارشنبه 18 دی1387 ساعت: 2:23

با سلام.

>>وبلاگ دروغ بزرگ در خدمت جویندگان حقیقت<<

بررسی تراشکاری های نصفه و نیمه

www.bigfalse.blogfa.com

وب سایت

نویسنده: ع

چهارشنبه 18 دی1387 ساعت: 4:18

آقای علی رضا به گمان ام این جمله ی استاد را فراموش کرده اید : "هرکس اظهار اسلام می کند مسلمان است مگر خلاف آن در کردار و گفتار معلوم شود".

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 18 دی1387 ساعت: 7:38

آقای عابدی. احتمال خراب کاری در سایت تنها ممکن است از جانب آنوسی های خراسان بوده باشد که دست شان رو و ماموریت شان عوض شده است.

آقای علی رضا. از لینک های ارسالی بسیار ممنونم، اما بدانید که کوچک ترین اشاره نقادانه به حماس با همصدایی با یهودیان یکسان است.

نویسنده: محجبه

چهارشنبه 18 دی1387 ساعت: 6:50

http://i41.tinypic.com/2gwbad2.jpg

نویسنده: علیرضا 2

چهارشنبه 18 دی1387 ساعت: 10:21

بقره 2:134 2:141
"آنها عده‌ای بودند که از دنیا رفتند. هر کاری کردند مال خودشان است و کارهائی که شما میکنید مال شما است و درباره کارهائی که میکردند از شما بازخواست نمیشود."

آیه 48 سوره نساء
"خدا شرك بخودش را نمی آمرزد ولی غیر از آن را برای کسی که بخواهد می بخشد.
کسی که شرك به خدا داشته باشد گناه بزرگی را بهم بافته و مرتکب شده است."

آیه 72 سوره 5
"خدا را که سرور من و سرور شماست بندگی کنید.
هرکس شریکی برای خدا قائل باشد، خدا بهشت را بر او حرام کرده و جایش جهنم است.
کسانی که ظلم میکنند یاوری ندارند."

آقای ع خیلی از یهودیان هم در ایران و کشورهای اسلامی کلمه شهادت ذکر کردند و در حال خدمت به یهود هستند.
مسلمانی که اظهار اسلام شدید میکنه و در عین حال مردم رو به شرک بازخوانی میکنه, شاید صد برابر یهود به اسلام ضربه میزنه.

مسلمان تا روزی که به این عقیده و مفهوم نرسیده که
کسی رو که ندیدی باور نکن
تا به ابد دچار یک چنین بلاهایی خواهد بود.
ملتهای این منطقه توسط یکسری افسانه های ساخته شده توسط یهود ک بعضیها به خاطر قدرت ازشون حمایت میکنند از هم جدا شدند.
اینهمه عدم ترس از خدا و ریاکاری در قلب مردم به خاطر این مطلبه که امام حسین جای خداوند رو در قلب مسلمانها گرفته.
اروپاییها مردم مسلمان رو به شرک کشوندند و موقع جنگ با اونها خودشون رو از اینکه با مردم مسلمانی جنگ کنند رها کردند.

و یک سوال از استاد محترم: آیا به نظر شما روشی که حماس سعی در پیاده کردن اون در غزه به عنوان یک حکومت داره صحیحه یا نه؟
آیا روشی که کشورهای اسلامی دارند در کشورهای خودشون اجرا میکنند بر پایه اصول قرانه یا کشورهای اروپایی؟

نویسنده: علیرضا 3

چهارشنبه 18 دی1387 ساعت: 10:29

استاد پورپیرار
شما چشم ما رو قبل مرگمون باز کردید.
ازتون خیلی ممنونم

مسلماً در جنگ بین یهود و حماس من مسلمان مجبورم کنار حماس باشم
چون یهود مفهوم و ذات خودش رو در این جنگ نشون داده.

این نه به خاطر حمایت از حکومتهای کشورهای اسلامیه!!!
که به خاطر مردم بی دفاع غزه است.
حماسی که با دست خالی به اسرائیل سنگ اندازی میکنه و باعث کشته شدن اینهمه کودک میشه
یعنی به عبارتی در وضعیت اتفاق افتاده من مسلمان مجبورم در صورت اتفاق افتادن یک جنگ بین مردم بی دفاع مسلمان و یهود همراه مسلمانها باشم. هر چند که نفع این جنگ رو حکومتهای بی انصافی ببرند که سالهاست مردم رو از ذکر نام خدا به عنوان تنها معبود دور نگه داشتند.
این تقصیر یهود و اروپا نیست. تقصیر افرادی مثل ماست که سالها به افرادی اعتماد کردیم که غیر از راه بدر کردن ما کاری نکردند.

نویسنده: یک خواننده

چهارشنبه 18 دی1387 ساعت: 11:47

سلام استاد

معنی واضح و روشن تحلیل شما این است که:
محمود عباس و اسماعیل حنیه با هم هیچ مشکلی نداشته اند و زیر آبی با هم توافق کرده اند که برای سر کار گذاشتن غرب، یک جنگ زرگری راه اندازند.

معنی واضح و روشن تحلیل شما این است که:
طالبان با اعتلاف شمال در افغانستان مشکلی نداشت و برای باز کردن پای آمریکا و خفه کردن آن با هم یک جنگ زرگری راه انداختند.

معنی واضح و روشن تحلیل شما این است که:
ایران و عربستان با هم تفاوت نگرش نداشته و برای انحراف و به سرگیجه انداختن غرب، در دو بوق مختلف می دمند و در عرصه ی فلسطین زیر پر و پال دو جناح مختلف گرفته اند.

معنی واضح و روشن تحلیل شما این است که:
....

اینک می پرسم پس چرا محمود عباس، اسماعیلا هنیه را برکنار کرد؟ چرا طالبان، احمدشاه مسعود را کشت؟ چرا درگیری های ایران و عربستان که از اول انقلاب آغاز شده بود و دمل آن یکبار در جمعه سیاه مکه هم دهان باز کرد کماکان ادامه دارد و....

به گمانم متن شما « تحلیل سیاسی » نیست. آرزوهای یک مسلمان است که دارد در مدینه فاضله خود تصویر می کند که مسلمانان چنین و چنان می کنند و...، حال آنکه واقعیت با تصاویر ایده عال شما از زمین تا اورانوس فاصله دارد و ما هر روز جز اختلاف رهبران مسلمان حتی در جزئی ترین امور مانند تعیین رویت هلال ماه، نظاره گر چیزی دیگر نیستیم .

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 18 دی1387 ساعت: 12:22

آقای یک خواننده. تمام هزینه هایی که مسلمانان برای احمق کردن مشرکین در بیست سال گذشته پرداخته اند، به خریدن گوهری در ازای یک پول سیاه می ماند. دشمنان ما مبهوت همین پیچیدگی شده اند که شما را دچار پرسش های معارض کرده است. کاملا درست می گویید این ها آرزوی یک مسلمان است، اما آرزوهایی که محقق شده و دلیل برآورده شدن آن را ندارید. نباید فریب مظاهر امور را خورد، اصل کشف ماهیت آن است، اگر بتوانید... احتمالا خشم و نه پرسش های شما، از آن روست که همین چند ساعت پیش متوجه قضیه شده اید، آن هم در حالی که با کشتار مسلمانان در غزه، همچنان به تدارک پیروزی بیش تر و نهایی ما مشغولید.

خانم محجبه. به لج بازی شبیه بود. ممنون

آقای علی رضا. مسلمانان ابله گوش به فرمان نیستند و 1400 سال است توطئه های متنوع مشرکین را بی ثمر می گذارند. به اوضاع روزگار نگاه کنید که تنها راه گشوده در مقابل کنیسه و کلیسا، در مقابله با مسلمین، تیر در کردن از سر عصبیت در میان کودکان مشغول بازی است!!؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 18 دی1387 ساعت: 13:31

آقای narniya. ادبیات جهان چند وجهی است. بخشی ادبیات معاصر و متعلق به چند قرن گذشته است، که اعتبار خود را دارد، بخش دیگر آن ادبیات فولکوریک غیر مکتوب است که در حوزه ی محلی و به ندرت بین المللی شناخته می شود وبالاخره ادبیات کهن از قبیل آن مجلداتی است که به داستان و نمایش و فلسفه نویسان یونان و روم می بخشند و تماما قلابی و نو نوشته است.

آقای عدنان و آقای سلام. پاسخ چنین سئوالاتی را باید از قم بپرسید.

نویسنده: علیرضا

چهارشنبه 18 دی1387 ساعت: 14:46

استاد محترم
امیدوارم این گفته های شما حقیقت داشته باشه و بین رهبران کشورهای اسلامی تفاهم برقرار باشه.
در غیر اینصورت واقعاً باید به حماقت افراد مسلمان بخندیم که فردی مثل سارکوزی حین کشته شدن کودکان مسلمان بی تفاوت رفتار میکنه و بعد حمله زمینی اسرائیل و احتمال شکست اسرائیل تقاضای آتش بس به نفع غزه!!!!! میکنه.
گرچه جامعه و جو حاکم چنین مطلبی رو برای ما بازگو نمیکنه ولی امیدوارم یک چنین سیاستی در پشت پرده وجود داشته باشه.

نویسنده: بی نام

چهارشنبه 18 دی1387 ساعت: 14:51

از تحلیل مختصر استاد این نوید خوش را در یافتیم که اندیشمندان ما هوشیارانه باز گشاینده دو جبهه همزمان بیدار ساز خودی و به دام انداز و فناساز ایادی شیطانند. دانستیم انها جنگی عقلانی و تمام عیار برعلیه جبهه ناپاک وپلید یهودیت پست گشوده اند وبا کمال خوشبختی بخشی از این جبهه عملیاتی متعلق به ما بنیان اندیشان است که در شاخه فرهنگی در حال رسوا سازی مکر وحیله مزدوران کنیسه وکلیسا برای ایجاد وحدت قران محوربه راهبری استاد اندیشمندوفرزانه از سلاله خردمندان مسلمانیم .بی شک بخشی دیگر متعلق به برادر غزه ای وعراقی وافغانی ولبنانی و...است که در فاز نظامی این اندیشه بالغ وبارورخرد مندان در حال انجام وظیفه هستند.
مایی که از استاد به خاطر جانب داری از فلسطین ابراز خوشوقتی کردیم دانستیم که جزوی مولدو جدا ناشدنی از این حرکت عظیم فلج سازو بر انداز دیو ناپاک پنجهزار ساله زر و زور معبد داود حالیه به پهنای تمام کره ارض هستیم.و دانستیم که به همت اندیشمندانمان کیدسامریها را به خودشان باز گرداندیم وانچه را به قصد نابودی ما از عفریتهای نفسانی وتعلقات شیطانی خلق کردند مردابی شدکه خودشان را بلعید.
این حلقه تشکیل شده ازعزت و شرف در سطح اندیشمندان ما در حال تسری به احاد مسلمین وایجاد وحدت پاک اسلامی وذلت ایادی شیطان است. پس هر کس به هر بهانه کمترین حس جدایی بین برادر غزه ای یا عراقی یا افغانی یا...یا جبهه فرهنگی و نظامی وسیاست گذاران نمایدباید بداند نه فقط عمق اندیشه های استاد (که درتلاش زدودن تمامی الات وادوات تفرقه است) را درک نکرده بل حتی از فهم خلاصه ای فشرده برای پاسخگویی و اخذ نمره ناپلئونی عاجز است.
همچنین از تحلیل مختصر استاد دانستیم که محمود عباس وحسنی مبارک وسران مرتجع منطقه در دام طرح فرقان هوشمندانه اندیشمندان ما قرار گرفته اند وجزو نفوذیها و به زبان بنیان اندیشان انوسیهای پیکره این امت اند که ان سوی خندق ودر جبهه یهودیت پست قرار دارند.
وسلام علي من تبع الهدي

نویسنده: نادر

چهارشنبه 18 دی1387 ساعت: 16:36

سلام آقای پورپیرار
نظرتان در مورد نقد حافظ احمد شاملو را میخواستم بدانم
باتشکر نادر

نویسنده: صلاح الدین

چهارشنبه 18 دی1387 ساعت: 16:55

با سلام

درخواست شماره حساب کمک به ساخت مستند حضرت نوح را کرده بودم ولی تا حالا به دستم نرسیده ، البته آدرس دقیق بانک نیز ضروری است

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 18 دی1387 ساعت: 18:3

آقای بی نام. اگر چنان که معمول است در این روزگار نیز همانند صدر اسلام در باب خیانت های اعراب به اسلام، از عمر تا پادشاه امارات و عباس در فلسطین، داستان سرایی می کنیم، و اگر این افسانه بافی ها را حقیقت بیانگاریم، آن گاه محل حیرت است که مسلمانان تاکنون برچیده نشده اند؟!!

آقای علی رضا. آمریکاییان برای ممانعت از شکست در عراق و افغانستان دائما به منطقه و به عربستان سفر و حتی مانند بوش برای خوش آمد شیوخ رقص شمشیر کرده اند. خوب چه به دست شان افتاده؟ هیچ! حالا سارکوزی به مصر و یا به اردن و لبنان سر می زند، دست آورد او چیست؟ هیچ! همین مسافرت های طولانی و از آن سر دنیا نشان می دهد که آن ها دائما برای دریافت تخفیف در شکست نهایی به گدایی مسلمانان آمده و به میانجیگری سران ظاهرا معتدل تر آن ها نیازمندند. از خود بپرسید در ماجرای اروپای شرقی و کوزوو، که سرزمینی را در کم تر از دوهفته سوزاندند، چرا کسی به دنبال میانجی نمی گشت؟!

آقای عابدی. به خصوص مواظب او باشید، حریص و دغل است.

نویسنده: عابدی

چهارشنبه 18 دی1387 ساعت: 19:1

با سلام

آقای اتفاق . آیا وبلاگ الناس را بلاگفا حذف کرده است ؟! وقت گذاشته بودم مطلب اخیر تان را امروز بخوانم که در هنگام ورود به وبلاگ با صفحه "وبلاگی با این آدرس پیدا نشد" برخوردم.

نویسنده: رهگذر

چهارشنبه 18 دی1387 ساعت: 19:9

استاد گرامی. من نفهمیدم بلاخره از نظر شما ما خائن و خیانت کاری در میان رهبران کشورهای اسلامی داریم یا نه؟ یعنی انور سادات خائن بود یا نه؟ و آیا شهید خالد اسلامبولی که او را به جهنم فرستاد جز وظیفه اش کاری انجام داد؟
همانطوریکه شما به وظیفه تان در برابر خائنان آنوسی و غیر آنوسی عمل می کنید؟

نویسنده: نسرین

چهارشنبه 18 دی1387 ساعت: 20:36

سلام آقای پورپیرار

چرا بعضی از قبایل مثل افشارها-قزلباشها-شاملوها و... در کشورهای مختلف به زبانهای گوناگون صحبت میکنند
مثلا:افشارها در افغانستان به زبان فارسی-در ایران به زبان ترکی و در ترکیه به زبان کرمانجی صحبت میکنند؟
حتی در داخل ایران هم این گوناگونی وجود دارد:مثلا قبایل جلالی-میلان-شکاک(شقاق)-قره چورلو و... در آذربایجان غربی و خراسان شمالی به زبان کرمانجی و در آذربایجان شرقی به زبان ترکی تکلم میکنند؟!
این گوناگونی زبان یک قبیله خاص در نتیجه تغییر زبان طبیعی صورت گرفته و یا انتخاب زبان برای این قبایل در کشورهای ذکر شده برنامه ریزی شده و عمدی بوده ؟

همچنین وجود زندگی به صورت عشایری آیا میتواند نشاندهنده مهاجر بودن و تازه وارد بودن این افراد باشد (زندگی کوچنشینی بدون استثنا در بین تمام اقوام ایرانی دیده میشود و بسیاری از مردم ایران در ابتدا به صورت کوچنشین بوده اند و بعدها روستا نشین و شهر نشین شده اند) یا افراد میتوانند مثلا از 2500 سال پیش وارد کشوری و یا منطقه ای شده باشند و همچنان تا امروز نیز بخشی از آنها زندگی کوچنشینی و حتی غارنشینی داشته باشد؟

نویسنده: بی نام

چهارشنبه 18 دی1387 ساعت: 20:41

با اجازه جناب رهگذر سئوال شما را تکرار می کنم چون همین ابهام برای بنده نیز پیش آمده است.

استاد گرامی. من نفهمیدم بلاخره از نظر شما ما خائن و خیانت کاری در میان رهبران کشورهای اسلامی داریم یا نه؟ یعنی

انور سادات خائن بود یا نه؟ و آیا شهید خالد اسلامبولی که او را به جهنم فرستاد جز وظیفه اش کاری انجام داد؟
همانطوریکه شما به وظیفه تان در برابر خائنان آنوسی و غیر آنوسی عمل می کنید؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 18 دی1387 ساعت: 21:20

خانم نسرین. پاسخ شما در متن سئوال تان پنهان است. آیا ممکن است ملتی با تاریخی کهن، که 2500 سال آن را مسلم می گویند، غالبا بل تماما عشیره نشینانی با فرهنگ بومی باشند و هنوز هم نتوان اثری از هنر و زبان و معماری و موسیقی و لباس و سنت های مشترک و ملی در میان آن ها یافت؟! بیش تر حوصله کنید مطالب به تدریج و به خواست خداوند روشن خواهد شد.

آقای رهگذر و آقای بی نام. همگی از مطالب و حوادث و تحلیل های روزنامه ها باخبریم. می پرسم آیا صدام خائن به اسلام و مسلمین و عبدالناصر مدافع آن ها بود؟! تنوع رفتار و عقاید در میان سران کشورهای اسلامی و از جمله مسئولان ایران در دو دهه ی گذشته تا به حدی بوده است که کشف جریان ثابت و برقرار و قابل اتکایی برای دشمن مشرک پیوسته نیازمند رایزنی های کارشناسانه ی بی حاصل بوده است. عادت کرده ایم بر صاحبان راه کارهای گوناگون، به محض آن که با شیوه ما همخوان و مشترک نباشد، برچسب خیانت زنیم. اگر دایره ی این خیانت را حتی به مسائل سیاسی محدود می کردیم، هنوز چندان موجب شماتت نبود، مشکل این است که دیگران را به سرعت از تعلق به اسلام نیز خلع می کنیم، حتی اگر مومنی عمیقا یکتا پرست بوده باشد. مورخ به عمده نظر دارد و اشخاص را یکی یکی به میز محاکمه نمی خواند و معتقد است در ماجراهای جهان اسلام که در دو دهه ی اخیر گذشته، و نتیجه و برآیند نهایی آن، نشانی از هدایت های الهی دیده می شود که ابزارهایی را به صورت انور سادات، یاسر عرفات و یا محمود عباس به پایتخت آمریکا فرستاده است. آیا همگی خائن و غیر مسلمان بوده اند؟!! به بنیان بنگرید و از یاد مبرید که خداوند برترین مکار است.

نویسنده: نسرین

چهارشنبه 18 دی1387 ساعت: 21:20

همچنین آیا تمدن نتیجه شهرنشینی نیست(مدنیت=شهری شدن) پس آیا مردمی که تا همین اواخر در بدویت زندگی میکردندمیتوانستند صاحبان تمدن های شهری خاورمیانه باشند؟
زندگی کوچنشینی و غارنشینی انواعی از زندگی های اولیه بشری محسوب میشوند آیا این نوع زندگی اکثریت مردم ایران و سایر مردم منطقه تا سالهای نه چندان دور نشاندهنده این موضوع میتواند باشد که این مردم از نقاط دور افتاده کره زمین به این مناطق آورده شده اند؟

نویسنده: xy

چهارشنبه 18 دی1387 ساعت: 18:18

سوال هایی که از بچه 5 تا 10 ساله پرسیدن در مورد عشق10 دی 87 - 02:31
بهترین سن برای ازدواج چند سالگی است؟
«۸۴سالگی! چون در آن سن مجبور نیستید کار کنید و می‌توانید هی دراز بکشید و فقط همدیگر را دوست داشته باشید.» جودی، 8 ساله

«مهدکودکم که تمام بشود، می‌روم و برای خودم دنبال زن می‌گردم!» تام، 5 ساله

در اولین قرار ملاقات، زن و مردها به هم چه می‌گویند؟

«در اولین قرار ملاقات فقط به هم دروغ می‌گویند و این معمولا باعث می‌شود که از هم خوش‌شان بیاید و یک قرار دوم بگذارند.» مایک، 10 ساله

مساله حیاتی: بهتر است آدم ازدواج کند یا مجرد بماند؟

«دخترها بهتر است مجرد بمانند، اما پسرها باید ازدواج کنند چون یک نفر را لازم دارند که دنبالشان راه بیفتد و تمیز کند!» لینت، 9 ساله

«بابا این چیزها سردرد می‌آورد. من فقط یک بچه‌ام. من همچین بدبختی‌هایی نمی‌خواهم.» کنی، 7 ساله

چرا دو نفر عاشق هم می‌شوند؟

«هیچ کس نمی‌داند چه اتفاقی می‌افتد، ولی من شنیده‌ام که یک ربطهایی به بویی که آدم می‌دهد دارد، برای همین است که مردم این قدر عطر و ادکلن می‌خرند.» جین، 9 ساله

«می‌گویند یکی به قلب آدم تیر می‌زند و این حرف‌ها، ولی مثل اینکه بقیه‌اش این قدر درد ندارد.» هارلن، 8 ساله

عاشق شدن چطوری است؟

«مثل یک بهمن که برای زنده ماندن باید زود از زیر آن فرار کنی.» راجر، 9 ساله

«اگر عاشق شدن مثل یادگرفتن حروف الفبا سخت است، من یکی که نمی‌خواهم. خیلی طول می‌کشد.» لئو، 7 ساله

نقش خوش‌تیپی در عشق

«اگر می‌خواهید کسی که در حال حاضر جزئی از خانواده‌تان نیست، دوستتان داشته باشد، خیلی مهم نیست که خوشگل باشید.» ژوانه، 8 ساله

«فقط قیافه مهم نیست. من را نگاه کنید. خیلی خوش‌تیپم. اما هنوز کسی پیدا نکرده‌ام که با من ازدواج کند.» گری، 7 ساله
«زیبایی یک چیز ظاهری است، نمی‌تواند خیلی ماندگار باشد.» کریستینه، 9 ساله

نویسنده: xy

چهارشنبه 18 دی1387 ساعت: 18:18

چرا عشاق دست هم را می‌گیرند؟

«می‌خواهند مطمئن شوند که حلقه‌هایشان نمی‌افتد، چون خیلی بالایش پول داده‌اند.» دیو، 8 ساله

عقاید محرمانه درباره عشق

«من عشق را دوست دارم، فقط به شرطی که وقتی تلویزیون کارتون می‌دهد، اتفاق نیفتد.» آنیتا، 6ساله

«عشق آدم را پیدا می‌کند، حتی اگر خودت را از آن پنهان کنی. من از 5 سالگی تلاش می‌کنم که خودم را از آن پنهان کنم ولی دخترها مدام پیدایم می‌کنند.» بابی، 8ساله

«خیلی دنبال عشق نیستم. فکر می‌کنم کلاس چهارم بودن به اندازه کافی سخت هست.» رژینا، 10 ساله

ویژگی‌های شخصی برای اینکه عاشق خوبی باشید

«یکی از شما باید بلد باشد که خوب چک بنویسد، چون حتی اگر صد هزار کیلو هم عشق داشته باشید، باز هم یک قبض‌هایی هست که باید پرداخت کنید.» آوا، 8 ساله

راه‌هایی که می‌شود کسی را عاشق خودتان کنید

«به آنها بگویید که فروشگاه‌های زنجیره‌ای شکلات دارید.» دل، 6 ساله

«یک سری کارها را نکنید مثلا اینکه کتانی سبز بدبو داشته باشید... ممکن است با این کارتان توجه کسی را جلب کنید اما توجه، عشق نیست. » آلونزو، 9 ساله

«یکی از راه‌هایش این است که دختر مورد نظر را برای غذاخوردن بیرون دعوت کنید. حتما یک چیزی بخرید که دوست دارد؛ مخصوصا سیب‌زمینی سرخ کرده.» بارت، 9ساله

چطوری می‌شود فهمید دو تا آدمی که توی رستوران غذا می‌خورند عاشق هم هستند؟

«فقط نگاه کنید و ببینید که مرد صورت حساب را برمی‌دارد یا نه. این راهی است که می‌شود فهمید عاشق شده یا نه.» جان، 9 ساله

«عاشق‌ها فقط به هم خیره می‌شوند و غذایشان سرد می‌شود. بقیه بیشتر به غذا توجه می‌کنند.» براد، 8 ساله

«اگر یکی از آن دسرهایی سفارش بدهند که با آتش درست می‌کنند، عاشقند. چون یعنی قلب خودشان هم آن جوری است... توی آتش» کریستینه، 9 ساله

وقتی مردم می‌گویند: دوستت دارم، به چه فکر می‌کنند؟

«به خودشان می‌گویند: بله واقعا دوستش دارم. ولی کاش می‌شد حداقل روزی یک بار دوش بگیرد.» میشله، 9ساله

چطور می‌شود عاشق ماند؟

«اسم زنتان را فراموش نکنید... این کار کل عشق را نابود می‌کند.» راجر، 8 ساله
«همسرتان را زیاد ببوسید. این کار باعث می‌شود او یادش برود که شما هیچ وقت آشغال را بیرون نمی‌گذارید.» رندی، 8ساله

نویسنده: رهگذر

چهارشنبه 18 دی1387 ساعت: 21:50

استاد ارجمند. فرمایش شما مثل همیشه متین و روشنگر بود و من به سهم خودم با این قسمت از سخن شما مخالفتی ندارم. در عرصه سیاسی راهکارها و تشخیصهای درست یا نادرست متعددی میان رهبران کشورهای اسلامی وجود داشته و دارد، اما نمی توان منکر وجود عناصر خائن و آنوسی و اسلام و وطن فروش در میان مسلمانان شد. بیخ چشم و گوش من و شما تفاله ای مثل شاه مدفون بر مسلمانان حکومت می کرد که مسلمانان ایران او را به رهبری امام خمینی به زباله دان تاریخ فرستادند. نظیر او هنوز هم هستند و تصدیق می فرمایید که ابله بی خاصیتی چون او مطلقا قابل قیاس با صدام یا ... نبوده و نیست. کسی که ... اسرائیل را می شوید و به مسلمانان خیانت می کند شایسته اعدام انقلابی و فرستاده شدن به درک است چه شاه ایران چه انورسادات. امروز هم مسلمانان بیشماری از جمله در مصر آرزو دارند خالد اسلامبولی باشند و تردید ندارم شما هم اگر مجالی دست دهد، ذره ای در استفاده از روشهای اسلامبولی ها تردید نخواهید کرد.

نویسنده: من

چهارشنبه 18 دی1387 ساعت: 23:19

استاد خمیرش ور نیامد؟ در ده ماه چند ساعت برای ور آمدن خمیر کافی است.نمی دان چرا تو شهر چند روز هم کم است!
خیلی ارادات داریم البته.

نویسنده: حسین محمدی

چهارشنبه 18 دی1387 ساعت: 23:36

بخش انگلیسی سایت مرکز اطلاع رسانی فلسطین فیلتر شد
http://www.rajanews.com/detail.asp?id=22766

نویسنده: بی نام

پنجشنبه 19 دی1387 ساعت: 0:9

استاد عزیز جناب آقای پورپیرار سلام علیکم
اینکه اراده باریتعالی فائق برهر اراده وخواست است جزواعتقادات ایمانی ماست ما چیزی جز اراده خداوند در رخدادها نمی

بینیم ولی باید آگاه باشیم که عالم صحنه شطرنج باریتعالی نیست که به موقعیتها ورعایت انصاف در جبهه متمایل به ذات خویش مهره ها راحرکت دهد بل نظام اللهی بر نهاده های متکی بر ذات اقدسش است که معنی دهنده جبهه مقابل وباطل نیز هست و ان نیز(اگر متهم به عرفان کابالایی نشوم) از مخلوقات خود اوست.واینجاست که مفهوم به هم ریخته جبر واختیار معنی پیدا می کند, در محتومییت وجبر وعده باریتعالی به پیروزی جبهه حق بر باطل اختیار تام در انتخاب جبهه به دست خودمان است.واز دیگر قوانین باریتعالی تتبع از قانون کلی نسبیت است و قطعیتی در انتساب به جبهه ای وجود ندارد الا در قیاس مقطعی عملکردها که چقدر با جبهه شر در تعارض یا اتفاق باشد.
با این تفاصیل انصاف نیست که صدام را کافر بنامیم چون ایشان علیرغم عدم ارسال هر گونه سیگنال اسلامی خدمات ارزنده ای به جبهه حق نمود شاید بعضی از دوستان به یاد داشته باشند که ایشان برای پیشگیری از سیطره یهودیان بر سر زمینهای اسلامی توان سوزی عظمی نمودو27هزار نیروی عراقی را در جولان سوریه فدای جبهه حق نمود.موشک باران اسرائیل را همه به یاد دارند.ان توپ در حال ساخت ایشان را نیز همه به یادداریم که از پس نابودی ان توسط نیروهای امریکایی چه ولوله ای از شور وشادی در بین یهودیان به پا کرد.ولی ایکاش خود داری بیشتری در حمله به ما از خود نشان میداد.
جمال عبد الناصر هم علیرغم اعتقاد به اتحاد ناسیونالیستی در عرصه نبرد با جبهه باطل معتدی ذره ای تامل نکرد اورا نیز علیرغم اعتقاد به عدم فرق بین سلاح امریکایی و روسی نمی توان کافر یا در جبهه باطل وخائن دانست.
یا سید قطب که به دست همین ناصر کشته شد را آیامی توان خائن ودر جبهه باطل قرار داد بی شک خیر.
به هر حال فکر می کنم واجب می نماید که تاریخ معاصر راز پس بحثهای جاری ارائه بنمایید .
با این توصیفات تطابق اراده اندیشمندان با اراده اللهی در بنیان کنی باطل و یهودیت پست مشاهده می کنم.
استادهم اکنون از اخبار شنیدم نیروهای فلسطینی ناوچه پیشرفته ساعر را هدف قرار دادند انشا الله مبارک است.

۱ ۲ ۳ >>

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

بازنويسي ثبت نظر

ایران شناسی بدون دروغ، 193، مقدماتی بر نتیجه، 1، بازبینی مجدد بررسی های پیشین - 103 نظر

نویسنده: مارلیک

پنجشنبه 19 دی1387 ساعت: 0:55

سلام استاد

تحلیلتان بسیار عالی بود اما
فرموده اید: "دو دهه است خردمندان و سیاستمداران مومن جهان اسلام، غرب را به بازی ویژه ای گرفته اند"
در بازی خوردن و گیج شدن غرب هیچ تردیدی نیست ولی به نظر می رسد که کارگزاران این بازی نه خردمندان و سیاستمداران مومن جهان اسلام!! که خداوند می باشد
بدین صورت که تفرقه ای را که خود در میان مسلمین به راه انداختند اینک گریبانشان را گرفته و این اختلافات تا حدی است که حتی کلیسا وکنیسه که بوجود آورنده این اختلافات است نیز سر از کار اینان در نمی آورند

آنها مکر کردند ولی مکرشان به خودشان برگشت و درست زمان نتیجه گیری از 400 سال توطئه مداوم و بی وقفه شان علیه اسلام و حتی جهان چنین سرگشته و عصبانی شده اند که چرا برنامه های بی نقص آنان به هنگام بار دادن نتیجه معکوس می دهد

وَمَكَرُواْ وَمَكَرَ اللّهُ وَاللّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ (آل عمران 54)

وَمَكَرُوا مَكْرًا وَمَكَرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (نمل 50)

نویسنده: اللهوردی

پنجشنبه 19 دی1387 ساعت: 14:14

استاد گفتید
اما بدانید که کوچک ترین اشاره نقادانه به حماس با همصدایی با یهودیان یکسان است.

سوال اینکه:
ما طبق قرآن از یهود حمایت نمیکنیم.
آیا باید از رهبران خائن و دوست نادان حمایت کرد؟

نویسنده: رضا

چهارشنبه 25 دی1387 ساعت: 16:10

با سلام
مطالب سایت شما بسیار گسترده بود، دنبال مطلبی در مورد وهابیت بودم. اگر نیست، لطفا نظر خود را بفرمایید.

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 194

ایران شناسی بدون دروغ، 194، نتیجه، 2، بازبینی مختصر اقوال در باب صفویه و عثمانی و تشیع - 70 نظر

نویسنده: رحمانی

پنجشنبه 19 دی1387 ساعت: 20:43

با سلام خدمت همگی

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ
به یاد پوریم زدگان و رخداد پلید و ویرانگر پوریم و به امید شناخت کامل پوریم و مشرکان پوریم ساز

با سلام و خسته نباشید خدمت ابرمرد تاریخ شرق میانه
ما فقط و فقط می توانیم بگوییم
اجرکم عند الله

استاد خستگی ناپذیر تحلیلتان بسیار عالی ، موجز ، کلان ، عجیب ، ظریف و کامل بود،
البته به عنوان پیش فرض باید شرایط بحث های "خرد" و "کلان" را شناخت ... .
باید گفت درد تمام خرافاتی را که در این روزها از سوی افرادی ناآگاه به نام مداح شنیده بودم را فراموش کردم

طبق روابط آبجکتیو ، در دنیا ساختار درختی برقرار است و نودهای فرزند در خدمت نود بالاتر هستند یعنی طوری این آبجکتها طراحی شده اند که در حالت کلان تمام تلاشها و حرکات و زحمات نودهای پایین دست ، در نهایت در خدمت نود بالاتر خواهد بود و نکته این طراحی آنجاست که حرکاتی که با ماهیت نود بالاتر هماهنگ است و سازگار ، ماندنی و مخالفان از بین رفتنی هستند ،ضمن اینکه حرکات حیات آور نیز توسط این آبجکتها زائیده می شوند ، توجه کنید این خاصیت در ذات آبجکتها وجود دارد پس هر آبجکتی سربازی از سوی خداوند است!
و البته این مخالفتها نمی تواند همیشگی باشد چرا که آبجکتها خود به خود مخالفان را حذف می کنند، در واقع خود را ترمیم می کنند.
و بهتر است بدانیم که حرکات مخالف بعضی اوقات دقیقا نتیجه اشان ، تقویت کنندگی حرکات موافق است!
حرکاتی که با ماهیت نودهای بالاتر سازگار نباشند از بین می روند، یعنی ما چه دلمان بخواهد چه نخواهد این قانون آبجکتها است.

نویسنده: رحمانی

پنجشنبه 19 دی1387 ساعت: 20:43

به نظر من ان الباطل کان زهوقا را از این منظر بررسی کنید بهتر درک می شود
البته این نظر من است با استفاده از روابط آبجکتیو!؟
بگذریم ...

وقتی در عین بی نظمی ، انسجام آبجکتیوی بسیار قوی بین این آبجکتها و این حرکات را می بینیم دو راه بیشتر نداریم یا این انسجام را تصادفی بدانیم یا هدایت شده!
اگر تصادفی یا خرد بدانیم لاجرم در بازه های کوچک باید مشاهده شوند و گسسته! نه در بازه های بزرگ زمانی، آنهم منسجم؟! این چه "اتفاقی" بودنی است که در صدها سال به طور مداوم و چون جریانی مشخص ادامه داشته؟ووو

به نظر من این بخشی از همان نکته ظریف و بسیار زیبایی است که استاد خستگی ناپذیر اینگونه فرموده اند:
دو دهه است خردمندان و سیاستمداران مومن جهان اسلام، غرب را به بازی ویژه ای گرفته اند ...

این انسجام، در عین بی نظمی و آشفتگی، آیا تداعی کننده این قول خداوند بزرگ در قرآن بزرگ نیست که :
می‌خواهند نور خدا را با سخنان خویش خاموش کنند ولی خداوند نمی‌گذارد تا نور خود را کامل کند هر چند کافران را خوش نیاید (32توبه)

به راستی که ، خداوند مشرکان را به بازی گرفته تا این ابلهان دیگر نگویند::
و یهود گفتند دست‌خدا بسته است دستهای خودشان بسته باد و به [سزای] آنچه گفتند از رحمت‌خدا دور شوند بلکه هر دو دست او گشاده است هر گونه بخواهد می‌بخشد ... .

بله وقتی به صورت کلان به این حرکات (حرکات مسلمانها) نگاه می کنیم گو اینکه واقعا اینها با هم هماهنگند!
و در جریانی خاص حرکت می کنند.
با اینکه در ظاهر و در نگاهی گذرا و خرد، دشمن هم به حساب می آیند!؟
اگر از این منظر به سخنان استاد نگاه کنیم آنها را خلاف و ناقض هم نمی یابیم!

نویسنده: رحمانی

پنجشنبه 19 دی1387 ساعت: 20:44

بعبارتی دیگر این دو موضوع در دو سطح مختلف هستند
در نگاه خرد، ناقض هم هستند اما در سطحی بالاتر و کلان در جهتی خاص در حرکتند
ضمن اینکه اگر ما مسلمانها با هم هماهنگ تر باشیم آنها زودتر به انتها می رسند و متعاقب آن زجر و کشته و سختی و منابع ووو کمتری را از دست می دهیم !
هر چه ما با هم اختلاف داشته باشیم (یعنی همین وضعیت کنونی) آنها مجال بیشتری خواهند یافت، چنانکه استاد خستگی ناپذیر نیز قبلا گفته بودند که اینها با این کارها فقط سرنوشت خود را به تاخیر انداخته اند همین!؟
توجه داشته باشید، اگر شما نتایج و الزامات بحثهای کلان را بگویید و چنانچه مخاطب شما تفکری خرد داشته باشد،جزء تناقض چیزی نخواهد فهمید!

بگذریم...
مثلا سه طرح پیاده می شود، هر سه برای از بین بردن اسلام و اتفاقا با حساسیت هم پیاده می شوند اما
درصدی از برآیند این سه در خدمت اسلام قرار می گیرد! عجیب است اما همین گونه است،،، متاسفانه یهودیان برخلاف
ادعایشان زیاد هم حرفه ای نیستند که اگر می بودند می دانستند که جنگ با خدا نا مفهوم و بی معنی است!؟ و از اینهمه
ناکامی درسی می گرفتند ،پس حتی ادعای برتری (مادی و فکری) آنها هم در بازه ای مشخص و البته بسیار کوچک در
مقایسه با کل عمر بشر می باشد
راستی اگر مشرکان نجس و حمار نیستند و حق هستند ، چرا همواره در حال لاپوشانی و دروغ بافی در مورد اعمال خود
هستند؟

نویسنده: رحمانی

پنجشنبه 19 دی1387 ساعت: 20:44

در مورد طرحهایی هم که مشرکان برای مسلمانها کشیده اند دقیقا اینگونه است در تسلسلی مرگبار قرار دارند هرچقدر هم
طراحان این نوع حرکات حرفه ای باشند باز تاثیری در این قانون ندارد و نهایتا تمام افعال در خدمت نود بالاتر خواهد بود یعنی
در این نوع طراحی ای که در دنیا و آبجکتها می بینیم ما هم یک آبجکت هستیم و تسلیم این قانون ، هر حرکتی مخالف
خواسته نودهای بالاتر، محکوم به فنا است
اشتباه مسلمی که گروه مشرکان دارند همین است ، چرا که آنها فکر می کنند با دقت بیشتر و طرحی بهتر می توانند از
شکست رهایی یابند، غافل از اینکه این قانون خدا است که در طبیعت و آبجکتها است و آنها که خود از این آبجکتها و طبیعت
هستند و آبجکتی از نودهای پایین تر و مسلما هر چه دارند متعلق به نودهای بالاتر است، چطور است که می خواهند حرفه
ای تر از نودهای بالاتر عمل کنند ، مگر می شود؟، مسلما نود بالاتر که به وجود آورنده این نودهاست خود کامل تر از این
خواص را دارد
وَمَكَرُواْ وَمَكَرَ اللّهُ وَاللّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ

اشتباهی می کنید ، بعد اشتباه دوم را می کنید تا اشتباه اول را جبران کنید بعد از مدتی آثار زیانبار اشتباه دوم نمایان می
شود ، اشتباه سوم را می کنید تا آن را پنهان کنید و این دور همچنان ادامه می یابد.
ظاهرا یهودیان هم در چنین دوری گیر افتاده اند ووو .

نویسنده: رحمانی

پنجشنبه 19 دی1387 ساعت: 20:45

ووووو
اینهمه تلاش برای ساختن فرقه های مختلف در اسلام ، اینهمه تلاش برای از بین بردن قرآن ، اینهمه تلاش برای خفه کردن
مسلمانها، اینهمه تبلیغ علیه اسلام ووو اما "گویا قرار نیست که ... " اسلام از بین برود،
اما "گویا قرار نیست که ... " قرآن از بین برود، اما "گویا قرار نیست که ... " مسلمانها خاموش شوند،
اما "گویا قرار نیست که ... " مشرکان نفس راحت بکشند، اما "گویا قرار نیست که ... " آمال مشرکان به واقعیت بپیوندد ،

باز هم در قرن 21 یعنی قرنی که مشرکان طبق طرحهای خود باید دایره تنبک بردارند و به حال مسلمانان بخندند و نقشه ها
و تلاشهای آنوسی هایشان به بار بنشیند، مسلمانانی از همان پدران پرورش یافته در یهودساخته ها و فرقه باز خود به دنیا
می آیند که تبلیغ یکتاپرستی محض می کنند و به همه این فرقه ها پشت کرده و تسلیم بی چون و چرای حق می شوند تا
مشرکان در تسلسل مرگبار دیگری ، دوباره راه نجات غلطی، غلط تر از غلط های گذشته را ، به عنوان راه رهایی بیابند. الله
اکبر

"و اگر نبود، روشنگریهای استاد کامل، ما هم در بهترین حالت کدخدامنشی بیش ، نمی شدیم!!! چنانکه اینهمه مسلمان
مخلص ،کدخدامنشی بیش نشده اند؟!

با تشکر فراوان

نویسنده: فتح

جمعه 20 دی1387 ساعت: 0:57

اعتراض زرتشتیان به 'توهین' به نشان فروهر در فیلم ایرانی

http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2009/01/090107_si-farvhar-movie.shtml

نویسنده: حذف

پنجشنبه 19 دی1387 ساعت: 21:41

سلام
اگر یزدی ها در صد سال پیش هنوز مفهوم کشور را نمی دانند پس ببینید اعراب تا چه اندازه متمدن و فرهیخته و به جغرافیای منطقه مسلط بوده اند که 1400 سال پیش ، ایران را تا کوچه پس کوچه های گرگان و خراسان می شناخته و می دانسته اند که مشغول کشور گشایی اند!!! و تازه ایران تنها هم نبوده از موقعیت ممالک شمال آفریقا هم تا پشت آخرین تل شن خبردار بوده اند.
در پناه حق باشید.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 20 دی1387 ساعت: 6:39

آقای فتح. مقدمه کتاب هخامنشیان را، که نخستین کتاب از مجموعه ی تاملی در بنیان تاریخ ایران است، دوباره بخوانید. در آن جا ده سال پیش نوشته ام که مورخ و محقق دین و مذهب و سرزمین و حتی خانواده ندارد و به امر و علاقه ای متعلق نیست، آن جا نوشته ام که تعلق از محقق یک فریب کار می سازد. بنا بر این در این جا مظاهری نو از تاریخ علنی می شود که پیش تر عامدانه و برابر برنامه مخفی مانده بود. همین. در باب اعتراض زردشتیان نیز بد نیست به تمثیلی رجوع کنید که می گوید: به بدهکار که رو بدهید طلبکار خواهد شد.

آقای رحمانی. مسلمین از اندونزی تا لیبی و مراکش و آمریکا و آفریقا به نظم کنیسه و کلیسایی موجود جهان معترض اند و در این باب در جهان پیش تاز و پرچم دارند. این اعتراض گرچه صورت های مختلف دارد و از تخریب برج های دو قلو تا سخن رانی دانش جویی در مالزی و استفاده از بمب های انفجاری، گوناگون است، اما تمام این ها در نگاه از بالا اعضای یک ارکسترند که ترانه ی واحدی را با تفنگ و تعارف و قلم می نوازند. انصافا نگاه کنید ما سران عرب را سرسپرده ی دشمن معرفی می کنیم ولی شاهدیم عالی رتبه ترین نمایندگان دشمن در باب تعیین تکلیف با جنبش مردم فلسطین و عراق و لبنان و افغانستان حتی در پشت درهای بسته هم نمی توانند با این سرسپردگان علیه مسلمانان به توافق های اصولی برسند. آیا هیچ رهبر عرب و یا مسلمان تاکنون مدعی شده است که سرزمین های غصبی فلسطین متعلق به یهودیان است و یا حتی هیچ رهبر عرب و غیر عرب مسلمان به استثنای مشایی و مدافع اش تاکنون اسرائیلیان را یک ملت شایسته ی احترام خوانده است؟!!

آقای دیاکو. پیش از این در باب مطلب شما پاسخ کامل گذارده ام. بیابید و بخوانید.

نویسنده: رضا

جمعه 20 دی1387 ساعت: 9:38

مفاتيح الجنان يكي از كتب ادعيه معروف شيعه مي باشد كه هميشه همراه زوار شيعه در اماكن مقدس ديده مي شود، جالب است بدانید که این کتاب مملو از کفریات و شرکیاتي است و حتی تحریف قرآن کریم می باشد.

يكي از علماي شيعه حاجی میرزا حسین نوری صاحب کتاب «مستدرک الوسائل» می‌باشد، و او کتابی نوشته است بنام: «فصل الخطاب في تحريف كتاب رب الأرباب» و کتاب الله قرآن کریم را تحریف شده می‌داند، و به نوشتن آن کتاب چشم یهود و نصاری را روشن نموده و می‌گوید قرآن کم و زیاد شده، مانند: تورات و انجیل، و اتفاقاً صاحب کتاب مفاتیح الجنان با استاد خود!! میرزا حسین نوری هم عقیده است، زیرا در مفاتیح در اعمال روز جمعه می‌نویسد: «و بدانکه از برای خواندن آیة الکرسی علی التنزیل در روز جمعه فضیلت بسیار روایت شده»، و در حاشیة آن می‌نویسد: «علامة مجلسی فرموده که بروایت علی بن ابراهیم و کلینی آیه الکرسی علی التنزیل چنین است: «...

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 20 دی1387 ساعت: 10:50

آقای نارنیا. چند باری و به مناسبت های گوناگون در همین باب توضیح داده ام، مبنی بر این که دومین ویران کننده ی کامل اورشلیم، خلاف تبلیغات موجود، اسکندر بوده است و نه آنتیخیوس چهارم. انهدام اورشلیم به دست اسکندر چنان ابعادی داشت که یهودیان را تا زمان جنگ جهانی دوم آواره نگهداشت. یهودیان لعنت کردن اسکندر را مقدم بر سرزنش بخت النصر می گیرند و از شگردهای آنان یکی همین انتساب دروغین آتش زدن تخت جمشید به دست اسکندر و شعله ور کردن خشم ایرانیان نسبت به اوست که متاسفانه روشنفکران ما در این مقوله پیش تازند. از آداب کنیسه ها در هر روز شنبه یکی هم لعنت کردن اسکندر است. برای آشنایی کامل تر با این مبحث بخش "آکادمی" در کتاب سوم "پلی بر گذشته " را بخوانید. از دیگر دلایل محبوبیت اسکندر در منطقه، ساخت و سازهای فراوانی است که به نام او باقی مانده. این مطلبی کاملا قابل اثبات است که در زمان اسکندر در سراسر ایران کنونی جز خرابه های ناشی از پوریم چیزی نبوده است که کسی را برای

تصاحب آن وسوسه کند. در واقع دریافت درست از زوایای تاریخ ایران و منطقه منحصرا با جذب کامل رخ داد پلید پوریم مرتبط است.

آقای رضا. چنین نیست که تنها شیعه را موجب سلب توجه مسلمین از قرآن کریم بدانیم. در بخش کتاب خانه ی تاریخ اسلام از همان سایتی که لینک داده بودید و نگاه اش متعلق به اهل سنت بود حتی سطری مطلب تحریف ناشده در باب تاریخ اسلام نبود. باید برای تصحیح کلی و عمومی روش ها، محض و مطلق فرقه گری را مردود گرفت و نه این که به سود فرقه ای، فرقه ی دیگر را کوفت.

نویسنده: یه نفر

جمعه 20 دی1387 ساعت: 8:36

این یعنی امروز هم میشه بهتر از خود دیوان های این شویعران شعر ناب فارسی گفت.آدم فک می کنه که سراینده این دواوین هنوز زنده است و تو یه زیرزمین هنوز به شغل شاعری مشغوله! البته امیدوارم تکراری نباشه

تا حالا فکر کردید اگه زمان شاعرای قدیمی تلفن و پیغام گیر وجود داشت ،شاعرا واسه پیغام گیرشون چه متنی رو میذاشتن:

پیغام گیر حافظ :
رفته ام بیرون من از کاشانه ی خود غم مخور!
تا مگر بینم رخ جانانه ی خود غم مخور!
بشنوی پاسخ ز حافظ گر که بگذاری پیام
زآن زمان کو باز گردم خانه ی خود غم مخور !

پیغام گیر سعدی:
از آوای دل انگیز تو مستم
نباشم خانه و شرمنده هستم
به پیغام تو خواهم گفت پاسخ
فلک را گر فرصتی دادی به دستم

پیغام گیر فردوسی :
نمی باشم امروز اندر سرای
که رسم ادب را بیارم به جای
به پیغامت ای دوست گویم جواب
چو فردا بر آید بلند آفتاب

پیغام گیر خیام:
این چرخ فلک عمر مرا داد به باد
ممنون توام که کرده ای از من یاد
رفتم سر کوچه منزل کوزه فروش
آیم چو به خانه پاسخت خواهم داد!

پیغام گیر منوچهری :
از شرم به رنگ باده باشد رویم
در خانه نباشم که سلامی گویم
بگذاری اگر پیام پاسخ دهمت
زان پیش که همچو برف گردد رویم!

پیغام گیر مولانا :
بهر سماع از خانه ام رفتم برون.. رقصان شوم!
شوری برانگیزم به پا.. خندان شوم شادان شوم !
برگو به من پیغام خود..هم نمره و هم نام خود
فردا تو را پاسخ دهم..جان تو را قربان شوم!

پیغام گیر بابا طاهر:
تلیفون کرده ای جانم فدایت!

الهی مو به قوربون صدایت!
چو از صحرا بیایم نازنینم
فرستم پاسخی از دل برایت !

نویسنده: یه نفر

جمعه 20 دی1387 ساعت: 8:36

پیغام گیر نیما :
چون صداهایی که می آید
شباهنگام از جنگل
از شغالی دور
گر شنیدی بوق
بر زبان آر آن سخن هایی که خواهی بشنوم
در فضایی عاری از تزویر
ندایت چون انعکاس صبح آزا کوه
پاسخی گیرد ز من از دره های یوش

پیغام گیر شاملو :
بر آبگینه ای از جیوه ء سکوت
سنگواره ای از دستان آدمیت
آتشی و چرخی که آفرید
تا کلید واژه ای از دور شنوا
در آن با من سخن بگو
که با همان جوابی گویم
تآنگاه که توانستن سرودی است
پیغام گیر سایه :
ای صدا و سخن توست سرآغاز جهان
دل سپردن به پیامت چاره ساز انسان
گر مرا فرصت گفتی و شنودی باشد
به حقیقت با تو همراز شوم بی نیاز کتمان

پیغام گیر فروغ :
نیستم.. نیستم..اما می آیم.. می آیم ..می آیم
با بوته ها که چیده ام از بیشه های آن سوی دیوار می آیم.. می آیم ..می آیم
و آستانه پر از عشق می شود
و من در آستانه به آنها که پیغام گذاشته اند
...سلامی دوباره خواهم داد

نویسنده: علی

جمعه 20 دی1387 ساعت: 12:14

چند لینک درباره غزه
گزارش تصویری از کارگاه تولید موشک های دست ساز در نوار غزه

/http://mouood.org/content/view/8164/2
http://gazastory.blogfa.com/post-9.aspx

http://whats-happening.net/index.htm

نویسنده: !!

جمعه 20 دی1387 ساعت: 21:34

با سلام

((به گزارش خبرگزاری آینده روشن، فیلیپ دووینتر در پاسخ به این پرسش که "آیا حزب شما که با حضور خارجیان در بلژیک

مخالف است، پس از مسلمانان به سراغ قلع و قمع یهودیان نمي رود؟" گفت: " به هیچ وجه! مسلمانان و یهودیان دو وجهه کاملا متضاد دارند، به عقیده جامعه شناسان مسلمانان به دنبال ارتجاع و جنگ طلبی هستند ولی یهودیان به دنبال تمدن و فرهنگ و صلح و دوستی مي باشند، به همین دلیل است که ما دوست یهودیان هستیم و از آنها پشتیبانی مي کنیم، ولی از مسلمانان متنفریم".

فیلیپ دووینتر در سخنان خود با این مجله خطاب به کسانی که پشتیبان مسلمانان و اسلام در اروپا هستند، آورده است که امروزه اروپا برای یهودیان از نظر امنیت مانند مصر و الجزایر شده و جان آنان در خطر است و نیاز به حمایت بیشتری در مقابل مسلمانان تندرو دارند.

او هم چنین از یهودیان خواست که به او و حزبش رای بدهند تا آنها بتوانند با مبارزه با مسلمانان و پیشرفت اسلام در اروپا از آنان محافظت کند.))

نویسنده: توحید

جمعه 20 دی 1387 ساعت: 18:43

با سلام

«گاف»هاي حکیم «فردوسي» در «شاهنامه»

http://www.arashazad.blogfa.com/8708.aspx

نویسنده: دوست

شنبه 21 دی1387 ساعت: 1:3

استاد عزیزم خسته نباشید

آقای توحید لینکتان خیلی جالب بود تا شماره ی4 خوندم.

با اینکه هدف مقاله چیزدیگری بود ولی بسیار جالب نوشته شده بود.

نوشته بود : «در هر جنگي، پاي يك فردوسي در میان است»؛ واقعا این چنین است.

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 21 دی1387 ساعت: 6:48

آقای عابدی. بسیار کار پسندیده و حتی ضروری است. می توان مقالات به درد خور دیگران را هم عینا و با کسب اجازه نصب کرد و یا لااقل لینک داد.

نویسنده: سرباز

شنبه 21 دی1387 ساعت: 13:17

خسته نباشید.

نویسنده: حسینی

شنبه 21 دی1387 ساعت: 14:58

سلام. خسته نباشید. آب خرد به گل جهالت و تعصب آلوده است و اوضاع بسی دلگزاست.

نویسنده: reza

شنبه 21 دی1387 ساعت: 20:1

<توجه!> حمله به غزه چرا؟ خبری که یکسال و نیم پیش از زیر چشمان همه ما در رفت ، سفره گاز در غزه!

http://www.iranamerica.com/forum/showthread.php?p=9204#post9204

غزه در التهاب جنگ و صلح

http://www.iranamerica.com/forum/showthread.php?t=2881

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 21 دی1387 ساعت: 20:20

آقای عابدی. به اختیار خودتان انتخاب کنید. البته فرض کردم پیام تان خصوصی بود و نصب عمومی نشد. اگر اشتباه می کنم، بفرمایید.

آقای حسینی. صبور باید بود.

آقای هاتف. ممنون. ای میل تان را بفرستید. ظاهرا شوخی ها کارسازتر از حرف های جدی است؟!!

آقای بی نام. ناقابل بود. ممنون.

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 21 دی1387 ساعت: 20:56

آقای عابدی. یک تلاوت خوب بسیار آرامش بخش و تسکین دهنده ی آلام ذهنی است. به گمانم مشخصات به ترین اش را "ابن ستاره" دارد.

نویسنده: بختیار

شنبه 21 دی1387 ساعت: 23:1

با اجازه استاد
در بخش اول سفرنامه ونیزیان مرقوم فرموده اند:

... در آن هنگام طهماسب پادشاه ایران در ایران نبود و به جنگ کاظم پاشا شاهزاده گرگانیان خراسان رفته بود اما چون شنید که تختگاهش به دست ترکان افتاده است، بشتاب برای دفاع شاهنشاهی خود بازگشت...

ونیزیان فرموده اند که در ان هنگام شاه ایران در ایران نبود و در خراسان تشریف داشتند. ؟؟؟!!!!

ایا این شیادان در کتاب خود حد و حدود ایران را مشخص کرده اند یا خیر. خراسان را جزو چه کشوری شمرده اند.

نویسنده: خودم

یکشنبه 22 دی1387 ساعت: 0:34

آقای پور پیرار آیا با رابرت بایرن آشنایی دارید؟

نویسنده: م . ستاره

شنبه 21 دی1387 ساعت: 22:46

سلام
http://i40.tinypic.com/f3i3hg.jpg
خنده زن سوم از چپ در فرط دیدن همنوعان در زیر آتش و موشک . جهودان صلح طلب ! :
?http://d.yimg.com/us.yimg.com/p/rids/20090101/i/r3362333580.jpg
آموزش و پرورش به جهود . روی موشک هایی که بر سر مسلمانان ریخته خواهد شد ، الفبا را بیاموزید:
http://webalir8.persiangig.ir
%image/%d9%87%d8%af%db%8c%d9%87%20%da%a9%d9%88%d8%af%da/
http://webalir8.persiangig.ir/image

%d9%87%d8%af%db%8c%d9%87%20%da%a9%d9%88%d8%af%/
da%a9%d8%a7%d9%86%20%d8%a7%d8%b3%d8%
b1%d8%a7%db%8c%db%8c%d9%84%db%8c/--ALIR8--.jpg
http://i32.tinypic.com/5pes9d.jpg
http://fa-ain.persiangig.ir/israel-girls.jpg

آیا حتی صدام هم چنین می کرد که از او این قدر ابراز نفرت می شود ؟
شمای بمب خوشه ای :
http://closterbomb.com/bombeopen2.jpg
و نمونه ی ثبت شده در غزه :
/http://d.yimg.com/us.yimg.com
.p/ap/20090104/capt.61b2e83c5c304a6d879cb200178fd36b
--sig=zqv3MYEzSYmXlt6A9UGIuw&q=85&y=250&mideast_israel_palestinians_jrl119.jpg?x=400

http://d.yimg.com/us.yimg.com
&q=85&y=242&p/nm/20090104/2009_01_04t022413_450x273_us_palestinians_israel.jpg?x=400/
--sig=Gjs6XifE23YF4sF9eaIwpQ

?http://d.yimg.com/us.yimg.com/p/rids/20090104/i/r1936082518.jpg
سرگرم تماشای همنوع ! :
http://docs.google.com/File?id=df6tvdqg_4d7bkmbd7_b
البته در آن منطقه ، ورود خبرنگاران ممنوع است و اگر آزاد بود ، چه صحنه هایی که ثبت نمی شد !
شاید چند تایی هم مشغول پخش شیرینی و چند هاخام هم مشغول تورات خوانی بودند .
لتجدن اشد الناس عداوتا للذین آمنوا الیهود ... !
والسلام

نویسنده: محمود بجانی

یکشنبه 22 دی1387 ساعت: 7:21

شما هم به اسرائیل سنگ بیاندازید
http://whats-happening.net/fa/stone/index.htm

نویسنده: نارنیا

یکشنبه 22 دی1387 ساعت: 8:25

با سلام

((آتش سوزی مهیب اسکندر ،زمین لرزه ،باد و باران در گذر عظمت و شکوه دیرین آن را از بین برده است.

اینها جملاتی است که پرفسور علیرضا شاپور شهبازی (متخصص دوران هخامنشی و استاد تاریخ در دانشگاه اورگان) میگوید .))

چرا فقط به تخت جمشید که میرسد این بلاها سرش میآید؟!!
مگر در جاهای دیگر جهان آثار باستانی نیست؟!!چرا برای آنها این همه بلا از آسمان سر ریز نشده است تا از بین بروند؟!!

نویسنده: توحید

یکشنبه 22 دی1387 ساعت: 5:7

با سلام
استاد ، گويا پس از مشخص شدن «گاف هاي» حكيم فردوسي و ابن نديم و تاريخ عالم آراي عباسي و امثالهم گافهاي جديدي از مورخان كنيسه بر ملا شود .
در يكي از مقالات اخيرتان خوانديم كه بنا به نوشته تاجران ونيزي مثلا لشكر شاه اسمعيل ساعت «سه شب» به لشكر دشمن پاتك زدند ! اگر فكر مي كنيد اين ونيزيان آدمهاي منصفي نبوده اند و مدعي هستند در 500 سال پيش مردم اوقات خود را با ساعت مي سنجيده اند ، پس نگاهي به متن زير بيندازيد :

« از آنجا که مردم کلده علاوه بر نظر داشتن در امور عالم به حساب کردن نيز ذوقي داشتند علم نجوم بسط يافت . در کتابخانه آشور باني پال جدولهاي متعددي از ضرب و تقسيم و انواع و اقسام مقائيس پيدا کرده اند . مقياس زمان و طول و وزن را علماي کلده اختراع کردند و به تمام اقوام ازمنه قديمه منتقل نمودند و قسمتي از آن تا امروز متداول است مانند تقسيم سال به دوازده ماه قمري و هفته به هفت روز (به عدد سيارات) و روز به 24 ساعت !! و ساعت به 60 دقيقه !!! و دقيقه به 60 ثانيه!!!!»
(تاريخ آلبر ماله-جلد1)
مي بينيد استاد ما حداقل از 4000 سال پيش با دقيقه و ثانيه هم آشنا بوديم !

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 22 دی1387 ساعت: 11:0

آقای توحید. چنین مطالب داستانواره ی فاقد سند و دلیل در انسان شناسی سبک کنیسه تا بخواهید فراوان است و هر کدام نیز با هدفی حیله گرانه.

آقای نارنیا. احتمالا نقوش نیمه کاره بر سنگ های تخت جمشید را هم یا باد با خود برده و یا باران شسته است!!!؟ تا آن جا که قابل اثبات است این حضرات هر قدر به ایران شناسی بین المللی نزدیک تربوده اند در اظهار بی سوادی و انتشار دروغ بهای تاریخی مقام ممتازتری کسب کرده اند.

آقای خودم. رابرت بایرن را نمی شناسم، چه کسی است؟!

آقای بختیار. از شاه کارهای مورخین پیرو خاخام ها و کشیشان یکی هم ایجاد دشمنی قلابی میان ترکان ایران و عثمانی است. جنگ میان اشباح تاریخی!!؟

آقای عابدی. بگذارید به حساب کهولت. خنده دار این جاست که یاد آوری کرده بودم که آن پیام باید خصوصی باشد!

نویسنده: آیدین یاشار

یکشنبه 22 دی1387 ساعت: 11:43

گفتگو بدون تنظیف (1)
چند ماه پیش جهت انجام عمل جراحی لثه به پزشک مراجعه کرده بودم. بعد از مرحله اول عمل، خانم پرستاری دهان مرا پانسمان نمود و نوار «تنظیف» نسبتا ضخیمی را آغشته به مواد آنتی بیوتیک کرده و در دهانم قرار داده تذکر داد که تا ساعتی آن را ضمن فشار دادن در دهان خود نگهدارم. در همین وضعیت بود که بعضی نکات بهداشتی را نیز به من یادآوری کرد و سپس بحث را بدانجا کشاند که گویا ترکان عثمانی در زمان اشغال آذربایجان، زبان مردم آذربایجان را از فارسی به ترکی تبدیل کرده‌اند! من که حتی با ایما و اشاره نیز توان سخن گفتن نداشتم، ناچار گوش فرا دادم و در همان وضعیت مطب را ترک کردم.
چند روز بعد که برای ادامه عمل مراجعه کرده بودم، نخست به شوخی از پزشک خواستم که لطفی در حق من نموده و نوار تنظیفی در دهان آن خانم پرستار قرار دهد تا با او کمی بحث کنم. وقتی علت درخواستم را شرح دادم، از خنده روده بر شد (خود پزشک نیز ترک بود). سپس رضایت دادم که بدون «تنظیف» حرف بزنیم، به شرط آن که خانم فقط سکوت کند. آنگاه توضیح دادم که قریب صد سال آموزش متمرکز و رسانه‌های جمعی و سایر تمهیدات با میلیادها تومان بودجه تا کنون نتوانسته است زبان مردم آذربایجان را فارسی کند، پس چطور ممکن است چند سرباز عثمانی در طول چند ماه زبان نیمی از مردم ایران را ترکی کرده باشند! و اگر چنین است چرا زبان اشغالگران دیگر نظیر روسها و انگلیسیها و مغولها و غیره بر مردم ما تحمیل نشده است؟

نویسنده: آیدین یاشار

یکشنبه 22 دی1387 ساعت: 11:44

گفتگو بدون تنظیف (2)
حقیقت آن است که زبان مردم کشورهائی مانند هندوستان، اندونزی و مالزی و نظایر آن در آفریقا در طول اشغال استعماری به مدت بیش از 400 سال نیز حفظ شده و زبان انگلیسی، فرانسه، اسپانیولی و سایر زبانهای استعمارگران صرفا در جایگاه زبان دوم مستعمرات جای گرفته است. مقاومت عجیبی در زبانهای بومی وجود دارد. لذا تجربه میگوید که تغییر زبان از طریق اشغال یا تبلیغات یا فشار کاملا منتفی است و اگر بناست زبان محلی تغییر کند، این امر صرفا از طریق مهاجرت گسترده یک قوم و سکونت آنها در بین اقوام اقلیت و تحلیل زبان اقلیت در اکثریت عملی است. لذا اعراب نیز بنا به کمیت ناچیزی که در صدر اسلام داشتند،نمیتوانسته‌اند ملتهائی نظیر مصر، مراکش،سوریه، لبنان و دهها مورد مشابه را از طریق اشغال تغییر داده باشند. برای حل این مشکل ضرورت یک گفتگوی سالم «بدون تنظیف» بیش از پیش مشهود است.

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

یکشنبه 22 دی1387 ساعت: 12:29

جناب نارنیا سلام.
سوال من هم همین است که چرا هر چه بلا از آسمان نازل می شده, ایران و تاریخ ایران را مورد عنایت قرار می داده. اگر تاریخ ایران را مطالعه کنید خواهید دید که چه شهر ها و روستاهایی که از ریشه کنده نشده اند و یا به آب بسته نشده اند(؟) و این همه فقط به خاطر پر کردن خلا وجود انسان در خطه ایران است.
به نظر من این شعر هیچ ربطی به ایران ندارد که:
هر که آمد عمارتی نو ساخت رفت و آن را به دیگری پرداخت
به نظر من باید به این شکل تغییر کند:
هرکه آمد عمارتی نو ساخت قوم بعد آن را ز بیخ و بن انداخت
ایران کشوری ست که طبق تاریخ موجود, از 2500 سال پیش تا به حال, مدام در حال بازسازی بوده است.

وب سایت

نویسنده: حسینی

یکشنبه 22 دی1387 ساعت: 19:43

آقای بجانی! در متجاوز بودن اسرائیل شکی نیست اما ریشه های آن را جستجو کنید. حماقت داخلی و تحریکات دوستان اوپورتونیست بدتر از دشمن خارجی است.

نویسنده: نارینا

یکشنبه 22 دی1387 ساعت: 20:22

با سلام خدمت دوستان محترم
با توکل بر خدا بنیان شناسی و دین محبوب اسلام پیروز خواهد شد.وظیفه تک تک ما که از شر دروغ و جهل به یاری و راهنمایی های استاد رهایی پیدا کردیم تبلیغ و دعوت تک تک افراد به دیدگاهای نوین و واقعیت پنهان شده در زیر زمین های اورشلیم که توسط استاد به جامعه بشریت عرضه شده است میباشد.از شما دوستان محترمی که توانایی در بحث و انتقال مفاهیم بنیانی دارند دعوت میکنم با عضویت در فروم ها و کلوب های معتبر که تحت نظارت هستند تا از هرگونه توهین و گردن کلفتی جلوگیری کنند به نشر و انتشار نظرات بنیانی استاد بپردازند تا افراد مستعد و جویای حقیقت با این نظرات بنیانی آشنا شوند!شخصا افراد بسیاری را دیدم که هیچگونه اطلاعی از تزهای جدید عرضه شده توسط استاد را ندارند و با دعوتی که از آنها به عمل آوردم و بحث مختصری که نمودم چنان جذب و مجذوب شده اند که انگار گم شده ای را پیدا کرده اند!!
پس از دوستان و اساتید محترم میخواهم اگر فرومی یا مکانی آرام برای نشر مسائل بنیانی سراغ دارند اطلاع دهند تا دوستان نخبه در بحث بتوانند در آنها به فعالیت بپردازند!!
در ضمن در جاهای بسیاری هم مشاهده کردم که برخی از دوستان آمپرشان داغ کرده و در حق خواهر و مادر طرف دعا کرده اند!!از این دوستان که ممکن است در بین بنیان اندیشان باشند خواهش میشود (شاید هم عده ای به قولی تماشگر نما بوده اند)
خونسردی خود را حفظ کنند!!
www.cloob.com
irexpert.ir
می توانید در قسمت باستان شناسی و تاریخ این سایت ها فعالیت کنید!!
با تشکر

نویسنده: توحید

یکشنبه 22 دی1387 ساعت: 20:34

با سلام و ضمن خسته نباشید

استاد در مورد ایران شناسي شماره 194 سوال داشتم ، بر طبق دلایل شما مي دانیم که دو کشور ایران و تر کیه بطور همزمان و حدود 5 قرن پیش سر بر آورده اند و هر دو تا همین 5 قرن پیش فاقد جمعیت بوده اند و جمعیت آنها با محاسبه معقول شما در 500 سال پیش تقریبا به صفر مطلق مي رسد ، ایران به دلیل کشتار پوریم و ترکیه بعلت وقوع طوفان نوح و قرینه دیگر اینکه در هر دو کشور نمي توان آثار تاریخي با عمر بیش از 500 سال یافت .
حال چند ابهام در این زمینه وجود دارد ، اولا اگر قبول کنیم در کشور ایران و زمان شاه اسمعیل جز تعداد معدودي یهودي در این سرزمین نمي زیسته اند و حکومت صفوي تنها در کاغذ نوشته های بی اعتبار قابل دیدار است و هیچ اثر معقولي از

صفويان به جز كتابهاي مجعولي چون «عالم آراي عباسي و سفرنامه شاردن و ونيزيان و ...» در دست نداريم و حتي قبر و مدفني براي شاهان صفوی با كمال تعجب نمي يابيم و فقط نامي از آنها باقي مانده است از آنطرف در باره عثمانيان قضيه به اين صورت نيست ، يعني ما تا قرن اخير هم شاهد حيات امپراطوري بزرگي با نام «عثمانيان» بوده ايم كه اتفاقا بسيار هم مقتدر بوده و نام امپراطوري را يدك مي كشيده است خواستم بدانم تفسير اين مطلب از نظر جنابعالي چگونه است .
و ديگر سوال اينكه چرا شما مبداء جعل و رواج فرقه اي به نام سني در جهان اسلام را اين مركز فرض كرده ايد و چه دليلي نيست كه اين جعل از همان عربستان صورت پذيرفته باشد ؟ چون كمي غير معقول مي باشد ، با فرض جمعيت صفر در 500 سال پيش در تركيه پس اين جعل نمي توانسته چندان توسعه داشته باشد ، چون در واقع جمعيت مسلمان تصنعي براي رواج اين فرهنگ وجود نداشته است و طبق محاسبات شما حد اقل بايد 2 قرن منتظر ماند تا تركيه جمعيت قابل قبول را به خود ببيند و بعد سعي در انتشار اين فرقه بمانيند يعني بايد مبدا شروع تبليغ فرهنگ سني گري را نه 500 سال گذشته بلكه 300 سال گذشته بدانيم و به نظر نمي رسد بتوان در اين 300 سال به اين راحتي يك انديشه انحرافي را در سر تا سر دنياي اسلام حتي تا قلب سرزمين وحي يعني عربستان منتشر نمود .

نويسنده: توحيد

يكشنبه 22 دی1387 ساعت: 20:34

پس خلاصه سوالات من :
1- توجيه و تفسير حضور امپراتوري با نام عثماني تا قرن اخير ؟
2- دليل مبدا قرار دادن اين سرزمين جهت جعل مكتبي به نام سني گري ؟
3- نحوه انتشار موفقيت آميز اين تفكر ظرف 300 سال ؟

در پايان اميدوارم وقت پاسخ به اين سوالات من را داشته باشيد ، چون بنده به اين وبلاگ حقيقتا به سان كلاس درس تاريخ مي نگرم كه استاد اين كلاس شما هستيد با 30 يا 40 نفر شاگرد بنيان انديش .

با تشكر .

نويسنده: مسعود

يكشنبه 22 دی1387 ساعت: 21:25

احييک يا استاذ و ادعوا لک اجمل تحييات.

خدا قوت استاد معزز. اشارات شما به جمعيتهای مسلمان ساکن در بالکان شامل بوسنيايی و آلبانيايی و مقدونيه و مونته نگرو واقعا" ذهن هميشه درگير من را از بابت اصالت آنها و چگونگی مسلمان شدن آنان روشن کرد . حقيقتا" آن تک جمله شما در اين باب باطل کننده تمام صحنه سازيها و تاريخ بافيهايی ياوه گونه خيمه شب بازی کليسا و کنيسه در اين مورد ميباشد:
"از جمله لشگر کشی های خون ريزانه و خراب کارانه ی آنان با يکديگر و با اروپاييان در زمره ی آن صحنه سازی هايی است تا بهانه هايی برای سرکوب و تذليل کلنی های هجرت کرده ی مسلمان به اروپا و آغازی برای نزاع سنی و شيعه فراهم ديده باشند."
مغز کلام همين پروژه های عثمانی و صفويه قلابی برای ايران و ترکيه است که شما همانند پاشنه آشيل يهوديان يعنی پوريم در اين مورد هم درست زده ايد وسط خال !

لا اله الا الله و له الحمد ....

در پناه پروردگار يکتا در آرامش باشيد . ان شا الله.

نويسنده: خودم

يكشنبه 22 دی1387 ساعت: 23:10

رابرت بايرن در دهه 30 ميلادی و قتی هرتزفيلد در پرسپوليس مشغول حفاری بود از آن منطقه بازديد کرد. او با طنز و کنايه به جعليات هرتزفيلد اشاره ميکند اما مثل شما فکر نميکند که مسير تاريخ را تغيير داده است...

نويسنده: ناصر پورپيرار

يكشنبه 22 دی1387 ساعت: 23:44

آقای دهقانی. بد نيست بيت شعرتان را با مضمون زير تغيير دهيد که واقعی تر است.

کس نبودی که خانه ای سازد
دیگری نامدی براندازد.......

آقای خودم. آن سفرنامه را ندیده ام ولی از گوشه و کنار چیزهایی در باب بی ارزشی آن شنیده ام. از این رابرت بایرن اگر زنده بود می پرسیدیم عقیده اش راجع به عکس های قدیمی مساجد اصفهان و یزد و شیراز و ورامین چیست؟

آقای مسعود. هنوز باید بیش تر صبوری کرد تا زمان طرح سئوالات اصلی فرا رسد.

آقای توحید. البته در یادداشت های آتی به خواست خدا تصاویر واضح تر خواهد شد. ولی علت موفقیت جاعلان قصه پرداز در تزریق افسانه به جای حقایق فقدان نیروی انسانی و فرهنگ بومی در ایران و ترکیه بوده است تا در برابر انتشار این یاوه ها معترضانه مقاومت کنند. مختصرا بدانید سازمان دهی تجمعی به تدریج قدرتمند شده با نام عثمانی به قصد جانشین کردن زبان و فرهنگ و لباس و باورهای دیگری به جای زبان و فرهنگ غنی و بی هیاهوی اسلام و عرب بود که باز هم به دلیل حضور قدرتمند قرآن ناکام ماندند هرچند سراسر غرب جهان اسلام را به طرب خانه ها و فینه بندی ها و الکل و رقاصی و قهوه آلودند و در زمان حیات و قدرت سیاسی و نظامی عثمانیان چیزی به نام دولت های عرب شناخته نبود و نیز بدانید طوایف عرب پیوسته در ستیز پنهان و آشکار با عثمانیان بودند و سرانجام در سقوط آنان مجدانه بانیروهای اروپایی همکاری کردند. به گمانم باید از خداوند فرصت بیان طلبید تا سایه ها به مدد الهی روشن تر شود.

نویسنده: توحید

دوشنبه 23 دی1387 ساعت: 1:20

سلام استاد ، خسته نباشيد

مثل اينكه جديدا گروه «ذوالنعلين!» مثلا براي نقد تختگاه هيچكس يك فيلم ساختند و در اينترنت پخش كرده اند .

واقعا كارشون در حد فاجعه و با ديدنش كم بود از خنده منفجر بشم !

البته خودتون فيلم رو ببينيد بهتره ، فكر مي كنم ميشه همين رو دستمايه قرار داد و جهالتشون رو به رخشون بكشيم .

لينك فيلم 4 دقيقه اي مربوط :

http://92.48.75.41/article.php?id=33883

نویسنده: خودم

دوشنبه 23 دی1387 ساعت: 2:14

رابرت بایرن نگاه معماری دارد نه تاریخی و شما میتوانید حتی از تعریف و توصیف او نیش کنایه و طعنه او را دریابید. البته اگر کتاب را به انگلیسی بخوانید

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

دوشنبه 23 دی1387 ساعت: 2:21

با سلام.
از دیدن این تصاویر دلم گرفت. خودشون هم می دونن دارن چه کار می کنن.
http://irapic.com/uploads/1231804406.jpg

http://irapic.com/uploads/1231721198.jpg

http://irapic.com/uploads/1231766125.jpg

http://irapic.com/uploads/1231756824.jpg

وب سایت

نویسنده: بابک

دوشنبه 23 دی1387 ساعت: 9:22

استاد بزرگ
بهترین و روشنگرانه ترین جواب را به دوست و همفکرم جناب توحید دادید. واقعا حقیقتی تکان دهنده است. حقیقتا دنیای اسلام مظلوم واقع شده. اگر قران را نداشتیم که از هم می پاشیدیم...

نویسنده: سلام

دوشنبه 23 دی1387 ساعت: 11:41

این مطلب و عکسها را در مورد عزاداری عاشورا حتما ببینید
http://www.aqeedeh.com/ebook/view_news.php?rowID=152

وب سایت

نویسنده: سلام

دوشنبه 23 دی1387 ساعت: 11:44

از این سایت دیدن کنید جالب است
کتابهای ایت الله برقعی
و داونلود کتابخانه

http://www.aqeedeh.net/

http://www.aqeedeh.com/ebook/list_book.php?catID=21

http://www.aqeedeh.com/ebook/list_book.php?wriID=30

وب سایت

نویسنده: afsane

دوشنبه 23 دی1387 ساعت: 8:14

http://www.cloob.com
/user/register/step1/edt/1231747962/frnd/960109/code
/c372c749ff143e731eed8c7cade50272

nameye www.cloob.vom davat

نویسنده: عابدی

دوشنبه 23 دی1387 ساعت: 12:2

با سلام

خسته نباشید. بخش قرآن کریم فعال شد. ان شاء الله سایر امکانات نیز نصب خواهند شد.

در پناه حق باشید.

وب سایت

نویسنده: رعد

دوشنبه 23 دی1387 ساعت: 12:37

سلام و خدا قوت ,قلم تان پر توان باد . همه از ارزوهای مسلمین و سیاست و ... کامنت گذاشته اند ولی ایا انتهای ایه 64 سوره مائده را که هم مهر تائید و تاکید دارد را که کمی از ان را اقای رحمانی نوشته بود را خوانده اید : ...اتش جنگی را که بر می فروزند خداوند خاموش میکند . مومن و تابع کتاب قران چند و چوند نمی اورد زیرا خداوند کن فیکون وقتی که این بچه های اسرائل را سر راه تمدن بشری گذاشت میدانست که یا میفهمیم یا که نه هرچند پشت پرده بعضی با شمشیر
میرقصند یا گاو بندی میکنند یا بعضی در میراث فرهنگی هستنند یا در راس هرم دولت های اسلامی نشسته اند , مهم مهر تائید الهی است . چاکر خدا جون هم هستیم .

نویسنده: مهرناز نصریه

دوشنبه 23 دی1387 ساعت: 13:22

نقد تفسیر سورآبادی 18

www.mobina46.blogfa.com

نویسنده: توحید

دوشنبه 23 دی1387 ساعت: 11:54

با سلام و عرض خسته نباشید .

استاد نظر نهایی شما در مورد خط میخی فارسی چیست ؟

مثلا کتیبه های بیستون از همان 2500 سال پیش است یا جعل جدید ؟

این خط فارسی داریوشی چه صیغه ای است ؟ آیا ربطی با فارسی کنونی دارد ؟ تا آنجا که فهمیده ام کلا زبان فارسی جعلی است و عمری بیش از 2 قرن اخیر ندارد . آیا به نظر شما تمام کتیبه های موجود به خط میخی و با عنوان فارسی جعلی نیستند ؟

با تشکر

عدد روبرو را تايپ نماييد:

نظر شما در مورد اين مطلب پس از تاييد نويسنده وبلاگ نمايش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ، 194، نتیجه، 2، بازبینی مختصر اقوال در باب صفویه و عثمانی و تشیع - 70 نظر

نويسنده: عابدی

دوشنبه 23 دی1387 ساعت: 20:13

سلام استاد فرزانه خسته نباشید.

نظرتان در مورد این مریض چیست ؟!

مثل الذین حملوا التوراة ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل أسفارا.

....

نویسنده: مولوی

یکشنبه 22 دی1387 ساعت: 20:16

جناب بي طرف

از اين بابت كه با حوصله ايد بنده هم به شما تبريك مي گويم ولي بحث بنده با جناب عابدي نشان از تخليه باد ايشان آنهم تا آخرين اپسيلن ممكن را داشت.به ايشان بفرماييد بنده به عنوان يك دانش آموز درس تاريخ (نه بعنوان مولوي) سوال ميكنم آيا اسكندر با هخامنشيان جنگيده يا نه؟

به خدا قسم اگر خود عابدي اين سوال را از پورپيرار بپرسد ، با يك خروار از بدترين توهينهاي چاله ميداني مواجه خواهد شد.

سوال من فقط يك جواب دارد : آري يا خير

نويسنده: توحيد

دوشنبه 23 دی1387 ساعت: 17:48

با سلام

فارسي فقير ترين زبان دنيا :

استاد درحال جستجوي لغتنامه فارسي بودم براي يك برآورد حدودي تعداد لغات عربي در لغت نامه فارسي ! به نكات جالبي بر خوردم كه برايتان شرح مي دهم . اول گفتم كه چند صفحه را تصادفا انتخاب كرده و در هر كدام تعداد لغات عربي و انگليسي و فرانسه و تركي را بشمارم و در صد هر كدام را مشخص كنم ، چون به هرحال با اين روش تقريبي مي توان به يك تخمين ابتدايي دست يافت ، با كمال تعجب مي ديدم كه حداقل در هر صفحه 40 درصد عربي است و در برخي از صفحات تا 90 درصد . بعد يادم آمد كه حروفي مانند «گ – چ – پ - ژ» در عربي وجود ندارد و خواستم به اين بخشها نگاهي بيندازم ولي حدس مي زدم كه تعداد اين صفحات بسيار اندك باشد ، پس از رجوع به حدس و گمان خود رسيدم و ديدم كه واقعا همينطور است و از نظر كميت اين حروف كمترين حجم را دارند و از نظر كيفيت هم شايد 40 درصدشان اصلا بدون كاربرد باشند و متروك !

مثلا در قسمت «ژ» به جرات 90 درصد لغات بدون كاربرد هستند (ژاژ-ژاژك-ژاغر-ژد-ژنه-ژكور-ژير و ....) و تنها 10 درصد متداول مثل (ژاله – ژوليده – ژرف و ...) و جالب است كه تعدادي از اين حروف كه مختص فارسي است و در عربي نمونه ندارد معرب شده كلمات آشناي عربي است ، و يا تعدادي همان اصل عربي هستند كه كمي دستكاري شده اند .

نكته جالب اينكه باز اگر همين لغات به اصطلاح فارسي اصيل ! را مو شكافانه نگاه كنيم خواهيم ديد كه باز بالاي 50 درصد آنها لغات و كلمات گويشهاي قومي و محلي نقاط مختلف ايران است كه به نظر من بي شرمانه به عنوان لغات فارسي جا زده اند و يك نوع دزدي فرهنگي ! مرتكب شده اند (البته اگر اقوام مختلف ايران را كه هيچ ربطي به فارسي ندارند جزء اقوام

آريايي به حساب نياوريم !) . و به نظر من همين «شاهنامه فردوسي» را كه در بوق و كرنا مي كنند كه فارسي خالص است مي توان بسياري از لغات محلي بومي خطه هاي مختلف اين سرزمين را مشاهده كرد از كردي و لري و تركي گرفته تا بلوچي و ... و به نظر من نكته مهم همينجاست و اين موضوع مي تواند به عنوان يك پايان نامه تحقيقاتي براي دانشجويان رشته ادبيات فارسي باشد .
با اين تفاسير فكر مي كنم طبق گفته شما در خوش بينانه ترين حالت ممكن تعداد لغات فارسي همان 1500 عدد باشد .

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 23 دی1387 ساعت: 22:47

آقای عابدی. شما چه گونه می خواهید به کسانی که از مستند تختگاه هیچ کس و زبان و بیان واضح عکس های زنده ی آقای بی طرف هم چیزی نمی فهمند و مصداق کامل صم و بکم و عمی اند، مطلبی بیاموزانید و چرا وقت تان را هدر می دهید؟!!

آقای توحید. هیچ ارتباطی میان خط و زبان فارسی امروز با کتیبه های هخامنشی وجود ندارد. غالب همان اندک لغات و به خصوص دستور زبان کتیبه های هخامنشی متعلق به اسلاوهای جنوبی و یا همان خزرها است. زبان به اصطلاح فارسی امروز هم کم تر از 1500 لغت مرده ی پیش پا افتاده و بدون قدرت زایش دارد، که به درد بیان مطالب جدی نمی خورد، مگر این که از الفاظ عربی عصایی بسازیم تا بتواند روی پا بایستد...

آقای رعد. درماندگی یهودیان نیز همانند ناتوانی مجموعه ی سپاه کنیسه و کلیسا، در برابر مسلمین کاملا عیان است. آن ها با نهایت سبعیت گروهی زن و مرد و کودک شیرخوار و نوسال فلسطینی، قریب 1000 نفر را، به بهای بی آبرویی جهانی باز هم بیش تر خویش، خاموش کرده اند به امید آن که از آن ها بترسند و چنین نشده است، چنان که مردم عراق پس از یک میلیون تلفات از آمریکا و متحدان اش نترسیده و دست از مقاومت در تمام اشکال آن برنداشته اند. خوب بعد چه می کنند؟ 1000 فلسطینی و یک میلیون عراقی و افغانی دیگر را هم خواهند کشت و باز هم کسی تسلیم شان نمی شود. خوب بعد چه؟! درمانده کردن نهایی دشمن یعنی همین: مقاومت اسلامی...

آقای فتح. آن کتاب نوستراداموس عینیت دارد و چند برگی که از آن خوانده ام حاوی مطالب درهم بافته ی قابل تفسیرهای گوناگون و در عین حال عجیب است. توجه به آن به عنوان یک سند تاریخی ساده انگاری است.

نویسنده: قشقائی

سه شنبه 24 دی1387 ساعت: 21:48

با سلام به استاد تاریخ و مورخ محترم پورپیرار
در این لینک http://www.1oo1nights.org/article.php5?id=1384
در مقاله ای تحت عنوان: فاتحان بابل و جاهلان جاعل
1387-10-23 نویسنده هایده ترابی، اعتراف به جعلی بودن گوشه هایی از تاریخ این کشور و بویژه افسانه کورش شده است. این تنها در پی تلاش و پیکار شما مورخ شجاع و عاری از غرض ممکن شده است .
در راهی که درپیش گرفته اید موفقیت و پیروزی برایتان آرزو میکنم

در زیر دو لینک دیگر در همین رابطه درج می گردد.
www.achemenet.com

aref=image&http://wissen.spiegel.de/wissen/image/show.html?did=57970942
thumb=false&ROSP200802801260128.PDF/05/07/2008/037

نویسنده: حسین رهبریان

سه شنبه 24 دی1387 ساعت: 22:32

استاد پور پیرار خسته نباشید .
استاد به نظر شما نظام طبقاتی (کاست) چه مزایائی داشته که آئین ودائی و زرتشت آن را ترویج می کردند . آیا شما اینکه حکومت های باستان در ایران با سیستم طبقاتی اداره می شدند را قبول دارید ؟ و اگر بوده آیا آن با آمدن اسلام از بین رفت یا همچنان ادامه داشت .
به هر شکل اگر در این مورد توضیحاتی را بفرمائید بی نهایت سپاسگذارم .

وب سایت

نویسنده: انتی دیس هیستوری

چهارشنبه 25 دی1387 ساعت: 1:13

با سلا و خسته نباشید من تازه با وبلاگتون اشنا شدم واقعا جالبه میشه بگید از کجا باید شروع کنم....؟؟؟؟؟؟؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 25 دی1387 ساعت: 6:20

آقای انتی دیس هیستوری! فعلا از شماره ی 1 همین یادداشت های ایران شناسی بدون دروغ، سئوالاتان را هم نگهدارید اگر در پایان یادداشت ها جواب آن ها را نگرفته بودید، طرح کنید.

آقای فتح. به تبلیغ برای خودم عادت ندارم. به تر این که آن تریبون آبکی و افواهی را به دشمنان و دوستان واگذار کنیم.

آقای حسین رهبریان. ابتدا شخص زردشت، این دروغ بزرگ دویست ساله و صادر شده از هند را، در تاریخ پیدا کنید تا بعد درباره ی نظام او حرف بزنیم. در دوران مورد نظر شما کسی در ایران زندگی نمی کرده است که به این یا آن شکل بر آن ها حکومت شود. سه جلد کتاب ساسانیان مرا بخوانید.

آقای دیاکو. مشکل بزرگ تر ایشان، که سخت مورد احترام بنده است، قوم گرایی ناپخته و ملهم از مطالعه ی نوشتجات مجعول است. توهماتی که شیخ مردوخ نیز در کتاب تاریخ مردوخ بدان دچار است.

آقای قشقایی. حتی همین نوشته های خانم ترابی و مجله ی اشپیگل، گرچه قدمی به جلو، اما هنوز مملو از توهمات تاریخی و برداشت از جعلیاتی است که یهودیان تبلیغ کرده اند. هیچ نوع نوشته ای از کورش به جای نمانده و گل نوشته ی او یک سند کاملا نوساز و تقلبی است که با استفاده از اشارات تورات در دوران جدید فراهم شده است. برای آگاهی از این مطلب بسیار روشن کافی است به شروح مربوط به کشف آن رجوع کنید که سراپای آن افسانه ای مافوق کودکانه است. توجه کنید که گل نوشته پخته نیست و استحکام لازم برای دوام 2500 ساله را در شرایطی که آن داستان بازگو می کند، نداشته است.

نویسنده: زیوری

چهارشنبه 25 دی1387 ساعت: 16:37

بلاخره ما نفهمیدیم توی این دنیا کی به کیه

نویسنده: سجاد1

چهارشنبه 25 دی1387 ساعت: 19:3

باسلام
نقل ازیک مجله داخلی که در چند قسمت تقدیم دوستان می شود
بررسی موشکافانه روند مناسبات بین اﺍلمللی پرده ازماهیت به ظاهرمتفاوت دولتهای غربی برداشته وهمه آنها را دریک مسیرواحد قرارمی دهد
مسیری که درآن سیاست و اقتصادواصول ارزشهای یک ملت و کشور خاص مطرح نیست وموجودیت نظام های سیاسی فقطدر قالب این واحد قابل
تعریف است اگر اروپا و امریکا اختلافات جزئی باهم دارند در سیاست شعارهایی چون دموکراسی آزادی حقوق بشر و دراقتصادتئولیبرالیسم
آنهارا به هم پیوند زده است اگرچه این پیوند در خدمت توهین به دموکراسی سلب آزادی نقص حقوق بشرواستثمارجهان سوم قرارگرفته است اما
دولتهای غربی بابهره گیری از بلندگوهای تبلیغاتی خودو سانسورواقعیتها در مقابل آگاهی افکار عمومی نیز ایستاده اند این همسویی و وحدت رویه
حکایت از یک معمار پشت پرده دارد که با تعیین مسیرو تعریف اصول می خواهد دنیارا برمحورخواسته هایش بچرخاند به راستی این معمار کیست ؟
چه شخص یاگروهی دستور روزجهان را صادر می کند ؟آیا امکان دارد که گروهی کوچک برکل دنیا حکومت کند وتعیین سران کشورها دردست
آن باشد ؟با در نظرگرفتن گروهی متشکل ازبزرگترین سرمایه داران جهان سران رسانه های پرمخاطب و تاثیرگذاردنیا رهبران کشورهای صنعتی
افرادبانفوذ و تاثیرگذاردر عرصه سیاست بین المللی وغیره .تصوراین گروه معمارچندان هم مشکل نیست
9خردادسال 1386خبری درمورد برگزاری یک اجلاس سری در ترکیه روی خروجی خبرگزاری ها قرارگرفت اما فقط
تاریخ و شهربرگزاری این اجلاس (اول تا سوم ژوئن استامبول)به اضافه مطالبی درباره سری بودن آن بیان شد هیچ گونه

خبری ازمحورهای
نشست "بیلدربرگ "اسامی کامل و دقیق شرکت کنندگان یا حتی بعدها تصمیمات اتخاذشده در آن منتشرنشد
آنچه پیش روی شماست بررسی پرونده بیلدربرگ است که به اتفاق می خوانیم
بیدربرگ یک سازمان جهانی مرموزاست که محافل مختلف سیاسی به دیده مشکوک به آن نگریسته و بسیاری آن را دولت پنهان جهان می دانند

نویسنده: سجاد2

چهارشنبه 25 دی1387 ساعت: 19:4

یهودیان در راستای اهداف خود برای تسخیر جهان و تشکیل یک دولت واحد تحت کنترل خود پس از برنامه ریزی برای در دست گرفتن اهرم های سیاسی
اقتصادی و تبلیغاتی جهان حال به این نتیجه رسیده بودند که باید این اهرم هارا در یک نقطه جمع کرده وازیک منبع فکری وایدئولوژیک تغذیه کنند بیلدربرگ این منبع ایدئولوژیک است که تقریباهرسال
یکباررهبران سیاسی جهان روسای شرکت های بزرگ و محافل مالی عظیم که بازوهای اقتصادی و بازرگانی دنیا را در انحصار دارند و نیزصاحبنظران
عرصه های سیاسی اجتماعی و تبلیغاتی را دریک نقطه جمع کرده و پشت در های بسته دستور کار سال آینده را تعیین می کنند
در روزهای آیند ه قسمتهای دیگری از این پرونده تقدیم خواهد شد

نویسنده: سجاد3

چهارشنبه 25 دی1387 ساعت: 20:0

برگی دیگرازپرونده بیلدربرگ
این نهادتحت کنترل یهودی هاست همه ابزارهای لازم را برای تحقق اهداف خود در اختیار دارد بابهره گیری ازرسانه ها ومنابع عظیم مالی با استفاده از اهرمهایی چون بانک جهانی و صندوق بین المللی پول سازمان تجارت جهانی
براساس مدارک موجود پیونداروپاوامریکابه وسیله ناتوایجادبازارمشترک اروپاروی کارامدن کسانی چون کلینتون بلروبسیاری که هنوزنامشان در خفا مانده استعفای مارگارت
تاچروقوع جنگ نفت در خلیج تحول نهضت اروپاتخریب وجهه ژان لوپن در فرانسه تحریم آرژانتین در جریان جنگ فالک لند
تقسیم آلمان به دوقسمت غربی و شرقی همه و همه درجلسات بیلدربرگ تصمیم گیری شده اند بیلدربرگ

نویسنده: سجاد4

چهارشنبه 25 دی1387 ساعت: 20:1

به دنبال ایجادیک دولت جهانی است دولتی که اقتصادو سیاست و حتی مذهب آن فقط یک بعد داشته باشد :صیهونیسم
جلسات بیلدربرگ هرسال در یکی ازهتلهای پنج ستاره دنیاوتحت تدابیرامنیتی تشکیل می شود ازآنجایی که یهودیان رمز موفقیت خود را
در پنهان کاری می دانندهیچ رسانه ای حق ورودبه آن جلسات را ندارد هتل مورد نظر48ساعت قبل از شروع اجلاس قرق می شودماموران سیاو کشور برگزارکننده
در جای جای هتل مستقرمی شوندکه هرجنبنده ای را در محدوده چندکلیومتری هتل تحت نظر داشته باشند ودر صورت نیازافرادمشکوک را به قتل برسانند
اسامی دعوت شدگان کاملا محرمانه می ماند و کشور میزبان برای آنها ویزا هم صادر نمی کند تا نام آنها در جایی ثبت نشود محتوای اجلاس
کاملامحرمانه می ماند و هیچ یک ازاعضا حق انتشار ندارند سوال منتقدان این است که اگرهدف ازبرگزاری این اجلاس توطئه چینی علیه ملت ها
و کشور ها جهت پیشبرد اهداف یهودیان نیست چرااین اصول دموکراسی مبنی بربحث وتبادل نظر علنی در مورد مسائل در بیلدربرگ رعایت نمی شود
سالها بودکه حتی مکان وزمان بیلدربرگ نیزفاش نمی شد اما خبرنگاران جسوری هستندکه سالها به تعقیب بیلدربرگی ها پرداخته اندو به اسنادقابل توجهی دست یافته اند
گوردن تترستون نویس روزنامه انگلیسی فایننشال تایمزدر سال 1974طی مطلبی فقطچندسوال در مورد جلسات بیلدربرگ مطرح کرداما بلافاصله
توسطگردانندگان روزنامه از کاربرکنار شد در قسمت بعدی به تاریخچه تشکیل این سازمان خواهیم پرداخت

نویسنده: عابدی

چهارشنبه 25 دی1387 ساعت: 20:56

سلام استاد. خسته نباشید.

....

نویسنده : Karim

با سلام
جناب آقای پورپیرار لطفاً یک سفری هم به شرق و جنوب ترکیه بفرمایید تا تشیع واقعی بدون صفویه را شاید آنجا بررسی کنیدما اززحمات شما متشکریم خسته نباشید

نویسنده: عابدی

چهارشنبه 25 دی1387 ساعت: 20:57

نویسنده : دیاکو

سلام. استاد عزیز! نه من قصد بحث و استدلال مفصل در این باره را دارم و نه اصولا جای آن در اینجا است. در خواست اینجانب به عنوان یک کرد اهل سنت که با افکار ایشان آشنایی نزدیکی دارم از شما (چون تا حدی که من شناخت پیدا کرده ام، انسانی اهل تحقیق و منصف و به دور از پیشداوریها و مخالف تحریفات و تصورات رایج در باره تاریخ و اشخاص هستید) این است که در مورد شناخت آن مرحوم و اظهار نظر در باره ایشان نیز به همین روش و اسلوب عمل نمایید تا هم خودتان با واقعیتها و حقایق آشنا شوید (نه آنگونه که کینه توزان و دشمنانش می گویند) و هم یک مصلح و روشنگر دیگر را نیز (آنگونه که در واقع بوده) به دیگران بشناسانید. توفیق شما را در این کار خدا پسندانه و مردمی از خدای قادر و توانا خواهانم!

نویسنده: حاجی زاده

چهارشنبه 25 دی1387 ساعت: 21:29

با سلام
استاد گرامی، آیاتی که من به آنها استناد کرده ام جز محکمات اند و بیانگر دستور شفاف و صریح خداوند در خصوص موضوع مورد بحث ما و خلل ناپذیر در برابر هر تاویل و تفسیری، با این وجود من همچنان منتظرم تا آیات مورد نظرتان را ارئه نمایید.
با تشکر فراوان

نویسنده: روشن

چهارشنبه 25 دی1387 ساعت: 23:34

با سلام به استاد و دوستان
اقی سجاد ای کتاب کمیته 300 را خوانده اید نظرتان راجع به این کتاب چیست کمیته 300 ربطی به بیلدر برگ دارد یا نه

نویسنده: یک مسلمان

چهارشنبه 25 دی1387 ساعت: 23:52

جناب جامعه شناس ، سلام
چند وقتی است که خبری از شما نیست لطفا اگر وبلاگ خاصی دایر کرده اید ، به اطلاع سایر دوستان هم برسانید.

نویسنده: D:

چهارشنبه 25 دی1387 ساعت: 22:49

برو بابا یک یا چند تا مسلمون این جامعه شناس همون اتفاق بود که لو رفت. مثل اینکه تو باغ آلبالو گیلاس نشستی تو این سوز سرما؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 26 دی1387 ساعت: 4:5

آقای عابدی. شاید به مدد الهی و با همکاری بتوان ترتیباتی داد.

آقای Karim. سفر به ترکیه برای ادامه ی کار مستند طوفان ضروری است تا خدا چه خواهد.

فریبا خانم. اعتقاد به صبر بر تحمل آدمی می افزاید.

آقای ایزدی. چون پاسخی بر پیام خصوصی بود، خود را مجاز نمی دانم.

آقای سجاد. بیلدربرگ عمر درازی دارد و اینک اساس آن عوض شده است.

خانم امت الله. آن شیخ را درست نمی شناسم و در حدی که با او آشنایم، حرف تازه ای نداشته است.

نویسنده: خبرگزاری هدهد

پنجشنبه 26 دی1387 ساعت: 18:54

بدون شرح

http://www.naria.ir/download/html.aspx?number=100

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 195

ایران شناسی بدون دروغ، 195، نتیجه، 3، بررسی سفرنامه ی ابن بطوطه - 130 نظر

ایران شناسی بدون دروغ، 195، نتیجه، 3، بررسی سفرنامه ی ابن بطوطه - 130نظر

نویسنده: مارلیک

دوشنبه 7 بهمن1387 ساعت: 12:29

سلام استاد

همسر اوباما در آن تصویر دست خود را به شکل یکی از علائم ماسون ها درآورد
دست شیطان یا دست شاخ دار یکی از نمادهای گروه های ماسونی است
در تفکر ماسون ها و شیطان پرستان شیطان شاخدار است و با حرکت دست خود شیطان را نمایش می دهند. بوش نیز این حرکت را انجام داده بود و وقتی با اعتراض مواجه شد به نوعی قضیه را پیچاند.
جالب اینجاست که کاندیداهای این دوره هر دو یعنی اوباما و مک کین عضو گروه ماسونی بیلدربرگ بوده و هستند و جالب تر اینکه دوره قبل نیز جرج بوش و جان کری اگر چه در ظاهر با هم مخالف بودند ولی در باطن هم پیمان و هر دو عضو گروه مخفی و ماسونی معروف جمجمه و استخوان : Bones & Skull بودند که بوش هم این را تایید کرد و سر و صدای زیادی در آمریکا ایجاد شد ولی رسانه های ما که ظاهرا منتظر اشاعه چنین گافهایی از سوی غربیانند تا انتخابات آنان را پوشالی جلوه دهند (که در واقع هم هست) سکوت اختیار کردند باز هم جالب اینکه تمام روسای جمهور آمریکا از جرج واشینگتن تا اوباما همگی عضو گروه های ماسونی بوده اند به غیر از دو نفر که آن دو نفر abraham lincoln و john f . kennedy بودند که هر دو ترور شدند!!!

برخلاف دوره قبل (سال 2004) که هر دو رقیب انتخاباتی از گروه ماسونی جمجمه و استخوان : Bones & Skull بودند به نظر می رسد که تشکیلات جهانی فراماسونری گروه بیلدربرگ را به نمایندگی از خود مامور هدایت حکومت آینده ی آمریکا قرار داده است چرا که گروه بیلدربرگ از نظر اقتصادی و رسانه ای بسیار بسیار قوی می باشد و اعضای ثروتمند و قدرتمندی همچون دیوید و نلسون راکفلر و هنری کیسینجر و ... دارد که تلاش خواهند کرد تا اقتصاد رو به نابودی آمریکا را از خطر مرگ نجات دهند.

نویسنده: سلام

دوشنبه 7 بهمن1387 ساعت: 14:21

ها پس بگو چرا از یاداشت ماداشت جدید خبري نيست همين جوري بي حوصله مونديم تو راه

نویسنده: روشن

دوشنبه 7 بهمن1387 ساعت: 16:29

با سلام به استاد و دوستان

http://www.drkhazali.com/articles-and-mails/397-1387-11-06-07-27-46.html

نویسنده: حسین محمدی

سه شنبه 8 بهمن1387 ساعت: 13:25

http://www.presstvbeirut.com/pages/?cid=7160

نویسنده: حسین محمدی

سه شنبه 8 بهمن1387 ساعت: 16:56

معلوم هست اینجا کی به کیه ؟
http://www.drkhazali.com/articles-and-mails/397-1387-11-06-07-27-46.html

نویسنده: ارمان

سه شنبه 8 بهمن1387 ساعت: 17:24

http://www.roozonline.com/archives/2009/01/post_11277.php

نویسنده: احسان

سه شنبه 8 بهمن1387 ساعت: 18:14

استاد سوالهای من در کامنت دوشنبه 30 دی بی جواب مانده است !!

شرمنده بابت مزاحمت

نویسنده: بختیار

سه شنبه 8 بهمن1387 ساعت: 19:43

استاد با سلام

خاطرتان باشد پارسال هم در همین روزها بود که سرما خورده بودید. مراقب سلامتی خود باشید. دوستان زیادی چشم براه نوشته های شما هستند. برایتان سلامتی و رهایی از بیماری را آرزو میکنم

نویسنده: سجاد

سه شنبه 8 بهمن1387 ساعت: 21:23

با سلام جلد دوم دیوان حافظ رسید تا حالا هم در دانشگاه آکسفورد خاک می خورد وتازه از کتابخانه این دانشگاه کشف شده نمی دانم گریه کنم یا بخندم

نویسنده: توحید

سه شنبه 8 بهمن1387 ساعت: 19:4

سلام

استاد امیدوارم هر چه سریعتر از شر این ویروس سرما خوردگی خلاص بشید و سلامتیتان را باز یابید .

لینک زیر فکر می کنم مهم باشه :

http://www.nationmaster.com/encyclopedia/Nasser-Pourpirar

نویسنده: پویا شریف

چهارشنبه 9 بهمن1387 ساعت: 1:38

با آرزوی سلامتی هر چه زودتر ... ! مطالب واقعا دروغ باف ها رو سر گردون و عاجز می کنه !

نویسنده: مسعود

چهارشنبه 9 بهمن1387 ساعت: 18:11

استاد عزیز سلام علیکم .

دورادور دست بوس شما هستم و برایتان از خداوند متعال شفای عاجل و کامل برای حضرتعالی مسئلت میکنم . ان شا الله .

نویسنده: ض

چهارشنبه 9 بهمن1387 ساعت: 18:30

http://minegaram.blogfa.com/
وبلاگ ایمان صمیمی.

دوشنبه 07 بهمن 1387, 21:19
پاسخ
نام *
پست الکترونیک (برای تایید و پاسخ)
آدرس وب
Professional Solutions ChronoComments by Joomla
ثبت نظر
انصراف
avatar narina
0

چشم جناب خزئلی در خدمتم ولی خوشحال میشدم که در خصوص مطالب مربوط به شناسنامه آقای احمدی نژاد با حفظ کپی رایت عمل میکردید:
minegaram.blogfa.com

پاسخ:

برای من از منبع دیگری آمد ، و این رفرنس را نداشتم ، به هر حال متشکرم ، از وبلاگ شما استفاده خواهم کرد، به امید پیروزی

نویسنده: ض

چهارشنبه 9 بهمن1387 ساعت: 18:31

narina
0

اشارات گاردین به یهودی زاده بودن احمدی نژاد قبل از بیان من بود ولی من برای اولین بار به توضیحات دار بودن شناسنامه احمدی نژاد اشاره کردم.در مقاله گاردین به این موضوع اشاره نشده بود درثانی من بدون اطلاع از مقاله گاردین به این موضوع پرداختم.به طور کلی طرح موضوع هویت اصلی رییس جمهوری ایران بعد از مطرح شدن توضیحات شناسنامه ایشان بود

که اولین بار حقیر اشاره کرد.این لینک رو ببینید:
http://balatarin.com/permlink/2008/10/14/1421714

نویسنده: ض

چهارشنبه 9 بهمن1387 ساعت: 18:31

avatar نارینا
0

آقای خزئلی اینو ببینید:
حتما تا انتها بخونید:
http://narinablog.blogfa.com/post-2.aspx

نویسنده: ض

چهارشنبه 9 بهمن1387 ساعت: 18:35

narina
1+

سلام آقای خزعلی اولین بار این مطلب رو در خصوص آقای احمدی نژاد من در بالاترین لینک دادم و به صفحه شناسنامه ایشان اشاره کردم اگر اطلاعات بیشتری میخواهید یا میتوانید شما در این موضوع به من کمک کنید با من تماس بگیرید.بسیار متشکرم.

پاسخ:با سلام و اهدای تحیت

من در حال تدوین، کتابی در باره احمدی نژاد هستم، اگر بی پولی مجالی دهد! محبت کنید مطالب خود را برایم ای میل فرمایید، با تشکر
info@drkhazali.com

نویسنده: מסעוד !

پنجشنبه 10 بهمن1387 ساعت: 0:15

وقت بخیر استاد.

ریشه خانوادگی یهودی برای احمدی نژاد ! :

http://www.rferl.org/content/Were_Ahmadinejads_Ancestors_Jews_/1375318.html

نویسنده: حسین محمدی

پنجشنبه 10 بهمن1387 ساعت: 0:36

در لینک زیر قسمت نظرات کاربران (دومی) قابل تامل است . اشاره به یادداشتی در تابناک که بیش از چند ساعت دوام نیاورد .
id=2266&http://www.mobarezin.com/index.php?dir=news

نویسنده: ض

پنجشنبه 10 بهمن1387 ساعت: 1:14

جناب ض تصحیح بفرمایید یکی از وبلاگهای ایمان صمیمی چون گویا این هم هست
/http://narinablog.blogfa.com

نویسنده: مرتضی

پنجشنبه 10 بهمن1387 ساعت: 1:26

جناب استاد اون ایران ددری که یادتون نرفته. بعد از چند ماه یادداشتی گذاشته و نوشته است:
"پورپیرار گفته است که جمعیت ایران هر 33 سال دو برابر می‌شود. در چنین حالتی مقدار دقیق نرخ خالص تولید مثل برابر با 1/02122660630826 خواهد بود".
اهل خرد این بوزینه دهان گشاد را از روی همین جمله خودش می شناسند: بی چاره بعد از چند ماه محاسبه به نرخ بالا رسیده است که هر 66 سال یک بار هم جمعیت را دو برابر نمی کند!!!! راستی که نوشته های مخالفان شما معیار شناخت تفاوت میان منطق آدمیزاد با عرعر خران است که اظهار نظر ایران ددری در بالا نمونه ای از آن عرعرها شمرده می شود.
هه هه هه هه هه

نویسنده: حکیمی

پنجشنبه 10 بهمن1387 ساعت: 1:40

لینک العربیه
http://www.alarabiya.net/views/2009/01/20/64576.html

اینم بحث پیرامونش:
http://www.iranamerica.com/forum/showthread.php?p=10431

اینم ممنوعیت یوگا در اندونزی:
http://www.alarabiya.net/articles/2009/01/26/65060.htm

این هم همون قبلی
http://www.president.ir/piri/media/main/33492.jpg
l

نویسنده: رضا صدیقی

پنجشنبه 10 بهمن1387 ساعت: 11:37

با سلام و آرزوی سلامتی
31 مین گفتار هنر و تمدن اقوام پراکنده ایران را با عنوان پروشیانها...موسی و تورات را تقدیم حضورتان می نمایم

وب سایت

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

پنجشنبه 10 بهمن1387 ساعت: 11:58

با سلام.

وبلاگ دروغ بزرگ با مقاله ی (اجرام خام و حجاری های نیمه تمام (2)) در خدمت جویندگان حقیقت.

جناب پورپیرار، رفع کسالت شده انشاالله؟

وب سایت

نویسنده: هدهد

پنجشنبه 10 بهمن1387 ساعت: 15:30

جناب استاد نمیدونین توی گه لاگ ایران ددری چه خبره. یه گندی بالا آوردن که معلومه با انگشتای دستاشونم نمیتونن حساب کنن. یارو با ریت 1/022 افزایش سالانه، بعد از 33 سال

جمعیت رو دو برابر کرده است!!!!؟ معلومه که حتی معنای ریت رو هم نمیدونه. رفتم براش درست حساب کردم و یادداشت زیرم گذاشتم. حالا باید منتظر اومدن برف بشه تا بره جای پای شتر بسازه. البته از مقام شما معذرت میخوام که به اون طویله سر زدم ولی رسوا کردنشون واجبه.
"بابا وقتی می بینم این همه بی شعورید آن وقت به اهمیت کار استاد پورپیرار بزرگ پی میبرم. عموجون. ریت تو 1/02122660630826 است برای این که گیج نشی یه کم هم من روی آن میگذارم و خلاصه می کنم تا بشود 1/022 در این صورت باز هم برای این که سر گیجه نگیری فرض را بر 100 میگذارم آنوقت سال اول میشود 022/ 101 اگه قاطی نکنی و بری جلو سردستی هم که حساب کنی در سال سی و سوم میرسی به عدد 137 یعنی در 33 سال فقط 37 نفر اضافه شده اند. از شماها که خرابی تخت جمشید رو نمی بینید نباید هم توقع محاسبه درست ریاضات رو داشت. باز هم اگه حالیت نشد، که نمیشه تقاضا بفرست تا راه نماییت کنم.

نویسنده: سورنا

پنجشنبه 10 بهمن1387 ساعت: 17:55

اقا شما که پنبه همه رو زدی. پس این قضیه سربداران چیه؟ لطفا حداقل به طور خلاصه بگید

نویسنده: حسین محمدی

جمعه 11 بهمن1387 ساعت: 2:27

در جريان اجلاس اقتصاد جهاني در داووس رخ داد :
حمله شديداللحن , رو در رو و بي‌سابقه نخست وزير تركيه به رئيس رژيم صهيونيستي
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8711101113

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 11 بهمن1387 ساعت: 5:31

آقای محمدی. جبهه گیری و رفتار و سخنان رجب طیب اردوغان نشانه ی دیگری از پایان عمر یک دوره و آغاز طلوع خورشید وحدت مسلمین است. در عین حال هنوز معتقدم که مسلمانان دشمنان شان را به بازی گرفته و سرگرم کرده اند.

آقای سورنا.سر کارتان گذارده اند، همین!

آقای دهقانی. برای چند نفری از همه جا مانده، تریبون عرض اندام خوبی ساخته اید. بد نیست آنان را که نشانه ی یهودیت، یعنی تاثیر نپذیرفتن از علائم و آثار و استدلال را از خود نشان می دهند، به دور اندازید.

آقای صمیمی. خوش حالم که نشان های ناز پروری را از خود دور کردید. بر آن سفره که شما خود را نشانده اید، هرگز و در هیچ زمانی حلوا تقسیم نکرده اند. هرچه بوده است توهین و تحقیر و ناسزا و اتهام.

نویسنده: ریاحی

جمعه 11 بهمن1387 ساعت: 4:0

یعنی خاک بر سر عمرو موسی؟!

نویسنده: حسین محمدی جمعه 11 بهمن1387 ساعت: 2:27

در جريان اجلاس اقتصاد جهاني در داووس رخ داد :
حمله شديداللحن , رو در رو و بي‌سابقه نخست وزير تركيه به رئيس رژيم صهيونيستي
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8711101113

نویسنده: قنبر

سه شنبه 15 بهمن1387 ساعت: 22:42

با سلام

در مورد طوفان نوح که در چه زمانی از تاریخ و به چه وسعتی رخ داده

نویسنده: طاطا

شنبه 21 فروردین1389 ساعت: 22:30

سلام من دانشجو هستم امكان داره مطالب بيشتري در مورد ابن بطوطه در اختيارم بگذارين؟
ممنون ميشم
به وب من هم سري بزنيد خوشحال ميشم.

وب سایت

١ ٢ ٣

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

نویسنده: روشن

پنجشنبه 26 دی1387 ساعت: 6:26

با سلام

استاد خدا قوت و خسته نباشید انشاا.. سفر ترکیه هم پر بار خواهد شد با ارزوی سلامتی منتظر سوقاتی های ارزنده هستیم

نویسنده: الکی خوش

پنجشنبه 26 دی1387 ساعت: 7:41

حساب کنیم که طی کردن این مسیر با وسایل آن روزگار چقدر زمان می خواسته!

همین چند نسل پیش سفر حج چقدر طول می کشید؟ کسی ایده ای داره؟

نویسنده: محمود بجانی

پنجشنبه 26 دی1387 ساعت: 9:3

با سلام
استاد عزیز - به راستی مطالبی که از تلاشها و کاوشهای شما یاد گرفته ام فراموش نشدنی است و تا آخر عمر بدان معترف هستم . تحلیل شما را از مسائل غزه خواندم به راستی تحلیل گرانی بود فقط یک نکته سخت ذهنم را مشغول کرده است که :
آیا شما قبول دارید که ایران از حماس به عنوان اهرم استفاده می کند ؟

نویسنده: KAVEH

پنجشنبه 26 دی1387 ساعت: 10:2

سلام خسته نباشيد آقاي پور پيرار . گمان ميكنم وحدت اسلامي و از بين رفتن اين تفرقه ها روياييست دست نيافتني كه تا ابد در حسرتش خواهيم سوخت.موفق باشيد.

نویسنده: حسین محمدی

پنجشنبه 26 دی1387 ساعت: 10:50

پیام احمدی نژاد با ساکنان اسرائیل :
اي مردم ساكن در سرزمين هاي اشغالي، اعم از يهودي، مسيحي و مسلمان، مانند مردم ساير مناطق دنيا به خيابان ها بريزيد و تظاهرات كنيد، فرياد بزنيد و به وحشي گري هاي اين از خدا بي خبران اعتراض كنيد...اي سربازان رژيم صهيونيستي، اطلاع داريم كه در بين شما ناراضي است و با فرماندهان خود درگيري داريد؛ از اينكه براي كشتار و زورگويي از شما استفاده مي شود خسته شده ايد؛ سوال اصلي اين است كه چرا بايد زنان و كودكان و انسان هاي بي گناه را بكشيد؟ وقتش رسيده به فرماندهان خود اعتراض كنيد. از دستور كشتار سرپيچي كنيد و انسان هاي بيگناه را نكشيد.

نویسنده: توحید

پنجشنبه 26 دی1387 ساعت: 7:39

با سلام و عرض خسته نباشید

استاد آفرين بر نبوغ و تيزبيني شما ، بزرگترين سوتي ابن بطوطه همان شرح قسطنطنيه است كه نيمي از شهرش را با نام «استانبول» مي شناسد . شما گفته ايد كه استانبول نامگذاري جديد و كمتر از صد سال اخير است ، ولي باز اگر برحسب همين تواريخ مجعول هم حساب كنيم دورترين نامگذاري اين شهر در سال 857 ه . ق يعني 132 سال پس از بازديد ابن بطوطه از اين شهر و هنگام فتح آن به دست عثمانيان رخ داده است ، به شرح دهخدا توجه كنيد :

"در این حال امپراطوران روم از سلاطین عثمانی بیمناک بودند و با ایشان بنای مدارا و مماشات را گذاردند. در سال 797 هَ . ق . یلدیرم سلطان بایزید و در سنهٔ 825 سلطان مرادخان ثانی قسطنطنیه را محاصره کردند ولی فتح میسر نشد. در تاریخ 857 سلطان محمدخان ثانی شهر مزبور را هم از طرف دریا و هم از جانب خشکی محاصره کرد. عساکر عثمانی با توپهای جسیم نوظهور از طوپقپو و اندرون تنگه با کشتیهای سبکی که از طریق بشکطاش و کاغذخانه داخل خلیج کرده بودند، از دریا عبور کرده استانبول را فتح کردند و این فتح نمایان در 20 جمادی الآخر سنهٔ مزبور مطابق با 1453 م . وقوع یافت . از این تاریخ ببعد دورهٔ جدیدی برای این شهر آغاز میگردد که آنرا دور سیم تاریخ شهر باید نامید. در دور اول قصبهٔ کوچک موسوم به بیزانس و در دور دوم مرکز امپراطوری روم و مسمی به قسطنطنیه بود و در دور سوم پایتخت دولت عثمانیه و بنام استانبول معروف گردید. ... کلمهٔ استانبول مأخوذ و تحریفی است از تعبیر یونانی ایس تین پولین (یعنی بشهر یا در شهر). گویند عثمانیان پس از فتح این شهر را به این اسم نامیده اند لیکن این نظر خطاست ، قرنها قبل از عثمانیان این نام بر این شهر اطلاق شده چنانکه در معجم البلدان یاقوت حموی همین تعبیر را می بینیم و این کتاب در اواسط قرن 7 هَ . ق . یعنی دو قرن پیش از فتح استانبول نوشته شده معهذا ادبا و نویسندگان عثمانی سابقاً نام قسطنطنیه را بیشتر بکار میبردند و اکنون اسلامبول را بکار می برند. "

نویسنده: توحید

پنجشنبه 26 دی1387 ساعت: 7:41

http://www.loghatnaameh.com/dehkhodaworddetail-7e994d96725545faac0a7253e5a03090-fa.html

معلوم نیست این امپراطوري مانند سیب زمیني یك شبه در آمده و بدون پیشینه چگونه مجهز به فناوري روز یعني «توپهاي جسیم و نو ظهور» شده است ؟ به نظر شما مردمي كه با نام عثماني به جدیدترین سلاح روز مجهز شدند تا دولت مقتدر روم شرقي را بر اندازند كدامه قبیله از طرف یهودیان بوده است ؟ آیا امكان دارد اینها هم از نژاد خزرها بوده باشند ؟

سفرتان بي خطر .

نویسنده: حسین

پنجشنبه 26 دی1387 ساعت: 11:40

مرسی

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 26 دی1387 ساعت: 12:6

آقای امیر جعفری. از محمد شماره ی مرا بگیرید، زنگ بزنید تا کمی احوال پرسی کنیم سلام مرا هم به محمد برسانید.

آقای توحید. مسخرگی این گفته ها و نوشته ها زمانی معلوم می شود که می خوانیم اسلامبول زمانی قصبه ای به نام بیزانس بوده و مسخره تر این که مستند خود را مطالب یاقوت حموی قرار می دهد که پیش تر با بی دانشی و جعلیات او آشنا شده ایم، با این همه بدانید که در معجم البلدان یاقوت حموی هم نامی به صورت اسلامبول و یا استانبول نیامده است تا معلوم شود همگی جاعل و بی سوادند و استثنا هم بر نمی دارند. قضایای این آقایان همان حکایت کورانی است که عصا کش یکدیگرند.

آقای KAVEH. همه چیز به اراده ی خداوند بستگی دارد که قول اضمحلال فرقه گرایان را در قرآن داده است. در عین حال تمام جنگ های جهان شرایط صلح و رفع کدورتی در درون خود دارد، اما نمی دانیم شیعه و سنی چه زمان گریبان یکدیگر را رها خواهند کرد. احتمالا زمانی که بتوانیم تاریخ را به عقب برگردانیم، همه را از سقیفه بیرون بفرستیم تا به دنبال دفن پیکر پیامبر بروند، که بر زمین ماندن آن نیز دروغی بزرگ و آشکار، توهینی به رسول خدا و عقده ای بوده است که مشرکان تاریخ اسلام نویس بر سر نعش پیامبر خالی کرده اند. به هر طرف نگاه می کنیم کوهی از مکتوبات مملو از دروغ در برابر خود می بینیم.

نویسنده: نارنیا

پنجشنبه 26 دی1387 ساعت: 12:17

با سلام
جناب الکی خوش درک این قضیه بسیار راحت است!!کافیست چند روزی در فرقه های صوفی گری و عرفانی دور خود بچرخید تا توانایی پرواز و در ایکی ثانیه از مثلا هند به چین رفتن را عین آب خوردن انجام دهید!!!

نویسنده: نارنیا

پنجشنبه 26 دی1387 ساعت: 13:57

يك نظرسنجي درسي ان ان با اين عنوان كه آيا اسرائيل حق حمله به فلسطينيان را دارد؟ درحال برگزاري است. نظر موافقين حمله اسرائيل بيشتر از مخالفين است. با مراجعه به سايت زير و ارسال به دوستان جلوي اين جنگ اينترنتي رابگيريم
www.israel-vs-palestine.com

نویسنده: سجاد5

پنجشنبه 26 دی1387 ساعت: 15:10

تاريخچه بيلدربرگ
اولين اجلاس بيلدربرگ از29تا31مه1954درهتل بيلدربرگ متعلق به پرنس برنهاردوليعهدهلندبرگزارشدجوزف ريتنگريهودي مشاورسياسي پرنس برنهاردكه درسال1948
نهضت اروپارابنيان نهادچند سال بعدازآن پيشنهادتشكيل اين گروه را دادوي پس ازجلب موافقت برنهاردبا سفربه اروپا و آمريكا با نخست وزيران وروساي جمهوررهبران
كارگري مديران صنايع و حكام غيركمونيست ديدارو ازآنهابراي شركت دريک نشست غيررسمي در هلنددعوت كرداين نشست كه براي اولين باردر هتل بيلدربرگ برگزار
شدبعدهابه همين نام به فعاليت ادامه داد
ريتنگرتوانسته بودبا اين كارابتكارخوداروپاو آمريكا را به هم پيوند بزند به طوري كه جرج مک گي مقام برجسته وزارت خارجه آمريكامدعي شدكه سوتفاهم هاي اروپا و
آمريكا دراولين اجلاس بيلدربرگ ازبين رفت يک كميته سازماندهي دائمي تشكيل وريتينگريهودي دبيركل دائمي آن شد اين كميته علاوه برسازماندهي جلسات وارسال دعوتنامه
به اشخاص موردنظراسامي شركت كنندگان واطلاعات دقيق آنهارا جمع آوري مي كرداينگونه بودكه يک شبكه غيررسمي تشكيل شد تا اعضا بتوانندبه طورمحرمانه بايكديگر
درتماس باشندحال يهوديان توانسته بودندپارا ازتشكيل نهضت اروپايي فراتر گذاشته وآمريكا رانيزبراي دستيابي به اهداف خودبه خدمت بگيرند ازسال 1954به بعدتقريباهرسال
يكباريهوديان سران قدرت وسرمايه رادريكي ازهتل هاي اشرافي جهان جمع كرده تا بواسطه آنها كه اغلب يهودي هستنددر مورد آينده جهان تصميم گيري كنندهرتصميمي كه در

بيلدربرگ گرفته مي شود به دليل نفوذو تاثيرگذاري بالاي شركت كنندگان خودبه خود ضمانت اجرائي پيدامي كند ازاين رو خبرگزاري بي بي سي اعتراف كرده است بيلدربرگ
هدايت گرسياست هاي بين المللي ازپشت درهاي بسته است اجلاسهاي گروه 8فقط يک نمايش است درسال 2003مانندسال 2007اجلاس گروه 8چندروزبعداز نشست بيلدربرگ
برگزارشدحال به راحتي مي توان به علل اتحاداروپاو آمريكاعليه روسيه پي برد روسيه در سازمان بيلدربرگ جايي ندارد وسياستي كه در قبال اسرائيل اتخاذكرده متفاوت از
سياستهاي اروپا و آمريكا مي باشدصندلي روسيه در اجلاس 2007بيلدربرگ خالي بود و مذاكره با مسكوتنها گزينه باقي مانده براي بحث در اجلاس گروه 8شد
در قسمتهاي بعدي به شركت كنندگان و خبرنگاران جسورافشاءكننده بيلدر برگ خواهيم پرداخت

نویسنده: سجاد

پنجشنبه 26 دی1387 ساعت: 16:2

باسلام استادعزیزسفرخوش مواظب سرمای شدید ترکیه باشید
واین ابن بطوطه عجب آدم جالبی بوده که تمام زبانهای کشورهارا می دانسته یا در هرجایی کسانی بوده اندکه زبان او را می دانسته اند پول خوبی هم داشته چون کاری نداشته غیراز سفرو گردش آن هم با هواپیمای شخصی
آقا یا خانم روشن باسلام درمورد کمیته 300اطلاعاتی ندارم و بااجازه استاد مطالبی از بیلدربرگ مانده که ارسال خواهم کرد

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

پنجشنبه 26 دی1387 ساعت: 17:44

با سلام.
آقای پورپیرار به نظر من کسی باید همت کند و از همه ی این کتب سفرنامه, یک مجموعه ی طنز تاریخی درست کند تا یک دل سیر از آن بخندیم.
ابن بطوطه در شیراز 5 رودخانه میبیند که اصولا و از نظر موقعیت جغرافیایی این موردی غیر ممکن است, چونکه شیراز در بین

دو رشته کوه قرار گرفته و حالت یک دره ی بزرگ دارد که اگر از هر نقطه ی آن, آبی در اندازه ی یک رودخانه جاری شود, بلافاصله به مرکز این دره که از همه عمیق تر است هدایت می شود. و میبینیم که در شیراز امروز و با این وسعت زیاد, یک رودخانه بیشتر جریان ندارد که آن هم در 9 ماه از سال خشک است. حالا آیا میشود گفت که شیراز ابن بطوطه, نه این شیرازیست که ما امروز در آن زندگی میکنیم؟ نکته ی دیگر اینکه شیراز اصلا در زمینی صاف ساخته نشده و همانطور که گفتم در دو طرف به رشته کوه های بلند منتهی می شود و به همین دلیل شیراز شهری است که بیشتر بیضی شکل است.
اما در مورد روش مسافرت ابن بطوطه, همین بس که اگر امروز هم که سرعت مسافرت بسیار بسیار زیاد شده (با وجود ماشین و قطار و ...) زمان این سفر باید بیش از یک سال طول کشیده باشد حال برای ابن بطوطه چقدر طول کشیده نمی دانم.

وب سایت

نویسنده: بی طرف

پنجشنبه 26 دی1387 ساعت: 17:56

سلام مجدد.

وبلاگ دروغ بزرگ در خدمت جویندگان حقیقت.

بررسی کتیبه های تخت گاه هیچکس.

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 26 دی1387 ساعت: 21:27

آقای دهقانی. خیر، همان شیراز را می گوید، چون شرحی بر مقبره و خانقاه سعدی نیز آورده است!!!

آقای خرمی. درست آن نام، اسلامبول به معنای قدرت اسلام و یا چیزی شبیه اسلام آباد به ترکی است، نه استانبول که هیچ معنایی ندارد. چنان که یاقوت قلابی هم آن را اصطانبول نوشته است.

نویسنده: محمد رضا

پنجشنبه 26 دی1387 ساعت: 22:53

آقای رسول جعفریان در سایت تخصصی کتابخانه تاریخ نقدی بر نوشته های شما در مورد ابن ندیم داشته اند . خیلی خوب بود شما پاسخ او را می دادید تا مسائل روشن شود .

نویسنده: حسین محمدی

پنجشنبه 26 دی1387 ساعت: 23:59

گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی افغانستان، دشمنی خود با ما را عیان کرد و با صدور بیانیه ای که يك نسخه از آن دراختیار"العربیه.نت" قرار گرفته در مورد حوادث غزه، به فلسطینیان گفته است که به ایران اعتماد نکنند.
وی جنبش حماس را از امید بستن به کمک های ایران هشدار داد. وی همچنین ایران را متهم کرد که به همراه امریکا در اشغال عراق نقش مهمی را داشته و مدعی است که ایرانی ها و گروههای مورد حمایت ایران، به اندازه ی نیروهای امریکایی در قتل مردم عراق دست داشته اند.
در بیانیه ی مذکور همچنین آمده است: " به مجاهدین فلسطین توصیه می کنیم که فریب سخنان دروغ سردمداران ایران را نخورند، ایران در طول تاریخ و در تمامی جنگهایی که علیه امت اسلامی به راه افتاده؛ دست در دست دشمن گذاشته و از پشت به امت خنجر زده است ، ایران دشمن خطرناکی است که جامه ی دوست برتن کرده است".
حکمتیار در بیانیه ی خود می گوید : "افغانها آماده ی دفاع از قدس شریف در فلسطین هستند اما راه به رویشان بسته است".

نویسنده: حسین محمدی

جمعه 27 دی1387 ساعت: 0:4

سرلشکر ضاحی خلفان تمیم فرمانده کل نیروهای پلیس دبی سفارتخانه های اسرائیل و دفاتر بازرگانی وابسته به این سفارتخانه ها را "مراکزی برای تجسس های سازمان موساد" نامید.
وی داشتن روابط بازرگانی با اسرائیل را نیز گشودن راه برای "تجارت جنگ و نزاع" خواند و خواهان آن شد که کنفرانس آتی سران عرب مصوبه ای صادر کند که بر اساس آن کشورهای عربی داد و ستد با اسرائیل را تحریم کنند و بویژه کشورهایی که دارای روابط بازرگانی یا دیپلماتیك با رژیم تل اویو می باشند، از ادامه ی چنین روابطی دست بردارند.
وی گفت :اسرائیل هرگز نمی خواهد با کشورها و جوامع عرب صلح وسازگاری داشته باشد. اگر جز این بود چرا طرح صلح اتحادیه ی عرب را که توسط ملك عبدالله بن عبدالعزیز در بیروت ارایه شد، نادیده انگاشت و به آن پاسخ مثبت نداد.

نویسنده: روشن

جمعه 27 دی1387 ساعت: 5:34

با سلام به استاد و دوستان

اقای سجاد کتاب کمیته 300 نوشته جان کولمن و ترجمه دکتر یحیی شمس از انتشارات فیروز که به چاپ 12 هم رسیده است کتاب دیگری از همین نویسنده
و مترجم بنام سیاست پردازی و نیرنگ است مطالعه این دو کتاب را بشما که در باره بیلدر برگ تحقیق می کنید توصیه می نمایم

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 27 دی1387 ساعت: 10:6

آقای محمدیان. اصولا مطلب را درست درنیافته اید. مقدم بر این گمانه ها، ضروری است ابتدا معلوم شود کردان در چه زمان، از کدام منطقه و بنا بر کدام ضرورت مادی یا تاریخی، به زیستگاه کنونی خود کوچ کرده اند. زیرا همانند غالب بل تمامی اقوام دیگر ایرانی، هیچ یادگار و اثر کردی هم نیافته ایم که افزون بر دو یا سه قرن قدمت داشته باشد. کافی است دور و بر خود را خوب و بدون تعصب بگردید. آن گاه چه گونه از زبان هخامنشیان بهره ی لغوی برده اید، مگر این که کردان را هم شاخه ای از خزران بگیریم!

آقای محمد رضا. در آن یادداشت آقای جعفریان در عهد عتیق این مباحث سیر می کنند و روشن است با داده های جدید آن آشنا نیستند. در ضمن آن جا گزارشی از این نوشته ها دیده می شود و نه نقدی بر آن ها. آن چند جمله را هم که در باب الفهرست ابن ندیم آمده، فی الواقع عبارت است از تایید بی ارزشی آن.

آقای دهقانی. مطلب منحصر به سفرنامه ی ابن بطوطه و رحله ی ابن خلدون و دیگران نیست، تمام آن میراث مکتوبی که بی دلیل قدیم می پندارند مستعد آنند که در یک نقد مطلوب به شوخی نامه بدل شوند.

آقای سجاد. معلوم نیست که گمان سفر به ترکیه از کجا جوانه زده است؟!!

نویسنده: رعد

جمعه 27 دی1387 ساعت: 13:12

سلام... اقای پیرار بنظرم بایستی مثل چند ماه پیش ضربات هوک چپ و راست خود را پی در پی فرود اورید چون به گمانم الان , پاپ 16 و اعوانش مرده اند که هیچ واکنشی نسبت اعمال کمی دگردیسی یافته هم جنسان خود یعنی جهودان, نسبت به مردم مقاوم غزه و دولت مردمی حماس نشان نمی دهند , تالله که عجیب است این کلام الهی راجع به این دو گروه مشرک . سبحانه و تعالی عما یشرکون , سبحانه و تعالی علوا کبیرا .

نویسنده: علی دما

جمعه 27 دی1387 ساعت: 13:57

سلام دورادور ! پيگير مطالبم هيچ وقت پيش بيني نميکردم که به اين نتيجه ها برسيم
--ضمنا علاوه بر تفرقه فرقه اي اين تقسيمات کشورها در 100 سال اخير و به اصطلاح مستقل بودن تك تك کشورهاي اسلامي هم جلوي همگرايي را گرفته است

نویسنده: علیرضا

جمعه 27 دی1387 ساعت: 14:3

حکمتیار به فلسطینیان:"ایران در طول تاریخ دست در دست دشمن گذاشته و از پشت به امت خنجر زده"

http://www.alarabiya.net/articles/2009/01/14/64209.html

به نظر شما این نظر که بشدت در جوامع عربی تبلیغ میشه چقدر میتونه صحت داشته باشه؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 27 دی1387 ساعت: 16:47

فریبا خانم. خیلی حیف شد. پس طرف عرب نبوده و فقط خوب عربی می رقصیده!!! ضمنا در آن زمان که می گویند، مشغول کوبیدن کوس رسوایی من در زندان شاه بودند. طرف نیازمند آسایشگاه است.

آقای بی نام. ممنونم، ولی فعلا قرار سفر ندارم.

آقای علی دما. اگر مطالب این یادداشت ها قابل پیش بینی بود فرصت ادامه نمی یافت. چنان که هنوز هیچ کدام نمی دانند سر از کجا در خواهند آورد!!!

نویسنده: حسینی

جمعه 27 دی1387 ساعت: 18:50

خسته نباشید.

نویسنده: حسین محمدی

جمعه 27 دی1387 ساعت: 22:12

1- به گزارش خبرنگار تابناك؛ در روزهاي اخير و هم زمان با مبارزات جانانه مردم فلسطين در برابر اشغالگران صهيونيست، به ناگاه خبري در سطح وسيع در رسانه ها و وبلاگ ها فارسي زبان پخش شد كه طي آن از قول يكي از رهبران حماس در مصاحبه با شبكه الجزيره نقل شده بود كه گفته است: "سننتصر علي اسرائيل، كما انتصر يزيد علي الحسين" يعني همان گونه كه يزيد بر حسين(ع) پيروز شد ما نيز بر اسرائيل پيروز خواهيم شد.
انتشار گسترده اين جمله كه واكنش هاي بسياري را برانگيخته است سبب آن شد تا بررسي دقيقي از محتوا و صحت و سقم اين ادعا به عمل آيد.
مهم ترين اشكال در نقل اين ادعا اينستكه ناقلان اين مطلب چرا نام اين فرمانده و زمان پخش برنامه در شبكه الجزيره را اعلام نمي كنند؟ با اعلام چنين جزئياتي بهتر مي توان به اهداف پشت پرده رسانه هاي منعكس كننده اين موضوع رسيد؟

2- به گزارش فارس به نقل از خبرگزاري فرانسه، يك ديپلمات موريتانيايي اعلام كرد كه قطر و موريتاني امروز در نشست سران عرب در دوحه كه براي بررسي كشتار مردم مظلوم فلسطين برگزار شود تصميم گرفتند كه روابط خود را با رژيم صهيونيستي تعليق كنند.

3-شيخ نعيم قاسم تأكيد كرد: حزب‌الله مسلح خواهد ماند، مسلح‌تر خواهد شد و حاضر است جنبش‌هايي را كه خواهان مبارزه با رژيم صهيونيستي هستند مسلح كند.
وي با بيان اينكه اگر موشك‌هاي مقاومت از نوار غزه به سرزمين‌هاي اشغالي شليك نمي‌شد امروز شاهد سقوط غزه بوديم خواهان شليك بيشتر موشك‌هاي مقاومت توسط جنبش‌هاي اسلامي فلسطيني شد.

4- خبرگزاري فرانسه در خبري فوري از بيت المقدس به نقل از یک منبع دولت رژيم صهيونيستي اعلام كرد كابينه امنيتي اين رژيم قرار است روز شنبه در موافقت با پيشنهاد آتش بس يكجانبه در نوار غزه راي گيري كند.

نویسنده: سعید

شنبه 28 دی1387 ساعت: 2:46

قابل توجه اقای سجاد
President Barack O’Bilderberg: Picking the

aid=9270&http://www.globalresearch.ca/index.php?context=va

نویسنده: رضا

شنبه 28 دی1387 ساعت: 3:36

آنوسی اینجا آنوسی آونجا. اصلا آنوسی همه جا.
به این خبر دقت کنید:
طراح آرم سالگرد رحلت امام خميني به اسرائيل گريخت.
...آرم اين بزرگداشت، شبيه چراغدان هفت شعله يهود طراحي شده بود.

NID=9190&http://www.narestan.ir/default.aspx?cmd=news

وب سایت

نویسنده: محمود بجانی

شنبه 28 دی1387 ساعت: 8:27

اخیرا با دوست فرزانه ای صحبت می کردیم در خصوص پیشینه جهود در ایران .
نسل جاری آذربایجان در حافظه خود دارد که در زمان بچگی آنها را موقع شلوغکاری از جهود می ترساندند . آن موقع اصلا نمی دانستیم جهود کیست و منظور از آن کدام است ؟ بعدها که کمی بزرگتر شدیم دیدم باغهای قدیمی بزرگی در اغلب شهرها وجود دارد که زمانی دارندگان آن جهود بوده اند و به باغ جهود معروفند (اکنون کسانی که اهل مرند هستند این باغ معروف را در مرند به خوبی می شناسند که 5 سالی است بدل به منطقه مسکونی شده است) . آن دوست فرزانه ام نکته جالبی گفت : به نظر می رسد که نسل پیشین ما یهود را خوب شناخته بودند ولی چون بی دفاع بودند کاری نمی توانستند انجام دهند و تنها به صورت فرهنگی پنهان نگه داشته شده است که باید بچه ها را از جهود ترساند .
و زمانی بعد با دیدن سخنان استاد پورپیرار ، خیلی از گرههای این مساله باز شد

نویسنده: مهرناز نصریه

شنبه 28 دی1387 ساعت: 10:45

نقد تفسیر سورآبادی 19

www.mobina46.blogfa.com

نویسنده: حسین محمدی

شنبه 28 دی1387 ساعت: 11:14

استاد : چقدر مسلمانان امروز , نیاز به دانستن "اسلام و شمشیر" و نیز مباحث جاری هستند . لینک زیر مایه تاسف است ... ولی بازهم صبر می کنیم تا انشا الله روزی فرا برسد که دیگر هیچ یهودی و آنوسی نتواند پشت هیچ نقابی خود را مخفی نماید .
http://www.newiraqnews.com/fa/pages/?cid=1615

نویسنده: توحید

شنبه 28 دی1387 ساعت: 12:38

با سلام

روايت لحظه به لحظه از بزرگترين فرار سياسي تاريخ جمهوري اسلامي (استاد حتما بخونید) :

http://www.babahistory.blogfa.com/post-52.aspx

جهان سوز شاهي نديده «فتحعلي شاه» در آمريكا چه مي كند ؟

http://www.babahistory.blogfa.com/post-58.aspx

نویسنده: نارنیا

شنبه 28 دی1387 ساعت: 15:39

با سلام
دوستان می توانند بگویند این جملات چه تفاوتی با هم دارند؟
آیا می توان هم ایرانی بود هم یک مسلمان کامل؟!
آیا می توان یک یونانی بود و یک مسیحی کامل؟!
آیا می توان یک چینی بود و یک مسلمان کامل؟!
و...
جمله اول جمله ای است که باستان پرستان هر کجا اتراق میکنند با تعجب و عصبانیت جار میزنند؟!
کودنی از سرو رویشان می ریزد!!

نویسنده: حسین محمدی

شنبه 28 دی1387 ساعت: 16:4

ای بابا .... ابن بطوطه پیش اینا لنگ میندازه !
http://www.tabnak.ir/pages/?cid=33124

نویسنده: دادا

شنبه 28 دی1387 ساعت: 16:18

با سلام حضور استاد و دوستان

به لینک های زیر سر بزنید, جالب هستند:

/http://www.johnkaminski.info
http://www.shahbazi.org/index2.htm

رخصت استاد

نویسنده: سعید

شنبه 28 دی1387 ساعت: 22:11

متهم ایرانی تخریب کتابهای تاریخی محکوم شد
آقای حکیمزاده که در لندن زندگی می کند متهم شده بود که در مدت هفت سال کتابهای تاریخی را از کتابخانه "بریتیش لایبرری" قرض گرفته و صفحاتی از آنها را جدا کرده است.

بر اساس گزارشها صدمات وارد شده به کتابهای تاریخی با چشم غیر حرفه ای قابل تشخیص نیست و در لابلای اوراقی قرار دارد که با دست صحافی شده اند و حدیث سفرهای اروپاییان به ایران، بین النهرین و امپراطوری مغول است.

پیشتر روزنامه گاردین، چاپ لندن، گزارش کرد که پژوهشگران ارشد حیران مانده اند که چرا آقای حکیمزاده، تحصیل کرده دانشگاه هاروارد، ناشر و متفکر با یک چاقوی جراحی به جان 150 کتابی افتاده است که قرن هاست در مجموعه ملی محفوظ بوده اند.

به نوشته گاردین: "خسارت مالی که او در طی هفت سال به بار آورده است چیزی حول و حوش چهارصدهزار پوند است اما دکتر کریستین جنسن، مسئول بخش مجموعه چاپی کتابخانه می گوید به هیچ عنوان نمی توان قیمتی روی کتابها و نقشه هایی که او نابود کرده گذاشت."

پژهشگران کتابخانه بریتانیا در ماه ژوئن 2006، بعد از آنکه یک کتابخوان دیگر به آنها خبر داد که صفحاتی از یکی از کتابها کنده شده است، به کاراگاه تبدیل شدند. تحقیقات دقیق کارشناسان، صحت این حرف این کتابخوان را ثابت کرد و بعد عملیات وسیعی درباره آنکه چه کسی مرتکب این کار شده و اینکه چه کتابهای دیگری هم به همین سرنوشت دچار شده اند، آغاز شد.
http://www.bbc.co.uk
persian/arts/2008/11/090116_v_defaced_book_hakimzadeh_jailed.shtml/

نویسنده: سجاد

شنبه 28 دی1387 ساعت: 22:50

باسلام آقای سعید ممنون از معرفی لینک

نویسنده: حسنی

یکشنبه 29 دی1387 ساعت: 0:40

سلام
آقای پورپیرار، استاد گرامی آن مستند را دیده ام بسیار عالی بود.

آیا در نظرتان اشکالاتی هرچند اندک در استدلالهایتان موجود است؟ زیرا که من به چند موردش برخورده ام. خوشبختانه استدلالهای اشتباه شما خیلی جزئ است که نمی تواند کلیات بررسی هایتان را زیر سوال برد. امیدوارم صادق و سلامت باشید مثل همیشه.

نویسنده: یه نفر

شنبه 28 دی1387 ساعت: 21:23

http://i40.tinypic.com/900cb4.jpg

ها؟؟؟
از اینجا بید:
http://www.israel-vs-palestine.com/gz/?comment

چرا نمی زنگید بهم؟

نویسنده: حسين محمدي

یکشنبه 29 دی1387 ساعت: 1:0

http://www.alarabiya.net/articles/2009/01/17/64420.html

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 29 دی1387 ساعت: 1:21

آقای محمدی. ممنون از لینک بسیار با ارزشی که ارسال کرده اید: "خاخام اسراییلی: اگر 100 نفر را بکشیم ولی باز نایستند باید 1000 تن را بکشیم اگر باز هم متوقف نشوند باید 10,000 نفر را بکشیم و همینطور پیش برویم حتی اگر تعداد کشته های آنان به يك ميليون برسد بايد به كشتار ادامه داد". منکران وقوع پوریم بار دیگر بخوانند!

آقای حسنی. بد نیست به آن اشکالات اشاره کنید.

آقای دادا. ممنون.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 29 دی1387 ساعت: 2:38

آقای حذف. عکس العمل یهود در باب مجموع داده های تاملی در بنیان تاریخ ایران، به عیان از وحشت و واماندگی آنان و نیز از به میدان فرستادن تمام مزدوران فرهنگی خویش برای اختفا و بی اثر کردن این نوشته ها خبر می دهد. مثلا تصور کنید یک رهبر سیاسی و یا نظامی بخواهد فتوا و صدور مجوز کشتار بی حساب و تمام نشدنی از سوی خاخام ها در روزگار ما را با تصمیم قتل عام کامل مردم شرق میانه در ماجرای پوریم مقایسه کند، آیا سیمای خون ریز یهود در سراسر تاریخ بر پرده نمی افتد؟!! راستی چرا جهان اسلام در عین تفرقه های مذهبی، مصرانه و بی اختلاف، در پنهان ماندن پوریم به کنیسه یاری می رساند؟!!

نویسنده: حسین محمدی

یکشنبه 29 دی1387 ساعت: 9:56

لینک امیدوار کننده
http://www.edalatkhahi.ir/003840.shtml

نوع نگاه به برخی از اشخاص قابل توجه است .

نویسنده: یکی

یکشنبه 29 دی1387 ساعت: 10:15

http://www.tabnak.ir/pages/?cid=33124

نویسنده: حسنی

یکشنبه 29 دی1387 ساعت: 10:30

سلام
استاد پورپیرار
من هنگام خواندن نوشته هایتان چنین گمان میکنم اغلب انها بر شما وحی شده است. آقای پورپیرار من قصد مخالفت با شما راندارم.آنها بعدها در فرصت مناسب ارسال میکنم.
سربلند باشید.

نویسنده: آشنا

یکشنبه 29 دی1387 ساعت: 10:26

با سلام
آقاي حسني به نظر من با مطالعه بيشتر آثار استاد همان ايرادات كوچك را هم خود رفع خواهيد كرد . جالب است بدانيد استاد در سال 85 اقدام به ساخت مستند «تختگاه هيچ كس!» نمو دند كه زمان اين مستند 2 ساعت و نيم است و البته جهت رعايت اختصار حداقل همين اندازه ديگر را صرف نظر كرده اند ، اخيرا مخالفين ايشان كه گروهي آماتور و تازه به دوران رسيده هستند اقدام به ساخت فيلمي انتقادي (البته نمي شود اسم آنرا فيلم گذاشت) تنها درباره يكي از سكانسهاي مستند نمود كه از 5 قيقه آن 3 دقيقه مربوط به حرفهاي استاد است ، 1 دقيقه آن مربوط به تمسخر و متلك اندازي هاي رايجشان و 1 دقيقه باقيمانده مربوط به ارائه اسناد خودشان !!! كه مثلا مچ استاد را گرفته اند ، در حالي كه بايد به حالشان تاسف خورد كه اين قدر حقير هستند كه پس از 2/5 سال از ساخت مستند و با كاري شبانه روزي توانسته اند اين فيلم را بسازند كه به راحتي مي توان آنرا نقد كرد و اشتباه فاحششان را به رخشان كشيد و مثلا توصيه كرد مقاله شماره 53 ايران شناسي را يكبار ديگر بخوانند كه اين كار برابر است با دود شدن تمام تلاششان و پس گرفتن انتقادشان . تازه اگر با همين مقياس پيش بروند يعني هر 2/5 سال بتوانند 2 دقيقه از مستند استاد را نقد كنند بنابراين براي نقد تمام مستند 2/5 ساعتي بايد حدود 75 سال تلاش كنند و ما باز ثابت كنيم كه تمام كارشان اشتباه بوده است !!!

نویسنده: حسنی

یکشنبه 29 دی1387 ساعت: 22:58

سلام
آقای آشنا معمولا با تمامی نقدها آشنایم. آن تکه فیلم جناب ایران ذوالقرنین را هم دیده ام. حک کتیبه بر ستون شرقی تچر نشان می دهدیهودیان با حک خط میخی کاملا آشنایند!!! در واقع به قول استاد پورپیرار کار آن ها یک حقه بازی و شیادی مطلق است.
خوشبختانه معلوم کردید که چه کسی بر مطالب تسلط دارد. موفق باشید.

نویسنده: یه نفر

یکشنبه 29 دی1387 ساعت: 20:14

http://www.gigaimage.com/images/ju3tzvkculj1nb99r64.jpg

http://www.gigaimage.com/images/k2rnpguxzyjf34aszj.jpg

http://www.cloob.com/public//public/user_data/album_photo/371/1110617-b.jpg

نویسنده: یک بنیان اندیش

یکشنبه 29 دی1387 ساعت: 23:46

سلام آقای پورپیرار
دو سوال دارم:

1)خداوند در سوره اسرا از انتقال پیامبر از مسجدالحرام به مسجدالاقصی میگوید. با توجه به اینکه در زمان پیامبر هنوز اسلام از عربستان بیرون نرفته بوده و مسجدی در بیت المقدس درست نشده بوده پس معنی این آیه چیست؟ پیامبر به کجا رفته بوده؟

2)از امامان شیعه نقل می کنند که فرموده اند منظور از مسجدالاقصی مسجد موجود در بیت المقدس که ظاهرا عمر بن خطاب و مروان عمارتش کرده اند نیست و مسجدالاقصای سوره اسرا مسجدی در آسمان هاست. با این توجیه سوال بالا جواب می گیرد اما سوال دیگری بی پاسخ می ماند که اگر در بیت المقدس(اورشلیم) مسجدی به نام اقصی نبوده پس چرا در ابتدا قبله مسلمانان بیت المقدس تعیین می شود؟ آیا این همه نشان نمی دهد که در بیت المقدس از دیرباز معبدی والا مرتبه از آن خدا وجود داشته و این معبد اگر همان عمارات ساخته شده بر ویرانه های هیکل سلیمان نبوده پس چیست؟

١ ٢ ٣ >>

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ، 195، نتیجه، 3، بررسی سفرنامه ی ابن بطوطه -

130نظر

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

دوشنبه 30 دی1387 ساعت: 0:3

با سلام.
جناب آشنا ما را از دیدن این فیلم تاریخ ساز محروم نکنید. اگر در اینترنت است، لطف کنید و آدرس دهید تا ما هم ببینیم.

نویسنده: آشنا

دوشنبه 30 دی1387 ساعت: 7:14

سلام

آقای دهقانی (از شیراز) آن فیلم کمدی و تاریخ ساز سه دقیقه ای را !!! به گمانم بتوانید از آدرس زیر و بطور زنده ببینید :

http://92.48.75.41/article.php?id=33883

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 30 دی1387 ساعت: 13:53

آقای یک بنیان اندیش. تعبیر مسجد در قرآن، نه مراکز عبادی کنونی، که مطلق معبد است، چنان که مسجد الحرام نیز به همین نام خوانده می شود. بزرگداشت مسجد الاقصی در نظر قرآن امری عجیب نیست، گرچه منطقا فقط می تواند یک معبد یهودی باشد، زیرا اهل کتاب پیش از پیوستن به شرک، کتاب آسمانی داشته و یکتا پرست و بنا بر صریح مکرر آیات قرآن، همه چیزشان مورد تایید خداوند بوده است.

نویسنده: احسان

دوشنبه 30 دی1387 ساعت: 14:41

با سلام
استاد دو سوال دارم :

نام هامان که در قرآن آمده به چه کسي اشاره دارد ؟ آیا قرآن یهودیان را در دشمني با هامان بر حق میداند ؟

اگر پس از خشایارشا ساخت و سازي در تخت جمشید انجام نگرفته و بناهایي که تا زمان او ساخته شده به همان تچر و هدیش محدود میشود ، پس بقیه ي قسمتها در چه زماني و به دست چه کسي ساخته شده است ؟

با تشکرّ

نویسنده: حسین

دوشنبه 30 دی1387 ساعت: 22:57

استاد سلام سری به کانون ایرانی پژوهشگران فلسفه و حکمت بزنید

نویسنده: مسعود

دوشنبه 30 دی1387 ساعت: 23:10

سلام علیکم جناب استاد و خسته نباشید.

"آیا باراک اوباما یهودی است!؟" . ملاحظه بفرمایید :

http://www.236.com/news/2008/07/24/is_barack_obama_jewish_shockin_1_7913.php

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 1 بهمن1387 ساعت: 1:2

اقای مارلیک. چنین کامنت رسوا کننده ای را چرا خصوصی فرستاده اید؟!

آقای مسعود. حالا اگر یهودی هم باشد، چه می کند؟ به نظر می رسد که حقیقتا دورانی را پشت سر گذارده و به دوران جدیدی وارد می شویم. اما عکس میان صفحه که اوباما را با عرق چین یهودیان نشان می دهد، قطعا قلابی و دست ساز است، زیرا در سایه ای که از سر اوباما بر دیوار افتاده، کلاهی نیست و حتی موهای مغز سر او آشفته است!!! چرا بعضی ها تا این حد احمق اند؟ زیرا تمام سایه ی بدن اوباما از بالا تا پایین غیر واقعی است و دست راست او که در معرض تابش مستقیم و اصلی نور است، سایه ندارد!!!!؟

آقای حسین. این گردش عصارانه به گرد اوراقی که هنوز نتوانسته اند مجعول نبودن آن ها را اثبات کنند، جز سرگیجه نمی آورد. اگر آقایان جرات و دانش لازم را ذخیره دارند، تنها برای تعیین تکلیف با سه دست آورد این چند هزار برگی که در نه سال گذشته فراهم آمده، نشست ملی بگذارند:
1. تدارک گفتار ملی در باب مستند تختگاه هیچ کس.
2. نشست نخبگان نایاب در موضوع ارزش یابی الفهرست ابن ندیم.
3. جست و جوی بی تعصب زمان برآمدن شهر شیراز.
حالا همگی آن ها تا عمق کوه قاف عقب گرد می کنند، زیرا یافتن پاسخ درست بر این سه مدخل مختصر، تمام توهمات کنونی در تاریخ و جغرافیا و ادبیات و هویت مان را بر باد خواهد داد و در جای آن حقیقت را خواهد نشاند.

نویسنده: حسین محمدی

سه شنبه 1 بهمن1387 ساعت: 10:24

http://www.alarabiya.net/views/2009/01/20/64576.html

نویسنده: روشن

سه شنبه 1 بهمن1387 ساعت: 15:35

با سلام به استاد و دوستان

سرقت از تخت جمشید مقابل محافظان
این گور به احتمال زیاد همانطوریکه استاد قبلا اشاره کرده اند و در مستند تختکاه هیچکس هم مشخص است مربو ط به ایلامی ها میباشد

http://jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100896814403

نویسنده: سجاد6

سه شنبه 1 بهمن1387 ساعت: 18:20

باسلام
شرکت کنندگان در بيلدربرگ :بنابراساسنامه اي که رتينگربراي بيلدربرگ تهيه کردکساني مي توانندربيلدربرگ شرکت کنندکه درهرجايي ودرهر
کشوري به دفاع ازاصول وارزشهاي فرهنگي غرب(يهود)اعتقادداشته ودرترويج آن شخصا سهيم باشد.بانکداران بزرگ متخصصان جنگي
سران رسانه هاي تاثيرگذاروزيران کليدي رهبران سياسي اروپاو آمريکاي شمالي کساني همچون راکفلرميلياردرهنري کيسينجرروساي شرکتهايي
همچون نوکيا کوکاکولا ماکروسافت پپسي ازشرکت کنندگان بيلدربرگ بوده اند
خبرنگاران جسوري که بيلدربرگ را افشا کردند :جيم تاکرروزنامه نگاريک نشريه ورزشي کوچک در انگلستان و الکس جانزازميران سايت
prisonplanet
جيم تاکر35سال ازعمرخود رادرتعقيب بيلدربرگي ها بوده است ويکباربنا برگفته خودش در پرتقال که ازناحيه بيلدربرگي ها احساس خطر
مي کرده است به سفارت بريتانيا پناه مي برد ولي به او گفته مي شود بيلدر برگ بسياربزرگتر ازقدو قواره ما است
اجلاس اخيربيلدربرگ در هتل کارلتون استامبول برگذارشد شهري که بيش از 100هتل بزرگ دارد ووجود جنگل ودرياچه در اطراف آن آنرا به يک جزيره تبديل کرده است اين دولت مخفي جهان هرساله براي جهان تصميم مي گيرد

دوستان .يهوديان تا وقتي موفق هستندكه بطور ناشناس و مخفي عمل مي كنند اگر كساني پيدا شوند كه تمام
دروغهاوجعلهاي آنها را افشاء
كنند مطمئن باشيد در پيشبرد اهداف خود موفق نخواهند بود به قول بزرگي شعبده بازتا زماني مي تواندر فريب مردم موفق
باشد كه تماشاگران از پشت پرده شعبده بازي او بي خبر باشندسازمانهايي همچون بيلدربرگ و اعمال يهوديان از گذشته
هاي دوركه به مدد الهي و روشنگريهاي استاد پورپيرا افشاء شده است آيا ما را به آيه قرآني كه مي فرمايد دشمنترين مردم
نسبت به مسلمانان يهوديان هستند رهنمون نمي شود آيا نبايد با همت نخبگانمان مجمع هايي همچون بيلدر برگ داشته
باشيم و در مقابل دشمن داناي خود باستيم

نویسنده: سجاد

سه شنبه 1 بهمن1387 ساعت: 22:10

باعرض سلام استادعزیز نظر شما در مورد خاطرات مستر همفر که بنا به گفته کتاب در اوایل قرن 17روی داده است چیست

نویسنده: مانفرد

سه شنبه 1 بهمن1387 ساعت: 20:49

میگم سجاد ظاهرا همه از این دولت مخفی خبر دارن و حتی بعضی ها از چیزهای خیلی خیلی خیلی مخفی تری خبر دارن
و بعضی ها حتی از رنگ شورتشون هم خبر دارن که آرم شورتشون چیه ولی معلوم نیست چرا همه اینا ره به ترکستان دارن
و کسی این موضوع پوریم رو ... !!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!

نویسنده: یه نفر

سه شنبه 1 بهمن1387 ساعت: 22:25

اگر بیکار بودید به این رابی سر بزنید !!!
http://rabi1.parsiblog.com/806478.htm

ماشالا به این جهودا! یهوه قوت! ببینید:
http://naria.parsiyar.com/
http://naria.parsiblog.com/
اصلا پدرسگا مهلت نمی دن!
شاید هم مال شماست؟!
فکر نکنم.
حالا دیگه!

نویسنده: فتح

چهارشنبه 2 بهمن1387 ساعت: 3:18

آقای پورپیرار نظرتان چیست در باره ش.م.ر ایرانیان باستان ؟!

ایرانیان باستان 'رومی ها را با گاز مسموم کردند'

http://www.bbc.co.uk/persian/science/2009/01/090120_shr_persians_romans.shtml

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

چهارشنبه 2 بهمن1387 ساعت: 5:34

سلام.
آقای یه نفر موضوع چیه؟ انها چی بودن؟

وب سایت

نویسنده: محمدیان

چهارشنبه 2 بهمن1387 ساعت: 20:30

سلام اقای پور پیرار جواب من چی شد

نویسنده: نسرین

چهارشنبه 2 بهمن1387 ساعت: 21:20

سلام آقای پورپیرار
بربرهای ساکن ایران و افغانستان ارتباطی با بربرهای شمال آفریقا دارند؟
بربرهای ایران(بربری-خاوری-...) ساکن استانهای خراسان شمالی- خراسان رضوی –خراسان جنوبی-سیستان و بلوچستان -گلستان و مازندران هستند.
بربری ها(هزاره ها) که در زمان حکومت احمد خان ابدالی به نوار مرزی ایران کوچانده شده اند و یا در دوره ناصرالدین شاه به ایران آمده اند.
نان بربری را هم منسوب به آنان میدانند:در لغت نامه دهخدا آمده است:نان بربری نوعي نان ضخيم تر از انواع ديگر آن منسوب به بربر افغان زيرا در اواخر عهد قاجاريه چند تن بربر آن را در تهران رواج دادند.
اما در کشور مغرب هم نانی به نام نان بربری(Berber Bread) وجود دارد!. در واقع بربری در زبان مغربی نام میوه گیاه کاکتوس است. این قوم از شیره میوه درخت کاکتوس نانی را درست می کنند و از آنجا که این نوع نان تنها توسط این قوم پخت می شد آن را نان بربری یعنی نان قوم بربر نامیدند.
زعفران هم درمنطقه بربرنشین ایران و شمال آفریقا کشت میشود:
دکتر زبیرالشلی که در خصوص زعفران مراکش تحقیق کرده است معتقد است که به باور خود بومیان(بربرها) ، زعفران بین قرن دوازدهم تا سیزدهم میلادی از خراسان به منطقه وارد شده و هم اکنون در منطقه آمازیغ نشین (بومیان بربر) بصورت محصولی صنعتی درآمده است.

نویسنده: نسرین

چهارشنبه 2 بهمن1387 ساعت: 21:34

آقای یولداش
لک(Lak)=لر(Lor or Lur)+کرد(Kord or Kurd) نیست!
اگر کلمه لک به صورت (Lok) تلفظ میشد آن وقت این نظریه میتوانست درست باشد!
همچنین بسیاری از لک ها ریشه عربی دارند مانند:ایل بیرانوند -ایل باجولوند-ایل دلفان و...
بقیه لک ها هم ریشه های قفقازی و هندی و... دارند!

نویسنده: یه نفر

چهارشنبه 2 بهمن1387 ساعت: 22:41

سلام
http://www.imagecage.net/uploads/a9ca51a201.jpg

اگر دقیق بشید اسم این امام جمعه رو نوشته:
علی رضا صادقی !

نویسنده: قبر حوا

چهارشنبه 2 بهمن1387 ساعت: 22:50

http://www.cloob.com/profile/memoirs/one/username/_mafia_/memid/114777

نقش ایرانیان کاملا پررنگه!!!!!!!!!!!!!!

نویسنده: آخرین دستور اورشلیم در مورد ایران

پنجشنبه 3 بهمن1387 ساعت: 12:19

میر حسین باید بجنبه!

(میر حسین موسوی نامزد بشه. غلط کرده بود گفته بود با خامنه ای راه نمی تونه بیاد. الان اوضاع از این حرفا گذشته.
علیرضا قوری زاده مفسر رادیو امریکا هم تو جنگ 33 روزه گفته بود مزارع شبعا مال سوریه است و نه لبنان پس چرا الان

حرفی نمی زنه؟ اما الان داره میگه مال لبنانه. خوب دیگه. انگار حماس خیلی به اینجا و اونجاشون چیز میز آورده و چیز کرده که چیز شدن. همه دارن حرفاشونو پس میگیرن. نوکراشون هم که منتظرن اونا زر بزنن، از جلو نظام بگیرن و بگن خبر زارت!)

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 3 بهمن1387 ساعت: 15:41

آقای خرمی. مراسم باشکوه و شایسته ای بود برای تشییع جنازه ی ابر قدرت ایالات متحده. گویی آن ظاهر آراستگان مشغول زار زدن بر شکوه بازنگشتنی خویش بودند. لاشه ی آمریکا تجزیه و تلاشی خود را آغاز کرده است، آیا درصددند مسئولیت این انهدام محتوم را بر دوش سیاهان بگذارند؟!!

نویسنده: بی طرف

پنجشنبه 3 بهمن1387 ساعت: 22:48

با سلام،

وبلاگ دروغ بزرگ با مقاله ی ((اجرام خام و حجاری های نیمه تمام (1)))

در خدمت جویندگان حقیقت

وب سایت

نویسنده: !!

جمعه 4 بهمن1387 ساعت: 15:47

اوباما یک ایرانی است!!
ایتارتاس دراین خصوص گزارش داد:تحقيقات تازه يك تيم تحقيقات تاريخي!! بر روي اصل و نسب باراك اوباما نشان داده است كه او يك ايراني الاصل است.

دكتر اندي واسهول از موسسه تحقيقات تاريخي دانشگاه ام آي تي آمريكا ميگويد: مطابق تحقيقات تيم وي، باراك اوباما ذاتا از اهالي جنوب ايران وشيعه است.

به گفته وی ,خاندان اوباما در حقيقت همان خاندان معروف اُوباماي بوشهر هستند كه در دوران قاجاريه جلاي وطن كرده و طي چند نسل به آمريكا رسيده اند. جد بزرگ اوباما، مير حسن خان اوبامايي كه از ميرآب هاي معروف بوشهر بوده و به همين خاطر اُوباما (يعني "آب با ما" مي باشد) پس از يك نزاع خونين با سقاباشي ناصرالدين شاه قاجار از بوشهر فرار كرده به سرحدات عثماني مي رود. وي ابتدا در حلبچه به عنوان تاجر زردچوبه فعاليت كرده و پس از ارتقا در تجارتش به عنوان تاجر زعفران به شهر حلب (در سوريه كنوني) مي رود. مقارن با ايام مشروطه مير حسن خان در حلب فوت نموده و پسر وي علي اصغر اوباما ، به خاطر ضديت اهالي عثماني با شيعيان ايراني خانواده را به سمت طرابلس مي كوچاند.

خاندان اوباما در آنجا به تجارت تنباكو مشغول مي شوند اما پس از ممنوعيت استعمال قليان در آن جا، دسته دسته شده و به جاهاي ديگر مهاجرت مي كنند. در اين ايام كه اندكي قبل از جنگ دوم جهاني بوده پدر بزرگ حسين به همراه خانواده اش جنوب غربي آفريقا مهاجرت مي كنند. وي در آنجا براي امرار معاش از پشم شتران پارچه درست مي كرده و به اسم ايراني "برك" (barak) به فروش مي رسانده كه پس از پايان جنگ جهاني به شدت مورد استقبال قرار گرفته و به همين خاطر از طرف معاون شهردار واشينگتن دي سي به لس آنجلس دعوت مي شود.

نویسنده: !!

جمعه 4 بهمن1387 ساعت: 15:48

وي پس از ورود به خاك آمريكا به همراه خانواده اش در تگزاس رحل اقامت مي افكند و به توليد و تجارت برك (در گويش آمريكايي "باراك") مي پردازد. اما پس از چندي به خاطر ممنوعيت واردات شتر و پشمش به آمريكا ورشكست شده و بناچار فرزندانش را به مدرسه مي فرستد.
پدر باراك، يعني حسين اوباما پس از طي دوران مدرسه و دانشگاه، تابعيت ايراني-آمريكايي بدست آورده با يك دختر مسيحي ازدواج كرده و سپس به اصرار خانواده همسر خود به ناچار مذهب اسلامي-مسيحي اختيار مي كند اما از انتخاب اسم اسلامي يا ايراني براي فرزند خود منع مي شود. به همين خاطر با انتخاب نام "باراك" كه در حقيقت همان لفظ فارسي برك است، و انتقال نام مياني و نام خانوادگي "حسين اوباما" براي پسرش به هويت خود روي فرزندش ادامه مي دهد.

بنا براين گزارش، افشاي اين امر مي تواند دردسر بزرگي براي آينده سياسي اوباما در آمريكا و ايران باشد.

همچنين به گزارش خبرنگار آي طنز نيور، دكتر انوشيروان كيهاني زاده ضمن قابل قبول دانستن اين فرضيه گفت: از آنجائيكه ثابت شده است تمام آدم هاي مهم در دنيا اصالت ايراني دارند اينجانب از ابتدا به ايراني بودن اوباما مشكوك بودم.
تا كنون اوباما از درك و اظهار نظر مدعيات اين تاريخ نگاران معذور بوده است.

نویسنده: طنزو

جمعه 4 بهمن1387 ساعت: 15:53

مقارن با ايام مشروطه مير حسن خان در حلب فوت نموده و پسر وي علي اصغر اوباما ، به خاطر ضديت اهالي عثماني با شيعيان ايراني خانواده را به سمت طرابلس مي كوچاند.
طنزو: یعنی طرابلس هم شیعه بوده و نزدیک تر از ایران به عثمانی!

اما پس از چندي به خاطر ممنوعيت واردات شتر و پشمش به آمريكا ورشكست شده و بناچار فرزندانش را به مدرسه مي فرستد.
طنزو:یعنی درس نشانه بدبختی است! پول نداری،گدایی نکن!برو درس بخون!

بنا براين گزارش، افشاي اين امر مي تواند دردسر بزرگي براي آينده سياسي اوباما در آمريكا و ايران باشد.
طنزو: وافشا هم نشد که!

نویسنده: یه نفر

جمعه 4 بهمن1387 ساعت: 19:46

http://www.alwatanvoice.com/images/topics/palestine/amel-dagma.jpg
اعدام وسط خیابون!

نویسنده: دو کورس چهار راه عینک سازی!!!

جمعه 4 بهمن1387 ساعت: 23:20

توتیایی برای چشمانی که کور تشریف دارند!

سایت زیر مخصوص جمع آوری امضا در دفاع از مرده غزه است:
http://www.reihane.ir/hemayat.aspx

تحویل بگیرید برخی از یادداشت های کنار امضاها را :

درود خدا بر شما مردم غزه نباید بیشتر از این از سنی ها و اعراب توقع زیادی داشت جد این اعرابی که نقشه مرگ مردم غزه را دارند جدشان شمر و عبیدالله بن زیاد و عمر بن سعد و ال زیاد هستن آنان یه خاندان پیامبر رحم نکردنند در حالی که میگفتند پیامبر را قبول دارند اما چه بر سر حسین و خاندان حسین آوردند با شما دارم ای اعراب اگر مثل جدتان فکر میکنید که فکر میکرد با به شهادت رساندن حسین میتواند اسلام را از بین ببرد شما ها اعراب بدانید همانطور که حسین رفت اما فلسفه عاشورا و نهضت عاشورا بعد از گذشت 1400 سال همچنان پا برجاست بدانید اگر جسم مردم بی گناه فلسطین از بین برود روح بزرگ آنها هیچ وقت از بین نمیرود لعنت خدا بر شما اعراب اگر ادعای مسلمانی میکنی شراب خوردنت و دست دادنت به نخست وزیر اسراییل چه بود ؟؟؟؟هان.............. مرگ بر اعراب مرگ بر مبارک مرگ بر آمریکا مرگ بر صهیونیست مرگ بر همه کسانی که در این جنگ دست داشتند نفرین خدا بر شما باد
ایران زاهدان
fariba33z@yahoo.com

"و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون" ریشه تمام مشکلات را باید در کشورهای عربی جستجو کرد. خداوند آمریکا، اسرائیل و همه ایادی شان را در اقصی نقاط جهان نابود بگرداند. ما تمام تلاش خود را در راه حمایت از مردم مظلوم غزه و دیگر مسلمانان جهان انجام می دهیم و تا نابودی کامل این استعمارگران خونخوار، از پای نخواهیم نشست.
ایران
!musavitabar_66@y

نویسنده: یه نفر

جمعه 4 بهمن1387 ساعت: 19:52

http://khandoon.com/photo/uploads/photo/22/3-content.jpg
فکر کنم طبیعیه! وگرنه بهم بگید! 100 درصد !

http://mohammad.kavir.googlepages.com/internetfree.11.jpg
50 درصد ! فکر کنم ساختگیه بیشتر به خاطر ابروهاش. یه لقمه نون زهرماری چیه آخه؟

http://pic2.ir/pic/images/stories/jaleb2/pic2.ir%20(123).jpg
اینو دیگه من هم فهمیدم که ساختیگه! اون هم نه با فوتو شاپ! احتمالا با همین پینت تو ویندوز!!

نویسنده: mmm

شنبه 5 بهمن1387 ساعت: 2:11

http://www.sarpich.com/IMG/pdf/gaza.pdf

نویسنده: رضا

شنبه 5 بهمن1387 ساعت: 9:36

آهنگی از Michael Heart برای فلسطینیان غزه - "ما شکست نخواهیم خورد"

We will not go down
fight In the night, without a

http://www.michaelheart.com/index.html

q=Michael+Heart&eurl=http://video.google.ca/videosearch?hl=en&http://ca.youtube.com/watch?v=dlfhoU66s4Y
&oi=video_result_group&sa=X&ie=UTF-8&um=1&

وب سایت

نویسنده: نفس

شنبه 5 بهمن1387 ساعت: 14:15

استاد ،نفس برسون!

نویسنده: بی معطلی لینکو واز کن که...

شنبه 5 بهمن1387 ساعت: 21:32

اگه قرص مرص دارین فورا بندازین بالا شوکه نشین!!!!!!!!!!!!
حتما قبل از باز کردن لینک به اورژانس بزنگید بیاد شما رو بعد از دیدن جمع کنه. یا بیمار قلبی هستین که به بهشت زهرا بزنگید!!!!!!!!!!!!!!!!!
هه||||||||||||||||||||||||||
هر کی نبینه ترکیده!!!
آقا بدو که چی بگم!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!
وبلاگ مبلاگ تعطیل!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!
بزن بترکون هر چی که هستش!!!!!!!!!!!!!
اصلا هیچ چی دیگه!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!
فقط فنا همین!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!
لیبل این پایینه رو ببین که به چه زبونیه؟؟؟
خدایا می خوام برم تو دیوار!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!
دیگه اشهد ان ولی اله!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!
خوب دیگه این هم لینک تا نپریده ببینید و با کله برید تو مانیتور!!!!!!!!!!!!!!!!!!
من یکی که اصلا فنا شدم دیگه وجود خارجی ندارم!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!

ای خدا!!
چند هزارتا توزیع شده؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟
یکی هزار دلار هم باشه زحل و مشتریشیم!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!
مااانن!!!!!!!!!!!!!!!!
یکی بیاد سایز دهن منو بگیریه ببینه چند تا 18 چرخ می تونن توش با کمر شکن 54 دور بزنن؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟
شایدم شده فرودگاه!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!
پت پت پت پت پت پت پت پت .... برید کنار فانتوم اومد (با این عکس فانتوم هم پت پت بکنه زیادیشه)!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!ببببووووووووووووووووووووووووووممممممممممممممممممم یاور طغرل وترکید!!!!!!!!!!!!!!
http://ufile.info/up/files/5f8o2msgb8qlwq6u2bab.jpg
ولی حالا جدای شوخی یه کم روش بفکرید ببینید چی آخه؟
دیگه همه چی تموم!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!
(فقط برای استاد: سلام.جو گیر نشدم بابا! همین طوری خواستم دور هم باشیم و بخندیم! چون من بخند می خوام برم یه بار دیگه خواب اجق وجق چپ اندر قیچی ببینم!!! فردا هم شب سیاه خداست.شب به خیر.)

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 6 بهمن1387 ساعت: 1:33

آقای بی معطلی. بی معطلی قبول کن که به چند دلیل هر دو عکس از شگردهای کامپیوتری است.

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

یکشنبه 6 بهمن1387 ساعت: 1:50

جناب بی معطلی، از اون فانتوم پت پت کنت و یاور طغرلت بیشتر از عکسا حال کردم. امیدوارم همیشه خوش باشی. در ضمن باید بگم وقتی الف مامان رو می کشی، چون آ جزو حروف صدا دار هست دقیقا ماااااااااااااااااااااااااااااااااااااان خونده میشه، ولی وقتی نون رو میکشی دقیقا اینجوری خونده میشه:
مااان ن.
اینم خوارک خنده ی فردا صبح بنیان اندیشان.

نویسنده: رضا

یکشنبه 6 بهمن1387 ساعت: 8:5

با سلام استاد.
اینها همه از برکات قلم و اندیشه شماست. تا همین چند سال پیش محال بود که نوشته ای در نقد باستان ستایی پوشالی جایی بیابید. این آبی که شما به لانه مورچگان سرازیر نمودید نمود پیدا کرده. یا حق

فاتحان بابل و جاهلان جاعل - نوشته ای از هایده ترابی...پژوهشی در باب احتمال جعل در تاریخ باستان ایران

هایده ترابی
دوست ندارم در باره ی هویتم انشای زیبایی بنویسم. می‌توانم بگویم خوی و طبع ایرانی دارم. به تاریخ مشترک و یا سرنوشت مشترک یک سرزمین و یک نسل باور دارم اما از "تفاخر و غرور ملی" دور هستم. به نظر من مفهوم "هویت ملی" هر سرزمینی جمع اضداد مردمان آن است.

http://www.iranamerica.com/forum/showthread.php?p=10431

وب سایت

نویسنده: مارلیک

یکشنبه 6 بهمن1387 ساعت: 12:13

سلام
به دست همسر اوباما توجه کنید

http://i33.tinypic.com/5kgf49.jpg

نویسنده: مهرناز نصریه

یکشنبه 6 بهمن1387 ساعت: 13:51

نقد تفسیر سور آبادی 20
www.mobina46.blogfa.com

نویسنده: نسرین

یکشنبه 6 بهمن1387 ساعت: 14:59

سلام آقای پورپیرار
تاریخ ایران را چنان از دروغ انباشته اند و گوش مردم را چنان از این دروغ ها پر کرده اند که واقعا زدودن این دروغ ها و آگاه کردن مردم واقعا کار بسیار دشوار و طاقت فرسایی است!
مردم با این دروغ هایی که به خوردشان داده شده است گویی کور و کر شده اند و قادر به دیدن واقعیات نه چندان دور و حتی فعلی جامعه و فرهنگ خود هم نیستند چه برسد به گذشته های خیلی دور!
گوبلز وزیر تبلیغات آدولف هیتلر که خود در رشته دروغگويي دانشمندي تمام و كمال بود، اعتقاد داشت كه دروغ را بايد آنچنان بزرگ و درشت گفت، كه در تخيل هيچ موجودي دروغي به آن بزرگي نگنجد، و حتي آنهايي كه به دروغگويي "دروغگو" آگاهي كامل دارند با شنيدن چنين دروغي به شك افتاده و بر اساس اين ضرب المثل كه "تا نباشد چيزكي، مردم نگويند چيزها" باور كنند كه حداقل بخشي از آن دروغ شايد صحت داشته باشد!
مردم زندگی بدوی تعدادی از ساکنان مناطق خود را میبینند و تعدادی هم از بدوی بودن زندگی اجداد خود اطلاع دارند ولی دروغ شاخدار گذشته با شکوه آنچنان بزرگ است و وسوسه برانگیز است که مردم نمیتوانند به راحتی از آن دست بکشند!

نویسنده: نسرین

یکشنبه 6 بهمن1387 ساعت: 15:12

آقای پورپیرار! آیا میتوان از تاریخچه های جعلی که برای شهرهای ایران نوشته اند حقایقی را نیز استخراج کرد مثلا:
در مورد وجه تسميه ماسوله آمده است:مي گويند چون مختار به تعقيب قاتلان حضرت امام حسين (ع) پرداخت برخي از ساكنان موصل و كركوك گريخته و به كوههاي غربي گيلان پناهنده شدند و موصليان ماسوله و كركوكيان كرگانرود (در طالش) را احداث كردند!!
آیا میتونیم از این افسانه ای که برای وجه تسمیه این شهر ساخته اند نتیجه بگیریم که قسمتی از مردم این مناطق از موصل و کرکوک در سالهای نه چندان دور به این مناطق آمده اند؟
یا مثلا در مورد محله عودلاجان یا اودلاجان تهران که آمده است:از محله‌های قدیمی شهر تهران است!ساکنان این محله در قدیم بیشتر کلیمی بوده‌اند!زرتشتیانی نیز در این محله سکونت داشتند!نام اودلاجان را تغییریافته آو-دراجین که در زبان تاتی بومی تهران به معنی «جای تقسیم آب» است می‌دانند! برخی نیز نام این محله را تلفظ «عبدالله جان» به لهجه کلیمیان دانسته‌اند!
آیا از این مطلب میتوانیم نتیجه بگیریم چون محلات قدیمی تهران نیز یهودی نشین بوده اند پس تهران را هم یهودیها ساخته اند و چون زبان این یهودیان تاتی بوده پس زبان تاتی هم زبان متعلق به یهودیان بوده است؟

نویسنده: روابط عمومي بنياد

یکشنبه 6 بهمن1387 ساعت: 16:1

صحنه هايي از درندگيهاي اسرائيليهاي نجس در غزه:
http://www.guardian.co.uk/world/interactive/2009/jan/21/gaza-israelandthepalestinians

وب سایت

نویسنده: مسئول گول خوردن از عکس های جعلی

یکشنبه 6 بهمن1387 ساعت: 17:40

مورد داشت!

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 6 بهمن1387 ساعت: 21:19

آقای بنیاد. از ارسال این لینک ممنونم.

خانم نسرین. بار دیگر توجه می دهم اگر استادان تاریخ و باستان شناسی در دانشگاه های آتن هم، هنوز سکه های دوران مهاجرت اجدادشان به ایران را، گرچه به وضوح هویت یونانی دارند، اما متعلق به پارتیان آسیای میانه می دانند و چینیان شاهکارهای جاده سازی کهن سرزمین شان را، حتی اگر در جنوب چین باشد، "دیوارهایی در برابر هجوم مغولان" تبلیغ می کنند، پس آسیب وارد آمده بر فرهنگ و اطلاعات تاریخی جهان بسیار جدی است و علاج آن نیاز به کار لجوجانه و پی گیر پیروان حقیقت در طول لااقل یک نسل کامل دارد. باید به هرگونه در برابر مضیقه های کنونی پایداری کنیم و سرانجام روشنفکران و آگاهان جهان را فراخوانیم که بر واهمه و منافع فردی و جمعی خویش غلبه کنند، به هویت و مسئولیت روشن فکری بها دهند و علم بازبینی و بازخوانی و بازشناسی را برافرازند. اینک فقط شجاعت است که توان غلبه بر جهالت را دارد.

آقای مارلیک. بد نیست توضیح بیش تری بدهید.

از دوستان به علت تاخیر در نصب یادداشت پوزش می طلبم، که ناشی از سرما خوردگی بسیار زورمندی است که مبتلا را بر زمین می کوبد.

نویسنده: حاجی زاده

یکشنبه 6 بهمن1387 ساعت: 22:21

سلام
شعری از فریدون مشیری تقدیم به استاد گرامی و سایر دوستان ادب دوست!
از همان روزی که دست حضرت قابیل گشت آلوده به خون حضرت هابیل
از همان روزی که فرزندان آدم،زهز تلخ دشمنی در خونشان جوشید
آدمیت مرده است!
از همان روزی که یوسف را برادرها به چاه انداختند
از همان روزی که با شلاق و خون دیوار چین(جاده ی چین)را ساختند
آدمیت مرده بود گرچه آدم زنده بود
بعد دنیا همی پر زآدم شد و این آسیاب گشت و گشت
قرنها از مرگ آدم گذشت
ای دریغا! آدمیت برنگشت
قرن ما روزگارمرگ انسانیت است
سینه ی دنیا زخوبیها تهیست
صحبت از پاکی،مروت، ابلهیست
صحبت از عیسی و موسی و محمد نابجاست
روزگار مرگ انسانیت است
من که از پژمردن یک شاخه گل
از فغان یک قناری در قفس
اشک درچشمان و بغضم در گلوست
وندرین ایام زهرم در پیاله،اشک و خونم در سبوست
مرگ او را از کجا باور کنم
صحبت از پژمردن یک برگ نیست
وای!جنگل را بیابان میکنند
هیچ حیوانی به حیوانی نمی دارد روا
آنچه این نامردمان با جان انسان میکنند
صحبت از پژمردن یک برگ نیست
فرض کن مرگ قناری در قفس هم، مرگ نیست
فرض کن یک شاخه گل در این جهان هرگز نرست
فرض کن جنگل بیابان بود از روز نخست
در کویری سوت و کور، در میان مردمی با این مصیبتها صبور
صحبت از مرگ محمد،مرگ عشق
صحبت از مرگ انسانیت است...

و این لینک هم اثبات ادعای جناب مشیری
http://www.iravertex.com/clip.asp?id=9

نویسنده: رضا

یکشنبه 6 بهمن1387 ساعت: 22:21

ریچارد فالک استاد بازنشسته قوانین بین المللی در دانشگاه پرینستون آمریکا:

"علیرغم تنبیهات نظامی هولناکی که بر مردم غزه وارد شد ، علیرغم جدایی و تفرقه سخت و شدید رهبران فلسطین, علیرغم ستمگریهای چهار دهه اشغال ، فلسطینی ها مترصد یک پیروزی بزرگ هستند."

ریچارد فالک استاد بازنشسته قوانین بین المللی در دانشگاه پرینستون آمریکا، گزارشگر حقوق بشری سازمان ملل متحد در مناطق اشغالی و عضو تحریریه روزنامه Nation است. او نویسنده چندین کتاب از جمله "هزینه های جنگ" ، " قوانین بین المللی" ، " سازمان ملل" و " نظم جهان بعد از عراق" می باشد.

http://www.kharchangzade.net/post-614.aspx

وب سایت

نویسنده: رضا

یکشنبه 6 بهمن1387 ساعت: 22:27

استاد از صمیم قلب برایتان آرزوی سلامتی دارم.

نویسنده: حسین

یکشنبه 6 بهمن1387 ساعت: 22:51

سلام استاد, ما شبی دست براریم و دعایی بکنیم.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 6 بهمن1387 ساعت: 23:56

آقای رضا و آقای حسین. خداوند سلامت تان بدارد.

فریبا خانم. از مرغوبیت عسل های خانگی نقده بی خبر نیستم، و از معجزات عسل وحشی جنگل های سردشت نیز به روایت صحیح چیزهایی شنیده ام، سلامت و عنایت متصل با الطاف و اراده ی الهی است. راست اش به حرمت هایی شعر بس بند تنبانی مشیری نصب شد، با این تصور که شاگردی در اوایل دوره ی ابتدایی برای همکلاسی های اش انشا' احساساتی کودکانه ای می خواند، گرچه ناتوانی مشیری در بیان، از ارزش اشتیاق و دلواپسی شما برای آسایش انسان نمی کاهد.

نویسنده: مهران حقیقت

دوشنبه 7 بهمن1387 ساعت: 8:40

سلام استاد

امیدوارم سلامت و سرزنده باشید.

مهران

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

دوشنبه 7 بهمن1387 ساعت: 11:59

با سلام.
یه چیزه با حال پیدا کردم که تا سلامت شدن آقای پورپیرار می تونه خونده بشه.

lid=769&op=Booksgetit&http://takbook.com/modules.php?name=Books

البته نمی دونم که قبلا کسی اینو گذاشته یا نه. ولی خوبه.

وب سایت

۱ ۲ ۳ >>

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 196

ایران شناسی بدون دروغ، 196، نتیجه، 4، گذر و نظری بر سرزمین ترکیه 70 - نظر

نویسنده: روشن

جمعه 11 بهمن1387 ساعت: 8:2

با سلام به استاد و دوستان

استاد خسته نه باشید وخدا یار و یاورتان باد مطالب بسیار روشنگری بود انشاا... کسالت کاملا رفع شده باشد تا دنباله این یادداشت ها زود به زود بتوانیم مطالعه کنیم

نویسنده: سعید

جمعه 11 بهمن1387 ساعت: 11:0

سلام - الحمدلله که سلامتی حاصل شده است. مواظب سلامتی خودتان باشید.
عکسهای مقاله 196 دریافت نمی شود. آیا اشکال از دستگاه من است؟

نویسنده: صلوات

جمعه 11 بهمن1387 ساعت: 11:41

به شکرانه ی بازگشت سلامتی ناصرخان ، اجماعا صلوات .

نویسنده: سعید

جمعه 11 بهمن1387 ساعت: 13:16

قابل توجه آقای سجاد

http://www.larouchepac.com/news/2009/01/22/larouche-webcast-january-22-2009.html

نویسنده: سعید

جمعه 11 بهمن1387 ساعت: 16:22

ميخائيل ساكاشويلي: گرجستان از زمان شاه عباس دشمني به بي رحمي پوتين نداشته است!
http://www.google.com/hostednews/afp/article/ALeqM5g8Fdl6KjXzAxzB7MF-qKmt3Niwjw

نویسنده: اركين قشقايى

جمعه 11 بهمن1387 ساعت: 17:51

فیلم سخنان رجب طیب اردوغان و یاوه گویی های شیمون پرز :
eurl=http://www.elitada.com/haber/youtube-video-erdogan-&http://www.youtube.com/watch?v=cR4zRbPy2kY
and-peres-davos-debate.html
ژست حق به جانب شیمون پرس و سخان گستاخانه وی نشاندهنده دروغگویی و درنده خویی این جهودان است.
البته فقط آن 2 دقیقه سخنان انتهایی اردوغان نیز در اینجا قابل مشاهده است:
http://www.youtube.com/watch?v=FGKFUatFG8M

وب سایت

نویسنده: sadegh

جمعه 11 بهمن1387 ساعت: 23:41

با سلام خدمت استاد گرامی و دیگر دوستان
از اینکه در این چند روز کسالت فرصت نشد جویای حال حضرتعالی شوم شرمنده ام امیدوارم شفای کامل حاصل شده باشد
.
از خدای متعال صحت و سلامتی کامل و دائم برای شما استدعا دارم .

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 12 بهمن1387 ساعت: 0:57

آقای خرمی و آقای قشقایی. یهودیان و اذناب شان مدتی است در رسانه ها هم مسخره ی دنیا شده اند. پس از پرتاب لنگه کفش معروف، سخنان اردوغان نیز ماندنی و تاریخی خواهد شد. نمایندگان رسانه ای حاضر در آن سالن که اردوغان را با کف زدن تشویق می کردند، جایگاه پست و مردود حاکمان غرب و اسراییل در نزد آنان را نشان می داد.

دوستانی که تصاویر را نمی گیرند، یک بار هم با فیلتر شکن امتحان کنند. عجیب است که شکایت دریافت نکردن تصاویر غالبا از آذربایجان می رسد!!!؟؟

آقای sadegh. از ابراز محبت شما ممنونم. جدال میان کهولت و سلامت، جز با میانجیگری مرگ به سامان و پایان نخواهد رسید.

نویسنده: حسن

شنبه 12 بهمن1387 ساعت: 7:38

سلامت باشید.انشاالله

نویسنده: بابک

شنبه 12 بهمن1387 ساعت: 8:51

استاد حقیقت گو سلام
به نظر من قلم شما معجزه گر است ای کاش مخالفان لجوج و نادان شما کمی دست از لجاجت بردارند و با خواندن درست مطالب شما بفهمند که اشاعه مطالب شما به سود جهان اسلام و مسلمانان مظلوم مانده می باشد. خداوند شما را برای ما حفظ کند من جزوه اسلام و شمشیر (1) شما را گرفته و خوانده ام ایکاش میشد مقالات ایرانشناسی بدون دروغ نیز به صورت جزوه و کتاب در میامد.

نویسنده: محمود بجانی

شنبه 12 بهمن1387 ساعت: 8:54

استاد بزرگ ما هم تصاویر را ندیدیم - نکنه این هم توطئه یهود است؟
بلا دور باشد سلامتی کامل برای شما باشد این مطلب اخیر به مقدمه می ماند نه نتیجه! البته منتظرم. با دوستی مذهبی صحبت می کردم خبر از تحریف قرآن می داد!!! و من مبهوت !!!
در پناه خداوند باشید .

نویسنده: سجاد

شنبه 12 بهمن1387 ساعت: 11:7

با سلام وآرزوی سلامتی
استاد عزیز با فیلتر شکن عکسها در یافت شد

نویسنده: مهران حقیقت

شنبه 12 بهمن1387 ساعت: 11:26

سلام استاد

مشتاقانه منتظر تحلیلهای حضرتعالی هستم.

جزاک ا .. خیراً

مهران

نویسنده: یک ایرانی

شنبه 12 بهمن1387 ساعت: 12:6

من بدون اینکه مطالب شما را خوانده باشم تحت تاثیر حرفهایی که بر علیه شما گفته میشد یا روی سایتها بود قرار گرفته بودم تا اینکه برخی از مطالب شما را روی اینترنت مطالعه کردم حالا کم کم انگاری داره از شما خوشم می اید حالا ببینیم با بیشتر خواندن مطالب شما چی پیش می اید با امید اشنایی بیشتر

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 12 بهمن1387 ساعت: 13:24

آقای یک ایرانی. اولا که خوش آمدید و بعد هم اگر به طور جدی خیال خواندن این یادداشت ها را دارید، با آن گذشته ای که برایتان ساخته اند، وداع کنید.

آقای مهران حقیقت. ممنونم و چشم.

آقای بجانی. بیان موثر آن مطلبی که از کامنت شما حذف شده نیازمند مقدمه چینی فراوانی است که مدتی زمان خواهد برد.

آقای بابک. با کمک خداوند و به تدریج عملی خواهد شد.

نویسنده: رضا

شنبه 12 بهمن1387 ساعت: 13:29

با سلام خدمت استاد محترم و دیگر دوستان
جالب توجه است که با فیلترشکن عکسها دیده میشوند ولی در عوض لینک صفحه نظرات گم می شود. مرگ بر یهود زادگانی که جز اذیت انسانها کاری بلد نیستند!!

وب سایت

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

شنبه 12 بهمن1387 ساعت: 13:49

سلام به همگی.
من فکر می کنم مشکل باز نشدن تصاویر در خود سایت tinypic.com است نه دست یهود و ... . من خودم هم این مشکل را در اولین نوشته های وبلاگ دروغ بزرگ داشتم که با تجربه ی آقای اتفاق آن را حل کردیم. این سایت به علت خارجی بودن و وجود تصاویر مختلف، چند وقتی یک بار فیلتر می شود. و در همین مدت تصاویر آن باز نمی شوند. آقای پورپیرار اگر یادتان باشد خود شما این مطلب را چند بار برای بنده گفتید. از این رو ما سرور آپلود تصاویر را از tinipic به irapic که یک سایت ایرانی ست منتقل کردیم و مشکل حل شد. اگر شبرای شما هم امکان دارد از این سایت استفاده کنید. البته این سایت هم محدودیتهایی دارد که متاسفانه دیگر نمی شود کاری کرد.

وب سایت

نویسنده: حسین محمدی

شنبه 12 بهمن1387 ساعت: 15:23

http://www.tabnak.ir/pages/?cid=34875
http://www.tabnak.ir/pages/?cid=34833
http://www.tabnak.ir/pages/?cid=34859

نویسنده: حسین محمدی

شنبه 12 بهمن1387 ساعت: 15:24

افشاي عامل پشت‌پرده حادثه 11 سپتامبر

يك پايگاه خبري تحليلي فرانسه زبان طي گزارشي ارتباط خانوادگي عامل هدايت‌كننده پرواز حادثه 11 سپتامبر با خاندان جاسوسي "الجراح" وابسته به موساد را فاش كرد.

به گزارش فارس، پايگاه خبري تحليلي "آلتر اينفو" طي گزارشي اعلام كرد: آنچه در اين مطلب مي‌خوانيد مطمئنا نگرش و ديدگاه شما را براي هميشه تغيير خواهد داد. اين اطلاعاتي 100 درصد واقعي و معتبر است و متعلق به هيچ روزنامه ضد آمريكايي يا ضد صهيونيستي نيست بلكه بالعكس متعلق به نخستين روزنامه صهيونيستي انگليسي‌زبان، "جروزالم‌پست" است كه در زير به آن مي‌پردازيم:

خلبان پرواز شماره 93 كه در روز 11 سپتامبر 2001 در ايالت "پنسيلوانيا" به دو برج تجارت جهاني اصابت كرد، توسط يك لبناني‌الاصل به نام "زياد الجراح" هدايت و سازماندهي شده است.

زياد الجراح فردي است كه به عياشي معروف است و از چهره و تصوير بنيادگرايي كه دولت آمريكا به وي بخشيده است فرسنگ‌ها فاصله دارد اما اين همه ماجرا نيست.

با نگاهي اجمالي به خاندان الجراح به افراد ديگري از جمله "علي الجراح" و "يوسف الجراح" كه پسرعموهاي وي هستند برمي‌خوريم كه همين مسئله نقطه عطفي است كه اهميت بسياري دارد.

يوسف و علي الجراح دو تن از عوامل سازمان جاسوسي اسرائيل "موساد" بودند كه در اكتبر سال گذشته توسط پليس لبنان دستگير شدند.

بنابر اعلام سرويس امنيتي لبنان، خاندان الجراح يك شبكه جاسوسي اسرائيلي با سابقه حدود 20 سال جاسوسي است و وجود اين وابستگي فاميلي ميان عوامل موساد و هدايت‌كننده حادثه 11 سپتامبر رازهاي بسياري را درباره اين حادثه برملا خواهد كرد.

نویسنده: عبور

شنبه 12 بهمن1387 ساعت: 16:37

سلام بر همگی

گلچینی از تمامی مطالبی نوشته شده پیرامون پوریم در گروه اینترنتی پوریم گردآوری شده است. از عزیزانی که مایل اند اطلاعات کامل تری از این رخداد پیدا کنند دعوت می شود به آدرس این گروه
http://groups.google.com/group/purim?hl=fa
مراجعه کنند.

وب سایت

نویسنده: مجتبی

شنبه 12 بهمن1387 ساعت: 20:11

سلام شماره سریال برنامه را میخوام

getdataback

نویسنده: مرتضی

شنبه 12 بهمن1387 ساعت: 23:23

سلام حضرت استاد از سر دلتنگی و بیحوصلگی و با عرض معذرت سری به گند خانه ایران ددری زدم. زرهای فراوان درباره جمعیت جهان زده بودند که 90 درصد آن کپی فرمایشات شما بود با نتیجه گیریهای کج و معوج و از جمله این که شما یادداشت 150 درباره جمعیت شناسی تاریخی را به علت اغلاط فراوان حذف کرده اید بیچاره حتی نفهمیده بود که هر دو قسمت آن یادداشت در جای خود بدون تغییر محکم نشسته و خار چشم قوم پرستان است. این بوزینه های کور و خفاشان سرگردان که تاب دیدار نور مستند استاد مجتبی غفوری را نداشته و ندارند تنها توان چرند بافی برایشان باقی مانده است. نه از سر دهن به دهن شدن با آن بی بته که از سر ارادت و اخلاص و ایمان با اجازه شما یادداشت زیر را برایش گذاردم و بیرون آمدم.

"اگر گفته ها و نوشته های تمام صاحب نظران علوم انسانی در جهان و در تمام دوران ها را یکجا جمع کنید، به میزان یکی از یادداشت های استاد پورپیرار کبیر به اندیشه ورزی جهان خدمت نکرده و خردمندی را رونق نداده است. ارزش شما در برابر هر سطر از نوشته های این شیرمرد جاودان به میزان صدای باد مقعدی در میان سمفونی نهم بتهوون است".

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 12 بهمن1387 ساعت: 23:29

آقای عبور. کار بس ارزشمندی انجام داده اید، اگر لازم دانستید جایی هم برای من باز کنید. ضمنا انتخاب حروف را هم از نظر نوع و هم از نظر اندازه نامناسب دیدم. انتخاب نوع تاهوما اصلح است.

آقای محمدی. از ارسال لینک ها متشکرم.

آقای دهقانی. tinypic سال هاست از طرف مخابرات ایران فیلتر می شود ولی ایرادات انتقال تصاویر گاه گاهی بروز می کند.

نویسنده: عادل

یکشنبه 13 بهمن1387 ساعت: 9:9

مشکل نديدن عکسها توسط برخي از دوستان از بابت فيلتر شدن سايت آپلود عکس tinypic بوسيله بعضي از سرور ها مي باشد.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 13 بهمن1387 ساعت: 11:15

آقای رحمانی. بنده و دوستان رسما سپاس گزار مرحمت شماییم.

نویسنده: حسین محمدی

یکشنبه 13 بهمن1387 ساعت: 12:53

واتیکان طی بیانیه ای اعلام کرد هرکس هولوکاست را انکار کند خدا را انکار کرده است.
به گزارش «فردا» و به نقل از خبرگزاری ایتالیایی "آکی"، پدر فدریکو لومباردی مدیر روابط عمومی واتیکان در بیانیه ای اعلام کرد:"کسی که هولوکاست را انکار می کند هیچ چیز از اسرار خدا را نفهمیده است و راز به صلیب کشیده شدن مسیح را درک نکرده است. این انکار وقتی بدتر است که انکار از جانب یک کشیش باشد. چه کاتولیک ویا غیر کاتولیک."
بنابراین گزارش لومباردی در ادامه آورده است:"این وقایع ترسناک امروز بزرگترین چالش رابا وجدان بشری دارد!"
وی با اشاره به اینکه این اتفاقات ما را به عمق خطر استیلای شرارت بر قلب انسان راهنمایی می کند، هولوکاست را به رنجهای حضرت عیسی و به صلیب کشیده شدن او (به اعتقاد مسیحیان) تشبیه کرده و می گوید": این راز الهی که با قدرت وحشت آور شرارت و غیبت ظاهری خداوند{عیسی مسیح} تمثل می یابد تنها و آخرین جواب ایمان مسیحی به رنجهای مسیح است. این رنجها(هولوکاست) عمیق ترین رنجهای انسان در تاریخ است و ما نباید آنرا انکار کنیم والا ایمانمان بیهوده و غیر واقعی خواهد بود".
گفتنی است پاپ بدنیکت شانزدهم اخیرا یکی از اسقف هایی را که هولوکاست را انکار کرده بود عفو کرد که این عمل با واکنش اسرائیل روبرو شد تا جائیکه خاخام های این رژیم روابط خود را با واتیکان قطع کردند.
پس از این ماجرا پاپ دوباره بر حمایت خود جائز نبودن انکار هولوکاست تاکید کرد.

نویسنده: ایران امروز

یکشنبه 13 بهمن1387 ساعت: 14:11

باسلام بحضور استاد ارجمند جناب پورپیرار
تلاش بی شائبهٔ شما در جهت اطلاع رسانی و آگاه سازی جامعهٔ فریب خوردهٔ کشورمان جای بسی تقدیر و تجلیل است.
به امید رسیدن کامل به حق و حقیقت.
من شما را لینک کردم ؛ فعلاً 

وب سایت

نویسنده: نتاب

یکشنبه 13 بهمن1387 ساعت: 14:50

سلام
پیشنهاد می‌کنم در دوره آینده ریاست جمهوری تقاضای کاندیداتوری بنمایید.
نتیجه هر چه باشد به نفع حقیقت‌جویان است.

نویسنده: ریاحی

یکشنبه 13 بهمن1387 ساعت: 14:44

واتیکان طی بیانیه ای اعلام کرد هرکس هولوکاست را انکار کند خدا را انکار کرده است.
و راز به صلیب کشیده شدن مسیح را درک نکرده است.

چه خبره؟
عروسی ننه شون مگه به عزا کشیده شده؟

نویسنده: یک عرب

یکشنبه 13 بهمن1387 ساعت: 18:50

سلام به شما لطفا در تاینی ژیک عکس هایتان را آپ نکنید فیلتر هست.

نویسنده: جالبه

یکشنبه 13 بهمن1387 ساعت: 16:5

http://www.cloob.com/profile/memoirs/one/username/javad_afshar/memid/120415

نویسنده: علیرضا

یکشنبه 13 بهمن1387 ساعت: 22:40

سرگرمی
ابداع باتري درايران،۲۰۰۰سال قبل ازاختراع«ولتا
Lang=P&http://isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-1276276

نویسنده: محمود بجانی

دوشنبه 14 بهمن1387 ساعت: 8:27

با سلام
بنده یک عذرخواهی به آقای رحمانی و م ستاره بدهکارم و به این وسیله از آنها عذر می خواهم شاید شناختم از ایشان ناقص بوده که چنین تاخته بودم زمانی ! خداوند مرا ببخشاید و شما دوستان عزیز نیز . اکنون می بینم که قلب شماها بسیار نورانی تر از من است برایم دعا کنید - استاد عزیز بر شما بیشتر از همه بدهکارم بابت تاخت و تازهایم روز به روز حقیقت بیشتر برایم رخ می نماید من نور فعلی را مدیون راهنمایی های شمایم و این حقیقت است باشد که خداوند بر شما رحمت نماید.

نویسنده: نسرین

دوشنبه 14 بهمن1387 ساعت: 10:13

سلام آقای پورپیرار
ممکنه در مورد ایلات و عشایر ایران هم مطلبی بنویسید !
آقای پورپیرار! تعدادی از مردم ایران(که در تمام مناطق کشور هم وجود دارند)هیچ سابقه عشایری و حتی روستایی نداشته اند نظرتان درباره آنها چیست؟

نویسنده: نسرین

دوشنبه 14 بهمن1387 ساعت: 10:16

عشایر و ایلات استان سمنان:
عشایر فارس زبان:
ایل سنگسری: که تعدادی از آنها در مهدی شهر(سنگسر) و سمنان یکجانشین شده اند!پایگاه ایل عشاير سنگسري و محل استقرار قشلاقي خانوارهاي عشاير مهدی شهرمحسوب مي شود .در دوره ييلاقي عشاير سنگسري در مناطق شمالي استان سمنان ، استان تهران (فيروزكوه ، دماوند طالقان) و مازندران (لاريجان ، پلور و بلده) مستقر مي شوند.
ایل چوداری: که محل سکونت آنها شاهرود است!(که در اصل از منطقه هرات افغانستان به این منطقه مهاجرت کرده اند)
ایل خوار توران: که محل سکونت آنها شاهرود است!
ایل طرود: که محل سکونت آنها شاهرود است!
ایل رسم: که محل سکونت آنها دامغان است!(که در اصل مهاجرانی از کشور عربستان هستند)
ایل پروری: که محل سکونت آنها شهمیرزاد سمنان است!
ایل افتری: که محل سکونت آنها سمنان است!

نویسنده: نسرین

دوشنبه 14 بهمن1387 ساعت: 10:17

عشایر مازندرانی زبان استان سمنان:
ایل الیکایی(علی کایی): که تعدادی از آنها در گرمسار یکجانشین شده اند! ییلاق این گروه ارتفاعات البرز مرکزی، کوههای شمال گرمسار، مراتع ییلاقی فیروز کوه، دماوند، لار و پلور و قشلاق آنها روستاهای دو بخش آرادان و مرکزی گرمسار می‌باشد. این ایل شامل ۹ طایفه است که عبارتند از: گیلوري، قندالي، قاسمي، عاشوري، ابوالي (ابولي)، شاه حسيني، قنبري، گليني، كاشاني.در طول دو سده اخیر خانواده هاي ایل زاده از ایلات بختیاري، عرب میش مست و قشقايي به این ایل ملحق شده اند!در سالهای اخیردر روستاهاي متعدد از جمله فروان، عدل آباد، نورالدين آباد، ده پيران، حاجي آباد، سهرابخاني، كهن تل (گندل)، رمضان قره، احمدآباد، غياث آباد (نوده خالصه) يكجانشين شده اند. بخشي از جمعيت اليكايي نيز شهرنشين شده و در شهرهاي گرمسار و آرادان و يا شهرهاي خارج از شهرستان (تهران و ورامين) به سر مي برند.
ایل چاشم: که در روستای چاشم مهدی شهریکجانشین شده اند!
ایل آساران: که در روستای آساران مهدی شهریکجانشین شده اند!
ایل هیکو: که در شهمیرزاد سمنان سکونت دارند!
ایل بادله: که محل سکونت آنها دامغان است!
ایل کلاته: که محل سکونت آنها دامغان است!
ایل چهارده: که محل سکونت آنها دامغان است!

نویسنده: نسرین

دوشنبه 14 بهمن1387 ساعت: 10:18

عشایر عرب زبان استان سمنان:
ایل اعرابی: که محل سکونت آنها سمنان است!
ایل عرب سرهنگی: که محل سکونت آنها گرمسار است!
ایل عرب درازی: که محل سکونت آنها گرمسار است!
ایل عرب عامری: در روستاي كهن آباد گرمسار استقرار دارند!
ایل کتی: که در گرمسار سکونت دارند!
ایل عرب معصومی: که در گرمسار سکونت دارند!
عشایر لک زبان استان سمنان:
ایل هداوند: که محل سکونت آنها سمنان و گرمساراست! افراد طايفه خاني اين ايل در بخش ايوانكي در روستاهاي سنگاب، كوروس بالا، كوروس پايين، بهورد و چنداب به سر مي برند.
ایل زندی: که در روستای لجران گرمسار ساکن هستند!

نویسنده: نسرین

دوشنبه 14 بهمن1387 ساعت: 10:20

عشایر گیلک زبان استان سمنان:
ایل گیلک: در منطقه رامه گرمسار یکجانشین شده اند!كه شامل روستاهای رامه بالا، رامه پايين، چهار طاق و قاليباف ميباشد. اين روستاها در سالهاي اخير تنهادر فصول گرم داراي سكنه هستند و بقيه فصول را به شهرهاي آرادان و گرمسار و روستاهاي جليل آباد و علي آباد مهاجرت مي كنند!

عشایر ترک زبان استان سمنان:
ایل اصانلو: که محل سکونت آنها گرمسار است! مهمترين طوايف اين ايل عبارتند از قباخلو، قزلو، جورابلو، ترامشلو، چوزوكلو، ميرآخورلو، چاپشلو، يوردخانلو، رشمه لو، خالقلو، ايمان خانلو، كنشلو. در طي دهه هاي اخير در روستاهاي ده سلطان، دولت آباد، سعدآباد، سوداغلان، مگس تپه، فند، شه سفيد، ياتري ـ سفلي، رشمه، محمودآباد، موقوفه، محمودآباد نايب ابراهيمي و ... اسكان يافته اند!
ایل پازوکی: که محل سکونت آنها گرمسار است! تمرکزاصلی پازوكي ها نيز در آرادان و روستاي شاهبداغ است!
ایل نفر: ترکهای نفر در روستاي قشلاق نفر گرمسار سکونت دارند!
عشایر کرمانج زبان استان سمنان:
ایلات شادلو و قراچورلو : که در روستاهاي حسين آباد ، علي آباد، قلعه خرابه و جليل آباد گرمسار ساكنند!
ایلات پل ابریشم: که در شاهرود سکونت دارند!

نویسنده: حسنی

دوشنبه 14 بهمن1387 ساعت: 13:49

سلام

آقای اتفاق کتاب پشت پرده را مطالعه می کردم که به این صفحه رسیدم.

http://i41.tinypic.com/2l9hxn6.jpg

گمان می کنم آن قوز مورد نظر شما سم اسب است. گویا پای اسب از قسمت بالا شکسته است.

نویسنده: حسنی

دوشنبه 14 بهمن1387 ساعت: 14:1

استاد پورپیرار این تصاویر سر پل ذهتاب در ایران شناسی گویا درست اسکن نشده اند و موجب اشتباهات کلی در توضیحاتتان شده است.
امیدوارم در ویرایش انتهایی این موارد را رفع نمایید.

نویسنده: طالب حق

دوشنبه 14 بهمن1387 ساعت: 15:50

سلام بر استاد و هوادارانش

مشکلی با کیبورد دارم که همه ی حروف را ظاهر نمی سازد .
فقط صمیمانه متشکرم.

دوباره بعد از حل شدن مشکل باز می گردم.

نویسنده: اتفاق

دوشنبه 14 بهمن1387 ساعت: 19:51

سلام آقای حسنی
نظر شما صائب است ؛ الساعه رسیدگی خواهم کرد .
ممنون ، و استدعاء دارم دیگر نظرات و انتقادات خود را نیز از این کمترین دریغ نفرمائید .
و من ا... توفیق

Nounvalghalam@Gmail.Com

نویسنده: ارکین قشقایی

دوشنبه 14 بهمن1387 ساعت: 20:12

سلام استاد
عبدالله شهبازی در یک مصاحبه برخی از نظرات شما را تکرار کرده ، اما منکر وقوع پوریم شده است ، چون از نظر ایشان یهودیان زمان هخامنشی از نظر تعداد و قدرت در حدی نبوده اند که بتوانند در حکومت هخامنشی نفوذ داشته باشند و قتل عام پوریم را بوسیله آنها مرتکب شوند! ایشان معتقدند محتوای کتاب ملکه استر افسانه ایست مربوط به قرن اول میلادی.
وی زن خشایارشاه نبوده !
http://www.shahbazi.org/pages/Historiography_Vatan_Emrooz_interview.htm

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 14 بهمن1387 ساعت: 23:22

آقای بجانی. جدال کلامی برای دریافت حقیقت، عین فضیلت است.

آقای قشقایی. داشتن زمین زیاد گاهی آدم را دچار سرگیجه می کند.

آقای وارسته. نتیجه گیری یک امر عقلی و استدلالی است و به خود شخص مربوط می شود.

آقای !! لطفا بفرمایید که مطلب را از کجا برداشته اید؟!

آقای حسنی. لطفا شماره ی آن یادداشت را هم ذکر کنید.

خانم نسرین. شما که مسائل ایلات ایران را پی گیری می کنید، بخشی هم به مبدأ و زمان مهاجرت شان اختصاص دهید.
در ورود به تاریخ معاصر به سهم خود از این باب وارد خواهم شد.

نویسنده: نونو

سه شنبه 15 بهمن1387 ساعت: 11:22

سلام استاد اخیرا دکتر خزعلی نظریاتی داشته اند نظر شما درباره انها چیست

نویسنده: آرمان

سه شنبه 15 بهمن1387 ساعت: 12:17

آقای پور پیرار مقالات شما را راجع به صفویه از کجا میتوانم بگیرم آدرس ویا تاریخ آنها را در وبلاگ برایم بگذاریم

نویسنده: زیرپله اعیانی

سه شنبه 15 بهمن1387 ساعت: 9:3

http://www.cloob.com/profile/memoirs/one/username/zebakriz/memid/126418
حیف آجر!!!!!!!

نویسنده: توحید

سه شنبه 15 بهمن1387 ساعت: 13:42

با سلام

استاد فکر میکنم این لینک مهم باشه (درباره مسجد جامع اصفهان با قدمت 1000 ساله !!) :

http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=821345

نویسنده: !!

سه شنبه 15 بهمن1387 ساعت: 17:51

با سلام
استاد عزیز مطلب را می توانید در این آدرس مشاهده بفرمایید! ولی به گمانم برای دیدن آن باید عضو سایت و هم عضو همان کلوب به نام دادگاه تاریخ باشید!
http://www.cloob.com/
club/post/show/clubname/dadgahetarikhj/topicid/1786408/wrapper/true
یکی از شرایط روشنفکری که می خواهد در مورد تاریخ بحث بکند!!بسیار جالب است!!تهی دستی شان را ببینید!!
از هرگونه نقل قول از ناصر پورپیرار در خصوص مبحث پوریم و عدم وجود سکنه در ایران و جعلی بودن سلسله اشکانی و ساسانی تا حدامکان خودداری شود تا بحثها بیهوده به حاشیه نرود زیرا این مطلب مثل این میماند که بگوئیم ملانصرالدین همان هیتلر است که در جنگ جهانی سوم بمب اتم را بروی بندرعباس انداخت تا کلیه سپاه مغول بمیرند و زیر دریائی های لشکر ناپلئون در کویر لوت منهدم شود تا نتواند در جنگ با داریوش اول به ناوگان بودای هندی حمله کند اگر دروغ میگویم بیا ثابت کن ((یک چیزی توی مایه من سرکارم تو سرکاری ما سرکاریم)).....یادمان نشود که در ادعا میشود همه چیز را انکار کرد همانطور که یهودی سوزی آلمان نازی به راحتی در تاکتیکهای خاص کلامی برای نیل به اهداف خاص انکار میشود همانطور که در ادعای سلیمان نظیف ترک نژاد نویسنده مقاله ((یتیم قاردشلریمز)) زرتشت از بیخ وبن ترک میشود تا قالب یک طرز فکر برای گوینده ومخاطب خاص خودش شود !!!وحتما پس از این ادعا میشود که زبان گاتها هم یک لهجه ترکی آن سوی سیحو.ن است 0گرچه پاره ای ازمباحث از طرف ایشان به عنوان یک محقق قابل تفکر و تحسین است است ولی افراط در نظریه پوریم با استناد به یک کتاب مقدس اورشلیم به نقل از استر ومحور شدن برای اندیشه های او باعث افراط در تحریف کلیه اسناد و وقایع شد و قومیتهای داخلی یا استناد به کتابهای او وجذابتی که در مناظرات دارد وخرید کتابهایش باعث رشد فروش کتابهای انتشارات او شدند .. ادامه...

نویسنده: !!

سه شنبه 15 بهمن1387 ساعت: 17:52

اوبا استناد به خبر یک کتاب به صورت یک گزارش تاریخی عقیم تمام اسناد وکتابهای کلاسیک و تحقیقاتی را ابطال کردومصداق یک بام ودو هوا شد ..حجم تحقیقات و مطالعات واشراف به بسیاری از منابع از طرف ایشان جالب است اما افراط افراط در نظریه پوریم جسارت فکری ایشان را به فساد خاصی در قضاوت کشاند اما بهتر است شما خودتان یک محقق باشید و طرز فکر خودتان را بعنوان یک محقق بیان کنید ......ثبت نظرات و تحقیقات و داوری و تجزیه تحلیل شما نیز بسیار ارزش دارد شما نیز میتوانید یک منتقد حرفه ای باشید اما براساس نظرات و تحقیقات و نتیجه گیری ها خودتان البته با استناد به اسناد و ماخذهائی که اندیشه شما را مستدل به برهان نماید ....برای تحقیق در تاریخ باستان ونقد تعصبات رفرم فرهنگی حاضربستر تحقیق وتفکر چنان گسترده است که هیچ احتیاجی به تقلید ونسخه برداری فکری مبتنی برنظریه پوریم وجود ندارد !!!!ایشان حرف خودش را زد شما حالا حرف خودتان را بزنید یک تابلو ابعاد مختلفی برای تجلی جزئیات و خطوط طرح خود دارد پوریم محور تفکرات ایشان لکه رنگی بود که به چشم ایشان امد شما رنگی دیگر را ببینیدیا در خصوص رنگی دیگر تحقیق بکنید !!راستی اگر کتاب استر نبود محور کلام ایشان چه بودچه طور شد یهودیان که دائم در حال جعل کردن منبع و تاریخ سازی هستند اینجا راستگو از آب در آمدند اگر این خبر عقیم را از پورپیرار بگیریم نخ تسبیح صدها دانه استدلالش پاره میشود ...من نمیدانم استدلال براساس روش یک بام ودوهوا را چه مینامند ..من احترام یک استاد را دارم ولی حق اعتراض وتعقل را هم دارم !!!

۱ ۲ >>

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ، 196، نتیجه، 4، گذر و نظری بر سرزمین ترکیه 70 - نظر

نویسنده: حسنی 1

سه شنبه 15 بهمن1387 ساعت: 18:57

سلام
استاد پورپیرار در نوشته ی « یادداشت 17: برج طغرل » ایران شناسی به آدرس http://naria5.blogfa.com/post-69.aspx آورده اید :

» http://tinypic.com/2im9rgn.jpg

در بالا، به تصویر سمت راست که از صفحه ی ۱۲۰ کتاب کاملا رسمی «فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی، اولین نشریه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران» آورده ام، دقیق شوید. دقیق شوید و با تصویر سمت چپ که از صفحه ی ۱۲۱ همان کتاب برداشته ام، مقایسه کنید. حجاری سمت چپ در پل زهاب را بر مبنای کتیبه ی همراه آن، متعلق به آنوبانی، ثبت شده به شماره ی ۱۴۹ و نقش سمت راست را به نام «حجاری شیخ خان» باز هم در پل زهاب، ثبت شده به شماره ی ۳۰۵ و با شرح زیر معرفی کرده اند:

«حجاری شیخ خان شامل نقش مرد جنگی است که به تیر و کمان مسلح است. در زیر پای این مرد جنگی اسیری افتاده و اسیر دیگری در مقابل آن زانو زده و در حال استرحام و طلب بخشش است. خطوط کتیبه ی این اثر را محو کرده اند. در حال حاضر باستان شناسان این نقش را قدیم ترین اثر حجاری در ایران می دانند. سنگ تراشی این نقش بسیار ساده است و می رساند که حجاران آن مبتدی بوده اند». »

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 15 بهمن1387 ساعت: 21:11

آقای حسنی. هنوز متوجه اشکال کار نشده ام.

آقای نارنیا. این خنک نویسی ها از سر نافهمی نسبت به اصل مطلب مطروحه است و پاسخ اش این است که باید یادداشت مربوطه را دوباره بخواند.

آقای توحید. در مسجد جامع اصفهان هیچ نقش و نمایشی ندارد که قلابی نباشد. اگر بار دیگر به تصاویر آن با دیده ی نقاد نگاه کنید، خواهید دید که هیچ یک ارزش هنری و یا حتی ارتباطی با دوران دور ندارد و تماما جاعلانه و نوساز است.

آقای آرمان. مقالات مربوط به صفویه از یادداشت 107 در همین مجموعه ی ایران شناسی بدون دروغ آغاز می شود.

آقای خرمی. معنی سلیس جمله ی «امکان بررسي نقادانه تاریخ ایران باستان بسته شد» این است که ما دست و پا و زبان بسته و بی جواب ماندیم. آن ظاهرا مورخی که ماجرای پوریم را، حتی پس از این همه توضیح هم نفهمیده است، چه گونه می توانست آن را طرح کند؟!

نویسنده: طالب حقیقت

چهارشنبه 16 بهمن1387 ساعت: 0:7

سلام آقای پورپیرار
من تقریبا یک ماه ونیم است که با نظرات شما آشنا شده ام که بسیار دیر است.البته من شهرستانی هستم واز استان کرمانشاه. فکر نمی کنم در این شهرکه البته خود شهر کرمانشاه نیست ویکی از شهرستان های آن است کسی از نظرات شما آگاه باشدحتی من هم به طور اتفاقی با وبلاگ شما آشنا شدم.
من از کودکی علاقه زیادی به تاریخ داشته ودارم.نظرات شما برایم دلنشین است و
به نظر عقلی بسیار درست تر از چیزی است که تا به حال خوانده ام.فیلم تختگاه هیچکس را هم دیده ام.واقعا جالب و آموزنده بود. از نژادپرستان هم متنفرم و آرزوی شکست آن ها رادارم که دشمن بشریت هستند.
ولی سوالاتی دارم که خواهش می کنم لطف کنید و به آن ها جواب دهید:
1.در وبلاگ های دیگر ، نظرات شما را مثلا نقد می کنند و من نمی دانم به آن ها چه طور پاسخ دهم.
وبلاگ هایی مانند http://zulqarnain.persianblog.ir آیا شما آن ها را خوانده اید و آیا جوابی دارید؟

2. چه طور شد که به تحقیق تاریخی پرداختید واز چه سالی؟
3.من در حیرت افتاده ام. به من حق بدهید از کجابدانم چه کسی راست می گوید.شما یا آن وبلاگ نویسان که مثلا گفته های شما را نقد می کنند؟
4.وجود دانشمندانی مانند ابن سینا یا خوارزمی و... را که در دنیا معروفند چگونه توجیه می کنید.چون تولید علم و فلسفه که کار هر کسی نیست که به راحتی بشود آن را جعل کرد.
5. من مسلمانم و به قرآن اعتقاد دارم ؛ اما با این همه جعلیات که تمام کتب اسلامی را در بر گرفته ، ممکن است کسی مدعی شود که قرآن هم یا به طور کلی جعلی است و یا تحریف شده است. این مطلب را چگونه توضیح می دهید که قرآن سالم است؟
هدف من فقط یافتن حقیقت است و از شما هم خواهش می کنم جواب هایی قانع کننده مرقوم بفرمایید.
پیشنهادی هم داشتم : سایت های منتقد شما ممکن است به بهانه نقد ، جعلیات دیگری بنویسند و دلایلی به ظاهر درست ارایه دهند و کسانی را گمراه کنند. پیشنهاد می کنم شما هم ساکت ننشینید و گفته های آن ها را نقد کنید.
در پایان هم از شما خواهشمندم که بیشتر بنویسید و کارتان را ادامه دهید. اطمینان دارم که حقیقت پیروز است و اگر شما بر حق باشید قطعا پیروزید.واقعا تحسین برانگیز است و شجاعت بسیاری می خواهد که یک تنه این نظرات را بیان می کنید.
از خداوند توفیق تمام کسانی را که در راه حقیقت گام برمی دارند خواستارم. بسیار بسیار ممنون.

نویسنده: علیرضا

چهارشنبه 16 بهمن1387 ساعت: 0:18

با سلام
استاد میبخشید
آیه 5 سوره توبه کشتن مشرکین رو توصیه کرده

توبه 5
پس چون ماه‌های حرام سپری شد مشرکان را هر کجا یافتید بکشید و آنان را دستگیر کنید و به محاصره درآورید و در هر کمینگاهی به کمین آنان بنشینید پس اگر توبه کردند و نماز برپا داشتند و زکات دادند راه برایشان گشاده گردانید زیرا خدا آمرزنده مهربان است

دو سوال
1- آیا فقط یهودیها و مسیحیان مشرکند؟
2- آیا این دستور رو به معنای کشتن تمامی مشرکین نمیشه قلمداد کرد
3- و در نهایت تکلیف مقایسه این آیه با آیاتی که به پیغمبر عدم مجوز اعمال زور رو ارائه میکنه, چه خواهد بود.

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 16 بهمن1387 ساعت: 4:49

آقای علیرضا. مجموعه مقالات اسلام و شمشیر را بخوانید.

آقای طالب حقیقت. یادداشت های ایران شناسی بدون دروغ را از ابتدا تا انتها بخوانید پاسخ های خود را خواهید گرفت.
ضمنا تاکنون کسی توان نقد منطقی این نوشته ها را نداشته است. برای امتحان، از افراد مورد نظر، درباره ی مستند تختگاه هیچ کس سئوال کنید، بلافاصله شروع به فحاشی نسبت به سازنده آن خواهند کرد تا دریابید که تا چه اندازه بی شعورند.

نویسنده: رضا

چهارشنبه 16 بهمن1387 ساعت: 6:24

آنوسی ها ! (یهودیان مسلمان نما)
وجود یهودیان مسلمان نما (آنوسی) در میان همه طبقات جامعه به خصوص اقشار تاثیر گذار ، سیاستمداران، فرهنگ سازان، روحانیون و پزشکان، دقت و هوشیاری بیش از پیش ما را می طلبد !

آنوسي کيست؟
راه های شناخت آنوسی ها

http://www.drkhazali.com/articles-and-mails/406-1387-11-10-17-35-46.html

وب سایت

نویسنده: حسنی

چهارشنبه 16 بهمن1387 ساعت: 11:47

استاد پورپیرار ببخشید دیروز پیام دومم را هر چه کردم نتوانستم ارسال کنم. متاسفانه تصاویر ایران شناسی نمایش داده نمی شوند.

ایران شناسی 55 :

« آن چه جای تامل دارد، نقش ستاره ی چهار پری است که برفراز سر مرد در کتیبه ی سمت چپ و همان نقش بر گردن آویز مهاجم کتیبه ی سمت راست قرار دارد.»

«اما هنوز نکته ای باقی است: در ۸ تصویری که این جا و آن جا از کتیبه ی به اصطلاح آنوبنی در پل زهاب دیده ام، علی رغم برخی بد ذوقی ها در گرته برداری، همه جا نقش فراز سر مرد، ستاره ای ۴ پر است. با اشاره هایی از جمله از زبان «کوستلر»، شاید بتوان مدعی شد که این ستاره چهار پر نخستین نما و الگوی ستاره ی داود نزد یهودیان بوده است.»

استاد پورپیرار تاجایی که حافظه تصویریم یاری میدهد مدت پیش در یکی از کتابها این کتیبه را به شکل هشت پر دیده بودم. دیروز هم یک عکس با هشت پر را از اینترنت یافته بودم که امروز آن را هر چه کردم نیافتم. دیدن این تصویر به شکل چهار پر در ایرانشناسی بسیار متعجبم کرد.

نویسنده: حسنی

چهارشنبه 16 بهمن1387 ساعت: 11:48

آقای اتفاق من سواد درست و حسابی از اینترنت و کامپیوتر ندارم و نوشته ها را با مراجعه چند وقت به چند وقت به اینترنت پیگیری میکنم. مطالبتان بسیار بسیار ارزشمند است. خوب معلوم کردید که یهودیان برسر تاریخ ایران چه آورده اند. اما نمی دانستند که زمانی شخصی به نام استاد پورپیرار ظهور خواهد کرد!!!!!

نویسنده: عجیب و قابل تامل؟؟؟ 1

چهارشنبه 16 بهمن1387 ساعت: 13:46

یک چیزی همیشه فکر من را به خود مشغول می کند و روزی راجع به اون تحقیق می کنم، چرا قدرت بازار در موتلفه جمع است و چگونه است که رهبر موتلفه یهودی زاده است و فامیلی خود را به عسگر اولادی مسلمان تغییر داده است ؟ و به گونه ای از اقتصاد اسلامی دفاع می کند که پیر و برنانه تنها از اقتصاد اسلامی بلکه از دین می گریزد !!

در قم آنکه بیشتر دم از اسلام و ولایت می زند و دست همه مراجع را در تعصب دینی بسته است و آن چنان تئوری حکومت اسلامی سر می دهد و بر طبل تحجر می کوبد، که دین و آیین محمدی در نظر مردم ناخوش آید ! و تمام دین گریزی مردم از قرائت دینی اوست، حتی دین روحانیت مبارز را قبول ندارند، خود را آسمانی می دانند و همه را زمینی !! باز به حسب و نسب که برمی گردیم به اجداد یهودی می رسیم !!

در افغانستان، طالبان چهره ای زشت از اسلام عرضه می کنند، و رهبران طالبان و القاعده در امریکا و با پول آزانس های یهود تربیت و تجهیز می شوند !!

اخیرا شنیدم احمدی نژاد هم که دست کمی در تظاهرات افراطی دینی از آنان ندارد، از خانواده ای یهودی تبار بوده است ، نگاهی به صفحه توضیحات شناسنامه او بیاندازیم تا تغییر فامیلی از " سبور جیان" به احمدی نژاد را دیده و ریشه خانواده سبورجیان در آرادان را بررسی کنیم!! اگر حقیقت داشته باشد ، حلقه قدرت ، ثروت و روحانیت کامل است، اینبار زر و زور و تزویر در نسل قوم یهود در ایران تحکیم شده است !

نگاهی به سابقه خانوادگی طراح مسئله هولوکاست بیاندازیم، همان مسئله ای که موجب مظلوم نمایی اسرائیل شد، مسئله ای که برای اولین بار در شورای امنیت ایران به نفع اسرائیل محکوم شد، مسئله ای که اروپارا علیه ایران متحد کرد، بهتر است نظام اسلامی به حسب و نسب مادری او و محل رشد و نمو او بیشتر دقت کند، شاید رئیس جمهور در این موضوع بازی خورده باشد !

نویسنده: عجیب و قابل تامل؟؟؟ 2

چهارشنبه 16 بهمن1387 ساعت: 13:47

من صاحبخانه ای دارم یهودی، که فامیلی خود را عوض کرده است و یک فامیلی صد در صد اسلامی به معنای دوستدار خداوند یکتا برگزیده است، انتخاب فامیلی عربی و اسلامی برای حفظ اموال بوده است، سالی چند ماه به عنوان دبی از دسترس خارج می شود و حتی وکیل او نیز پیدایش نمی کند و امکان تماس با او نیست، شما فکر می کنید این پیرمرد جایی جز اسرائیل می رود! اخیرا پس از ناامنی اسرائیل ، خانواده خود را بعد از سالها دوری از وطن به کشور آورده است، این قوم حاضرند نسلها دین و آیین دیگری اختیار کنند تا به اهداف خود برسند. او در جلسات آنقدر از علی (ع) و حب علی(ع) می گوید و هر قسم دروغی را با نام علی می خورد که من گاهی احساس می کنم دارد به ریش من می خندد و امام مرا به سخره می گیرد! گاهی به او می گویم : نمی خواهد بنام امیر مومنان سوگند یاد کنی ، تو به موسی ابن عمران (ع) سوگند بخور کافی است چون من به پیامبر شما ایمان دارم و نیازی نیست از امام ما خرج کنی که به او ایمان نداری! در این دو سال و اندی که مستاجر اویم در جلسات ، بیش از پدرم که خود را وقف علی (ع) کرده است و حتی علامه امینی (ره)، او از علی(ع) گفته است!!!

نمی دانم یکی تاکید دارد که عسگر اولادی مسلمان است ، دیگری اصرار دارد از نژاد احمد است، و صاحبخانه ما " کشریم" را رها کرده و می گوید " محب یکتا " ست، آن یکی هم که آسمانی است و چراغ هدایت است ! خدا را شکر که هنوز هیچ کدام ادعای سیادت نکرده اند ! یادش به خیر در سفری که در زمان صدام ملعون به عتبات داشتیم، در یکی از رواق های حرم حضرت ابوالفضل(ع) بر روی دیوار با کاشی کاری شجره نامه صدام نصب شده بود که به امیر مومنان می رسید !!!

دکتر مهدی خزعلی

نویسنده: مهران حقیقت

چهارشنبه 16 بهمن1387 ساعت: 15:29

آقای رضا

با سلام

آنوسی ها آنقدر ریشه کرده اند که امروزه روز حذف انحرافات آنها در اسلام راستین بسیار سخت به نظر می رسد.

همین امروز در روزنامه قدس 16 بهمن 87 مطالب زیر را نوشته است:

امام كاظم(ع): هر كس قبر فرزندم علي را زيارت نمايد، نزد خداوند اجر هفتاد حج قبول شده را خواهد داشت. راوي گويد: عرض كردم، هفتاد حج قبول شده؟ امام فرمود: بله هفتاد هزار حج، راوي سؤال مي كند هفتاد هزار حج؟ امام مي فرمايد، چه بسا حجي كه قبول نشود، اما هر كس او را زيارت نمايد و يک شب را در نزدش بماند، خدا را در عرش ملاقات خواهد كرد.(8)
ابونصر بزنطي گويد: در نوشته اي به خط امام رضا(ع) خواندم، به شيعيانم ابلاغ كن كه همانا زيارت من نزد خداوند برابر هزار حج و هزار عمره مقبول است. راوي گويد: از امام جواد(ع) پرسيدم، برابر با هزار حج است؟ آن حضرت جواب داد: آري، سوگند به خداوند كه برابر با يک ميليون حج است، اما براي كسي كه با معرفت، او را زيارت كند

http://www.qudsdaily.com/archive/1387/html/11/1387-11-16/page4.html#1

نویسنده: kaveh

چهارشنبه 16 بهمن1387 ساعت: 18:10

سلام آقاي پور پيرار .خوشحالم كه رفع كسالت شده خدا رو شكر.مستند طوفان نوح در چه مرحله اي به سر ميبرد؟و چه برنامه اي براي آن داريد.شايد بتوانم يك گوشه از اين كار بزرگ رو هم بنده بگيرم تا سريع تر به نتيجه برسد كه گمان ميكنم اصل مطلب بايد به مستند ديگري برسيم به عنوان محمد رسول الله كه به دنيا چهره ي اسلام بدون تحريف شناسانده شود.به اميد آن روز.

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 16 بهمن1387 ساعت: 19:40

آقای کاوه. کارها به لطف خدا خوب پیش می رود. از حمایت شما ممنون.

آقای مجید حسینی. همان بار که در مقابل اداره جیب رفیق ما را زدند مطالب ضبط شده را هم برده اند ولی به عنوان شاهد شاید بتوان در مراحل دشوار و لازم از او استفاده کرد.

آقای نارنیا. تصاویری وجود دارد که نشان می دهد هنوز بخشی از آن سکوها در زیر خاک است! چه طور می توان سکویی ساخت که نصف اش زیر خاک باشد.

نویسنده: حسین محمدی

چهارشنبه 16 بهمن1387 ساعت: 23:34

8 صفر؛ سالروز وفات حضرت سلمان علیه السلام
حضرت سلمان رحمه الله در سال 36 هـ در سن 250 سالگی ـ و بنابر نقل 350 سالگی ـ در مدائن از دنیا رفت. او را سلمان بن الاسلام و سلمان پاک و سلمان محمدی لقب داده اند ، و در خطاب به او گفته اند: «السلام علیک یا من خلط ایمانه بأهل البیت الطاهرین».

امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: «سلمان از کسانی بود که بر حضرت زهرا علیها السلام نماز خواند». همچنین امام صادق علیه السلام فرمودند: «سلمان علم اول و آخر را درک کرد، و او دریایی است که هر کسی را بهره ای از آن نیست، و او از ما اهل بیت است».

شرح حال آن بزرگوار در کتابهای مختلف بیان شده، و در بزرگی مقام و قدر او همین اندازه بس که مولانا امیرالمومنین علیه السلام وسایل غسل و کفن او را آوردند و او را غسل داده و کفن نمودند و بر او نماز خوانده، دفن نمودند .

جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و اله عرضه داشت: «اشتیاق بهشت به سلمان بیشتر از اشتیاق او به بهشت است».
(به نقل از شیعه نیوز)

نویسنده: حسین محمدی

چهارشنبه 16 بهمن1387 ساعت: 23:44

سلام استاد .... این ملت شعر ساز را ببینید که مثل نقل و نبات شعر بیرون می دهند .
استفتاء با شعر و پاسخ شعری آیت‌الله مکارم
http://www.shia-news.com/fa/pages/?cid=10020

نویسنده: حسین محمدی

چهارشنبه 16 بهمن1387 ساعت: 23:59

اینجا میشه کلی سئوال با جواب پیدا کرد

bank=question&startrec=1&=http://www.valiasr-aj.com/fa/list.php?group

نویسنده: چه جالب !!!

پنجشنبه 17 بهمن1387 ساعت: 0:18

دوستی از نزدیکی فرقه بازی در اسلام و یهود گفته بود . می خواهم من هم دستی در آن آش داشته باشم :

به جغرافیای سنتی یهود نگاه کنید . اول در فلسطین و شامات بوده اند . بعد توسط بابلیان به بین النهرین و بابل در عراق کنونی می آیند . بعد توسط کمبوجیه به جنوب غرب و سراسر نوار شمالی ایران تا افغانستان کوچانده می شوند .

حال مثلا به جغرافیای تشیع نگاه کنید . حصه ای سنتی و کهن از شیعیان که حسب تواریخ کنونی ، قبای صفویان هم از همانان بافته شده ، در شمالی ترین قسمت خاک فلسطین که امروزه جنوب لبنان است (جبل عامل) حضور دارند . حصه ی دیگر شیعیان در جنوب عراق و در مثلث نجف – کربلا – بصره زندگی می کند . توده عظیم تر در ایران هستند و حصه ای دیگر باز در شمال افغانستان .

نمی خواهم هیچ نتیجه ای بگیرم ، اما آیا جالب نیست که جغرافیای کهن یهودیت بر جغرافیای کنونی مذاهب منطبق است ؟!

نویسنده: طالب حقیقت

پنجشنبه 17 بهمن1387 ساعت: 1:4

سلام استاد
از این که لطف فرموده نوشته مرا قابل دانستید و پاسخ دادید ممنونم.
واقعا جای تاسف است که من بعد از 8 سال از نوشته های شما باخبر می شوم.
در ایران هرکسی که چیزی برای گفتن ندارد و همان بافته های گذشته را تکرار می کند حق صحبت دارد؛ ولی شما که نظریات جالبی ارایه داده اید آن قدر مورد بی مهری قرار گرفته اید که من در طول این 8 سال حتی یک کلمه راجع به شما نشنیده ام.دانش آموزان از کلاس چهارم ابتدایی تا دبیرستان، حداقل دوبار تاریخ ایران را دوره می کنند و ناخواسته وارد بحث دشمنی با اسلام می شوند.با این وصف،تغییر محتوای ذهنی آنهابسیار مشکل است.آن هم با این عادت ناپسندی که رایج است؛اینکه در ایران چقدر مطالعه تاریخ برای مردم مهجور است.همین است که اشتباهات گذشته را زیاد تکرار می کنیم.
من همیشه با خودم میگفتم که چرا ما کردها هیچ نقطه قوت تاریخی نداریم.ولی این نظریه شما جواب بسیار خوبی برای این سوال است.
من نه تنها از نظریات شما دلگیر نمیشوم؛بلکه بسیار خوشحالم که افق جدیدی از اندیشه در برابرم قرار گرفته است و از این نظر خداوند را شاکر واز شما سپاسگزارم.
موفق باشید.

نویسنده: طالب حقیقت

پنجشنبه 17 بهمن1387 ساعت: 1:32

ببخشید استاد
یک نکته را لازم دیدم بگویم. در مقاله ای -درباره طاق بستان-خواندم که آقای هرتسفلد درباره کرمانشاه گفته است که این نام از نام پادشاه ساسانی گرفته شده که شاه کرمان بوده.در جواب به آقای هرتسفلد:
اولا نمی دانم شاه کرمان چه معنی دارد!!! حالا شاه ایران یه چیزی.
ثانیا تا آنجایی که خواننده ام و میدانم نام این شهر که مرکز استان ماست "کرماشان" است و مردم استان هم اغلب آن را به همین نام میخوانند و هیچوقت "کرمانشاه" نبوده است و حتی معنی آن هم احتملا به معنی شاه کرمان نیست. نمی دانم چطور جای "ن" عوض شده و "ه" در آخر آمده است.
کاش آقای هرتسفلد به جای این نظرات،نام شهر را از محلی ها می پرسید.
نظر شما چیست استاد؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 17 بهمن1387 ساعت: 12:25

آقای حقیقت طلب. پس خیال کرده بودی هرتسفلد شدن الکی و آسان است. باید در مهمل گویی به اوجی رسید که بدون هراس از عنوان مجنون، نام شهری را برگرفته از موقعیت شاهی در 1200 کیلومتر آن سوتر تشخیص داد. حالا خدا رحم کرده است که شهرهایی به نام رشت شاه، تبریز شاه، شیراز شاه و همدان شاه نداشته ایم!!!

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 197

ایران شناسی بدون دروغ 197، نتیجه، 5، نگاهی به ترکیه و دولت عثمانی - 22 نظر

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

پنجشنبه 17 بهمن1387 ساعت: 13:21

با سلام.

وبلاگ دروغ بزرگ با نوشته ی ((اجرام خام و حجاری های نیمه تمام (3))) در خدمت جویندگان حقیقت.

وب سایت

نویسنده: مسعود

پنجشنبه 17 بهمن1387 ساعت: 13:52

سلام علیکم و خداقوت استاد عزیز

خداوند متعال را شکر میکنیم که سلامتی شما را میبینیم.
استاد در طی دو یادداشت اخیر اشارات شما به کاربرد مبهم باصطلاح "آمفی تئاتر" های فضای باز موجود در قلمرو رومیان منرا دچار وسوسه میکند تا قبول کنم شاید کاربرد این بناها برای هیچکس شناخته شده نیست بجز شخص شخیص خود شما نابغه بشریت !

خداوند متعال شما را برای بشریت سرگردان امروز محفوظ بدارد.

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

پنجشنبه 17 بهمن1387 ساعت: 13:59

خسته نباشید جناب پورپیرار.
اگر امکان دارد آن تصاویر که به آقای نارنیا توضیح داده بودید(که فکر میکنم در مورد کعبه ی زرتشت بوده) را در وب قرار دهید تا بتوانیم آن را بررسی کنیم. ممنون.

وب سایت

نویسنده: مسعود

پنجشنبه 17 بهمن1387 ساعت: 16:59

وقت شما بخیر .

استاد این چند تصویر از بنای موسوم به "کولیزیوم" در شهر رم ایتالیا را ملاحظه بفرمایید :

http://static.panoramio.com/photos/original/2501101.jpg

http://image64.webshots.com/164/6/3/83/527460383wQJkaw_fs.jpg

آیا بنظر کسی اینجا یک آمفی تئاتر فضای باز است یا بازار یا کاروانسرایی برای داد و ستد یا انبار وسایل و مواد غذایی !!!؟

همچنین اینمهم چند عکس از "اسپندوس" در ترکیه :

http://image24.webshots.com/25/4/35/0/38043500FCPybA_fs.jpg

http://danandt.com/danandt/images/turkey/antalya/aspendos/DSC_0154.jpg

http://lh4.ggpht.com/_ESe0HFMnyU0/RxkHfy3vNaI/AAAAAAAAAMk/oLm002HY27k/turkije2007-1.JPG

نویسنده: ایمان

پنجشنبه 17 بهمن1387 ساعت: 17:24

سلام اینم لینکی بستن موسسه ببیز:
http://www.radiofarda.com/content/F8_BRITISH_COUNCIL_TEHRAN/1379699.html

نویسنده: آیاز

جمعه 18 بهمن1387 ساعت: 1:45

با سلام
آقای پورپیرار. چرا معماران کلیسای سابق و مسجد امروزی ایاصوفیه آن را رو به کعبه قبله مسلمانان ساخته اند؟ لازم به ذکر است از لحاظ قرار گیری در جهت قبله ایاصوفیه از مسجد سلطان احمد دقیقتر است
چرا معماری کلیسایی این دو مسجد در هیچ کدام از کلیساهای باستانی در جهان تکرار نشده است؟ در معماری کلیساهای باستانی اگر از بالا به آنها نگاه کنیم آنرا به شکل صلیب می ساخته اند به طوری که سالن کلیسا طولانی و کشیده تر نسبت به دیگر شاخه های آن می باشد و بازوهای دیگر کوچکتر می باشند, در حالی که اگر از بالا به این دو مسجد نگاه کنیم به شکل گل دیده می شوند نه به شکل صلیب و به هیچ وجه این شکل تا تراز کف ساختمان توسط دیوارها امتداد نمی یابد و شکل محوطه زیر این گل مانند کاملا مربعی است در حالی که این گل را با کمی فاصله محاط کرده است. در کلیساهای باستانی شکل صلیبی سقف تا تراز کف ساختمان امتداد می یابد در واقع با چهار سوله عمود بر هم و متصل بر هم با سقف شیروانی یک کلیسای باستانی را تشکیل می شود
چرا در هیچ یک از کلیساهای باستانی گنبد نیمکره دیده نمی شود و تمام آنها به شکل هرم یا مخروط هستند که هیچ کدام به دلیل صلیبی بودن شکل ساختمان، گنبدهایشان در مرکز قرار نمی گیرد در حالی که در این مساجد کاملا در مرکز است
من در ترکیب سازه ای این دو مسجد و مسجدهای مشابه در ترکیه و قفقاز تفاوت زیادی با کلیساهای باستانی می بینم
حدس من بر این است که این نوع و سبک معماری که متفاوت از معماری عربی می باشد نیز توسط مسلمانان به وجود آمده و تنها غرب از این تفاوتها این گونه بهره می برد که آنرا به عنوان ردپای غرب در سرزمین مسلمانان معرفی کند

نویسنده: فتح

جمعه 18 بهمن1387 ساعت: 2:47

استاد طلاق در اندونزی افزلیش یافته دلیلش هم درخواست زنان است.نظر شما چیست.

افزایش چشمگیر درخواست طلاق زنان در اندونزی
http://www.bbc.co.uk/persian/world/2009/02/090204_eh_indonesia_women.shtml

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 18 بهمن1387 ساعت: 5:23

آقای مسعود. ضمن تشکر، عکس های بی اندازه زیبای شما وضوح مطالب را بیش تر کرده است، به طوری که با کسب اجازه تصویر روشنگری از آن میان را به مطلب افزودم. کلئوزیوم یک بنای نسبتا بیضی با میدانچه ی بزرگی است که محل نمایش مهارت در ارابه رانی و یا جنگ میان دو و یا چند گلادیاتور بوده است. در کلئوزیوم ردیف های نشستن محدود است و تقریبا از ارتفاعی نزدیک به سه متر آغاز می شود. تسلط بینندگان بر صحنه کافی است ضمن این که در آن جا عملیات نبرد و یا مسابقه مورد نظر است نه دیالوگ های فرضا عاشقانه و نجوا گونه که ادای به صدای بلند و نعره مانند، لطافت لازم را از آن خواهد گرفت. به همین دلیل هالیوود در باز سازی میدان های نبرد مانند کلئوزیوم در فیلم هایی چون "بن هور" موفق بوده است ولی هنوز ندیده ام که کاربرد یکی از این آمفی تآترها با توصیفات کنونی را به صحنه ی سینما برده باشند. چون امری غیر ممکن است.

آقای فتح. دولت های غربی با گسیل سالانه تعداد زیادی توریست با فرهنگی کلیسایی به اندونزی برای دیدار از بروبودوی نوساز و برگزاری نشست های مخصوص در بالی، می کوشند فضای اسلامی و آرام آن کشور را غربی کنند که از نخستین عوارض آن سر به هوا شدن زنان و مردان است.

آقای ایاز. البته کلیسای سنت پیتر در رم از نظر معماری شباهت دوری با ایاصوفیه دارد. مطلب مهم تر این که مصالح به کار رفته در گنبدهای ایاصوفیه یعنی ورقه های بزرگ فلز در زمانی که ادعا می کنند، هنوز در چرخه و امکانات تولیدی بشر نبوده و مطلب دیگر این که درست همانند صفویه در ایران، نخستین گروه های کاری وارد شده بر ترکیه که حالا آن ها را عثمانی می شناسیم، باز هم مقاطعه کاران غربی بوده اند. فراموش نکنید که امروز هر دو کشور ایران و ترکیه جمعیتی برابر دارند. به ادامه یادداشت ها توجه کنید.

آقای دهقانی. آن تصاویر در کتاب ساسانیان از مجموعه کتاب های تاملی در بنیان تاریخ ایران موجود است.

نویسنده: یک مسلمان

جمعه 18 بهمن1387 ساعت: 8:25

ضمن خسته نباشید حضور استاد گرانقدر
بنده در حال حاضر با چند نفر از مهندسان ترکیه که اهل استانبول هستند کار میکنم و از زبان انها داستانها و افسانه های زیادی در رابطه با نحوه فتح استانبول و محاصره طولانی مدت ان توسط عثمانیان شنیده ام ولی در خصوص نام عثمانی یا همان عثمانلی هیچ تعریف درستی به من نداده اند .
لطفا در مورد علت نام گذاری ترکهای ترکیه به عثمانی توضیح دهید .
آیا اینان خون خواهان عثمان و صفویان مدافعان قتل عثمان نیستند؟
آیا کسی به نام علی و عثمان و غیره در تاریخ اسلام واقعی و قابل استنادند؟
چرا علی (ع) مرکز حکومت خود رابه یکباره از مدینه به کوفه ای انتقال میدهد که حداقل 1500 کیلومتر دورتر از قلب جهان اسلام است؟
آیا 1400 سال پیش اهالی مدینه شهرهای با فاصله 1500 کیلومتری را میشناخته اند؟ اگر علی در کوفه حکومت اسلامی تشکیل داده و معاویه پسر ابوسفیان در شام ، لشکر کشی های اینان با چه وسایل و امکاناتی صورت میگرفته و اصولا چرا باید دو حاکم در 14 قرن پیش در فاصله 1000 کیلومتری مشکلی با هم داشته باشند ؟
یادداشت اخیر مثل قبلیها کوبنده و مستدل و روشنگر بود ؛ خداوند حامی و حافظ شما باشد.

نویسنده: علیرضا

جمعه 18 بهمن1387 ساعت: 11:50

استاد
نمیتونیم اینطور بیان کنیم که مردم این منطقه قبلاً مسیحی بودند و بعداً به اسلام گرایش پیدا کردند؟

نویسنده: علیرضا

جمعه 18 بهمن1387 ساعت: 12:48

شجره نامه پیامبران؟؟؟؟

http://imagefruity.com/images/czywb26avrdseb1gqj92.jpg

نویسنده: یک بنیان اندیش

جمعه 18 بهمن1387 ساعت: 13:27

سلام استاد
چند سوال :
1) اصلا لغت ایاصوفیه چه معنایی دارد؟
2) راست است که ایاصوفیه قبله ی ارتودوکس هاست؟
3) در مورد تابوت های پادشاهان و سرداران رومی فکر کنم باید تابوت اسکندر را هم اضافه کرد. ظاهرا رومیانی که سرسپرده به هلنیسم بودند دارائی های هلنی خود را از گزند مسیحیان به ترکیه کنونی آورده اند که تابوت اسکندر هم جزیی از آن بوده.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 18 بهمن1387 ساعت: 15:36

آقای بنیان اندیش. برای نام آن هم داستان خود را ساخته اند و البته مانند همیشه و بدون ارائه ی هرگونه دلیلی می فرمایند: در آغاز نام آن "مگا سوفیا"، یعنی دانایی بزرگ سپس "تئا سوفیا" به معنای دانایی الهی، بعد هم "آگیا سوفیا" به معنای حکمت مقدس بوده است و بالاخره ترکان نام آن را به ایاصوفیا که هنوز برای آن معنا صادر نشده تبدیل کرده اند!!! البته این داستان با تکمله ای هم رنگ و روغن می خورد که کلیسای اصلی بارها به کلی سوخته و تجدید بنا شده است، زیرا بدون این تکمله هر بیننده ی آگاهی با یک نظر در می یافت که چه قادر تازه ساز است!!؟ در باب دیگر سئوال ها هم حوصله کنید مطالب بس شنیدنی خواهد بود، اگر خدا بخواهد.

آقای علی رضا. البته آن شجره نامه توراتی است. در باب ترکیه هم باید مثل همیشه حوصله کنید.

آقای یک مسلمان. آن داستان ها در باب سلجوقیان و پیدا شدن عثمان و عثمانیان در ترکیه ی امروز یک پول سیاه هم نمی ارزد. هیچ نامی که در تواریخ متنوع اسلامی ذکر می شود، به جز نام پیامبر که در قرآن آمده، مستند تاریخی ندارد. اگر خداوند اجازه و عمر دهد و زمانه بگذارد، سرانجام مغز و ماهیت قضایا برملا خواهد شد. کمی حوصله کنید.

آقای خرمی. مطلبی را که می پرسید شامل تمام آثار ایرانی جمع شده در موزه های جهان است. اگر از اشیا' متعلق به مردم ماقبل یورش پوریم بگذریم، دیگر نمونه های نمایشی با مارک ایرانی در این موزه ها بدون استثنا قلابی است. مثلا باید از گردانندگان موزه ی لوور پرسید آن سرستون های مشکی کوه آسای مثلا هخامنشی را، که کم ترین اثر مرمت ندارد، از کجا برداشته اند؟ اگر روی زمین بوده پس خود حکایت ناتمامی بناست، زیرا اگر سرستونی به آن حجم از فراز ستونی افتاده باشد، دیگر چیزی برای عرضه به دیدار کنندگان موزه از آن باقی نمی ماند!!؟

نویسنده: نمی دونم

جمعه 18 بهمن1387 ساعت: 22:35

اون از مارک پپسی، اونم از آرم دهمین سالگرد رحلت امام. اینم از کوکاکولا.

http://armangara.blogfa.com/post-52.aspx

گویا آبی را که می خوریم و هوایی را که تنفس میکنیم هم ...

نویسنده: درویش

شنبه 19 بهمن1387 ساعت: 7:43

سلام استاد . انشاالله که حال شما خوب است . استاد چندی است مطلبی ذهن مرا مشغول کرده است می خواستم توسط ایمیل با شما در میان بگذارم اما آن لینک پست الکترونیک در زیر عکس شما ، مسیری را باز می کند که من نتوانستم

کاری بکنم . ظاهرا اوت لوک باز می شود و اطلاعاتی از آی پی می خواهد و غیره که من این اطلاعات را ندارم . اگر آدرس سر راستی دارید لطف کنید تا بتوانم با شما تماس بگیرم متشکرم . موفق باشید

نویسنده: آنوسی

شنبه 19 بهمن1387 ساعت: 7:14

آقای نمی دونم. صبح بخیر !!!
مثل اینکه جنابعالی دیر خبردار شده اید. این موضوع بیش از 2 سال است که مطرح است حال سوال اینجاست که چرا شرکت مذبور در کشور فوق اسلامی ایران پروانه و مجوز ساخت دارد و روز به روز بر دامنه فعالیت آن افزوده می شود ؟؟؟؟؟؟؟؟؟

نویسنده: رهگذر

شنبه 19 بهمن1387 ساعت: 10:46

استاد خسته نباشید همیشه مطالبتونو می خونم و گهگاهی برای سوال مزاحم میشم. بالاخره این شاهان صفوی وجود خارجی دارند یا نه؟ مطالب شما طوریه که گاهی موجودیت شاه عباس و شاه اسماعیل و بقیه صفویان رو دروغ اعلام می کنه و گاهی به وجودشون معترفه ولی جزو عوامل غربی میدونه. کلا حکومتی بنام صفویان(حالا ترک یا غربی یا فارس)وجود خارجی داره یا نه؟

نویسنده: حسین محمدی

شنبه 19 بهمن1387 ساعت: 14:18

http://www.jahannews.com/fa/pages/?cid=41853

نویسنده: تحریف قرآن به يكي از زبان هاي افغاني ! ف

شنبه 19 بهمن1387 ساعت: 14:54

http://www.tabnak.ir/pages/?cid=35874

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 19 بهمن1387 ساعت: 15:31

آقای رهگذر. یادداشت های ایران شناسی بدون دروغ، از شماره 105 تا 120 را دوباره بخوانید.

آقای درویش. به آدرس مستقیم pirna44@yahoo.com رجوع کنید.

نویسنده: مارلیک

یکشنبه 20 بهمن1387 ساعت: 1:54

سلام

شمعدان هفت شاخه یهود (آرم سالگرد ارتحال امام) در میدان یکی از شهرها

http://irapic.com/view/Image547.jpg.html

اونایی که در گوشی !!!!! همه چیزو می دونن حالشو ببرن!!

نویسنده: مارلیک

یکشنبه 20 بهمن1387 ساعت: 1:56

دوستان اگر فیلتر شکن سراغ دارند ما را هم از این نعمت!! برخوردار کنند. ممنون

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 198

ایران شناسی بدون دروغ، 198، نتیجه، 6، با نگاهی به رم - 68 نظر

نویسنده: عبور

چهارشنبه 23 بهمن 1387 ساعت: 18:50

با بار امانتی بر دوش خود را میان قطعات پراکنده, متناقض و در هم گفته ها و نوشته ها می یابم
می دانم بایستی با تامل، با صبر و شکیبایی آنها را با هم مقایسه و جفت و جور کنم اما می توانم؟
می توانم راست را از دروغ تمییز دهم و با کنار هم قرار دادن حقایق از بند جهل و ظلم رهایی یابم؟ ـ نمی دانم
نمی دانم می توانم روزی این امانت مقدس را صحیح و سالم به دست صاحبش بازگردانم یا نه

و همچنان میان آسمان، زمین و کوه ها با جهل و ظلم دست به گریبان خواهم بود یا نه
باید بود و دید
باید بود و دید

*******فراخوان*******

گروه اینترنتی ۴پازل در نظر دارد
ـ با جمع آوری بهترین و مطرح ترین مطالب عنوان شده پیرامون موضوعی خاص در گروه های زیر مجموعه ی خود و
ـ نقد و بازنگری آنها
به نتیجه گیری و تصویر واضح تری از واقعیت و هرآنچه هست و بوده برسد

از عزیزانی که حاضراند حداقل هفته ایی دو سه ساعت برای رسیدن به این اهداف ما را همراهی کنند دعوت می شود در این گروه عضو شده و برنامه هایش را دنبال کنند

http://groups.google.com/group/4puzzle?hl=fa

وب سایت

نویسنده: ایمان

چهارشنبه 23 بهمن1387 ساعت: 19:45

سلام:
این لینک :
http://www.shahabnews.com/vdcjxmev.uqevozsffu.html

و این لینک:

http://www.shahabnews.com/vdchi-nz.23nz6dftt2.html

نویسنده: یک بنیان اندیش

چهارشنبه 23 بهمن1387 ساعت: 20:30

سلام استاد
بی تعارف در برابر این ریزبینی هایتان سر تعظیم فرود می آورم .
چند مطلب :

1) پس با این تفاصیل آن داستان ها در مورد روم شرقی و غربی و اینکه امپراطوری هوس کرده بود مملکتش میان فرزندانش تقسیم کند و ... کشک است و اصولا روم زمانی متلاشی می شود که مسیحیت بر او غلبه می کند و روم شرقی زمانی تشکیل می شود که هلنیست ها بار و بنه خود جمع کرده و به شرق می آیند . اما سوال اینجاست که مگر جدای از ترکیه ی طوفان زده ، سوریه و لبنان و فلسطین و اردن هم فاقد سکنه بوده که رومیان آنها را نیز قبضه کرده اند ؟

2) اگر امکان دارد در حاشیه های بعدی مقالات آتی از تقسیمات مسیحیت به دو کلیسای یونانی و رومی و مذاهب کاتولیک و ارتودوکس هم بگوئید . چون ظاهرا مسیحیت حاکم بر روم ، کلیسای رومی و کاتولیک است ، و هلنیست های گریخته به شرق که ظاهرا بعدها مسیحی شده اند ، وابسته به کلیسای یونانی و ارتودوکس شده اند !!!

3) من عکس هائی از یک معبد هلنی در سیسیل پیدا کرده ام . آیا حساب سیسیل از ایتالیای مسیحی شده که شما می فرمائید در آن هیچ معبد هلنی وجود ندارد سواست ؟

پایدار و موفق باشید .

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 23 بهمن1387 ساعت: 21:57

آقای حسینی. تآتری است که برای دهمین بار به دیدن آن دعوت می شویم. لااقل هنرپیشه ها را عوض نمی کنند.

آقای بنیان اندیش. قرن هاست که ایتالیا در قبضه ی کلیساست و اثری از امپراتوری کهن رومن در آن نمی بینیم. پس رومن ها یا باید مسیحی شده باشند و یا از وحشت انتقام جویی کشیشان به بیرون از ایتالیا بروند. آن گاه صحنه ی دوم خط ممتدی از سرزمین هایی را به ما نشان می دهد که در کنار آثار سلوکیه معابد و معماری هلنیستی روییده است. جدای از این تصویر منطقی در باب دو حصه شدن امپراتوری روم هر روایت دیگری اعتبار اسنادی ندارد. علاقمندم آن تصویر از معبد هلنی سیسیل را ببینم لطفا لینک آن را ارسال کنید. ضمن این که معابد هلنیستی باید در میان شهر رم باشد نه در سیسیل.

آقای عبور. مبهمات را طرح کنید تا هضم این مسائل بغرنج آسان تر شده باشد.

نویسنده: عابدی

چهارشنبه 23 بهمن1387 ساعت: 22:46

با سلام

استاد فرزانه ممنونم . در متن ایران شناسی بدون دروغ،104 يك جا از شماره ي 3 به 5 شماره خرده است. آيا اشتباه تايپي است ؟!

نویسنده: عابدی

چهارشنبه 23 بهمن1387 ساعت: 22:47

آقاي ؟ سال نو هم رسيد از شما خبري نرسيد. ان شاء الله كه سلامتيد.

نویسنده: یک بنیان اندیش

پنجشنبه 24 بهمن1387 ساعت: 0:40

سلام استاد
حسب الامرتان تصاویر معابد موجود در Sicily تقدیم می گردد (فکر کنم سه معبد باشند) :

http://community.iexplore.com/photos/journal_photos/P10102953_prefRes.jpg

http://community.iexplore.com/photos/journal_photos/P10102903(3)_prefRes.jpg

http://farm1.static.flickr.com/176/490528480_6be9126410_o.jpg

http://www.happytours.eu/images/destinations/sicily.jpg

ضمنا اگر عبارت زیر در جستجوی تصویری گوگل نوشته و جستجو شود ، تصاویر بیشتری نیز به دست خواهد آمد :

attractions sicily

نویسنده: ارمان

پنجشنبه 24 بهمن1387 ساعت: 1:44

آقای پور پیرار این دومین بار درخواست من است لطفا مقالات شما را راجع به صفویه از کجا میتوانم بگیرم آدزس ویا تاریخ آنها را در وبلاگ برایم بگذارید

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 24 بهمن1387 ساعت: 2:32

آقای آرمان. قبلا هم پاسخ شما را گذارده ام. تمام يادداشت های ایران شناسی بدون دروغ و بهه خصوص از شماره ی 105 به بعد مربوط به صفویه است.

آقای بنیان اندیش. تنها یک گزینه وجود دارد: احتمالا بخشی از هلنیست ها، با در اختیار گرفتن نیروی دریایی امپراتوری، سیسیل را هم چون ترکیه و بین النهرین سنگر خود کرده باشند. وجود این معابد کلاسیک هلنی در جزیره ی نسبتا کوچکی چون سیسیل بر این سئوال قوت بیش تری می بخشد که پس چرا در شهر رم معبد هلنیستی نیست؟! ضمنا آخرین لینک ارسالی به شدت آلوده بود و احتیاطا حذف کردم.

آقای عابدی. منظورتان این است که یادداشت 104 نیست؟!

آقای توحید. ممنون از یادآوری شما.

نویسنده: محمود بجانی

پنجشنبه 24 بهمن1387 ساعت: 9:54

جناب آقای اتفاق - با خواندن مقالات شما در خصوص طاق بستان ، شکهایی که داشتم تقریبا بدل به یقین می شوند . چون زمانی که در دوران دانشجویی به اتفاق همکلاسی هایم در پشت آن نگاره های شاپوری عکس می انداختم با اینکه دون کیشوت را همزمان می خواندم ولی نمی توانستم بین شوالیه ها و نگاره های شاپوری مقایسه کنم زیرا جرات این شک را نداشتم . خداوند به شما عمر با عزت و دراز و توام با سلامتی دهد .
اندکی گامهای تردیدم را زدودید بی تعارف .

نویسنده: عبور

پنجشنبه 24 بهمن1387 ساعت: 10:0

استاد
روزگاری که آدمی به معدود اشخاص و معدود کتاب هایی دسترسی داشت و آنها افق دیداش را تعیین و محدود می کردن گذشته.
در این عصر جدید با ارتباطات جدیداش هرکس می تواند به سهولت تمامی گفته ها و نوشته های مطرح شده پیرامون موضوعی خاص را کنار هم قرار داده و با تامل در آنها و سبک سنگین کردنشان به برداشتی درست از واقعیت دست پیدا بکند.
شما با نوشته ها و سخنرانی هایتان نشان دادید پیش گام و جزء نخست زادگان این دوران اید .
استاد محققان نسل جدیدی از گوشه و کنار دنیا درحال بلند کردن سر هایشان اند
محققانی که الفبای تحقیق را از شما یاد گرفته اند.

۴ موضوع و مسئله ی کلی و مهمی که قرار است رفته رفته در گروه ۴ پازل مطرح شده و روی آنها کار شود همان مسایلی است که دریچه ایی تازه و روشنی بخش به روی آنها باز کرده اید
ـ پی بردن به گذشته و تاریخ (در این زمینه بسیاری از مسایل توسط شما روشن شده و گروه پوریم اولین زیر مجموعه پازل به را افتاده)
ـ اعتقاد و زدودن خرافات پیرامون دین (که در کتاب اسلام و شمشیر بدان پرداخته اید)
ـ قرآن (به قول خود شما گویی این کتاب مقدس را سر و ته گرفته ایم. نکاتی که در اسلام و شمشیر مطرح کرده اید روشنی بخش این مسیر خواهد بود)
ـ جامعه و زندگی مسالمت آمیز آدمیان کنار هم (به این موضوع هم اگرچه کمتر از دیگر مسایل پرداخته اید اما همان چند مقاله ی دیدار از اندونزی حاولی مطالب مفیدی از جامعه ایی انسانی است. با استخراج نکات و دستورات الهی از قرآن در این زمینه و پیدا کردن الگویی مناسب و پیاده کردن درست آنها امیدواریم قدم های مفیدی هم در این زمینه برداریم)
البته این موضوعات و مسایل چندی دیگر هم خود به موضوعات کوچک و بزرگ دیگری تقسیم می شوند

وب سایت

نویسنده: عبور

پنجشنبه 24 بهمن1387 ساعت: 10:6

با سلام خدمت جناب عابدی

در متن ۱۰۴ یادداشت های ایران شناسی بعد از شماره ۲ در خط دوم به اشتباه عدد ۴ ذکر شده و بعد در پاراگراف بعد عدد ۳ و بعد از آن ۵

نویسنده: یک بنیان اندیش

پنجشنبه 24 بهمن1387 ساعت: 10:19

سلام استاد
مطلب عجیب دیگری هم در تاریخ مسیحیت وجود دارد و آن این است که حسب نامه های حواریون مسیح ، علی رغم آنکه هم مسیح و هم آنان ، آسیائی و خاورمیانه ای بوده اند ، می بینیم از همان ابتدا ، مسیحیت برای اروپا و یونان و روم تیز کرده است و مثلا در میان نامه ها و تبلیغات حواریون نمی بینیم هوس کرده باشند به حجاز بروند یا به میان کلنی های یونانی ساکن در ایران یا مقدونی ساکن در شرق میانه بیایند ! از همان ب بسم الله غرب را هدف گرفته بودند و سرانجام هم پیروز شدند ! آیا این مطلب دربردارنده ی نکته ای نیست ؟ و اصولا توجیه این مطلب چیست ؟

نویسنده: عبور

پنجشنبه 24 بهمن1387 ساعت: 10:41

و یک اشتباه چاپی دیگر هم در مدخلی بر ایران شناسی بی دروغ و بی نقاب، ۸۳ انتهای پاراگراف اول در جمله ی:
کتاب استر علت نخستین اقدام، یعنی تصمیم به قتل عام یهودیان را، به کاریکاتور انتقام فردی هامان، آن هم به بهانه ی سخیف تعظیم نکردن دانیال تبدیل کرده است!!!
وجود دارد که بایستی به جای دانیال مردخای ذکر می شد

جناب عابدی ممنون می شویم این اشتباه را هم برطرف کنید

وب سایت

نویسنده: برای آرمان

پنجشنبه 24 بهمن1387 ساعت: 10:51

http://naria5.blogfa.com/page/fehrest.aspx

نویسنده: مسعود

پنجشنبه 24 بهمن1387 ساعت: 11:29

استاد گرامی خداقوت و وقتتان بخیر.

این یادداشت در روشن شدن تاریخ رومن های موسس اروپا و جهان متمدن کهن فوق العاده روشنگر است!

لطفا" این چند تصویر از بناهای رومی قدیم را که حسب فرمایش شما مربوط میشود به رومیان رانده شده از روم بدست کلیسا و در سرزمین موسوم به "تونس" را که در شمال آفریقا واقع است ملاحظه بفرمایید :

http://kathryndarrow.files.wordpress.com/2008/08/img_0532.jpg

http://kathryndarrow.files.wordpress.com/2008/08/img_0575.jpg

http://image09.webshots.com/9/5/45/47/116754547kzTrpw_fs.jpg

اینهم نقشه دریای مدیترانه که موقعیت ایتالیای امروز و جزیره سیسیل و تنگه حدودا" 150 کیلومتری مابین سیسیل تا سواحل تونس را بخوبی نشان میدهد که خط سیر رومیان هلنیست را به شمال آفریقا مجسم میکند :

http://www.lib.utexas.edu/maps/europe/mediterranean_rel82.jpg

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 24 بهمن1387 ساعت: 14:43

اقای عابدی و آقای عبور. آن کلمه و اعداد درست شد. ممنون.

آقای بنیان اندیش. در حوالی همان مطلب به مقدمه ی کتاب هخامنشیان رجوع کنید.

آقای عبور. کار دشوار و خسته کننده ای در پیش دارید. اصل این است که سرد و مایوس نشوید. بیان حقیقت برای خردمند یک نیاز است و نه ابزار تفاخر و برجستگی در میان جمع.

نویسنده: احسان

پنجشنبه 24 بهمن1387 ساعت: 14:49

با سلام
استاد دو سوال دارم :

نام هامان که در قرآن آمده به چه کسي اشاره دارد ؟ آيا قرآن يهوديان را در دشمني با هامان و ماجرای فوريم بر حق ميداند ؟

اگر پس از خشايارشا ساخت و سازي در تخت جمشيد انجام نگرفته و بناهايي که تا زمان او ساخته شده به همان تچر و هديش محدود ميشود ، پس بقيه ي قسمتها در چه زماني و به دست چه کسي ساخته شده است ؟

با تشکّر

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 24 بهمن1387 ساعت: 17:59

آقای احسان. هامان ذکر شده در قرآن مربوط به دوران ظهور دین یهود است و هامان مربوط به تاریخ هخامنشیان لااقل هزار سال با آن دیگری فاصله ی زمانی دارد و نمی توان به شخص واحدی مرتبط کرد. ضمنا تمام پانل های ساختمانی در تخت جمشید به طور همزمان اجرا می شده و قسمت قبلی و بعدی مشخصی ندارد. فقط بر مبنای پیشرفت کار می توان تقدم و تاخر آن ها نسبت به یکدیگر، آن هم فقط با فاصله هایی قریب چند سال تعیین کرد.

نویسنده: عبور

پنجشنبه 24 بهمن1387 ساعت: 21:8

استاد
سعی می کنم این چند نکته را همیشه آویزه گوش داشته باشم

آقای احسان
اگر اشتباه نکنم سوال شما برخواسته از مقاله ایی است به قلم امیر حسین خنجی
یک بار دیگر با دقت بیشتر مقاله را بخوانید تا متوجه شوید افسانه و قصه های به هم بافته ایی بدون سند و مدرک است
و راجع به اومستد که جناب خنجی به او استناد می کند می توانید اطلاعاتی هرچند اندک در این سایت کسب کنید
http://www.al-shia.org/html/far/4khavar/moarefy/omestd.htm
«وی فارغ التحصیل مدرسه مطالعات شرقی آمریکایی در اورشلیم بوده»
در این آدرس هم می توانید گلچینی از مطالب نوشته شده پیرامون داریوش را از منابع مختلف ببینید
http://laodise.blogfa.com/post-23.aspx
جالب اینجاست که در شماره ۶ همین آقای اومستد محل و تاریخ دقیق کشته شدن گیومات را اعلام می کند: در دژ« سکیؤوتش» در دهیوی نسای ماد در 29 سپتامبر 522 ق.م
به احتمال زیاد نقدی هم به زودی بر مقاله ی خنجی نوشته خواهد شد

وب سایت

نویسنده: عبور

پنجشنبه 24 بهمن1387 ساعت: 21:13

حیف ام آمد این گفته ی اومستد را هم اینجا نیاورم

اومستد در صفحه 88 تاريخ شاهنشاهي هخامنشي، درباره‌ی جامه‌ی پرشکوه پارسیِ می نویسد: «شاه در جامه‌ی شاهانه‌ی بلند دامن‌کشان، که چین‌دار میان پاهایش آویخته بود، با موزه‌ی شاهانه به پا، و چوبدستی شاهانه به دست، در حالی که از کاخ برای گردش در پردیز بیرون می‌رفت دیده می‌شد. ابروان و مژگان‌هایش، تا چین‌ها و گل‌های جامه‌اش، زمانی زرنشان بوده. پشت سر شاه بنده‌ی کوچکتری با لباس فراخورش می‌رفت که بی‌گمان آفتابگیری را که از روزگار سارگون

(یکی از شاهان آشوری) فقط برای پادشاه به کار می‌رفت روی سر شاه نگاه داشته بود.»
داریوش کتیبه بیستون را در این جامه و با آن آرایش در نظر بگیرید
خنده دار است

وب سایت

نویسنده: ایلماز

پنجشنبه 24 بهمن1387 ساعت: 23:5

با سلام
استاد به نظرتان بهتر نیست که عکس ها را درک سایت دیگر آپلود کنید!در منطقه ما که کمتر از این مشکلات پیش می آمد هم عکس ها دیده نمیشود!!

نویسنده: عابدی

جمعه 25 بهمن1387 ساعت: 12:12

با سلام

ضمن تشکر از آقای عبور . استاد پورپیرار به شماره ی 118 نیز نگاهی بیاندازید. به پاراگراف دوم. گویا متن جابجا شده است.

دوستان اگر اشتباهات این چنینی را مشاهده کردند لطفا ذکر کنند تا ویرایش شوند.

ضمنا تصاویر تا چند روز دیگر در سایت نصب خواهند شد.

نویسنده: اترش

جمعه 25 بهمن1387 ساعت: 12:35

ماهواره امید از کشف یک امامزاده بین زحل و مریخ خبر داد!

نویسنده: توحید

جمعه 25 بهمن1387 ساعت: 13:5

با سلام و عرض خسته نباشید

استاد پورپيرار ، تلاشهاي شما براي بيان حقيقت و دفاع از حق ستودنيست ، حقيقتا كه زيبا تر از جلوه حقيقت در عالم وجود ندارد و مطالب شما جلا دهنده روح هاي طالب حقيقت است . مي دانم كه اساتيد جعل و دروغ كه عمري را به دروغگويي و خيانت گذارده اند با ديدن موفقيت شما در دست يابي به حقيقت و گشودن مدخلهاي نو در تاريخ جهان انگشت حسرت بدهن مي گزند و خود مي دانند كه در آينده اي نزديك تاريخ و نسل نو از آنها به عنوان خائنيني كه خود را ارزان به عمال كنيسه و كليسا فروخته اند ياد خواهد كرد و نصيبي جز نعل و نفرين آيندگان نخواهند داشت ، در عوض دنيا تا ابد از شما به نيكي ياد خواهد برد .
حقيقت اين است كه دل من از آنها به شدت خون است كه اينقدر دروغ تحويل ما داده اند و ما را گمراه كرده اند پس اجازه مي خواهم با ذكر نام چند تن از آنان مراتب اعتراض خود را اعلام كنم .
كساني چون زرينكوبها و ورجاوند ها و پيرنيا ها و دشتي ها و خنجي ها و رجبي ها و ... و دهها نام ديگر كه بايد به اين ليست افزود . به نظر من اين افراد علارغم تعذيب الهي در يوم الحساب بايد در اين دنيا محاكمه شوند و بايد ليستي از اينگونه افراد خائن تهيه كرد براي محاكمه توسط ملت ، كه بر چه اساسي اينقدر بيشرمانه و لجام گسيخته تاريخ را با جعل و دروغ لجن مال كرده اند و به اسلام تاخته اند و حتي باعث بروز صدها جنگ خونين شده اند ؟
به اميد آنروز .

نویسنده: توحید

جمعه 25 بهمن1387 ساعت: 13:9

سوالي هم از حضورتان داشتم . به نظر شما چرا كليسا سعي در مخفي كردن اين امر كه امپراطوري روم شرقي در قرن 4 به مسيحيت نگراييد بلكه هنوز هلنيست بوده اند داشته است ؟ آيا چه سودي از اين كار مي برده اند ؟
به نظر من كه يك دليل آن مي تواند معرفي تمدن ساساني در جنگ با روم به جاي هلنيستها و خبر آن در قرآن باشد تا تشكيكي در خالي از جمعيت بودن ايران در لحظه ظهور پيغمبر اسلام نباشد و ساسانيان موجوديت پيدا كنند .

دلیل دیگر آن مي تواند نمایاندن این موضوع باشد که مسیحیت با ملایمت و مصالحه در جهان گسترش یافته است و مثلا کشیشان هیچ انتقام کشي و جنگي با هلنیستها نداشته اند بلکه امپراطور کنستانتین داوطلبانه و با مشاهده صلیب مقدس زرین در آسمان ناگهان به مسیح ایمان آورده است و هیچ خونریزي در این امر رخ نداده است هر چند تا قرن هفتم هم هیچ نمایه اي به عنوان صلیب در جهان مسیحیت رسمیت نداشته باشد .
آخر از آن طرف شاهد هستیم که برعکس براي مسلمانان ، تاریخي نوشته اند که جز شمشیر کشي و خونریزي در آن وجود ندارد . الله اعلم

نویسنده: توحید

جمعه 25 بهمن1387 ساعت: 13:21

آقای عبور - با سلام

می شود لینک مقاله خنجی را در همین کامنتوری درج کنید ؟

موضوع مقاله چیست ؟

نویسنده: مدیر تور

جمعه 25 بهمن1387 ساعت: 17:12

تور ویژه زیارت امامزاده بین مریخ و زحل
یک هفته با امکانات عالی در هتل شونصد ستاره بین سیاره ای.
فقط 2 میلیون دلار!
بشتابید!
به دلیل محدودیت جا اولویت با افرادی است که زودتر ثبت نام کرده و پول را واریز کنند.
شنبه ها هنگام غروب به افق اورشلیم: قرائت دسته جمعی زیارت نامه آن امامزاده.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 25 بهمن1387 ساعت: 18:45

آقای عابدی. به آن یادداشت سرکشی کردم اشکال چشم گیری ندیدم ولی با این همه در برخی از جملات تغییراتی دادم که انتقال مطلب آسان تر شود.

آقای توحید. ممنونم و بدانید جز بنده خدایی نیستم که کتمان حقیقتی را که گمان می کنم دریافته ام، کمک به جبهه ی کفر و شرک می دانم. یقین بدانید تا زمان هجوم متحدانه ی کارگزاران کنیسه و کلیسا به جهان در پانصد سال پیش، کلیسا نتوانسته است مردم دهی را به مسیحیت بخواند. چنان که هلنیسم رومی و یونانی تا همین چند سده پیش، که توطئه ی بزرگ ایجاد تفرقه در دین اسلام را چیدند، زنده بود و در مقابل مسیحیت می ایستاد. گسترش صلیب در جهان بدین طریق صورت گرفته است که بومیان آفریقا و آمریکا یا باید صلیب را می بوسیدند و یا شلیک به سرشان را تحمل می کردند. با این همه امیدوارم به خواست خداوند یادداشت های آتی به روشن تر شدن مطلب کمک بیش تری کند.

آقای خرمی. یاوه می بافند و از خواندن دوباره ی یادداشت داش اسمال کف به لب آورده اند. من اهل خود ستایی نیستم ولی نه در قلمرو ادبیات، اعم از شعر و داستان، نه در تحقیقات ادبی، نه در بررسی های هنری و معماری، نه در تحقیقات تاریخی، نه در عکاسی و رنگ شناسی و نه حتی در نقد فیلم، به قوزک پای من هم نمی رسند. اگر مخالف اند پس کارهای خود را با آثار من مقایسه کنند. این خود ستایی غیر معمول را از آن روی آوردم که با آنان زبان دیگری کارساز نیست.

نویسنده: عبور

جمعه 25 بهمن1387 ساعت: 20:51

سلام جناب توحید

موضوع این مقاله خنجی پوریم (فوریم) است
این آدرس مستقیم این مقاله
http://irantarikh.com/tarikh/iranzamin14.pdf
این هم کتابخانه ایی اینترنتی از چند کتاب و مقاله ایشان
http://www.abdelaha.blogfa.com/post-26.aspx

نقدی کوتاه هم داغ داغ بر مقاله ایشان در آدرس زیر موجود است
#http://groups.google.com/group/purim/browse_thread/thread/1f1689b36810a9c9?hl=fa

وب سایت

نویسنده: اتفاق

جمعه 25 بهمن1387 ساعت: 21:43

با سلام خدمت همگی

از میان دوستان اگر کسی نسخهٔ الکترونیکی کتاب « تولدی دیگر » آقای شجاع الدین شفاء را در اختیار دارد ، منت نهاده و آنرا برای حقیر ایمیل کند .
در جستجوهای اینترنتی هرچه سایت و لینک یافتم ، یا ابتر بودند یا فیلتر شده بودند .

Nounvalghalam@Gmail.Com

وب سایت

نویسنده: یه نفر

شنبه 26 بهمن1387 ساعت: 1:25

سلام
ساختگی؟
http://www.tabnak.ir/files/fa/news/1387/11/15/23665_585.jpg
http://www.tabnak.ir/files/fa/news/1387/11/15/23668_350.jpg

نویسنده: داریوش

شنبه 26 بهمن1387 ساعت: 1:29

باسلام.سوال\کتابهای استادراکجامیتوان پیداکرد؟
استادپورپیرارکجاساکن هستندتهران؟ میتوان ایشان راازنزدیک زیارت کرد؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 26 بهمن1387 ساعت: 2:41

آقای داریوش. به تلفن 66492049 تماس بگیرید.

آقای یه نفر. هر دو سخت قلابی بودند.

آقای مارلیک. ممنون.

آقای درویش. از فیلتر شکن استفاه کنید.

آقای بنیان اندیش. این چه کلیسایی است که ستون های بیرون از محوطه دارد! بنا یک ییلاق اشراف نشین بسیار خوش استیل و در سوریه است.

نویسنده: درویش

شنبه 26 بهمن1387 ساعت: 7:38

سلام استاد . عکسهای مطالب پست 197 و 198 باز نمی شوند راهنمایی بفرمایید چکار کنیم . خواستم جداگانه آنها را بگیرم که پیغام معمول (دسترسی به این سایت امکانپذیر نیست) را می دهد .

نویسنده: بابک

شنبه 26 بهمن1387 ساعت: 9:30

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت استاد روشنگر و دوستان طالب حقیقت
جناب داریوش
کتابهای استاد در کتابفروشی نیل واقع در خیابان انقلاب روبروی دانشگاه تهران موجود میباشد. در ضمن احساس میکنم من شما را می شناسم. شما کارمند شرکت نفت هستید؟

نویسنده: یک بنیان اندیش

شنبه 26 بهمن1387 ساعت: 11:14

سلام استاد
کلیسا می گوید تصویر زیر ، تصویر کلیسای شمعون در حلب سوریه است . با روشنگری های حضرت عالی ، باید در قول آنها تردید اساسی کرد و عمارت زیر را احتمالا عمارت یا معبدی هلنی دانست :
http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%BE%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%D9%87:Column_of_Simeon_Syria.jpg

مطلب دیگر جنگ های صلیبی است که بنا به داده های شما ، احتمالا تیغه آن نه طرف مسلمانان ، بلکه بسوی همین هلنیست های به شرق آمده باشد .

نویسنده: آمون

شنبه 26 بهمن1387 ساعت: 11:19

آمون خدای خدایان در خدمت فیلترشدگان!!!!
کسانی که با تصاویر فیلتر شده وبلاگ مشکل دارند می توانند انحصارا مقالات 197 و 198 را در این وبلاگ بخوانند و تصاویر هم ان شا' الله که فیلتر نباشد!

amun.blogfa.com

نویسنده: بچه عجول

شنبه 26 بهمن1387 ساعت: 12:16

سلام. چرا در مورد بناهای تبریز مثل ارک علیشاه مطلبی نیاوردید

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

شنبه 26 بهمن1387 ساعت: 13:9

با سلام.
آقای پورپیرار موضوع وبلاگ آنمون چیه؟ قسمتی از ناریاست؟ چونکه نظرات آن هم دقیقا کپی شده است. اگر تکنیک خاصی دارد به ما هم بگویید. در کل جالب بود.

وب سایت

نویسنده: !!

شنبه 26 بهمن1387 ساعت: 13:10

جناب آمون متاسفانه عکس ها لود نمی شود!!!

نویسنده: بابا فیلتر

شنبه 26 بهمن1387 ساعت: 13:50

دوستان تحویل بگیرند:
http://www.lolwatsurf.com/
http://brownhat.info/
http://daddythat.info/
http://www.mustsee.info/
http://fullofmeat.info/

/http://www.sslme.info
/http://www.willingly.info

نويسنده: مسعود

شنبه 26 بهمن1387 ساعت: 13:53

سلام آقاي پورپيرار

بنده اهل كردستانم طبيعيست هر كسي ملت خود را دوست بدارد اما خوشبختانه ملت ما در مورد نژاد و يا دين زياد متعصبانه برخورد ننموده است
ولي در خاورميانه هميشه زير دست و مور ستم بوده و از هيچ گونه حقي برخوردار نبوده است عربها تركها فارسها به نام نژاد و دين چه جنايتها كه عليه ما مرتكب نشدند در عراق كرد و شيعه د رايران كردو سني در تركيه كرد كه در كل بي معناست خواستم بگويم جداي از مسايل انساني كه مهمتر از هر نژاد و ديني است آيا شما به مبارزات 100ساله ي اخير كردها در مورد احقاق حقوق حقه خود اعتماد داريد يا آن را مخالف مصلحت مملكت و يك نوع تجزيه طلبي ميدانيد و يا مثل بعضي ها ريشه ي انرا در آمريكا و اسراييل ميدانيد؟جمهوري كردستان د رمهاباد ،حلبچه ،انفال، ترحيل و تهجير ومهمتر از همه تعريب مناطق كركوك و خانقين و ..كه كردنشين بودند و توسط بعثي ها آواره شدند ،فاجعه وين و ميكونوس ،سركوب شورشهاي كردستان تركيه،محروميت بيش از 300000كرد سوريه از شناسنامه و...
ما كردها ،تمدنهاي هيتي ،اورارتو،ماننا،ماد ،لولوبي وحتي بعضي ها سومر را هم كرد ميدانند
اما مهم نيست كه چه قدر قديمي هستيم مهم رفتار امروز ماست كه ما كردها يك ضرب المثل داريم كه ميگويد (نان ئه و نانه سه وا ئيمرو ها له خوانا=يعني نان اون نانيست كه امروز در سر سفره است==)وما در عراق سالهاي 91 و 2003ثابت كرديم كه حساب يك نفر با يك ملت جداست شما حتما ميدانيد جان بيش از ده ها هزار نفر از سربازان عراقي توسط كردها محفوظ ماند و از هر گونه انتقام و گزندي بدور ماندند در كركوك يك نفر را به تلافي گذشته بيرون نراندند(به استثناي استخبارات سليمانيه) و ...واين افتخار است نه دروغهاي بي شاخ و برگ تاريخي
خواهشمند است نظر خود را بيان فرماييد و بدانيد آمريكا اگرچه به ما بيگانه است اما حضور آمريكا در منطقه از بي عرضگي و نالايق بودن دول اسلامي است كه ملتهاي تحت سلطه خود را در سركوب وخفقان نگه ميدارند بنابر اين ما اگر چه آمريكا را بيگانه ميدانيم ولي در اين شرايط كنوني ما حضور امريكا را بر تمامي دول منطقه ترجيح ميدهيم؟؟!!؟اين را هم بدانيد من تاكنون كه كتب شمارا مطالعه نموده ام با حداقل بيش از 80درصد مطالب آن موافق بوده ام در ضمن اگر امكان دارد تمامي كتابهايتان را در وبلاگ قرار دهيد تا همه ببينند

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 26 بهمن1387 ساعت: 14:51

آقای مسعود. بارها و به هر مناسبتی یاد آور شده ام که درخواست های قومی یک مقوله ی حقوقی کتمان ناپذیر است، استحکام آن ربطی به دیرینگی و درازای زمان ندارد و بدون شک اگر گروهی می توانند تعریفی از فرهنگ و سنن و زبان خود ارائه دهند، از هر زمان و به هر نحو که گرد هم آمده باشند، برابر تمام پروتکل های تمدن، حق زندگانی با ویژگی های بومی خود را دارند و البته نه با تصور برتری طلبانه و قوم پرستانه که در جمله ی نادرست و افاده فروش شما نیز ثبت شده بود:
"ما كردها ، تمدنهاي هيتي ، اورارتو، ماننا، ماد ، لولوبي و حتي بعضي ها سومر را هم كرد ميدانند".
آقای مسعود. اشکال کار درست از همین نقل از بعضی ها شروع می شود، یعنی ردیف کردن یک سری اسامی قومی که تماما تلقینی و تصوری است. کردان هم مثل اقوام دیگر تاریخ قدیم تر از حد اکثر سه قرن پیش ندارند همه ی ما مهاجرانی تازه از راه رسیده به این سرزمینیم مطلبی که با نگاهی دقیق به اطراف خود از صحت آن مطمئن می شویم و بار دیگر بگویم که دیرینگی تغییری در حقوق اجتماعی شناخته شده ی هیچ قوم و فرهنگی ندارد.
ضمنا این جمله ی شما: "ما حضور امريكا را بر تمامي دول منطقه ترجيح ميدهيم؟" نشان می دهد که برای حفظ امتیازات قومی خود تا چه حد آماده ی سرسپردن اید، با چه دست و دل بازی از کیسه ی دیگران خرج می کنید و نگاه تان به مسائل منطقه فقط از پشت شیشه و با عینک منافع کردستان انجام می شود!

نویسنده: آمون

شنبه 26 بهمن1387 ساعت: 16:2

با درود فراوان، اون عکس ها:
اولا از خود سایت yahoo دانلود می شن پس اگر مشکلی دارین باید نتونید به یاهوو هم سر بزنید!ثانیا:
اگر می تونید پس مشکل در بروزر شماست. شاید دانلود عکس ها رو بسته اید. پیشنهاد حرفه ای ها فایرفاکسه یا اوپرا. اینترنت اکسپلورر دیگه قدیمی شده.
در ضمن عکس های استاد بیت مپ بودند که حدود نیم مگ حجم دارند و گاه یک و بیش. یعنی زمان زیادی برای دانلود باید صرف بشه. من اونها رو به jpg تغییر فرمت دادم که زودتر هم دانلود بشه.
به نظر من دیگه هیچ کس نباید بگه که عکس ها دانلود نمیشن. برای ما مفهوم نیست(این جمله رو از منوچهر متکی یاد

گرفتم!)
اون نظرات هم به دلیل کپی پیست کردن جاوااسکریپت خود بلاگفاست و شما با کلیک روی اون صاف به همین بخش می رسید و نه بخش نظرات اون وبلاگ! کمی ظریف باشید متوجه میشید که بخش نظرات خود وبلاگ بسته است! اون لینک شما رو صاف میاره به همینجا! نه این که اونجا شعبه ای از اینجاست بلکه همه جا می تونند حداکثر افتخار کنند که به اینجا مربوط هستند!
خوب یه پست جدید زدم که هر چه می خواهد دل تنگت بگو. قابل توجه عقده ایهایی که فحش سینه شونو می ترکونه!فقط صد حیف که کسی به ... !
مشکلی بود همونجا مطرح کنید. اینجا رو که نمیشه با خونه خاله جون قاط زد!

نویسنده: مارلیک

شنبه 26 بهمن1387 ساعت: 18:41

سلام استاد

ساعت 12/30 عکسهایی گذاشته بودید با عنوان 190/1 که زیر هر عکس هم "دددددد" بود و بخش نظرات هم باز بود الان نیست قضیه چیه؟ عجیبه ها!!!!!

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 26 بهمن1387 ساعت: 19:49

آقای رحمانی. در سلامت آن سوژه تردید نکنید اما مواظب باشید که گرفتار نشوید!!؟ در باب سئوالتان نیز مطلب بسی دراز دامنه است و پاسخ به آن یا نیازمند دیدار حضوری است و یا باید اندک اندک و در فرصت های مناسب ارائه شود. زیر بنای مطلب آن که مهاجران پس از اسلام به ایران هر کدام به تجمعی وابسته بوده اند که بی شک در این یا آن زمینه توانایی هایی هم داشته اند و نیز به یاد داشته باشید که بسیاری از تفسیرهای موجود در این باب به وجه مسخره ای نادرست است.

آقای مارلیک. آن ها تدارکات تصویری یادداشت های آینده بود که اشتباها ثبت وقت نشده بود.

نویسنده: عبور

شنبه 26 بهمن1387 ساعت: 20:20

سلام

نرم افزار قرآن (ذکر) با امکانات جستجو و ترجمه
http://zekr.org/quran

وب سایت

نویسنده: اتفاق

شنبه 26 بهمن1387 ساعت: 22:43

دوستان محترم ، آقایان فرید و هادی
سلام علیکم

ایمیل های ارسالی شما بزرگواران ، حاوی کتاب « تولدی دیگر » ، تمام و کمال دریافت شد ؛ از مراحم و حسن توجهٔ تان ، خالصانه سپاسگزارم .

وب سایت

نویسنده: حسین محمدی

شنبه 26 بهمن1387 ساعت: 22:54

صفار:شخصيت‌هاي دوران صفويه فيلم مي‌شوند .
به گزارش فارس، محمد حسين صفارهرندي عصر امروز در ديدار با امام جمعه اردبيل افزود: به دليل اينكه تاريخ و زندگي شخصيت‌هاي دوران صفوي در تاريخ ملت ايران تاثيرگذار بوده است به همين منظور تلاش مي‌كنيم تا تاريخ و زندگي افراد

مهم و اثرگذار سياسي، علمي و فرهنگي دوران صفويه را در قالب فيلم تهيه كنيم.
وي اظهار داشت: اقدامات مثبت و سازنده خاندان صفويه در رسمي كردن مذهب تشيع و اهتمام جدي آنها به مسائل فرهنگي نشان مي‌دهد كه اين سرزمين نقش ارزشمندي در تاريخ ايران ايفا كرده است.
حجت‌الاسلام سيدحسن عاملي با بيان اينكه جريان جنگ چالدران بايد به هنري‌ترين شكل توسط صدا و سيما به تصوير كشيده شود، گفت: با به تصوير كشيده شدن خدمات ارزنده خاندان صفوي به ايران و اسلام هويت ملي ايران تقويت خواهد شد.
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=65205

١ ٢ >>

ایران شناسی بدون دروغ، 198، نتیجه، 6، با نگاهی به رم - 68 نظر

نویسنده: سامان کاروان

شنبه 26 بهمن1387 ساعت: 23:28

با سلام
آقای پورپیرار بنده مدتی است در باره کتیبه بیستون مطالعه می کنم ضمنا مطالب شما در این رابطه را نیز خواندم شما ادعا

می کنید زبان این کتیبه اسلاوی است بنده براین اساس لغات زیادی از کتیبه را بطور تصادفی انتخاب و معادل آنها را در زبان های اسلاوی کنونی مانند روسی اکراینی بلوروسی صربی کراوتی اسلوای چکی و چند زبان دیگر مقایسه کردم نتیجه غیر از آن بود که شما فرموده اید شاید به جز لغت بگ و دو سه لغت دیگر لغت مشابهی با این زبان ها یافت نشد !
اما در مقابل تقریبا تمام لغات شباهتهای و یا همان صورت های لغات زبان های ایرانی را دارند مانند کردی فارسی

نویسنده: سعید خسروی

یکشنبه 27 بهمن1387 ساعت: 0:28

امروز، برنامه پنگان شبکه چهار تلویزیون، گزارشی از مراسم رونمائی قدیمیترین دیوان حافظ مربوط به دوران معاصر خود حافظ را که اخیراً فردی فردوسی نام به یکباره و اتفاقی از کتابخانه دانشگاه آکسفورد پیدا کرده بود، پخش نمود. همسرم علیرغم اینکه لیسانس ادبیات فارسی دارد و طبیعتاً اندک تعصبی نیز به رشته تحصیلی خود، اما گاهاً با روشنگریهای آقای پورپیرار از طریق من نیز آشنائی دارد یکباره نگاهی بمن کرد و هر دو خنده مان گرفت.
حالا چطور شده این نسخه قدیمی همعصر حافظ بطور اتفاقی از پستوی کتابخانه ای در انگلیس پیدا شده بماند، آنکه جای تعجب دارد اینکه چرا این نسخه بعد از قرن ها، پس از افشاگری های چند سال اخیر آقای پورپیرار پیدا شده جای سئوال دارد.

اما یک سئوال از شما استاد عزیز:
اگر قدمت این نسخه توسط کربن 14 تائید بشود آیا شما از نوشته های پیشین خود برائت می جوئید؟

و من الله التوفیق!

نویسنده: یکی

یکشنبه 27 بهمن1387 ساعت: 0:57

اون صحنه مامان شاه اسی هم هست که می ره با اون سرداره؟
عروسی ننه شاه اسماعیل بنیان گذار مذهب تشیع. چه شود!

خجالت بکشید! صیغه در تشیع end حلال است بل شیرین ترین لذتی است که نصیب زن می شود(و مرد) و اصولا شیعه یا به عمر باید لعنت بخونه یا بزنه تو کار صیغه. خصوصا که زنها خجالتین این طوری جبران شرم و حیا می شه!

کم از شب پادشاهی نیست
شبی که پدر را پسر کند داماد
کم از شب شهبانویی نیست
شبی که ننه را پسر کند عروس!

ببخشید که قافیه رو تو مصرع اول چپوندم!

صحنه: کاخ شاه اسی
سردار:شاها! آیا مرا به نوکری پدر خدا بیامرزت می پذیری؟
اسی:مهریه مامانم اینا چقدره؟
سردار:قربان! یک امامزاده در وسط اردبیل با زیارت نامه 18 صفحه ای و مزین به انواع ستاره های داوود و منورا.
اسی:مامان من مبارکت باشد سردار. نوش جونت. برو حالشو ببر. من هم تو خانقاه واسه تون دعا می کنم.

یک سال بعد...

قبله عالم:پدر قرار بود امامزاده بسازی رفتی ماه عسل هنوز برنگشتی؟ (sms از اسی جون)
جواب sms: گمشو بابا،

یک هفته بعد...
لااقل مامانم اینا یه بار به این نابابایی نگفته پس اون امامزاده چی شد؟ اصلا هر دوتاشونو سر ببرید راحت شیم. خودم امروز کلنگ امامزاده موسی بن یعقوب رو می زنم. چه مملکتیه. هیشکی به حرف آدم گوش نمی ده. قول وقرارا کشک.صد دفعه ...
استاد مجتبی غفوری:کات آقا جان، کات. صحنه جنگ چی شد؟ سردار خودش اومد خدمت اسی؟
منشی صحنه: صحنه خشن بود سانسور شد عزیزکم. اینا بد آموزی داره. فقط باید عشق و گل و بلبل نشون داده بشه.love ترکوندن و اینا.یوسف و زلیخا. مگه شما عربید که همه ش به جنگ فکر می کنید؟!

تهیه کننده:کی اینو راه داده اینجا؟ الان راپورتتو می دم اورشلیم بیان بندازنت بیرون. بچه مسلمون!
نماینده خدا روی زمین سلطان اسی اول:بابا اونو ولش کنین بچسبین به ننه من!کاش غریبه بود!

پیام بازرگانی:
حاضرم افتخاری با کادر سازنده فیلم همکاری بکنم!

پی نوشت: بابا یه چیزی هم دستی می دم! شنبه ها هم تعطیلش می کنم.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 27 بهمن1387 ساعت: 0:59

آقای محمدی. بعد از آن یوسف صدا و سیمایی چشم مان به شاه عباس ارشادی روشن خواهد شد.

آقای ایلماز. طبیعی است که تابلوی نقاشی و مینیاتور سند تاریخی شمرده نمی شود. زیرا در هر پستویی در اصفهان و شیراز و ترکیه و اروای شرقی و روسیه سفید و هند، صدها نمونه ی آن را برابر سفارش در برابر دستمزدی اندک کی می کنند به طوری که به اصطلاح کارشناس نیز در نوسازی آن درماند. یادداشت های 34 تا 39 در موضوع نقد کتاب "هنر دربارهای ایران" را با دقت بخوانید.

آقای سامان. نمی دانم کارتان را چه گونه انجام داده اید، در آن کتیبه هنگامی که داریوش می خواهد بگوید: این مال من است، "اتا مایی" را به کار می برد. در کتاب چنین گفت داریوش کار آقای دکتر نیک آیین پس از ارائه ی لغات کافی می نویسد: به تر است به جای زبان هندو و اروپایی بگوییم هند و روسی.

آقای سعید خسروی. نخست این که با کربن 14 نمی توان شیراز پیش از کریم خان زند ساخت و با این همه اگر کارشناسان آن آزمایش از پادوهای کنیسه و کلیسا نباشند و زیر نظر یک هیئت بین المللی انجام و کتابت آن در عصر حافظ مسلم شود، نه فقط تمام نوشته هایم را به آتش خواهم انداخت بل با لباس رسمی از همگان معذرت خواهم خواست. ضمنا چنین تشخیص هایی کربن 14 نمی خواهد چند دقیقه ای در اختیارم بگذارند آدرس پستوی جعل آن را هم خواهم داد.

نویسنده: یه نفر

یکشنبه 27 بهمن1387 ساعت: 1:7

سلام

http://www.cloob.com/name/jew

فقط نام خانوادگی و آیدی کلوب:
http://www.cloob.com/name/danial_israeli

چنین تشخیص هایی کربن 14 نمی خواهد چند دقیقه ای در اختیارم بگذارند آدرس پستوی جعل آن را هم خواهم داد.

همین کارارو می کنید می گن شما یهودی هستید یا از اونا خط می گیرید!

نویسنده: یکی

یکشنبه 27 بهمن1387 ساعت: 1:14

ای وای اینا رو نگفتم تایید کنین که!
بابا قصه نوشته بودم ها!
اونو می گم!

نویسنده: یه نفر

یکشنبه 27 بهمن1387 ساعت: 1:24

http://www.cloob.com/answer/question/show/questionid/60571

مال اینجا بود. چه تعارف واسه هم تیکه پاره می کنند پدر سوخته ها.

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

یکشنبه 27 بهمن1387 ساعت: 1:31

با سلام،
جناب پورپیرار من فکر کنم که آنچنان کار از کار گذشته است که حتا اگر شما معذرت خواهی هم کنید، دیگر شکافی که در تاریخ ایران به وجود آمده، ترمیم نخواهد شد.

وب سایت

نویسنده: یکی

یکشنبه 27 بهمن1387 ساعت: 1:34

http://www.narestan.ir/uploaded/N_7909.jpg

این هم تست بینایی سنجی برای اعراب.
چه قدر عقده.
چه قدر بدبختی.
و چه قدر حقارت؟

یعنی باید باور کنم؟؟

من به این فرهنگ شونصد هزار ساله باید افتخار کنم.
این ها هستند که آبروی ما رو حفظ می کنند.
تازه باید تشکر هم بکنم!

نویسنده: زندی

یکشنبه 27 بهمن1387 ساعت: 8:48

سلام بر استاد ارجمند
استاد آیا امکان این مسئله هست که بخشی از نوشته های خود را به عقاید و کتب شیعی به خصوص نهج البلاغه اختصاص دهید.
اگر امکان توضیح عمومی نیست. خواهشاَ به طور خصوصی مطالبی برای من ارسال کنید

نویسنده: مهران حقیقت

یکشنبه 27 بهمن1387 ساعت: 9:21

سلام بر دوستان حقیقت

باز هم تشیع؟

http://www.taftan2.blogfa.com/8605.aspx

نویسنده: سهند

یکشنبه 27 بهمن1387 ساعت: 10:21

با سلام خدمت استاد و همه بازدیدکنندگان

1-در یادداشت 35 پاراگراف 10 سطر 4 به جای هلاکو نام تیمور آمده است که باید تصحیح شود:"تا «تیمور» پس از قلع و قمع اسماعیلیه فرصت کند به قصد کشتن خلیفه عازم بغداد شود تا کار رفع مزاحمت از جهان اسلام را تکمیل کرده باشد!!!"

2-در فهرست موضوعی یادداشت 11 باید در سطر جدید قرار گیرد.

بعلاوه من ابهامی در مورد زبان فارسی داشتم، که با این حقایق تاریخی چگونگی رشد و پیدایش زبان فارسی در منطقه ما چگونه است؟ و چرا در مناطق آذربایجان این زبان نتوانسته رسوخ کند ولی در مناطق مرکزی توانسته.

نویسنده: سعید خسروی

یکشنبه 27 بهمن1387 ساعت: 10:24

((با این همه اگر کارشناسان آن آزمایش از پادوهای کنیسه و کلیسا نباشند و زیر نظر یک هیئت بین المللی انجام و کتابت آن در عصر حافظ مسلم شود، نه فقط تمام نوشته هایم را به آتش خواهم انداخت بل با لباس رسمی از همگان معذرت خواهم خواست.))

آقای پورپیرار عزیز- سلام
غرض از کامنت فوق، اطمینان یافتن بیشتر خودم بود.
منبعد نوشته های شما را با لذت و دقت بیشتری پیگیر خواهم بود.
متشکرم.
خدا قوت!

نویسنده: عابدی

یکشنبه 27 بهمن1387 ساعت: 12:32

با سلام

استاد پورپیرار خسته نباشید. منظورم این پاراگراف است :

«یکی از مظاهر رشد و آثار شایستگی ملل اصیل کهن سال دنیا آن است که همواره از تجلیل مفاخر تاریخی و بزرگ داشت رهبران ملی خویش غفلت نورزند تا بدین وسیله علاوه بر اظهار حق شناسی از خدمت گزاران گذشته ی جامعه ی خود، راه و روش کسب شرف و نیک نامی ابدی را به آیندگان نیز بیاموزند... چنان که اخیرا هم با بنای آرامگاه مجللی بر مزار نادر شاه افشار یکی دیگر از آرمان های ملی برآورده شد. اینک نیز شایسته و سزاوار است که درباره ی مزار و مرقد شاهنشاه عظیم الشأن صفوی، یعنی شاه عباس کبیر تصمیم مساعدی اتخاذ و اقدام مناسبی به عمل آید». (حسن نراقی، نظری به آرامگاه شاه عباس کبیر در کاشان و مدارک تاریخی آن، هنر و مردم، شماره ی ۲۴، مهر ماه ۱۳۴۳، ص ۱۰) اگر او در عتبات است پس لااقل این قبر کاشی او دروغین است

بعد از ارائه منبع عبارت، جمله ی "اگر او در عتبات است پس لااقل این قبر کاشی او دروغین است" نوشته شده است که در سایر نوشته ها چنین موردی را ندیده بودم.

در پناه حق باشید

نویسنده: عادل

یکشنبه 27 بهمن1387 ساعت: 12:43

جناب آقای پورپیرار با سلام در مورد مشرک شدن مسیحیان بنظر شما آیا در مدت 23 سال نزول قران به یکباره مسیحیان مشرک شده و از یکتا پرستی دست کشیده اند و به تثلیث ایمان آورده اند . آیا تمام مسیحیان آن زمان مشرک شده اند ؟ آیا مسیحیان مدینه مشرک شدن ؟ خواهشمند است مطلب را بیشتر باز نمایید .

نویسنده: توحید

یکشنبه 27 بهمن1387 ساعت: 10:1

استاد تقدیم به شما :

http://mantegh-abdughkhiyar.blogfa.com/post-54.aspx

نویسنده: سهند

یکشنبه 27 بهمن1387 ساعت: 13:38

دوستان لطف کنید تمامی تصاویر موجود در یادداشت ها را بازنگری کنید، چرا که بسیاری از آنها نمایش داده نمیشوند مثلا یادداشت ها ی 35 تا 38 که تاکنون من نگاه کرده ام و حتی تصاویر موجود در یادداشت های قبلی.

نویسنده: مسعود

دوشنبه 28 بهمن1387 ساعت: 15:41

سلام آقای پورپیرار
استاد بزرگ اینجانب از کیسه هیچ کسی خرج نمی کنم اگر هم خرج کردنی باشد از کیسه ملت خودم است نه ترک و عرب و فارس
این خرج کردن از خون شهدای حلبچه و بیش از 150نقطه شیمیایی باران شده کردستان عراق است از خون 182000نفر اتفال شده و 4500روستای ویران شده است ملت کردستان (آشوریان کلدانی ها سریانی ها و ترکمن و ..)چه 10سال پیش امده باشند چه 100000سال پیش اکنون در جغرافیایی زندگی میکنند که نام آن کردستان است کرکوک و اربیل و آذربایجان و کردستان و ایلام و کرمانشاه ووان دیاربکر اورفا و حسکه و قامیشلو ...و..بنا براین تصمصم گیرندگان این جغرافیا خود ساکنان آن هستند
2-کتاب اسلام و شمشیر را مطالعه نمودم بحق که مشرکان واقعی د رهمین ایران و عراق خودمان زندگی میکنند بدتر انکه اینان مشرکان در قالب اسلام هستند ولی جورج بوش و یا دیگران گمراهان 1400سال پیش هستند پیروان کتابی که سراسر تحریف شده اما قران که تحریف نشده اینچنین پیروانی دارد؟گناه کدام بدتر است؟؟اگر شما آنان را دشمنان همیشگی اسلام میدانید من این حکومتها و پیروان آنها را بدترین مشرکان تمام اعصار میدانم امروز کرد عراق نمیخواهد امریکا از عراق بیرون رود چون به حکومت مرکزی اطمینان ندارد و اگر امریکا(همانی که تا دیروز خیانت الجزیره و تمامی جنایات فوق الذکر را با سکوت گذراند و شاید خود ش هم صحنه ساز اصلی ان بوده باشد)نباشد فجایع فوق دوباره شاید تکرار شود امروز مخالفان حضور آمریکا در عراق را کهنه بعثی های زمان صدام حسین و عده ایی شیعه تروریست تشکیل میدهند شما زمانی میتوانید چنین ادعایی بکنید که زخمهای چرکین داخل منطقه را التیام بخشید انگاه بپردازید به بیگانه(یارو به ده راش نمی دادند میگفت خانه کدخدا کجاست؟من کتاب اسلام وشمشیر را به چندین نفر پیشنهاد داده ام که مطالعه نمایند خوشبختانه در اینجا اگر موافقات عمر و ایات سوره نور وثانی اثنین هم با انچه که قبلا در اذهان بود مخالف ببینند بشرط دلیلی منطقی مانند انچه که شما ذکر کرده اید کسی مخالف نیست اما بهتر است شما هم مواظب خودتان باشید چون مطالب این کتاب به مذاق خیلی ها خوش نمی اید شما که از آیت الله بروجردی مهم تر که نیستید! مگر اینکه....یک خواهش هم دارم شما با زبان بونانی و عربی و فارسی و ترکی و شاید انگلیسی و فرانسه آشنایی دارید کمی هم کردی یاد بگیرید با تشکر

۱ ۲

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 199

ایران شناسی بدون دروغ 199، نتیجه، 7، نگاهی به تاریخچه ی نصب صلیب د
کلیساهای رم - 84 نظر

نویسنده: رضا

یکشنبه 27 بهمن1387 ساعت: 13:54

باسلام خدمت استاد محترم و دیگر دوستان
در زمان نزول قران مسیحیانی در عربستان ساکن هستند که به شرک گرائیده اند و خداوند به آنان اشاره می کند اما بنا به توضیح شما چند قرن طول می کشد تا آثار شرک بر همه مسیحیت مستولی شود.اصولا باید در طول این دوران برخوردها و جنگهایی مابین این فرق داخل مسیحیت اتفاق می افتاد(عین فرق اسلام) آیا چنین حوادثی ثبت شده است . مانند قتل عام سن بارتلمی و آیا ارتودوکس و پروتستان واقعا بسیار بعدتر از کاتولیسم پدید آمده؟ یا ریشه در تاریخ اولیه مسیحیت دارد؟

وب سایت

نویسنده: تفکر

یکشنبه 27 بهمن1387 ساعت: 16:1

تو وبلاگ ایران بوزینه نوشته سایت شما دوباره هک میشه.

نویسنده: ایلماز

یکشنبه 27 بهمن1387 ساعت: 16:48

با سلام
اینم یک فیلتر شکن برای شما
www.13azar.com

نویسنده: مارلیک

یکشنبه 27 بهمن1387 ساعت: 19:45

سلام

اولین خبر از ماهواره امید رسید: زمین گرد است!!!!

نویسنده: طالب حقیقت

یکشنبه 27 بهمن1387 ساعت: 21:37

سلام به استاد عزیز و همه دوستان
واقعا این تاریخ جعلی نوشته شده برای ما حاصلی بجز افسردگی نداره.به درد زندگی هم نمیخوره.
به نظر من آدم عاقل باید به اون چیزی که تو وجود خودشه اهمیت بده.اونهایی که تو وجودشون چیزی برای گفتن ندارن،میان دل خودشونو به آریایی بودن و... خوش میکنن.کاش همه لذت برادری با همدیگه رو میدونستن... .حالا انگار یه گمشده رو پیدا کردم.واقعا پیداکردن گمشده چه لذتی داره...
استاد دوتا سوال داشتم؛ببخشید از اینکه با سوال های بچگانه ام وقتتونو میگیرم.عفو بفرمایید که هنوز پیش دبستانی هستم.
1.نظرتون درباره این راه شاهی که میگن بین پاسارگاد و سارد کشیده بودن چیه؟آیا این چیزی که گفتن؛ اگه فرض کنیم درست باشه،چیزی ازش مونده یا مدرکشون فقط نوشته شدن تو کتابها س؟
2.خواستم بدونم چند وقت دیگه وارد بحث تاریخ معاصر میشین؟
ممنون.

نویسنده: م . ستاره

یکشنبه 27 بهمن1387 ساعت: 18:16

سلام
دوست گرامی ! حق مطلب توسط آقای پورپیرار ادا شد و من قصد جواب دادن ندارم اما لازم می دانم بگویم که اکنون کاملا یقینی است که سران کشورهای :
خاور میانه ،
استعماری و استکباری و
اسلامی جهان ، نه فقط از متن این وبلاگ و نیز بخش نظرات آن ، بلکه حتی از وبلاگ های اقماری آن نیز ، به طور کامل اطلاع دارند و برای تک تک ما ، پرونده ساخته اند که فلانی ، چه عقایدی دارد و چگونه شخصیتی است . شک دارم که آیا جمهوری نائورا نیز در جریان است یا نه ؟ بگذریم که در کنار جهودان ، برخی ها ، حتی ماموران خود را نیز به دفتر ساده و بی آلایش و آرایش کارنگ ، فرستاده و « ایجاد مزاحمت » می کنند . متوجه نمی شوم که اگر اینان فکر می کنند آقای پورپیرار بچه است و در نمی یابد ، چرا برای بچه ، این همه هزینه می کنند و اگر می دانند که ایشان در همان لحظات اول پی می برد ، پس این وسط ، بچه ی ریش دار و نفهم و هالو کیست ؟! منتهی بنده که از این مسایل ، اطلاعی ندارم ! و نمی پرسم چرا در قبال حق ، لال تشریف دارند ؟
آن کسانی که شما از آنان ، به دیو پنچر شده ی دیگری پناه می برید ، در بهترین شرایط ، یعنی اگر آنوسی نباشند ، گاوان و گوسفندانی هستند که اربابان بالاتر شان ، با یک بله قربان و قبله ی عالم و نظیر آن ، خر شان می کنند و سوار می شوند و یا یک پرونده ی سیاه مثلا اخلاقی برای شان ترتیب داده اند ؛ حق السکوت و شما فکر می کنید که بی عرضه اند ؛ ذلک بانهم استحبوا الحیاة علی الآخرة و أن الله لایهدی القوم الکافرین . مطمئنا به ویژه تمام دولت های منطقه ، در جریان مسایل هستند و فکر می کنند معاملات پشت پرده شان با حقیقت ، نجات بخش خواهد بود . اینان ذره ای به مثلا آیه ی شریفه ی : الم تر کیف فعل ربک بعاد ، اعتقاد ندارند و به بروج مشیده و ویلاهای پنهان می نازند . اما خداوند اراده ی خود را به پیش می برد . آیا نمی بینید که آمریکا در غزه لال از آب در آمد و حماس مقاوم را به رسمیت نمی سناسد ؟

نویسنده: م . ستاره

یکشنبه 27 بهمن1387 ساعت: 18:17

چگونه است که به کرد های عراق ، حقوق قومی خود را می دهد ؟ آیا فکر نمی کنید معامله ای صورت گرفته و آب نبات کرد نشان قومیت را با چه ها که عوض نکرده اند ؟! اصلا آیا کردها خجالت نکشیدند که این ها را ، نه با تلاش جوانان شان ، بلکه از پسرخاله های اجنبی شان هدیه گرفته اند ؟! این مطلب در مورد دیگر اقوام هم صدق می کند ؛ آیا آنان چنین کادویی را در دستان شان گذاشته اند یا در ... ؟ این است استقلال ؟! ترجمه ی کردی دایه مهربان تر از مادر را نمی دانم ولی می دانم کمپانی هایی هستند که در عراق و افغانستان ، پول خرج می کنند . نمی خواهید بدانید چه به دست می آورند ؟ خیر اموات ؟! اگر اسراییلی که به غزه حمله کرد ، به کردستان عراق حمله کند ، ... ؟!! آیا دلال صلح غزه یعنی قطر را نمی بینید که چه قدر منفور حتی دیگر مزدوران بیگانه است ؟
برادر آمریکا ، کشوری که دنیا به آتش زدن پرچم اش افتخار می کند !
بد نیست قومگرایان ، نظرات دولت هایی نظیر کردستان عراق ، ترکیه ، آذربایجان ، عربستان ، پاکستان ، ترکمنستان و بویژه همان آمریکا و دیگر دولت هایی که به آنان ابراز تمایل می کنند ، در مورد همین تخت جمشید بپرسند و اعلام کنند ، حالا نمی گویم کتاب اسلام و شمشیر که به بحران اندیشیدن بیفتند !
بیگانه پرستی یعنی چه ؟ کی انسان به بیگانه رو می آورد ؟
الّا تتخذوا من دونی وکیلا .
والسلام

نویسنده: مارلیک

دوشنبه 28 بهمن1387 ساعت: 1:25

سلام

اولین اخطار ماهواره امید به سیاره زهره و ناهید به خاطر بی حجابی داده شد!!!

نویسنده: سهند

دوشنبه 28 بهمن1387 ساعت: 1:43

جناب پور پیرار لطفا جواب سوال من رو که در مورد تاپیک قبلی بوده رو هم بدهید
تشکر

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 28 بهمن1387 ساعت: 6:20

آقای رضا. فرقه های اسلامی فاقد عمر دراز تاریخی اند و در دوران حیات کوتاه شان هیچ جنگ "رسمی" میان آن ها، مگر در اوراق کتاب هایی که می شناسیم، رخ نداده است. اینک به جست و جوی وسیع و عالمانه برای کشف حقایق سخت پنهان مانده نیازمندیم.

آقای طالب حقیقت. این گونه افسانه ها تنها به کار مسخره کردن آن می آید. در حوالی پاسارگاد مزرعه ی کاشت سبزی خوردن و از جمله شاهی فراوان است ولی از راه شاهی خبری نیست. پس از اتمام مباحث مربوط به صفویه به امید خدا به شرحی از تاریخ معاصر وارد می شوم که هیچ ربطی به مکتوبات کنونی ندارد.

آقای سهند. از بابت راه نمایی ها ممنونم و بحث زبان های منطقه در پیش است.

نویسنده: علیرضا

دوشنبه 28 بهمن1387 ساعت: 10:6

اقتباس ولنتاین غربی ها از آیین ایرانی ها

http://www.noandish.com/com.php?id=23538

نویسنده: یه نفر

دوشنبه 28 بهمن1387 ساعت: 9:23

http://www.noandish.com/com.php?id=23538

اقتباس ولنتاین غربی ها از آیین ایرانی ها

درگاهشمار اروپایی چهار ماه داریم به نام های سپتامبر، اکتبر، نوامبر و دسامبر که ماه های هفتم، هشتم، نهم و دهم هستند

بابا این گوساله ها دیگه کی هستند؟
یعنی یه نفر تو اون سایت نبوده بفهمه ماه هفتم تا دهم ،جولای تا اکتبر می شه و نه سپتامبر تا دسامبر؟!!!!!!!!!!!
خاک بر سرتون. همین کامپیوترتون که باهاش آپلود کردین که تقویم داره!!!
آخه چی بگم؟؟؟
این زر زرا دیگه چیه؟ وانگهی این ماه ها رو با ماه قبل می گن مثل اکتبر که از 10 مهر شروع می شه تا 10 آبان هست (البته امسال چون کبیسه است و در غیر کبیسه این طور می شه:) 9 مهر تا 9 آبان . به همین دلیل این ماه ها با ماه قبل حساب می شن مثل مهر ماه و نه ماه بعد یعنی آبان ماه!
ازش بپرسین وقتی سال کبیسه می شه، کدوم ماه میلادی یک روز اضافه می شه؟ اینو بپرسین تا عین خر تو گل بمونه این آقای دکتر جنیدی!
واقعا که باید سردر این دانشگاه ها رو عوض کرد و گذاشت مرکز تولید چهارپا به نام استاد دانشگاه!!!

نویسنده: یه نفر

دوشنبه 28 بهمن1387 ساعت: 9:36

انگلیس را که 800 سال پیش دزدان دریایی آن را کشف کردند و فرانسه که تاریخی حدود 1000 ساله دارد. قدیمی ترین این کشورها یونان است که حداکثر 2800 سال تاریخ دارد در حالی که مشابه این جشن 5000 سال پیش در ایران برگزار می شده است.

درخصوص تاریخ سازی غربی ها هم بر این اعتقادم که

سلام
میگم این دکترا!! جنیدی رو چیز خورش نکردن؟! آخه تاریخی که بالای همون صفحه است نوشته :
یک‌شنبه - ۲۷ بهمن ۱۳۸۷
یکشنه یعنی فردای شبات!
بابا اون ممرضا پهلوی هم از این زرا نمی زد آخه! این دیگه چه جور جمهوری اسلامیه؟
والیهوه اعلم!

نویسنده: مسعود

دوشنبه 28 بهمن1387 ساعت: 15:49

سلام علیکم

استاد واقعا" دست مریزاد که دقت و مهارتتان در استفاده از ابزار تفکر و تعقل تیر حقیقت جویی بشر را درست به هدف میزند!

حقیقتا" چه استدلال حیرت انگیزی را برای کنکاش حقیقت سیر تحول یکتاپرستی رومی تا بازگشت بت پرستی هلنیسم و تولد شرک مسیحیت بکار برده اید!

مطلب جالبی را که میخواستم عرض کنم اینکه جاعلان تاریخ جهان مدعی اند شخصی بنام "رافائل" ایتالیایی نقاش و پیکره تراشی توانا و بی مانند بوده است که در قرن پانزدهم میلادی میزیسته است و آثاری را هم به او نسبت میدهند :

http://en.wikipedia.org/wiki/Raphael

از جمله آثاری را که به وی منسوب میکنند این نقاشی معروف به "ملاقات لئو ی اول با آتیلا " در قرن پنجم میلادی است :

http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/f/fa/Leoattila-Raphael.jpg

و اینهم شرح حال افسانه وار و هذیان گونه آتیلا از قبیله هون که مساوی آن بقول جنابعالی برای منطقه ما میشود چنگیزخان و مغولان و به برداشت من برای روسیه هم ایوان مخوف!!! :

http://en.wikipedia.org/wiki/Attila_the_Hun

حالا لطفا"پیدا کنید پرتقال فروش را !!!
یعنی اینکه با رد وجود فیزیکی و تاریخی آتیلا در وجود تاریخی شخصی بنام "رافائل" هم باید صد در صد شک کرد !!!
در پناه خداوند متعال و واحد سلامت باشید.

نویسنده: مسعود

دوشنبه 28 بهمن1387 ساعت: 16:32

سلام آقای پورپیرار
استاد بزرگ اینجانب از کیسه هیچ کسی خرج نمی کنم اگر هم خرج کردنی باشد از کیسه ملت خودم است نه ترک و عرب و فارس
این خرج کردن از خون شهدای حلبچه و بیش از 150نقطه شیمیایی باران شده کردستان عراق است از خون 182000نفر

اتفال شده و 4500روستای ویران شده است ملت کردستان (آشوریان کلدانی ها سریانی ها و ترکمن و ..)چه 10سال پیش امده باشند چه 100000سال پیش اکنون در جغرافیایی زندگی میکنند که نام آن کردستان است کرکوک و اربیل و آذربایجان و کردستان و ایلام و کرمانشاه ووان دیاربکر اورفا و حسکه و قامیشلو ...و..بنا براین تصمصم گیرندگان این جغرافیا خود ساکنان آن هستند
2-کتاب اسلام و شمشیر را مطالعه نمودم بحق که مشرکان واقعی د رهمین ایران و عراق خودمان زندگی میکنند بدتر انکه اینان مشرکان در قالب اسلام هستند ولی جورج بوش و یا دیگران گمراهان 1400سال پیش هستند پیروان کتابی که سراسر تحریف شده اما قران که تحریف نشده اینچنین پیروانی دارد؟گناه کدام بدتر است؟؟اگر شما آنان را دشمنان همیشگی اسلام میدانید من این حکومتها و پیروان آنها را بدترین مشرکان تمام اعصار میدانم امروز کرد عراق نمیخواهد امریکا از عراق بیرون رود چون به حکومت مرکزی اطمینان ندارد و اگر امریکا(همانی که تا دیروز خیانت الجزیره و تمامی جنایات فوق الذکر را با سکوت گذراند و شاید خود ش هم صحنه ساز اصلی ان بوده باشد)نباشد فجایع فوق دوباره شاید تکرار شود امروز مخالفان حضور آمریکا در عراق را کهنه بعثی های زمان صدام حسین و عده ایی شیعه تروریست تشکیل میدهند شما زمانی میتوانید چنین ادعایی بکنید که زخمهای چرکین داخل منطقه را التیام بخشید انگاه بپردازید به بیگانه(یارو به ده راش نمی دادند میگفت خانه کدخدا کجاست؟من کتاب اسلام وشمشیر را به چندین نفر پیشنهاد داده ام که مطالعه نمایند خوشبختانه در اینجا اگر موافقات عمر و ایات سوره نور وثانی اثنین هم با انچه که قبلا در اذهان بود مخالف ببینند بشرط دلیلی منطقی مانند انچه که شما ذکر کرده اید کسی مخالف نیست اما بهتر است شما هم مواظب خودتان باشید چون مطالب این کتاب به مذاق خیلی ها خوش نمی اید شما که از آیت الله بروجردی مهم تر که نیستید! مگر اینکه.....یک خواهش هم دارم شما با زبان بونانی و عربی و فارسی و ترکی و شاید انگلیسی و فرانسه آشنایی دارید کمی هم کردی یاد بگبرید با تشکر

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 28 بهمن1387 ساعت: 16:36

دو مسعود هر دو کرد و در دو جبهه ی گوناگون، حالا چه گونه باید خطاب شان کرد که مخلوط نشوند؟!!

آقای مسعود. رافائل و داوینچی نقاش یا میکل آنژ پیکرتراش مانند آتیلا ساختگی و ذهنی نیستند، معرف دوران معینی از تحولات تاریخ اند. حوصله کنید.

آقای مسعود. سراپای یادداشت شما به مردم کرد توصیه داشت که چشم از وعده های خداوند قهار در قرآن برگیرند و به نماینده ی یهودیان حاکم در آمریکا بدوزند. شما دیگر چه مسلمانی هستید؟! یادداشت شما اعتراف بدی بود که کردان از حضور آمریکا در منطقه خوش حالند چرا که دشمنان کرد را می کشند! چشم سران سیاسی کردستان روشن. هرچند مسلما این صدای شخص شماست و نه مردم با شرف کردستان.
ضمنا جز فارسی زبان دیگری نمی دانم که آن را هم اغلب غلط می نویسم.

نویسنده: نتاب

دوشنبه 28 بهمن1387 ساعت: 16:40

مەسعود زۆر توورەی!

نویسنده: !!

دوشنبه 28 بهمن1387 ساعت: 18:56

با سلام
استاد آیا در نظر دارید که مجموعه ایران شناسی بدون دروغ و بی نقاب را بصورت کتاب به مانند اسلام و شمشیر عرضه کنید؟!

نویسنده: خروس بی محل

دوشنبه 28 بهمن1387 ساعت: 16:1

سلام
استاد داشتم مطلبي رو درباره «مسجد الاقصي» مي خوندم كه برام جالب بود . حقيقت اينه كه مسجد الاقصي حقيقي همون مسجدي نيست كه اكثر ما توسط رسانه هاي ايران با اون آشنا هستيم و يك گنبد طلايي تر و تازه داره . بلكه مسجد الاقصي واقعي گنبدي ساده و دوده گرفته داره . به نظر مي رسه صهيونيستها براي گم كردن رد قصد تخريب مسجدالاقصي اين مسجد رو جديد رو ساختند و اكثرا هم اونرو نمايش ميدند تا راحت كارشون رو بكنند . يكي نيست كه بپرسه آخه دوتا مسجد اونم شبيه هم به فاصله 150 متر براي چيه ؟ حالا سوال اينه كه چرا تو كشور ما كه براي فلسطين گريبان چاك مي ده ، هميشه شاهد اين مسجد گنبد طلايي بوديم تو رسانه ها ؟

اینجا باید گفت : " چه مي كنن این آنوسي ها !!!!!!!"

این هم تصاویر :

http://www.alhadid.com/weblog/images/locate-alaqsa.jpg

http://www.alhadid.com/weblog/images/dome-of-the-rock5.jpg

http://www.alhadid.com/weblog/images/Al-Aqsa.jpg

نویسنده: سلام محمدی

دوشنبه 28 بهمن1387 ساعت: 20:14

با سلام خدمت استاد پورپیرار
مدتی قبل تصویر چند تابلو از آثار نقاشی این حقیر به خدمت ارسال گردید بدینوسیله معروض می دارد در خصوص نقدی ساختاری ,مشاهدات و تجربه های حضرتعالی راه گشای حرکت صحیح در این امر برای اینجانب باشد .

نویسنده: یک بنیان اندیش

دوشنبه 28 بهمن1387 ساعت: 21:7

سلام استاد
پیرو سخنانی که راجع به تزیینات و بزک های کلیساها فرمودید، آیا به نظر نمی رسد علت پرهیز دادن علمای اسلام از نقاشی و پیکرتراشی، همین سوا کردن حساب مسلمین از کلیساییان و مخلوط نشدن حریم مسلمین با نصاری بوده است؟

نویسنده: آیاز

دوشنبه 28 بهمن1387 ساعت: 23:19

با سلام
جالب است که آقای مسعود از کیسه هیچ کسی خرج نمی کند چرا که تا آنجا که تخیلشان می تواند نقشه کردستان را بزرگتر کند همه چیز آن بی چون و چرا متعلق به کیسه خود کردها می شود و نه کس دیگر (شاید هم چیزی مشابه نیل تا فرات تورات اسرایلی ها در تورات آقای مسعود برای کردها نوشته شده است)
از ملت کردستان نام برده اند که در جغرافیایی به نام کردستان زندگی می کنند و اجزای آن را نام برده اند که آزربایجان نیز جزیی از آن است
سوال:
چه کسی صلاحیت دارد جز خود شخص من بگوید که هویتم چیست و بگوید من ارمنی فارس یا کردی هستم که به زور ترک شده ام؟
چه کسی جز خود من و همنوعان من حق دارد برای سرزمینی که در آن زندگی می کنیم نام تعیین کند؟
آیا آقای مسعود دنبال حقوق تعریف شده ملی برای تمام ملت ها، به طور مشابه برای ملت کرد است؟ یا همانند اجداد " آریایی اصیل" کردها دنبال تعریف حقوق ملت کرد در به سلطه کشید و غارت جان و مال و سرزمین و ناموس ملتهای همسایه می باشد؟ که خانه من و جان و امنیت خانواده من هم در آزربایجان جزو این دست منافع اکراد است که باید به "تصمصم گیرندگان این جغرافیا " پس داده شود؟ فرق افکار آقای مسعود با افکار به وجود آورندگان اسراییل و ارمنستان چیست؟
نمی دانم شاید آقای مسعود با اسماعیل سیمقو که مهاباد (همان سویوق بولاغ قبل از جنگ اول جهانی) را از وجود ترکها پاکسازی کرد نسبت همفکری داشته باشد

نمی دانم تکلیف چیست آیا باید آنگونه که مسیح گفته طرف دیگر صورتم را برای سیلی از امثال آقای مسعود آماده کنم تا کرد مظلوم واقع شده مظلوم واقع نشود؟!! یا این که از انسانیتم و از حقوق انسانیم و نپذیرفتن هیچ سلطه و حاکمیت کس دیگری بر زندگیم دفاع کنم؟

"ملت کردستان (آشوریان کلدانی ها سریانی ها و ترکمن و ..)چه 10سال پیش امده باشند چه 100000سال پیش اکنون در جغرافیایی زندگی میکنند که نام آن کردستان است کرکوک و اربیل و آذربایجان و کردستان و ایلام و کرمانشاه ووان دیاربکر اورفا و حسکه و قامیشلو ...و..بنا براین تصمصم گیرندگان این جغرافیا خود ساکنان آن هستند"

نویسنده: سجاد

دوشنبه 28 بهمن1387 ساعت: 23:22

باسلام استاد عزیز موفق و پیروز باشید
استاد این بنا که عمارت شهرداری تبریز است به نظرتان شبیه بنای یک کلیسا نیست ؟به ما که گفته اند این ساختمان را روسها ساخته اند
http://negahi.com/images/saa_at_1.jpg
http://i35.tinypic.com/imqhc5.jpg
http://www.persianoz.com.au/html/images/images/Iran%20gallery/tabriz/tabriz6.jpg
http://yorgun.persiangig.com/document/docu0015.jpg
http://www.tbzmed.ac.ir/abouttabriz/pictures/shar127l.jpg

نویسنده: مسلمان زاده

دوشنبه 28 بهمن1387 ساعت: 23:38

جناب م.ستاره، قطر چجوری می تونه منفور باشه وقتی فقط یه شبکه ی الجزیره ی قطر به اندازه ی تمام نیروهای پنهان و آشکار یاری دهنده ی مردم غزه، نقش ایفا کرد، مگه چنین شبکه ای تو کشور دیگه ای هم امکان شکل گیری داشت؟ مگه اگه مسوولین قطری می خواستن نمی تونستن فیتیله ی الجزیره رو پایین بکشن؟ الجزیره الحق سنگ تموم نذاشت؟

نویسنده: ح . کشاورز

سه شنبه 29 بهمن1387 ساعت: 0:30

سلام آقای پورپیرار
دو مطلب گفتنی است:
نخست آنکه در مقالهٔ شمارهٔ 71 تصویری از یک معبد هلنی واقع در شهر پیستوم ایتالیا نمایش داده بودید که به گمانم حسب آن باید تخریب ابنیه هلنی توسط کشیشان را در همان رم فرض کنیم و حضور هلنیست ها در ایتالیا حتی پس از به قدرت رسیدن کلیسا را باور کنیم.
مطلب دیگر آنکه پیشترها در یادداشت 134 گفته بودید گنبد کلیساها مخروطی است اما در تصاویر فعلی گنبد آنها هذلولی و مانند گنبد مساجد است. اگر امکان دارد در این باب توضیحی بفرمائید.
ممنون

نویسنده: داریوش

سه شنبه 29 بهمن1387 ساعت: 0:55

استاد نظرات مسعود بیشتر جنبه ی شخصی دارد.ماکردها برخلاف سران سیاسی کرد اینطور فکر نمی کنیم...(کاک مسعود له گه ل ریزم بو جه نابت)
سوال:نامگذاری تخت جمشید بر چه اساس بود ه است؟چرا جمشید؟چرانام خشایار شاه یا داریوش را بر آن نگذاشته اند؟

نویسنده: یکی

دوشنبه 28 بهمن1387 ساعت: 22:55

سلام
می گم اون سهنده که تازه سر و کله ش پیدا شده، ... ؟!

نویسنده: آمون

سه شنبه 29 بهمن1387 ساعت: 2:29

سلام. انگار دیگه مشکلی نیست خداروشکر نه؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 29 بهمن1387 ساعت: 5:12

آقای آمون. خدا را شکر دیگر شکایتی نمی رسد. خیر ببینی فرزند!

آقای یکی. نگران آمد و رفت این و آن نباشید.

آقای داریوش. کاش این تجارب سیاسی روشن فکران کرد را به عکس العمل دعوت می کرد.

آقای کشاورز. هم در پیستوم و هم در سیسیل هر دو در جنوب ایتالیا چند معبد هلنی - یونانی هنوز نیمه برپاست، با این برداشت تاریخی که سلطه ی کامل کلیسا بر نقاط جنوبی ایتالیا بسیار دیر رخ داده است. در باب کلیساهای گنبد دار رم نیز که کاخ سفید و واتیکان نسخه برداری از آن هاست، منتظر یادداشت 200 باشید. انشا' الله.

آقای سجاد. آن بنا بیش تر شبیه دیگر ابنیه ی دولتی در مسکو است و البته اگر یک صلیب برفراز آن بگذاریم به عنوان کلیسا هم می توان از آن استفاده کرد.

آقای تفکر. ده بار دیگر هم که این وبلاگ را هک کنند، تخت جمشید همچنان نیمه کاره است.

آقای!! به خواست خداوند مشغول آماده کردن مقدمات آن هستیم.

آقای بنیان اندیش. الحمدلله در بزک مراکز مذهبی کت کلیسا را از پشت بسته اینم.

نویسنده: .

سه شنبه 29 بهمن1387 ساعت: 4:25

http://news.parseek.com/Url/?id=2910161

پرواز سید بر فراز اسراییل!

سید حسن نصر الله: ما فانتوم می خوایم!

به نظر که بعید میاد.

نویسنده: درویش

سه شنبه 29 بهمن1387 ساعت: 8:13

سلام جناب استاد .
مطلب مورد نظر را ایمیل کردم اگر دریافت شده خبر دهید والا دوباره می فرستم .
موفق باشید

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 29 بهمن1387 ساعت: 10:55

آقای سلام محمدی. بدون تعارف تکنیک کار شما در آن چند نمونه که دیدم، کاملا انحصاری و تاثیر گذار بود. تقسیم سوژه به قطعات مختلف و رنگ گذاری استادانه بر آن ها به گونه ای که ماهیت و هویت خود را از دست ندهد، کار دشواری است که شما از عهده ی آن برآمده اید. اگر بکوشید همین تکنیک را به طبیعت محض، مثلا درخت و آب و پرندگان و وحوش نیز گسترش دهید، که بسیار ظریف و زاینده است، مکتبی را می گشایید که می توانید نام "چهل تکه" بر آن بگذارید. به هر حال در هر زمان از دیدار کارهای تازه ی شما خرسند خواهم شد.

نویسنده: ایلماز

سه شنبه 29 بهمن1387 ساعت: 12:20

با سلام
استاد متاسفانه باز مشکل لود شدن عکسها را دارم!!از تمام عکس های کلیسا فقط یکی از آنها لود میشود!آیا این مشکل برای دوستان دیگر هنوز هم اتفاق می افتد؟! یا تنها مشکل منطقه ماست؟!
با تشکر

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

سه شنبه 29 بهمن1387 ساعت: 12:23

با سلام.
جناب پورپیرار، تصویر شماره ی 6 از مجموعه ی ایران شناسی بدون دروغ64، در سایت ناریا باز نمی شود. گویا آقای عابدی

هم با همین مشکل آن را به پی دی اف تبدیل کرده اند. چون در فایل پی دی اف هم همینجور است. و همچنین است در این وبلاگ.

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 29 بهمن1387 ساعت: 13:20

آقای درویش. با تشکر فراوان، نوشته ی مفصل ارسالی را خواندم. به یاد داشته باشید که تمام آگاهی های کنونی ما در باب مصر و روم و یونان و بین النهرین و ایران و چین و هند بسیار تازه تدوین است و از آن که تفسیر هرگونه رد پا از تمدن های کهن و باستان، از هر مسیری که یافت شده باشد، از صافی منافع کنیسه و کلیسا گذشته است، پس هرگونه سند انگاری و توسل به آن ها، از جمله در باب فلاسفه ی یونان و غیره، پیش از پیرایش و باز بینی دوباره، سقوط در تاریک خانه ای است که اینک فرهنگ عمومی بشر در موضوع گذشته ی خویش خوانده می شود.
ضمنا در باب خواندن کتیبه ها، هرگز ننوشته ام که بازخوانی هیچ یک از خطوط کهن و یا باستانی ممکن نیست، زیرا خوانده شدن خط میخی داریوشی منطق قابل قبولی دارد ولی آن چه را درباره ی خطوط پهلوی و ایلامی و بابلی می گویند بیرون از واژه های تطبیقی با کتیبه های میخی داریوشی قابل قبول و مطمئن نیست.
این را هم بگویم که ستاره های پرچم آمریکا و پشت دلارها پنج پر است و نه شش پر. موفق باشید.

دوستانی که تصاویر را دریافت نمی کنند یا باید چند دقیقه ای برای باز شدن تصاویر فرصت بگذارند و یا با فیلتر شکن وارد شوند.

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

سه شنبه 29 بهمن1387 ساعت: 13:39

سلام جناب پورپیرار.
ایراد نوشته ی 64 گویا ربطی به مشکلات حال حاضر وبلاگ ندارد. چون تصاویر دیگر باز می شوند و فقط همین یکی باز نمی شود. میبینید که با فیلتر شکن هم باز نشد. این مشکل در زمانی که آقای عابدی مشغول تبدیل فایلها به پی دی اف بوده اند هم وجود داشته، چونکه در فایل پی دی اف هم همین طور است. ببینید:
http://irapic.com/uploads/1234935740.jpg

وب سایت

نویسنده: سعید

سه شنبه 29 بهمن1387 ساعت: 16:9

آقای پورپیرار عزیز- با سلام
شاید آقای سجاد قصد شوخی داشته اند. اولین بار است می شنوم که عمارت شهرداری تبریز را روس ها ساخته اند. این عمارت حدود 75سال قبل با نظارت مهندسین آلمانی و معماری آن شبیه عمارتهای شهرداری (رات هاوس) آلمان بنا شده که به فور در شهرهای آلمان قابل مشاهده است.
نقش برجسته عقاب (نشان آلمان) تراشیده از سنگ در ضلع شمالی بنا هنوز هم بوضوح از خیابان امام قابل مشاهده است.
پس از بالا رفتن از بیش از 15پله به درب اصلی میرسید و سپس مجددا به پلکانی در وسط هال برخورد می کنید که هیچکدام مناسب برای یک مکان مذهبی نیست.

نویسنده: سهند

سه شنبه 29 بهمن1387 ساعت: 17:21

سلام "جناب یکی"، مشکلی هست! بفرمایین
یا اگر شما بخاطر سابقه عضویت بیشتر حق آب و گلی دارین و ما اساعه ادبی کرده ایم معذرت میخوایم.

چون به نظر میرسه بیشتر بینندگان این وبلاگ با هم آشنا هستند، من هم به معرفی خودم میپردازم
یک هم وطن تورک - دانشجوی ارشد هوش مصنوعی و روبوتیک - علاقمند به مطالعه در زمینه های اجتماعی و تاریخی و فرهنگی - یک آریائیست دو آتیشه و متنفر از تورکان و اعراب در 10 سال پیش - یک علاقمند به مسایل تورکی (حال) - یک فردی که انسان بودن و افتخار را در تاریخ درخشان آبا و اجدادی خود میدانست - فردی که هم اکنون سعی میکند به هموطنان خود و انسان ها بخاطر انسان بودنشان و نه گذشته شان عشق بورزد. کسی که روزی در تخت جمشید بخاطر افتاده دیدن ستونی، اسکندر را 1000 بار لعن و نفرین کرد و چشمانش را بست تا حقایق عدم برافراشتن ستون را نبیند.

3 سالی است که با نظرات جناب پورپیرار آشنا شده ام(مستندی در مورد تخت جمشید) و دلایل بسیار منطقی و واضح و روشن ایشان در مورد گذشته پیش از اسلام ایران به بسیاری از مجهولاتم جوابی بی بدیل بود و به افکار تاریک و اشتباه من پایان داد. و در این مدت سعی کرده ام به نوبه خود این حقایق را به بسیاری از "در خواب ماندگان" ارایه تا آنها را نیز به روشنی فرا خوانم.
این وبلاگ را نیز به تازگی یکی از دوستان معرفی نمود.
در همین جا از جناب آقای پورپیرار بخاطر روشنگری بس بزرگی که در مورد تاریخ تحریف شده سرزمینی انجام داده اند و به نظر من ارزش کارشان با اکتشافات مهم بشری برابری بل ارزشمندتر است تشکر و قدردانی میکنم،
امیدوارم که روزی ملت های این سرزمین از هر نژاد و قومی در مدارس بجای تاریخ تحریف شده، تاریخ حقیقی خود را حتی اگر 100 سال بیشتر نباشد بخوانند. و افتخار خود را نه در تاریخ بلکه در شخصیت خود جستجو کنند.

نویسنده: اسامی واقعی برخی از افراد معروف!!

سه شنبه 29 بهمن1387 ساعت: 13:52

نادر شاه ـــ نادرقلی
لنین ـــ ولادیمیر ایلیچ اولیانف
پرنسس دایانا ـــ دیانا فرانسس اسپنسر
عطار نیشابوری ـــ فرید الدین ابوحامد
ارد بزرگ ـــ مجتبی شرکا
رضا شاه ـــ رضا سوادکوهی
کمال الملک ـــ محمد غفاری
مارک تواین ـــ ساموئل لنگهورن کلمنس
میرزاده عشقی ـــ سید محمدرضا کردستانی
سیمین بهبهانی ـــ سیمین خلیلی
امیر کبیر ـــ تقی فراهانی
ذبیح الله منصوری ـــ ذبیح الله حکیم الهی دشتی
م. امید ـــ مهدی اخوان ثالث
شهریار ـــ محمدحسین بهجت تبریزی
حافظ ـــ شمس الدین محمد شیرازی
چارلی چاپلین ـــ سِر چارلز اسپنسر چاپلین
پروین اعتصامی ـــ رخشنده اعتصامی
صائب تبریزی ـــ میرزا محمد علی
سلمان فارسی ـــ روزبه
ستارخان ـــ ستار قره‌داغی
میرداماد ـــ میر برهان‌الدین محمدباقر استرآبادی
باقرخان ـــ باقر تبریزی
نسیم شمال ـــ سید اشرف‌الدین گیلانی
جبار باغچه بان ـــ میرزا جبار عسگرزاده
بدیع الزمان فروزانفر ـــ محمدحسین بشرویه‌ای
چه گوارا ـــ ارنستو رافائل گوارا دلاسرنا
سعدی ـــ مُصلِح الدین مُشرف بن عَبدُالله
عزیز نسین ـــ مَحمَت نُصرَت
آتا تورک ـــ مصطفی کمال پاشا
ولتر ـــ فرانسوا ماری آروئ
بودا ـــ سیدارتا گوتما
بیل کلینتون ـــ ویلیام جفرسون بلایت سوم
سیمون بولیوار ـــ سیمون لوسی ارنستین ماری
پله ـــ ادسون آرانتس دوناسیمنتو
نیما یوشیج ـــ علی اسفندیاری
افلاطون ـــ آریستو کلس
خواجه نصیرالدین طوسی ـــ ابو جعفر محمد بن محمد بن حسن طوسی
معین ـــ نصرالله معین
گلاب آدینه ـــ گلاب مستعان
شیرین بینا ـــ شیرین صدق گویا
مادر ترزا ـــ آگنس گوک بژازین

بزرگ علوی ــــ مجتبی علوی
نادره ــــ حمیده خیر آبادی

نویسنده: اسامی واقعی برخی از افراد معروف!!

سه شنبه 29 بهمن1387 ساعت: 13:54

بزرگ علوی ــــ مجتبی علوی
نادره ــــ حمیده خیر آبادی
تیتو ــــ جوزپ بروز
ثریا قاسمی ــــ مولود ملاقاسم
جان وین ــــ ماریون موریسون
ایرج راد ــــ اکبر حسنی راد
سیروس گرجستانی ــــ علی اکبر محمدزاده گرجستانی
استالین ــــ یوسف ویساریونوویچ ژوگاشویلی
بهروز وثوقی ــــ خلیل وثوقی
فرح پهلوی ــــ فرح دیبا
سولات سار ــــ پل پوت
فروزان ــــ پروین خیر بخش
گوهر مراد ــــ غلامحسین ساعدی
ر . اعتمادی ــــ رجبعلی اعتمادی
م .. الف . به آذین ــــ محمود اعتمادزاد
ملکه الیزابت ــــ الیزابت الکساندرا مری ویندسور
ایرج ــــ حسین خواجه امیری
پریسا ــــ فاطمه واعظی
هایده ــــ معصومه دده بال
گوگوش ــــ فائقه آتشین
پوران ــــ فرح‌دخت عبّاسی طاقانی
مهستی ــــ افتخار دده بال
پرویز یاحقی ــــ پرویز صدیقی پارسی
سوسن ــــ گل اندام طاهرخانی
ابی ــــ ابراهیم حامدی
حمیرا ــــ پروانه امیرافشاری
دلکش ــــ عصمت باقرپور بابُلی
عهدیه ــــ عهدیه بدیعی
ابوعمار ــــ یاسر عرفات
ماکسیم گورکی ــــ آلکسی ماکسیموویچ پِشکوف
ملک الشعرا ــــ محمدتقی بهار
آریل شارون ــــ آریل ساموئل مشرایبر
عبدالکریم سروش ــــ حسین حاج فرج الله دبّاغ
کیتارو ــــ ماسانوری تاکاهاشی
تروتسکی ــــ لو داویدوویچ برونشتاین
ستار ــــ عبدالحسن ستار پور
سندی ــــ شهرام آذر
مرضیه ــــ اشرف السادات مرتضایی
نلی ــــ شمسی اشتری
اندی ــــ آندرانیک مددیان
الهه ــــ بهار غلامحسینی
آغاسی ــــ نعمت الله آزموده

البته حرف مفت هم توش بود ولی جالببود.

نویسنده: بختیار

سه شنبه 29 بهمن1387 ساعت: 18:30

با سلام و عرض ادب خدمت استاد
اگر یادتان باشد سال قبل بود که خویشتن را شاهزاده خطاب نمودم
برسم قدیم شاهزاده بختیار که از کیسه خلیفه میبخشد و آقایان و یا خانمهای با نام مسعود را ملقب به القابی مینماید:
آن مسعود قدیمی را مسعود لینکان(بواسطه ی لینکهای عالی و نابش که هر از گاهی در وبلاگ قرار میدهند)
و مسعود دوم را مسعود خان(به یاد خانهای کردستان) ملقب فرمودیم
هر چند میان مسعود لینکان و مسعود خان تفاوت از زمین تا آسمان است(مسعودهای عزیز بدل نگیرید)

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 29 بهمن1387 ساعت: 22:31

آقای سهند. به جمع دوستان خوش آمدید. کسی همنام شما در این وبلاگ آمد و رفت نسبتا پر هیاهویی داشت که سرانجام نیز انشعاب کرد!!! دوستان فرض را بر بازگشت او گذارده بودند، بدون هرگونه بد خواهی.

آقای ایلماز. هیچ نامی نمی تواند تغییر عمده ای ایجاد کند. آن نمونه هم عالی ترین مصداق نافهمی و عقب افتادگی است.

آقای سعید. چه آلمانی و چه روسی، درست مثل حال حاضر معلوم می شود که ایران به علت آسیب گسترده و دراز مدت پوریم، فاقد الگوی ملی و قومی معماری است. چادر نشینان تازه وارد و پراکنده ای هستیم که پس از یک دور تسبیح مداخلات متنوع بیگانه در دو سه قرن اخیر، فعلا کارمان به این جا رسیده، که هنوز دعوای اصلی و عمومی بر سر اثبات هویت و کسب حقوق مربوطه است! یعنی گام نخست برای بدل شدن به یک ملت!

دوستان اگر عکسی باز نمی شود، اطلاع دهند تا مجددا آپلود شود. امیدوارم مشکل عکس یادداشت 64 حل شده باشد.

نویسنده: داریوش

چهارشنبه 30 بهمن1387 ساعت: 0:10

سلام استاد.جواب سوال بنده را ندادید:
سوال:نامگذاری تخت جمشید بر چه اساس بود ه است؟چرا جمشید؟چرانام خشایار شاه یا داریوش را بر آن نگذاشته اند؟

نویسنده: سعید

چهارشنبه 30 بهمن1387 ساعت: 0:23

آقای پورپیرار عزیز. سلام و خسته نباشید! معترف به وسعت آگاهی شما هستم.
بله، در نگاه اول وجود عمارت شهرداری در چند صدمتری ارگ موسوم به علیشاه همانطورکه جنابعالی فرمودید نشان از فقدان الگوی معماری ملی ماست اما نیم نگاهی به مسجد جامع که شباهتی به کلیسا و کنیسه ندارد در داخل بازار مسقف تبریز که یکی از بزرگترین بازارهای مسقف دنیاست با قدمتی بیشتر از عمارت شهرداری مرا در قبول ساخت این مسجد زیبا و ابنیه محکم اطراف آن توسط چادر نشینان تازه وارد و پراکنده در دو سه قرن اخیر دچار تردید می نماید. متمنی است توضیح راه گشا در اینمورد بیان فرمائید.

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 30 بهمن1387 ساعت: 1:32

آقای سعید. الگوی مساجد تبریز، نسبت به دیگر نمونه ها، که بنای آن ها در تمام ایران از عهد به اصطلاح صفویه آغاز شده، ویژگی خاصی ندارد. بر مبنای مباحث به قدر کافی مستدل پیشین معلوم شد که عمر کاشی پوشانی مساجد خشت و گلی و آجری مانده از عهد اصطلاحا صفویه در همه جای ایران و حتی در همان اصفهان، بیش از 150 تا 200 سال نیست، چنان که مساجد قاجاری در تبریز و تهران، که پس از پیدایش کاشی و فن کاربرد آن برپا شده، زیربنای اصلی و کاشی چسبانی همزمان دارد که یکی هم مسجد جامع تبریز با کاشی های اندک آن است. چنان که هر بیننده ای می تواند به سادگی درک کند که همین میزان کاشی های باقی مانده بر جرزهای فرو ریخته در مسجد کبود تبریز نیز تماما بر زمینه های خشتی چسبانده شده است. به گمان من بنای اصلی مسجد کبود هم متعلق به عهد فتح علی شاه است که در دوران بعد کاشی چسبانی کرده اند و گرچه نمی توان به دقت معین کرد ولی شاید معمرینی در تبریز بتوانند از وقوع زلزله ای در آن شهر خبر دهند که در میانه ی دوران ناصرالدین شاه موجب فرو ریزی گنبد و سقف شبستان آن مسجد تازه کاشی پوشیده، اما خشت و گلی شد تا کسانی بقایای آن را تحفه ای مانده از تیمور و غیره بدانند. متاسفانه از این مسجد چندان باقی نمانده که با تشریح اصول بنا بتوان قاجاری بودن آن را به سهولت اثبات کرد و کسی هم به سبب باور به افسانه های کنونی در این باب سعی نکرده است. ضمنا به این مدخل تعیین کننده نیز توجه کنید که نمایش حیات دیرین هر شهری با اشاره به مسجد جمعه ی آن تمام نمی شود، بل باید آثار هستی عمومی ساکنانی را که به چنین مسجد بزرگی نیاز داشته اند، از قبیل حمام و آب انبار و آسیاب و بازار و نشستنگاه حاکم و قبور بزرگان سیاسی و فرهنگی و مدرسه ی تربیت طلاب و از این

قبیل را نشان داد وگرنه به اصطلاح مسجد می ماند و حوض اش. به یاد داشته باشید که از شباهت معماری و گنبد امام زاده ها به کلیسا سخن گفته ام و نه از شباهت معماری مساجد به کلیسا.

آقای داریوش. این به اصطلاح تخت جمشید تا اواخر قاجار، یعنی سال 1300 شمسی نام معینی نداشته است. آن را تخت جمشید نامیده اند تا دو قرانی هم گیر فردوسی مجعول و شاه نامه ی قلابی ترش بیاید!!!

نویسنده: درویش

چهارشنبه 30 بهمن1387 ساعت: 9:1

سلام استاد متشکرم که وقت گذاشتید . راستی در برنامه دیشب جام جم یک زبان شناس تاجیک بنام نظر زاده آورده بودند . ایشان تز جالبی داشت و اینکه زبانها سه دوره را طی میکنند . زبان فارسی به دوره سوم رسیده چون الان خیلی ساده و روان است و شلوغ پلوغ نیست اما زبانی مثل انگلیسی هنوز در دوره دوم سیر تکاملی خویش است و از این قبیل حرفها .شماره تماس شما را نداشتم والا میخواستم همان دیشب زنگ بزنم و بگویم یک نگاهی به این مصاحبه بیندازید. حال استاد بفرمایید که پیچیدگی بیشتر نشانه پیشرفت است یا سادگی ؟ موفق باشید .

نویسنده: جواب بنیاد هخامنشی فرانسه 1/2

چهارشنبه 30 بهمن1387 ساعت: 9:11

سلام استاد

چندي پيش با سايت بنياد مطالعات هخامنشي در فرانسه به آدرس زير تماس گرفتم. در ايميل من آمده بود که با توجه به مطالعات و شواهد موجود هيچ کدام از سازه هاي تخت جمشيد به طور کامل ساخته نشده است. و بنا بر اين تمام تاريخ موجود که ميگويد امپراطوري عظيم هخامنشي چنين و چنان است ، حقايق را منعکس نکرده است.
در ضمن لينکهاي تختگاه هيچکس و نمونه عکسهاي مربوط به نواقص حجاري و معماري را از سايت شما برايشان ايميل کردم.
جواب کوتاه زير را براي من فرستادند که در نوع خود جالب است.
در جواب آمده است که ناتمام بودن مجموعه تخت جمشيد به علت حمله اسکندر بوده است و اين که تمايلي به مباحث مربوط به ناتمام بودن تخت جمشيد ندارند. (حداقل ناتمام بودن تخت جمشيد را انکار نکردند)

براي من خيلي جالب بود که من به پروفسور برايان ايميل کردم و ايشان ايميل من را به همکارشان که مدير عامل موسسه مطالعات خاورميانه و شرق در فرانسه هستند داده و درنهايت جواب کوتاه زير را ارسال نمودند.

با اين ايميل معلوم ميشود که حتي تاريخ جعل کن هاي جديد هم با وجود دانستن جعليات موجود آنها را دامن ميزنند. اگر خواستيد اصل ايميل ارسالي به پروفسور برايان و همکارانشان را ميتوانم جداگانه برايتان ارسال نمايم..

بنياد مطالعات هخامنشي فرانسه:
http://www.achemenet.com

اينهم نمونه اي از مقاله ارائه شده توسط پروفسور برايان رئيس مطالعات هخامنشي فرانسه در کانون پژوهشهاي ايران باستان:
http://www.cais-soas.com/CAIS/History/hakhamaneshian/new_trends.htm

باز هم خسته نباشید .
مهران حقیقت

نویسنده: جواب بنیاد هخامنشی فرانسه 2/2

چهارشنبه 30 بهمن1387 ساعت: 9:14

این هم جواب ارسالی بنیادمطالعات هخامنشی فرانسه در سوال نسبت به ناتمام بودن ساخت تخت جمشید:

From: REMY BOUCHARLAT <remy.boucharlat@mom.fr>
Date: Mon, Jan 26, 2009 at 8:34 PM
Subject: (pas de sujet)
To: Mehran Haghighat <mehran.haghighat@gmail.com>

,Dear Mr. Haghighat
.colleague, Prof. Briant, forwarded your message to me My
.your reflections I am astonished by
:My answer is very short
column their lower part because they were not visible (e.a. the lower part of the some pieces are unfinished in -
.(bases
a permanent workshop up to Alexander's many pieces are unfinished. Yes, and so what? Persepolis was -
a building while another one was left unfinished. There are plenty of conquest, and a king might have launched
.throughout the world of such a situation examples

.(are of no interest to me (and to Prof. P. Briant Sorry, these kinds of questions
Best wishes
Boucharlat Rémy

--
Rémy Boucharlat
Directeur
de la Méditerranée - Jean Pouilloux Maison de l'Orient et
Tel. 0033 472 71 58 22
57 12 Fax 0033 478 58
Mail: remy.boucharlat@mom.fr

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 30 بهمن1387 ساعت: 10:29

آقای درویش. این دانشمند عالی مقام که ضعف لغوی فارسی را با صفت "شلوغ پولوغ" نبودن تعریف می کند، در فرهنگ شیر تو شیر کنونی باید استاد اعظم زبان شناسی و دارای چندین کرسی آموزشی باشد!

آقای حقیقت. این آقای رمی بوشارلو همان دلقکی است که در کارتن بچگانه "شکوه تخت جمشید" با اشاره به خاک های روی زمین از فرش های زربفت هخامنشی و با اشاره به آسمان لخت از سقف های طلا نشان می گفت. چنین بوزینه ای آیا ممکن است جواب ای میل شما را مثل آدمیزاد بدهد؟!! پیش از این هم برای این حضرات از خرد و کلان و ایرانی و غیر ایرانی نسخه ی انگلیسی تختگاه هیچ کس ارسال شده بود، هیچ کدام جرات اعلام وصول آن را هم نداشتند. چنین است اوضاع فرهنگی در دانشگاه های پر آوازه ی غرب.

نویسنده: سعید

چهارشنبه 30 بهمن1387 ساعت: 11:22

متشکرم.

۱ ۲ >>

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ 199، نتیجه، 7، نگاهی به تاریخچه ی نصب صلیب د
کلیساهای رم - 84 نظر

نویسنده: مهران حقیقت

چهارشنبه 30 بهمن1387 ساعت: 12:8

با سلام

این هم پروژه شاهنامه در انگلیس!:

http://shahnama.caret.cam.ac.uk/shahnama/faces/user/index

نویسنده: مهران حقیقت

چهارشنبه 30 بهمن1387 ساعت: 12:12

با سلام

موسسات ایرانشناسی در انگلیس:

/http://www.bips.ac.uk/links

به راستی این همه دانشگاه چه چیزی جز ترویج دروغ و تزریق توهم در منطقه میکنند؟

نویسنده: عابدی

چهارشنبه 30 بهمن1387 ساعت: 12:34

با سلام

علاوه بر مشکل فیلتر شدن سایت tinypic.com مشکل باز شدن تصاویر نیز وجود دارد. اغلب تصاویر در سایت نصب شده اند. فقط وقت کم می آورم ! ضمنا نوشته ها تا شماره ی 100 به همراه تصاویر در سایت نصب شده اند.

http://www.naria.ir/view/5.aspx?id=558

ان شاء الله تا شماره ی 200 نیز نصب خواهند شد و مشکل تصاویر حل خواهد شد.

نویسنده: توحید

چهارشنبه 30 بهمن1387 ساعت: 9:5

سلام

استاد ، حقا که کساني چون بوشورلا و برايان و ... که خود دستي در آتش دارند و به قول بعضي ها در اين کار استاد هستند !! به ارزش و استحکام کار شما واقف هستند که حتي قادر به پاسخ گويي ساده به يك ايميل نيستند ، ولي مي بينيم که عده اي نوچه جوياي نام هنوزبراي تخت جمشيد گريبان چاك ميدهند و با اينكه حضرات اساتيد پذيرفته اند که تخت جمشيد نيمه کاره بوده و به علت حمله اسكندر هيچگاه كامل نشده (لااقل به نيمه تمامي آن اعتراف دارند) ولي هنوز نوچه هاي رده بيستم آنان زير بار نمي روند كه اين بنا نيمه تمام است و تزهاي فوق جاهلانه اي ازقبيل كف كاذب و كف پاركت و ديوار چوبي و ... مي دهند .

ان شاء الله جسم و روانتان هميشه سالم باشد .

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

چهارشنبه 30 بهمن1387 ساعت: 13:3

با سلام جناب جواب بنیاد هخامنشی.
اگر امکان دارد این موضوع را به صورت مقاله ای کوچک در آورده و برای من ارسال کنید تا در وبلاگ ثبت کنم. حالا که خودشان دارند سوتی می دهند خوب ما هم آبرویشان را می بریم. در ضمن اگر بتوانید به دیگر اساتید هم امیل بزنید و جواب های ایشان را جمع کنید کار شایسته ای انجام داده اید.

وب سایت

نویسنده: محمدیان

چهارشنبه 30 بهمن1387 ساعت: 13:36

سلام آقای پور پیرار
احوال نمیپرسین !!!!!
جواب همه هست جز ما!!!!!

نویسنده: لینک

چهارشنبه 30 بهمن1387 ساعت: 14:41

نظر دوستان را به دو لینک زیر جلب می نمایم :

http://mohakeme.com/content/view/166/29

http://mohammad-news.blogfa.com/post-1112.aspx

نویسنده: :D

چهارشنبه 30 بهمن1387 ساعت: 12:9

what? yani alan miyam gazet migiram aaaaaaaaaaaaaaaaaaaaaaaaa che jalebe ! neweshte : Yes, and so

نویسنده: طالب حقیقت

چهارشنبه 30 بهمن1387 ساعت: 16:23

سلام به استاد و همه دوستان
همچنان مشغول مطالعه مطالب استاد هستم.مستند زیبا،محکم وباشکوه تختگاه هیچکس را هم که واقعا از معدود فیلم هایی است که شایسته عنوان مستند است دوباره و چندباره نگاه میکنم.
واقعا نمیدانم تشکر خودم را از استاد بزرگوار، آقای غفوری و سایر عوامل این مستند و همچنین دوستان عزیزم چگونه بیان کنم.همین قدر میگویم که حداقل؛ اندیشه من به عنوان یک انسان، وام دار این شخصیت های بزرگ وشجاع است.
از طرف دیگر پریشانم از اوضاع جامعه. چند روز پیش نسخه ای از این مستند را به یکی از دوستانم دادم و به او تاکید کردم که آنرا به دقت ببیند و نظرش را به من اعلام کند.
اما افسوس! بعد از گذشت چند روز هنوز هیچ خبری نیست.
خواستم این را بگویم که عجب بدبختی گریبانگیر جامعه ما شده است.اگر به جای آن مستند، یک فیلم سینمایی یا کارتون به دوستم می دادم، حتی لازم نبود تاکید هم به کار ببرم و بخواهم که نظرش را بگوید. خودش نظرش را با تحسین می گفت. ولی وقتی پای مطالبی این چنین پیش می آید، این جامعه پر افاده و سرشار از غرور ملی! ما که گریزان از علم و تاریخ و خو گرفته به تخدیر شعر و داستانهای شاهنامه است خود را به خواب می زند.
ما را شبیه یک بادکنک تو خالی پر از باد کرده اند.باید این فرهنگ بادکنکی را به فرهنگی با استواری و قدرت واقعی تبدیل کرد.
به امید بیداری.

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 30 بهمن1387 ساعت: 18:17

آقای طالب حقیقت. ممنون از تعارفات تان. تمام تورم های بادکنکی در خطر انفجار سریع بر اثر برخورد با سورن حقیقت اند. چنان که اینک دروغ بافان فریب کار به شدت از جمع کوچک بنیان اندیشان دچار هراس اند، میکروفون های سمت ما را بسته اند و می دانند که سنجاق نوک تیز حقیقت در دست ماست و اگر مستند استاد غفوری را یک بار بر آنتن سیمای جمهوری بفرستند، بادکنک شان هزار تکه خواهد شد، زیرا که سوراخ عفن تخت جمشید مرکز رشد حشرات دروغی بوده است که تاریخ ما را بید زده کرده است. بنا بر این کار برای دوستان اندیشمند سهل نیست، باید چهره به چهره و نفر به نفر تبلیغ کرد . پیشنهاد من برای شما این است که باکس مستقلی بسازید از لینک نسخه ی انگلیسی تختگاه هیچ کس و تصاویر سنگ های تراش نخورده همراه یادداشت کوچکی به زبان انگلیسی که دوست داران حقیقت در جهان را به بازبینی بخواند. آن گاه این باکس را به مراکز تحقیقاتی و فرهنگی، از ژاپن تا کانادا ای میل کنید و منتظر عکس العمل بمانید. حاصل مطلوبی به دست خواهد داد. انشا٬ الله

نویسنده: حقیقت

چهارشنبه 30 بهمن1387 ساعت: 15:18

سلام

به همه باستان پرستان و سنگ پرستان هشدار میدهم ، کمي فعاليت خود را بيشتر كنيد و فكري براي يك نتيجه گيري عقلائي و معقول در باره نيمه كاره گي تخت جمشيد . در اين مدت كه واقعا كاري به جز تمسخر عقل خود نكرده ايد و خوشبختانه اين كامنت ها شاهدي صادق بر طرز تفكر كپك زده شما در آينده خواهد بود .
در حالي كه حتي اساتيد بزرگي نيز منكر « نيمه ساختگي تخت جمشيد » نيستند و در اين زمينه تنها متوسل به « سكوت » شده اند ، جفتك پرانيهاي شما براي اثبات كامل بودن تخت جمشيد ، حاصلي به جز تمسخر شما ندارد . واقعا كه دل من براي حال شما كباب است ، انسان تا چه اندازه مي تواند فرومايه باشد ، مگر اين عقل خدادادي نيست كه حساب انسان را از حيوانات جدا مي كند ؟ آيا شما حيثيت انساني خود را لكه دار نمي كنيد ؟ با مبارزه با حقيقت و انواع و اقسام اهانت ها و فحاشي هاي ركيك كه نشات گرفته از فرهنگ «ايران باستانيتان» است ؟

به ايميل زير كه توسط يكي از شاگردان استاد پورپيرار به يكي از بزرگ ترين «هخامنشي شناسان جهان» يعني «پورفسور بريان» ارسال شده است و او از پاسخ طفره رفته و « رمي بوشورلا» را به ميدان فرستاده دقت كنيد . (رمي بوشورلا ، را كه مي شناسيد ؟ همان دلقكي كه اجراي كارتون بچه گانه شكوه تخت جمشيد را به عهده گرفته است) :

نویسنده: حقیقت

چهارشنبه 30 بهمن1387 ساعت: 15:18

« آقاي حقيقت ،

همكار بنده پرفسور برايان ، پيام شما را برايم فوروارد كرده اند ، من از عكس العمل شما شگفت زده شده ام !!!

پاسخ من بسيار كوتاه است :

بعضي قسمتها در جزء کوچکشان تمام نشده هستند (مانند پايه ستونها)

خيلي جاها تکميل نشده اند بله ، و به چه علت ؟ پرسپليس يك كارگاه دائمي بود تا زمان كار اسكندر ...

(من را ببخشيد ، تمايلي به بحث در اين باره ندارم) »

نويسنده: حقيقت

چهارشنبه 30 بهمن1387 ساعت: 15:19

واقعا حاصل كار شما چيست ؟ جز تعدادي وبلاگ فحاش و نقدهاي آبكي ؟

در حالي كه گروه «بنيان انديش» تا كنون 15 جلد كتاب – صد ها صفحه الكترونيكي مطلب – مستند ويدئويي 3 ساعته «تختگاه هيچ كس» - ده ها مقاله انتقادي ديگر در مورد آثاري چون «طاق بستان» و ... ده ها وبلاگ مستند از جمله وبلاگ « سنگها سخن مي گويند» - چندين مستند ويدئويي ديگر در راه و در حال تكميل شدن و.... ارائه كرده است .

اي خفاشان شب پرست منتظر باشيد كه مستندات محكم ديگري در راه است كه شما فرومايگان و اساتيد قلابيتان را ياراي رويارويي با آن نيست .
در حالي كه دهها مستند ديگر در حال تدارك است شما هنوز در حرف «ت» مستند پرشكوه « تختگاه هيچ كس » مانده ايد .

از جمله «بررسي علمي كتيبه بيستون داريوش» توسط دانشگاه امير كبير و توسط « دكتر فضل الله نيك آيين » و ....

آيا هنوز در ميان شما كساني هستند كه « حر » وار به صف حقيقت طلبان پيوسته و در نفس آخر با يك تصميم شجاعانه ، از شقاوت به سعادت برسد ؟

نويسنده: مسعود

چهارشنبه 30 بهمن1387 ساعت: 19:23

سلام آقای اياز
حقير نقشه کردستان را بزرگ ننموده ام اگر آذربايجان هم گفته ام منظور کل آذربايجان نيست اصلاً ما ترکهای کوهی را چه به اين غلطها منظور از کردستان هم را اگر بگوييد بدانيد که بسياری از مردم قروه کردستان ترک هستند و (نه آذری)چون بنده آذری را با کرد يکی ميدانم
حقيرترکمن و بلوچ را يکسان ميبينم و با کرد و عرب و.. هيچ تفاوتی نميبينم و اصلا به گروهکی کوچولو بنام آريا زياد معتقد نيستم قبلا هم گفته ام اسطوره سازی و تاريخ گذشته زياد مهم نيست مهم حال و مهم تر آينده است نژادپرست هم نيستم چون تبديل به آتاتورک و صدام ميشوم و مورد لعن ونفرين همه بشريت شما هم مثل اينکه تاريخ حداقل صد سال گذشته را نميدانيد که چه فجايعی به سر کردها امده؟؟ذکر
وشه هايی از ان را در فوق کرده ام آيا شما آنها را نخوانديد يا برايتان مهم نبود؟اگر اين طور است پس با پوزش از اينکه شمارا ناراحت نمودم خداحافظ
تفاوت در اينجاست که در کردستان عراق ترکمن با زبان خودش ميخواند و روزنامه و تلويزيون دارد آشوری و کلدانی و غيره هم همينطور اما در ترکيه هنوز هم کوهی هستند اگر هم شما دوست عزيز از اين جغرافيا ناراحتيد بفرماييد ميتوانيد صدام حسين ها و آتا تورکها را زنده کنيد.و هر کاری ميخواهيد انجام دهيد آن وقت بقول دوست عزيز مان م. ستاره ميتوانيد شما يک آب نبات بزرگتر را به ميان معامله بکشيددوست عزيز من که گفتم اول اگر خواهان دوستی هستيد بياييد اين زخمهای چرکين گذشته را التيام دهيد بعد به ديگر مسايل بپردازيد شما چشمتان به کرکوک خورده عصبانی شديد يا واقعا از ذکرنام اذربايجان ناراحت شديد؟ اين را هم بدانيد الان و در طی 60سال گذشته هيچ ارتباطی دوستانه تر از ميان ملتهای کرد و ازری نبوده است بجز جريانات اول انقلاب در نقده و مياندواب که هر عاقلی ميداند نشات گرفته از کجا بود
جناب مسعود لينکستانی /ئايا به راستی ئيوه ش کوردن؟
کاک نتاب توره نيم به خوا چون ئه م کاناسرمه نه تا سه د ده رسه دنا وه لی 70ده رسه دی قه بووله
کاکه داريوش گيان من هيچ رابه ريکی سياسی نيم و هاوفکری هيچ جه ريانيکی سياسی نيم ته نانه ت به بيرو بوچوونی ئايينيشه و لاينگری هيچ ريکخراويکی مه ز هه بيش نيم خوشتانم گه ره که ته نيا بيرو رای شه خسی خومه شايه د يش هی بيسوژه واديمه وا قسا ئه که م

نويسنده: رعد

چهارشنبه 30 بهمن1387 ساعت: 21:38

سلام ... اقای پیرار , این سخنان را فقط شما می توانستید بگوئید و بنویسید تا ما تحت هر چه جهود و نصارا و گبر مانند برج های نیویورک بسوزد و دودش به اسمان برود .واما در مورد ستاره زیاد میتوان نوشت ولی این بچه های اسرائل در پشت حداقل 1 دلاری موجود در دستان این حقیر , از تعدادی ستاره 5 پر , ستاره داوود ساخته اند, لطفا توجه بفرمایید!! . در مورد نامگذاری تخت جمشید , سئوال را میتوانستند این گونه طرح کنند , که چرا قبل از انقلاب هر کس که میخواست سری به فاحشه خانه تهران بزند , میگفت : میرم جمشید یا خیابان جمشید و نه شهرنو یا خیابان خشایار و اردشیر . امیدوارم که به ایرانیان باستان پرست بر نخورده باشد.

نویسنده: برای کتاب فروشی های جلوی انقلاب!!

چهارشنبه 30 بهمن1387 ساعت: 18:9

ترجمه کتاب "عدالت، مهرورزي و توسعه"نوشته رئيس جمهور کشورمان در آلباني منتشر شد
ساعت خبر: 20:43 - تاريخ خبر: 1387/11/30
سارايوو/ واحد مرکزي خبر
ترجمه کتاب "عدالت،مهرورزي و توسعه"نوشته آقاي احمدي نژاد در آلباني منتشر شد.
به گزارش واحد مرکزي خبر از سارايوو، اين کتاب در برگيرنده ديدگاههاي رئيس جمهور کشورمان در خصوص قوانين و ويژگيهاي نظام علوي در اداره امور کشور،توسعه و ترويج نظام علوي در حاکميت، عدالت، مهرورزي، فداکاري و توسعه و پيشرفت معنوي ،همراه با ترجمه چند نامه وي به سران جهان است.

وب سایت

نویسنده: عدنان

چهارشنبه 30 بهمن1387 ساعت: 22:9

سلام استاد عزیز خسته نباشید

منتظر پست بعدی شما هستیم

نویسنده: اسحاق جهوده!!

چهارشنبه 30 بهمن1387 ساعت: 18:52

آقاجان مگه فحش خار مادر می نویسین که کردی مینویسین ما نفهمیم؟

نویسنده: داریوش

چهارشنبه 30 بهمن1387 ساعت: 22:39

سلام استاد...خسته نباشید.
یکی از بزرگترین آرزوهای من همیشه این بوده که کاش کسی بادرایت تمام، با جامع بینی درست مسایل تاریخی ایران وبالاخص اسلام را زیر تیغ نقد واقع بینانه قرار دهد تا همگان را معلوم کند آنچه امروز به اسم اسلام وتاریخ اسلام تبلیغ میشود و همه ی مارا در بر گرفته است وبا وجود درک تناقضات فاحش آن در پی توجیه آ ن هستیم نه رد آن،برنامه ایست مدون ودامنه دار که توسط دشمنان اصلی بشریت (یهودیان) طرح ریزی شده است....خدارا شکرمیگویم که باآشناشدن باکتابهاومقالات پربارشما استاد فرهیخته این آرزو برآورده شد....
سلامت و توفیق روزافزون شماراازخدای منان خواستارم...
فالله خیراحافظا...

نویسنده: داریوش

چهارشنبه 30 بهمن1387 ساعت: 22:45

استاد در مورد آنثار منتسب به ساسانیان در عراق تحقیقی صورت نگرفته تا معلوم شود مربوط به چه دوره ایست؟

نویسنده: ساسان بابکان اسطخری

پنجشنبه 1 اسفند1387 ساعت: 1:21

با کسب استعانت از مهظر اهورامزدای نیکوی بزرگ ما و حضرت زرتشت (ع). شیرین بختانه دشمنان نژاد نیکوی آریایی و تمدن شکوهناک پارسی بلد نمی باشند که اسم نیکوی پروفوسورهای عالیجایگاه هاخامنشی شناس ما بریان و بوشارلا می باشد که دشمنان هاخامنشیان چونکه آکادمیک نمی باشند این اسامی نیکو را بدرستی بلد نمی باشند. بعدا اقای

سهند. جنابالی باید آگاهکسب بنمایید که قبل از جنابالی یک از ترکهای آذری فریب خورده بنام نیکوی آذری سهند می بود که فکر می نمود پورپیران راستگویی می نماید و راست گفتار می باشد اما بعد از چند سال متوجه بگشت که فریب خورده می باشد و برای همین بدرگاه احورامزدا توبه نمود و با پورپیران دشمن بگشت و به اصل نیکوی آریایی آذری خویشتن بازگشت نمود. بنده از جنابالی خواهش می گردانم که فریب خوردن ننمایید و از همین الان به اصل آذری پارسی آریایی نیکوی خویشتن بازگشتن نموده و فریب پورپیران و دشمنان نژاد نیکوی پارسی و آریایی را نخورید.

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 1 اسفند1387 ساعت: 5:45

آقای طالب حقیقت. ساده ترین راه این است که به فارسی یا انگلیسی مراکز ایران شناسی و یا اسامی دانشگاه های بزرگ کرسی تاریخ را سرچ کنید و یا از بخش فرهنگی سفارت خانه ها بپرسید. احتمالا مجموعه ی این اطلاعات هم لینک داشته باشد که اگر پیدا کردم به اطلاع تان خواهم رساند.

آقای داریوش. ابتدا باید خود ساسانیان را پیدا کنند. علی الاصول از مدعیان و مورخان ایران و اسلام و شرق میانه قطع امید کنید. کسانی که از تصاویر مستند تختگاه هیچ کس هم چشم پوشیده اند.

نویسنده: عابدی

پنجشنبه 1 اسفند1387 ساعت: 10:36

آقای 000 چند روزی است که دیگر از شما خبری نیست و یادی هم نمی کنید.

نویسنده: عابدی

پنجشنبه 1 اسفند1387 ساعت: 11:40

ایران شناسی از شماره ی 1 تا 25

http://www.naria.ir/uploads/File/1-25.html

ایران شناسی از شماره ی 26 تا 50

http://www.naria.ir/uploads/File/26-50.html

ایران شناسی از شماره ی 51 تا 75

http://www.naria.ir/uploads/File/51-75.html

ایران شناسی از شماره ی 76 تا 100

http://www.naria.ir/uploads/File/76-100.html

ایران شناسی از شماره ی 101 تا 125

* در حال آپلود

ایران شناسی از شماره ی 126 تا 150

http://www.naria.ir/uploads/File/126-150.html

ایران شناسی از شماره ی 151 تا 175

http://www.naria.ir/uploads/File/151-175.html

دوستان اگر اشتباهاتی از جمله جا به جا شدن پاراگراف ها مشاهده نمودید، لطفا تذکر دهید.

نویسنده: مسعود

پنجشنبه 1 اسفند1387 ساعت: 18:4

آقای اسحاق خان
کاری به ارتباط ما با دوستان نداشته باش کوری چشم انهایی (بلا نسبت شما) که دوستی بین من و استاد مسعود لینکستانی و داریوش خان و دیگر ان را نمیبینند نه خهیر ما اصلا فحش ناموسی در زبان کردی نداریم باور ندارید بپرسید این طور صحبت کردن هم زیاد جالب نیست آقای پورپیرار هم نبایذ هر چیزی را در وبلاگشون نمایش بدن من تنها به دوستان گفتم دوستتان دارم
اینکه کوردی هم نوشتم چون دوست عزیز نتاب به کودی وشته بود مه سعود خیلی عصبانی هستی که بنده از تذکر ایشان ممنونم که اگر در صحبت کردنم چیزی بد هست تجدید نظر کنم

نویسنده: 000

پنجشنبه 1 اسفند1387 ساعت: 19:9

جناب عابدی سلام
در خدمتتان هستم. متأسفانه (نمی دانم به چه دلیل) نتوانستم ویرایش جدید فیلم "تختگاه هیچ کس" را در googlevideo آپلود کنم. دهها بار آپلود کردم و متأسفانه هر بار بعد از چند مگابایت، آپلود کنسل شد.

نویسنده: امان از این ماهواره امید !!

پنجشنبه 1 اسفند1387 ساعت: 16:0

اولین پیام رسیده از ماهواره امید: زهمین گرد است.

دومین پیام از ماهواره امید: خورشید بدور زمین میچرخد

سومین پیام گزارش شده از امید: ..... در ماه نیست

چهارمین خبر از ماهواره امید من خسته شدم دارم بر میگردم

پنجمین پیام از ماهواره امید دریافت شد: من باید اینجا چیکار کنم؟

ششمین پیام از ماهواره امید مخابره شد یه دونه کارت شارژ 2000 تومنی ایرانسل بفرستید تا بازم پیام بدم.!

هفتمین پیام مخابره شده از ماهواره امید: مقداری آب بر روی کره زمین مشاهده میشود،احتمال وجود حیات است

هشتمین پیام ماهواره امید به زمین: بنزینم تموم شده کارت سوخت بفرستید

نهمین پیام ماهواره امید: جون مادرتون اینقدر مسخرم نکنید

دهمین پیام ماهواره امید : دارم سقوط میکنم، زیر پامو خالی کنین

یازدهمین پیام مخابره شده از ماهواره امید: من از این بالا روی اسرائیل تف کردم!

دوازدهمین پیام ماهواره امید، بازی ایران و کره یک یک شد.

هجدهمین خبر رسیده از ماهواره امید: اینجا تاریکه من میترسم

به علت قرار گرفتن امید درفضا, به ناهید و زهره هشدار داده شد حجاب خود را رعایت کنند

ماهواره امید به علت لایی کشی بین ماهواره ها ، سرعت غیر مجاز و مسافر کشی بازداشت شد.

در پی پرتاب موفقیت آمیز ماهواره امید و دستیابی ایران به تکنولوژی فضایی ، نام کهکشان راه شیری به بزرگراه شیرمردان تغییر یافت

پس از قرار گرفتن امید در فضا به ناهید و زهره اخطار داده شد حجاب خود را رعایت کنند

لحظاتی قبل ماهواره امید از ارتباط نا مشروع بین بهرام و زهره خبر داد

ماهواره امید از کشف یک امامزاده بین زحل و مریخ خبر داد
بنا بر خبر پرتاب ماهواره ی امید، نیروی انتظامی اعلام کرد: بزودی برای کنترل روابط میان امید و زهره یک فروند سفینه ی گشت ارشاد به فضا خواهیم فرستاد

ماهواره امید از مدارخارج شده است وفقط به دور سیاره زهره می چرخد واین پیام هارا ارسال میکند؛الهی دورت بگردم،جیگر چند سالته؟

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

پنجشنبه 1 اسفند1387 ساعت: 20:4

با سلام.

وبلاگ دروغ بزرگ با نوشته ی (جورچینی های مضحک) در خدمت جویندگان حقیقت

وب سایت

نویسنده: مسعود

پنجشنبه 1 اسفند1387 ساعت: 22:57

استاد عزیز وقت شما بخیر.

یک جمله ای را در پاسخ به یکی از دوستان در همین ستون کامنتهای این یادداشت فرموده بودید که به نظرم اکثر دوستان جوینده هویت را کفایت میکند:

"چادر نشینان تازه وارد و پراکنده ای هستیم که پس از یک دور تسبیح مداخلات متنوع بیگانه در دو سه قرن اخیر، فعلا کارمان به این جا رسیده، که هنوز دعوای اصلی و عمومی بر سر اثبات هویت و کسب حقوق مربوطه است! یعنی گام نخست برای بدل شدن به یک ملت!"

توصیه من به همه اینستکه چندین بار دیگر هم این پاراگراف گرانبهای جناب استاد را بخوانند تا هویت حقیقی کرد و ترک و فارس و لر و گیلک و بلوچ و ... را که به عقیده من دلالت بر قبیله های چادرنشین بتازگی ده و شهر نشین شده دارند برایشان معلوم شود.

برادر گرامی جناب مسعود . بنده میخواهم یک مسلمان مطیع خدای واحد باشم نه یک کرد . کرد یا ترک یا فارس یا هر چیز دیگری کلاههای گشاد ناسیونالسم کور کننده چشم بشر ساکن در این سرزمین میباشند .
این را هم عرض کنم که دولت کردنمای شمال عراق همان جانیان و قاتلان مردم حلبچه میباشند که در آن زمان با اینکه دولت وقت عراق اعلام کرده بود منطقه جنگی است و مردم بیطرف باید آنجا را تخلیه کنند احزاب دمکرات و اتحادیه میهنی کردستان که در پناه حمایت ایران به منطقه نفوذ کرده بودند مردم را به بازگشت به آنجا تشویق کردند و مردم فریب خورده حلبچه را به قربانگاه گاز های شیمیایی فرستادند.
فراموش نکنید صدام نه بخاطر قتل مردم حلبچه بلکه تنها بخاطر دستور مستقیم به اعدام 120 نفر از هالی "دجیل" اعدام شد .
با اجازه استاد و دوستان چند جمله هم کردی مینویسم تا شما مسعودخان زیاد از من مکدر نشوید:

به ریز گیان ! ده وره و زه مانه ی دروکانی میژویی و میشک شوردن به سه ر هاتووه.
داهاتووی دونیا له پیناوی په یره وی کردن له قورئانی پیروز و لیکولینه وه سه باره ت به حه ق و حه قیقه ته . ئیستا دونیا چاوه روانی نوری خودای واحیده که به ره به ره له جیگه هایک وه ک کتیبه کانی ئوستاد پورپیرار خوی پیشان ئه دات.

نویسنده: مسعود

جمعه 2 اسفند1387 ساعت: 0:55

کاک مه سعود سلام
از یادآوری شما ممنونم
به خدا قسم من هم تا 90درصد مثل شما فکر میکنم و انسان بودن مهمترین چیز برایم است

در مورد حلبچه هم بله احزاب کردی مقصر بودند که ایران را به انجا کشاندند اما فقط حلبچه نبود هزاران دیگر فتل و عام شدند
اما در مورد اسلام بدانید بنده تا حالااز هرفرصتی که پیش آمده از حقانیت قران و اسلام واقعی دفاع نموده ام و افتخار هم میکنم
اسلام و شمشیر ناصر پورپیرارهم بر معلوماتم افزون گردید
اگر متون فوق مرا خوانده باشید هیچ کدام نشان تعصبی نداشت فقط گله بود و شکایت و هدفم هم التیام زخمهای چرکین ومتعفن گذشته در میان ملل بین النهرین بوده است و نه چیز دیگر منظورم هم از مشرک و ارجحیت دادن بیگانه بر این مشرکان همین دول منطقه و طرفدارانشان بوده ونه مردم منطقه ولی خیلی ها یا دچار سوئ تعبیر شدند و یادچار کج فهمی
براگیان دوباره سوپاس و ده ستت ماچ ده که م ئه گه رتوانیت ئی مه یله که ت دانه پیوه ندیت پیوه بکه م

نویسنده: سهند

جمعه 2 اسفند1387 ساعت: 3:50

خدمت "ساسان بابکان اسطخری"
سلام
1- اگر در نوشته تان قرار بر پارسی گویی است، پس از کلمات "استعانت"، "حضرت"، "مهظر"! و... عربی استفاده نمیکردید و همچنین اهورا یا احورا .(پارسی را پاس بدارید)

2- "بنده از جنابالی خواهش می گردانم"، دوست عزیز میتوانم بپرسم "خواهش گرداندن" چگونه اصطلاحی است و به چه معنی است.

3- "ترکهای آذری" یا "اصل آذری پارسی آریایی نیکوی"، من ندانستم که آن دوست ترک آذری فریب خورده بالاخره اصل و نژاد ترک آذری داشته و یا پارسی بوده و خود را ترک میپنداشته: در این مورد عرض کنم که من قبل از آشنایی با نظریات جناب پورپیرار با نظریه ای آشنا شده ام و آن اینکه قومی با نام "آذری" وجود خارجی نداشته و آنچه هست "تورک آذربایجانی" است و این کلمه آذری، ساخته و پرداخته فرد خیالباف پارسی پندار تورک نژاد کسروی است و تا 80 سال پیش هیچ احدالناسی واژه "آذری" را نشنیده بود.(میتوانید از پیران فامیلتان تحقیق کنید)
4- اگر اصل من آذری پارسی و مال شما پارسی است، آنگاه سخن تاریخ را چه میگویید که میگوید"مغولان خونزیز و وحشی همه اهالی را کشتار کردند، سپس تعدادی را مجبور کردند که در شهر جار بزنند که مغولان رفتند، تا کسانی که درون تنوری و یا در سوراخی مخفی شده بودند، بیرون آیند و کشته شوند" با این حساب از نژاد اصیل که دیگر چیزی نمانده است.
5- چرا فقط میخواهید من را از "این راه برگردانید"، با یک گل که بهار نمیشود، من پیشنهاد میدهم جنابعالی بصورت صریح و ساده و بدون سفسطه بافی، با منطق، "ادعاهای جناب پورپیرار را در مورد تخت جمشید رد کنید"، باور کنید که اگر بتوانید این مهم را انجام دهید نه من و نه دیگر فریب خوردگان! بلکه جناب پورپیرار نیز گفته های خود را پس خواهند گرفت.(من از شما نمیخواهم که وجود ساسانیان یا اشکانیان و یا حتی دوره های اسلام قبل از صفویه و... را اثبات کنید، بلکه فقط این یک مورد را: این همه نواقص این معماری سنگی عظیم به چه معناست؟)

نویسنده: سهند

جمعه 2 اسفند1387 ساعت: 3:51

6- این را بدانید که بیشتر دوستانی که اینجا هستند مثل خود شما فریب خورده گان این تاریخ 80 ساله هستند، تاریخی سراسر فیلتر شده و مغرضانه و تاریک، ولی اینان توانستند بخاطر ذهن بیدار خود با دیدن کورسوی حقیقت، خود را به روشنایی برسانند. چرا دوست دارید خود را فریب بدهید، میدانم بسیار سخت است که انسان باورهای چندین ساله خود را خدشه دار ببیند، بخصوص برای ما اهالی کشور ایران که بسیار نژادپرست، متعصب، خود برتر بین، سطحی نگر، مرده پرست، رویایی و... هستیم. آخر کمی منطقی باشید، حتی اگر تاریخ ما تاریخی است که در این 80 سال گفته اند، باز چرا باید بر مردگان افتخار کرد، تاریخ تنها یک فایده دارد:
** بر تاریخ گذشتگان بنگریم و از آنان عبرت بگیریم**
حال اگر تاریخ درست باشد وای بر ما که پدرانمان آنهمه صلح دوست و بشردوست بوده اند و فرزندانشان بجای گفتار منطقی با پورپیرار با وی دشمن میگردند "پورپیران دشمن بگشت"، آنجاست که به حق گفته اند:
** گیرم پدر تو بود فاضل، ازفضل پدر تو را چه حاصل**
در آخر به شما توصیه میکنم، ار تاریخ عبرت بگیرید. بدون مطالعه و تحقیق نه چیزی را رد و نه تایید کنید، همانند کشیشان دوران گالیله نباشید که در مقابل حق ایستادند و رشد جوامعشان را صدها سال به عقب انداختند، ولی امروزه حرف گالیله است که به کرسی نشسته، نه ناحقان.

نویسنده: یکی

جمعه 2 اسفند1387 ساعت: 10:21

سهندجان تمام مطالب آقای پورپیرار نادرست و اشتباه است. شما هم بهتر است به آیین نیکوی آریایی برگردید.
اصولا پوریمی نبوده . پس ما چه هستیم؟ از نسل یهودیان؟
و دولت کبیر هخامنشیان و اشکانیان و ساسانیان افتخارات این سرزمینند و این اسکندر و عرب و مغول است که این کشور را به این روز انداخته اند. الان هم آخوند بازار شده.تا ما به آیین آریایی و سرزمین آرایی یعنی ایرنیم ویجه بازنگردیم اوضاع ما همین است. اصلا ما باید به همان سیبری برگردیم که هفت هزار سال پیش از آنجا به اینجا فرار کرده ایم. تازه اگر سیبری باشیم هم کلاهک اتمی داریم و هم حق وتو. این قدر درگیر زمستان تابستانی و تابستان جهنمی این سرزمین عرب زده نخواهیم شد. در سیبری در چله تابستان هم می توانیم آدم برفی بسازیم.
همه با هم اتحاد. امروز فقط بازگشت به سیبری.
من هم با ساسان پاپکان اصطغری موافقم. هغیغط حم حمین عست.

نویسنده: سهند

جمعه 2 اسفند1387 ساعت: 16:50

جناب یکی چنانچه من در مطالب قبلی گفته ام، اگر اشتباه جناب پورپیرار در مورد تخت جمشید را اثبات کنی که حرفی نیست، در غیر اینصورت بی خیال ساسان و اسکندر :-)

۱ ۲

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 200

ایران شناسی بدون دروغ 200، نتیجه، 8، نقش هلنیسم در هنر و آرایه های کلیسایی، 1 - 65 نظر

نویسنده: علی عرب

جمعه 2 اسفند1387 ساعت: 7:27

واقعا تحقیقتان عالی است به وجد می ایم .تمام کتابهایتان را خواندم .دست مریزاد.

وب سایت

نویسنده: عدنان

جمعه 2 اسفند1387 ساعت: 7:48

سلام
مثل همیشه زیبا بود
راستی مشکل تصاویر حل نشد؟

نویسنده: یک مسلمان

جمعه 2 اسفند1387 ساعت: 9:4

دست مریزاد استاد گرانقدر
در خصوص تشابهات زیاد زبان تورکی و ایتالیائی (بنا به ادعای برخی از کتب) ، اگر صحت داشته باشد ، چه میتوان گفت؟
حتی تشابهات بسیار زیادی بین زبان فنلاندی (خصوصا از نقطه نظر گرامر و آواشناسی) با زبان تورکی وجود دارد.
با توجه به شکل قیافه و رنگ پوست درصد بالائی از مردم تورکیه ، آیا میتوان گفت که اندک باقیمانده مهاجرت نکرده رومیان به مملکت واقعی خود ، بعدها با مهاجرت تورکهای آسیائی به تورکیه و ادغامشان در جمعیت مهاجر غالب ، تغییر زبان داده اند؟

به خاطر اینهمه اطلاعات ذیقیمت که بدون هیچ اجرتی در اختیار ما قرار میدهید، ابتدا از خدا و سپس از شما استاد عزیز تشکر میکنم.

نویسنده: محمد رضا

جمعه 2 اسفند1387 ساعت: 14:40

سلام.خسته نباشید.من چند روز پیش کتابی در رابطه با نظریات شما با نام کوروش و بابل خوندم.نظرتون در مورد این کتاب چیه؟آیا پاسخی هم به این کتاب دادین؟

نویسنده: ساسان

جمعه 2 اسفند1387 ساعت: 15:19

ای سهند نانیکو تبار و نانیکو گفتار و نانیکو نژاد. الان معلوم گشته میباشد که جنابالی از نژاد نیکوی آریایی نمیباشید و از نژاد نانیکوی ترکی می باشد و برای همین می باشد که گفتار نیکو نمی دارید. بنده فیلم نانیکوی پورپیران در در تارکده نیکویم چند بار نقد نمودم و همه آریاییان تایید نمودن که نقد بنده درست و راستین می باشد ولی پورپیران و پیروان نانیکویش جوابی به نقدهای بنده نمی داده اند چونکه جوابی نمیدارند. در ضمنا الان مدتی گذشته می باشد که پورپیران نبشته های خویشتن را زود بزود در تارکده نانیکویش منتشر می نماید و این نشان می نماید که پولهای تازیها و ترکها زودتر و بیشتری به دست وی رسیده میباشد و بنده کشف نمودم که جنابالی هم ماموریت میدارید پولهای بیشترینی به وی بدهید و برای همین می باشد که به این تارکده بیامدید. نفرین اهورامزدا و حضرت زرتشت ع بر جنابالی اگر توبه نمودن ننمایید. وقتی حضرت هخا بیایند چه جوابی بدیشان خواهید بدادن؟

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 2 اسفند1387 ساعت: 15:55

آقای سهند. برخی از دوستان، از جمله آقای ساسان و یکی، در سیمای دشمن مشغول تمسخر باستان پرستان اند.

آقای محمد رضا. به این لینک رجوع کنید
www.naria.ir/download/html.aspx?number=286
پاسخ مطالب همان جزوه است.

آقای یک مسلمان. حوصله کنید.

نویسنده: یکی

جمعه 2 اسفند1387 ساعت: 15:13

الهی جیز جیگر سیخی 500 تومن بگیرم اگر بخوام باستان پرستا رو مسخره کنم.
ساسان جان دم عیده و شب عیده و قیمت های جهانی سقوط کرده و ماهواره امید از افت قیمت در ایران شده ناامید.
ما آریاییان اصیل باید فکری بکنیم.این سهند همون کسیه که فکر می کنه ما نمی دونیم پول پانترکا رو میده به آقای پورپیرار.
من شنیدم که روسیه گاز اروپا رو هم تامین می کنه.بهتره برگردیم سیبری.
اونهایی که فریب خوردن و پوریم رو قبول کردن بفرمان که اگر این سرزمین خالی از سکنه بوده پس این کوه ها رو کی ساخته؟
معلومه. خشایارشا تصمیم گرفته به جای تخت جمشید کوچولو، کوه ها رو اختیار کنه و نام واقعیش هم حضرت داووده و دماوند هم مرکز حکومتش.
جنگل زیبای شمال رو کی ساخته؟
ملکه استر که معاون پادشاه و رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست اون موقع بوده.
درخت ها رو کی ساخته؟ مردخای که می خواسته چوبه دار کم نیاد واسه اعدام هامان و بر و بکس.
دره ها رو کی ساخته؟ آریو برزن که در مقابل اسکندر مقاومت می کرد. دره ها در حکم کوی و برزن این سرزمین هستند و آریابرزن نام واقعیست.
برای همه تون متاسفم. این ها مطالب سطح بالاییه که هر کس قادر به درک اونها نیست. حیف من که به شما ها بگم. فقط اونها که خون آریایی تو رگهاشون باشه متوجه می شن چی میگم.
توبه کنید که عحورامظدا بخشنده بزرگ است یا اینکه ثابت کنید حرفای من اشتباهه.
حتی جرات نخواهید کرد حرف های منو نقد کنید.

نویسنده: آمون

جمعه 2 اسفند1387 ساعت: 18:44

سلام
اگر مشکلی هست در وبلاگ آپ کنم حل شه.

نویسنده: طالب حقیقت

جمعه 2 اسفند1387 ساعت: 21:12

با سلام خدمت استاد و دوستان

گفته های ساسان بابکان و یکی واقعا جالب بود؛ مخصوصا آن قسمت "اصلا ما باید به همان سیبری برگردیم". طنز واقعی

همین است.خندیدن به دردهای گریه آوری که باستان پرستان به آن مبتلا هستند.
گفته های آقای سهند هم نشان از یک انسان منطقی و درست اندیش می دهد. از این جمله ایشان واقعا لذت بردم:
"تاریخ تنها یک فایده دارد:
** بر تاریخ گذشتگان بنگریم و از آنان عبرت بگیریم**
حال اگر تاریخ درست باشد وای بر ما که پدرانمان آنهمه صلح دوست و بشردوست بوده اند و فرزندانشان بجای گفتار منطقی با پورپیرار با وی دشمن میگردند"
و سلامی هم دارم به آقایان مسعودهای عزیز. اگرچه بعد از آشنایی با سخنان استاد، از اینکه به قومیت افتخار کنم توبه کرده ام.
ولی حق همسایه که واجب است.سلام به مسعود های عزیز و همه کوردهای این وبلاگ.
من خودم کوردم ، آقای پورپیرار می فرمایند که نسب کردها به اعراب و ... برمیگردد.
تحقیق کردم و دیدم که درست است.دوستی صمیمی هم دارم که تورک است(از ترکهای استان کرمانشاه) و در وجودش هیچ بدی ندیدم.فارسی هم بلدم.
پس هر کسی که نژاد پرست باشد،من یکی حق ندارم اینگونه باشم.
خدای من عادل است و هیچ انسانی را به بهانه آریایی یا ... بر دیگری برتری نمی دهد.
پس بیایید به یک چیز افتخار کنیم: آنکه بنده خداییم و خدایی به این مهربانی داریم.

نویسنده: ایلماز

جمعه 2 اسفند1387 ساعت: 21:24

با سلام
آقای آمون لطف کنید و هر مقاله ای که منتشر شد در وبلاگ خود آپ کنید!فکر نکنم مشکل عکس ها حل بشه!تی نی پیک را کاملا فیلتر کرده اند!!

نویسنده: زکی

جمعه 2 اسفند1387 ساعت: 22:32

آقای یکی. دریاهارو از قلم انداختی : پس دریاها رو کی ساخته ؟!!!

نویسنده: sadegh

جمعه 2 اسفند1387 ساعت: 22:42

سلام خدمت استاد گرامی ودیگر دوستان

مدتی بود امکان ورود به بلاگفا را نداشتم که با راهنمایی جناب آقای عابدی مشکل حل شد . جا دارد از ایشان تشکر کنم که ورود دوباره به این ساحت معزز را بر من میسر نمود.
خدا را شاکرم که بار دیگر در این محفل مبارک و میمون حضور دارم. خداوند این نعمت گرانبها را از ما نگیرید.
وخوشحالم از اینکه دوباره تابش آفتاب حقیقت وجودم را نوازش داده و این وجود عطشان با مقالات و نظرات دیگر دوستان گرامی سیراب میشود.

خداوند حامی وحافظ شما باشد.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 2 اسفند1387 ساعت: 23:13

آقای sadegh. دوستان از بازگشت شما شادمانند.

آقای محمد رضا. نمی دانستم نشادر آن مقاله این همه زیاد بوده است. راه علاج و ترمیم نسبی، تنقیه ی آب یخ است!!!

آقای طالب حقیقت. برای تان ای میلی فرستادم امیدوارم به کارتان بیاید.

نویسنده: یه نفر

جمعه 2 اسفند1387 ساعت: 20:2

نه خیر!
راهش شستوشو فراوان با محلول نمکی و بعد شیاف مسکنه!

البته بعضی ها باز می کنند و نگاه می کنند که زخمی نشده باشه که آنتی بیوتیک هم لازم بشه یا مثلا درمان های دیگه!!!
آب یخ خطرناکه حسن!!!!

خوددرمانی ممنوع!

نویسنده: mohammad

جمعه 2 اسفند1387 ساعت: 23:33

انگار باز قوم گراها هجوم آوردند به وبلاگ ناریا . بابا بسه دیگه . یکی میگه من ترکم یکی دیگه میگه من کردم ... اصلا به ما چه . مگه این جا چت رومه ؟!

تو تبریز "هویت طلبان" رو دیدم که در انتشار مستند با شکوه تختگاه هیچ کس از ما پیشی گرفتن. خیلی خوشحال شدم . اما وقتی گفتم اینی که میگه تخت جمشید نیمه کارست میگه بابک هم قلابیه !!! چه فحش هایی که نثار نکردند . چه خوب که نگفتم آقای صدیق رو هم نقد کرده !!

استاد خیلی مدیونتم. دوست دارم. دستاتو از اینجا ماچ می کنم.

نویسنده: محمود بجانی

شنبه 3 اسفند1387 ساعت: 7:38

با سلام
بالاخره تعداد مقالات روند شد - استاد ولی ما همچنان عکسهای درج شده را با توصیفات شما تصور می کنیم چون اصلا لود نمی شوند.

نویسنده: یه سوال

شنبه 3 اسفند1387 ساعت: 9:45

سلام
من مدتی است یه سئوال برام پیش اومده. تو قرآن کریم، سگ رو بر خلاف خوک ننوشته حیوانی نجس است . امروز هم فهمیدم فقط ما شیعه ها هستیم که سگ رو نجس می دونیم!!! و اهل تسنن چنین نظری نداره . البته اگر یکی از دوستان سنی این مورد را توضیح دهد که عالی می شود.

جالب است که یهودیا اعتقاد دارند ، سگ از غیریهودیان برتر است : دادن گوشت به سگ سزاوار تر از غیر یهودیست.

شاید هم یهود خودش با سگ مشکل داره اینطوری حکمشو وارد اسلام کرده.

نویسنده: باران

شنبه 3 اسفند1387 ساعت: 12:17

با سلام و خسته نباشید
بنده یک سوالی دارم که ذهنم رو مشغول کرده و نمی تونم درکش کنم.
طوفان حضرت نوح؟؟
می گن که کل دنیارو آب فرا گرفته(شدنیه؟ آثار بیولوژیکی زمین شناسی وغیره داره)
حضرت نوح این همه حیوان رو از کجا آورده؟ کجا جاداده؟ غذاشون چی؟ بعد از طوفان چی؟ حیوونا کجا رفتن؟ همدیگر رو نخوردن آبها کجا رفتنو سوالات دیگر.
اگر کسی جواب منطقی بده هم من راحت می شم وهم خودش یه ثوابی می بره.
در ضمن آقای پورپیرار نوکرتیم.

نویسنده: سهند

شنبه 3 اسفند1387 ساعت: 13:14

جناب ساسان پول خوب بدین باستان پرست هم میشیم، ما که رای انتخابات آینده مون رو هم همین الانش حراج میکنیم (-:

جناب mohammad مشخص هست که طرفداران اولیه و پذیرش کنندگان نظریات جناب پورپیرار بیشتر اقوام غیرفارس باشند،

چرا که زمینه مساعد را در این 80 سال فراهم کرده اند، در مورد اینکه تورکان بابک را که احتمالا همانند ساسانیان و ... وجود خارجی نداشته باشد، از 10 سال پیش بعنوان نمادی جهت مبارزه انتخاب کرده اند و با حضور بسیار گسترده در هفته دوم تیرماه در قلعه بز/بابک خواسته های بحق خود در زمینه های آزادی بیان/اندیشه/آموزش به زبان مادری/ریشه کن شدن تبعیض ها و... اعلان میدارند. در واقع بابک بعنوان سمبلی(هر چند اشتباه) برای اعتراض به ناعدالتی ها انتخاب شده است. درست است که شما با اظهار عدم وجود شخصیتی به نام بابک در طول تاریخ با عکس العمل بدی روبرو شده اید، ولی باید فراموش نکنید مردم ما در طول تاریخ یاد گرفته اند که دور شخصی یا اسطوره ای جمع گردند چه این شخص کوروش باشد و چه بابک، در آذربایجان بصورت خودجوش اکثرا بابک را جایگزین کوروش و داریوش کرده اند، و متاسفانه بخاطر نبود تریبون های آزاد و سازماندهی امکان اطلاع رسانی در این مورد به همین راحتی میسر نیست و بر ماست که با آموزش صحیح تاریخ و مخالفت با اسطوره پروری (چه داریوش باشد و چه بابک) این زخم عقده تاریخی را التیام ببخشیم

نویسنده: شابات

شنبه 3 اسفند1387 ساعت: 13:26

امروز چه سوتوکوره

نویسنده: حسینی

شنبه 3 اسفند1387 ساعت: 14:47

سلام استاد. خسته نباشید. آقای محمد! لطفا برعلیه هویت طلبان تبلیغات نکنید. شما حرف عوام را ملاک نگیرید. یک دانشجو یا مغازه دار احساساتی چه می داند تاریخ چیست و البته شک نکنید که درباره ی بابک هم اگر کار درخشانی مانند تختگاه هیچکس انجام شود تردید نکنید که آذرباجانی ها بدوبیراه نخواهند گفت چنانکه عقلای قوم در آذربایجان احترام خاصی به جناب پورپیرار قائلند از جمله بنده که کوچکترین عضو این مجموعه ام و از نزدیک افتخار آشنایی با استاد را دارم. آذربایجانی ها به استثنای عده ای محدود که عشق باستانند، وجود و حیات خود را نه آویخته به افسانه های باستانی بلکه بسته به وجود حقوقی و امروزی خویش می دانند و انشا' الله مثل همیشه آذربایجان در پذیرفتن حقایق از جمله تحقیقات جناب پورپیرار پیش گام خواهد بود/ سلامت باشید.

نویسنده: اترش

شنبه 3 اسفند1387 ساعت: 15:40

...و مشتی بر میز کوفت:
دین افیون توده هاست آقایان
تا بساط دین برپاست چطور می توانیم از مردم برای منافع مان سو استفاده کنیم.
و دیگرانی چند سر به تائید تکان دادند

وب سایت

نویسنده: mohammad

شنبه 3 اسفند1387 ساعت: 15:50

آقای سهند شما از طرفداران استاد آماری در دست دارید که می فرمایید : مشخص هست که طرفداران اولیه و پذیرش کنندگان نظریات جناب پورپیرار بیشتر اقوام غیرفارس باشند؟!!!

خانم حسینی باید دانسته باشید که کلمه آذربایجان هم از اختراعات! 150 ساله ی یهودیان است. بنده اکثر "هویت طلبان" را می شناسم و عقیده ی اکثر آن ها را در مورد مسئله پوریم می دانم ...

و یک سوال. خانم حسینی من درست نمیدانم هویت چیست که عده ای طالبش هستند؟!!! می شود راهنمایی کنید؟!

نویسنده: عدنان

شنبه 3 اسفند1387 ساعت: 15:56

سلام جناب یه سوال!
تا جایی که ما میدانیم سگ حیوانی نجس بوده و همیشه ما را از دست زدن و لمس آن شدیدا نهی کرده اند

نویسنده: :D

شنبه 3 اسفند1387 ساعت: 12:29

بابا این سپندارمذگان که حرف ذال عربی و پ مجهول توشه رو کردن منبع الهام غربی و میگن والنتاین رو از ما دزدیدن!! فقط در عرض 2 سال و از لج استاد پورپیرارا!
بابک که پشم شیشه است! این حرفا یعنی چی؟ شاباته، چیزی بهتون خوروندن؟

نویسنده: رضاصدیقی

شنبه 3 اسفند1387 ساعت: 16:24

با سلام و عرض ادب
بدین وسیله 32مین گفتار هنر وتمدن اقوام پراکنده ایران را با عنوان پروشیان ها2 تقدیم می دارم.

وب سایت

نویسنده: سجاد

شنبه 3 اسفند1387 ساعت: 16:45

با سلام و اجازه استاد
جناب محمد منظور جنابعالی از "ما"درجمله توتبریز دیدم هویت طلبان در انتشار مستند تختگاه هیج کس از ما پیشی گرفتند چیست نکنه خودت را صاحب این مستند می دانی یا بنیان اندیشی و مبارزه با دروغ را فقط سهم خودت می دانی احتمالا تو هم خودت را یک فارسی می دانی که برتر از اقوام دیگری حتی در حقیقت طلبی و مبارزه با دروغ
خواهش می کنم از بالا به هیچ کس و قوم و ملتی نگاه نکن همه بندگان خداوند هستیم

نویسنده: سعید

شنبه 3 اسفند1387 ساعت: 19:43

با آقای حسینی موافقم.

آقای پورپیرار با سلام و عرض خسته نباشید.
1- در سری مقالات ایران شناسی به مسئله عید نوروز نپرداخته اید و یا من متوجه نشده ام. قبل از آشنائی با جنابعالی، در مورد عیدنوروز بررسی هائی انجام داده ام ولی دریغ از اسناد معتبر و معقول! راستش را بخواهید الان سه چهارسالی است که بدلیل قانع نشدن در رابطه با اعتبار عیدنوروزِ، این عید را خیلی کم فروغ اجرا میکنم. آیا می توانم نظر قاطع حضرتعالی را در این باره جویا شوم.
2- تقاضای تسریع در به روز کردن مقالات این سایت وزین را نیز دارم. آیا برای شما امکان دارد این مقالات را دو بار در هفته منسر نمائید؟
و من الله التوفیق!

نویسنده: آمون

شنبه 3 اسفند1387 ساعت: 20:39

امشب آمون ضایع شد. پادیامون بزرگ و قهرمان زخمی شد و در مصر که معلوم شد همان چند هزار سال پیش هم کهنسال نامیده می شد، آمون پرستی از رونق و روغن افتاده.

زانوی غم اندر بغل است و فرق سرم هم کچل است. خدایگان آخن آتون فرمان ماشین را به یکتاپرستی چرخانده. چه فاجعه ای! حالا آقای پورپیرار می پرسد چطور دین این مردم این سرزمین تشیع شده است؟ باری وقتی پادشاه فرمان دهد، مکانیک ها هم آن را خودرو کار خواهند گذارد آن هم از نوع هیدرولیک. به همین سادگی، به همین بدمزگی. تغییر دین ساده تر و بی دردسر تر از تغییر خود نام است.

به خواست یهوه فردا عکس ها را u/l خواهیم فرمود پس امر نمایید در کدام سایت؟

?Geocities

?Tinypic

/http://uploadir.net

/http://irapic.com

/http://upload.iranblog.com

/http://www.uplod.ir

persiangig.com

parsatools.com

parsaspace.com

/http://www.theimagehosting.com : امکان آپلود عکس و فلش تا حجم 1 مگابایت.

/http://www.freeimagehosting.net: امکان آپلود عکس تا حجم 3 مگابایت

Xs.To : امکان آپلود عکس تا حجم 2 مگابایت و فایل های گیف تا 1 مگابایت

TinyPic.com : امکان آپلود عکس

/http://allyoucanupload.webshots.com : امکان آپلود عکس و تغییر سایز آنلاین جهت کم کردن حجم

thumbq.com : امکان آپلود عکس تا حجم 5 مگابایت

/http://night-skin.com

/http://www.turboimagehost.com

/http://www.turboupload.com

/http://www.fileden.com

تا همینجا کافیست!

به نظر خودم یکی از این دو تا بهتره:

/http://irapic.com

/http://www.uplod.ir

اگرچه ایرانی هستن ولی یحتمل نه فیلتر می شن و نه فیلتر و نه فیلتر!

من دیدم این ها راحت تر هم هستند.

سینوهه را خبر کنید تا دست پادیامون را سزارین کند. این هزار سیب هاخام بود که دست او را در حمله به سیلوها زخمی کرد. من که نتوانستم یاری دهم. یهوه یاری دهاد. ظاهرا هزارسیب هم ستاد سیمرغ دارد و وزارت اطلاعاتش کاملا فعال است. یعقوب هم جوجه کشی بنی اسراییل را در کنعانستان به راه انداخته، چرا آنها مسارکت نمی دازند؟

آنخماهو هم به عنوان اجرت، چند دانه گندم نشان وی خواهد داد.

آب یخ هم خوب است به شرطی که روی سینه ریخته شود تا جگر طرف خنک شود هر چند نمی شود!

نویسنده: مسلمان زاده

شنبه 3 اسفند1387 ساعت: 21:43

آقای محمد، هویت چیزی-ست که انسان ها را از هم جدا می سازد بر خلاف حقیقت که یکپارچگی می بخشد

نویسنده: sadegh

شنبه 3 اسفند1387 ساعت: 22:42

با سلام خدمت استاد گرامی و همه دوستان

دوستان گرامی برای مشاهده عکس ها می توانند به سایت
www.naria.ir

مراجعه کنند

نویسنده: سعید

شنبه 3 اسفند1387 ساعت: 23:2

در پاسخ به سوال یه سوال- شنبه ساعت 9:45
به چند سایت اهل سنت مراجعه کردم. برای نمونه به حکم زیر توجه فرمائید:
حيوانات نجس مانند سگ، خوک و هر آنچه از آنها بوجود مي‌آيد. همچنين هر پرنده يا چهارپايي که از جثه‌اي بزرگتر از گربه برخوردار باشد در زمرة اين گروه از حيوانات به حساب آمده، ادرار، مدفوع، آب دهان، عرق، مني، شير، قي (استفراغ) و آب بيني آنها نجس مي باشد.
البته نمی دانم این حکم کدام فرقه از برادران اهل سنت میباشد ولی ظاهرا از احکام شیعیان سخت تر است.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 4 اسفند1387 ساعت: 0:57

دوستانی که مشکل تصاویر را دارند، یا از کارت های اتصال online pars استفاده کنند و یا به سایت www.naria.ir بروند.

آقای طالب حقیقت. دوباره ای میل شد. دریافت آن را اطلاع دهید.

آقای سید خلیل حسینی. درخواستی از شما نرسیده است. لطفا آدرس خود را در کامنت خصوصی و یا به ای میل وبلاگ ارسال کنید تا برایتان بفرستیم.

آقای سعید. توضیحاتی در باب عید نوروز داده ام که با جست و جو در باکس سایت
www.naria.ir آن را پیدا کنید و البته در آینده نیز باز هم از آن خواهم نوشت. مختصر این که نوروز ما دقیقا با جشن پوریم یهودیان همزمان است و در واقع ما هم همراه یهودیان قتل عام بزرگ بومیان ایران کهن را چشن می گیریم!!!

آقای یک مسلمان. منابع شما برای همسانی زبان ترکی و ایتالیایی چیست؟!

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

یکشنبه 4 اسفند1387 ساعت: 1:31

با سلام،
یک اتفاق جالب. دیشب یکی از دوستان من که شخص وراجی هم هست پیش من بود. من هم سرم خیلی شلوغ بود و این دوست گرانقدر هم مثل رادیوی روشن داشت کنار گوشم حرف میزد و گویا قصد خوابید هم نداشت. برای اینکه صدایش را ببندم و به کارم برسم کتاب مصور کهن دیار که هنر ایران را از 7000 سال پیش تا پایان ساسانیان به تصویر کشیده بود به وی دادم و گفتم ببین چه هنر باحالی داشتیم. خلاصه سکوتی بر قرار شد و این دوست من نیم ساعتی سرگرم بود تا اینکه سوال زیبایی پرسید. با اینکه این بنده خدا در مورد تاریخ گچ را از زغال تشخیص نمی دهد، پرسید: چرا آثار معرفی شده از دوره ی اشکانی در این کتاب، همه یونانی هستند؟ حتی خطشون هم یونای هست و عکس شاهانشون. خلاصه زدم زیر خنده و گفتم ای کاش تو میشدی استاد تاریخ. لااقل همون چیزی رو که میبینی برای شاگردات میگی نه اون چیزی رو که کردن توی کلت.

وب سایت

نویسنده: reza

یکشنبه 4 اسفند1387 ساعت: 2:28

دوست گرامی سعید.
استاد پورپیرار در باب نوروز اشاراتی در یکی از کتب خویش که نقلی از ابوریحان بیرونی است آورده اند.به صفحه 19 کتاب دوم: برآمدن اسلام بخش سوم: بررسی اسناد و نتیجه مراجعه نمایید.
http://www.karangbooks.com/new/poli-3.htm

وب سایت

نویسنده: رضا

یکشنبه 4 اسفند1387 ساعت: 8:26

با سلام خدمت استاد محترم و دیگر دوستان
جناب مسلمان زاده جسارتا اجازه بدین بنده تعریف خودمو خدمتتون عرض کنم
به نظر من هویت یعنی اینکه بدانی که هستی ، از کجا آمده ای و به کجا میروی
آنچه را با نام فرهنگ و تمدن به خوردت دادن تا چه حدی دروغ است ، بنیان این دروغها از کجاست و به چه دردی خوردن .
این بزرگان قوم و دینی که ظاهرا میراث پدرانت هست ولی در اصل ترا به ارث برده،چرا و چگونه بزرگ تو شده اند، تو چه گرهی از کارشان باز می کنی و آنها چه دردی از تو دوا می کنند. وقتی همه اینها روتونستی به فهمی ، تازه به حقایقی مطلع مشی که کمکت می کنه برای پیوند و اتحاد با دیگر حقیقت فهمان و حق جویان.والا بدون اینکه خودتو بشناسی و بدانی هویت توچیه هرگز نمی تونی با کسی به اتحاد حقیقی برسی .

وب سایت

نویسنده: آمون

یکشنبه 4 اسفند1387 ساعت: 13:19

http://amun.blogfa.com/

199 و 200.

وب سایت

نویسنده: sadegh

یکشنبه 4 اسفند1387 ساعت: 14:47

با سلام خدمت استاد گرامی و دیگر دوستان

خدمت شما عرض شود که طی مراسلات بنده با آقای عابدی مبنی بر اضافه نمودن فایل صوتی به همراه فایل تکست کلام الله مجید در سایت ناریا(naria.ir) ایشان در خواست نمودند قاری قرآنی خدمتشان معرفی شود که بنده حسب اوامر ایشان ایمیلی در این خصوص ارسال نموده و بنابر ایشان این ایمیل را به این وبلاگ معزز انتقال می دهم تا استاد گرامی و دیگر دوستان مطلع و در این خصوص نظر دهند.

)) سلام آقای عابدی
بنده برای انتخاب قاری آقای عفاسی را برای تان لینک کردم لطفا چک کنید و
نظر استاد یا هرکس دیگر را که صلاح می دانید نیز بپرسید .
ایشان قرآن را با ترتیل وبا صدای گوش نواز قرائت می کنند که خشوع وخضوعی
خالصانه را برای شنونده به ارمغان می آورد .
اینهم لینک دانلود

http://download.quran.islamway.com/quran3/213/003.rm

سایت ایشان نیز در ذیل قید شده است.

)) http://www.alafasy.com

البته این را نیز خدمت آقای عابدی اضافه نمایم که تلاوت قرآن با صدای آقای عفاسی با فرمت mp3 نیز در همان سایت و کنارت فرمت rm موجود است اما فرمت rm حجم کمتری دارد و به نظر بنده برای سایت مناسبتر می باشد تا نظر حضرتعالی چه باشد.

در پناه حق باشید

نویسنده: آیدین یاشار

یکشنبه 4 اسفند1387 ساعت: 18:4

با سلام خدمت استاد و سایر دوستان
آنچه یک مسلمان به عنوان وجه تشابه زبان ترکی و ایتالیائی عرضه میکند، حاکی از آن است که نه ترکی را در حد ابتدائی میشناسد و نه ایتالیائی را. دیدن رابطه بین این دو زبان، همانا نوعی تخیل غیر خلاق است. خدا کند که نظریات استاد را با این روش نیاموزیم و گرنه سر از نا کجا آباد در خواهیم آورد. آقای یک مسلمان از من نرنجد، ولی تخیل، حتی از نوع خلاق هم حدی دارد.

نویسنده: اهتزاز

یکشنبه 4 اسفند1387 ساعت: 19:14

سلام، اهتزاز مهمان جدید
یکی از موضوعات مهم که همگان را به اشتباه انداخته حکومت رومی بیزانس است. در ترکیه و استانبول هیچ نشانه واقعی از حکومت روم شرقی در بیزانس وجود ندارد، بلکه این حکومت سلجوقیان رومی است. تمام ابنیه موجود در استانبول را که بیزانس رومی می شناسند مربوط به سلجوقیان روم می باشد. آنچه که از قرن های 12 و 13 میلادی از قبیله های سلجوقی و کشورهای کوچک می دانیم تا یک هزار سال پیش از آن هم همین بوده. تا آمدن استعمار همین سلجوقی ها بدون دست خوردگی باقی بودند. تفاوت و تغییراتی که داشتند مربوط به قبایل شرقی است که به سلجوقیان مختلف در تاریخ معروف شده اند و آنها زودتر مسلمان گردیدند، زیرا آنها در تکامل اجتماعی هنوز قبیله ای دینی بودند، سلجوقیان غربی در بیزانس دیر تر مسلمان شدند، چون آنها در دوره اجتماعی فئودالی نو پا زندگی می کردند، و پیرو کلیسایی بودند که با سایر متفاوت بود. در دروغ های تاریخی که استاد به ما آگاهی دادند، این سلاجقه روم را روم شرقی معرفی کردند، در واقع سلاجقه بیزانس یعنی همان هیتی ها پایه گذار حکومت اتروسک پدر روم ایتالیا بودند. هم چنین سلاجقه روم از پایه گذاران فرهنگ و تمدنی بودند که هلنیسم می گویند که از شرق آغاز شده بود، دلایل تاریخی آن خیلی ساده است.
از مشکلات زبان فارسی این است که اهتزاز را می توان 300 شکل نوشت.

نویسنده: ایلماز

یکشنبه 4 اسفند1387 ساعت: 19:23

با سلام
استاد آیا کتاب یا منابعی در باب تمدن های ماقبل هخامنشیان برای شناخت بهتر آنها سراغ دارید؟!

نویسنده: عابدی

یکشنبه 4 اسفند1387 ساعت: 22:25

آقای صادق سپاسگزارم. در فرمت mp3 با اختیار m3u نیازی به برنامه ی RealPlayer نیست.

موفق و موید باشید.

* برای ساخت یک فایل m3u آدرس اینترنتی یک فایل صوتی ام پی تیری را در notpade وارد کرده و با فرمت m3u ذخیره کرده، سپس آن را با media playe باز کنید.

نویسنده: توحید

یکشنبه 4 اسفند1387 ساعت: 20:21

با سلام

از کلیه دوستان بنیان اندیش در خواست دارم اگر می توانند در بحث وبلاگ زیر که حول و حوش مشکلات جنسی جوانان کشورهای اسلامی هست بخصوص ایران شرکت نموده و نظرات بنیانی خود را ارائه دهند . (بخصوص آقای جامعه شناس)
پیشاپیش از حضور شما متشکرم

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 5 اسفند1387 ساعت: 0:11

آقای بی نام. شادمان و سلامت بمانید و از ثمر کارهای تان راضی باشید. به هر ترتیب که صلاح بدانید آماده ی خدمتم.

آقای ایلماز. کتاب 7000 سال هنر ایران تا حدودی پاسخ شما را می دهد و نیز چند یادداشت در همین وبلاگ در این باره موجود است.

آقای اهتزاز. این انواع سلجوقیان از آسمان آمده اند؟!!

آقای sadegh. لینک استاد عفاسی تا 98 درصد پیش می رود و سپس متوقف می شود.

نویسنده: یکی

یکشنبه 4 اسفند1387 ساعت: 20:48

توحید جان امیدوارم وبلاگ خودت نباشه!
تو این سرما آدم رو می فرستی فریزر؟!
اگر مال خودت نیست وقتتو تلف نکن! آدرس اسلام و شمشیر رو بهش بده و برو. حله!

نویسنده: محسن حسینزاده

دوشنبه 5 اسفند1387 ساعت: 1:14

با سلام خدمت همه.
زبان تورکی ریشه و پایه تمام زبانهای دنیاست. در حقیقت اگر بخواهیم زبان اولیه ای را که انسانها مثلا در دوران انسان های موسوم به نئاندرتال بدان تکلم شده بازسازی کنیم، در واقع به زبانی دست میابیم که به تورکی بسیار شبیه است.
اکثر مردمان باستان به زبان و گویشهایی که باتورکی خویشاند هستند تکلم نموده‌اند، از سومریها و ایلامیها گرفته تا سیمریها و سیتها، آکادیها، مصریها و قاجارها.
زبان تورکی بسیار باستانی است و تاکنون جایزه‌های فراوانی برده است و در برخی منابع به عنوان سومین زبان زنده دنیا شناخته میشود.

نویسنده: یکی

یکشنبه 4 اسفند1387 ساعت: 23:7

نویسنده: محسن حسینزاده
دوشنبه 5 اسفند1387 ساعت: 1:14
با سلام خدمت همه.
زبان تورکی ریشه و پایه تمام زبانهای دنیاست. در حقیقت اگر بخواهیم زبان اولیه ای را که انسانها مثلا در دوران انسان های موسوم به نئاندرتال بدان تکلم شده بازسازی کنیم، در واقع به زبانی دست میابیم که به تورکی بسیار شبیه است.
اکثر مردمان باستان به زبان و گویشهایی که باتورکی خویشاند هستند تکلم نموده‌اند، از سومریها و ایلامیها گرفته تا سیمریها و سیتها، آکادیها، مصریها و قاجارها.
زبان تورکی بسیار باستانی است و تاکنون جایزه‌های فراوانی برده است و در برخی منابع به عنوان سومین زبان زنده دنیا شناخته میشود.

دقیقا همین طور است. همین طور که می بینید تمام این متن به زبان شیرین ترکی است و فقط ترک ها می توانند این متن را بخوانند و فارس زبانها حتی یک کلمه از این متن را نمی فهمند.
محسن- حسین- زاده هر سه کلماتی ترکی هستند.
بر این اساس خداوند نه به دل خوشی شیعه که جهان را برای گل روی ترکان آفریده است! هرکسی که نمی تواند تشخیص دهد که حافظ اسد و حسنی مبارک هر دو از ترکانند پس علم ترک شناسی نمی داند.... !

نویسنده: ج

دوشنبه 5 اسفند1387 ساعت: 7:14

سلام
نتوانستم وارد سایت ناریا شوم مشکلی ساخته اند؟

وب سایت

نویسنده: رضا

دوشنبه 5 اسفند1387 ساعت: 7:53

با سلام خدمت استادمحترم و دیگر دوستان
جناب محسن حسین زاده با توجه به اینکه هرکسی آزاد است هرچه دلش میخواهد بیان کند اجازه بدهید عرض کنم شما یا یکی از آن باستان پرستان فارس یا ترک یا... هستید که هنوز توان درک برابری فرهنگ و تمدن انسانها را ندارید و یا یکی از دوبهم زنهای بسیار محترم!! که باز هم با پرتاب چنین کامنتهایی در حال ایجاد جو آشوب مابین خوانندگان و دورکردنشان از حقایق تاریخ هستید. در هردو صورت خداوند هدایتتان نماید.دوستان ملاحظه می کنند که برخی از ما بلافاصله آماده جهش در چنین دامهایی هستیم! تقدم تاریخی وجود گویندگان یک زبان فقط موجب افزایش وسعت ادبیات آن زبان بوده و هیچ وجه برتری یا افتخاری خاص بهمراه نمی آورد.

وب سایت

نویسنده: مسعود

دوشنبه 5 اسفند1387 ساعت: 10:58

وقت شما بخیر استاد گرامی.

لطفا" اگر وقت داشتید این چند لینک را که حاوی تصاویری از کلیساها و پلهای باصطلاح قدیمی بیزانسی درایران ترکیه و ارمنستان میباشند ملاحظه بفرمایید .
بنظر میرسد این مطلب قضاوتی سطحی باشد اما نظر من اینستکه شرکت چند منظوره "عثمانی" علاوه بر ایجاد پل جهت پر کردن خلا تمدنی در ترکیه یکی از پروژه هایش احداث کلیسا به سبک بیزانسی در شرق آناتولی و ارمنستان و شمالغرب ایران بوده است تا تئوری وجود بیزانسیان موهومی و مسیحی بودن کل آناتولی و یورش مسلمانان عثمانی موهومی تر و قتل عام خیمه شب بازی گونه مسیحیان بدست مسلمانان بیشتر به واقعیت نزدیک شود !!!

http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/d/d0/Qara_kelisa_iran.jpg

http://static.panoramio.com/photos/original/580159.jpg

http://lh3.ggpht.com/bilinski.adam/RteRm2ugbOI/AAAAAAAAAlA/Oc9PG-pBjnk/37%20Kars%20-%20kosciol%20Apostolow%20X.jpg

http://www.edwebproject.org/anatolia/images/ani.church2.jpg

http://www.virtualani.org/gez/img_019854.jpg

http://i.pbase.com/u44/helenpb/upload/40271718.WaterUndertheBridge.JPG

http://static.panoramio.com/photos/original/5205781.jpg

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ 200، نتیجه، 8، نقش هلنیسم در هنر و آرایه های کلیسایی، 1 - 65 نظر

نویسنده: طالب حقیقت

دوشنبه 5 اسفند1387 ساعت: 12:59

سلام استاد
ممنونم
نامه شما را که به ایمیل یاهوی اینجانب فرستاده بودید دریافت کردم.
با سپاس مجدد

نویسنده: اهتزاز

دوشنبه 5 اسفند1387 ساعت: 14:53

2 ـ برای اینکه تفاوت سلجوقیان شرقی و غربی را بدانیم باید به جامعه آنها باز گردیم، در کتاب های تاریخ که بخورد ما داده اند، سلجوقیان مختلفی در شرق می شناسیم، مانند، سلاجقه کرمان، سلاجقه غور، سلاجقه خوارزم، سلاجقه خانیان، سلاجقه غز و ده ها نام دیگر، که در واقع اینها در دوران قبایلی زندگی می کردند، ولی سلاجقه روم در دوران جلوتر یعنی فئودالی بسر می بردند، این اختلاف مهم تمدن قبایلی و فئودالی برای دروغ نویسان تاریخ غیر قابل درک بوده است.
سلاجقه روم بدلیل کبود سرزمین عشایری و قرار داشتن در اروپا و میان قبایل بدوی اسلاو از رومیان یاد گرفته بودند که تیول واگذار کنند و بدین ترتیب در هزاره اول میلادی پایه فئودالی را گذاشتند که بدلیل اختلاف با شرق عقب مانده تر قبایلی، آنها به روم شرقی معروف شدند. ده سال پیش که هنوز با استاد بزرگ و توانایی ها سبک او در افشا گری آشنا نبودم چندین بار به استانبول رفتم و در آثار تاریخی و موزه ها بدنبال روم شرقی گشتم و هیچ چیز مهم از رومیان شرقی که دلیل بر حکومتی 800 ساله باشد نیافتم، و تحقیق نتیجه نداشت، اشخاصی که در استانبول هستند این تحقیقات را انجام دهند.

نویسنده: آیاز

دوشنبه 5 اسفند1387 ساعت: 15:16

آقای رضا. این آقای محسن حسین زاده همان آقای ساسان می باشد که با پرت و پلا بافی و نسبت دادن آنها به تورکها، قصد فراهم کردن زمینه استهزا و تحقیر ومخدوش کردن چهره بسیاری از مبارزان و حق و حقیقت طلبان تورک را دارد

نویسنده: مهران حقیقت

دوشنبه 5 اسفند1387 ساعت: 16:39

دوستان بنیان اندیش بخوانند:

تاج و تخت حضرت سلیمان و معجزه پوریم

در سال 3392 عبری (حدود 2378 سال قبل) زمانی که خشایارشاه خود را پادشاه ایران اعلام کرد، مصمم به استفاده از تاج و تخت تصرفی حضرت سلیمان شد. چرا که عظیم‌ترین تاج و تختی بود که تا آن زمان پادشاهی بر آن جلوس کرده بود.
اسکلت آن از عاج ساخته شده بود و با روکش طلا و انواع جواهرات (یاقوت، فیروزه و زمرّد وسنگ‌های قیمتی) مرصع شده بود. این جواهرات و سنگ‌های قیمتی، روی اوراق طلا به نحو بسیار دلربایی به رنگ‌های متنوع، مشعشع بود.
به محض آن که حضرت سلیمان اولین پایش را روی اولین پله قرار می‌داد، گاو و شیر طلایی، هر یک، یکی از پاهای خودشان را دراز می‌کردند، تا پادشاه بتواند بدون زحمت به روی پله دوم قرار بگیرد و به همین ترتیب تمام حیوانات در هر پله به نوبه‌ی خود این عمل را انجام می‌دادند. بعد از آن، بلافاصله یک عقاب طلایی، تاج عظیم و سنگین را پیش آورده روی سر حضرت سلیمان نگه می‌داشت تا سنگینی تاج حضرت سلیمان را آزار ندهد.!

بقیه مطلب و شرح مهندسی معکوس ساخت تخت فوق به دست خشایارشاه در:
http://www.iranjewish.com/Essay/Essay_34_poorim.htm

نویسنده: مهران حقیقت

دوشنبه 5 اسفند1387 ساعت: 16:43

جناب آقای دهقانی (از شیراز)

تا دو هفته دیگر به دلیل مشغله شخصی نمی توانم مطلب را برایتان آماده کنم.
در اولین فرصت ممکن ضمن تهیه گزارشی از ایمیل و پاسخ تاریخ نگاران هخامنش شناس اونور آب برایتان مطالب جدیدی را ارسال خواهم نمود.

با احترام

مهران حقیقت

نویسنده: yeki

دوشنبه 5 اسفند1387 ساعت: 16:25

http://www.tanziran.com/wp-content/uploads/2009/02/tanz-mah-asal.jpg

این سلاجقه همون جغجغه های قدیمی هستند که به مرور برای سلام کردن به این و اون به عنوان عروسک خیمه شب بازی به کار می رفتن و بعد فئودال و تئودال و زباله و آشغال به کار می رفتن.
مدل های شرقی از امریکا و مدل های غربی از آلمان شرقی وارد می شدند. مرگ بر امریکا و آلمان شرقی و این اون و اون یکی و اونی که پشت اون قائم شده وخلاصه مرگ بر خیلی ها. از هر کی خوشتون نیومد به مرگ بر جلوی اسمش بذارید، به قول اون یارو تو فیلم فرش باد:
حلس!
(halles)

نویسنده: مارلیک

دوشنبه 5 اسفند1387 ساعت: 20:21

رحلت آخرین فرستاده خداوند و پیام آور صلح و منجی دوران و تنها کسی که به مقام صلوات رسید بر مسلمین و یکتا پرستان جهان خصوصا استاد و اهالی این وبلاگ تسلیت باد.

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (الأحزاب 56)

نویسنده: آیدین یاشار

دوشنبه 5 اسفند1387 ساعت: 20:25

مسأله قومیت را ظاهرا در پرتو نظریات استاد آنچنان مغشوش کرده‌اند که تشخیص سره از ناسره اینک مستلزم پژوهشهای تخصصی پیچیده‌ای شده است. در این بین بعضی آریائیست ها هم به نهضت «نفی قومیت پرستی» پیوسته‌اند. کار این گروه شبیه سیاست آمریکا مبنی بر منع گسترش سلاحهای هسته‌ای است. آمریکا با داشتن زرادخانه هسته‌ای گسترده، واقعا هم کاملا صادقانه طرفدار منع گسترش سلاحهای هسته‌ای است، اما آنچه جهان بدان نیاز دارد، محو سلاح‌های هسته‌ای است. به همین ترتیب هم، آریائیست های ما میکوشند برای حفظ تسلط فرهنگی و زبانی خود، قومیت پرستی را محکوم کنند. البته در نهایت نیز منظورشان نفی قومیت پرستی همه اقوام غیر از خودشان است. قطع نظر از این دوز و کلک رذیلانه، باید بگویم که علاقه به قومیت و حفظ و اشاعه آن برای همه اقوام، از جمله فارسها ضروری است. تنها قومیت گرائی افراطی و تبدیل مقوله قومیت به ایدئولوژی یا مذهب و بخصوص تقابل قومیت با اسلام است که از نظر من محکوم است. اسلام رکن عمده از ارکان هویت ملی همه اقوام این کشور است و تا جائی که من دیده‌ام و درباره اش تردید نمیکنم، ایدئولوژی آریائی و فارسگرائی افراطی با تکیه بر باستان پرستی و ادیان شرک آلود، در تقابل با اسلام قرار میگیرند. این تقابل ضمن ضدیت با زبان عربی و ارزیابی دین شریف اسلام و قرآن متین (نعوذ بالله) به عنوان «ارمغان یک مشت عرب پابرهنه» جاهلیت شرک آلود خود را به اوج میرسانند. همطراز دانستن این نوع قومیت گرائی با قومیت گرائی سالم در چهارچوب هویت اسلامی نوعی بی انصافی ظالمانه است که باید با آن مقابله نمود. هیچ یک از قومیت گرائیهای این کشور غیر از فارسگرائی افراطی در تقابل با اسلام نیست.

نویسنده: reza71

دوشنبه 5 اسفند1387 ساعت: 20:26

جناب عابدب سلام
بنده قرائت کامل قرآن با صدای جناب الافاسی را با فرمت mp3 و با بیت ریت 40 کیلو بیت بر ثانیه دارم. قرائت به تفکیک آیات است. یعنی هر آیه یک فایل جداگانه است و "بسم الله الرحمن الرحیم" و "اعوذ بالله من الشیطان الرجیم" نیز هرکدام یک فایل جدا هستند. اسم فایلها نیز عددی شش رقمی است که سه رقم اول شماره سوره و سه رقم بعدی شماره آیه است.(مثلاً 028004 یعنی سوره 28 ام آیه چهارم).
اگر مناسب است بفرمایید تا در سایت آپلود نمایم.

نویسنده: یک مسلمان

دوشنبه 5 اسفند1387 ساعت: 23:5

استاد گرانقدر و یاران عزیز، سلام
مطابق مطالعات قبلی ام ، مطلبی را بیان کردم که پس از تحقیق و تفحص دریافتم که منبع تمام این نظریات کتب باستان پرستان تورک زبان یوده است که تمام این کتب یک ریال هم نمی ارزند. از اینکه بدون تحقیق مجدد و صرفا بر اساس مطالعات زمان گمراهی ؛ سخنی گفته ام از شما و دوستان و خصوصا خداوند منان طلب عفو دارم.
از دوستانی که فریب برخی عناصر آشوب گر را خورده و سریعا با احساسات بیمورد عکس العمل نشان میدهند، استدعا دارم تا به عنوان این سایت توجه کنند که ما را به صبر و حق وصیت میکند لذا با ابراز واکنش تند باعث رنجش خاطر یاران این مکتب با شکوه نشوید زیرا همه ما در سطوح مختلف شاگرد این کلاسیم . بیائید با هم صمیمی تر و مهربان تر باشیم.

نویسنده: ی

دوشنبه 5 اسفند1387 ساعت: 23:10

داستان بسته شدن سایت ناریا گرچه تازه است اما تکراری است !!!!

نویسنده: یک مسلمان

دوشنبه 5 اسفند1387 ساعت: 23:18

جناب یکی
شما به چه وسیله ای در روز یکشنبه 4 اسفند ماه از پیام دوشنه 5 اسفند ماه جناب حسین زاده باخبر شدید و احساس

مسئولیت کردید که قبل از طرح نظر آقای حسینزاده (شاید از طریق تله پاتی) ، پیشدستانه جوابی دندان شکن برای ایشان بفرستید؟
مطمئن باشید یا رویه ای که شما در پیش گرفته اید کاری جز پراکنده کردن مراجعان به این وبلاگ از شما بر نمی آید
خواهشا ادای آقای میثم را در نیاورید که در واقع آقای غفوری در پشت این نام مشغول نصیحت کردن دیگران بودند و نتیجه اش آن چیزی نبود که قصد و نیت یک بنیان اندیش است.

نویسنده: عابدی

سه شنبه 6 اسفند1387 ساعت: 1:23

سلام

رضای عزیز در فکر چنین ایده ای بودم ولی بدون این پارتیشن بندی امکان پذیر نبود. گویا پهنای باند چند گیگابایتی سایت تمام شده است. اگر ممکن است مستند تختگاه هیچ کس به زبان انگلیسی را از استاد تهیه کنید. گرچه زحمت است اما پس از باز شدن سایت به سلیقه ی خود با ایجاد فولدر های مناسب هم مستند و هم فایل های صوتی را در سایت آپلود کنید.

ضمنا دیتابیس قرآن کریم را از سایت تنزیل دات اینفو برداشته ام.

امیدوارم استاد گرامی وقت برای ترجمه ی قرآن کریم را داشته باشند ان شاء الله.

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 6 اسفند1387 ساعت: 10:4

آقای عابدی. خسته نباشید و انشا' الله به زودی و در سال جدید.

آقای ی. سایت ناریا به زودی باز می شود. مشکل اداری است.

آقای آیدین یاشار. تقاضای برخورداری از حقوق در جهان تصویب شده ی قومی، قوم پرستی نیست، با این تذکر که مبارزه برای کسب آن یک فعالیت لجوجانه و صبورانه ی فرهنگی است و نه بهانه ای برای دامن زدن بر عصبیت های قومی.

آقای مارلیک. متقابلا بر شما و تمام مسلمین تسلیت باد. و یادآوری کنم که این قید شما که "تنها کسی که به مقام صلوات رسید" نادرست است.

آقای بی نام. از این منظر به قضیه نگاه نکرده ام. ضمنا از چنین مباحث جدل برانگیز اصطلاحا حوزوی در قرآن جز به صورت اشارات کلی خبری نیست. به اضافه ی این که از بنیان یافته های شما و ادله ی مربوطه بی خبرم.

نویسنده: حسینی

سه شنبه 6 اسفند1387 ساعت: 15:3

با سلام خدمت استاد.
آقای محمد! من آقا هستم نه خانم. هویت خودتان اگر مشکل دارد به ما ربطی ندارد. من اهل عناد نیستم ولی گنده گویی نکنید لطفا اسناد و منطق خود را درباره ی یهودساز بودن نام آذربایجان ارائه کنید وگرنه آزادید که بگویید اصلا دنیا را یهود آفریده است!!! اگر جناب پورپیرار ادعایی می کند آنرا مورد بحث گذاشته و دلایل و شواهد عرضه می کند و شما هم الکی دچار توهم خودبزرگ بینی و فتوا دهی نشوید: از قیاسش خنده آمد خلق را کو چو خود پنداشت صاحب دلق را...

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 201

ایران شناسی بدون دروغ، 201، نتیجه، 9، نقش هلنیسم در هنر و آرایه های کلیسایی، 2 - 79 نظر

نویسنده: بی نام

سه شنبه 6 اسفند1387 ساعت: 9:56

استاد عزیز اگر صلاح دانستید پیشنهادات زیر را به رای ونقد دوستان بگذارید.

سلام بر استاد بزرگوار و تمامی دوستان

بی شک گفتارهای استاد بزرگ ما مشت پنهانکار متقلبان تاریخ را که با صحنه آراییها فریبکارانه دربسط سیطره اقتصادی,فرهنگی,نظامی و... با اتکا به تجربیات برتری طلبی های قومی وقبیله ای جسته گریخته و متفرق در جای,جای زمین وزمان دراین چهار صد,پانصد ساله اخیر با یک دگر دیسی آرمانی مذموم وخیزشی همه جانبه به یک حرکت جهانی یهود تبدیل شده را باز نموده است.آگاهی از اندیشه های متعالی استاد حق تمامی انسانهاست از دوستانی که آدرس اینترنتی متولیان نهادها وسازمانهای مقوم نظام اسلامی در ایران را دارند یا توانایی یافتن آدرس ها را دارند انها را ارائه دهند تاماو دوستان با ارسال پیام خواستار حضور استاد در رسانه های جمعی و بیان دیدگاههای نوین خود از وسایل ارتباط جمعی

باشیم.
مطلب بعدی اینکه فکر می کنم در مقطع کنونی سمعه استاد در جایگاهیست که با کمی تلاش دوستان در استانها و جمع آوری تومار وتقدیم ان به نمایندگان شهرهای مختلف بتوان از این طریق نیز اهرمی برای ایجاد یک تریبون عمومی نیز بوجود آورد.
در سالی که در حال طی روزهای آخرین آن هستیم هدف را بر تبلیغ ونشر گذاردیم اگر استاد اجازه فرمایند بخشی از هدف گذاری برای سال آتی را تلاش برای وادار کردن مسئولین هدف جهت دعوت از استاد و حضور ایشان در جایگاههای عمومی خطاب باشد.

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 6 اسفند1387 ساعت: 10:22

آقای بی نام. ضمن تشکر از مراحم و درشت نمایی های شما در باب این حقیر ناچیز، به جد می گویم که دستگاه فرهنگی و اداری این جمهوری را در سرپیچ های تعیین کننده، غالبا روشن فکران رنگ عوض کرده و ریش گذارده ای می گردانند که از سالیان دور مابین بنده و آنان به جهات گوناگون شکرآب بوده و حالا پس از این مباحث نو دیگر کار به دشمنی و از نوع خونی آن کشیده است. از طرف دیگر در میان آنان، که اینک شارحین و حتی برنامه ریزان مسائل فرهنگی کشورند، کسی را در قامت درک این مباحث بنیانی نخواهید یافت. اگر خدا بخواهد به زودی محصول زحمت استاد غفوری نازنین در باب طوفان نوح آماده و بر مستند تختگاه افزوده می شود. اگر صرفا و انحصارا خواهان اظهار نظر در باب همین دو مستند و ایضا مطالب کتاب اسلام و شمشیر شویم خدمت ملی و منطقه ای بزرگی انجام شده است و البته در همین حد هم به کار جمعی پی گیرانه و مخلصانه و استعانت الهی نیازمندیم. مختصر پاسخی به سئوالات کمر شکن جناب عالی در باکس کامنت یادداشت قبل گذارده ام. نشریه هم مبارک است.

نویسنده: بی نام

سه شنبه 6 اسفند1387 ساعت: 10:23

با عرض پوزش لطفا" جمله "....خواستار حضور استاد در رسانه های جمعی و بیان دیدگاههای نوین <خود> از وسایل ارتباط جمعی باشیم."

به"خواستار حضور استاد در رسانه های جمعی و بیان دیدگاههای نوین < ایشان> از وسایل ارتباط جمعی باشیم"

نویسنده: !!

سه شنبه 6 اسفند1387 ساعت: 10:55

با سلام
آقای ... اگر بر صندلی ریاست نشستید آیا ما شاهد پخش مستند تختگاه هیچ کس و طوفان نوح از تلویزیون خواهیم بود؟!!!
آیا استاد را به برنامه ای دعوت خواهید کرد تا نظرات بنیان شناسانه خود را به گوش همه مردم برسانند و رو در رو با مدعیان به بحث بپردازند؟!!
انگشت دستش را میبینم که به سمت دیگری اشاره میکند و میگوید شما آقای محترم سئوال خود را مطرح کنید!!!!!

نویسنده: سهند

سه شنبه 6 اسفند1387 ساعت: 12:16

به نظر من بهترین کار اینست که سعی گردد جوامع فرهنگی و دانشجویی نخبه جذب این مباحث گردند، در واقع باید تبلیغات هدف دار صورت گیرد، بخصوص باید از تبلیغ نظریات در میان افرادی که عقده تاریخ دارند، به جد پرهیز و سعی گردد افراد علاقمند به هویت و تاریخ، فلسفه و... با نظریات نوی تاریخ شناسی استاد آشنا گردند، چرا که اینچنین افرادی اگر بتوانند تعصب را کنار بگزارند، حتما به پایگاه جدید اطلاع رسانی تبدیل خواهند شد و خواهند توانست حقیقت را بین همه اقشار (بویژه عموم که دسترسی به کتاب و اینترنت ندارند و یا اصلا حوصله مطالعه ندارند) ترویج دهند.

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 6 اسفند1387 ساعت: 13:4

آقای reza71. اگر ممکن است قبلا با تلفن تماس بگیرید. سی دی ها را به نام خودتان در مغازه خواهم گذارد.

آقای سهند. اشکال کار در همان "اگر بتوانند تعصب را کنار بگذارند" است. آنان نه تنها از بابت تعصب بل به خاطر دکان هایی که باز کرده اند تا آن جا که بتوانند در برابر داده های تاریخی جدید خواهند ایستاد. مشکل ما مردم و حتی عوام نیستند

دشمن اصلی مستند تختگاه آن استاد دانشگاه و محقق پرآوازه ای است که پیش تر از روی نفخ شکم تالیفاتی در باره ی اهمیت و شکوه تخت جمشید نوشته است.

نویسنده: بی طرف

سه شنبه 6 اسفند1387 ساعت: 13:14

با سلام.

وبلاگ دروغ بزرگ با (جورچینی های مضحک (2)) در خدمت جویندگان حقیقت.

وب سایت

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

سه شنبه 6 اسفند1387 ساعت: 13:43

سلام مجدد. در باب تعصب و اساتید دانشگاه من کاملا حرف جناب پورپیرار را قبول دارم.
به نظر من چشم مردم عادی بهتر می تواند حقایق نیمه کاره ماندن تخت جمشید را درک کند تا متخصصین. جالب است که کسانی که در این امر بسیار نوشته اند از زیر دعوت من به دیدار حضوری از تخت جمشید جواب منفی میدهند، اما چند روزی ست که تیمی از دوستان که فیلم تخت گاه را دیده اند پوست من را کنده اند تا با آنها به تخت جمشید برویم و در مورد نیمه کارگی آنجا صحبت کنیم. حالا به نظر شما کدام یک راحت تر این واقعیت را خواهند پذیرفت؟ به گفته ی استاد، تبلیغ نفر به نفر بهترین راه است تا کم کم این تابو شکسته شود. در آخر پیشنهاد خوب جناب اتفاق را تکرار می کنم که گفته بودند هر کسی یک یا چند وبلاگ راه اندازی کند و نوشته های استاد را در آن کپی کند و بعد آدرس این وبلاگ را بدهد. من فکر می کنم که انجام چنین کاری بیش از 2 الی 3 ساعت طول نکشد. بگذارید این هجوم از همه جانبه باشد.

نویسنده: یکی

سه شنبه 6 اسفند1387 ساعت: 14:23

البته شما شکست خواهید خرد!
حق پرستان در همه جا مانع از انتشار دروغ های ضد آریایی هستند. اگر این حرف های دروغ شما بین مردم پخش شود آن وقت برادران یهودی باید به بیابان های سوزان مصر برگردند که تف تو دهن آدم بخار می شه و ما نژاد برتر هم به سرزمینهای منجمد سیبری برگردیم که تف تو دهن آدم یخ می زنه که اصلا برای ما دوست داشتنی نیست! فعلا که هر دو در سرزمینهای معتدل و روی نفت و انرژی لم داده ایم! شما خودتان اول! جای ما که عالیست.
در ضمن بلاگفا عرضه نداره ساعت منو تشخیص بده به من چه؟
به همین دلیل بر اساس ترتیب اراسال به سایت نشون داده می شه و نه زمان خود کامنت.

نویسنده: Midas

سه شنبه 6 اسفند1387 ساعت: 14:38

با سلام خدمت همه،

سایت Naria.ir غیر فعال است آیا راهی هست که بتوان ویدئوهای با زیر نویس انگلیسی را دانلود کرد؟

ممنون.

نویسنده: آمون

سه شنبه 6 اسفند1387 ساعت: 14:41

سلام
آمون بزرگ در خدمت بی عکس ماندگان!
لطفا اگر اون وبلاگ مفیده به من بگید وگرنه اگر تعداد کم باشه ترجیح می دم که با ایمیل مطلب رو به آفراد مشکل دار بفرستم.

amun.blogfa.com

وب سایت

نویسنده: سینا

سه شنبه 6 اسفند1387 ساعت: 14:57

آقای !!
سلام علیکم

بی شک آینده از ان ماست ودور نیست انچه را که فرمودید.
کدامین اندیشه و تمنا را ناب تر وارزشی تر ازاندیشه اسلامی و تمنای وحدت اسلامی چماعت بنیان اندیشان میدانید؟اینان که از ملیت های فارس وترک ولر وکرد وعرب و....حول محور اسلام و منکرشقاوت قوم گرایی گرد هم امده اند ورو'یایی جز وحدت اسلامی ندارند لیاقت تکیه زدن به هر مسندی را دارند هر چند حالیه گرفتار نکبت رنگ وریای به قول استاد دکان دارانند.امروز در حوزه های شخصی وفردی وفردا از مناسب حکومتی ندای وحدت افزای بنیان اندیشی را ابلاغ خواهند کرد انشا الله.

نویسنده: حسینی

سه شنبه 6 اسفند1387 ساعت: 15:12

با سلام و آرزوی سلامتی. جناب استاد پورپیرار! بعد از دیدار اخیر ناخواسته درباره ی سلامتی شما نگرانی زیادی به من دست داده. امید سلامتی تان را دارم. خسته نباشید.

نویسنده: ساسان بابکان اسطخری

سه شنبه 6 اسفند1387 ساعت: 16:1

دوستان و دشمنان لطفا به بنده حقیر تهمت روا مدارید. من همین یک شخصیت را میدارم و بس و بهیچ نام نیکو یا نانیکوی دیگری کامنت گذاری انجام نمی نمایم.

نویسنده: علیرضا

سه شنبه 6 اسفند1387 ساعت: 16:5

http://tabnak.ir/pages/?cid=38270

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 6 اسفند1387 ساعت: 16:55

آقای علیرضا. شامورتی بازی های ات بی اثر است، حتی از محتوای جیب های عقب شلوارت هم باخبرم.

آقای حسینی. از ابراز محبت شما ممنونم. شکایتی نیست. کارها کمی درهم، مسئولیت ها سنگین و به پت پت های پایان عمر رسیده ام.

آقای Midas. پول آب و برق سایت را نداده بودیم. به لطف دست و دل بازی و فداکاری دوستی، انشا' الله فردا باز می شود.

آقای علی از مالزی. جذاب است اما باید مقدمتا کارهای مختلفی انجام و زمینه سازی شود. مثلا تختگاه هیچ کس به زبان انگلیسی را در سالن عمومی دانشگاه نمایش دهید و یا حتی یادداشت های سفر اندونزی را در میان خواستاران آن توزیع کنید.

آقای دهقانی. کار با ارزشی انجام داده اید. معتقدم برخی از مخالفان در وبلاگ شما برای فرسودن اعصاب و نه درک مطالب می آیند. میدان دادن زیاده از حد به این گونه نادانان که دیوار فرضی اطراف آپادانا را کله قندی می گویند یا مثلا از چگونگی تشکیل آوار چیزی نمی دانند، برخی را مشکوک کرده است و به شوخی می گویند بعید نیست آقای بی طرف ناگهان با لحن تسلیم بنویسند که در تشخیص نیمه تمام بودن تخت جمشید اشتباه کرده اند!!! العهده علی الراوی.

آقای خرمی. یادداشت های اخیر و نیز چند یادداشت در راه، به لطف و ان شاء الهی، چیزی از برگ نوشته های تاریخی موجود باقی نمی گذارد و نوزاد نواندیشی را به دایگی خردمندان می سپارد.

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

سه شنبه 6 اسفند1387 ساعت: 17:42

جناب پورپیرار امر شما بر ما حجت است. امروز برای اولین بار یکی از باستان ستایان لب به سخن گشود و در کامنت خصوصی نوشت: به دقت شما تبریک می گویم. گویا این نوشته کار خود را کرده است. به قول آقا مرتضی که دلمان برایش تنگ شده است، هه هه هه.

جناب علی از مالزی، آیا می توانم از شما ایمیلی داشته باشم؟ اگر مشکلی ندارد آن را به صورت خصوصی در وبلاگ دروغ بزرگ بگذارید.

وب سایت

نویسنده: ممقانی

سه شنبه 6 اسفند1387 ساعت: 17:55

استاد دوست داشتنی سلام و اجازه میخواهم ببوسمتان از خواندن نثر مبارکتان سرمست میشوم:
تماما در طول یک قرن معین و درست همان زمانی رخ می دهد که کلیسا نیز مشغول خانه تکانی است، لباس های پر زرق و برق پاپ ها را آماده می کند و کلیساهای سبک هلنی می سازد که با نمونه ی بنای واتیکان در زیر، گویی نه به عیسی مسیح که به امپراتوران روم باستان خوش آمد می گوید!!؟
توانا تر می خواهمتان.

نویسنده: عابدی

سه شنبه 6 اسفند1387 ساعت: 18:36

با سلام

استاد فرزانه. این مشکل هزینه نیست. هنوز دومین تا 13 ام اعتبار دارد. مشکل از هاست سایت است که یا پهنای باندش تمام شده است یا نرم افزارهای سرور در حال ارتقاء است.

راستی من در گوگل نوشتم مستند تختگاه هیچ کس، صفحه ی جدید به صورت فیلتر شده آمد ؟!!

نویسنده: عابدی

سه شنبه 6 اسفند1387 ساعت: 18:44

آقای Midas. ببین به این آدرس می ره؟!

&hl=en&+http://74.125.47.132/search?q=cache:w7qFjWkUwz0J:www.naria.ir/view/8.aspx%3Fid%3D402
gl=us&cd=8&ct=clnk

بعد : دانلود مستند به صورت MP4 به زبان انگلیسی

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 6 اسفند1387 ساعت: 18:57

آقای حذف. آدرس آن پاراگراف کجاست؟!!

نویسنده: حکیمی

سه شنبه 6 اسفند1387 ساعت: 19:13

سلام!
نشنال جئوگرفی:طوفان نوح قلابی است!
http://news.nationalgeographic.com/news/2009/02/090206-smaller-noah-flood.html

نویسنده: حکیمی

سه شنبه 6 اسفند1387 ساعت: 19:38

بعد از ارسال نامه به وزارت اطلاعات مبنی بر جاسوسی بهائیان در ایران از سوی دری نجف آبادی دادستان کل کشور اینک اظهار نظری جالب از وی در گفتگو با تلویزیون فرامرزی پرس تی وی مبنی بر اینکه:ایران خدمتگذار جامعه بهائیان است!
http://zamaaneh.com/news/2009/02/post_8098.html

نویسنده: سلام استاد

سه شنبه 6 اسفند1387 ساعت: 20:59

سلام استاد
مشکل تصاویر به فارس هم رسید!
در یکی دو هفته اخیر که دوستان مدام از باز نشدن تصاویر یادداشت های اخیر می گفتند، عکس ها بی هیچ مشکلی در فارس باز می شد، لیکن امروز، مشکل به اینجا نیز رسید و حتی برای دلخوشی یک عکس از یادداشت 201 هم رویت نشد.
ضمنا متاسفانه علی رغم زحمات آمون، عکس های وبلاگ اخیر به مراتب نسبت به عکس های وبلاگ حق و صبر از کیفیت نازل تری برخوردارند، تا آنجا که می توان گفت تقریبا تنها 50% کیفیت عکس های وبلاگ حق و صبر را دارا می باشند.

نویسنده: سهند

سه شنبه 6 اسفند1387 ساعت: 22:13

درست است که تاریخ گذشته نون و آب خیلی های بوده است ولی خیلی از محققیق جوان و حتی تاریخ نویس های نه خیلی در بند تعصب نیز سعی کرده اند برخی حقایق انتشار داده شده توسط استاد را به گونه ای در یادداشت ها و کتاب های خود قرار دهند تا راه خود را برای قبول حقایق شاید باز کنند، برای نمونه درکتاب های تاریخی تاکنون خبری از یهودیان و شیادی آنان در گذرشته نبوده است ولی من به تازگی کتابی دیدم که در آن به حضور یهودیان و نقش مزورانه آنان در تاریخ اعتراف شده بود، هر چند با نتیجه گیری بسیار غیر واقعی.

نویسنده: حسین محمدی

سه شنبه 6 اسفند1387 ساعت: 22:43

سپس ایشان در کمتر از 24 ساعت پاسخ دادند :
Perspolis :Re
Thursday, 19 February, 2009 12:38

,Mohammadi .Dear Mr

:Your mail

while some buildings have been completed and were in use, SOME My sentence about workshop means that /1 the Apadana, the terrace were under construction, i.e. the Throne Hall built by Xerxès while OTHER PARTS of .Artaxerxes Palace later, etc the Gate, Darius Palace and his own Palace were completed, the

residential palaces were not suitable for everyday life and for sleeping. In my opinion, the so-called Palaces or /2 where; at the foot of the king and his family, when they were in Persepolis, lived elsewhere. I don't know The ?terrace, elsewhere

shared by many people, the representation of the gifts bearers carved on the In my opinion, which is /3 unique scene what probably staircases of the Apadana does not represented an actual scene. It gather on a at different times in the empire. It is highly improbable that occured in several places (including Persepolis) and .the same time at Persepolis representatives of all the satrapies coould have been able to come every year at the

Best wishes
Rémy Boucharlat

نویسنده: آمون

سه شنبه 6 اسفند1387 ساعت: 19:13

احتمالا موشهایی از سیلوهای هاخام هزارسیب به سایت ایراپیک حمله کرده اند!
عکس های 197 و 198 ولی عالی هستند به این دلیل که آنها از سایت yahoo ارسال می شوند اما عکس های پست های بعدی از سایت ایراپیک هستند. اگر مشکلی ندارید و یاهو باز می شود، عکس ها را در همان حساب یاهو بگذارم؟ موافقید؟
در ضمن این مسایل رامثلا جواب همین سوال را لطفا در همان وبلاگ اطلاع دهی نمایید و نه اینجا.ممنونم.
طوفان نوح هم یا باید طبق تورات باشد یا کلا انکار شود!

نویسنده: حسین محمدی

سه شنبه 6 اسفند1387 ساعت: 22:47

من نیز فورا نوشتم :
Fw: Re: Perspolis
18:09 2009 ,Friday, 20 February
, Dear Mr . Rémy Boucharlat
. Many Thanks for your prompt reply
the Perspolis is definitely The problem is that it is proved by Historian named "POURPIRAR" in Iran that
which show clearly that perspolis is not completed more Uncompleted . Also I watch a movie producted by them
pleasure at all . I don`t know if you have watched this movie or not ,But it will be my than max 25% physically
. negotiated clearly to send you THE CD`s of this movie to you . The points will be
movie and now they have so serius question about Please Notice that many people in Iran have seen this
advise your Negotiating with you , it will be so useful if you are interested . Again If you Perspolis . So ,I think
Postal Address , I can send you the Movie Urgently
from youWith Nice to hear
Best Regards
Mohammadi

نویسنده: حسین محمدی

سه شنبه 6 اسفند1387 ساعت: 22:56

پس از 4 روز که پاسخی دریافت نکردم ایمیل باز مودبانه زیر را ارسال کردم :
Fw: Re: Perspolis
Monday, 23 February, 2009 22:14
, Boucharlat Dear Mr . Rémy
Have you recieved my last following email on Friday, 20 February
waiting for yr comment
Regards

اما ایشان دیگر در دسترس نیست .... حالا موندم که ایمیل بعدی را با چه لحنی بنویسم که شایسته آقای پروفسور باشد ؟

نویسنده: ی

سه شنبه 6 اسفند1387 ساعت: 23:3

به به. وبلاگه مجتبی هم بسته شده.

http://www.mojijimi.blogfa.com

به به !

نویسنده: یک مسلمان

سه شنبه 6 اسفند1387 ساعت: 23:36

با سلام حضور استاد عزیز و جمیع یاران
امروز ظهر موقع خرید غذا تلوزیون مفلوک ضرغامی را در زمان انتظار برای غذا ، نگاه میکردیم . خیلی جالب بود که برای عزاداری رحلت پیامبر ، عده کثیری در حال خود زنی بودند. من ناراحت شده به دوستم گفتم که معنی کوبیدن به سینه چیست و کی از خواب غفلت بیدار خواهیم شد و قرآنی زندگی کردن را یاد خواهیم گرفت؟ شخصی که در میز کناری ما مشغول خوردن بود به خشم آمد و گفت که " از همان محمد که برایش سینه زنی میشود میخواهم که به تو شفای عقل

دهد." به او گفتم اولا حاجت را باید از خدا بخواهی نه بنده خدا ثانیا مگر نمیدانی که طبق نص صریح قرآن توسل و مدد گرفتن از غیر خدا گناه است؟ ثالثا دعای قبرپرست مشرکی چون تو قبول نمیشود .
حال که یادداشت اخیرتان را خواندم و تبدیل مسیحیت یگانه پرست به چندخداپرستی را با ادله روشن حضرتعالی مطالعه کردم فهمیدم که صفویه و عثمانیان هر دو پیشگامان حذف خداپرستی بوده اند ولی غافل از اینکه قرآن ، آخرین کتاب آسمانی قابل تحریف نیست و همین قرآن منبع لایزالی است که با استناد به آن دهان هر یاوه گوی مشرکی را میتوان بست اگر به جای گوش از چماق استفاده نکند.

نویسنده: مسلمان زاده

چهارشنبه 7 اسفند1387 ساعت: 0:22

سلام آقای پورپیرار، شما گفتید:(مورخ، اگر به یک اندیشه، یک ملت، یک دین، یک حزب و یا حتی به یک نام خانوادگی متعلق باشد، بی شک اشاره هایش به آن اندیشه، ملت، دین، حزب و خانواده تعلق و تمایل خواهد داشت. در پرداخت تاریخ، تمایل و تعلق، از مورخ، فریب کار می سازد.)
شما در رجوعتون به قرآن دو رویکرد دارید، یکی به عنوان سند همزمان، که کاملا قابل درکه و با نقل قول بالایی همخونی داره. یکی هم به عنوان متن مقدس، به این صورت که شما اشارات قرآن درباره ی اقوام گذشته و غیر همزمان را هم فصل الخطاب می دانید که این در مورد ادعای شما درباره ی لزوم فارغ بودن مورخ از دین و ملت نمی خوونه. نظر شما چیه؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 7 اسفند1387 ساعت: 1:33

آقای محمدی. به گمانم ای میل دیگری برای او بفرستید و به خصوص یاد آور شوید چون ایشان یکی از شارحان کارتن"شکوه تحت جمشید" بوده اند، پس لازم است از صحت مطالبی که بر روی آن نقاشی ها بیان شده، دفاع کنند وگرنه معلوم می شود که بر ضد حقیقت و فرهنگ بشری بازیگری کرده اند.

آقای مسلمان زاده. احتمالا در متن این بحث قرار نداشته اید که از مسیرهای مختلفی اثبات می شد که قرآن یک متن زمینی نیست و از سوی یک مدیریت شامل بر تمام شئون هستی از گذشته و حال و آینده نازل شده است. بخشی از این احتجاجات در یادداشت مربوط به طوفان نوح آمده، که با اثبات وقوع آن طوفان، دیدار از بقایای کشتی در کوه آرارات، که جزء به جزء آن ماجرا و کمک فنی خداوند در ساخت کشتی در قرآن آمده است، معلوم می کند که آن کتاب مولفی دارد که در چند هزاره پیش هم هوا شناسی قابل و کشتی سازی ماهر بوده است. همین نمونه ی مختصر را اگر فقط در کنار آیه ی: فلا اقسم بمواقع النجوم قرار دهید بر خواستار آن اثبات می شود که قرآن متن متاثر از فرهنگ زمینیان در زمان نزول آن نیست و سند همزمانی برای تمام دوران ها از گذشته و حال و آینده، صادر شده از جانب یک منبع و مرکز و مبدا علم و آگاهی بی پایان است. به بیان دیگر هر آن چه در آن کتاب آمده نه فقط در نزد مومنین مقدس، که برای مورخ هم به عنوان سندی بی خدشه از ابتدا تا انتهای هستی و تاریخ، شایسته ی اشاره و برداشت است.

نویسنده: آیاز

چهارشنبه 7 اسفند1387 ساعت: 3:16

با سلام
آقای حسین محمدی. این هم آدرس و کد پستی شخصی که می خواهید/ موفق باشید

Monsieur Rémy Boucharlat
la Méditerranée (Jean Pouilloux Maison de l'Orient et de)
e étage La direction4
7
Raulin Rue
69365
LYON cedex 07
France

téléphone 33 (0)4 72 71 58 00
télécopie 33 (0)4 78 58 12 57

http://www.mom.fr

نویسنده: یه نفر

چهارشنبه 7 اسفند1387 ساعت: 1:39

حسین جان حالت خوبه؟
یا اینکه دلت خوشه ها مثل اینکه!
از این بدبخت چی می خوای؟؟؟؟ هان؟ بیاد بگه که چی؟؟
ما این همه آدم در این همه سالها نفهمیدیم و فلانی فهمید، آفرین بهش و قدرشو بدونید که از ماها بیشتر می فهمه؟
یا بگه ما به شما دروغ گفتیم؟ و به شما خیانت روا داشتیم؟ شما ها رو آدم حساب نکردیم و هنوز هم نمی کنیم و جوابتونو نمی دیم و اگر بدی هم دروغ تحویل می دیم؟؟
دنبال چی هستی برادرجان؟ چی از این جنازه ها می خوای؟
مثلا خبر ندارن که فیلم ساخته شده؟!!!!!
و تو می خوای بهش بگی که ببین چه فیلمی دال بر خریت تو و امثالت ساختیم؟!
وقتتو واسه کیا تلف می کنی؟

نویسنده: رضا

چهارشنبه 7 اسفند1387 ساعت: 5:19

با سلام خدمت استاد پورپیرار
استاد از شما و دوست نادیده عزیزم غفوری خواهشی دارم.
از آنجا که واقعه طوفان نوح با مستندات انبوه در تمامی ادیان و مذاهب شناخته شده و منقول است در مقایسه با بررسی های انجام شده در مورد تخت جمشید که مخاطبان آن عمدتا ایرانی هستند، موضوعی جهانی است که گروه هدف آن شامل همه ملل و زبانها است. در صورت امکان فیلم طوفان نوح را به جای صداگذاری انگلیسی با زیرنویس انگلیسی تهیه نمایید. این امر علاوه بر سادگی و کم هرینه بودن موجب بالا رفتن سطح کیفی فیلم در نظر بیننده خواهد شد. امیدوارم این حقیر را به دلیل فضولی ببخشید.
در پناه حق پاینده و سرفراز باشید.

نویسنده: مسعود

چهارشنبه 7 اسفند1387 ساعت: 7:58

سلام آقای پورپیرار
خواهشمند است در مورد آقای احمد فردید کمی اطلاعات بدهید اگر ندارید دوستان زحمت بکشند
تختگاه هیچ کس را دیدم قبلا در کتابهایتان با موضوع اشنایی پیدا کرده بودم اما وقتی گفته بودید تقدیم به گذشتگانی که کسی نیست بر انان بگرید گریه ام گ
رفت.
در ضمن حق و صبر و ناریا فیلتر شده است

نویسنده: درویش

چهارشنبه 7 اسفند1387 ساعت: 8:51

سلام استاد مشکل باز نشدن عکسها در بوشهر هم هست . از هر فیلتر شکنی هم که استفاده می شود فقط برای یک روز است و فردا همان فیلتر شکن هم باز نمی شود . نمی دانم می خواهند چه کنند . آخر زورگویی و ظلم هم حدی دارد . خدا عاقبت همه ما را به خیر کند .

نویسنده: آمون

چهارشنبه 7 اسفند1387 ساعت: 8:30

چندتا کار میشه کرد.
وقتی استاد پست جدیدی نوشتند،اون رو با فرمت word به علاقه مندان بفرستیم. برای اینکار باید ایمیل خودتون رو به ما بدید.
راه دوم گذاشتن همون فایل تو یک سرویس بین اللملیه که به راحتی افراد خودشون دانلود بکنند.
و راه دیگه اینکه شما پیشنهاد بدید اما آیا وبلاگ آمون چه مشکلی داره؟

نویسنده: da

چهارشنبه 7 اسفند1387 ساعت: 9:20

aaaaaaaaaaaa hhhhhhhhhhhhhhhhh !!!!!!!!!!!
ozbakestan ham iranshenas dare !!!!!!!!!!!!!
irani ha ham az unha KOMAK mikhan !!!!!

http://news.parseek.com/Url/?id=2943138

نویسنده: مارلیک

چهارشنبه 7 اسفند1387 ساعت: 12:51

با سلام

دوستانی که مشکل تصاویر دارند با فیلتر شکن زیر وارد وبلاگ شوند
بشتابید که این یکی هنوز فیلتر نشده

http://www.13azar.com

نویسنده: یه سوال 1

چهارشنبه 7 اسفند1387 ساعت: 14:27

کسی از دوستان است که منو در مورد این آیه راهنمایی کنه؟!

أَفَمَن كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِن قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً ۚ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۚ وَمَن يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ ۚ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ ۚ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ.
(سوره هود آیه ۱۷)

ترجمه ی آقای الهی قمشه ای برای این آیه
آیا پیغمبری که از جانب خدا دلیلی روشن (مانند قرآن) دارد و گواهی صادق (مانند علی علیه السّلام) در پی اوست و به علاوه کتاب تورات موسی هم که پیشوا و رحمت حق بر خلق بود پیش از او بوده و اینان (از اهل کتاب) به آن ایمان دارند (به آمدن آن پیامبر بشارت داده، چنین پیامبری مانند آن کس است که این امتیازات را ندارد)؟ و هر کس از طوایف بشر به او کافر شود وعده گاهش البته آتش دوزخ است، پس در آن هیچ شک مدار که این حق و درست از سوی پروردگار توست و لیکن اکثر مردم (به آن) ایمان نمی‌آورند.

ترجمه ی آقای فولادوند برای این آیه
آیا کسی که از جانب پروردگارش بر حجتی روشن است و شاهدی از [خویشان] او، پیرو آن است، و پیش از وی [نیز] کتاب موسی راهبر و مایه رحمت بوده است [دروغ می‌بافد]؟ آنان [که در جستجوی حقیقت‌اند] به آن می‌گروند، و هر کس از گروه‌های [مخالف] به آن کفر ورزد آتش وعده‌گاه اوست. پس در آن تردید مکن که آن حقّ است [و] از جانب پروردگارت [آمده است] ولی بیشتر مردم باور نمی‌کنند.

نویسنده: یه سوال 2

چهارشنبه 7 اسفند1387 ساعت: 14:29

ترجمه ی آقای آیتی برای این آیه
آیا آن کس که از جانب پروردگار خویش دلیلی روشن دارد و زبانش بدان گویاست و پیش از این کتاب موسی که خود پیشوا و رحمتی بوده است بدان شهادت داده، با آن کس که دلیلی ندارد برابر است؟ ایشان به آن کتاب روشن ایمان می‌آورند. و هر گروه دیگری که به او کافر شود، جایگاهش در آتش است. در آن شك مكن، كه حق است و از جانب پروردگارت آمده است. ولی بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند.

ترجمه ی آقای انصاریان برای این آیه
آیا کسانی که از سوی پروردگارشان بر دلیلی روشن [از بصیرت و بینش] متکی هستند و شاهدی از سوی او [چون قرآن برای تأیید آن دلیل روشن] از پی درآید و پیش از قرآن [هم] کتاب موسی در حالی که [برای مؤمنان] پیشوا و رحمت بود [بر حقّانیّت قرآن گواهی داده مانند کسانی می باشند که چنین نیستند] اینان [که متکی بر دلیل روشن اند] به قرآن ایمان می آورند، و هر کس از گروه ها [چه یهود، چه نصاری و چه مشرکان] به آن کفر ورزد، وعده گاهش آتش است؛ پس [ای انسان!] درباره قرآن در تردید مباش که آن از سوی پروردگارت حق است، ولی بیشتر مردم [به خاطر کبر باطنی، لجاجت و جهل] ایمان [به آن] نمی آورند.

ترجمه ی آقای مکارم شیرازی برای این آیه
آیا آن کس که دلیل آشکاری از پروردگار خویش دارد، و بدنبال آن، شاهدی از سوی او می‌باشد، و پیش از آن، کتاب موسی که پیشوا و رحمت بود (گواهی بر آن می‌دهد، همچون کسی است که چنین نباشد)؟! آنها [= حق‌طلبان و حقیقت‌جویان] به او (که دارای این ویژگیهاست،) ایمان می‌آورند! و هر کس از گروه‌های مختلف به او کافر شود، آتش وعده‌گاه اوست! پس، تردیدی در آن نداشته باش که آن حق است از پروردگارت! ولی بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند!

نویسنده: اهتزاز

چهارشنبه 7 اسفند1387 ساعت: 14:31

سلام
1 ـ ضمن تشکر و قدر دانی از استاد بزرگ بدلیل پیشکسوتی و ایجاد سبک جدید در تاریخ نویسی.
در اوایل هزاره دوم قبل از میلاد رانده شده ها از شرق مدیترانه وارد شبه جزیره ایتالی شدند و حکومت اتروسک بابای روم را بنا کردند. آنها توانایی نداشتند که با بومیان اروپایی در افتند، اروپاییان در قبایل بدوی در جنگلهای اروپا روزگار دایره ای خود را می گذراندند و تنها تمدنشان چیدن چند سنگ نتراشیده روی هم بود. 400 قبل از میلاد گروه جدیدی به این اتروسک ها که 1300 سال بود در جا می زدند افزوده شد، اینها را در تاریخ رومی می شناسیم که از بلاد روم در جنوب ترکیه و تحت فشار هخامنشیان و پوریم فرار کرده نزد خویشان تاریخی خود اتروسک رفتند، چون اینها هنر های جنگجویی و سپاه آرایی را از بین النهرین یاد گرفته بودند خیلی سریع به قبایل بدوی اروپایی پیروز شدند و حکومت روم را بنا کردند. آنها ریشه در خاک و املاک و طایفه اروپایی نداشتند بنا بر این به سردارانشان از زمینهای قبایل شکست خورده و به اسارت کشیده واگذار کردند. این تیول دادن ها اولین گام فئودالی نو پدید در جهان شد. قیصر اگستوس 27 ق ـ م در دادن تیول خیلی فعال بود. طولی نکشید که این تیول دادن ها به دو حکومت غریبه دیگر در اروپا سرایت کرد، سلجوقیان روم و ساکسون های انگستان. بدین ترتیب فئودالی نو پدید از سه گوشه اروپا شروع به رشد کرد. ابتدای هزاره دوم میلادی به جز چند قبیله کوچک اسلاو تقریبا تمام در اروپا فئودالی حاکم بود، بدین ترتیب اروپا در مسیر تکامل جوامع بشری از بقیه جهان جلو افتاد. طی چهار صد سال روابط اقتصادی فئودالهای اروپا با یکدیگر بورژوازی نو پدید در نقاطی چون ونیز و آمستردام ظاهر شد و تکامل تاریخ اجتماعی از فئودالی به بورژوازی را اومانیستی نامیدند. فئودالی تعریف دین و نوع کار و خاصیت و مخوفی دینی مخصوص خود را می خواست، ولی بورژوازی تعریف دیگر و اغفال انگیز و آب ورنگ خوش از دین می خواست. داوران تکامل بورژوازی در اروپا را رنسانس نامیدند که تقریبا بعد از این دوره تمام اروپا در بورژوازی بسر می برد. شناخت مراحل تکامل اجتماعی برای بررسی تاریخ بسیار مهم است.

نویسنده: به سوال 3

چهارشنبه 7 اسفند1387 ساعت: 14:34

وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ ۖ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا ۖ قَالَ وَمِن ذُرِّيَّتِي ۖ قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ.
﴿ سوره ی بقره آیه ١٢٤ ﴾

ترجمه ی آقای الهی قمشه ای برای این آیه
و (به یاد آر) هنگامی که خدا ابراهیم را به اموری امتحان فرمود و او همه را به جای آورد، خدا به او گفت: من تو را به پیشوایی خلق برگزینم، ابراهیم عرض کرد: به فرزندان من چه؟ فرمود: (اگر شایسته باشند می‌دهم، زیرا) عهد من به مردم ستمکار نخواهد رسید.

ترجمه ی آقای فولادوند برای این آیه
و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود، و وی آن همه را به انجام رسانید، [خدا به او] فرمود: «من تو را پیشوای مردم قرار دادم.» [ابراهیم] پرسید: «از دودمانم [چطور]؟» فرمود: «پیمان من به بیدادگران نمی‌رسد.»

ترجمه ی آقای آیتی برای این آیه
و پروردگار ابراهیم او را به کاری چند بیازمود و ابراهیم آن کارها را به تمامی به انجام رسانید. خدا گفت: من تو را پیشوای مردم گردانیدم. گفت: فرزندانم را هم؟ گفت: پیمان من ستمکاران را در بر نگیرد.

نویسنده: به سوال 4

چهارشنبه 7 اسفند1387 ساعت: 14:35

ترجمه ی آقای انصاریان برای این آیه
و [یاد کنید] هنگامی که ابراهیم را پروردگارش به اموری [دشوار و سخت] آزمایش کرد، پس او همه را به طور کامل به انجام رسانید، پروردگارش [به خاطر شایستگی ولیاقت او] فرمود: من تو را برای همه مردم پیشوا و امام قرار دادم. ابراهیم گفت: و از دودمانم [نیز پیشوایانی برگزین]. [پروردگار] فرمود: پیمان من [که امامت و پیشوایی است] به ستمکاران نمی رسد.

ترجمه ی آقای مکارم شیرازی برای این آیه
(به خاطر آورید) هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود. و او به خوبی از عهده این آزمایشها برآمد. خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم!» ابراهیم عرض کرد: «از دودمان من (نیز امامانی قرار بده!)» خداوند فرمود: «پیمان من، به ستمکاران نمی‌رسد! (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقامند)».

نویسنده: یه سوال 5

چهارشنبه 7 اسفند1387 ساعت: 14:39

وَمِن قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً ۚ وَهَٰذَا كِتَابٌ مُّصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِّيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَىٰ لِلْمُحْسِنِينَ.
﴿سوره الأحقاف آیه۱۲﴾

ترجمه ی آقای الهی قمشه ای برای این آیه
و پیش از قرآن کتاب تورات بر موسی که امام و پیشوای مهربان خلق بود نازل گردید و این کتاب قرآن مصدّق کتب آسمانی پیشین به زبان فصیح عربی نازل شده تا ستمکاران عالم را (از عذاب خدا) بترساند و نیکوکاران را بشارت (به رحمت ایزد) دهد.

ترجمه ی آقای فولادوند برای این آیه
و [حال آنکه] پیش از آن، کتاب موسی، راهبر و [مایه] رحمتی بود؛ و این [قرآن] کتابی است به زبان عربی که تصدیق‌کننده [آن] است، تا کسانی را که ستم کرده‌اند هشدار دهد و برای نیکوکاران مژده‌ای باشد.

ترجمه ی آقای آیتی برای این آیه
و پیش از آن کتاب موسی راهنما و رحمت بود. و این، کتابی است تصدیق‌کننده آن، به زبان عربی، تا ستمکاران را بیمی و نیکوکاران را مژده‌ای باشد.

نویسنده: یه سوال 6

چهارشنبه 7 اسفند1387 ساعت: 14:45

ترجمه ی آقای انصاریان برای این آیه
[چگونه یک دروغ قدیمی است] در حالی که پیش از آن کتاب موسی پیشوا و رحمت بود [و از نزول آن بر پیامبر اسلام خبر داده]، و این قرآن تصدیق کننده [آن] است در حالی که به زبان عربی [فصیح و گویا] ست تا ستمکاران را بیم دهد، و برای نیکوکاران بشارتی باشد.

ترجمه ی آقای مکارم شیرازی برای این آیه
و پیش از آن، کتاب موسی که پیشوا و رحمت بود (نشانه‌های آن را بیان کرده)، و این کتاب هماهنگ با نشانه‌های تورات است در حالی که به زبان عربی و فصیح و گویاست، تا ظالمان را بیم دهد و برای نیکوکاران بشارتی باشد.

نویسنده: یه سوال

چهارشنبه 7 اسفند1387 ساعت: 14:59

"پیش از قرآن کریم، کتاب موسی امام و رحمت بود."

من آیاتی که توش امام وجود داشت رو نیگا میکردم که یه سوال برام پیش اومد. می خواستم بدونم میشه پذیرفت که امام ما اکنون قرآن کریم است ؟!

راستی استاد خسته نباشی.

نویسنده: یه سوال 7

چهارشنبه 7 اسفند1387 ساعت: 15:1

"پیش از قرآن کریم، کتاب موسی امام و رحمت بود."

من در مطالعه آیاتی که کلمه ی امام را در بر داشتند این سوال برایم پیش آمد که آیا می توان از این آیات برداشت کرد که امام ما اکنون قرآن کریم است .

راستی استاد خسته نباشی

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ، 201، نتیجه، 9، نقش هلنیسم در هنر و آرایه های کلیسایی، 2 - 79 نظر

نویسنده: ایلماز

چهارشنبه 7 اسفند1387 ساعت: 15:6

با سلام
جناب درویش خان فیلتر شکن http://www.13azar.com فعلا در حال کار است!تا حالا هم فیلتر نشده است!!امیدوارم به دردتان بخورد!
با تشکر

نویسنده: یک

چهارشنبه 7 اسفند1387 ساعت: 18:0

http://www.fararu.com/vgljame8.uqeyhz.bvuu2jyfbftus.w.html

نویسنده: D:

چهارشنبه 7 اسفند1387 ساعت: 15:3

h=600&w=300&==img.php?i=aW1nLzEyOTcxMjM1NDczNzA4LmpwZw

به گزارش خبر نیوز ،مجموعه تلویزیونی "عمو پورنگ" از پربینندهترین برنامههای مخصوص کودکان است که عصر روزهای زوج از شبكه يك سيما پخش می شود.

در جریان پخش این برنامه ، هنگامی كه يك كودك با برنامه تماس میگیرد تا با داریوش فرضیایی (عمو پورنگ) گفتگو كند، مجری برنامه از او سئوال میكند كه آيا بچه خوبی است و او پدر و مادرش را اذيت نمیكند؟

كه كودك پاسخ میدهد "بچه خوبیام و پدرم برايم يك عروسك جايزه خريده است".

مجری برنامه از كودك سئوال میكند عروسك او چيست كه كودك پاسخ میدهد عروسك او ميمون است و هنگامی كه عمو پورنگ در خصوص اسم عروسك از اين كودك سئوال میكند او در جواب میگويد "پدرم او را احمدینژاد صدا میكند".

گر چه به اعتقاد كارشناسان رسانه و مسئولان و برنامه سازان صدا و سيما بروز مسائل و مشكلات مختلف نظير مورد فوق در برنامه زنده طبيعی است، اما ضروری است تدبيری در اين زمينه انديشيده شود؛ چرا كه تاكنون بارها مواردی از اين دست در برنامههای زنده از جمله همين برنامه رخ داده كه نمونههای آن "بيان برخی مسائل خانوادگی از سوی كودكان" بوده است.
در یکی از مجموعههای "عمو پورنگ" هنگامی كه مجری برنامه در تماس تلفنی زنده با برنامه از كودك می خواهد گوشی را به پدر يا مادرش دهد كه وی با آنها صحبت كند، كودك اعلام می كند آنها در حال استحمام هستند

نویسنده: مسعود

چهارشنبه 7 اسفند1387 ساعت: 21:33

سلام آقای پورپیرار
خواهشمند است در مورد آقای احمد فردید کمی اطلاعات بدهید اگر ندارید دوستان زحمت بکشند
تختگاه هیچ کس را دیدم قبلا در کتابهایتان با موضوع اشنایی پیدا کرده بودم اما وقتی گفته بودید تقدیم به گذشتگانی که کسی نیست بر انان بگرید گریه ام گ
رفت.
در ضمن حق و صبر و ناریا فیلتر شده است

نویسنده: سلام استاد

چهارشنبه 7 اسفند1387 ساعت: 23:15

مشکل عکس ها در فارس مرتفع شد.

نویسنده: توحید

چهارشنبه 7 اسفند1387 ساعت: 19:59

با سلام

استاد انتخابات نزدیک است و باید دست به دعا بشیم که خاتمی و دار و دستش باز روی کار نیان

برای شناختن چهره واقعی دولت اصلاحات لینک زیر خیلی مفیده :

Itemid=81&catid=17&id=723&view=article&http://www.diarnews.com/index.php?option=com_content

نویسنده: sadegh

پنجشنبه 8 اسفند1387 ساعت: 0:20

با سلام خدمت استاد گرامی و دیگر دوستان

1- استاد گرامی چند بار سعی نمودم فایل صوتی قرائت استادعفاسی را برای حضرتعالی ایمیل کنم اما ظاهرا با این سرعت کم اینترنت امکان پذیر نشد . به همین خاطر لینک دیگری از قرائت ایشان از سایت تبیان تقدیم حضرتعالی میگردد

categoryID=1227&http://www.tebyan.net/index.aspx?pid=73064

2- لطفا به این لینک نیز نگاهی بیاندازید این سکه اليمايي نمیدانم دیگر چه صیغه ایی ایست.

موفق باشید

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 8 اسفند1387 ساعت: 0:53

آقای sadegh. ممنونم و نصب لینک سکه ی الیمایی را فراموش کرده اید.

آقای توحید. کافی است معلوم شود که دستور دستگیری بنده در چند سال اخیر به سبب نگارش این یادداشت ها و با بهانه ی قاچاق کتاب را همان اصلاح طلب بزرگ داده است.

آقای مسعود. مطالب مربوط به آقای فردید را باید در کتاب های شان بیابید.

آقای یه سوال. مسلمانان جز قرآن راهبری ندارند.

نویسنده: عبور از اسلام و شمشیر!!!

چهارشنبه 7 اسفند1387 ساعت: 21:58

بنده ی من نماز شب بخوان و آن یازده رکعت است.

خدایا !خسته ام!نمی توانم.

بنده ی من، دو رکعت نماز شفع و یک رکعت نماز وتر بخوان.

خدایا !خسته ام برایم مشکل است نیمه شب بیدار شوم.

بنده ی من قبل از خواب این سه رکعت را بخوان

خدایا سه رکعت زیاد است

بنده ی من فقط یک رکعت نماز وتر بخوان

خدایا !امروز خیلی خسته ام!آیا راه دیگری ندارد؟

بنده ی من قبل از خواب وضو بگیر و رو به آسمان کن و بگو یا الله

خدایا!من در رختخواب هستم اگر بلند شوم خواب از سرم می پرد!

بنده ی من همانجا که دراز کشیده ای تیمم کن و بگو یا الله

خدایا هوا سرد است!نمی توانم دستانم را از زیر پتو در بیاورم

بنده ی من در دلت بگو یا الله ما نماز شب برایت حساب می کنیم

بنده اعتنایی نمی کند و می خوابد

ملائکه ی من! ببینید من انقدر ساده گرفته ام اما او خوابیده است

نویسنده: اینم از این!

چهارشنبه 7 اسفند1387 ساعت: 22:39

در یک برنامه زنده تلوزیون مهمان برنامه نانسی عجرم بود .
نانسی عجرم در پاسخ به سوال مجری برنامه اهل سعودیه که تو برای چی این همه عمل زیبایی انجام می دهی می گوید: خدا نمی توانست من را به این شکل زیبا بیافریند.
مجری که این حرف را میشنود لیوان آب موجود بر روی میز را روی صورت نانسی می پاشد و بیرون می رود.
http://www.25q8.com/fr/b06715173017.jpg

همین عکس براتون کافیه. نخواستم چیزی بذارم که سر به کوه و بیابون بذارین!

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 8 اسفند1387 ساعت: 3:51

آقای رضا. ظاهرا بردن نسخه ی انگلیسی تختگاه را فراموش کردید. لطفا در پیام خصوصی آدرس بگذارید تا سریعا برای تان ارسال شود.

نویسنده: مسعود

پنجشنبه 8 اسفند1387 ساعت: 10:33

سلام آقای پورپیرار
مشکل همین جاست ایشان را یکی به من معرفی نمودند وتعریف میکردند گفتم از شما بپرسم اصلاص ایشان کی هستند بعد بروم و پول خرج کتابهایشان نمایم راستی آقای پورپیرار ایا درمورد حضرت ابراهیم شما مطالبی نوشته اید؟
آیا ایشان را جد رسول الله میدانید؟
با تشکر در مورد فردید هم لطفا نظرتان را بگویید

نویسنده: قاسم

پنجشنبه 8 اسفند1387 ساعت: 12:55

سلام
از کجا میتونم کتابهای شما را خریداری نمایم؟ .کدوم سایت؟

نویسنده: sadegh

پنجشنبه 8 اسفند1387 ساعت: 13:28

با سلام خدمت استاد گرامی ودیگر دوستان

بابت فراموشی در نصب لینک مربوط به سکه الیمایی عذر می خواهم .امان از دست عجله!

لینک مربوط به سکه الیمایی را در ذیل می توانید مشاهده نمایید.

id=50020&http://www.chn.ir/news/?section=2

اینم لینکی در مورد آثار کشور امارات ، آن سکه با نقش انسان شاخدار می تواند جالب و مفیدباشد .

http://www.aluae.net/vb/showthread.php?t=50186

موفق باشید

نویسنده: فتح

پنجشنبه 8 اسفند1387 ساعت: 13:59

بهائیانِ ایران و ارتباط با دولت‌های خارجی

http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2009/02/090223_ag_iranian_bahaeis_foreign_gov.shtml

نویسنده: فتح

پنجشنبه 8 اسفند1387 ساعت: 14:8

جناب پورپیرار واقعا این بهائیت از کجا ظهور پیدا کرده این همه کتاب نوشتن واین همه حرف زدند اما مانند مسیحیت ویهودیت هنوز همه در اصل و ریشه گیج هستند حتی من بهائیانی دیدم که خودشان هم درست نمی توانند اصل را تعریف کنند. اما با این همه از ژاپن و کره گرفته تا بحرین و آمریکا (در بحرین نونهائیانی در این سالها به این دین گرویدن) در حال تبلیغ وگسترش هستند.

نویسنده: sadegh

پنجشنبه 8 اسفند1387 ساعت: 15:17

با سلام مجدد
این هم چند لینک دیگر که شاید بی ربط به لینک قبلی نباشد.

http://chtn.ir/WebForms/Fa/News/NewsInfo.aspx?ID=27235

http://chtn.ir/WebForms/Fa/News/NewsInfo.aspx?ID=27238

http://chtn.ir/WebForms/Fa/News/NewsInfo.aspx?ID=27227

نویسنده: توحید

پنجشنبه 8 اسفند1387 ساعت: 13:53

سلام

آقای فتح اگر ایمیلتان را بدهید یک کتاب در مورد بهاییان که فکر می کنم مفید باشد برایتان ارسال خواهم کرد

نویسنده: ایمان

پنجشنبه 8 اسفند1387 ساعت: 17:25

سلام.جناب آقای عابدی و جناب آقای غفوری متاسفانه آدرس ایمیل شما را دم دست ندارم. لطفا با ایمیل بنده تماس بگیرید.متشکرم.

نویسنده: اهتزاز

پنجشنبه 8 اسفند1387 ساعت: 17:28

2 ـ نیمه دوم قرن 14ـ م قیامهایی مانند وات تیلور و ژاکری آغازی برای پایان دادن به دوره فئودالی اروپا بود، و در واقعیت جنگ صد ساله، توانایی بورژوازی به رخ کشیده شد. ادامه در قرن 15 اوج بورژوازی اولیه بود که به دینشان رنگ و روی خوش دادند تا آنرا مقبول کنند و توده ها را اسیر آن گردانند. تجارت علم هم چون کالا رونق گرفت، دلالان نو پدید نوع بورزوازی در این قرن ظاهر شدند. نیمه اول قرن 16 کشتی ها برای تجارت به هر سو رفتند، تا آنزمان اروپاییان فقط قاره خود و دور مدیترانه را می شناختند. وقتی به سرزمینهای جدید رسیدند مردمان آنجا ها را در قبایل بدوی یا در حد بالاتری بصورت سازمان قبیله ای یافتند و بدین سان برتری تکامل اجتماعی آنها استعمار نو پدید را از نیمه دوم قرن 16 با کشتار و غارت آمریکا پدیدار کرد.
استعمار توپ و تفنگ و کشتی می خواست دیگر رنگ و زنگ خوش کلیسا نیاز نبود. خوش به حال کلیسا، یک قرن به درازا کشید و با آتش زدن فرمان پاپ دایر بر طرد لوتر از کلیسا بورژوازی سنتی اروپا وارد دوره بورژوازی ملی گردید.

با پوزش سئوال از استاد بزرگ:
آیا میکل آنژ و رافائل و امثال خود شخصاً افرادی حقیقی در اموری که می شناسیم بودند یا از پرسنل دلال ها یا پیمانکاران معرف آن دوره بودند، و برای یافتن نام و کار این دلال های قرون 15 و 16 به چه کتاب هایی مراجعه نماییم؟. به احتمال قوی این ها کسانی بودند که در ساخت و ساز های آن دوره ایران نقش داشتند.

نویسنده: سینا

پنجشنبه 8 اسفند1387 ساعت: 18:10

سلام بر استاد عزیز ودوستان

قبلا" خوانده بودم که بعضی از تمدنهای هم عصر عیلامیان انها را الیمایی می خواندند.

"فرهنگ اليمايي از جمله فرهنگ هاي منطقه اي خوزستان است که پس ازفرهنگ ايلامي در منطقه شکل مي گيرد.
اليمايي ها از جمله اقوام ملوک الطوايفي دوره اشکانيان بودند که در استان خوزستان براي مدتي زيستند."

جمله بالا بخشی از مقاله ای بود که جنابsadegh ادرس داده اند.اگر انچه را که قبلا" خوانده ام درست باشد به نظر می رسد که برای خاک گذاشتن به بیل ناکار آی هخامنشیان در حال ریز کردن فرهنگ وتمدن درخشان عیلامیان باشند؟هر چند نویسنده مقاله قصد چند پاره کردن تمدن درخشان عیلام را داشته ولی مشخص نمی کنه این تمدن حد اقل اعقاب کیانند و گویا به مصداق دروغگو فراموشکار است سهوا" مشخصه ای را که از نوع حکومت الیمایی ذکر می کند نیز مطابق با همان مشخصه حکومت فدراتیو عیلامیان است با این تفاوت که در اینجا نیز کمی ریز انگاری می کنه و حکومت فدراتیو را ملوک الطوایفی وداری قدرت ضرب سکه معرفی می کنه!!!!! .
ترا بخدا ببینید که پذیرش دروغ اول از جیره خواران کنیسه وکلیسا حضرات را به چه چه حنبونی از دروغ از مبدل ساخته.

نویسنده: سعید

پنجشنبه 8 اسفند1387 ساعت: 19:10

آقای مسعود. احمد فردید از فیلسوفان روشنفکران قابل اعتنای معاصر ایرانی و فردی شبیه به جلال آل احمد بوده است. برای یک بحث جالب و قابل اعتنا در مورد آرا و افکار وی به کتاب مهرزاد بروجردی با عنوان روشنفکران ایرانی و غرب چاپ نشر فرزان روز مراجعه کنید. اسم مترجم کتاب یادم نمیاد. مهرزاد الان یکی از استادان دانشگاه آمریکا و از دوستان فاضل بنده است/

نویسنده: عباس احمدی

پنجشنبه 8 اسفند1387 ساعت: 19:21

اقای توحید لطفا ان کتاب را برای من بفرستید

نویسنده: فتح

پنجشنبه 8 اسفند1387 ساعت: 19:35

آقای توحید از لطف شما ممنونم اما فکر می کنم کم کم لازم است استاد مهر سکوت را بشکنند وقلمی در این مورد بزنند.
چون هر چه خوانده یا شنیده ایم تقریبا کپی هم هستند.
این هم ایمیل
h200869@yahoo.com

نویسنده: عدنان

پنجشنبه 8 اسفند1387 ساعت: 19:43

http://www.iranjewish.com/Essay/Essay183_31_farsh.htm

نویسنده: یکی

پنجشنبه 8 اسفند1387 ساعت: 17:7

اهتزاز جان همین طور ادامه بده آخرش تو هم یه چیزی می شی.
از من گفتن.

حیفه استعدادت رو هدر بدی.
از آقای پورپیرار هم چیزی نپرس. افت داره براموت. تو باید بزنی همه رو له و لورده کنی. قربون او دلال بازیت برم من.

نویسنده: یه نفر

پنجشنبه 8 اسفند1387 ساعت: 17:40

http://mpahlavi116.blogspot.com/2008/08/blog-post.html

ببین قرآن چه بلایی سر این عقده ای ها آورده!
چه قدر اینها از قرآن عقده دارن؟
آخه این کتاب چیه مگه؟!!
یه تیکه کاغذه! اما توش چی نوشته شده که این همه دشمنی، این همه نفرت و این همه به این هاضربه وارد شده که این خزعبلاتو می نویسن؟!

این هم از مانی پهلوی! شاید هم پسر ربع پهلوی باشه. چه می دونم!

نویسنده: !!

پنجشنبه 8 اسفند1387 ساعت: 22:27

با سلام
یکی از آشناهای بنده روزی که پروفسور رضا فاضلی نوچه شفا در حال روشنگری!!!!!بودند گفت قرآن را برداشتم و معانی که داش رضا به خورد ملت رو میداد با معنی قرآنی که در دستم بود مقایسه کردم!!تفاوت از زمین تا ثریای آریایها بود!!
این داش رضا فکر میکنه بیننده هاش هم مثل خودش بی شعور و نفهم تشریف دارند!!
استاد خداوند به شما عمر طولانی همراه با سلامتی بدهد که ما را از این غفلت و نادانی بیدار کردید.

نویسنده: یه نفر

جمعه 9 اسفند1387 ساعت: 7:24

/http://www.toorana2.blogsky.com/1387/11/26/post-16

میگم اینا قاط زدنف میگین نه! می خوا ن از عید شبکه 3 رو بالاجبار ترکیزه کنن!
اصلا اینا چی فکر می کنند؟

۱ ۲

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 202

ایران شناسی بدون دروغ 202، نتیجه، 10، درباره ی جنگ های صلیبی، 1 57 - نظر

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 9 اسفند1387 ساعت: 8:38

آقای علی از مالزی. تمام مراکز ایران شناسی و دانشگاهی غرب، متهم به تخریب فرهنگ، جعل و تزریق دروغ در تاریخ و ادب و هویت دیگران اند. این مطلبی نیست که با گشودن یک بحث فرعی و نوشتن چند متن و مقاله ی پلیمیکی، هرچند منتقدانه، مثلا در باب مسئله ی اقوام در ایران حل و فصل شود. ما رمی بوشارلو را در کارتون "شکوه تخت جمشید" دیده ایم که سالن آپادانا را از انواع فرش ها و دیوارهای آن را با پرده های زربفت می پوشاند، سقف و سرستون ها را طلا کاری می کند و داریوش را در صدر تالار در حال بازدید از مهمانان می نشاند. حتی اگر قبول بازی در این نقش تبلیغاتی را ناشی از نادانی او نسبت به بنیان ها بدانیم، پس اعتبار او و همپالگی های اش در برابر مستند "تختگاه هیچ کس" باطل می شود و اگر او در جای اعتراف به اشتباه می گوید: تخت جمشید نیمه ساخت است، خوب که چه؟ پس با گروهی شیاد مواجهیم که به انجام ماموریت فریب فرهنگی ملت ها مشغول اند. بنا بر این باید برای رسوا کردن عمومی آن ها تلاش کرد تا به اعتراف و عذر خواهی وادار شوند. به گمان من آن روشن فکری که به جای توجه و تامل در بنیان ها هنوز با نوشتن چنان مقالاتی به اصطلاح زیر ابروی موضوع را بر می دارد و آن را بزک می کند، مزدور و حقوق بگیر و یک پله پایین تر بی شعور و عقب مانده است، زیرا میان آن نظر که می گوید اعراب کتاب های ما را نسوزانده اند با آن که می گوید به علت عوارض پوریم در ایران حیات اجتماعی نبوده تا اعراب به آن حمله کنند، اوقیانوسی فاصله است. در باب آن مطلب نیز خود را چندان به درد سر نیاندازید و به اشتیاق طرف دیگر و عکس العمل شان در برابر مستند تختگاه هیچ کس تکیه کنید و از یاد نبرید که یهودیان در همه جا ناظر و کرم فاسد کننده و بی صدای درون سیب اند. اگر به نسخه ی فارسی و یاانگلیسی آن نیاز دارید، در پیام خصوصی آدرس بفرستید تا ارسال شود.

نویسنده: آمون

جمعه 9 اسفند1387 ساعت: 11:19

یادداشت شماره 202 در وبلاگ آمون

www.amun.blogfa.com

وب سایت

نویسنده: سجاد

جمعه 9 اسفند1387 ساعت: 11:25

باسلام فقط می توانم بگویم متشکرم

نویسنده: حاجی زاده

جمعه 9 اسفند1387 ساعت: 12:17

استاد گرامی سلام و وقت بخیر
اوراق کتاب جنگهای صلیبی را به دست باد فنا سپردید! تطهیر چهره ی تاریخ ادیان از این بزک شیطانی، تنها در حیطه ی نبوغ و توانمندیهای شما مورخ بی همتاست.
اما در مبدا ورود به تشریح جنگ صلیبی دوم در همین پست مرقوم فرموده اید:
" دومین جنگ صلیبی (۱۱۴۷-۴۹ میلادی، ۵۳۲-۵۴۴ هجری قمری)... "
به گمانم مقصودتان از "532"، "542" باشد.
با آرزوی سلامت و توفیق روز افزون برای شما

نویسنده: حسین محمدی

جمعه 9 اسفند1387 ساعت: 12:56

نهایتا ایشان پاسخ دادند البته بدون اشاره به "تختگاه هیچ کس"

Date: Thursday, 26 February, 2009, 1:11 AM

,Mohammadi .Mr

I am in charge :I should mention to you that I am not only a quiet researcher
commeettees, director of two of an Institute of 200 people, a member of several
.Academic journals
hours per day, trying to have a bit of life as a human Sorry, I only work 16
.hours fro sleeping being and saving some
reply to Emails Certainly I am not able to take enough time to everyday
.whatever they are
person, please forget me and find better If you consider I am not a reliable
.persons
Best
Boucharlat

نویسنده: علی از مالزی

جمعه 9 اسفند1387 ساعت: 13:22

بله به نظر همین طور می آید، یک اقیانوس فاصله است و مهم تر اینکه بنده همین هفته پیش با این اقیانوس مواجه شده ام (و هنوز در شوک هستم!). امیدوارم که نوشته قبلی بنده خاطر کسی را نرنجانده باشد که غرض فقط به اشتراک گذاری آن لینک و آگاهی از نظر شما بود که الحمدلله حاصل شد. چون بنده سالها بود که مطالعات تاریخیم تقریبا صفر بود و راستش قبل از آن هم همان بهتر که بگویم بازهم صفر بوده است!

اگر خودتان صلاح میدانید، رسانه (های) مربوطه را دعوت کنید و نتایج تحقیقاتتان را با آنها در قالب برنامه هائی مطرح کنید. شما نباید از این فرصت ها بگذرید استاد. یک مقدار Media exposure شما باید بالاتر باشد تا عده بیشتری از همین یک اقیانوس فاصله مطلع گردند. این چیزی که شما مطرح کرده اید چیز کوچکی نیست که به این ترتیب مسکوت رها شود. باید به حوزه عمومی تری کشیده شود و برای همگان روشن گردد.

در تائید فرمایش شما، بنده هم از نزدیک شاهد همین "کرم (های) فاسد کننده و بی صدای درون سیب" بوده ام، چه در فضای آکادمیک و چه در زندگی روزمره. به خدا باید پناه برد فقط از اینها.

از خداوند منان توفیق شما را خواستارم.

نویسنده: فتح

جمعه 9 اسفند1387 ساعت: 14:41

آقای پورپیرار امروز شبکه جام جم 1 (برای خارج کشور) برنامه هنرهای قدسی را پخش می کرد موضوع آن دقیقا مدخلی بر ایران شناسی بدون دروغ و بی نقاب، 201 بود ، جالب اینکه همان مجسمه ها را نشان میداد و در آخر هم هنر رم را بر گرفته از یونان دانست اما میکل آنژ را پیکره سازی که سالها بر روی آناتمی انسان تحقیق کرده تا بتواند آن را حجاری کند معرفی کرد. دیگر اینکه اشاره کرد در هنر کلیسایی بر خلاف یونان به چهره روحانی نیشتر بها داده شده تا ظرافتهای اندام و... اما از همه جالبتر برای من این است که این سیما سایه به سایه شما برنامه سازی می کند.و از پیش روند مقالات شما را پیشبینی کرده بهتر نیست وارد موضوع دیگری شوید تا ببینیم اینها چه دارند بگویند.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 9 اسفند1387 ساعت: 14:55

آقای فتح. کاش ممکن بود از آن ها بپرسیم این هنر قدسی چرا این همه دیر به دنیا آمده و چرا داود را در این هنر قدسی تمام برهنه نمایش داده اند که تورات و انجیل این عمل را به شدت نهی کرده اند، چنان که یافتن پیکره ی غیر برهنه در هنر هلنی بسیار نادر است.

آقای علی از مالزی. تریبون ها را به روی این تحقیقات بسته اند. البته این فضا به خواست خداوند و به وقت خود شکسته خواهد شد.

آقای حسین محمدی. این بوشارلوی بدبخت با زبان بی زبانی التماس می کند دست از سرش بردارید تا کاسبی اش را ادامه دهد و نانی از خمیر دروغ به خانه برد. آن ها هنوز خود را به نادانی می زنند و گویا درک نکرده اند عناوینی که برای خود بر می شمارد تنها به جرم و مسئولیت او می افزاید.

فریبا خانم. با تشکر، آن عدد اصلاح شد.

نویسنده: اهتزاز

جمعه 9 اسفند1387 ساعت: 17:33

سلام
میلیون ها استاد و دانشمند و پرفسور در جهان می باشند، ولی فقط اندکی از آنها دارای سبک و خلاقیت هستند، پیروان این خواص را با القابی نیکو از انبوه متمایز می سازند. بزرگ در شأن ترین لقب برای استاد بزرگ ما می باشد. شونیسم فارس و بی سوادها و بی فرهنگ ها چه بخواهند و چه نخواهند، مکتب استاد بزرگ همیشه در تاریخ جاودان است. حوادث روزگار فلسفه استاد بزرگ را از بین نخواهد برد و پیگیری هایی خوهد داشت، که باور آن برای لوده ها غیر ممکن است. سطحی نگری ها و دالی موشه و یکی دوتا ها، آویزان های نا خوشایندی هستند که پویایی کار را می رساند. مطمئنن پرچم استاد بزرگ همیشه در اهتزاز خواهد بود.

نویسنده: آیدین یاشار

جمعه 9 اسفند1387 ساعت: 18:1

تأملی در خصوص کتابت قرآن (1)

با سلام خدمت استاد و دوستان عزیز.
متن آیات 77 تا 79 سوره واقعه چنین است:
إنه لقرآن کریم، فی کتاب مکنون، لا یمُسُّه إلا المُطهَّرون.

(همان است قرآن نفیس، درون کتابی محافظت شده، که تنها افراد مطهر بدان دست میزنند.)
طبیعی است که «مکنون» هم به معنای «پنهان» و هم به معنای «محفوظ» است، مانند «مکنونة» که در عربی به معنای دختر محجوب و پاکدامن است. «درّ مکنون» نیز از این مقوله است و منظور گوهری است که درون محفظه‌ای پنهان نگهداشته شده و از گزند عوامل مزاحم مصون باشد. لذا در اینجا «مکنون» به معنای «محافظت شده از دستبرد مغرضین و دشمنان» به کار رفته است. کلمه «کتاب» نیز واقعا به معنای کتاب در مفهوم فیزیکی آن است، زیرا در آیه 79 میفرماید: «تنها افراد پاک و مطهر مجاز به دست زدن بدان میباشند». هدف از نقل این آیات و شرح این نکات توضیح این واقعیت است که خود قرآن در همان زمان نزول خود، دلالت بر آن دارد که به صورت کتابی فیزیکی وجود داشته است. برای این منظور نیز باید خط عربی از بلاغت کافی برای کتابت قرآن «نفیس» برخوردار بوده باشد. این ظاهرا در تعارض با نظریه جنابعالی در خصوص عدم کفایت خط عربی تا حدود سیصد سال بعد از ظهور اسلام است.

نویسنده: آیدین یاشار

جمعه 9 اسفند1387 ساعت: 18:2

تأملی در خصوص کتابت قرآن
همچنین در آیه 78 سوره بقرة میخوانیم: وَمِنْهُمْ أُمِّيُّونَ لاَ يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلاَّ أَمَانِيَّ وَإِنْ هُمْ إِلاَّ يَظُنُّونَ (و بین آنها افراد امی وجود دارد که خواندن و نوشتن نمیدانند و آرزوهای خود را به زبان می‌آورند و کارشان جز حدس و گمان نیست). کلمه «امّی» و «امّیون» (در معنای بیسواد) که چندین بار در قرآن از جمله چند بار در مورد خود حضرت رسول به کار رفته است، خود حکایت از آن دارد که در همان زمان نزول قرآن افراد «غیر امّی» نیز وجود داشته‌اند و این به معنای وجود کتابت فعال در جامعه است.
آیه 48 سوره عنکبوت نیز به این بحث کمک میکند: «وَمَا كُنتَ تَتْلُو مِن قَبْلِهِ مِن كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذًا لَّارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ» (تو پیش از قرآن هیچ نوشته‌ای را نمیخواندی و با دست آن را نمینوشتی، پس یاوه گویان تردید میکنند). با توجه به این که امّی بودن رسول اکرم چندین بار در قرآن شریف مورد تأکید قرار گرفته، چنین استنباط میشود که این امّی بودن تا زمان نزول قرآن بوده و بعد از آن، رسول اکرم قادر به خواندن و نوشتن بوده‌اند و این نیز دلالت بر آن دارد که خط عربی در همان زمان باید از لیاقت کافی برای نوشتن قرآن، آن هم به دست رسول اکرم برخوردار بوده باشد.
همچنین آیه 52 سوره مبارکه شوری این نظر را تقویت میکند. بخشی از آیه چنین است: «... مَا كُنتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ...» (...تو نمیدانستی که خواندن و نوشتن چیست و ایمان کدام است...». ادامه آیه دلالت بر آن دارد که این حالت صرفا تا زمان نزول قرآن برقرار بوده و سپس: «وَلَكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَنْ نَّشَاء مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ». کاملا مشخص است که با آمدن قرآن، هم نور ایمان در دل پیامبر متجلی شده و هم از قدرت کتابت برخوردار شده‌اند. این قدرت کتابت باید برای نوشتن آیات قرآن شایستگی لازم را داشته باشد.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 9 اسفند1387 ساعت: 18:39

آقای آیدین یاشار. نوشتن و خواندن و یا ننوشتن و نخواندن، مطلبی جدا از امکان و یا عدم امکان وجود صنعت و فن کتاب سازی است. کتاب در لغت عرب و از جمله در قرآن، به معنای عام هر نوشته ای بر هر شیٔ و به هر خطی است و نه به معنای خاص نوشته ی مجلد شده به شمایل کتاب های کنونی و انحصارا به خط عرب. چنان که کاتب به نویسنده می گویند به طور عام، نه انحصارا کتاب نویس. برای لمس هر نوشته ای بر هر ماتریالی هم لازم نیست ابتدا آن را به صورت کتاب درآورند!!! برای آشنایی با زمان بلوغ خط عرب هم، یادداشت های 130 و 131 از مجموعه ی ایران شناسی بدون دروغ را بخوانید. مشکلات تان را برطرف می کند.

آقای اهتزاز. از تعارفات شما ممنونم. این نوشته ها فقط ارائه ی شیوه ای نو برای بررسی های فرهنگی به طور عموم است و امیدوارم زمانی به صورت یک رسم خودکار درآید و هرکسی پیش از قبول و یا رد هر مطلبی ابتدا به امکان و یا عدم امکان وقوع و نیز جست و جو برای یافتن اسناد همزمان تایید و یا رد کننده ی آن بپردازد.

نویسنده: یه نفر

جمعه 9 اسفند1387 ساعت: 19:50

http://i.friendfeed.com/4b14f510680ff01d67c0743edb2b46fd28839bad

الله اکبر! این که به شهادت نرسیده بود؟!
اه! من چه قدر فضولم!
فضولو بردن زیرزمین دیگه بالا نیومد!

نویسنده: علی از مالزی

جمعه 9 اسفند1387 ساعت: 20:35

جناب استاد،

آیا از سرگذشت "ساسون" و پسرانش که گفته شده از ایران هم گذر کرده اند تا به هند برسند و آن کمپانی معروف را تاسیس کنند مطلبی موجود هست و شما آیا یادداشتی دارید تا ما به آن رجوع کنیم؟

با تشکر.

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 10 اسفند1387 ساعت: 0:35

آقای ؟ اوغور به خیر. ضمن تشکر تا این ساعت دعوت نامه نرسیده است. باز هم ممنونم.

آقای علی از مالزی. داستان آن تشکیلات سراپا توطئه برای مردم منطقه را در یادداشت های مربوط به دوران معاصر خواهم آورد. ان شا' الله.

آقای دهقانی. مگر سفر هم ممنوع شده؟ اگر مثلا بلیط هواپیما برای چند روز اول نوروز یافت شود و کارها در یک روز به انجام برسد، در خدمتم. ولی گمان نمی کنم که به حضورم نیازی باشد.

نویسنده: یکی

شنبه 10 اسفند1387 ساعت: 0:49

دروغ گفتن امر رایجی شده است! باید لغتی جدید دست و پا کرد که همسنگ فحش باشد.

یک پزشک مصری موفق شد با الهام از آیات سوره یوسف (ع) داروی درمان آب مروارید را بسازد

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) به نقل از روزنامه یمن‌تایمز، این دارو که «داروی قرآن» نام دارد، توسط دکتر عبدالباسط محمد و با استفاده از ترکیبات موجود در عرق بدن انسان ساخته شده است.

دکتر عبدالباسط محمد درباره نحوه الهام از آیات قرآن بری ساخت این دارو می‌گوید: یک روز صبح در حال خواندن سوره یوسف(ع) بودم که آیات 84 تا 93 این سوره نظر مرا جلب کرد. حضرت یوسف (ع) که اکنون عزیز مصر است، در آیه 93 خطاب به برادران خود می‌گوید: «حال این پیراهن مرا ببرید و بر روی صورت پدرم بیاندازید تا بینا شود.

حضرت یعقوب(ع) در فراق فرزند خود یوسف (ع) بسیار گریه می‌کند و بر اثر این گریه‌ها چشم‌هایش سفید شده و بینایی خود را از دست می‌دهد. اما با انداختن پیراهن یوسف (ع) بر روی چشمان پدر، بینایی حضرت یعقوب (ع) بازمی‌گردد.

او می‌افزاید: من با خود فکر کردم که چه چیز در پیراهن یوسف (ع) می‌توانست اثر شفابخش بر چشمان یعقوب(ع) گذارد و سرانجام به این نتیجه رسیدم که چیزی جز عرق بدن یوسف (ع) نمی‌تواند عامل بینایی چشمان پدر باشد. با مطالعه بر روی ترکیبات عرق انسان و آزمایش آن بر روی خرگوش‌ها به نتایج مثبتی دست یافتم. پس از آزمایش داروی خود بر روی 250 بیمار مبتلا به آب مروارید و احراز 99 درصدی اثربخشی این دارو، برایم مسجل شد که این معجزه‌ی از سوی قرآن بود.

یادآوری می‌شود، قرار است یک شرکت داروسازی سوئیسی «داروی قرآن» را که بدون عوارض جانبی است و 99 درصد موثر بوده و به تایید موسسات تحقیقاتی اروپا و آمریکا رسیده است، به تولید انبوه برساند.

نویسنده: یه نفر

شنبه 10 اسفند1387 ساعت: 3:35

آماده ازدواجم!!
این هم هدایای ویژه!
انواع النگو و دستبند!
اینا فقط واسه من ساخته شده!
شاید هم نه! خودم مگه دست و گردن و گوش ندارم؟!! خودم مصرف می کنم!
یا میدم زن یوزارسیف هاخام.

http://i38.tinypic.com/2afhk0i.jpg

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 10 اسفند1387 ساعت: 6:1

آقای یکی. سال هاست چکاندن ادواری آب پیاز، آب لیمو ترش و یا عسل رقیق شده و ایضا عرق بدن در چشم به عنوان محرکی برای ایجاد گردش سریع تر خون در رگ های بس نازکی که عضلات چشم را تغذیه می کنند، آن هم از دوران جوانی و در حالی که چشمان مصرف کننده کاملا سالم است به عنوان معجونی سنتی، که موجب عدم ابتلا به ضعف بینایی و آب مروارید در دوران پیری می شود، در بین ترک ها و اعراب و ایرانیان رایج بوده و هست و مواردی را می شناسم که این عمل موجب شده تا در کهولت نیز چشم هایی با دید کامل داشته باشند. این کار البته به عنوان پیش گیری موثر بوده و بی شک چشم های کور را بینا نمی کند. در عین حال هم مطلب اشاره شده در قرآن خلاف نیست و دلیلی هم ندارد که به زور برای آن علت پزشکی بتراشیم. زیرا بدون شک به زمان خود چنین پیچیدگی های قرآن گشوده خواهد شد.

نویسنده: طالب حقیقت

شنبه 10 اسفند1387 ساعت: 8:13

سلام به استاد عزیز و دوستان گرامی

استاد؛ از جواب شما به ایمیل اینجانب سپاسگزارم.
ببخشید. می دانم که سوالاتم بچگانه است؛ ولی این سوالات را بیشتر از آن جهت می پرسم که در صورت برخورد با سوالاتی که از طرف دیگران پیش می آید، بتوانم جوابگو باشم.
حقیقتا تا حالا انسانی به تیزبینی شما ندیده ام. ممنونم و توفیق روز افزون شما را از خداوند خواستارم.

در ضمن اگر ممکن است و وقت داشتید، سری به سایت زیر بزنید؛ من این سایت را چند ماه پیش دیدم. احساس می کنم که بیان وتفسیر آن از قرآن به بیانات شما نزدیک است. در مجموع؛ نظر شما چیست؟

http://www.quranology.com

نویسنده: مسعود

شنبه 10 اسفند1387 ساعت: 8:27

سلام اقای پورپیرار
آیا شما با آقای سعید در مورد فردید موافقید دوستان دیگر چرا نظر نمی دهند
ایشان را فردی شووینیست در قالب مذهبیون معرفی نموده اند

نویسنده: ج

شنبه 10 اسفند1387 ساعت: 9:0

سلام
استاد هنوز نمیشود وارد سایت ناریا ای ار شد
نمیداند ایراد از دستگاه من است یا مخابرات

وب سایت

نویسنده: توحید

شنبه 10 اسفند1387 ساعت: 5:55

سلام

خسته نباشيد . مطلب پرباري بود . استاد ، آيا مستند پر شکوه «طوفان نوح» تا عيد نوروز يهوديان !!! آماده مي شود ؟ ما که بسيار بيتاب ديدن آن هستيم .

يك نكته هم درباره «اسلام و شمشير» بد نديدم پيشنهاد كنم و آن اينكه در قسمتهايي كه اشاره اي به «پوريم» يا «تاريخ سازي يهوديان» يا «كتابهاي تاملي در بنيان تاريخ ايران» و ... مي شود كه همه با آن آشنايي ندارند و امكان دارد تنها مطالعه كتاب «اسلام و شمشير» را شروع كرده باشند و اطلاعي از تحقيقات شما درباره تاريخ ايران نداشته باشند ، با قرار دادن شماره اي بالاي آنها و ارجاع به پاورقي ، خوانندگان نا آشنا را به منابع آن رهنمون نماييد .

مثل هميشه براي شما سلامتي آرزو ميكنم .

نويسنده: توحيد

شنبه 10 اسفند1387 ساعت: 6:4

آقاي يكي ،

مطلب زير را دروبلاگم درارتباطه با موضوع شفاي چشمان حضرت يعقوب (ع) ، كه به نظر منطقي تر و سلامت تر مي نمايد براي مطالعه حضرتعالي و ساير علاقه مندان پيشنهاد مي كنم .

وب سایت

نویسنده: کنجکاو

شنبه 10 اسفند1387 ساعت: 10:31

با سلام به دوستان به مبارکی سایت ارزشمند و محترم www.naria.ir گشوده شد.

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 10 اسفند1387 ساعت: 15:35

آقای ؟. نرسیده، لطفا همراه دستور العمل بفرستید. ممنون

نویسنده: سینا

شنبه 10 اسفند1387 ساعت: 16:18

جناب مسعود سلام علیکم

خدمت شما عرض شود مسائل در باره آقای فردید به علت اینکه ایشان بسیار کم نوشته اند وکمتر در مجامع بوده اند بسیار ضد ونقیض است شاید یکی از ایرادات عمده ای که به این مرد وارد می شود ادعای بی مقدار عدم اخذ مدرک دکتراست علی رغم اینکه ایشان جهت تحصیل واخذ دکترا به فرانسه رفته بودند. ایشان شاید از نوع وقسم ما باشد که به مدارک تایید شده کنیسه وکلیساارزشی قائل نبودند وگواه ان شرکت ایشان در کلاسهای آزاد فلسفه بوده که به نظر می رسد بطور عمد از اخذ مدرک سر باز زده اند . در علم ایشان شکی نیست وفلسفه را خوب می دانسته وانسانهای خوب زیادی تربیت کردند فکر می کنم بهترین راه شناخت ایشان از مسیر دشمنان شناخته شده اش باشد. دار ودسته کمال گنجه ای و اصلاح طلبان ومنافقین وکمونیست ها ودین ستیز ها دشمنان ایشان می باشند.البته بازتابهایی از اینکه یک شوئنیست باشد در همان بر خوردهای عادی از ایشان ساطع بوده.نمی دانم در کجا خواندم که روزی دوستی از ایشان می پرسد آیا در فارسی معنایی برای "کاریزما" وجود دارد که ایشان بلا فاصله می گویند "فر ایزدی".شاید اگر سیاه سفید به مطلب بنگریم و بر اقوال تکیه کنیم همچین چهره خوشایندی نباشد ولی بنده فکر می کنم باتوجه شخصیت چند شاخصه ایشان باید با احتیاط بیشتر قضاوت کنیم.یا حد اقل قضاوت را به اهل اش وکسانی چون استاد که موئلفه هایی در خور تشخیص دقیق تری دارند بسپاریم.البته می بخشید اگر وارد بحث شدم اولا" اجابت دعوت حضرتعالی نمایم ودر ثانی دوست داشتم بیشتر از استاد بشنوم تا ناسفته گوییهاییهای این حقیر.

نویسنده: علی از مالزی

شنبه 10 اسفند1387 ساعت: 18:51

استاد پس لطفا در یادداشتهایتان یادی هم از "پییر رثچایلد " که امپراتوریش تا امروز هم کشیده شده بنمائید . یهود مدیون اینگونه بزرگان است !!

نویسنده: علی از مالزی

شنبه 10 اسفند1387 ساعت: 20:10

جناب استاد،

گوئی این "کامنت" بنده که در صدر قرار داشت پاک شده است! شما اطلاعی دارید؟ چون من تازه آماده شده بودم که چند کتاب تازه به چاپ رسیده و چندین لینک برای شما و دوستان در اینجا upload کنم که راستش قدری نگران شدم وقتی دیدم

نظر بنده "حذف" گشته است. البته نگرانی بنده از جانب "مشکل فنی در وب سایت" است و نه چیز دیگری.

متشکرم.

نویسنده: یکی

شنبه 10 اسفند1387 ساعت: 21:15

استاد پس لطفا در یادداشتهایتان یادی هم از "پییر رثچایلد " که امپراتوریش تا امروز هم کشیده شده بنمائید . یهود مدیون اینگونه بزرگان است !!

اینی که شما نوشتین یا همون خاندان روچیلد در واقع یک معنی خیلی ساده داره:
روت از زنان بزرگ هست که یک کتاب هم در تورات داره به نام کتاب روت و فکر کنم در اون کتاب که به فاحشگی این زن اشاره شده، گفته شده که مادر داوود یا یکی از انبیای قلابیشونه. چیلید هم در انگلیسی یعنی بچه!
روچیلد یعنی از تخم و ترکه روت. امیدوارم گرفته باشی چی به چیه! یعنی اینا هم از نژاد پاک آریایی هستن که از سیبری به ایران فرار کرده اند!
باور کن راست می گم!

نویسنده: بی طرف

شنبه 10 اسفند1387 ساعت: 23:34

تخت جمشید را از نزدیک ببینیم
با سلام.
از آنجا که دوستانی در این وبلاگ به من پیشنهاد داده بودند که یکی از روزهای نوروز 1388 را در تخت جمشید سپری کنیم، بر آن شدم که در صورت امکان، این برنامه را عملی کنم تا دوستانی که مشتاقند این بنای نیمه تمام را از نزدیک ببینند، همراهم باشند. اما قبل از اجرا شدن این برنامه باید به این براورد برسم که چند نفر از دوستان به این کار تمایل دارند. لذا از دوستانی که می خواهند در این برنامه شرکت کنند می خواهم که مشخصات زیر را از امروز(1387/12/11) تا تاریخ 1387/12/20 برای من به صورت نظر خصوصی بفرستند تا بتوانم در این مورد تصمیم بگیرم.
لطفا اطلاعاتی را که وارد می کنید به صورت دقیق و کامل باشد تا در انجام برنامه ها اختلالی به وجود نیاید.
1. نام و نام خانوادگی خود و همراهانی که به همراه دارید و تعداد کامل افراد
2. یک ایمیل برای اطلاع رسانی
3. یک شماره تلفن همراه و یک شماره تلفن ثابت
4. مشخص کردن اینکه در کدام جبهه حضور دارید (اگر موافق مطالب این وبلاگ هستید، بنویسید موافق و اگر مخالفید بنویسید مخالف)
5. چه روزی از ایام تعطیلات را برای این دیدار بهتر می دانید.
در آخر ذکر کنم که ممکن است این برنامه برگزار نشود، که در این صورت به شما اطلاع خواهم داد.
با اجازه ی استاد، این کامنت را چند بار تکرار خواهم کرد. اگر دوستان در وبلاگ های دیگر هم مایل بودند می توانند این فراخوان را در وبلاگ خود قرار دهند.
دقت کنید که کامنتهای مربوط به این فراخوان را در این وبلاگ قرار ندهید.

>>>>>>>وبلاگ دروغ بزرگ در خدمت جویندگان حقیقت<<<<<<<<<

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 11 اسفند1387 ساعت: 0:41

آقای علی از مالزی. اخیرا یکی دو مورد از این گونه غیب شدن کامنت ها پیش آمده که می تواند کاملا فنی باشد و یا نباشد! مثلا قریب 10 روز پیش در کامنتی از مستندی صحبت شده بود که اخیرا درباره ی طوفان نوح ساخته اند و جواب داده بودم که پس از اتمام مستند در حال ساخت ما بسیاری از ابهامات برطرف خواهد شد و حالا نه کامنت آن دوست را پیدا می کنم و نه پاسخ خودم را. فرصتی است از آن دوستی که نام شان را هم به یاد ندارم و نیز شما تقاضا کنم که آن کامنت را دوباره نصب کنید.

آقای دهقانی. کار بزرگ و موثری است، اما به نظرم نحوه ی اجرای آن را باید کمی تغییر دهید. مثلا گرفتن نام و تلفن و ای میل و غیره موجب بروز بدگمانی است. اگر در شیراز متقاضیانی دارید همان تعداد را برای بردن به تختگاه هیچ کس، و اگر ممکن باشد در دو روز از اواخر هفته ی اول تعطیلات نوروز، سازمان دهید و ساعت تقریبی ورود تان به محل را اعلام کنید تا

هرکس که مایل بود در آن ساعت و مکان چه در مبدأ شیراز و یا مقصد تختگاه به شما ملحق شود. جمع و جور کردن موضوع بسیار ساده خواهد شد و به سازمان دهی معینی نیز نیازی ندارد.

نویسنده: بنیاد ایرانشناسی

یکشنبه 11 اسفند1387 ساعت: 1:3

سلام. ایرانشناسی بادروغ و با نقاب و با ... بروز گشت. با نقاب بیایید و نروید.

وب سایت

نویسنده: بی طرف

یکشنبه 11 اسفند1387 ساعت: 1:51

با تشکر از راهنمایی شما. در فرم درخواست مقداری اصلاحات انجام دادم. این مشخصات هم به این منظور است که نمی دانم تعداد واقعی شند نفر می شود. ممکن است به دلیل تعداد بالای متقاضیان، مجبور شویم چند روز پیاپی آن را انجام دهیم. (البته ممکن است کسی هم نیاید؟!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!)

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 11 اسفند1387 ساعت: 3:26

آقای؟. تمام این ها درست، اما دعوت نامه کجاست؟

نویسنده: علی از مالزی

یکشنبه 11 اسفند1387 ساعت: 8:44

استدعا میکنم، پس الحمدلله مساله مهمی نبود. شکر.

لینک ذیل کتابی است با این مشخصات:

Consuming History: Historians and Heritage in Contemporary Popular Culture
By: Jerome de Groot
Publisher: Routledge, 2009

لینک: http://rapidshare.com/files/203867040/Consuming_History.rar
پاسورد: b2ali
حجم: 2.5 Mb

لازم به ذکر است که به اشتراک گذاری لینک توسط بنده به معنای تائید قطعی محتوای آن نیست. بلکه تلاشی است برای فراهم کردن دسترسی به منابع بروز به این امید که بینش وسیعتری حاصل گردد. از جناب استاد آقای ناصر پورپیرار هم پیشاپیش قدردانی می نمایم اگر نظراتشان در مورد این لینک ها را، در همین اثنا، منعکس نمایند.

از خداوند منان توفیق شما را خواستارم.

نویسنده: اسلام محمد

یکشنبه 11 اسفند1387 ساعت: 11:41

با سلام خدمت استاد فرزانه.
مدتی بود که به دلیل پاره ای مشکلات نوشته های شما را نخوانده و اعتراف به این می کنم که اطلاعی از آدرس سایت جدید نداشتم ! با توجه به آشنایی بنده با قداست و پاکی گفته هایتان در لحضه جستجو برای آدرس جدید و وارد کردن نام شما با انبوهی از خضعولات متخصمان بی ضمیر در نقد !!! افکار و کتابهایتان روبرو شده ام !!!!
سوال من به عنوان فردی که از بچگی در طوفانی از تعصبات کثیف و نسل کشی بی مایه شوونیسم ایرانی در مقابل آنان مقاومت کرده و نالیده ام این است که آیا در بیان افکار و نظریاتتان آیا تابحال دچار تردید شده اید ؟
از شما به خاطر این سوال عذر می خواهم. کنکاشی بود که پس از این دیدار نسبتا طولانی در ذهن دانشجویتان شکل

گرفت.
الله نگهدارتان.. ای میل :
myown_1000@maktoob.com

نویسنده: علی از مالزی

یکشنبه 11 اسفند1387 ساعت: 12:52

با سلام و خسته نباشید:

دیروز تاریخ سازیشان در کتب و انتشاراتشان بود، امروز رسانه های جدید و قدیم را هم اضافه کرده اند. کارهایشان فقط به ضرر خودشان است همان طور که در قران مجید آمده است.

اما خواستم یادآوری کنم که چند وقتی هم هست که شبکه RFI مصاحبه هائی را در زمینه های دیگری در برنامه "نقد باورها" براه انداخته است که با واکنشهای متفاوتی هم مواجه بوده. این هم لینک آن:

http://www.rfi.fr/actufa/listes/001/liste_type_article_70.asp

خوشحال می شویم،از نظراتتان در مورد این سری برنامه ها مطلع شویم.

پیگیری را هم استاد در اینجا شروع کرده ام، انشالله در تماس هستم با شما.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 11 اسفند1387 ساعت: 13:0

آقای ؟. ای میل ارسالی شما نرسیده چون آدرس آن غلط است.
piran44@yahoo.com آدرس صحیح این است:
pirna44@yahoo.com

نویسنده: مسعود

یکشنبه 11 اسفند1387 ساعت: 14:33

استاد خداقوت و خسته نباشید.

پس بسلامتی و میمنت برایمان روشن شد که منظور از "پایان قرون وسطی " و "رنسانس" کذایی چیزی نبوده جز پایان یکتاپرستی رومی و بازگشت حیله بازانه هلنیستهای نیرومند و یهودیان متحد شده با آنان !

استاد این لینک را ملاحظه بفرمایید که همان طاق تیتوس کذایی خودمان است که احتمالا" بازگشت حقه بازان یهودی با رومنهای نیرومند هلنیست به روم را ثبت کرده است:

http://image61.webshots.com/161/0/38/35/450203835biKtjz_fs.jpg

اینهم کلیپ ویدیویی برای تبریک به "اردوغان" ! که بتازگی توسط موساد بخاطر توهین به اسرائیل در رسانه ها پخش شده است و در آن ویرا دروغگو و قاتل کردها و از همه جالبتر "مسلمان داووس" !!!! خطاب میکنند:

http://www.youtube.com/watch?v=0pNQhuXQrLk

در پناه خدای واحد سلامت باشید.

نویسنده: reza71

یکشنبه 11 اسفند1387 ساعت: 14:53

جناب استاد و جناب عابدی
نسخه انگلیسی مستند از سایت www.naria.ir قابل دانلود است.
فکر نمی کنم نیازی به آپلود مجدد فایلها باشد.
با این حال در خدمت هستم.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 11 اسفند1387 ساعت: 19:32

آقای مسعود. در آن تصویر سنگی که حمل یک منورای بزرگ را بر دوش مومنین یهود به داخل کنیسه ای نشان می دهد، همان دو بوق منطبق بر هم، که در لوگوی کلیساها دیدیم، بر دیوار کنیسه هم نصب است.

نویسنده: سیخونک

یکشنبه 11 اسفند1387 ساعت: 20:28

آقای طالب حقیقت و آقای محمدی میخوایم تو یه مجله دانشجویی و تو ویژه نامه عید مطلبی در خصوص نوشته های استاد بگذاریم به نظرم رسید متن ایمیلهای شما و پاسخهای آقای بوشارلا را برای علاقه مندان منتشر کنیم این ماجرا چون میخوایم عکسهای پاسارگاد رو هم کارکنیم خیلی جالبه لطفا اگه میشه تصاویری از ایمیل خودتون به بوشارلا همراه با تصاویر ایمیل اون به شما رو تو بلاگ بگذارید تا به صورت عکس تو مقاله منتشر کنیم.ممنون

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 11 اسفند1387 ساعت: 23:49

آقای عابدی خسته نباشید. ظاهرا آقای ایمان سئوالاتی درباره ی علت بسته شدن موقت سایت دارند که به ای میل شما فرستاده شده است.

آقای؟؟. بنا بر توصیف و قول دوستانی که سریال یوسف را دیده اند، آن تصاویر از هیچ بابتی ربطی به متن قرآن ندارد، ضمن آن که یوسفی که در سوره ی مخصوص به او توصیف می شود پیامبر خدا نیست و فقط فرزند یعقوب معرفی می شود که در مواردی مورد عنایت خداوند بوده و علومی را آموخته است، در قرآن صرف فرزند پیامبر بودن امتیاز گفته نشده چنان که در این مورد یعقوب 11 فرزند غیر یوسف را هم صاحب است که هیچ یک در حد مردم معمول هم تقوی ندارند! پس فرزند و ذریه ی پیامبران لزوما پیامبر نیستند مگر این که از سوی خداوند به نامی شناسا مامور و معرفی شده باشند.

آقای بجانی. از توجه شما ممنونم. از راه هایی مشغول حل مشکلیم. اگر موفق نشدیم زحمت را به شما خواهیم داد.

نویسنده: مهران حقیقت

دوشنبه 12 اسفند1387 ساعت: 11:21

با سلام

دوست عزیزی که میخوان ایمیل به بوشارلو و پاسخ ایشون رو در مجله دانشجویی چاپ کنین.
لطفا به بنده ایمیل بزنیند تا ایمیلها را برایتان بفرستم.

ثانیا ضمن احترام به سلیقه شما بهتر است با اسامی بهتری کامنت خودتون رو نصب کنین.

موفق باشید.

مهران حقیقت

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 12 اسفند1387 ساعت: 12:12

آقای حقیقت و آقای محمدی. آخرین ای میل بوشارلو سند بی نظیری است که پرده ی اسرار را از ایران شناسی ملوث کنونی کنار می زند. از او می پرسیم که موضع خود را در برابر یافته های نو درباره ی تخت جمشید به عنوان یک مبلغ داده های کهنه بیان کند. جواب می شنویم: "خوب، که چی"؟ و در برابر اعتراض مجدد نواندیشان یادآور می شود که من باستان شناس و رییس چند دپارتمان دانشگاهی در این گونه امور و گرداننده ی تعدادی نشریه در حوزه ی تاریخم، اگر حرف مرا قبول ندارید، پس مزاحم نشوید!!! حالا معلوم می شود که به چه کسان و برای چه منظوری عناوین دکتر و پروفسور و ایران شناس و باستان شناس و هنر شناس و مرمت کار و محقق بخشیده اند! این حقیقتی است تغییر ناپذیر که اگر تمام ظرفیت و امکانات ایران شناسی موجود در شرق و غرب را تجهیز کنند، هرگز نخواهند توانست برای یک پاراگراف از نو داده ها و مدخل های مجموعه ی تاملی در بنیان تاریخ ایران پاسخی بیاورند و چاره ای بیاندیشند.

نویسنده: یه نفر

دوشنبه 12 اسفند1387 ساعت: 16:48

-الو سلام.

-سلام جانم بفرمایید.

-مرکز همسر یابیه؟

-بله عزیزم.

-من یه زن میخواستم.

-چشم فدات شم. دادم الان با پیک بیاد در خونه! مرتیکه مگه زنگ زدی پیتزا فروشی؟

- خوب چی باید بگم؟

- بابا یه کم مقدمه چینی کن بعد برو سر حرف اصلی.

- آهان .عرضم به حضور شما که از آنجایی که در دین مبین اسلام تاکید خاصی بر اهمیت ازدواج و نکاح گردیده و بنده هم جوانی مایل به تشکیل خانواده میباشم لذا برآن شدم که با مساعدت شما قدم به وادی تاهل بگذارم. خوبه؟

- حالا شد یه چیزی. حالا پسرم شما چند سالته؟

- 37 سال !

- زکی.همچین گفت جوون فکر کردیم 20 سالشه.عمرت از گوشای خر هم درازتر شده تازه یاد زن گرفتن افتادی؟

- خب دیگه.امکانات ما الان جور شده.

- میترسم اون یکی امکاناتت دیگه بدرد نخوره!

- فعلا که بد نیست. حالا من باید چیکار کنم؟

- هیچی عزیزم. ما برات یه همسر خوب جور میکنیم.

- حالا اونجا چه جور همسرایی دارین؟

- بگو چجور نداریم؟ عرض کنم که یه مورد داریم تووپ! یه دختر ناز 20 ساله هلو! دور کمر 40.دور سینه 85 !!!! ببینیش آب از دهنت راه میفته! واسه شما میکنه به عبارتی 4000 سکه مهریه و یه پنت هاوس طرفای الهیه. ماشینم کمتر از مرسدس و ب.ام.و قبول نیست.

نویسنده: یه نفر

دوشنبه 12 اسفند1387 ساعت: 16:48

- آقا مگه داری با پسر بیل گیتس حرف میزنی؟ این دری وریا چیه؟

- خب داداش چرا جوش میاری؟ یه مورد دارم خوراک ! یه خانوم 25 ساله. لیسانس نانوشیمی صنعتی و اولترا سونیک مدار بسته! قد و هیکل و قیافه هم که ماشا ا...ایشون چون فرهنگی و تحصیل کرده هستن 3800 تا سکه و یه خونه تو جردن خرجشونه! ماشین هم در حد آزرا و کمری قبوله!

- داداش مگه سر گردنه است؟

- خب عزیزم گرفتن این مدرکا و ساختن اون هیکلا خرج داره دیگه. تازه بقول کنفسیوس اون بدنو نساخته که مفت بده دست هر عمله ای!

- آره خوب. حالا بیا پایینتر ببینیم چی میشه.

- باشه.یکم صبر کن.... آهان این دیگه اکازیونه. یه خانوم 33 ساله.کارمند بانکه و از هر انگشتش فکر کنم چند تایی هنر بریزه! اونو میتونم با 2800 تا سکه و یه آپارتمان حوالی ستارخان واست قولنامه کنم. یه پرایدی. پژویی هم باشه چه بهتر.

- راستش من ماشین یه کم برام سخته....

- خب بابا فهمیدم. یه خانومی هست 38 سالشه. قیافش بدک نیست. فقط یه 40 کیلویی اضافه وزن داره. عوضش اعتقاد راسخ داره که مادیات در زندگی مهم نیست و عشق مهمه ! 1400 تا سکه و یه خونه حوالی میدون خراسون هم واسش کافیه! با تاکسی هم حال میکنه حسابی!

- راستش اگه یکم دیگه بیای پایین ممنون میشم....

- لا ا.... صبر من این زیرو ببینم. آهان. این دیگه راسته کار خودته. یه خانوم نجیب و اصیل و بساز .45 سالشه .البته نباید اونقدر ظاهر بین باشی که از قیافش بترسی! چیزای مهمتری هم تو زندگی هست. یه آلونکی حوالی پاکدشت و یه لقمه نون براش ایده آله. تازه چون میخواد وزن کم کنه اهل ماشین نیست. از اینجا تا چابهار هم پیاده ببریش صداش در نمیاد! اگه اینم رد کنی یا باید بری یه کارتن شامپو داروگر بگیری واسه بقیه عمرت یا بیای ننه بزرگ منو عقد کنی!

- خیله خب. گویا چاره ای نیست. ببینم من کی بیام برای صحبت با ایشون؟

- صحبت واسه چی؟

- واسه تفاهم و این حرفا دیگه.

- بخواب بابا ...مرد حسابی گویا تو باغ نیستیا. این حرفا واسه تو فیلماست.

- راست میگیا. خب پس من فردا با شناسنامه میام واسه عقد!

- مبارکه انشا....

نویسنده: یه نفر

دوشنبه 12 اسفند1387 ساعت: 16:58

آخ آخ ادبیات ناب پارسی اینجاست!
http://www.ogling.blogsky.com/#
10 سال دیگه فردوسی رو می کنه تو حافظ، سعدی رو جا می ذاره و مولانا می شه پت پت!

قبلا 10 تا استامینوفن کدئین بالا بندازید تا سلامت برگردید!

نویسنده: دومان

دوشنبه 12 اسفند1387 ساعت: 19:11



نویسنده: حافظ قرن 21

دوشنبه 12 اسفند1387 ساعت: 21:27

سلام دوستان
جد بزرگم حافظ شیرازی رو که همه میشناسید!!میگن تو چادر میشسته و میکشیده و کلی شعر پر مغز میگفته!!دیشب خابشو دیدم که به شعر در آوردمش!!
نیمه شب پریشب گشتم دچار کابوس
دیدم به خواب حافظ توی صف اتوبوس
گفتم : سلام حافظ ، گفتا : علیک جانم
گفتم : کجا روی ؟ گفت : والله خود ندانم
گفتم : بگیر فالی گفتا : نمانده حالی
گفتم : چگونه ای ؟ گفت : در بند بی خیالی

گفتم : که تازه تازه شعر و غزل چه داری ؟
گفتا : که می سرایم شعر سپید باری
گفتم : ز دولت عشق ، گفتا : کودتا شد
گفتم : رقیب ، گفتا : کله پا شد
گفتم : کجاست لیلی ؟ مشغول دلربایی؟
گفتا : شده ستاره در فیلم سینمایی
گفتم : بگو ، زخالش ، آن خال آتش افروز ؟
گفتا : عمل نموده ، دیروز یا پریروز
گفتم : بگو ، ز مویش گفتا که مش نموده
گفتم : بگو ، ز یارش گفتا ولش نموده
گفتم : چرا ؟ چگونه ؟ عاقل شده است مجنون ؟
گفتا : شدید گشته معتاد گرد و افیون
گفتم : کجاست جمشید ؟ جام جهان نمایش ؟
گفتا : خریده قسطی تلویزیون به جایش
گفتم : بگو ، ز ساقی حالا شده چه کاره ؟
گفتا : شدست منشی در دفتر اداره
گفتم : بگو ، ز زاهد آن رهنمای منزل
گفتا : که دست خود را بردار از سر دل
گفتم : ز ساربان گو با کاروان غم ها
گفتا : آژانس دارد با تور دور دنیا
گفتم : بگو ، ز محمل یا از کجاوه یادی
گفتا : پژو ، دوو ، بنز یا گلف نوک مدادی
گفتم : که قاصدک کو آن باد صبح شرقی
گفتا : که جای خود را داده به فاکس برقی
گفتم : بیا ز هدهد جوییم راه چاره
گفتا : به جای هدهد دیش است و ماهواره
گفتم : سلام ما را باد صبا کجا برد ؟
گفتا : به پست داده ، آورد یا نیاورد ؟
گفتم : بگو ، ز مشک آهوی دشت زنگی
گفتا : که ادکلن شد در شیشه های رنگی
گفتم : سراغ داری میخانه ای حسابی ؟
گفتا : آنچه بود ار دم گشته چلوکبابی
گفتم : بیا دوتایی لب تر کنیم پنهان
گفتا : نمی هراسی از چوب پاسبانان ؟
گفتم : بلند بوده موی تو آن زمان ها
گفتا : به حبس بودم از ته زدند آن ها
گفتم : شما و زندان ؟ حافظ ما رو گرفتی ؟
گفتا : ندیده بودم هالو به این خرفتی !

۱ ۲ >>

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ 202، نتیجه، 10، درباره ی جنگ های صلیبی، 1 57 - نظر

نویسنده: جوک

دوشنبه 12 اسفند1387 ساعت: 21:31

این حکایت،حکایت بنیان شناسات با باستان پرستا!!
به بنده خدا میگن: بابات به «رحمت ایزدی» پیوست! بنده خدا میگه: «رحمت ایزدی» دیگه کیه؟ میگن: نه، منظورمون اینه که «به دیار باقی شتافت»! میگه: «دیار باقی» کجاست؟ میگن: یعنی «دار فانی» رو وداع گفت! میگه: «دار فانی» دیگه چه‌جور داریه؟ میگن: یعنی «رخت از این دنیا بر بست»! میگه: منظورتون رو نمی‌فهمم! میگن: الاغ! بابای خرت مردا! میگه: خر من که بابا نداشت!

نویسنده: عابدی

دوشنبه 12 اسفند1387 ساعت: 22:3

با سلام

استاد فرزانه . من نیز علت بسته شدن سایت را درست و حسابی نفهمیدم.

نویسنده: عابدی

دوشنبه 12 اسفند1387 ساعت: 22:20

آقای رضا مستند به زبان انگلیسی در سایت نصب نشده است. فقط با فرمت Mp4 نصب شده است.

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 12 اسفند1387 ساعت: 22:24

آقای عابدی. اهل بیت در لغت عرب ساکنان یک خانه و کسانی را می گویند که اصطلاحا در زیر یک سقف زندگی می کنند،
نه وابستگان به شخص یا جریانی در طول تاریخ! برای رسیدن به مفهوم اخیر باید از لغت "آل" استفاده کرد.

آقای؟. تا این ساعت نرسیده!

نویسنده: همون آدم

سه شنبه 13 اسفند1387 ساعت: 2:19

سلام
یه میس کال انداختم که خواب بودین. یه کاری در باب مجتبی بود که البته خبر داشتین.
او همه عکس چطور بود؟!
بد نبود اگر نمایشش می دادید.

یکی یه سگ فلج داشته هر موقع که دزد میومده سگ رو میذاشته تو فورقون دنبال دزده میکرده

یارو میره جلوی ازمایشگاه میگه:
چرا جواب خون شهدا رو نمیدین

یکی داشته پشت بوم خونش رو آسفالت میکرده، آسفالت زیاد میاره، سرعت گیر میذاره!

یکی میره بهشت، زیر پای مادرها له میشه

یارو میره مکه برعکس همه طواف میکنه... بهش میگن
چرا برعکس طواف میکنی؟ میگه شما از اون ور دنبالش کنین
من از این ور میگیرمش

سازمان هوا فضای کشور اعلام کرد:
از این به بعد اگه ماهواره پرتاب کردیم یا عملیات مشابه انجام بدیم
غلط میکنیم به مردم بی جنبه ایران حرفی بزنیم

یکی به زنش میگه: وقتی دعوامون میشه چیکار میکنی که اینقدر آرومی؟
زن: میرم کاسهء توالت رو میشورم.
مرد: چه ربطی داره؟!!!
زن: آخه با مسواک تو میشورمش

یارو میره مسجد وقتی میاد بیرون میبینه کفشاش نیست . با خودش میگه من کی رفتم خودم نفهمیدم؟؟

ولی این آخر ی آخرشه

تهرانیه داشت واسه ابادانیه خالی می بست می گه من یه سگ دارم وقتی میاد خونه در می زنه ....
ابادانیه می گه : ولك مگه سگت کلید نداره

نویسنده: ساسان

سه شنبه 13 اسفند1387 ساعت: 2:41

خدایا کفر نمی‌گویم،
پریشانم،
چه می‌خواهی تو از جانم؟!
مرا بی آنکه خود خواهم اسیر زندگی کردی.

خداوندا!
اگر روزی ز عرش خود به زیر آیی
لباس فقر پوشی
غرورت را برای تکه نانی
به زیر پای نامردان بیاندازی

و شب آهسته و خسته
تهی دست و زبان بسته
به سوی خانه باز آیی
زمین و آسمان را کفر می‌گویی
نمی‌گویی؟!

خداوندا!
اگر در روز گرما خیز تابستان
تنت بر سایه‌ی دیوار بگشایی
لبت بر کاسه‌ی مسی قیر اندود بگذاری
و قدری آن طرفتر
عمارت‌های مرمرین بینی
و اعصابت برای سکه‌ای این‌سو و آن‌سو در روان باشد
زمین و آسمان را کفر می‌گویی
نمی‌گویی؟!

خداوندا!
اگر روزی بشر گردی
ز حال بندگانت با خبر گردی
پشیمان می‌شوی از قصه خلقت، از این بودن، از این بدعت.

خداوندا تو مسئولی.
خداوندا تو می‌دانی که انسان بودن و ماندن
در این دنیا چه دشوار است،
چه رنجی می‌کشد آنکس که انسان است و از احساس سرشار است...

شعری از دکتر علی شریعتی، یا در واقع عتیق نیشابوری دوم

نویسنده: بابک

سه شنبه 13 اسفند1387 ساعت: 19:6

با سلام

۲ ۱

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنویسي

ایران شناسی 203

ایران شناسی 204

ایران شناسی 205

ایران شناسی 206

ایران شناسی 207

ایران شناسی 208

ایران شناسی 209

ایران شناسی 210

ایران شناسی 211

ایران شناسی 212

ایران شناسی 213

ایران شناسی 214

ایران شناسی 215